

مناسک حج

مطابق با فتاوی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رحمته الله

و مراجع معظم تقلید دامت برکاتهم

پژوهشکده حج و زیارت

۱۳۹۷

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۱۱ دیباچه
۱۷ مقدمه
۱۹ شرایط وجوب حجة الاسلام
۴۵ مسائل متفرقه استطاعت
۵۲ استفتائات استطاعت
۷۸ نیابت در حج
۸۷ استفتائات نیابت
۱۱۱ حج استحبابی
۱۱۳ اقسام عمره
۱۱۵ اقسام حج
۱۱۶ صورت حج افراد و عمره مفرده
۱۱۹ صورت حج تمتع اجمالاً
۱۲۱ استفتائات اقسام عمره و حج

بخش اول: اعمال عمره تمتع

۱۳۱ فصل اول: احرام
۱۳۱ محل احرام عمره تمتع

۱۴۲.....	مسائل متفرقه میقات
۱۴۹.....	استفتائات میقات
۱۵۸.....	واجبات احرام
۱۷۴.....	استفتائات احرام
۱۷۹.....	مستحبات احرام.....
۱۸۲.....	مکروهات احرام
۱۸۳.....	مُحرّمات احرام.....
۲۴۱.....	مسائل متفرقه محرّمات احرام
۲۴۳.....	استفتائات محرّمات احرام
۲۵۵.....	مستحبات دخول حرم
۲۵۶.....	مستحبات دخول مکه معظمه
۲۵۶.....	آداب دخول مسجدالحرام
۲۶۱.....	فصل دوم: طواف واجب و بعضی از احکام آن.....
۲۶۴.....	واجبات طواف
۳۰۴.....	مسائل متفرقه طواف
۳۰۸.....	استفتائات طواف
۳۶۶.....	آداب و مستحبات طواف
۳۶۹.....	فصل سوم: نماز طواف
۳۷۶.....	استفتائات نماز طواف
۳۸۸.....	مستحبات نماز طواف
۳۸۹.....	فصل چهارم: سعی و بعضی از احکام آن
۳۹۸.....	مسائل متفرقه سعی
۳۹۹.....	استفتائات سعی
۴۰۹.....	مستحبات سعی
۴۱۵.....	فصل پنجم: تقصیر و بعض احکام آن
۴۱۸.....	استفتائات تقصیر
۴۲۳.....	فصل ششم: احکام بین عمره و حج تمتع
۴۲۵.....	استفتائات احکام بین عمره و حج تمتع

۴۳۱ فصل هفتم: تبدل حج تمتع به افراد
۴۳۴ استفتائات تبدل حج تمتع به افراد

بخش دوم: اعمال حج تمتع

۴۴۱ فصل اول: احرام حج
۴۴۵ استفتائات احرام حج
۴۴۷ مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات
۴۴۹ فصل دوم: وقوف به عرفات
۴۵۴ استفتائات وقوف به عرفات
۴۵۷ مستحبات وقوف به عرفات
۴۶۳ فصل سوم: وقوف به مشعرالحرام
۴۷۳ استفتائات وقوف به مشعرالحرام
۴۷۵ مستحبات وقوف به مشعرالحرام
۴۷۷ فصل چهارم: واجبات منا
۴۷۷ رمی جمره عقبه
۴۸۵ مستحبات رمی جمرات
۴۸۶ قربانی
۴۹۹ بدل قربانی
۵۰۵ مسائل متفرقه قربانی
۵۰۷ استفتائات قربانی
۵۱۸ مستحبات قربانی
۵۱۹ تقصیر یا حلق
۵۲۷ مسائل متفرقه حلق و تقصیر
۵۲۹ استفتائات حلق و تقصیر
۵۳۸ مستحبات حلق
۵۳۹ فصل پنجم: اعمال مکه
۵۴۷ استفتائات اعمال مکه

۵۵۶.....	مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
۵۵۷.....	فصل ششم: بیتوته در منا
۵۶۴.....	مسائل متفرقه بیتوته در منا
۵۶۵.....	استفتائات بیتوته در منا
۵۷۱.....	فصل هفتم: رمی جمرات سه‌گانه
۵۸۱.....	مسائل متفرقه رمی
۵۸۳.....	استفتائات رمی جمرات ثلاث
۵۹۱.....	فصل هشتم: مستحبات
۵۹۱.....	مستحبات منا
۵۹۲.....	مستحبات دیگر مکه معظمه
۵۹۳.....	استحباب عمره مفرده
۵۹۴.....	استحباب طواف وداع
۵۹۵.....	فصل نهم: مسائل متفرقه
۶۰۵.....	استفتائات مسائل متفرقه
۶۲۱.....	فصل دهم: مصدود و محصور
۶۳۶.....	استفتائات مصدود و محصور

استفتائات جدید

۶۴۱.....	تقلید
۶۴۱.....	بقاء بر تقلید میت
۶۴۴.....	رجوع به فالاعلم
۶۴۵.....	استطاعت
۶۴۷.....	نیابت
۶۴۷.....	وظیفه نایب نسبت به مستحبات حج
۶۴۹.....	محل احرام برای نایب
۶۵۰.....	عمره مفرده به نیابت از خود و دیگران

۶۵۱	احرام.....
۶۵۱	احرام از جده.....
۶۵۲	احرام از حدیبیه.....
۶۵۳	لباس احرام بانوان.....
۶۵۵	وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه.....
۶۵۵	محرمات احرام.....
۶۵۵	خوردن سبزی‌های خوشبو.....
۶۵۶	استفاده از بوی خوش برای کسی که حس بویایی ندارد.....
۶۵۷	پوشیدن دمپایی دوخته.....
۶۵۷	بند دوخته ساعت مچی.....
۶۵۸	طواف.....
۶۵۸	شکایات طواف.....
۶۵۹	بطلان طواف.....
۶۶۰	نجاست معفو در طواف.....
۶۶۱	غسل مستحب طواف.....
۶۶۲	هل خوردن در طواف.....
۶۶۳	طواف معذورین.....
۶۶۵	سعی.....
۶۶۵	سعی در مسعای جدید.....
۶۶۶	خروج از مکه.....
۶۶۶	خروج از مکه پس از عمره تمتع.....
۶۶۸	خروج از مکه پیش از اتمام اعمال حج.....
۶۶۹	تجاوز از میقات.....
۶۷۱	رمی.....
۶۷۱	رمی در طبقات فوقانی.....
۶۷۲	رمی جمرات توسعه یافته.....

۶۷۳	قربانی
۶۷۳	ذبح با استیل
۶۷۴	حلق
۶۷۴	حلق با ماشین اصلاح
۶۷۵	لزوم رعایت ترتیب اعمال منا
۶۷۶	بیتوته
۶۷۶	بیتوته در منا
۶۷۷	نماز
۶۷۷	نماز جماعت با اهل سنت
۶۸۰	نماز در اماکن تخییر
۶۸۱	نماز در مشاعر
۶۸۳	نماز در هواپیما
۶۸۴	متفرقه
۶۸۴	فیش حج متوفی
۶۸۸	خمس سپرده حج یا عمره
۶۹۰	مصدود
۶۹۳	حج كودك
۶۹۶	دیوانه و حج مستقر
۶۹۷	روزه مستحب در مدینه
۶۹۸	اعتکاف در مسجدالحرام
۶۹۹	آوردن قرآن از مسجدالحرام
۷۰۱	نذورات
۷۰۳	فهرست تفصیلی مناسک حج

دباجه

أحمد الله رب العالمين، الذي جعل الحج تشييداً للدين، و الصلاة و السلام على نبي الحجة بسيرة إبراهيم، أشرف الأنبياء و المرسلين، أبي القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين سيما خير من يحج و يلي في عصرنا بقية الله الأعظم أرواحنا له الفداء.

حج از ارکان رکن اسلام و دارای ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، عبادی، سیاسی، اخلاقی و عرفانی است. عبادتی حیرت‌انگیز، دشوار و طولانی، آکنده از راز و رمز و اشارات اسرارآمیز که توأم با انجام مناسک خاص می‌باشد.

مناسک حج، مناسک بندگی و زندگی است، حج از یک سو چگونه با خدا زیستن را به انسان می‌آموزد و از دیگر سو چگونه زیستن با بندگان خدا را. حاجیان در سفر الهی و معنوی حج می‌کوشند خود را به خدا نزدیک کنند، حجاب‌ها و موانع قرب به حق را از سر راه بردارند، رنگ خدایی به خود بگیرند و جز رضای او چیزی طلب نکنند.

آنان در این تمرین زیبای عبودیت، ضمن اینکه لذت‌ها را بر خویش حرام کرده، تمرین می‌کنند که با هم‌نوعان خویش زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و با اهتمام به حفظ محیط زیست؛ متعرض امنیت حیوانات و گیاهان نیز نشوند.

نتیجه این اعمال روح‌بخش، به‌ویژه همراه ساختن آن با زیارت قبور رسول اکرم ﷺ

و اولیای الهی در مدینه منوره، کسب نورانیت و رهایی از تیرگی گناه و حفظ صفا و نورانیت حاصل از آن است، چنانچه از امام صادق علیه السلام نقل است: «الحَاجُّ لَا يَزَالُ عَلَيْهِ نُورٌ الْحَجِّ مَا لَمْ يَلِمْ بِدَنْبٍ»^۱.

گام نخست برای دستیابی به این هدف بزرگ، فراگیری و انجام صحیح مناسک است. حج گزار وظیفه دارد که با این مناسک آشنا شود و عمل خویش را بر آن منطبق سازد؛ و در گام دوم به اسرار و معارف هر یک از آنها پی ببرد.

مناسک حج از چنان گستردگی و اهمیتی برخوردار است که زراره گوید: «روزی خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم مولای من، چهل سال است از حضور شما و پدر بزرگوارتان مسائل حج را می آموزم، آیا هنوز تمام نشده است؟ حضرت فرمود: «خانه ای که دو هزار سال قبل از حضرت آدم علیه السلام، فرشتگان پیرامون آن طواف می کرده اند انتظار داری مسائل آن در چهل سال تمام شود؟»^۲

از آنجا که روحانیون محترم کاروانها که وظیفه خطیر ارشاد زائران به مسائل شرعی را بر عهده دارند نیازمند مناسکی جامع هستند تا بر اساس آن بتوانند با سهولت از جدیدترین فتاوی مراجع عظام تقلید مطلع شوند، و به زائرین منتقل کنند؛ و از سوی دیگر لازم است در هر سال کتاب مناسک محشی حج مورد بازنگری قرار گیرد تا نواقص چاپهای پیشین برطرف و تغییرات فتاوی مراجع و مسائل مستحدثه در آن طرح گردد. تهیه و تنظیم این مناسک با حواشی دوازده تن از مراجع بزرگوار تقلید (آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، خامنه ای، زنجانی، سبحانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری)، توسط بعثه مقام معظم رهبری، گامی بزرگ در جهت آگاهی و آموزش مناسک حج همراه با جدیدترین فتاوی مراجع و مسائل مستحدثه محسوب می شود. قابل ذکر است حواشی مراجع معظم بر اساس حروف الفبا تنظیم شده است.

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۵.

۲. الحج فی السنة، ص ۵۱.

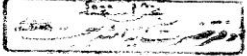
در پایان از زحمات حجت الاسلام والمسلمین استاد منصور مظاهری که تهیه، تنظیم و تصحیح نهایی کتاب را بر عهده داشتند، و همکاران محترمی که در تایپ، مقابله و تصحیح آن نقش آفرین بودند، کمال تشکر را داریم.

ومن الله التوفیق


گروه فقه و حقوق

پژوهشکده حج و زیارت


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 آنچه بنام خداوند تعالی در این کتاب
 مندرج است بر کس که در آن تصریح کرده باشد
 منفعه و برکت است




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 عمل به این رساله با رعایت حواشی مجزی
 همیشه موفق باشد
 مبرئ ذمه است از آن که در این رساله
 ۱۴ تیران ۱۳۹۵
 ۱۴۱۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 عمل به این رساله با رعایت حواشی مجزی
 همیشه موفق باشد
 مبرئ ذمه است از آن که در این رساله
 ۱۴ تیران ۱۳۹۵
 ۱۴۱۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 عمل به این رساله با رعایت حواشی مجزی
 همیشه موفق باشد
 مبرئ ذمه است از آن که در این رساله
 ۱۴ تیران ۱۳۹۵
 ۱۴۱۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 عمل به این رساله (مناسک حج) با رعایت حواشی
 اینجانب مجزی و مبرئ ذمه است از آن که در این رساله

جعفر حسینی



بسمه تعالی

خواستی مندرج در این رساله شریفه
بهشماره ۱۰۰ مطابقت یافته است.
و عمر آن بزرگوار ۱۰۰ ساله



بسم الرحمن الرحیم

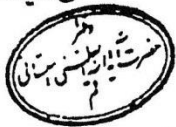
بگواهی فضل این محترم جلسه استفسارخواستی
مندرج در این رساله که بنام حقیق است
با فتاوی اینجانب مطابقت است، امید است
عمل کنندگان بان مأجور و مثاب باشند

لطفاً صحت



بسمه تعالی

خواستی مندرجه در این مناسک حج
بشهادت بعضی از موثقین مطابق با
فتاوی حضرت آیه الله العظمی سیستانی
دام ظلّه میباشد.



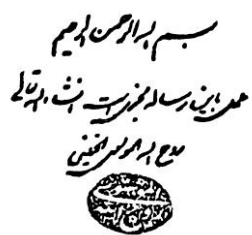
بسمه تعالی

فتاوی که در حاشیه کتاب شریف «مناسک محمی» بر نام
حضرت آیه الله العظمی شبیری زنجانی مدظله درج شده است،
طبق شهادت برخی از موثقین مطابق آراء معظم له می باشد.

بخش استقراءات

دقر حضرت آیه الله العظمی شبیری زنجانی مدظله





مقدمه

بدان که بر هر مکلف که جامع شرایط باشد، وجوب حج به دلیل قرآن و احادیث وارده از نبی اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام ثابت است. حج یکی از ارکان دین است و از ضروریات آن به شمار می‌رود. ترک حج، با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است.^۱ خداوند متعال در قرآن مجید فرمود: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّيَ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾.

شیخ کلینی رحمه الله به طریق معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که: هر کس از دنیا برود و حجة الاسلام به جا نیاورد، بدون اینکه او را حاجتی ضروری باشد یا آنکه به

۱. آیه الله بهجت: در صورت منافات با بقای تصدیق به وحدانیت خالق یا بقای تصدیق به نبوت و عدم استناد به شبهه خاصه به شخص.

آیات عظام تبریزی، خویی و سیستانی: در صورتی که مستند به شبهه نباشد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر انکار هر یک از ضروریات دین به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم ﷺ یا وارد کردن نقصی به شریعت منجر شود، باعث کفر و ارتداد است.

آیه الله زنجانی: و انکار آن از کسی که در محیط اسلامی نشو و نما کرده نشانه کفر است و بر اساس احادیث معتبر به همین جهت خداوند متعال...

آیه الله سبحانی: منکر آن مرتد و تارک آن مستحق عقاب و عذاب الهی است.

آیه الله فاضل: چنانچه به انکار رسالت برگشت کند.

آیه الله مکارم: در صورتی که علم به ضروری بودن آن داشته باشد.

جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آنکه پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کسی در حال مردن، به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت.

این آیه و این روایت، در اهمیت حج و وجوب آن کافی است و روایات بسیاری در این دو قسمت وارد شده که این مختصر، گنجایش ذکر آنها را ندارد و چون که مستحبات حج بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و بقیه را به کتب مفصله وامی‌گذاریم که به جا آوردن آنها^۱ به امید ثواب اشکالی ندارد.

و نظر به اینکه این مناسک برای فارسی زبانان می‌باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است، اکتفا به بیان احکام آنها شد و قبل از شروع در مناسک، که مشتمل است بر دو باب و چند فصل و مسائلی چند، بعضی مسائل و شرایط وجوب حجة الاسلام و بعضی مسائل نیابت و وصیت به حج و چند مسئله دیگر بیان می‌شود:

[۱] م - حجة الاسلام که حج واجب بر شخص مستطیع است، بیش از یک مرتبه در

تمام عمر واجب نیست.

[۲] م - وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری^۲ است؛ یعنی واجب است در سال

اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین... .

[۳] م - اگر درک حج، بعد از حصول استطاعت، متوقف بر مقدماتی مثل سفر و

تهیه اسباب آن باشد، تحصیل آن واجب است؛ به طوری که در همان سال به حج برسد و در صورتی که شخص کوتاهی کند و به حج در آن سال نرسد، حج بر او مستقر می‌شود^۳ که باید در هر صورت بعداً به حج برود، هر چند استطاعت از بین برود.

۱. آیه الله زنجانی: هر چند استحباب بسیاری از آنها ثابت نیست، ولی به جا آوردن آنها...

۲. آیه الله سیستانی: در این فوریت دو وجه است. اول: اینکه شرعی باشد و گویا مشهور هم همین باشد. دوم: اینکه عقلی باشد، از باب احتیاط، تا مبدا تأخیر آن منجر به ترک واجب بدون عذر شود که در این صورت مستحق عقوبت خواهد بود. وجه اول احوط است و دوم اقوی. پس اگر آن را از سال اول استطاعت تأخیر انداخت، بدون اینکه اطمینان داشته باشد که بعداً می‌تواند آن را انجام دهد ولی بعداً موفق به انجام آن شود متجری می‌شود، و اگر اصلاً موفق نشود مرتکب گناه بزرگی شده است.

۳. آیه الله بهجت: در صورت اعتماد و وثوق به اینکه با تأخیر نیز حج را حتماً درک خواهد کرد، ←

شرایط وجوب حجة الاسلام

با چند شرط، حج واجب می‌شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست:

اول و دوم - بلوغ و عقل. پس بر کودک و دیوانه حج واجب نیست.

[۴] م - اگر غیر بالغ حج به جا آورد صحیح است، هرچند از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.

[۵] م - اگر کودک ممیز برای حج مُحرم شود و در وقت درک^۱ مشعرالحرام

بالغ باشد کفایت از حجة الاسلام می‌کند^۲، و همچنین اگر مجنون قبل از

→ اظهر عدم وجوب خروج در اولین فرصت است. پس اگر اتفاقاً درک نکرد حج بر او مستقر نشده است و اما با

عدم اعتماد مذکور، پس مورد تأمل است و عدم حرمتِ نفویتِ احتمالی، با تأخیر یا غیر آن از مقدمات مفوته در واقع بعد از اشتغال ذمه یا قبل از آن، در موردی که دلیل خاص نباشد خالی از وجه نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مگر اینکه حرجی باشد که در این صورت بر خودش واجب نیست ولی بعد از مرگ وی باید از ترکه او حج به جا آورند.

آیه الله زنجانی: و در اثر کوتاهی به حج در آن سال نرسد، ظاهراً حج بر او مستقر می‌شود و کسی که حج بر او مستقر شده است باید در اولین فرصت به حج برود هرچند استطاعت او از بین رفته باشد؛ بلی در صورتی که بدون اختیار انجام حج بر او حرجی شود تأخیر حج تا رفع حرج جایز است و اگر از رفع حرج مأیوس باشد، باید در اولین سال ممکن با قصد قربت برای حج نایب بگیرد، هرچند در هر دو صورت می‌تواند خودش با تحمل حرج، حج به جا آورد.

آیه الله سیستانی: اگر تأخیر، به علت اطمینان به درک حج در همین سال باشد و اتفاقاً نرسد، حج بر او مستقر نخواهد شد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی حج مستقر می‌شود که معلوم شود اگر می‌رفت به حج می‌رسید.

آیه الله فاضل: در صورتی حج بر او مستقر می‌شود که اگر می‌رفت به حج می‌رسید و اگر انجام حج برای او حرجی باشد، حج از خودش ساقط است ولی باید خود او بعداً، در صورت قدرت، انجام دهد و یا بعد از فوتش از ترکه او حج نیایی ولو از میقات انجام دهند.

۱. **آیه الله بهجت:** کفایت ادراک آنچه با آن حج ادراک می‌شود، اگرچه اضطراری مشعر باشد، با انجام واجب از اضطراری عرفه خالی از وجه نیست.

۲. **آیه الله بهجت:** با سایر شروط و با ادای واجبات لاحق، بدون نیاز به تجدید نیت حجة الاسلام یا تجدید نیت احرام یا نیت وجوب به مجرد کمال، و معتبر است از زمان کمال نه قبل از آن استطاعت او به قدر فراغ از واجبات حج بنا بر اظهر، و در صورت ادراک حج به نحو صحیح در اجزاء عمره سابقه بر کمال از متمتع تأمل ←

درک مشعر عاقل شود.^۱

[۶] م - کسی که گمان می‌کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و بعد معلوم شد بالغ بوده، حج او کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند^۲ مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه را نموده و آن را بر حج ندبی اشتباهاً تطبیق کرده باشد.

→ است، و احوط اعاده عمره است به قصد وظیفه بعد از اتمام حج اگر در أشهر حج باشد و اگر نباشد در سال آینده به قصد وظیفه انجام دهد عمره را با حج تمتع بنا بر احوط.

آیه الله تبریزی: کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند. بلکه اگر متمکن بود، برای عمره تمتع احرام ببندد و اعمال عمره و حج را اتیان کند، کفایت می‌کند. و در غیر این صورت باید آن حج را تمام کند و در سال‌های آینده، چنانچه مستطیع بود، حجة الاسلام را به جا آورد و اگر مجنون قبل از فوت زمان عمره تمتع عاقل شود بر فرض استطاعت محرم شده و اعمال را انجام می‌دهد و در غیر این فرض اتمام حج بر او واجب نیست.

آیه الله خویی: کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

آیه الله زنجانی: باید به قصد انجام امر فعلی حج را تمام کند و چنانچه در آینده مستطیع بود حجة الاسلام خود را به جا آورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احوط بلکه اقوی عدم کفایت از حجة الاسلام است و همچنین نسبت به مجنون، بنابراین اگر سال‌های بعد مستطیع بودند حجة الاسلام را به جا آورند.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب در هر دو، اعاده بعد از آن است، در صورتی که مستطیع شوند.

۱. **آیه الله زنجانی:** اگر مجنون، قبل از مشعر، عاقل شود و مستطیع باشد، چنانچه بتواند احرام ببندد و پس از انجام اعمال عمره تمتع و احرام حج، مشعر را درک کند، باید به احرام عمره تمتع محرم گردد و اگر وقت برای عمره تمتع ندارد، به حج افراد محرم می‌گردد و کفایت از حجة الاسلام می‌کند؛ در غیر این دو صورت باید در اولین سالی که می‌تواند حج به جا آورد.

آیه الله فاضل: اگر کسی در میقات مجنون بود، همراهان او می‌توانند او را رجائاً مثل کودک غیر ممیز محرم کنند و چنانچه قبل از درک مشعر عاقل شود کفایت از حجة الاسلام می‌کند. و احتیاط این است که به اذن ولی شرعی، او را محرم کنند. و احتیاط مستحب آن است که در سال‌های بعد اگر مستطیع شد حجة الاسلام را اعاده کند.

۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی:** این حج کافی از حجة الاسلام می‌باشد.

آیه الله زنجانی: مگر در صورتی که در نیت احرام انجام وظیفه فعلیه را انشاء کرده و آن را اشتباهاً بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

[۷] م - از برای بچه ممیز، مستحب است حج رفتن و صحیح است حج او اگرچه ولی او اذن ندهد^۱، لکن بعد از بالغ شدن، اگر استطاعت داشت باید حج برود و حج زمان کودکی کافی نیست.

[۸] م - مستحب است ولی طفل غیر ممیز مُحرم کند او را^۲ و لباس احرام به او بپوشاند، و نیت کند که این طفل را مُحرم می‌کنم برای حج، یا این طفل را مُعْتَمِر می‌کنم به عمره تمتع، و اگر می‌شود تلبیه را تلقین کند به او، و الاً خودش به عوض او بگوید.

[۹] م - بعید نیست که ولی در این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار او است، اگرچه ولی شرعی نباشد.^۳

۱. **آیه الله بهجت:** احرام صبی ممیز صحیح است و احوط در صورت استلزام تصرف در مال، اذن ولی است در صحت آن.

آیه الله خویی: در صورتی که مستلزم تصرف در اموال طفل نباشد والا اذن ولی شرعی لازم است.

آیه الله زنجانی: ولی اگر انجام حج، مستلزم تصرف در اموال کودک باشد، پس چنانچه ولی، مصلحت کودک نداند باید مانع حج رفتن کودک گردد، و در هر حال اگر حج به جا آورد صحیح است، لکن کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حج برای غیر مکلف ممیز مستحب است ولی کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند و اذن ولی در صحت حج او شرط نیست، اگرچه در مواردی که حج او موجب تصرف در اموالش می‌شود، برای تصرف، اذن ولی لازم است.

آیه الله سیستانی: بعید نیست که در صحت آن اذن ولی معتبر باشد.

آیه الله مکارم: ولی اگر تصرف در مال خود می‌کند، باید به اذن ولی باشد.

۲. **آیه الله تبریزی:** استحباب احجاج، اختصاص به طفل غیر ممیز ندارد بلکه احجاج طفل ممیز هم بر ولی او مستحب است.

آیه الله زنجانی: کودکی که در تحت سرپرستی کسی به سفر حج آمده است و خودش نمی‌تواند مستقلاً اعمال را به جا آورد، مستحب است که سرپرستش او را محرم کند و اگر کودک با تلقین هم نمی‌تواند به شکل صحیح تلبیه بگوید، آن شخص از طرف او تلبیه می‌گوید.

۳. **آیه الله بهجت:** ولی در این مقام عبارت است از ولی در مال؛ مثل اب وجد ابی و وصی ایشان و حاکم و امین حاکم. و ولایت مادر در احرام طفل و سایر اعمال حج خالی از وجه نیست.

آیه الله زنجانی: ولی در این امر کسی است که شرعاً اختیار دارد کودک را به سفر حج ببرد؛ خواه پدر یا جد باشد یا غیر آنها. ←

[۱۰] م - بعد از آنکه طفل مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولی، او را از محرّمات احرام باز دارد^۱، و اگر ممیز نیست خود ولی حفظ کند او را از محرّمات.

[۱۱] م - بعد از اینکه طفل محرم شد، اگر محرّمات احرام را به جا آورد یا ولی، او را از آنها باز نداشت کفاره بر ولی طفل است نه بر مال طفل بنا بر اقوی در صید^۲ و بنا

→ **آیه الله سبحانه:** علاوه بر ولی، مادر و همچنین کسی که متکفل امور کودک غیر ممیز است می تواند کودک را محرم نماید. و در مورد اخیر احتیاطاً از ولی کودک اجازه بگیرد.

آیه الله سیستانی: ولی طفل در این امر کسی است که حق حضانت و سرپرستی او را دارد، چه پدر و مادر او باشند و چه غیر آنها.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: قدر متیقن از ولی در این امر نسبت به بچه غیر ممیز، ولی شرعی است؛ مانند پدر و جد و یا وصی یکی از آن دو، و همچنین حاکم و امین از طرف حاکم و یا وکیل یکی از آنها، و اما غیر ولی شرعی مانند عمو و دایی و برادر، محل اشکال است، اگرچه کفیل و نگهدار بچه باشد، لکن مادر در این مورد ملحق به ولی شرعی است زیرا نسبت به او دلیل خاصی داریم، و اما در بچه ممیز در مواردی که اجازه ولی لازم است اجازه غیر ولی شرعی کفایت نمی کند.

آیه الله فاضل: مقصود از ولی، همان ولی شرعی است، ولی مادر در این مورد ملحق به ولی شرعی است.

آیه الله مکارم: ولی به اذن ولی شرعی انجام می دهد.

آیه الله نوری: در غیر ولی شرعی، محل اشکال است.

۱. **آیات عظام بهجت، خوبی، سیستانی:** این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است و همین گونه است حکم مذکور در مسئله ۱۱ و ۱۲ و ۱۳.

آیه الله تبریزی: این حکم در مورد احجاج صبی است.

آیه الله زنجانی: در مورد کودکی که مستقلاً محرم شده است ولی وظیفه خاصی ندارد، اما در مورد کودکی که ولی او را محرم کرده است موظف است که با نهدی خود یا ممانعت عملی او را از محرّمات احرام باز دارد؛ و در این امر فرقی بین ممیز و غیر آن نیست.

۲. **آیه الله بهجت:** فداء صید مولی علیه بر ولی است (که با مباشرت او عمل مولی علیه صحیح است) و کفاره موجب هدی بر ولی است در آنچه عمد و خطا کفاره دارد بلکه در آنچه عمد فقط کفاره دارد و صبی عمداً مرتکب شد ثبوت کفاره بر ولی که سبب است خالی از وجه نیست.

آیات عظام تبریزی، خوبی، سبحانی: ظاهراً کفارات دیگر، در غیر صید نه بر ولی واجب است و نه در مال طفل، ولی کفاره صید بر ولی واجب است.

آیه الله خامنه ای: اگر غیر بالغ یکی از محرّمات احرام را مرتکب شود، چنانچه آن عمل حرام، شکار باشد، کفاره آن بر عهده ولی اوست، اما در مورد کفارات دیگر، ظاهراً آن است که پرداخت آن واجب نیست نه بر ولی و نه از مال خود غیر بالغ. ←

بر احتیاط واجب در غیر آن نیز.

[۱۲] م - گوسفند قربانی برای حج، بر عهده ولی طفل است.^۱

[۱۳] م - تمام اعمال حج و عمره را باید ولی، طفل را وادار کند که به جا آورد و اگر نمی‌تواند، ولی او به نیابت طفل به جا آورد.^۲

→ **آیه الله زنجانی:** در غیر صید کفارہ ندارد و در صید، چنانچه ولی کودک، او را محرم کرده باشد، کفارہ بر عهده اوست و در غیر این صورت بر عهده خود طفل است.
آیه الله سیستانی: کفارہ صید غیر ممیز بر ولی اوست و در غیر آن، بر نابالغ کفارہ نیست؛ نه در مال او و نه در مال ولیش.

آیه الله مکارم: این احتیاط مستحب است.

۱. **آیه الله بهجت، آیه الله خویی:** اگر کودک مستقلاً حج به جا می‌آورد قربانی بر عهده خود اوست و اگر ولی یا مأذون از طرف او، کودک را به حج آورده است، پول گوسفند بر عهده ولی اوست
آیه الله تبریزی: قربانی بچه غیر ممیز بر ولی او است که او را به حج برده و چنانچه پول آن را نداشت و خود بچه مالی داشت، از مال او قربانی تهیه می‌کند وگرنه ولی روزه می‌گیرد.
آیه الله زنجانی: اگر کودک مستقلاً حج به جا می‌آورد قربانی بر عهده خود اوست و اگر ولی یا مأذون از طرف او، کودک را به حج آورده است، پول گوسفند بر عهده ولی اوست، هر چند کودک، ممیز باشد و پول داشته باشد، و اگر ولی پول ندارد از مال کودک، قربانی تهیه می‌کند و اگر کودک هم ندارد از طرف او روزه می‌گیرد.
آیه الله سبحانی: و اگر مادر طفل را محرم کند هزینه قربانی بر عهده ولی است مگر اینکه خود مادر قبول کرده باشد.

آیه الله سیستانی: پول قربانی بچه غیر ممیز بر ولی اوست.

آیه الله فاضل: و اگر تمکن نداشت از طرف طفل روزه بگیرد، و چنانچه خود ولی نیز حج تمتع انجام داده و فقط تمکن از یک قربانی دارد، آن را برای طفل قربانی کند و برای خودش روزه بگیرد.

۲. **آیه الله بهجت:** در صورت تمکن، احوط آن است که در حال طواف، هر دو طاهر باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند و سنگ‌ریزه را در دست طفل یا مجنون بگذارد و ولی با آن کیفیت رمی و نیت نماید و در تمام افعال آنچه در غیر نیت می‌تواند انجام دهد، ولی متصدی نیت می‌شود.

آیات عظام تبریزی، سبحانی، صافی: در وقتی که می‌خواهد طفل را طواف دهد، واجب است او را وضو دهد، اگرچه به صورت وضو باشد.

آیه الله خویی: در کودک غیر ممیز وضو لازم نیست.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: برای طواف دادن کودک غیر ممیز لازم نیست که کودک یا ولی او با وضو بوده و بدن و لباسشان پاک باشد. ←

[۱۴] م - اگر طفل نابالغ قبل از اینکه در میقات محرم شود بالغ شد، حج او حجة الاسلام است، اگر از همان جا که محرم می شود مستطیع باشد.
سوّم: حرّیت.

چهارم: استطاعت از جهت مال و صحت بدن و توانایی و باز بودن راه و آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن.^۱

[۱۵] م - استطاعت از جهت مال؛ یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مرکب سواری است^۲، و چنانچه عین آنها را ندارد کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن را صرف در تهیه آنها نماید^۳، و شرط است که مخارج برگشتن را نیز داشته باشد.^۴ و امور دیگری در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان می شود.

→ **آیه الله فاضل:** در اعمالی که نیاز به وضو دارد، احتیاطاً طفل را وضو بدهد و خودش هم وضو بگیرد.
آیه الله مکارم: در کودک غیر ممیز، وضو لازم نیست و در بچه های شیرخوار، طهارت هم لازم نیست.
۱. **آیه الله زنجانی:** و امنیت داشتن در سفر و اینکه تشرف به حج زندگیش را مختل نکند و مستلزم هتک حیثیت او نیز نباشد.

۲. **آیه الله سبحانی:** ضروریات و نیازمندی های زندگی را در حد شأن خود داشته باشد مانند خانه مسکونی و وسیله نقلیه و ...
و مسلماً شئون افراد و محیط زندگی در تعیین حدود ضروریات مؤثر است.

آیه الله سیستانی: اگر به آن نیاز داشته باشد.
۳. **آیه الله بهجت:** و نیز اظهار وجوب حج و تحقق استطاعت است بر کسی که فعلاً زاد و راحله را ندارد ولی می تواند به مناسبت موقعیت شغلی خود، بدون استیجار که بعداً ذکر می شود در بین راه کسب کند، و با کسب لایق به شأن، حوایج مناسب هر وقت را تحصیل نماید بدون خطر و با اطمینان به حصول، مثل خدمت کردن در کاروان به اعمالی که در غیر سفر، شغل او همان هاست.

۴. **آیات عظام بهجت، صافی، فاضل، گلپایگانی:** داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود را داشته باشد. (**آیه الله بهجت:** به نحوی که به واسطه حج ناچار به تبدیل محل اقامت و مسکن نشود) اما اگر نخواسته باشد برگردد، یا خواسته باشد در جای دیگر غیر از وطن خود ساکن شود، باید هزینه رفتن به آنجا را داشته باشد، و دارا بودن هزینه بازگشت به وطن لازم نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود یا جایی که دورتر از وطن نباشد را داشته باشد ولی اگر قصد رفتن به جایی دورتر از وطن خود را داشته باشد، داشتن هزینه برگشت به وطن کافی است (البته مقصود جایی است که از نرفتن به آنجا به حرج نمی افتد). ←

[۱۶] م - شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، اینکه ضروریات زندگی^۱ و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد داشته باشد^۲، مثل خانه مسکونی و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن، در حدی که مناسب با شأن او باشد^۳، و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد.

[۱۷] م - اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.^۴

[۱۸] م - کسی که نیاز به ازدواج دارد و برای آن پول لازم دارد، در صورتی مستطیع

→ **آیه الله خامنه‌ای:** (وجوب حج) مشروط بر آن است که هزینه بازگشت به وطن خود یا محل دیگری که می‌خواهد به آنجا برود را در اختیار داشته باشد.

آیه الله زنجانی: داشتن هزینه بازگشت در صورتی معتبر است که مکلف، نیاز به برگشت داشته باشد.

آیه الله سبحانی: و پس از بازگشت از حج آبرومندانه زندگی کند و به اصطلاح فقها رجوع او به کفایت باشد و اگر پس از بازگشت با عسرت و سختی زندگی کند، چنین فردی مستطیع نمی‌باشد.

۱. **آیه الله بهجت:** ضرورت شخصیه یا شأنیه.

۲. **آیه الله زنجانی:** داشتن ضروریات زندگی در استطاعت معتبر نیست، البته کسی که بعضی از ضروریات زندگی خود را ندارد و مالی به مقدار مخارج حج به دست آورده که اگر آن را در راه سفر حج هزینه کند برای تهیه لوازم زندگی به مشقت شدید می‌افتد یا در تهیه آنها با آبروریزی مواجه می‌شود مستطیع نمی‌باشد؛ البته در صورتی که اگر حج هم نرود این مال را در تهیه ضروریات زندگیش مصرف نمی‌کند مستطیع می‌باشد.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** شئون عرفی اشخاص با هم متفاوت است. کسی که داشتن مسکن شخصی از ضروریات زندگی او یا عرفاً مناسب با شأن او است، و یا سکونت در منزل استیجاری یا عاریبه‌ای و یا وقفی برای او حرج و مشقت دارد و یا موجب وهن او می‌شود، برای تحقق استطاعت او، داشتن خانه ملکی شرط است.

آیه الله سبحانی: مسلماً شئون افراد و محیط زندگی در تعیین حدود ضروریات مؤثر است.

آیه الله سیستانی: ... و نداشتن آن موجب حرج باشد.

آیه الله صافی: و نداشتن آن حرجی باشد.

۴. **آیه الله خویی:** اگر بنا دارد آن مال را در نیاز خود صرف نکند، حج بر او واجب است.

آیه الله زنجانی: کسی که برای سفر حج باید لوازم زندگی خود را بفروشد و پس از بازگشت برای تهیه آن با مشکل روبه‌رو می‌شود مستطیع نیست و الا با داشتن سایر شرایط مستطیع است و به هر شکلی حج به جا آورد کافی است؛ هرچند ضروریات اولیه زندگیش را خرج سفر حج کند.

می‌شود که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد.^۱

[۱۹] م - کسی که از دیگری طلب دارد و بقیه شرایط استطاعت را نیز دارا است، اگر وقت طلب او رسیده یا حال است و می‌تواند بدون واقع شدن در حرج و مشقت، آن را بگیرد واجب است مطالبه کند و بگیرد و به حج برود^۲، مگر مدیون نتواند بپردازد

۱. **آیه الله بهجت:** اگر در ترک نکاح مشقت غیر قابل تحمل به حسب عادت بود یا خوف مرض یا خوف وقوع در حرام بود، اظهار جواز صرف در نکاح است و همچنین اگر قبل از رسیدن وقت سیر کاروان حج، صرف در نکاح کند، اما بعد از رسیدن وقت سیر نمی‌تواند صرف در نکاح نماید، به نحوی که متمکن از حج در آن سال نمی‌شود نه در صورت تمکن از جمع بین آن دو.

آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود، حج بر او واجب نمی‌شود، و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می‌شود.

آیه الله خوبی: و چنانچه بنا بر صرف نکردن آن مال در نیاز خود داشت حج بر او واجب است.

آیه الله خامنه‌ای: و ترک ازدواج موجب مشقت یا حرج او شود و بتواند ازدواج کند.

آیه الله زنجانی: چنانچه انجام حج باعث شود که برای تهیه مخارج ازدواج به مشقت شدید بیفتد یا به کارهایی که موجب وهن اوست، مجبور شود مستطیع نمی‌باشد؛ البته اگر این مال را در امر ازدواج مصرف نکند مستطیع است.

آیه الله سبحانی: کسی که امکان مالی برای حج دارد ولی ازدواج نکرده و به آن نیازمند است ازدواج او مقدم بر حج است خواه زندگی بدون ازدواج برای او سخت باشد یا نباشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر ترک تزویج مستلزم حرج باشد به نحوی که عرفاً بگویند مستطیع نیست واجب نمی‌شود و الا حج بر او واجب و مقدم است.

آیه الله فاضل: به طوری که ترک ازدواج موجب مشقت یا ضرر باشد.

آیه الله مکارم: منظور از نیاز این نیست که به خاطر ترک آن به عسر و حرج بیفتد بلکه همین اندازه که ازدواج از شئون زندگی او باشد کافی است. علاوه بر این اگر خودش نیاز ندارد؛ اما یکی از افراد تحت تکفلش نیاز دارد، همین حکم جاری است.

آیه الله نوری: به طوری که اگر متأهل نشود به زحمت می‌افتد یا به حرام افتد در صورتی...

۲. **آیه الله بهجت:** اگر تحصیل آن، متوقف بر مراجعه به دادگاه اگرچه حاکم جور باشد، لازم است مراجعه نماید

در صورتی که موجب ضرر و حرج فوق حد مسامحه نباشد، و در تضرر مالی غیر مجحف و نیز ضرر حالی مثل ذلت نفس و نقص جاه نزد حاکم جور تأمل است و اقرب وجوب مطالبه است با عقلانی بودن تن دادن به این ضرر با قطع نظر از تکلیف به حج. ←

که در این صورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی‌شود^۱ و همچنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می‌شود، ولی اگر مدیون نمی‌خواهد بپردازد مطالبه واجب نیست^۲، هرچند با

→ **آیه الله زنجانی:** کسی که تمام هزینه حج را ندارد ولی از دیگری به مقدار مورد نیاز حج طلبی دارد که وقت پرداخت آن است چنانچه مدیون بتواند بدهی خود را بپردازد و طلبکار نیز بتواند بدون مشقت و آبروریزی به طلب خود برسد مستطیع بوده حج بر او واجب می‌شود و اگر انجام حج متوقف بر مطالبه قرض باشد مطالبه آن نیز واجب می‌گردد و چنانچه بتواند طلب خود را به مبلغ کمتری بفروشد و پول آن به مقدار مورد نیاز حج باشد، چنانچه این کار بر او مشقت شدید نداشته باشد مستطیع بوده حج بر او واجب می‌گردد؛ هرچند در این فروش ضرر کند.

آیه الله سیستانی: مستطیع است و واجب است حج برود هرچند با مطالبه و صرف آن مال در حج باشد و همچنین است اگر بدهکار دارا باشد و نپردازد ولی بتواند هرچند با رجوع به حاکم جور حق خود را بگیرد یا بدهکار منکر باشد ولی بتواند آن را اثبات کند و بگیرد یا بتواند از اموال او از باب تقاص بردارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و نیز می‌تواند ولو با کمک غیر و اقامه دعوی در نزد حاکم شرع و یا با رجوع به حاکم غیر شرعی - در صورتی که استیفای حق، موقوف بر آن باشد، بنا بر اقوی - آن را وصول نماید، گرفتن و رفتن به حج واجب است.

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر بتواند دین را بفروشد و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد و برای او مشقت نداشته باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

آیه الله سیستانی: اگر بتواند دین را بفروشد به نحوی که اجحاف در حق او نباشد، و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

آیه الله صافی: حکم مسئله در صورتی که فروش دین مؤجل به نقد ممکن نباشد والا فروش آن مانند فروش سایر اموال واجب است.

آیه الله فاضل: اگر بتواند دینش را به مقدار کمتر بفروشد در صورتی که موجب ضرر و مشقت نباشد. و این مقدار برای حج کافی باشد مستطیع است و باید حج انجام دهد.

۲. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی:** در صورتی که اگر مطالبه کند بدهکار خواهد پرداخت، باید مطالبه کند و به حج برود.

آیه الله سیستانی: اگر مهلت داشتن قرض به نفع بدهکار باشد همچنان که معمولاً چنین است.

آیه الله فاضل: مگر آنکه یقین باشد که اگر مطالبه کند مدیون حاضر به پرداخت آن می‌شود، که در این صورت مطالبه لازم است. ←

مطالبه حاضر به پرداخت شود.

[۲۰] م - اگر غیر مستطیع، مصارف حج را قرض کند، مستطیع نمی‌شود، هر چند بتواند بعداً به سهولت قرض را ادا کند^۱ و اگر با آن حج به جا آورد از حَجَّة الاسلام کفایت نمی‌کند.

[۲۱] م - کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد، چنانچه بدهی او مدت دار باشد و مطمئن است که در وقت ادای بدهی، تمکن از ادای آن را دارد، واجب است به حج برود، و همچنین در صورتی که وقت ادای بدهی رسیده، لکن طلبکار راضی به

→ **آیه الله گلپایگانی:** و اگر شک داشته باشد که مدیون با مطالبه می‌پردازد یا نه، به جهت آنکه احتمال استطاعت می‌دهد، و تمکن از فحص دارد، احتیاط در مطالبه است، و مطالبه در این فرض فحص از استطاعت است، نه تحصیل استطاعت.

آیه الله مکارم: اگر مطالبه محذوری ندارد باید مطالبه کند.

۱. **آیه الله بهجت:** قرض گرفتن برای حج تحصیل استطاعت است و واجب نیست. مگر آنکه مالی داشته باشد بالفعل که می‌تواند پس از حج با فروش و استبدال آن ادای دین کند که در این صورت قرض گرفتن واجب است با عدم تمکن از فروش آن قبل از حج و اگر مالی که با آن ادای دین می‌نماید بعد از حج تحصیل می‌شود، پس در وجوب حج فعلاً تأمل است.

آیه الله تبریزی: هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد و در وقت قرض کردن مالی داشته باشد که بتواند با آن قرض خود را ادا کند ولی فعلاً نمی‌تواند آن را بفروشد یا در آن تصرف کند حج بر او واجب خواهد بود

آیه الله خامنه‌ای: کسی که هزینه رفتن به حج را در اختیار ندارد، اما می‌تواند قرض بگیرد و سپس به سادگی قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر او واجب می‌شود.

آیات عظام خویی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد، و قدرت پرداخت آن را بدون مشقت (**آیه الله زنجانی:** مشقت شدید) بعد از آن داشته باشد، حج بر او واجب خواهد بود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۲۱ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: مگر آنکه وقت پرداخت قرض آنقدر دور باشد که اصلاً عقلاً به آن توجه نکنند. که در این صورت حج بر او واجب خواهد شد.

آیه الله مکارم: اگر معادل قرض، اموالی داشته باشد که از محل آن بتواند بدهی خود را به آسانی بدهد، مستطیع است.

تأخیر ادا باشد و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می‌تواند بدهی را ادا نماید^۱ و در غیر این دو صورت حج واجب نیست.^۲

[۲۲] م - کسی که خمس یا زکات^۳ بدهکار است، در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر آنها مخارج حج را داشته باشد.^۴

۱. **آیه الله تبریزی:** در صورتی حج واجب می‌شود که بدون حرج و مشقت قادر به ادا باشد.
- آیه الله خویی:** بلی اگر دین خود را ادا نکند حج بر او واجب است و به هر حال اگر چنین فردی حج به جا آورد مجزی از حجة الاسلام می‌باشد.
- آیه الله زنجانی:** چنانچه هزینه کردن این پول در سفر حج باعث می‌شود که نتواند بدهی خود را بپردازد، یا پرداخت بدهی با مشقت شدید یا با وهن او همراه می‌گردد، مستطیع نیست و الاً مستطیع می‌باشد؛ و فرقی بین بدهی مدت‌دار و غیر آن نیست. و در هر حال اگر بدهی خود را نمی‌پردازد حج بر او واجب می‌گردد و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.
- آیه الله سبحانی:** حج بر او واجب نمی‌شود مگر اینکه بدهی او مدت دار باشد و مدت آن به قدری طولانی باشد که اطمینان عرفی به تمکن از ادای بدهی در مدت یاد شده را داشته باشد مثل کشاورزی که بدهی مدت دار برای پنج سال بعد دارد و می‌داند که با درآمد یک سال کشاورزی خود به راحتی بدهی خود را می‌تواند ادا کند.
- آیه الله سیستانی:** اگر انسان مال وافی به هزینه حج را داشته، و به همان مقدار هم مقروض باشد، بنا بر اظهار حج بر او واجب نخواهد بود، و همچنین اگر کمتر از آن مقدار، مقروض باشد، به طوری که اگر مقدار قرض برداشته شود، باقیمانده آن وافی به هزینه حج نباشد، که در این صورت هم حج بر او واجب نخواهد بود، و فرقی نیست بین اینکه وقت پرداخت بدهی رسیده باشد یا نه، مگر اینکه آنقدر، وقت پرداخت دور باشد که اصلاً عقلاً به آن توجه نکنند؛ مانند پنجاه سال.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** و اگر می‌داند که طلبکار از طلب خود خواهد گذشت، و یا بنا بر مسامحه دارد (مثل مهریه بعض زنان) چنین دینی مانع استطاعت نیست.
۲. **آیه الله فاضل:** یعنی مخیر است بین انجام حج و ادای دین و در صورت انجام حج کفایت از حجة الاسلام می‌کند.
۳. **آیه الله بهجت:** یا کفاره یا نذر.
۴. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** حکم سایر دیون را دارد الاً اینکه عین مال متعلق خمس و زکات باشد، که در صورتی مستطیع می‌شود که غیر از آنها مخارج حج را داشته باشد.
- آیه الله زنجانی:** البته اگر خمس یا زکات در اموالش نباشد بلکه بر عهده او آمده در صورتی که خمس و زکات را نپردازد یا علاوه بر آنها هزینه حج را نیز داشته باشد، مستطیع است.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** حکم سایر دیون را دارد، الاً اینکه عین مال متعلق خمس و زکات باشد که مقدم بر سایر دیون است.

۱. [۲۳] م - کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت صحت بدن یا باز بودن راه مستطیع نیست^۱ می تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی هم خارج کند^۲ ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسایل رفتن را تهیه نکرده یا

۱. **آیه الله تبریزی:** اگر می داند در همان سال سایر شرایط استطاعت حاصل می شود، حفظ استطاعت مالی لازم است و گرنه لزوم ندارد و اگر اطمینان به زوال عذر تا آخر عمر ندارد، بنا بر احتیاط در همان سال نایب بگیرد و چنانچه عذرش زایل شد و استطاعت مالی باقی بود بنا بر احتیاط دوباره خودش حج به جا آورد.

آیه الله خویی: اگر دارا و ثروتمند است و توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد یا دشوار و با مشقت است باید نایب بگیرد. و وجوب نایب گرفتن، مانند وجوب حج فوری است.

آیه الله زنجانی: اگر احتمال می دهد که بتواند در آینده همزمان با متعارف مردم منطقه، به حج مشرف شود - ولو با تحصیل استطاعت طریقی و بدنی و... - فوریت حج از او ساقط است، ولی باید استطاعت از جهات غیر مالی را تحصیل کند تا بتواند به حج مشرف گردد و اگر راه انجام حج منحصر به استفاده از این پول باشد تا نیاز میرمی پیش نیامده نباید آن را مصرف کند؛ لکن اگر ضرورتی پیش آمد و مال را مصرف کرد از استطاعت می افتد، لذا در کشورهایی که - مانند ایران - باز شدن راه حج، منحصر به ثبت نام است بر کسی که استطاعت مالی دارد ثبت نام واجب است. و کسی که استطاعت مالی دارد چنانچه از پیدا کردن استطاعت از جهات دیگر ناامید است باید با قصد قربت برای حج در اولین سال ممکن نایب بگیرد و این حج کفایت از حجة الاسلام می کند، هرچند بعد از حج عذر او برطرف شود؛ و فرقی بین بیماری و غیر آن نیست؛ و در هر حال کسی که استطاعت مالی دارد اگر با تحمل حرج، خودش حج به جا آورد مجزی است.

آیه الله سبحانی: استطاعت بدنی شرط مباشرت است این افراد با یأس از بهبودی باید نایب بگیرند.

آیه الله سیستانی: کسی که تمکن مالی دارد ولی توانایی مباشرت حج را ندارد و امید اینکه بتواند در آینده انجام دهد ندارد، واجب است نایب بگیرد و اگر مباشرت برای او حرج و مشقت داشته باشد، می تواند نایب بگیرد، گرچه مباشرت افضل است و به هر حال همچنان که وجوب مباشرت فوری است، وجوب استنابه نیز فوری است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صحت بدن استطاعت ندارد و امید خوب شدن ندارد واجب است نایب بگیرد، بلکه احوط نایب گرفتن است برای کسی که امید خوب شدن دارد، پس اگر رفع عذر شد، خودش نیز به حج برود، مگر اینکه پس از رفع عذر استطاعت مالی نداشته باشد.

۲. **آیه الله بهجت:** در صورتی که موضوع وجوب استنابه، که یأس از رفع مانع است، محقق نشده باشد و با فرض یأس از زوال عذر اظهر وجوب فوری استنابه است.

آیه الله خامنه ای: به ذیل مسئله بعد مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی: بلی اگر علم داشته باشد که در آن سال متمکن از رفتن به حج است، جواز مصرف کردن وجه در غیر حج (خصوصاً در اوان خروج مردم برای حج) مشکل است، و اگر استطاعت مالی بعد از استطاعت طریقی حاصل شده باشد، تصرف در آن مال در زمانی که مردم آماده برای حج می شوند جایز نیست.

وقت حج نرسیده، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند^۱ و اگر کرد، حج بر او مستقر می‌شود و باید به هر نحو است به حج برود.

[۲۴] م - اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سال‌های دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می‌کند، می‌تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، می‌تواند قبل از وقت حرکت قافله آن را در مصارف خود خرج کند هرچند دیگر نتواند به حج برود ولی در صورتی که آن مال را به طور نسبی تا زمان بعد از حج بفروشد و منظور فرار از استطاعت باشد، احتیاط این است که اقدام به این عمل ننماید. و اگر نموده با خود معامله مستطیع کند به اینکه سال آینده به حج برود با احتیاطاتی که سبب قطع به اجزاء از حجة الاسلام است (یعنی احتیاطاً سعی در تحصیل و حفظ استطاعت شرعیه برای خود در وقت سیر کاروان در سال آینده بنماید نه صرف استطاعت عقلیه) و اگر معامله نه برای فرار است بلکه برای حاجت فعلی است که متمکن از برآورده شدن آن نمی‌شود، مگر بعد از وقت سیر یا وقت حج اظهر جواز آن است.

آیه الله خویی: هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، حج بر او واجب می‌شود و جایز نیست در آن مال تصرفی کند که از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند. و این تصرف خواه پیش از تمکن از سفر باشد یا بعد از آن فرقی ندارد، بلکه ظاهر این است که قبل از ماه‌های حج تصرف جایز نیست.

آیه الله سبحانی: نمی‌تواند در مال تصرف کند و نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند حتی اگر ماه‌های حج نرسیده باشد زیرا استطاعت بدنی شرط مباشرت است نه شرط وجوب و اگر امید بهبودی ندارد باید استنابه کند.

آیه الله سیستانی: در تفصیل تمکن از مسیر می‌فرمایند: اگر در آن تصرفی کند که از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند، و برای او مشخص شده باشد که قدرت رفتن به حج در روزهای آن را داشته باشد، بنا بر اظهر حج در ذمه او مستقر است، ولی اگر قدرت رفتن برای او مشخص نشده باشد، حج در ذمه او مستقر نیست.

آیه الله فاضل: حتی اگر اول ماه محرم باشد که هنوز چندین ماه به موسم حج باقی است.

۲. **آیه الله خامنه‌ای:** کسی که مستطیع شده، نمی‌تواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج، صرف کند، خود را از استطاعت خارج نماید. بلکه احتیاط واجب آن است که قبل از آن زمان نیز خود را از استطاعت خارج نکند.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: تصرف در مال جایز نیست و واجب است مال را حفظ کند و خود را از استطاعت خارج نکند. ←

[۲۵] م - کسی که استطاعت حج دارد باید خرج‌های مقدماتی را؛ از قبیل خرج تذکره و ویزا و ودیعه و آنچه مربوط به حج است بدهد، و این خرج‌ها موجب سقوط حج نمی‌شود، ولی اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست.

[۲۶] م - اگر اجرت ماشین یا هواپیما زیاد باشد یا زیادتر از حد معمولی باشد و همین‌طور قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از حد متعارف باشد باید حج برود، و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت مگر آنکه به قدری زیاد باشد که موجب حج و مشقت در زندگانی شود.^۱

[۲۷] م - شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملک دارد^۲ باید بفروشد و به حج

→ **آیه الله زنجانی:** به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: نمی‌تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند.

آیه الله صافی: اگر اطمینان دارد که در سال‌های دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می‌کند بنا بر احتیاط نمی‌تواند در مال تصرف کند.

آیه الله گلپایگانی: اگر اطمینان دارد در سال‌های بعد از آن جهات استطاعت پیدا می‌کند نمی‌تواند در مال تصرف کند.

۱. **آیه الله بهجت:** اگر هزینه و مخارج حج بالا برود و به حد غیر عقلایی نرسد و مثلاً کرایه ماشین در سال استطاعت گران‌تر از سال بعد باشد تأخیر جایز نیست و باید همان سال برود.

آیه الله خامنه‌ای: ولی اگر توانایی پرداخت مازاد را ندارد یا پرداخت آن اجحاف بر او باشد واجب نیست آن را بپردازد و مستطیع نیست.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: اگر ضرر زاید بر مقدار متعارف و موجب اجحاف باشد، ولو موجب حج و مشقت هم نشود، حج واجب نیست و اما اگر هزینه و مخارج حج بالا برود و مثلاً کرایه ماشین در سال استطاعت گران‌تر از سال بعد باشد تأخیر جایز نیست و باید همان سال برود.

آیه الله زنجانی: به قدری زیاد باشد که در تهیه آن مشقت شدید یا هتک حیثیت باشد...

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: مگر آنکه ضرر به نحوی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

آیه الله مکارم: به طوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

۲. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** اگر خانه وقفی و یا غیر وقفی در اختیار اوست؛ به طوری که کسر شأن او نبوده و بدون سختی و حج، از داشتن خانه دیگر بی‌نیاز است و احتمال از دست رفتن آن خانه نیست، اگر خانه ملکی‌ای دارد که قیمت آن وافی به مخارج حج و یا تتمیم آن باشد، واجب است خانه ملکی خود را فروخته و صرف مخارج حج کند، و همچنین است نسبت به دیگر چیزهایی که مورد نیاز بوده، و از غیر راه ملکیت رفع احتیاجش شده باشد.

برود اگرچه به واسطه مشتری نداشتن، به کمتر از قیمت معمولی بفروشد، مگر آنکه فروش به این نحو موجب حرج و مشقت برای او شود.^۱

[۲۸] م - کسانی که کتب زیاد دارند و محل احتیاج آنها نیست و اگر زاید را بفروشند به قدر مؤونه حج می شود و سایر شرایط را نیز دارا باشند واجب است به حج بروند، بلکه اگر از کتب موقوفه رفع احتیاج می شود^۲ و کتاب ملکی به قدر حج هست واجب است حج بروند، به شرط آنکه کتاب های موقوفه در معرض زوال نباشد.

[۲۹] م - اگر شک کند که مالی که دارد به اندازه استطاعت هست یا نه، احتیاط واجب آن است که تحقیق کند^۳، و فرقی نیست در وجوب تحقیق، میان آنکه مقدار مال

۱. آیه الله بهجت: مگر به گونه ای که باعث ضرر زیاد بر او شود.

آیه الله تبریزی: اگر بخواهد حج نماید باید آن را به مقدار زیادی کمتر از قیمت بفروشد، فروشش واجب نیست.

آیه الله خامنه ای: حکم مسئله قبل را دارد.

آیه الله خویی: اگر باعث ضرر کلی شود فروشش واجب نیست.

آیه الله زنجانی: مشقت شدید یا هتک حیثیت.

آیه الله سبحانی: مگر اینکه اجحاف بر او باشد و یا تفاوت قیمت به قدری زیاد باشد که عرفاً تحمل آن برای او حرجی به شمار آید.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه اجحاف بر او باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اجحاف و ضرر به حدی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

آیه الله مکارم: به طوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و استفاده از آنها بر او حرجی نباشد.

آیه الله سبحانی: هرگاه فردی کتابخانه ارزشمندی دارد که از آن استفاده نمی کند و اگر آن را بفروشد، با پول آن می تواند هزینه حج خود را تأمین کند، چنین فردی مستطیع است و باید به حج برود.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: و منافات با شأن او نداشته باشد و موجب حرج بر او نباشد.

آیه الله مکارم: به طوری که هر ساعت نیاز داشته باشد، بدون زحمت در اختیار او قرار بگیرد.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی: لازم نیست فحص و تحقیق کند هر چند احوط است.

(آیه الله بهجت: مگر اینکه عسر و حرج باشد).

آیه الله خامنه ای: ملاک استطاعت برای حج، توانایی ادای آن به نحو متعارف بین مردم است و اگر کسی اعتقاد دارد که به این نحو استطاعت ندارد لکن احتمال می دهد که اگر تحقیق و تلاش کند بتواند راهی بیابد که با وضع مالی فعلی اش مستطیع از انجام حج شود، واجب نیست تحقیق نماید. ولی اگر شک در استطاعت داشته باشد و

بخواهد بداند که آیا مستطیع شده یا خیر، ظاهراً واجب است وضعیت مالی خود را بررسی کند. ←

خود یا مقدار مخارج حج را نداند.

[۳۰] م - اگر نذر کند که در روز عرفه کربلای معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند، نذرش صحیح است، لکن اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شد باید حج برود^۱، و نذر مانع از حج نمی‌شود، و اگر نرفت حج بر او مستقر می‌شود، و باید به نذر عمل کند^۲، و اگر حج رفت تخلف نذر موجب کفاره نمی‌شود، ولی اگر حج نرفت و به نذر هم عمل نکرد کفاره نذر را باید بدهد.

[۳۱] م - اگر رفتن حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی می‌شود^۳ باید ملاحظه اهمیت حج یا حرام و واجب را کرد، اگر حج اهمیتش بیشتر است^۴ باید برود والا نباید

→ **آیه الله سبحانی:** در صورتی که احراز استطاعت آسان باشد باید در این مورد تحقیق کند تا وضع خودش را روشن کند.

۱. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی:** نذر منحل می‌شود و باید به حج برود. **آیه الله زنجانی:** اگر عمل به نذر باعث شود که دیگر نتواند حج به جا آورد حتی در آینده، نذر منعقد نمی‌شود، ولی اگر عمل به نذر تنها باعث تأخیر حج می‌شود، چنانچه قبل از حصول استطاعت، نذر کرده باشد باید به نذر عمل نماید و اگر عمل نکرد حج بر او واجب می‌شود و چنانچه قبل از نذر، استطاعت مالی پیدا کرده باشد باید حج به جا آورد، ولی اگر حج به جا نیاورد باید به نذرش عمل کند.

آیه الله سبحانی: اگر پس از نذر مستطیع شود باید عمل به نذر را بر حج مقدم بدارد ولی اگر مستطیع بود و بعداً نذر کرد در این صورت حج بر نذر مقدم می‌باشد.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** در این صورت عمل به نذر واجب نیست، بنابراین تخلف از نذر موجب کفاره نمی‌شود.

آیه الله سبحانی: در صورتی که نذر قبل از استطاعت بوده و تخلف کرده، باید کفاره نذر بدهد.

آیه الله مکارم: نذر منعقد نیست و کفاره ندارد.

۳. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** و یا موجب از بین رفتن مال معتد به (قابل توجه) بدون عوض شود.

۴. **آیه الله تبریزی:** اگر فقط احتمال اهمیت در حج باشد حج مقدم است و گرنه باید حرامی را که حج بر آن توقف دارد ترک کند و چنانچه ارتکاب حرام بعد از شروع در حج باشد مجزی از حجة الاسلام نیست و اگر حج متوقف بر ترک واجب باشد نظر ایشان موافق نظر آیه الله خویی است.

آیه الله خویی: در فرض تساوی و یا احتمال اهمیت در هر یک مخیر بین آنها است و اگر در یکی از آنها احتمال اهمیت می‌دهد آن مقدم است. ←

برود، لکن اگر رفت و حرامی به جا آورد یا واجبی را ترک کرد معصیت کار است ولی حج او صحیح است.

[۳۲] م - اگر با اعتقاد به اینکه مستطیع نیست، قصد حج استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.^۱ مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه نموده باشد و اشتهاً آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

[۳۳] م - اگر شخص زاد و راحله ندارد ولی به او گفته شد که حج به جا آور و نفقه تو و عائلهات بر عهده من، با اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل، حج واجب می‌شود^۲ و این حج را بذلی می‌گویند^۱ و در آن رجوع به کفایت که از شرایط وجوب

→ **آیه الله زنجانی:** باید حج به جا آورد؛ مگر آنکه انجام تکلیف دیگر تنها موجب تأخیر حج می‌شود نه از بین رفتن اصل آن، که در این صورت، اول آن تکلیف و سپس حج را به جا می‌آورد و اگر هر دو مساوی باشند یا اهمیت حج کمتر باشد چنانچه آن تکلیف را به جا آورد و بعد از آن استطاعت حج را نداشته باشد مستطیع نیست و الاً مستطیع می‌باشد.

آیه الله سیستانی: در صورت تساوی مخیر است.

۱. **آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم:** کفایت می‌کند.

آیه الله زنجانی: مگر در صورتی که احتمال وجوب می‌داده و در نیت احرام، انجام وظیفه فعلیه را انشاء کرده و آن را اشتهاً بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

آیه الله سبحانی: و اگر بعد از اعمال عمره تمتع یعنی در اثنا معلوم شود که مستطیع بوده، هرگاه به نیت امر فعلی محرم شده است از عمره تمتع حجة الاسلام کفایت می‌کند و در غیر این صورت احتیاط کند به این صورت که طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و آن را عمره مفرده قرار دهد و سپس به یکی از میقات‌ها و اگر نشد به ادنی الحل برود و برای عمره تمتع واجب محرم شود و اعمال آن را انجام دهد و سپس اعمال حج تمتع را به جا آورد.

آیه الله صافی: در صحت آن اشکال است و احتیاط ترک نشود.

آیه الله گلپایگانی: اگر به طور جزم، قصد حج استحبابی کرده است کفایت آن از حجة الاسلام خالی از اشکال نیست.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر نمی‌تواند نفقه عیال را تأمین کند، چه به حج برود و چه نرود، بذل نفقه عیال شرط نیست و اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل، شرط نیست، ولی اگر وثوق و اطمینان به رجوع و عدم وفای باذل دارد حج واجب نمی‌شود.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه نفقه عائله‌اش را تا زمان برگشت داشته باشد یا اینکه فرق نمی‌کند، چه حج برود و چه نرود نفقه آنها را نمی‌تواند تأمین کند یا از عدم تأمین نفقه آنها در حج نمی‌افتد یا عائله واجب النفقه او نیستند که در این موارد بذل نفقه عائله شرط وجوب حج نیست. ←

است شرط نیست^۲، بلی اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگی او شود^۳ واجب نیست.

۱. [۳۴] م - اگر مالی که برای حج کفایت می‌کند را به او ببخشند برای اینکه حج به جا

→ **آیه الله فاضل:** تعهد نسبت به عائله و اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل شرط نیست.

آیه الله نوری: به شرطی که قبول این بذل برای او مستلزم ذلت و منت نباشد.

۱. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خوبی:** در این مسئله فرقی بین اباحه (در اختیار گذاشتن) و تملیک و دادن عین مال و یا قیمت آن نیست.

آیه الله سیستانی: اباحه‌ای که برای اباحه‌کننده آن قابل برگشت باشد شرعاً، و تملیک متزلزلی که از طرف مقابل قابل فسخ بوده باشد شرعاً، موجب حصول استطاعت نمی‌شود مگر اینکه اطمینان داشته باشد که از اباحه‌اش صرف نظر نمی‌کند یا تملیکش را فسخ نمی‌نماید.

۲. **آیه الله بهجت:** بلی داشتن مؤونه عیال تا وقت رجوع شرط است مگر آنکه با نرفتن حج نیز عیال او در مضیقه به سر برند و رفتن حج تأثیری در این جهت نداشته باشد.

آیه الله زنجانی: حج بذلی مانند حج استطاعتی است؛ یعنی اگر کسی تنها مخارج حج را بذل کند - نه مخارج عائله را - چنانچه انجام حج مستلزم اختلال در تأمین زندگی خود یا کسانی که شرعاً یا عرفاً واجب النفقه او هستند نباشد مستطیع است. بلی، کسی که به باذل، مطمئن نیست و احتمال می‌دهد که از بذل برگردد یا به عهد خود وفا نکند چنانچه می‌ترسد که این امر باعث بروز مشکلی برای او شود مستطیع نیست و اگر نمی‌ترسد از نظر حکم ظاهری مستطیع است.

آیه الله سیستانی: ولی اگر خودش مقداری از مصارف حج را داشته باشد و بقیه را به او بذل کنند در این صورت رجوع به کفایت شرط است.

۳. **آیه الله سبحانی:** با پرداخت هزینه عائله از طرف باذل به مبذول له این قید منتفی است، بنابراین لازم نیست که پس از برگشتن تمکن مالی بر اداره امور زندگی خود داشته باشد، تنها شرط این است که پذیرفتن چنین حجی پس از بازگشت، مایه گسستن رشته زندگی او نشود.

آیه الله سیستانی: بلی اگر درآمدش در خصوص روزهای حج باشد و با درآمد آن در بقیه روزهای سال یا بعضی از آنها زندگی می‌کند، به طوری که اگر به حج برود قدرت تأمین هزینه زندگی در بقیه یا بعضی از روزهای یاد شده نداشته باشد. در این صورت حج بر او واجب نخواهد بود، مگر اینکه مخارج زندگیش را در بقیه روزهای سال هم بدهند که در این صورت واجب خواهد بود.

آیه الله مکارم: یا مستلزم منت و هتک او باشد.

آورد، باید قبول کند و حج به جا آورد^۱ و همچنین اگر واهب بگوید مخیری بین اینکه حج آوری یا نه^۲. ولی اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد قبول واجب نیست.^۳

[۳۵] م - باذل می تواند از بذلش برگردد، ولی اگر در بین راه باشد^۴ باید نفقه برگشتن او را بدهد،^۵ و اگر بعد از احرام رجوع کند باید نفقه اتمام حج را نیز بپردازد.^۶

۱. **آیه الله بهجت:** واجب نیست قبول نماید و در صورت قبول، استطاعت بذلیه محقق است و استطاعت مالیه است در دو صورت بعد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: چنانچه مال کافی برای مؤونه حج باشد و یا به مقداری است که به ضمیمه اموال خود شخص استطاعت حاصل می شود، حج بر او واجب و کافی از حجة الاسلام است.

آیه الله نوری: مگر اینکه در قبول، ذلت و مهانت برای او باشد که در این صورت قبول واجب نیست.

۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** و اگر واهب (بخشنده) اختیار را به انسان بدهد و بگوید می خواهی با این مال حج برو و نمی خواهی به حج نرو و یا مالی را ببخشد و نامی از حج نبرد، قبولش واجب نیست.

۳. **آیه الله خامنه ای:** لکن اگر قبول کرد، حج بر او واجب می شود.

آیه الله زنجانی: در هر سه صورت با داشتن سایر شرایط مستطیع است.

آیه الله سبحانی: اگر مالی را به او ببخشد و اسمی از حج نیاورد باید بپذیرد و به حج برود.

آیه الله مکارم: بلکه قبول واجب است به شرط اینکه به هنگام بازگشت، زندگی او تأمین باشد.

۴. **آیه الله زنجانی:** و بدون اتمام سفر نتواند به وطن بازگردد، باذل باید مخارج اتمام سفر را بپردازد.

۵. **آیه الله بهجت:** و بنا بر اظهار، نفقه بازگشت از محل اعلام رجوع که زاید بر نفقه وطن است، بر باذل است.

۶. **آیه الله بهجت:** اظهار عدم جواز رجوع است.

آیه الله تبریزی: باذل ضامن نفقه برگشتن او نیست همان طور که در صورت رجوع بعد از احرام، نفقه اتمام حج را هم ضامن نمی باشد گرچه اتمام بر او واجب است مطلقاً.

آیه الله خویی: در صورتی که اتمام آن بر مبذول له واجب باشد. و آن در جایی است که آنچه تاکنون به او بذل شده و او صرف نموده، با ضمیمه به اموال خود موجب استطاعت او باشد.

آیه الله سبحانی: بعد از شروع سفر نمی تواند از تعهد خود باز گردد.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از احرام باذل رجوع کند، مبذول له باید حج را تمام کند، اگر بر او حرجی نباشد هر چند فعلاً مستطیع نباشد و باذل ضامن مصرف اتمام حج او و بازگشتش می باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بعد از احرام احوط ترک رجوع است و نسبت به رجوع به عین مبذوله، تفصیلی در مناسک عربی موجود است. ←

[۳۶] م - پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است^۱ ولی کفارات بر عهده او نیست^۲ و اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمی‌شود، مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت.^۳

[۳۷] م - کسی که در راه حج برای خدمت اجیر شود، به اجرتی که با آن مستطیع می‌شود، حج بر او واجب می‌شود؛ هرچند اجاره بر او واجب نبوده است، ولی بعد از

→ **آیه الله فاضل:** اگر اتمام واجب باشد باید نفقه اتمام حج را نیز بپردازد، اما وجوب اتمام در این فرض محل تأمل است.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب آن است که بعد از احرام رجوع نکند.

۱. **آیه الله زنجانی:** به حسب ظاهر وعده بذل حج، پول قربانی و کفاراتی که ارتکاب سبب آن از لوازم متعارف حج است - مانند استظلال در روزهای بسیار سرد - بر عهده باذل است؛ مگر آنکه تصریح به خلاف کرده باشد، ولی داشتن پول قربانی و دیگر کفارات، شرط استطاعت نیست، و اگر پول قربانی را بذل نکند چنانچه مبذول له تمکن از قربانی را نداشت باید روزه بگیرد، ولی در صورتی که روزه، برایش مشقت شدید یا از آن خوف ضرر دارد، مستطیع نیست.

آیه الله سبحانی: و اگر نپرداخت و فرد قادر بر قربانی باشد باید قربانی کند و در غیر این صورت حکم او حکم کسانی خواهد بود که قادر نیستند قربانی کنند بنابراین حتی در صورتی که باذل به تعهد خود در مورد قربانی عمل نکند باز حج بر مبذول له واجب می‌شود.

۲. **آیه الله مکارم:** احتیاط در غیر عمد، آن است که باذل بپردازد.

آیه الله نوری: اگر عمل موجب کفاره را از روی عمد و اختیار انجام داده باشد، و در غیر این صورت به عهده باذل است علی الأحوط.

۳. **آیه الله بهجت، آیه الله خویی:** مگر در صورتی که خود توانایی خرید آن را از مال خود داشته باشد، بلی اگر پرداخت پول قربانی موجب ناراحتی مالی او شود، قبول بر او واجب نخواهد بود.

آیه الله تبریزی: مگر در صورتی که بتواند بدون حرج بدل هدی روزه بگیرد.

آیه الله سبحانی: مگر در صورتی که خود توانایی خرید آن را از مال خود داشته باشد، و در غیر این صورت حکم او حکم کسانی خواهد بود که قادر بر قربانی نیستند [یعنی باید بدل قربانی که روزه است را بیاورد].

آیه الله سیستانی: در وجوب حج بر گیرنده، در این صورت اشکال است، مگر در صورتی که خود توانایی خرید آن را از مال خود داشته باشد، بلی اگر پرداخت قیمت قربانی موجب حرج و مشقت باشد قبول بر او واجب نخواهد بود.

آیه الله فاضل: واجب می‌شود لکن پول قربانی بر عهده باذل است.

آن مستطیع می‌شود و باید حج به جا آورد.^۱

[۳۸] م - کسی که برای نیابت از دیگری اجیر شد و با اجرت آن مستطیع گشت در صورتی که استیجار برای سال اول باشد باید حج نیابی را مقدم بدارد^۲ و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج به جا آورد.

[۳۹] م - شرط است در استطاعت که مخارج عائله‌اش را تا برگشت از حج داشته باشد هرچند عائله واجب النفقه او نباشند.^۳

۱. **آیه الله بهجت:** و همچنین اگر در اجاره برای او شرط شد تأمین زاد و راحله و نفقه عیال، قبول واجب نیست، ولی اگر قبول کرد مستطیع می‌شود به استطاعت مالیه در هر دو صورت، نه بذلیه، پس دین مانع از آن است مگر آنکه علی ای تقدیر متمکن از ادای دین نباشد و فقط به این اجاره مشروطه، مالک گذراندن امور خود در مصاحبت اهل حج باشد که در حکم استطاعت بذلیه است ولی باز قبول استیجار واجب نیست.

آیه الله خامنه‌ای: به شرط آنکه انجام مناسک حج مزاحم با خدماتی که برای آن اجیر شده نباشد.

آیه الله زنجانی: مگر در صورتی که نتواند با انجام خدمت اعمال حج را به جا آورد.

آیه الله سبحانی: در صورتی که آن مبلغ برای اداره زندگی او و خانواده‌اش در مدت حج کافی باشد؛ همچنین است کسانی که حج آنها در برابر خدمتشان عرضه می‌شود مانند طبیب کاروان، خدمه و مدیر و روحانی و سایر عوامل، حج چنین افرادی از حجة الاسلام کفایت می‌کند، هرچند قبول بر آنها واجب نیست.

۲. **آیه الله بهجت:** اما اگر حج نیابتی مقید به همان سال نباشد، حج خود را مقدم بدارد.

آیه الله تبریزی: اما اگر مقید به همان سال نباشد و برای او محرز است که می‌تواند حج نیابی را در سال‌های بعد به جا آورد، حج خودش را مقدم کند و الا باید حج نیابی را مقدم بدارد.

آیه الله زنجانی: و بعد از آن در اولین سالی که می‌تواند برای خودش حج به جا آورد و اگر راه انجام حج خود منحصر به حفظ این اجرت باشد نمی‌تواند آن را در کار دیگری مصرف کند مگر آنکه نیاز مبرمی پیش آید پس اگر پول را در آن خرج کرد از استطاعت خارج می‌شود و اما اگر حج نیابی مقید به همان سال نباشد چنانچه برای او محرز است که می‌تواند حج نیابی را در سال‌های بعد به جا آورد، حج خودش را مقدم کند و الا باید حج نیابی را مقدم بدارد.

آیه الله سیستانی: و اما اگر حج نیابی مقید به همان سال نباشد، باید حج خود را مقدم بدارد، مگر اینکه برای او وثوق حاصل شود که در سال‌های آینده حج را انجام خواهد داد، که در این صورت واجب نیست حج خود را مقدم بدارد.

۳. **آیه الله بهجت:** در عیال غیر واجب النفقه و مصارف لازمه برای حفظ شأن، احوط رعایت عسر و حرج است؛ یعنی نه اقتصار بر فقط مقداری که بر او واجب شرعی است می‌کند و نه انتظار تمکن از هر چه عرفیت دارد می‌کشد. پس تحقق استطاعت منوط به دارا بودن مقداری است که اگر نباشد لازمه‌اش عسر و حرج است. ←

[۴۰] م - شرط است در استطاعت، رجوع به کفایت^۱؛ یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک، مثل باغ و دکان داشته باشد به طوری که برای زندگانی به شدت و حرج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لایق به حالش هم داشته باشد کافی است، و اگر بعد از مراجعت، نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیه داشته باشد کفایت نمی‌کند^۲، بنابراین بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از

→ آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: داشتن مخارج عائله غیر واجب النفقه شرعی، شرط نیست مگر اینکه با ترک انفاق بر آنها خودش به حرج می‌افتد.

آیه الله زنجانی: در استطاعت شرط است که انجام حج سبب اختلال در تأمین زندگی کسانی که عرفاً یا شرعاً واجب النفقه او هستند، نباشد و لازم نیست مخارج آنها را بالفعل داشته باشد بلکه کافی است که بتواند بدون آنکه به حرج بیفتد آن را تأمین نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و عرفاً ملتزم به پرداخت نفقه آنها شده باشد؛ مثل خواهر و برادر، باید نفقه آنها را هم داشته باشد.

۱. **آیه الله بهجت:** اظهار اعتبار رجوع به کفایت است؛ به این معنا که به سبب حج، از غنا به فقر یا از فقر به اوسع از آن، واقع نشود.

آیه الله زنجانی: رجوع به کفایت به این معنی در استطاعت شرط است که حج، مستلزم اختلال در زندگی او نباشد مثلاً اگر حج باعث از دست دادن تنها محل درآمد زندگی کسی شود مستطیع نیست.

آیه الله سبحانی: یعنی حج گزار گذشته از داشتن هزینه‌های سفر حج، پس از بازگشت ابرومندان زندگی کند و اگر پس از بازگشت با عسرت و سختی زندگی کند، چنین فردی مستطیع نمی‌باشد.

۲. **آیه الله بهجت:** اگر زندگی آنها با وجوهات، بر حسب عادت بدون مشقت مضمون و حتمی باشد. در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد حج بر او واجب است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کسی که از وجوه شرعیه، مانند خمس و زکات و امثال اینها زندگی خود را اداره می‌کند و بر حسب عادت مخارجش بدون مشقت، مضمون و حتمی باشد، در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد، بعید نیست حج بر او واجب باشد، و همچنین است کسی که شخص دیگر در تمام مدت زندگی او، مخارجش را متکفل باشد و همچنین کسی که اگر آنچه دارد در راه حج صرف کند زندگی بعد از حجش با قبل از آن تفاوتی نکند.

آیه الله خامنه‌ای: طلاب علوم دینی اگر بعد از مراجعت از حج زندگی آنها با شهریه حوزه‌های علوم دینی اداره یا تکمیل می‌شود، کافی است.

آیه الله زنجانی: نیاز به وجوه شرعیه، مانع استطاعت نیست؛ مگر در مورد کسانی که انجام حج، آنها را مجبور به ارتزاق از وجوه شرعیه می‌کند و این امر، مناسب شأن آنها نبوده یا وجوه شرعیه به مقدار کافی در اختیار آنها نباشد. ←

حج نیاز به شهریه حوزه‌های علمیه دارند، حج واجب نیست.

[۴۱] م - شرط است در وجوب حج، استطاعت بدنی و استطاعت از جهت باز بودن راه و استطاعت زمانی، پس بر مریضی که قدرت رفتن به حج [را] ندارد یا بر او حرج و مشقت زیاد دارد، واجب نیست^۱ و بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ

→ **آیه الله سبحانی:** کسی که زندگی او با وجوه شرعیه اداره می‌شود در صورتی که دارای مقداری پول گردد که برای هزینه حج و مخارج عیالش تا زمان مراجعت کافی باشد، حج بر او واجب می‌شود و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

آیه الله صافی: ولی رعایت احتیاط به اینکه به نحوی خود را واجد شرط استطاعت نماید، ترک نشود. **آیه الله فاضل:** و همچنین اگر از طریق زکات یا خمس و یا استعطاء، امور خود را اداره کند، کافی است و همچنین کسی که آنچه دارد در راه حج خرج کند زندگی او قبل و بعد از حج تفاوتی نکند، حج بر او واجب می‌شود و نیز بر طلاب که با شهریه اداره می‌شوند؛ چنانچه هزینه حج و مخارج خانواده خود را داشته باشند یا به عنوان روحانی مشرف شوند حج واجب است و از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

آیه الله گلپایگانی: افرادی که از وجوه خاصی مثل سهم سادات و وجوه شرعیه و نذورات استفاده می‌کنند؛ مانند طلاب و سادات و اشخاص دیگری که مورد توجه مردم هستند، در صورتی که هزینه حج و مخارج عیالات را تا بازگشت داشته باشند، بعید نیست که حج بر آنان واجب باشد.

آیه الله مکارم: برای طلاب و مانند آنها حج واجب می‌شود.

۱. **آیه الله بهجت:** در صورت یأس از خوب شدن، استنباه می‌کند، به نحو فوری بنا بر اظهر.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط باید نایب بگیرد و وجوب آن فوری است مگر اینکه اطمینان به تمکن از مباشرت در سال‌های بعد داشته باشد.

آیه الله خویی: بر مریض یا شخصی که استطاعت مالی دارد ولی از تمکن از رفتن به حج ناامید است یا بر او حرجی است واجب است نایب بگیرد و وجوب آن فوری است.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۲۳ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: بر مریض در صورت یأس از خوب شدن، واجب است نایب بگیرد و وجوب آن فوری است و اگر پس از انجام حج توسط نایب، حال منوب عنه خوب شد، حج نیابتی کفایت می‌کند و نیاز به اعاده حج ندارد (استطاعت بدنی شرط مباشرت است نه شرط وجود).

آیه الله سیستانی: اگر امید به تمکن از حج بدون حرج و مشقت بعد از آن هم نداشته باشد در این فرض گرفتن نایب واجب است و وجوب آن فوری است.

آیه الله صافی: اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صحت بدن استطاعت ندارد و امید خوب شدن ندارد، واجب است نایب بگیرد. ←

است؛ به طوری که نمی‌تواند به حج برسد نیز واجب نیست.

[۴۲] م - اگر با وجود شرایط استطاعت، حج را ترک کرد، حج بر او مستقر می‌شود و باید بعداً به هر نحو که می‌تواند به حج برود.^۱

[۴۳] م - مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمی‌کند، مگر در مورد مریض یا پیر، به شرحی که بعداً بیان می‌شود.^۲

[۴۴] م - کسی که خودش مستطیع است نمی‌تواند از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج استحبابی به جا آورد، و اگر حج نیابی یا استحبابی به جا آورد باطل است.^۳

→ **آیه الله گلپایگانی:** اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صحت بدن استطاعت ندارد و امید خوب شدن ندارد، واجب است نایب بگیرد در صورتی که حج بر او مستقر شده، و اگر حج بر او مستقر نشده باشد، نایب گرفتن مطابق احتیاط است، اگرچه امید به زوال عذر هم وجود داشته باشد.

۱. **آیه الله بهجت:** هر وقت قدرت پیدا نمود، فوراً باید به جا آورد ولو استطاعت شرعیه زایل شده باشد.

آیه الله تبریزی: مگر جاهل قاصر بوده باشد و در صورت استقرار هم اگر رفتن به حج حرجی شود واجب نیست.

آیه الله خویی: مگر غافل از وجوب حج بوده و در غفلت خود معذور باشد که در این صورت حج بر او مستقر نیست و در صورت استقرار باید به هر نحو که ممکن باشد حج برود مگر اینکه حرجی باشد.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۳ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: چنانچه شرایط استطاعت در او جمع باشد هر چند مشقت‌زا و حرجی باشد، ولی اگر فعلاً استطاعت بدنی ندارد مثلاً مریض است و یا آن‌گونه حرجی است که از حالت استطاعت بدنی خارج است، باید نایب بگیرد.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل به حصول استطاعت یا غافل از آن باشد، یا جاهل به وجوب حج یا غافل از آن باشد، و در این جهل و غفلت معذور باشد.

آیه الله فاضل: چنانچه تا پایان اعمال حج، شرایط استطاعت باقی باشد، در این صورت باید حج را انجام دهد مگر اینکه انجام حج حرجی باشد، که در این فرض از خودش ساقط است، و در این صورت باید از ترکه او - ولو از میقات - نایب بگیرد، یا شخصی تبرعاً حج او را انجام دهد.

۲. **آیه الله زنجانی:** به شرحی که در ذیل مسئله ۲۳ گذشت.

آیه الله سبحانی: مگر اینکه بیماری داشته باشد که از بهبودی آن مایوس باشد و یا ناقص العضوی که انجام اعمال و مناسک برای او حرجی باشد و یا پیر باشد که انجام حج برای او غیر ممکن یا مشقت‌زا و حرجی باشد.

۳. **آیه الله بهجت:** حج نایب، صحیح و ذمه منوب عنه بری می‌شود. ←

[۴۵] م - کسی که حج بر او مستقر شد و به جا نیاورد تا فوت شد، باید از ترکه او برایش حج بدهند و حج میقاتی کفایت می‌کند و تا حج او را ندهند، ورثه نمی‌توانند در ترکه تصرف نمایند^۱ و لازم است در همان سال فوت، حج را ادا نمایند و تأخیر از آن

→ **آیه الله تبریزی:** اگر حج نیایی به جا آورد، حجش صحیح است و ذمه منوب عنه بری می‌شود ولی در فرضی که واقعاً بر او حج واجب بوده ولو نسبت به آن جاهل باشد، اجاره باطل است و نایب استحقاق اجرة المثل را دارد مگر بیشتر از اجرة المسمی باشد و اگر حج استحبابی برای خودش انجام دهد، در صورت علم به استطاعت خود و عدم صحت حج استحبابی، حج او باطل است و در غیر این صورت حجش صحیح و مجزی از حجة الاسلام می‌باشد.

آیه الله خامنه‌ای: اما اگر نایب از واجب بودن حج بر خود بی‌خبر باشد، بعید نیست که حج نیایی او صحیح باشد. **آیه الله خویی:** در صورت تنجز وجوب حج بر نایب اجاره باطل است، مگر اینکه اجاره مطلق باشد که بتواند اول برای خودش حج به جا آورد و بعد از آن حج منوب عنه را و در فرض بطلان اجاره، اجیره مستحق اجرة المثل است مگر اینکه اجرة المثل بیشتر از اجرة المسمی باشد و اگر مستطیع، حج استحبابی برای خودش انجام دهد، با اینکه می‌داند مستطیع است، گرچه حجش صحیح است ولی مجزی از حجة الاسلام نمی‌باشد. **آیه الله زنجانی:** و اگر حج نیایی به جا آورد باطل است مگر در صورتی که انجام حجة الاسلام خود در امسال بر او واجب نباشد به تفصیلی که در ذیل مسئله ۳۸ گذشت و اگر حج استحبابی به جا آورده باطل است. **آیه الله سبحانی:** کسی که خودش مستطیع است جایز نیست در همان سال نیابت بپذیرد و اگر حج نیایی انجام داد باطل است و ذمه منوب عنه فارغ نمی‌شود، ولی در صورت جهل به استطاعت ذمه منوب عنه فارغ شده و در مورد اجرت با مستأجر مصالحه کند.

آیه الله سیستانی: کسی که ذمه‌اش مشغول به حج واجب است و متوجه است، جایز نیست در همان سال نیابت بپذیرد ولی اگر حج نیایی انجام داد صحیح است و ذمه منوب عنه فارغ می‌شود، اما اجاره باطل است و مستحق اجرت المثل است و قصد حج استحبابی برای خودش اثری ندارد و حجة الاسلام محسوب می‌شود مگر قصدش به نحوی باشد که به قصد قربت خلل ایجاد کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صحت آن اشکال است و احتیاط ترک نشود، عالم باشد و یا جاهل. **آیه الله فاضل:** حج او صحیح است هر چند معصیت کرده است.

آیه الله مکارم: حج نیابتی او صحیح است، هر چند گناه کرده است و حج استحبابی او حج محسوب می‌شود. ۱. **آیه الله بهجت:** ورثه پیش از استیجار برای حج، می‌توانند در ترکه تصرف کنند در صورتی که قصد استیجار داشته باشند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسی که مرده و حجة الاسلام بر او بوده، ورثه پیش از استیجار برای حج نمی‌توانند در ترکه تصرف کنند، خواه هزینه حج برابر ترکه باشد یا کمتر از آن، بنا بر احتیاط، بلی اگر ترکه خیلی زیاد باشد و ورثه ملتزم به ادای حج شوند، می‌توانند تصرف کنند. ←

جایز نیست^۱، و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می‌شود^۲، و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادت از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند^۳،

→ **آیه الله زنجانی:** البته این در صورتی است که بترسند با تصرف در ترکه استیجار حج فوت شود یا به تأخیر افتد.

آیه الله سیستانی: برای ورثه جایز نیست تا زمانی که ذمه او به حج مشغول است؛ به طوری در میراث تصرف نمایند که منافی با قضای حج میت از میراث باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حتی در صورتی که ترکه بیش از مخارج حج باشد، بنا بر احتیاط واجب تصرف در اموال میت جایز نیست.

آیه الله فاضل: بلی اگر ترکه بیشتر از مخارج حج باشد بهتر است تصرف نکنند.

آیه الله مکارم: مگر اینکه بنای قطعی بر ادای حج داشته باشد، در این صورت تصرف جایز است.

۱. **آیه الله سبحانی:** هزینه حج او را از ترکه قبل از تقسیم بردارند و کافی است در این مورد به هزینه حج میقاتی اکتفا کنند مگر اینکه وصیت به حج بلدی کرده باشد و بر ورثه او لازم است که در همان سال نخست برای او حج نیایی بگیرند و هزینه مازاد بر حج نیایی را از ثلث ترکه میت بردارند.

آیه الله سیستانی: احوط این است که فوراً برای فارغ شدن ذمه او اقدام نمایند، هر چند با استیجار از ترکه، و اگر در همان سال استیجار از میقات میسر نشد، به احتیاط واجب باید از بلد استیجار کنند و تأخیر نیندازند هر چند بدانند در سال بعد، از میقات میسر می‌شود، ولی در این صورت مازاد بر اجرت حج از میقات راه، از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

۲. **آیه الله خامنه‌ای:** مگر آنکه وصیت کرده باشد که مخارج حج از ثلث پرداخت شود، و در این صورت عمل به آن، بر وصیای مستحب اولویت دارد و اگر ثلث مالش برای انجام آن کافی نباشد، کمبود آن از اصل مال برداشت می‌شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: مگر اینکه وصیت کند از ثلث خارج شود و ثلث کافی باشد و اگر کافی نباشد از سایر ترکه باید تکمیل شود.

آیه الله سبحانی: مگر آنکه وصیت کرده باشد که برای او حج بلدی بگیرند که در این صورت هزینه مازاد بر حج میقاتی را از ثلث میت بپردازند.

آیه الله مکارم: مگر اینکه وصیت کند از ثلث خارج شود.

۳. **آیه الله بهجت:** دین مقدم است حتی بر وصیت ولی در زاید باید با اجازه ورثه باشد و بنا بر احتیاط زاید را بین غیر صغار تقسیم نمایند.

آیه الله سبحانی: در هر صورت مازاد بر حج میقاتی را از ثلث بدهند مگر اینکه ورثه راضی نشوند از اصل داده شود.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب، ولی مازاد بر اجرت متعارف را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

و اگر وصی یا وارث اهمال کند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامنند،^۱ بلی اگر میت ترکه نداشته باشد، بر وارث، حج او واجب نمی‌شود.

مسائل متفرقه استطاعت

[۴۶] م - اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او، از ارث شوهر، استطاعت مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود، در صورتی که مرض او به نحوی است که قدرت بر رفتن به حج ندارد، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست^۲ و همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند نداشته باشد، مستطیع نمی‌شود، هرچند ارثی که برده، برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد.^۳

[۴۷] م - زنی که مهریه‌اش وافی برای منخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است، اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده‌ای ندارد، با فرض اینکه شوهر نفقه و منخارج زندگی زن را می‌دهد^۴، لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد؛ مثل اینکه ممکن است مطالبه، به نزاع^۵ و طلاق منجر

۱. **آیه الله زنجانی**؛ و اگر کسی که ترکه در اختیار اوست اهمال کند و ترکه از بین برود ضامن است، هرچند وصی یا وارث نباشد...

۲. تفضیل نظر **آیات عظام** در این مسئله، در ذیل مسئله ۴۱ گذشت.

آیه الله زنجانی؛ باید طبق تفصیلی که در ذیل مسئله ۲۳ گذشته نایب بگیرد.

۳. حکم رجوع به کفایت، در مسئله ۴۰ گذشت.

۴. **آیه الله زنجانی**؛ مستطیع است و باید به حج برود و اگر بدون مطالبه مهریه نمی‌تواند حج به جا آورد باید مهریه را مطالبه نماید و به حج برود.

۵. **آیه الله بهجت**؛ در صورتی که مطالبه مهر از شوهر ناراحتی و یا مشکلاتی در زندگی ایجاد نکند وی مستطیع است و مطالبه مهر منعی ندارد بلکه لازم است، ولی اگر موجب دردسر و ناراحتی برای وی شود و یا مراجعه به حاکم باعث منقصت شأن او گردد مطالبه لازم نیست. ←

شود که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است.

[۴۸] م - با وجوه شرعیه؛ مثل سهم امام و سهم سادات، شخص مستطیع نمی‌شود و اگر به مکه برود، کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.^۱

[۴۹] م - اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزان‌تر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زاید بر شئون او نباشد لازم نیست آن را بفروشد و با این فرض مستطیع نیست^۲ و اگر زاید بر

→ **آیه الله تبریزی:** اگر مطالبه مهریه موجب ناراحتی‌هایی شود که زن در زندگی‌اش به حرج و مشقت بیفتد، حج بر او واجب نیست.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: یعنی مطالبه بر او حرجی یا در آن خوف ضرر باشد. حج بر او واجب نیست.
آیه الله زنجانی: و همچنین در صورتی که مطالبه مهریه، موجب حرج یا آبروریزی زن می‌شود مستطیع نیست...

آیه الله سیستانی: اگر به حدی باشد که برای زن تحملش مشکل باشد.
آیه الله گلپایگانی: مجرد طلاق باعث عدم وجوب حج نیست. بله اگر صرف مهریه در حج موجب شود که زندگی او مختل شود حج بر او واجب نیست.

آیه الله مکارم: حتی اگر منجر به طلاق نشود ولی مشکلات مهمی در زندگی او حاصل گردد حج لازم نیست.
۱. **آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی:** کسی که مالی را که بتواند با آن حج به جا آورد، در اختیار دارد هر چند ملک او نباشد ولی تصرفش در آن جایز باشد با تحقق سایر شرایط مستطیع است.

آیه الله سبحانی: افرادی که سهم امام و سهم سادات از دیگران نزد آنها هست، باید این نوع اموال را به مصرف خود برسانند و نمی‌توانند هزینه حج را با آنها تامین کنند ولی اگر تملک او یا تصرف او در وجوه شرعیه به وجه صحیح صورت گرفته باشد مثل اینکه فقیه جامع الشرایط سهمی را در اختیار او قرار داده باشد با تحقق سایر شرایط، مستطیع می‌شود و حج او از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

آیه الله فاضل: چنانچه به عنوان شهریه یا از روی استحقاق و خدمات دینی از طریق حاکم شرع به او داده شده، مالک می‌شود و اگر به مقدار حج باشد مستطیع است و باید حجة الاسلام به جا آورد.

آیه الله مکارم: هرگاه در شأن او باشد مانعی ندارد و حج او صحیح است.
نظریه سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۰ گذشت.

۲. **آیه الله بهجت:** اگر استبدال ضرری یا حرجی باشد لازم نیست.

آیه الله خامنه‌ای: کسی که ضروریات زندگی از قبیل مسکن، لوازم خانه، وسیله نقلیه و ابزار کار و مانند آن را بیشتر از شأن خود دارد، اگر می‌تواند با فروش آنها و خرید مایحتاج زندگی‌اش، مقدار زائد را صرف مخارج ←

شئون او باشد^۱، با وجود سایر شرایط، مستطیع است.

[۵۰] م - کسی که از راه کسب یا غیر کسب مخارج رفتن و برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج، مقداری از مؤونه زندگی خود را از درآمد کسب؛ مثل منبر و بقیه را از شهریه‌ای که از وجوه شرعیه است تأمین می‌کند، اگر در راه اداره زندگی بعد از مراجعت از حج، نیاز به شهریه داشته باشد مستطیع نیست.^۲

[۵۱] م - اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند،^۳ در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمی‌شود، هرچند پولی که به دست آورده، برای مخارج حج کافی باشد.

→ حج کند و این کار موجب حرج و وهن و منقصت او نمی‌شود، و مقدار مازاد به اندازه مخارج حج و یا مکمل آن است، باید این کار را انجام دهد و مستطیع است.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: اگر فروش خانه سبب حرج و مشقت او نیست حج بر او واجب است. **آیه الله زنجانی:** چنانچه تبدیل آن به منزل ارزان تر مستلزم حرج و هتک حیثیت او نباشد، مستطیع است هرچند منزل کنونی، زائد بر شئون او نباشد.

آیه الله سبحانی: اگر به حسب شأن او مورد نیاز او باشد لازم نیست آن را بفروشد ولی بهتر است این کار را انجام دهد و با تفاوت قیمت به حج برود، البته چنانچه اقدام به فروش کرد و با تفاوت قیمت می‌تواند به حج برود و هم خانه مناسب شأن خود تهیه کند، در این صورت باید با باقیمانده پول به حج برود.

۱. **آیه الله سبحانی:** بهتر است بفروشد، ولی تا نفروخته حج بر او واجب نمی‌شود، مگر اینکه اقدام به فروش کند و خانه مناسب شأن تهیه نماید و سپس با باقیمانده پول به حج برود.

۲. تفصیل نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۴۰ بیان شد.

آیه الله سبحانی: قسمتی را که از طریق حقوق شرعی مانند زکات، سهم امام، سهم سادات در اختیار دارد اگر تصرف و تملکش به وجه صحیح صورت گرفته باشد، با تحقق سایر شرایط مستطیع می‌شود و اگر حج برود از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

۳. **آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی:** در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود، حج بر او واجب نمی‌شود، و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می‌شود.

آیه الله خامنه‌ای: در صورتی که منزل شخصی جزء نیازهای ضروری او باشد و یا مالکیت آن با موقعیت عرفی او مناسب است، با گرفتن پول زمین مستطیع نمی‌شود هرچند به مقدار مخارج حج و یا مکمل آن باشد.

آیه الله زنجانی: در صورتی که رفتن به حج مستلزم آن باشد که در تهیه منزل مسکونی مورد نیازش به حرج یا هتک حیثیت بیفتد، مستطیع نیست.

آیه الله مکارم: و قصد تهیه آن را داشته باشد.

[۵۲] م - اگر شخصی از سال‌های قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما، به جهت کسالت، برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نباشد، نمی‌تواند نایب بگیرد^۱ و باید در وقت تمکن به حج برود و اگر متمکن نشد تا فوت شد، باید از ترکه‌اش برای او حج بدهند و اگر از سال‌های قبل استطاعت نداشته، در فرض مزبور مستطیع نشده است.^۲

[۵۳] م - هرگاه زنی با کسب می‌تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت

۱. **آیه الله بهجت:** در صورت استقرار حج، با فرض یأس از زوال عذر، واجب است استنابه نماید و با امید زوال عذر، احوط جمع بین استنابه فوری و لوازم مناسب با احتیاط در آن است، و با زوال عذر احوط اعاده با مباشرت است و با تبدیل امید زوال عذر به یأس از آن احوط تجدید استنابه است و با استمرار عذر تا وقت وفات، احوط برای غیر مایوس قضای از او با تکرار استنابه است. و اما در صورت عدم استقرار حج، پس با فرض یأس از زوال عذر، اظهار وجوب فوری استنابه است و با امید زوال عذر، احتیاط مستحب این است که فوراً استنابه کند که با زوال عذر اعاده با مباشرت می‌نماید و احتیاط در بقیه بر همان نحو است که ذکر شد.

آیه الله تبریزی: اگر اطمینان به تمکن از مباشرت نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب است که برای خود نایب بگیرد و چنانچه می‌داند متمکن از مباشرت نمی‌شود باید نایب بگیرد و همچنین در فرض بعدی باید بنا بر احتیاط نایب بگیرد و وجوب نایب گرفتن مانند وجوب حج فوری است.

آیه الله خامنه‌ای: کسی که حج بر او مستقر شده، اگر بر اثر پیری یا بیماری قدرت رفتن به حج را ندارد و با برای او حرج و مشقت دارد و امیدی به بهبودی و قدرت پیدا کردن بر ادای حج بدون مشقت را - هرچند در سال‌های آینده - نداشته باشد، واجب است نایب بگیرد. ولی کسی که حج بر او مستقر نشده، واجب نیست نایب بگیرد.

آیات عظام خویی، سبحانی، سیستانی: اگر امید به تمکن از مباشرت نداشته باشد، واجب است که برای خود نایب بگیرد.

آیه الله زنجانی: اگر امید بهبودی ندارد باید برای انجام حج در اولین سال نایب بگیرد و الا باید خودش حج به جا آورد ولی فوریت آن ساقط است و می‌تواند حج را تا خوب شدن به تأخیر بیندازد و در هر حال اگر انجام نداد تا فوت شد باید برای او حج بدهند و اگر وصیت نکرده باشد از اصل ترکه او برداشته می‌شود و همچنین است حکم کسی که از سال‌های قبل استطاعت نداشته است.

آیه الله مکارم: اگر امید بهبودی نداشته باشد باید نایب بگیرد.

۲. تفصیل این مسئله در ذیل مسئله ۴۱ استطاعت گذشت.

می‌افتد، اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حرج برای زن نباشد^۱ مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر مانع استطاعت زن نمی‌شود.

[۵۴] م - کسی که در محل خودش مستطیع نیست، واجب نیست به حج برود، هرچند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر داشت مستطیع می‌شود و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

[۵۵] م - کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، سعی در رفتن به حج داشته و در قرعه‌کشی شرکت نموده و از جهت اینکه قرعه به نامش اصابت نکرده نتوانسته به حج برود، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست^۲، ولی اگر مسامحه کرد و تأخیر نمود و در سال‌های بعد در قرعه‌کشی شرکت کرد، حج بر او مستقر شده است هرچند قرعه به نام او اصابت نکند.^۳

۱. آیه الله زنجانی: موجب حرج یا آبروریزی برای زن نباشد...

آیه الله سبحانی: اگر به حج برود و شوهرش از نظر هزینه زندگی به زحمت می‌افتد باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر مانع از حج نمی‌شود.

آیه الله سیستانی: به حدی که تحملش برای او مشکل باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به نحوی که زندگی او مختل شود.

۲. آیه الله تبریزی: در صورتی که از رفتن به حج به صورت آزاد متمکن نباشد.

آیه الله خامنه‌ای: ولی اگر رفتن به حج در سال‌های بعد از آن منوط به نام‌نویسی و پرداخت مبلغی در این سال باشد، بنا بر احتیاط واجب باید به این کار اقدام کند.

آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال بدهد که بتواند راه حج را بر خود باز کند باید در اولین سال ممکن خودش حج به جا آورد و هرگاه از بازشدن راه حج ناامید شد باید نایب بگیرد.

آیه الله سبحانی: اگر راه معمول تشریف به حج، نام‌نویسی به روش مذکور و در نوبت ماندن باشد، باید ثبت‌نام کند و عدم اصابت قرعه رافع استطاعت نیست.

آیه الله مکارم: در صورتی که راه مشروع، منحصر به شرکت در قرعه‌کشی باشد.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم: مشروط بر اینکه مطمئن بوده که در مرحله قبل

قرعه به نامش اصابت می‌کرده. ←

[۵۶] م - کسی که برای حج نیابتی اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده؛ چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد، باید حج نیابتی را به جا آورد^۱ و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.

[۵۷] م - در حصول استطاعت فرقی نیست بین اینکه در ماه‌های حج یعنی شوال و ذی‌قعدة و ذی‌حجه مال پیدا کند یا قبل از آن، بنابراین اگر استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرایط موجود باشد نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند، حتی در اوائل سال و قبل از ماه‌های حج.^۲

→ **آیه الله زنجانی:** و در صورتی که تأخیر او از روی مسامحه نبوده - مثلاً از ثبت‌نام برای قرعه‌کشی اصلاً اطلاع نداشته است - حج بر او مستقر نشده است، مگر آنکه معلوم گردد که اگر می‌خواست می‌توانست حج به جا آورد.

آیه الله سیستانی: چنانچه می‌دانست در همان سال ثبت‌نام، قرعه به نام او اصابت می‌کرد، حج بر او مستقر است و چنانچه می‌دانست سال‌های بعد، قرعه به نام او اصابت می‌کرد، در فرضی که احتمال عروض مانع دیگری، از انجام حج را در سالی که قرعه به نام او اصابت می‌کرد، نمی‌داد، بنا بر احتیاط واجب، لازم بود ثبت‌نام کند و در این فرض که ثبت‌نام نکرده، بنا بر احتیاط واجب حج بر او مستقر می‌شود.

۱. **آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی:** اگر استطاعت به سبب اجیر شدن برای حج نیابتی پیدا کرد، مطابق متن عمل کند، ولی اگر از راه دیگر استطاعت پیدا کرد کشف از بطلان اجاره می‌شود و باید حج خود را به جا آورد.

آیه الله خامنه‌ای: کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و سپس بعد از عقد اجاره به واسطه مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده، اجاره باطل است، و در غیر این صورت، باید حج استیجاری را در سال بعد به جا آورد.

آیه الله زنجانی: باید مطابق مسئله ۳۸ و ذیل آن عمل نماید.

آیه الله سیستانی: اگر وثوق داشته باشد که در سال آینده می‌تواند برای خود به جا آورد یا استطاعت او به مال الاجاره باشد، پس اجاره صحیح است و به مقتضای آن عمل نماید. و اگر وثوق ندارد و استطاعت او به غیر مال الاجاره، است در این صورت اجاره باطل است و باید برای خودش حج نماید.

۲. نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۲۳ و ۲۴ گذشت.

[۵۸] م - خدمه کاروان‌ها که وارد جده می‌شوند، اگر سایر شرایط استطاعت را دارند؛ از قبیل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه و رجوع به کفایت، مثلاً کار و صنعت و غیر آن، که با آنها می‌توانند پس از مراجعت ادامه زندگی مناسب خود را بدهند، مستطیع هستند^۱ و باید حجة الاسلام به جا آورند و کفایت از حج واجب آنان می‌کند و چنانچه سایر شرایط را ندارند به مجرد امکان حج، برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبابی است و چنانچه بعداً استطاعت پیدا کردند، باید حج واجب را به جا آورند و حکم روحانی کاروان نیز همین است لیکن اگر بعد از مراجعت از مکه نیاز به شهریه حوزه دارند مستطیع نمی‌شوند.^۲

[۵۹] م - پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده‌اند و در میقات جامع شرایط استطاعت هستند، واجب است حجة الاسلام به جا آورند^۳، هرچند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند.

۱. **آیه الله خویی:** اگر حج موجب تفاوت در زندگی آنان نباشد وجوب آن بعید نیست.
- آیه الله زنجانی:** کارگزاران حج بعد از قبول مأموریت چنانچه تشریف به حج، زندگی آنها را مختل نکند و با مأموریت آنها منافات نداشته باشد، با داشتن سایر شرایط مستطیع هستند.
- آیه الله سبحانی:** کسانی که حج بر آنها در برابر خدمتشان عرضه می‌شود مانند طبیب کاروان، خدمه، مدیر، روحانی و سایر عوامل، حج چنین افرادی از حجة الاسلام کفایت می‌کند. هرچند قبول بر آنها واجب نیست.
۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۰ گذشت.
- آیه الله مکارم:** در تمام مواردی که افراد به عنوان خدمه یا روحانی یا غیر آن به حج می‌روند، چنانچه زندگی خانواده آنها در همان مدت تأمین باشد حجتان حجة الاسلام و تأمین زندگی آنها در بازگشت شرط نیست.
۳. **آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی:** باید حجة الاسلام به جا آورند، مگر آنکه مأموریت به گونه‌ای باشد که نتوانند به وظایف عمل کنند.
- آیه الله خامنه‌ای:** به شرط آنکه ادای مناسک حج مزاحم با خدماتی که برای آن اجیر شده‌اند نباشد.
- آیه الله فاضل:** مگر اینکه مأموریت آنها مشروط به عدم احرام برای حج تمتع باشد، یا عمل به مأموریت مانع از انجام اعمال حج باشد که در این دو صورت حج واجب نیست، بلی اگر مخالفت کردند و حج انجام دادند هرچند مرتکب معصیت شده‌اند ولی حج آنها صحیح است و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

استفتائات استطاعت

[۶۰] س - کسی در مدینه مریض شده (سکته کرده) و فعلاً در بیمارستان است و دکترها گفته‌اند که باید تا دو هفته استراحت کند، آیا بعد از مدت استراحت در صورتی که حمل او برای انجام دادن اعمال مشکل باشد، اگر او را به مکه ببرند وظیفه این شخص چیست؟

ج - اگر سال اول استطاعت او است و قدرت اعمال، حتی به نحو اضطراری را ندارد، از استطاعت افتاده و حج بر او واجب نیست^۱، ولی برای دخول مکه باید مُحرم شود و با انجام اعمال عمره مفرده ولو اضطراری آن، از احرام خارج می‌شود، و چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج بر او مستقر شده، اگر مأیوس از خوب شدن باشد باید نایب بگیرد که برایش عمره و حج تمتع انجام دهد و خودش برای دخول مکه مُحرم شود و عمره مفرده به طوری که ذکر شد به جا آورد، و چنانچه برای

۱. آیه الله بهجت: گذشت حکم استنابه در مسئله ۵۲.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط باید نایب بگیرد و وجوب آن فوری است مگر اینکه اطمینان به تمکن از مباشرت در سال‌های بعد داشته باشد.

آیه الله خویی: اگر توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد ولو به اینکه برای بعضی اعمال نایب بگیرد، از استطاعت افتاده است. ولی اگر ثروتمند است و دیگر هیچ گاه توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد و یا مشقت دارد، باید برای حج نایب بگیرد و وجوب نایب گرفتن، مانند وجوب حج، فوری است.

آیه الله زنجانی: در صورت حرج یا ضرر شدید فعلاً وظیفه‌ای ندارد و باید مطابق ذیل مسئله ۶۴ عمل نماید.
آیه الله سبحانی: اگر تمکن مالی برای استنابه ندارد از استطاعت خارج شده لیکن اگر متمکن است و امید بهبودی او نیست باید استنابه کند.

آیه الله سیستانی: اگر توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد و نایب هم نمی‌تواند بگیرد، از استطاعت افتاده است ولی اگر تمکن مالی دارد و توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد یا دشوار و با مشقت است و امید به بهبودی ندارد باید نایب بگیرد.

آیه الله صافی: اگر ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند، بنا بر اظهر باید نایب بگیرد.

آیه الله گلپایگانی: اگر ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند، بنا بر احتیاط باید نایب بگیرد.

این شخص انجام اعمال حج تمتع ممکن باشد، ولو به نحو اضطرار و انجام اضطراری اعمال، لازم است مُحرم شود و هر مقدار از اعمال را که می‌تواند ولو با کمک گرفتن از دیگری انجام دهد، و هر مقدار را که نمی‌تواند، نایب بگیرد ولی در وقوفین، گرفتن نایب کافی نیست.

[۶۱] س - کسی که احتمال می‌دهد حجی که در سال‌های قبل انجام داده، صحیح نبوده یا مستطیع نبوده است و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، حج را به چه نیتی به جا آورد؟

ج - می‌تواند قصد ما فی الذمه؛ یعنی قصد امتثال مطلق امر متوجه به او را کند^۱ و می‌تواند قصد حَجَّة الاسلام احتیاطاً نماید.

[۶۲] س - شخصی که حج واجب خود را انجام داده است آیا می‌تواند آن را به قصد ما فی الذمه اعاده کند؟

ج - مانع ندارد^۲ ولی اعاده حج کفایت از اجزاء - در صورت صحت حج سابق و بطلان اجزاء - نمی‌کند و باید خود آن جزء تدارک شود.

[۶۳] س - کسی که با وجود تقلید صحیح، قبلاً به حج مشرف شد و چون رجوع به کفایت را مجتهد او شرط استطاعت نمی‌دانسته حَجَّة الاسلام قصد نموده و به جا آورده است با اینکه رجوع به کفایت نداشته است، فعلاً همه شرایط استطاعت برای او موجود است و از حضرت امام تقلید می‌کند آیا باید حج سابق را اعاده کند یا خیر؟

ج - اعاده لازم است.^۳

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، سبحانی: در این مسئله و مسئله بعد، قصد امتثال امر فعلی را بنماید.

۲. آیه الله مکارم: اگر حج خود را به طور صحیح انجام داده وجهی برای اعاده آن نیست.

آیه الله نوری: مانع ندارد مطلقاً.

۳. آیه الله بهجت: به معنایی که برای رجوع به کفایت، در ذیل مسئله ۴۰ گذشت مراجعه فرمایید.

آیات عظام تبریزی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: اعاده لازم نیست.

[۶۴] س - شخصی بعد از انجام عمره تمتع مریض شد و از انجام حج منصرف شد و به ایران رفت و در مکه کسی را وکیل کرده که برای فراغ ذمه او اقدام نماید، وظیفه در این مورد چیست و آیا محرّمات احرام بر چنین شخصی چه وضعی دارد؟

ج - در فرض مسئله، وکیل گرفتن بی فایده است و چنانچه سال اول استطاعت او بوده است و در اثر مرض از قدرت انجام حج افتاده باشد در این صورت وجوب حج بر او موقوف است به بقای استطاعت تا سال‌های بعد^۱، ولی در صورتی که سال اول استطاعت نبوده و حج بر او از قبل واجب بوده است، چنانچه مایوس از خوب شدن باشد باید در همان سال^۲ یا سال بعد برای حج و عمره تمتع نایب بگیرد، و در صورتی

۱. آیه الله بهجت: برای حکم استنباه، به مسئله ۵۲ مراجعه شود. و عمره او مفرد می‌شود و احتیاطاً باید طواف نساء به جا آورد.

آیه الله تبریزی، آیه الله گلپایگانی: مگر آنکه ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند، پس بنا بر احتیاط باید نایب بگیرد.

آیه الله خویی: مگر آنکه ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند یا برای او مشقت داشته باشد و امید به بهبودی نداشته باشد که در این صورت باید برای حج نایب بگیرد. و وجوب نایب گرفتن مانند وجوب حج فوری است.

آیه الله زنجانی: اگر برای حج مجدد نیز استطاعت مالی داشته یا از سال‌های قبل استطاعت مالی داشته باشد باید در اولین فرصت حج به جا آورد، و اگر از بهبودی مایوس است نایب بگیرد؛ ولی چنانچه به مصرف کردن این مال، نیاز مبرمی پیدا کرد و مال را مصرف نمود از استطاعت می‌افتد.

آیه الله سبحانی: اگر بازگشت برای او مقدور نیست احتیاطاً باید برای طواف نساء نایب بگیرد و در صورتی که ثروتمند باشد و امید به بهبودی نداشته باشد برای حج نیز نایب بگیرد.

آیه الله سیستانی: اگر از انجام حج متمکن نبوده، وظیفه او بنا بر احتیاط واجب این بوده است که عمره تمتع را بدل به عمره مفرد کند و طواف نساء را انجام دهد، و اکنون اگر بازگشت برای او مقدور نیست احتیاطاً باید برای طواف نساء نایب بگیرد.

آیه الله صافی: مگر آنکه ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند، پس بنا بر اظهر باید نایب بگیرد.

۲. آیه الله فاضل: و اگر نشد سال بعد.

آیه الله مکارم: در همان سال و اگر ممکن نشد در سال‌های بعد.

که مایوس از خوب شدن نباشد^۱ نمی تواند نایب بگیرد و باید خودش حج و عمره تمتع را مجدداً انجام دهد، و در هر صورت فعلاً از احرام خارج و محرمات احرام بر او حلال شده است.

[۶۵] س - در حال حاضر، که هر کسی بخواهد حج مشرف شود باید قبلاً برای ثبت نام و مقدمات حج اقدام نماید، اگر کسی ثبت نام کرد ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شد و پول قرض کرد و به مکه رفت، آیا حج او حجة الاسلام است یا خیر؟
ج - اگر قبلاً حج بر او مستقر نشده و فعلاً هم نمی تواند به حج برود مگر با قرض، حج بر او واجب نشده است، و حج او حجة الاسلام نیست.^۲

[۶۶] س - اگر کسی به خیال اینکه استطاعت دارد، به قصد عمره تمتع مُحرم شد و به ترتیب کلیه اعمال حج تمتع حجة الاسلام را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد که مستطیع نبوده است، بفرمایید احرام و اعمال گذشته اش چگونه است و نسبت به آینده اگر مستطیع شد، آیا حجة الاسلام بر او واجب است یا نه؟
ج - مُحرم نیست^۳، ولی اگر مستطیع شد باید حجة الاسلام به جا آورد.

۱. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط در این صورت هم نایب بگیرد و اگر بعداً رفع عذر شد و دارای شرایط بود احتیاطاً خودش نیز حج را انجام دهد.
۲. تفصیل نظر آیات عظام نسبت به حکم قرض گرفتن در ذیل مسئله ۲۰ گذشت.
۳. آیه الله بهجت: اگر به قصد انجام وظیفه فعلیه بوده حج صحیح استحبایی هم می باشد.
آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی: حجت صحیح است ولی کفایت از حجة الاسلام نمی کند.
آیه الله خامنه ای: اگر به قصد انجام وظیفه فعلیه بوده، حج صحیح و استحبایی است.
آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۳۲ مراجعه شود.
آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: احرام او صحیح و حج او مستحبی است و کفایت از حجة الاسلام نمی کند.
آیه الله نوری: اگر به قصد تقیید بوده احرام واقع نشده، و اگر خطا در تطبیق بوده احرام حج مستحب واقع شده و احرام صحیح بوده و از آن خارج شده، ولی مجزی از حجة الاسلام نیست.

[۶۷] س - کسی خیال می‌کرد، مستطیع نیست، به نیت استحباب مُحرم شد و اعمال عمره تمتع را انجام داد، بعد در مکه پرسید، معلوم شد مستطیع بوده است، آیا مجدداً باید به نیت وجوب مُحرم شود یا کافی است؟

ج - کفایت نمی‌کند، و در صحت حج ندبی او تأمل است.^۱

[۶۸] س - شخصی برای زیارت سوریه ثبت‌نام کرده و فعلاً سه هزار رویه به دست آورده است و خرج حج بیت الله هم همین مقدار می‌شود، آیا رفتن حج واجب است یا می‌تواند به زیارت سوریه برود؟

۱. **آیه الله بهجت:** اگر به قصد امر فعلی بوده، اگرچه اعتقاد ندبیت آن را داشته، اظهار صحت و اجزاء از حجة الاسلام است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مجزی از حجة الاسلام است و نیاز به احرام جدید نیست.

آیه الله خامنه‌ای: اگر شخص مستطیع با اعتقاد به اینکه مستطیع نیست قصد حج استحبابی کند، و بعد معلوم شود که مستطیع بوده، کفایت آن از حجة الاسلام محل اشکال است و بنا بر احتیاط، واجب است در سال بعد حج را به جا آورد، مگر آنکه به توهم اینکه وظیفه فعلیه او امتثال امر استحبابی است، قصد امتثال امر فعلی شارع مقدس را داشته باشد که در این صورت کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

آیه الله زنجانی: حج استحبابی او صحیح است و باید در اولین فرصت، حجة الاسلام خود را به جا آورد.

آیه الله سبحانی: هرگاه به نیت امر فعلی محرم شده باشد از عمره تمتع کفایت می‌کند و در غیر این صورت احتیاط کند بدین‌گونه که طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و آن را عمره مفرده قرار دهد و سپس به یکی از مواقیت رفته و اگر نشد به ادنی الحل و سپس برای عمره تمتع واجب محرم شود و اعمال آن را انجام دهد سپس اعمال حج تمتع را به جا آورد.

آیه الله سیستانی: چنانچه کسی به اعتقاد اینکه مستطیع نیست به عنوان استحباب، به حج رفت و قصد اطاعت امری که فعلاً متوجه او است را نمود و بعداً معلوم شد مستطیع بوده، حجش کفایت می‌کند و حج دیگری بر او واجب نیست.

آیه الله صافی: در صحت آن اشکال است و احتیاط ترک نشود.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: اگر تقیید به استحباب داشته، و اگر به نحو خطا در تطبیق بوده، صحیح و کافی است.

آیه الله گلپایگانی: مگر اینکه قصد کرده باشد حجی را که بر اوست و اشتبهاً گمان کرده استحبابی است، که در این صورت بعید نیست کفایت کند.

آیه الله مکارم: بلکه کفایت می‌کند.

ج - اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد باید به حج برود.^۱

[۶۹] س - در قباله‌های کنونی برای ازدواج، مبلغ زیادی نوشته می‌شود، آیا زنی که می‌خواهد ازدواج کند طبق برنامه مذکور واجب الحج می‌شود یا خیر؟ ضمناً مشخص فرمایید مبلغ چقدر باشد بهتر است؟

ج - اگر بدون مفسده بتواند مهر را بگیرد و به حج برود مستطیع است، و مهرالسنة بهتر است و استحباب دارد.^۲

[۷۰] س - اگر پدری بعد از ثبت‌نام برای حج، فوت کرده است و چند پسر دارد و اجازه حج به یکی از پسران داده می‌شود، آیا در چنین موردی استطاعت طریقی برای کدام حاصل می‌شود؟

ج - با فرض وجود سایر شرایط استطاعت، به هر کدام اجازه داده شود مستطیع می‌شود.^۳

۱. آیه الله خویی، آیه الله سیستانی؛ و اگر سایر شرایط را ندارد باید برای سال‌های آینده استطاعت مالی خود را حفظ کند و اگر از تحقق سایر شرایط ناامید است، نایب بفرستد.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۷ گذشت.

۳. آیه الله زنجانی؛ اگر لازم باشد که با آن فیش برای پدر، حج به جا آورند هیچ‌کدام مستطیع نیستند و الا هر پسری که استطاعت مالی دارد اگر می‌تواند باید رضایت ورثه را در استفاده خودش از فیش متوفی جلب کند و اگر نکند حج بر عهده‌اش مستقر می‌شود.

آیه الله سبحانی؛ اگر کسی برای حج ثبت‌نام نمود و قبل از رسیدن ذی‌حجه فوت کرد و در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده بود، حج بر او مستقر نشده است و فیش ثبت‌نام از ترکه میت به حساب می‌آید و اگر ورثه توافق کردند و فیش را به یکی از وراث مجاناً و یا به عنوان سهم الارث و یا با فروختن به او واگذار کردند و او سایر شرایط استطاعت به جز استطاعت طریقی را داشت، مستطیع می‌شود و در غیر این صورت اگر همه وراث در شرایط مساوی بودند باید قرعه بکشند و انجام حج را برای یک نفر از بین خود میسر کنند و اگر ورثه توافق نمودند فیش فروخته می‌شود و بهای آن بین ورثه تقسیم می‌شود.

آیه الله صافی؛ اگر به عنوان نیابت پدر است بر هیچ‌یک از آنها رفتن به حج و قبول نیابت واجب نیست مگر آنکه بالخصوص مورد وصیت باشد و اگر منظور این است که یکی از آنها می‌تواند با استفاده از فیش پدر برای خود حج به جا آورد، در صورت داشتن سایر شرایط استطاعت، بر هر کدام که می‌داند با استفاده از فیش مورد ←

[۷۱] س - پدری برای حج ثبت نام کرده و در وصیتش گفته است که برایش حج مستحبی به جا آورند و پسر بزرگتر چون دیده خودش استطاعت بدنی و مالی دارد و فقط استطاعت طریقی نداشته که آن هم با فوت پدر برایش حاصل شده، به نیت خود حج را انجام داده، نه به نیابت از پدر، آیا حج او صحیح است یا نه؟ چون استطاعت طریقی نداشته مگر از طریق نیابت؟

ج - فرض مزبور نیابت نیست، و حج خودش صحیح و مجزی است.^۱

[۷۲] س - مسلمین بعضی از کشورهای که حکومتشان کمونیستی است، اگر بخواهند حج بروند باید مبلغ زیادی به آن حکومت کمک کنند و قهراً این پول برای

→ مزاحمت دیگران قرار نمی گیرد حج واجب است و اگر همه در این جهت مساوی باشند بر همه لازم است اقدام کنند و چنانچه یکی از آنها بدون مسامحه دیگران موفق به استفاده شد حج از دیگران ساقط است ولی با مسامحه، حکم به استقرار حج بر او خالی از وجه نیست. این در صورتی است که فیش از ترکه میت محسوب نشود و اگر از ترکه محسوب شود در صورتی که هیچ یک از ورثه از حق خود نسبت به آن صرف نظر نکند، باید به فروش برسد و بهای آن بین ورثه - کما فرض الله - تقسیم شود و بنابراین، هر یک از ورثه یا غیر ورثه باید اقدام به خرید فیش نماید، هر کس برایش فراهم شد حج بر او واجب است و چنانچه پدر واجب الحج بوده است باید برای او استیجار نمایند هر چند به فروش فیش باشد.

آیه الله گلپایگانی: اگر به عنوان نیابت پدر است بر هیچ یک از آنها رفتن به حج و قبول نیابت واجب نیست، مگر آنکه بالخصوص مورد وصیت باشد، و اگر منظور این است که یکی از آنها می تواند با استفاده از فیش پدر برای خود حج به جا آورد، در صورت داشتن سایر شرایط استطاعت، باید هر کدام سعی کنند که خودشان به حج بروند و در صورت مشاجره بین آنها، با قرعه تعیین شود، و در هر صورت ارزش فیش را به ورثه مدیون است، و چنانچه پدر واجب الحج بوده است، باید برای او استیجار نمایند.

آیه الله مکارم: ولی ورثه باید بر آن توافق کنند و حج واجبی هم بر عهده پدر نباشد.

۱. **آیه الله خوئی:** متعرض این مسئله نشده اند.

آیه الله سبحانی: حج او صحیح است، ولی باید برای پدر استتبابه کند.

آیه الله سیستانی: وصیت پدر در حج نسبت به او نافذ است و پسر استطاعت طریقی نداشته که بتواند برای خودش حج به جا آورد.

آیه الله مکارم: ولی به خاطر ترک وصیت پدر، گناه کرده و باید حج مستحبی او را انجام دهد و یا کسی را بفرستد تا به جا آورد.

تقویت چنین حکومتی مصرف می‌شود، در صورتی که راه منحصر به این کار باشد آیا
اولاً: حج بر چنین اشخاصی واجب است یا نه؟ و ثانیاً: اگر این مقدار پول را بدهند و
به حج بروند از حجة الاسلام کفایت می‌کند یا نه؟
ج - آنچه ذکر شد موجب سقوط حج نمی‌شود.^۱

[۷۳] س - زنی برای حج ثبت‌نام کرده است، ولی شوهرش که او هم استطاعت
داشته، به عللی ثبت‌نام ننموده است، آیا زن می‌تواند شرعاً نوبت خود را به شوهرش
بدهد به این امید که در آینده هر دو با هم ثبت‌نام نمایند یا نه؟

۱. **آیه الله بهجت:** ضررهای مالی غیر مجحف، که از ظالمین در طریق و از حکومت‌های ظالمه صورت می‌گیرد،
داخل در استطاعت است و با قدرت تحمل موجب سقوط نمی‌شود بلکه واجب است و همچنین قراردادهای
حکومت‌های ظلم، و اگر ضرر مالی، مجحف و موجب عسر باشد مانع از استطاعت شرعیه است.
آیه الله تبریزی: هرگاه در راه حج دشمنی باشد که دفع او جز به پرداخت مال زیاد ممکن نباشد،
پرداخت مال واجب نیست و وجوب حج ساقط خواهد شد مگر اینکه بذل مال، امر متعارف باشد، مثل اینکه
حکومت از کسانی که وارد کشور می‌شوند مالی را اخذ می‌کند که در این صورت بذل واجب است و از مؤونه
حج حساب می‌شود.

آیه الله خویی: اگر جزو مخارج حج در آن کشور باشد حج واجب است و اگر اتفاقاً این مبلغ را از او می‌گیرند،
اگر مستلزم ضرر مالی معتد به می‌باشد حج بر او واجب نیست. البته اگر موجب فساد بر مسلمین باشد طبعاً
جایز نیست.

آیه الله سبحانی: چنانچه ضرر مالی معتد به و خسارت مالی غیر قابل تحمل نباشد و همچنین حاکم شرع
آن را تحریم نکرده باشد، پرداخت مال مانع ندارد و این امر موجب سقوط حج نمی‌شود.

آیه الله سیستانی: هرگاه در راه حج دشمنی باشد که دفع او جز به پرداخت مال به او ممکن نباشد، پس اگر
پرداخت آن نسبت به حال شخص ضرر زیادی داشته باشد، واجب نخواهد بود و وجوب حج ساقط می‌شود، و الا
واجب خواهد بود. بلی پرداخت پول جهت جلب رضای او تا آنکه راه را باز کند واجب نیست.

آیه الله صافی: اگر موجب تقویت کفر در برابر اسلام محسوب شود که عرفاً آن بر ضرر اسلام و خلاف
مصلحت مسلمین شمرده شود استطاعت حاصل نیست ولی اگر پول را پرداخت و استرداد آن ممکن نبود، پس
از پرداخت، اگرچه معصیت کرده، استطاعت حاصل می‌شود و باید به حج برود.

آیه الله گلپایگانی: این‌گونه پرداخت‌ها منافات با استطاعت ندارد و در صورت امکان باید مبلغ را پرداخته و
به حج برود و آن حج از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

آیه الله مکارم: و حج او مجزی است.

ج - اگر زن مستطیعه است نمی‌تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، ولی اگر نوبت را به او داد حج شوهر صحیح است.

[۷۴] س - من با داشتن بیست هزار تومان قرض و گرفتن یک ماه حقوق قبل از پرداخت آن، موفق به سفر حج شدم، با توجه به اینکه شخص طلبکار از این سفر حج کاملاً راضی و به پولش احتیاج ندارد، آیا این حج واجب محسوب می‌شود یا نه؟

ج - اگر استطاعت مالی برای شما محقق بوده، در فرض مزبور حج شما صحیح و حج واجب محسوب است، به شرط آنکه امکان ادای بدهی بعداً به سهولت برای شما فراهم باشد. ولی اگر با قرض برای حج استطاعت مالی پیدا کرده‌اید، مستطیع نشده‌اید و از حَجَّة الاسلام محسوب نمی‌شود.^۱

[۷۵] س - اگر کسی مستطیع شد، آیا می‌تواند مال خودش را به پدر یا مادر ببخشد و خرج سفر حج ایشان نماید و اگر چنین کرد تکلیفش چیست؟

ج - اگر شخصاً مستطیع است باید حج به جا آورد و با بخشش پول به والدین، تکلیف از او ساقط نمی‌شود و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حج واجب بر خود را به جا آورد بخشش جایز نیست، اگرچه صحیح است.

[۷۶] س - اشخاصی که در وقت اسم‌نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند و از طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم می‌نویسند، آیا برای این‌گونه اشخاص اسم‌نویسی واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب، اگر مسامحه کردند و ننوشتند و بعد از مدت پنج سال مردند یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترک واجب کرده‌اند یا اینکه حج هم بر آنان مستقر است؟

ج - اگر احتمال دهند که قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون می‌آید لازم است شرکت کنند و اگر شرکت نکردند باید به حج بروند و حکم کسی را دارند که

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰ و ۲۱ گذشت.

حج بر او مستقر است.^۱

- [۷۷] س - اینجانب با شرایط زیر، طبق قرعه کشی سازمان حج و زیارت - ان شاء الله - در سال ۱۳۶۶ عازم بیت الله الحرام هستم:
۱. هزینه کامل زیارت خود و همسرم از پول مُخَمَّس تهیه شده است.
 ۲. معلم آموزش و پرورش بوده و حقوق مستمر در حد معمول زندگی با قناعت را دریافت می‌دارم.
 ۳. فاقد مسکن و اتومبیل شخصی بوده و در هر شهری که شاغل باشم، مستأجر هستم.

۱. **آیه الله تبریزی:** اگر اطمینان داشته باشد که در سال اول نامش بیرون می‌آید لازم است در قرعه‌کشی شرکت کند.
- آیه الله خامنه‌ای:** بلکه اگر رفتن به حج در سال‌های بعد منوط به نام‌نویسی و پرداخت مبلغی در این سال باشد بنا بر احتیاط واجب باید به این کار اقدام کند.
- آیه الله خویی:** به هر حال باید در قرعه‌کشی شرکت کنند.
- آیه الله زنجانی:** اسم‌نویسی واجب است و اگر نکردند و در اولین سال به حج نرسیدند طبق ذیل مسئله ۳ عمل نمایند.
- آیه الله سبحانی:** و همچنین در صورتی که رفتن به حج بر اساس قوانین کشور منحصر به ثبت‌نام برای پنج سال آینده باشد در این صورت نیز واجب این است که باید ثبت‌نام بکند و اگر ثبت‌نام نکرد و به خاطر ثبت‌نام نکردن استطاعت طریقی پیدا نکرد، حج بر او مستقر می‌شود.
- آیه الله سیستانی:** چنانچه توقع عروض مانع دیگری از رفتن به حج در سالی که قرعه به نام او اصابت می‌کند، ندارد، بنا بر احتیاط واجب لازم است ثبت‌نام کند وگرنه حج بر او بنا بر احتیاط واجب مستقر می‌شود.
- آیه الله صافی:** در مورد سؤال، وجوب نام‌نویسی محل تأمل است و چنانچه با ترک آن، بعد از پنج سال فوت کرد استقرار حج بر او معلوم نیست اگرچه احتیاط آن است که برای او، با بقای استطاعت تا سال پنجم، استیجار حج نمایند.
- آیه الله گلپایگانی:** در مورد سؤال، نام‌نویسی واجب است و چنانچه مسامحه کرد و بعد از پنج سال فوت نمود، چون علی‌الظاهر در طول پنج سال متمکن از رفتن به حج بوده است حج بر او مستقر شده، و باید برای او استیجار نمایند.
- آیه الله مکارم:** اسم‌نویسی برای این اشخاص واجب است و اگر یقین به اصابت قرعه داشته باشند حج بر آنها مستقر می‌شود ولی احتمال کافی نیست.

۴. وسائل زندگی را در حد معمول دارا می‌باشم.

با توجه به شرایط فوق و شبهاتی که نسبت به وجوب حج و عدم آن از اطراف القا می‌شود، آیا حج اینجانب و همسرم از حج واجب، کفایت می‌کند یا خیر؟

ج - در فرض مرقوم چنانچه همسر شما به مقدار رفتن و برگشتن برای حج پول دارند و می‌توانند بروند، مستطیع هستند، و شما در صورتی استطاعت دارید که لوازم زندگی خود و عائله را به مقدار شأنتان دارا باشید، و بعد از برگشتن بتوانید با درآمد کسب خودتان، زندگی خود و عائله را اداره کنید.^۱

[۷۸] س - اگر شخصی مستطیع بود و در رفتن به حج مسامحه کرد تا نوبت او از دست رفت، حال که اسم نمی‌نویسند، آیا با واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران و با صرف مبالغی زیاد، جایز است به حج مشرف شود یا خیر؟ زیرا در غیر این صورت سال‌ها فریضه او تأخیر می‌افتد و خوف این را دارد که خدای ناکرده از تارکین حج به حساب آید؟

ج - باید به هر نحو هست و بر خلاف مقررات جمهوری اسلامی نیست به حج مشرف شود.^۲

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: اگر از جهت صرف هزینه حج، در ناراحتی و مشقت نشوند واجب است حج بروند.

آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی، مکارم: در فرض سؤال مذکور، حج بر شما و همسران واجب است.

۲. آیه الله بهجت: قبل از استقرار حج استطاعت شرعیه شرط است و بعد از آن استطاعت عقلیه و مقدوریت میزان است البته با مراعات سایر احکام شرعیه.

آیه الله تبریزی: باید به هر نحو ممکن، مادامی که حرج نبوده و مستلزم ارتکاب حرام نباشد، به حج مشرف شود.

آیه الله خویی: اگر حرجی نباشد و نیز متوقف بر ارتکاب حرام اهم یا مساوی نباشد حج واجب است.

آیه الله زنجانی: به هر نحو که حرجی و موجب مهانت نباشد باید اقدام کند و اگر مستلزم معصیت باشد حج را تا رفع مشکل، تأخیر بیندازد؛ ولی اصل وجوب حج باقی است و به هر شکل، حج به جا آورد مجزی است. ←

[۷۹] س - شخصی قبلاً حج بر او مستقر نشده، اما در موقع ثبت نام جهت حج تمتع مستطیع بوده و ثبت نام نموده، ولی بعداً از نظر مالی محتاج شده و احتیاج به پول سپرده شده در بانک را دارد، بفرمایید می تواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنانچه در سال اول یا سال های بعد قرعه به نام او اصابت کند، فرق دارد یا نه؟

ج - با فرضی که ذکر شده مستطیع نیست و می تواند پول را بگیرد و فرق ندارد.^۱

[۸۰] س - پدرم در سال ۱۳۶۰ برای زیارت خانه خدا مستطیع شد و در سال ۱۳۶۲ جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد، ولی بعد از احرام بستن، بین راه سکنه و فوت کرد و هیچ گونه عملی را انجام نداد، آیا حج به گردنش می باشد یا خیر؟

ج - اگر بعد از دخول حرم مرده^۲، حج از او ساقط شده است و اگر قبل از دخول حرم فوت کرده^۳، در صورتی حج واجب نیست که سال اول استطاعت او باشد.^۴

→ آیات عظام سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: در صورت تمکن، اگر چه با صرف مبلغ زیادتر، لازم است به حج برود.

آیه الله فاضل: اگر حرجی نباشد باید به هر نحو...

۱. آیه الله تبریزی: اگر در سال اول قرعه به نام او اصابت کند، نمی تواند پول را بگیرد مگر آنکه در حرج بیفتد.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: اگر اولین سال استطاعت بوده و تا قبل از ذی حجه برای مؤونه به آن پول محتاج شد از استطاعت خارج شده و می تواند پول خود را پس بگیرد هر چند که همان سال نوبت اعزام او برسد.

آیه الله زنجانی: اگر احتیاج مبرم به پول حج داشته باشد می تواند پس بگیرد و اگر گرفت و مصرف کرد مستطیع نیست؛ و فرقی بین سال اول و بعد نیست.

آیه الله سیستانی: اگر پول را برای نفقات لازم نیاز داشته و غیر از آن پولی نداشته است.

۲. آیه الله سیستانی: ظاهر سؤال این است که حج بر او مستقر بوده است و در این صورت و در فرض سؤال، حج از او ساقط نیست و باید از او قضا کنند و اگر فوت بعد از احرام و دخول حرم بوده به مسئله ۱۱۰ رجوع شود.

آیه الله مکارم: اگر بعد از احرام فوت کند حج از او ساقط است. خواه در حرم فوت کرده باشد و یا در خارج حرم.

۳. آیه الله خامنه ای: بنا بر احتیاط واجب.

۴. آیه الله خویی: بلکه در این فرض که حج بر ذمه اش مستقر بوده ولی قبل از احرام یا دخول حرم بمیرد، ظاهراً

قضا از او واجب شود. ←

[۸۱] س - دارایی شخصی قریب هفتصد و پنجاه هزار تومان از اصل ملک و خانه که ارث از پدرش به او رسیده می‌باشد، به اضافه اینکه یک باب منزل مسکونی هم دارد، اکنون که نامبرده در اثر سانحه‌ای از دنیا رفته است، دارای یک همسر و دو بچه صغیر می‌باشد که معاش آنان از درآمد همین املاک مذکور تأمین می‌شود، آیا شخص متوفی مستطیع بوده یا خیر؟ و در صورت وجوب حج، آیا حج بکدی گرفته شود یا میقاتی کفایت می‌کند؟ و آیا می‌شود مخارج حج، از کل ترکه پرداخت گردد؟

ج - چنانچه شخص متوفی در حال حیات، خرج رفت و برگشت خود و عیالاتش را داشته و در برگشتن هم درآمد لایق به حال خود و خانواده را داشته و می‌توانسته به مکه برود و تأخیر انداخته، مستطیع بوده و چنانچه وصیت نکرده، حج میقاتی از اصل ترکه خارج می‌گردد.^۱

[۸۲] س - شخصی که حج به جا آورده، لیکن چون امرار معاش او از جوه و امثال آن بوده و آن زمان نیز متذکر مسئله مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی نشده و

→ **آیه الله زنجانی:** اگر در سال ۶۰ فقط استطاعت مالی داشته - نه طریقی - انجام قضا از طرف او لازم نیست و اگر از تمام جهات مستطیع بوده در صورتی انجام قضا از طرف او واجب نیست که بعد از دخول حرم فوت کرده باشد.

۱. **آیه الله بهجت:** و اگر نمی‌توانسته ولی می‌توانسته استنباه کند، حکم آن در مسئله ۵۲ گذشت و نیز برای «مراد از رجوع به کفایت» به مسئله ۴۰ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: و همچنین بنا بر احتیاط اگر ثروتمند بوده و توانایی مباشرت اعمال حج را نداشته یا دشوار بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده، حج بر ذمه‌اش می‌باشد.

آیه الله خویی: بلکه اگر دارا و ثروتمند بوده و توانایی مباشرت اعمال حج را نداشته یا دشوار و با مشقت بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده حج بر ذمه‌اش می‌باشد مگر اینکه احتمال داده شود در حال حیات در مورد استطاعت خود غافل قاصر بوده که در این صورت لازم نیست برای او حج به جا آورند.

آیه الله زنجانی: چنانچه بدون اختلال در زندگی می‌توانسته به حج برود، مستطیع بوده و حج میقاتی کافی است و چنانچه وصیت نکرده از اصل ترکه خارج می‌شود.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: بلکه اگر تمکن مالی داشته و توانایی مباشرت اعمال حج را نداشته یا دشوار و با مشقت بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده است حج بر ذمه‌اش می‌باشد.

گمان کرده که حج واجب خود را انجام داده است، پس از آن و در حال استطاعت قطعی نیابتاً حج به جا آورده است، آیا حج نیابتی وی صحیح است یا باید پس از انجام حج واجب مستقر خودش، نیابت را تکرار کند؟

ج - چنانچه در وقت انجام حج اولی مستطیع نبوده، با فرض حصول استطاعت در زمان حج ثانی، حج نیابتی باطل است^۱ و حج خود را باید انجام دهد و حج نیابتی را اگر وقت آن موسّع بوده، بعد از حج خودش انجام دهد و در غیر این صورت به صاحب پول مراجعه کند.

[۸۳] **س -** کسی که واجب الحج بوده، از پاکستان عازم حج شد و در مدینه منوره بیمار گردید و در حال بیماری به طرف مکه رهسپار شد و در بیمارستان مکه قبل از حج وفات نمود، تمام دارائیش در وقت فوت، مقداری پول و قطعه زمینی در پاکستان بوده است، با توجه به اینکه پول موجودش برای نیابت حج او کفایت نمی‌کند، آیا ورثه‌اش باید زمین را بفروشند و برایش نایب بگیرند، و یا اینکه با فوت او حج ساقط می‌شود؟ اجرکم علی الله.

ج - اگر با احرام عمره تمتع داخل مکه شده و پیش از انجام یا اكمال اعمال عمره یا بعد از انجام آن فوت نمود، همان مقدار عمل او مُجزی و حج از او ساقط است، ولی اگر بدون احرام عمره وارد مکه شد^۲ و در آنجا فوت نمود، در صورتی که حج بر او قبلاً مستقر بوده، باید از اصل ترکه او برایش نایب بگیرند و حج میقاتی کفایت می‌کند.

[۸۴] **س -** اینجانب در موقع ازدواج، یک سفر حج به زوجه‌ام وعده داده‌ام، آیا ادائش چگونه می‌باشد؟

ج - اگر مجرد وعده بوده است^۳، لازم نیست ادای آن. و اگر مهر قرار داده شده باشد

۱. نظر آیات عظام در این مسئله ذیل مسئله ۳۸ و ۴۰ گذشت و در ذیل مسئله ۱۰۷ در شرط ۶ خواهد آمد.

۲. تفصیل نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۸۰ گذشت.

۳. آیه الله بهجت: تنها وعده سفر موجب استطاعت نمی‌شود ولی بر مرد لازم است که به وعده خود وفا کند، اگر هنگام عقد ازدواج به او وعده داده است. ←

باید به آن عمل کند.^۱

[۸۵] س - اینجانب که به علت کهولت سن و بالا بودن قند خون و امراض دیگر قادر به انجام فریضه حج نمی‌باشم، آیا می‌توانم نیابتاً از طرف خود کسی را به حج بفرستم یا خیر؟

ج - اگر قبلاً از جمیع جهات مستطیع بوده‌اید، ولیکن اقدام بر انجام حج نکرده‌اید و در نتیجه حج بر شما مستقر شده و فعلاً در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن نباشد تمکن از سفر حج ندارید واجب است کسی را نایب بگیرید تا برای شما حج به جا آورد.^۲

[۸۶] س - شخصی پدرش وصیت کرده است که فرزندش از جانب او حج به جا آورد، بعد از مرگ پدر، فرزند مستطیع می‌شود. آیا لازم است حج خود را بر حج پدر مقدم بدارد و اگر حج خود را مقدم بدارد آیا صحیح است یا نه؟

ج - اگر قبل از آنکه پسر مستطیع شود، پدر او را اجیر کرده که بعد از فوت او در سال اول حج برای پدر انجام دهد یا نسبت به مدت، مطلق بوده که منصرف به سال اول است و پسر قبل از استطاعت خود اجاره را قبول کرده، لازم است سال اول بعد از

→ **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر شرط ضمن العقد باشد، وفا واجب است و در غیر آن، تخلف از وعده کراهت شدید دارد.

آیه الله زنجانی: اگر تعهد کرده‌اید مدیون هستید؛ پس چنانچه بتوانید باید به آن عمل کنید.

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب باید به آن وفا کنید.

آیه الله مکارم: ولی بدون شک عمل به آن مستحب مؤکد است.

۱. **آیه الله سبحانی:** اگر شرط ضمن العقد یا مهر بوده باید به آن عمل کند و اگر تنها وعده بوده نیز بنا به احتیاط واجب باید به وعده خود وفا کند.

آیه الله مکارم: یا شرط ضمن العقد بوده است.

۲. نظر آیات عظام در این مسئله در ذیل مسئله ۴۱ گذشت.

آیه الله بهجت: بر چنین شخصی واجب نیست به حج برود ولی نایب گرفتن بر او واجب است علی الأظهر و تفصیل آن در ذیل مسئله ۵۲ گذشت.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۲۳ مراجعه شود.

فوت پدر حج نیابی برای پدر انجام دهد.^۱ و در غیر این صورت باید برای خودش حج کند. و در صورت اول، اگر برای خودش حج به جا آورد صحیح است، گرچه در مخالفت اجاره معصیت کرده است. ولی در صورت دوم، اگر حج نیابی به جا آورد صحیح نیست^۲، و نه برای خودش واقع می‌شود و نه برای پدرش، و حج بر خودش مستقر می‌شود که باید به هر نحو شده در سال بعد اتیان کند و اگر به جا نیآورد در سال‌های بعد، با مراعات فوراً فوراً، انجام دهد. و باید معلوم باشد که مجرد وصیت^۳ به حج بدون استیجار فرزند، نیابت را بر او واجب نمی‌کند هر چند وصیت را قبول کرده

۱. آیات عظام تبریزی، خوبی، صافی، گلپایگانی؛ در صورتی که استطاعت او توقف بر قبول استیجار داشته

باشد، لازم است اول برای پدر حج انجام دهد و الا استطاعت بعد، کاشف از بطلان اجاره است.

آیه الله خامنه‌ای؛ اگر بعد از عقد اجاره به واسطه مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده اجاره باطل است و در غیر این صورت باید حج استیجاری را در سال بعد به جا آورد.

آیه الله سبحانی؛ به ذیل مسئله ۱۵۱ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی؛ اگر با پول نیابت مستطیع شده باشد. ولی اگر با پول دیگری مانند ارث مستطیع شده باشد، پس اگر مطمئن باشد که سال بعد می‌تواند حج خود را انجام دهد، اجاره صحیح است و باید در سال اول، حج پدر را انجام دهد و اگر مطمئن نباشد اجاره باطل است و باید حج خود را انجام دهد.

آیه الله فاضل؛ هر کدام از دو حج را سال اول انجام دهد، محکوم به صحت است هر چند در بعضی از صور عصیان کرده است.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۴ گذشت.

۳. آیه الله سبحانی؛ اگر در وصیت قید مباشرت شده و فرزند قبول کرده و ظاهر وصیت فوریت باشد، باید برای پدر حج انجام دهد.

آیه الله سیستانی؛ اگر اجرت را معین کرده و او در حیات پدر قبول کرده، اجاره است و در صورتی که صحیح باشد باید انجام دهد.

آیه الله مکارم؛ اگر وصیت کرده خود فرزند به جا آورد و او قبول کرده لازم است عمل کند. بنابراین استطاعت برای او حاصل نمی‌شود.

آیه الله نوری؛ اگر در وصیت قید «مباشرت» شده و فرزند وصیت را قبول کرده، نیابت واجب می‌شود، هر چند استیجار هم محقق نشده باشد.

باشد. بنابراین در فرض استطاعت فرزند بعد از فوت پدر باید برای خودش حج به جا آورد و نیابت صحیح نیست.^۱

[۸۷] س - خانم خانه‌داری که حج بر او واجب شده است و شوهرش اجازه مسافرت به تنهایی را نمی‌دهد و می‌گوید چون برای حج اسم مرا ننوشته‌ای من اجازه نمی‌دهم، وظیفه‌اش چیست؟ و آیا بدون اجازه شوهر می‌تواند به حج برود یا نه؟

ج - در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد ولو اینکه شوهر او راضی به مسافرت او برای حج نباشد.^۲

[۸۸] س - شخصی طبق وصیت پدر، که پول به حساب سازمان حج واریز کرده است، به نیابت او به مکه آمده درحالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته است، آیا به نیابت پدر حج به جا آورد یا حج خود را انجام دهد؟

ج - اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او، راه برای او باز شده است، باید برای پدرش حج کند^۳، مگر آنکه تبرعاً و بدون اجاره به نیابت پدر آمده

۱. تفصیل این مسئله و نظر آیات عظام در مسئله ۳۸ و ۷۰ گذشت.

آیه الله زنجانی: اگر انجام حج نیابی باعث می‌شود که دیگر نتواند - حتی در سال‌های بعد - حجة الاسلام خود را به جا آورد، حج خودش مقدم است و اگر چنین نباشد، پس چنانچه برای نیابت قراردادی الزامی در کار نیست در این صورت نیز باید حج خود را به جا آورد و اگر قرارداد الزامی باشد باید حج نیابی به جا آورد؛ هرچند اگر مخالفت کرده حج خود را به جا آورد صحیح و مجزی از حجة الاسلام است.

۲. **آیه الله خامنه‌ای و آیه الله مکارم:** اما اگر رفتن به حج بدون کسب اجازه شوهر موجب عسر و حرج برای زن شود، مستطیع نخواهد بود و حج بر او واجب نیست.

آیه الله زنجانی: ولی اگر در مخالفت با شوهر، حرج یا هتک حیثیت زن باشد رفتن به حج فعلاً واجب نیست. **آیه الله سبحانی:** ولی شایسته است رضایت او را جلب کند.

۳. **آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی:** باید برای خود حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

آیه الله خویی: در صورتی که وصیت پدر این بوده که او خودش حج نیابی را به جا آورد، فتوای ایشان معلوم نیست. **آیه الله زنجانی:** چنانچه فرزند بتواند از این فیش برای خودش استفاده کند باید حج خود را به جا آورد ولی اگر به جهتی مثلاً قبول وصیت پدر یا اجیر شدن برای ورثه یا رضایت نداشتن ورثه نتواند با استفاده از این فیش برای خودش حج به جا آورد، باید برای پدرش حج به جا آورد. ←

باشد، که در این صورت مستطیع شده و باید برای خودش حج به جا آورد^۱، و گذشت که به مجرد وصیت و قبول فرزند، نیابت واجب نمی‌شود مگر آنکه قبل از استطاعت اجبر شود.^۲

[۸۹] س - شخصی به جز برای هدئی، استطاعت حج را دارا است، آیا حج برای او واجب است؟
ج - بلی مستطیع است و پول هدئی، جزو استطاعت نیست.^۳

→ **آیه الله سبحانی:** اگر از جهت نوبت پدر، راه برای او باز باشد و در وصیت قید مباشرت شده و فرزند قبول کرده و ظاهر وصیت فوریت باشد، باید برای پدر حج انجام دهد ولی به دو شرط باید حج را برای خود به جا آورد ۱. قبل از وصیت پدر مستطیع شده و یا حج بر گردن او مستقر باشد ۲. وصیت به استیجار نباشد بلکه مقصود این باشد که تبرعا از طرف پدر انجام دهد که در این صورت باید حج را برای خود انجام داده و با استجازه از بقیه ورثه برای پدر استنابه کند.

۱. **آیه الله سیستانی:** در این صورت نیز باید پدرش حج کند.

آیه الله فاضل: در این صورت نیز باید برای پدرش حج به جا آورد هر چند اگر برای خودش نیز حج انجام دهد صحیح است.

۲. **آیه الله بهجت:** به ذیل مسئله ۴۴ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۸۶ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: اگر پسر وصیت پدر را قبل از استطاعت خود پذیرفته، حج نیایی مقدم است.

آیه الله سیستانی: و گذشت که اگر اجرت معین شده باشد و او در حیات پدر وصیت را قبول کرده باشد، اجاره است و باید انجام دهد.

آیه الله مکارم: اگر وصیت را قبول کرده واجب العمل است.

آیه الله نوری: اگر در وصیت قید «مباشرت شده» و فرزند وصیت را قبول کرده، نیابت واجب می‌شود و استیجار لازم نیست.

۳. **آیه الله تبریزی:** در صورتی که بتواند بدون حرج و مشقت بدل هدی روزه بگیرد.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: چنین شخصی مستطیع نیست مگر با تمکن از جمیع مصارف حج و از جمله ثمن هدی.

آیه الله زنجانی: و به جای آن روزه می‌گیرد مگر در صورتی که روزه گرفتن برای او مشقت شدید یا خوف ضرر داشته باشد که در این صورت مستطیع نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: استطاعت حاصل است و به جای هدی روزه می‌گیرد. ←

[۹۰] س - اینجانب سال گذشته به حج مشرف شدم و با توجه به فتوای حضرت عالی که فرموده‌اید طلابی که به شهریه حوزه نیاز دارند مستطیع نیستند و در صورتی مستطیع می‌شوند که از وجوه شرعیه مستغنی باشند، لذا اینجانب مقدار پولی با افراد ذی‌حق (پدر و همسایه) مبادله و دست‌گردان کردم و به عنوان اینکه نسبت به بنده ذی‌حق هستند، به آنان بخشیدم و ایشان آن را جهت مخارج حج به من برگرداندند، من هم در تمام اعمال و مناسک حج نیت حجة الاسلام کردم، آیا این حج برای اینجانب کفایت از حجة الاسلام می‌کند یا نه؟ ضمناً لازم به تذکر است که در ثبت‌نام عمومی سال ۱۳۶۰ پول به حساب ریختم و آن موقع فتوای فوق را ندیده بودم و پولی که دست‌گردان شده بود جایگزین آن پولی که در حساب واریز کرده بودم قرار گرفت، بفرمایید آیا عین پول مبذول باید هزینه باشد یا بذل آن کافی است؟

ج - در فرض سؤال احوط آن است که بعداً اگر استطاعت پیدا کردید حج را اعاده نمایید.^۱

[۹۱] س - شخصی قدرت مسافرت حج را ندارد و از قادر شدن بعد هم مأیوس است و استطاعت مالی هم ندارد، اگر به او بذل نفقه حج نمایند، آیا باید قبول کند و نایب بگیرد یا اینکه قبول واجب نیست، و نیز اگر او را مهمان کنند، حج واجب می‌شود تا استنابه کند یا خیر؟

ج - در فرض مرقوم حج واجب نیست.^۲

→ **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** مستطیع نمی‌شود و پول هدی جزو استطاعت است.

آیه الله مکارم: زیرا به جای آن روزه می‌گیرد و چنین کسی عرفاً استطاعت برای حج دارد.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۰ گذشت.

۲. **آیه الله بهجت:** در این صورت استنابه می‌کند علی‌الأحوط.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: اگر مالی را به او اباحه کنند، به اندازه‌ای که با آن می‌تواند حج برود و

مجاز در نایب گرفتن هم باشد، بنا بر احتیاط واجب نایب بگیرد.

آیه الله خویی: اگر مالی را به او اباحه کنند، به اندازه‌ای که با آن می‌تواند حج برود و مجاز در نایب گرفتن

هم باشد، نایب گرفتن بر او واجب می‌شود. ←

[۹۲] س - اگر در میقات مستطیع شد و حجة الاسلام به جا آورد، مُجزی است یا نه؟ و آیا در فرض مسئله، رجوع به کفایت شرط است یا نه؟

ج - اگر مستطیع شده، مُجزی است، ولی رجوع به کفایت شرط است.^۱

[۹۳] س - شخصی که استطاعت رفتن به حج را پیدا کرده، آیا می‌تواند پول حج را به مصرف لازمی در غیر مؤونه خود و افراد واجب النفقه‌اش خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد؟ مثلاً آیا می‌تواند در شرایط کنونی کشور خرج جبهه کند؟

ج - مستطیع باید به حج برود^۲، و دادن پول در مصارف مذکور کافی از حج واجب نیست، و اگر خرج کند و از استطاعت بیفتد، باید به هر نحو هست به حج برود.^۳

[۹۴] س - در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج می‌فرستد، بدون اینکه ملزم باشد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است یا خیر؟ و قبول آن واجب است؟

→ **آیه الله زنجانی:** اگر هزینه حج یا مکمل آن را به او تملیک یا اباحه کنند و مجاز در نایب گرفتن هم باشد باید بدون تأخیر نایب بگیرد.

۱. **آیه الله بهجت:** در مسئله ۴۰ معنای رجوع به کفایت گذشت که زندگی او از یسر به عسر تغییر نکند.

آیه الله تبریزی: مگر برای کسی که اگر آنچه دارد در راه حج خرج کند به حرج نمی‌افتد.

آیات عظام خویی، زنجانی، سیستانی: به شرحی که در ذیل مسئله ۴۰، شرایط وجوب گذشت.

آیه الله سبحانی: اگر حج موجب تغییر زوال زندگی او نباشد (از نظر مالی وضعش بدتر نشود) حجة الاسلام محسوب می‌شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: مگر برای کسی که اگر آنچه دارد در راه حج خرج کند زندگی او قبل و بعد از حج تفاوتی ندارد.

آیه الله مکارم: اگر چنانچه انجام حج در این شرایط تأثیر چندانی در وضع و حال او نداشته باشد حج او صحیح است و رجوع به کفایت شرط نیست.

۲. **آیه الله بهجت:** هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، می‌تواند قبل از وقت حرکت قافله آن را در مصارف خود خرج کند، هرچند دیگر نتواند به حج برود. ولی در صورتی که آن مال را نسیه تا زمان بعد از حج بفروشد و منظور فرار از استطاعت باشد، احتیاط این است که اقدام به این عمل نکند و تفصیل آن در ذیل مسئله ۲۳ گذشت.

۳. نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۳ گذشت.

ج - با فرض مشروعیت آن بدون تعهد به هیچ کاری، حکم حج بذلی دارد.^۱
 [۹۵] س - مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت جمهوری اسلامی وقتی برای ثبت نام اعلام نشده است، آیا نگهداری آن پول لازم است و من مستطیع هستم؟

ج - اگر سایر شرایط را دارید و در همین سال هم ثبت نام می شود، باید ثبت نام کنید. و در غیر این صورت مستطیع نیستید و نگهداری پول لازم نیست.^۲

[۹۶] س - همسر شهیدی که دارای دو بچه چهار ساله می باشد و عملاً سرپرستی این دو بچه را دارد و به عنوان خانواده شهید قرعه حج هم به نام او در آمده است، آیا مشار الیها می تواند مخارج را از مال این دو صغیر بردارد و مناسک حج را انجام دهد یا خیر؟
 ج - نمی تواند مصارف حج را از اموال صغیر بردارد.

[۹۷] س - کسی که چهار پسر دارد و زن برای همه شان گرفته است، و خرج سالانه خود را هم دارد و قرض هم ندارد، و با پسرانش در آمدشان یک جا است، الآن خرج دو نفر را دارند که به حج بروند، آیا حج واجب است یا نه، و اگر واجب شده است آیا تنها بر پدر واجب شده یا بر پسر هم واجب شده است و اگر بر پسر هم واجب شده

۱. آیه الله خوئی: در صورتی که ولایت شرعیه بر بذل داشته باشد یا حاکم شرع آن را اجازه نماید.
 ۲. آیه الله تبریزی: در صورتی که فقط از طریق ثبت نام می توانید به حج بروید، چنانچه در این سال ثبت نام می شود و اطمینان دارید با ثبت نام می توانید در همین سال به حج بروید، باید ثبت نام کنید و به حج بروید، و همچنین اگر توانایی رفتن به حج از طریق آزاد را دارید، مستطیع هستید و باید به حج بروید، و در غیر این دو صورت مستطیع نیستید و نگهداری پول لازم نیست.
- آیه الله خامنه ای، آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۲۴ مراجعه شود.
- آیه الله خوئی: به هر حال باید آن را تا زمان ثبت نام حفظ کنید.
- آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۲۳ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر احراز کند که در سال بعد واجد شرایط خواهد شد لازم است پول را نگه دارد.
 آیه الله صافی: اگر اصل اعلام وقت و اجازه از طرف دولت معلوم نباشد نگهداری آن لازم نیست و اگر ثبت نام برای حج در امسال معلوم باشد هر چند تاریخ آن هنوز معین نشده باشد جواز صرف آن در راه دیگر، محل تأمل است.

است کدامشان حق اولویت دارند؟

ج - کسی که از مال خودش به مقدار حج دارد و می‌تواند به مکه برود و بعد از برگشت زندگانی لایق شأنش را داشته باشد مستطیع است و باید حج برود.^۱

[۹۸] **س -** کسی که واجد شرایط حج باشد و نوه‌ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد که اگر زن نگیرد به حرام می‌افتد، آیا کدام مقدم است و وظیفه پدربزرگ چیست، ازدواج برای نوه‌اش یا حج؟

ج - حج خودش مقدم است، مگر اینکه ازدواج نوه، از مخارج عرفی او محسوب شود و نتواند هم برای او ازدواج کند و هم به مکه برود.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** چون پنج نفر شریک و مالک این درآمد هستند بر هیچ‌کدام واجب نیست.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر پس از برگشت در زندگی به حرج نمی‌افتد حج بر او واجب است.
- آیه الله زنجانی:** و رفتن به حج زندگی او را مختل نمی‌کند، مستطیع است.
- آیه الله سبحانی:** در صورتی که حصه پدر یا هر کدام از پسرها کافی برای مخارج حج باشد، حج بر خصوص آن شخص واجب می‌شود.
- آیه الله مکارم:** یعنی اگر فرضاً مال مزبور را تقسیم کنند و حق هر کدام را بدهند، هر کدام مستطیع است باید حج برود و اگر هیچ‌کدام مستطیع نمی‌شوند بعضی می‌توانند حق خود را به دیگری واگذار کنند تا مستطیع شود.
۲. **آیه الله بهجت:** حکم آن در مسئله ۳۹ گذشت.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** و ترک آن بر پدربزرگ مستلزم وقوع در حرج باشد.
- آیه الله زنجانی:** اگر مخارج ازدواج نوه، شرعاً یا عرفاً بر او لازم باشد یا تشرف به حج و ترک ازدواج نوه، موجب هتک حیثیت یا حرج بر پدربزرگ شود، مستطیع نیست.
- آیه الله سبحانی:** خصوصاً اگر نوه پسری و پدر از دست داده باشد.
- آیه الله سیستانی:** اگر صرف مال در حج و ترک تزویج نوه برای او (پدربزرگ) حرجی باشد، حج واجب نیست و گرنه واجب است.
- آیه الله صافی:** اگر عرفاً مخارج ازدواج نوه به عهده پدر بزرگ باشد که ترک ادای آن حرجی باشد، عدم حصول استطاعت بعید نیست.
- آیه الله گلپایگانی:** مخارج ازدواج نوه از نفقات واجبه بر پدربزرگ نیست و اگر مستطیع است باید به حج برود. بلی اگر از جهت ترک تزویج نوه، پدربزرگ در عسر و حرج واقع می‌شود مخارج ازدواج او را مقدم دارد.

[۹۹] س - اینجانب با داشتن استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چون معتاد به خوردن تریاک هستم طبق مقررات کشوری، اداره بهداشت از رفتن حج جلوگیری می‌کند، از نظر شرع تکلیف حج چیست؟

ج - اگر قبلاً مستطیع بوده‌اید و با امکان، حج نرفته‌اید حج بر شما مستقر شده است، و اگر قبلاً استطاعت نداشته‌اید در فرض مذکور مستطیع نیستید، مگر آنکه بتوانید، ولو با ترک تریاک، تحصیل اجازه کنید و به مکه بروید.^۱

[۱۰۰] س - آیا از منافع خمس و زکات، کسی مستطیع می‌شود یا نه، و آیا خمس و زکات جزو ترکه میت است یا نه؟

ج - چنانچه به عنوان مصرف از طرف ولی امر به او داده شده، مالک شده و جزو ترکه او محسوب است، و از منافع آن هم با وجود سایر شرایط، مستطیع می‌شود.^۲

[۱۰۱] س - هرگاه کسی سرمایه یا ابزار کار دارد که اگر مقداری از آن را بفروشد

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۳ و ۴۱ گذشت.

آیه الله بهجت: حکم آن در مسئله ۵۲ بیان شد.

آیه الله تبریزی: و اگر نتوانید بنا بر احتیاط باید نایب بگیرید.

آیه الله زنجانی: اگر از ترک اعتیاد مأیوس هستید باید نایب بگیرید هرچند سال اول استطاعت باشد، و الا باید اقدام به ترک اعتیاد کرده حج به جا آورید.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: و اگر مأیوس از ترک اعتیاد هستید باید نایب بگیرید.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: کسی که در زمان اخذ زکات و سهم سادات و سهم امام، مستحق آن باشد، آن را مالک می‌شود و جزو ترکه او حساب می‌شود. و اگر با آن کسب کند و از راه کسب یا نماء منافی داشته باشد، با وجود سایر شرایط مستطیع می‌شود.

آیه الله خویی: عین سهم امام که به اهل علم برای ارتزاق داده می‌شود ملک آنها نیست.

آیه الله زنجانی: و اگر مالک آن نباشد ولی خمس و زکات در اختیارش بوده و شرعاً هم بتواند با استفاده از آن حج به جا آورد مستطیع است، ولی جزء ترکه محسوب نمی‌شود.

آیه الله سیستانی: در مورد سهم امام علیه السلام اگر فقط مجاز در تصرف باشد مالک نمی‌شود و جزو ترکه نیست و موجب استطاعت نمی‌باشد و اگر از سوی حاکم شرع تملیک شده باشد جزو ترکه است و موجب استطاعت و اما سهم سادات و زکات، اگر مستحق بوده مالک است و جزو ترکه است و موجب استطاعت.

می تواند با آن زندگی کند بدون زحمت، و با تفاوت آن قادر بر حج است آیا این شخص مستطیع است؟

ج - با وجود سایر شرایط، مستطیع است.^۱

[۱۰۲] س - شخصی باغی دارد که چند سال است درآمدی نداشته، اما از نظر قیمت برای سفر حج کافی بوده، صاحب باغ عرفاً اطمینان دارد وقتی باغ ثمر بدهد او هم از کار افتاده خواهد شد و باید از درآمد باغ امرار معاش نماید، آیا این شخص مستطیع است؟

ج - اگر تمکن از امرار معاش به غیر از درآمد آن باغ نداشته باشد مستطیع نیست.

[۱۰۳] س - شخصی که بعد از عمره تمتع دیوانه شده، آیا لازم است که او را برای حج محرم کنند و وظیفه چیست؟

ج - لازم نیست و بر دیوانه تکلیفی نیست.^۲

[۱۰۴] س - اگر دختر بچه سه ساله را مادرش در سفر مکه معظمه همراه ببرد و در میقات نیت احرام و تلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد و در طواف عمره و سعی بین صفا و مروه و طواف زیارت و طواف نساء و وقوف عرفات و مشعر و منا، مادر از طرف دختر نیت نموده و خود دختر را طواف و سعی و توقف بدهد و آنچه از اعمال حج که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد می تواند شوهر نماید یا خیر؟

ج - با فرض اینکه تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده اند از احرام خارج شده و می تواند شوهر کند.^۳

۱. آیه الله مکارم: در صورتی که فروختن آن مخالف شئون او نباشد.

۲. آیه الله سبحانی: لیکن ولی یا متکفل امر او به نیابت از او طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و اگر مستلزم مخارجی شد ولی یا متکفل امرش از مال مجنون بپردازد.

۳. آیه الله سیستانی: و در غیر این صورت هم، چنانچه به ارکان حج خلل وارد نشده باز از احرام خارج شده است، ولی اگر فقط به طواف نساء خلل وارد شده باید طواف نساء را به جا آورد.

[۱۰۵] س - اگر اطفال غیر ممیز - پسر یا دختر - را پدر و یا مادر در سفر مکه معظمه همراه ببرند، آیا واجب است که پدر یا مادر در صورت تمکن اطفال، خود اطفال را وادار به انجام اعمال حج و عمره و طواف نساء نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نایب ایشان اعمال عمره و حج و طواف نساء را از جانب اطفال به جا آورند، و اگر هیچ کدام از کارهای مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند آیا این اطفال بعد از بلوغ و رشد می توانند ازدواج کنند و یا باید به مکه بروند و عمره و حج و طواف نساء را انجام دهند و بعد ازدواج نمایند و یا تنها طواف نساء بر گردن آنان است؟

ج - بر ولیّ طفل واجب نیست او را مُحرم کند یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم کرد باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه‌ای که در مناسک و در رساله ذکر شده است انجام دهند، وگرنه در بعض صور، طفل در احرام باقی می ماند و تا تدارک نکند نمی تواند ازدواج نماید.^۱

[۱۰۶] س - اولاً با وجود ذین چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟ و ثانیاً در صورتی که پول باشد لیکن به علت بیماری قلب، مقامات پزشکی سازمان حج و زیارت تشریف را خالی از خطر ندانسته و تجویز ننمایند، آیا بایستی یک نفر برای انجام حج اعزام گردد؟

ج - شما اگر قبل از آنکه استطاعت پیدا کنید مریض شده‌اید، که قدرت رفتن به مکه را از جهت مرض نداشته‌اید، مستطیع نشده‌اید^۲ و نایب گرفتن لازم نیست و نیز

۱. آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط باید طفل را محرم کنند.

آیه الله سیستانی: تنها در صورتی بر احرام باقی می ماند که اعمال عمره مفرده را درست انجام ندهند ولی در حج اگر خلل به ارکان آن یزند با گذشت وقت حج احرام آن فاسد می شود، بلی اگر فقط طواف نساء را به طور صحیح به جا نیاورند استمتاع از زن بر او حرام است، مگر با اتیان طواف نساء، ولی ازدواج صحیح است.

۲. آیه الله بهجت: به مسئله ۵۲ مراجعه شود.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۳ گذشت.

استطاعت مالی در صورتی موجود است که پول به مقدار رفتن و برگشتن داشته باشید و پس از برگشت، امکان پرداخت دین به سهولت برای شما باشد.^۱

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۱ گذشت.

نیابت در حج

[۱۰۷] م - در نایب اموری شرط است:

۱. بلوغ، بنا بر احتیاط واجب.^۱
۲. عقل.
۳. ایمان.^۲
۴. وثوق و اطمینان^۳ به انجام دادن او، و اما بعد از اجرای عمل نایب، لازم نیست اطمینان به صحت آن، و در صورت شک در صحت، حکم به صحت می‌شود و استنباه صحیح است هر چند قبل از عمل شک داشته باشد.^۴

۱. **آیه الله بهجت:** نیابت طفل غیر ممیز صحیح نیست و اگر بچه ممیز باشد و قائل به شرعیت عبادت صبی ممیز باشیم، خالی از رجحان نیست که نیابت وی صحیح باشد.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** نایب باید بالغ باشد، پس حج بچه نابالغ به جای دیگری کفایت نمی‌کند، البته در حجة الاسلام و حج‌های واجب دیگر، هر چند آن بچه ممیز باشد که خوب و بد را تشخیص دهد. بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با اذن ولی صحیح باشد.
- آیه الله زنجانی:** ممیز بودن نایب کافی است.
- آیه الله سبحانی:** نایب باید بالغ باشد ولی بچه ممیز می‌تواند حج ندبی به جا آورد و ثواب آن را به کسی هدیه کند.
- آیه الله سیستانی:** بلوغ شرط است و بنا بر احتیاط بچه ممیز نمی‌تواند نایب شود، مگر در حج مندوب به اذن ولی.
- آیه الله مکارم:** بلکه بنا بر اقوی در حج واجب.
۲. **آیه الله خامنه‌ای، آیه الله مکارم:** بنا بر احتیاط واجب.
۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** و اگر نایب ثقة باشد اخبار او کافی است.
- آیه الله زنجانی:** وثوق به انجام عمل، شرط واقعی صحت نیابت نیست، لکن برای امتثال واجب نمی‌توان به مجرد نایب گرفتن بدون داشتن حجت شرعی بر انجام دادن عمل، اکتفا کرد. البته اگر نایب ثقة باشد اخبار او بر انجام عمل کافی است.
- آیه الله سیستانی:** اگر خبر داد که از طرف او انجام داده و از خبرش وثوق و اطمینان حاصل نشد، در این صورت اکتفا به خبر دادن او اشکال دارد.
- آیه الله فاضل:** این شرط در استنباه معتبر است نه در اصل نیابت.
۴. **آیه الله بهجت:** وقتی ذمه منوب عنه فارغ و بری می‌شود که یقین حاصل شود که نایب عمل را به طور صحیح به جا آورده یا آنکه اماره معتبره باشد بر به جا آوردن. ←

۵. معرفت نایب به افعال و احکام حج^۱ ولو با ارشاد کسی در حال عمل.
۶. ذمه نایب، مشغول به حج واجبی در آن سال نباشد.^۲
۷. معذور^۳ در ترک بعض افعال حج نباشد.

→ **آیه الله زنجانی:** اگر احتمال بدهیم که نایب به رعایت شرایط عمل توجه داشته و همچنین سهل انگار نیست، حکم به صحت عمل او می‌شود.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب عدم استنباه در این دو مورد است.

۱. **آیه الله زنجانی:** اگر نایب بخشی از افعال حج را که نمی‌داند مطابق احتیاط به جا آورد کافی است.

۲. **آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی:** (با اختلاف تعابیر): مگر در صورتی که جاهل به وجوب باشد؛ یعنی نداند که حج بر خودش واجب است یا می‌دانسته ولی غافل است و فراموش کرده، که در این دو صورت نیابت وی عیبی ندارد. و این شرط «شرط صحت اجاره» است نه «شرط صحت حج نایب».

آیه الله بهجت: اضافه می‌فرماید: پس هرگاه درحالی که حج بر خودش واجب بوده و از قبل دیگری و به نیابت او حج نماید اظهر آن است که حج او صحیح است و ذمه منوب عنه بری شده است ولی بنا بر اینکه اجاره را به نحو ترتب تصحیح نکنیم، نایب اجرتی را که قرار داده شده مستحق نخواهد شد بلکه مستحق اجرة المثل خواهد بود (اجرة المثل یعنی نرخ متعارف).

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: ذمه نایب مشغول به حج واجب منجز نباشد و این شرط صحت اجاره است، و اگر غافل از استطاعت بود اجاره او صحیح است.

آیه الله خامنه‌ای: اما اگر نایب از واجب بودن حج بر خود بی‌خبر باشد بعید نیست که حج نیابی او صحیح باشد. **آیه الله زنجانی:** در سال نیابت انجام حجة الاسلام خودش، بر او واجب نباشد و اگر غیر حجة الاسلام خودش، حج دیگری بر او واجب بود، نیابت باطل نمی‌شود، و این شرط در مورد نیابت در حج است نه اجزاء آن مانند نیابت در طواف یا سعی.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۴۴ رجوع شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صحت حج غافل و جاهل اشکال است و احوط عدم اکتفا به حج آن دو است.

آیه الله فاضل: این شرط معتبر نیست.

آیه الله مکارم: اگر ذمه او مشغول باشد نیابت او صحیح است هرچند گناه کرده است.

۳. **آیه الله بهجت:** بنا بر احتیاط، با تمکن از استیجار غیر معذور، نمی‌توان معذور را اجیر نمود، بلکه اگر چنین شخصی تبرعاً به نیابت دیگری حج نمود، اکتفا کردن به عملش مشکل است اِلبی اگر در به جا آوردن کارهایی که بر محرم حرام است معذور باشد مثل اینکه مضطر به تظلیل (زیر سایه رفتن) باشد، اجیر گرفتن یا نایب گرفتن چنین شخص عیبی ندارد. ←

[۱۰۸] م - در منوب عنه اموری شرط است:

→ **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اجاره کردن معذور برای حج جایز نیست بلکه اگر خودش تبرعاً حج نیابی به جا آورد اجزاء آن از منوب عنه مشکل است ولی نیابت معذور به عذر طاری مجزی است.

آیه الله زنجانی: کافی است بتواند به شکل صحیح محرم شود و هنگام محرم شدن، اطمینان داشته باشد که از انجام مناسک اختیاری حج و عمره معذور نیست و اگر در ضمن اعمال عذری پیش آمد، ضرری به نیابتش نمی‌زند و همچنین معذور بودن نسبت به محرمات احرام، مانع صحت نیابت نیست و در بطلان نیابت معذور، فرقی نیست که عمل نایب، تبرعی باشد یا با اجاره، ولی مخصوص حج یا عمره واجب است.

آیه الله سبحانی: کسی که از انجام عمل اختیاری حج در اعمالی که ترک عمدی آنها موجب بطلان حج است معذور می‌باشد، او نمی‌تواند نیابت از حجة الاسلام را بپذیرد و در این موارد نیز بنا بر احتیاط واجب نیابت صحیح نیست: الف) کسی که معذور از وضو و غسل است و به جای آن تیمم می‌کند. ب) کسی که با وضوی جبیره‌ای یا غسل جبیره‌ای، طواف و نماز آن را به جا می‌آورد. ج) کسی که با ویلچر طواف و سعی را به جا می‌آورد. د) کسی که نشسته نماز می‌خوانده لازم به ذکر است، تمام این موارد در عذر طاری اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب نمی‌شود کسی را که از پیش، عجز او از عمل اختیاری معلوم است اجیر کرد، بلکه اکتفا به تبرع او در نیابت نیز محل اشکال است و در مورد عذرهایی که بعداً عارض می‌شود حکم نایب همان حکم منوب عنه است که در بعضی موارد حج صحیح است و گاهی باطل است و استیجار و نیابت کسی که در انجام بعضی واجبات حج که ترک عمدی آنها هم موجب بطلان نیست، مانند طواف نساء و بیتوته و رمی روز یازده و دوازده اشکال ندارد.

آیه الله صافی: نیابت کسی که از اتیان بعض اعمال عمره و حج معذور است اگر ترک عمدی آن عمل، از غیر معذور موجب بطلان حج یا عمره نباشد به اینکه ترک آن عمل یا فقط حرمت تکلیفی دارد و یا علاوه بر آن موجب کفاره هم هست ولی ترک آن موجب بطلان عمل عمره یا حج نیست، اشکال ندارد و حتی اگر می‌داند که اجیر بعضی از اعمالی که ترک آن موجب بطلان حج و عمره نیست عمداً بدون عذر ترک می‌کند استیجار او مانعی ندارد و مبری ذمه منوب عنه می‌باشد، بلی نسبت به استحقاق اجرت اگر موقع عقد اجاره، مستأجر اطلاع از معذور بودن اجیر در امور مذکوره نداشته باشد، اجیر استحقاق اجرت ندارد ولو اینکه عمل او مبری ذمه منوب عنه است.

آیه الله فاضل: نیابت معذور، برای حج واجب حتی اگر تبرعاً و بدون وکالت باشد، صحیح نیست.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط نیابت معذور صحیح نیست.

آیه الله مکارم: نیابت معذور صحیح است. هر چند احتیاط مستحب آن است که در عذرهایی که در خود حج پیش نیامده نایب نشوند. البته کسی که قرائتش اشکال دارد از این حکم مستثنی است.

آیه الله نوری: در نایب معذور به عذر طاری اشکال ندارد.

۱. اسلام.^۱

۲. در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد یا اگر زنده است حج بر او مستقر شده^۲ و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود^۳ و در حج استحبابی این شرط نیست و در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست^۴ و مماثله بین نایب و منوب عنه نیز شرط نیست و جایز است کسی که تاکنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود.^۵

۱. **آیه الله بهجت:** نیابت از کافر به احتمال حصول تخفیف عذاب، محل تأمل است.

آیه الله زنجانی: در منوب عنه علاوه بر اسلام اموری معتبر است: ۱. بلوغ؛ ۲. عقل، مگر در مورد دیوانه‌ای که قبلاً حج بر عهده او مستقر شده است؛ ۳. منوب عنه ناصبی نباشد، البته در صورتی که منوب عنه، پدر نایب باشد مسلمان بودن کافی است؛ ۴. در حجة الاسلام، شرط است که منوب عنه فوت شده باشد مگر در موردی که ذیل مسئله ۲۳ گذشت و در حج کفاره‌ای، نیابت صحیح نیست و صحت حج نیابی در حجی که با نذر یا قسم یا شرط و مانند آن واجب شده بستگی به کیفیت التزام آنها دارد.

آیه الله فاضل: در منوب عنه، اسلام و ایمان شرط است، پس حج به نیابت کافر و مخالف صحیح نیست.

آیه الله نوری: اسلام و ایمان در نایب و منوب عنه شرط است.

۲. نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۲۳ گذشت.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** یا برای او حرج و مشقت داشته باشد و امیدی به رفع مشقت حتی در سال‌های بعد نداشته باشد.

۴. **آیه الله بهجت:** در غیر صبی ممیز مشکل است.

آیه الله سبحانی: نیابت تبرعی از مجنونی که قبل از جنون حج بر او مستقر شده و امیدی به بهبودی او نیست، اشکال ندارد و در صورت نیابت استیجاری ولی او باید از اموال مجنون هزینه حج را بپردازد و در مورد غیر بالغ در حج مستحبی اشکالی ندارد که استنابه شود به شرطی که در ایام حج در مکه نباشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در نیابت از مجنون اشکال است مگر آنکه به قصد رجا آورده شود.

آیه الله فاضل: شرط هست ولی اگر حج قبل از جنون بر او مستقر شده، عقل شرط نیست و در صورت یأس از بهبودی یا بعد از فوت او باید از مالش - ولو از میقات - برای او استنابه کنند.

آیه الله مکارم: نیابت از بچه و دیوانه‌ای که حج بر او مستقر نشده خالی از اشکال نیست.

۵. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** بلکه اگر منوب عنه مرد و زنده باشد که به خاطر عدم تمکن نمی‌تواند حجة الاسلام را به جای آورد، احتیاط لزومی آن است که مردی را که تاکنون به حج نرفته، به نیابت خود به حج بفرستد.

[۱۰۹] م - نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین کند ولو اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند، گرچه مستحب است.

[۱۱۰] م - ذمه منوب عنه فارغ نمی‌شود مگر به اینکه نایب، عمل را صحیحاً انجام دهد. بلی اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوب عنه مجزی است و در اجرای این حکم در حج تبرعی اشکال است، بلکه در غیر حجة الاسلام خالی از اشکال نیست.^۱

[۱۱۱] م - لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.^۲

۱. آیات عظام بهجت، سبحانی، صافی، گلپایگانی: بعد از احرام و پس از دخول حرم کافی است و در این

حکم بین حجة الاسلام و غیر آن و بین نیابت به مزد و اجرت و تبرع فرقی نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه نایب بعد از احرام بمیرد کفایت از منوب عنه می‌کند هر چند مردنش قبل از دخول حرم باشد بنا بر اظهار، و در این مورد فرقی بین حجة الاسلام و غیر آن نیست، و همچنین فرقی نیست بین اینکه نیابت به اجرت باشد یا به تبرع.

آیه الله خامنه‌ای: و تفاوتی ندارد که نیابت او مجانی بوده یا با اجرت، و برای حجة الاسلام بوده یا حج واجب دیگر.

آیه الله زنجانی: اگر بعد از استنابه نایب برای حج حرکت کرد وقتی آثار مرگ در او ظاهر شد برای حج منوب عنه نایب می‌گیرد و اگر نتوانست برای آن وصیت می‌کند و حج نایب دوم از منوب عنه کفایت می‌کند و چنانچه قبل از آنکه این امر فراهم شود نایب فوت کرد، حج از ذمه منوب عنه ساقط می‌گردد و در این مورد فرقی بین حجة الاسلام و حج واجب دیگر نیست و فرقی نیست که نایب بعد از احرام بمیرد یا قبل از آن، ولی اگر نایب بدون درخواست کسی به قصد حج نیابتی حرکت کرد و در راه فوت نمود مجزی نیست.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد محل اشکال است و اگر بعد از دخول حرم باشد مجزی است و در این حکم فرقی بین حجة الاسلام و غیر آن نیست ولی در مورد حج تبرعی اشکال است.

آیه الله مکارم: در حکم مذکور فرقی بین حجة الاسلام و غیر آن و اقسام نیابت نیست.

آیه الله نوری: مجزی است مطلقاً.

۲. آیه الله زنجانی: مگر قرار گذاشته باشند که مستأجر بپردازد در این صورت بر ذمه مستأجر است که با پرداخت کفاره ذمه اجیر را فارغ کند.

[۱۱۲] م - نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استجبایی آن است که به قصد ما فی الذمه به جا آورد.

[۱۱۳] م - اگر نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی‌شود و بر منوب عنه چیزی نیست.

[۱۱۴] م - استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه او عدول به افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست، بلی اگر در سعه وقت او را اجیر کرد و بعد وقت ضیق شد باید عدول کند و بنا بر احتیاط از منوب عنه مجزی نیست.^۱

[۱۱۵] م - در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست^۲ و در غیر واجب مانع ندارد.

[۱۱۶] م - کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی سال اول استطاعت حج نرفته، اگر به واسطه مرض یا پیری، قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد واجب است

۱. **آیه الله بهجت:** از منوب عنه مجزی است. در صورتی که نیابت بر فراغ ذمه او باشد.

آیه الله خامنه‌ای: کفایت از حج تمتع می‌کند و مستحق اجرت هم هست.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: ذمه منوب عنه بری می‌شود ولی در صورتی که اجاره بر اعمال عمره و حج تمتع بوده، اجیر استحقاق اجرت را نخواهد داشت، بلی اگر اجاره بر تفریح ذمه منوب عنه بوده مستحق اجرت خواهد بود.

آیه الله زنجانی: و چنانچه بدون کوتاهی کردن نایب در اثنای سفر اموری پیش آمده که وقت عمره تمتع ضیق شده، از منوب عنه کفایت می‌کند، خواه هنگام احرام عمره تمتع وقت ضیق بوده و از ابتدا به حج افراد محرم شده باشد یا اول به عمره تمتع محرم شده ولی بعد از احرام وقت ضیق شده یا معلوم شده که از اول وقت تنگ بوده است لذا به حج افراد عدول کرده است.

آیه الله سبحانی: از منوب عنه مجزی است مگر اینکه بدون عذر فرصت‌سوزی می‌کند که در این حالت، کفایت چنین حجی از منوب عنه اشکال دارد.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری: از منوب عنه مجزی است.

۲. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، فاضل:** مگر اینکه به نحو شرکت بر آنها واجب شده باشد؛ مثل اینکه دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را اجیر نمایند که در این صورت می‌توانند یک نفر را برای حج اجیر نمایند.

نایب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد و به احتیاط واجب^۱ باید فوراً نایب بگیرد و اگر مستقر نشده باشد بر او، اقوی عدم وجوب است.^۲

[۱۱۷] م - بعد از آنکه نایب عمل را به جا آورد، حج از معذور ساقط می‌شود و لازم نیست خودش حج کند اگرچه عذرش برطرف شود^۳ و اما اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد، چه قبل از احرام یا بعد، باید خودش حج برود.^۴

[۱۱۸] م - کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد، جایز نیست نیابت کند از غیر و اگر نیابت کند باطل است؛ چه عالم به حکم باشد یا نباشد.^۵

[۱۱۹] م - اگر اجیر برای حجة الاسلام بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد کفایت می‌کند از حج کسی که برای او به جا آورده است و لازم نیست حج کردن

۱. آیه الله خامنه‌ای: باید فوراً به آن مبادرت شود.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۳ گذشت.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب، در صورت حصول تمکن، باید خودش حج را به جا آورد.

آیه الله گلپایگانی: مگر اینکه در وقت نایب گرفتن، امید خوب شدن و رفع عذر داشته باشد که در این صورت بنا بر احتیاط، اگر رفع عذر شد و استطاعت داشت باید خودش هم حج را انجام دهد.

آیه الله صافی: در صورتی که حج بر او مستقر بوده، با تمکن باید خودش حج به جا آورد و همچنین اگر مستقر نبوده ولی استطاعتش باقی باشد، باید حج به جا آورد.

۴. آیه الله سبحانی: اما اگر عذر او موقعی بر طرف شد که نایب هنوز در نیمه راه است در چنین صورتی احتیاط مستحب آن است که خود شخص نیز به حج برود.

آیه الله سیستانی: گرچه احتیاط واجب است که نایب نیز عمل حج را تمام نماید.

آیه الله صافی: اگر بعد از احرام عذر مرتفع گردد که امکان انجام حج برای منوب عنه در همان سال یا سال بعد باشد ارتفاع عذر کاشف از بطلان اجاره و بلکه بطلان احرام نایب است.

آیه الله گلپایگانی: مگر اینکه در اثنای عمل بعد از احرام عذر برطرف شد ولی منوب عنه تمکن از انجام عمل کامل نداشته باشد که در این صورت حج نایب مجزی است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب باید خودش حج برود.

۵. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۷ گذشت. ←

برای او و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد باید دو مرتبه اجیر بگیرند^۱، و همین حکم را دارد کسی که برای خودش به حج برود.^۲

[۱۲۰] م - اگر کسی را برای حج اجیر کردند و قرار نگذاشتند که اجرت برای خصوص عمل باشد یا در مقابل عمل و رفت و آمدها باشد، پس اگر قبل از داخل شدن در حرم مرد، ظاهراً مستحق اجرت رفتن تا محل موت می باشد و همین طور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، بیشتر از آن چه ذکر شد و اجرت احرام مستحق نیست^۳، اگرچه حج از میت ساقط می شود، و اگر بعض اعمال را به جا آورد و مُرد،

→ **آیه الله سبحانی:** به ذیل مسئله ۴۴ مراجعه شود.

۱. **آیات عظام تبریزی، خوبی، سبحانی:** چنانچه بعد از احرام بمیرد کفایت از منوب عنه می کند هر چند مردنش قبل از دخول حرم باشد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد بنا بر احتیاط واجب مجزی نیست.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد این حکم احتیاطی است.

۲. نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۸۰ و ۱۱۰ گذشت.

آیه الله زنجانی: حکم فوت نایب در سفر حج در ذیل مسئله ۱۱۰ گذشت و کسی که برای خودش حجة الاسلام به جا می آورد چنانچه بعد از احرام و دخول حرم بمیرد حج از عهده اش ساقط می شود و اگر قبل از آن بمیرد کفایت نمی کند پس اگر قبلاً حج بر عهده او مستقر شده باید برایش حج بدهند و کسی که برای خودش حج واجب دیگری - مانند حج نذری - را به جا می آورد چنانچه در سفر حج بمیرد کفایت نمی کند، به استثناء حج کفارهای که قضای آن واجب نیست حتی اگر قبل از احرام حج بمیرد.

آیه الله سیستانی: کسی که حج بر او مستقر شده است اگر بعد از احرام حج در حرم بمیرد حجة الاسلام از او ساقط است؛ چه تمتع باشد چه قران و چه افراد و اگر در عمره تمتع بمیرد نیز ساقط است و اگر قبل از آن بمیرد؛ چه بعد از احرام قبل از دخول حرم و چه بعد از دخول حرم بدون احرام ساقط نمی شود و باید از او قضا کند و این حکم در حج واجب غیر از حجة الاسلام و در عمره مفرده جاری نیست و اما کسی که حج بر او مستقر نشده است، اگر بعد از احرام بمیرد قضا واجب نیست هر چند قبل از دخول حرم باشد.

۳. **آیه الله بهجت:** اگر تصریح به خلاف متعارف نباشد، بر حسب معلوم از داعی استیجار که براثت ذمه منوب عنه است چیزی از اجرت پس گرفته نمی شود وقتی که وفات نایب پس از احرام و دخول حرم باشد و اگر قبل از احرام باشد استحقاق اجرت المثل مقدار راهی که پیموده است بعید نیست و نیز توزیع اجرة المسمی بی وجه نیست در صورتی که بعض عمل را مثل احرام انجام داده باشد و یا سیر از طریق خاص در اجاره قید شده باشد. ←

مستحق اجرت آن اعمال نیز می‌باشد، و اگر اعمال را به نحوی به جا آورده است که در عرف گفته شود که عمره و حج را به جا آورد، مستحق تمام اجرت است، اگرچه بعضی اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترک کرده باشد.

[۱۲۱] م - کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه و خودش حج واجب به جا نیاورد، احتیاط آن است که بعد از عمل نیابت^۱، برای خودش عمره مفرده به جا آورد و این

→ **آیات عظام تبریزی، سیستانی، خویی:** هرگاه اجیر بعد از محرم شدن بمیرد، تمام اجرت را مستحق خواهد شد، در صورتی که بر تفریح ذمه میت اجیر شده باشد. و اما اگر اجیر بر به جا آوردن اعمال به نحو تعدد مطلوب شده باشد، اجرت مقداری را که به جا آورده مستحق می‌شود و چنانچه قبل از احرام بمیرد چیزی مستحق نخواهد بود. بلی اگر مقدمات عمل داخل اجاره باشد، هر مقدار از مقدمات را که انجام داده باشد اجرت همان مقدار را مستحق می‌شود.

آیه الله خامنه‌ای: هرگاه نایب پس از احرام و ورود به حرم بمیرد، اگر نایب گرفتن برای بری شدن ذمه منوب عنه باشد، کما اینکه ظاهر حال اطلاق قرار داد اجاره چنین است اجیر مستحق تمام اجرت خواهد بود که باید آن را به ورثه‌اش بپردازند.

آیه الله زنجانی: ولی اگر برای بری شدن ذمه منوب عنه نایب گرفته باشند و نایب در سفر حج فوت کند، حج از ذمه منوب عنه ساقط می‌شود و نایب مستحق تمام اجرت است هر چند مرگ نایب قبل از احرام باشد.

آیه الله سبحانی: کسی که برای انجام حج نیابتی اجیر شود و در نیمه راه پیش از عمل بمیرد، برای دریافت اجرت سه حالت دارد: الف) اگر مبلغ در مقابل عمل حج قرار گرفته، چیزی به او تعلق نمی‌گیرد. ب) اگر مبلغ در مقابل بری الذمه شدن منوب عنه پرداخت شده و نایب پس از دخول حرم فوت کند، همه مبلغ به او تعلق می‌گیرد. ج) هرگاه مبلغ در مقابل رفت و برگشت و عمل، معین شده؛ به مقداری که کار انجام شده تعلق می‌گیرد.

آیه الله صافی، آیه الله فاضل: مگر آنکه اجیر برای تفریح ذمه شده باشد، که در این صورت تمام اجرت را می‌برد.

آیه الله گلپایگانی: ظاهراً مستحق تمام اجرت می‌باشد علی الاقوی و همچنین است حکم صورت بعد.

آیه الله مکارم: معمولاً اجاره برای ادای تکلیف منوب عنه است. بنابراین مستحق تمام اجرت می‌باشد.

۱. **آیه الله زنجانی:** احتیاط مستحب آن است که پیش از عمره تمتع یا بعد از انجام حج و گذشتن ایام تشریق برای خودش عمره مفرده به جا آورد، خصوصاً اگر استطاعت انجام عمره مفرده از وطن خود را داشته باشد.

آیه الله سبحانی: مستحب است که نایب پس از حج نیابتی برای خود نیز عمره مفرده انجام دهد.

آیه الله فاضل: یا قبل از آن.

آیه الله گلپایگانی: رجائاً.

احتیاط واجب نیست^۱ لیکن خیلی مطلوب است.

[۱۲۲] م - کسی که اجیر شده برای حج تمتع، می‌تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده بعد از عمل حج، چنانچه می‌تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به جا آورد.^۲

[۱۲۳] م - کسی که عذر داشته باشد از بعض اعمال حج، نمی‌شود او را اجیر کرد برای حج^۳، و اگر شخص معذور از بعض اعمال، تبرعاً از غیر، حج بکند اکتفا کردن به آن اشکال دارد.^۴

استفتانات نیابت

[۱۲۴] س - کسی مستطیع بوده و در میقات به نیابت دیگری مُحرَم شده و به مکه آمده و عمره تمتع را از طرف منوب عنه انجام داده است، وظیفه او چیست؟
ج - با اینکه خودش مستطیع است نیابت او صحیح نیست و احرام او باطل است^۵ و باید برگردد به میقات و از آنجا برای خودش مُحرَم شود.^۶

۱. آیه الله مکارم: این احتیاط واجب است.

۲. نظر آیات عظام در مورد فاصله بین عمره مفرده با عمره تمتع در ذیل مسئله ۱۷۳ خواهد آمد.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۷ گذشت.

۴. آیه الله خامنه‌ای: در عدم کفایت حج نایبی که معذور است، فرقی نیست بین اینکه نایب اجیر باشد و یا نیابت مجانی و تبرعی انجام شود. و نیز فرقی نیست بین اینکه نایب جاهل به عذر باشد یا نایب گیرنده جاهل به آن باشد، و همچنین فرقی نیست بین اینکه نایب یا نایب گیرنده جاهل باشد به اینکه آن عذر از عذرهایی است که نیابت با آن صحیح نیست، مانند آنکه نایب جاهل باشد که نمی‌تواند به وقوف اضطراری در مشعرالحرام اکتفا کند.

۵. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۷ گذشت.

۶. آیه الله زنجانی: به مسئله‌های ۴۴، ۲۱۵، ۲۱۹ و حواشی آنها مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: بعد از انجام یک طواف نساء به عنوان وظیفه فعلی به میقات و اگر ممکن نشد به ادنی الحل رفته و جهت عمره تمتع برای خودش محرم شود و چنانچه وقت کافی نیست و به عرفات نمی‌رسد بعید نیست که بدل به حج افراد شود و حج او صحیح است مگر اینکه با علم به استطاعت خود نایب شده باشد و خود را دچار تنگی وقت کرده اکتفا به حج افراد مشکل است و باید توجه داشت که اگر استطاعت و یا استقرار حج ←

[۱۲۵] س - اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده، از بعضی اعمال معذور است، آیا می‌تواند در این اعمال نایب بگیرد و آیا می‌تواند پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را به جا آورد؟

ج - نایب شدن معذور صحیح نیست^۱ و باید پول را به صاحبش برگرداند، مگر اینکه از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت می‌تواند دیگری را در اصل عمل حج نایب کند و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کرد و او عمل را انجام داد، حج از طرف منوب عنه واقع می‌شود، ولی پول را باید به صاحبش

→ بر او قبل از قبول نیابت بوده و الآن در میقات متوجه شد، نیابت باطل و باید برای خود حج به جا آورد و چنانچه از فیش منوب عنه استفاده کرده با اجازه ورثه برای متوفی حج میقاتی استنابه کند و به خاطر تفاضل قیمت هر یک از حج میقاتی و فیش مصرف شده با ورثه بر اساس قاعده عدل و انصاف به توافق برسند و یا مصالحه کنند.

آیه الله سیستانی: اگر مطمئن باشد در سال بعد حج خود را انجام می‌دهد، حج نیابی را تمام کند و اگر مطمئن نیست باید به یکی از مواقیف رفته و برای خود احرام ببندد ولی اگر حج نیابی را تمام کند حش صحیح است و اگر استیجاری باشد اجاره باطل است و مستحق اجرت المثل است.

آیه الله نوری: مگر آنکه به نحو خطا در تطبیق باشد، که در این صورت از خودش واقع می‌شود.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۷ گذشت.

آیه الله بهجت: اگر بدون توجه محرم شده، احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً به جا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی‌توانسته نایب شود و اما قبل از احرام پس با احراز رضایت منوب عنه حج میقاتی برای او بدهد چون اطلاق اجاره قید مباشرت را برمی‌دارد.

آیه الله سبحانی: لکن کسی که از رمی روز یازدهم و طواف نساء و بیتوته‌های منا معذور است، می‌تواند برای ادای حج نایب شود و باید رمی را در شب انجام داده و به جای بیتوته‌ها در مسجدالحرام به عبادت بپردازد و در طواف نساء دیگری را نایب کند همچنین زنان که معمولاً در مشعر و قوف اختیاری نمی‌کنند و رمی در شب برای آنها پس از نیمه‌شب جایز است و یا ممکن است در طواف و نماز به علت عادت ماهانه به استنابه نیاز داشته باشند و یا ممکن است حج آنها به جهت عادت ماهانه به افراد تبدیل شود، اشکال ندارد همین طور است در مواردی که در اثنای عمل عذر طاری پیش می‌آید اما در رابطه با اصل حج نمی‌توان بدون اجازه منوب عنه زنده و یا ورثه منوب عنه مرده برای او استنابه کند و باید اجازه بگیرد.

برگرداند^۱ و صاحب پول ضامن چیزی نیست و اجرت نایب را باید امرکننده پردازد.

[۱۲۶] س - از هر کاروان نوعاً چند نفر از خدمه به نیابت آمده‌اند و بناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منا یا همراه ضعفا، به منا بروند، سؤال این است که آیا اجیر شدن و نیابت آنان صحیح است یا خیر؟

ج - با توجه به اینکه از معذورین هستند و نمی‌توانند وقوف اختیاری در مشعر را درک کنند، نیابت آنان صحیح نیست^۲ و اگر قبل از استخدام اجیر شده‌اند باید حج را به جا آورند و وقوف اختیاری را درک نمایند.

[۱۲۷] س - آیا شخص زنده در موردی که می‌تواند نایب بگیرد، باید از بلد نایب بگیرد یا از میقات، و اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت می‌کند یا خیر؟

ج - نایب گرفتن از میقات کفایت می‌کند و خودش باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست مگر از طرف او وکالت داشته باشد.^۳

[۱۲۸] س - آیا عمره مفرده یا طواف استحبابی را می‌توانیم به نیابت چند نفر انجام دهیم و در اعمال آن؛ از جمله طواف نساء، نیت همه باید بشود یا نیت بعضی کافی است؟

۱. آیات عظام تبریزی، خوئی، زنجانی، سیستانی: اگر منوب عنه زنده است نیابت بدون اذن او

(آیه الله زنجانی: در حج واجب) مجزی نیست.

آیه الله مکارم: مگر اینکه صاحبش راضی گردد.

۲. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط، با تمکن از استیجار غیر معذور، نمی‌توانند اجیر شوند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: نیابت آنان محل اشکال است مگر اینکه بتوانند برای درک مسمای وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: نیابت آنها صحیح است.

آیه الله سبحانی: کسانی که حج نیابی انجام می‌دهند اگر همراه معذورین به منا بروند، لازم است به مشعر برگردند و وقوف رکنی مشعر را درک کنند و اگر عالماً و عامداً ترک وقوف اختیاری کنند و برنگردند حجتشان باطل است و باید اعمال عمره مفرده انجام دهند و از احرام خارج شوند.

آیه الله سیستانی: صحت نیابت همراه ضعفا که به آنها نیازمند می‌باشند بعید نیست.

آیه الله صافی: به ذیل شرط هفتم از مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط.

۳. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۱۲۹ مراجعه شود.

ج - می‌توانید به نیابت چند نفر انجام دهید و باید نیت همه بشود.

[۱۲۹] س - کسی را روز عید، قبل از حلق دستگیر کرده‌اند و او را به ایران فرستاده‌اند، آیا رفقای او می‌توانند از او نیابت کنند و بقیه اعمال را انجام دهند یا خیر و چگونه از احرام خارج می‌شود؟

ج - بدون اینکه خودش نایب بگیرد نیابت صحیح نیست^۱، و برای خارج شدن از احرام باید به منا بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر نمی‌تواند برود در محل خودش حلق یا تقصیر نماید و بنا بر احتیاط موهای خود را به منا بفرستد و باید برای اعمال مترتبه نایب بگیرد.^۲

[۱۳۰] س - افرادی که هر سال به حج می‌روند؛ مانند خدمه کاروان‌ها، در محل خود از کسی نیابت قبول می‌کنند، ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و مُحرم می‌شوند، بعد که متوجه شدند دوباره نیت نیابت می‌کنند، آیا حج نیابتی آنان درست است یا حج برای خودشان حساب می‌شود؟

ج - باید عمره و حج را به همان نیت اول اتمام کنند^۳ و احرام دوم صحیح نیست مگر

۱. آیه الله بهجت: چنانچه احراز رضایت شود و شاهد حال هم بر رضایت بود؛ به طوری که اگر او بفهمد راضی است، نیابت صحیح است با مراعات سایر جهات.

آیه الله سبحانی: نیابت در صورتی تحقق می‌پذیرد که طرف رسماً او را نایب خود قرار دهد و یا به اصطلاح به او وکالت دهد که این کار را از طرف او انجام دهد.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه از دخول به مکه جلوگیری شده، می‌تواند در محل خودش قربانی نماید و احتیاط این است که حلق یا تقصیر نیز بنماید و اگر وارد مکه شده و تنها اجازه اعمال را به او نداده‌اند حلق یا تقصیر نموده و در صورت امکان موی خود را به منا بفرستد و برای بقیه اعمال نایب بگیرد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: در صورت امکان باید موی خود را به منا بفرستد.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۱۳۷۸ مراجعه شود.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بنا بر احتیاط مستحب.

۳. آیه الله بهجت: در صورتی که قصد انجام وظیفه داشته، مخل به نیابت نیست و عمل مجزی است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر ارتکازاً قصد منوب عنه را داشته‌اند؛ به طوری که اگر کسی می‌پرسید جواب می‌دادند برای منوب عنه حج به جا می‌آوریم کفایت می‌کند و حج نیابت آنها صحیح است. ←

آنکه احرام اول باطل باشد؛ مثل اینکه حج بر او واجب نبوده و نیت حجة الاسلام کرده باشد.^۱

[۱۳۱] س - شخصی در میقات برای خودش مُحرم می‌شود و تلبیه می‌گوید، بعد به فکر می‌افتد که چون خودش حج واجب را در سال‌های گذشته به جا آورده، برای پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان دیگرش حج تبرعی به جا آورد، آیا می‌شود با نیت عدول کند و یا دوباره به نیت شخص مورد نظر مُحرم شود یا خیر؟

ج - اگر به احرام صحیحی مُحرم شده، نمی‌تواند نیت را عوض کند و باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته، اتمام کند.

[۱۳۲] س - نایبی در احرام عمره تمتع، بعد از اینکه وارد مکه شد شک می‌کند که

→ **آیه الله سبحانی:** اگر کسی در میقات از نیابت غافل شد و برای خود مُحرم گردید، در صورتی نیابت صحیح

است که انگیزه او برای رفتن به میقات انجام نیابت باشد و در حقیقت انگیزه او ارتکازاً نیابت از منوب عنه بوده و در نیت نوعی سبق لسان پیش آمده و یا سهو و مسامحه در گذراندن نیت از قلب صورت گرفته باشد که اینها محل به نیابت نیست ولی اگر به شکلی فراموش کرده که اگر از او می‌پرسیدند برای چه کسی مُحرم شده، می‌گفت برای خودم در این صورت پس از توجه به اشتباه خود، آن را به عمره مفرده تبدیل کند و مجدداً از میقات و در صورت عدم امکان از ادنی الحل برای منوب عنه مُحرم شود.

آیه الله سیستانی: اگر محرک آنان در احرام، حج نیابی باشد کافی است ولی اگر به کلی غافل باشند که اگر از آنها پرسیده شود، جواب می‌دهند که برای خود احرام می‌بندیم باید حج را به نیت خود تمام کنند ولی اگر پس از انجام عمره از مکه خارج شوند و در ماه بعد به مکه برگردند؛ مثلاً آخر ذی‌قعدة خارج و اول ذی‌حجه وارد شوند عمره آنها باطل می‌شود و می‌توانند از یکی از مواقیع به نیت منوب عنه احرام ببندند، گرچه باطل کردن عمره تمتع عمداً گناه است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با فرض آنکه مستطیع نبوده و از قبل اجیر برای انجام حج شده است نیت احرام برای خود او منعقد نشده است و در صورتی که مجدداً به نیت منوب عنه مُحرم شده است حج نیابی او صحیح است.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: اگر شخص غافل، ارتکازاً قصد منوب عنه را داشته، و داعی و انگیزه او منوب عنه بوده، هرچند قصد خودش را اخطار کرده، قصد ارتکازی بر اخطار فعلی مقدم است و برای منوب عنه واقع می‌شود، و حج نیابتی صحیح است.

آیه الله مکارم: همین اندازه که نیت نیابت در عمق ذهن او باشد کافی است.

۱. **آیه الله سیستانی:** در این مثال احرام اول او صحیح است.

آیه الله مکارم: نیت حجة الاسلام تأثیری ندارد.

نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت مُحرم شود، یا اصلاً حج برای خودش حساب می‌شود و دیگر نمی‌تواند نایب باشد؟

ج - در نیت خطور لازم نیست، اگر انگیزه او در حال احرام نیابت بوده، عمل را به نیابت انجام دهد، و اگر در داعی و انگیزه هم شک دارد، باید اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) اتمام کند، و در نیابت به آن اکتفا نمی‌شود.^۱

[۱۳۳] **س -** زنی در عرفات، در روز نهم دیوانه شد، او را به بیمارستان بردند و تا آخرین وقتی که می‌توانستند همراهان او در مکه بمانند باقی ماندند، خوب نشد، آیا شوهرش که با او است می‌تواند برای او نایب بگیرد و یا خودش باقی اعمال را انجام دهد یا نه؟

ج - مجنون تکلیف ندارد و نمی‌تواند برای او نایب بگیرند، و اگر عاقل شد حکم اشخاص مُحرم دیگر را دارد.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** به ذیل مسئله ۱۳۰ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت از غیر محرم شود.

آیه الله خویی: اگر احتمال بدهد که نه قصد خود و نه دیگری را کرده، احرام او باطل است. مگر اینکه در حال طواف؛ مثلاً نیت معینی دارد که به همان نیت اعمال را تمام می‌کند.

آیه الله زنجانی: می‌تواند مناسک را به نیت خود به جا آورد؛ هرچند احتیاط مستحب آن است که به قصد اجمالی «آن عمره‌ای که به آن محرم شده‌ام» اعمال را به پایان برساند و کفایت از منوب عنه نمی‌کند.

آیه الله سبحانی: کسی که شک کند آیا نیت نیابت کرده یا نه به شک خود اعتنا نکند و حمل بر صحت نماید و خود را از زمان احرام تا آخر نایب بداند.

آیه الله سیستانی: اگر احتمال می‌دهد در میقات به کلی از ذهنش نیت نیابت از غیر پاک شده بوده، بنا می‌گذارد که احرامش برای خودش بوده و اگر این احتمال را نمی‌دهد همان طور که متعارف است در کسی که عازم بر نیابت بوده است بنا می‌گذارد که احرامش برای غیر بوده است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که فعلاً خود را نایب می‌داند و شک در نیت احرام گذشته خود دارد، وظیفه او حمل به صحت است و به عنوان نیابت، بقیه اعمال را به جا آورد.

۲. **آیه الله بهجت:** به ذیل مسئله ۸ و ۱۲۹ و ۹۸۹ مورد هشتم که کفایت ادراک اختیاری عرفه به تنهایی است

(اگر بعد از زوال دیوانه شده باشد) مراجعه شود. ←

[۱۳۴] س - هرگاه کسی مريض شود، به طوری که بعد از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد، آیا کسی که برای عمره تمتع مستحبی مُحرم شده و عمره را انجام داده است می‌تواند در حج نایب او شود یا خیر؟

ج - کسی که برای عمره تمتع مُحرم شده ولو مستحبی، نمی‌تواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود و باید عملش را اتمام کند، ولی اگر مريض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقوفین را درک کند و بقیه اعمال را نایب بگیرد، جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هرچند خودشان هم حج یا عمره به جا می‌آورند.^۱

[۱۳۵] س - بنده چون مسئول گروه حج بودم، به استناد وظیفه‌ام، که مراقبت از بیماران و عاجزهای گروه بود، وقوف اضطراری انجام دادم، لطفاً وظیفه شرعی اینجانب را بیان فرمایید.

→ **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** مجنون تکلیف ندارد و نمی‌تواند برایش نایب بگیرند و بنا بر اظهر، احرام او باطل می‌شود.

آیه الله زنجانی: چنین کسی محصور است و اگر عاقل شد باید به وظیفه‌ای که در ذیل مسئله ۱۳۸۱ گفته می‌شود عمل نماید.

آیه الله سبحانی: ولی یا متکفل امر او اعمال او را به صورت عمره مفرده تمام کند و نسبت به حج وظیفه‌ای ندارد و در مورد عمره اگر مستلزم مخارجی شد ولی او از اموالش بپردازد ولی اگر حج قبل از جنون و یا در سال‌های قبل از آمدن به مکه بر او مستقر شده و امیدی به بهبودی او نیست، تبرعاً یا استیجاراً حج او را استنباه کنند و اگر استنباه استیجاری بود، ولی او باید از اموال او هزینه حج را بپردازد.

آیه الله سیستانی: اگر پس از درک مسمای وقوف، در عرفات دیوانه شده باشد و سپس به قدری به عقل بیاید که اختیاری مشعر را درک کند، یا اضطراری مشعر با اختیاری یا اضطراری عرفه، پس حج او صحیح است، و اگر به عقل نیاید، باید برای تکمیل اعمال شوهر برای او نایب بگیرد.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال، نایب گرفتن مجزی و صحیح نیست و ظاهراً احرام او باطل می‌شود.

آیه الله مکارم: این در صورتی است که سال اول استطاعت او باشد.

۱. **آیه الله زنجانی:** به استثنای بیتوته در منا که قابل نیابت نیست، پس اگر بیتوته برای آنها حرجی نباشد بیتوته می‌کنند و الاً بیتوته بر آنها واجب نیست؛ هرچند ترک بیتوته در برخی از صورت‌ها کفاره دارد. ←

ج - اگر همراه عجزه بوده‌اید که لازم بوده با آنان باشید و آنان از وقوف اختیاری معذور بوده‌اند برای شما هم اشکالی نداشته، بلی اگر نایب کسی شده‌اید نیابت شما درست نبوده است.^۱

[۱۳۶] س - اگر کسی دفعه اول به صورت خدمه، حج به جا آورده و در دفعه دوم دوباره به مأموریت خدمه عازم مکه معظمه است، آیا می‌تواند به عنوان پدر یا مادر که فوت شده‌اند نیابت نماید، و در چنین صورتی آیا حج از عهده پدر و مادرش برداشته می‌شود؟

ج - مانع ندارد و حج از منوب عنه کافی است، مگر آنکه سال اول، مستطیع نبوده

→ **آیه الله سبحانی:** با گرفتن نایب برای تمام و یا قسمتی از اعمال، عمره و حج را تمام کند و چنانچه تمکن مالی برای نایب گرفتن ندارد از استطاعت خارج شده و حج بر او مستقر نیست، در این صورت بنا بر احتیاط با گرفتن نایب اعمال خود را به صورت عمره مفرده به پایان برساند اما اگر این شخص سال‌های قبل مستطیع شده و حج بر او مستقر گردیده حج بر ذمه اوست و باید چنانچه متمکن گردید به جا آورد و یا اگر از دنیا رفت از ترکه او حج برایش به جا آورند.

۱. **آیه الله بهجت:** به ذیل مسئله ۱۰۷ و ۱۳۹ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: نیابت شما محل اشکال است.

آیه الله خویی: کسانی که ناچارند همراه زنان و بیماران باشند، اگر بتوانند ولو یک لحظه از وقوف اختیاری مشعر را درک کنند باید برگردند و اگر نمی‌توانند باید قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند و در فرض عجز از آن هم حج آنان صحیح است و چنانچه این وظیفه را از روی جهل به حکم ترک کرده باشند حجشان صحیح است ولی باید یک گوسفند کفاره بدهند. و در ذیل مسئله ۱۰۷ «حکم نیابت معذور به عذر طاری» گذشت.

آیه الله زنجانی: بلکه اگر نایب هم بوده‌اید عمل شما صحیح و کفایت از منوب عنه می‌کند.

آیه الله سبحانی: باید به مشعر جهت درک وقوف اختیاری رکنی برمی‌گشتید و اگر عمداً برنگشتید، نیابت شما باطل است به غیر از دو صورت: ۱. جهل شما نسبت به وظیفه؛ یعنی برگشتن به مشعر قصوری باشد. ۲. عذر شما طاری باشد و در هر حال باید وقوف اضطراری لیلی یا نهاری مشعر را انجام داده باشید.

آیه الله سیستانی: صحت نیابت شما بعید نیست.

آیه الله فاضل، آیه الله گلپایگانی: اگر عذر شما طاری بوده نیابت صحیح است.

آیه الله صافی: به ذیل شرط هفتم از مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: نیابت شما هم درست است.

و امسال مستطیع باشد.^۱

[۱۳۷] س - اینجانب حدود شانزده سال قبل نیابتاً به مکه معظمه مشرف شدم و در منا چون سفر اول بوده است، و می‌دانستم که طبق تقلید حضرت عالی باید در سفر اول حلق کنم، و لیکن نمی‌دانستم که ماشین ته‌زن با تیغ فرق دارد و به جای تیغ با ماشین ته‌زن سر خود را تراشیدم و بعد از آن سفر هم دو سفر دیگر مشرف شدم و در سفرهای بعدی سر خود را ماشین نموده و ناخن هم گرفته‌ام، لطفاً بفرمایید در سفر اول که به جای تیغ با ماشین سر را تراشیدم، در مقابل این کار وظیفه‌ام چیست؟ و آیا این عمل سفر اول در سفرهای بعدی خللی وارد می‌آورد یا ذمه‌ام بری شده است؟

ج - شما در صورت امکان باید^۲ به مکه بروید و در منا حلق کنید^۳ و بعد از آن طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورید و در این اعمال نیت اتمام حج سفر اول را بکنید و بعد از آن چیزی بر شما نیست، و اگر خودتان نمی‌توانید بروید یا رفتن برای شما حرجی است در محل خود حلق کنید و بنا بر احتیاط موی آن

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: حج نیابی او صحیح است.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: در این صورت حج نیابی صحیح است اما معصیت کرده.

آیه الله مکارم: خدمه در حکم مستطیع هستند به علاوه مستطیع اگر قصد نیابت کند حج برای منوب عنه کافی است هرچند گناه کرده است.

۲. نسبت به متن و وظیفه حلق برای ضروره به (مسئله ۱۱۱۲۰ طائفه دوم) مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

۳. آیات عظام بهجت، خویی، فاضل، مکارم: ضروره (کسی که بار اول حج اوست) بین حلق و تقصیر مخیر است، گرچه احتیاط این است که حلق کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله نوری: چون حلق برای ضروره (کسی که بار اول حج اوست) متعین نیست، بنابراین حج‌های شما هر سه صحیح است و چیزی بر شما واجب نمی‌باشد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: حلق با ماشین ته‌زن کافی است، گرچه احتیاط مستحب با تیغ است.

آیه الله سبحانی: حلق با ماشین ته‌زن کافی است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: چون عدم جواز تراشیدن سر به عنوان تقصیر بنا بر احتیاط است، اگر در این مسئله به کسی که تقصیر را کافی می‌داند مراجعه نمایید تکلیفی بر شما نیست.

را به منا بفرستید و در بقیه اعمال فوق نایب بگیرید، و نسبت به دو سفر دیگر که آیا صحیح و کافی بوده یا نه احتیاط را مراعات نمایید.

[۱۳۸] س - کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان، بعد از درک اضطراری مشعر، به منا بروند، آیا همه آنان از ذوی الأعدار می باشند که نیابت ولو تبرعاً مورد اشکال است یا نسبت به بعضی استثناء شده است؟

ج - در فرض سؤال، زن‌ها می توانند نایب شوند و نیابت در سایر ذوی الأعدار صحیح نیست.^۱

[۱۳۹] س - شخصی در حج از میتی نیابت کرد و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک، هیچ عذری نداشت، ولی چند سال بعد از انجام حج متوجه شد که در وقوف مشعر الحرام، با زن‌ها و مریض‌ها به عنوان راهنما، وقوف اضطراری کرده و به منا رفته است و غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند، آیا وظیفه اش چیست؟

ج - عمل مزبور مُجزی از حج نیابتی استیجاری نیست^۲، و از جهت اجرت باید به

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** نیابت زنان و ضعفا که می توانند به وقوف در شب، در مشعر اکتفا کنند مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: در فرض سؤال، بانوان و کودکان ممیز و همراهان آنان و مسئولین تدارک حجاج و بدهکار و خائف می توانند نایب شوند.

آیه الله سبحانی: مگر نایبی که جهل او به وظیفه در مورد درک وقوف اختیاری رکنی مشعر قصوری باشد و نیابت زنان در این مورد و مواردی که مربوط به عذر طاری مانند عادت ماهیانه است، اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: چون وقوف رکنی را درک کرده اند نیابت آنها صحیح است.

آیه الله مکارم: نیابت در این گونه موارد صحیح است.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۷ گذشت.

۲. **آیه الله بهجت:** اتمام عمل طبق وظیفه عذری نایب (عذر طاری) کفایت می کند و مضر به صحت نیابت نیست.

آیه الله تبریزی: اگر از روی جهل به مسئله قبل از طلوع فجر از مشعر کوچ کرده، حج نیابتی او بنا بر اظهر صحیح است و باید یک گوسفند کفارہ دهد و در اجرت با مستأجر خود، تراضی کند. ←

اجیر کننده مراجعه نماید و یا در صورتی که اجاره، موقت به زمان مخصوصی که منقضی شده نباشد، دوباره حج نیابتی صحیح به جا آورد.

[۱۴۰] س - آیا می‌توانم برای مادرم و برای خودم فریضه حج را انجام دهم؟

ج - در یک سال بیش از یک حج واقع نمی‌شود.

[۱۴۱] س - شخصی به عنوان نیابت در مسجد شجره مُحرم شد و به مکه آمد، در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده است؟ آیا باید اعمال عمره را به قصد خود به جا آورد یا به قصد نیابت، و اگر باید حج را به قصد خود به جا آورد، نسبت به حج نیابتی چه وظیفه‌ای دارد و آیا می‌تواند برای آن نایب بگیرد یا نه؟

ج - احرام او صحیح نبوده است^۱ و باید برگردد و برای عمره تمتع برای خودش

→ **آیه الله خویی:** نیابت معذور اشکال دارد و حکم نیابت معذور به عذر طاری در مسئله ۱۰۷ گذشت.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: عمل مزبور کفایت می‌کند و اجیر حق اجرت دارد.

آیه الله سبحانی: چنانچه جهل آنها قصوری باشد مانع ندارد و از منوب عنه کفایت می‌کند.

آیه الله سیستانی: عمل مزبور مجزی است حتی اگر از ابتدا چنین عذری داشته باشد؛ زیرا درک مقدار رکن از وقوف کافی است.

آیه الله صافی: حج صحیح و مبری ذمه منوب عنه است و نسبت به اجرت، رضایت مستأجر را تحصیل نماید.

آیه الله فاضل: در عذر طاری حج نیابتی صحیح و مستحق اجرت هم می‌باشد.

آیه الله گلپایگانی: بعید نیست در عذر طاری حج نیابتی صحیح و مستحق اجرت هم باشد.

۱. **آیه الله بهجت:** به ذیل مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط باید اعمال عمره را تمام کند و طواف نساء هم به جا آورد و لازم است پس از آن به میقات برگشته و برای خود محرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد.

آیه الله خویی: اگر حج نیابتی را تمام کند صحیح است گرچه وظیفه‌اش را کردن حج نیابتی و احرام بستن برای حج خودش بوده است.

آیه الله زنجانی: اگر از تمام جهات (مالی و غیره) مستطیع بوده احرامش باطل است و باید حجة الاسلام خود را به جا آورد.

آیه الله سبحانی: اگر این شخص قبل از اعمال عمره متوجه استطاعت خود شده است، حال چنانچه استطاعت این شخص قبل از پذیرفتن نیابت بوده و نمی‌توانسته نایب شود، باید عمره را به صورت عمره مفرده برای خود به جا آورد و تمام کند، سپس به میقات برگشته و اگر نشد از ادنی الحل برای حج تمتع خود محرم ←

مُحرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد و راجع به حج نیایی نمی‌تواند نایب بگیرد، مگر اجازه داشته باشد یا استیجار او برای مطلق تحصیل حج باشد.

[۱۴۲] س - کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است که به ایران بازگردد، آیا می‌تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید که حج تمتع را انجام دهد؟

ج - نمی‌تواند.

[۱۴۳] س - آیا شرط ایمان نایب، که در اصل نیابت حج^۱ و همچنین در ذبح شرط است^۲، در سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است، مثل رمی و طواف هم شرط است یا خیر؟

ج - در سایر اعمال نیز شرط است.^۳

[۱۴۴] س - شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و پدر نمی‌تواند بالمباشره حج را به جا آورد، پسر بدون تذکر دادن به پدر شخصی را اجیر برای حج پدر نموده و خودش هم برای حج خود مشرف شده، در این فرض آیا حج اجیر برای حج پدر، مجزی است یا خیر؟ و هرگاه در مدینه تصمیم بگیرد که آنچه را از مال پدر به اجیر

→ شود و با استجازه از منوب عنه یا وارث او برای او استنابه کند لکن اگر اجازه نگرفت و استنابه نمود، میت بری الذمه شده ولی این شخص بدهکار ورثه است، حال آنها ببخشند یا مبلغ را پس بگیرند.

آیه الله سیستانی: اگر مطمئن است که سال دیگر می‌تواند حج خود را انجام دهد، حج نیایی را تمام کند و گرنه آن را رها کند و به میقات برگردد و برای خود احرام ببندد.

آیه الله فاضل: احرام او صحیح است و تبدل نیت برای شخص محرم صحیح نیست.

آیه الله مکارم: احتیاطاً عمره را تمام کند و طواف نساء به جا آورد و به میقات برگردد و محرم شود. این در صورتی است که اجیر نشده باشد و الا آجاره او صحیح است و در آن سال مستطیع نیست.

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** بنا بر احتیاط واجب.

۲. نظر آیات عظام در شرطیت ایمان در ذبح در «مسئله ۱۰۴۲» خواهد آمد.

۳. آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله زنجانی، آیه الله سبحانی: در تمام اعمال عبادی بنا بر مشهور ایمان نایب، شرط است؛ ولی ذایح و کسی که مو یا ناخن محرم را می‌زند معمولاً نایب نیست تا ایمان در او معتبر باشد.

داده است با پدر حساب نکند و از مال خودش باشد، رفع اشکال می‌شود یا نه؟

ج - در فرض مزبور استنباه در مورد پدر صدق نمی‌کند^۱، و حجة الاسلام از طرف پدر واقع نمی‌شود و فرقی بین دو صورت فوق نیست.

[۱۴۵] **س -** شخصی پس از آنکه به مدینه مشرف شد جنون پیدا کرد، با توجه به اینکه سابقاً حج بر او مستقر شده است، آیا می‌شود برای او نایب گرفت یا خیر، و اگر نشود، تبرع حج از او چه صورت دارد؟

ج - نیابت و تبرع در فرض سؤال صحیح نیست.^۲

[۱۴۶] **س -** فردی پس از استطاعت مالی برای حج اسم‌نویسی کرد و برای دو سال بعد اسمش در آمد، ولی چند ماه قبل از حرکت، فوت کرد درحالی‌که پسرش را نایب

۱. **آیه الله بهجت:** با احراز رضایت پدر اشکال ندارد و تبرع از حی در حج واجب، با عدم قدرت او، اظهر جواز آن است و با اذن باشد احوط است در تفریح ذمه.

آیه الله زنجانی: استنباه از شخص زنده در حج واجب - حجة الاسلام و غیر آن - بدون درخواست یا اذن منوب عنه صحیح نیست و در حج مستحب مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: نیابت برای منوب عنه زنده بدون اجازه و یا وکالت از طرف او کفایت نمی‌کند هرچند فرد اختیاردار اموال او باشد.

آیه الله سیستانی: اگر اختیارات او شامل نایب گرفتن در حج هم بوده کافی است و گرنه عمل نایب کافی نیست مگر اینکه قبل از احرام، پدر مطلع شود و موافقت نماید.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: مگر وکالت مطلقه از پدر داشته باشد.

آیه الله گلپایگانی: اجیر گرفتن برای پدر از مال او بدون اطلاع پدر صحیح نیست بلی در صورتی که مبلغ اجاره را از مال خود تبرعاً بپردازد در فرض سؤال که پدر عاجز از انجام حج است مانعی ندارد و مجزی از حجة الاسلام پدر می‌باشد.

۲. **آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم:** اگر امید به بهبودی او نباشد گرفتن نایب برای او مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: نیابت تبرعی از مجنونی که قبل از جنون حج بر او مستقر شده و امیدی به بهبودی او نیست اشکال ندارد و در صورت نیابت استیجاری ولی او باید از اموالش هزینه حج را بپردازد.

آیه الله سیستانی: باید پس از مرگ برای او نایب بگیرند.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال که زنده است صحیح نیست، بلی در صورت یأس از بهبودی او نیابت صحیح است.

آیه الله نوری: فقط حاکم شرع می‌تواند برای او نایب بگیرد.

قرار داده بود که برای او حج به جا آورد، درحالی که پسر خود استطاعت مالی داشته ولی در اسم نویسی مسامحه کرده و ننوشته است، در صورتی که اگر اسم می نوشت، شاید در همان سال اول، قرعه به نامش در می آمد و شاید هم سال های بعد، اکنون پسر به مدینه آمده به عنوان نیابت حج بلدی از جانب پدر و هنوز محرم نشده، چه وظیفه ای دارد؟

ج - در فرض مرقوم نیابت صحیح نیست و باید برای خودش حج نماید.^۱

۱. **آیه الله بهجت:** نیابت شخص مستطیع جایز نیست ولو اگر انجام دهد صحیح است.

آیه الله تبریزی: در فرض مزبور برای خودش حج به جا آورد و برای پدرش نایب بگیرد.

آیه الله خامنه ای: در فرض سؤال که راه با فیش مورد وصیت برای پسر باز شده و وصیت نسبت به زائد بر حج میقاتی، از ثلث بیشتر نیست، یا ورثه اجازه کرده اند، باید پسر حج را به نیابت از پدر به جا آورد.

آیه الله خویی: حج نیابی او صحیح است و در صورتی که رفتن به حج منحصر به استفاده از سهمیه پدر بوده و استفاده از آن بنا به وصیت پدر یا نظر ورثه موقوف به این باشد که خود او برای پدر حج نیابی انجام دهد، اینکه لازم باشد پسر باز برای خود حج به جا آورد، فتوای ایشان روشن نیست.

آیه الله زنجانی: اگر فرزند قبل از استطاعت، نیابت را قبول کرده باشد باید برای پدر حج به جا آورد و گرنه حج بر عهده اش مستقر شده نمی تواند نایب شود و باید حج خود را به جا آورد. البته اگر تنها با استفاده از این فیش می تواند حج به جا آورد، باید مطابق ذیل مسئله ۸۸ عمل نماید.

آیه الله سبحانی: حال که این شخص با فیش پدر به مدینه رسیده دو حالت دارد: ۱. اگر برای انجام حج پدر اجیر شده و بدون این فیش نمی توانست به مکه بیاید چه استطاعت او قبل از پذیرش نیابت و اجاره باشد و چه بعد درحالی که بدون این فیش نمی توانست به مکه بیاید، باید برای پدر حج به جا آورد؛ ۲. اگر همین شخص که با فیش منوب عه آمده، در برابر عمل خود هیچ مزدی دریافت نمی کند (تبرعی) و قبل از میقات متوجه استطاعت خود شده و فعلاً طریق برای او مهیا گردیده، باید حج را برای خود انجام دهد و برای پدر حج نیابی خریداری نماید و تفاضل قیمت فیش را نسبت حج نیابی میقاتی به ورثه بپردازد ولی اگر قیمت نیابت زیادتر از فیش بود باید از جیب خود بپردازد مگر اینکه ورثه قبول کنند.

آیه الله سیستانی: اگر مطمئن باشد که در سال های آینده می تواند برای خودش حج به جا آورد می تواند امسال به نیابت از پدر حج به جا آورد، و اگر مطمئن نباشد وظیفه اش این است که برای خود حج به جا آورد، ولی به هر حال حج نیابی او صحیح است.

آیه الله فاضل: حج خودش مقدم است، لیکن اگر مخالفت کرد حج نیابی صحیح است اگرچه مرتکب گناه شده است. ←

[۱۴۷] س - شخصی اجیر حج بلدی از قم شده و خودش ساکن اراک است، بعد از اجیر شدن در نظر داشته که به قم برود و از آنجا حرکت کند، پس از چند روز درحالی که از موضوع غافل شده، برای انجام کار دیگری به قم و بعد از آنجا به تهران رفته است، آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد به قم، و بر فرض خروج از ایران چه حکمی دارد؟

ج - اگر می‌تواند باید برگردد^۱، و چنانچه برنگشت ولو در صورت تمکن و حج را انجام داد، حج صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد.

[۱۴۸] س - آیا بر نایب واجب است اعمال حج را طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه انجام دهد یا مطابق وظیفه خودش عمل نماید؟

ج - میزان، وظیفه خود اوست^۲ ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی، باید طوری

→ **آیه الله مکارم:** نیابت او صحیح است و استطاعت خودش ثابت نیست، هرچند به خاطر کوتاهی کردن در اسم‌نویسی گناه کرده است.

۱. **آیه الله بهجت:** لازم نیست برگردد.

آیه الله سبحانی: و اگر عمل نکرد یا فراموش کرد حج او صحیح است ولی اجرة المثل بالنسبه کم می‌شود و اگر به نیت نیابت حتی چند ماه قبل به آن بلد رفته باشد و بعداً از غیر آن بلد به حج برود کافی است.

آیه الله سیستانی: حج او صحیح است مطلقاً، ولی اگر اجاره بر حج بلدی به نحو تقیید باشد مستحق اجرت نیست، و اگر شروع از بلد منوب عنه جزو عمل مورد اجاره باشد مستحق اجرت می‌باشد ولی مستأجر می‌تواند اجرت المثل آن قسمت را که به جا نیاورده از او بگیرد و می‌تواند اجاره را فسخ کند ولی باید اجرت المثل حج او را بدهد، و اگر شروع از بلد از باب شرط ضمن العقد باشد مستأجر فقط می‌تواند اجاره را فسخ کند و در این صورت اجرت المثل او را باید بدهد.

آیه الله مکارم: مگر اینکه نیت در اعماق ذهنش وجود داشته باشد.

آیه الله نوری: اگر داعی ارتکازی داشته، گرچه خطاری نبوده و غافل شده، برگشتن لازم نیست؛ زیرا در نیت خطور لازم نیست و اگر بالمره غافل شده و از ارتکاز هم محو شده، باید برگردد.

۲. **آیه الله بهجت:** در نیابت از میت به وظیفه خودش عمل می‌کند و در نیابت صحیح از زنده فی الجملة احتیاط می‌کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه منوب عنه حی باشد، باید طبق تقلید منوب عنه عمل کند و چنانچه منوب عنه مرده باشد، اگر وصیت کرده، باید به تقلید منوب عنه عمل کند. در غیر این دو صورت، مراعات تقلید منوب عنه لازم نیست. **آیه الله تبریزی** اضافه فرموده‌اند: و بنا بر احتیاط لازم است ←

عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده، بشود.

[۱۴۹] س - آیا در اجاره برای اعمال حج لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر

سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند یا نه؟

ج - لازم نیست و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می‌کند.^۱

[۱۵۰] س - نایب چند ماه قبل از حج به بلد منوب عنه می‌رود و به عنوان نیابت حج

حرکت می‌کند و به وطن خودش یا محل دیگری می‌رود و در ماه ذی‌حجه، که عازم حج

می‌شود، دیگر به بلد منوب عنه نمی‌رود، کافی است یا نه؟ و چه وقت باید برود؟

→ آن عمل بنا به تقلید وصی و ورثه هم صحیح باشد و اگر وصیتی نکرده، نایب به حسب تقلید خودش عمل کند و طوری باشد که به حسب وظیفه ورثه هم مجزی باشد.

آیه الله زنجانی: در مورد محرمات احرام، نایب باید فتوای مرجع تقلید خودش را رعایت کند و در مورد مناسک و اعمال حج چنانچه به فتوای مقلد نایب نتواند بدون احرام از میقات بگذرد باید در احرام و اعمال حج، فتوای مرجع تقلید خود را رعایت کند تا به شکل صحیح، محرم شده و از آن بیرون آید و کسی که برای حج یا عمره واجب خودش، کسی را اجیر می‌کند یا برای آن وصیت می‌نماید باید رعایت فتوای مقلد خود را در اعمال حج بر نایب شرط نماید و بر ولی میت که برای حج واجب میت، نایب می‌گیرد و همچنین بر وصی که برای حج وصیت شده - مستحب یا واجب - نایب می‌گیرد، واجب است که علاوه بر رعایت تقلید منوب عنه در اعمال حج، رعایت فتوای مقلد خودشان را نیز بر نایب شرط کنند و به دنبال آن نایب باید تقلید شرط شده را نیز رعایت کند و اگر مستطیع یا ولی یا وصی او در نایب گرفتن چنین قیدی ننمایند، نایب باید در اعمال حج فتوای مقلد منوب عنه و همچنین مقلد ولی یا وصی را نیز رعایت نماید.

آیه الله سیستانی: باید طبق تقلید خودش عمل کند ولی اگر اجیر شده باشد که طبق نظر منوب عنه یا مستأجر عمل کند، چه به صراحت ذکر شده باشد و چه اطلاق منصرف به آن باشد، باید به همان نحو عمل کند، مگر در صورت یقین به فساد عمل.

۱. **آیه الله بهجت:** به مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط مراعات تقلید منوب عنه را بنماید.

آیه الله خویی: اگر اجیر بتواند اعمال را به نحوی انجام دهد که بدانند مطابق تقلید منوب عنه واقع می‌شود، و در صورتی که عمل طبق فتوای مقلد منوب عنه به نظر نایب باطل باشد، باید عمل به احتیاط کند.

آیه الله زنجانی: به تفصیلی که در پاسخ سؤال قبل گذشت مستأجر باید رعایت فتوای مقلد خود و منوب عنه را شرط کند مگر بدانند که نایب رعایت می‌کند و نایب نیز باید سؤال کند که منوب عنه و نایب گیرنده، مقلد چه کسی هستند، مگر آنکه بخواهد احتیاط کند.

آیه الله سبحانی: فحص از تقلید منوب عنه لازم نیست.

ج - کافی است.

[۱۵۱] س - در موردی که مرحوم پدرم فرموده بود پسر بزرگ نیابتاً به مکه برود و من که پسر بزرگ هستم به وسیله ارث مستطیع شده‌ام اما تاکنون نتوانسته‌ام سهم خود را به پول مبدل کنم، آیا می‌توانم با این حال به جای پدر حج به جا آورم یا نه؟

ج - با فرض حصول استطاعت مالی برای خودتان^۱ ولو از بابت ارثیه، اگر امکان فروش و صرف قیمت در حج را دارید باید اول برای خودتان حج به جا آورید و برای پدر بعداً انجام دهید یا دیگری را نایب بگیرید.^۲

[۱۵۲] س - آیا جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا طواف حج که طواف را در غیر موسم حج به جا آورَد یا نه؟
ج - مانع ندارد.^۳

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** مگر اینکه استطاعت طریقی (باز بودن راه) برای فرزند جز به لحاظ نیابت از پدر حاصل نشود.

آیه الله خویی: به ذیل مسئله ۱۴۶ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر قبل از استطاعت، وصیت را قبول کرده باشید حج نیابی مقدم است، والا در صورتی که بتوانید بدون حرج و آبروریزی با فروش سهم الارث، مخارج حج را تأمین کنید مستطیع می‌باشید و باید حج خودتان را به جا آورید.

آیه الله سبحانی: اگر پسر وصیت پدر را قبل از استطاعت خود پذیرفته باشد حج نیابی مقدم است و در غیر این صورت باید حج خود را مقدم دارد و چنانچه حج پدر مقید به همان سال است کسی را برای او نایب بگیرد. **آیه الله سیستانی:** مگر اینکه وصیت شده باشد که حج را همان سال استطاعت انجام دهید، در این صورت اگر مطمئن باشید که سال بعد می‌توانید حج خود را انجام دهید به وصیت عمل کنید وگرنه در آن سال حج خود را انجام دهید و حج از جانب پدر را سال بعد انجام دهید.

۲. **آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری:** اگر حج واجب بر عهده پدر بوده، در همان سال نایب بگیرید تا تأخیر در انجام وصیت نشود.

آیه الله مکارم: اگر میت شرط مباشرت کرده نمی‌تواند نایب بگیرد.

۳. **آیه الله بهجت:** در حکم، با منوب عنه مشترک است.

آیه الله خامنه‌ای: وقت طواف حج و نماز آن ماه ذی‌حجه است، ولی طواف نساء و نماز آن وقت معینی ندارد. **آیه الله زنجانی:** نایب باید مطابق وظیفه منوب عنه عمل نماید پس اگر در طواف عمره تمتع نایب شده باشد ←

[۱۵۳] س - شخصی قبلاً مستطیع بوده و به حج نرفته و الآن هیچ‌گونه قدرت مالی جهت انجام حج را ندارد، آیا فرزندش می‌تواند تبرعاً از طرف او حج نیابی انجام دهد؟

ج - نیابت در حج از حی صحیح نیست، مگر در صورتی که شخص از جهت پیری نتواند به حج برود یا مریض باشد و از جهت مرض نتواند برود و مایوس از خوب شدن تا آخر عمر باشد.^۱

→ باید طواف را در زمانی انجام دهد که منوب عنه بتواند بقیه اعمال را انجام داده عرفات را در قبل از غروب روز نهم درک کند و اگر بعد از احرام حج، نایب گرفته نایب باید قبل از طواف حج، طواف عمره را به جا آورد و اگر ذی‌حجه گذشته، هر وقت به جا آورد کافی است و اگر در طواف حج نایب شده باید وقتی انجام دهد که منوب عنه بتواند - ولو بالاستنباه - سعی و طواف نساء را در ذی‌حجه به جا آورد و اگر ذی‌حجه گذشته هر وقت به جا آورد کافی است.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: باید عمل را در وقتی انجام دهد که بر منوب عنه تأخیر از آن جایز نیست. پس اگر نایب در طواف عمره تمتع باشد، باید در وقتی انجام دهد که منوب عنه بتواند بقیه اعمال را قبل از فوت وقوف در عرفات انجام دهد و اگر طواف حج باشد تأخیر آن از ذی‌حجه جایز نیست، ولی اگر ماه ذی‌حجه تمام شد، در هر زمان کافی است و اگر منوب عنه طواف را فراموش کرده و به وطن بازگشته است، نایب در هر زمان می‌تواند آن را انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف عمره تمتع را در اشهر حج و طواف حج را در ذی‌حجه، روز عید و بعد از آن، باید به جا آورد مگر اینکه منوب عنه طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم متذکر شود که در این صورت خود او و در فرض عدم تمکن، نایب او می‌تواند طواف را در غیر اشهر حج به جا آورد.

آیه الله مکارم: طواف حج تمتع را باید تا آخر ذی‌حجه به جا آورد و طواف عمره تمتع را باید در اشهر حج، قبل از عرفات به جا آورد.

۱. **آیه الله بهجت:** مگر در صورتی که از غیر جهت مال، استطاعت نداشته باشد؛ به طوری که مباشرت مقدور او نباشد و تفصیل صور آن در مسئله ۵۲ گذشت.

آیه الله تبریزی: یا عذر دیگری داشته باشد و اطمینان به زوال عذر و مرض نداشته باشد.

آیه الله خویی: یا عذر دیگری داشته باشد و عذر و مرض تا آخر عمر باقی بماند.

آیه الله زنجانی: و همچنین است اگر عذر دیگر مستمری غیر از پیری و مرض داشته باشد. و در هر حال عمل نایب در حج واجب از حی، باید با اذن منوب عنه باشد.

آیه الله سیستانی: مرض و مانند آن.

آیه الله فاضل: یا عذر دیگری داشته باشد و عذر و مرض تا آخر عمر باقی بماند؛ مثل اینکه محکوم به حبس ابد باشد.

[۱۵۴] س - حج به نیابت حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفدا - چون در موسم حج تشریف دارند جایز است یا نه؟
ج - اشکال ندارد.^۱

[۱۵۵] س - زنی که واجب الحج است وصیت کرده که از اصل ترکه‌اش برای او حج بلدی توسط وصیش انجام شود، حال استطاعت جانی و مالی و غیره برای وصی او فراهم است، فقط از حیث عدم شرکت در نام‌نویسی برای حج، آن هم با عذری، استطاعت راهی ندارد، آیا می‌تواند حج نیابی را انجام دهد؟

ج - وصی اگر قبلاً استطاعت نداشته و فعلاً هم راه برای او باز نیست الآن هم مستطیع نیست و می‌تواند برای حج نیابی اجیر شود^۲، ولی اگر بدون اینکه اجیر شود خود را به میقات برساند، نمی‌تواند حج نیابی به جا آورد و باید برای خودش حج به جا آورد.

[۱۵۶] س - کسی که حج نیابی انجام می‌دهد، اگر در قربانی شخص ثالثی را وکیل کرد، ذابح چگونه نیت کند، آیا باید نیت کند که به وکالت از میت قربانی می‌کنم یا باید وکالت از نایب میت کند؟ در هر صورت آیا باید نام میت را هم ببرد؟
ج - نام میت بردن لازم نیست، بلکه چنانچه نیت کند آنچه بر عهده نایب است

۱. آیه الله بهجت: مانع ندارد و احتیاط در حج از نفس (خود) و اهدای ثواب برای آن حضرت است.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: به امید مطلوبیت اشکال ندارد.

۲. آیه الله تبریزی: در فرض مزبور، وصی برای خود حج به جا آورد و برای حج بلدی میت نایب بگیرد.

آیه الله خوئی: به مسئله ۱۴۶ رجوع شود.

آیه الله زنجانی: ولی اگر بدون تعهد الزامی برای حج نیابی، استطاعت طریقی پیدا کند - ولو با جلب رضایت ورثه - باید برای خودش حج به جا آورد و حج نیابی او صحیح است.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۸۸ و مسئله ۱۴۶ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی: با فرض استطاعت در میقات، نیابت صحیح نیست.

آیه الله مکارم: اگر از نام‌نویسی آن زن استفاده کند، باید برای او حج نماید.

انجام دهد صحیح است.^۱

[۱۵۷] س - کسی که برای حج اجیر می‌شود، اگر شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا یک عمل دیگری که نیابت بردار است نایب می‌گیرم، آیا این شرط نافذ است و می‌تواند عمل نماید یا نه؟

ج - اگر عذر دارد^۲ نمی‌تواند قبول کند، بلی در قربانی مانع ندارد و شرط لازم نیست.
[۱۵۸] س - کسی احتمال قوی عقلایی می‌دهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حج تمتع را بدل به افراد کند، آیا می‌تواند از حج واجب نیابت کند؟

ج - می‌تواند نیابت کند، ولی اگر وظیفه او عدول به افراد شد، بنا بر احتیاط منوب عنه نباید اکتفا به آن کند.^۳

۱. **آیه الله تبریزی:** نایب باید نیت کند که برای حج نیابتی که انجام می‌دهد قربانی می‌کند و ذابح لازم نیست که نیت کند هرچند احوط و اولی این است که نیت کند آنچه را که بر عهده نایب است انجام می‌دهد.
- آیه الله زنجانی:** نایب باید نیت کند که برای حج نیابتی که انجام می‌دهد قربانی می‌کند و ذابح لازم نیست نیت کند مگر آنکه بر خلاف معمول در امر قربانی، نایب شده و این کار به طور کامل به او واگذار شده باشد.
۲. **آیه الله بهجت:** بنا بر احتیاط نمی‌تواند قبول کند.
- آیه الله تبریزی، آیه الله گلپایگانی:** نیابت او محل اشکال است.
- آیه الله خویی:** بنا بر احتیاط نیابت او مجزی نیست. (در خصوص طواف نساء فتوای ایشان در دست نیست)
- آیه الله زنجانی:** اگر حج یا عمره واجب باشد صحیح نیست و اگر مستحب باشد صحیح است.
- آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی:** در عملی مانند طواف نساء، که صحت حج بر آن متوقف نیست، اگر از ابتدا هم عذر او معلوم باشد نیابت صحیح است.
- آیه الله صافی:** نیابت او محل اشکال است.
- آیه الله فاضل:** معذور نباید نیابت کند و شرط اجازه در استنباه صحیح نیست مگر در قربانی که آن هم نیاز به شرط ندارد و اگر شرط کنند استیجار صحیح است لیکن شرط قابل عمل نیست.
۳. **آیه الله بهجت:** نظر ایشان ذیل مسئله بعد (۱۵۹) خواهد آمد.
- آیه الله تبریزی:** می‌تواند نیابت کند اگر وقت وسعت داشته باشد و احتمال عذر طاری بدهد و چنانچه عذر طاری شد حج او کفایت از منوب عنه می‌کند. ←

[۱۵۹] س - نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن، جزو معذورین شد و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نمود، آیا حج او از منوب عنه کافی است؟ و آیا نسبت به نحوه عذر فرقی هست یا نه؟

ج - محل اشکال است.^۱

→ **آیه الله خامنه‌ای:** اجیر کردن کسی که وظیفه او به سبب کمی وقت عدول به حج افراد است، صحیح نیست. اما اگر نایب را در وسعت وقت اجیر کنند و سپس اتفاقاً وقت بر او تنگ شود، واجب است که ایبه حج [فرد] عدول کند و عمل او از حج تمتع منوب عنه کفایت می‌نماید و مستحق دریافت اجرت نیر هست.

آیه الله خویی: هرگاه شخصی را برای حج تمتع اجیر نماید و وقت هم زیاد باشد و اتفاقاً (یعنی پس از احرام عمره تمتع) وقت برای حج تمتع تنگ شد و اجیر عدول به حج افراد کرد ذمه منوب عنه بری می‌شود.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۱۴ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: فردی که قبل از شروع عمل احتمال جدی می‌دهد که جشش به افراد تبدیل می‌شود نباید برای حج تمتع اجیر شود و اگر اجیر شد از حج منوب عنه کفایت نمی‌کند مگر اینکه از اول احتمال جدی نمی‌داد که چنین عذری پیش آید و بدون اهمال کاری و فرصت‌سوزی وقت او مضیق گردد و ناچار به آوردن حج افراد شود، چنین حجی کافی و صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر از ابتدا علم یا اطمینان به عروض عذر ندارد نیابت و حج صحیح است هرچند بعداً عذر عارض شود و حج او بدل به افراد شود.

آیه الله صافی: اگر وضع به طوری است که نایب عند العرف استطاعت حج تمتع را دارد، از حج منوب عنه مجزی است و الا در صورت عدول، مجزی از منوب عنه نیست.

آیه الله فاضل: اگر از ابتدا علم یا اطمینان به عروض عذر نداشته باشد نیابت و حج صحیح است هرچند بعداً به واسطه عذر یا تنگی وقت که اتفاقاً عارض شده، حج او بدل به افراد می‌شود و در این صورت ذمه منوب عنه بری می‌شود.

آیه الله گلپایگانی: در عذر طاری، اجزاء بعید نیست.

آیه الله مکارم: مگر اینکه از عذرهایی باشد که در حج احياناً پیش می‌آید. که در این فرض اکتفا به آن، بی‌اشکال است.

آیه الله نوری: در این صورت نمی‌تواند نیابت کند.

۱. **آیه الله بهجت:** اتمام عمل طبق وظیفه عذری نایب کفایت می‌کند و مضر به صحت نیابت نیست.

آیه الله تبریزی: در عذر طاری نیابت معذور صحیح است و حج او از منوب عنه کافی است و در اجرت با مستأجر خود تراضی کند. ←

[۱۶۰] س - کسانی که در حال اجیر شدن، از معذورین نبوده‌اند و بعداً در اثنای عمل عذر عارض شده است، آیا نیابتشان صحیح است و مستحق تمام اجرت می‌باشند یا نه؟
ج - اشکال دارد.^۱

[۱۶۱] س - خدمه‌ای که از روی جهل به مسئله اجیر شده‌اند و وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده‌اند، فعلاً تکلیفشان چیست و همچنین سایر معذورینی که حج ناقص از این قبیل انجام داده‌اند؛ تبرعاً یا با اجرت؟

→ **آیه الله خامنه‌ای:** نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، لیکن بعد از عقد اجاره، در موقع عمل یا قبل از محرم شدن، جزو معذورین شده، اگر عذر او منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود نیابت او صحیح است؛ مثل اینکه در ارتکاب بعضی از ترکات معذور شود ولی اگر عذر منجر به نقص در اعمال حج شود در این صورت بطلان اجاره بعید نیست و احوط آن است که حج برای منوب عنه اعاده شود و بین نایب و منوب عنه در مورد اجرت مصالحه صورت گیرد.

آیه الله خویی، آیه الله مکارم: حکم آن در مسئله ۱۰۷ گذشت.

آیه الله سبحانی: در عذر طاری هرگاه به وظیفه معذور عمل کند حج او صحیح است.

آیات عظام سیستانی، گلپایگانی، نوری: در عذر طاری اشکال ندارد.

آیه الله صافی: اگر قبل از احرام، معذور از انجام حج به نحوی که برای آن اجیر شده است گردیده، مستحق اجرت نیست اگرچه در بعضی صور، حج او کفایت از منوب عنه می‌کند.

۱. **آیه الله بهجت:** مسئله نیابت، در سؤال ۱۵۹ گذشت و مسئله اجرت در صورت صحت نیابت و اجزاء مستحق، تمام اجرت است، اگر شرطی بر خلاف نباشد نظیر مسئله ۱۲۰ که گذشت.

آیه الله تبریزی: در عذر طاری، نیابت معذور صحیح است و حج او از منوب عنه کافی است و در اجرت با مستأجر خود تراضی کند.

آیه الله خامنه‌ای: از مسئله قبل معلوم شد.

آیه الله خویی، آیه الله مکارم: به ذیل مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: استحقاق اجرت، وابسته به کیفیت قرارداد است و برای حکم صحت و کفایت عمل نایب به ذیل شرط هفتم مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: در عذر طاری نیابت معذور صحیح است و مستحق تمام اجرت است

آیات عظام سیستانی، گلپایگانی، نوری: عذر طاری اشکال ندارد.

آیه الله صافی: عذر طاری اشکال ندارد و به مقدار عذر، از اجرت مستحق نیست.

ج - نیابت ایشان صحیح نیست^۱ و کفایت از منوب عنه نمی‌کند و باید پول را برگردانند و خودشان با عدم عذر نسبت به درک اختیاری مشعر، باید با انجام عمره مفرده^۲، از احرام خارج شوند.

[۱۶۲] س - در مناسک آمده است که معذور نمی‌تواند نایب شود، معذور به چه کسی گفته می‌شود؟ لطفاً حد آن را معین کنید؛ مثلاً کسی که نمی‌تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی‌تواند خودش رمی جمرات کند و یا نمی‌تواند قربانی نماید و یا نمی‌تواند یکی دیگر از واجبات حج را؛ اعم از ارکان و غیر ارکان، انجام دهد معذور است یا خیر؟

۱. **آیه الله بهجت:** به ذیل مسئله ۹۸۴ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: چنانچه شب در مشعر وقوف کرده‌اند و از روی جهل به مسئله قبل از طلوع فجر، از آنجا کوچ کرده‌اند و در وقت دانستن مسئله امکان برگشت به مشعر و درک وقوف نبود، حج آنها صحیح است و باید یک گوسفند کفاره بدهند و اگر در حج اجیر بوده‌اند، در اجرت با مستأجر خود تراضی کنند و همچنین سایر معذورینی که در اثنای عمل عذر پیدا کرده‌اند و از اول نمی‌دانسته‌اند، اگر به وظیفه معذور عمل کنند حج نیابی آنها صحیح است ولی احتیاطاً در اجرت با مستأجر خود تراضی کنند.

آیه الله خویی، آیه الله صافی: به ذیل مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: در مورد سؤال اگر عمره و حج واجب باشد نیابت بانوان و کودکان ممیز و همراهان آنها و مسئولین تدارکات حجاج، که به جهت تأمین تدارکات باید شبانه وقوف کنند و شخص بدهکار و خائف، صحیح و مجزی است و همچنین نیابت کسانی که در هنگام احرام اطمینان داشته‌اند که معذور نخواهند شد و هنگام عمل، عذر برایشان پیش آمده است و در حج و عمره مستحب، نیابت معذورین به طور کلی صحیح و مجزی است.

آیه الله سبحانی: اگر عذر آنها طاری بوده، نیابت صحیح است و کفایت می‌کند و همچنین اگر جهل ایشان نسبت به درک وقوف اختیاری مشعر قصوری باشد، در هر حال باید وقوف اضطراری لیلی یا نهاری مشعر را درک کنند.

آیه الله سیستانی: اگر معذورند، هر چند از ابتدا معلوم باشد، چون درک وقوف رکنی می‌کنند کافی است و نیابت صحیح است، بلکه حتی اگر غیر معذور هم به آن اکتفا کند حجت صحیح است، ولی در صورت علم کفاره دارد.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: اگر عذر آنها طاری بوده، نیابت صحیح است و کفایت می‌کند.

آیه الله گلپایگانی: اگر عذر آنان طاری نبوده صحت حج و کفایت آن از منوب عنه محل اشکال است.

آیه الله مکارم: صحیح است.

۲. **آیه الله فاضل:** احتیاطاً از ادنی الحل تجدید نماید و عمره مفرده انجام دهد.

ج - هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است^۱ و نمی‌تواند نایب شود^۲، ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد و لذا کسی که نمی‌تواند ذبح کند می‌تواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد.

[۱۶۳] س - کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده است، آیا

نیابت او صحیح است؟ و مفروض این است که به عنوان نیابت مُحرم شده است؟

ج - اگر از قرائت صحیح معذور است^۳، نیابت و احرام او باطل است^۴ و اگر معذور

نیست صحیح است و باید قرائت خود را درست کند.

۱. آیه الله بهجت: با علم و اطلاع از معذور بودن، قبول نیابت خلاف احتیاط است.

آیات عظام خویی، سبحانی، صافی: به ذیل مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط.

۲. آیه الله تبریزی: نیابت او اشکال دارد.

آیه الله زنجانی: و در حج و عمره واجب نمی‌تواند نایب شود ولی مباشرت در ذبح...

آیه الله سیستانی: اگر از انجام عمل اختیاری در حج معذور باشد، هر چند مانند قرائت نماز طواف یا تلبیه باشد، بنا بر احتیاط واجب، نیابت او مجزی از منوب عنه نیست، ولی اگر از انجام اعمالی که در صحت حج دخالت ندارند، مانند طواف نساء یا بیتوته یا رمی روز ۱۱ و ۱۲، معذور است نیابت صحیح است و همچنین اگر در وقوف، در بیش از مقدار رکن معذور باشد نیابت صحیح است.

آیه الله مکارم: به ذیل مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

۳. آیه الله زنجانی: در عمره و حج واجب نمی‌تواند نایب شود و اگر معذور نیست...

آیه الله سبحانی: به احتیاط واجب نیابتش صحیح نیست مگر اینکه قبل از عمل، قرائت خود را تصحیح کند و اگر گمان می‌کرد می‌تواند تصحیح کند ولی موفق نشد ولو با تلاش زیاد، علاوه بر نماز خود، استنابه نیز بنماید هر چند نباید از اول نایب می‌شد ولی مستحق اجرة المثل است.

۴. آیه الله بهجت: اگر احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً به جا آورد و خود نیز آن عمل را

انجام دهد، نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی‌توانسته نایب شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: نیابت او اشکال دارد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب نیابتش مجزی نیست ولی احرامش صحیح است و باید عمل را تمام کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت او محل اشکال است، و بنا بر

احتیاط به قصد منوب عنه محرم به احرام حج شود و اعمال را به جا آورد و نسبت به اجرت مصالحه نمایند و

بنا بر احتیاط واجب، حج دیگری برای منوب عنه استیجار نمایند.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

[۱۶۴] س - اگر مستنیب یا منوب عنه در وقت نیابت بدانند که نایب جزو معذورین است و او را نایب کنند؛ اولاً آیا اجرت نیابت برای نایب حلال است یا نه؟ و ثانیاً آیا حج نیابتی او صحیح و از حجة الاسلام یا غیر حجة الاسلام منوب عنه کفایت می‌کند یا نه؟

ج - با فرض اینکه معذور بوده و استیجار شده استحقاق اجرت ندارد و کفایت نمی‌کند.^۱

حج استحبایی

[۱۶۵] م - مستحب است کسی که شرایط وجوب حج را ندارد؛ از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، در صورت امکان حج به جا آورد و همچنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود و مستحب است تکرار حج در هر سال. بلکه مکروه است پنج سال متوالی آن را ترک کند

۱. آیه الله بهجت، آیه الله صافی: به ذیل مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: در فرض مزبور استحقاق اجرت را دارد ولی اکتفا به عمل او مشکل است.

آیه الله خویی: اجیر می‌تواند اجرة المثل عملش را از کسی که او را اجیر کرده بگیرد، مگر اینکه بیشتر از اجرة المسمی باشد.

آیه الله زنجانی: با تفصیلی که در ذیل مسئله ۱۰۷ گذشت نیابت معذور در حج و عمره واجب صحیح نیست و از حجة الاسلام و غیر آن کفایت نمی‌کند و در مورد اجرت در صورتی که نایب، جاهل به مسئله باشد و مستنیب با علم به مسئله او را اجیر کند نایب پس از انجام عمل، مستحق اقل الامرین از اجرت المثل عمل و اجرت تعیین شده می‌باشد.

آیه الله سبحانی: در فرض مزبور استحقاق اجرت را دارد ولی اکتفا به عمل او مشکل است زیرا معذور خود نباید نیابت را بپذیرد.

آیه الله سیستانی: اجاره در فرض مذکور صحیح است و اجیر مستحق تمام اجرت است و حکم اکتفا به حج او، در مسئله ۱۰۷ گذشت.

آیه الله گلپایگانی: احوط استرضا از مستأجر است یا اجرت را مسترد دارد و بنا بر احتیاط کفایت نمی‌کند.

آیه الله مکارم: اگر نایب نمی‌دانسته و مستنیب می‌دانسته، بنا بر احتیاط باید اجرة المثل او را بپردازد.

و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیت برگشتن نماید و مکروه است قصد برگشتن داشته باشد.^۱

[۱۶۶] م - مستحب است از طرف خویشاوندان یا غیر آنها حج به جا آورد تبرّعا؛ چه زنده باشند یا مرده و همچنین از طرف معصومین و نیز طواف از طرف آنها و غیر آنها مستحب است به شرط آنکه در مکه نباشند^۲ یا معذور^۳ باشند.

[۱۶۷] م - کسی که زاد و راحله ندارد مستحب است قرض کند و به حج برود، در صورتی که می‌تواند قرض را ادا کند.^۴

[۱۶۸] م - با مال حرام جایز نیست به حج برود و اگر مال او مشتبه است و علم به حرمت آن ندارد، می‌تواند آن را صرف کند.^۵

[۱۶۹] م - بعد از فارغ شدن از حج استحبابی می‌تواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند، همچنانکه در وقت شروع می‌تواند آن را نیت کند.

[۱۷۰] م - کسی که مال ندارد تا با آن حج به جا آورد مستحب است ولو با اجاره

۱. **آیه الله زنجانی:** البته اگر استطاعت نداشتن شخص به جهت آن باشد که حج، مستلزم امر حرامی چون ضرر شدید یا هتک حیثیت یا سلب امنیت است انجام حج، مستحب نیست.

آیه الله مکارم: ولی اگر انجام حج‌های مستحبی پی‌درپی سبب محرومیت انجام دهندگان حج واجب شود، بهتر است مجال را به آنها بدهند.

۲. **آیه الله زنجانی:** به شرط آنکه در مکه و اطراف آن تا فاصله ده میلی (حدود ۱۸ کیلومتری) مکه نباشند و چون بر حسب روایات معتبر، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ساله در موسم حج حضور دارند، انجام طواف مستحبی به نیابت از آن حضرت در موسم حج، خالی از اشکال نیست و به جای آن بسیار مناسب است که طواف مستحبی، انجام داده، ثواب آن را به محضر مبارک حضرت، تقدیم نمایند.

۳. **آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل:** استحباب و مشروعیت طواف مستحبی برای حاضر در مکه، هر چند معذور باشند، ثابت نشده است.

۴. **آیه الله خامنه‌ای:** کسی که هزینه رفتن به حج را در اختیار ندارد، اما می‌تواند قرض بگیرد و سپس به سادگی قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر او واجب می‌شود.

۵. **آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم:** به شرط آنکه از نظر ظاهر محکوم به حلال بودن باشد.

دادن خودش و نیابت از دیگری به حج برود.

اقسام عمره

[۱۷۱] م - عمره هم مانند حج دو قسم است: «واجب» و «مستحب» و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می‌شود و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن^۱ استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می‌شود^۲، هرچند برای حج مستطیع نباشد همچنان‌که عکس این هم همین طور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد باید حج به جا آورد لیکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند؛ مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است، هیچ‌گاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست؛ چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است، به خلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می‌شود.^۳

[۱۷۲] م - واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود^۴ و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان

۱. آیه الله زنجانی: اگر از اهالی مکه یا حوالی آن باشد استطاعت حج معتبر نیست بلکه...

۲. آیه الله سبحانی: برای نائی همیشه مستحب است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب برای کسانی که اهل مکه هستند یا دور از آن.

۳. آیه الله سیستانی: ولی اگر وظیفه آنها بدل به حج افراد شد واجب است در صورت تمکن، بعد از آن عمره مفرده انجام دهند و اگر در آن سال نشد در سال بعد وجوب آن فوری است.

۴. آیه الله زنجانی: ورود به مکه یا حرم بدون احرام جایز نیست و کسی که قصد ورود مکه یا حرم را دارد نباید بدون احرام از مواقیت یا نزدیکی آنها عبور کند و برای احرام...

آیه الله سیستانی: ورود به مکه بلکه در حرم بدون احرام جایز نیست.

این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثنا شده است.^۱

[۱۷۳] م - تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده‌اند و احوط آن است که در کمتر از یک ماه، به قصد رجا به جا آورده شود.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** و همچنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمره مفرده از مکه خارج شده و بیرون رفته باشد چنین شخصی می‌تواند در همان ماه خروج بدون گذشتن سی روز بدون احرام وارد مکه شود و در غیر این صورت حکم آن در مسئله ۲۴۱ می‌آید.
- آیه الله خامنه‌ای:** همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شده‌اند و می‌خواهند در همان ماه ادای حج یا عمره، دوباره وارد مکه شوند، احرام و عمره مجدد واجب نیست.
- آیه الله زنجانی:** همچنین کسانی که پس از اعمال عمره مفرده یا حج از مکه خارج شده بدون فاصله سی روز از احرام قبلی باز می‌گردند و نیز در مورد مریضی که احرام و مناسک برای او مشقت دارد.
- آیات عظام سبحانی، سیستانی، فاضل:** و همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شوند و در همان ماه باز گردند.
- آیات عظام تبریزی، خوئی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری:** همچنین در مورد کسانی که در همان ماه که عمره را به جا آورده‌اند خارج شده و سپس در همان ماه داخل می‌شوند احرام و عمره مجدد واجب نیست.
۲. **آیه الله بهجت:** فاصله بین دو عمره لازم نیست بنا بر اظهار، اگرچه افضل در عمره ثانیه این است که در ماه دیگری غیر از ماه عمره سابقه باشد و یا فاصله ده روز بین دو احرام بد، بلکه احد الفصلین احوط است و چنانچه بخواهد یک عمره برای خود و یک عمره برای دیگری به جا آورد، فاصله یک ماه لازم نیست و همچنین است اگر هر دو عمره برای دیگری باشد.
- آیه الله خامنه‌ای:** تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است، و بین دو عمره وجود فاصله معین شرط نیست. ولی بنا بر احتیاط در هر ماه قمری فقط یک عمره برای خود می‌تواند به جا آورد. و اگر دو عمره برای افراد دیگر انجام دهد یا یک عمره برای خود و یک عمره هم برای دیگری به جا آورد، فاصله مذکور شرط نیست. بنابراین اگر عمره دوم را به نیابت از دیگری انجام دهد، جایز است نایب در برابر آن اجرت بگیرد و از عمره مفرده منوب عنه هر چند واجب باشد، کفایت می‌کند.
- آیات عظام خویی، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم:** (با اختلاف در تعبیر): فاصله یک ماه شرط نیست، بلکه در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد؛ مثلاً یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوم در اول ماه شعبان واقع گردد. و تفصیل مسئله خواهد آمد. ←

اقسام حج

حج سه قسم است: «تمتع»، «قران» و «افراد».

تمتع، وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل - که شانزده فرسخ است - از مکه دور باشند.^۱

قران و افراد بر غیر آنها واجب می‌شود و این تفصیل در حجة الاسلام است.

→ **آیه الله زنجانی:** رعایت فاصله بین دو عمره لازم نیست، ولو هر دو برای یک نفر باشد، ولی انجام عمره مفرده در ایام تشریق (۱۱ تا ۱۳ ذی حجه) مشروع نیست و نباید بین عمره و حج تمتع، عمره مفرده به جا آورد و اگر انجام دهد هر چند صحت آن عمره مفرده خالی از اشکال نیست ولی عمره تمتع را باطل می‌کند و لذا اگر انجام داده باید از حرم خارج گردد (هر چند نباید از مکه خارج شود لذا می‌تواند به تنعیم برود) و رجائاً به عمره تمتع محرم شده، اعمال آن را رجائاً به جا آورد و کفایت می‌کند.

آیه الله سبحانی: فاصله میان دو عمره به صورت یک ماه و یا ده روز مستحب است و شخص می‌تواند بدون رعایت این فاصله برای خود و یا دیگران کراراً عمره مفرده انجام دهد.

آیه الله گلپایگانی: فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم نیست، بلکه می‌توان در یک روز چندین عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله نوری: می‌تواند هر روز یک عمره به جا آورد.

فاصله بین عمره تمتع با عمره مفرده:

اما در فاصله بین عمره تمتع با عمره مفرد، نظر آیات عظام چنین است:

آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، سبحانی، فاضل، گلپایگانی، نوری: کسی که می‌خواهد حج تمتع به جا آورد، می‌تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از حج تمتع، عمره مفرده به جا آورد و بین این دو عمره فاصله معتبر نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده، اگر به نیت یک شخص باشد اشکال است و احتیاط نباید از جهت ماه قمری ترک شود.

آیه الله صافی: اگر هر دو را برای خود و یا برای دیگری مکرراً انجام می‌دهد، در عمره مفرده قصد رجا نماید.

آیه الله مکارم: در یک ماه قمری اشکال دارد و به قصد رجا انجام شود.

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** از مسجدالحرام ۱۶ فرسخ دور باشد.

آیه الله زنجانی: که بیشتر از ۴۸ میل است و این مقدار - بر خلاف مشهور - حدود ۸۰ کیلومتر است.

آیه الله سبحانی: محل زندگی آنها از ابتدای مکه جدید حداقل ۱۶ فرسنگ شرعی دور باشد، یعنی ۸۶/۴۰۰ کیلومتر.

آیه الله مکارم: یعنی حدود ۸۶ کیلومتر.

صورت حج افراد و عمره مفرده

[۱۷۴] م - صورت حج افراد، که گاهی مورد ابتلای متمتع می‌شود، از این قرار است که: زن حائض^۱ یا کسی که به واسطه ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع را به جا آورد، باید قصد کند حج افراد را، و به همان احرام عمره تمتع، که عدول به افراد کرده، برود به عرفات و مثل سایر حجج و قوف کند، بعد از آن برود به مشعر و وقوف کند، بعد برود به منا و اعمال منا را به جا آورد مگر هدی را که واجب نیست بر او. بعد برود به مکه و طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد. پس در این وقت از احرام خارج می‌شود، بعد از آن برگردد به منا برای بیتوته و اعمال ایام تشریق؛ به همان نحو که سایر حجج به جا می‌آورند. پس صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است با یک^۲ فرق که در حج تمتع هدی باید ذبح کند و در حج افراد

۱. **آیه الله زنجانى:** زنی که هنگام احرام بستن می‌داند که بر اثر حیض یا نفاس نمی‌تواند اعمال عمره تمتع را انجام داده، احرام حج تمتع ببندد و خود را قبل از غروب روز نهم به عرفات برساند و همچنین زنی که به حکم استصحاب بقاء حیض، قدرت چنین کاری را ندارد، به حج افراد محرم می‌گردد، پس چنانچه قبل از گذشتن وقت، پاک شد عدول به عمره تمتع می‌کند و اگر پاک نشد حج افراد و عمره مفرده به جا می‌آورد و مجزی از حجة الاسلام است. و زنی که فکر می‌کند که حیض یا نفاس، مانع انجام عمره تمتع او نخواهد شد و همچنین اگر پاک باشد و شک داشته باشد که بروز حیض یا نفاس، مانع عمره تمتع خواهد شد یا خیر، در این دو صورت به عمره تمتع محرم می‌شود و چنانچه حیض یا نفاس عارض شد می‌تواند تا آخر وقت صبر کند که اگر پاک شد اعمال عمره تمتع را به جا آورد و الا سعی و تقصیر کرده، احرام حج تمتع می‌بندد و طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج قضا می‌کند و می‌تواند برای پاک شدن صبر نکند بلکه طواف را رها کرده سعی و تقصیر نماید، پس اگر قبل از احرام حج، پاک شد طواف و نماز را به جا آورد و الا آنها را قبل از طواف حج قضا کند، و این حج نیز مجزی از حجة الاسلام است؛ و در هر صورت می‌تواند به نیت آنچه فعلاً خداوند از او می‌خواهد - عمره تمتع یا حج افراد - محرم شود پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شد اعمال عمره و حج تمتع را به جا آورد و الا اعمال حج افراد و پس از آن و گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده را به جا آورد و مجزی از حجة الاسلام است.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی:** حج افراد با حج تمتع در تمام اعمال مشترک هستند و در ۶ جهت با هم فرق دارند.

آیه الله زنجانى: در برخی از احکام مانند تقدیم اعمال مکه و انجام طواف مستحبی بین حج تمتع و حج افراد، تفاوت هست. ←

واجب نیست ولی استحباب دارد.

[۱۷۵] م - صورت عمره مفرده - که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد، بعد از حج به جا آورد^۱ - آن است که خارج شود به ادنی الحل و افضل آن است که از «جعرانه» یا «حُدیبیه» یا «تنعیم» که از همه نزدیک تر به مکه است، محرم شود و بیاید به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سعی بین صفا و مروه بکند و تقصیر کند یا سر تراشد و طواف نساء به جا آورد و نماز طواف بخواند.

[۱۷۶] م - «عمره مفرده» با «عمره تمتع» که تفصیلاً خواهد آمد، در صورت فرق ندارد، مگر در سه چیز:^۲

اول - آنکه در عمره تمتع باید تقصیر کند؛ یعنی از مو یا ناخن خود باید بگیرد^۳ و سر تراشیدن جایز نیست و در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر.

دوم - آنکه در عمره تمتع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد.

سوم - آنکه میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنج گانه است که ذکر آن می آید.

و میقات عمره مفرده ادنی الحل است* و جایز است از یکی از مواقیت پنج گانه محرم شود.^۴

→ **آیه الله سبحانی:** و در تقدیم اختیاری اعمال مکه و استعمال بوی خوش بعد از تقصیر یا حلق و حلیت همسر در صورتی که طواف نساء را ضرورتاً مقدم داشته بعد از حلق یا تقصیر در روز عید در منا و انجام طواف مستحب قبل از انجام طواف واجب حج در حج افراد.

۱. **آیه الله زنجانی:** باید بعد از حج و گذشتن روز سیزدهم به جا آورد، هر چند حج تمتع او استحبابی باشد و بهتر است آن را در اوائل محرم به جا آورد و میقات آن هر نقطه‌ای خارج از حرم است.

آیه الله سیستانی: در صورت تمکن.

۲. **آیات عظام** فرق‌های بیشتری را متذکر شده‌اند که به مناسک آنان مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: در مناسک معظم له این فرق نیز وجود دارد؛ عمره تمتع باید در یکی از ماه‌های حج یعنی شوال یا ذی‌قعدة یا ذی‌حجه به جا آورده شود، درحالی‌که انجام عمره مفرده در همه ایام سال صحیح است.

۳. به ذیل مسئله ۱۱۲۰ مراجعه شود.

*. [برای کسانی که در مکه هستند].

۴. نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۲۲۲ و ۲۲۹ خواهد آمد.

[۱۷۷] م - کیفیت افعال حج افراد؛ از احرام و وقوفین و اعمال منا و اعمال مکه، عین کیفیت حج تمتع است و در احکام، مشترک هستند^۱ و کیفیت افعال عمره تمتع؛ از احرام و طواف و سایر اعمال، عین کیفیت عمره مفرده است.

[۱۷۸] م - عمره تمتع را اگر کسی به جا بیاورد، کافی است از عمره مفرده.

[۱۷۹] م - کسی که وظیفه اش حج تمتع است؛ مثل اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند، اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت حج می کنند، گرچه احتیاط آن است که به جا آورد.^۲

[۱۸۰] م - کسی که محرم شد به احرام عمره مفرده، حرام می شود بر او جمیع چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آنکه تقصیر کرد یا سر تراشید، همه چیز بر او حلال می شود مگر زن ها و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش به جا آورد، زن هم بر او حلال می شود.

[۱۸۱] م - طواف نساء را در عمره مفرده، باید بعد از تقصیر یا سر تراشی به جا آورد.^۳

[۱۸۲] م - کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شد، اگر احرامش در ماه های حج بوده، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد^۴ و دنبال آن، حج تمتع به جا آورد

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۷۴ گذشت.

۲. آیه الله زنجانی: مخصوصاً بر کسی که استطاعت عمره مفرده را از وطن خود داشته باشد.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب است.

۳. آیه الله بهجت: در عمره مفرده، تقدیم طواف نساء بر تقصیر، در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل، مجزی است.

۴. آیه الله بهجت: جواز عدول به عمره تمتع، محل تأمل و احتیاط است، مگر اینکه متمکن از انجام عمره تمتع نباشد. (به ذیل مسئله ۱۳۲۲ مراجعه شود).

آیه الله تبریزی: تا وقت حج در مکه باقی ماند. ←

و در این صورت هدی بر او واجب می‌شود.

صورت حج تمتع اجمالاً

بدان که حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی «عمره تمتع»، و دیگری «حج تمتع» و عمره تمتع مقدم است بر حج. و عمره تمتع مرکب است از پنج جزء:

اول - احرام.
دوم - طواف کعبه.
سوم - نماز طواف.
چهارم - سعی بین کوه صفا و مروه.
پنجم - تقصیر؛ یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.^۱

و چون محرم از این اعمال فارغ شد، آنچه بر او به واسطه احرام بستن حرام شده بود حلال می‌شود.^۲

- **آیه الله زنجانی:** بر کسی که در ماه‌های حج، برای خودش یا دیگری عمره مفرده مستحبی به جا آورده و از مکه خارج نشده، جایز بلکه مستحب است که آن را عمره تمتع مستحبی قرار بدهد و بعد از آن حج تمتع به جا آورد و برای حج واجب نمی‌تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند. پس اگر حج تمتع بر او واجب بود تبدیل عمره مفرده صحیح نبوده باید با خروج از حرم، محرم به عمره تمتع گشته و عمره تمتع به جا آورد.
- آیه الله سبحانی:** و در مکه باقی بماند می‌تواند آن را عمره تمتع قرار دهد و پس از آن حج تمتع مستحبی به جا آورد، اما در حج تمتع واجب، عدول جایز نیست.
- آیه الله سیستانی:** اگر عمره مفرده را در ماه‌های حج انجام دهد و در مکه تا روز هشتم ذی‌حجه بماند و قصد حج کند عمره او عمره تمتع به حساب می‌آید.
۱. **آیه الله سبحانی:** به گرفتن ناخن قناعت نکند.
۲. به مسئله ۸۹۳ و ذیل آن مراجعه شود.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** به جز تراشیدن سر، و اما سر تراشیدن تفصیلی دارد که از این قرار است: هرگاه عمره تمتع در ماه شوال به جا آورده شود، سر تراشیدن تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است و اما بعد از آن احتیاط این است که سر تراشیده نشود و چنانچه تراشیده شد و از روی علم و عمد بود، احتیاط این است که یک گوسفند کفاره داده شود. ←

و حج تمتع مرکب است از سیزده عمل:

اول - احرام بستن در مکه.

دوم - وقوف به عرفات.

سوم - وقوف به مشعرالحرام.

چهارم - انداختن سنگ‌ریزه به جمره عقبه در منا.

پنجم - قربانی در منا.

ششم - تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منا.

هفتم - طواف زیارت در مکه.

هشتم - دو رکعت نماز طواف.

نهم - سعی بین صفا و مروه.

دهم - طواف نساء.

یازدهم - دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم - ماندن به منا، شب یازدهم و شب دوازدهم، و شب سیزدهم برای بعضی

از اشخاص.

سیزدهم - در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و اشخاصی که شب سیزدهم در

منا ماندند، روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند.^۱

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل آنها بعد ذکر می‌شود.

→ **آیه الله سبحانی:** نباید بعد از فراغت از اعمال عمره تمتع و تقصیر سر خود را حلق کند و یا با ماشین ته‌زن

بزند لیکن اگر این کار را کرد حرمت تکلیفی است نه وضعی و فقط معصیت کرده و کفاره ندارد و به حج یا

عمره او ضرر نمی‌زند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی تراشیدن سر جایز نیست و اگر سر بتراشد باید یک گوسفند کفاره

بدهد، بنا بر احتیاط، هر چند جاهل یا ناسی باشد.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: بنا بر احتیاط.

[۱۸۳] م - لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج بداند ولو اجمالاً، و کافی است که نیت کند عمره تمتع را؛ یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده و همین طور حج تمتع را به نحوی که واجب است بر او، و کیفیت و تفصیل هر یک را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

استفتائات اقسام عمره و حج

[۱۸۴] س - شخصی در اثنای عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده‌اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید، فعلاً وظیفه او چیست؟ توضیح آنکه کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه او است و او را از احرام خارج می‌کند به جا آورد.

ج - با فرض اینکه خود شخص نمی‌تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام^۱ کند و آن را اعاده نماید^۲ و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد^۳ و توضیح آنکه مسئله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلاً خوب شده و اینکه نمی‌تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

[۱۸۵] س - کسی عمره مفرده به جا آورده و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده

۱. آیه الله تبریزی: احتیاطاً سعی را تمام کند.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: اعاده کافی است.

۲. آیه الله سبحانی: اگر مقدار باقیمانده بیشتر از نصف است نایب سعی را اتمام و اعاده می‌کند و اگر مقدار باقیمانده کمتر از نصف است فقط اعاده می‌کند.

۳. آیه الله سبحانی: واحتیاطاً خود او نیز در هر کجا هست نماز طواف را بخواند.

آیه الله سیستانی: ولی نماز طواف را باید خودش بعد از طواف نایب بخواند.

است، فعلاً می‌خواهد برای عمره تمتع مُحرم شود، آیا جایز است بدون انجام طواف نساء مُحرم شود و بعد از انجام عمره تمتع، طواف نساء را به جا آورد؟

ج - مانع ندارد.^۱

[۱۸۶] س - اگر فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد، فرموده‌اید باید عمره دوم را به قصد رجا به جا آورد، آیا فرقی هست بین دو عمره مفرده از خود شخص و بین دو عمره مفرده‌ای که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد یا نه؟

ج - فرق نمی‌کند.^۲

[۱۸۷] س - اینکه حضرت عالی فرموده‌اید: اگر فاصله میان دو عمره کمتر از یک ماه باشد، عمره دوم رجائاً قصد شود، مقصود یک ماه است یا سی روز کامل؟

ج - میزان یک ماه است، و اگر در بین ماه عمره به جا آورده، احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کنند.^۳

[۱۸۸] س - اگر بین دو عمره کمتر از یک ماه فاصله باشد باید عمره دوم را به قصد رجا انجام دهد، چنانچه عمره دوم نیابت باشد نایب می‌تواند برای آن اجرت بگیرد یا

۱. آیه الله تبریزی: صحت احرام جدید، قبل از طواف نساء عمره مفرده، محل اشکال است.

آیه الله سبحانی: باید محرم شود و آن‌گاه طواف نساء را انجام دهد و سپس اعمال عمره تمتع را به جا آورد.

آیه الله فاضل: احتیاط آن است که تا طواف نساء عمره مفرده یا حج تمتع را انجام نداده، برای عمره تمتع یا عمره مفرده محرم نشود، هرچند اگر قبل از انجام طواف نساء محرم به عمره و حج شد باطل نیست، ولی پس از اتمام آنها، طواف نساء را بنا بر احتیاط انجام دهد.

آیه الله نوری: و همچنین کسی که پس از انجام حج تمتع، طواف نساء را ترک کرده، می‌تواند برای عمره مفرده محرم شود.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۷۳ گذشت.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل: در یک ماه قمری نمی‌تواند دو عمره برای خود و یا یک نفر دیگر انجام دهد. ولی انجام دو عمره، یکی برای خود و یکی برای دیگری و یا دو عمره برای دو نفر متفاوت جایز است.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۷۳ گذشت.

خیر، و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت می‌کند یا خیر؟
ج - لازم است احتیاط مراعات شود و چنانچه با تذکر به اجیرکننده اجرت بگیرد اشکال ندارد.^۱

[۱۸۹] **س -** اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می‌تواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آنجا اعمالی انجام نداده و فعلاً به ایران آمده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش به جا آورد و چنانچه به ایران آمده، اقدام کند و برگردد و اگر نمی‌تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند^۲ و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را به جا نیاورد، آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده، بر او حلال نمی‌شود.

[۱۹۰] **س -** آیا طواف در عمره مفرده استحبابی، حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف استحبابی را دارد و در هر جای مسجدالحرام می‌توان نماز آن را خواند؟

۱. **آیه الله تبریزی:** نیابت مانعی ندارد و نایب می‌تواند برای آن اجرت بگیرد و کفایت از منوب عنه می‌کند.

آیه الله خامنه‌ای: نظر معظم له ذیل مسئله ۱۷۳ گذشت.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: در فرض سؤال نیابت مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی، آیه الله نوری: رعایت فاصله بین دو عمره لازم نیست.

آیه الله سبحانی: با قصد جدی انجام دهد چون که فاصله معتبر نیست و در فرض سؤال نیابت مانعی ندارد و کفایت می‌کند و چنانچه در زمان اجاره مبلغی تعیین شده باشد مستحق اجرت می‌باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اجرت گرفتن مانعی ندارد.

آیه الله فاضل: کفایت از منوب عنه می‌کند و اجرت گرفتن اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: و کفایت کردن آن محل اشکال است.

۲. **آیه الله سبحانی:** لیکن احتیاط مستحب است که خودش نیز در محل خودش دو نماز دو رکعتی بخواند یکی برای طواف عمره و دیگری برای طواف نساء.

آیه الله سیستانی: و نیز نماز طواف را خودش در محل خودش به جا آورد.

ج - حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام باشد.^۱

[۱۹۱] س - انجام عمره مفرده در ماه‌های حج، پیش از عمره تمتع جایز است یا

خیر؟ و در این مسئله فرقی بین صروره و غیر صروره هست یا نه؟

ج - مانع ندارد و فرق نمی‌کند.^۲

[۱۹۲] س - تأخیر عمره مفرده در حج افراد، تا چه وقتی بلا عذر جایز است؟

ج - باید مبادرت نماید عرفاً علی‌الأحوط و تأخیر نشود.^۳

[۱۹۳] س - زنی که احتمال می‌دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجدالحرام

شود، آیا می‌تواند برای عمره مفرده مستحبی مُحرم شود و اگر خون دید برای طواف و

نماز نایب بگیرد و همچنین مریض اگر احتمال می‌دهد نتواند اعمال عمره مفرده را

انجام دهد؟

۱. آیه الله نوری: خلف مقام لازم نیست هر چند در صورت امکان اولی است.

۲. آیه الله سیستانی: و احوط آن است که این دو عمره در یک ماه قمری نباشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: برای کسی که نایب در حج بلدی نباشد و بر خودش حج واجب نشده یا حج واجب خود را انجام داده اشکال ندارد.

۳. آیه الله تبریزی: گرچه اقوی عدم وجوب مبادرت است.

آیه الله زنجانی: اهالی مکه و حوالی آنکه وظیفه آنها حج افراد است، هرگاه استطاعت عمره مفرده پیدا کردند

باید بدون تأخیر عمره مفرده به جا آورند، قبل از حج باشد یا بعد از آن و گذشتن ایام تشریق و کسانی که از

مکه دور هستند و به جهتی مثل حیض یا ضیق وقت، وظیفه آنها تبدیل به حج افراد شده است و همچنین

کسانی که پس از احرام عمره تمتع، عمره آنها به حج افراد تبدیل شده است، بعد از انجام حج و گذشتن روز

سیزدهم باید عمره مفرده به جا آورند - هر چند عمره تمتع آنها استحبایی باشد - و بهتر است عمره مفرده را

در اوائل محرم به جا آورند. و کسانی که بعد از حج افراد مستحبی می‌خواهند عمره مفرده انجام دهند بعد از

گذشتن ایام تشریق می‌توانند عمره مفرده به جا آورند و تأخیر آن جایز است بلکه اصل به جا آوردن آن واجب

نیست و در هر حال انجام عمره مفرده در ایام تشریق (روز یازدهم تا سیزدهم ذی‌حجه) مشروع نیست.

آیه الله سبحانی: باید فوراً عمره مفرده را بعد از حج انجام دهد ولی اگر تأخیر انداخت در ماه‌های دیگر

می‌تواند انجام دهد.

آیه الله سیستانی: وجوب آن فوری است، مانند وجوب حج.

ج - اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید.

[۱۹۴] س - همچنان که عمره مفرده را قبل از عمره تمتع ولو با کمتر از فاصله شدن یک ماه تجویز فرموده‌اید، آیا بعد از عمره تمتع هم با کمتر از یک ماه فاصله تجویز می‌فرمایید یا باید رجائاً انجام شود؟

ج - به قصد رجا انجام شود.^۱

[۱۹۵] س - کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده مُحرم شده است تکلیف او چیست؟

ج - اگر قصد عمره مفرده کرده، باید عمره مفرده انجام دهد^۲ و بعد عمره تمتع را به جا آورد^۳ و چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتع واقع می‌شود و صحیح است.

[۱۹۶] س - اگر تقصیر را در عمره مفرده جهلاً یا نسیاناً به جا نیاورد و طواف نساء را نیز ترک کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمره تمتع مُحرم شده و عمره تمتع را به جا آورده و بعد متوجه نقص کار خود شده است، تکلیف این شخص با داشتن فرصت برای اعاده عمره تمتع و نداشتن فرصت چیست؟

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۷۳ گذشت.

۲. آیه الله تبریزی: چنان که بعد از انجام عمره مفرده تا وقت حج در مکه باقی ماند، می‌تواند عمره مفرده‌ای را که انجام داده عمره تمتع قرار دهد و برای حج محرم شود.

آیه الله خویی: اگر کسی در ماه‌های حج عمره مفرده انجام دهد و اتفاقاً در مکه تا موسم حج بماند می‌تواند آن را عمره تمتع قرار دهد.

آیه الله سبحانی: اگر قصد واقعی او عمره مفرده باشد و در غیر این صورت خطا در تطبیق است و اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: ولی اگر در مکه تا روز هشتم ذی‌حجه بماند و قصد حج کند عمره مفرده او عمره تمتع به حساب می‌آید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: عمره مفرده او باطل است، بلی چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتع واقع می‌شود و صحیح است.

آیه الله فاضل: عمره مفرده او مبدل به عمره تمتع شده و کافی است.

آیه الله مکارم: می‌تواند عمره مفرده انجام دهد و می‌تواند عدول به تمتع کند، اگر در ماه‌های حج باشد.

۳. آیه الله زنجانی: و برای احرام عمره تمتع می‌تواند از حرم خارج گشته و محرم شود.

ج - در فرض مرقوم^۱ چنانچه عمره مفرده را در اَشْهُر حج به جا آورده و می خواهد حج مستحبی^۲ به جا آورد، می تواند عدول به عمره تمتع کند؛ چه وقت برای اعاده عمره تمتع داشته باشد یا نه. ولی اگر حج واجب باشد کفایت نمی کند علی الأحوط و باید پس از تقصیر صحیح به میقات برود^۳ و برای عمره تمتع مجدداً محرم شود.

[۱۹۷] س - کسی که حجش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد، اگر سال بعد که به حج می رود بعد از اعمال حج، عمره مفرده را به جا آورد کافی و مُجْزِی است یا نه؟

ج - احوط^۴ آن است که تا عمره مفرده را انجام نداده، برای عمره و حج دیگر مُحْرَم

۱. **آیه الله بهجت:** چون از احرام عمره مفرده هنوز بیرون نیامده، احرام عمره تمتع صحیح نیست باید ابتدا تقصیر کند تا از احرام عمره مفرده بیرون آید؛ چنانچه وقت داشته باشد که برای عمره تمتع محرم شود می تواند به میقات برگردد و محرم شود و در صورت عدم امکان در خارج حرم محرم شود.

آیه الله زنجانی: چون از احرام عمره مفرده بیرون نیامده احرام عمره تمتع صحیح نیست و چون از مکه خارج شده نمی تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند، پس باید اعمال عمره مفرده را تمام کند و برای احرام عمره تمتع کافی است از حرم بیرون برود.

آیه الله سیستانی: احرام عمره تمتع او باطل است و باید برای عمره مفرده تقصیر نماید و اگر بعد از انجام عمره تمتع متوجه شد حکم کسی را دارد که جهلاً یا نسیاناً احرام عمره تمتع را انجام نداده است که احتیاط واجب بطلان عمره تمتع است.

۲. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل:** (با اختلاف در تعبیر): در تبدل عمره مفرده به عمره تمتع، فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.

۳. **آیه الله سبحانی:** اگر حج واجب باشد کفایت نمی کند و باید پس از تقصیر و انجام طواف نساء و نماز آن به میقات برود و در صورت عدم امکان، از ادنی الحل محرم شود.

۴. **آیه الله بهجت، آیه الله خویی:** مانعی ندارد.

آیه الله تبریزی: احتیاط مستحب آن است...

آیه الله زنجانی: و در مورد جواز تأخیر به ذیل مسئله ۱۹۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: تا عمره مفرده را انجام نداده نمی تواند برای حج و عمره دیگری محرم شود.

آیه الله سیستانی: وجوب آن فوری است ولی اگر تأخیر انداخت مجزی است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسئله نشده اند. ←

نشود، هر چند اگر خلاف کرد، ضرر به صحت عمره و حج او نمی‌زند.^۱

[۱۹۸] س - کسانی که از هند و پاکستان به عربستان می‌آیند و در مکه معظمه مقیم می‌شوند، آیا حجشان تمتع است یا وظیفه دیگری دارند؟

ج - چنانچه به قصد مجاورت در مکه بمانند و بعد از دو سال مستطیع شوند حکم اهل مکه را پیدا می‌کنند^۲، و در غیر این صورت، صور مختلفه‌ای است که در تحریرالوسیله ذکر شده است.

[۱۹۹] س - کیفیت حج قرآن را بیان فرمایید، و آیا این حج بر کدام اشخاص واجب می‌شود؟

ج - حج قرآن واجب تعیینی نیست و چون مورد ابتلا نیست، می‌توانید به کتب مفصله مراجعه نمایید.^۳

→ **آیه الله مکارم:** باید توجه داشت که عمره مفرده واجب را در هر ماه از سال می‌توان انجام داد ولی چون وجوب آن ظاهراً فوری است باید تأخیر نیندازد و احوط آن است که ...

۱. **آیه الله سبحانی:** تا انجام نداده، نمی‌تواند برای حج یا عمره دیگر محرم شود.

۲. **آیه الله بهجت:** شخصی که وظیفه او در حجة الاسلام تمتع است با اقامت در مکه و اطراف نزدیک آن، بدون قصد توطن دائم، فریضه او مادامی که داخل سال سوم اقامت نشده باشد تغییر نمی‌کند چه قبل از اقامت مستطیع شده باشد و یا بعد از آن، بلکه باید در صورت اراده حجة الاسلام به سوی یکی از مواقیت خارج شود و آنجا محرم گردد و اگر نتوانست به یکی از مواقیت برود، در خارج حرم محرم شود و اگر در خارج حرم هم نتوانست از محل خودش محرم شود.

آیه الله سبحانی: اگر نائی به قصد توطن در مکه بماند به آن اندازه که بگویند اهل مکه است وظیفه او هنگام استطاعت وظیفه اهل مکه است و لازم نیست دو سال بگذرد ولی اگر نائی مقیم شد و از اقامت او دو سال گذشت و وارد سال سوم شد و مستطیع گردید، وظیفه او وظیفه اهل مکه است.

آیه الله نوری: مگر در صورتی که از ابتدا قصد توطن داشته باشد که پس از گذشتن مدتی که وطن صدق کند حکم اهل مکه را دارد هر چند دو سال نگذشته باشد.

سایر **آیات عظام** نیز چون حضرت امام علیه السلام در مسئله تفصیلاتی دارند که باید به مناسک آنها مراجعه شود.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** حج قرآن مانند حج افراد است با این تفاوت که در حج قرآن باید در حال احرام قربانی همراه محرم باشد بنابراین در این صورت قربانی بر او واجب است. همچنین در حج قرآن احرام هم با لبیک گفتن محقق می‌شود و هم با اِشعار یا تقلید ولی در حج افراد فقط با لبیک گفتن محقق می‌شود.

آیه الله سیستانی: تفصیل آن در مسئله ۱۵۸ و ۱۶۱ مناسک آمده است.

بخش اول: اعمال عمره تمتع

فصل اول: احرام

محل احرام عمره تمتع

[۲۰۰] م - بدان که محل احرام بستن برای عمره تمتع، که آن را میقات می‌نامند، مختلف می‌شود به اختلاف راه‌هایی که حجاج از آنها به طرف مکه می‌روند و آن پنج محل است:

اول - مسجد شجره است که آن را «ذوالحلیفه» می‌نامند^۱ و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند.

[۲۰۱] م - جایز است در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام.^۲

[۲۰۲] م - احتیاط واجب^۳ آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه خارج

۱. آیه الله خامنه‌ای: مسجد شجره در منطقه ذوالحلیفه در نزدیکی مدینه منوره واقع شده است.

۲. آیه الله بهجت: جواز احرام با این فرض از مسجد شجره و انجام دادن کار ضروری و سپس کفاره دادن محل تأمل است؛ پس احتیاط ترک نشود.

۳. آیه الله بهجت: جایز نیست در بیرون مسجد به طوری که محاذی و برابر آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و اختیاراً باید در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود. ←

آن، هر چند نزدیک به آن باشد.

[۲۰۳] م - شخص جنب و حائض می‌توانند در حال عبور از مسجد محرم شوند^۱ و نباید در مسجد توقف کنند.

[۲۰۴] م - اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و آب برای غسل نباشد و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد.^۲

→ **آیه الله تبریزی:** جایز است در بیرون مسجد به طوری که محاذی آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و احوط این است که در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود و احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نبنند.

آیه الله خامنه‌ای: احرام خارج از مسجد شجره کفایت نمی‌کند و واجب است داخل مسجد مُحرم شوند.

آیه الله خویی: احرام از منطقه ذوالحلیفه، مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: کسی که از مدینه منوره عازم مکه است باید در مسجد شجره - هر چند قسمت‌های جدید آن باشد - نیت احرام را انشاء کند؛ یعنی از قلب خود بگذارند که «خود را - مثلاً - به عمره تمتع، محرم قرار می‌دهم» ولی مکان تلبیه واجب، منطقه ذوالحلیفه است، پس اگر داخل مسجد نیت کرد ولی تلبیه واجب را خارج مسجد هم بگوید کفایت می‌کند.

آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بلکه همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد کفایت می‌کند، هر چند از داخل مسجد مستحب است.

۱. **آیه الله تبریزی:** شخص جنب و حائض در خارج مسجد محرم می‌شود و تجدید تلبیه در جُحفه لزومی ندارد و نیز اگر در حال عبور از مسجد محرم شوند مانعی ندارد.

آیه الله خویی: این مسئله و دو مسئله بعد، مبنی بر لزوم احتیاط است و در مسئله قبل گفته شد که احتیاط واجب نیست و احرام در خارج مسجد مانع ندارد.

آیه الله سبحانی: فرد جنب نمی‌تواند داخل مسجد بشود و باید از بیرون مسجد سمت راست یا چپ آن محرم شود و اگر بخواهد داخل مسجد محرم شود باید حالت عبوری داشته باشد و لبیک را در حال عبور بگوید و اگر درب دوم بسته باشد احتیاط آن است که بیرون مسجد محرم شود.

آیه الله سیستانی: برای حائض و نفساء احرام بستن بیرون مسجد شجره کافی است.

آیه الله مکارم: می‌توانند در خارج مسجد یا در حال عبور از مسجد محرم شوند.

۲. تفصیل نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۲۰۲ و ۲۰۳ گذشت.

آیه الله فاضل: و همچنین است حائض و نفساء که پاک شده‌اند.

آیه الله نوری: و چنین است حائض که از حیض پاک شده است.

۲۰۵] م - اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در «جحفه» یا محاذی آن احرام را تجدید کند.^۱

دوم - وادی عقیق است، که اوایل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می‌گویند که محل احرام عامه است و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.^۲

سوم - قرن المنازل است، و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج می‌روند.^۳

چهارم - یَلَمْلَمُ است، که اسم کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن می‌روند.^۴

۱. **آیه الله بهجت:** اگر نتواند وارد مسجد شود در خارج مسجد محاذی آن محرم می‌شود و در جحفه یا محاذی آن تجدید احرام می‌کند بنا بر احتیاط.
- آیه الله خامنه‌ای:** زنی که دارای عذر است، می‌تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، به شرطی که مستلزم توقف در مسجد نباشد. ولی اگر مستلزم توقف در مسجد هرچند بر اثر ازدحام و مانند آن باشد و نتواند احرام را تا برطرف شدن عذر به تأخیر بیندازد، باید از جحفه یا محاذات آن محرم شود. و جایز است با نذر از هر مکان دیگری قبل از میقات محرم شود.
- آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل:** اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، باید نزدیک مسجد محرم شود و نیاز به تجدید احرام از جحفه ندارد. و همین طور است حکم زنی که در حال نفاس باشد.
- آیات عظام تبریزی، خوبی، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم:** می‌تواند در کنار مسجد محرم شود و تجدید احرام لازم نیست.
- آیه الله نوری:** اگر به واسطه زیادی جمعیت، از عبور از مسجد هم عاجز باشد، احتیاط آن است که از نزدیک مسجد محرم شود.
۲. **آیه الله خامنه‌ای:** و احرام بستن از همه قسمت‌های آن صحیح است.
- آیه الله سبحانی:** وادی عقیق وسیع‌ترین میقات در میان مواقیع پنج‌گانه است که در ۱۸۰ کیلومتری مکه قرار دارد و احتیاط واجب آن است که از نقطه مسلخ تا نقطه غمره محرم شوند.
۳. **آیه الله خامنه‌ای:** و محرم شدن از قرن المنازل خواه از داخل مسجد باشد یا خارج آن در سایر مواضع قرن المنازل کافی است.
- آیه الله سبحانی:** نزدیک‌ترین میقات به مکه همین است که از جاده جدید ۹۴ کیلومتر با مکه فاصله دارد.
۴. **آیه الله خامنه‌ای:** و احرام بستن از همه قسمت‌های آن صحیح است.
- آیه الله سبحانی:** یلملم ۱۰۰ کیلومتر با مکه فاصله دارد.

پنجم - جُحْفَه است و آن میقات کسانی است که از راه شام می‌روند.^۱
 [۲۰۶] م - اگر بیّنه شرعیه قائم شد؛ یعنی دو شاهد عادل^۲ شهادت دادند^۳ که فلان مکان میقات است، تفتیش و تحصیل علم لازم نیست^۴ و اگر علم و بیّنه^۵ ممکن نشود می‌تواند اکتفا کند به ظن حاصل^۶ از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکان‌ها می‌باشند.

۱. **آیه الله بهجت:** اهل مدینه می‌توانند از جحفه اختیاراً محرم شوند.

آیه الله خامنه‌ای: و احرام بستن از داخل مسجد و یا سایر مواضع جُحْفَه صحیح است.

آیه الله سبحانی: و نیز میقات کسانی است که به هر علتی در مسجد شجره محرم نشده‌اند و همین‌طور کسانی که از طریق دریا عازم حج شده و پس از بستن احرام در آنجا عازم بندر جده می‌شوند.

آیه الله سیستانی: و کسانی که از مسجد شجره گذشته و محرم نشده‌اند هر چند بدون عذر.

۲. **آیه الله سبحانی:** یک شاهد عادل و اگر شاهد عادلی در کار نباشد باید از اهل محل پرسید و در صورت اطمینان به آن اعتماد کرد ولی امروزه مواقیت پنج‌گانه به وسیله تابلوهایی معین شده و طبعاً مفید اطمینان است.

آیه الله سیستانی: شهادت دو عادل در صورتی مفید است که مستند به حس یا مانند آن باشد.

آیه الله مکارم: رسیدن به میقات با حداقل شهادت یک نفر عادل نیز ثابت می‌شود، ولی در زمان ما میقات‌ها مشخص است و احتیاجی به این امور نیست.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** یا شهرتی که موجب اطمینان است قائم شد.

۴. **آیه الله بهجت:** احوط و اقوی لزوم تحصیل علم است به این اماکن و اگر علم ممکن نباشد بعید نیست اکتفا به ظن حاصل از پرسیدن اهل معرفت به این اماکن.

آیه الله زنجانی: بلکه برای میقات گواهی کسی که خبر او برای شخص حاجی یا نوع مردم اطمینان آور است و همچنین گواهی اهل محل - ولو اطمینان بخش نباشد - کافی است.

۵. **آیه الله خامنه‌ای:** یا شهرت موجب اطمینان.

۶. **آیه الله تبریزی:** بر مکلف واجب است یقین یا اطمینان به رسیدن به میقات پیدا نموده و احرام ببندد و یا حجت شرعیه داشته باشد و افرادی که آنجا زندگی می‌کنند، گفته آنها حجت شرعیه محسوب می‌شود، بلکه شهادت یک نفر ثقة کافی است، اگر بدانیم مستند او سؤال از عرف محل است.

آیه الله خویی: تحصیل اطمینان لازم است و گمان کافی نیست، بلی اگر ثقة خبره از محل خبر بدهد کافی است.

آیه الله سیستانی: تحصیل علم یا اطمینان یا حجت شرعیه لازم است.

آیه الله فاضل: تحصیل اطمینان لازم است.

[۲۰۷] م - هرگاه از راهی برود که به هیچ‌یک از میقات‌ها عبورش نیفتد، باید از محاذات میقات احرام ببندد.^۱

[۲۰۸] م - اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا می‌کند احتیاط واجب^۲ آن است که از جایی که اول، محاذات پیدا می‌کند احرام ببندد و در محاذات میقات بعد، تجدید نیت احرام کند.

۱. **آیه الله بهجت:** باید از محاذات اولین میقات نزدیک به خود محرم شود.

آیه الله خویی: کسی که تقریباً یک ماه یا بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم حج باشد و بخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش مایل از مدینه دور شود محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همان جا میقاتش خواهد بود و از همان جا احرام می‌بندد. و در تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره و احرام بستن از محاذات یکی از مواقیع دیگر، بلکه از خصوص مورد مذکور نیز مشکل است.

آیه الله زنجانی: کسی که از مدینه منوره عازم مکه است باید از مسجد شجره محرم شود، البته اگر از غیر راه متعارف، عازم مکه باشد باید پس از آنکه به مقدار فاصله مسجد شجره از مدینه قدیم (حدود ده کیلومتر) دور شد محرم شود و کسانی که از غیر مدینه، عازم مکه هستند چنانچه از یکی از مواقیع یا حوالی نزدیک آن می‌گذرند باید از میقات محرم شوند و محاذات میقات کفایت نمی‌کند و نذر، مجوز احرام بستن در غیر میقات نیست و اگر از مواقیع و حوالی آنها عبور نمی‌کنند، هر کجای خارج حرم محرم شوند صحیح است و در این صورت احرام از محاذات میقات، مطابق احتیاط استحبابی است و در این مسئله فرقی بین عمره مفرده و تمتع و حج افراد نیست.

آیه الله سبحانی: هرگاه از راهی برود که هرگز از میقات عبور نمی‌کند مانند کسی که از ایران و غیره وارد جده می‌شود، می‌تواند به دو صورت محرم شود: الف) به مدینه منوره برود و از مسجد شجره محرم شود و یا به جحفه برود و از آنجا محرم شود. ب) به حدیبیه برود چه از راه قدیم و چه از راه جدید و در آنجا محرم شود و اصلاً کسی که از یکی از مواقیع عبور نمی‌کند، رفتن او به میقات واجب نیست و می‌تواند به یکی از دو گونه اخیر محرم شود.

۲. **آیه الله بهجت:** اقوی کفایت احرام اول است؛ به نحوی که در مسئله قبل بیان شد.

آیه الله تبریزی، آیه الله فاضل: باید از جایی که اول محاذات پیدا می‌کند، احرام ببندد و تجدید نیت در محاذات میقات بعد لازم نیست.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: با ملاحظه مسئله سابق، این مسئله منتفی است.

آیه الله سبحانی: اگر از محاذات میقات اول احرام ببندد و سپس به محاذات میقات دوم برسد، تجدید احرام لازم نیست.

آیه الله سیستانی: مخیر است از محاذی هر کدام احرام ببندد، گرچه احتیاط مستحب احرام در محاذی اول است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب است که از جایی که....

[۲۰۹] م - کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می‌کنند، احتیاط مستحب^۱ آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجدید احرام کنند.

[۲۱۰] م - شخص مستطیع اگر احرام را از میقات تأخیر بیندازد از روی علم و عمد^۲ و ممکن نشود برگردد به میقات، به واسطه عذری، و میقات دیگری در پیش نداشته باشد حج او باطل است^۳، و باید سال دیگر حج به جا آورد.

۱. **آیه الله خوبی:** اگر فاصله زیاد باشد، ظاهراً نذر لازم است و اگر فاصله کم باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نذر کند یا اینکه به یکی از مواقیت برود.

آیه الله زنجانی: کسی که از مواقیت و نزدیکی آنها نمی‌گذرد هر کجا خارج حرم، محرم شود، صحیح است هرچند قبل از محاذات مواقیت باشد و نیازی به نذر نیست، البته اگر نذر کند که قبل از حرم از مکان معینی، مثلاً جده، محرم شود باید به نذر خود عمل کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض مسئله استحباب نذر نشده‌اند.

۲. **آیه الله زنجانی:** و اختیار و نتواند به میقات برگردد باید به یکی دیگر از مواقیت پنج‌گانه رفته و از آنجا محرم شود و الا احرام و عمره و حج او باطل است و نباید وارد حرم یا مکه شود.

آیه الله سیستانی: واجب است برگردد به همان میقات، در صورت امکان، هرچند میقات دیگری در پیش باشد، به جز کسی که از ذوالحلیفه گذشته باشد هرچند عمداً و بدون عذر که می‌تواند از جحفه محرم شود.

۳. **آیه الله بهجت:** بنا بر احتیاط واجب باید احرام ببندد از هر مکانی که ممکن باشد، به تفصیلی که در ناسی احرام مذکور است. و عمره را به جا آورد و قضای آن بعد از آن.

آیه الله تبریزی: احتیاط واجب این است که در صورت امکان در خارج حرم محرم شود و در صورت عدم امکان در حرم محرم شود و اگر حج واجب باشد سال آینده آن را اعاده کند.

آیه الله خوبی: اگر در صورت امکان در خارج حرم محرم شود و در صورت عدم امکان در حرم محرم شود، اگرچه به واسطه تأخیر مرتکب معصیت شده است لیکن صحت آن خالی از وجه نیست. ولی در صورت تمکن احتیاط مستحب این است که حج را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: هرچند احتیاط مستحب است که از مرز حرم، احرام ببندد و اعمال خود را انجام دهد و سال دیگر نیز باید حج را قضا کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگرچه احوط آن است که از هر مکانی که ممکن باشد محرم شود و عمره را انجام دهد و بعد هم قضای آن را به جا آورد.

[۲۱۱] م - شخصی که می‌خواهد از محاذی میقات محرم شود، اگر محاذات را نداند^۱ باید از اهل اطلاع مورد وثوق بپرسد^۲، و قول مجتهد که اهل اطلاع به آن مکان‌ها نیست اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد^۳ قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد از محاذات گذشته است به نذر محرم شود^۴، بلکه اگر از محل معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شود احوط است.^۵

[۲۱۲] م - کسانی که با هواپیما به حج می‌روند و می‌خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند، احتیاط آن است که بدون احرام بروند «جده»^۶ و از اهل اطلاع مورد

۱. **آیه الله بهجت:** اگر علم به محاذات ممکن نباشد، ظاهراً کفایت مظنه است در صورتی که موجب اطمینان یا حاصل از سؤال اهل آن محل باشد علی‌الاحوط.

۲. **آیه الله سیستانی:** اگر دو خط متقاطع را فرض کنیم که زاویه قائمه‌ای را تشکیل می‌دهند و یکی از آنها از مکه می‌گذرد و دیگری از میقات، نقطه تقاطع، محل محاذات با میقات است و معیار در این امر صدق عرفی است نه دقت عقلی.

۳. **آیه الله بهجت:** اگر در طریق او محاذات علمیه با ظنیه نباشد احوط رفتن به سوی میقاتی یا محاذات آن است و محتمل است جواز احرام از اول احتمال و تجدید آن در مقدار اقرب مواقیت به مکه.

۴. **آیه الله مکارم:** بنا بر احتیاط.

۵. **آیه الله زنجانی:** به ذیل مسئله ۲۰۷ و ۲۰۹ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۲۰۵ و ۲۰۷ مراجعه شود.

۶. **آیه الله بهجت:** احوط در مورد کسی که از جده به حج می‌رود این است که از محاذی میقاتی که اقرب به وی است احرام ببندد. کسانی که با هواپیما به جده می‌روند، در صورتی که رفتن به جحفه یا میقات دیگر همراه با مشقت و دشواری باشد می‌توانند با نذر در جده محرم شوند و کفایت می‌کند.

آیه الله تبریزی: محاذات جده با یکی از مواقیت ثابت نیست بلکه اطمینان به عدم محاذات آن است، پس احرام از جده مجزی نیست و بر حاجی لازم است از محل خود یا در راه قبل از رسیدن به جده، به مقداری که قابل ملاحظه - باشد هر چند در هواپیما باشد - نذر احرام نموده و از محل نذر احرام ببندد و یا به یکی از مواقیت رفته، احرام ببندد و یا به رابع برود و آنجا با نذر احرام، محرم شود.

آیه الله خامنه‌ای: نمی‌توانند در جده برای عمره تمتع اختیاراً محرم شوند، زیرا جده نه میقات است، نه محاذی میقات، بلکه برای احرام باید به یکی از میقات‌ها، مثل جحفه بروند. و در صورتی که نتوانند به یکی از میقات‌ها بروند، احتیاط واجب این است که با نذر از جده احرام ببندند. ←

اعتماد تحقیق کنند* اگر جده یا «حده» معلوم شد، محاذی با یکی از میقات‌ها است، از آنجا محرم شوند و الاً بروند به میقات دیگر؛ مثل جحفه و از آنجا محرم شوند، و اگر نتوانستند به جحفه یا به میقات دیگر بروند با نذر^۱ از جده محرم شوند و بهتر آن است که در «حده» تجدید احرام کنند اگرچه لازم نیست.

[۲۱۳] م - مراد از «محاذات» آن است که کسی که می‌رود به طرف مکه، به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست^۲؛ به طوری که اگر

→ **آیه الله خویی:** احرام از جده، حتی با فرض محاذی بودن آن با میقات، مجزی نیست و بر حاجی لازم است

که در صورت امکان به یکی از مواقیت برود یا از وطن خود یا در راه، قبل از رسیدن به جده به مقداری که قابل ملاحظه باشد هر چند در هواپیما باشد، نذر احرام نموده و از محل نذر احرام ببندد و یا اینکه پس از ورود به جده، به محلی که رایج نام دارد برود و از آنجا با نذر احرام، قبل از میقات احرام ببندد.

آیه الله زنجانی: اگر بدون رفتن به میقات مستقیم به مکه می‌روند می‌توانند از جده محرم شوند؛ بلکه هر کجا خارج حرم - مانند حدیبیه - محرم شوند صحیح است.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۲۰۷ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: با ملاحظه نقشه‌های جغرافیایی، نقطه محاذی جحفه، در جنوب شرقی جده واقع است و لذا با نذر می‌شود در فرودگاه جده احرام بست؛ زیرا قبل از میقات واقع است و اما نذر احرام در هواپیما یا قبل از آن، با علم به اینکه به ناچار زیر سایه خواهد رفت مورد اشکال است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: جایز نیست از جده با نذر محرم شوند بلکه باید به جحفه رفته، از آنجا محرم شوند.

آیه الله فاضل: محاذات جده با هیچ‌یک از میقات‌ها ثابت نیست. بنابراین باید یا به میقات یا محاذات میقات برود ولی برای عمره مفرده می‌تواند از ادنی الحل محرم شود.

آیه الله مکارم: محاذات جده با هیچ‌یک از میقات‌ها ثابت نیست. بنابراین باید یا به میقات یا به محاذات میقات برود و یا اگر نمی‌تواند احتیاطاً نذر کند و در ابتدای حرم تجدید احرام کند.

آیه الله نوری: اگر از جده مستقیماً عازم مکه شوند میقات آنان «جحفه» است.

* بر اساس کارشناسی سازمان جغرافیایی نامه $\frac{۱۴۰۷}{۱۳۹۳،۴/۳۱}$ فرودگاه جده و حتی شهر جده از محاذی میقات جحفه گذشته و محاذی میقات از آن سمت در دریای سرخ واقع می‌شود.

۱. **آیه الله تبریزی:** در صورتی که رفتن به یکی از مواقیت ممکن نباشد و قبل از میقات هم به نذر محرم نشده، لازم است از جده با نذر احرام بسته و بعداً در خارج حرم قبل از دخول آن تجدید احرام کند.

۲. **آیه الله سبحانی:** و این یک امر عرفی است که هرگاه بگویند این نقطه عبور شما محاذی با فلان میقات است، کافی است.

از آنجا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود.

[۲۱۴] م - محاذات ثابت می شود به علم و به دو شاهد عادل و اگر اینها ممکن نشود، اگر گمان حاصل شد^۱ از قول کسانی که مطلع به آن مکانها هستند ظاهراً کافی است، بلکه از قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می کنند، اگر گمان حاصل شد ظاهراً کافی است.^۲

[۲۱۵] م - کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسئله و عذر دیگر^۳ بدون احرام از میقات عبور کرد پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات و به اعمال عمره می توانست با برگشتن برسد واجب است برگردد و از میقات احرام ببندد،^۴ چه داخل

۱. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۲۱۱ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: یا شهرتی که موجب اطمینان شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۲۰۶ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: اگر اطمینان حاصل شد.

۲. آیه الله تبریزی: محاذات با میقات، به علم و اطمینان ثابت می شود و نیز به گفته کسانی که به آن مکانها رفت و آمد می کنند، اما گفته کسی که از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می کند، اعتباری ندارد.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۲۰۷ و ۲۰۹ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: به ذیل مسئله ۲۰۶ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: معیار در تشخیص محاذات، در ذیل مسئله ۲۱۱ گذشت و باید علم یا اطمینان یا حجت شرعی بر آن قائم باشد.

۳. آیه الله بهجت: عذری که مسوِّغ ترک باشد ولو ظاهراً؛ از قبیل مرض و جهل به موضوع، بدون تقصیر، و ظاهر لحوق جهل به حکم است با عدم تقصیر در آنچه مذکور شد (و این در مسئله بعدی نافع است).

۴. آیه الله زنجانی: و از همان میقات احرام ببندد و اگر نمی تواند به همان میقات برگردد چنانچه میقات دیگری سر راه اوست، از آن میقات محرم می شود - و در هر دو صورت اگر از یکی دیگر از مواقیت پنج گانه احرام ببندد صحیح است - و الا از هر جا که هست محرم می گردد مگر داخل حرم شده باشد که در صورت امکان باید برای احرام از حرم خارج شود.

آیه الله سیستانی: این حکم در غیر مورد مسجد شجره است و کسی که از آن عبور کند هر چند عمدی باشد می تواند از جحفه محرم شود، گرچه گناه کرده است.

آیه الله مکارم: می تواند از همان جا محرم شود.

حرم شده باشد یا نه و اگر ممکن نیست،^۱ به نحوی که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده، از همان جا احرام ببندد و احتیاط مستحب^۲ آن است که هر مقداری می‌تواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود و اگر داخل حرم شده، واجب است اگر می‌تواند و به اعمال عمره می‌رسد، از حرم خارج شود^۳ و محرم گردد و اگر نمی‌تواند به نحوی که گفته شد همان جا محرم شود و احتیاط مستحب آن است که هر قدر می‌تواند به طرف خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود.

[۲۱۶] م - زن حائض اگر مسئله نمی‌دانست و عقیده داشت که نباید در میقات محرم شود و احرام نیست، حکمش همان است که در مسئله قبل گفته شد.^۴

۱. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** پس اگر از میقات دیگری عبور می‌کند، از میقات بعدی محرم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نیست، به مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچ‌یک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی:** بنا بر احتیاط واجب، به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله سبحانی: احتیاط مستحب آن است که چند قدم به سمت میقات برود و از آنجا احرام ببندد.

۳. **آیه الله بهجت:** و احتیاط به دور شدن از حرم، به مقدار عدم فوت حج ترک نشود.

آیه الله سبحانی: واجب است از حرم خارج شود و از مرز حرم محرم شود و اگر به خاطر تنگی وقت یا عدم امکان نتواند از حرم خارج شود، لازم است به مقداری که می‌تواند، عقب برود، هر چند به مرز حرم نرسد و از آنجا احرام ببندد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به طرف میقات به مقداری که ممکن است برود و الا از ادنی الحل محرم شود و در صورت عدم تمکن از رفتن به ادنی الحل در مکه محرم شود.

آیه الله مکارم: هر چند به تنعیم رود.

۴. **آیه الله خویی:** ولی بنا بر احتیاط باید به مقدار ممکن از حرم دور شود و احرام ببندد.

آیه الله سیستانی: در صورتی که داخل حرم شده باشد احتیاط واجب این است که در صورتی که نتواند به میقات برگردد به بیرون حرم رفته و از آنجا احرام ببندد، بلکه احوط آن است که در این صورت از حرم، به مقدار ممکن دور شود و اگر ممکن نشد حکم دیگران را دارد که در مسئله ۲۱۵ گذشت.

آیه الله مکارم: این زن اگر می‌تواند باید به میقات برگردد.

[۲۱۷] م - جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات و اگر احرام ببندد صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است^۱ و باید از همان جا محرم شود؛ مثلاً اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود واجب است عمل کند، و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند.^۲

[۲۱۸] م - جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاریاً^۳، بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات، بدون احرام عبور نکند^۴، اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

۱. **آیه الله سیستانی:** اگر بداند مستلزم ارتکاب محرم می شود؛ مانند استظلال، انعقاد نذر مورد اشکال است.
- آیه الله فاضل:** صحت نذر برای کسی که می داند ناچار می شود در روز با وسیله مسقف حرکت کند محل اشکال است، بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی تواند به یکی از مواقیع معروفه برود نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است. ولی احتیاط آن است که در ادنی الحل تجدید احرام کند و در هر دو صورت کفاره استظلال را باید بدهد.
۲. **آیه الله بهجت:** نیازی به تجدید احرام در میقات نیست بلکه می تواند از راهی به مکه برود که بر میقات نگذرد.
- آیه الله زنجانی:** به ذیل مسئله ۲۰۷ و ۲۰۹ مراجعه شود.
- آیه الله سبحانی:** و دیگر تجدید احرام در میقات لازم نیست.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** و در این صورت احتیاط مستحب است که در هنگام عبور از میقات تلبیه را تجدید کند.
- آیه الله فاضل:** تجدید احرام لازم نیست.
۳. **آیه الله زنجانی:** بر کسی که عازم مکه یا حرم است گذشتن از مواقیع پنج گانه و نزدیک آنها بدون احرام، اختیاریاً جایز نیست و گذشتن از محاذات دور مانعی ندارد؛ ولی برای ورود مکه یا حرم باید قبل از حرم، احرام ببندد.
۴. **آیه الله بهجت:** اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذوالحلیفه برای احرام از جحفه اختیاریاً.
- آیه الله خویی:** به ذیل مسئله ۲۰۹ مراجعه شود.
- آیه الله خامنه ای:** هرگاه فردی از راهی برود که به هیچ یک از میقاتها عبورش نیفتد و به مکانی برسد که محاذی یکی از میقاتها است، باید از محاذات میقات محرم شود.
- آیه الله سبحانی:** چنان که عبور از محاذات میقات هم بدون احرام حرام می باشد ولی اگر این حرام را مرتکب شد و از میقات دوم احرام بست، حج او صحیح است.
- آیه الله سیستانی:** و احوط این است که مکلف از محاذی میقات نگذرد، مگر با احرام، اگرچه بعید نیست که گذشتن جایز باشد، در صورتی که در پیش روی مکلف میقاتی یا محاذی میقاتی باشد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** بلکه واجب است.
- آیه الله فاضل:** این احتیاط مستحب است.

[۲۱۹] م - اگر از میقات بدون احرام^۱ عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود^۲، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید به احتیاط واجب^۳ برگردد به میقاتی که از آن گذشته و محرم شود.

مسائل متفرقه میقات

[۲۲۰] م - احتیاط واجب^۴ آن است که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن و احتیاط مستحب آن است که در محل اصلی مسجد محرم شود،^۵ اگرچه از مسجد مطلقاً جایز است، حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است.^۶

[۲۲۱] م - اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی‌تواند عمره تمتع را

۱. آیه الله بهجت: در حال اختیار.
- آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: و بدون عذر.
۲. آیه الله زنجانی: چنانچه بدون عذر از میقات گذشته به مسئله ۲۱۰ و ذیل آن و چنانچه با عذر عبور کرده به مسئله ۲۱۵ و ذیل آن مراجعه شود.
۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، صافی، گلپایگانی: در صورت امکان باید برگردد. آیه الله خامنه‌ای: واجب است.
- آیه الله سیستانی: و هرگاه بدون احرام، از میقات گذشته، در صورت امکان باید به میقات برگردد، مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد، که چنین شخصی بنا بر اظهر، برایش کافی است که از جحفه احرام ببندد، اگرچه گناهکار است.
- آیه الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.
۴. آیه الله بهجت: واجب است در صورت امکان از داخل مسجد محرم شود. آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: این احتیاط مستحبی است. آیه الله خامنه‌ای، آیه الله زنجانی: تفصیل آن در مسئله ۲۰۲ گذشت.
۵. آیه الله سبحانی: فرق بین مسجد قدیم و جدید نیست.
۶. آیه الله بهجت: احتیاطاً احرام از مسجد قدیمی شجره باشد و با فحص از اهل اطلاع، توسعه از یمین و یسار و خلف است و قسمت محراب از مسجد قدیمی محسوب می‌شود و در صورت عدم امکان دخول به قسمت قدیمی، از محاذی آنجا محرم شوند.
- آیه الله تبریزی: احتیاط واجب این است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندد.

در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند^۱ و برای حج افراد محرم شود، ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد^۲ در صورتی که برای حجة الاسلام محرم شده، احرام

۱. **آیه الله تبریزی:** می‌تواند به قصد ما فی الذمه احرام ببندد و چنانچه قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شد، عمره تمتع به جا آورد و بعد حج آن را انجام دهد. و اگر پاک نشد به همان احرام حج افراد به جا آورد و سپس عمره مفرده انجام دهد بلکه اگر به قصد حج افراد احرام بست، و قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد، با همان احرام اعمال عمره تمتع را انجام داده و سپس حج تمتع را انجام دهد، گرچه احتیاط مستحب در این صورت تجدید احرام برای عمره تمتع می‌باشد.

آیه الله خامنه‌ای: می‌تواند به نیت حج افراد محرم شود و نیز می‌تواند به قصد ما فی الذمه داخل احرام شود ولی در صورت اول اگر زودتر از موعد مقرر پاک شود، لازم است برای عمره تمتع بار دیگر محرم شود و اما در صورت دوم اگر پیش از موعد پاک نشد، احرام او برای حج خواهد بود و اگر پیش از موعد پاک شد با همان احرام می‌تواند عمره تمتع به جا آورد.

آیه الله خویی: اگر به نیت ما فی الذمه محرم شود اشکالی نیست ولی اگر به نیت حج افراد محرم شود و بعد پاک شود احرامش باطل است.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۷۴ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: همچنین اگر بعد از احرام و قبل از طواف و نماز عمره تمتع حائض و نفساء نشد مثلاً جنین او سقط شد و خونریزی کرد، این شخص باید صبر کند اگر تا قبل از رسیدن به مسمای وقوف در عرفات پاک گردید و توانست اعمال خود را انجام دهد، به وظیفه خود عمل نموده است ولی اگر صبر کرد و در ساعات آخر متوجه شد که اگر بخواهد صبر کند به وقوف اختیاری عرفه ولو مسمای آن نمی‌رسد در این صورت نیت حج افراد کرده و به عرفات می‌رود و اعمال را تا آخر انجام می‌دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: جمعی فرموده‌اند: «واجب است از میقات محرم به حج افراد شود»، لیکن چون این یقین بر حسب عادت است و امکان دارد بر خلاف عادت پاک شود، احتیاط آن است که در وقت احرام قصد کند محرم می‌شوم به احرامی که بر من واجب است از عمره تمتع یا حج افراد، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره را تمام کند و مُجَلَّ شُود و بعد اعمال حج را به جا آورد، و حج تمتع او صحیح است، و اگر پاک نشد به همان احرام اعمال حج افراد را به جا آورد و بعد عمره مفرده به جا آورده و حج افراد صحیح است.

آیه الله مکارم: بهتر است در موقع احرام قصد کند احرامی را که بر او واجب است انجام می‌دهد، تا مشکلی برای او پیش نیاید.

۲. **آیه الله سبحانی:** اگر گمان او به حیض از روی موازین شرعی بوده و در ضیق وقت کشف خلاف شد و اگر بخواهد اعمال عمره تمتع را به پایان برساند به وقوف اختیاری عرفات نمی‌رسد، به نیت تکلیف فعلی اعمال حج را انجام دهد لکن به احتیاط واجب در منا قربانی نموده و بعد از اتمام اعمال مکه، یک عمره مفرده به جا آورد. ←

او باطل است و باید برای عمره تمتع مجدداً محرم شود.

[۲۲۲] م - کسانی که با هواپیما به جده می‌روند نمی‌توانند از جده یا حدیبیه محرم شوند^۱ بلکه باید به یکی از مواقیت، مثل جحفه^۲ بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین اینکه قصد عمره تمتع یا مفرده داشته باشند نیست و حدیبیه میقات عمره مفرده است^۳ برای کسانی که در مکه هستند.^۴

→ **آیه الله سیستانی:** عدول کند به عمره تمتع و اعمال آن را انجام دهد و باید رعایت کند که پس از انجام سعی تلبیه نگوید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: لازم است این حج افراد را عدول به عمره تمتع کند؛ یعنی طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد و تقصیر کند و بعد برای حج محرم شود و اعمال حج را به جا آورد. و این مخصوص کسی است که مکلف به حج تمتع باشد و اما کسی که حج افراد هم از او صحیح است، مختار است که عدول نماید به تمتع یا حج افراد را تمام نماید.

سایر آیات عظام متذکر مسئله کشف خلاف نشده‌اند و در نیت افراد، با حضرت امام علیه السلام موافق هستند.

۱. **آیه الله زنجانی:** به ذیل مسئله ۲۰۷ و ۲۱۲ مراجعه شود.

۲. **آیه الله بهجت:** مثل جحفه یا محاذات آن. به ذیل مسئله ۲۱۲ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: می‌تواند از جده با نذر محرم شود؛ زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است.

۳. **آیه الله سبحانی:** و همچنین میقات عمره تمتع است برای کسی که به هیچ‌یک از مواقیت عبور نمی‌کند.

۴. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** و نیز کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده و به نزدیک حرم رسیده است، می‌تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شود.

آیه الله زنجانی: کسانی که در مکه هستند برای احرام لازم نیست به مواقیت بروند، بلکه از هر نقطه خارج حرم محرم شوند صحیح است.

آیه الله سبحانی: کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند اگر در مسیرشان میقات و یا محاذات آن نیست، می‌توانند از مرز حرم که در اصطلاح فقها ادنی الحل نام دارد احرام ببندند. مرزهای حرم به وسیله تابلوهایی مشخص شده و نزدیک‌ترین و آسان‌ترین نقطه برای زائران تنعیم و حدیبیه است.

آیه الله سیستانی: میقات عمره مفرده برای کسی که می‌خواهد وارد حرم شود همان میقات‌های معروف است، ولی اگر کسی برای کار دیگری غیر از عمره در آن محل بوده و قصد دخول حرم هم نداشته و از میقات گذشته و سپس تصمیم بر انجام عمره گرفته است می‌تواند از ادنی الحل محرم شود. ←

- [۲۲۳] م - کسانی که میقات^۱ برای آنها مشخص نیست نمی‌توانند به گفته راهنما (بلد) یا حمله‌دار که می‌گوید فلان محل میقات است محرم شوند، مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند و الا باید به عرف محل مراجعه نمایند.^۲
- [۲۲۴] م - در صورتی که ثابت نیست که رابع محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست.^۳
- [۲۲۵] م - کسی که در غیر ماه‌های حج به مکه رفته و عمره مفرده به جا آورده و در مکه مانده تا ماه‌های حج برای احرام عمره تمتع، باید به یکی از مواقیت پنج‌گانه معروفه برود و نمی‌تواند از تنعیم محرم شود.^۴

- آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: در عمره مفرده احرام از ادنی الحل کفایت می‌کند، اگرچه با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است.
- آیه الله مکارم: برای عمره مفرده می‌توانند از حدیبیه یا محاذی آن در جاده جدید محرم شوند.
۱. آیه الله خامنه‌ای: یا محاذات آن.
۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و یا اینکه آنها ثقة باشند و مستندشان اخبار عرف محل باشد.
- آیه الله خامنه‌ای، آیه الله مکارم: ظن حاصل از گفته اهل اطلاع کافی است.
- آیه الله زنجانی: مگر آنکه گفته او برای شخص حاجی یا نوع حجاج، اطمینان آور باشد؛ و در هر حال، گفته اهل محل، معتبر است.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر ظن از این طریق هم ممکن نشود در اولین نقطه‌ای که احتمال محاذات با یکی از مواقیت را می‌دهد رجائاً محرم شود و تلبیه بگوید و بعد در هر جا که احتمال محاذات می‌دهد تجدید نیت کند و تلبیه را تکرار نماید تا یقین کند که در محاذات به میقات احرام بسته است.
- نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۶ گذشت.
۳. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احرام از رابع با نذر صحیح است به اعتبار اینکه رابع قبل از جحفه است.
- آیه الله زنجانی: مگر برای کسی که از مواقیت پنج‌گانه و نزدیکی آنها عبور نمی‌کند.
۴. آیه الله زنجانی: لازم نیست به مواقیت برود بلکه می‌تواند از حرم بیرون رفته، از آنجا محرم شد.
- آیه الله سبحانی: و اگر در مکه اقامت دارند باید از مرز حرم (ادنی الحل) برای عمره تمتع احرام ببندد همچنین است کسی که در ماه‌های حج به مکه رفته و عمره مفرده انجام داده ولی اگر بخواهد به میقات برود نمی‌گذارد به میقات برگردد و یا خوف دستگیری دارد می‌تواند از حدیبیه محرم شود.
- آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب حتی اگر حج تمتع استحبایی باشد.

[۲۲۶] م - کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند و در صورت تجاوز، واجب است به میقات برگردند^۱ و از آنجا محرم شوند و اگر کسی نتوانست برگردد هر جا که هست مُحرم شود.^۲

[۲۲۷] م - اگر شخص در مکه باشد و بخواهد عمره تمتع به جا آورد و به عللی از رفتن به میقات عمره تمتع معذور باشد لازم است به خارج حرم برود^۳ و از آنجا محرم شود و از ادنی الحل کافی است.^۴

[۲۲۸] م - میقات برای شاغلین در جده؛ از ایرانیان و غیر آنها، در عمره تمتع و عمره

۱. **آیه الله بهجت:** عبور از میقات بدون احرام جایز نیست و در صورت تجاوز، احرام از ادنی الحل برای قاصد عمره مفرده کافی است.

آیه الله خامنه‌ای: واجب است برگردد و از همان میقاتی که از آن عبور کرده است محرم شود، چه میقات دیگری در جلو باشد یا نه.

آیه الله زنجانی: اگر در تأخیر احرام معذور بوده‌اند مطابق ذیل مسئله ۲۱۵ و اگر معذور نبوده‌اند مطابق ذیل مسئله ۲۱۰ عمل کنند.

آیه الله سبحانی: باید به یکی از مواقیت خمسسه برود و احرام ببندد و در صورت عدم توانائی برای عمره تمتع یا مفرده از ادنی الحل محرم شود و اعمال عمره را انجام دهد.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۱۰ و ۲۱۵ و ۲۲۲ گذشت.

آیه الله خامنه‌ای: مگر اینکه داخل مکه شده باشد که در این صورت وظیفه‌ای ندارد ولی اگر از روی عمد بدون احرام وارد مکه شده عمل حرام انجام داده و باید توبه کند.

آیه الله سبحانی: می‌توانند از ادنی الحل محرم شوند.

۳. **آیه الله بهجت، آیه الله تبریزی:** احوط این است که هر مقدار ممکن است به طرف میقات برود و محرم شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۲۲۵ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اولی این است که تا حد ممکن به طرف میقات رفته و محرم شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب است به خارج حرم رفته و هر مقدار ممکن است به طرف میقات برود و محرم شود.

۴. **آیه الله خامنه‌ای:** مگر نایب باشد که باید به میقات برود، والا نمی‌تواند نایب شود.

مفرده^۱ همان مواقیت معروفه است و نمی‌توانند از جده یا ادنی الحل مُحرم شوند و اگر از روی جهل^۲ به مسئله در جای دیگر محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود، چنانچه در صورت علم و عمد هم حکم همین است هرچند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسئله را فهمیدند عمل آنان صحیح است.^۳

[۲۲۹] م - خدمه کاروان‌ها که می‌خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند بنا بر احتیاط نباید عمره تمتع انجام دهند،^۴ بلکه برای دخول مکه باید به

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۲۲ گذشت.

آیه الله خویی: اگر حدود سه سال در جده می‌ماند که صدق مقرّ و منزل بر آن بکنند، می‌تواند از جده محرم شود.

آیه الله زنجانی: اگر بدون رفتن به مواقیت به مکه می‌روند می‌توانند در جده یا هر نقطه از خارج حرم - مانند حدیبیه - محرم شوند و فرقی بین عمره مفرده و تمتع نیست.

آیه الله سبحانی: کسانی که در جده شاغل هستند چه در عمره تمتع و چه در عمره مفرده می‌توانند از ادنی الحل (مرزهای حرم) احرام ببندند و چه بهتر که از حدیبیه که محل بیعت رضوان است محرم شوند.

آیه الله سیستانی: می‌توانند از جده با نذر محرم شوند و کسی که منزلش از میقات به مکه نزدیک‌تر باشد می‌تواند از منزل احرام ببندد.

آیه الله فاضل: در عمره مفرده چون میقات ادنی الحل است می‌تواند از جده با نذر محرم شود.

آیه الله مکارم: برای عمره مفرده، می‌توانند مانند سایرین از حدیبیه که در ۵۰ کیلومتری مکه است محرم شوند.

۲. **آیه الله بهجت:** از روی جهل یا عدم تقصیر.

۳. **آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی:** عمل آنان خالی از اشکال نیست و احتیاطاً در صورت امکان عمره را اعاده نمایند و این احتیاط نباید ترک شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: صحت عمره محل اشکال است.

آیه الله فاضل: در صورت جهل و نسیان، اگر بعد از اعمال حج متوجه شوند حج صحیح است و اگر بعد از عمره تمتع یا عمره مفرده متوجه شوند عمره باطل است و در عمره تمتع اگر وقت دارد و ممکن باشد، جبران کند و اگر وقت ندارد حج تمتع بدل به حج افراد می‌شود و در این صورت نیز کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

۴. **آیه الله بهجت:** خروج از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست برای کسی که اگر خارج شود فوت می‌شود حج از او در آن سال، و اظهار عدم اعتبار فاصله بین دو عمره است، اگرچه احوط و افضل است، و اگر بعد از عمره خارج از مکه و حرم و میقات شد و برگشت در غیر ماه احرام اولی، پس محتاج به احرام عمره است که آن را عمره تمتع قرار می‌دهد و برای عمره سابق انجام طواف نساء موافق احتیاط است. ←

یکی از مواقیت معروفه بروند و از آنجا برای عمره مفرده مُحرم شوند. و ادنی الحل، میقات این اشخاص نیست^۱، و پس از انجام اعمال عمره مفرده می‌توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده بیایند برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن، احرام واجب نیست^۲، ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا

→ **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** متعرض این احتیاط نشده‌اند.

آیه الله خامنه‌ای: این احتیاط واجب نیست.

آیه الله زنجانی: بهتر است با احرام عمره مفرده وارد مکه شوند و پس از انجام عمره مفرده می‌توانند از مکه بیرون بروند و تا سی روز از احرام عمره مفرده نگذشته می‌توانند بدون احرام وارد مکه شوند؛ و فرقی بین جده و مدینه نیست و در زمانی که دیگر لازم نیست از مکه خارج شوند از خارج حرم - مانند تعمیم - احرام عمره تمتع می‌بندند.

آیه الله سیستانی: اگر بین این عمره و حج، عمره دیگری فاصله نشود می‌توانند عمره تمتع انجام دهند و پس از آن اگر خوف فوت اعمال حج نداشته باشند می‌توانند برای کاری هرچند غیر ضروری خارج شوند. پس اگر در همان ماه قمری برگردند احرام مجدد لازم نیست و اگر ماه بعد باشد و نخواهند دوباره خارج شوند و در ماه بعد وارد شوند باید با احرام عمره تمتع وارد شوند و اگر باز هم بخواهند در ماه بعد وارد شوند باید اکنون با احرام عمره مفرده وارد شوند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر حج تمتع بر آنها واجب باشد باید به قصد عمره تمتع محرم شوند و انجام عمره مفرده قبل از حج برای کسی که حج بر او واجب است یا نایب در حج بلدی است اشکال دارد.

آیه الله فاضل: اگر بخواهند در ماهی که عمره انجام داده خارج شوند و در همان ماه برگردند، می‌توانند عمره تمتع انجام دهند، در این صورت فرقی نمی‌کند که بخواهند به مدینه بروند یا جده. و در این فرض باید بدون احرام مجدد به مکه وارد شوند. اما اگر بخواهند در ماه بعد برگردند نباید عمره تمتع انجام دهند، بلکه عمره مفرده انجام دهند و برای آخرین بار که به مکه رجوع می‌کنند عمره تمتع انجام دهند.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: خدمه کاروان‌ها می‌توانند عمره تمتع را به جا آورند و از احرام خارج شوند و بعد برای انجام کارهای ضروری به جده یا مدینه و مانند آن بروند به شرطی که مطمئن باشند که به موقع به حج برسند.

۱. **آیه الله سبحانی:** در صورت عدم مرور از میقات یا محاذی آن، می‌توانند از ادنی الحل محرم شوند.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: همان طور که گذشت، برای عمره مفرده اگر از ادنی الحل محرم شود عمره‌اش صحیح است.

۲. **آیات عظام خویی، سبحانی، صافی:** حکم جده و مدینه یکی است و تا ماه هلالی که عمره مفرده را در آن

انجام داده تمام نشود، می‌تواند بی‌احرام وارد مکه شود. (**آیه الله سیستانی:** اگر عمره مفرده را به نیابت از

دیگران به جا آورده اند، بنا بر احتیاط برای دخول در مکه یا حرم، دو مرتبه محرم شوند). ←

بخواهند به مکه بروند باید در مسجد شجره مُحرم شوند برای عمره مفرده دیگر و چون بین این عمره مفرده و عمره مفرده اول یک ماه فاصله نشده عمره دوم را رجائاً به جا آورند^۱ و در هر صورت این اشخاص آخرین مرتبه‌ای که به مکه می‌روند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل مسجد شجره یا جُحفه بروند و از آنجا برای عمره تمتع مُحرم شوند.

استفتائات میقات

[۲۳۰] س - کسانی که به علت عادت ماهانه نمی‌توانند داخل مسجد شجره مُحرم شوند باید در خارج آن مُحرم شوند^۲ و در مُحاذی جُحفه تجدید احرام نمایند، با توجه به اینکه مُحاذی جُحفه نقطه مشخصی نیست، وظیفه چیست؟

ج - می‌توانند به جُحفه بروند و در آنجا تجدید احرام کنند، و چنانچه حدود محاذات را تشخیص دهند و در تمام آن حد، با بقای نیت، تلبیه را تکرار کنند کفایت می‌کند.

[۲۳۱] س - جماعتی از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسیدن به قَرْن المَنَازِل، آنان را از راه وادی عقیق فرستادند و از راه قَرْن المَنَازِل منع کردند و لذا در وادی عقیق مُحرم شدند، آیا احرام آنان چه صورت دارد؟

→ آیه الله تبریزی، آیه الله نوری؛ در ماهی که محرم شده‌اند تجدید احرام لازم نیست ولو به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند.

آیه الله خامنه‌ای؛ چنانچه بخواهد در همان ماه که عمره را انجام داده به مکه مراجعه نماید، نیاز به احرام مجدد ندارد.

آیه الله گلپایگانی؛ اگر سی روز از احرام قبل نگذشته، احرام لازم نیست و اگر فاصله کمتر از سی روز بوده و در غیر آن ماهی است که احرام بسته، احتیاط واجب آن است که محرم شود.

آیه الله مکارم؛ اگر در همان ماه قمری که محرم شده وارد شود تجدید احرام لازم نیست.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۷۳ و سوال ۱۸۶ گذشت.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۵ گذشت.

ج - صحیح است.

[۲۳۲] س - در مناسک مرقوم است که زن‌های حائض باید^۱ عبوراً از مسجد شجره مُحرم شوند و اگر نمی‌توانند، در خارج مُحرم شوند و در مُحاذی جُحفه تجدید احرام کنند، چون این کار مشکل است و مُحاذی جحفه معلوم نیست، آیا حضرت امام اجازه می‌فرمایند که این‌گونه اشخاص در مدینه با نذر مُحرم شوند؟

ج - چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زن‌های حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند، می‌توانند در مدینه با نذر برای عمره محرم شوند. و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره بروند، ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.^۲

[۲۳۳] س - زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود، گمان می‌کرد که در حال عبور در مسجد شجره می‌تواند محرم شود و وظیفه‌اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطه حیاط مسجد رسید، دید به جهت ازدحام نمی‌تواند با عبور محرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر محرم شد، آیا کفایت می‌کند یا خیر؟

ج - اگر احراز کند که قبل از میقات، با نذر محرم شده است مانع ندارد.^۳

[۲۳۴] س - زن در حال حیض، به خیال اینکه می‌تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام ببندد وارد مسجد شد و بلافاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می‌خواست خارج شود رفت، ولی چون دید نمی‌شود عبور

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۵ گذشت.

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، مکارم: اگر نذر زن مزاحم حق شوهر نباشد، اجازه لازم نیست.

آیه الله خامنه‌ای: در صحت نذر زوجه برای احرام پیش از میقات در صورتی که شوهر او غایب باشد، اذن شوهر شرط نیست. ولی اگر حضور داشته باشد، احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد. و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر او منعقد نمی‌شود.

آیه الله زنجانی: احرام در خارج مسجد کافی است و نذر مجوز احرام در غیر میقات نیست.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۵ گذشت.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

کرد برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش چگونه است؟

ج - صحیح است.^۱

[۲۳۵] س - یک نفر از حجاج به کلی شنوایی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر بر تکلم صحیح نیست، مسئولین و سایر حجاج همراه، به این موضوع توجه نداشته‌اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج - باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه محرم شود، هر چند با بردن همراه باشد و اگر نمی‌تواند به میقات برود باید در خارج حرم محرم شود^۲ و اگر نمی‌تواند تلبیه را صحیح بگوید، ولو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را نیز بگوید.^۳

۱. آیه الله تبریزی: صحت احرامش محل اشکال است.

۲. آیه الله سبحانی: احتیاط این است که بیرون مسجد محرم شود.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۱۵ گذشت.

۳. آیه الله بهجت: می‌تواند احتیاط کند به جمع بین این و استنباه اگرچه جواز اکتفا به همان مقداری که می‌تواند با ضمّ ترجمه عبارت صحیحه خالی از وجه نیست مثل اکتفا به ترجمه در صورت عدم توانایی به هیچ مقدار و نیز اکتفا به استنباه با عدم قدرت بر ترجمه هم، کما اینکه لال اکتفا به تحریک لسان و اشاره به انگشت با عقد قلب می‌نماید و اگر ممکن نباشد استنباه می‌کند.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد.

آیه الله خامنه‌ای: به هر نحو که می‌تواند بگوید و احتیاط آن است که علاوه بر گفتن خودش نایب هم بگیرد.

آیه الله خویی: اگر کسی قدرت بر تصحیح تلبیه ولو با تلقین نداشته باشد می‌تواند به ملحون اکتفا کند، گرچه احوط جمع بین ترجمه و استنباه نیز هست و نیز اخرس (گنگ و لال) کافی است با اشاره تلبیه بگوید، گرچه احوط استنباه نیز هست.

آیه الله زنجانی: باید برای گفتن تلبیه، نایب بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب، خود نیز به کامل‌ترین شکلی که می‌تواند - ولو با تلقین - تلبیه بگوید.

آیه الله سیستانی: اگر تلقین میسور نبود کافی است به نحوی که می‌تواند بگوید، اگر عرفاً تلبیه صدق کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب هم مرادف عربی آن را و هم ترجمه آن را بگوید و هم نایب بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ترجمه‌اش را بگوید و نایب هم بگیرد رجائاً که از طرف او به طور صحیح تلبیه را بگوید و نایب هم بگیرد رجائاً. ←

[۲۳۶] س - نظر به اینکه مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده و وسعت یافته است، آیا حجاج یا مُعْتَمِرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج - میقات در جحفه، خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می‌توانند محرم شوند و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از ادنی الحل صحیح است^۱ هر چند در مسجد نباشد. بنابراین در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول، و ادنی الحل در دوم، احرام اشکال ندارد.

[۲۳۷] س - در مناسک فرموده‌اید خدمه‌ای که می‌خواهند به مکه بروند و از مکه خارج شوند، در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده می‌روند، برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند باید در مسجد شجره محرم شوند برای عمره مفرده دیگر چنانچه میسر است، نکته علمی فرق میان جده و مدینه را بیان فرمایید؟

ج - فارق، عبور از میقات و عدم عبور است.^۲

[۲۳۸] س - کسی که وسایلش در جحفه مانده است، آیا می‌تواند برای آوردن وسایل خود، از احرام خارج گردد، درحالی‌که برای عمره تمتع محرم شده و وارد حرم گردیده است؟

ج - می‌تواند قبل از خروج^۳ از احرام عمره، برود و وسایل خود را بیاورد و اگر

→ آیه الله فاضل: و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

آیه الله مکارم: احوط این است که در این صورت نایب هم بگیرد.

آیه الله نوری: به هر نحو که می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را هم بگوید.

۱. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۲۰۷ و ۲۱۲ مراجعه شود.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۲۹ گذشت.

۳. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۲۲۹ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: در اثنای عمره، بنا بر احتیاط نمی‌تواند خارج شود، مگر حاجتی داشته باشد.

آیه الله خویی: در اثنای عمره نمی‌تواند خارج شود مگر از روی حاجت. ←

اعمال عمره تمتع را انجام داده و مُجَلَّ شده است، نمی‌تواند از مکه خارج شود مگر در حال ضرورت، مُحرماً به احرام حج علی الأحوط.^۱

[۲۳۹] س - کسی از جده محرم شده و اعمال عمره تمتع را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

→ **آیه الله سبحانی:** به احتیاط واجب در اثنای عمره خارج نشود بلی مثلاً بعد از احرام عمره در مسجد شجره می‌تواند به مدینه برگردد و با حالت احرام حوائج خود را برآورده کند لیکن اگر به مکه وارد شد و یا در اثنای عمره بدون ضرورت جدی خارج نشود مگر اینکه یقین به قدرت بر برگشتن و فاصله نشدن بیش از یک روز بین طواف و سعی داشته باشد.

آیه الله سیستانی: می‌تواند قبل از اتمام عمل، از مکه بیرون برود در صورتی که قدرت برگشتن به مکه را داشته باشد.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب در اثنای عمل نیز نباید خارج شود. بلی اگر یقین یا اطمینان داشته باشد که خروج از مکه به حج او لطمه نمی‌زند مانعی ندارد که حتی بدون احرام نیز خارج شود، اگرچه احتیاط مستحب عدم خروج بدون احرام است. و در هر صورت چنانچه بدون احرام خارج شد و در همان ماه برگشت حج تمتع او صحیح است، اما اگر ماه بعد برگشت عمره اولش فاسد شده و باید مجدداً عمره تمتع انجام دهد و الا حج تمتع او صحیح نیست.

آیه الله نوری: اگر اعمال عمره تمتع را انجام داده و مطمئن است که به حج در موقع خود می‌رسد، می‌تواند از مکه خارج شود و برگردد.

۱. **آیه الله بهجت، آیه الله مکارم:** با اطمینان از عدم فوت اعمال حج، جایز است.

آیات عظام تبریزی، خوبی، زنجانی: مگر در فرض حاجت که باید محرم به احرام حج شده آن‌گاه خارج شود. **آیه الله خامنه‌ای:** جایز است برای کسی که اطمینان دارد با خارج شدن از مکه حج او فوت نمی‌شود، بعد از انجام عمره تمتع و قبل از احرام حج از مکه بیرون رود اگرچه احتیاط مستحب آن است که فقط در مورد ضرورت و نیاز خارج شود. و برای ورود به شهر مکه نیاز به تجدید احرام عمره تمتع ندارد مگر اینکه در غیر ماهی که عمره تمتع را انجام داده است برگردد که در این صورت باید از میقات مجدداً برای عمره تمتع محرم شود، و عمره تمتع وی که متصل به حج می‌شود همین عمره تمتع دوم خواهد بود و اگر عمره تمتع دوم را انجام ندهد حج تمتع وی صحیح نیست.

آیه الله سیستانی: اگر بداند که می‌تواند به مکه برگردد و از آنجا احرام برای حج ببندد، اظهار جواز بیرون رفتن از مکه بدون احرام است، و اگر نداند با احرام حج از مکه بیرون رود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بلی اگر رفتن به آنجا با احرام، برای او حرج باشد جایز است بدون احرام خارج شود.

ج^۱ - اگر از رفتن به میقات معذور نبوده^۲ و وقت برای انجام عمره تمتع هست باید به میقات برود و محرم شود و عمره تمتع را اعاده کند، و اگر رفتن به میقات ممکن نیست به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود.^۳

[۲۴۰] س - آیا جایز است کسی که به احرام عمره تمتع در یکی از میقاتها محرم شده است به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز بیاید مکه؛ مثلاً از مسجد شجره به مدینه و بعد، از همان راه یا راه دیگر به مکه برود؟
ج - مانع ندارد.

[۲۴۱] س - بعد از اتمام حج تمتع؛ اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند آیا لازم است محرم شود یا خیر؟
ج - در صورتی که از وقت احرام عمره تمتع یک ماه نگذشته^۴ است لازم نیست محرم شود و می تواند بدون احرام وارد مکه شود.

۱. نسبت به متن و نظر آیات عظام به مسئله ۲۲۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر از میقات و حوالی آن عبور نکرده احرامش صحیح است.

۲. آیه الله خامنه‌ای: و یا در صورت عذر، بنا بر احتیاط واجب بدون نذر از جده محرم شده.

۳. آیه الله بهجت: با رعایت احتیاطی که گذشت در فاصله گرفتن از حرم به مقدار ممکن در جاهل غیر مقصر و یا سائر اعذار.

آیه الله سبحانی: باید به حدیبیه یا تنعیم برود و دوباره احرام ببندد و اعمال عمره را مجدداً به جا آورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به طرف میقات به مقداری که ممکن است برود و الا از ادنی الحل محرم شود.

۴. آیه الله بهجت: در این صورت عدم فاصله اگر ماه خروج با ماه مراجعت تغایر دارد احوط این است که با احرام برای عمره وارد مکه شود، اگرچه خروج در آخر ماهی و ورود در اول ماه دیگر باشد و همچنین است گذشتن سی روز با عدم تغایر ماه.

آیات عظام تبریزی، سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: در همان ماهی که محرم شده مراجعت کند لازم نیست محرم شود.

آیه الله خامنه‌ای: اگر در همان ماهی که اعمال حج را انجام داده است وارد شود احرام مجدد لازم نیست.

آیه الله خویی: در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده، اگر برگردد لازم نیست محرم شود.

آیه الله زنجانی: اگر از احرام حج تمتع سی روز نگذشته لازم نیست محرم شود.

آیه الله سیستانی: اگر در همان ماه قمری باشد که عمره تمتع را انجام داده است، لازم نیست محرم شود.

[۲۴۲] س - کسی که عمره مفرده انجام داده است، آیا می‌تواند در فاصله کمتر از یک ماه، بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

ج^۱ - احتیاط آن است که به قصد رجا برای عمره مفرده دیگر محرم شود و بدون احرام تجاوز نکند.^۲

[۲۴۳] س - کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا می‌کند، آیا لازم است مُحَرِّماً وارد مکه شود یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج - مجنون تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

[۲۴۴] س - زن حائضی که نمی‌توانست صبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره محرم شد و بنا داشت محاذی جحفه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج - در صورت امکان باید برگردد و از جحفه یا محاذی آن محرم شود علی‌الأحوط، و اگر ممکن نیست از حرم خارج شود و از آنجا احرام ببندد.^۳

[۲۴۵] س - اگر بعد از خروج از میقات، در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته یا نیت نکرده و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همان جا به میقات برگردد میسر نیست ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا می‌تواند بیاید

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۷۳ و ۲۲۹ گذشت.

آیه الله سیستانی: مانند مسئله قبل است. بلی اگر عمره مفرده او به نیابت از دیگران بود، احتیاط واجب احرام بستن برای دخول به مکه یا حرم است.

۲. آیه الله خامنه‌ای: اگر در همان ماهی که احرام و اعمال عمره را انجام داده است وارد مکه شود عبور از میقات بلامانع است اما اگر احرام در ماهی و اعمال در ماه دیگر باشد پس اگر احرام وی در ماه رجب بوده و اعمال را در ماه شعبان انجام داده بنا بر احتیاط واجب اگر در ماه شعبان مجدداً وارد مکه شود باید احرام ببندد. و رعایت این احتیاط در ماه‌های دیگر هم خوب است.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۰۵ گذشت.

آیه الله بهجت: در صورتی که نتواند به میقات برگردد، همان احرام کفایت می‌کند.

مکه و به میقات برگردد یا باید از همان جا محرم شود؟

ج^۱ - اگر می‌تواند به میقات برگردد ولو از مکه، نمی‌تواند برای عمل واجب از غیر میقات محرم شود، ولی برای دخول مکه از ادنی‌الحل به نیت عمره مفرده محرم شود و بعد از اعمال آن، به یکی از مواقیت معروف برود و برای عمره تمتع احرام ببندد.^۲

[۲۴۶] س - زن بدون اذن شوهرش نذر می‌کند و با نذر محرم می‌شود، آیا احرامش

درست است و چنانچه با همان احرام اعمالش را به جا آورده باشد چگونه است؟

ج - اگر قبل از میقات محرم شده، احرام او صحیح نیست^۳، اگرچه در صورتی که بعد از تمام شدن حج فهمید عملش صحیح است، ولی اگر بعد از عمره متوجه شد، در صورتی صحیح است که قابل جبران^۴ نباشد و در صورتی که می‌تواند، باید به میقات

۱. آیه الله زنجانی: هر کجا که متوجه شد محرم می‌شود.

۲. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط اگر هر دو عمره در یک ماه انجام می‌شود به نیت یک شخص به جا نیارد.

آیه الله سبحانی: اگر بازگشت ممکن نیست اگر داخل حرم نشده در همان جا لبیک بگوید و محرم شود و اگر داخل حرم شده به مرز حرم (ادنی‌الحل) برگردد و در آنجا لبیک بگوید و محرم شود و اگر آن هم ممکن نیست از همان جا که مسئله را یاد گرفته یا به یادش آمده لبیک بگوید و محرم شود.

آیه الله سیستانی: در این صورت لزوم رفتن به میقات برای احرام عمره تمتع و عدم کفایت احرام از ادنی‌الحل مبنی بر احتیاط است.

۳. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: در صورتی که نذر او منافاتی با حق شوهر نداشته باشد مانعی ندارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: اگر قبل از میقات محرم شده، چنانچه صحت حج توقف بر آن داشته یا آنکه منافای حق شوهر نبوده، احرامش صحیح است.

آیه الله خامنه‌ای: نذر زن برای احرام بستن قبل از میقات در غیاب شوهرش، موقوف بر اذن او نیست ولی در صورت حضور شوهر احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد و اگر بدون اذن شوهر نذر کند نذر او منعقد نمی‌شود.

آیه الله خویی، آیه الله مکارم: اگر نذر زن منافای حق شوهر باشد اذن معتبر است و الا معتبر نیست.

۴. آیه الله زنجانی: اگر قابل جبران نباشد باید احتیاطاً حج تمتع نیز به جا آورد ولی به این عمره و حج در حج واجب اکتفا نکند.

آیه الله فاضل: در صورتی که قابل جبران نباشد عمره تمتع صحیح نیست و باید حج افراد انجام دهد.

آیه الله مکارم: اگر بعد از اتمام حج و یا عمره بفهمد، عمل او صحیح است.

برود و از آنجا محرم شود و اگر نمی‌تواند به میقات برود، از خارج حرم احرام ببندد.^۱

[۲۴۷] س - آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج - اشکال ندارد.^۲

[۲۴۸] س - هرگاه حائض یا جنب عصیاناً وارد مسجد شجره شود و مانند دیگران

توقف نماید و محرم شود، آیا احرام او صحیح است یا نه؟

ج - احرام صحیح است.^۳

[۲۴۹] س - کسانی که در مکه اقامت پذیرفته‌اند، موقتاً نه دائماً، آیا میقاتشان همان

مواقیت خمسه معروفه است یا ادنی الحل؟

ج^۴ - اگر فریضه آنها تبدیل نشده، باید از مواقیت معروفه محرم شوند و اگر تبدیل

شده میقات آنها مکه است.

[۲۵۰] س - شخصی بدون احرام، عمداً یا جهلاً یا سهواً وارد مکه شده و بعداً از

جهت گرانی بیش از حد کرایه یا ممنوعیت از طرف دولت، نتوانست به میقات برگردد،

وظیفه‌اش چیست؟

۱. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۲۰۷ مراجعه شود.

۲. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۲۰۷ مراجعه شود.

۳. آیه الله تبریزی: صحت احرام او محل اشکال است و باید تلبیه را به قصد احرام تجدید کند.

آیه الله سبحانی: اگر درب دیگر برای خروج بسته بود و نتوانست در حال عبور محرم شود احتیاطاً بیرون مسجد محرم شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: چنانچه قصد قربت از او متمشی شود احرام صحیح است.

آیه الله مکارم: اگر عمداً باشد خالی از اشکال نیست.

۴. آیه الله سبحانی: اگر نائی در مکه مقیم شد (مقیم آن کسی است که بخواهد بعد از مدتی اقامت به وطن

بازگردد بر خلاف متوطن) و قبل از اینکه دو سال از اقامتش بگذرد، مستطیع شد وظیفه او حج تمتع است

و او می‌تواند از هر کدام از مواقیت محرم شود گرچه سزاوارتر آن است که از میقات اهل بلد خود محرم

شود و در صورت عدم تمکن از ادنی الحل محرم می‌شود و در غیر این صورت از مکه محرم به احرام عمره

تمتع می‌شود.

ج - اگر ممکن نیست به میقات برود، از ادنی الحل باید محرم شود^۱ مگر اینکه ترک احرام از میقات بدون عذر باشد، که در این صورت نمی‌تواند حج به جا آورد^۲ و اگر مستطیع است، سال بعد باید حج انجام دهد و گرانی بیش از حد عذر نیست مگر موجب حَرَج باشد.

واجبات احرام

[۲۵۱] م - واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اول - نیت^۳، یعنی انسان درحالی که می‌خواهد محرم شود به احرام عمره تمتع، نیت

۱. **آیه الله بهجت:** لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود، و احتیاط واجب در این صورت، این است که هرچه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد.

آیه الله تبریزی: در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم مُحرم شود و احوط در این صورت این است که هرچه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد و اگر نتواند از حرم بیرون برود در همان مکانی که هست محرم شود.

آیه الله زنجانی: چنانچه در ترک احرام معذور بوده خارج حرم محرم می‌شود و اگر معذور نبوده نمی‌تواند عمره و حج به جا آورد.

آیه الله سبحانی: در مورد عمد به ذیل مسئله ۲۱۰ و در مورد جهل و سهو به ذیل مسئله ۲۱۵ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود و اولی در این صورت این است که هرچه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد و اگر نتواند از حرم خارج شود هر جا هست محرم شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب است تا حد امکان به سمت میقات برود.

آیه الله فاضل: پس از زوال عذر و یادآوری، اگر برگشتن به میقات ممکن باشد برمی‌گردد و الا احرام از همان جا ببندد، اگرچه احوط آن است به هر مقدار که می‌تواند به میقات برگردد.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۱۰ گذشت.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: در نیت چند چیز معتبر است:

الف) قصد قربت (نزدیکی به خدا) مانند عبادات دیگر غیر از احرام.

آیه الله بهجت: قصد قربت یعنی به جهت اطاعت و امتثال فرموده خداوند عالم. ←

→ (ب) همزمان بودن با شروع در احرام.

(ج) تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج و تعیین حج که تمتع است یا قرآن یا افراد، و تعیین اینکه برای خود است یا برای دیگری و تعیین اینکه حجت حج الاسلام است که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده یا حج نذری است که به سبب نذر بر او واجب شده یا حجی است که به سبب فاسد بودن حج قبل بر او واجب شده یا حجی مستحبی است. خلاصه هر یک از اینها که باشد باید در نیت مشخص شود. پس اگر بدون تعیین نیت، احرام نمود، احرامش باطل خواهد بود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حجة الاسلام عنوان قصدی نیست و اگر مکلف مستطیع برای خود حج به جا آورد حجة الاسلام است مگر با علم و عمد قصد حج استحبابی نماید.

آیه الله خامنه‌ای: اول - نیت، که شرایط و کیفیت آن به شرح ذیل است:

(الف) قصد انجام اعمال حج یا عمره، بنابراین کسی که می‌خواهد برای عمره تمتع محرم شود. باید از زمان احرام قصد انجام آن را داشته باشد.

(ب) قصد قربة الی الله و نیت خالص برای اطاعت خداوند داشته باشد، زیرا عمره و حج و همه اعمال و مناسک آنها عبادت هستند و باید به قصد تقرب و نزدیکی به خداوند تبارک و تعالی به جا آورده شوند.

(ج) کسی که می‌خواهد محرم شود باید هنگام احرام قصد و نیت خود را تعیین کند یعنی معین کند که آیا قصد انجام حج دارد یا عمره، و همچنین مشخص کند که آیا حج تمتع است یا افراد یا قرآن، حج را برای خود به جا می‌آورد یا به نیابت از دیگری، حجة الاسلام است یا حج نذری و یا حج مستحب.
- نیت باید همراه با احرام بستن باشد، بنابراین نیت قبلی کفایت نمی‌کند مگر آنکه تا زمان احرام استمرار داشته باشد.

آیه الله زنجانی: در نیت احرام، سه امر معتبر است: (الف) قصد احرام؛ (ب) تعیین نوع عمره و حجی که برای آن احرام می‌بندد ولو به نحو اجمال، و اگر نیایی باشد قصد نیابت و تعیین منوب عنه نیز لازم است؛ ج. قصد قربت خالصانه. در نیت احرام رعایت چند امر دیگر نیز لازم است: ۱. وجود ارتکازی نیت، کافی نیست بلکه لازم است چنین معنایی را از قلب خود بگذارند که «خود را محرم می‌کنم - مثلاً - به عمره تمتع»؛ ۲. در نیت احرام عمره تمتع، لازم است قصد انجام مناسک عمره و حج را داشته باشد و عمره تمتع را به عنوان بخشی از مجموعه عمره و حج به جا آورد. و در صحت احرام مردها و پسرهای ممیز شرط است که ختنه کرده باشد.

آیه الله سبحانی: عمره و حج دو عمل عبادی هستند که نزد خداوند دارای منزلت و احترام خاصی می‌باشند و احرام دروازه ورود به این مناسک است بنابراین نیت احرام این است که قصد کند. ورود در این عبادتی که نزد خدا از احترام خاصی برخوردار است و نیت قلبی کفایت می‌کند و ترک یک رشته امور به نام محرّمات احرام برای حفظ حریم این عبادات؛ به هنگام نیت قصد ترک آنها لازم نیست و اگر بخواهد به زبان بیاورد بگوید محرم می‌شوم به احرام عمره تمتع یا حج تمتع از حجة الاسلام قربة الی الله و اگر در همه موارد به عنوان وظیفه فعلی محرم شود کافی است. ←

کند عمره تمتع را و لازم نیست^۱ قصد کند ترک محرّماتی را که بر محرّم پس از احرام، حرام می‌شود، بلکه کسی که به قصد عمره تمتع یا حج تمتع لبیک‌های واجب را گفت، محرّم می‌شود؛ چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک محرّمات را یا نکند. پس کسی که می‌داند ارتکاب می‌کند بعضی محرّمات را؛ مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام او صحیح^۲ است. ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک محرّمات را.

[۲۵۲] م - آنچه ذکر شد که: لازم نیست^۳ قصد کند ترک محرّمات را، در غیر آن محرّماتی است که عمره یا حج را باطل می‌کند؛ مثل اکثر محرّمات و اما آنچه عمره یا حج را باطل می‌کند؛ مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد پس با قصد ارتکاب آن، احرام باطل است بلکه غیر ممکن است.^۴

→ **آیه الله سیستانی:** در نیت معتبر است قصد قربت و وقوع آن در میقات و مانند آن و مشخص نمودن عبادتی که قصد احرام برای آن دارد، که آیا حج است و یا عمره و تعیین حج که تمتع است یا قران یا افراد و در صورت نیابت باید آن را قصد کند و اگر برای خودش باشد کافی است که قصد انجام آن از غیر نمایند و در عمل نذری کافی است که آنچه نذر نموده بر عملش منطبق باشد و لزومی ندارد قصد کند حجی را که انجام می‌دهد - مثلاً - حج نذری است، همچنان که برای اینکه حجی که انجام می‌دهد حجة الاسلام باشد، کفایت می‌کند که حجة الاسلام که بر او واجب شده بر عملش منطبق باشد و نیاز به قصد زایدی نیست.

۱. **آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی:** لازم است قصد کند ترک کارهایی را که بر محرّم حرام است.
۲. **آیه الله مکارم:** احرام او خالی از اشکال نیست مگر در حال ضرورت.
۳. **آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم:** قصد ترک جمیع محرّمات لازم است.
۴. **آیه الله خامنه‌ای:** زیرا قصد انجام این امور با قصد انجام مناسک حج قابل جمع نیست، بلکه با قصد احرام منافات دارد.

آیه الله زنجانی: بنابراین هنگام احرام عمره مفرده اگر مکلف، قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند یا در این کار تردید داشته باشد احرامش باطل است.

آیه الله سیستانی: فقط در حین احرام عمره مفرده، اگر مکلف قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند یا تردید دارد که این کار را بکند یا نه، ظاهر این است که احرامش باطل است و بنا بر احتیاط حکم استمنا هم همین است.

[۲۵۳] م - عمره و حج و اجزای آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت خداوند تعالی به جا آورد.^۱

[۲۵۴] م - اگر عمره را به ریا یا غیر آن باطل کند^۲، احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره مفرده به جا آورد و در سال دیگر حج را اعاده کند.

[۲۵۵] م - اگر حج را به نیت خالص به جا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند^۳، باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

[۲۵۶] م - اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر

۱. آیه الله سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

آیه الله نوری: و باید نیت آن را داشته باشد که بعد از عمره تمتع حج تمتع را انجام بدهد.

۲. آیه الله بهجت: اگر وقت تنگ باشد و نتواند پیش از حج اعاده و یا جبران کند، حج او افراد می‌شود و عمره مفرده پس از حج به جا می‌آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر عمره را باطل کند، در صورت امکان واجب است اعاده آن و اگر ممکن نبود حجش باطل می‌شود و باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

آیه الله زنجانی: کسی که «احرام را باطل کند» اصلاً محرم نشده است و کسی که «به عمره مفرده محرم شده» و با مباشرت قبل از پایان سعی، عمره را باطل کرده است، باید یک شتر قربانی کند و تا اول ماه بعد در مکه بماند و به میقات منطقه خویش برود و عمره مفرده دیگری به جا آورد. و کسی که «به عمره تمتع محرم شده» ولی وقت عمره تمتع، تنگ شده، باید نیت خود را به حج افراد برگرداند و اعمال حج افراد و پس از گذشتن روز سیزدهم، عمره مفرده به جا آورد - هر چند عمره تمتع او استحبابی بوده است - و اگر در این تأخیر، معذور نباشد کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

آیه الله سبحانی: باید عمره تمتع را مجدداً به جا آورد و اگر انجام دوباره عمره تمتع ممکن نباشد باید حج خود را به حج افراد تبدیل کند و همچنین باید سال بعد حج تمتع خود را قضا کند و اما اگر برخی از اجزاء عمره خود را به عنوان ریا یا انگیزه‌های غیر الهی انجام دهد همان جزء باطل و باید با رعایت ترتیب آن را انجام دهد و جبران کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به وظیفه‌ای که بعداً برای باطل‌کننده عمره یا حج خواهد آمد عمل نماید.

آیه الله فاضل: و جبران آن ممکن نشود و وقت نباشد.

۳. آیه الله زنجانی: اگر احرام حج را باطل کرده که اصلاً محرم نشده است و اگر بعد از محرم شدن با ترک ارکان حج یا ریائی انجام دادن، حج را باطل کرده است مطابق مسئله ۹۸۷ و ذیل آن عمل کند.

آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند، پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد، عملش صحیح می‌شود، گرچه معصیت‌کار است.^۱

[۲۵۷] م - اگر به واسطه ندانستن مسئله یا جهت دیگر، به جای نیت عمره تمتع، حج تمتع را قصد کند، پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه به جا می‌آورند او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش: حج تمتع است ظاهراً عمل او صحیح است و عمره تمتع است و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

[۲۵۸] م - اگر به واسطه ندانستن مسئله یا جهت دیگر، گمان کند که حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند به عزم اینکه پس از احرام برود به عرفات و مشعر و حج به جا آورد و عمره را پس از آن به جا آورد، احرام او باطل است^۲ و باید در میقات تجدید احرام کند و اگر از میقات گذشته است باید در صورت امکان برگردد به میقات و محرم شود و الاً از همان جا محرم شود و اگر وارد حرم شده و ملتفت شد باید در صورت امکان از حرم خارج شود و محرم شود، و الاً در همان جا محرم شود.^۳

[۲۵۹] م - دوم - تلبیه؛ یعنی لبیک گفتن، و صورت آن بنا بر اصح، آن است که بگوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب آن است^۴ که پس از آنکه چهار «لبیک» را به صورتی که گفته شده

۱. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل و ذیل مسئله ۹۸۷ مراجعه شود.

۲. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۱۵ گذشت.

۴. آیه الله بهجت: احتیاط واجب این است.

آیه الله زنجانی: و به این مقدار اکتفا نکند؛ بلکه باید پس از آن بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ» و گفتن «لَبَّيْكَ» پنجم واجب نیست هر چند ضرر هم نمی‌زند، و شخص با گفتن مقدار واجب از تلبیه، محرم می‌شود و بر او واجب می‌شود عمره تمتع را تکمیل کرده، پس از آن حج تمتع را به جا آورد؛ هر چند عمره و حج او استحبایی باشد. ←

گفت، بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ^۱».

و اگر بخواهد احتیاط^۲ بیشتر بکند، پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ^۳ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَقَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعَمِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكَرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِيكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

«لَبَّيْكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةٌ إِلَى الْحُجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَ بِلَاغُهَا عَلَيْكَ».

[۲۶۰] م - واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همان طور

که صحیح گفتن تکبیره الاحرام در نماز واجب است.^۴

→ آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: صورت تلبیه واجب، که به وسیله آن احرام واقع می‌شود

این است: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» و احتیاط در این است این جمله اضافه شود:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ».

آیه الله سیستانی: لبیک پنجم جایز است ولی جزو این احتیاط استحبابی نیست.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب است که بگوید: ... اما لبیک پنجم را نگوید.

۱. آیه الله سبحانی: احتیاط مستحب این است که این جمله را به دو صورت یعنی هم با اضافه کردن «لبیک»

به آخر آن و هم بدون کلمه «لبیک» در آخر بگوید.

۲. آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که به جای صورت اول بگوید.

۳. آیه الله خامنه‌ای: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ ...

آیه الله سبحانی: در این فقره اقوی این است که جمله «لا شریک لک لبیک» گفته شود.

۴. آیه الله خامنه‌ای: در مناسک معظم له این دو مسئله نیز مطرح شده است:

- هرگاه کسی عمداً تلبیه را نگوید، حکم کسی را دارد که عمداً احرام بستن از میقات را ترک کرده باشد. ←

[۲۶۱] م - اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند؛^۱ یعنی کلمه کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید.

[۲۶۲] م - اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید، احتیاط آن است که به هر نحو که می تواند بگوید^۲، و ترجمه اش را هم بگوید و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

[۲۶۳] م - اگر لبیک گفتن را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم نگفت، واجب است برگردد به میقات در صورت امکان و احرام ببندد و لبیک بگوید و اگر نتواند برگردد، همان جا بگوید اگر داخل حرم نشده است، و اگر داخل حرم شده واجب است برگردد به خارج حرم و احرام ببندد و لبیک بگوید^۳ و اگر ممکن نیست همان جا^۴ محرم شود و لبیک بگوید، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران، یادش آمد

→ - هرگاه کسی تلبیه را به طور صحیح نگوید و عذری نیز نداشته باشد، حکم کسی را دارد که عمداً تلبیه را ترک کرده باشد.

۱. **آیه الله زنجانی:** چنانچه وقت احرام بستن وسعت دارد - در صورت امکان - باید احرام را تا تنگی وقت به تأخیر بیندازد تا آن را یاد بگیرد یا لااقل با تلقین تلبیه را به طور صحیح ادا کند و اگر یاد نگرفت برای گفتن تلبیه نایب بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب خود نیز به بهترین شکلی که می تواند تلبیه بگوید.

آیه الله سبحانی: اگر هیچ کدام از آنها ممکن نیست هر مقدار که می تواند بگوید.

۲. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی:** به ذیل مسئله ۲۳۵ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: باید به هر نحو که می تواند بگوید و بنا بر احتیاط نایب هم بگیرد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: کافی است به نحوی که می تواند بگوید، اگر عرفاً صدق تلبیه کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب، هم مرادف عربی و هم ترجمه آن را بگوید و نیز نایب بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر تلقین ممکن نشد به هر طوری که می تواند بخواند و ترجمه اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید و نایب هم بگیرد رجأاً، که از طرف او به طور صحیح بخواند.

آیه الله فاضل: و ظاهراً همین مقدار کافی است و احتیاط مستحب آن است که ترجمه را بگوید و نایب نیز بگیرد.

آیه الله نوری: به هر نحو که می تواند بگوید و ترجمه اش را هم بگیرد.

۳. نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۲۱۵ گذشت.

۴. **آیه الله سبحانی:** از همان جا که مسئله را یاد گرفته.

بعید نیست صحت عمل.^۱

[۲۶۴] م - اگر کسی لبیک واجب را نگفت، چه به واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی‌شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود به جا آورد، کفاره ندارد و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

[۲۶۵] م - اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید، فراموش کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است^۲ و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است.

[۲۶۶] م - جایز نیست^۳ لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد و اگر تأخیر

۱. آیه الله بهجت: محل تأمل است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: صحت عمل خالی از اشکال نیست.

آیه الله زنجانی: اگر در عمره تمتع باشد باید احتیاطاً حج تمتع نیز به جا آورد و برای حج واجب به این عمل اکتفا نکند و اگر در حج تمتع باشد مطابق مسئله ۹۴۷ تا ۹۴۹ و حواشی آن عمل کند.

آیه الله سیستانی: اگر در عمره باشد صحت عمل مورد اشکال است.

آیه الله فاضل: اگر بعد از اعمال حج یادش آمد حج او صحیح است. ولی اگر بعد از عمره تمتع یا عمره مفرده یادش آمد عمره باطل است، و در عمره تمتع اگر فرصت دارد و امکان جبران دارد باید به میقات ولو به ادنی الحل برگردد و جبران کند و اگر امکان جبران نبود حج افراد انجام دهد، و در این صورت کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

آیه الله مکارم: اگر بعد از اتمام حج یا عمره یادش بیاید، عمل او صحیح است.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در هر دو صورت اگر داخل در عمل مترتب مثل طواف عمره تمتع یا وقوف به عرفات شده، حکم به صحت می‌شود و در غیر این صورت باید اعاده نماید.

آیه الله زنجانی: اگر احتمال می‌دهد هنگام احرام، متوجه وظیفه خود بوده بنا بگذارد که مطابق وظیفه خود نیت کرده است، و همچنین است حکم احرام حج تمتع.

۳. آیه الله خویی: کسی که می‌خواهد از راه مدینه به حج برود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء (جایی که یک میل با ذوالحلیفه به طرف مکه فاصله دارد) تأخیر بیندازد و در آنجا تلبیه بگوید و کسی که از راه دیگر به حج می‌رود تلبیه را پس از قدری راه رفتن بگوید.

انداخت، باید به دستوری که در مسئله ۲۱۵ ذکر شد، عمل کند.^۱

[۲۶۷] م - واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چند می تواند و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است^۲ بگوید «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تکرار کند «لَبَّيْكَ» را فقط.

[۲۶۸] م - احتیاط واجب آن است که کسی که برای عمره تمتع محرم شد، در وقتی که خانه های مکه پیدا می شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید^۳ و مراد از خانه های مکه خانه هایی است که در زمانی که عمره به جا می آورد، جزو مکه باشد^۴، هر چند مکه بزرگ شود و احتیاط واجب^۵ برای کسی که احرام حج بسته آن است که لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

[۲۶۹] م - سوم - پوشیدن دو جامه احرام برای مردان^۶ که یکی «لنگ» است و

۱. آیه الله زنجانی: در تأخیر با عذر به مسئله ۲۱۵ و ذیل آن و در تأخیر بدون عذر به مسئله ۲۱۰ و ذیل آن عمل کند.

۲. آیه الله مکارم: به قصد رجا.

۳. آیات عظام تبریزی، خامنه ای، خویی، سبحانی، فاضل، مکارم: واجب است.

آیه الله زنجانی: در عمره تمتع برای کسی که از مواقیت محرم شده بعد از مشاهده خانه های مکه، دیگر تکرار تلبیه، مستحب نیست و منظور از مکه در این مسئله محدوده مکه زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و در احرام حج، تکرار تلبیه تا ظهر روز عرفه مستحب است و بعد از آن مستحب نیست.

۴. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: بلکه مراد خانه های قدیمی مکه است.

۵. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه ای، خویی، سبحانی، فاضل، مکارم: باید قطع نماید.

۶. آیه الله سبحانی: و احتیاط لازم آن است که زنان نیز علاوه بر جامه هایی که بر تن دارند این دو جامه را بپوشند و طواف و سعی را با آن دو انجام دهند.

آیه الله صافی: احتیاط مستحب آن است که زن ها نیز دو جامه احرام را در وقت محرم شدن بپوشند و در طواف و سعی نیز همراه داشته باشند.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که زن ها نیز دو جامه احرام را هنگام محرم شدن بپوشند. ←

دیگری «ردا» که باید آن را به دوش ببندازند. و احتیاط واجب^۱ آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط^۲ آن است که لبیک را دوباره بگوید.

[۲۷۰] م - لازم نیست^۳ که لنگ، ناف و زانو را بپوشاند و کفایت می‌کند که به نحو متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف و زانو را بپوشاند.

[۲۷۱] م - در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی^۴ بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد و

→ **آیه الله گلپایگانی:** پوشیدن دو جامه احرام اختصاص به مردان ندارد و احتیاط واجب آن است که زن‌ها نیز دو جامه را بپوشند، اگرچه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه احرام را بیرون بیاورند و با همان لباس خودشان باشند و بهتر آن است که در حال سعی و طواف دو جامه احرام را در برداشته باشند.

۱. **آیه الله بهجت:** واجب است پوشیدن دو جامه در حال احرام، و محل پوشیدن، از باب مقدمه قبل از نیت و تلبیه است و احتیاط در صورت تاخیر پوشیدن در اعاده نیت و تلبیه است.

آیه الله زنجانی: پوشیدن لباس احرام، شرط صحت احرام نیست، هر چند بنا بر مشهور، پوشیدن آن هنگام لبیک گفتن لازم است. و در هر حال اگر لباسی را که پوشیده شرایط لباس احرام را نداشته باشد به احرام و سایر اعمال حج، ضرری نمی‌رساند.

آیه الله سبحانی: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند و اگر پس از گفتن لبیک این دو لباس را بر تن کنند احتیاط آن است که دو مرتبه لبیک بگوید.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند.

۲. **آیه الله سیستانی:** احتیاط مستحب اعاده نیت و تلبیه است.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب است.

۳. **آیه الله بهجت:** إزار از ناف تا زانو را باید بپوشاند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید به اندازه‌ای باشد که ناف تا زانو را بپوشاند.

آیه الله سبحانی: یکی به صورت لنگ باشد و از ناف تا زانو را بپوشاند و دیگری به صورت ردا که از شانه تا کمر را پوشش دهد.

آیات عظام سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بنا بر احتیاط واجب، لازم است.

۴. **آیه الله بهجت:** واجب است پوشیدن دو جامه احرام که یکی از آنها ستر کند ما بین ناف و زانو را که آن را إزار گویند و دیگری که ردا باشد آنقدر باشد که بپوشاند دو شانه را؛ به نحوی که ردا و تردی به آن صادق باشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد. ←

یکی را ردا قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد و احتیاط مستحب^۱ آن است که ردا شانه‌ها را بپوشاند.

[۲۷۲] م - احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اکتفا نکند^۲ به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را ردا قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند.

[۲۷۳] م - در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند^۳ و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

[۲۷۴] م - شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت

→ آیه الله خامنه‌ای: اگر به کیفیت متعارف باشد کفایت می‌کند.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب این است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، صافی، گلپایگانی: باید ردا به قدری باشد که شانه‌ها را بپوشاند.

آیه الله سبحانی: در مسئله قبل گذشت.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب این است که ردا به اندازه‌ای باشد که دو شانه و دو بازو و مقدار قابل توجهی از کمر را بپوشاند.

آیه الله فاضل: بلکه واجب است علاوه بر آن، قسمتی را بپوشاند؛ به گونه‌ای که صدق ردا بکند.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۲. آیه الله بهجت: احرام صحیح است.

آیه الله سبحانی: دو جامه احرام باید از هم جدا و به صورت دوتکه جداگانه باشند پس اگر با یک پارچه بلند از شانه تا زانو را بپوشاند صحیح نیست.

آیه الله سیستانی: بلکه ظاهر این است که کافی نباشد.

۳. آیه الله بهجت: در پوشیدن لباس احرام قصد قربت لازم است. (متذکر نیت کندن لباس مخیط نشده‌اند).

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعدی است.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، مستحب است.

آیه الله سبحانی: یکی از واجبات احرام است و طبعاً باید قصد قربت کند ولی در کندن و در آوردن لباس دوخته نیت لازم نیست.

آیه الله سیستانی: بعید نیست اعتبار قصد قربت در پوشیدن لباس احرام.

نمی‌کند جامه حریر و غیر مأکول^۱ و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

[۲۷۵] م - لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد، به طوری که بدن نما باشد و احتیاط مستحب آن است که ردا هم بدن نما نباشد.^۲

[۲۷۶] م - احتیاط واجب^۳ آن است که لباس احرام زن، حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نپوشد.

[۲۷۷] م - دو جامه‌ای که ذکر شد که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است^۴، ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود؛ چه دوخته باشد یا نباشد، ولی حریر محض نباشد^۵ چنانچه گذشت.

۱. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط در مجموع موانع نماز خواندن در لباس.

آیه الله سبحانی: کلیه چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط شده، در لباس احرام نیز شرط است.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب در غیر درندگان

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، صافی، فاضل، مکارم، نوری: احتیاط واجب است.

آیه الله خامنه‌ای: بدن نما بودن ردا مانع ندارد، مشروط بر اینکه ردا بر آن صدق کند.

آیه الله سبحانی: جامه‌های احرام باید به قدری ضخیم باشند که بدن از پشت آنها نمایان نباشد و اگر به قدری نازک باشد که در حال عرق کردن یا چسبیدن به تن، بدن نمایان گردد، طواف و نماز با آن اشکال دارد.

آیه الله سیستانی: احتیاط این است که هیچ قسمتی از ازار بدن نما نباشد، ولی این شرط در ردا معتبر نیست.

آیه الله گلپایگانی: جامه احرام نباید به قدری نازک باشد که حاکی از بشره باشد.

۳. آیه الله بهجت: اما زنان بنا بر اقوی جایز است در جامه حریر احرام ببندند، گرچه احتیاط در ترک آن است. و همچنین است جواز پوشیدن آن در جمیع احوال احرام.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صافی، گلپایگانی: باید از حریر خالص نباشد.

۴. آیات عظام سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: حکم آن در سوم از واجبات احرام (پوشیدن لباس) گذشت.

۵. آیه الله بهجت: در مسئله قبلی جواز آن گذشت.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: زنان می‌توانند در لباس‌های عادی خود، در صورتی که دارای شرایط ذکر شده در لباس احرام باشد، احرام ببندند.

[۲۷۸] م - احتیاط واجب^۱ آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه^۲ نجس شود، تطهیر یا تبدیل نماید و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.^۳

[۲۷۹] م - اگر تطهیر نکند جامه احرام یا بدن را، کفاره ندارد.

[۲۸۰] م - احتیاط آن است که جامه احرام از پوست نباشد،^۴ لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد.

۱. **آیه الله زنجانی:** هرگاه بدن یا لباس محرم - مرد باشد یا زن - نجس شود باید بدون تأخیر آن را تطهیر کند یا لباس را عوض نماید و اگر نامحرم نباشد آن را درآورد.

آیه الله سبحانی: باید لباس را تطهیر و یا عوض کند ولی اگر به خاطر نبودن امکانات در مسلخ و یا بُعد مسافتی که مجبور است طی کند تا جامه را عوض یا تطهیر کند مقداری طول کشید به صحت احرام لطمه نمی زند و اگر تطهیر نکرد تا زمان حلق و تقصیر، به صحت ذبح و احرام ضرر نمی زند و کفاره ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احتیاط مستحب آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: واجب است.

۲. **آیه الله فاضل:** یا لباسی که زن محرم پوشیده.

۳. **آیه الله بهجت:** و چنانچه بدن نجس شود تطهیر آن از جهت محرم بودن واجب نیست بنا بر اظهر.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: احتیاط استحبابی است.

آیه الله سیستانی: وجوب مبادرت به تطهیر بدن ثابت نیست.

۴. **آیه الله بهجت:** اقوی جواز احرام است در لباس‌هایی که می‌تواند در نماز بپوشد، هرچند پوست یا غیر بافتنی باشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط، بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سبحانی: چنانچه جامه احرام از پوست یا نایلون و مانند آن باشد، اگر عرفاً به آن جامه گفته می‌شود و پوشیدن آن متعارف است مانع ندارد.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

[۲۸۱] م - لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد،^۱ بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود^۲ مانع ندارد.

[۲۸۲] م - افضل آن است که محرم اگر جامه احرام را عوض کرده، وقتی که وارد مکه می شود برای طواف همان جامه ای را که در آن محرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است.^۳

[۲۸۳] م - اگر محرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن می تواند قبا و پیراهن بپوشد، لیکن باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش بیندازد و دست از آستین آن بیرون نیاورد و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند و پیراهن را نیز باید به دوش بیندازد و نپوشد^۴ و اگر اضطرار رفع نمی شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن، می تواند بپوشد.^۵

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** احوط در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به احتیاط واجب جامه احرام بافته باشد و از پوست و یا مثل نمد مالیده نباشد.

آیه الله مکارم: احتیاط در آن ترک نشود.

۲. **آیه الله خامنه ای:** و پوشیدن آن متعارف باشد.

۳. **آیه الله خویی:** متعرض این مسئله نشده اند.

آیه الله سبحانی: مستحب است.

۴. **آیه الله خامنه ای:** اگر بر اثر سرما و مانند آن ناگزیر از پوشیدن جامه دوخته باشد می تواند از لباس های معمولی مانند پیراهن استفاده کند اما نباید آن را بپوشد بلکه آن را به صورت برعکس بالا به پایین یا پشت و روبه روی خود بیندازد.

آیه الله سبحانی: هرگاه برای ضرورتی ناچار به پوشیدن لباس دوخته شد باید کفاره بدهد و بنا بر احتیاط در صورت ضرورت قبا و پالتو و کت را پشت و رو کرده بر دوش بیندازد و دست در آستین نکند.

آیه الله سیستانی: واجب این است که پشت و رو کند و دست از آستین آن بیرون نیاورد و یا اینکه آن را پایین و بالا کند و بپوشد.

آیه الله فاضل: احتیاط استحبابی است؛ و واجب است پیراهن را نیز بالا و پایین کند.

آیه الله گلپایگانی: ولی باید برای آن کفاره بدهد و متعرض بقیه مسئله نشده اند.

۵. **آیات عظام تبریزی، سبحانی، سیستانی:** و بنا بر احتیاط کفاره هم بدهد. ←

- [۲۸۴] م - لازم نیست جامه احرام را همیشه در برداشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند، بلکه جایز است برای حاجت^۱ هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود.
- [۲۸۵] م - شخص محرم می‌تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه ردا و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.^۲
- [۲۸۶] م - اگر لباس احرام را عمداً نپوشد^۳ یا لباس دوخته درحالی‌که می‌خواهد محرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند^۴ و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.
- [۲۸۷] م - گره زدن لباس احرام اشکال ندارد^۵ ولی احتیاط واجب آن است که آن را

→ **آیه الله خامنه‌ای:** و بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: ولی باید کفاره بدهد.

آیه الله صافی: ولی باید برای آن کفاره بدهد.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: و غیر حاجت.

آیه الله سبحانی: و امثال اینها جائز است و در غیر این صورت لازم است همواره دو لباس احرام را بر تن داشته باشد.

۲. **آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل:** لیکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند.

۳. **آیه الله زنجانی:** یا لباسی را که بر محرم حرام است درحالی‌که می‌خواهد محرم شود بپوشد...

۴. **آیه الله خامنه‌ای:** اگر در حین احرام، از روی علم و عمد لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد، صحت احرامش خالی از اشکال نیست و احتیاط واجب آن است که پس از بیرون آوردن آن نیت و تلبیه را تکرار کند.

آیه الله سبحانی: پوشیدن دو جامه احرام وجوب نفسی دارد و اگر عمداً نپوشد و لبیک گوید معصیت کرده و باید هرچه زودتر لباس دوخته را از تن بیرون آورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط باید لباس را بکند و محرم شود تا قطع به صحت احرام نماید.

آیه الله مکارم: در صورت عمد خالی از اشکال نیست.

۵. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: احوط این است که ازار (لنگ) خویش را به گردن خود بلکه مطلقاً گره نزنند، ولو بعض آن را به بعض دیگر و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکنند. و احوط این است که ردا نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد. ←

که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند^۱ و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست و سنگ در جامه احرام گذاشتن و بانج بستن نیز جایز است.^۲

[۲۸۸] م - شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.

[۲۸۹] م - اگر پیراهن بپوشد بعد از آنکه محرم شد، لازم است که پیراهن را شکاف دهد^۳ و از پایین بیرون آورد، ولی اگر در پیراهن محرم شود، لازم نیست

→ **آیه الله زنجانی:** بر مرد محرم، گره زدن لباس احرام و بستن آن با دکمه و کش و سنجاق و سنگ گذاشتن و مانند آن در صورت لزوم، جایز است و در غیر این صورت باید از این امور اجتناب کند و در هر حال، این کار به احرام و عمره و حج، ضرر نمی‌زند.

آیه الله سبحانی: احتیاط آن است که لباس احرام را با سنجاق قفلی به هم وصل نکند ولی در حال ضرورت که مثلاً گاهی در مشعر الحرام پیش می‌آید مانعی ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله، به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن در آید جایز نیست، و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آنکه آن را سنگین کرده، و ردا را حفظ نماید مانعی ندارد.

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** گره زدن لنگ به گردن جایز نیست ولی سنجاق زدن و امثال آن و گره زدن بعضی آن به بعضی دیگر مانعی ندارد مادامی که از صدق عنوان اِزار خارج نشود. و همچنین در ردا گره زدن آن با سنجاق یا گیره یا با گذاشتن سنگ‌ریزه در دو طرف آن، بستن آن با نخ به نحو متعارف تا زمانی که عنوان ردا بر آن صدق کند، جایز است.

۲. **آیه الله گلپایگانی:** اگر بدون گره باشد مانعی ندارد، به شرط آنکه دو طرف ردا را روی یکدیگر نگذارد که مثل گریبان شود.

آیه الله نوری: چنان که جایز است بعضی از لباس احرام را به بعضی دیگر با سوزن و غیر آن وصل کند.
۳. **آیه الله زنجانی:** شکافتن پیراهن برای این است که بتواند پیراهن را از پایین بیرون آورد و اگر بدون شکافتن پیراهن بتواند آن را از پایین بیرون آورد شکافتن پیراهن لازم نیست، و در این صورت که بعد از احرام پیراهن پوشیده فرقی نیست که عالم به مسئله بوده یا از روی جهل به مسئله پیراهن پوشیده باشد.

شکاف دهد^۱ و از پایین بیرون آورد، و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

[۲۹۰] م - اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همه واجبات و نتواند جبران کند احتیاط در بطلان عمره او است، اگرچه صحت آن به نظر بعید نیست،^۲ ولی اگر اعمال حج را هم تمام کرد و یادش آمد عملش صحیح است.

استفتائات احرام

[۲۹۱] س - کسی در وقت احرام این طور قصد می‌کند: محرم می‌شوم یا احرام می‌بندم، برای عمره تمتع یا غیر آن، با توجه به این مسئله که فرموده‌اید نیت

۱. آیه الله بهجت: در هر دو صورت نزع، مخیط باید بدون پوشاندن سر باشد.

آیه الله خامنه‌ای: در صورت علم و عمد، نظر معظم له در ذیل مسئله ۲۸۶ بیان شد.

آیه الله زنجانی: این مطلب در صورتی است که از روی جهل به مسئله در پیراهن محرم شده باشد و اگر از روی علم به مسئله در پیراهن محرم شده باشد، باید آن را از پایین بیرون آورد و اگر لازم شد آن را بشکافت.

آیه الله سبحانی: اگر در پیراهن و مانند آنکه جلو بسته است محرم شود باید آن را بشکافت و از پایین بیرون آورد و باید کفاره دهد هر چند مضطر بوده باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حکم آن در فرض عمد، در مسئله ۲۸۶ گذشت.

۲. آیه الله بهجت: محل تأمل است صحیح بودن غیر حج.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: صحت عمره او خالی از اشکال نیست و باید احتیاط ترک نشود.

آیه الله زنجانی: در عمره تمتع به ذیل ۲۶۳ و در حج تمتع به ذیل ۹۴۷ تا ۹۴۹ عمل نماید.

آیه الله سبحانی: اگر کسی احرام را فراموش کرد و تا بعد از همه واجبات عمره تمتع به خاطرش نیامد، چنانچه وقت و فرصت دارد به میقات رفته و محرم می‌شود و اگر امکان و با وقت ندارد، از ادنی الحل محرم می‌شود و عمره تمتع را مجدداً انجام می‌دهد و اگر امکان رفتن به ادنی الحل نیست و درک وقوف اختیاری عرفه از دست می‌رود، حج او به حج افراد بدل می‌شود ولی اگر بعد از اعمال حج متوجه شد که محرم نشده، حج او صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: عمره او صحیح است.

آیه الله فاضل: عمره اش باطل است و باید عدول به غیر حج تمتع کند و همین طور است اگر ترک احرام از روی جهل باشد.

آیه الله مکارم: عمره و حج او صحیح است.

احرام لازم نیست، بلکه ممکن نیست، این احرام چه صورت دارد؟

ج - به احرام ضرر نمی‌زند هر چند قصد احرام لازم نیست^۱ و احرام امر قصدی نیست، بلکه اگر شخص به قصد حج یا عمره تلبیه بگوید محرم می‌شود هر چند قصد احرام نکند.

[۲۹۲] **س -** زنی قبل از احرام برای عمره تمتع، می‌دانست که عادت ماهانه او ده روز است و قبل از احرام حج، اعمال عمره تمتع را نمی‌تواند انجام دهد، مع ذلک، نیت عمره تمتع کرد، آیا در برگرداندن نیت احرام عمره تمتع به حج افراد، باید چه کند؟

ج - نیت را به حج افراد برگرداند^۲ و اشکال ندارد، بلی اگر با التفات به اینکه

۱. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: لازم است و تفصیل این مسئله در ذیل بحث نیت در واجبات احرام گذشت.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: همین که به قصد عمره و یا حج تمتع تلبیه واجب را گفت، محرم می‌شود و قصد احرام، همین است.

آیه الله نوری: قصد احرام به این است که قصد احرام حج یا عمره کند و لازم است که احرام را به این قصد انجام دهد.

۲. نظر آیات عظام در مسئله ۲۲۱ گذشت.

آیه الله بهجت: در صورتی که قصدش انجام وظیفه بوده کفایت می‌کند و حج افراد به جا می‌آورد.

آیه الله تبریزی: این در صورتی است که در حال احرام حائض باشد چنان که ظاهر سؤال است ولی اگر بعد از احرام حائض شد مخیر است بین اینکه حج افراد به جا آورد و بعد از فراغت، عمره مفرده به جا آورد و بین اینکه اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نمازش به جا آورد به این ترتیب که سعی و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته به عرفات و منا برود و پس از فراغ از اعمال منا قضای طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج به جا آورد.

آیه الله زنجانی: اگر به قصد انجام وظیفه، محرم شده و خیال کرده وظیفه‌اش عمره تمتع است، احرامش احرام حج افراد خواهد بود؛ و در غیر این صورت احرامش باطل است و باید مطابق ذیل مسئله ۲۱۵ رفتار نماید.

آیه الله خویی: اگر در حال احرام تا آخرین زمان ممکن برای اتیان اعمال عمره تمتع حائض بوده، فتوای ایشان در دست نیست که آیا احرامش برای عمره تمتع باطل است یا می‌تواند آن را به عنوان حج افراد قرار دهد، گرچه در استفتانات حکم به بطلان احرام برای حج افراد شده، اگر زن در وقت احرام حائض بود و گمان می‌کرد تا آخر وقت پاک نمی‌شود و بعداً کشف خلاف شد. ←

نمی‌تواند عمره تمتع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست به نیت عمره تمتع محرم شود، صحت این احرام، بلکه حصولِ جدّ به آن، محل اشکال است.

[۲۹۳] س - مردها معمولاً برای احرام، یک حوله به عنوان لنگ به کمر می‌بندند و یکی هم بر روی شانه‌ها می‌اندازند، ولی بعضی افراد برای اینکه موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنها ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلووار ندوخته از وسط پا عبور می‌دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می‌گیرد، آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد؟
ج - اشکال ندارد.^۱

[۲۹۴] س - آیا می‌شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت یا خیر؟

ج - اَخْرَس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد، و نایب گرفتن کافی نیست.^۲

[۲۹۵] س - کسی که در گذشته حج واجبش را انجام داده و بنا دارد حج مستحبی

→ **آیه الله سبحانی:** و اگر قصدش انجام وظیفه بوده باشد، کفایت می‌کند و در صورت التفات اگر به نیت عدول، قصد حج افراد کند اشکال ندارد.

۱. **آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم:** ولی بهتر اجتناب از این‌گونه کارهاست.
 ۲. **آیه الله بهجت:** شخص گنگ و لال با انگشت خود همراه با نیت قلبی به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد و اگر ممکن نباشد که این کار را خودش انجام دهد نایب بگیرد که به جای او تلبیه بگوید.
- آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل، مکارم:** بهتر است نایب هم بگیرد.
- آیه الله سبحانی:** لال و کر مادرزاد زبان خود را مانند کسانی که «لبیک» می‌گویند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند و اگر برای عارضه‌ای زبان او بند آمده باشد با اخطار در قلب به شیوه‌ای که گفته شد عمل کند.
- آیه الله سیستانی:** اگر در اثر عارضه‌ای لال شده است و الفاظ تلبیه را می‌داند، به مقداری که می‌تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطار نماید و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می‌کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نایب هم بگیرد رجائاً که از طرف او به طور صحیح بگوید.

به جا آورد، ولی از روی ناآگاهی و یا فراموشی در نیت احرام عمره می گوید «احرام عمره تمتع از حج تمتع از حجة الاسلام می بندم قربة الی الله»، آیا آوردن و در نیت داشتن حجة الاسلام، درحالی که حج مستحبی است، اشکال دارد یا خیر؟

ج - اشکال دارد^۱، مگر آنکه اشتباه لفظی باشد و قصدش این بوده عمره ای که وظیفه او است انجام دهد و اسمش را حجة الاسلام گذاشته باشد.

[۲۹۶] س - اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، محرم نمی شود و تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است یا نه؟

ج - چنانچه از روی عمد بوده صحیح نیست و اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسئله بوده، در فرض مرقوم بعید نیست صحت عمل^۲.

[۲۹۷] س - اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج فهمید که صحیحاً محرم نشده است، آیا وظیفه او نسبت به سایر اعمال، و همچنین

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: نیت عمدی اشکال دارد.

۲. آیه الله بهجت: به مسئله ۲۹۰ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر در احرام عمره بوده، صحت عمل او خالی از اشکال نیست و باید احتیاط کند.

آیه الله زنجانی: اگر خیال می کرده تلبیه را صحیح می گوید در عمره تمتع مطابق ذیل مسئله ۲۶۳ و در حج تمتع به حواشی مسئله ۹۴۷ تا ۹۴۹ عمل کند.

آیه الله سبحانی: اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و محرم شود و اعمال عمره را انجام دهد، چنانچه از روی عمد باشد عمره او باطل است و در صورت فراموشی یا ندانستن مسئله احتیاطاً عمره را دوباره انجام دهد و اگر در احرام حج است چنانچه در اثنا متوجه شود آن را صحیح بگوید و چنانچه در پایان عمل ملتفت شود بعید نیست که عمل او صحیح باشد.

آیه الله سیستانی: اگر به مقدار تمکن تلبیه را گفته است و غلط بودن آن به حدی نبوده است که صدق تلبیه نکند، چیزی بر او نیست. در غیر این صورت، اگر در احرام عمره باشد بنا بر احتیاط واجب عمل باطل است و اگر در احرام حج باشد صحیح است.

آیه الله فاضل: با توجه به اینکه عالم به حکم بوده، اگر نسبت به موضوع جاهل بوده؛ یعنی نمی دانسته تلبیه را غلط می گوید، حکم ترک احرام از روی جهل و سهو را دارد که حکم آن در مسئله ۲۹۰ گذشت.

عمره قبلی او چگونه است؟

ج - با فرض اینکه بعد از وقت جبران متوجه شده بعید نیست صحت عمل، لکن احوط عدم اکتفا به این حج است و این احتیاط ترک نشود.^۱

[۲۹۸] س - ترجمه تلبیه «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» چیست؟

ج - ترجمه جمله مذکور چنین است:^۲ «اجابت می‌کنم دعوت تو را، خدایا! اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را». و اگر کلمه «دعوت» را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

[۲۹۹] س - لباس احرامی که معلوم نیست از درآمد منبر است یا وجوهات شرعیه،

آیا لازم است خمس آن را بدهد؟

ج - با فرض شک، لازم نیست، هرچند احتیاط مطلوب است.^۳

۱. آیه الله بهجت: به مسئله ۲۹۰ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: صحت عمل خالی از اشکال نیست و باید احتیاط نماید.

آیه الله زنجانی: حکم مسئله قبل را دارد.

آیه الله فاضل، آیه الله گلپایگانی: این احتیاط استحبابی است.

آیه الله سیستانی: اگر تلبیه را به مقدار تمکن ادا کرده است و غلط بودن آن به اندازه‌ای نیست که صدق تلبیه نکند، عمل صحیح است. در غیر این صورت، اگر تلبیه عمره را غلط گفته است عمل او بنا بر احتیاط باطل است و اگر تلبیه احرام حج باشد همان جا تلبیه بگوید و عملش صحیح است.

۲. آیه الله نوری: با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم دعوت تو را، خدایا! با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم، اجابت می‌کنم دعوت تو را با کمال میل و شوق، شریکی نیست مر تو را، با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم، اجابت می‌کنم تو را.

۳. آیه الله بهجت: در هر دو مورد به زاید از مؤونه سنه، خمس تعلق می‌گیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر سال بر آن گذشته باشد، لازم است خمس آن را بدهد.

آیه الله سبحانی: اما اگر با مقداری تفحص وضع آن پولی که با آن لباس احرامی را خریده و یا می‌خواهد بخرد مشخص می‌شود باید تفحص کند.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند. ←

[۳۰۰] س - کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می‌کند و خودش فراموش کرده است که نیت نماید، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، محرم نشده است و باید در صورت امکان به میقات برگردد و اگر ممکن نیست به خارج حرم برود و مجدداً محرم شود.^۱

[۳۰۱] س - آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟

ج - مقدار واجب آن دو جامه است و زیاده مانع ندارد.

مستحبات احرام

[۳۰۲] م - مستحبات احرام چند چیز است:^۲

۱. آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲. کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی‌قعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.^۳

۳. آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید^۴ و این غسل از زن حائض و

→ **آیه الله فاضل:** و این در صورتی است که وجوهات شرعیه را به عنوان شهریه گرفته باشند، اما اگر به عنوان استحقاق یا خدمات دینی گرفته‌اند و سال بر آن گذشته است باید خمس آن را بدهند.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۱۵ گذشت.

۲. **آیه الله سیستانی:** پاره‌ای از مستحبات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است، پس باید رعایت آنها به قصد رجا باشد نه ورود.

آیه الله مکارم: این امور و امور مربوط به ترک مکروهات را به قصد رجا به جا می‌آورد.

۳. **آیه الله مکارم:** و بعضی از فقها به وجوب آن قائل شده‌اند و این قول گرچه ضعیف است احوط است.

۴. **آیه الله خامنه‌ای:** مستحب است که پیش از مُحرم شدن در میقات و یا پیش از رسیدن به میقات مثلاً در مدینه غسل کند و احوط آن است که این غسل را ترک نکند.

آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط مستحب موکد، کسی که می‌خواهد محرم شود، برای احرام، غسل نماید و انجام آن قبل از میقات نیز صحیح است، چهار چیز غسل احرام را باطل می‌کند: الف) پوشیدن پیراهن ←

نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده نماید و بعد از این غسل، اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است^۱ باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.^۲

۴. آنکه دو جامه احرام از پنبه باشد.^۳

۵. آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد، در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر^۴ و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا

→ و به سر بستن دستمال و روسری و مقنعه برای مردان و زدن نقاب برای بانوان؛ ب) خوردن غذای معطر؛ ج) اگر در میقات یا حوالی آن غسل کرده چنانچه قبل از تلبیه گفتن بخوابد غسل او باطل می‌شود؛ د) فاصله انداختن به مقدار یک روز... و سایر مبطلات وضو و غسل، غسل احرام را باطل نمی‌کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی؛ و کسی که به خاطر عذر تمکن از غسل ندارد، رجائاً بدل از غسل تیمم نماید.
۱. **آیه الله سبحانی؛** پوشیدن لباسی که بر محرم حرام است یا خوردن چیزی که بر محرم حرام است و استعمال طیب و روپوش زدن برای خانمها و خوابیدن.

۲. **آیه الله بهجت؛** در انتقاض غسل سابق به غیر نوم، تأمل است و اظهار در نوم، عدم انتقاض است، و آنکه اعاده، شبیه به مستحب در مستحب است.

۳. **آیه الله سبحانی؛** سفید و از پنبه باشد.
آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی؛ و بهتر آن است که در پارچه سفید محرم شود و نیت احرام و نیت پوشیدن جامه احرام بلکه نیت کردن لباس دوخته را نیز بر زبان آورد.

۴. **آیه الله بهجت، آیه الله فاضل؛** در صورت عدم تمکن از فریضه ادا، بعد از فریضه قضا محرم شود.
آیه الله خامنه‌ای؛ مستحب است که بعد از نماز ظهر، یا بعد از هر نماز واجب دیگر و یا بعد از دو رکعت نماز مستحبی محرم شود و در برخی احادیث آمده است که [پیش از احرام] شش رکعت نماز مستحب است و فضیلت بیشتری دارد.

آیه الله زنجانی؛ بنا بر احتیاط مستحب موکد بعد از خواندن نماز - واجب یا مستحب - نیت کرده تلبیه بگوید؛ ولی خواندن نماز از زن در حال حیض و نفاس، مشروع نیست.

دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آن گاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ، وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ تُقَوِّبَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مَنكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ انْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَّضَ لِي عَارِضٌ يَحْسِبُنِي، فَخَلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةَ فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ نُحْيِي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، أَتَبَّعِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ».

۶. هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرْضِي، وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَ أَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ قَبْلَ غَنِيِّ، وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبْلَ بِنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَ وَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنْجَايَ وَ دُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي».

۷. آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند؛ خصوصاً در موارد آینده:

الف) وقت برخاستن از خواب.

ب) بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج) وقت رسیدن به سواره.

د) هنگام بالا رفتن از تل یا سرازیر شدن از آن.

ه) وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و) آخر شب.

ز) اوقات سحر.

زن حائض و نفساء^۱ نیز این تلبیه‌ها را بگویند.

و شخص متمتع، تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آنکه خانه‌های مکه را ببیند و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.^۲

مکروهات احرام

[۳۰۳] م - مکروهات احرام چند چیز است:

۱. احرام در جامه سیاه^۳، و افضل احرام در جامه سفید است.
۲. خوابیدن محرم بر رخت^۴ و بالش زرد رنگ.
۳. احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.
۴. احرام بستن در جامه راه.^۵
۵. استعمال حنا پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.^۶

۱. آیه الله بهجت، آیه الله فاضل: ... و جنب.

۲. آیه الله بهجت: و همچنین بر مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بلکه احوط ترک آن است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بلکه اولی ترک پوشیدن هر پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبره استثنا شده است.

۴. آیه الله بهجت: بر بالش سیاه رنگ.

۵. آیه الله سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه دار و مانند آن.

۶. آیه الله بهجت: اظهار جواز استعمال حنا است قبل از احرام، هرگاه اثر آن باقی بماند تا حال احرام.

آیه الله سبحانی: بستن حنا و رنگ کردن موها قبل از احرام به رنگی که برای زنان آرایش به حساب بیاید و رنگ آن تا وقت احرام باقی بماند ولی رنگی که مطابق رنگ طبیعی موی زن می‌باشد مکروه نیست و احتیاط آن است که در حال احرام از آن رنگ نیز استفاده نکند. ←

۶. حمام رفتن، و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.^۱
 ۷. لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.^۲

مُحَرَّمَاتِ احْرَام

- اول - شکار صحرائی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.^۳
 [۳۰۴] م - خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است؛ چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه مُحَرَّم شکار کند یا غیر مُحَرَّم.^۴
 [۳۰۵] م - نشان دادن شکار به شکارچی حرام است و همین طور اعانت او به هر نحوی حرام است.
 [۳۰۶] م - اگر مُحَرَّمی صید را ذبح کند در حکم میتة خواهد بود بنا بر مشهور و به

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با قصد زینت خلاف احتیاط است.

- آیه الله مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگ‌های امروز نیست.
 ۱. آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: اولی بلکه احوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.
 آیه الله خامنه‌ای: رفتن به حمام و شستن بدن با کیسه و مانند آن نیز در حال احرام مکروه است.
 آیه الله سبحانی: رفتن به حمام‌های عمومی که شرایط خاصی داشته باشد.
 آیه الله مکارم: کراهت حمام رفتن ثابت نیست ولی بدن خود را با کیسه و مثل آن نمالد.
 ۲. آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بلکه احوط ترک آن است.
 آیه الله فاضل: و همچنین ساییدن صورت، چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می‌شود و همچنین کشتی گرفتن.
 ۳. آیه الله سیستانی: حیوانی که در اصل وحشی باشد، هرچند بالعرض اهلی شده باشد و فرقی نمی‌کند که حلال گوشت باشد یا حرام گوشت و علاوه بر شکار کردن، کشتن و مجروح ساختن بلکه هرگونه ایدای آن حرام است.
 ۴. آیه الله سبحانی: اگر محرمی شکار را سر ببرد بر محرم و غیر محرم خوردن آن حرام است ولی اگر با تیر یا سگ‌های شکاری در غیر حرم شکار کند خوردن آن بر محرم حرام است ولی بر غیر محرم حرام نمی‌باشد.
 آیه الله سیستانی: حتی اگر غیر محرم آن را در غیر حرم شکار کرده باشد.
 آیه الله مکارم: خواه قبل از احرام خودش شکار کرده باشد یا نه.

احتیاط واجب هم درباره مُحرم و هم مُجَل^۱.

[۳۰۷] م - شکار دریایی مانع ندارد و آن حیوانی است که تخم و جوجه، هر دو را در دریا کند.^۲

[۳۰۸] م - ذبح و خوردن حیوانات اهلی، مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

[۳۰۹] م - پرنندگان^۳ جزو شکار صحرائی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است.^۴

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: صیدی را که محرم ذبح کرده بر محرم و محل حرام است.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله قبلی مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر محرم در بیرون حرم صید را با شکار کردن یا پس از آن کشته باشد، بنا بر احتیاط خوردن آن گوشت بر مُحلّ نیز حرام است و همچنین حرام است بر مُحلّ صیدی که آن را محل یا محرم در حرم شکار یا ذبح کرده باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر محرم صیدی را شکار کند و یا آن را ذبح کند میته خواهد بود، پس بر محرم و غیر محرم حرام است خوردن آن، بلکه نماز خواندن در پوست آن نیز جایز نیست.

آیه الله فاضل: اگر محرمی صید را ذبح کند، از نظر خوردن در حکم میته خواهد بود، در صورتی که ذبح یعنی بریدن رگ‌های چهارگانه، به دست محرم باشد اما چنانچه با پرتاب تیر صید کرده باشد، به احتیاط واجب در حکم میته است. بدون فرق بین آنکه محرم از آن استفاده نماید یا مُحلّ.

۲. آیات عظام تبریزی، سیستانی، گلپایگانی: حیوان دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند.

آیه الله زنجانی، آیه الله نوری: و در آن هم زندگی کند.

آیه الله سبحانی: مقصود از آن حیوانی است که زیر آب زندگی می‌کند بنابراین پرنندگان دریایی که گاهی در آب و گاهی در خشکی زندگی می‌کنند از گروه حیوانات دریایی به شمار نمی‌آیند.

آیه الله فاضل: زندگی او در دریا باشد به نظر عرف.

آیه الله مکارم: و زندگی در دریا کند بنا بر احتیاط واجب.

۳. آیه الله سبحانی: پرنندگان وحشی.

۴. آیه الله سبحانی: محرم نباید به قصد کشتن پا روی ملخ بگذارد و در راه رفتن مواظب باشد حتی الامکان پا روی آنها نگذارد مگر اینکه (به واسطه‌ی زیاد بودن ملخ در سطح شهر) این کار موجب اختلال در حرکت شود و حرجی گردد، در این صورت کفاره ندارد ولی اگر بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری نمود برای کشتن به تعداد انگشتان دست مقداری آرد گندم و اگر زیاد بود یک گوسفند کفاره بدهد.

[۳۱۰] م - احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد، اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.^۱

[۳۱۱] م - نگاه داشتن صید حرام است، اگرچه خودش مالک آن باشد.^۲

[۳۱۲] م - اگر پرنده‌ای که نزد اوست «پر» در نیاورده یا پر او را چیده‌اند، واجب است^۳ آن را حفظ کند تا پر درآورد و آن را رها کند، بلکه بعید نیست که واجب باشد^۴ حفظ بچه صید را؛ مثل آهو بره، تا بزرگ شود و رها کند آن را.

[۳۱۳] م - هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است.^۵

۱. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: در این صورت نباید بکشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کشتن عمدی زنبور مقداری طعام کفاره دارد و در صورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: کشتن زنبوری که احتمال دارد به انسان آسیب برساند اشکال ندارد و در غیر این صورت حرام است و در هر حال (چه قصد اذیت داشته یا نداشته) کفاره دارد و کفاره آن دادن مقداری آرد گندم به فقیر است؛ ولی کشتن حیواناتی مانند مار و مورچه و موش و تیل و عنکبوت و انواع سوسک‌ها و جیرجیرک‌ها و امثال اینها از محرمات احرام حساب نمی‌شود. لیکن اگر محرم از ناحیه آنها اذیتی نمی‌شود نباید آنها را بکشد و یا به آنها اذیت برساند و چنانچه این کار را انجام داد استغفار کند.

آیه الله سیستانی: نظر ایشان در مسئله ۳۱۳ خواهد آمد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض حکم مسئله نشده‌اند.

آیه الله فاضل: زنبور عسل باشد یا زنبورهای دیگر.

۲. آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: چه خودش آن را شکار کرده باشد، پیش از احرام یا بعد از آن، و چه دیگری شکار کرده باشد و چه شکار در حرم صورت گرفته باشد، چه در بیرون آن، اگر با خود همراه داشته باشد. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر صید را با خود آورده باشد وقتی محرم شد از ملک او بیرون می‌رود و باید آن را رها کند.

آیه الله فاضل: اگر قبل از احرام با خود آورده باشد باید آن را رها کند و با خود نگاه ندارد.

۳. آیه الله بهجت: در موردی که دلیل خاص نباشد واجب نیست.

آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

۴. آیه الله تبریزی، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۵. آیه الله سیستانی: بعید نیست حرمت برداشتن، شکستن و خوردن تخم آنها بر محرم، و به احتیاط واجب نباید دیگری را در این امر کمک کند.

بدان که در شکار احکام بسیاری است و چون محل حاجت چندان نیست، از بیان آنها خودداری شد.^۱

دوم - جماع کردن با زن، و بوسیدن و دست بازی کردن^۲ و نگاه به شهوت،^۳ بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن.^۴

[۳۱۴] م - اگر کسی در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد، با زن، چه در قبیل و چه در دُبر و یا با مرد جماع کند، ظاهراً عمره‌اش باطل نشود^۵ ولیکن موجب کفاره

۱. **آیه الله سیستانی:** همان گونه که شکار حیوانات صحرائی حرام است، کشتن همه حیوانات حرام است به جز: (الف) حیوانات اهلی هر چند وحشی شده باشند. (ب) مرغی که قادر بر پرواز نیست مانند مرغ خانگی. (ج) آنچه که مُحَرَّم از آن بر خود می ترسد یا قصد جان او را داشته باشد از درندگان و مارها و غیر آنها پس کشتن اینها بر محرم جایز است. (د) پرندگان شکاری اگر کیبوتران حرم را اذیت کنند. (ه) مار بد و عقرب و موش و همچنین تیراندازی و سنگ انداختن به کلاغ و لاشخور جایز است.

۲. **آیه الله سیستانی:** و همچنین بلند کردن یا در آغوش گرفتن با شهوت.

۳. **آیه الله سیستانی:** در صورتی که نگاه کردن به همسر از روی شهوت موجب خروج منا شود، لازم است از آن پرهیز کند و احتیاط مستحب آن است که اگر موجب خروج منا هم نشود پرهیز کند.

۴. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** محرم می تواند به غیر از جماع و بوسیدن و لمس و نگاه به شهوت و ملاعبه، از عیال خود لذت برد بنا بر اظهار (مانند التذاذ از صدا و یا سخن گفتن با او) گرچه احوط ترک استمتاع است مطلقاً. **آیه الله زنجانی:** جماع کرد با زن و بوسیدن او از روی شهوت و ملاعبه او در صورتی که با قصد لذت یا خروج منا همراه باشد و همچنین نگاه کردن به او چنانچه با قصد لذت و خروج منا همراه باشد، بر محرم حرام است و احتیاط مستحب در ترک مطلق تمتعات است.

آیه الله سیستانی: محرم می تواند از همنشینی و صحبت و مانند آن با عیال خود لذت ببرد ولی احتیاط مستحب ترک استمتاع است مطلقاً.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: برای زنان، همین حکم نسبت به مردان صادق است اگرچه از محارم زن باشند. **آیه الله فاضل:** مرد نسبت به زوجه خودش.

آیه الله مکارم: نگاه و لمس بدون قصد لذت مانعی ندارد و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک نماید.

۵. **آیه الله بهجت:** عمره‌اش باطل است لکن باید عمره را تمام کند و دوباره اعاده نماید و بعد حج تمتع به جا آورد و اگر وقت تنگ باشد حج او مبدل به افراد می شود و باید از حج، عمره مفرده به جا آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده. ←

است که بیان آن می‌آید^۱ و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش^۲ از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه به جا آورد^۳ و اگر وقت تنگ است حج افراد^۴ به جا

→ **آیه الله خوئی:** ایشان متعرض جماع با مرد نشده‌اند.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از تمام شدن سعی باشد و همچنین در عمره مفرده.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر پیش از سعی باشد عمره او فاسد است و باید احتیاطاً آن را تمام کند و بعد از تمام کردن عمره پیش از حج، واجب است عمره را اعاده نماید و یک شتر کفاره بر او واجب است و اگر وقت اتمام و اعاده ندارد آن عمره فاسد را قطع کند و اعاده نماید و اگر نتواند به واسطه تنگی وقت آن را پیش از حج اعاده کند حج او افراد می‌شود و باید بعد از حج عمره مفرده به جا آورد، ولی باید به همان احرام عمره باقی بماند و احتیاطاً به یکی از مواقیت خارج مکه برود و تجدید نیت جهت حج افراد بنماید و احوط اعاده حج است در سال آینده.

آیه الله فاضل: حرمت نفسی و ذاتی وطی با مرد گرچه خیلی شدید و موجب حد است لیکن ارتباط آن با احرام محل اشکال است.

۱. **آیه الله فاضل:** بنا بر احتیاط موجب کفاره است.

آیه الله مکارم: کفاره آن بنا بر احتیاط یک شتر است.

۲. **آیه الله سیستانی:** احتیاط واجب این است که عمره‌اش را تمام کند و پس از آن حج به جا آورد و در سال آینده هر دو را دوباره به جا آورد و اگر در عمره مفرده باشد نیز عمره‌اش باطل است و واجب است در مکه بماند تا ماه دیگر قمری و برود از یکی از مواقیت پنج‌گانه محرم شود و عمره را اعاده کند و به احتیاط واجب احرام از خارج حرم کافی نیست.

۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی:** از اینجا تا آخر در مناسک ایشان نیست بلکه به جای آن آمده است: «و در صورت عدم امکان سال دیگر حج را اعاده نماید».

۴. **آیه الله سبحانی:** عدول به حج افراد خلاف احتیاط است لذا عمره را اتمام کند و اگر وقت دارد اعاده نماید و اگر وقت ندارد برای حج محرم شود و حج خود را با همان عمره به پایان ببرد و احتیاط مستحب سال بعد حج را اعاده نماید و در هر صورت کفاره بر او یک شتر واجب شده است که مخیر است در مکه و یا در منا و در صورت تأخیر در محل خود انجام دهد.

آیه الله فاضل: ظاهراً عمره باطل نمی‌شود، لذا اگر وقت تنگ است حج تمتع را به جا آورد و احتیاط مستحب آن است که سال بعد حج را اعاده کند. و اگر این عمل در عمره مفرده قبل از سعی واقع شده باید این عمره را تمام کند و یک شتر کفاره بدهد و در ماه بعد نیز یک عمره مفرده دیگر انجام دهد. (اگرچه اصل آن مستحب بوده) و محل احرام عمره دوم در صورتی که در عمره اول از یکی از مواقیت معروفه محرم شده همان جاست و الا از ادنی الحل است. همان طور که در صورت عدم تمکن از رفتن به مواقیت می‌تواند از ادنی الحل محرم شود.

آیه الله مکارم: اگر وقت تنگ است عمره را اعاده نکند و حج تمتع را ادامه دهد.

آورد و بعد از آن عمره مفرده^۱ به جا آورد و احتیاط بیشتر آن است که سال دیگر حج را اعاده کند.

[۳۱۵] م - اگر در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود، کفاره بر او واجب می‌شود و کفاره^۲ بنا بر احتیاط واجب یک شتر است؛ چه ثروتمند باشد یا نباشد.

[۳۱۶] م - اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد به جا آورد، اگر قبل از وقوف به عرفات بوده حج او فاسد است مسلماً، و اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعرالحرام بوده، حج او فاسد است بنا بر اقوی^۳، و در هر دو صورت

۱. آیه الله زنجانی: و بعد از حج و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده... .

۲. آیه الله بهجت: کفاره‌اش یک شتر است.

آیه الله تبریزی: کفاره‌اش یک گوسفند است و بنا بر احتیاط یک شتر و یا یک گاو.

آیه الله خامنه‌ای: کفاره‌اش یک شتر است.

آیه الله خویی، آیه الله نوری: بنا بر احتیاط واجب یک شتر است برای کسی که بتواند شتر تهیه کند، و یک گاو است اگر متوسط باشد و نتواند شتر تهیه کند، و یک گوسفند است اگر مُعَسِّر باشد و نتواند گاو تهیه کند.

آیه الله زنجانی: در کفاره بین شتر و گاو و گوسفند، مخیر است؛ و اگر قبل از اتمام سعی، مرتکب شود در این صورت نیز عمره او فاسد نمی‌شود و کفاره آن یک شتر است.

آیه الله سبحانی: کفاره‌اش یک شتر است و فرقی بین فقیر و ثروتمند نیست و اگر از آن عاجز باشد ساقط می‌شود.

آیه الله سیستانی: کفاره‌اش بنا بر احتیاط یک شتر و یا یک گاو است.

آیه الله صافی: کفاره آن اگر متمکن است یک شتر و الاً یک گاو است.

آیه الله فاضل: کفاره‌اش یک شتر و یا یک گاو و یا یک گوسفند است به اختیار خودش اگرچه بهتر آن است که شتر را کفاره دهد.

آیه الله گلپایگانی: و کفاره او اگر ثروتمند باشد یک شتر، و اگر فقیر باشد یک گوسفند، و در متوسط الحال یک گاو است، و اظهار تخییر بین سه چیز است مطلقاً.

۳. آیه الله بهجت، آیه الله گلپایگانی: در این صورت حج او فاسد است علی‌الأشهر.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر این عمل قبل از وقوف در مزدلفه صورت گرفته باشد، باید حج

در سال آینده اعاده شود. (و آیه الله سیستانی اضافه می‌فرماید: چه حج واجب باشد چه مستحب). ←

کفاره آن یک شتر است.^۱

[۳۱۷] م - در این دو صورت که حج فاسد شد باید حج را تمام کند و در سال دیگر نیز حج به جا آورد.^۲

→ **آیه الله زنجانی:** در هیچ یک از دو صورت، حج، فاسد نمی شود، لیکن سه امر واجب می گردد: الف) اگر قبل از درک رکن مشعر باشد سال آینده حجی که از نظر نوع مانند حج امسال باشد به جا آورد، هر چند حج اول او استحبایی باشد؛ ب) یک شتر قربانی کند؛ ج) از یکدیگر جدا شوند و در سال بعد نیز اگر از همان مسیر سال قبل به عرفات می روند پس از رسیدن به محل معصیت از یکدیگر جدا شوند. و زن در صورتی که محرم بوده و این عمل از روی علم و عمد و اختیار از او صادر شده باید شتر قربانی کند و سال بعد حج به جا آورد و اگر شوهرش او را مجبور کرده باید قربانی زن را نیز بپردازد و در این صورت حج سال بعد بر زن واجب نیست. و در هر حال برای وجوب جدایی کافی است که در این معصیت یکی از آنها علم و عمد و اختیار داشته باشد. کفاراتی که در باب جماع می آید مخصوص به جماع با همسر است.

آیه الله سبحانی: اگر این عمل تا قبل از وقوف مشعر واقع شود احکام چهارگانه مترتب است: الف) حج او صحیح است (ولی به شرحی که می آید هم عقوبت و هم کفاره دارد). ب) باید اعمال حج را پایان برساند و باید زن و مرد با هم خلوت نکنند تا اعمال حج را تمام کنند. ج) در سال آینده دوباره حج را به عنوان عقوبت انجام دهد و در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند پس از رسیدن به محل معصیت از هم جدا شوند تا اتمام مناسک. د) باید یک شتر کفاره بدهد و در صورت عجز یک گوسفند کفاره بدهد و از اینجا حکم مسئله بعد هم بیان شد.

آیه الله فاضل: ظاهراً حج او در هر دو صورت صحیح است ولی باید یک شتر و در صورت عجز یک گاو کفاره بدهد و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند و سال بعد باید حج تمتع به عنوان عقوبت انجام دهند. و همچنین در سال بعد در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محل معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک. و زن هم اگر در احرام بوده و به عمل راضی شده همین حکم را دارد و اگر مجبور شده کفاره اش به عهده شوهر است.

آیه الله نوری: و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند و همچنین در سال بعد، در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محل معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک.

۱. **آیه الله بهجت:** کفاره این عمل در صورت تمکن یک شتر و در صورت عجز یک گاو و در صورت عجز یک گوسفند می باشد.

آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: در صورت تمکن یک شتر و در صورت عجز یک گوسفند کفاره بدهد.

۲. **آیات عظام** در مناسک خود، اضافه بر کلام حضرت امام علیه السلام متعرض تفریق و جدایی بین زن و شوهر در حج امسال و سال آینده شده اند. ←

[۳۱۸] م - اگر این عمل بعد از وقوف به عرفات و مشعر واقع شد دو صورت دارد: یکی آنکه: قبل از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، در این صورت حج او صحیح است، و فقط باید کفاره بدهد.^۱

دوم آنکه: بعد از تجاوز از نصف طواف نساء^۲ مرتکب شده، پس حج او صحیح

→ **آیه الله زنجانی:** گذشت که حج فاسد نشده است هرچند در برخی صورتها باید سال بعد حج به جا آورد.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: گذشت که حج فاسد نشده است.

۱. **آیه الله بهجت:** اگر این عمل در دور سوم طواف نساء باشد و همچنین اگر در دور چهارم باشد، بنا بر احتیاط و اگر بعد از دور پنجم طواف نساء بوده کفاره نیز ندارد علی الأظهر الأشهر اگر چه احوط کفاره است.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: اگر این عمل پیش از طواف نساء و یا قبل از تمام شدن شوط پنجم باشد، حج او صحیح است ولی باید کفاره بدهد.

آیه الله خامنه‌ای: ما بین مشعر و اتمام طواف نساء اگر آمیزش جنسی شود حج صحیح است و فقط باید کفاره بدهد، ولی اگر پس از طواف نساء باشد کفاره هم ندارد. در باب حکم اثنای طواف نساء و اینکه آیا عبور از نصف در حکم تمام طواف است یا عبور از شوط پنجم، میان فقها بحث است که محل ابتلا نیست.

آیه الله سیستانی: اگر این عمل قبل از طواف نساء و یا قبل از اتمام شوط چهارم طواف نساء باشد، حجش صحیح و کفاره دارد و اگر بعد از آن باشد کفاره هم ندارد.

آیه الله فاضل: اگر قبل از تمام شدن شوط سوم باشد حج او صحیح و کفاره دارد.

آیه الله مکارم: اگر قبل از طواف نساء این عمل صورت گیرد، حجش صحیح ولی گناه کرده است و کفاره آن یک شتر است.

۲. **آیه الله بهجت، آیه الله مکارم:** حکم آن در صورت اول گذشت.

آیه الله تبریزی، خویی: بعد از شوط پنجم کفاره ندارد.

آیه الله زنجانی: اگر این عمل بعد از اتمام شوط چهارم طواف نساء باشد کفاره ندارد و اگر قبل از آن و بعد از مشعر باشد قربانی شتر و جدایی زن و مرد واجب می‌شود و تکرار حج واجب نمی‌شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بعد از تجاوز از ۵ شوط اگر مرتکب شود، حج او صحیح و کفاره نیز ندارد، اگر چه احوط است.

آیه الله فاضل: اگر این عمل بعد از تمام شدن شوط سوم باشد کفاره نیز ندارد.

آیه الله نوری: بعد از تمام شدن شوط پنجم طواف نساء.

است و کفاره هم ندارد بنا بر اقوی.^۱

[۳۱۹] م - اگر زنی را از روی شهوت ببوسد، کفاره آن یک شتر است^۲ و اگر بدون شهوت ببوسد کفاره آن یک گوسفند است^۳ و احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفاره بدهد.

۱. **آیه الله نوری:** علی الأظهر الاظهر، گرچه احوط کفاره است.

۲. **آیه الله بهجت:** اگر او را از روی شهوت ببوسد یک شتر کفاره بدهد اگر منی خارج شود و اگر خارج نشود نیز بنا بر احوط یک شتر کفاره دارد.

آیه الله تبریزی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود یک شتر کفاره بدهد و اگر منی خارج نشود یا از روی شهوت نباشد یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله خویی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی از او خارج شود یک شتر باید کفاره بدهد و اگر منی از او خارج نشود، بنا بر احتیاط یک شتر باید بدهد.

آیه الله زنجانی: اگر محرم، همسرش را با قصد لذت ببوسد کفاره آن یک شتر است مگر این عمل بعد از اتمام سعی عمره یا حج تمتع باشد که گوسفند کافی است و اگر بدون قصد لذت ببوسد کفاره ندارد مگر منی خارج شود که باید یک گوسفند قربانی کند و اگر غیر همسر را ببوسد - محرم باشد یا نامحرم - کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: خواه منی از او خارج بشود یا نشود.

آیه الله سیستانی: اگر مرد محرم همسرش را از روی شهوت ببوسد و منی خارج شود لازم است یک شتر کفاره بدهد، ولی اگر منی خارج نشود بعید نیست که یک گوسفند کفاره دادن کافی باشد و اگر مردی که محرم نیست همسر محرم خود را ببوسد، به احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود کفاره آن یک شتر است و اگر منی خارج نشود کفاره آن یک گوسفند است. و بوسیدن بدون شهوت کفاره ندارد، چون حرام نیست. و زن هم در این مسئله حکم مرد را دارد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۳. **آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی:** در این صورت بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله خامنه‌ای: کفاره بوسیدن همسر اگر با شهوت باشد، شتر است و اگر بدون شهوت باشد گوسفند و ظاهراً بوسیدن غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفاره هم ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله نوری: در این صورت بنا بر احتیاط واجب یک شتر باید کفاره بدهد.

آیه الله گلپایگانی: در این صورت خالی از قوت نیست که یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را ترک کند و اگر ببوسد یک گوسفند کفاره بدهد.

[۳۲۰] م - اگر عمداً نگاه کند به غیر زن خود^۱ و انزالش شود، احوط آن است که اگر می‌تواند یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر آن را هم نمی‌تواند یک گوسفند کفاره بدهد.^۲

[۳۲۱] م - اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود، مشهور آن است که یک شتر کفاره است،^۳ ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد.^۴

۱. **آیه الله بهجت:** به نحو حرام، و اما اگر انزال نشود پس جز اینکه گناه کرده چیزی بر او نیست بنا بر اظهر.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** چه با شهوت باشد و چه بدون شهوت اگر انزال شود کفاره‌اش یک شتر

است در صورت دارا بودن و یک گاو است اگر متوسط باشد و یک گوسفند است اگر فقیر باشد.

آیه الله زنجانی: اگر به غیر همسر خود نگاه کند - با شهوت یا بی‌شهوت - و انزالش شود، اگر به دست و پای او و مانند آن نگاه کرده، باید یک شتر یا گاو و اگر نمی‌تواند یک گوسفند قربانی کند، و اگر به ساق و عورت و مانند آن نگاه کرده، چنانچه ثروتمند است باید یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله سبحانی: اگر محرم با شهوت به غیر زن خود نگاه کند و انزال شود، واجب است که اگر متمول است یک شتر و اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر به آن هم توانایی ندارد یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: اگر محرم به غیر همسر خود نگاه حرام کند اگر منی خارج نشود کفاره ندارد و اگر خارج شود کفاره واجب است و احتیاط واجب آن است که اگر وضع مالی او خوب است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو کفاره بدهد و نسبت به فقیر یک گوسفند کافی است.

آیه الله فاضل: اقوی آن است که اگر متمول است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد.

۳. **آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، صافی، گلپایگانی:** باید یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب یک شتر بدهد. و اما اگر منی بیرون نیاید و یا بدون شهوت به او نگاه کرد و منی بیرون آمد، کفاره واجب نیست.

آیه الله فاضل: بنا بر اقوی یک شتر کفاره بدهد.

۴. **آیه الله بهجت:** ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند و منی بیرون بیاید کفاره ندارد.

آیه الله تبریزی: و یا از روی شهوت باشد و انزال نشود...

آیه الله سبحانی: ولی اگر به صورت عادی نگاه کند کفاره ندارد هرچند حالتی پیش آید که منی از او خارج شود.

[۳۲۲] م - اگر کسی با زن دست‌بازی کند به شهوت و انزالش نشود، یک گوسفند کفاره آن است^۱ و اگر انزالش شود احتیاط آن است که یک شتر کفاره بدهد،^۲ اگرچه کفایت گوسفند خالی از قوت نیست.

[۳۲۳] م - هر یک از این امور که موجب کفاره است، اگر با جهل به مسئله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود، به عمره و حج او ضرر نمی‌رساند و بر شخص کفاره نیست.^۳

[۳۲۴] م - اگر مردی با زن خود که مُحْرَم است، از روی اجبار جماع کند، بر زن چیزی نیست و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد،^۴ و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود اوست و مرد باید کفاره خودش را بدهد و کفاره‌ای

۱. **آیه الله بهجت:** اگر با شهوت همسر خود را لمس نماید یک گوسفند باید بدهد و اگر با او ملاعبه کند و انزال شود لازم است یک شتر کفاره بدهد و احوط قضای حج است در موردی که این ملاعبه با انزال و امثال آن به نحو حرام بر غیر محرم صورت بگیرد؛ مثل اینکه با اجنبیه باشد و در ملاعبه بدون انزال یک گوسفند است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر محرم زن خود را با شهوت لمس کند باید یک گوسفند کفاره دهد و اگر با همسر خود ملاعبه کند و انزال شود لازم است یک شتر کفاره دهد.

آیه الله سبحانی: کفاره آن یک گوسفند است خواه منی از او خارج شود یا نشود و اگر بدون شهوت دست بزند کفاره ندارد هرچند حالتی پیش آید که منی از او خارج شود.

آیه الله سیستانی: اگر زن خود را با شهوت لمس نماید یا بلند کند یا در آغوش بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد. چه انزال شود و چه نشود و اگر بدون شهوت باشد کفاره ندارد و اگر با زن خود ملاعبه نماید و انزال شود باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: اگر محرم زن خود را با شهوت لمس کند و یا با او بازی کند، اگر انزال نشود یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر انزال شود بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره دارد.

۲. **آیه الله خامنه‌ای:** کفاره ملاعبه منتهی به اِمْئَاء در حال احرام، یک شتر است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورت انزال واجب است یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره دارد.

۳. به مسئله ۱۱۸۷ مراجعه شود.

۴. **آیه الله سیستانی:** اگر مرد زنش را مجبور به جماع کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره او را نیز بدهد.

که باید بدهند گذشت.

سوم - عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و مُجَلَّ باشد.

[۳۲۵] م - جایز نیست^۱ شخص محرم شاهد شود برای عقد، گرچه آن عقد برای غیر محرم باشد.

[۳۲۶] م - احتیاط آن^۲ است که شهادت ندهد بر عقد، اگرچه شاهد عقد شده باشد، در حال محرم نبودن، اگرچه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.

[۳۲۷] م - اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط^۳ در ترک است.

[۳۲۸] م - رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد.

[۳۲۹] م - اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند، با علم به مسئله، آن زن بر او حرام دائمی می‌شود.^۴

[۳۳۰] م - اگر زنی را با جهل به مسئله برای خود عقد کند، عقدی که کرده است باطل است، لیکن حرام دائمی نمی‌شود،^۵ ولی احتیاط آن است که آن زن را نگیرد؛ خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: شاهد شدن بر عقد، بنا بر قول مشهور، بر محرم حرام است و این قول موافق احتیاط است.

آیة الله مکارم، آیة الله نوری: احتیاط واجب.

۲. آیة الله بهجت، آیة الله مکارم: احتیاط واجب این است که محرم.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: شهادت بر عقد جایز نیست، اگرچه پیش از احرام شاهد شده باشد.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: بنا بر احتیاط واجب محرم نباید خواستگاری نماید.

آیة الله سبحانی: خواستگاری در حال احرام مکروه است.

۴. آیة الله سبحانی: چه آن زن محرم باشد یا نباشد و خواه عالم به مسئله باشد یا نباشد.

۵. آیة الله بهجت: اگر جاهل بود حرام ابدی نمی‌شود، اگرچه دخول بنماید، بنا بر اظهر و اشهر.

آیة الله سبحانی: و بعداً می‌تواند او را برای خود عقد کند.

آیة الله نوری: در صورت عدم دخول، و در صورت دخول حرام دائمی می‌شود.

[۳۳۱] م - ظاهراً فرقی بین زن عقدی و صیغه‌ای نیست در احکامی که ذکر شد.

[۳۳۲] م - احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و او را عقد کند، با او نزدیکی نکند و او را طلاق دهد، و در صورت علم به مسئله، او را طلاق دهد و با او هیچ وقت ازدواج نکند.^۱

[۳۳۳] م - اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و محرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم^۲ باشند بر هر یک آنها یک شتر کفاره است و اگر دخول نکند کفاره نیست و در این حکم فرق نیست بین آنکه زن و عاقد مُجَلِّب باشند یا مُحْرَم و اگر بعضی از آنها حکم^۳ را می‌دانند و بعضی نمی‌دانند؛ بر آنکه می‌داند کفاره است.

[۳۳۴] م - چهارم - استمناء؛ یعنی طلب بیرون آمدن منی، به دست یا غیر آن، هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر، به هر نحو باشد. پس اگر منی

۱. آیه الله بهجت: احوط اتحاد حکم مرد و زن است بلکه خالی از وجه نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در صورتی که زن محرم باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود درآورد، این عقد باطل است و چنانچه زن عالم به حکم بوده است موجب حرمت ابدی هم می‌شود. (آیه الله سیستانی: حکم اخیر مبنی بر احتیاط است).

آیه الله زنجانی: در احکامی که در مسائل پیشین گفته شد بین مرد و زن محرم فرقی نیست.

آیه الله سبحانی: اگر یکی از آنان از حکم مسئله آگاه باشد و بداند که عقد در حال احرام حرام است چنین عقدی باطل و آن زن برای آن مرد حرام ابدی می‌شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر زوجه محرم، عالم به حرمت عقد باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند، احتیاط واجب آن است که دیگر با او ازدواج نکند، بلکه عدم جواز خالی از قوت نیست.

آیه الله فاضل: اگر زنی احرام بسته باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود درآورد، این عقد باطل است و چنانچه زن عالم به حکم بوده، عقد باطل است و برای همیشه بر یکدیگر حرام می‌شوند.

۲. آیه الله بهجت: و نیز عالم به موضوع در موردی که محلّی برای جهل آن هست.

آیات عظام زنجانی، سیستانی، فاضل: عالم به حکم و موضوع (یعنی اینکه بدانند مرد مُحْرَم است) باشند.

آیه الله سبحانی: البته در مورد زنی که محرم نیست علاوه بر آگاهی از حکم شرعی به موضوع یعنی محرم بودن زوج نیز آگاهی داشته باشد و اگر برخی از حکم شرعی آگاه بوده و برخی نبودند کفاره تنها بر کسانی

واجب است که حکم شرعی را می‌دانسته‌اند.

۳. آیه الله زنجانی: و موضوع.

خارج شود کفاره آن یک شتر است^۱ و احتیاط واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است، استمنا نیز موجب بطلان باشد^۲ به نحوی که در جماع گفته شد.

پنجم - استعمال عطریات؛ از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر، هر قسم که باشد.^۳

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** و اگر نتواند شتر بدهد، قربانی کردن یک گوسفند کافی است. البته وجوب کفاره در صورت علم به حکم و عمد می‌باشد و علاوه بر آن اگر استمنا با کاری است که او با خود انجام می‌دهد و پیش از مزدلفه است، لازم است حج را تمام کند و در سال بعد آن را دوباره به جا آورد و اگر استمنا به وسیله همسرش انجام شده، احتیاط واجب آن است که باز هم این‌گونه عمل کند.

آیه الله زنجانی: اگر محرم با آلت خود بازی کند و منی از او خارج شود کفاره آن یک شتر و انجام حج در سال آینده است - هرچند قصد او خروج منی نباشد - و اگر با همسر خود به قصد خروج منی، ملاعبه نماید و منی از او خارج شود باید یک شتر قربانی کند. و استمنا در غیر این دو صورت کفاره ندارد.

۲. **آیه الله بهجت:** و بدان که انزال منی با استمنا، بعضی او را مفسد حج دانسته‌اند، مثل جماع کردن و این قول احوط است در استمنا به مثل عبث با آلت خود و مانند آن از محرم بر غیر محرم، پس ترک نشود احتیاط به قضای حج.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر محرم با آلت خود بازی کند و منی از آن بیرون بیاید حکم کسی است که با زن خود نزدیکی کرده و مسئله آن گذشت. و اگر بدون بازی با آلت استمنا نمود، کفاره بر او واجب می‌شود و بنا بر اظهار حج و عمره‌اش فاسد نخواهد شد. هرچند رعایت احتیاط در اعاده آنها بهتر است.

آیه الله سیستانی: استمنا با عضو تناسلی؛ چه با دست و غیر آن، مطلقاً حرام است و حکم آن در حج حکم جماع است که گذشت و همچنین در عمره مفرده به احتیاط واجب. و استمنا به وسیله بوسیدن زن و یا دست زدن و یا ملاعبه و نگاه، حکمش در مسائل قبل گذشت. و استمنا به وسیله شنیدن صحبت زن و یا اوصاف و مشخصات او و یا به وسیله تصوّرات او در خیال و مانند آن، بر محرم حرام است ولی موجب کفاره نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که با آلت خود بازی کند و منی بیرون بیاید کفاره آن یک شتر است و اگر این عمل قبل از موقوفین باشد سال دیگر باید اعاده حج نماید.

آیه الله فاضل: ظاهراً استمنا موجب بطلان نمی‌شود و حکم آن مثل جماع است که گذشت. و ظاهراً زن نیز همین حکم را دارد.

۳. **آیه الله بهجت:** حرمت در غیر طیب مسلم الحرمه؛ مانند مشک و زعفران و عنبر و کافور و ورس، معلوم نیست، بلکه جواز آن شماً و استعمالاً خالی از وجه نیست، اگرچه احتیاط در اجتناب عامه بوی خوش است.

آیه الله تبریزی: این حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و مشک و ورس، مبنی بر احتیاط مستحب است.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط، استعمال صابون و شامپوی معطر [در حال احرام] جایز نیست. ←

[۳۳۵] م - مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همین طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد، اگرچه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد.^۱

[۳۳۶] م - خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد؛ مثل زعفران، جایز نیست.^۲

[۳۳۷] م - اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد اضطرار پیدا کند، باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.^۳

[۳۳۸] م - از گل‌ها یا سبزی‌هایی که بوی خوش می‌دهد باید اجتناب کند،^۴ مگر

→ آیه الله خوئی: احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از اینهاست.

آیه الله زنجانی: بوییدن مطلق اشیاء خوشبو، خواه از عطریات باشد یا گل‌ها و سبزیجات خوشبو، بلکه بوییدن میوه‌جات خوشبو بر محرم حرام است؛ لکن حرمت انواع دیگر استعمال عطریات مانند مالیدن آنها به بدن و لباسی که پوشیده مخصوص زعفران و مشک و عود و عنبر و ورس و عطرهایی است که در این سطح یا قوی‌تر از آنهاست و لذا هرگونه استفاده از عطرهایی که امروزه متداول است بر محرم حرام است.

آیه الله سبحانی: استعمال عطریات چه به عنوان بوییدن و یا مالیدن به لباس و بدن و یا خوردن باشد و استعمال صابون‌ها و شامپوهای معطر نیز برای محرم جایز نیست.

آیه الله سیستانی: بر محرم حرام است استعمال هر ماده‌ای که برای خوشبو کردن بدن یا لباس یا خوراک یا غیر آنها مورد استفاده واقع می‌شود چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن یا رنگ کردن یا بخور دادن و احتیاط واجب آن است که از شامپو و صابون و سیگاری که بوی خوش دارد نیز اجتناب کند.

آیه الله نوری: اگر صابون و شامپو دارای بوی خوش باشد، باید مُحَرَّم از آن اجتناب کند.

۱. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله مکارم: یا پراکندن در فضا به وسیله اسپری و مانند آن.

۲. آیه الله خامنه‌ای: خوردن غذایی که در آن زعفران وجود دارد، برای محرم جایز نیست.

آیه الله زنجانی: خوردن چیزهای خوشبویی که در سطح زعفران یا قوی‌تر از آن است جایز نیست؛ بنابراین خوردن گل‌ها و سبزیجات و میوه‌جات خوشبو بر محرم جایز است، ولی باید مواظبت کند - ولو با گرفتن بینی - که بوی خوش آنها به مشامش نرسد.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: بنا بر احتیاط لازم.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج باشد.

۴. آیه الله بهجت، آیه الله خوئی: به ذیل قبل از مسئله ۳۳۵ [پنجم: استعمال عطریات] مراجعه شود. ←

بعضی انواع که صحرائی است؛ مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزومی» که می‌گویند از خوشبوترین گل‌هاست.

[۳۳۹] م - احتیاط آن است که از «دارچین» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند، اگرچه اقوی حرام نبودن آنهاست.^۱

[۳۴۰] م - از میوه‌های خوشبو؛ از قبیل سیب و به، اجتناب لازم نیست و خوردن آنها و بویدن آنها مانع ندارد، لیکن احتیاط^۲ آن است که بویدن را ترک کند.

→ **آیه الله تبریزی:** چنان که گذشت حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و ورس و مشک، مبنی بر احتیاط مستحب است.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب، باید محرم از بویدن هر چیز معطر اجتناب کند، هر چند به آن عطر اطلاق نشود، مانند گل‌ها و سزیجات و میوه‌های خوشبو.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۳۳۶ و ذیل قبل از مسئله ۳۳۵ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: باید از گل‌هایی که برای عطرگیری کاشته می‌شوند مانند گل محمدی، یاسمن، نیلوفر پرهیز کرد ولی در غیر این نوع گل‌ها اجتناب لازم نیست و از بویدن نعنای کلیه سبزی‌های خوشبو خودداری شود، ولی استفاده از آنها برای خوراک اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: این حکم مخصوص گیاهانی است که برای بویدن مورد استفاده واقع می‌شود، چه از آن عطر گرفته شود و چه نشود.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بنا بر احتیاط واجب از تمام گل‌ها اجتناب کند.

۱. نظر آیات عظام در مسئله قبل گذشت.

آیه الله سبحانی: از بویدن و خوردن چیزهای خوشبویی مثل زنجبیل و دارچین خودداری شود.

آیه الله سیستانی: حرمت شامل آنها نیز می‌شود.

۲. **آیه الله تبریزی:** اولی این است که از بویدن آنها هنگام خوردن خودداری شود.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب از بویدن آنها خودداری کند.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط از بویدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود.

آیه الله زنجانی: باید مواظبت کند که بوی خوش آنها به مشامش نرسد.

آیه الله سبحانی: بهتر است از بویدن آنها خودداری شود.

آیه الله صافی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله گلپایگانی: نهایت احتیاط در آن ...

[۳۴۱] م - اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد،^۱ لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

[۳۴۲] م - خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لیکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.^۲

[۳۴۳] م - کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است بنا بر احتیاط واجب.^۳

[۳۴۴] م - مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوشبو می‌کنند حرام نیست، لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست^۴ احتیاط^۵ آن

۱. آیه الله بهجت: بنا بر احوط بلکه اقوی.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله سبحانی: کسانی که حس بویایی ندارند و یا به علت زکام و یا سرماخوردگی بویی را احساس نمی‌کنند نمی‌توانند به بدن و لباس خود عطر بزنند و یا غذای معطر میل کنند و چنین کسانی بنا بر احتیاط، بینی خود را از بوی بد نگیرند.

آیه الله فاضل: و اگر گرفت معصیت کرده ولی کفاره ندارد.

۲. آیه الله زنجانی: همچنین رفتن محرم در اماکن خوشبو مانند مغازه‌های عطر فروشی جایز نیست.

آیه الله سبحانی: حتی برای آزمایش.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کفاره‌اش بنا بر مشهور یک گوسفند است، ولی ثبوت کفاره در غیر خوردن، محل اشکال است هر چند احوط کفاره دادن است.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که برای استفاده عمدی از عطریات و بوی خوش، چه آنهایی که در خوراک از آن استفاده می‌شود مانند زعفران و چه غیر آنها، یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: کفاره خوردن زعفران و مانند آن، یک گوسفند است و سایر انواع استفاده از عطریات، کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: کفاره بوی خوش در صورت استفاده خوردنی یک گوسفند است و در استعمالات دیگر مانند مالیدن به لباس و بدن و بوییدن بنا بر احتیاط باید گوسفند کفاره داده شود.

آیه الله سیستانی: هرگاه محرم عمداً مقداری از چیزهای خوشبو را بخورد و یا چیزی را بپوشد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد، ولی در غیر این دو مورد، در استفاده از بوی خوش، کفاره واجب نیست، هر چند احوط کفاره دادن است.

۴. آیه الله فاضل: ماده خوشبوی مخصوصی است که برای نظافت کعبه استعمال می‌شود.

۵. آیه الله بهجت: این احتیاط در صورتی است که معلوم باشد دخول آنچه جایز نیست بوییدن آن (ولو به حسب احتیاط ممنوع باشد) در آن، و معلوم نباشد نامیده شدن آن به خلوق کعبه که خوشبوکننده کعبه است با خصوصیتی در ساخت آن) والا اقوی عدم حرمت است. ←

است که اجتناب کند از بوی خوشی که در کعبه است.

[۳۴۵] م - اگر بوی خوش را مکرر استعمال کرد در وقت واحد، بعید نیست یک گوسفند کفایت کند،^۱ لیکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط ترک نشود^۲، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز کفاره بدهد.

→ آیات عظام تبریزی، خوبی، زنجانی، فاضل: این احتیاط لازم نیست.

آیه الله سبحانی: این احتیاط لازم نیست و رسیدن بوی خوش پرده کعبه اشکال ندارد و اجتناب از آن لازم نیست و همچنین اگر بدن و یا لباس محرمی در طواف و یا صف جماعت و یا غیر آن بر اثر تماس با دیگران بوی خوش گرفت، اشکال ندارد ولی اختیاراً نباید آن را ببوید و اگر در حال احرام کسی به او عطر و یا گلاب پاشید، چون خارج از اختیار است، مانع ندارد ولی نباید اختیاراً آن را ببوید.

آیه الله سیستانی: خلوق کعبه عطری است که از زعفران و غیر آن گرفته می‌شده است، ولی بعید نیست که اجتناب از بوی خوش کعبه لازم نباشد و بتوان آن را استشمام کرد.

۱. **آیه الله بهجت:** با تخلل تکفیر کفاره دارد و بدون آن احتیاط است.

آیه الله تبریزی: چنانچه گذشت کفاره در غیر خوردن مبنی بر احتیاط وجوبی است و در صورت تکرار احتیاط در تعدد کفاره است.

آیه الله خامنه‌ای: تکرار استعمال طیب در یک زمان تا حدی که عرفاً آن را یک بار استعمال کردن بدانند، کفاره را متعدد نمی‌کند و در غیر آن علی الظاهر باید کفاره را به تعداد استعمال تکرار کند و عدم تخلل کفاره تأثیری ندارد.

آیه الله خوبی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله سبحانی: کفاره استعمال بوی خوش در صورتی که خوردنی باشد یک گوسفند است و در استعمالات دیگر مانند مالیدن به لباس و بدن و بوییدن آنها احتیاطاً یک گوسفند است؛ اگر در یک وقت چند بار بوی خوش استفاده کرد یک کفاره واجب است و اگر در اوقات مختلف این کار را انجام داد کفاره مکرر می‌شود و اگر غذای خوشبویی را خورد و فوراً کفاره را داد و سپس دوباره از آن استفاده کرد کفاره تکرار می‌شود و این حکم در بوییدن تنها بنا بر احتیاط است.

آیه الله گلپایگانی: در صورت تکرار کفاره هم تکرار شود.

۲. **آیه الله زنجانی:** اگر در یک احرام باشد یک کفاره کافی است، مگر در خوردن غذای معطر که چنانچه بعد از

کفاره دادن، دوباره غذای معطر بخورد باید دوباره کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: کفاره با تعدد لبس یا خوردن طیب مکرر می‌شود چه در بین آن کفاره داده باشد یا نداده باشد.

آیه الله فاضل: بنا بر اقوی کفاره را باید متعدد بدهد.

ششم - پوشیدن چیز دوخته^۱؛ مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.

[۳۴۶] م - چیزهایی که شبیه به دوخته است؛ مثل پیراهن‌هایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می‌مالند؛ مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن، جایز نیست پوشیدن آنها.^۲

۱. **آیه الله خویی:** پوشیدن پیراهن و قبا و شلوار و زیرشلواری و جامه دکمه‌دار با بستن دکمه آن و درع (زره) و هر جامه‌ای که آستین‌دار باشد که دست در آن برود بر محرم حرام است.

آیه الله زنجانی: دوخته بودن لباس، از محرمات احرام نیست؛ ولی پوشیدن لباس‌های معمولی؛ مانند پیراهن و قبا و شلوار و زیرپوش و هر لباسی مانند آنها که عرض بدن را می‌پوشاند، بر مرد محرم جایز نیست، و در این امر فرقی بین لباس دوخته و بافته و غیر آن نیست، و پوشیدن حوله و لنگ و پتو و مانند آن مانعی ندارد - هرچند دوخته باشد -؛ همچنان که می‌تواند پتوی دوخته روی خود بیندازد یا داخل کیسه خواب بخوابد هرچند خلاف احتیاط مستحب است.

آیه الله سبحانی: پوشیدن لباس‌های دوختنی مانند پیراهن و شلوار و قبا و امثال آن برای مردان و دست‌کش برای زنان در حال احرام جایز نیست و بنا بر احتیاط از چیزهای بافتنی یا آنچه که به شکل پیراهن یا شلوار درآید پرهیز کند.

آیه الله سیستانی: برای محرم جایز نیست که جامه دکمه‌دار یا آنچه فایده دکمه را داشته باشد بپوشد در صورتی که دکمه آن را ببندد و همچنین جایز نیست جامه‌ای بپوشد که یقه و آستین داشته باشد و سر را از یقه و دست‌ها را از آستین بیرون بیاورد و همچنین جایز نیست شلوار و زیرشلواری و آنچه را که در ستر عورتین مانند آنها باشد مگر اینکه ازار (لنگ) نداشته باشد که در این صورت پوشیدن آن جایز است و بنا بر احتیاط واجب باید از پوشیدن لباس‌های متعارف؛ مانند پیراهن و قبا و لباده و کت و پیراهن عربی، پرهیزد، هرچند دکمه آنها را نبندد یا دست از آستین و سر از یقه بیرون نیاورد.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** احوط اجتناب از هر جامه دوخته بلکه شبیه دوخته است؛ مانند نمدی که چوپانان آن را می‌پوشند.

آیه الله خامنه‌ای: و همچنین لباس‌های دکمه‌دار، که با بستن دکمه‌های آن به صورت پیراهن و مانند آن درمی‌آید گرچه مخیط نباشد، پوشیدن آن برای مردان حرام است.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط از چیزهای بافتنی یا آنچه که به شکل پیراهن یا شلوار درآید نیز پرهیز کنند ولی همراه داشتن همیان و کیف پول و ساک دوخته و قمقمه آب و کیسه‌هایی که برای حفاظت از دمپایی و وسایل زائر است و امثال اینها مانند گهواره‌های کوچکی که برای بچه‌ها روی دست می‌گیرند، اشکال ندارد. ←

[۳۴۷] م - احوط اجتناب از مطلق دوخته است، هرچند کم باشد؛ مثل کمربند دوخته و شب کلاه.^۱

→ **آیه الله سیستانی:** فرقی نیست در آنچه در ذیل مسئله قبل گفته شد که لباس دوخته باشد یا بافتنی یا نمد مالی یا غیر آن.

آیه الله مکارم: همچنین لباس‌هایی که قطعات آن را به هم می‌چسبانند.

۱. **آیه الله تبریزی:** پوشیدن شب‌کلاه جایز نیست و کمربند مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: کمربند و همیان که در آن پول می‌گذارند و به کمر می‌بندند و بند ساعت و امثال اینها که لباس محسوب نمی‌شود اگرچه دوخته باشد اشکال ندارد. همچنین نشستن و خوابیدن بر روی فرش دوخته یا لباس‌های ممنوع یا به عنوان روانداز از آنها استفاده کردن مانعی ندارد. همین‌طور انداختن پتو و امثال آن بر روی دوش هرچند حاشیه آن دوخته باشد اشکال ندارد. و نیز دوختن حاشیه پارچه احرام بلامانع است.

آیه الله خویی: احوط اجتناب از مطلق جامه دوخته و شبیه دوخته است ولی انداختن پتوی حاشیه‌دار که طرفین آن را با نخ دوخته‌اند مانع ندارد.

آیه الله زنجانی: به سر گذاشتن کلاه و هرچه سر را می‌پوشاند و بستن کمربند و همیان و مانند آن جایز نیست مگر در صورت لزوم، و محرمی که برای حفظ پول یا نگاه داشتن لنگ احرامش باید از همیان یا کمربند استفاده کند می‌تواند کمربند یا همیان ببندد، هرچند دوخته باشد و کفاره هم ندارد.

آیه الله سبحانی: پوشیدن شب‌کلاه جایز نیست اما کمربند در صورتی که پهن نباشد و پوشش حساب نشود اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: معلوم شد که معیار لباس، دوخته نیست، بلکه انواع خاصی از لباس حرام است و به احتیاط واجب لباس‌های متعارف هم حرام است و اما کمربند و بند ساعت و دمپایی و امثال آن اگر دوخته باشد اشکال ندارد، گرچه کمربند مکروه است و همچنین اشکال ندارد اگر حاشیه لباس احرام دوخته باشد یا بر آن مارکی باشد که دوخته باشند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: استفاده از این اشیاء برای محرم جایز است، هرچند دوخته باشد؛ (الف) همیان و کمربند که برای حفظ پول به کمر می‌بندند. (ب) فتق بند. (ج) کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

آیه الله فاضل: ظاهراً حرمت و ثبوت کفاره مخصوص به پوشیدن لباس دوخته؛ مانند پیراهن، قبا، شلوار و سایر لباس‌های متعارف است. اما پوشیدن و استفاده از دمپایی و کفش دوخته که تمام روی پا را نپوشاند و کمربند و همیان و فتق بند و بند ساعت و سایر اشیای کوچک دوخته دیگر که به آن لباس گفته نمی‌شود و همچنین حمل قمقمه دوخته اشکال ندارد و کفاره هم ندارد. و از این، حکم مسئله بعد نیز روشن می‌شود.

آیه الله مکارم: بستن کمربند هرچند دوخته باشد، مانعی ندارد.

- [۳۴۸] م - همیانی را که در آن پول می گذارند، اشکال ندارد به کمر ببندد^۱، هر چند دوخته باشد و بهتر آن است که قسمی کند که بی گره باشد.
- [۳۴۹] م - فتق بند، اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است ببندد، لیکن احتیاط آن است که کفاره بدهد.^۲
- [۳۵۰] م - اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد.^۳
- [۳۵۱] م - جایز است گره زدن لباس احرام را، ولی احتیاط در گره نزدن است و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند.^۴
- [۳۵۲] م - جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر، بعضی را به بعضی وصل کند، گرچه احتیاط در ترک است.^۵
- [۳۵۳] م - از برای زن‌ها جایز است لباس دوخته، هر قدر می خواهند بپوشند و کفاره ندارد، بلی جایز نیست از برای آنها پوشیدن «قفازین» و آن چیزی بوده که زن‌های عرب در آن پنبه می گذاشتند و دست می کردند برای حفظ از سرما.^۶

۱. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

۲. آیه الله تبریزی: کفاره هم ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۳۴۷ مراجعه شود.

آیات عظام زنجانی، سیستانی، مکارم: ضرورت لازم نیست و کفاره هم ندارد.

آیه الله سبحانی: در صورت دوخته بودن کفاره دارد.

آیه الله صافی، آیه الله فاضل: اولی این است که کفاره بدهد.

۳. آیه الله بهجت: الآ در صورتی که إزار نداشته و شلوار بپوشد که در وجوب فدیة تأمل است.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

آیه الله زنجانی: اگر لنگ ندارد جایز است شلوار بپوشد و کفاره هم ندارد؛ و در غیر این مورد، پوشیدن

لباس‌هایی که در ذیل مسئله ۳۵۴ گفته شده، کفاره دارد، هر چند مضطر باشد.

۴. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۸۷ گذشت.

۵. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۸۷ گذشت.

۶. آیات عظام تبریزی، زنجانی، سیستانی، مکارم: منظور از قفازین هر نوع دستکش است. ←

- [۳۵۴] م - كفاره پوشیدن لباس دوخته، يك گوسفند است.^۱
- [۳۵۵] م - اگر مُحرم چند قسم لباس دوخته بپوشد؛ مثل پیراهن و قبا و عبا، برای هر يك باید كفاره بدهد^۲ و احتیاط واجب آن است كه اگر آنها را توی هم كرد و يك دفعه پوشید باز برای هر يك كفاره بدهد.^۳
- [۳۵۶] م - اگر از روی اضطرار لباس‌های متعدد پوشید كفاره ساقط نمی‌شود.^۴

→ **آیه الله خامنه‌ای:** پوشیدن دستکش برای زنان جایز نیست.

- آیه الله سبحانی:** هر نوع دستکش خواه برای حفظ از سرما یا آفتاب یا حجاب و یا زینت و یا مقاصد دیگری مثل رعایت بهداشت در کار در حال احرام باشد برای زنان جایز نیست ولی اگر پوشید كفاره ندارد.
- آیه الله صافی، آیه الله فاضل:** بلکه بنا بر احتیاط واجب پوشیدن هرگونه دستکش بر زن‌ها جایز نیست.
۱. **آیه الله زنجانی:** اگر مرد محرم پیراهن یا شلوار یا قبا و زیرپوش و مانند آنکه عرض بدن را می‌پوشاند بپوشد یا جوراب به پا کند یا عمامه و كلاه و دستار بر سر بگذارد باید يك گوسفند قربانی کند؛ هرچند دوخته نباشد. و زن محرم اگر دستکش دست کند یا نقاب و پوشیه و مانند آن بپوشد باید يك گوسفند قربانی کند و پوشاندن سر و صورت با چیزهای غیر پوششی مانند بار و حنا كفاره ندارد.
۲. **آیه الله خویی:** متعرض این مسئله نشده‌اند.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** ظاهر آن است كه اگر برای پوشیدن جنس دوخته يك كفاره بدهد كافی است.
۳. **آیه الله بهجت:** ظاهر تعدد كفاره است به تعدد صنف‌ها مطلقاً، چه علی الترتیب بپوشد و چه در يك دفعه بپوشد.
- آیه الله زنجانی:** اگر محرم چند عدد از لباس‌هایی كه در ذیل مسئله قبل گفته شد را پوشید چنانچه همه از يك نوع باشند - مانند دو پیراهن یا دو پوشیه - تنها يك كفاره واجب می‌شود و اگر از چند نوع باشد - مانند يك پیراهن و يك شلوار - باید چند كفاره بدهد؛ به خصوص اگر اختلاف نوع آنها از قبیل پیراهن و كلاه یا پوشیه و دستکش باشد.
- آیه الله سیستانی:** در این صورت اگر نوع این لباس‌ها مختلف باشد، به تعداد هر لباس باید كفاره بدهد و اگر نوع لباس‌ها یکی باشد، بنا بر احتیاط به تعداد هر لباس باید كفاره بدهد.
۴. **آیه الله تبریزی:** بنا بر احتیاط در صورت اضطرار به پوشیدن لباس هم كفاره دارد.
- آیه الله خامنه‌ای:** بنا بر احتیاط واجب در صورت اضطرار به پوشیدن لباس هم باید كفاره بدهد.
- آیه الله خویی، آیه الله سیستانی:** بنا بر احتیاط.
- آیه الله سبحانی:** و بنا بر احتیاط در صورت ضرورت قبا و پالتو و كت را مقلوب کند (پشت و رو) و بر دوش خود انداخته و دست در آستین آن نکند.
- آیه الله مکارم:** مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

[۳۵۷] م - اگر یک قسم لباس بپوشد، مثل پیراهن، و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.^۱

[۳۵۸] م - احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن، چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده، برای هر یک کفاره بدهد.^۲

[۳۵۹] م - هفتم - سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد، هرچند قصد زینت نکند.^۳ و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد^۴، بلکه

۱. آیه الله خوئی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

۲. آیه الله بهجت: اگر یک دفعه پوشیدن صدق کند.

آیه الله تبریزی: در صورتی که چند لباس بپوشد ولو از یک نوع باشد، باید به تعداد آنها کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: احتیاط مستحب آن است که...

آیه الله خوئی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله سبحانی: اگر مرد محرم چند لباس دوخته را در یک مجلس و یک زمان با هم بپوشد یک کفاره دارد ولی اگر چند لباس دوخته را در دو مجلس یا بیشتر بپوشد کفاره آن متعدد خواهد بود.

آیه الله فاضل: چنانچه چند لباس از یک نوع را یک دفعه (یعنی پشت سر هم و بدون فاصله) بپوشد، فقط یک کفاره واجب می‌شود.

آیه الله گلپایگانی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره، یک کفاره و در احرام حج نیز یک کفاره کافی است.

آیه الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

۳. آیه الله بهجت: اگر سرمه سیاه بکشد و قصد زینت نداشته باشد بلکه برای علاج مرض باشد اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: سرمه سیاه به قصد زینت کردن حرام است قطعاً. و بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره بدهد و از سرمه سیاه بدون قصد زینت و غیر سیاه با قصد زینت بنا بر احتیاط واجب اجتناب کند. آیه الله خوئی: و بنا بر احتیاط مستحب، کفاره هم دارد ولی سرمه غیر سیاه بدون قصد زینت مانع ندارد و کفاره نیز ندارد.

آیه الله زنجانی: کشیدن سرمه سیاه و سرمه معطر و هر سرمه‌ای که زینت محسوب شود بر محرم حرام است، هرچند قصد زینت نداشته باشد؛ لکن در صورت لزوم مواردی که معالجه، متوقف بر سرمه کشیدن باشد جایز است.

آیه الله سیستانی: سرمه سیاه و هر سرمه‌ای که زینت حساب شود، اگر به قصد زینت باشد حرام و اگر به قصد زینت نباشد احتیاط واجب در ترک است و اما سرمه‌ای که نه سیاه باشد و نه زینت شمرده شود، اگر به قصد زینت نباشد جایز و اگر به قصد زینت باشد احتیاط واجب در ترک است، بلی در هر صورت برای معالجه در حال اضطرار اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت زینت و عدم زینت است.

۴. آیه الله بهجت: احوط اجتناب از مطلق سرمه است، اگر به قصد زینت باشد یا بوی خوش در آن باشد. ←

اگر بوی خوش^۱ داشته باشد بنا بر اقوی حرام است.

[۳۶۰] م - حرام بودن سرمه کشیدن، به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

[۳۶۱] م - در سرمه کشیدن کفاره نیست^۲ لیکن اگر در سرمه بوی خوش باشد^۳

احتیاط کفاره دادن است.

[۳۶۲] م - در صورتی که احتیاج داشته باشد^۴ به سرمه کشیدن مانعی ندارد.

هشتم - نگاه کردن در آینه.^۵

→ **آیه الله خامنه‌ای:** سرمه کشیدن اگر زینت محسوب شود، بر محرم جایز نیست، همچنین خط کشیدن به دور

چشم‌ها که زنان انجام می‌دهند، جایز نمی‌باشد و در این مورد تفاوتی میان رنگ سیاه و دیگر رنگ‌ها وجود ندارد.

آیه الله سبحانی: احتیاط واجب آن است که از مطلق سرمه که در آن جنبه زیبایی هست، اجتناب کند و

اگر سرمه ماده خوشبویی داشته باشد، هرچند برای زیبایی نباشد حرام است.

۱. نظر آیات عظام در قسم پنجم از محرّمات احرام گذشت.

۲. **آیه الله تبریزی:** اگر سرمه سیاه را به قصد زینت بکشد بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد و در سرمه سیاه

که به قصد زینت نباشد یا سرمه‌ای که به قصد زینت می‌کشد ولی سیاه نیست احتیاط استحبابی در کفاره

دادن است.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط باید گوسفند کفاره دهد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.

۳. نظر آیات عظام در قسم پنجم از محرّمات احرام گذشت.

آیه الله سبحانی: کفاره دارد.

آیه الله فاضل: اگر بوی خوش آن در لحظه سرمه کشیدن قابل استشمام باشد، اقوی کفاره دادن است، ولی

چنانچه بوی خوش از آن استشمام نشود، احتیاط مستحب در کفاره دادن است.

آیه الله مکارم: یک گوسفند اگر عمدأ باشد.

۴. **آیه الله سبحانی:** و چیزی جایگزین آن نباشد.

۵. **آیه الله بهجت:** در صورتی که برای عذری، از قبیل مرض نباشد، که صدق تزئین نمی‌کند.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: نگاه کردن در آینه جهت زینت بر محرم حرام است.

آیه الله خامنه‌ای: نگاه کردن در آینه بدون قصد زینت؛ مانند راننده و امثال آن، اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: نگاه کردن در آینه و همچنین در دیگر اجسامی که عکس محرم در آنها پیداست اگر برای

آرایش یا در معرض آرایش باشد حرام است؛ اما نگاه کردنی که هیچ ارتباطی با آرایش ندارد مانند نگاه کردن

راننده برای دیدن اطراف، اشکال ندارد. ←

[۳۶۳] م - در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

[۳۶۴] م - نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.^۱

[۳۶۵] م - عینک زدن اگر زینت نباشد^۲ اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود^۳ جایز نیست.^۴

[۳۶۶] م - در نظر کردن به آینه کفاره نیست، لیکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.^۵

→ **آیه الله سبحانی:** مقصود این است که انسان در آینه نگاه کند تا چهره خود را ببیند و یا خود را ببیند ولی مثلاً اگر برای رفع خون از بینی و صورت می‌نگرد و همچنین اگر راننده برای آگاهی از پشت سر به آینه می‌نگرد اشکالی ندارد.

آیه الله مکارم: در صورتی که برای تزئین خود و اصلاح سر و وضع خود باشد.

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** نگاه کردن در آب صاف یا در اجسام صیقلی که تصاویر در آن دیده می‌شود نیز همانند نگرستن در آینه است، اگر برای زینت باشد، جایز نیست.

آیه الله زنجانی: مگر به منظور آرایش یا در معرض آرایش باشد.

آیه الله سبحانی: اگر به قصد آرایش باشد حرام است.

آیه الله سیستانی: اجسام صیقلی دیگری که خاصیت آینه را داشته باشند حکم آینه را دارند.

آیه الله مکارم: هرگاه برای تزئین و اصلاح خود باشد اشکال دارد.

۲. **آیه الله بهجت:** اگر به قصد زینت نباشد بنا بر اقوی عیبی ندارد.

۳. **آیه الله فاضل:** و به قصد زینت استفاده کند.

۴. **آیه الله خامنه‌ای:** احتیاط واجب اجتناب از هر چیزی است که عرفاً زینت محسوب می‌شود.

آیه الله سیستانی: در صورتی که عینک زدن عرفاً زینت باشد، احوط پرهیز از آن است.

۵. **آیه الله تبریزی:** کفاره‌اش بنا بر احتیاط استحبابی یک گوسفند است.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب است.

آیه الله خویی: کفاره‌اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

آیه الله سبحانی: اگر کسی عمداً برای زینت به آینه نگاه کند، باید لبیک بگوید؛ ولی جاهل و ناسی و مانند این دو لازم نیست تلبیه را تکرار کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کفاره‌اش استغفار است.

[۳۶۷] م - اگر در اطافی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می‌افتد اشکال ندارد، لیکن احتیاط آن است^۱ که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

[۳۶۸] م - احتیاط آن است که به آینه نگاه نکند، اگرچه برای زینت نباشد.^۲

نهم - پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هرچه تمام روی پا را می‌گیرد.^۳

[۳۶۹] م - این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.^۴

[۳۷۰] م - اگر مرد محتاج شود^۵ به پوشیدن چیزی که روی پا را می‌گیرد احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.^۶

۱. آیه الله خامنه‌ای: اما بهتر آن است.

آیه الله سبحانی: و برای جلوگیری از احتمال حرام پارچه‌ای روی آن بیندازد.

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم: نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: به ذیل قبل از مسئله ۳۶۳ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: مقصود از حرمت این است که در آینه نگاه نکند تا چهره خود را ببیند و یا خود را بیاراید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست، چه به قصد زینت باشد و چه نباشد.

۳. آیه الله بهجت: و مانند چکمه و جوراب است بلکه مطلقاً با صدق لبس و پوشیدن علی الأحوط.

آیه الله تبریزی: احوط نپوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند.

آیه الله خامنه‌ای: مرد محرم نباید چکمه و جوراب بپوشد و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند مانند کفش و گیوه و امثال آن اجتناب کند. لکن اگر لباس احرام یا پتو و امثال آن را روی پا بیندازد اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: و کفش و هرگونه پاپوشی که تمام روی پا را می‌پوشاند و نیز هر پاپوشی که تمام پشت پا را می‌پوشاند بر مرد محرم حرام است. ولی پوشیده شدن پا با حوله احرام یا پتویی که روی خود می‌اندازد اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: و به بدن می‌چسبد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد.

۴. آیه الله خامنه‌ای: اما احتیاط مستحب آن است که زنان نیز آن را مراعات کنند.

۵. آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی: بلکه مضطر شود.

۶. آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: احتیاط مستحب این است.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.

آیه الله سبحانی: و حالت یکپارچگی آن را از بین ببرد.

[۳۷۱] م - در پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد کفاره نیست.^۱

دهم - فسوق.

[۳۷۲] م - فسوق اختصاص به دروغ گفتن ندارد^۲ بلکه فحش دادن و فخر^۳ به دیگران کردن نیز فسوق است و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.
یازدهم - جدال^۴؛ و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است.

۱. آیات عظام تبریزی، خوبی، فاضل: احوط ثبوت کفاره گوسفند است.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط مستحب در مورد خصوص جوراب آن است که یک گوسفند به عنوان کفاره قربانی کند.
آیه الله زنجانی: کفاره پوشیدن جوراب، یک گوسفند است و پوشیدن چکمه و کفش، کفاره ندارد.
آیه الله سبحانی: مستحب است یک گوسفند قربانی کند.
آیه الله سیستانی: در پوشیدن چکمه و مانند آن کفاره‌ای واجب نیست، ولی بنا بر احتیاط، اگر عمداً جوراب و مانند آن را بیوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.
آیه الله نوری: کفاره پوشیدن آنچه که روی پا را می‌گیرد یک گوسفند است.

۲. آیه الله بهجت: اظهار مقید بودن دروغ گفتن و دشنام دادن و مفاخرت است به آنکه بر غیر مُحَرَّم حرام باشند.

آیه الله سبحانی: مقصود از آن سه چیز است: دروغ گفتن، دشنام دادن، فخر فروشی بر یکدیگر، لذا اینکه دیده شده گاهی به زبان جدّ یا شوخی، انسانی، مردم شهری یا قبیله‌ای و یا ایل و عشیره‌ای و یا لهجه‌ای را با تمسخر یاد می‌کنند و یا بر آنها مفاخره می‌کنند این عمل فی‌نفسه حرام و در حال احرام حرمتش مؤکد است.
۳. آیه الله تبریزی: فخر کردن بر دیگران، اگر برای اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد که توهین دیگری را در برداشته باشد، این عمل فی‌نفسه حرام است.

آیه الله خوبی: مراد از فسوق در آیه مبارکه «فَلَا رَفَتْ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» دروغ و دشنام است و فخر کردن هم ملحق به فسوق است، فخر، در صورتی که مستلزم اهانت به دیگران نباشد، حرام نیست.
آیه الله سیستانی: فخر کردن اگر مستلزم اهانت و تحقیر مؤمن باشد همیشه حرام است و در حال احرام حرمتش مؤکد است و اگر چنین نباشد اشکالی ندارد حتی در حال احرام.
آیه الله فاضل: خواه موجب نقص دیگران باشد و یا نباشد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب فخر فروشی نیز از فسوق است.
۴. آیه الله زنجانی: و آن قسم خوردن به خداوند متعال در مقام اثبات یا ابطال مطلبی است، راست باشد یا دروغ، همراه با نزاع و ستیزه‌جویی باشد یا نباشد. ←

[۳۷۳] م - گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات، مرادف آن؛ مثل «نه» و «آری»، دخالتی در جدال ندارد بلکه قَسَم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.^۱

[۳۷۴] م - قَسَم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن؛ مثل «خدا» در زبان فارسی، جدال است،^۲ و اما قَسَم به غیر خدا، به هر کسی باشد، ملحق به جدال نیست.

[۳۷۵] م - احتیاط واجب الحاق سایر اسماء الله است به لفظ جلاله، پس اگر کسی قَسَم بخورد به «رحمان» و «رحیم» و «خالق سموات و ارض»، جدال محسوب می‌شود به احتیاط واجب.^۳

→ **آیه الله سبحانه**: جدال آن است که برای اثبات یا رد سخنی به خدا سوگند بخورد خواه با لفظ جلاله «الله» باشد یا معادل آن در زبان‌های دیگر.

۱. **آیه الله تبریزی**: و احتیاط در این است که به غیر این دو کلمه نیز قسم نخورد و همچنین با الفاضلی که مترادف آنهاست از هر لغتی که باشد.

ظاهر فرمایش **آیه الله خویی**: این است که: کلمه «لا» و «بلی» دخالت در مطلب دارد.

آیه الله فاضل: در مرادف اشکال است و ظاهراً در جدال محرم خصوص لفظ «لا» و «بلی» دخالت دارد.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط لازم، گفتن کلمه «آری والله» و «بله والله» و «نه والله» ملحق به آن است. **آیه الله مکارم**: بنا بر احتیاط واجب در حال احرام از هر نوع مجادله و خصومت بپرهیزند، هر چند جمله‌های قسم در آن نباشد.

۲. **آیه الله بهجت**: اگر قسم به لفظ جلاله نباشد اظهر عدم الحاق است و اگر به لفظ جلاله باشد ظاهر تحقق حرام به مجرد آن است.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب لفظ مرادف «الله» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط واجب لفظ مرادف «الله» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است.

آیه الله فاضل: ظاهراً لفظ «الله» بدون «لا» و «بلی» جدال محرم نیست و مرادف «الله» نیز به هر زبانی که باشد جدال محرم نمی‌باشد.

۳. **آیه الله بهجت**: به مسئله قبلی مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، **آیه الله سیستانی**: در جدال کافی است که قسم به خدای متعال باشد ولو به لفظ جلاله نباشد.

آیه الله سبحانه: سایر اسماء الله به لفظ جلاله ملحق می‌باشد. ←

[۳۷۶] م - در مقام ضرورت، برای اثبات حقی با ابطال باطلی جایز است قَسَم بخورد به جلاله و غیر آن.^۱

[۳۷۷] م - اگر در جدال راستگو باشد، در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار^۲، و در سه مرتبه^۳ کفاره باید بدهد و کفاره آن یک گوسفند است.^۴

[۳۷۸] م - اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آن است که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک

→ **آیه الله فاضل:** در صورتی که مشتمل بر کلمه «لا» و یا «بلی» باشد در این صورت نیز احتیاط مستحب الحاق است.

۱. **آیه الله بهجت:** و در صورت جواز کفاره‌ای نیست علی الاظهر.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: و همچنین برای اظهار مودت و دوستی و اکرام مؤمن نیز جایز است.

آیه الله زنجانی: بلکه قسم خوردن برای اظهار دوستی مؤمن یا تکریم او جایز است.

آیه الله سبحانی: و همچنین اظهار و اثبات مودت و دوستی، یکی دو بار قسم خوردن اشکال ندارد ولی اگر مکرر و پی‌درپی شد جدال محسوب می‌شود و احتیاط مستحب آن است که در حال احرام اصلاً قسم نخورد.

آیه الله سیستانی: استثنا می‌شود از حرمت جدال موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر مکلف باشد، مثلاً حق او را پایمال کند.

۲. **آیه الله سیستانی:** به گفته بعضی از فقها جدال با قسم راست محقق نمی‌شود مگر اینکه سه بار پی‌درپی باشد و این گفته خالی از وجه نیست، گرچه احتیاط ترک آن است حتی یک بار.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** و در بیش از دو بار.

۴. **آیه الله بهجت:** اگر سه مرتبه پی‌درپی باشد، و در حکم غیر صورت تابع با عدم تخیل تکفیر تأمل است در صادق و کاذب.

آیه الله سبحانی: در کفاره در مرتبه سوم کفاره آن یک گوسفند و اگر بار دیگر سه مرتبه یا بیشتر قسم راست بخورد کفاره آن نیز یک گوسفند است ولی اگر در مقام جدال سوگند دروغ یاد کند در مرتبه نخست یک گوسفند و در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر است و اگر کفاره آن را بپردازد برای مرتبه چهارم یک گوسفند است و برای مرتبه پنجم یک گاو است و برای مرتبه ششم دوباره شتر است و تمامی موارد یاد شده در صورت علم به حکم شرعی و عمد است ولی اگر از روی فراموشی و یا جهل به مسئله قسم یاد کرد و جدال نمود چه دروغ و چه راست کفاره ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر سه بار پی‌درپی باشد.

شتر بلکه خالی از قوت نیست.^۱

[۳۷۹] م - اگر در جدال به دروغ، در دفعه اول یک گوسفند کفاره ذبح کرد، بعید نیست که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ، کفاره آن یک گوسفند باشد نه گاو.^۲

[۳۸۰] م - اگر در جدال به دروغ، دو مرتبه جدال کرد و یک گاو^۳ ذبح کرد برای کفاره و بعد یک مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهراً یک گوسفند کفاره است^۴ و اگر

۱. **آیه الله بهجت:** در یک مرتبه یک گوسفند و در دو مرتبه، بنا بر احتیاط یک گاو کفاره بدهد، بلکه خالی از وجه نیست و در سه مرتبه تخیر میان گاو و شتر خالی از وجه نیست. (مناسک شیخ، ص ۲۲).

آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: در مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر (آیه الله تبریزی: در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر بنا بر احتیاط) و در مرتبه سوم یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر سوگند دروغ یاد کند، در مرتبه اول و دوم باید یک گوسفند کفاره دهد، و احوط آن است که در مرتبه دوم، دو گوسفند بدهد، اما اگر بیش از دو بار چنین کند، در مرتبه‌های بعد باید یک گاو کفاره بدهد. **آیه الله زنجانی:** اگر از روی عمد و علم به دروغ بودن مطالبی برای آن قسم بخورد، کفاره آن یک شتر است و اگر در دروغ بودن آن تردید داشته و بعد از قسم معلوم شد که دروغ بوده کفاره آن در بار اول گوسفند و بار دوم گاو و بار سوم و بیشتر شتر یا گاو است و اگر از دروغ بودن خبر غفلت داشته، کفاره جدال صادق، واجب می‌شود. **آیه الله سبحانی:** حکم آن در مسئله قبل گذشت.

آیه الله فاضل: واجب است که در مرتبه اول گوسفند کفاره بدهد و احتیاط واجب آن است که در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر کفاره بدهد و احتیاط کامل به آن تحقق پیدا می‌کند که در مرتبه دوم بین گوسفند و گاو و در مرتبه سوم بین گاو و شتر جمع نماید.

آیه الله مکارم: این قول موافق احتیاط است.

۲. **آیه الله سبحانی:** کفاره آن یک گاو است.

آیه الله سیستانی: و اگر کفاره را داد و دوباره قسم دروغ خورد، باید به ترتیبی که گذشت کفاره بدهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع و فروع بعدی نشده‌اند.

آیه الله فاضل: بلکه بعید نیست کفاره‌اش یک گاو باشد.

آیه الله مکارم: بعید است.

۳. نظر **آیات عظام** در مسئله ۳۷۸ گذشت.

۴. **آیه الله تبریزی:** اگر بعد از اینکه دو مرتبه بر دروغ جدال کرد و دو گوسفند کفاره داد، برای مرتبه سوم فقط

یک گوسفند باید بدهد و اگر بعد از دادن دو گوسفند دو مرتبه دیگر جدال به دروغ کرد باید دو گوسفند و اگر

سه مرتبه یا بیشتر جدال به دروغ کرد یک گاو باید ذبح کند. ←

بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً یک گاو کفاره آن است.^۱

[۳۸۱] م - اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه مرتبه، هر چند باشد یک گوسفند کفاره است مگر آنکه بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست باید یک گوسفند ذبح کند.^۲

[۳۸۲] م - اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند، کفاره یک شتر است ظاهراً،^۳ مگر آنکه پس از سه مرتبه یا زیادت، کفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گاو و در دفعه سوم شتر است.^۴

- **آیه الله خویی:** در جدال دروغ، بار اول یک گوسفند و بار دوم گوسفندی دیگر و بار سوم به بعد، هر بار یک گاو است و دادن کفاره در اثنا، تأثیری در حکم ندارد.
- آیه الله سبحانی:** کفاره آن یک شتر است و اگر پس از ذبح شتر دوباره به دروغ جدال کرد کفاره آن یک گوسفند است و احکام کفاره در مسئله ۳۷۷ گذشت.
- آیه الله فاضل:** بعید نیست کفاره اش یک شتر باشد.
۱. **آیه الله فاضل:** بعید نیست کفاره اش دو شتر باشد.
- آیه الله مکارم:** مانند مسئله سابق است.
۲. **آیه الله تبریزی:** به مسئله قبلی مراجعه شود.
- آیه الله خویی:** در جدال راست از بار سوم به بعد هر بار یک گوسفند دارد و دادن کفاره در اثنا تأثیری در این حکم ندارد.
- آیه الله سیستانی:** اگر بعد از سه بار یا بیشتر قسم راست خوردن پی در پی کفاره بدهد و یا سه بار پشت سر هم قسم بخورد و پس از فاصله دوباره سه بار یا بیشتر پشت سر هم قسم بخورد، در این دو صورت باید یک کفاره دیگر بدهد.
- آیه الله فاضل:** ثبوت کفاره محل اشکال است.
۳. **آیه الله زنجانی:** کفاره آن یک شتر یا گاو است و اگر برای برخی از جدال ها کفاره داده، مازاد به نحو مستقل کفاره دارد.
۴. **آیه الله بهجت:** به ذیل مسئله ۳۷۷ و ۳۷۸ مراجعه شود.
- آیه الله تبریزی:** چنانچه به دروغ بیش از سه مرتبه جدال کرد کفاره آن یک گاو است مگر اینکه پس از مراتب سابق کفاره را ذبح کرده باشد که در این صورت باید آنچه را که بعد از دادن کفاره محقق شده ملاحظه نماید چنانچه یک مرتبه جدال به دروغ کرد یک گوسفند و اگر دو مرتبه جدال به دروغ کرد دو گوسفند و اگر سه مرتبه یا بیشتر بود باید یک گاو کفاره بدهد. ←

دوازدهم - کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند؛ مثل شپش و کیک* و کنه که در بدن حیوان است.^۱

[۳۸۳] م - جایز نیست انداختن شپش و کک را از بدن.^۲

→ **آیه الله خویی:** در جدال دروغ، بار اول یک گوسفند و بار دوم گوسفندی دیگر و بار سوم به بعد، هر بار یک گاو است و دادن کفاره در اثنا، تأثیری در حکم ندارد.

آیه الله سبحانی: برای هر جدال زاید بر سه مرتبه یک شتر واجب است و اگر کفاره آن را بپردازد برای مرتبه چهارم یک گوسفند و مرتبه پنجم یک گاو و برای مرتبه ششم مجدداً یک شتر که حکم آن در مسئله ۳۷۷ گذشت.

آیه الله سیستانی: کفاره قسم دروغ در بار سوم و بعد از آن، هر چه باشد یک گاو است ولی اگر کفاره داد و دوباره قسم دروغ خورد یک گوسفند است و بار دوم نیز گوسفند و سوم گاو است.

آیه الله فاضل: بعید نیست که برای هر جدال زاید بر سه مرتبه یک شتر واجب باشد.

*. کیک یا کک: حشره‌ای است به اندازه شپش، بال ندارد و چون پاهای عقب او بلند است به آسانی می‌جهد، خرطومی دارد که با آن خون انسان را می‌مکد و گاهی باعث سرایت بیماری طاعون می‌شود. «فرهنگ عمید».

۱. **آیه الله بهجت:** بنا بر مشهور و موافق با احتیاط و در خصوص شپش حرمت قتل و القاء از جسد یا ثوب خالی از وجه نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: کشتن شپش و انداختن او از بدن برای محرم جایز نیست، اما پشه و کک احتیاط در نکشتن آنهاست، در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود اما تا راندن آنها ظاهراً جایز است هر چند احوط ترک است.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله زنجانی: کشتن شپش، مطلقاً و کشتن پشه و کک و سایر جاندارانی که در بدن ساکن می‌شوند، در صورتی که آزار نرسانند جایز نیست.

آیه الله سیستانی: در مورد پشه و کک فرموده‌اند: اگر ضرر از آنها متوجه شخص نباشد احتیاط واجب این است که آنها را نکشد و اما راندن آنها جایز است.

۲. **آیه الله بهجت:** حرمت القای غیر شپش دلیلی ندارد و شهرت هم بر آن ثابت نیست، بلی دور انداختن کنه خود یا کنه شتر خود، مورد احتیاط است.

آیه الله زنجانی: انداختن شپش از بدن یا لباس، جایز نیست و انداختن حشرات دیگر اشکالی ندارد.

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب انداختن شپش از بدن و لباس جایز نیست.

آیه الله فاضل: در غیر شپش احتیاط واجب در نینداختن است.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست که شپش را از روی لباس و بدن بیفکند اما راندن پشه و کک و مانند آنها ظاهراً جایز است هر چند احوط ترک آن است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب در این مسئله و مسئله بعد.

۱. [۳۸۴] م - جایز نیست^۱ نقل کردن آن را از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد و احتیاط آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد.
- [۳۸۵] م - احتیاط مستحب^۲ آن است که آن را از محلی که محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اول محفوظتر باشد.
- [۳۸۶] م - بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن، کفاره نباشد، لیکن احتیاطاً یک کف از طعام صدقه بدهد.^۳
- سیزدهم - انگشتر به دست کردن؛ به جهت زینت و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد.^۴

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: به صورت اطلاق فرموده‌اند که جابه‌جا کردن آنها ایرادی ندارد.
- آیه الله زنجانی: نقل شپش به مکانی که می‌داند از آنجا ساقط می‌شود جایز نیست، ولی نقل آن به جایی که در معرض افتادن است - مانند مطلق نقل سایر حشرات - جایز است، هر چند جای اول محفوظتر باشد.
- آیه الله سبحانی: انتقال آنها از نقطه‌ای به نقطه دیگر از بدن مخصوصاً اگر در معرض افتادن از بدن قرار گیرد.
- آیه الله فاضل: در غیر شپش احتیاط واجب در عدم نقل است.
۲. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نباید آن را از محلی...
آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.
آیه الله نوری: احتیاط واجب.
۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، نوری: بنا بر احتیاط واجب باید یک مشت از طعام به فقیر کفاره بدهد.
- آیه الله زنجانی: کفاره انداختن شپش از بدن یا لباس و کفاره کشتن آن هم یک مشت طعام است و سایر موارد کشتن و انداختن و انتقال حشرات، کفاره ندارد.
- آیه الله سبحانی: اگر کسی جانوران ساکن در بدن مثل شپش و یا تخم آن را که به «رشک» معروف است بکشد مستحب است یک کف طعام (گندم) کفاره بدهد.
- آیه الله سیستانی: در صورت کشتن و یا انداختن شپش، احتیاط مستحب آن است که یک مشت از طعام کفاره بدهد.
- آیه الله فاضل: این احتیاط در کشتن یا انداختن شپش ترک نشود.
- آیه الله مکارم: این احتیاط واجب است خواه عمداً باشد یا از روی خطا.
۴. آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که فرد محرم از به دست کردن انگشتر - اگر زینت به‌شمار آید - اجتناب کند. ←

[۳۸۷] م - اگر انگشتر به دست کند، نه برای زینت و نه برای استحباب؛ مثل آنکه برای خاصیتی به دست کند، اشکال ندارد.

[۳۸۸] م - احتیاط واجب آن است که محرم «حنا» برای زینت نبندد، بلکه اگر زینت باشد ولو قصد نکند احتیاط در ترک است، بلکه حرمت آن، در هر دو صورت، خالی از وجه نیست.^۱

[۳۸۹] م - اگر قبل از احرام «حنا» ببندد، چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند، مانع ندارد ولی احتیاط خوب است.^۲

→ **آیه الله سبحانی:** زینت نمودن دو قسم است: الف) قسمی که مشترک بین زن و مرد است؛ ب) مخصوص بانوان که در آینده می‌آید؛ در قسم اول مرد و زن باید از هر چیزی که زینت شمرده می‌شود اجتناب کنند خواه به قصد زینت باشد یا نباشد مثل انگشتر زینتی و یا حنا بستن اما اگر انگشتری جنبه زینت ندارد مثلاً برای حرز یا ثواب آن استفاده می‌شود اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: انگشتر به دست کردن برای زینت به احتیاط واجب جایز نیست ولی برای امر دیگری مانند استحباب و یا نگهداری آن اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

۱. **آیه الله بهجت:** حنا بستن اگر برای زینت باشد جواز آن مورد تأمل است.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، مکارم: حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود بر محرم حرام است.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که فرد محرم از استعمال حنا و رنگ مو - اگر زینت به شمار آید - بلکه از هر کاری که زینت محسوب می‌شود اجتناب کند.

آیه الله سبحانی: استعمال حنا اگر در عرف زینت حساب شود برای محرم حرام است هرچند قصد زینت نکند لکن به شرط اینکه بعد از حنا بستن، اثر آن در محل باقی بماند.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب برای زن و مرد محرم ترک هر چیزی است که عرفاً زینت شمرده شود چه قصد زینت کردن داشته باشد چه نداشته باشد و از این قبیل است حنا مالیدن به روش معمول ولی استعمال آن به نحوی که زینت نباشد در موارد علاج و مانند آن اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: حرمت محل اشکال است.

۲. **آیه الله سبحانی:** اگر اثرش تا زمان احرام بماند احتیاط مستحب آن است که استفاده نکند و همچنین است رنگ کردن مو قبل از احرام ولی پاک کردن آن به هنگام احرام لازم نیست.

آیه الله صافی: در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی می‌ماند بنا بر احتیاط باید خودداری کند. ←

۱. [۳۹۰] م - انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفارّه ندارد.^۱
- چهاردهم - پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.^۲
۲. [۳۹۱] م - اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزئین نداشته باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست.^۳
۳. [۳۹۲] م - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن، قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.^۴

→ آیه الله گلپایگانی: بهتر آن است که ترک شود.

آیه الله مکارم: اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد.

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط استحبابی کفارهاش یک گوسفند است.
۲. آیه الله زنجانی: حرمت این امر، اختصاص به بانوان ندارد.
- آیه الله سبحانی: زینت مانند پوشیدن دستبند و گردنبند و گوشواره و انگوی طلا و یا آرایش سر و صورت به شکلی که بین بانوان مرسوم است در حال احرام جایز نیست.
۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان مُحْرِم حرام است.

آیه الله زنجانی: پوشیدن هرگونه زیورآلات بر مرد محرم حرام است ولی به دست کردن انگشتر در صورتی که به قصد زینت نباشد اشکال ندارد و در مورد بانوان حرمت پوشیدن زیور، اختصاص به گوشواره و گردنبند دارد. و این دو نیز در دو مورد مستثنی است: الف) عادت به پوشیدن آنها داشته باشد؛ ب) هنگام احرام در تن او باشد و پوشیدن سایر زیورآلات بر بانوان مکروه است؛ و در هر حال اگر زیوری را پوشید نباید آن را به مردان نشان دهد.

آیه الله سبحانی: مرد و زن محرم از هر چیزی که زینت شمرده می شود باید اجتناب کنند خواه به قصد زینت باشد یا نباشد و در خصوص زن محرم لباسش ساده و بی پیرایه باشد لذا نباید چادر و پیراهن و مقنعه و جوراب خود را با توردوزی و امثال آن به شکلی جلوه دهد که از سادگی و بی پیرایگی خارج شود و شکل زینت به خود بگیرد مگر اینکه در میان بعضی اقوام و کشورها فرم و شکل لباسشان این گونه باشد و زینت قابل توجه حساب نشود و ابروهایی که بین خانمها به صورت خالکوبی رایج شده در حال احرام و غیر احرام نباید نامحرم ببینند گرچه به صحت احرام ضرر نمی رساند و همچنین زن نباید در حال احرام سر و صورت خود را آرایش نماید.

آیه الله سیستانی: اگر زیور به قصد زینت باشد حرام است و اگر به قصد زینت هم نباشد ولی عرفاً زینت حساب می شود احتیاط واجب در ترک است.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.

۴. آیه الله فاضل: اگر قصد زینت به آنها را نداشته باشد.

[۳۹۳] م - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن، نباید به مرد نشان دهد، حتی به شوهر خود.^۱

[۳۹۴] م - پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.^۲

پانزدهم - روغن مالیدن به بدن.^۳

[۳۹۵] م - احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن است، اگرچه بوی خوش در آن نباشد.^۴

[۳۹۶] م - جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام، اگر اثرش باقی می ماند تا وقت احرام.^۵

[۳۹۷] م - اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.^۶

[۳۹۸] م - خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

۱. آیه الله سبحانه: و باید آنها را از دید نامحرم و حتی شوهر خود حفظ کند.
- آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب آنها را برای شوهرش و مردانی که با او محرم اند ظاهر نسازد و نشان ندهد.
۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کفاره اش بنا بر احتیاط مستحب، یک گوسفند است.
۳. آیه الله زنجانی: روغن مالیدن به بدن خود.
- آیه الله سبحانه: روغن مالیدن به بدن حرام است و اگر بوی خوش داشته باشد کفاره هم دارد ولی اگر بوی خوش نداشت مستحب است که گوسفندی قربانی نماید.
۴. آیه الله خامنه ای: روغن مالیدن به بدن و مو برای فرد محرم جایز نیست، خواه با روغن هایی باشد که برای زینت استعمال می شود یا با غیر آن، و خواه معطر باشد یا نباشد.
۵. نظر آیات عظام در قسم پنجم از محرمات احرام گذشت.
- آیه الله بهجت: به نحو قطع و در صورت ارتکاب، تأخیر احرام با امکان، تا زمان زوال رایحه لازم است.
- آیه الله سیستانی: ولی اگر در آن عطر نباشد بلکه خودش خوشبو باشد اشکال ندارد.
۶. آیه الله زنجانی: ولی چنانچه با روغن غیر معطر، مشکل برطرف شود نباید روغن معطر بمالد.
- آیه الله سبحانه: استفاده از کرم های مختلف، نرم کننده، ضد آفتاب، و برطرف کننده خشکی لب و ضد عرق سوز و به جهت تاول و نرم کننده دست و صورت در حال احرام به جهت مداوا و ضرورت جایز است به شرط آنکه بوی خوش نداشته باشد ولی بهتر است در حال احرام اگر برای او حرجی نباشد تحمل کند.
- آیه الله سیستانی: محرم می تواند روغنی که بوی خوشی ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوشبو است یا بوی خوش در آن است.

- [۳۹۹] م - اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست.^۱
- [۴۰۰] م - اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن یک گوسفند است اگرچه از روی اضطرار باشد.^۲
- شانزدهم - ازاله مو از بدن خود یا غیر خود، چه مُحْرَم باشد چه مُجَلِّ. شانه‌زنی
- [۴۰۱] م - در حرمت ازاله مو، فرقی نیست میان کم و زیاد، بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.^۳

۱. **آیه الله تبریزی:** کفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است، چه در روغن بوی خوش باشد یا نباشد و اگر از روی نادانی باشد، کفاره اش اطعام یک فقیر است بنا بر احتیاط در هر دو مورد.
- آیه الله خامنه‌ای:** به ذیل مسئله بعد مراجعه شود.
- آیه الله خویی:** کفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است و اگر از روی نادانی باشد، کفاره اش اطعام یک فقیر است بنا بر احتیاط در هر دو مورد.
- آیه الله زنجانی:** کفاره مالیدن روغن در صورتی که از روی علم و عمد باشد یک گوسفند است؛ و اگر از روی نادانی باشد غذا دادن یک فقیر است، و فرقی بین روغن خوشبو و غیر آن و حالت اختیار و اضطرار نیست. و کفاره خوردن روغنی که در آن زعفران و مانند آن باشد یک گوسفند است.
- آیه الله سبحانی:** احتیاط مستحب یک گوسفند است.
- آیه الله مکارم:** احتیاطاً یک گوسفند است.
- آیه الله نوری:** کفاره مالیدن روغن به بدن، یک گوسفند است، اگرچه از روی اضطرار باشد.
۲. **آیه الله بهجت، آیه الله تبریزی:** کفاره اش یک گوسفند است حتی در صورت ضرورت، علی الأحوط.
- آیه الله خامنه‌ای:** بنا بر احتیاط، کفاره مالیدن روغن خوشبو به بدن، یک گوسفند است، و در مورد روغن‌های غیر خوشبو، سیر کردن یک فقیر است، اگرچه بعید نیست در هر دو مورد واجب نباشد.
- آیه الله زنجانی:** به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.
- آیه الله سیستانی:** اگر مُحْرَم با علم و آگاهی و از روی عمد، بدن خود را با روغن خوشبو روغن مالی نماید، بنا بر احتیاط باید یک گوسفند کفاره بدهد، هرچند از روی اضطرار باشد و اگر بدون علم و آگاهی این کار را کرده باشد، بنا بر احتیاط کفاره آن اطعام یک فقیر است.
- آیه الله فاضل:** اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره خوردن آن بنا بر اقوی یک گوسفند است و در غیر مصرف خوردن هم احتیاطاً کفاره را بدهد و در حال اضطرار کفاره ثابت نیست.
۳. **آیه الله سیستانی:** بلکه حتی جزئی از یک مو.

[۴۰۲] م - ازاله مو، اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد^۱؛ مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت می‌کند.

[۴۰۳] م - اگر در وقت غسل یا وضو^۲ مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد.

[۴۰۴] م - در ازاله مو فرقی نیست^۳ بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن.

[۴۰۵] م - کفاره سر تراشیدن، اگر به جهت ضرورت^۴ باشد، دوازده «مُد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند.^۵ و «مُد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً.

[۴۰۶] م - اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد،^۶ بلکه تعیین گوسفند در این صورت بعید نیست.

۱. آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: گناه ندارد ولی کفاره دارد.

۲. آیه الله خامنه‌ای: یا تیمم.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: یا تیمم یا تطهیر از خبث یا ازاله مانع از رسیدن آب وضو و غسل و مانند آن.

آیه الله سبحانی: محرم می‌تواند حمام برود ولی اگر بداند با کشیدن کیسه مویی از بدن جدا می‌شود نباید این کار را بکند.

۳. آیه الله زنجانی: در حرام بودن ازاله مو بین انواع مذکور فرقی نیست ولی در کفاره فرق دارد.

۴. آیه الله بهجت: اگر محرم با ضرورت و بدون ضرورت سر خود را بتراشد کفاره‌اش یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام ده مسکین است که به هر یک یک مد داده شود بلکه بنا بر احتیاط به هر کدام به مقداری که سیر شوند اگرچه بیش از یک مد باشد طعام داده شود. احتیاط در رعایت اکثر از مدّ و اشباع است.

آیه الله زنجانی: این کفاره، مخصوص بیماری و سردرد است و تراشیدن تمام سر برای ضرورت‌های دیگر مانند تراشیدن قسمتی از سر، کفاره ندارد. (مدّ حدود نهصد گرم است).

آیه الله گلپایگانی: کفاره ازاله مو از بدن خود، چه در حال ضرورت و چه در غیر ضرورت ثابت است الا در ازاله مو از بدن دیگری که در حال ضرورت کفاره ندارد.

۵. آیه الله گلپایگانی: صدقه دادن ده مدّ به ده مسکین کفایت می‌کند اگرچه دوازده مدّ به شش مسکین بهتر است.

۶. آیه الله بهجت: رعایت این احتیاط لازم نیست. ←

[۴۰۷] م - اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره،^۱ بلکه احتیاط آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند یک گوسفند کفاره بدهد.^۲

[۴۰۸] م - احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن، کفاره تراشیدن را بدهد.^۳

→ آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، مکارم، نوری: کفاره آن یک گوسفند است.

آیه الله خامنه‌ای: اگر سر را تماماً عمداً بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۱. آیه الله نوری: اگر از زیر هر دو بغل ازاله مو کند احتیاط آن است برای هر یک از بغل‌ها یک گوسفند کفاره بدهد.
۲. آیه الله بهجت: اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند کفاره‌اش یک گوسفند است بنا بر اقوی و در کندن موی یک طرف، سه مسکین را طعام بدهد.

آیه الله زنجانی: اگر موی زیر هر دو بغل را بکند باید یک گوسفند قربانی کند، و در غیر کندن و همچنین در ازاله موی زیر یک بغل، کفاره گوسفند بنا بر احتیاط مستحب است.

آیه الله سیستانی: اگر موی زیر بغل را بکند حکم همین است و همچنین بنا بر احتیاط واجب اگر به وسیله دیگری، غیر از کندن، موی آن را ازاله نماید و اگر موی ریش یا غیر آن را بکند کفاره آن یک مشت طعام است و اگر مُحَرَّم سر دیگری را تراشید چه مُحَرَّم باشد چه غیر مُحَرَّم کفاره ندارد.

آیه الله صافی: کفاره تراشیدن سر و ازاله موی هر دو بغل، بلکه زیر یک بغل، اگر ناچار شود یک گوسفند یا سه روز روزه، یا صدقه دادن ده مدّ به ده مسکین است و بعضی دوازده مدّ به شش مسکین فرموده‌اند و این مطابق با احتیاط است و ترک نشود و اگر ناچار نشود باید کفاره دهد و بنا بر احتیاط کفاره کشتن گوسفند است.

آیه الله فاضل: سه فقیر را اطعام کند.

آیه الله گلپایگانی: کفاره ازاله مو از زیر بغل، یک گوسفند است.

آیه الله مکارم: این حکم واجب است.

۳. آیه الله بهجت: فرقی بین کندن و ماشین کردن و نوره گذاشتن نیست، چه از سر باشد یا صورت یا مواضع دیگر.

آیه الله خویی: بلکه واجب است.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، مستحب است.

آیه الله سبحانی: حکم آن از نظر کفاره با تراشیدن یکی است.

[۴۰۹] م - اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد، احتیاط آن است که یک کف طعام صدقه بدهد.^۱

هفدهم - پوشانیدن مرد سر خود را، به هر چه او را بپوشاند.^۲

[۴۱۰] م - احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهایی غیر پوششی هم نپوشاند؛ مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها.^۳

[۴۱۱] م - احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد؛ مثل بار برای حمل، که سر به آن پوشیده شود.^۴

۱. **آیه الله بهجت:** یک کف از طعام صدقه بدهد و ساقط شدن مو به این سبب با عدم اطمینان به ساقط شدن، غیر از ازاله غیر عمدیه است که فدیة ندارد، اگرچه هر دو جایز است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید یک مشت طعام بدهد.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط مستحب آن است که به قدر یک مشت گندم و آرد و امثال آن صدقه بدهد.

آیه الله زنجانی: باید یک مشت طعام، کفاره بدهد و کشیدن اعضای دیگر حکم کشیدن دست را دارد.

آیه الله سبحانی: اگر در حال التفات به احرام عمداً دست خود را بر سر یا ریش خود بکشد و تار مویی کنده شود باید یک مشت آرد گندم کفاره دهد.

آیه الله سیستانی: خاراندن سر و بدن اشکال ندارد اگر مویی را نکند و خون خارج نشود و اگر بی جهت محرم دست به سر و ریش خود بکشد و مویی یا بیشتر بیافتد باید یک مشت طعام کفاره بدهد ولی اگر در وضو و مانند آن باشد چیزی بر او نیست.

آیه الله فاضل: در غیر وضو و غسل.

آیه الله مکارم: مقصود از یک کف طعام، مقداری غذاست.

۲. **آیه الله سبحانی:** هر وسیله‌ای که باشد بنابراین پوشاندن سر به وسیله گل و حنا و دارو و بار برای حمل جایز نیست و احتیاط واجب است که مرد محرم سر خود را به وسیله اعضا بدن مثل دست نپوشاند از اینجا حکم سه مسئله بعد روشن شد (م ۴۱۱ تا ۴۱۳).

۳. **آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی:** محرم نباید سر خود را بپوشاند حتی با گل و مانند آن.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: پوشاندن سر و گوش‌ها برای مردان حرام است و در این امر تفاوتی بین پوشاندن تمام یا قسمتی از سر نیست، و تفاوتی بین پوشاندن سر با پارچه و یا با حنا، گل، گذاشتن بار بر روی سر، و یا روی دوش به طوری که قسمتی از سر را بپوشاند، و یا ارتماس در آب و امثال آن نمی‌باشد.

۴. **آیه الله زنجانی:** مرد محرم نباید با گذاشتن بار بر سر، سرش را بپوشاند، هر چند کفاره ندارد.

- [۴۱۲] م - جایز است به بعض بدن خود، سر را بپوشاند؛ مثل آنکه دست‌ها را روی سر بگذارد، لیکن احتیاط در ترک آن است.^۱
- [۴۱۳] م - جایز نیست سر را زیر آب کند، بلکه جایز نیست زیر مایع دیگری؛ مثل گلاب و سرکه و غیر آن، کند.^۲
- [۴۱۴] م - در حکم سر است بعض سر،^۳ پس نباید بعض سر را هم بپوشاند و نه زیر آب یا مایع دیگری کند.^۴
- [۴۱۵] م - گوش‌ها ظاهراً از سر محسوب است پس نباید آنها را بپوشانید.^۵
- [۴۱۶] م - پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.
- [۴۱۷] م - گذاشتن بند خیک آب بر سر، از حکم پوشش استثنا شده و مانع ندارد.
- [۴۱۸] م - دستمالی را که برای سردرد به سر می‌بندند عیب ندارد.^۶

-
۱. آیه الله نوری: از لکن احتیاط... در مناسک ایشان نیامده است.
 ۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: بنا بر احتیاط.
 ۳. آیه الله خامنه‌ای: پوشاندن قسمتی از سر به نحوی که عرفاً مصداق پوشاندن سر باشد - مانند گذاشتن کلاه کوچک در وسط سر - جایز نیست، اما در غیر این صورت - مانند گذاشتن قرآن و مانند آن بر روی سر و یا خشک کردن تدریجی بخشی از سر - اشکال ندارد، هر چند احوط آن است که از آن نیز اجتناب نماید.
 - آیه الله فاضل: بنا بر اقوی در تغطیه، لکن در حمل، بنا بر احتیاط.
 - آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب، ولی ریختن آب بر سر مانعی ندارد.
 ۴. آیه الله خامنه‌ای: حرمت زیر آب بردن نسبت به بعض سر معلوم نیست.
 - آیات عظام خویی، سبحانی، سیستانی: زیر آب بردن بعض سر جایز است.
 ۵. آیه الله سبحانی: گوش‌ها از سر محسوب نمی‌شوند ولی بنا بر احتیاط واجب گوش‌ها را نیز نپوشاند اما گذاشتن سمعک یا پنبه داخل سوراخ گوش اشکالی ندارد.
 - آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.
 - آیه الله فاضل: ولی پوشاندن مقداری از گوش مانعی ندارد.
 ۶. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: گناه ندارد و لکن کفاره دارد.
 - آیه الله زنجانی: و کفاره هم ندارد.
 - آیه الله مکارم، آیه الله نوری: ولی بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

[۴۱۹] م - گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

[۴۲۰] م - اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازند؛ به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند برای حفظ از پشه، مانع ندارد و همچنین رفتن در پشه‌بند اشکال ندارد.

[۴۲۱] م - زیر دوش حمام رفتن برای مُحَرَّم مانع ندارد، لیکن زیر آبشاری که سر را فرو گیرد جایز نیست.^۱

[۴۲۲] م - اگر سر را شست نباید با حوله و دستمال خشک کند^۲ و بعضی سر هم در حکم همه است.

[۴۲۳] م - در وقت خوابیدن، مرد نباید سر خود را بپوشاند^۳ و اگر بدون التفات بپوشانید باید فوراً آن را باز کند و همین طور اگر از روی فراموشی بپوشانید واجب

۱. آیه الله زنجانی: بلکه رفتن زیر آبشاری که سر را فرا گیرد نیز مانع ندارد.
۲. آیه الله بهجت: مرد می‌تواند سر خود را با حوله خشک کند و زن صورتش را در صورتی که این کار به تدریج انجام گیرد.
- آیه الله خامنه‌ای: خشک کردن تدریجی سر با حوله اشکال ندارد مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن خشک کند.
- آیه الله زنجانی: خشک کردن سر با حوله و مانند آن اشکال ندارد مگر در صورتی که برای خشک کردن حوله را روی سر یا بعضی آن قرار دهد.
- آیه الله سبحانی: مگر اینکه به صورت تدریجی انجام بگیرد.
- آیه الله سیستانی: هر چند به نحو کشیدن پارچه بر سر باشد بنا بر احتیاط واجب و اگر وقت نماز تنگ است گوشه حوله یا پارچه را بگیرد و به مقداری که در مسح سر واجب است خشک کند.
- آیه الله گلپایگانی: خشک نمودن سر به وسیله حوله و دستمال مانع ندارد ولی باید طوری خشک کند که سر پوشیده نشود.
- آیه الله مکارم: خشک کردن مانع ندارد به شرط اینکه سر را با آن نپوشاند.
۳. آیه الله زنجانی: بر مرد محرم، مکروه است که هنگام خوابیدن، روانداز را روی سر خود بکشد و احتیاط استحبابی در ترک آن است، ولی نباید سر را با کلاه و دستمال و مانند آن بپوشاند.
- آیه الله سبحانی: ابتدائاً جایز نیست ولی اگر در خواب بی‌اختیار سر او پوشیده شد مانعی ندارد و دیگران نیز تکلیفی ندارند تا او را باخبر سازند لیکن وقتی بیدار شد و یا ملتفت شد باید فوراً پتو و امثال آن را کنار بزنند و احتیاطاً تلبیه بگویند.

است فوراً سر را باز کند و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.^۱
 [۴۲۴] م - اگر سر را بپوشاند؛ به نحوی از انحا، کفاره آن یک گوسفند است^۲ و احتیاط واجب^۳ کفاره است برای پوشاندن بعض سر.
 [۴۲۵] م - احوط آن است که اگر مکرر سر را بپوشانید، مکرر کفاره بدهد؛^۴ یعنی برای هر دفعه یک گوسفند کفاره است، گرچه تعدد کفاره معلوم نیست و به نظر بعید نمی آید واجب نبودن.

۱. آیه الله زنجانی: بلکه گفتن تلبیه واجب است و گفتن یک «لبیک» کافی است.
 آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسئله نشده‌اند.
 آیه الله نوری: از «مستحب است تلبیه...» در مناسک ایشان نیامده است.
۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، فاضل، مکارم: بنا بر احتیاط واجب کفاره‌اش یک گوسفند است.
- آیه الله خامنه‌ای: کفاره پوشاندن سر، بنا بر احتیاط واجب، یک گوسفند قربانی کردن است. و بعض سر حکم تمام سر را ندارد مگر عرفاً بر آن صدق کند که سر را پوشانده است؛ مثل اینکه کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می پوشاند بر سر بگذارد و اگر تمام سر را در آب فرو برد، کفاره‌ای بر عهده‌اش نخواهد بود.
- آیه الله زنجانی: اگر عمدتاً با کلاه یا عمامه یا دستار و مانند آن تمام یا قسمتی از سر را بپوشاند باید یک گوسفند کفاره بدهد و اگر با گذاشتن غیر لباس مانند بادبزن و حنا سر را بپوشاند کفاره ندارد.
۳. آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.
۴. آیه الله بهجت: احوط تعدد فدیة است به تعدد پوشانیدن، خصوصاً هرگاه بی‌عذر باشد، خصوصاً هرگاه مجلس متعدد باشد و اقوی تعدد فدیة است در صورت تخیل تکفیر.
 آیه الله تبریزی: این احتیاط ترک نشود.
 آیه الله خامنه‌ای: احتیاط تکرر کفاره در صورت تکرر ستر است مطلقاً.
 آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط باید کفاره مجدد بدهد و حتی اگر سر را در دو مجلس بپوشاند هرچند در وسط کفاره پرداخته باشد احتیاط آن است که دو کفاره بدهد.
 آیه الله سیستانی: بعید نیست یک کفاره کافی باشد.
 آیه الله صافی: احتیاط آن است که اگر بیش از یک بار سر را بپوشاند، برای هر بار جداگانه کفاره بدهد خصوصاً اگر بدون عذر باشد و مخصوصاً اگر مجلس آن هم متعدد شود.
 آیه الله گلپایگانی: در صورت تعدد پوشانیدن سر، باید کفاره متعدد بدهد.
 آیه الله مکارم: این احتیاط در این مسئله و مسئله بعد، وجوبی است.
 آیه الله نوری: با تکرار در پوشاندن سر، کفاره نیز مکرر می‌شود.

- [۴۲۶] م - اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را پوشانید احتیاط به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه وجوبش معلوم نیست.^۱
- [۴۲۷] م - کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسئله و عمد سر را بپوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسئله یا غفلت و سهو و نسیان بپوشاند کفاره ندارد.^۲
- هیجدهم - پوشانیدن زن روی خود را به نقاب و روبند و برقع.^۳
- [۴۲۸] م - پوشانیدن رو را به هر چیز، اگرچه چیزهای غیر متعارف باشد؛^۴ مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر، جایز نیست بنا بر احتیاط، و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.
- [۴۲۹] م - بعضی رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند.^۵

۱. آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: حکم آن در ذیل مسئله قبل گذشت.
- آیات عظام تبریزی، زنجانی، سیستانی: در این صورت دوباره باید کفاره بدهد.
- آیه الله نوری: احتیاط، واجب است.
۲. آیات عظام خویی، سیستانی: بلکه ظاهر این است که در موارد جواز ستر و اضطراب نیز کفاره واجب نیست.
- آیه الله سبحانی: اما در صورت ضرورت نیز احتیاط واجب در کفاره است.
۳. آیه الله بهجت: در غیر حال ضرورت، مانند تحفظ از مگس و نحو آن در حال خوابیدن.
۴. آیه الله زنجانی، آیه الله نوری: پوشاندن رو هر چند به چیزهای غیر متعارف؛ مثل پوشال و گل نیز جایز نیست و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.
۵. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط.
- آیه الله خامنه‌ای: پوشاندن صورت در حال احرام به گونه‌ای که متعارف زنان در حجاب از نامحرم یا خودداری از شناخته شدن است برای زنان جایز نیست. بنابراین پوشاندن بخشی از صورت به نحوی که پوشاندن صورت بر آن صدق کند، مانند پوشاندن گونه‌ها و بینی و دهان و چانه جهت حجاب یا شناخته نشدن، مانند پوشاندن تمام صورت است و جایز نمی‌باشد. [اما] استفاده از ماسک برای پوشش بینی و دهان برای زنان در حال احرام مانع ندارد.
- آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب، و لذا پوشیدن مقنعه که اطراف صورت را می‌گیرد خلاف احتیاط است و همچنین جایز نیست بنا بر احتیاط خشک کردن صورت با حوله یا دستمال، هر چند همه صورت را نپوشاند، ولی تمیز کردن بینی و مانند آن اشکال ندارد. ←

- [۴۳۰] م - اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد.
- [۴۳۱] م - اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.^۱
- [۴۳۲] م - واجب است برای نماز سر را بپوشاند و مقدماً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند^۲، لیکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند.^۳
- [۴۳۳] م - جایز است برای روگرفتن از نامحرم^۴ چادر یا جامه را که به سر

→ **آیه الله فاضل:** بعض رو در حکم تمام است. و بنا بر اقوی پوشاندن صورت در قسمت پایین آن؛ یعنی از بینی تا چانه جایز نیست و در قسمت بالایی آن به احتیاط واجب.

آیه الله مکارم: پوشانیدن بعض صورت، به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند جایز است.

آیه الله نوری: با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، چون چانه جزو صورت محسوب می‌شود، باید مقنعه را طوری ببندد که زیر چانه قرار بگیرد، چون زیر چانه جزو صورت نیست.

۱. **آیه الله زنجانی:** بلکه برای خواب می‌تواند روانداز را روی صورتش بکشد، هر چند خلاف احتیاط استحبابی است.

۲. **آیه الله بهجت:** پوشانیدن رو به مقداری که مقدمه پوشانیدن سر می‌باشد، در حال نماز عیبی ندارد و می‌تواند سراندازش را آویزان نماید در نماز و بعد از آن.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، گلپایگانی: پوشانیدن رو که مقدمه پوشانیدن سر می‌باشد، در حال نماز عیبی ندارد.

۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** احتیاط این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

آیه الله خامنه‌ای: پوشاندن اطراف صورت از بالا یا پایین و یا دو طرف آن، به طوری که زنان هنگام پوشیدن مقنعه به نحو متعارف و یا هنگام پوشاندن سر در نماز انجام می‌دهند و پوشاندن صورت بر آن صدق نمی‌کند، اشکال ندارد، چه در نماز باشد و چه در حال دیگر.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

آیه الله مکارم: واجب نیست.

۴. **آیه الله بهجت:** بلکه مطلقاً و اختیاراً و تا حد نحر علی الأظهر.

آیه الله خامنه‌ای: جایز است زن در حال احرام، چادر یا جامه‌ای را که بر سر انداخته طرف آن را بر روی صورت بیاویزد، به نحوی که بخشی از صورت و پیشانی‌اش را تا بالای بینی بپوشاند، اما احوط آن است که اگر مرد اجنبی او را نمی‌بیند، از این کار اجتناب نماید.

آیه الله زنجانی: بلکه مطلقاً جایز است.

آیه الله سیستانی: و در جایی که نامحرم نیست این‌گونه پوشش نیز جایز نیست.

افکنده پایین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست.

- [۴۳۴] م - بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد، با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به صورت نچسبد، بلکه این کار احوط است.^۱
- [۴۳۵] م - بعضی برای دور نگه نداشتن جامه از صورت، کفاره لازم دانسته‌اند و آن احوط است، گرچه اقوی واجب نبودن آن است.^۲
- [۴۳۶] م - در نقاب انداختن و پوشاندن رو، به هر نحو که باشد، کفاره لازم نیست،^۳ گرچه موافق احتیاط است.

نوزدهم - سایه قرار دادن مرد بالای سر خود:^۴

۱. آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: تحفظ آن از رسیدن به صورت لازم نیست.
آیه الله تبریزی: این احتیاط ترک نشود.
- آیه الله خامنه‌ای: احوط آن است که پوشش مذکور با صورت تماس نداشته باشد.
- آیه الله خویی: احوط آن است که از صورت دور نگه دارد.
- آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی: باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارد.
- آیه الله نوری: زن‌ها در حال احرام باید سعی کنند که مقنعه در حال درآوردن و پوشیدن صورتشان را نپوشاند.
۲. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره دهد.
۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.
- آیه الله زنجانی: کفاره پوشاندن رو با چیزهای پوششی مانند نقاب و پوشیه، یک گوسفند است و با غیر لباس ظاهراً کفاره ندارد، البته به جهت حاجتی چون بیماری، پوشاندن صورت جایز است و کفاره نیز ندارد.
- آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند بدهد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید یک گوسفند کفاره بدهد.
۴. آیه الله زنجانی: حرکت کردن با وسیله نقلیه سقف‌دار برای مرد محرم جایز نیست، روز باشد یا شب، هوا آفتابی باشد یا ابری، همچنین جایز نیست در هوای آفتابی یا بارانی در پناه سایبان متحرک مانند چتر حرکت کند.
- آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب سایه قراردادن برای بدن نیز در حال سیر و پیمودن راه جایز نیست. بنابراین نشستن در ماشین و بیرون نگهداشتن سر از شیشه یا سقف آن، خلاف احتیاط وجوبی است.

[۴۳۷] م - سایه قراردادن جایز نیست از برای مردان، و برای زن‌ها و بچه‌ها جایز است و کفاره هم ندارد.

[۴۳۸] م - حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر، مختص به حال منزل طی کردن است و اما درحالی که در محلی منزل کرد در منا باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن مانع ندارد و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگرچه در حال راه رفتن باشد، پس مانع ندارد که در منا از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود؛ گرچه احتیاط مستحب ترک است در حال راه رفتن.^۱

۱. **آیه الله بهجت:** احتیاط واجب ترک سایه انداختن است در وقت تردد برای حوائج غیر خانه و خیمه و نحو آنها، چه در مکه و چه در عرفات و منا.

آیه الله تبریزی: رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد، ولی بنا بر احتیاط نمی‌تواند در حال حرکت، برای خود سایه‌بان درست کند؛ مثل آنکه چتر بردارد و یا سوار ماشین سقف‌دار شود.

آیه الله خامنه‌ای: احوط آن است که شخص محرم پس از رسیدن به مکه پیش از انجام مناسک عمره و همچنین در حال احرام در عرفات و منا، از قرار گرفتن در زیر سایه‌های متحرک مانند اتوبوس مسقف و چتر، اجتناب کند. ولی قرار گرفتن در سایه دیوار و درخت و مانند آنها و نیز عبور از زیر سقف‌های ثابت مانند پل و تونل، حتی در روز اشکال ندارد.

آیه الله خویی: و در قسمت جدید شهر مکه بنا بر احتیاط، سوار ماشین سقف‌دار نشوند.

آیه الله زنجانی: می‌تواند در پناه سایبان ثابت مانند دیوار و پل و خیمه و تونل‌های کوتاه حرکت کند ولی با وسیله سقف‌دار و چتر نمی‌تواند به قربانگاه یا جمرات برود، همچنان که اگر هوا آفتابی یا بارانی باشد اگر مشقت شدید نداشته باشد نباید از تونل‌های طولانی استفاده کند و در این حکم فرقی بین مکه و عرفات و مشعر و منا و مسیرهای بین راه نیست.

آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط واجب پس از ورود به مکه برای رفتن به مسجدالحرام و همچنین در منا و عرفات برای حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر از سایبان‌های متحرک مانند چتر و اتومبیل سقف‌دار استفاده نکند.

آیه الله سیستانی: اما پس از پیاده شدن و جایی را منزل خود قراردادن، اگر محرم بخواهد جهت انجام کارهایش به اینجا و آنجا برود؛ مانند اینکه در مکه منزل کند و بخواهد جهت انجام طواف و سعی به مسجدالحرام برود و یا به منزل خود در منا وارد شود و بخواهد به قربانگاه یا جمرات برود، حکم به جواز سایه قرار دادن بالای سر خود، چون به وسیله چتر و چه سوار شدن ماشین سقف‌دار خیلی مشکل است، و احتیاط نباید ترک شود. ←

[۴۳۹] م - فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل، بین آنکه در محملی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سرپوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد.

[۴۴۰] م - احتیاط آن است که در وقت طی منزل، به پهلوئی محمل یا هر چیزی که بالای سر او نباشد، استظلال نکند،^۱ اگرچه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.

[۴۴۱] م - کسانی که از تهران یا جای دیگر می‌خواهند به مکه مشرف شوند یا هواپیما، اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران، نذر آنها صحیح است و باید محرم شوند^۲ و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما، باید بروند به حج، لیکن برای زیر سقف

→ **آیه الله نوری:** حرمت سایه قرار دادن، اختصاص به سایه‌ای دارد که با شخص حرکت می‌کند مثل چتر و ماشین مسقف و هواپیما و اما سایه ثابت مثل پل و تونل هر قدر طولانی باشد جواز عبور از زیر آنها بدون اشکال است

۱. **آیه الله بهجت:** احوط ترک سایه انداختن از آفتاب است، اگرچه منحرف از بالای سر باشد با چیزی که در سر ممنوع است.

آیه الله تبریزی: حرمت و ثبوت کفاره در تظلیل جانبی مبنی بر احتیاط است.

آیه الله خویی: و احوط بلکه اظهار این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود، پس اگر از طرف چپ و راست چیزی بر او سایه بیفکند؛ به نحوی که تأثیر در کم شدن گرما یا سرما یا باد و نحو آن داشته باشد، جایز نیست و کفاره دارد.

آیه الله زنجانی: محرم نمی‌تواند در سایه سایبان متحرکی که بالای سر او نباشد نیز حرکت کند، ولی قرار گرفتن در سایه صندلی‌ها و دیوارهای ماشین، اشکال ندارد، و فرقی بین ماشین خود و دیگری نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: گذشتن از زیر پل‌های وسط راه مانعی ندارد و همچنین بودن در سایه‌ای که از دیوارهای اتومبیل سر باز و مانند آن به وجود می‌آید. **آیه الله سبحانی** اضافه فرموده‌اند به شرطی که مانع از تابش مستقیم خورشید نشود.

آیه الله سیستانی: سایه‌های متحرک که بالای سر محرم قرار نگرفته برای پیاده مطلقاً جایز است و سواره احتیاطاً اجتناب کند مگر اینکه کوتاه باشد که سر و سینه را فرا نگیرد.

آیه الله نوری: استظلال، اختصاص به بالای سر دارد و شامل سایه حاصل از دیوار ماشین نمی‌شود.

۲. **آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم:** نذری که سبب می‌شود محرم ناچار گردد با وسیله سرپوشیده سفر کند باطل است. ←

بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند.

[۴۴۲] م - کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر محرم شود، باید محرم شود^۱ و حتی الامکان باید از راهی برود که زیر سایه - در طی منزل - قرار نگیرد^۲ و اگر راهی نباشد که زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت کار است برای آنکه خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است.^۳

[۴۴۳] م - کسانی که می‌خواهند با هواپیما به مکه بروند، لازم است با هواپیما به مدینه بروند و از آنجا در مسجد شجره محرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آنکه بروند جده به قصد رفتن به جحفه و در صورت امکان بروند به جحفه و از آنجا محرم شوند و با اتومبیل بی‌روپوش بروند به مکه معظمه، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت از جده* محرم شوند و بهتر آن است که در «حده» هم که بین جده و مکه است تجدید احرام کنند.^۴

→ **آیه الله سبحانی:** احتیاطاً این شخص در میقات یا اگر نشد در ادنی الحل تجدید احرام کند.

آیه الله سیستانی: نذر احرام قبل از میقات، برای کسی که می‌داند ناچار می‌شود زیر سقف برود محل اشکال است.

آیه الله فاضل: صحت نذر برای کسی که می‌داند باید در روز با وسیله مسقف حرکت کند محل اشکال است. بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی‌تواند به یکی از مواقیت معروفه برود، نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است، ولی احتیاط آن است که در ادنی الحل تجدید احرام کند. و در هر صورت کفاره زیر سقف رفتن را باید بدهد.

۱. آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی، فاضل، مکارم: به ذیل مسئله ۴۴۱ مراجعه شود.

۲. آیات عظام سبحانی، فاضل، نوری: می‌تواند از راهی برود که زیر سایه قرار بگیرد، مانند تونل و پل و زیر درخت، از سایه‌های ثابت.

۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** ظاهر این است که معصیت نکرده است، ولی برای استتلال اضطراری کفاره باید بدهد.

آیه الله مکارم: معصیتی نکرده است.

* [با نذر]

۴. نظر آیات عظام در مسئله ۲۱۲ گذشت.

[۴۴۴] م - نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است،^۱ گرچه جایز بودن آن به نظر بعید نیست، بنابراین بعید نیست جایز بودن نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می‌کند.

[۴۴۵] م - در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن، فرق نیست^۲ بین سواره و پیاده.
 [۴۴۶] م - کسانی که کشتی سوار می‌شوند در حال احرام، زیر سقف آن نباید بروند، لیکن در کنار دیوار کشتی که سایه است، ظاهراً نشستن جایز است.^۳
 [۴۴۷] م - استظلال در وقت طی منزل برای عذری، مثل شدت گرما یا شدت سرما

۱. **آیه الله بهجت:** استظلال در شب نیست و مانع ندارد و ظاهر مجموع روایات و مقتضای اصل، اختصاص ممنوعیت به سایه انداختن از آفتاب است.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.

آیه الله خامنه‌ای: احوط آن است که در شب‌های بارانی و سرد از سوار شدن به اتوبوس مسقف و مانند آن اگر برای فرار از باران و سرما باشد اجتناب کند.

آیه الله خویی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنهاست. پس اگر هیچ‌کدام از آنها نباشد، به نحوی که وجود و عدم سایبان یکسان باشد اشکال ندارد، و در این حکم بین شب و روز فرقی نیست و در فرض شک در اینکه آیا مظله وجود و عدمش یکسان است یا نه استظلال جایز است.
آیه الله زنجانی: حرکت با وسیله نقلیه سقف‌دار در شب نیز جایز نیست مگر در صورت ضرورت، و در هر حال اگر با علم و عمد مرتکب شود کفارہ دارد، هرچند لزوم کفارہ در بین الطلوعین و شب غیر بارانی؛ بنا بر احتیاط است.

آیه الله سبحانی: حرکت با وسایط نقلیه سرپوشیده به هنگام شب اشکال ندارد مگر اینکه باد شدید یا باران در کار باشد و همچنین حرکت در روز ابری با ماشین مسقف مانع ندارد و همچنین بین الطلوعین و پس از غروب خورشید تا زوال حمزه جزء شب است.

آیه الله سیستانی: سوار شدن در ماشین سقف‌دار و مانند آن در شب و بین الطلوعین و روزهایی که ابر غلیظ مانع تابش خورشید باشد، در صورتی که بارانی نباشد اشکال ندارد و اگر بارانی باشد کفارہ دارد و به احتیاط واجب جایز نیست.

آیه الله مکارم: جایز است مگر در شب‌های بارانی که باید کفارہ بدهد و در روزهای کاملاً ابری و بین الطلوعین نیز استفاده از ماشین سرپوشیده مانعی ندارد.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** بنا بر احتیاط.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۴۰ و ۴۴۱ گذشت.

یا بارندگی جایز است، لیکن باید کفاره بدهد.

[۴۴۸] م - کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است، چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار، بنا بر احتیاط واجب.^۱

[۴۴۹] م - اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره، هرچند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد و یک گوسفند است در احرام حج هرچند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد.^۲

بیستم - بیرون آوردن خون از بدن خود:^۳

[۴۵۰] م - بیرون آوردن خون از بدن دیگری؛ مثل حجامت کردن او، یا دندان او را کشیدن حرام نیست.^۴

[۴۵۱] م - جایز نیست^۵ به مثل خراشیدن بدن، خون از آن بیرون آورد و همین طور به مسواک نمودن،^۶ خون از بن دندانها بیرون آورد.

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، فاضل، صافی،

گلیپایگانی، مکارم، نوری: کفاره آن یک گوسفند است و فرقی بین اختیار و اضطرار نیست.

۲. آیه الله سیستانی: ولی احتیاط مستحب این است که برای هر روزی یک کفاره بدهد.

۳. آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله مکارم: مکروه است در غیر حال احتیاج و ضرورت.

۴. آیه الله زنجانی: لکن اگر این کار، باعث نجس شدن بدن یا لباس محرم شود بدون عذر جایز نیست.

آیه الله سیستانی: اگر آن دیگری محرم باشد احتیاط مستحب ترک است.

۵. آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

۶. آیه الله بهجت، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد، گرچه بداند خون خارج می‌شود و کفاره ندارد.

آیه الله زنجانی: اگر بتواند با احتیاط مسواک بزند نباید در مسواک زدن بی احتیاطی کند؛ ولی اگر لثه‌های او طوری است که معمولاً با مسواک زدن از آن خون بیرون می‌آید مسواک زدن معمولی جایز است؛ هرچند خون بیاید. و در هر حال از خمیردندان معطر که بوی آن به مشامش می‌رسد نباید استفاده کند.

[۴۵۲] م - جایز است در حال احتیاج^۱ خون بگیرد به حجامت و غیر آن و همین طور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جَرَب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگرچه از آن خون درآید.

[۴۵۳] م - خون از بدن در آوردن کفاره ندارد.^۲

بیست و یکم - ناخن گرفتن:

[۴۵۴] م - جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب آزار شود؛^۳ مثل

آنکه بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد.

[۴۵۵] م - جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد؛ چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد.

[۴۵۶] م - فرقی نیست بین آلات ناخن گیری، قیچی باشد یا چاقو یا ناخن گیر و

احتیاط واجب آن است که ازاله ناخن نکند به هیچ وجه، حتی به سوهان و دندان.^۴

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی؛ در حال ضرورت یا رفع ناراحتی.

آیه الله سبحانی؛ در مواردی که ضرورت عرفی صدق می کند، جایز است ولی در غیر ضرورت حتی نباید بدن را جواری بخاراند که خون بیاید یا مویی کنده شود.

۲. آیه الله تبریزی؛ کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

آیه الله خامنه ای؛ اما مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی؛ بنا بر احتیاط مستحب کفاره اش یک گوسفند است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی؛ بنا بر احوط و اولی کفاره آن یک گوسفند است.

آیه الله نوری؛ احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اگر خون از بدن خود درآورد یک گوسفند کفاره بدهد.

۳. آیه الله بهجت؛ لیکن محتمل است فدیة بعضی از ناخن آزار رساننده، قبضه ای از طعام باشد نه مده.

آیه الله تبریزی؛ در این صورت گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی؛ مگر در صورت حرج و در هر حال گرفتن قسمتی از ناخن کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی؛ اگر برای گرفتن ناخن ضرورتی پیدا کند می تواند ناخن بگیرد ولی باید کفاره بدهد و کفاره آن یک مده طعام است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی؛ و کفاره آن یک مده طعام است.

۴. آیات عظام بهجت، خامنه ای، زنجانی، سبحانی، سیستانی؛ فرقی نیست و ازاله ناخن به هیچ وسیله جایز نیست.

[۴۵۷] م - اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد احتیاطاً، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط آن است که ناخن آن را نگیرد،^۱ اگرچه بعید نیست جواز، اگر معلوم شد آن انگشت یا آن دست زیادی است.

[۴۵۸] م - اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد طعام باید کفاره بدهد و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد و همچنین در ناخن‌های پا.
[۴۵۹] م - اگر تمام ناخن دست‌ها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است.^۲

[۴۶۰] م - اگر ناخن دست‌ها را تماماً بگیرد، در یک مجلس یا چند مجلس،^۳ و در محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است.
[۴۶۱] م - اگر تمام ناخن دست‌ها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخن‌های پا یک مد طعام باید بدهد^۴ و همچنین اگر ناخن پاها را بگیرد تماماً و ناخن دست‌ها را کمتر از ده بگیرد.^۵

۱. آیه الله بهجت: در صورت زیادتی، احوط مآ است برای هر یک ناخن.
- آیه الله تبریزی: گرفتن ناخن انگشت زیادی جایز نیست و گرفتن ناخن از دست زیادی چنانچه معلوم شود آن دست زیادی است، خلاف احتیاط است.
- آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.
- آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: گرفتن ناخن زیادی یا ناخن انگشت زیادی جایز نیست.
- آیه الله صافی: در هر دو مورد احتیاط ترک نشود.
- آیه الله فاضل: این احتیاط و احتیاط قبلی ترک نشود، چه زیادی آن معلوم باشد چه نباشد.
- آیه الله مکارم: فرقی میان انگشت زیادی و غیر آن نیست بنا بر احتیاط واجب.
۲. آیه الله بهجت: با عدم تخلل تکفیر برای هر ناخنی، در اثنای هر یک از دست‌ها و پاها و گرنه متجه کفایت مآ است برای هر یک از ناخن‌های باقیمانده در دست‌ها یا در پاها.
۳. آیه الله بهجت: مجالس متعدد باشد، بعد از تکفیر لازم و قبل از تکفیر احتیاط است.
- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.
۴. آیه الله فاضل: در این فرض کفاره برای پا ثابت نیست.
۵. آیه الله فاضل: در این فرض برای ناخن‌های دست کفاره‌ای ثابت نیست.

[۴۶۲] م - اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست، برای هر یک باید یک مد طعام کفاره بدهد^۱ و همچنین است اگر کمتر از ده، در هر یک از دست و پا، بگیرد برای هر یک باید کفاره بدهد.^۲

[۴۶۳] م - اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد، پس اگر تمام را بگیرد باید یک گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب^۳ آن است که برای ناخن زیادی از ده تا، کفاره بدهد برای هر یک، یک مد.

[۴۶۴] م - اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد، ده ناخن اصلی را بگیرد، احتیاط واجب^۴ آن است که یک گوسفند بدهد و اگر بعضی از ناخن‌های اصلی را و بعضی از ناخن‌های زیادی را بگیرد برای ناخن‌های اصلی یک مد بدهد و برای زیادی‌ها احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهد.^۵

[۴۶۵] م - اگر تمام ناخن‌های دست را گرفت و کفاره آن را داد و بعد در همان مجلس ناخن‌های پا را تماماً گرفت باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد.^۶

۱. آیه الله زنجانی: باید احتیاطاً ده مد طعام (حدود ۹۰۰ گرم) و یک گوسفند کفاره بدهد.

۲. آیه الله سبحانی: اگر ده ناخن از دست یا پا و یا هر دو تلفیقاً بگیرد، باید یک گوسفند کفاره بدهد و در کمتر از آن برای هر ناخن یک مد کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: در کفاره دم مماثله لازم نیست. و لذا اگر ده ناخن از دست یا پا و یا هر دو تلفیقاً بگیرد، باید یک گوسفند کفاره بدهد و در کمتر از آن برای هر ناخن یک مد کفاره بدهد.

۳. آیه الله بهجت: در این مسئله و مسئله بعدی به ذیل مسئله ۴۵۷ مراجعه شود.

آیه الله خویی: تصریحی به این فرع و فرع ۴۶۴ و ۴۶۶ نکرده‌اند و آنچه در مناسک، مسئله ۲۷۶ آمده این است که کفاره گرفتن ناخن‌های دست در یک مجلس یک گوسفند است و همچنین پا.

آیه الله نوری: این احتیاط واجب است.

۴. آیات عظام تبریزی، زنجانی، سیستانی: اگر ده ناخن از ناخن‌هایش را بگیرد احتیاط واجب این است که یک گوسفند بدهد و تفاوتی بین اینکه همه آن ناخن‌ها اصلی یا بعضی زیادی باشد نیست، و اگر کمتر از ده ناخن را بگیرد باید برای هر کدام یک مد بدهد.

۵. آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط واجب.

۶. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله نوری: بنا بر احتیاط.

- [۴۶۶] م - اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای هر یک، یک مد طعام باید بدهد و احتیاط مستحب^۱ آن است که یک گوسفند ذبح کند.
- [۴۶۷] م - اگر محتاج شد به گرفتن ناخن، احتیاط واجب آن است که کفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد.^۲
- [۴۶۸] م - بیست و دوم - کندن دندان است؛ هرچند خون نیاید بنا بر احتیاط^۳ و

۱. آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله سبحانی، آیه الله نوری: بنا بر احتیاط واجب.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در صورتی که بقای ناخن ضرر نداشته باشد؛ مثل اینکه ناخن کنده شده و

ماندنش سبب ناراحتی شود، گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: باید برای هر ناخن یک مشت طعام بدهد و کفاره ده ناخن نیز ده مشت طعام است.

آیه الله سبحانی: کفاره آن برای هر ناخن یک مشت طعام است.

آیه الله سیستانی: باید کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: و می‌تواند برای هر ناخن یک کف از طعام کفاره بدهد.

۳. آیه الله بهجت: کندن دندان در صورتی که موجب خون آمدن شود حرام است ولی کفاره ندارد و اگر موجب

خون آمدن نشود و یا کندن دندان ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: جمعی از فقها نظرشان این است که کندن دندان هرچند خون در

نیاید، از محرمات احرام است و کفاره‌اش را یک گوسفند دانسته‌اند، ولی دلیلش تأمل دارد و بعید نیست این

عمل جایز باشد.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که از کشیدن دندان - اگر موجب بیرون آمدن خون می‌شود - جز

در موارد ضرورت و نیاز خودداری کند.

آیه الله زنجانی: در صورتی که خون بیاید کشیدن دندان بر محرم حرام است و کشیدن دندان شخص دیگر

بر محرم جایز است مگر باعث نجس شدن بدن یا لباس او شود و در هر حال کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: کندن دندان در حال اختیار برای محرم حرام است هرچند خون نیاید و در صورت ضرورت

مانعی ندارد، ولی اگر خون بیاید باید کفاره بدهد و محرم می‌تواند دندان دیگری را بکشد هرچند او نیز محرم

باشد و اگر خون آمد صاحب دندان باید کفاره بدهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بر محرم حرام است که دندان خود را بکند هرچند خون نیاید.

آیه الله مکارم: این احتیاط و احتیاط بعد مستحب است.

- احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.^۱
- بیست و سوم - کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد:^۲
- [۴۶۹] م - اگر گیاهی یا درختی در منزل مُحرم روییده باشد، بعد از آنکه منزل او شده، پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آن را بکند.^۳
- [۴۷۰] م - اگر درختی در منزل او روییده، بعد از آنکه منزل او شده لیکن خودش آن را نکاشته باشد، احتیاط^۴ آن است که آن را قطع نکند گرچه اقوی جواز است.
- [۴۷۱] م - اگر گیاهی که در منزل او روییده، بعد از آنکه منزل او شده و خودش آن را نکاشته باشد احتیاط واجب^۵ آن است که آن را قطع نکند.
- [۴۷۲] م - اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است، نباید آن را قطع کند.^۶

-
۱. آیه الله خامنه‌ای: بیرون آوردن خون از بدن کفاره ندارد، اما مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد.
 - آیه الله سبحانی: این احتیاط مستحب است.
 ۲. آیه الله بهجت: و بریدن و نحو آنها.
 - آیه الله خامنه‌ای: قطع کردن و بریدن و شکستن درختان و گیاهان روییده در حرم، برای محرم و غیر محرم حرام است.
 - آیه الله سبحانی: کندن و بریدن گیاه و درخت حرم، حرام است.
 - آیه الله سیستانی: حتی اگر اصل آن در خارج حرم و شاخه آن در حرم یا به عکس باشد.
 - آیه الله فاضل، آیه الله نوری: و بریدن آن.
 ۳. آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: اختصاص به محرم ندارد و فرقی بین کاشتن خود شخص و دیگری در این صورت نیست، ولی اگر گیاه یا درختی را خود شخص کاشته باشد (آیه الله زنجانی: یا آبیاری کرده باشد) می‌تواند قطع کند، هر چند در ملک دیگری باشد.
 - آیات عظام سبحانی، فاضل، نوری: و یا قطع کند.
 ۴. آیه الله بهجت: کندن و بریدن این‌گونه درخت‌ها و گیاه‌ها اشکال ندارد.
 - آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، گلپایگانی: مانعی ندارد کندن درخت و گیاه در این صورت.
 ۵. آیات عظام بهجت، فاضل، مکارم: این احتیاط واجب نیست، بلکه مستحب است.
 - آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری: قطع آنها اشکال ندارد.
 - آیه الله سبحانی: قطع آنها جایز نیست.
 ۶. آیه الله سبحانی: اگر منزلی را برای استفاده مثلاً یا در ایام حج در مکه خرید و یا اجاره کرد به احتیاط واجب درخت و گیاه خودروی آن را نکند و یا شاخه‌های درختان را نشکند. ←

[۴۷۳] م - درخت‌های میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می‌تواند آنها را قطع کند^۱ و در گیاه‌ها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.

[۴۷۴] م - اگر درختی را که جایز نیست کندنش، بکند، احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند.^۲

→ **آیه الله گلپایگانی:** متعرض این فرع نشده‌اند.

آیه الله مکارم: تنها قطع درختان و گیاهان خودرو که قبل از بنا، در آن بوده حرام است و غیر آن حرام نیست.

آیه الله نوری: منزلی که در آن سکونت کرده ولو نخریده باشد.

۱. **آیه الله فاضل:** میوه‌های آنها و شاخه‌هایی از آنها را که در کمیت یا کیفیت میوه تأثیر می‌گذارد می‌تواند قطع کند اما خود آنها را نباید قطع کند.

آیه الله مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست.

۲. **آیه الله بهجت:** اگر درختی را بکند کفاره دادن یک گاو در درخت بزرگ و یک گوسفند در کوچک و اگر بعض درخت باشد قیمت آن را، موافق احتیاط است در صورتی که در درخت کوچک و در بعض درخت رعایت عدم نقصان از قیمت بشود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کفاره کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است و کفاره قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. و کندن علف یا قطع آن کفاره ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر درختی را که بریدن آن حرام است ببرد بنا بر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: باید یک گاو کفاره بدهد، درخت کوچک باشد یا بزرگ.

آیه الله سبحانی: و از ریشه درآورد اگر بزرگ باشد باید یک گاو و اگر کوچک باشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط کفاره کندن هر درختی قیمت همان درخت و کفاره قطع آن، قیمت همان مقداری است که قطع کرده است و در کندن و قطع گیاه کفاره نیست.

آیه الله صافی: و ظاهر آن است که اگر گاو یا گوسفند را به قصد ما فی الذمه، از عین آنها یا قیمت درخت بدهد و قیمت درخت بیشتر نباشد کافی است.

آیه الله مکارم: در هر دو صورت احتیاط یک گاو است.

آیه الله نوری: اگر درختی را بکند، اگر بزرگ باشد باید یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند و اگر بعض درخت را بکند قیمت آن را کفاره بدهد و در قطع گیاه کفاره نیست به جز استغفار.

[۴۷۵] م - اگر بعض درخت را قطع کند، اقوی^۱ آن است که قیمت آن را کفاره بدهد.

[۴۷۶] م - در قطع گیاهها کفاره نیست به جز استغفار.^۲

[۴۷۷] م - جایز است شتر خود را بگذارد که علف بخورد^۳، ولی خودش برای او قطع نکند.^۴

[۴۷۸] م - آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم، مختص به مُحرم نیست، بلکه برای همه کس ثابت است.

[۴۷۹] م - اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد.^۵

[۴۸۰] م - بیست و چهارم - سلاح در برداشتن، بنا بر احوط^۶ مثل شمشیر و نیزه و

۱. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله قبلی مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: بلکه احوط است.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: در کندن گیاهان کوچک.

۳. آیه الله سیستانی: همچنین چهارپایان دیگر.

۴. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: این کار جایز است.

آیه الله خامنه‌ای: گیاهانی که به عنوان علوفه حیوانات از آن استفاده می‌شود از حکم مذکور مستثنی است.

آیه الله سبحانی: می‌تواند حیوانات اهلی را برای چریدن در حرم رها کند.

۵. آیه الله بهجت: اطلاق حکم به صورت علم به قطع و عدم ضرورت مورد تأمل است

آیه الله سبحانی: اگر قصد این کار را نداشته باشد مانعی ندارد.

۶. آیه الله بهجت: بر محرم حرام است سلاح برداشتن، مگر به جهت ضرورت، که در این صورت کفاره هم ندارد

و منصوص پوشیدن است یا آنکه صدق کند سلاح بر اوست، پس همراه داشتن سلاح حرمت ندارد علی الأظهر.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حمل سلاح بر محرم حرام است و الحاق آلات تحفظ به سلاح احوط است

و کفاره حمل سلاح بنا بر احتیاط یک گوسفند است، آیه الله تبریزی: ولی بودن سلاح نزد محرم اگر حملش

نکند مانعی ندارد هر چند احوط ترک آن است.

آیه الله خامنه‌ای: حمل سلاح برای محرم جایز نیست؛ اما اگر برای حفظ جان خود و دیگران نیاز به حمل

سلاح داشته باشد، حمل آن جایز است. ←

تفنگ و هرچه از آلات جنگ باشد،^۱ مگر برای ضرورت و مکروه است سلاح را همراه بردارد در صورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر باشد^۲ و احوط ترک آن است.^۳

مسائل متفرقه محرمات احرام

[۴۸۱] م - اگر حاجی در حال احرام برای سردرد دستمالی به دور سر ببندد، اگرچه تمام سر را بگیرد کفاره ندارد.^۴

[۴۸۲] م - آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنابراین اگر ماشین از زیر پل‌هایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار مُحرمین از زیر پل‌ها عبور

→ **آیه الله زنجانی:** مسلح بودن بر محرم جایز نیست مگر برای ضرورت، و مکروه است سلاح را همراه داشته باشد.

آیه الله سبحانی: بستن سلاح گرم یا سرد بر خود در غیر حال ضرورت حرام است ولی حمل سلاح در بار و اثاث مانعی ندارد.

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: در برداشتن و پوشیدن سلاح حرام است.
آیه الله مکارم: بنا بر اقوی.

۱. **آیه الله سیستانی:** ولی پوشیدن و حمل وسایل دفاع؛ مانند زره و سپر اشکال ندارد.

۲. **آیه الله مکارم:** خواه ظاهر باشد و یا نباشد.

۳. **آیه الله سبحانی:** حمل سلاح اگر طوری باشد که او را مسلح بدانند، جایز نیست و حمل آن به طوری که او را مسلح ندانند مکروه است ولی پوشیدن و حمل وسایل دفاع مانند زره اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط حمل آن هم به طوری که او را مسلح بدانند جایز نیست. ولی بودن سلاح نزد محرم و حمل آن اگر به طوری باشد که او را مسلح ندانند، اشکال ندارد، ولی احوط ترک آن است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط مستحب.

۴. **آیه الله بهجت:** اگرچه جایز است ولی کفاره دارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: مانعی ندارد ولی یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب کفاره دارد.

آیه الله نوری: احوط ثبوت کفاره است.

کنند و یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شوند و محرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی‌شود و کفاره ندارد.

[۴۸۳] م - شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می‌کند باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن، کفاره تکرار نمی‌شود و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

[۴۸۴] م - پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد، در حال احرام مانعی ندارد.

[۴۸۵] م - در شب، استظلال نیست.^۱ بنابراین، جایز است محرم در شب با ماشین مسقف‌دار به مکه برود، ولی در هوای ابری در روز جایز نیست، مگر ابر به طوری تیره باشد که استظلال صدق نکند.^۲

[۴۸۶] م - جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر محرم شود^۳، ولی اگر زیر سقف سفر می‌کند باید کفاره بدهد.

[۴۸۷] م - تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق نکند،^۴ مگر در مورد حاجت و ضرورت.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۴۴ گذشت.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: استظلال در روز ابری هم جایز نیست.

آیه الله سبحانی: بین الطلوعین و همچنین پس از غروب خورشید تا زوال حمزه جزء شب است و حرکت در روز ابری با ماشین مسقف مانع ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر ابر تیره باشد که اشعه آفتاب را به کلی پوشانده باشد و باران نباشد اشکال ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: استظلال در هوای ابری در روز جایز نیست.

آیه الله مکارم: تیره بودن ابرها لازم نیست، منظور نبودن سایه است.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۴۱ گذشت.

۴. آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب تزریق نکند مگر در صورت نیاز.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط جایز نیست مگر در حال ضرورت.

آیه الله فاضل: و در هر صورت کفاره ندارد.

آیه الله مکارم: مکروه است.

[۴۸۸] م - در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن، فرقی بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند، مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت مثل پل و غیره نیست^۱ و فرقی بین اجبار و اختیار نیست^۲ ولی بر عبور از زیر پل‌هایی که در جاده‌ها هست صادق نیست.

[۴۸۹] م - کسی که حجش را باطل کند، اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده از احرام خارج شده وگرنه در احرام باقی است.^۳

[۴۹۰] م - بعد از آنکه محرم به منزل رسید ولو در محله‌های جدید مکه، که از مسجدالحرام دور هستند، می‌تواند برای رفتن به مسجدالحرام در ماشین‌های مسقف سوار شود یا زیر سایه برود.^۴

استفتائات محرمات احرام

[۴۹۱] س - آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟
ج - از محرمات احرام محسوب نیست.^۵

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، فاضل، مکارم، نوری؛ عبور از زیر سایبان ثابت اشکال ندارد.
- آیه الله زنجانی؛ عبور محرم از زیر سایبان‌های ثابت کوتاه مانع ندارد؛ و عبور از طول سایبان‌ها و تونل‌های طولانی در هوای آفتابی یا بارانی، جایز نیست، مگر در حال اجبار یا مشقت شدید.
۲. آیه الله سیستانی؛ در فرض اجبار قطعاً حرام نیست.
۳. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی؛ اگر حج خود را باطل کند احرامش باطل می‌شود.
- آیه الله زنجانی؛ و با انجام اعمال عمره مفرده از احرام بیرون می‌رود.
- آیه الله مکارم؛ یا در بعضی از موارد که وظیفه او تبدیل به عمره مفرده است، عمره مفرده را به پایان برساند.
۴. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۳۸ گذشت.
۵. آیه الله بهجت؛ اشکال دارد.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی؛ جایز نیست مگر او را اذیت کند. کشتن یک نوع مارمولک (عظایة) کفاره آن یک مشت طعام است.
- آیه الله زنجانی؛ اشکال دارد مگر از آن بر خود بترسد. ←

[۴۹۲] س - اگر از روی علم و عمد در احرام حج، قبل از وقوف عرفه، با زوجه خود جماع نماید مسلماً حج او باطل است، و قبل از وقوف مشعرالحرام هم بنا بر اقوی باطل است و کفاره دارد و بعد از اتمام در سال آینده اعاده کند، آیا در صورت جهل چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - در صورت جهل، عمل او صحیح است و کفاره هم ندارد.^۱

[۴۹۳] س - آیا شوهر پس از مُحل شدن می‌تواند زوجه مُحرّم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج - بر مرد مزبور منعی نیست ولی اگر زن نیز لذت می‌برد، در فرض سؤال نباید حاضر شود، علی‌الأحوط.^۲

[۴۹۴] س - فردی که از احرام در آمده، زنش را که محرم است می‌بوسد، اگرچه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟

ج - اگر زن اختیار نداشته، چیزی بر او نیست. و بر مرد هم کفاره واجب نشده است.^۳

→ **آیه الله سبحانی:** کشتن حیواناتی مانند مارمولک، مار، مورچه، موش، رتیل، عنکبوت، انواع سوسک‌ها و جیرجیرک‌ها و امثال اینها از محرمات احرام حساب نمی‌شود لیکن اگر محرم از ناحیه آنها اذیتی نمی‌شود نباید آنها را بکشد و یا به آنها اذیت برساند و چنانچه این کار را انجام داد استغفار کند.

آیه الله سیستانی: حرام است. به ذیل مسئله ۳۱۳ مراجعه شود.

آیه الله صافی: اگر اذیت کند، از محرمات محسوب نیست.

آیه الله مکارم: کشتن هیچ حیوانی جایز نیست بنا بر احتیاط واجب مگر حیوانات موذی.

۱. **آیه الله زنجانی:** برای حکم صورت علم و عمد به ذیل مسئله ۳۱۶ مراجعه شود.

۲. **آیه الله بهجت:** اگر زن احتمال می‌دهد که متلذذ شود احتیاط در ترک است.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: در این صورت تمکین زن حرام است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بل الاقوی.

۳. **آیه الله بهجت:** اگر زن می‌داند که متلذذ می‌شود باید مانع شود و مرد بنا بر احتیاط باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه شخص بعد از طواف نساء زن خود را که در حال احرام است ببوسد، باید بنا بر احتیاط یک گوسفند بکشد. ←

[۴۹۵] س - صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارد، آیا می‌شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.

ج - اگر صدق بوی خوش می‌کند، از آن اجتناب کنند^۱ و در غیر این صورت مانع ندارد.

[۴۹۶] س - حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می‌شود، برای محرم

چه صورت دارد؟

ج - احتیاط آن است که آن را به دوش نیندازد^۲ و دست گرفتن آن مانع ندارد.

[۴۹۷] س - در مورد نظر کردن در آینه، گاهی نگاه می‌کند که خود را ببیند و گاهی

برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی، آیا برای محرم فرق می‌کند و یا

یکسان است؟

ج - احوط، اجتناب است در همه موارد ذکر شده در سؤال.^۳

→ **آیه الله سیستانی:** بنا بر احتیاط واجب باید مرد یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: تحقق حرمت بر هیچ کدام ثابت نیست و کفاره هم بر هیچ یک از آنها لازم نیست.

آیه الله گلپایگانی: متعرض مسئله نشده‌اند.

۱. **آیه الله بهجت، آیه الله خویی:** بنا بر احتیاط.

آیه الله خامنه‌ای: استفاده محرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنا بر احتیاط جایز نیست.

آیه الله زنجانی: محرم نمی‌تواند با صابون معطر، صورت خود را بشوید و شستن اعضای دیگر با صابون معطر در صورتی جایز است که بوی خوش آن به مشام او نرسد.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب اجتناب از استعمال آنهاست، در صورتی که بوی خوش داشته باشند.

۲. **آیه الله بهجت:** اگر مثل همیان باشد و صدق لبس نکند اشکال ندارد.

آیات عظام تبریزی، زنجانی، سیستانی، فاضل: مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: پوشیدن چیز دوخته که به آن لباس گفته نمی‌شود مانند کمر بند و همیان و بند ساعت و مانند آن اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: همراه داشتن همیان و کیف و ساک دوخته شده و قمقمه آب و کیسه‌هایی که برای حفاظت از کفش و دمپایی و وسایل زائر است و امثال اینها مانند گهواره‌های کوچکی که برای بچه‌ها روی دست می‌گیرند، اشکالی ندارد.

آیه الله مکارم: حمل کیف‌ها و ساک‌های دوخته، هرچند به شانه و گردن بیندازد مانعی ندارد.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۳۶۸ گذشت.

[۴۹۸] س - در حال احرام عده‌ای از همدیگر عکس می‌گیرند و در دوربین عکاسی که آینه است و یا حالت شفاف و آینه‌مانندی دارد نظر می‌کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟

ج - اگر معلوم نیست که در آینه نظر می‌شود، اشکال ندارد.^۱

[۴۹۹] س - آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگندهای روزمره مردم کوچه و بازار؟

ج - قسم به غیر خدا از محرمات احرام نیست.^۲

[۵۰۰] س - بعضی به علت عرق سوز شدن بدن، احتیاج به پمادی دارند که چربی دارد، آیا مُحرِم می‌تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟

ج - نمی‌تواند مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر مورد ضرورت مگر آنکه بوی خوش داشته باشد، که کفاره آن یک گوسفند است، اگرچه از روی اضطرار باشد.^۳

[۵۰۱] س - در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

۱. آیه الله بهجت: چون برای تزیین نیست اشکال ندارد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بر فرض آینه بودن و نظر کردن به آن، چون غرض غیر زینت است، مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سبحانی: در حال احرام تصویربرداری با دوربین عکاسی یا فیلم‌برداری اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: نظر در آینه صدق نمی‌کند و اشکال ندارد.

۲. آیه الله زنجانی: و قسم‌هایی که بدون توجه، از محرم صادر می‌شود اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: لکن الفاظی مانند «خدا شاهد است»، «خدا وکیلی» و امثال اینها که برخی به هنگام سخن گفتن به آن عادت دارند، بعید نیست که جدال باشد لذا احتیاط واجب در ترک این گونه الفاظ است ولی سهوا مانعی ندارد.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۳۹۹ و ۴۰۰ گذشت.

- ج - فرق نمی‌کند به شرط آنکه دست کشیدن عمدی باشد.^۱
- [۵۰۲] س - اگر غیر مُحرم از محرم ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟
- ج - اگر محرم به اختیار خود حاضر شود که مثلاً مُحَلّی سر او را بتراشد حرام است و باید کفاره بدهد،^۲ ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد، حتی بر مُحَلّ مزبور.
- [۵۰۳] س - محرم سرش تراشد، اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشک شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می‌کند و نمازش قضا می‌شود، آیا وظیفه‌اش تیمم است؟
- ج - اگر نمی‌تواند ولو با دست سر را خشک کند، احوط جمع بین وضو با این حال و تیمم است.^۳

۱. **آیه الله زنجانی:** یعنی اگر عمداً دست بکشد و مو کنده شود کفاره دارد، خواه به کنده شدن مو توجه داشته باشد یا نه.
- آیه الله سبحانی:** اگر در حال التفات به احرام عمداً دست خود را به سر یا ریش خود بکشد و تار مویی کنده شود، یک مشت آرد گندم، کفاره بدهد.
- آیه الله سیستانی:** و بی‌هدف.
۲. **آیه الله سبحانی:** اگر در عمره تمتع محرم به اختیار خود حاضر شود که شخص محل قبل از سعی او را تقصیر کند یا سر او را بتراشد و یا در حج قبل از اعمال روز عید او را حلق یا تقصیر نماید مرتکب حرام شده و باید کفاره دهد لکن کفاره تقصیر قبل از سعی در عمره تمتع یک گاو است.
- آیه الله فاضل:** نسبت به مُحَلّ مطلقاً کفاره‌ای نیست و نسبت به محرم اگر در موقع ازاله بی‌اختیار بوده و یا اسناد ازاله به محرم ولو تسبیحاً محرز نباشد کفاره ندارد.
۳. **آیه الله بهجت:** مرد می‌تواند قسمت جلوی سر را تدریجاً خشک کند به طوری که حوله تمام سر را نپوشاند و وضو بگیرد.
- آیه الله تبریزی:** با دست و یا جای دیگر بدن، سر را به مقدار مسمای مسح، خشک کند.
- آیه الله خویی:** متعرض این مسئله نشده‌اند.
- آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم:** با حوله خشک کند مانعی ندارد.
- آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی:** می‌تواند با گوشه حوله، مقدار لازم از سر را خشک کند.
- آیه الله فاضل:** در فرض سؤال، با دست یا با حوله - به طوری که سر پوشانده نشود - جای مسح را خشک کند.

[۵۰۴] س - کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج محرم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشکال دارد؟

ج - ضرر به عمره و حج ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است باید کفاره بدهد.^۱

[۵۰۵] س - با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم جزو صورت محسوب می‌شود و باید باز باشد یا اینکه اگر مقنعه‌ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لب‌ها بپوشاند مانعی ندارد؟

ج - زیر چانه جزو صورت محسوب نمی‌شود ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده اشکال دارد.^۲

[۵۰۶] س - آیا زن محرم می‌تواند صورت خود را با حوله پاک کند یا حکم سر مرد را دارد که نمی‌تواند روی آن را بپوشاند؟

۱. آیه الله بهجت: در صورت توجه و نیز عدم جهل به مسئله، در غافل و جاهل کفاره نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر از روی اضطرار باشد ظاهراً کفاره ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: در صورت اضطرار یا غفلت از حکم شرعی یا جهل به آن کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: موی مصنوعی انواعی دارد مثل کلاه‌گیس یا کاشتن پیاز مو که حالت طبیعی مو را پیدا می‌کند و گره زدن دسته‌هایی از موی مصنوعی به ریشه مو، بنابراین مرد محرم نباید سر خود را با کلاه‌گیس و یا گره زدن که سر و یا قسمتی از آن را در بر می‌گیرد، بپوشاند اما اگر پیوند و کاشتن مو به گونه‌ای باشد که جزو بدن خود انسان شود و مانند موی خود انسان رشد و نمو داشته باشد، اشکال ندارد و در استفاده از موارد ممنوعه باید کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: اگر از روی ضرورت باشد کفاره ندارد و در غیر این صورت بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

۲. آیه الله بهجت: چانه جزو صورت است که نباید پوشانده شود و بعض صورت نیز در حکم تمام آن است، ولی دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۴۲۹ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

ج - احتیاط، مراعات شود.^۱

[۵۰۷] س - زنها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، صورتشان

پوشیده می شود، چه صورت دارد؟

ج - باید سعی کنند پوشیده نشود^۲، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

[۵۰۸] س - فرموده‌اید که محرم از منزل تا مسجدالحرام می تواند زیر سقف برود، آیا

کسانی که در مسجدالحرام برای حج محرم می شوند می توانند در مکه زیر سقف باشند؟

ج - تا عرفاً در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند

می توانند استظلال نمایند.^۳

۱. آیه الله بهجت: اگر تدریجی باشد مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر حوله را بر روی همه صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر این صورت مانع ندارد.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: جایز نیست.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: پاک کردن صورت با حوله مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: به صورت تدریجی که تمام صورت پوشیده نشود، مانعی ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به نحوی که صورت پوشیده نمی شود خشک کند.

آیه الله نوری: زن محرم نمی تواند صورت خود را با حوله خشک و یا پاک کند؛ چنان که مرد محرم نمی تواند

سر خود را با آن پاک یا خشک کند.

۲. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۴۳۴ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: این مقدار مانعی ندارد.

آیه الله سیستانی: پوشیدن مقنعه که مقداری از اطراف صورت را می پوشاند به احتیاط واجب

جایز نیست.

۳. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط نمی توانند استظلال نمایند.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: در حال حرکت و سیر احتیاطاً نباید استظلال بکنند.

آیه الله خامنه‌ای: احوط آن است که از قرار گرفتن زیر سایه‌های متحرک مثل اتوبوس مسقف و چتر

اجتناب کند.

آیه الله خویی: در قسمت جدید شهر مکه بنا بر احتیاط سوار ماشین سقف‌دار نشود.

آیه الله زنجانی: استظلال در مکه نیز - در حال اختیار و عدم حرج - جایز نیست و فرقی نمی کند که برای

رفتن به مسجدالحرام باشد یا منزل یا عرفات، در منزل مستقر شده باشد یا نه. ←

[۵۰۹] س - کسی که از تنعیم محرم می‌شود، استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج - چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد.^۱

[۵۱۰] س - میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در آنجا

برای عمره مفرده احرام بست می‌تواند در اتوبوس سقف‌دار سوار شود یا خیر، با توجه

به اینکه محل سکونت او مکه است؟

ج - در فرض مذکور مانع ندارد.^۲

[۵۱۱] س - افرادی از مسجد شجره محرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند

ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف‌دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار

شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند،

کفاره دارد یا خیر، و الآن که ایستاده‌اند و می‌خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

ج - برای مدتی که خواب بوده‌اند، یا ماشین ایستاده، کفاره واجب نیست، ولی اگر

بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده ولو اضطراراً، کفاره

واجب است.^۳

→ آیه الله سیستانی: احتیاط نباید ترک شود.

آیه الله مکارم: در مکه مانعی ندارد هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد.

۱. آیه الله بهجت: به احتیاط واجب تظلیل جایز نیست.

آیه الله تبریزی: احتیاط لازم ترک استظلال در تنعیم و در حرکت از آنجا تا مسجدالحرام یا محل

اقامت است.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل سؤال ۵۰۸ مراجعه شود.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط، استظلال نکند تا دخول مکه متیقن سابق.

آیه الله زنجانی: جایز نیست، مگر آنکه مشقت شدید داشته یا از اختیار محرم خارج باشد.

آیه الله سبحانی: استظلال جایز نیست.

آیه الله سیستانی: حکم به جواز استظلال در مفروض سؤال بسیار مشکل است و احتیاط ترک نشود.

۲. در مسئله قبل گذشت.

۳. نسبت به استظلال در شب نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۴۴ گذشت.

آیه الله مکارم: در این صورت کفاره‌ای لازم نیست.

[۵۱۲] س - در حال احرام وقتی ماشین‌های بی‌سقف حرکت می‌کند و سفر انجام می‌شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین درحالی‌که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذاشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟
ج - مانع ندارد.

[۵۱۳] س - کسانی که از مسجدالحرام برای حج محرم می‌شوند و از مسجدالحرام در ماشین سقف‌دار سوار می‌شوند و مثلاً در عزیزیه که منزل ایشان است پیاده می‌شوند، آیا سوار شدن در اتومبیل سقف‌دار از مسجدالحرام به منزل چه صورت دارد، و اگر پیاده نشوند و از اول قصد عرفات داشته باشند حکم چیست؟
ج - در فرض اول مانع ندارد و در فرض دوم احتیاط کند.^۱

[۵۱۴] س - اینجانب یکی از خدمه کاروان حج هستم، امسال (۱۳۶۵) بعد از درک عرفات به اتفاق مدیر کاروان و معاون و اینجانب و بانوان کاروان در یک اتوبوسی سر بسته قرار گرفتیم و برای درک اضطراری به مشعرالحرام رفته و چون در مسیر مزدلفه به منا به راه‌بندان برخوردیم، لذا در هوای آفتابی در اتوبوس سر بسته بودم، ناگاه به یاد آمد که نباید در زیر طاق اتوبوس قرار بگیرم، چند دقیقه‌ای با علم به اینکه اتوبوس سرپوشیده است مانده و پس از توقف اتوبوس بر اثر راه‌بندان پیاده شدم، و مابقی راه را تا محل چادر کاروان در منا پیاده طی نمودم، لذا از محضر آن بزرگوار تقاضا دارم بفرمایید:

۱. آیا کفاره تعلق می‌گیرد یا نه؟
۲. در صورتی که تعلق گرفته باشد باید حتماً در منا ذبح گردد؟
۳. درحالی‌که اکنون در تهران هستم آیا می‌توانم قربانی را در محل اقامت ذبح نمایم؟

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۰۸ گذشت.

آیه الله سبحانی: در فرض دوم جایز نیست.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: در هر دو فرض مانعی ندارد.

۴. در صورتی که خدمه کاروان بودم و به دستور مدیر گروه برای کمک نمودن به بانوان مسن برای رمی جمره عقبه عازم منا بودم و از خود استقلال نداشتم، آیا وجه این گوسفند را چه کسی باید پردازد؟ ستاد حج، مدیر گروه یا اینجانب؟

۵. چنانچه ستاد حج تقبل نموده باشد ذبح را، آیا از گردن اینجانب ساقط می‌گردد یا نه؟

ج - باید قربانی کنید و اگرچه باید در منا ذبح نمایید،^۱ لیکن ذبح در محل خودتان هم برای کفاره کفایت می‌کند و می‌توانید به مسئولین در ستاد نیابت دهید که برای شما ذبح کنند و در این صورت ذبح آنها هم کافی است، ولی بدون نیابت صحیح نیست.

۵۱۵] س - آیا استظلال، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می‌شود؟

ج - فرق نمی‌کند.^۲

۱. **آیه الله تبریزی:** کفاره‌ای که بر محرم برای غیر از شکار واجب شده است، اظهار این است که می‌تواند کشتنش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد و بهتر این است که کفاره را در حج خود بکشد.
- آیه الله خامنه‌ای:** بنا بر احتیاط واجب در منا ذبح کند.
- آیه الله خویی، آیه الله زنجانی:** ذبح در منا لزومی ندارد.
- آیه الله سیستانی:** جای این کفاره بنا بر احتیاط واجب منا است ولی اگر نکشت هر چند بدون عذر باشد ذبح در هر جای دیگر کافی است.
- آیه الله فاضل:** احتیاط این است که کفاره محرمات احرام عمره در مکه ذبح شود و کفاره محرمات حج در منا، ولی فعلاً که گوشت آن در آن دو مکان مصرف فقرای مؤمن نمی‌شود ذبح در وطن جایز بلکه مطابق احتیاط است تا به مصرف فقرای مؤمن برسد.
۲. **آیه الله بهجت:** احوط این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود.
- آیه الله زنجانی:** ولی سایه دیوار ماشین‌ها و سایه صندلی‌ها و همسفران، مانعی ندارد.
- آیه الله سبحانی:** اگر شخص پیاده در سایه ماشین و یا حیوانات و یا هر وسیله متحرک دیگر در حال احرام حرکت کند اشکال ندارد. به شرطی که مانع از تابش مستقیم خورشید نشود بنابراین نمی‌توان زیر سایه چتر ولو اینکه در دست دیگری باشد حرکت کرد.
- آیه الله مکارم:** سایه دیوارهای ماشین بدون سقف و مانند آن مانعی ندارد.
- آیه الله نوری:** استظلال اختصاص به بالاسر دارد و شامل سایه حاصل از دیوار ماشین نمی‌شود.

[۵۱۶] س - آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می‌باشد یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال صدق می‌کند؟

ج - صدق نمی‌کند.

[۵۱۷] س - آیا استظلال فقط مربوط به سقف می‌باشد یا شامل سایه حاصل از دیوار ماشین هم می‌شود؟

ج - شامل نمی‌شود.^۲

[۵۱۸] س - آیا در عرفات هم مثل منا می‌شود زیر چتر حرکت کرد یا حکم عرفات غیر از حکم منا است؟

ج - زیر چتر حرکت کردن در عرفات اشکال ندارد.^۳

[۵۱۹] س - در شهر مکه تونل‌هایی احداث کرده‌اند که طولش بیش از ۱۵۰۰ قدم می‌باشد آیا بعد از احرام حج می‌شود داخل آن با اتومبیل سفر کرد، با علم به اینکه مسقف است؟

ج - مانع ندارد، بلی اگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر آن سقف برود اشکال دارد.^۴

[۵۲۰] س - آیا محرم به محض وصول به مکه می‌تواند استظلال نماید و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟

ج - مکه منزل است و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد.^۵

۱. آیه الله بهجت: فرق نمی‌کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب صدق می‌کند.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: صدق می‌کند.

آیه الله فاضل: گذشت که بنا بر احتیاط واجب برای بدن نیز نباید سایبان قرار دهد.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۴۰ گذشت.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۳۸ گذشت.

۴. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، فاضل،

مکارم، نوری: اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: در صورتی که انتخاب راه روباز با مشقت شدید همراه باشد، مانع ندارد.

۵. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۰۸ گذشت.

[۵۲۱] س - اخیراً از حدود کشتارگاه تا نزدیک جمرات، مسقفی را درست کرده‌اند، آیا عبور از این راه برای محرمی که هنوز منزل نکرده و از مشعر مستقیم به جمرات می‌رود جایز است یا نه؟

ج - مانع ندارد.^۱

[۵۲۲] س - آیا گرفتن ناخن توسط مُحْرِم از غیر مُحْرِم جایز است؟

ج - اشکال ندارد.

[۵۲۳] س - آیا محرم می‌تواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟

ج - اشکال ندارد.^۲

[۵۲۴] س - کندن دندان که بر محرم حرام است^۳، مقصود دندان خودش می‌باشد یا شامل دندان غیر هم می‌شود؟ و در تقدیر حرمت در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟

ج - شامل دندان غیر نمی‌شود، هرچند خون از آن بیرون آید.^۴

[۵۲۵] س - آیا در حال احرام می‌توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش

می‌کند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟

ج - اگر ضرورت دارد مانع ندارد، ولی کفاره دارد علی‌الأحوط.^۵

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۳۸ گذشت.

۲. آیات عظام سبحانی، سیستانی، مکارم: ولی ناخن گرفتن در تقصیر بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۴۶۸ گذشت.

۴. آیه الله سبحانی: هرچند شخص دیگر نیز محرم باشد و اگر خون آمد صاحب دندان باید کفاره بدهد.

۵. آیه الله بهجت: ولی کفاره ندارد علی‌الأظهر، حتی در صورت غیر ضرورت، با خون انداختن اگرچه حرام است چنان‌که گذشت.

آیه الله تبریزی: کشیدن دندان، اگر خون در نیاید، مانع ندارد و کفاره هم ندارد و در صورتی که خون بیاید، اگر برای رفع ناراحتی بوده کفاره ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۴۶۸ مراجعه شود.

آیات عظام زنجانی، سیستانی، فاضل: کفاره لازم نیست.

آیه الله سبحانی: اگر خون آمد باید کفاره بدهد.

آیه الله مکارم: مطلقاً مانعی ندارد و کفاره هم ندارد.

[۵۲۶] س - هرگاه محرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند، آیا یک کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟

ج - باید دو کفاره بدهد^۱ مگر در صورت جهل و نسیان.

[۵۲۷] س - در بین مردم معروف است که محرم نباید به کسی دستور بدهد؛ مثلاً نباید به کسی بگوید یک لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من بدهید و باید خودش بردارد، آیا اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکند گناه کرده است یا نه؟ و در صورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

مستحبات دخول حرم^۲

[۵۲۸] م - ۱. همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم، غسل نماید.^۳

۱. آیه الله بهجت: احتیاطاً.

آیه الله تبریزی، آیه الله زنجانی: یک کفاره کافی است.

آیه الله خویی: حرمت لبس این گونه مخیط به نظر ایشان مبنی بر احتیاط است و لذا احتیاط در دو کفاره است.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب، در صورتی که چیزی که پوشیدن آن حرام است را بپوشد؛ مثل عمامه و کلاه، ولی اگر مثلاً پیراهن خود را بر سر بگذارد، بیش از یک کفاره لازم نیست.

آیه الله مکارم: در مثل پارچه دوخته شده یک کفاره دارد، ولی کلاه دوخته و مانند آن، بنا بر احتیاط واجب دو کفاره دارد.

۲. آیه الله مکارم: به قصد رجا انجام دهد.

۳. آیه الله سبحانی: آنچه از غسل‌های مستحب بیان شده است، یکی غسل ورود به حرم است که اگر کسی تا ورود به مکه آن را تاخیر انداخت مانعی ندارد، سپس غسل ورود به مکه است که این غیر از غسل ورود به حرم است و رجائاً می‌شود هر دو را به یک نیت انجام داد و اگر کسی این دو غسل را انجام نداد و تاخیر انداخت تا موقعی که منزل گرفت، چنانچه در منزل و قبل از رفتن به مسجدالحرام غسل کند، کفایت می‌کند و غسل دیگر غسل ورود به خانه کعبه است.

۲. از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق - جل و علا - پابرنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳. وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّلُ رِجَالاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِنْ أَجَابِ دَعْوَتِكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعاً لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيباً لَكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَالْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ وَأَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۴. وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

مستحبات دخول مکه معظمه

[۵۲۹] م - برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه برود، از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب دخول مسجدالحرام

[۵۳۰] م - مستحب است مکلف برای دخول مسجدالحرام غسل نماید^۱ و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبیه»^۲ وارد شود و گفته اند که باب بنی شیبیه در حال کنونی مقابل باب السلام

۱. آیه الله سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست، مگر اینکه برای طواف باشد.

۲. آیه الله سبحانی: باب اصلی بنی شیبیه محاذی مقام ابراهیم روبه روی رکن که مشهور به رکن عراقی و قبل از ورود به محدوده مطاف بوده است و کسی که از باب السلام وارد می شده می توانسته از آن به مطاف وارد شود و وجه آن در ح ۱ باب ۹ ابواب مقدمات طواف ج ۹ وسایل آمده است. که زمانی که علی علیه السلام «بت هُبَل» را از بام کعبه به زمین انداخت نزد باب بنی شیبیه دفن شد و کسی که از این در وارد می شود پا روی آن می گذارد.

است بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون‌ها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَيَا اللَّهُ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَيَا اللَّهُ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، أَللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدُكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ (لَكَ خ ل) كُفْوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس می گوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجدالحرام شود و رو به کعبه دست‌ها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِكَدُكَ وَالْبَيْتُ بِبَيْتِكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْفُ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

بعد خطاب می‌کند به سوی کعبه و می‌گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالاسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أُخْشِيَ وَأُحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالاسود رسیدی، دست‌های

خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور و صلوات بر پیغمبر بفرست و از

خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، حجر را بوسیده و استلام نما و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أمانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَعِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةَ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ سُبْحَتِي وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْحِزْبِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

فصل دوم: طواف واجب و بعضی از احکام آن

کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع و وارد مکه معظمه شد، اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است، آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع.

[۵۳۱] م - طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن؛ به نحوی که خواهد آمد و هر دوری را شوط می‌گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

[۵۳۲] م - طواف از ارکان عمره است و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است؛ چه عالم به مسئله باشد و چه جاهل باشد.^۱

۱. **آیه الله بهجت:** و وجوب ذبح یک شتر مطلقاً، حتی در حال علم و عمد، موافق احتیاط است.
آیه الله زنجانی: چه عالم به اصل وجوب طواف باشد و چه جاهل به آن، ولی کسی که به خاطر ندانستن برخی از احکام فرعی طواف، طواف صحیح را ترک کرده، در برخی صورت‌ها عمره‌اش باطل نمی‌شود و تفصیل آن در ضمن مسایل طواف خواهد آمد.
آیه الله سبحانی: معنی رکن در نماز غیر از رکن در حج است، ترک رکن در نماز عمداً و سهواً موجب بطلان نماز است ولی ترک رکن در حج در صورت عمد مایه بطلان است نه در صورت سهو.
آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط، جاهل به حکم باید یک شتر کفاره بدهد.

- [۵۳۳] م - چنین کسی که عمره خود را باطل کرد، احوط آن است که حج افراد به جا آورد،^۱ و پس از آن عمره به جا آورد و حج را در سال بعد اعاده کند.
- [۵۳۴] م - وقت فوت طواف، وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره به جا آورد، نتواند وقوف به عرفات کند.^۲
- [۵۳۵] م - اگر از روی سهو ترک کرده طواف را،^۳ لازم است آن را به جا آورد هر وقت که باشد،^۴ و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.
- [۵۳۶] م - اگر سعی را به جا آورده، پیش از آنکه طواف را به جا آورد، احتیاط

۱. **آیه الله بهجت:** و ظاهراً حج او مبدل به حج افراد می شود و وجوب قضای حج بر او در سال آینده قوی است. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** عمره اش باطل می شود و احرام او نیز باطل می شود و باید حج را در سال بعد اعاده کند و احتیاط مستحب این است عدول به حج افراد نموده و آن را به قصد اعم از حج و عمره مفرده تمام نماید.
- آیه الله زنجانی:** باید حج افراد و پس از انجام حج و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده به جا آورد، هر چند حج او استحبایی باشد و اگر در این کار معذور نبوده کفایت از حج واجب نمی کند.
- آیه الله سبحانی، آیه الله گلپایگانی:** حج او مبدل به حج افراد می شود و در سال بعد هم باید حج را قضا کند.
۲. **آیه الله بهجت:** میزان در تنگی وقت... بیم از دست رفتن وقوف اختیاری عرفات است. **آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، فاضل:** یعنی نتواند خود را به اندازه درک مقدار رکن از وقوف - مسمای وقوف اختیاری - به عرفات برساند.
- آیه الله سیستانی:** آخر زمان آن وقتی است که بتواند اعمال عمره را تا ظهر روز عرفه تمام کند.
۳. **آیه الله سیستانی:** یا آن را به طور صحیح انجام نداده.
۴. **آیه الله زنجانی:** و اگر به محل خود برگشته باید به مکه رفته طواف نماید و اگر نتواند یا این کار ضرر جانی شدید داشته باشد باید برای طواف نایب بگیرد و اگر این کار مشقت داشته باشد مخیر است که خودش به جا آورد یا نایب بگیرد و در هر صورت بعد از طواف باید نماز آن را نیز به جا آورد.
- آیه الله فاضل:** و سعی را نیز بنا بر احتیاط اعاده کند.
- آیه الله مکارم:** و در این مدت چیزی بر او حرام نیست و احتیاط آن است که یک گوسفند قربانی به مکه بفرستد و اگر فرستادن به مکه ممکن نیست در محل خود قربانی کند.

واجب^۱ آن است که سعی را هم به جا آورد و اگر نماز طواف را به جا آورده، باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند.

[۵۳۷] م - اگر شخص محرم به واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است، خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند؛^۲ اگرچه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد^۳، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.^۴

[۵۳۸] م - شخص مریض را که طواف می‌دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را، به مقداری که برای او ممکن است، بکنند.

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** اگر طواف را فراموش کند و پیش از فوت وقت به یاد آورد، باید طواف و نماز طواف را به جا آورد و سپس سعی انجام دهد.

آیه الله زنجانی: باید بعد از طواف و نماز، سعی و تقصیر نماید و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند. البته اگر بعد از بازگشتن به وطن متوجه شود، انجام طواف و نماز کافی است.

آیه الله سبحانی: باید علاوه بر طواف و نماز سعی را نیز مجدداً به جا آورد.

آیه الله سیستانی: باید سعی را اعاده نماید، مگر در صورتی که طواف را فراموش کند تا وقت آن بگذرد؛ مثل اینکه طواف عمره را تا وقوف در عرفات یا طواف حج را تا پایان ذی‌حجه فراموش کند، که اعاده سعی لازم نیست گرچه بهتر است.

آیه الله فاضل: بنا بر اقوی سعی را نیز بعد از طواف اعاده کند.

آیه الله مکارم: این احتیاط در مورد سعی مستحب است.

۲. **آیه الله سیستانی:** احتیاط مستحب آن است که به طوری او را طواف دهند که پاهایش به زمین کشیده شود.

آیه الله فاضل: و بهتر است در صورت امکان پاهای او به زمین کشیده شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و طوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود، او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند و اگر هیچ‌گونه ممکن نشود نایب بگیرد که برای او طواف کند.

آیه الله مکارم: و لازم نیست پاهای او به زمین کشیده شود.

۳. **آیه الله زنجانی:** و اگر این کار ممکن نباشد یا با ضرر جانی همراه باشد باید نایب بگیرد و اگر طواف بر او مشقت شدید دارد مخیر است که خود طواف نماید یا نایب بگیرد.

۴. **آیه الله خامنه‌ای:** باید نایب بگیرد.

واجبات طواف

واجبات طواف دو قسم است:

قسم اول - چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:^۱

اول - نیت است؛ یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد.^۲

[۵۳۹] م - نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذرانند، بلکه همان که بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد، کفایت می‌کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر، در این جهت فرق ندارد. پس همان طور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همان طور به جا آورد با نیت به جا آورده.

[۵۴۰] م - باید عبادت را برای اطاعت خدا به جا آورد و در این جهت با کارهای

دیگر فرق پیدا می‌کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند به جا آورد.^۳

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** شرایط صحت طواف چند چیز است: ۱. نیت؛ ۲. طهارت از حدث اکبر و اصغر؛ ۳. طهارت

از نجاست؛ ۴. ختنه بودن برای مردان؛ ۵. پوشاندن عورت؛ ۶. غصبی نبودن جامه طواف؛ ۷. موالات.

آیه الله زنجانی: علاوه بر چیزهایی که در این دو قسمت می‌آید، امور دیگری نیز در طواف واجب، معتبر

است: ۱. موالات بین اجزای طواف؛ ۲. ترتیب بین اجزای طواف؛ ۳. اختیاری بودن طواف؛ ۴. معلوم بودن عدد

اشواط؛ ۵. اجتناب زنان از زدن نقاب. و چون طواف‌کننده در معرض دید ناظر محترم است باید خود را بپوشاند،

خواه طواف واجب باشد یا مستحب، اما این امر، جزء واجبات معتبر در صحت طواف نیست.

۲. نظر **آیات عظام** در مسائل مربوط به کیفیت نیت در بحث نیت در احرام گذشت.

آیه الله خامنه‌ای: در نیت طواف باید تعیین کند که طواف عمره مفرده است یا طواف عمره تمتع. و

همچنین تعیین کند که طواف حجة الاسلام است یا حج نذری یا حج استحبایی. و در صورتی که طواف را به

نیابت از دیگری به جا می‌آورد، آن را نیز قصد کند.

آیه الله سبحانی: و باید نوع آن را مشخص کند و اینکه طواف حج است یا طواف عمره یا طواف نساء در

حجة الاسلام یا حجی مستحبی و یا اگر نایب است به نیت منوب عنه؛ البته اگر انجام وظیفه فعلی را نیت کند

کافی است.

۳. **آیه الله زنجانی:** در طواف مانند سایر عبادات، قصد طواف و تعیین نوع آن و قصد قربت همراه با اخلاص

لازم است. ←

[۵۴۱] م - اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریا کند؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن به جا آورد، طواف او و همین طور هرچه را این طور به جا آورده باطل است و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است.

[۵۴۲] م - ریا بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، باعث بطلان عمل نمی‌شود.

[۵۴۳] م - کفایت می‌کند در صحیح بودن عمل، آنکه برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا، یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب.^۱

[۵۴۴] م - اگر در عملی که برای خدا می‌آورد، رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

دوم - آن است که طاهر باشد از حدث اکبر؛ مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر؛ یعنی باید با وضو باشد.

[۵۴۵] م - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است؛ چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب، که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

[۵۴۶] م - طهارت از حدث اکبر و اصغر، در طواف مستحبی شرط نیست^۲، لیکن

→ **آیه الله سیستانی:** در عبادت معتبر است که برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود؛ خواه اطاعت صدق کند یا نکند.

۱. **آیه الله زنجانی:** برای قصد قربت، کافی است که آن عمل «برای خدا» آورده شود و فرق نمی‌کند که انگیزه «انجام عمل برای خدا» محبت خداوند باشد یا ترس از جهنم یا شوق به بهشت و ثواب یا غیر آن.

آیه الله سیستانی: در فرض صدق معیار مذکور در ذیل مسئله ۵۴۰.

۲. **آیه الله خامنه‌ای:** در طواف مستحب لازم نیست وضو بگیرد ولی بنا بر احتیاط واجب طواف در حال جنابت یا حیض یا نفاس صحیح نیست.

آیه الله سبحانی: در طواف مستحب، طهارت از حدث اکبر شرط است ولی طهارت از حدث اصغر شرط نیست. ←

کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجدالحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً^۱ طواف مستحب کرد صحیح است.

[۵۴۷] م - طواف - یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن - مستحب است و بلکه هرچه شخص بتواند طواف کند خوب است.^۲ و در این طواف طهارت شرط نیست.^۳

[۵۴۸] م - اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف کند، باطل است؛ چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسئله باشد.

[۵۴۹] م - اگر در اثنای طواف، حدث عارض شود، پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم^۴ است، باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همان جا که طواف را قطع کرده تمام کند.^۵

→ **آیه الله سیستانی:** در طواف مستحب طهارت از حدث اصغر شرط نیست و بنا بر مشهور طهارت از حدث اکبر شرط نیست.

۱. **آیه الله فاضل:** یا جهلاً.
 ۲. **آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم:** بهتر است هنگام ازدحام جمعیت برای طواف واجب، طواف مستحب را ترک کنند.
 ۳. **آیات عظام خامنه‌ای، سبحانی، سیستانی:** به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.
 ۴. **آیه الله مکارم:** نصف طواف که همان سه و نیم دور است.
 ۵. **آیه الله بهجت:** آنکه حدث بعد از تجاوز از نصف از روی سهو و غفلت باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همان جا که قطع نموده ادامه می‌دهد و در صورتی که بعد از تجاوز از نصف و از روی عمد باشد حکم به ادامه طواف بعد از قطع آن مورد تأمل است.
- آیه الله تبریزی:** اگر حدث قبل از بلوغ نصف ولو از روی عمد نباشد طواف باطل است و در غیر این صورت، احتیاط واجب این است که آن را اتمام کرده، سپس اعاده نماید، و می‌تواند یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.
- آیه الله خامنه‌ای:** اگر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم حدث اصغر عارض شود، واجب است که قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی که بعد از نصف دور چهارم - قبل از پایان آن و یا بعد از آن - عارض شود طواف را قطع نموده و پس از تحصیل طهارت اگر موالات عرفیه به هم نخورده طواف را تکمیل کند و اگر موالات به هم خورده بنا بر احتیاط طواف قبلی را تکمیل و یک طواف کامل جدید نیز به جا آورد، و می‌تواند به جای آن یک طواف کامل به قصد اعم از اتمام طواف ناقص گذشته یا طواف مستقل جدید به جا آورد و در هر صورت می‌تواند طواف قبلی را رها نموده و از نو طواف کند. ←

→ **آیه الله خویی:** اگر حدث بعد از تمامی دور چهارم و بدون اختیار باشد، در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همان جا که قطع نموده ادامه می‌دهد. و اگر حدث بعد از نصف و پیش از تمامی دور چهارم طواف، یا بعد از تمامی دور چهارم و اختیاری باشد، احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده سپس اعاده‌اش نماید. و به جای این احتیاط اگر این کار را بکند کافی است که پس از قطع طواف و طهارت، یک طواف کامل به قصد اعم از تمام کردن طواف پیش و یک طواف کامل جدید به جا آورد.

آیه الله زنجانی: حدث اختیاری طواف را باطل می‌کند و غیر اختیاری سه صورت دارد، اول: قبل از رسیدن به نیمه شوط چهارم، در این صورت باید پس از تحصیل طهارت، طواف را از سر گرفت. دوم: پس از پایان شوط چهارم که باید بعد از طهارت، طواف قبلی را از جایی که محدث شده تکمیل کند. سوم: پس از رسیدن به نصف طواف و قبل از اتمام شوط چهارم، که باید بعد از طهارت، طواف قبلی را تکمیل کرده نماز آن را بخواند و دوباره یک طواف کامل به جا آورد. در این تفصیل فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

آیه الله سبحانی: اگر بدون اختیار پس از تجاوز از نصف محدث شود باید طواف را قطع کند و پس از تحصیل طهارت از همان جا که طواف را قطع کرده، تمام کند و اگر حدث از روی اختیار باشد احتیاط واجب این است که طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند و سپس طواف را اعاده کند و می‌تواند یک طواف کامل به نیت اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

آیه الله سیستانی: اگر بدون اختیار پس از تمام شدن شوط چهارم محدث شود، باید طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند. و اگر از روی اختیار باشد احتیاط واجب این است که طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند، و سپس طواف را اعاده نماید.

آیه الله فاضل: اگر در بین طواف واجب، حدث عارض شود می‌تواند طواف را رها کند و پس از تحصیل طهارت، آن را از سر بگیرد و اگر بخواهد احتیاط کند، مسئله چهار صورت دارد:

اول: حدث قبل از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل می‌شود که باید بعد از تحصیل طهارت، آن را از سر بگیرد؛ خواه محدث شدن اختیاری باشد یا بدون اختیار.

دوم: پس از رسیدن به نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم باشد، که در این صورت پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره طواف دیگر کند و نماز آن را نیز بخواند، خواه حدث با اختیار باشد یا بدون اختیار.

سوم: بعد از تمام شدن دور چهارم اختیاریاً خود را محدث کند، که در این صورت نیز مثل صورت دوم عمل کند.

چهارم: پس از تمام شدن دور چهارم بی‌اختیار محدث شود، در این صورت پس از تحصیل طهارت، طواف را از آنجایی که محدث شده تمام کند، و صحیح است و در این مسئله فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

[۵۵۰] م - اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم^۱، حدث عارض شود احتیاط واجب آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند و این حکم در حدث اصغر است.^۲

[۵۵۱] م - اگر در اثنای طواف حدث اکبر؛ مثل جنابت یا حیض عارض شود، باید فوراً از مسجدالحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور چهارم^۳ بود، پس از غسل

۱. **آیه الله بهجت:** اگر پیش از تمام شدن نصف طواف، حدث عارض شود طواف را قطع کند، پس از تحصیل طهارت آن را اعاده کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل و لازم است پس از طهارت اعاده شود.

آیات عظام خامنه‌ای، زنجانی، فاضل: وظیفه همان است که در مسئله سابق بیان شد.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: پیش از نصف یعنی سه و نیم شوط باشد پس از تحصیل طهارت طواف را از سر گیرد.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید پس از تحصیل طهارت، آن را دوباره انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: پس اگر به سه شوط و نیم نرسیده، طواف او باطل است و باید بعد از وضو یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از سر بگیرد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به ۴ شوط نرسیده احتیاط به اتمام و اعاده طواف با نمازهای آن ترک نشود.

۲. در نظر **آیات عظام** فرقی بین حدث اصغر و جنابت نیست.

۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** احوط در هر دو صورت (قبل و بعد از شوط چهارم) این است که بعد از پاکی یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیات عظام خامنه‌ای، زنجانی، فاضل، مکارم: به ذیل مسئله ۵۴۹ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: اگر در بین طواف حیض عارض شود، اگر پیش از گذشتن از نصف طواف بوده طواف او باطل می‌شود، باید پس از غسل اعاده کند و اما اگر پس از گذشتن از نصف طواف باشد، باید پس از پاک شدن و غسل، از همان جا که طواف را قطع کرده، تمام کند.

آیه الله سیستانی: اگر زن در حال احرام، حین انجام طواف حائض شود، پس اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است پس اگر وقت وسعت داشته باشد باید صبر کند تا پاک شود و طواف و اعمال بعدی را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد می‌تواند بر عمره تمتع خود باقی بماند، و اعمال آن را به جز طواف و نماز آن انجام دهد؛ یعنی اینکه سعی و تقصیر نماید، و بعد از آن احرام حج ببندد، و پس از فارغ شدن از اعمال منا و بازگشتن به مکه، قبل از اینکه طواف حج را انجام دهد طواف عمره و نماز آن را انجام دهد و احتیاط مستحب این است که به حج افراد عدول نماید و اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد، ←

طواف را اعاده کند.

[۵۵۲] م - اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل^۱ واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.

[۵۵۳] م - اگر تیمم کرد بدل از غسل و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لیکن احتیاط مستحب^۲ آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند.

→ مقداری که انجام داده صحیح است و باقی آن را باید بعد از پاک شدن از حیض و انجام غسل به جا آورد و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر را انجام دهد و برای حج محرم شود و پس از فارغ شدن از اعمال منا و بازگشتن به مکه، قبل از طواف حج، آنچه از طوافش باقی مانده است و نماز آن را انجام دهد.

۱. **آیه الله تبریزی:** در صورت معذور بودن از غسل و مایوس شدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کند و احوط اولی این است که نایب نیز بگیرند.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر برطرف شود...

آیه الله فاضل: و وقت طواف تنگ شود....

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در غسل غیر جنابت، علاوه بر تیمم بدل از غسل در صورت تمکن، باید وضو هم بگیرد و گرنه باید یک تیمم دیگر به جای وضو به جا آورد و جنب متیمم بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد.

۲. **آیه الله بهجت:** احوط جمع بین وضو یا تیمم بدل از آن و تیمم بدل از حدث اکبر است.

آیه الله تبریزی: اگر بدل از غسل جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کند و اگر برای حدث اکبر دیگر غیر از جنابت تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنا بر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب.

آیه الله خویی: لازم است تیمم بدل از غسل بکند.

آیه الله سبحانی: استحباب تکرار تیمم بدل از غسل در جایی است که آب برای غسل ندارد و یا غسل حرجی است ولی برای حدث اصغر آب هست و وضو می‌تواند بگیرد و حدث اکبر دیگری رخ نداده در عین حال تکرار تیمم بدل از غسل در مورد حدث اکبر مستحب است.

- [۵۵۴] م - احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا غسل مرتفع شود، صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود.^۱
- [۵۵۵] م - اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنا بر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.
- [۵۵۶] م - اگر مُحَدِّث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.
- [۵۵۷] م - اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آن را به جا آورده یا نه یا شک کند با غسل آن را به جا آورده یا نه، طواف او صحیح است^۲، لیکن برای اعمال

۱. **آیه الله بهجت:** افضل و احوط تأخیر است ولی اظهر جواز مبادرت است.
- آیه الله خامنه‌ای:** و اگر می‌داند عذر او تا آخر وقت برطرف می‌شود، باید صبر کند.
- آیه الله خویی:** اگر احتمال بقای عذر تا آخر وقت می‌دهد می‌تواند صبر نکند ولی اگر بعداً کشف خلاف شد باید اعاده نماید ولی اگر عذرش نبود آب باشد باید فحص کند، به تفصیلی که در رساله عملیه مذکور است.
- آیه الله زنجانی:** ولی محدث به حدث اصغر اگر در وسعت وقت، رجائاً تیمم کرده بعد معلوم شود که تا تنگی وقت عذرش باقی بوده، کفایت می‌کند.
- آیه الله سبحانی:** انجام تیمم بدون یأس از قدرت بر انجام وضو و یا غسل به احتیاط واجب جایز نیست و چنانچه با یأس از برطرف شدن عذر انجام داد و عذر در وقت برطرف شد اعاده لازم نیست.
- آیه الله سیستانی:** اگر وقت تنگ نباشد، تیمم جایز نیست مگر اینکه از بر طرف شدن عذر مأیوس باشد یا احتمال دهد در صورت تأخیر از انجام تیمم نیز عاجز شود.
- آیه الله گلپایگانی:** با علم به بر طرف شدن عذر، انتظار واجب است و در غیر این صورت تأخیر بنا بر احتیاط مستحب است.
- آیه الله مکارم:** احتیاط مستحب آن است که تا آخرین فرصت صبر کند ولی اگر یقین دارد برطرف می‌شود، باید صبر کند.
۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر بعد از حدث اصغر شک کند در اینکه قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد.
- آیه الله زنجانی:** چنانچه احتمال می‌دهد در حال طواف به رعایت طهارت، توجه داشته طواف او صحیح است.
- آیه الله سبحانی:** و سابقه او از جهت تقدم طهارت و حدث قبل از شروع به طواف روشن نباشد به شک خود اعتنا نکند ولی باید برای اعمال بعد طهارت لازم را تحصیل نماید.

بعد باید طهارت تحصیل کند.

[۵۵۸] م - اگر در اثنای طواف شک کند که وضو داشته یا نه^۱، پس اگر بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همان جا تتمه طواف را به جا آورد^۲ و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم^۳ است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده کند.^۴

۱. **آیه الله بهجت:** حکم شک در طهارت در اثنای طواف هم همان حکم شک است در طهارت در اثنای نماز. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر سابقه طهارت داشته، به شک خود اعتنا نکند و الاً واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد.
- آیه الله خامنه‌ای:** اگر سابقه طهارت داشته، به شک خود اعتنا نکند و الاً واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد و فرقی بین تمام شدن چهار دور و قبل از آن نیست.
- آیه الله زنجانی:** چنانچه حالت سابقه را بداند طبق آن عمل نماید و گرنه باید پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره آن را اعاده کند، خواه بعد از دور چهارم باشد یا قبل از آن.
- آیه الله سبحانی:** در صورتی که سابقه او حدث باشد یا سابقه او از نظر طهارت یا حدث روشن نباشد طواف او در هر دو صورت یعنی چه شک وی قبل از نیمه طواف بوده و چه بعد از آن، باطل است.
- آیه الله سیستانی:** و سابقه طهارت نداشته باشد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** در این صورت باید وضو بگیرد و بعد طواف را از سر بگیرد، چه قبل از تمام شدن چهار دور باشد یا بعد از آن.
- آیه الله فاضل:** اگر در بین طواف شک کند که وضو داشته یا خیر، مسئله سه صورت دارد، اول: حالت سابق خود را بداند که طاهر بوده در این فرض جایز است طواف را تمام کند و برای اتمام آن وضو واجب نیست و اعاده طواف نیز لازم نیست و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن. دوم: حالت سابق خود را بداند که مُحَدِّث بوده، در این فرض ظاهراً هر مقدار طوافی که انجام داده، محکوم به بطلان است؛ چه شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن و باید بعد از وضو از نو طواف کند. سوم: حالت سابق خود را نداند، که در این صورت به احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم یا قبل از آن عارض شده باشد.
- آیه الله مکارم:** و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند.
۲. **آیه الله مکارم:** و سپس احتیاطاً آن را اعاده کند.
۳. **آیه الله مکارم:** قبل از تمام شدن سه و نیم دور طواف او باطل است.
۴. **آیه الله سیستانی:** اتمام لازم نیست بلکه اعاده کند.

[۵۵۹] م - در تمام صورت‌هایی که در شک گفته شد که «بنا بر طهارت بگذارد» یا «طوافش صحیح است» بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجائاً غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می‌شود.

[۵۶۰] م - اگر در اثنای طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه، باید فوراً از مسجدالحرام بیرون برود^۱، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بوده و شک کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را به جا آورد^۲ و الاً بعد از غسل اعاده کند طواف را و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند.

[۵۶۱] م - اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند، موجود نباشد^۳، حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مایوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد. و احتیاط و جوبی^۴ آن است که اگر جنب و حائض و نفساء نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون به جا آوردن غسل‌هایی که بر او لازم است

۱. آیه الله بهجت: اگر متمکن است تطهیر می‌نماید و سپس اعاده می‌کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید غسل کرده و طواف را اعاده نماید.

آیه الله خامنه‌ای: و پس از غسل برگردد و طواف را اعاده کند.

آیه الله زنجانی: و پس از غسل، طواف را تمام کرده و نماز آن را بخواند و سپس آن را اعاده کند، خواه قبل از شوط چهارم شک کرده یا بعد از آن.

آیه الله سبحانی: و پس از طهارت، طواف را از سر بگیرد و چه قبل از نصف طواف باشد و یا بعد از آن.

آیه الله سیستانی: اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می‌گیرد باید تیمم کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می‌گیرد باید فوراً خارج شود. (و در بقیه مسئله، نظریه ایشان موافق متن است).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و پس از طهارت، طواف را از سر بگیرد و چه قبل از شوط چهارم باشد و یا بعد از آن.

۲. آیه الله فاضل: و به احتیاط واجب طواف را اعاده کند.

۳. آیه الله مکارم: فرض فاقد الطهورین در مسجدالحرام وجود ندارد.

۴. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: و احتیاط مستحب آن است.

می‌تواند^۱ وارد مسجدالحرام شود و طواف کند، بنابراین به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نفساء گفته شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجدالحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

سوم - طهارت بدن و لباس است از نجاست^۲؛

[۵۶۲] م - احتیاط واجب^۳ آن است که از نجاستی که در نماز عفو شده - مثل خون کمتر از درهم^۴ و جامه‌ای که با آن نتوان^۵ نماز خواند؛ مثل عرقچین و جوراب حتی

۱. **آیه الله بهجت:** مستحاضه متوسطه و کثیره بدون غسل‌هایی که بر آنها واجب است نمی‌تواند وارد مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ شوند.

آیه الله زنجانی: مستحاضه کثیره بدون غسل‌هایی که بر او واجب است نمی‌تواند وارد مسجدالحرام شود.

آیه الله سبحانی: مستحاضه متوسطه و کثیره اگر وظایف خود را برای نماز انجام داده باشند می‌توانند وارد مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ شوند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بدون به جا آوردن غسل‌هایی که بر او لازم است، بنا بر احتیاط نمی‌تواند وارد مسجد شود.

آیه الله مکارم: و مستحاضه هم نمی‌تواند داخل مسجدالحرام شود.

۲. **آیه الله خامنه‌ای:** بدن و لباس طواف‌کننده باید از خون - و نیز از سایر نجاسات بنا بر احتیاط واجب - پاک باشد.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** خونی که از یک درهم کمتر باشد؛ و نیز خون جراحت‌ها و زخم‌ها که موجب بطلان نماز نمی‌شود، به صحت طواف نیز خللی وارد نمی‌کند. و پاک بودن جوراب و دستمال و انگشتر و مانند آنها شرط نیست.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، واجب نیست، به خصوص در خون قروح و جروح.

آیه الله سبحانی: باید بدن محرم و جامه‌های احرام طواف‌کننده از هر نوع نجاست پاک باشد حتی از برخی از نجاستی که در حال نماز عفو شده مانند خون کمتر از درهم نیز اجتناب کنند لکن چیز نجسی که ساتر عورت نیست مانند جوراب و دستمال کوچک حمل آنها در نماز جایز است و در حال طواف نیز بی‌اشکال است.

آیه الله فاضل: ظاهر آن است که....

۴. **آیه الله زنجانی:** از خون بدن انسان یا حیوان حلال‌گوشت، نه دماء ثلاثه یا خون حیوان حرام‌گوشت.

۵. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی:** طواف در جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند [یعنی ساتر نباشد؛ مانند مثال‌های مذکور در متن] اگر نجس باشد مانع ندارد. و همچنین بودن چیز نجس همراه انسان در طواف مانعی

ندارد. ←

انگشتر^۱ نجس - اجتناب کند.

[۵۶۳] م - در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.^۲

[۵۶۴] م - در خون قروح و جروح، تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد، احتیاط واجب^۳ آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

[۵۶۵] م - احتیاط آن است^۴ که اگر می‌تواند تأخیر بیندازد طواف را تا بشود بی‌مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد به شرطی که وقت تنگ نشود.

[۵۶۶] م - اگر طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف، اظهر آن است که طوافش صحیح است.

[۵۶۷] م - اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است، می‌تواند با آن حال

→ **آیه الله سیستانی:** همراه داشتن چیز متنجس در طواف مانع ندارد.

آیه الله مکارم: نجس بودن این لباس‌های کوچک ضرری ندارد.

۱. **آیه الله سبحانی:** انگشتر صدق ثوب نمی‌کند و معمول متنجس اگر ساطر نباشد اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: در انگشتر و مانند آنکه ثوب صدق نمی‌کند برای صحت طواف طهارت آنها شرط نیست همچنین همراه داشتن چیز متنجس در صورت جهل به مسئله مانعی ندارد.

۲. **آیه الله زنجانی:** اگر زخم یا جراحت یا دملی است که خوب نشده است، لازم نیست برای طواف و نماز آن زخم یا دمل و قسمت‌هایی از بدن و لباس را که معمولاً از آن خون نجس می‌شود تطهیر کند و اگر خوب شده باید بدن و لباس را تطهیر کند، مگر این کار برای او ضرر داشته یا حرجی باشد و از اینجا حکم مسئله بعد نیز روشن می‌شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید.

۳. **آیه الله سبحانی:** بدن را برای طواف تطهیر کند و جامه آلوده به خون را بشوید و یا عوض کند.

۴. **آیه الله خامنه‌ای:** واجب است.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، لازم نیست، بلکه می‌توان بدون تأخیر با تحمل مشقت، تطهیر کرده طواف نمود.

آیه الله سبحانی: اگر وقت طواف وسیع است باید صبر کند تا به نحو آسان بدن را تطهیر نماید و در صورت ضیق وقت می‌تواند با همان حالت طواف نماید.

طواف کند و صحیح است؛ چه بداند که پیش از این پاک بوده یا نداند، لیکن اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است، نمی‌تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

[۵۶۸] م - اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود، اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است.^۱

[۵۶۹] م - اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده، ظاهراً حکم مسئله قبل را دارد.

[۵۷۰] م - اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده، احتیاطاً آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند و از همان جا بقیه طواف را

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی**: هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی‌دانسته و در اثنای طواف دانست یا آنکه پیش از فراغت از طواف، بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامه پاکی داشته باشد همان جامه نجس را کنده و با جامه پاک طواف خود را تمام نماید و چنانچه جامه پاک همراه نداشته باشد. اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست از بدن یا لباس باقیمانده طواف را به جا آورد. و چنانچه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنا بر احتیاط یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سبحانی: اگر بدون رها کردن طواف تطهیر ممکن نباشد باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و فوراً برگردد و طواف را **آیه الله خامنه‌ای** اضافه نموده‌اند؛ اگر موالات به هم نخورده [از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف، شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس بقیه طواف را تمام کند و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاطاً آن است که بعد از تطهیر از همان جا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را به جا آورد.

۲. **آیه الله زنجانی**: باید طواف را رها کند و تطهیر کند و از همان جا بقیه طواف را تمام کند و بنا بر احتیاط مستحب، طواف و نماز را اعاده نیز بنماید. ←

تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده کند؛ خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند و در این احتیاط فرقی نیست بین آنکه بعد از چهار دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است.

[۵۷۱] م - اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط واجب اعاده است،^۱ و همین طور است اگر در بین طواف یادش بیاید.^۲

چهارم - ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زنها نیست، و احتیاط واجب آن است که درباره بچه‌های نابالغ مراعات شود.^۳

→ **آیه الله سبحانی:** حکم این مسئله با حکم مسئله ۵۶۸ یکسان است. البته در صورت فوت موالات احتیاط مستحب حکم به اتمام و اعاده است.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: حکم آن همان حکم مسئله ۵۶۸ است.

آیه الله فاضل: ظاهراً طوافش صحیح است، اگرچه احتیاط استحبابی آن است که... نظر سایر آیات عظام ذیل مسئله ۵۶۸ گذشت.

۱. **آیه الله بهجت:** صحت طواف خالی از وجه نیست و در صورت تذکر در اثنا، تطهیر می‌کند و سپس اتمام می‌نماید.

آیه الله خامنه‌ای: طوافش صحیح است، ولی اگر نماز طواف را هم با بدن و لباس نجس خوانده باید آن را دوباره بخواند و احتیاط استحبابی آن است که در این مسئله طواف را نیز بار دیگر به جا آورد.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، فاضل: طوافش صحیح است.

آیه الله سبحانی: طواف او باطل و باید دوباره اعاده کند. وظیفه جاهل به حکم نیز مانند ناسی است.

آیه الله گلپایگانی: اقوی اعاده طواف است.

آیه الله مکارم: اعاده ندارد.

۲. **آیه الله خامنه‌ای:** وظیفه همان است که ذیل مسئله ۵۶۸ گذشت.

۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** احوط بلکه اظهر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، اگر شخصاً محرم شود باید ختنه کرده باشد و اما اگر بچه ممیز نباشد، اعتبار ختنان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سبحانی: و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست. ←

[۵۷۲] م - اگر بچه را که ختنه نشده وادار به احرام کنند یا او را محرم کنند، احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست.^۱ پس اگر محرم به احرام حج شود، چون طواف نساء او باطل است^۲ بنا بر احوط حلال شدن زن بر او مشکل می‌شود^۳ مگر آنکه او را ختنه کنند و طواف دهند، یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند، یا آنکه نایب برای او بگیرند تا طواف کند.^۴

[۵۷۳] م - اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

→ **آیه الله زنجانی:** در صحت احرام پسر بچه ممیز ختنه شرط است، بنابراین چنانچه چنین کودکی بدون ختنه احرام ببندد محرم نمی‌شود، و در صحت طواف او نیز ختنه شرط می‌باشد، پس اگر بخواهد طواف مستحب انجام دهد باید ختنه کرده باشد و همچنین اگر قبل از ممیز شدن او را - مثلاً به عمره مفرده - محرم کرده باشند و تا زمان تمیز او را طواف نداده باشند نمی‌تواند بدون ختنه طواف کند، و اگر از ختنه معذور باشد برای طواف نایب می‌گیرد و بنا بر احتیاط مستحب خودش نیز طواف می‌کند.

آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد ختنه معتبر است و اگر نباشد احتیاط مستحب است.

آیه الله گلپایگانی: واجب است.

آیه الله مکارم: ختان در صبی شرط نیست و طواف و نماز طواف‌های بچه‌ای که ختنه نشده صحیح است.

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** در ممیزی که خودش محرم شده باشد.

آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد.

آیه الله فاضل: طواف طفل ممیزی که ختنه نشده صحیح نیست، و از غیر ممیز بنا بر احتیاط صحیح نیست هر چند احرام آنها صحیح است.

۲. **آیه الله سبحانی:** تمام طواف‌های او اشکال دارد.

۳. **آیه الله خامنه‌ای، آیه الله مکارم:** به ذیل شرط چهارم مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد بنا بر احتیاط واجب حکم کسی را دارد که طواف را ترک کرده است مگر اینکه پس از ختنه طواف را اعاده کند.

۴. **آیه الله سبحانی:** اگر چنین کودکی بعدها ازدواج کرد، نمی‌تواند با همسر خود نزدیکی کند مگر اینکه ختنه شود و شخصاً طواف کند و یا نایب بگیرد.

آیه الله سیستانی: فتوای ایشان در مورد کفایت نیابت در این فرض، یافت نشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: گرفتن نایب در این صورت (قبل از ختنه) مشکل است.

پنجم - ستر عورت است،^۱ پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است^۲ و معتبر است در آن اباحه^۳، پس با ساتر غصبی طواف صحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز بنا بر احتیاط واجب^۴، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند.^۵

[۵۷۴] م - احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند؛

۱. آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است.
۲. آیه الله زنجانی: اگر مرد یا زنی پوشش لازم را در حال طواف رعایت نکرد، طواف او باطل نمی‌شود هر چند احتیاط مؤکد استحبابی در آن است که برای طواف واجب به آن طواف اکتفا نکند.
- آیه الله سبحانی: بلکه لازم است علاوه بر ستر عورت عریان و برهنه نیز نباشد.
- آیه الله مکارم: حتی اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است.
۳. آیه الله بهجت: طواف در لباس غصبی جایز نیست و در صحت آن تأمل و احتیاط است؛ خصوصاً در ساتر.
- آیه الله خامنه‌ای: لباس طواف‌کننده باید غصبی نباشد و طواف با لباس غصبی بنا بر احتیاط واجب باطل است.
- آیه الله زنجانی: طواف در لباس غصبی - ساتر باشد یا غیر ساتر - حرام و بنا بر احتیاط باطل است و لباسی را که در حال طواف واجب می‌پوشند علاوه بر طهارت بنا بر احتیاط مستحب سایر شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد.
- آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب.
۴. آیه الله سبحانی: باید جامه و کفش و دیگر لباس‌های طواف‌کننده مباح باشد بنابراین طواف در جامه و کفش غصبی باطل است.
- آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: این احتیاط واجب نیست.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر جامه احرام، کفش و یا لباس‌های دیگر شخص طواف‌کننده غصبی باشد طواف باطل است.
- آیه الله نوری: بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز صحیح نیست.
۵. آیه الله سبحانی: طواف در لباس غصبی صحیح نیست و شرایط لباس نمازگزار باید در آن مراعات شود.
۶. آیه الله بهجت: مراعات موالات عرفیه، در غیر موارد عذر حاصل بعد از شوط چهارم، لازم است.
- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: مراعات موالات لازم است.
- آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب، باید میان اجزاء طواف، موالات عرفی وجود داشته باشد، بدین معنا که میان دوره‌های طواف به اندازه‌ای فاصله نباشد که آن را از شکل طواف واحد خارج کند، البته اگر بعد از نصف طواف (سه و نیم دور)، آن را برای اقامه نماز و مانند آن قطع کند، اشکال ندارد. ←

یعنی در بین دورهای طواف آنقدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود. **قسم دوم، [از واجبات طواف] - چیزهایی است که گفته‌اند داخل در حقیقت طواف است، اگرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لیکن در عمل فرقی نمی‌کند و آن هفت چیز است:**

اول - آنکه ابتدا کند به حجرالاسود؛

[۵۷۵] م - در ابتدا کردن به حجرالاسود، لازم نیست که تمام اجزای بدن طواف‌کننده به تمام اجزای حجرالاسود عبور کند،^۱ بلکه واجب آن است که انسان از حجرالاسود،

→ **آیه الله زنجانی:** به تفصیلی که ذیل مسئله ۶۱۶ به بعد می‌آید رعایت موالات عرفی در طواف واجب، لازم است. **آیه الله سبحانی:** هفت شوط طواف و سعی هر کدام یک عمل واحدی است که باید آن را به صورت واحد به جا آورد از این جهت؛ اولاً نباید آنقدر طول داد که از صورت یک عمل در آید و ثانیاً هفت دور را باید پشت سر هم انجام داد و موالات را حفظ کرد و از خواندن نماز مستحبی در اثنای اشواط و دیگر اعمال که از نظر عرف با موالات سازگار نیست خودداری نمود. لکن برای رفع خستگی استراحت کردن و نشستن و مانند اینها به اندازه‌ای که موالات به هم نخورد چه در طواف و چه در سعی اشکالی ندارد.

آیه الله مکارم: در طواف واجب موالات لازم است و در مستحب شرط نیست.

۱. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی:** احوط و اولی این است که تمام بدن خود را بر تمام حجرالاسود بگذرانند و برای انجام این احتیاط، کمی قبل از حجر بایستند و نیت کند که طواف را از محاذات واقعی انجام می‌دهم و زاید بر آن، از باب مقدمه علمیه است.

آیه الله خامنه‌ای: و مانعی ندارد از باب احتیاط اندکی زودتر وارد مسیر طواف شود با این نیت که طواف او از مقابل حجرالاسود باشد.

آیه الله سبحانی: در محاذات کافی است که در نظر عرف دقیق بگویند عمل خود را از محاذی حجرالاسود آغاز کرده و با رسیدن به محاذی آن پایان داد. برای این منظور هنگام کثرت جمعیت که مانع از تشخیص محاذات است، لازم است که کمی قبل از رسیدن به حجرالاسود نیت کند که طواف را از محاذات واقعی آغاز می‌کنم و با رسیدن به آن نقطه نیز پایان می‌دهم.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف را در هر دور واجب است از حجرالاسود شروع کند و به آن ختم کند و چون تحقق این معنا بر وجه حقیقت متعسر و بلکه متعذر است، در تحقق آن اکتفا می‌شود به اینکه پیش از رسیدن به حجرالاسود نیت کند و قصد کند که ابتدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زاید، از باب مقدمه علمیه باشد. و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که محاذی حَجَر شود و این کافی خواهد بود و با همین نیت هفت دور طواف کند. ←

هر جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند.

[۵۷۶] م - آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود: از حجرالاسود شروع به طواف کرد، و ختم کرد به حجرالاسود؛ چه از ابتدای آن شروع کند، چه از وسطش، چه از آخرش.

[۵۷۷] م - از هر جای حجرالاسود که شروع کرد، باید در دور هفتم به همان جا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود و همچنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همان جا ختم شود.^۱

[۵۷۸] م - در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می‌کنند، از محاذات «حجرالاسود»، بدون دقت‌های صاحبان وسوسه شروع کنند، و در دورهای دیگر، بدون توقف دور بزنند^۲ تا هفت دور تمام شود.

[۵۷۹] م - گاهی دیده می‌شود که اشخاص نادان در هر دوری که می‌زنند، می‌ایستند و عقب و جلو می‌روند که محاذات را درست کنند و این موجب اشکال است و گاهی حرام است.

→ **آیه الله فاضل:** آنچه که برای صحت طواف لازم است، آن است که شروع و ختم طواف نزد عرف از خَجَر و محاذی خَجَر باشد و می‌تواند برای یقین به حصول این معنا از باب مقدمه علمیه کمی قبل از حجر نیت کند و در پایان کمی پس از حجر ختم کند.

آیه الله مکارم: دقت در محاذی بودن اجزای بدن با اجزای حجرالاسود لازم نیست همین اندازه که عرفاً محاذات صدق کند کافی است.

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** و البته می‌تواند اندکی بیش از این مقدار با نیت احتیاط طی نماید تا یقین حاصل کند که در همان نقطه آغاز طواف را پایان داده است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی اقوی شروع به طواف است از جزء اول خَجَر.

آیه الله مکارم: این دقت‌ها لازم نیست و محاذات عرفیه با حجرالاسود کافی است.

نظر سایر آیات عظام در مسئله ۵۷۵ گذشت.

۲. **آیه الله خامنه‌ای:** یعنی لازم نیست که در هر دور مقابل حجرالاسود بایستند.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: یعنی توقف لازم نیست.

دوم - ختم نمودن هر دوری است به حجرالاسود و این حاصل می‌شود به اینکه بدون توقف هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم شود^۱ و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند و کارهای جهال را نباید بکنند.

سوم - آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف‌کننده واقع شود.

[۵۸۰] م - لازم نیست در تمام حالات طواف، خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل عليه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود، لیکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** و این از حیث مطاف کافی است و از حیث طائف در ابتدا کافی است محاذات معظم بدن شخص، و تمام بدن محاذات آن احوط است و همچنین در ختم محاذات معظم بدن یا تمام بدن با بعضی از حجر، با رعایت وصول به موضع ابتدا موافق احتیاط است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و در شوط آخر احتیاطاً قدری از حجر بگذرد و زیادی را مقدمه علمیه محسوب دارد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۵۷۷ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: لازم است که کمی قبل از رسیدن به حجرالاسود نیت کند که طواف را از محاذات واقعی حجر آغاز می‌کنم و با رسیدن به آن نقطه پایان می‌دهم، بنابراین دقت‌های صاحبان وسوسه در پیدا کردن محاذات و توقف و عقب و جلو رفتن جهت احراز محاذات لازم نیست و گاهی چه بسا موجب اشکال در طواف هم می‌شود.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** خانه خدا در جمیع احوال طواف، باید در طرف چپ قرار گیرد. پس اگر مقداری این چنین نبود، آن مقدار، از طواف شمرده نمی‌شود. **آیه الله تبریزی** در ادامه می‌فرمایند: و میزان در قرار دادن کعبه در طرف چپ، صدق عرفی است و بهتر این است که دقت شود به خصوص در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبش‌های خانه خدا که در اینجاها باید مواظب بود که به چپ یا راست منحرف نگردد.

آیه الله زنجانی: در حال طواف، لازم نیست روی طواف‌کننده به طرف جلو و شانه چپ او به سمت خانه کعبه باشد، بنابراین طواف‌کننده می‌تواند درحالی که رویش به سوی کعبه است طواف کند، بلکه اگر همان مسیر طواف را عقب عقب برود یا گاهی پشت او به کعبه شود طوافش صحیح است ولی باید در هر حال از حجرالاسود به سمت در خانه طواف نماید؛ پس اگر کودک یا ناتوانی را که طواف می‌دهند در همان مسیر طواف دهند کافی است، هر چند شانه راستش به طرف کعبه باشد. ←

[۵۸۱] م - اگر در موقع رسیدن به گوشه‌های خانه، شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد، اگر به طور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود.^۱

[۵۸۲] م - گاهی دیده می‌شود که بعضی از نادانان، برای احتیاط، دیگری را وادار می‌کنند که او را طواف دهد و خود طواف‌کننده اختیار را از خود سلب می‌کند و به دست دیگری می‌دهد و تکیه به دست او می‌دهد و او را، آن شخص دیگر با فشار دور می‌دهد، این طواف باطل است^۲ و اگر طواف نساء را این طور به جا آورد، زن‌ها یا مردها بر او حرام خواهند بود.

[۵۸۳] م - احتیاط به اینکه خانه در تمام حالات طواف، حقیقتاً به طرف چپ باشد، گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از

→ **آیه الله سبحانی:** چنین حالتی که لازمه طبیعت طواف است اشکالی ندارد فقط باید مواظب باشد پشت به کعبه یا رو به کعبه نشود.

آیه الله سیستانی: خانه باید در همه حالات طواف در طرف چپ باشد، پس اگر رو به آن کند برای بوسیدن و مانند آن یا فشار جمعیت او را ناچار به پشت کردن یا رو کردن به آن کند، آن مقدار از طواف شمرده نمی‌شود ولی معیار صدق عرفی است و لازم نیست در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبش‌های خانه بدن را منحرف سازد.

۱. نظر آیات عظام، در مسئله قبل گذشت.

۲. آیه الله بهجت: باطل نیست.

آیه الله خامنه‌ای: اگر با اختیار خود می‌رود ولی در اثر فشار جمعیت ممکن است گاهی به جلو یا به این طرف و آن طرف برود مانعی ندارد ولی اگر دیگری او را ببرد به طوری که اراده از او سلب گردد اشکال دارد.

آیه الله زنجانی: اگر با اراده خودش قدم برمی‌دارد طوافش صحیح است.

آیه الله سبحانی: طواف‌کننده می‌تواند با تکیه دادن به دیگری طواف کند، مشروط به اینکه قصدش سلب اراده از خود نباشد و قصد طواف را برای خود حفظ کند.

آیه الله مکارم: این طواف باطل نیست. و در بسیاری از مواقع ازدحام طواف ظاهراً اختیار سلب می‌شود و چون از اول مختاراً این راه را انتخاب می‌کند منافات با اختیار ندارد، اما کارهای افراد نادان بسیار بد و زننده است.

آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می‌زنند بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند، در موقع رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه به طوری که خلاف متعارف^۱ و موجب انگشت‌نمایی نشود مانع ندارد.^۲

[۵۸۴] م - اگر به واسطه مزاحمت طواف‌کنندگان، مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد؛ مثل آنکه روی طواف‌کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب‌عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.^۳

[۵۸۵] م - اگر به واسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردند و دور دادند کفایت نمی‌کند^۴ و باید آن دور را از سر بگیرد، اگرچه خانه هم طرف چپ او بوده.

۱. آیه الله فاضل: و خلاف تقیه نباشد و موجب...

۲. آیه الله فاضل: احتیاط در ترک آن است.

آیه الله مکارم: بهتر است به جای این‌گونه کارهای غیر متعارف، مانند همه مسلمین طواف کند و حضور قلب داشته باشد و با خداوند راز و نیاز کند.

۳. آیه الله زنجانی: چنانچه ذیل مسئله ۵۸۰ گفته شد، طواف در تمام این صورت‌ها صحیح است.

آیه الله سبحانی: چون بازگشت به عقب ممکن نیست، بقیه شوط را بدون نیت برود تا نقطه‌ای برسد که طواف او آسیب دیده و یا محاذی آن برسد و از آنجا شوط را تکمیل کند و اگر آن نقطه و یا محاذی را به دقت به یاد ندارد، بدون نیت به حرکت ادامه دهد و یک بار دیگر از حجرالاسود این شوط را تکرار کند به قصد اینکه هر مقدار قبلاً پیموده را تکمیل کند و تا رسیدن به آن نقطه جزء طواف نباشد.

آیه الله سیستانی: و اگر نتواند در اثر ازدحام برگردد و جبران کند می‌تواند تا حجرالاسود بدون قصد طواف برود و از آنجا شوط را کاملاً اعاده نماید.

۴. آیه الله بهجت: البته با ملاحظه اینکه بردن غیر از سلب اختیار است.

آیه الله تبریزی: مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۵۸۲ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر با اراده خودش قدم برمی‌دارد طوافش صحیح است در غیر این صورت مثلاً اگر او را از جا بلند کرده به جلو بردند باید آن مقدار را تدارک کند.

آیه الله سبحانی: مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مشروط بر اینکه نیت کند که خود را در میان جمعیت قرار می‌دهم که طواف کنم و آنچه را بر اثر فشار به جای می‌آورم جزء طواف باشد. ←

[۵۸۶] م - در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می‌تواند آهسته برود و می‌تواند تند برود و می‌تواند بدود و می‌تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند.^۱ لیکن بهتر آن است که به طور میانه‌روی برود.

چهارم - داخل کردن حجر اسماعیل عليه السلام است در طواف؛ و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف‌کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.
[۵۸۷] م - اگر دور حجر اسماعیل نگردید و* از داخل آن طواف کرد، طوافش باطل است و باید اعاده کند.

[۵۸۸] م - اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت.

[۵۸۹] م - اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

[۵۹۰] م - اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد احتیاط واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد^۲ و اعاده کند طواف را، اگرچه ظاهر آن است

→ **آیه الله سیستانی:** اگر به طور کلی اختیار از او سلب شده باشد و در این صورت اگر بتواند آن مقدار را جبران نماید و اگر نتوانست همان‌گونه که در مسئله قبل گفته شد عمل کند و شوط را از سر بگیرد.
آیه الله مکارم: هرگاه با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شود و او را ببرند ضرری ندارد.
۱. **آیه الله زنجانی:** لکن در این صورت تا می‌تواند باید خود طواف‌کننده این وسایل را حرکت بدهد و کسی که پیاده طواف می‌کند در حال اختیار باید ایستاده طواف کند.

*. [در تمام دورها]

۲. **آیه الله بهجت:** باید آن دور اعاده شود در صورتی که در ابتدای طواف، نیت طواف بر بیت محض نکرده باشد و الاً اعاده اصل طواف موافق احتیاط است؛ اگرچه عملاً در یک شوط اختصار نماید.

آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: باید آن دور اعاده شود.

آیه الله خامنه‌ای: اگر از داخل حجر اسماعیل عليه السلام طواف کند و یا از روی دیوار آن بگذرد، طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند، و اگر در یکی از دورهای طواف از داخل حجر بگذرد، فقط همان دور باطل است.

آیات عظام زنجانی، صافی، گلپایگانی: باید آن دور را اعاده نماید و احوط اعاده کل طواف است بعد از اتمام آن. ←

که اعاده طواف لازم نیست.

[۵۹۱] م - اگر کسی در بعضی از دورها، از روی دیوار حجر اسماعیل عليه السلام برود، احتیاط آن است که به دستور مسئله قبل عمل کند^۱ و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمی‌کند تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است.^۲

پنجم - بودن طواف است بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم عليه السلام از همه اطراف.^۳

→ **آیه الله سبحانی:** اگر سهواً و یا از روی جهل به حکم شرعی برخی از دورها را از داخل حجر اسماعیل انجام دهد دو صورت دارد: الف) اگر در همان اثنای طواف متوجه شد باید شوط و یا اشواطی را که به طور غیر صحیح انجام داده تصحیح کند و یا اعاده نماید تصحیح نسبت به اولین دوری که وارد حجر شده و اعاده نسبت به دورهای بعدی و شیوه تصحیح در ذیل مسئله ۵۸۵ بیان شد؛ ب) اگر پس از پایان یافتن عمل طواف متوجه شود در صورتی که ورود به حجر در شوط هفتم رخ داده باشد شیوه تدارک به همان نحو است که گفته شد و اگر شوط آخر درست انجام شد و شوطهای قبلی اشتباه انجام شده در این صورت نماز طواف را بخواند و با صدق به هم خوردن موالات عرفی طواف دیگری به نیت اعم از اتمام (تصحیح) و اعاده انجام دهد و نماز طواف را به جا آورد.

آیه الله فاضل: اظهار این است که آن شوط را اعاده نماید.

آیه الله مکارم: فقط آن دور باطل می‌شود و چون برگشتن غالباً مشکل است می‌تواند همراه جمعیت برود و نزد حجرالاسود نیت کند و ادامه بدهد.

آیه الله نوری: آن مقدار از شوط را که حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرده است اعاده کند، چنان‌که اگر کسی از روی دیوار حجر اسماعیل رفته باشد باید شوط را اعاده نماید.

۱. **آیه الله زنجانی:** طواف کند باید احتیاطاً آن دور را از سر بگیرد و بعد از اتمام طواف و خواندن نماز، طواف و نماز آن را اعاده کند.

۲. **آیه الله بهجت:** اعاده همان جزء از طواف، که به بالا رفتن بر دیوار حجر باطل شده است، لازم می‌باشد.

آیه الله سبحانی: در حکم رفتن در حجر است، بالا رفتن بر دیوار حجر، بنا بر احتیاط.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله مکارم: اگر همان مقدار را اعاده کند کافی است.

۳. **آیه الله بهجت:** لیکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت - بیست و شش ذراع و نیم - نیز کافی باشد برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعین است و با تحریر اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع. ←

→ **آیه الله تبریزی:** در صورت امکان بنا بر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام باشد ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر مشهور، طواف باید در فاصله میان کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام و در جهت‌های دیگر نیز در همین فاصله انجام شود، اما اقوی آن است که طواف کردن در این فاصله شرط نیست و می‌تواند در خارج از این فاصله و در سایر بخش‌های مسجدالحرام نیز طواف را به جا آورد، به ویژه هنگامی که ازدحام شدید مانع از طواف در آن فاصله باشد، البته بهتر آن است که در صورت عدم ازدحام، در فاصله مذکور طواف کند.

آیه الله خویی: و لیکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت بیست و شش ذراع و نیم نیز کافی باشد؛ خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر است و از این مسئله حکم چهار مسئله بعد هم معلوم می‌شود.

آیه الله زنجانی: یعنی در همه اطراف کعبه، مقدار محلی که در شرایط عادی می‌توان در آن طواف کرد، همین مقدار است؛ بنابراین در سمت دیوار حجر، محدوده طواف از بیرون دیوار حجر محاسبه می‌گردد نه از خانه کعبه، و کسی که نمی‌تواند یا برای او مشقت شدید دارد که در محدوده، طواف کند، نایب می‌گیرد و اگر از آن هم معذور است می‌تواند در فاصله دورتر طواف کند و رعایت الاقرب فالاقرب لازم نیست؛ ولی در ایامی از سال - مانند ایام شلوغ حج و ماه رمضان - که محدوده مقام با ازدحام جمعیت روبه‌روست و طواف کردن در این محدوده، در شب و روز برای معمول مردم، مشقت شدید دارد، طواف در فاصله دورتر صحیح است، هر چند برای شخص او طواف کردن در محدوده، مشقت نداشته باشد و فرقی بین طواف عمره و حج، و یا طواف واجب و مستحب نیست و احکام چند مسئله بعد، مربوط به شرایط عادی است که محدوده طواف، توسعه ندارد.

آیه الله سبحانی: یعنی در شعاع تقریباً ۱۲ متر.

آیه الله سیستانی: ولی بعید نیست که در بیش از مقدار ذکر شده هم - هر چند که کراهت دارد - طواف جایز باشد؛ خصوصاً برای کسی که در فاصله ذکر شده توانایی طواف را ندارد یا موجب حرج و مشقت زیاد برای او می‌شود و در صورت توانایی رعایت احتیاط اولی است و از این جا حکم مسائل بعد نیز روشن می‌شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با عدم تمکن از طواف در محدوده به خاطر ازدحام، طواف از پشت مقام به شرط اتصال به جمعیت طواف‌کننده کافی است.

آیه الله فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند، طواف در خارج از محدوده، با رعایت الأقرب فالاقرب صحیح است.

آیه الله مکارم: رعایت این شرط لازم نیست ولی بهتر است.

آیه الله نوری: اقوی این است که در طواف، همین قدر که «طواف دور خانه خدا» صدق کند کافی است و مراعات اینکه طواف بین خانه خدا و مقام ابراهیم علیه السلام است لازم نیست و مستحب است.

[۵۹۲] م - مراد از اینکه: طواف بین کعبه و مقام باشد، آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است و در همه اطراف خانه کعبه، طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه (و ما بین مقام و خانه چنانچه گفته اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) پس در همه اطراف باید همین قدر بیشتر دور نباشد.

[۵۹۳] م - اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند^۱ که مقام ابراهیم هم داخل در طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند.^۲

[۵۹۴] م - اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند^۳ و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگرچه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعاده همان جزء.

[۵۹۵] م - چون در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می شود^۴، زیرا که

۱. آیه الله زنجانی: یعنی تمام اشواط طواف را پشت مقام ابراهیم طواف کند.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله قبل گذشت.

آیه الله تبریزی: اگر ازدحام بوده و طواف در فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام میسر نبود، طوافی که انجام داده صحیح است و اعاده ندارد.

آیه الله سبحانی: اگر به جهت ازدحام، طواف در فاصله یاد شده موجب حرج و مشقت باشد، طواف در خارج محدوده با ملاحظه الاقرب فالاقرب صحیح است و صبر کردن تا اینکه مطاف خلوت شود لازم نیست هر چند موافق احتیاط است.

۳. آیه الله زنجانی: آن مقدار که از مطاف خارج بوده و بعد از آن تا در شوط بعد به همان مکانی که از مطاف خارج شده برسد، باطل است، بنابراین اگر این اشکال در شوط هفتم پیش آمده باید از جایی که از مطاف خارج شده تا حجر الاسود را اعاده کند و اگر در یکی از اشواط قبل رخ داده باید یک دور کامل دیگر بزند تا طوافش تکمیل شود؛ و در هر حال، اعاده همان جزء کفایت نمی کند.

آیه الله سبحانی: اگر طواف کننده بدون عذر از پشت مقام ابراهیم طواف کرد، طواف او باطل است و اگر بعضی دورها را از آنجا عبور کرد، اگر محل تصحیح در اثنا باقی است باید در همان دور تصحیح نماید و اگر محل آن گذشته، باید بعد از خواندن نماز طواف باطل شده و فوت موالات، طواف خود را از سرگیرد و اگر اعمال مترتبه را نیز انجام داده، آنها را نیز بیاورد.

۴. آیات عظام زنجانی، سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می شود.

مقدار حجر از آن کاسته می‌شود و چنانچه گفته‌اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می‌ماند باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشود.

[۵۹۶] م - اگر از جانب حجر اسماعیل عليه السلام بیشتر از شش ذراع و نیم^۱ در دور زدن دور شد اظهر آن است که آن جزء را اعاده کند و از مطاق دور بزند.

ششم - خروج طواف‌کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

[۵۹۷] م - در اطراف دیوار خانه، یک پیش آمدگی است که آن را «شاذروان» گویند و آن جزو خانه کعبه است و طواف‌کننده باید آن را هم داخل قرار دهد.^۲

[۵۹۸] م - اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است^۳ و باید اعاده کند.

[۵۹۹] م - دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن، در آنجایی که شاذروان است جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند،^۴ گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

۱. آیات عظام زنجانی، سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: به ذیل مسئله ۵۹۵ مراجعه شود.

۲. آیه الله زنجانی: به این معنی که اگر از روی شاذروان طواف کند، آن مقدار از طوافش باطل است، و باید مطابق ذیل مسئله ۵۹۴ طوافش را تکمیل کند و همچنین است حکم مسئله بعد.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و احتیاط این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام، سپس طواف را اعاده نماید.

آیه الله سبحانی: باید آن مقدار را اعاده کند و چه بهتر که پس از اتمام طواف و خواندن نماز آن را نیز اعاده نماید.

آیه الله صافی: حکم راه رفتن روی دیوار حجر را دارد که حکم آن گذشت.

آیه الله مکارم: امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملاً طواف روی آن ممکن نیست و در صورت امکان احتیاط در ترک آن است.

۴. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: احوط آن است که در اثنای طواف دست خود را دراز نکند از طرف شاذروان به دیوار خانه به جهت استلام ارکان یا غیر آن و همچنین دست بر روی دیوار حجر نگذارد و اگر بخشی از شوط را با همین حالت انجام دهد به احتیاط واجب آن مقدار را اعاده کند و چون عقب رفتن مشکل است راه خود را به حجرالاسود ادامه دهد و از آنجا شوط را آغاز کند، هر مقدار را که قبلاً صحیح انجام داده بدون نیت طواف برود بقیه را به قصد تکمیل شوط ناتمام به جا آورد. ←

[۶۰۰] م - در حال طواف، دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل عليه السلام جایز است^۱ و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب در ترک است.

هفتم - آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادت.

[۶۰۱] م - اگر از روی عمد، طواف‌کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد و یا بیشتر به جا آورد، طوافش باطل است^۲ اگرچه به هفت دور تمام کند و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند.^۳

→ آیه الله زنجانی: بلکه طواف کردن در حال بوسیدن کعبه نیز جایز است، گرچه...

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

۱. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیات عظام فاضل، صافی، گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

آیه الله نوری: جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده نماید.

۲. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط اصل طواف باطل است.

آیه الله خویی: با فرض تحقق قصد قربت طواف او صحیح است.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط در هر حال طوافش باطل است.

۳. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: اشکال ندارد اگر به هفت دور تمام کند.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: در صورت ندانستن مسئله و در صورت سهو و غفلت، چنانچه به هفت دور تمام کند، اعاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است.

آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله سبحانی: اگر از روی سهو و غفلت و یا عدم آگاهی از حکم شرع با چنین قصدی وارد طواف شود اگر در دور هفتم ختم کند طواف او صحیح است و اگر در کمتر از هفت دور طواف کند و تا موالات به هم نخورده متوجه شود و آن را تکمیل کند طواف او نیز صحیح است و الاً احتیاطاً طواف قبل را تکمیل کند و نماز آن را بخواند سپس طواف و نماز را اعاده کند و می‌تواند یک طواف به نیت اعم از اتمام و تمام به جا آورد و بعید نیست که در صورت فوت موالات اعاده مطلقاً کافی باشد و اگر در بالاتر از هفت شوط به پایان برساند طواف او نیز صحیح است و مضر نیست مشروط بر اینکه از نخست تصمیم به اطاعت امر الهی داشته باشد و تصور می‌کرد که کاهش و افزایش مضر نیست.

- [۶۰۲] م - اگر در اثنای طواف،^۱ از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هرچه به این عمل کرده باطل است و باید اعاده کند^۲ و اگر با این قصد زیادتر آورد^۳ اصل طواف باطل می‌شود.
- [۶۰۳] م - اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.
- [۶۰۴] م - اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همان طور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است.
- [۶۰۵] م - اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور به جا آورد طوافش صحیح است.
- [۶۰۶] م - اگر کم کند از طواف واجب، چه یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور از

۱. آیه الله زنجانی: از روی علم و عمد... .
۲. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط اصل طواف باطل می‌شود، اگر از روی علم و عمد، قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن را کرده باشد.
- آیه الله خویی: اگر قصد قربت مختل شود اصل طواف اشکال پیدا می‌کند.
- آیه الله سبحانی: طواف او باطل است.
- آیات عظام سیستانی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنا بر احتیاط اصل طواف باطل می‌شود.
- آیه الله مکارم: احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده و بعد اعاده کند.
۳. آیه الله بهجت: آنچه که مصادف با نیت زیاده بوده است، باطل می‌باشد.
- آیه الله زنجانی: و یا در کمتر از هفت شوط، طواف را رها کند به نحوی که موالات اجزاء سابق از بین برود اصل طواف، باطل می‌شود؛ و اگر عدول از قصد هفت شوط، از روی سهو یا جهل باشد آنچه با این نیت، انجام داده صحیح است، مگر بیشتر از هفت شوط طواف کرده باشد.
- آیه الله سبحانی: و اگر از روی غفلت و سهو و یا عدم آگاهی از حکم شرعی باشد حکم آن در مسئله قبل گذشت.

روی عمد، واجب است آن را اتمام کند^۱ و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده - که در مسائل فصل چهارم گذشت - به احتیاط واجب^۲ و حکم جاهل به مسئله حکم عالم است.^۳

[۶۰۷] م - اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند^۴ که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است که می‌آید.

[۶۰۸] م - اگر سهواً^۵ از طواف کم کند، پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد اقوی آن

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.
آیه الله زنجانی، آیه الله صافی: اگر به قصد هفت شوط، مشغول طواف واجب شود و آن را ناقص بگذارد باید قبل از فوت موالات، آن را اتمام کند و اگر نکند طوافش باطل می‌شود.
آیه الله سبحانی: اگر موالات به هم نخورده آن را تمام کند و اگر موالات به هم خورده است طواف را تمام کند و نماز به جا آورد سپس طواف را از سر بگیرد و نماز آن را نیز بخواند و اگر هیچ‌کدام را انجام ندهد بسان کسی خواهد بود که عمداً طواف را که رکن است را ترک کرده باشد.
آیه الله سیستانی: اگر طواف کننده در طواف واجب بی‌دلیل طواف خود را قطع کرد به این معنی که از مطاف خارج شود و مشغول به کاری شود که عرفاً صدق کند طوافش را قطع کرده است پس اگر قبل از تمام نمودن شوط چهارم باشد، طواف باطل است و باید آن را دوباره انجام دهد و اگر بعد از آن باشد، احتیاط واجب این است که آن را تمام کند و دوباره انجام دهد. مگر اینکه فوت موالات شود که می‌تواند از سر بگیرد.
آیه الله مکارم: اگر قبل از فوت موالات اتمام کند صحیح است.

۲. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، نوری:** بلکه بنا بر اظهار.

۳. **آیه الله زنجانی، آیه الله سبحانی:** جهل به مسئله، حکم سهواً دارد، که حکم آن در مسئله ۶۰۸ خواهد آمد.

۴. **آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم:** یا فاصله زیادی بدهد.

۵. **آیه الله بهجت:** اگر سهواً از طواف کم کرده پس تمام کردن آن در صورت تجاوز از نصف؛ یعنی با تمام شدن چهار شوط علی‌الأحوط، و از سرگرفتن آن در صورت عدم، خالی از وجه نیست.

آیه الله تبریزی: نظرشان عیناً مانند **آیه الله خویی** در حکم ذیل است، الا اینکه معظم‌آه در مقدار فراموش شده که اگر بیش از یک و کمتر از چهار باشد به جای عبارت: «بایستی برگشته» می‌فرمایند: بنا بر احتیاط بایستی برگشته و کمبود را شخصاً به جا آورد و پس از به جا آوردن، کمبود طواف را اعاده نماید و همچنین اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است. ←

است که از همان جا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد، و الاً احتیاط واجب اتمام و اعاده است.^۱

[۶۰۹] م - اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده طواف را اعاده نماید،^۲ لکن سزاوار نیست ترک احتیاط در همه موارد سهو، به تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن.

→ **آیه الله خویی:** هرگاه مقداری از طواف را سهواً کم کند، اگر پیش از فوت موالات یادش آمد و از مطاف بیرون نرفته باشد کمبود را به جا آورد و طوافش صحیح خواهد بود و چنانچه پس از فوت موالات یا بیرون رفتن از مطاف یادش بیاید و مقدار فراموش شده یک شوط باشد یک شوط را به جا آورد و طوافش صحیح است و چنانچه شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد، باید دیگری را نایب بگیرد که آن شوط را به جا آورد و چنانچه مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد بایستی برگشته و کمبود را شخصاً به جا آورد و بهتر این است که پس از به جا آوردن کمبود طواف را اعاده نماید و اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است.

آیه الله زنجانی: اگر سهواً یا به خاطر ندانستن مسئله، مقداری از طواف را ترک کند یا آن را به شکل باطل انجام دهد هر وقت متذکر شود طواف را تکمیل می‌کند، هرچند از نصف طواف نگذشته باشد یا موالات از بین رفته باشد و اعاده اعمال بعدی لازم نیست.

آیه الله سبحانی: اگر از روی غفلت و فراموشی کمتر از هفت مرتبه کعبه را دور بزنند اگر پیش از آنکه موالات به هم بخورد به خاطر بیاورد باید باقیمانده را به جا آورد و اگر پس از به هم خوردن موالات توجه کند هرگاه آنچه آورده کمتر از سه و نیم شوط باشد طواف را از سر بگیرد و اگر بیش از آن باشد باقیمانده را به جا آورد و بهتر است علاوه بر آن طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: در صورتی که از روی اشتباه یا فراموشی، بعضی از شوط‌های طواف یا قسمتی از یک شوط را انجام نداده باشد، پس اگر پیش از فوت موالات عرفی به یادش آمد، باقیمانده آن را به جا آورد و طواف صحیح است و اگر پس از آن باشد، در صورتی که مقدار فراموش شده، یک یا دو یا سه شوط باشد، آن را به جا آورد و طواف باز هم صحیح است... و در صورتی که مقدار فراموش شده بیش از سه شوط باشد، بنا بر احتیاط واجب باقیمانده را به جا آورد و طواف را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر چهار دور تمام شده باشد لازم است طواف را تمام کند و اگر کمتر از نصف باشد اعاده نماید و در فاصله بین ۳/۵ تا چهار دور احتیاط در تکمیل اشواط و اعاده است.

۱. **آیه الله فاضل، آیه الله مکارم:** بلکه حتی در صورت فوت موالات نیز وظیفه‌اش اتمام است و احتیاط لازم نیست.

۲. نظر آیات عظام در مسئله قبل گذشت.

آیه الله مکارم: اگر موالات به هم نخورده، می‌تواند آن را تکمیل کند، وگرنه باید از نو شروع کند.

[۶۱۰] م - اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود، احتیاط آن است که خودش برگردد^۱ و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد.^۲

[۶۱۱] م - در طواف واجب، قرآن جایز نیست؛ یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد، بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود^۳ و در طواف مستحب مکروه است.

[۶۱۲] م - اگر زیاد کند دوری را - یا کمتر یا بیشتر از دور - بر طواف، و قصدش آن باشد که زیاده را جزو طواف دیگر قرار دهد، داخل در قرآن میان دو طواف است که حرام است.^۴

۱. آیه الله بهجت: و اگر متذکر نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود، پس نایب می گیرد.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی: باید برگردد.

آیه الله سبحانی: اگر بتواند باید برگردد و اگر نصف طواف را انجام نداده، باید طواف را اعاده کند و اگر نیمه اول آن را انجام داده بنا بر احتیاط اتمام و اعاده کند و اگر خود نمی تواند، نایب بگیرد و نایب نیز باید علاوه بر اتمام طواف و انجام نماز، مجدداً طواف و نماز را اعاده کند و علاوه بر نماز طواف نایب، خودش نیز هر کجا هست نماز طواف را بخواند.

آیه الله سیستانی: اگر نتواند باقیمانده را خود به جا آورد، اگر چه به این علت باشد که پس از رجوع به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود قرار دهد و به هر حال نماز طواف را باید خودش هر جا هست بعد از طواف نایب بخواند.

۲. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و در این صورت نیز بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آن است که شتر باشد.

آیه الله مکارم: و احتیاط آن است یک گوسفند در مکه قربانی کند و اگر نتوانست در شهر خودش قربانی کند.

۳. آیه الله زنجانی: خواه طواف دوم، واجب باشد یا مستحب، و این کار، طواف را باطل می کند، ولی اعاده احتیاطی طواف، قرآن نیست و مبطل طواف نیز نمی باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می شود.

۴. آیه الله بهجت: اگر طواف دیگر را به آخر نرساند، نه زیادی در طواف است و نه قرآن. ←

[۶۱۳] م - در فرض سابق، اگر از اول قصد داشته یا در اثنای طواف قصد زیاده کرده باشد، احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند^۱ و اگر بعد از تمام شدن، قصد به جا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اول، زیاده را آورد، اقوی صحّت طواف اول است و احوط اعاده است.^۲

→ **آیه الله تبریزی:** اگر قصد جزئیت زیادی را برای طواف دیگر بنماید و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را به آخر برساند، در این صورت نه زیادی است و نه قران، ولی گاهی طواف در این صورت به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل می‌شود و آن در صورتی است که مکلف هنگام شروع به طواف یا در اثنای آن، با اینکه می‌داند قران حرام و مبطل طواف است آن را قصد نماید که قصد قربت با قصد حرام جمع نمی‌شود، هرچند از باب اتفاق آن حرام انجام نشود.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: اگر طواف دوم کمتر از هفت شوط باشد داخل در قران نیست، بلی اگر از ابتدا قصد هفت شوط دارد و می‌داند قران مبطل است دیگر قصد قربت در طواف اول از او متمشی نمی‌شود.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: اگر طواف دوم را تمام نکند قران نیست ولی اگر قصد قران را داشته باشد با علم به اینکه مبطل است قصد قربت محقق نمی‌شود و طواف باطل است.

آیه الله مکارم: ولی طواف اول باطل نیست، مگر از آغاز چنین قصدی داشته باشد، که در این صورت صحیح بودن طواف اول نیز مشکل است.

۱. **آیه الله بهجت:** کلام ایشان مطلق است و تفاوتی بین اینکه از ابتدا قصد اضافه کردن را داشته باشد یا در اثناء، نگذاشته‌اند.

آیه الله زنجانی: اگر از ابتدا یا اثنا قصد زیاد کردن طواف کامل دیگری بنماید هرچه با این قصد طواف کند باطل است. و اگر بعد از تمام شدن...

آیه الله سیستانی: اگر از ابتدا قصد قران داشته باشد باطل است.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می‌شود، چه از اول این قصد را داشته باشد و یا در بین آن و یا آخر آن.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** بلکه در فرض اتیان به طواف کامل، اظهار بطلان طواف اول است مطلقاً.

آیه الله زنجانی: مگر آنکه این کار باعث فوت موالات بین طواف واجب و نمازش شود.

آیه الله سبحانی: اگر از اول و یا در اثنا یا در پایان طواف در این تصمیم عاقد باشد طواف باطل است ولی نماز آن را احتیاطاً بخواند لکن باید بعد از فوت موالات طواف و نماز آن را اعاده کند و در هر صورت اکتفا به طواف اولی نکند.

آیه الله سیستانی: اگر طواف دوم را تمام کند طواف اول باطل است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط آن است که نماز طواف را بخواند و بعد اصل طواف و نماز آن را اعاده کند.

[۶۱۴] م - اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور، پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است و اگر یک دور یا زیادتر است، احوط^۱ آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آنکه تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.^۲

[۶۱۵] م - جایز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس^۳، و احوط قطع نکردن آن است؛ به

۱. آیه الله زنجانی: واجب است که...

آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط واجب آن را به هفت دور برساند و بعد از اتمام، دو رکعت نماز به عنوان طواف واجب و بعد از سعی دو رکعت هم برای طواف مستحب به جا آورد. نیت هفت دور دوم فقط به قصد قربت و مطلوبیت باشد نه واجب و نه مستحب اگرچه ظاهر این است که هفت دور دوم طواف واجب محسوب می شود و نماز آن بعد از طواف است و هفت دور اول مستحب و نماز آن بعد از سعی.

آیه الله سیستانی: اگر از روی اشتباه چیزی بر شوطهای طواف خود بیافزاید، پس اگر بعد از رسیدن به رکن عراقی یادش آمد، مقدار افزوده را تا یک طواف کامل به اتمام برساند و احتیاط واجب این است که طواف دوم را در این هنگام به قصد قربت بدون اینکه واجب یا مستحب بودن آن را قصد کند به اتمام برساند، و پس از آن چهار رکعت نماز بخواند و احتیاط مستحب این است که بین آنها فاصله ای بیندازد؛ به این معنا که دو رکعت قبل از سعی جهت طواف واجب به جا آورد و دو رکعت پس از سعی جهت طواف مستحبی به جا آورد. و همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر پیش از رسیدن به رکن عراقی یادش بیاید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: این احتیاط مستحب است.

۲. **آیه الله بهجت:** احتیاط در این است که دو رکعت فریضه قبل از سعی به جا آورد و دو رکعت نافله را می تواند بعد از سعی به جا آورد.

آیه الله خویی: حکم نماز طواف در مناسک ایشان مذکور نیست.

آیه الله فاضل: و احتیاط مستحب آن است که دو رکعت نماز بعد از سعی برای غیر فریضه انجام دهد.

۳. **آیه الله بهجت:** احوط عدم قطع طواف واجب است؛ یعنی ترک بقیه آن، به نحوی که موالات عرفیه فوت شود بدون عذر و به مجرد خواهش نفس.

آیه الله خامنه ای: قطع طواف مستحبی و حتی طواف واجب، جایز است؛ هر چند احوط آن است که طواف واجب را به اندازه ای که عرفاً موالات از میان برود، قطع نکند.

آیه الله خویی: قطع طواف و سعی جایز نیست. ←

این معنی که قطع نکند به طوری که ترک بقیه را کند تا موالات عرفیه به هم بخورد. [۶۱۶] م - اگر بدون عذر طواف را قطع کرد، احوط^۱ آن است که اگر چهار دور به جا آورده^۲ باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده کند و این در صورتی است که منافعی به جا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد.

→ **آیه الله زنجانی:** قطع عمدی طواف واجب در غیر موارد خاصه، جایز نیست؛ و مراد از قطع در این مسئله و اکثر مسائل بعدی این است که طواف کننده با ایجاد فاصله یا انجام کارهای زیاد، موالات عرفیه بین اشواط را از بین ببرد. موارد خاصه عبارتند از: استراحت، وضو و غسل و تیمم، آب کشیدن بدن یا لباس، تنگی وقت نماز واجب یا نماز وتر یا نماز جماعت، رسیدن به نماز اول وقت، برآوردن احتیاج دیگری، بیماری، عیادت بیمار، و هر کاری که مطلوب شارع مقدس است و وقت آن می گذرد مانند تطهیر مسجد و تشییع جنازه مؤمن. در تمام مواردی که طواف را رها می کند اگر موالات از بین نرفته باید آن را تکمیل کند و اگر از بین رفته به حکم قطع طواف که در مسائل بعدی می آید رفتار نماید.

آیه الله سبحانی: قطع طواف واجب بدون عذر جایز نیست.

آیه الله سیستانی: قطع طواف واجب برای کاری ضروری بلکه بنا بر اظهر قطع آن مطلقاً گرچه برای کاری با ضرورتی نباشد جایز است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف واجب را نباید بدون عذر قطع کند.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که قطع نکند، ولی چنانچه به هر جهت قطع کرد و از نو یک طواف کامل انجام داد، مجزی و صحیح است، هر چند موالات به هم نخورده، و فرقی نیست که دور دوم را مثلاً رها کند یا غیر آن را.

۱. **آیه الله بهجت:** احوط بلکه اقوی استیناف آن است هر چند که چهار شوط به جا آورده باشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

آیه الله زنجانی: باید طواف را از سر بگیرد و احتیاط مستحب در آن است که اگر قطع بعد از نیمه شوط چهارم بوده، قبل از اعاده، طواف قبلی را تکمیل کرده نماز آن را بخواند.

آیه الله گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به جا آورده باشد، طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند.

نظر سایر آیات عظام در این مسئله و مسئله بعد، در ذیل مسئله ۶۰۶ گذشت.

۲. **آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم:** اگر از نصف تجاوز کرده...

۱. [۶۱۷] م - اگر طواف را قطع کند^۱ و منافعی به جا نیاورده باشد، اگر برگردد و تمام کند طواف صحیح است.

۲. [۶۱۸] م - اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد^۲؛ مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار^۳ پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده، بعد از رفع عذر برگردد^۴ و

۱. **آیه الله زنجانی:** و موالات به هم نخورده باشد، باید قبل از فوت موالات آن را کامل کند.

۲. **آیه الله زنجانی:** قطع طواف واجب به جهت عذر چند صورت دارد: ۱. قطع طواف به خاطر حدث اصغر یا اکبر (جنابت و حیض) حکم آن ذیل مسئله ۵۴۹ گذشت؛ ۲. قطع طواف برای عروض بیماری در اثنای طواف؛ اگر قبل از نصف (۳/۵ شوط) قطع کرد، باید خودش و اگر نمی‌تواند نایبش آن را از سر بگیرد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم قطع کرده باید بدون تأخیر برای تکمیل طواف، نایب بگیرد و کافی است والا باطل می‌شود و باید آن را از سر بگیرد و اگر بین نیمه و پایان شوط چهارم بود باید بدون تأخیر برای تکمیل آن نایب بگیرد و همچنین خودش و اگر نمی‌تواند نایبش یک طواف کامل به جا آورد؛ ۳. قطع طواف برای استراحت یا تطهیر بدن و لباس یا مسجد یا برای تنگی وقت نماز یا رسیدن به نماز اول وقت یا شرکت در نماز جماعت، در تمام این موارد پس از رفع عذر طواف قبلی را هرچند کمتر از نصف باشد تکمیل می‌کند؛ ۴. قطع طواف به جهت موانع خارجی مانند تشکیل صفوف جماعت و نظافت مسجد، حکم آن در ذیل مسئله ۶۴۶ خواهد آمد. در تمام صورت‌های چهارگانه اگر طواف را از سر بگیرد طوافش صحیح است.

۳. **نظر آیات عظام** در بحث حدث اصغر و جنابت در مسئله ۵۴۹ و ۵۵۰ و راجع به حیض در مسئله ۵۵۱ گذشت.

و اما در مورد مرض:

آیه الله بهجت: هرگاه طواف‌کننده به علت عذر ناچار طواف خود را قطع نمود و از مطاف بیرون رفت، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، اگر قادر بر اتمام نباشد احوط آن است که صبر کند تا وقت آن طواف تنگ شود، اگر قادر نشد او را دوش می‌گیرند و طواف می‌دهند و اگر ممکن نباشد نایب از برای او می‌گیرند در اتمام.

آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: در این فرض اگر ناچار به قطع طواف شد و از مطاف خارج گردید، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، احتیاط این است که برای باقیمانده نایب بگیرد و شخصاً بعد از زوال عذر احتیاطاً باقیمانده را به جا آورده و طواف را اعاده نماید.

آیه الله سیستانی، نظریه ایشان مطابق با متن ولی اضافه فرموده‌اند: این در طواف واجب بود و اما در طواف مستحبی، از هر جا که قطع کند مادامی که موالات عرفی فوت نشده است می‌تواند برگردد و تمام نماید و همچنین در مورد عذر، علاوه بر مرض قضای حاجتی برای خود یا برادر دینی ذکر فرموده‌اند.

۴. **آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم:** اگر بعد از تمام شدن سه دور و نیم باشد، و بعد از تحصیل طهارت.

از همان جا تمام کند و اگر قبل از آن بوده^۱، طواف را اعاده کند و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

[۶۱۹] م - اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده، نتوانست به جا آورد تا آنکه وقت تنگ شد، اگر ممکن است، او را حمل کنند و طواف دهند و اگر ممکن نیست نایب^۲ برای او بگیرند.^۳

[۶۲۰] م - اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند^۴، پس اگر بعد از چهار دور^۵ رها کرد از همان جا

۱. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** پس اگر به نصف نرسیده اعاده کند و اگر در فاصله بین ۳/۵ و ۴ بوده احتیاط به اتمام و اعاده طواف است.

آیه الله فاضل: اگر از نصف تجاوز نکرده عذر پیدا شد طواف را اعاده کند و اگر از نصف گذشته و دور چهارم را تمام نکرده است، احتیاط آن است که طواف را تمام کند و اعاده نماید و یا از نو یک طواف کامل انجام دهد.
۲. **آیه الله سبحانی:** و نایب یک طواف کامل به نیت اعم از اعاده و اتمام و یا به عنوان تکلیف فعلی منوب عنه انجام دهد و نماز آن را بخواند و احتیاطاً منوب عنه هم در هر کجا هست اگر امکان دارد نماز طواف را خودش نیز بخواند.
آیه الله سیستانی: اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم عاجز شود و نتواند او را طواف دهند باید نایب بگیرد که طواف را از اول به نیابت او انجام دهد و اگر بعد از تمام کردن شوط چهارم باشد، نایب در مقدار باقیمانده نیابت می‌کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و چون بعید نیست گفته شود که: «طواف حکم نماز را دارد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج به دلیل است» نایب همه طواف را انجام دهد.
نظر سایر آیات عظام در مورد نیابت در مسئله قبل گذشت.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** باید خودش نایب بگیرد.

۴. **آیه الله خامنه‌ای:** اگر طواف واجب را برای اقامه نماز واجب قطع کند، در صورتی که پس از انجام نیمی از طواف چنین کند، پس از نماز ادامه آن را انجام داده و هفت دور کامل می‌کند، و اگر پیش از اتمام نصف طواف چنین کند، در صورتی که فاصله زیادی ایجاد شود، احوط آن است که طواف را از ابتدا انجام دهد، ولی اگر فاصله زیاد حاصل نشده باشد، عدم وجوب رعایت احتیاط در این مورد، بعید به نظر نمی‌رسد، اما رعایت احتیاط در هر حال پسندیده است. در این مورد، تفاوتی ندارد که نماز جماعت باشد یا فردای؛ و وقت نماز تنگ باشد یا نباشد و از این مسئله حکم مسئله بعد نیز روشن می‌شود.

آیه الله زنجانی: و پس از آن بدون تأخیر، طواف را اتمام نماید، هر چند قبل از شوط چهارم باشد.

۵. **آیه الله سبحانی:** بعد از نیمه طواف.

طواف را تمام کند، و الا^۱ اعاده کند.^۲

[۶۲۱] م - جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همان جا بعد از نماز اتمام کند^۳، و احتیاط آن است که به دستور مسئله قبل عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.^۴

[۶۲۲] م - اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتراً از هفت دور به جا آورده یا نه یا شک کند کمتر به جا آورده یا نه، اعتنا نکند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم خالی از اشکال نیست^۵ و احتیاط ترک نشود.

۱. آیه الله بهجت: اگر موالات عرفیه به هم بخورد.

۲. آیه الله تبریزی: اعاده لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیه الله سیستانی: باید اتمام کند و احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی اگر از نصف گذشته و چهار شوط هم تمام نشده، احتیاطاً طواف را تمام کند و بعد اعاده کند.

آیه الله مکارم: در هر دو صورت طواف را کامل کند.

۳. آیه الله بهجت: اگر موالات عرفیه به هم نخورد و اگر به هم بخورد و قبل از اكمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اكمال آن طواف و اعاده آن.

۴. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط مستحب طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط واجب نیست و اگر در جماعت شرکت نکند، ولی صفوف جماعت، طواف را قطع کند حکم آن ذیل مسئله ۶۴۶ خواهد آمد.

آیه الله سبحانی: اگر به خاطر اقامه نماز جماعت نتواند به طواف خود ادامه دهد و ناچار است آن را قطع کند، پس از پایان یافتن نماز جماعت از همان نقطه و یا محاذی آن در هر شوطی که باشد، طواف خود را تکمیل کند.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.

۵. آیه الله بهجت: هرگاه بعد از فراغ از طواف شک نماید که آیا طوافم هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند. ←

[۶۲۳] م - اگر بعد از طواف شک کند که صحیح به جا آورده آن را یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل عليه السلام طواف کرده اعتنا نکند^۱، و طوافش صحیح است اگرچه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی‌زیاده و نقیصه.

[۶۲۴] م - اگر در آخر دور که به حجرالاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.^۲

[۶۲۵] م - اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است.^۳

→ **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** در صورت دوم طواف باطل است مگر اینکه بعد از دخول در نماز طواف شک بکند که به شکش اعتنا نمی‌کند.

آیه الله خامنه‌ای: نباید به شک خود اعتنا کند، بلکه بنا را بر صحت بگذارد.

آیه الله زنجانی: اگر احتمال بدهد هنگام طواف نسبت به رعایت عدد اشواط، التفات داشته است، در هیچ‌یک از دو صورت اعتنا به شکش نکند و الاً باید طواف را اعاده کند.

آیه الله سبحانی، آیه الله نوری: به شک پس از فراغ عمل اعتنا نکند.

آیه الله سیستانی: اگر در عدد شوطها یا در صحت آنها بعد از تمامی طواف یا بعد از تجاوز از محل شک کند نباید به شک اعتنا نماید؛ مثلاً پس از فوت موالات یا بعد از وارد شدن در نماز طواف شک نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط واجب نیست.

آیه الله فاضل: این اشکال در صورت عدم انصراف از طواف است، اما اگر شک بعد از انصراف و دخول در نماز طواف باشد اعتنا نکند و طواف او صحیح است بلکه ظاهراً به محض انصراف هم، طواف محکوم به صحت است و لازم نیست اعتنا کند.

۱. **آیه الله زنجانی:** حکم مسئله قبل را دارد.

۲. **آیه الله زنجانی:** حکم شک بعد از تمام شدن طواف در مسئله ۶۲۲ گذشت.

۳. **آیه الله بهجت:** احوط بطلان طواف است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاطاً به قصد رجا تمام و اعاده طواف نماید. ←

[۶۲۶] م - اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.^۱

[۶۲۷] م - اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنا بر اقل گذارد و طوافش صحیح است.

[۶۲۸] م - شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتنا به شکش نکند^۲ و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

→ **آیه الله زنجانی:** ولی اگر اطمینان دارد تا پیش از پایان طواف، نسبت به تعداد اشواط، حجت شرعی پیدا می کند - مثلاً از رفیقی که اشواط او را می شمرد می پرسد - می تواند طواف را در حال شک ادامه دهد و اگر حجت شرعی پیدا کرد طوافش صحیح است، و الا باطل است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

۱. **آیه الله بهجت:** بطلان طواف او و لزوم استیناف خالی از قوت نیست با آنکه فی الجمله احوط است و احوط از آن بنا بر اقل بگذارد و اتمام و بعد از آن اعاده طواف نماید.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: در شک بین ۶ و ۷، باید آن شوط را تکمیل و نماز طواف را به جا آورد و یک بار دیگر طواف و نماز را مجدداً اعاده کند؛ البته در تمام موارد اعاده طواف بهتر است مقداری بین طواف قبل و بعد فاصله بیندازد.

آیه الله سیستانی: اگر شک در نقیصه در غیر ۶ و ۷ باشد، طوافش باطل است. و اگر شک در پایان شوط بین ۶ و ۷ باشد، بنا بر احتیاط واجب طواف را اعاده کند ولی اگر در این صورت بنا بر ۶ گذاشت و از روی جهل به مسئله طواف را تمام کرد و متوجه مسئله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است و اگر شک در زیاده و نقصان باشد؛ مثل اینکه شک کند بین ۶ و ۷ و ۸ و یا شک بین ۶ و ۸ طوافش باطل است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۲. **آیه الله خویی:** کثیر الشک در طواف تا به حد وسواس نرسد باید به شکش اعتنا کند.

آیه الله زنجانی: بنا بر اقل، گذاشته طواف را تمام می کند و سپس دوباره اعاده می کند؛ البته می تواند به شمارش دیگری اکتفا کند هرچند از گفته او اطمینان پیدا نکند، و همچنین اگر کثرت شک به حد وسواس برسد اعتنا نکند.

آیه الله سبحانی: بنابراین بنا را به طرفی نمی گذارد که موجب بطلان طواف او باشد اما در رمی باید آنقدر پرتاب کند که یقین نماید.

آیه الله مکارم: و بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد.

۱. [۶۲۹] م - گمان در عدد دورها اعتبار ندارد^۱ و حکم شک را دارد.
 ۲. [۶۳۰] م - اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف به جا نیاورده، باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند.^۲
 ۳. [۶۳۱] م - اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همان جا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را به جا آورد و طواف و سعی صحیح است. لیکن احتیاط آن است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید^۳ و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.

۱. **آیه الله بهجت:** حکم آن مانند حکم ظن در نماز (یقین) است.

۲. **آیه الله سبحانی:** باید هر کجای سعی هست آن را رها کند و برگردد و طواف و نماز آن را به جای آورد و سپس احتیاطاً سعی را تمام و اعاده کند.

۳. به نظر **آیات عظام**، که در مسئله قطع طواف سهواً در ذیل مسئله ۶۰۸ و ۶۰۹ مفصلاً ذکر شد؛ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: احتیاط در اتمام و سپس اعاده سعی است.

آیه الله تبریزی: این احتیاط در اتمام و اعاده طواف ترک نشود و همچنین است نسبت به سعی. ولی اگر سعی فراموش شده یک شوط باشد، اعاده لازم نیست و اتمام کافی است.

آیه الله خویی: اگر مقدار باقیمانده از طواف، بیش از یک شوط و کمتر از چهار شوط باشد، طواف را تکمیل و بهتر است اعاده هم نماید و اگر بیش از آن بود، به احتیاط واجب طواف را پس از اتمام اعاده نماید.

آیه الله سبحانی: و طریقه تکمیل بدین گونه است؛ هرگاه تعداد شوطهایی که انجام داده نصف یا بیشتر از آن باشد در این صورت طواف را تکمیل می کند و پس از خواندن نماز برای تکمیل سعی بر می گردد و احتیاطاً سعی را تکمیل و سپس از سر بگیرد و اگر تعداد شوطهای طوافی که انجام داده کمتر از نصف باشد در این صورت طواف را از سر می گیرد و نماز می خواند و سعی را احتیاطاً اتمام و اعاده می کند.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از فوت موالات متذکر شود یا بعد از آن باشد ولی سه شوط یا کمتر باقی مانده باشد اتمام طواف کافی است ولی اگر بیش از آن باشد به احتیاط واجب طواف را پس از اتمام اعاده کند و نسبت به سعی اتمام کافی است گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است پس از اتمام.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر قبل از شوط چهارم سعی یادش بیاید که طواف را ناقص انجام داده، سعی را رها کند و اگر طواف او بیش از نصف کمبود دارد، می بایست طواف را از اول اعاده نماید و سپس سعی را از نو انجام دهد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم بوده، آن را قطع کند و بعد از اكمال طواف به نحوی که در مسائل طواف ذکر شده، سعی را تکمیل نماید.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

[۶۳۲] م - اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بی‌وضو به جا آورد طوافش باطل است و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد.

[۶۳۳] م - اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.^۱

[۶۳۴] م - در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

[۶۳۵] م - واجب نیست در حال طواف روی طواف‌کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند^۲ و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد^۳ و برگردد از همان جا اتمام کند.

[۶۳۶] م - جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همان جا اتمام کند، ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد و اگر آنقدر نشست، احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید.^۴

۱. آیه الله زنجانی؛ و لازم نیست در حال طواف، شانه چپ آنها به طرف کعبه باشد.

۲. آیه الله سبحانی؛ بوسیدن کعبه و یا لمس آن و استلام حجر و یا رکن یمانی به احتیاط واجب در حال حرکت و چرخیدن نباشد و اگر بخشی از شوط را با همین حال انجام دهد به احتیاط واجب اعاده کند و اگر محل جبران گذشته است، طواف را پس از اتمام و خواندن نماز اعاده کند و اگر اعمال مترتبه را انجام داده، دو مرتبه انجام دهد، ولی قطع طواف و انجام این کارها و بعد ادامه از محلی که قطع کرده اشکالی ندارد مشروط بر اینکه بین اشواط موالات و وحدت عرفی آن به هم نخورد.

آیه الله سیستانی؛ احتیاط واجب آن است که به حدی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر را نگاه کند.

۳. آیه الله زنجانی؛ بلکه می‌تواند در حال بوسیدن خانه کعبه طواف نماید.

۴. آیه الله بهجت؛ اگر در موردی است که عذر صدق نمی‌کند حکم آن در مسئله ۶۱۵ و ۶۱۶ گذشت، و با فرض تحقق عذر از ادامه، قبل از اكمال شوط چهارم، در حدی که موالات عرفیه به هم نخورد مانعی ندارد و اگر به هم بخورد احتیاط مراعات شود به اكمال آن طواف و اعاده آن، و بعد از شوط چهارم مطلقاً مانعی ندارد. ←

مسائل متفرقه طواف

[۶۳۷] م - در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت صادق باشد و به نحو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هرچند باید در خارج آن طواف کرد.

[۶۳۸] م - در صورت امکان ولو در وقت خلوت باید طواف در حد بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد و دورتر از آن حد، کفایت نمی‌کند و در صورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الأقرب فالأقرب.^۱

[۶۳۹] م - هرگاه در طواف خانه خدا، مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد؛ مثل اینکه او را بی‌اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجرالاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد.^۲

→ آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در این صورت طوافش باطل است، و لازم است از نو شروع کند.

آیه الله خامنه‌ای: کما اینکه می‌تواند آن طواف را به طور کلی رها کرده و طواف را دوباره از سر بگیرد.

آیه الله زنجانی: باید طواف را از سر بگیرد البته اگر خستگی شدید بوده و برای رفع خستگی نیاز به این مقدار استراحت داشته تمام طواف کفایت می‌کند.

آیه الله سبحانی: اگر قبل از نیمه طواف بوده اعاده کند و اگر بعد از نیمه طواف بوده، اتمام و نماز و سپس احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله فاضل: و می‌تواند آن را رها کند و از نو یک طواف کامل انجام دهد.

آیه الله مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۹۲ گذشت.

۲. آیه الله بهجت: اگر بتواند برگردد و از همان جا طوافش را ادامه دهد باید این کار را بکند وگرنه بدون نیت

دور می‌زند تا به محلی که بدون اختیار برده شده برسد تا از همان جا به طواف ادامه دهد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: ولی چنان‌که سابقاً گفته شد، مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر طواف را از سر بگیرد اشکال ندارد، ولی جواز از سر گرفتن شوط محل اشکال است

گرچه ضرری برای صحت طواف ندارد. ←

[۶۴۰] م - اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است^۱ و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید^۲ ولی باید دانست که منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدم‌ها را به اختیار خود برمی دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است.

[۶۴۱] م - اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود^۳ و

→ **آیه الله زنجانی:** به طوری که بدون اراده، قدم برداشت باید همان چند قدم را از سر بگیرد و نباید طواف را قطع کرده از سر بگیرد، هرچند اگر طواف را از سر بگیرد طوافش صحیح است.

آیه الله سبحانی: نحوه تصحیح طواف در مسائل ۵۸۵، ۵۹۰ و سؤال ۶۵۹ و ۶۶۰ آمده است، لکن در خصوص این مسئله اگر در موقع ازدحام احیاناً انسان را ناخواسته به جلو ببرند این کار ضرری به طواف نمی‌زند مشروط بر اینکه نیت کند که خود را در میان جمعیت قرار می‌دهم که طواف کنم و آنچه که بر اثر فشار به جا می‌آورم جزء طواف باشد و اگر بخواهد احتیاط کند چون بازگشت به عقب مشکل است بقیه شوط را بدون نیت برود تا به محلی برسد که او را بدون اختیار برده‌اند و از همان جا به طواف خود ادامه دهد.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اگر نتواند برگردد و جبران کند می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن دور را از سر بگیرد.

آیه الله مکارم: هرگاه با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شود و او را ببرند، ضرری ندارد.

۱. **آیات عظام تبریزی، سبحانی، مکارم:** مانند مسئله سابق است.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۵۸۲ مراجعه شود.

۲. **آیه الله فاضل:** و اگر وقت خلوت پیدا نکند و اعاده نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همین مقدار اکتفا کند، و طواف در این فرض صحیح است.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** ذیل مسئله ۵۸۲ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: در مورد فشار جمعیت مثل مسئله سابق است و اگر در مقدار خیلی کمی از طواف، پشت به خانه شود مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: در مورد فشار جمعیت مثل مسئله سابق است، اما اگر پشت به خانه شود باید آن مقدار را اعاده کند.

اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید.^۱

[۶۴۲] م - اگر حاجی در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی‌کند.^۲

[۶۴۳] م - اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل دور زده^۳، حج او صحیح است و باید طواف را اعاده کند.^۴

۱. **آیه الله سیستانی:** همان‌گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند و نمی‌تواند بدون قصد طواف برود تا جایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید.

آیه الله فاضل: همان‌گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند.

۲. **آیه الله بهجت:** همان حکم محمول غصبی در نماز را دارد.

آیه الله سبحانی: چنانچه ذمه خود را بدهکار اهل خمس نداند همراه داشتن و بردن مال غیر مخمس تصرف در مال غیر مخمس می‌شود و طواف را دچار مشکل می‌کند مگر اینکه ذمه خود را مشغول اهل خمس بداند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود.

آیه الله نوری: طواف اشکال پیدا می‌کند.

۳. **آیه الله بهجت:** در صورت سهو و بطلان اصل طواف.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر در عمره بوده حج او بدل به افراد شده، باید عمره مفرده به جا آورده و در سال بعد نیز حج تمتع را انجام دهد و اگر در طواف حج باشد مسئله صوری دارد.

آیه الله مکارم: یعنی از روی سهو.

۴. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** چون از روی جهل به حکم، طواف صحیح را ترک کرده با فرض انقضای وقت، حش باطل است.

آیه الله خامنه‌ای: حج او صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله زنجانی: باید آن چند شوط و نماز طواف را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: اگر پس از اعمال حج تمتع مثلاً روزهای دوازدهم و سیزدهم معلوم شود که برخی از شوط‌های طواف عمره تمتع را از داخل حجر انجام داده است اگر این کار سهواً و از روی غفلت انجام گرفته،

باید طواف خود را به ضمیمه نماز اعاده کند و حج او نیز صحیح است؛ و اگر عمدتاً به خاطر مسامحه یا جهل به حکم شرعی این کار انجام گرفته باشد، عمره تمتع او باطل و حج او به حج افراد تبدیل می‌شود، ←

[۶۴۴] م - زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده، با شرایط حیض^۱، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده، حیض بوده است و طواف و نمازش

→ از این جهت باید برای تکمیل حج افراد، عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد حج واجب را به عنوان حج تمتع اعاده کند [البته این حکم در صورت عمد به معنی مسامحه در انجام تکلیف، فتوا و در صورت جهل به حکم شرعی، احتیاط است] و اگر پس از حج تمتع متوجه شد که بعضی از شوطهای طواف حج را داخل حجر رفته است، تا آخر ذی حجه وقت دارد که خود و یا در صورتی که خودش در مکه نیست، نایبش آن را جبران کند ولی اگر در طواف نساء بوده، زمان تدارک آن در طول سال وجود دارد و اگر آنچه را که داخل حجر رفته، بعد از سه شوط و نیم طواف باشد اگر با همسر خود هم‌بستر شده باشد، اشکال ندارد و فقط اتمام طواف به گردن اوست و اگر قبل از نصف طواف باشد، هنوز همسر بر او حلال نشده است و باید از زمان اطلاع، از اموری که در مورد همسر بر او حرام است، بپرهیزد.

آیه الله سیستانی: اگر سهواً باشد و در سه شوط یا کمتر چنین شده باشد باید همان سه شوط را انجام دهد و اگر بیشتر باشد احتیاطاً طواف را نیز اعاده کند و در این صورت اگر طواف حج باشد و در ماه ذی حجه متذکر شود، اعمال مترتبه را نیز احتیاطاً اعاده کند و اگر بعد از ماه ذی حجه باشد یا مربوط به طواف عمره باشد، اعاده بقیه اعمال لازم نیست و اگر جهلاً و در طواف حج باشد و در ماه ذی حجه متوجه شود باید طواف و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر بعد از ماه ذی حجه متوجه شود یا مربوط به طواف عمره باشد حشش باطل است و احتیاطاً باید یک شتر قربانی کند.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط آن چند شوط را اعاده کند و نماز را نیز اعاده کند و پس از آن اصل طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله مکارم: باید آن طواف را تکمیل کند و بعد نماز طواف را اعاده نماید.

۱. **آیه الله زنجانی:** اگر ثابت شود که بعد از قطع شدن لک در باطن، طواف و نماز را انجام داده، طواف و نمازش صحیح است، و اگر ثابت نشده باشد در دو صورت باید طواف و نماز را اعاده کند، اول آنکه: این لک، دو روز یا کمتر قبل از ایام عادت باشد که محکوم به حیض است، دوم آنکه: عادت عددیه وقتی داشته و به جهت تکمیل عدد می‌بایست لک دیده شده و ما بعد آن را تا زمانی که احتمال می‌دهد در باطن خون باشد حیض قرار دهد مثلاً کسی که عادت او هفت روزه است چنانچه سه روز قبل از عادت، لک ببیند و احتمال بدهد که این لک نصف روز ادامه داشته - ولو در باطن - و بعد پاک شود و در ایام عادت شش روز و نیم خون ببیند نصف روز اول نیز محکوم به حیض است، پس اگر در آن وقت طواف و نماز انجام دهد، محکوم به بطلان است و باید اعاده شود و در غیر این دو صورت طواف و نماز خوانده شده، صحیح است.

صحیح نیست^۱ و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است و اعمالش صحیح است و در صورت اول حج او صحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند^۲ و اگر در عمره بوده در صورت ضیق وقت احتیاطاً بعد از حج، یک عمره مفرده نیز به جا آورد.^۳

استفتائات طواف

[۶۴۵] س - جوان ۱۷ ساله غیر مختون، که به تشخیص شورای پزشکی ختنه برای او خطر دارد، مستطیع شده و فعلاً در مدینه است، آیا تکلیف او نسبت به حج چیست؟
ج - باید محرم شود و خودش طواف کند و نایب هم بگیرد^۴ برای طواف و بعد از

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر لک دارای صفات حیض بوده، در این صورت حکم کسی را دارد که قبل از طواف حائض شده و چنانچه به وظیفه خود عمل نکرد تا زمان تدارک گذشت، حجش باطل است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و باید اعاده نماید و اگر در عمره بوده و وقت اعاده ندارد حج او مبدل به افراد می شود.

۲. **آیه الله سبحانی:** اگر قبل از رفتن به عرفات پاک شد، بعد از غسل باید طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر تا رفتن به عرفات پاک نشد حج او به حج افراد تبدیل می شود و پس از حج یک عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله فاضل: و سعی را نیز احتیاطاً اعاده کند.

۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی:** اگر در عمره تمتع بوده، باید طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج قضا نماید.

آیه الله خامنه ای: اگر در حین احرام عمره تمتع پاک بوده عمره تمتع وی صحیح است و نیازی به عمره مفرده نمی باشد و انجام طواف و نماز آن کافی است.

آیه الله فاضل: حج تمتع مبدل به افراد می شود و اگر واجب بوده باید بعد از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر مستحب بوده بعد از آن عمره مفرده واجب نیست

۴. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی:** اگر بتواند ختنه کند ولو با تأخیر حج تا سال آینده، باید این کار را بکند، پس اگر اصلاً متمکن از ختنه نباشد؛ یعنی برایش ضرر و مشقت دارد لازم است حج را همان سال به جا آورد لیکن احتیاط این است که در عمره و حج شخصاً طواف نموده و برای طواف، نایب نیز بگیرد، ولی خودش نماز طواف را به جا آورد. ←

طواف، خودش یک نماز بخواند و بعد از طواف نایبش نیز، خودش نماز دیگر بخواند، و در صورتی که دو طواف با هم انجام شود خودش یک نماز بخواند کفایت می‌کند.

[۶۴۶] س - اگر در اثنای طواف نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف

معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

ج-^۱ اگر بعد از شوط چهارم طواف یا سعی قطع شده، از همان جایی که قطع شده

→ **آیه الله سبحانی:** بنا بر احتیاط مستحب برای طواف و نماز آن نایب هم بگیرد.

آیه الله مکارم: گرفتن نایب لازم نیست.

۱. **آیه الله بهجت:** در طواف اگر موالات عرفیه به هم نخورد اشکالی ندارد و اگر به هم بخورد و قبل از اكمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اكمال آن طواف و اعاده آن، ولی در سعی چون موالات معتبر نیست با فرض عذر که مورد سؤال است مانعی ندارد.

آیه الله تبریزی: حکم قطع طواف، در صورتی که در اثنای طواف نماز جماعت اقامه شود، در مسئله ۶۲۱ گذشت، و اما نسبت به سعی، احوط در هر دو صورت اتمام و اعاده است.

آیه الله خامنه‌ای: در رابطه با طواف به ذیل مسئله ۶۲۰ مراجعه شود.

آیه الله خویی: اگر موالات فوت شود طواف باطل است و اعاده لازم است.

آیه الله زنجانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند طواف یا سعی را تکمیل می‌کند، هر چند قبل از شوط چهارم باشد، و اگر شرکت نکند ولی تشکیل صفوف جماعت، مانع ادامه طواف او شود اگر بعد از شوط چهارم بوده طواف قبلی را اتمام می‌کند، مگر بیش از نایب گرفتن افراد بیمار فاصله شود که طواف را اعاده می‌کند، و اگر قبل از نیمه شوط چهارم بوده است طواف را اعاده می‌کند مگر فقط به مقدار استراحت افراد ضعیف، فاصله شود که باید آن را تکمیل کند و در بین سه و نیم و چهار شوط، طواف قبلی را اتمام و سپس اعاده می‌کند. و این تفصیل حکم تمام مواردی است که به جهت موانع خارجی مانند نظافت مسجد، طواف واجب قطع گردد.

آیه الله سبحانی: پس از پایان یافتن نماز جماعت از همان نقطه که قطع کرده یا محاذی آن در هر شوطی که باشد طواف و یا سعی خود را تکمیل کند و این در صورتی است که با جماعت همراهی کرده و نماز بخواند در غیر این صورت اگر موالات به هم بخورد اگر قبل از تجاوز از نصف باشد اعاده طواف و سعی و بعد از آن اتمام طواف و یا سعی نماید و احوط در تمام صور اتمام طواف و نماز و اعاده آن و همچنین اتمام سعی و اعاده آن است.

آیه الله سیستانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند پس از نماز از همان جا که قطع شده است ادامه دهد چه در طواف باشد چه در سعی و احتیاط مستحب اتمام و اعاده است و اگر شرکت نکند، پس اگر قبل از پایان شوط چهارم باشد و فوت موالات عرفی نشده باشد از همان جا که قطع شده است ادامه دهد و اگر موالات فوت شده است از سر بگیرد و اگر بعد از پایان شوط چهارم باشد در هر حال اتمام آن کافی است و در سعی اگر موالات از بین برود به احتیاط واجب، باید سعی را تمام و اعاده کند. ←

طواف یا سعی را تمام کند، و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده^۱ و فصل طویل شده، طواف را از سر بگیرد، هرچند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند و در سعی^{*} نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

[۶۴۷] س - اگر کسی بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، وظیفه او چیست؟
ج - طواف و نماز را اعاده کند و عمره او صحیح است.^۲

→ **آیه الله فاضل:** در تمام صور می تواند طواف یا سعی را از سر بگیرد و صحیح است، اما اگر بخواهد احتیاط کند پس اگر طواف قبل از سه دور و نیم قطع شده و فصل طویل شده، طواف را از سر بگیرد، اما اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم بوده و فاصله هم شده طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند و سعی را اگر بعد از دور چهارم قطع شده تمام کند. ولی اگر قبل از دور چهارم قطع شده و فاصله هم زیاد شده بنا بر احتیاط لازم اعاده کند.

آیه الله مکارم: بعد از نماز جماعت، طواف یا سعی را از همان جا که قطع شده ادامه دهد و صحیح است.
۱. **آیه الله نوری:** طواف را از سر بگیرد و در سعی نیز اگر بعد مرتبه چهارم است، بعد از قطع کردن سعی و خواندن نماز، از همان جا که قطع کرده بود سعی را به آخر برساند و اگر قبل از مرتبه چهارم است سعی را از سر بگیرد.
* [در جواب سؤال ۸۸۴ فرموده اند: در سعی موالات معتبر نیست، مگر آنکه شوط اول تمام نشده باشد، که در صورت فوات موالات، احتیاطاً از سر بگیرد.]

۲. **آیه الله بهجت، آیه الله تبریزی:** و بنا بر احتیاط، بعد از آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و تا تقصیر نکرده احکام مُحرم را مراعات کند.

او آیه الله بهجت اضافه می فرماید: و در صورتی که بطلان از جهت جهل به حکم نبوده، تقصیر قبلی کفاره ندارد.
آیه الله خویی: باید لباس دوخته را بیرون بیاورد و سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و در فرض گذشت زمان تدارک، حشش باطل است.

آیات عظام زنجانی، صافی، گلپایگانی: در مفروض سؤال (که بعد از تقصیر و قبل از شروع اعمال حج فهمیده) باید پس از وضو طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: باید وضو بگیرد و تمام اعمال (طواف، نماز طواف، سعی و تقصیر) را با لباس احرام انجام دهد و اگر زمان برای انجام عمره تمتع کافی نیست و بیم آن می رود که وقوف اختیاری عرفه را از دست می دهد بنابراین برای حج محرم می شود و اعمال حج را به عنوان وظیفه فعلیه اعم از افراد یا تمتع انجام می دهد و بعد از اعمال روز عید و یا بازگشت از منا، طواف و نماز و سعی عمره تمتع را به جا می آورد ←

[۶۴۸] س - شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده است و احتمال می‌دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلاً وظیفه او چیست و البته این شک بعد از عمل برای او حادث شده است؟

ج - طواف او صحیح است.^۱

[۶۴۹] س - اگر در اثنای طواف، شک در صحت شوط سابق یا جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند، چه حکمی دارد؛ مثلاً نمی‌داند که از مقابل حجر که عبور کرده از حد مطاف خارج بوده است یا نه؟

ج - اگر مسئله را می‌دانسته و می‌خواسته است عمل صحیح را انجام دهد؛ یعنی غافل نبوده، طواف صحیح است.^۲

→ و سپس بقیه اعمال حج را و پس از اعمال حج یک عمره مفرده به جا می‌آورد. همچنین است حال کسی که در اثنای حج فهمید وضوی طواف عمره تمتع او باطل بوده است ولی در صورتی که از روی جهل یا عمد طواف عمره را بدون وضو انجام داده و وقت تدارک گذشته باشد باید یک عمره تمتع به جا آورد و حج را در سال بعد اعاده کند و اگر کسی بعد از حج فهمید که طواف عمره تمتع او از روی سهو باطل بوده باید خودش یا نایبش طواف و نماز آن و سعی را اعاده کند و علاوه بر نایب خودش هم نماز را هر کجا هست بخواند و اگر در مکه هست خودش و اگر نیست نایبش یک عمره مفرده به عنوان تکلیف فعلی او انجام دهد و به احتیاط مستحب حج را سال بعد اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از گذشتن وقت یادش آمد باید آن را جبران کند و بعد از آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و تا اعمال را انجام نداده است از محرمات احرام اجتناب نماید و اگر بعد از گذشتن وقت تدارک متوجه شود، در صورت سهو و نسیان، اعاده طواف کافی است و در صورت جهل حش باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر قربانی بدهد.

۱. **آیه الله زنجانی:** طواف در حال بوسیدن کعبه صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر این شخص آگاه به مسئله بوده و بنا بر آوردن طواف صحیح داشته به شک خود اعتنا نکند و الا حکم او مانند مسئله ۶۰۱ است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که توجه به حکم و بنا بر اتیان طواف صحیح داشته است.

۲. **آیه الله بهجت:** شک در صحت محل اعتنا نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله فاضل: و در غیر این صورت طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده نماید. ←

[۶۵۰] س - اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره، به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجه شده که عمل مزبور باطل بوده است وظیفه او چیست و کفاره دارد یا نه؟

ج - باید عمل باطل شده را جبران کند و ظاهر این است که از احرام خارج شده و کفاره ندارد.^۱

[۶۵۱] س - کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوط‌های قبل، این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسئله طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

→ **آیه الله خامنه‌ای:** با احتمال التفات، بنا بر صحت می‌گذارد مطلقاً.

آیه الله خویی: با احتمال التفات، بنا بر صحت می‌گذارد مطلقاً.

آیه الله زنجانی: اگر صحیح بودن قطعه سابق بر قطعه مشکوک، محرز باشد طواف او صحیح است، والا چنانچه احتمال می‌دهد که در قطعه مشکوک، به رعایت شرایط طواف، توجه داشته باید احتیاطاً طواف را تمام کرده و پس از خواندن نماز، آن را اعاده کند، و اگر چنین احتمالی نمی‌دهد باید طواف را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: در هر صورت عمل صحیح است. (بنا را بر صحت بگذارد مطلقاً).

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۶۴۷ گذشت.

آیه الله زنجانی: اگر طواف یا سعی به طور کلی باطل بوده باید آن عمل و اعمال بعدی را به جا آورد و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند، و اگر وقت جبران گذشته عمره‌اش تبدیل به حج افراد می‌شود و باید پس از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر برخی از اشواط طواف یا سعی، باطل بوده، آن را اتمام می‌کند و اگر تنها نماز، باطل بوده نماز می‌خواند و در این سه صورت اعاده اعمال بعدی و اجتناب از محرمات احرام، لازم نیست و در تمام صورت‌ها پوشیدن لباس، کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: باید عمل باطل شده را پوشیدن لباس احرام و با رعایت ترتیب در اعمال مترتبه جبران کند و تقصیر نماید و اگر محرم به احرام حج شده در بازگشت از منا قبل از اعمال حج با رعایت ترتیب آنها را اعاده کند ولی اعاده تقصیر لازم نیست.

آیه الله سیستانی: اگر طواف یا سعی باطل بوده است، باید عمل را با رعایت ترتیب جبران کند و تقصیر نماید و از تروک احرام قبل از آن اجتناب کند و پوشیدن لباس چون عمدی نبوده است کفاره ندارد و اگر فقط نماز طواف باطل بوده است فقط آن را انجام دهد و لازم نیست لباس احرام بپوشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در مورد بطلان طواف و سعی از احرام خارج نشده است.

ج - باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده اعاده کند و بعد نماز طواف را بخواند^۱ و ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور، عمل صحیح است.

[۶۵۲] س - کسی در اثنای طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است، آیا طواف

او صحیح است یا خیر و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب آن را تمام کند^۲ و بعد یک طواف

۱. **آیه الله بهجت:** باید طواف را از موضع علم به نجاست تمام کند و بقیه اعمال را اعاده نماید و احوط استیناف طواف بعد از اتمام آن است.

آیه الله تبریزی: اگر طواف را به نیت وظیفه فعلیه اعاده کرده نیاز به اتمام طواف اول نیست.

آیه الله خامنه‌ای: اگر از طواف قبل دست برداشته و لذا طواف را از اول اعاده نموده است، همان طواف اعاده شده صحیح است.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: عملش صحیح است.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر طواف دوم را به قصد ما فی الذمه (اعم از اتمام و اعاده) و به عنوان مقدمه علمیه برای یقین به برائت ذمه بوده باشد صحیح است و در غیر این صورت احتیاطاً باید نقص طواف قبلی را تکمیل و نماز آن را خوانده، و پس از آن بنا بر احتیاط واجب سعی و تقصیر را اعاده کند و تا تقصیر نکرده احکام محرم را مراعات کند.

آیه الله سیستانی: اگر طواف دوم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده صحیح است و در غیر این صورت اگر جاهل قاصر بوده صحیح است و گرنه بنا بر احتیاط واجب، اعمال عمره را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط سعی و تقصیر را هم اعاده نماید.

۲. **آیه الله بهجت:** صحیح است.

آیه الله خامنه‌ای: این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سر گرفته کفایت می‌کند.

آیه الله خویی: در فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، طواف مزبور مجزی است.

آیه الله تبریزی: در هر دو صورت اگر یک طواف کامل به نیت وظیفه فعلیه؛ اعم از تمام و اتمام به جا آورد کافی است.

آیه الله زنجانی: اگر استیناف طواف از روی عذر چون سهو یا جهل باشد یا بعد از فوت موالات، طواف و اعمال مترتبه صحیح است.

آیه الله سبحانی: در صورتی که پیش از تجاوز از نصف بدون عذر طواف را رها کرده و پس از فوت موالات طواف را سر گرفته باشد طواف او و اعمال بعد از آن صحیح است و در غیر این صورت بنا بر احتیاط واجب طواف قبلی را تمام کند و نماز آن را بخواند و سپس طواف را از سر بگیرد و اعمال مترتبه را اعاده نماید. ←

دیگر به جا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید یک طواف دیگر به جا آورد و با فرض جهل، ظاهر این است که اعمال مترتبه صحیح و از احرام خارج شده است.

[۶۵۳] س - کسی در شوط آخر محدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟

ج - باید قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده، با وضو به جا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند.^۱

→ **آیه الله سیستانی:** اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است، سپس از سر گرفته باشد طواف صحیح است و اگر بعد از شوط چهارم باشد در صورتی که استیناف پس از فوت موالات عرفیه بوده صحیح است و گرنه مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر اقوی طواف و اعمال مترتبه صحیح است.

آیه الله فاضل: طواف در تمام صور صحیح است.

آیه الله مکارم: طواف او و اعمال بعد از آن، در هر دو حال صحیح است.

آیه الله نوری: این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سر گرفته کفایت می کند.

۱. **آیه الله بهجت:** اگر سهواً و از روی غفلت محدث شده است، باید پس از تجدید طهارت طواف را از همان جایی که قطع شده ادامه دهد و در صورتی که عمداً بوده است حکم به ادامه طواف از محل قطع، مورد تأمل است و باید طواف را از سر بگیرد و احتیاطاً نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

آیه الله تبریزی: در مسائل سابق توضیح داده شد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۶۵۱ مراجعه شود.

آیه الله خویی: حکم آن در مسئله سابق گذشت.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: طواف دوم و اعمال بعد از آن صحیح است، هر چند می توانست طواف اول را پس از وضو هم تکمیل و به آن قناعت کند.

آیه الله سبحانی: باقیمانده طواف اول را بیاورد و سپس نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد و اگر بعد از تقصیر در عمره تمتع و یا مفرده متوجه این موضوع شد آنچه انجام داده کفایت نمی کند و باید برگردد طواف خود را تکمیل کند و نماز و سپس بقیه اعمال را بیاورد همین طور است ←

[۶۵۴] س - کسی توهّم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده شده ولی برای او جزمی نیست و چون نمی‌توانسته برگردد و تدارک کند، بقیه شوط تا محل تدارک را به قصد احتیاط و رجا انجام می‌دهد که اگر شوط او باطل است زیادی لغو باشد و اگر شوط او صحیح است زیاده از طواف باشد و بعد بقیه اشواط طواف را به جا آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طواف صحیح است یا خیر؟

ج - صحیح نیست.^۱

[۶۵۵] س - کسی در وقت طواف، شک در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحت طواف خود پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - صحیح است.^۲

→ اگر این امر در طواف حج اتفاق بیافتد باید طواف را تکمیل و سپس نماز آن و سعی را به جا آورد و اگر طواف نساء را نیز انجام داده باید آن را همراه با نمازش اعاده کند و اگر زمان تدارک گذشته باشد در ذیل سؤال ۶۴۷ و ۱۳۶۲ صور مختلف آنها بیان شده است. و در تمام صور گذشته اگر فقط طواف نساء را با وضوی باطل انجام داده است فقط باید آن را همراه با نمازش مجدداً بیاورد.

آیه الله سیستانی: اگر پس از موالات عرفیه اعاده کرده، صحیح است و گرنه مشکل است.

آیه الله فاضل: و سعی و تقصیر را احتیاطاً اعاده کند.

۱. آیه الله بهجت: با تداوم احتیاط و قصد وظیفه فعلیه، تا پایان آخرین شوط، صحیح است.

آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله سبحانی: هرگاه قصد طواف کردن داشته و این نیت تا آخر در قلب او محفوظ است ولی فشار جمعیت او را مقداری جلو ببرد، اشکال ندارد و طوافش صحیح است.

آیه الله سیستانی: صحت آن مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

۲. آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط لازم طواف را اعاده نماید.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط صحیح نیست.

آیه الله زنجانی: باید طواف و اعمال بعدی را به جا آورد و اگر وقت گذشته چنانچه در عمره تمتع بوده، عمره‌اش تبدیل به حج افراد می‌شود و باید پس از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر در حج بوده باید اعمال عمره مفرده به جا آورد. ←

[۶۵۶] س - کسی در شوط چهارم از حجرالاسود تا اول حجر اسماعیل را پیمود و فکر کرده است که چون اول شوط چهارم نیت جدا در این شوط نداشته باید این قسمت شوط را اعاده کند، لذا بقیه شوط را بدون نیت رفته و از حجرالاسود به قصد شوط چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل می‌شود؟

ج - اشکال دارد.^۱

[۶۵۷] س - کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می‌کنند و بلافاصله از نو شروع می‌کنند، طواف آنها چه صورت دارد و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟

ج - اشکال دارد^۲ و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده، باید آن را اتمام کنند و نماز

→ **آیه الله سبحانی:** در صورتی طواف او درست است که به قصد رجا و کشف حال طواف را ادامه داده باشد ولی اگر صرفاً به ظن خود اعتماد کرده طواف صحیح نیست و باید بعد از نماز آن طواف و نماز را اعاده و اگر اعمال مترتبه را آورده مجدداً انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر به قصد رجا و کشف حال طواف را ادامه داده صحیح است.

آیه الله فاضل: اگر با اطمینان به یک طرف ادامه داده صحیح است. و الا باید احتیاطاً طواف و نماز طواف و سعی و تقصیر را اعاده کند.

آیه الله مکارم: اگر به قصد رجا و کشف حال، طواف را ادامه داده، صحیح است.

۱. **آیات عظام بهجت، زنجانی، فاضل:** اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی: اشکال دارد و احتیاط این است که آن طواف را تمام کرده و نماز طواف را بخواند و طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله خامنه‌ای: اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: نیت هفت شوط اولیه او کافی بوده و به خاطر پیمایش مجدد از حجرالاسود تا حجر با نیت جدید، احتیاطاً بعد از نماز طواف، دوباره طواف و نماز را اعاده کند و چنانچه اعمال مترتبه را انجام داده، احتیاطاً مجدداً به جا آورد.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

۲. **آیات عظام بهجت، مکارم، نوری:** اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: حکم آن در سؤال ۶۵۲ گذشت.

آیه الله خامنه‌ای: مطلقاً اشکال ندارد. ←

بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند.

[۶۵۸] س - درباره اشخاصی که قادر به طواف نیستند، آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن اینکه متصدیان وسیله نامبرده، در خارج محدوده مطاف طواف می‌دهند؟

ج - احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگرچه طواف دادن در خارج مطاف کفایت می‌کند.^۱

[۶۵۹] س - شخصی در حال طواف اشتبهاً به قصد طواف وارد حجر اسماعیل عليه السلام می‌شود و بعد که متوجه شد برمی‌گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می‌نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - اشکال دارد.^۱ بلی، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجرالاسود به قصد

→ **آیه الله خویی:** در صورت اعتقاد به جواز از سرگرفتن طواف، عمل مزبور مجزی است.

آیه الله زنجانی: اگر استیناف طواف از روی عذر چون سهو یا جهل باشد یا بعد از فوت موالات، طواف و اعمال مترتبه صحیح است.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اقوی صحت طواف است، و اگر بعد از شوط چهارم بوده نقصان طواف قطع شده را واجب است به جا آورد و نماز آن را نیز بخواند.

آیه الله فاضل: اشکال ندارد به تفصیلی که در مسئله ۶۴۶ گذشت.

۱. نظر آیات عظام در محدوده مطاف در ذیل مسئله ۵۹۲ گذشت.

آیه الله بهجت: اگر می‌تواند به کمک دیگری مباشرتاً در محدوده طواف کند باید این کار را بکند و در غیر این صورت واجب است نایب بگیرد که در محدوده طواف کند و طواف با تخت روان در خارج محدوده کفایت نمی‌کند.

آیه الله خامنه‌ای: برای مطاف حد خاصی نمی‌باشد و در هر جای مسجدالحرام صحیح است.

آیه الله زنجانی: در شرایط کنونی که نمی‌گذارند ناتوانان را در صحن مسجدالحرام طواف دهند، نایب بگیرند، و بنا بر احتیاط مستحب، خودشان هم در طبقه دوم طواف داده شوند.

آیه الله سبحانی: اگر با ویلچر یا امثال آن در زمان ازدحام از پشت مقام طواف داده شدند استنباه لازم نیست مگر اینکه از طبقه دوم طواف داده شوند که در ذیل سؤال ۱۴۱۷ به نحوه انجام آن اشاره شده است.

آیه الله سیستانی: همه مسجدالحرام مطاف است.

آیه الله مکارم: این احتیاط لازم نیست و طوافش صحیح است.

احتیاط شوط را اعاده می‌کرد، و از محلی که وارد حجر شده، قاصد جدی طواف بود، طوافش اشکال نداشت.

[۶۶۰] س - اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟
ج - اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد و طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون تروی محل اشکال

۱. **آیه الله بهجت:** مستفاد از آنچه در ذیل مسئله ۵۹۰ گذشت آن است که با اتمام آن به یک شوط، طواف صحیح است.

آیه الله خامنه‌ای: آن دور باطل است و باید آن را از حج‌الاسود اعاده کند.

آیه الله زنجانی: طواف او صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر در همان شوطی که وارد حجر شده متوجه اشتباه شود و برگردد و به نیت تصحیح از همان جایی که وارد حجر شده به صورت صحیح طواف را ادامه دهد و برای احتیاط از یکی دو قدم جلوتر از باب مقدمه علمیه طواف قطع شده را ادامه دهد طواف او صحیح است و اگر در همان شوط متوجه نشد تصحیح مشکل است باید با به هم خوردن موالات، طواف از نو اعاده شود و صور دیگر نیز در مسئله ۵۹۰ آمده است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و در فرض اخیر هم، چون احتمال باطل شدن اصل طواف می‌رود احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز دوباره طواف کند و نماز آن را بخواند.

آیه الله فاضل: شوط فاسد را اتیان کند و بنا بر احتیاط مستحب طواف را اعاده کند.

۲. **آیه الله تبریزی:** (طواف یا سعی) اشکال دارد.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط صحیح نیست.

آیه الله زنجانی: اگر اطمینان دارد که در ادامه عمل نسبت به تعداد اشواط به اطمینان یا حجت شرعی (مانند شمارش همراهان) می‌رسد می‌تواند در حال شک طواف یا سعی را ادامه دهد و اگر چنین اطمینانی ندارد، نمی‌تواند طواف یا سعی را ادامه دهد و در صورت استقرار شک، طواف و سعی او باطل است.

آیه الله سبحانی: اگر با علم به عدم زیادی در حال طواف در شماره طواف‌ها شک کند ولی به قصد رجا و به امید اینکه در آینده واقع روشن شود به طواف خود ادامه دهد و سپس سرانجام به یک طرف یقین پیدا کند طواف او صحیح است و همچنین اگر کسی در حال سعی در عدد اشواط شک کند و طرف شک نقیصه باشد نه زیادی مثلاً شک کند دور پنجم است یا هفتم سعی او صحیح است و چه سعی و چه طواف در هر دو اگر در آخر به نتیجه نرسید آنها باطل هستند و بهتر است برای طواف و یا سعی دوم صبر کند تا موالات به هم بخورد و با صرف نظر از آنچه از طواف و یا سعی انجام داده طواف و یا سعی خود را مجدداً بیاورد. ←

است، و احوط اعاده آن است.^۱

[۶۶۱] س - زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد و با او ادامه داد و بعد از شوط آخر مرد که شوط ششم زن است، او به جای اینکه یک شوط دیگر بیاورد تا طوافش کامل شود، طواف را از سرگرفت، آیا طواف اول و دوم زن چگونه است؟

ج - احتیاط آن است که یک شوط دیگر به قصد احتیاط به جا آورد که مجموعاً چهارده شوط می‌شود و بعد از انجام نماز طواف، طواف و نماز را اعاده نماید.^۲

[۶۶۲] س - در مطاف چیزهایی از افراد می‌افتد؛ از قبیل ساعت، احرامی و غیره و کسانی که طواف می‌کنند پا روی آن می‌گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی‌شود؟

ج - موجب بطلان طواف نمی‌شود.^۳

[۶۶۳] س - اگر انسان می‌داند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او می‌گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

ج - به طواف ضرر نمی‌زند.^۴

→ **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** اگر در حال سعی شک کند و در حال شک به قصد رجای کشف حال

ادامه دهد و بعد یقین به صحت پیدا کند سعی او صحیح است و در طواف، اگر از دلیل طواف لزوم حفظ هر شوط استفاده شود حکم به صحت مشکل است و الاً بعید نیست.

آیه الله فاضل: ادامه دادن طواف و نماز و سعی در حال شک اشکال دارد. لذا در فرض سؤال باید از ادامه اعمال خودداری کند و تروی کند و اگر به یک طرف اطمینان پیدا کرد طبق آن عمل کند و الاً عمل را از نو انجام دهد و در این مسئله فرقی بین طواف و نماز و سعی نیست.

آیه الله مکارم: به امید انجام وظیفه شرعی.

۱. **آیه الله مکارم:** همه شک‌ها احتیاج به مختصری فکر دارد تا مشمول ادله شک گردد.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۶۵۲ گذشت.

۳. آیات عظام **زنجان، صافی، گلپایگانی، مکارم:** ولی عمداً پا روی آن نگذارد.

آیه الله سبحانی: ولی عمداً پا روی آن نگذارد و اگر گذاشت موجب بطلان طواف نمی‌شود.

۴. **آیه الله زنجان، آیه الله گلپایگانی:** ولی نباید اذیت دیگران را فراهم آورد.

آیه الله مکارم: ولی عمداً این کار را نکند مگر اینکه مانع عبور باشد.

[۶۶۴] س - اگر کسی قبل از شوط چهارم طوافش را قطع و از نو طواف کند، گفته شده در صورتی که فاصله زیاد نشده باشد احتیاط این است که طواف قطع شده را تمام کند و اعاده هم بنماید، مراد از تمام کردن چیست، آیا فقط شوطی را که قطع کرده تمام کند یا ما بعدش را هم به جا آورد؟

ج - طواف مزبور اشکال دارد^۱ و اتمام موضوع ندارد و باید طواف را بعد از نماز طواف اول، اعاده کند احتیاطاً.

[۶۶۵] س - شخصی طواف را از حجرالاسود شروع کرد و در هر شوط به رکن یمنی که می‌رسید نیت ختم می‌کرد و از حجرالاسود نیت شوط بعد را می‌نمود و هفت شوط طواف را این‌گونه تمام کرد به گمان اینکه ختم طواف و اشواط آن باید در رکن یمنی باشد، آیا وظیفه‌اش چیست؟

ج - این طواف اشکال دارد^۲، و باید اعاده شود.

[۶۶۶] س - گاهی مأمورین نظافت مسجدالحرام از کنار کعبه دست به دست هم می‌دهند و همان‌طور توسعه می‌دهند تا انسان از مطاف خارج می‌شود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مطاف صحیح باشد یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان می‌کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی: به ذیل مسئله ۶۵۲ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: همان طوافی را که از سرگرفته صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر قطع به این صورت بوده که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده است که عرفاً گفته شود طوافش را قطع کرده است، طواف دوم صحیح است و گرنه مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله زنجانی: اگر استیناف طواف از روی عذر چون سهو یا جهل باشد، یا بعد از فوت موالات، طواف دوم صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در فرض مذکور صحت طواف بعید نیست.

آیه الله مکارم: طوافی که از سرگرفته کافی است.

۲. آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: طواف او باطل است.

ج - اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف کند و در این صورت طواف در خارج حد صحیح نیست.^۱

[۶۶۷] س - کسی که از اول بلوغ، سال خمسی برای خود قرار نداده است، اگر به حج مشرف شود و با همان پول که دارد احرامی تهیه و قربانی و مصارف در حج بکند، آیا برای حج او ضرر ندارد؟

ج - اگر پول او از درآمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است، بدون تخمیس حکم غصب را دارد که طواف و قربانی صحیح نیست.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** می‌تواند در کناری قرار بگیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها، از آنجا که طوافش را قطع کرده بود به طوافش ادامه بدهد و صحیح است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در فرض مزبور، طواف صحیح است.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله نوری: به ذیل مسئله ۵۹۲ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: ولی در ایام شلوغ (مانند ایام شلوغ حج و ماه رمضان) که طواف در محدوده در شب و روز برای معمول حجاج، مشقت شدید دارد، رعایت محدوده مقام، لازم نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: افرادی که به طریق مذکور عمل کرده و صبر ننموده تا در محدوده طواف نمایند باید طواف و نماز را اعاده کرده و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کنند و اگر کیفیت مذکور در طواف نساء واقع شده زن بر آنها حلال نشده است. بلی اگر در چنین حالاتی ضرورت عرفی اقتضا کرده و صبر کردن برای انجام طواف در محدوده مستلزم عسر و حرج بوده و در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب انجام شده صحیح است و از احرام خارج شده است.

آیه الله سیستانی: بعید نیست که در بیشتر از مقدار ذکر شده [فاصله بین مقام ابراهیم و کعبه] هر چند کراهت دارد، طواف جایز باشد.

آیه الله مکارم: طواف حد معینی ندارد.

۲. **آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی:** ولیکن اگر همان طور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد، حشج صحیح است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط واجب اگر ساترش متعلق خمس باشد، ولی اگر همان طور که متعارف است به ذمه خریده، حشج اشکال ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: اعمال او اشکالی ندارد. ←

[۶۶۸] س - شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شده، و طواف و نماز به جا آورد، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.^۱

[۶۶۹] س - اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد و اگر نداد طواف با آن، چه صورت دارد؟

ج - با فرض شک لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است.^۲

→ **آیه الله زنجانی:** تصرف در مالی که متعلق خمس است بدون اذن مجتهد جامع شرایط، جایز نیست، و همچنین است اگر این اموال با دیگر اموالش مشتبّه شود و همه اموال، محل ابتلای او باشد؛ و در هر دو صورت اگر بدون عذر با آن اموال، لباس احرام یا قربانی بخرد، در مورد صحت اعمالش اگر با ثمن کلی خریده، اعمالش صحیح است ولی اگر با شخص مال خمس نداده خریده بنا بر احتیاط به طواف و سعی‌ای که با آن انجام داده یا قربانی که خریده اکتفا نکند.

آیه الله سبحانی: اگر کسی سال خمسی ندارد چنانچه به حج یا عمره مشرف شود باید اموال خود را تخمیس کند و لاقبل خمس تمام هزینه‌های حج و یا عمره را بپردازد و یا از حاکم شرع اجازه بگیرد لیکن اگر خمس مبالغ مذکور را به ذمه بگیرد و سپس مبالغ یاد شده را خرج کند و توان پرداخت خمس را داشته باشد از حجة الاسلام کفایت می‌کند و طواف و قربانی او هم صحیح است.

آیه الله سیستانی: در فرضی که خمس واجب باشد اگر همان طور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: به احتیاط واجب با مجتهد جامع شرایط مصالحه کند و در همین فرض چنانچه بداند پول از درآمد همان سال است و در همان سال خرج شود، خمس واجب نیست.

۱. نظر آیات عظام در ذیل سؤال قبلی گذشت.

۲. **آیه الله تبریزی:** اگر احتمال می‌دهد از ربی می‌خرد که سال بر آن نگذشته اشکال ندارد.

آیه الله خویی: صور مسئله مختلف است و احتیاط به مصالحه با حاکم شرع ترک نشود.

آیه الله زنجانی: چنانچه سابقه تعلق خمس نداشته و همچنین با اموال متعلق خمس، مشتبّه نشده است، لازم نیست خمس آن را بدهد و...

آیه الله سبحانی: اما اگر با مقداری تفحص وضع آن پولی که با آن لباس احرامی را خریده و یا می‌خواهد بخرد، مشخص می‌شود، باید تفحص کند. ←

[۶۷۰] س - شخصی در سال گذشته که حج تمتع واجب خود را انجام می‌داده، تنها نماز طواف را، به گمان اینکه کفایت می‌کند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی اعمال را انجام داده، آیا چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - با فرض اینکه طواف حج^۱ را از روی جهل به مسئله ترک کرده و به محلش برگشته است، باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی نماید.^۲

[۶۷۱] س - تعدادی مشغول طواف عمره یا زیارت بودند که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف‌کننده‌ها از مطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده است، طواف را از سر گرفته‌اند، بفرمایید در صورتی که به هم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

ج - اشکال دارد.^۳

← **آیه الله سیستانی:** اگر احتمال می‌دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید به نحو کلی فی الذمه صحیح است.

آیه الله فاضل: با مجتهد جامع شرایط مصالحه کند.

۱. **آیه الله خویی، آیه الله فاضل:** بلکه در صورتی که طواف عمره را هم، از روی جهل ترک کرده باشد عمره باطل می‌شود ولی کفاره ندارد و باید حج را در سال بعد اعاده کند.

آیه الله سبحانی: طواف حج را عمداً یا از روی جهل ترک کرد تا آخر ذی‌حجه فرصت جبران با انجام اعمال مترتبه را دارد و الاً با توجه به اینکه حج او فاسد شده است یک شتر در مکه قربانی کند و حج را در سال بعد قضا نماید.

۲. **آیه الله بهجت:** بنا بر احتیاط.

آیه الله زنجانی: و اگر در طواف عمره تمتع بوده چون وقت تدارک آن گذشته احرامش تبدیل به حج افراد شده و باید پس از انجام حج افراد و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده انجام دهد و چنانچه اعمال حج تمتع را انجام داده کفایت از حج افراد می‌کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض کفاره نشده‌اند ولی قبل از انجام عمره مفرده احتیاطاً از نزدیکی با زن خودداری نماید.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۳. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۶۵۲ گذشت.

[۶۷۲] س - زنی است که قادر بر طواف کردن نیست، امر دائر است بین اینکه با تخت در خارج مَطاف طوافش دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مَطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟

ج - باید او را در مَطاف طواف دهند، هر چند نامحرم او را پشت کند.^۱

[۶۷۳] س - کسی که وظیفه‌اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوط‌های طواف قطع شد مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج - فرقی نیست.

[۶۷۴] س - شخصی در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد، آیا می‌تواند از همان جا که طواف را قطع کرده بود شروع کند و باقی اعمال را ادامه دهد یا نه؟

ج^۲ - اگر قبل از شوط چهارم بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید و اگر بعد از شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند.

[۶۷۵] س - آیا بعضی شوط‌های طواف و سعی، برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است یا نه؟

۱. آیه الله تبریزی: با تخت در خارج از حد او را طواف دهند.

آیه الله خامنه‌ای: او را در پشت مقام ابراهیم طواف دهند.

آیه الله سبحانی: اگر با ویلچر یا امثال آن در زمان ازدحام از پشت مقام طواف داده شود، استنباه لازم نیست مگر اینکه از طبقه دوم طواف داده شود همان‌گونه که در مسئله ۱۴۱۵ می‌آید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با توجه به اینکه طواف با اتصال به طواف‌کنندگان از هر فاصله صحیح است، با تخت طواف دهند.

آیه الله مکارم: با توجه به اینکه مَطاف حد معین ندارد، او را با تخت در پشت مقام ابراهیم طواف دهند.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۹۲ گذشت.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۴۹ و ۵۵۰ گذشت.

آیه الله زنجانی: طواف را از سر بگیرد.

ج - بلی، قابل است.^۱

[۶۷۶] س - با وضعیت فعلی که جمعیت حجاج خیلی زیادند و عده‌ای از ضعفا نمی‌توانند در مطاف طواف کنند، آیا توسعه در مطاف هست و نیز خلف مقام که یا نمی‌شود نماز خواند و یا مصادف با اذیت طواف‌کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز؛ مخصوصاً برای ضعفا نیست، نماز خواندن در دورتر چه حکمی دارد؟ و آیا شخصی که وارد مکه شد می‌تواند فوراً به اعمال طواف و نماز، هر جور که ممکن باشد، مشغول شود یا باید در حال احرام بماند که وقت ضیق شود؛ مثلاً تا شب نهم و آن وقت چنین کند و معلوم است برای همه کس میسر نیست؟

۱. آیات عظام تبریزی، خویی: برای تمام عمل نایب بگیرد، مگر بعد از شوط چهارم، که در این صورت احتیاط آن است که برای باقیمانده نایب بگیرد و بعد از زوال عذر خودش باقیمانده را به جا آورده و آن را اعاده نماید.
- آیه الله زنجانی: نیابت در بعض اشواط، ثابت نیست، مگر در مورد کسی که در اثنای طواف یا سعی بعد از تجاوز از نصف، بیمار شده است.
- آیه الله سبحانی: کسی که می‌تواند با مختصر استراحت، طواف را کامل کند، نمی‌تواند برای بقیه شوط‌ها نایب بگیرد و اگر در اثنا ناتوان شد و نایب گرفت هرگاه پیش از تجاوز از نیمه طواف، نایب بگیرد، باید نایب طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از تجاوز از آن نایب گرفت باید آن را اتمام کند ولی نماز طواف را علاوه بر نایب، خودش نیز بخواند.
- آیه الله سیستانی: اگر از ابتدا بداند که نمی‌تواند طواف را تمام کند باید برای همه آن نایب بگیرد و همچنین اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود، ولی اگر بعد از آن باشد می‌تواند برای باقیمانده نایب بگیرد، ولی در سعی اگر از یک شوط هم عاجز باشد باید برای همه آن نایب بگیرد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بعید نیست طواف حکم نماز را داشته باشد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج دلیل است، پس باید در همه طواف نیابت کند.
- آیه الله فاضل: اگر از ابتدا از انجام طواف مأیوس باشد و امکان طواف دادن او نباشد، باید برای همه آن نایب بگیرد و اگر بعد از دور چهارم از انجام بقیه آن عاجز شده است می‌تواند برای بقیه نایب بگیرد و در این فرض خودش نماز طواف را بخواند و احتیاطاً نایب نیز نماز بخواند و اگر کمتر از چهار دور به جا آورده نیابت در بقیه صحیح نیست.
- آیه الله مکارم: در صورتی که بشود در باقیمانده، آنها را طواف داد باید چنین کنند، و در غیر این صورت برای تمام طواف نایب بگیرند.

ج^۱ - اگر می‌توانند ولو در وقت خلوت در مطاف طواف کنند باید در حد آن طواف نمایند و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد و صبر لازم نیست.^۲

[۶۷۷] س - دختری در کودکی و یا اوایل سنین بلوغ، جنب شده و تاکنون هم ازدواج نکرده است، با توجه به اینکه در سنین بالاتر نمی‌دانسته به واسطه فعلی که در کودکی انجام شده جنب گشته است و در نتیجه غسل جنابت را تا حال انجام نداده است و با این کیفیت به حج نیز رفته است، تکلیف او چیست؟ آن غسل‌هایی که یقیناً انجام داده است، حیض و جمعه بوده است، با توجه به موارد یاد شده فوق، این سؤال‌ها مطرح است:

۱. وضع نماز و روزه و کلیه عباداتی که بعد از بلوغ تاکنون انجام داده است چیست؟
۲. آیا در زمان حال، محرم است و به صورت احرام وارد مکه و خارج شده است؟ و در صورت محرم بودن، آیا تا زمانی که اعاده حج نکند، جمیع محرمات که در آن ایام حرام است بر این شخص حرام می‌باشد یا خیر؟
۳. در صورتی که فقط حجش باطل باشد ولی مُحرم نباشد، چگونه می‌تواند با وضع اعزام حجاج به بیت الله الحرام، که چند سال یک بار این توفیق حاصل می‌شود، اعاده حج کند؟

ج - اگر یقین دارد که جنب شده، بدون غسل جنابت نماز و طواف او صحیح نیست و غسل‌های دیگر کفایت از غسل جنابت نمی‌کند^۳ و در فرض مسئله، نمازهایی را که

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۹۲ گذشت.

۲. برای مسئله نماز به مسئله ۷۷۸ تا ۷۸۰ مراجعه شود.

۳. **آیه الله بهجت:** کفایت غسل واجب که انجام داده است از آن بعید نیست، اگرچه احوط خلاف آن است و در کفایت غسل مستحب از آن اشکال است احتیاط ترک نشود.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، مکارم: بلکه اگر غیر از جنابت نیز، یکی از آنها را قصد کرده باشد اقوی کفایت است. بنابراین، اعمالی که بعد از غسل حیض یا جمعه انجام داده، تمام آنها صحیح است و فقط نمازهایی که بعد از جنب شدن و قبل از اولین غسل حیض یا جمعه خوانده باطل و قضا دارد.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر غسل واجبی انجام داده، از غسل جنابت کفایت می‌کند. بنابراین، همه اعمالی که بعد از غسل انجام داده، صحیح است. ←

با این حال خوانده باید قضا کند و اگر نمی‌دانسته جنب است و روزه گرفته روزه‌های او صحیح است و قضا ندارد و حج در مفروض سؤال صحیح است، ولی طواف‌های عمره و حج و نساء و نمازهای آنها را باید دو مرتبه به جا آورد^۱ و اگر خودش نمی‌تواند برود، برای آنها نایب بگیرد و تا طواف حج و طواف نساء و نماز آنها را انجام نداده یا با عدم قدرت، نایب او به جا نیاورده، باید از بوی خوش و ازدواج و محرمانی که با طواف نساء حلال می‌شود، اجتناب نماید.

[۶۷۸] س - شخصی در اثنای طواف محدث شده و خجالت کشیده بگوید و با همین حالت اعمال را تمام کرده و به ایران بازگشته، مستدعی است بفرمایید:

۱. حشش چه صورت دارد؟

۲. اگر اعاده لازم است، آیا می‌تواند نایب بگیرد یا باید شخصاً انجام دهد؟

ج - اگر با اعتقاد صحت، اعمال را تمام کرده حشش صحیح است^۲ و باید طواف و

→ **آیه الله گلپایگانی:** بنا بر احتیاط، غسل مستحبی کفایت از غسل واجب نمی‌کند و در این مسئله می‌تواند رجوع کند به کسی که غسل مستحبی را کافی از غسل واجب می‌داند و در این صورت حج او صحیح است و چیزی بر او نیست.

۱. **آیه الله بهجت:** و به احتیاط واجب در صورت امکان، عمره مفرده به جا آورد، با فرض بقای حالت جنابت او.

آیه الله سبحانی: با فرض بقای حالت جنابت، حکم کسی را دارد که از روی جهل با وضوی باطل طواف خود را انجام داده است و حکم آن در سؤالات ۶۴۷، ۶۵۳ و ۱۳۶۲ آمده است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با فرض بقای حالت جنابت، حج او باطل است و شخص مذکور باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود.

۲. **آیه الله خویی:** اگر وقت طواف و اعمال بعد از آن باقی است، تدارک می‌کند و گرنه حشش باطل است.

آیه الله زنجانی: مطابق پاسخ مسئله ۶۷۰ و ذیل آن عمل کند.

آیه الله سبحانی: اگر وقت طواف و اعمال باقی است تدارک می‌کند، اگر وقت عمل گذشته است حج او باطل است. البته اگر حدث در طواف نساء بوده حج او صحیح است ولی طواف نساء را باید طبق مسئله ۵۴۹ انجام دهد.

آیه الله سیستانی: اگر وقت عمل گذشته است در هر صورت حشش فاسد است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف باطل است و تفصیل آن در محل خود ذکر شده است. ←

نماز آن را اعاده کند و اگر خودش نمی‌تواند برود باید نایب بگیرد و اگر در فرض مزبور، حدث بعد از شوط چهارم باشد به تفصیل مذکور در مناسک^۱، طواف را تدارک کند و چنانچه کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت انجام داده، شقوق و صوری دارد که در بعض آنها صحت حج مشکل است.^۲

[۶۷۹] س - ما در شب، ساعت ۹ از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکه حرکت کردیم، در نزدیکی اذان صبح به کعبه رسیدیم و چون زائران قبلی مشغول نماز صبح بودند، سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد مقدار کمی صبر کنیم تا پس از نماز ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد، چند بار من خوابم برد، چون آب در دسترس خود نمی‌دیدم و جایی را نمی‌شناختم، روی ریگ‌های اطراف باغچه تیمم کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم، آیا عمل حج من با این توصیف صحیح است یا نه؟

ج - با اینکه برای شما امکان داشته که وضو بگیرید ولو به این نحو که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است و اگر عمل شما با اعتقاد به صحت بوده از احرام خارج شده‌اید^۳ و فقط باید طواف و نماز را اعاده

→ **آیه الله فاضل:** اگر حدث بعد از شوط چهارم باشد حج او مطلقاً صحیح است ولی باید خودش و اگر نتواند نایبش بقیه اشواط را به جا آورد و اگر بعد از سه دور و نیم و قبل از تمام شدن دور چهارم محدث شده، باید احتیاط کند، همان طور که در مسئله ۵۴۹ گذشت و چنانچه کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت، انجام داده یا جاهل مقصر بوده است، صوری دارد که در بعضی از آن صور حج باطل است. تفصیل آن در ذیل مسئله ۵۴۹ گذشت. بلی اگر حدث در طواف نساء بوده، حج مطلقاً صحیح است ولی طواف نساء را باید طبق مسئله ۵۴۹ انجام دهد.

۱. به مسئله ۵۴۹ رجوع شود.

۲. **آیه الله تبریزی:** حش فاسد است.

آیه الله مکارم: در تمام صور حج او مشکل است.

۳. **آیه الله بهجت:** اگر بعد از تقصیر بفهمد که طوافش باطل بوده، لازم است اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و اگر بعد از اعمال حج فهمید، غیر از تدارک، در صورت امکان عمره مفرده هم به جا می‌آورد

علی الأحوط. ←

کنید و اگر خودتان نمی‌توانید بروید، باید نایب بگیرید.

[۶۸۰] س - اگر کسی قبل از حجرالاسود طواف را شروع نمود و به همان جا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟
ج - بلی، طواف باطل است.^۱

[۶۸۱] س - اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط، مقداری مسافت را به قصد جزئیت به جا بیاورد، آیا مبطل طواف است؟
ج - اگر عمدی باشد مبطل است و در صورت سهو قطع کند، و طوافش صحیح است.^۲

→ **آیه الله تبریزی:** اگر تدارک نکرده‌اید، حج شما اشکال دارد.

آیه الله خویی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: چون وقت تدارک گذشته باید حج افراد و پس از آن و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده انجام می‌دادید هر چند عمره تمتع شما مستحبی باشد و چنانچه اعمال حج تمتع را به جا آورده‌اید کفایت از حج افراد می‌کند.

آیه الله سبحانی: حکم کسی را دارد که از روی جهل با وضوی باطل طواف خود را انجام داده و حکم آن با صور مختلفه‌اش در ذیل سؤالات ۶۴۷، ۶۵۳ و ۱۳۶۲ آمده است.

آیه الله سیستانی: حج باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و در هر صورت، از احرام خارج نشده‌اید و اگر قبل از وقوفین باشد پس از طهارت، طواف و نماز و سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهید و سپس محرم شوید برای حج تمتع و اگر بعد از وقوفین یا بعد از حج بفهمد، حج او مبدل به حج افراد می‌شود و بعد از اعمال حج احتیاطاً عمره مفرده انجام دهد و سال بعد ثانیاً، عمره و حج تمتع را به جا آورد.

۱. **آیه الله بهجت:** اگر کمبود طواف؛ یعنی از موضع شروعات تا حجرالاسود را جبران کند طوافش صحیح است.

آیه الله سبحانی: ولی اگر نیت واقعی او این باشد که طواف را از نقطه واقعی شروع و به آنجا که تکلیف اوست ختم می‌کند و شوط هفتم را محاذی حجرالاسود ختم کرد و مقدار کسری را جبران کرد صحیح است.
۲. به ذیل مسئله ۶۱۴ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: در مورد سهو، رجوع شود به ذیل مسئله ۶۱۴، و اگر جاهل باشد، صحت طواف او مورد اشکال است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

[۶۸۲] س - شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد و بدون اینکه نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

ج - اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.^۱

[۶۸۳] س - کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد و بقیه اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج - با فرض عذر حتی در آینده، عمل مزبور صحیح است و نماز را بخواند.^۲

[۶۸۴] س - آیا می‌شود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر به هم زد و آن را کأن لم یکن دانست و یا مانند نماز قطع کردن آن جایز نیست؟

ج - قطع مانع ندارد^۳ ولی قبل از فوات موالات نمی‌توان آن را از سر گرفت.^۴

[۶۸۵] س - کسی که از طواف، حتی در خارج مطاف، عاجز است و به خاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او کفایت نمی‌کند؟

۱. آیه الله خویی: بنا بر احتیاط باید طواف را اتمام و اعاده نموده و سایر اعمال را تدارک نماید.
- آیه الله سبحانی: باید طواف را اتمام و بنا بر احتیاط اعاده نموده و سایر اعمال را تدارک نماید.
- آیه الله فاضل: اگر قصد هفت شوط را هم در ابتدا داشته باشد و عمداً و یا با جهل تقصیری، طواف را به این کیفیت انجام داده باشد باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.
۲. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۶۷۵ گذشت.
۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۶۱۵ گذشت.
۴. آیات عظام بهجت، مکارم، نوری: از سرگرفتن آن مانعی ندارد.
- آیه الله خامنه‌ای: اگر از طواف قبل صرف نظر کرده و از سر بگیرد نیز صحیح است.
- آیه الله زنجانی: اگر قبل از فوت موالات بدون عذر استیناف کند، طواف دوم بنا بر احتیاط باطل است.
- آیه الله سبحانی: و اگر از نیمه گذشته باشد، باید اتمام کند و نماز بخواند و سپس از نو شروع کند.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحت آن بعید نیست.
- آیه الله فاضل: قبل از فوات موالات نیز می‌توانند آن را از سر بگیرند و فرقی نیست که دور دوم را رها کنند یا غیر آن را. و اگر بخواهند احتیاط کنند به ذیل مسئله ۶۴۶ مراجعه کنند.

- ج - اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است نایب بگیرد.^۱
- [۶۸۶] س - اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر به جا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟
- ج - باید یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند^۲ و اگر با اعتقاد صحّت بوده بقیه اعمال صحیح است.
- [۶۸۷] س - در مواردی که شخصی شک در اشواط کند، حکم به بطلان طواف می‌فرمایید، حالا اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اول شش شوط داشته و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟
- ج - اشکال دارد و باید احتیاط کند.^۳

۱. به ذیل مسئله ۶۵۸ مراجعه شود.

۲. **آیه الله بهجت:** آن شوط و نماز طواف را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر طواف کننده داخل حجر اسماعیل عليه السلام شود، آن شوط باطل می‌شود و باید آن را اعاده کند و بهتر اعاده طواف است بعد از اتمام آن، و این در صورت بقای مولات است، و در صورت فوت مولات، طواف محکوم به بطلان است، اگرچه از روی جهل یا نسیان باشد و اگر وقت تدارک گذشته باشد، عمرارش باطل است.
- آیه الله سبحانی:** طواف و اعمال بعدی را تجدید نماید.
- آیه الله سیستانی:** در فرض جهل و فوت مولات باید طواف و سایر اعمال را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته باشد عمره او باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را به جا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوطهای گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و بعد از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را به جا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد.
- آیه الله فاضل:** احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.
۳. **آیه الله بهجت:** اشکال ندارد، طواف دوم را تمام کند.
- آیات عظام تبریزی، زنجانی، سیستانی، فاضل:** طواف دوم محکوم به صحت است همان را به اتمام برساند.
- آیه الله خامنه‌ای:** با توجه به اینکه از طواف اول دست برداشته اتمام همان طواف دوم کفایت می‌کند. ←

- [۶۸۸] س - بعضی به تصوّر اینکه طواف ۱۴ دور است با این کیفیت طواف انجام داده‌اند، آیا مخّل به طواف است؟
- ج - اگر به قصد ۱۴ شوط طواف کرده، طوافش باطل است.^۱
- [۶۸۹] س - اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات به یاد آورد، تکلیف چیست و آیا انجام و یا تتمیم آن فوریت دارد؟
- ج - می‌تواند بعد از اعمال منا آن را تدارک کند و فوریت ندارد.^۲
- [۶۹۰] س - اگر کسی جهلاً طواف را بیش از هفت شوط آورد و بقیه اعمال بعد از آن را به جا آورد، تکلیف او چیست؟

- **آیه الله خویی:** فتوای ایشان در دست نیست و لذا طبق مبنای ایشان، برای عمل به احتیاط، کافی است چهار شوط دیگر به نیت اعم از اتمام طواف اول، در صورتی که وظیفه‌اش اتمام آن باشد و اتمام طواف دوم در غیر آن صورت به جا آورد.
- آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی:** باید احتیاط کند به اینکه طواف دوم را رها کند و طواف قبلی را تکمیل نماید و پس از نماز طواف قبلی طواف و نماز آن را به طور کامل اعاده نماید.
- آیه الله مکارم:** صبر می‌کند تا موالات طواف دوم به هم بخورد سپس طواف اول را تکمیل کند.
۱. **آیه الله سبحانی:** جاهل به حکم بنا بر احتیاط واجب بعد از نماز طواف انجام شده طواف را از سر بگیرد و نماز آن را به جا آورد و اگر اعمال مترتبه را انجام داده مجدداً آنها را نیز انجام دهد.
- آیه الله سیستانی:** اگر جاهل قاصر باشد صحیح است و گرنه مشکل است.
- آیه الله فاضل:** اگر جاهل قاصر بوده، طوافش صحیح و اعاده مستحب است.
۲. **آیه الله بهجت:** و اگر سعی را انجام داده، سعی را بنا بر احتیاط اعاده کند.
- آیه الله زنجانی:** اگر طواف را فراموش کرده مطابق ذیل مسئله ۶۷۹ عمل نماید و اگر آن را ناقص گذاشته قبل از طواف حج آن را اتمام نماید و اعاده سعی و تقصیر لازم نیست.
- آیه الله سبحانی:** نمی‌تواند بین ظهر عرفه تا غروب جهت تدارک از عرفات خارج شود و فوریت لازم نیست بلکه بعد از اعمال روز عید در منا و قبل از طواف حج طواف فراموش شده و یا نقصان آن را تکمیل نماید و اگر ناقص بیشتر از سه شوط و نیم باشد طواف را کامل اعاده نماید و اگر کمتر از سه شوط و نیم است احتیاط در اتمام و اعاده است و به احتیاط واجب سعی را نیز اعاده کند سپس اعمال حج خود را انجام دهد.
- آیه الله سیستانی:** به احتیاط واجب قبل از طواف حج، آن را تدارک کند. پس اگر کسری آن سه شوط یا کمتر است تکمیل نماید و اگر بیشتر است تکمیل کند و به احتیاط واجب اعاده کند.

ج - اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازش صحیح نیست و باید آنها را اعاده کند و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست^۱، ولی اگر قصد هفت شوط داشته و بعد از تمام شدن زیاد کرده^۲، پس اگر چهار شوط یا بیشتر زیاد کرده، احتیاط آن است که بقیه را تا چهارده شوط متمیم کند و یک نماز دیگر هم به جا آورد و طواف و نماز را اعاده کند^۳، و اگر کمتر از چهار شوط زیاد کرده و موالات عرفیه به هم خورده است، احتیاط واجب اعاده طواف و نماز است و اگر موالات عرفیه به هم نخورده، حکم صورت قبل را دارد.

[۶۹۱] **س -** شخصی طواف حج واجب خود را غلط انجام داده و پس از آن چندین بار حج نیابی انجام داده است، تکلیف او در مورد حج خود و دیگر حج‌ها چیست؟

ج - مانع ندارد و باید طواف حج خود را تدارک و کند حج‌های نیابی که انجام

۱. **آیه الله بهجت:** بنا بر احتیاط بقیه اعمال را اعاده کند.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط طواف باطل است و بقیه اعمال بعد از آن را هم اعاده نماید.

آیه الله زنجانی: سپس اعمال بعدی را اعاده کند و اگر وقت جبران گذشته، عمره تمتع او تبدیل به حج افراد می‌شود و باید پس از انجام آن و گذشتن ایام تشریق، عمره مفرده به جا آورد و چنانچه حج تمتع انجام داده کفایت از حج افراد می‌کند البته اگر پس از بازگشت به وطن متوجه شده، نماز آن کفایت می‌کند.

آیه الله سبحانی: حکم جاهل ذیل سؤال ۶۸۸ و حکم زیادی از روی سهو در مسئله ۶۱۴ بیان شد.

آیه الله سیستانی: در هر صورت، اگر جاهل قاصر باشد طوافش صحیح است و گرنه مشکل است و به احتیاط واجب باید آن را و اعمال پس از آن را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اعاده بقیه اعمال لازم است.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط بقیه اعمال را اعاده کند، مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

۲. **آیه الله فاضل:** اگر سهواً اضافه کرده و قبل از یک دور متوجه شده، آن را قطع کند و طواف صحیح است و اگر بعد از یک دور متوجه شود باید طواف را به احتیاط واجب تا چهارده دور به قصد قربت تمام کند و دو رکعت نماز برای طواف واجب قبل از سعی بخواند و به احتیاط مستحب دو رکعت برای طواف مستحب نیز بعد از سعی بخواند.

آیه الله مکارم: این صورت هم مانند صورت اول است؛ باید زیاده را رها کرده از سر بگیرد.

۳. **آیه الله بهجت:** اعاده لازم نیست به نحوی که در مسئله ۶۱۴ گذشت.

داده صحیح هستند.^۱

[۶۹۲] س - شخصی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف رجائاً

برای جبران نقص احتمالی به جا می‌آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می‌رساند؟

ج - ضرر ندارد ولی جبران نقص نمی‌کند.^۲

[۶۹۳] س - شخصی در دور پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، آیا بعداً باید

همین طواف را تکمیل کند یا طواف دیگری انجام دهد؟

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی:** در فرض عمد یا جهل حجتش باطل است، ولی حج‌های نیایی صحیح است.

آیه الله زنجانی: اگر طوافش را ناقص به جا آورده باید طواف را اتمام کند و نمازش را بخواند و اگر همه طواف باطل بوده چنانچه بعد از مراجعت به وطن متوجه شده طواف و نمازش را به جا آورد کافی است و در این دو صورت حج‌های نیایی او صحیح است.

آیه الله سبحانی: کسی که عمداً و یا از روی جهل به حکم، طواف حج را باطل کند، تا آخر ذی‌حجه فرصت جبران با اعمال مترتبه را دارد و اگر نکرد حج او باطل و باید یک شتر در مکه قربانی کند و حج را در سال بعد قضا کند.

آیه الله سیستانی: در فرض جهل به مسئله، حج او باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد و سایر حج‌ها صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر از روی عمد ولو با جهل به مسئله بوده، حج‌هایی که انجام داده اشکال دارد و اگر از روی نسیان بوده طواف حج خود را به جا آورد و سعی را احتیاطاً انجام دهد و حج‌های نیایی او صحیح است.

آیه الله فاضل: و اگر عمداً چنین کرده باید حج خودش را اعاده کند و سایر حج‌ها اگر خللی در آنها ایجاد نکرده باشد محکوم به صحت است.

آیه الله مکارم: اگر از روی سهو و فراموشی باشد حج او صحیح است و اگر عمداً باشد یا جهلاً، حج او اشکال دارد.

۲. **آیه الله سبحانی:** به صحت طواف ضرر نمی‌زند و با قصد اتیان به وظیفه فعلی (اتمام یا تمام) نقص احتمالی را جبران می‌کند و این در صورتی است که شک در تعداد اشواط نداشته باشد البته احتیاط واجب آن است که در موارد حصول نقص و عدم جبران، نقص در همان شوط طواف را پس از تکمیل و خواندن نماز طواف، مجدداً طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: طواف او اشکال دارد مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

ج - باید همین طواف را تکمیل کند.^۱

[۶۹۴] س - شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود می‌بیند و آن را با

دستمال پاک می‌کند و طواف خود را تمام می‌نماید، آیا این طواف صحیح است؟

ج - اگر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد و طواف را تکمیل کند^۲ و

اگر بدون تطهیر بینی، طواف را ادامه داده، احتیاط آن است که بعد از تکمیل و نماز،

طواف و نماز را اعاده کند و همچنین اگر دستمال نجس همراه او بوده است.^۳

[۶۹۵] س - شخصی در شوط دوم طواف شک می‌کند که آیا طواف را به نیت

منوب عنه آغاز کرده یا به نیت خودش وظیفه او چیست؟

ج - احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه اتمام کند و پس از نماز، دو

مرتبه آن را با نماز دیگر اعاده کند.^۴

۱. به مسئله ۶۱۸ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: تکمیل لازم نیست و می‌تواند از آن صرف نظر کرده و از سر بگیرد.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: تکمیل لازم نیست و می‌تواند از سر بگیرد همان طوری که گذشت.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۶۸ گذشت.

۳. آیه الله بهجت، آیه الله خویی: محمول متنجس و همچنین لباس کمتر از مقدار ساتر در طواف عیبی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: به مسئله ۵۶۲ و ۵۶۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: اگر ظاهر بدن و لباس، نجس نشود یا نجاست آن کمتر از مقدار درهم باشد طواف صحیح است و همراه داشتن متنجس، ضرر ندارد.

آیه الله سبحانی: حمل دستمال نجس کوچک و هر محمول متنجس اگر ساتر نباشد در حال طواف اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر ظاهر بدن و لباس نجس نشود طواف صحیح است و همراه داشتن چیز متنجس ضرر ندارد.

آیه الله مکارم: لباس‌های کوچک که به تنهایی ستر عورت نمی‌کنند، اگر نجس باشند ضرری ندارند؛ خواه به صورت محمول باشند یا لباس.

۴. آیه الله بهجت: می‌تواند طواف را به نیت منوب عنه تمام کند.

آیه الله خامنه‌ای: می‌تواند از طواف مزبور صرف نظر کرده و طوافی را به قصد منوب عنه از سر بگیرد.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: در فرض سؤال به نیت آنچه نیت کرده آن را اتمام کند و نماز طواف را

بخواند. اما نمی‌تواند به آن اکتفا کند و باید طواف و نماز آن را به نیت منوب عنه اعاده کند. ←

[۶۹۶] س - شخصی در اثنای طواف، به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده و نمی‌داند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

ج - اگر ملتفت بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند و بعداً شک عارض شده، حکم به صحت نماید و در غیر این صورت، اکتفا به طواف مزبور محل اشکال است.^۱

[۶۹۷] س - شخصی در اثنای طواف، بر اثر فشار جمعیت، چند گام به جلو رانده شده است، پس از آن، به جای اینکه همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می‌شود، آیا این طواف صحیح است؟

ج - طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.^۲

[۶۹۸] س - شخصی بعد از اتمام طواف، سهواً یک شوط زیاد کرده است و بعد مردد است که سه یا چهار شوط دیگر به جا آورده است و سپس همه اعمال عمره را نیز انجام داده است، آیا طواف او باطل است و آیا تردید در عدد اشواط اضافی مضر نیست؟

→ **آیه الله سبحانی:** البته اگر هنوز طواف به نصف نرسیده می‌تواند آن را رها کند و کمی صبر کند تا موالات

به هم بخورد و به نیت منوب عنه از سر بگیرد.

آیه الله سیستانی: باید طواف را به نیت نیابت از سر بگیرد.

۱. **آیه الله بهجت:** حمل بر صحت می‌شود.

آیه الله خامنه‌ای: احتمال التفات کافی است.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: احتمال التفات کافی است.

آیه الله سیستانی: در هر دو فرض عمل صحیح است.

آیه الله مکارم: اگر شک بعد از طواف بوده، طوافش صحیح، والا باید از سر بگیرد.

۲. **آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی:** ظاهراً به طواف ضرر ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: طواف او صحیح است.

آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: اگر آن شوط را رها کرده و از نو یک شوط دیگر آورده است، صحیح است.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

ج - مضر است و باید طواف و نماز را اعاده کند.^۱

[۶۹۹] س - شخصی بر اثر شلوغی، مقداری از طواف را در خارج مطاف انجام داده و بعد نیز بقیه اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟
ج - اگر ممکن نبوده، ولو در وقت دیگر، که در حد، طواف کند اشکال ندارد و گرنه باید طواف و نماز اعاده شود.^۲

[۷۰۰] س - کسی که وظیفه او وضوی جیره‌ای و تیمم است، اما از روی جهل، بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟
ج - طواف و نماز آن، باید اعاده شود.^۳

[۷۰۱] س - شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در محدوده معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مطاف آغاز نموده و بعد از طواف، اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟
ج - مانع ندارد.^۴

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی؛ بنا بر احتیاط باید شوط زاید را به نیت قربت مطلقه تمام می‌نمود و برای رعایت احتیاط، اعاده سعی و تقصیر هم لازم است.
آیه الله زنجانی؛ و باید طواف و اعمال بعدی را اعاده کند.
آیه الله سبحانی؛ و اعمال مترتبه را نیز اگر انجام داده، انجام دهد.
آیه الله سیستانی؛ مانند سؤال قبل است.
آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی؛ طواف واجب او صحیح است.
۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۹۲ گذشت.
۳. به سؤال ۶۴۷ مراجعه شود.
- آیه الله زنجانی؛ و مطابق پاسخ مسئله ۶۷۰ و ذیل آن عمل شود.
- آیه الله سیستانی؛ اگر وقت تدارک باقی است باید طواف و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته است حجتش محکوم به بطلان است مگر اینکه در کفایت وضو، به غیر رجوع کند، با رعایت الأعلیم فالأعلم، اگر از موارد رجوع باشد.
۴. آیه الله خویی؛ ظاهراً طواف در خارج از حد تعیین شده صحیح است، ولی اگر استیناف طواف از روی اعتقاد به جواز بوده، طواف دوم صحیح است. ←

[۷۰۲] س - کسی که اشتبهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همان جا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده، حکمش چیست؟ و چنانچه در اثنای طواف متوجه شد و طوافش را به حجرالاسود ختم کرد، مقدار زیادی، مضر به طوافش می‌باشد یا خیر؟

ج - طواف و نماز را باید اعاده کند و فرقی بین دو صورت نیست.^۱

[۷۰۳] س - کسی که می‌داند یا احتمال می‌دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می‌دهد؛ یعنی جمعیت او را می‌برند، آیا می‌تواند از اول نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می‌برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

ج - باید طواف را شروع کند و اگر در اثنا، بدون اختیار او را بردند، همان مقدار را جبران کند و طواف را ادامه دهد.^۲

→ **آیه الله سیستانی:** اگر طواف اول را قطع کرده است، به این نحو که از مطاف خارج شده و به کاری مشغول شده باشد که عرفاً صدق کند طواف را قطع کرده است یا طواف دوم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده باشد صحیح است و گرنه مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

۱. **آیه الله بهجت:** اگر کمبود طواف؛ یعنی از رکن یمانی تا حجرالاسود را جبران کند، طوافش صحیح است. **آیه الله سبحانی:** در فرض دوم اگر قصد او شروع از موضع معتبر شرعی است ولی در تطبیق اشتباه کرده است، در صورتی که کسری دور آخر را تا حجرالاسود به قصد طواف تمام کند، صحیح است.

آیه الله سیستانی: در فرض اول باطل و در فرض دوم صحیح است.

آیه الله فاضل: به ذیل سوال ۷۶۲ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: طواف و نماز آن را در هر دو صورت باید اعاده کند.

۲. **آیات عظام بهجت، تبریزی، مکارم:** جبران لازم نیست و طوافش صحیح است.

آیه الله زنجانی: البته همین مقدار که به اختیار خود دور می‌زند کافی است.

آیه الله سبحانی: در موقع ازدحام اگر احیاناً انسان را ناخواسته به جلو می‌برند، این کار ضرری به طواف نمی‌زند، مشروط به اینکه نیت کند که خود را در میان جمعیت قرار می‌دهیم که طواف کنم و آنچه بر اثر فشار انجام می‌دهم، جزء طواف باشد.

آیه الله سیستانی: اگر به کلی سلب اختیار از او نشود، طواف صحیح است و گرنه باید طواف را در وقتی انجام دهد که بتواند همه آن را با اختیار انجام دهد و قصد مذکور در پایان سؤال وجهی ندارد. ←

[۷۰۴] س - مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند، آیا اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند کافی است یا خیر؟

ج - این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.^۱

[۷۰۵] س - شخصی در عمره تمتع، بعد از تقصیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده، مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، آیا مجزی و صحیح است یا نه؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

ج - طواف و سعی او صحیح است و اعاده تقصیر لازم نیست، اگرچه احوط است.^۲

[۷۰۶] س - شخصی چند متری از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، یک شوط کامل از حجرالاسود شروع و به آنجا ختم می‌کند به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

→ **آیه الله فاضل:** اگر به کلی سلب اختیار از او نشود طواف صحیح است و گرنه باید طواف را در وقتی انجام دهد که بتواند همه آن را با اختیار انجام دهد و قصد مذکور در پایان سؤال وجهی ندارد، بلی اگر وقت ندارد و جبران آن مقدار نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همان مقدار اکتفا کند.

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سبحانی، فاضل، نوری: کفایت می‌کند و صحیح است.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط.

آیه الله مکارم: بهتر آن است که طواف اول را رها کرده، طواف دیگری را شروع کند.

۲. **آیه الله بهجت:** لازم است طواف و نماز اعاده شود و پوشیدن لباس احرام لازم نیست و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند و در صورتیکه بطلان از جهت جهل به حکم نبوده کفاره ندارد.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: اعاده تقصیر لازم است.

ج - صحیح است، مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.^۱

[۷۰۷] س - کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شک می‌کند که در مطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - اگر از اول در مطاف بود و شک در خارج شدن دارد، طوافش صحیح است و اگر از اول شک دارد، با جهل مذکور در سؤال، نمی‌تواند به طواف مزبور اکتفا کند.^۲

[۷۰۸] س - شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع می‌کند و مشغول نماز می‌شود و پس از نماز، طواف را از سر می‌گیرد و هفت شوط کامل به جا می‌آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید طواف را اعاده نماید.^۳

[۷۰۹] س - شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف، از روی شهوت با بدن زنی تماس می‌نماید و از این تماس متلذذ می‌گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می‌کند یا نه، تکلیف او چیست؟

۱. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: هر مقدار از هر شوط طواف که خراب شد باید در همان شوط تصحیح شود و اگر از محل آن گذشت و اصلاح نکرد و طواف را به پایان برد و با اضافه کردن یک شوط به آخر به نحو مذکور در متن تدارک کرد و نماز خواند اکتفا به این طواف مشکل است به احتیاط واجب طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: در این فرض اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحیح نیست، مگر آنکه چند قدم جلوتر از محلی که طواف خراب شده، به عنوان مقدمه علمیه طواف را شروع کند و ادامه آن را به عنوان وظیفه واجب طواف به جا آورد.

آیه الله فاضل: طواف مزبور صحیح است ولیکن اگر پس از خرابی، اشواط دیگری را هم اتیان کرده باشد صوری دارد که در بعضی از آنها اقوی بطلان است.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۹۲ طواف گذشت.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۶۵۲ طواف گذشت.

آیه الله سبحانی: باید نماز طواف دوم را بخواند و سپس اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر با اعتقاد به بطلان طواف اول، طواف دوم را انجام داده، صحیح است.

ج - مضر به طواف نیست و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده، باید کفاره بدهد.^۱

[۷۱۰] س - اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا می‌تواند در ماه‌های غیر حج انجام دهد؟
ج - مانع ندارد.^۲

۱. **آیه الله تبریزی:** چنانچه موجب تماس، مشی در حال طواف باشد، طوافش اشکال دارد.
آیه الله فاضل: اما اگر این عمل با علم و عمد انجام شده و موجب انزال شده، علاوه بر گناه، طواف باطل و باید یک شتر کفاره بدهد و نسبت به طواف، حکم محدث شدن در اثنای طواف را دارد که در مسئله ۵۴۹ گذشت.

آیه الله مکارم: اگر لمس از روی لباس باشد گناه کرده ولی کفاره ندارد.
۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خوبی:** اگر طواف باطل باشد با گذشت زمان تدارک، حشش باطل است.
آیه الله خامنه‌ای: وقت طواف حج و نماز آن ماه ذی‌حجه است، ولی طواف نساء و نماز آن وقت معینی ندارد و در صورت نسیان تا زمانی که خود یا نایبش طواف را به جا نیاورده چیزهایی که حلال شدنش مشروط به انجام طواف بوده بر او حلال نمی‌گردد.

آیه الله زنجانی: اگر در عمره تمتع بوده و وقت تدارک گذشته، عمره‌اش مبدل به حج افراد می‌شود و باید پس از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر در حج تمتع بوده چنانچه در مکه و حوالی آن متوجه شده باید طواف حج و سعی و طواف نساء را قضا کند و اگر در وطن فهمیده انجام طواف حج کافی است.
آیه الله سبحانی: چه اصالتاً و چه نیابتاً. پس از ماه ذی‌حجه الحرام هم می‌تواند آنها را قضا کند و یا در صورت عدم امکان مباشرت استنابه نماید ولی کسی که عمداً یا از روی جهل به حکم طواف حج را باطل کند تا آخر ذی‌حجه فرصت جبران با انجام اعمال مترتبه را دارد و اگر نکرد حج او باطل و باید یک شتر در مکه قربانی کند و حج را در سال بعد قضا کند.

آیه الله سیستانی: اگر بطلان نیز در اثر فراموشی بعضی از شروط باشد، پس اگر طواف عمره باشد و در وقت متذکر شود باید در وقت انجام دهد و اگر بعد از آن و قبل از طواف حج باشد به احتیاط واجب قبل از طواف حج انجام دهد و اگر بعد از آن باشد هر وقت قضا کند جایز است و در صورتی که طواف حج باشد و در ماه ذی‌حجه متذکر شود باید قبل از پایان ماه انجام دهد وگرنه هر وقت قضا کند کافی است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم متذکر شود مانعی ندارد. ←

[۷۱۱] س - شخصی شوط اول طواف را در حالی که ناقص بوده رها می‌کند و پس از آن شش شوط دیگر به جا می‌آورد و بعد از آن نقیصه شوط اول را به جا می‌آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - صحیح نیست.^۱

[۷۱۲] س - اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگ‌های رمی، به دیگری اعتماد کند کافی است؟

ج - اگر اطمینان به عدد پیدا کند^۲ مانع ندارد.

[۷۱۳] س - شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت، از همان جا که طواف را قطع نموده بود شروع می‌کند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است، طوافش چه حکمی دارد؟

→ **آیه الله فاضل:** اگر بطلان در اثر فراموشی بعضی از شروط یا از جهت جهل به برخی از شرایط و خصوصیات باشد پس اگر طواف عمره تمتع است و در وقت متوجه شد باید آن را تدارک و نماز آن را اعاده کند، و چنانچه بعد از تقصیر متوجه شود از احرام خارج شده و فقط طواف و نماز آن را تدارک کند (این حکم در عمره مفرده نیز جاری است) و اگر بعد از محرم شدن به احرام حج و قبل از طواف حج متوجه شد احتیاط مستحب آن است که قبل از طواف حج تدارک کند. هر چند اگر بعد از آن هم انجام دهد صحیح است، و چنانچه بعد از اعمال حج و در همان ماه ذی‌حجه متذکر شد در همان ماه انجام دهد والا هر وقت که مقدور بوده ولو با استنابه قضا کند و عمره و حج او صحیح است. بلی اگر طواف باطل انجام شده پس از متوجه شدن از بوی خوش اجتناب کند و اگر طواف نساء باطل بوده از زن اجتناب کند تا طواف را تدارک کند.

۱. **آیه الله بهجت:** اگر شوط آخری را که به عنوان تکمیل شوط اول به جا آورده، یک شوط کامل باشد هر چند به نظر او بعضی آن تکمیل شوط اول بوده طوافش صحیح است.

آیه الله فاضل: اگر هنوز موالات عرفیه به هم نخورده، باید نقصان شوط اول را جبران و اتمام کند و بنا بر احتیاط اعاده هم بنماید.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** یا آن شخص ثقه باشد.

آیه الله زنجانی: می‌تواند به شمارش دیگری اعتماد کند و لازم نیست از حرفش اطمینان پیدا کند.

آیه الله سیستانی: و در خصوص طواف می‌توان بر او اعتماد کرد، اگر خود او یقین به عدد اشواط داشته باشد.

ج - اگر موالات به هم نخورده صحیح است.^۱

[۷۱۴] س - آیا واجب است برای درک خلوتی مطاف و طواف در محدوده بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد یا مستحب است یا رجحان دارد خصوصاً اگر پس از ایام تشریق مطاف خلوت نشود؟

ج - در صورت امکان طواف در حد، ولو در وقت خلوت، باید در حد طواف کند ولو با تأخیر.^۲

[۷۱۵] س - آیا مُحْرِم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، می تواند همین طوافها را برای معذور نیابت کند؟
ج - مانع ندارد.^۳

[۷۱۶] س - شخصی در طواف عمره تمتع، در اثر فشار، احساس می کند که لنگ احرامش تر و نجس شده ولی اعتنا نمی کند و با همان حال طواف را تمام می کند و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام می دهد و به منزل می رود، بعد از بررسی می بیند مقداری نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا می کند که در همان حال طواف چنین شده است، بعد از اعمال حج و مراجعت به وطن به او می گویند باطل است، مستدعی است حکم الله را با توجه به اینکه نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده، درباره این شخص بفرمایید و اگر اعمالش باطل باشد آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

۱. آیه الله زنجانی: طوافش صحیح است.

آیه الله مکارم: رفع خستگی اگر طولانی نباشد موالات را به هم نمی زند.

۲. به مسئله ۵۹۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: صبر کردن تا اینکه مطاف خلوت شود لازم نیست هرچند موافق احتیاط است.

۳. آیه الله تبریزی: احتیاط این است که پس از انجام اعمال خود، آن را برای منوب عنه انجام دهد.

آیه الله سبحانی: احتیاط مستحب این است که بعد از انجام اعمال خود برای منوب عنه انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در طواف عمره احوط آن است که بعد از ادای مناسک خود طواف نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد.

ج - اگر در حال طواف شبیه داشته و یقین نداشته که نجس شده و وضوی او باطل شده، از احرام خارج شده است و فقط باید طواف و نماز را اعاده کند^۱، هرچند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد.

[۷۱۷] س - آیا یقین به هل خوردن در حین طواف، مصداق عدم امکان طواف در محدوده معین و مجوز برای تجاوز به غیر این محدوده می شود یا خیر؟
ج - شامل نیست.^۲

[۷۱۸] س - در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با اجنبی یا اجنبیه برخورد می کند باز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟
ج - آنچه ذکر شده عذر نیست.^۳

[۷۱۹] س - اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را به جا آورد ولی بعداً لک دید، اعمالش چگونه است؟

۱. آیه الله تبریزی: حجش بنا بر احتیاط باطل است.

آیات عظام خویی، سبحانی، سیستانی: چون بعداً یقین پیدا کرده وضویش با خروج آن رطوبت باطل شده بوده در فرض مذکور حجش باطل است.

آیه الله زنجانی: اگر بعد از شوط چهارم بوده بعد از تطهیر باید طواف را تکمیل کند و اعاده سعی و تقصیر، لازم نیست و اگر قبل از سه و نیم شوط بوده باید طواف و سعی و تقصیر را دوباره انجام دهد و اگر بین سه و نیم تا چهار شوط بوده باید ابتدا طواف قبلی را تکمیل کند و نماز آن را بخواند و سپس طواف و سعی و تقصیر را دوباره انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حکم حدث در اثنای طواف را دارد و طواف باطل است و تفصیل آن در محل خود ذکر شده است.

آیه الله فاضل: در فرض مذکور حج او باطل است، بلی اگر جاهل قاصر بوده حج او صحیح است و باید طبق ذیل مسئله ۶۷۸ عمل کند.

آیه الله مکارم: و اگر شخصاً نمی تواند، باید نایب بگیرد.

۲. به مسئله ۵۹۲ رجوع شود.

۳. به مسئله ۵۹۲ رجوع شود.

ج - اگر خون دیده و از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است که در وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند و در ضیق وقت، محل اشکال است که مراعات احتیاط باید بشود.^۱

[۷۲۰] **س -** بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان به هم می‌خورد؛ به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می‌بینند، آیا وظیفه این‌گونه زنان در حج چیست؟

ج - اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا

۱. **آیه الله تبریزی:** اگر آن لک، صفات حیض را داشت و قبل از گذشت ده روز از ابتدای حیض قطع شد باید طواف و نماز طواف را که خوانده اعاده نماید و اگر بعد از آن سعی یا تقصیر کرده آنها را هم اعاده نماید و در غیر این صورت اعمالی را که انجام داده صحیح است.

آیه الله خامنه‌ای: اگر از ده روز تجاوز نکرده محکوم به حیض است و چنانچه طواف حج بوده در سعه وقت طواف و نماز آن را اعاده نماید و در ضیق وقت نایب بگیرد. و چنانچه در طواف عمره تمتع بوده در سعه وقت باید طواف و نماز آن را اعاده نماید و در ضیق وقت اگر در حین احرام پاک بوده پس از مراجعت از منا به مکه جهت اعمال حج، قبل از طواف حج و نماز آن و یا بعد از طواف حج و نماز آن، طواف عمره تمتع و نماز آن را قضا نماید و اگر در موقع احرام عمره ناپاک بوده حج او تبدیل به حج افراد شده، و در صورت واجب بودن حج باید از حج، عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله خویی: اگر به صفات حیض ادامه یافت و از ده روز نگذشت، اعمال گذشته باطل بوده و اگر از ده روز گذشت و یا به غیر صفات ادامه یافت اعمالش صحیح واقع شده.

آیه الله زنجانی: چنانچه هنگام طواف و نماز در باطن هم پاک بوده، اعمال انجام شده صحیح است، هر چند خون از روز دهم تجاوز نکرده باشد.

آیه الله سبحانی: حج او به افراد بدل می‌شود.

آیه الله سیستانی: پاکی بین دو خون که حیض واحد شمرده می‌شوند محل اشکال است و به احتیاط واجب باید طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله فاضل: اگر در طواف حج واقع شده، باید طواف و نماز را اعاده کند و احتیاطاً سعی را نیز اعاده کند و اگر در عمره تمتع بوده، اگر فرصت دارد طواف و نماز را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و اگر فرصت نداشت حج تمتع مبدل به افراد می‌شود و اگر حج واجب بوده بعد از حج افراد یک عمره مفرده انجام دهد و الا انجام عمره مفرده واجب نیست.

آیه الله مکارم: اگر اعمال در حال پاکی واقع شده صحیح است.

سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد^۱ وگرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

[۷۲۱] س - اگر زن در عمره تمتع بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار شوط، حائض شد و تا قبل از رفتن به عرفات، پاک نمی‌شود، وظیفه او چیست؟
ج - مورد عدول به افراد است.^۲

۱. **آیه الله زنجانی:** لازم نیست سه روز اول حیض، پشت سر هم باشد ولی باید این سه روز در یک دهه واقع شود؛ یعنی اگر دو روز خون ببیند و هفت روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند هر دو خون حیض است ولی اگر بعد از دو روز خون دیدن، هشت روز پاک شود و دوباره خون ببیند، خون دیده شده حیض نمی‌باشد؛ مگر پاک بودن وی به جهت مانعی همچون قرص خوردن باشد که لازم نیست سه روز اول در یک دهه واقع شود.
آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اگر سه روز اول خون دیدن او پشت سر هم نباشد، تفصیلی دارد که ذیل مسئله ۷۲۸ بیان می‌شود.

۲. **آیه الله بهجت:** مخیر است بین اینکه اول حج افراد را به جا آورده و بعد از فراغت، عمره مفرده به جا آورد و بین اینکه اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نمازش به جا آورد بدین معنی که سعی و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته و به حج رفته و پس از فراغت از حج و بازگشت به مکه، قضای طواف عمره را پیش از طواف حج به جا آورد.

آیه الله تبریزی: طواف را رها نموده، سعی و تقصیر می‌کند و برای حج محرم می‌شود و بعد از برگشتن از منا، قبل از طواف حج، یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا می‌آورد و نماز آن را می‌خواند.

آیه الله خامنه‌ای: می‌تواند عدول به حج افراد نموده و بعد از اعمال حج، عمره مفرده انجام دهد و می‌تواند سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام داده و از احرام خارج شود و طواف عمره تمتع و نماز آن را در موقع مراجعت به مکه جهت انجام طواف و نماز و سعی حج تمتع قبل از آنها و یا بعد از آنها به جا آورد.

آیه الله خویی: مخیر است بین عدول به حج افراد و بقا بر حج تمتع، به این نحو که سعی و تقصیر می‌کند و بعد از رجوع از منا، قبل از طواف حج، یک طواف به نیت اعم از اتمام و تمام به جا می‌آورد.

آیه الله زنجانی: سعی و تقصیر را انجام می‌دهد و بعد از بازگشت از منا و قبل از طواف حج باید طواف عمره تمتع را اتمام کند و نمازش را بخواند و سپس طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: اگر قبل از سه شوط و نیم خون دید حج او تبدیل به افراد می‌شود و اگر پس از سه شوط و نیم خون دید باقیمانده اعمال عمره را مانند سعی و تقصیر انجام می‌دهد سپس برای حج تمتع محرم می‌شود و در بازگشت از منا پیش از طواف حج بقیه طواف عمره با نمازش را به جا می‌آورد سپس به اعمال حج می‌پردازد. ←

[۷۲۲] س - اگر زنی بعد از شوط چهارم در طواف عمره تمتع حائض شد و تا وقت وقوف به عرفه پاک نشد وظیفه‌اش چیست؟

ج - باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و محرم شود برای حج تمتع و در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد^۱ از آن، بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را هم به جا آورد.

→ **آیه الله سیستانی:** احتیاط مستحب این است که به حج افراد عدول نماید، گرچه می‌تواند در عمره تمتع خود باقی بماند و اعمال آن را به جز طواف و نماز آن انجام دهد و پس از فراغت اعمال منا قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را به جا آورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف را رها نموده، سعی و تقصیر را احتیاطاً انجام دهد و ترک احرام را ترک نماید، و رجائاً محرم به احرام حج تمتع شود و اعمال آن را به قصد ما فی الذمه از تمتع و افراد انجام دهد و پس از پاک شدن، ابتدا طواف ناقص عمره را تکمیل نموده، نماز بخواند و بعد بقیه طواف‌ها را به جا آورد و احتیاطاً عمره مفرده نیز انجام دهد.

آیه الله فاضل: اگر قبل از سه شوط و نیم حائض شده، مورد عدول به افراد است و اگر بعد از آن و قبل از تمام شدن دور چهارم حائض شده، طواف را رها کند و سعی و تقصیر را احتیاطاً و رجائاً انجام دهد و احتیاطاً محرمات احرام را رعایت کند و وقت رفتن به عرفات احتیاطاً و رجائاً محرم به احرام حج تمتع شود و اعمال آن را به قصد ما فی الذمه - اعم از تمتع و افراد - انجام دهد. و پس از پاک شدن، بنا بر احتیاط ابتدا طواف و نماز عمره را تکمیل کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و بقیه اعمال حج را به جا آورد و اگر حج تمتع بوده احتیاطاً عمره مفرده را انجام دهد.

۱. **آیه الله بهجت:** باید قضای طواف عمره را به نحوی که گذشت، قبل از طواف حج به جا آورد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و بعد از برگشتن از منا، قبل از طواف حج یک طواف کامل به قصد اعم از تمام و اتمام به جا آورد و نماز آن را بخواند.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۵۴۹ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: باید سعی و تقصیر کند و پس از اعمال منا و قبل از طواف حج، باقیمانده طواف را انجام دهد و احتیاط مستحب این است که پس از اتمام، طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: باید سعی و تقصیر کند و محرم شود برای حج تمتع و پس از اعمال منا پیش از طواف حج بقیه طواف عمره تمتع با نمازش به جا آورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: آنچه از طواف عمره باقی مانده و نماز آن را بعد از اعمال مکه به جا آورد و احتیاطاً سعی را هم اعاده کند هر چند لازم نیست.

آیه الله فاضل: و سعی و تقصیر را نیز احتیاطاً اعاده کند.

[۷۲۳] س - زنی عمره تمتع را انجام داد، بعد متوجه شد که طواف او باطل بوده است، پس از اینکه متوجه شد، دید عذر زنانه دارد، تکلیف او چیست؟

ج - هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف و نماز را اعاده کند^۱ و اگر قبل از وقوف پاک نمی‌شود، برای حج محرم شود و پس از آمدن به مکه و رفع عذر^۲، آنها را انجام دهد.^۳

[۷۲۴] س - زنی مسئله را نمی‌دانست، بعد از پاک شدن از حیض، خیال می‌کرده جنب است و لذا غسل جنابت را نیت می‌کرد و با همین حال حج انجام داد، بفرمایید حج او چگونه است؟

ج - اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

۱. **آیه الله بهجت:** و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند و در صورت ضیق وقت بعداً تدارک کند و عمره مفرده هم به جا آورد به احتیاط واجب.

آیه الله سبحانی: طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر وقت تنگ باشد حج او به حج افراد بدل می‌شود و پس از حج یک عمره مفرده به جا بیاورد.
آیه الله فاضل: سعی و تقصیر را نیز احتیاطاً اعاده کند.

۲. نظر آیات عظام نسبت به پیش از به جا آوردن طواف حج، در ذیل مسئله قبل گذشت.

۳. **آیه الله تبریزی:** بنا بر احتیاط در هر دو صورت سعی و تقصیر را اعاده کند.

آیه الله خویی: در هر دو صورت سعی و تقصیر را اعاده نماید.

آیه الله زنجانی: اگر تقصیر نکرده می‌تواند تقصیر کند، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شود طواف را به جا می‌آورد والا قبل از طواف حج، طواف عمره تمتع را قضا می‌کند.

آیه الله سبحانی: اگر پس از پاک شدن از حیض برای انجام طواف و نماز و سعی وقت باقی است باید اعمال گذشته را اعاده کند و اگر باقی نیست حج او به حج افراد تبدیل می‌شود و پس از اعمال حج یک عمره مفرده به جا می‌آورد.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از فوت وقت وقوفین پاک شود باید همه اعمال را انجام دهد و اگر پاک نشود به وظیفه‌ای که در ذیل مسئله ۷۲۱ آمده عمل کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر بطلان طواف از جهت جهل به مسئله باشد، حج او قهراً مبدل به افراد شده و پس از حج باید عمره مفرده به جا آورد و احتیاطاً حج را اعاده کند.

[۷۲۵] س - آیا مستحاضه کثیره، باید برای طواف یک غسل و برای نماز طواف غسلی دیگر بکند یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ج - برای هر یک، غسل لازم است مگر آنکه از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد.^۱

۱. **آیه الله تبریزی:** بنا بر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آن دو یک وضو بگیرد.

آیه الله خویی: غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست، مگر اینکه محدث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل.

آیه الله زنجانی: مستحاضه کثیره باید برای هر طواف علاوه بر غسل، وضو هم بگیرد و بدون تأخیر طواف کند و در مورد نماز طواف، چنانچه آن را بدون فاصله قابل توجهی از طواف به جا آورده باشد لازم نیست برای آن مجدداً اعمال مستحاضه را به جا آورد و الاً باید برای نماز طواف هم وظایف مستحاضه را تکرار کند، مگر در صورتی که اطمینان داشته باشد که پس از طواف تا پایان نماز، از وی خون بیرون نیامده است.

آیه الله سبحانی: مستحاضه‌ای که برای انجام نماز یومیه مثلاً ظهر غسل کرده و وضو گرفته و به مسجد آمده و مصادف شد با انجام فریضه می‌تواند بعد از انجام فریضه به همان طهارت برای طواف و سپس نماز آن اکتفا کند، و مستحاضه کثیره اگر وظایف روزانه خود را برای نماز انجام داده برای طواف و نماز آن وظیفه جداگانه‌ای ندارد ولی احتیاط مستحب است که برای طواف و نماز آن غسلی جداگانه نماید.

آیه الله سیستانی: اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود یک غسل کافی است، اگرچه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد درحالی‌که خون بیرون نرزد باشد در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می‌تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل لازم نیست و اگر خون ببیند برای هر کدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطاً به جا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می‌شود، مثل اینکه در نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند، احتیاطاً در موقع ورود به مسجدالحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید.

آیه الله فاضل: احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره علاوه بر اغسال یومیه، یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهد و برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد. و متوسطه بنا بر احتیاط واجب یک غسل برای طواف و نماز طواف و برای هر کدام یک وضو بگیرد.

آیه الله مکارم: مستحاضه کثیره هنگامی که غسل‌های نماز خود را به موقع به جا آورد، غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنا بر احتیاط.

[۷۲۶] س - زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و یک سال و نیم خون ندیده است ولی در عرفات خون می‌بیند، بنابراین آیا در یائسگی او می‌توان تردید داشت یا نه و وظیفه او چیست؟

ج - اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده و سیده^۱ نیست، حکم مستحاضه را دارد.^۲

[۷۲۷] س - آیا نماز و طواف برای زن مستحاضه یک حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز جدا و مستقل هستند؟

ج - مستقل هستند.^۳

[۷۲۸] س - زنی بعد از وقوفین حیض می‌شود، با مصرف قرص، خون قطع می‌گردد و اعمال را انجام می‌دهد ولی بعد از آن لک می‌بیند، وظیفه او چیست؟

۱. **آیه الله زنجانی:** و قرشیه هم نیست حکم مستحاضه را دارد و اگر اطمینان دارد که قرشیه است یا در آن شک دارد چنانچه در عادت یا یکی دو روز قبل از آن خون دیده یا خون او اوصاف حیض را دارد، حکم حیض را دارد و سیده قسمی از اقسام قرشیه است.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله نوری:** زن‌های غیر سیده به اتمام پنجاه سال قمری است و زن‌های سیده، اگر بین پنجاه سال و شصت سال قمری، خون به صفات حیض باشد و یا در ایام عادت باشد، بنا بر احتیاط باید بین احکام حائض و مستحاضه جمع کنند و بعد از شصت سال قمری، خون محکوم به استحاضه است. **آیه الله خامنه‌ای:** تعیین سن یائسگی محل تأمل و احتیاط است؛ بانوان می‌توانند در این مسئله به مجتهد جامع شرایط دیگر مراجعه نمایند.

آیه الله خویی: اگر به صفات حیض باشد و یا در ایام عادت باشد، بنا بر احتیاط جمع بین احکام حائض و مستحاضه نماید.

آیه الله سیستانی: یائسگی در مسئله حیض در سیده و غیر سیده، با اتمام شصت سال قمری شروع می‌شود. **آیه الله مکارم:** فرقی بین سیده و غیر سیده نیست و یائسگی با تمام شدن پنجاه سال شروع می‌شود. مگر اینکه خون صفات حیض و شرایط آن را داشته باشد.

۳. **آیات عظام زنجانی، سبحانی، مکارم:** در مسئله ۷۲۵ گذشت.

آیه الله سیستانی: مستحاضه قلبیه، برای هر یک از نماز و طواف، به احتیاط واجب یک وضو بگیرد و در متوسطه بنا بر احتیاط واجب یک غسل و برای هر کدام یک وضو لازم است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط.

ج - اگر خون سه روز مستمر نبوده و حتی در باطن فرج هم قطع شده، حیض نبوده است و با انجام وظیفه مستحاضه، عمل او صحیح است.^۱

[۷۲۹] س - زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می‌شود، وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند و اگر قبلاً بوده، به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید.^۲

[۷۳۰] س - زن مستحاضه‌ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می‌شود، در اثنای

طواف لک می‌بیند، وظیفه او چیست؟

ج - اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده، با تحفظ از خروج خون،

چیزی بر او نیست و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.^۳

۱. **آیه الله زنجانی:** اگر هنگام طواف و نماز در باطن هم پاک بوده اعمال او صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که سه روز اول پشت سر هم نباشد؛ مثل آنکه دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنا بر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حائض و در روزهایی که خون نمی‌بیند هم کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و عبادت‌های خود را به جا آورد.

۲. به مسئله ۵۴۹ و ۵۵۰ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۵۴۹ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس به تفصیل مسئله بعدی عمل کند.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: اگر بعد از نیمه طواف باشد پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس طواف را تمام کند و اگر قبل از آن این حالت رخ دهد پس از وضو و تطهیر بدن و لباس طواف را از سر بگیرد و نماز طواف را بخواند.

۳. **آیه الله زنجانی:** اگر بلافاصله مشغول طواف شده باشد ضرری به طوافش نمی‌زند و می‌تواند با همان حال

بدون فاصله عرفی، نماز طواف را هم بخواند، ولی اگر بین غسل و طواف، فاصله عرفی افتاده باشد با خروج خون، غسل و وضویش باطل می‌شود و پس از تجدید غسل و انجام سایر وظایف، چنانچه خون پس از ۴ شوط آمده طواف را اتمام می‌کند و اگر قبل از ۳/۵ شوط آمده طواف را از سر می‌گیرد و اگر خون بین ۳/۵ تا ۴ شوط آمده طواف را اتمام کرده، دوباره از سر می‌گیرد.

آیه الله سبحانی: اگر وظایف خود را برای نمازهای یومیه انجام داده تکلیفی ندارد.

آیه الله مکارم: یعنی اگر خون قطع شده و غسل کرده سپس خون جاری شده، حکم حدث جدید دارد.

[۷۳۱] س - زنی به تصور اینکه پاک شده است، طواف انجام می‌دهد و در اثنای سعی متوجه می‌شود که هنوز پاک نشده است، آیا سعی او نیز باطل است و اگر بعد از سعی متوجه شود چگونه است؟

ج - در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز، سعی را اتمام و اعاده نماید^۱ و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز لازم و اعاده سعی مبنی بر احتیاط است.^۲

[۷۳۲] س - زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله‌ای بین اعمال پیش می‌آید که شاید طولانی هم باشد؛ مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟

ج - اگر خون قطع نمی‌شود برای هر یک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد^۳ و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنابراین اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجدالحرام غسل کند و وضو بگیرد.^۴

۱. آیه الله بهجت: اتمام سعی لازم نیست و اعاده کافی است.

آیه الله زنجانی: اگر هنگام طواف و نماز در باطن هم پاک بوده اعمالش صحیح است و اگر ناپاک بوده در هر دو فرض پس از پاکی و غسل، طواف و سعی و تقصیر را انجام می‌دهد، و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام پرهیز می‌نماید.

آیه الله سبحانی: تکلیف او با تکلیف کسی که پس از انجام همه عمره متوجه شده که حائض بوده است فرقی نمی‌کند که در مسائل قبل بیان شد.

۲. به سؤال ۶۴۷ مراجعه شود.

۳. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۷۲۵ گذشت.

۴. آیه الله زنجانی: در صورتی که خون قطع نمی‌شود اگر ممکن است در نزدیکی مسجدالحرام غسل کرده بدون فاصله عرفی طواف و نماز را به جا آورد و اگر ممکن نیست باید احتیاط کند به این نحو که در منزل غسل کند و قبل از طواف هم تیمم بنماید.

آیه الله سبحانی: اگر وظایف خود را برای نماز انجام داده برای طواف و نماز آن وظیفه جداگانه‌ای ندارد ولی احتیاط مستحب است که برای طواف و نماز آن غسل جداگانه‌ای بنماید و لازم نیست هنگام شروع به طواف و یا در اثنای آن خون قطع باشد ولی کسی که می‌خواهد به این احتیاط مستحب عمل کند ←

[۷۳۳] س - زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه‌اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟

ج - اگر از هنگام غسل تا آخر طواف، خون قطع بوده، طواف صحیح است و در غیر این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند^۱ و پس از غسل اعاده نماید.

[۷۳۴] س - زنی که حیض نمی‌شود ولی هر دو ماه یک بار، دو سه روزی لک و ترشحات می‌بیند، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر خون استمرار تا سه روز ندارد، ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد.^۲

→ مبادرت عرفی به عمل بعد از غسل لازم است و لازم نیست در اطراف مسجدالحرام غسل کند بلکه غسل از هتل و طی مسافت آن با ماشین لطمه‌ای به این مبادرت نمی‌زند.

آیه الله سیستانی: اگر فاصله بین غسل یا وضو یا هر دو و انجام طواف یا نماز طواف زیاد باشد و تیمم بدون فاصله میسر باشد، به احتیاط واجب قبل از نماز یا طواف یک تیمم بدل از غسل یا وضو کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اگر از نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید.

آیه الله مکارم: چنان‌که قبلاً گذشت هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم ظاهر است و غسل دیگری برای طواف لازم نیست.

۱. **آیه الله بهجت:** اتمام لازم نیست.

آیه الله تبریزی: بعید نیست تمام کردن طواف سابق کافی باشد و احتیاط به اعاده آن پس از غسل نباشد.

آیه الله سبحانی: به ذیل سؤال ۷۲۵ رجوع شود.

آیه الله سیستانی: صحیح نیست و با انجام غسلی برای نماز، نمازش را اعاده کند و طواف را با غسلی دیگر از سر بگیرد، اگر قطع قبل از پایان شوط چهارم بوده است و اتمام کند اگر بعد آن بوده است.

آیه الله مکارم: مانند مسئله سابق است.

۲. **آیه الله زنجانی:** اگر مجموع لکه‌هایی که در ضمن ده روز می‌بیند و مقداری پس از آن لکه‌ها که احتمال می‌دهد باطن آلوده باشد بر روی هم به اندازه سه روز نباشد، احکام حیض را ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به ذیل سؤال ۷۲۸ مراجعه شود.

[۷۳۵] س - هرگاه زن قُرْشِيه پس از شصت سال و غير قُرْشِيه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طوافها و نماز چه کند؟
ج - حکم مستحاضه را دارد و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات.^۱

[۷۳۶] س - زن‌هایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می‌کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه کم‌رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف ضرر می‌زند یا خیر؟

ج - حکم استحاضه را دارد^۲ و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند و اگر در اثنای طواف لک دیده، تفصیلی بین ما قبل از تمام شدن دور چهارم^۳ و ما بعد آن هست که در مناسک ذکر شده است.^۴

[۷۳۷] س - شخصی غسل مس میت به گردنش بوده ولی بعد از اعمال حج متذکر می‌شود، وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از مس میت غسل جنابت کرده باشد - چون جنب هم بوده یا بعداً جنب شده - غسل جنابت کفایت می‌کند و عملش صحیح است^۵ و الاً باید طواف و نماز آن را اعاده کند.^۶

[۷۳۸] س - محرمی است که مبتلا به خروج ریح است؛ یعنی مرتب ریح از او جدا

۱. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۷۲۶ گذشت.

۲. آیه الله زنجانی: خونی که در ایام عادت می‌بینند، هرچند سه روز مستمر نباشد و صفات حیض را نیز نداشته باشد حکم حیض را دارد.

۳. آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: سه شوط و نصف و ما بعد آن.

۴. به مسئله ۵۴۹ و ۵۵۰ مراجعه شود.

۵. به سؤال ۶۷۷ مراجعه شود.

۶. به سؤال ۶۴۷ و ۱۳۶۲ مراجعه شود.

می‌شود و در عرض سال شاید یکی دو ماه، فی الجمله تخفیف پیدا می‌کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می‌شود، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟

ج - حکم مبطون را دارد که از تحریرالوسیله (جلد اول، صفحه ۳۰، مسئله ۳) استفاده می‌شود و علی‌ای حال چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثنای طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند^۱ و همچنین است حکم در نماز طواف.

[۷۳۹] س - مدتی است که به علت ابتلای به بیماری و در اثر عمل جراحی، خروج مدفوع را احساس نمی‌کنم و از کیسه مخصوص استفاده می‌کنم، البته برای وضو و نماز فتوای حضرت امام مشخص و معین است که بدان عمل می‌کنم، ولی چون سال آینده به امید خدا تصمیم دارم خانه خدا را زیارت کنم، مستدعی است در رابطه با انجام مراسم حج، تکلیف شرعی بنده را مرقوم فرمایید؟

۱. **آیه الله بهجت:** مانند مسلوس است و همان وظیفه را دارد.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط حکم مبطون را دارد.

آیات عظام تبریزی، خوئی، سیستانی: در فرض مذکور یک وضو برای طواف و نماز کافی است مگر اینکه حدی غیر از آنچه مستند به بیماری اوست از او سر بزند

آیه الله زنجانی: وضوی مبطون با این‌گونه خارج شدن باد، باطل نمی‌شود و می‌تواند طواف و نماز آن را به جا آورد.

آیه الله سبحانی: به ذیل سؤال ۷۳۹ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب مثل مبطون باید نایب هم بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و مبطون برای طواف نایب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند بدین گونه که برای طواف یک وضو بگیرد و چهار شوط آن را به جا آورد و بعد تجدید وضو کرده و سه شوط دیگر آن را انجام دهد.

آیه الله مکارم: اگر نماز را بلافاصله بعد از طواف بخواند، همان وضوی اول کافی است.

ج - اگر در طواف و نماز آن، رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارید، بنمایید، عمل حج شما صحیح است.^۱

[۷۴۰] س - شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلاً کیسه‌ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه می‌ریزد، لیکن نه از مجرای بول، بلکه از موضع جراحی که در پهلو قرار داده‌اند، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟
ج - حکم مسلوس را دارد.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** باید برای طواف نایب بگیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مبطون، احوط این است که در صورت ممکن، هم خود طواف نموده و هم نایب بگیرد.

آیه الله زنجانی: اگر نتوانید در اثنای طواف، وضو بگیرید یا حرجی باشد با یک وضو می‌توانید طواف کنید، و اگر بتوانید بدون حرج در اثنای طواف وضو بگیرید ولو به این شکل که همراه خود آب ببرید، باید تجدید وضو کنید، و همین طور است حکم در نماز طواف، و برای نماز طواف نمی‌توانید به وضویی که برای طواف گرفته‌اید اکتفا کنید بلکه باید دوباره وضو بگیرید.

آیه الله سبحانی: مبتلا به خروج بول یا غائط و یا ریخ چنانچه تا آخر وقت عذر آنها برطرف می‌شود و یا اینکه فرصتی برای آنها پیش می‌آید که می‌توانند وضو بگیرند و طواف و نماز را بدون حدث به جا آورند باید صبر کنند اما اگر ظن قوی دارند که مشکل آنها رفع نمی‌شود دو حالت دارد: الف) اگر در بین طواف و نماز فقط چند مرتبه انگشت شمار حدث سر می‌زند به طوری که اگر بخواهد برای هر بار وضو بگیرد مشکل نیست ظرف آبی همراه داشته باشد و وقتی حدث سر زد اگر می‌تواند در مطاف و یا اینکه از مطاف خارج شود و وضو بگیرد و سریع برگردد و طواف را ادامه دهد. ب) ولی اگر حدث پی‌درپی ایجاد می‌شود به شکلی که وضو گرفتن برای هر دفعه بسیار مشکل است برای طواف یک وضو و برای نماز وضوی دیگر بگیرد و بنا بر احتیاط واجب برای طواف و نماز نایب هم بگیرد.

نظر سایر آیات عظام در ذیل سؤال قبل گذشت.

۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی:** برای طواف و نماز یک وضو کافی است، مادامی که خروج بول به شکل متعارف نباشد.

آیه الله سبحانی: به ذیل سؤال قبلی مراجعه شود.

آیات عظام صافی و گلپایگانی: برای طواف یک وضو بگیرد و چهار شوط آن را به جا آورد و بعد تجدید وضو کرده، سه شوط دیگر آن را انجام دهد.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

آیه الله مکارم: برای طواف و نماز یک وضو کافی است، اگر نماز را بلافاصله بعد از طواف می‌خواند؛ در غیر این صورت برای هر یک، وضو بگیرد.

[۷۴۱] س - کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می‌کند، مقداری که می‌آید گمان می‌کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمی‌گردد و نیت را با زبان می‌گوید و طواف را از نو شروع می‌کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟
ج - اشکال دارد.^۱

[۷۴۲] س - به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال حج داده می‌شود و به خصوص در طواف‌ها و نماز آن، غالباً یک عملی را به عنوان احتیاط و رجاء، چندین بار به جا می‌آورند ولو اینکه عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حد وسواس هم نمی‌رسد، آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکالی دارد؟

ج - وسواس همین است و نباید به وسوسه اعتنا شود، بلی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.^۲

[۷۴۳] س - کسی به جهتی، طواف یا سعیش قطع می‌شود و به جلو می‌رود، می‌خواهد از همان جا که قطع شده شروع کند ولی در اثر ازدحام نمی‌تواند خود را به آنجا برساند و در محاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار می‌گیرد، آیا می‌تواند از محاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ج - لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه محاذات کافی است و باید طواف تکمیل شود.

[۷۴۴] س - قرآن، که در طواف حرام است، آیا طواف را باطل می‌کند یا خیر؟

ج - اگر از اول یا در اثنای طواف اول، قصد قرآن داشته، احتیاط در اعاده طواف است و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قرآن کرده، طواف باطل نمی‌شود.^۳

۱. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۶۵۲ و ۶۵۷ گذشت.

۲. آیات عظام خویی، زنجانی، سبحانی، فاضل؛ لیکن در طواف و سعی، تکرار در اعمال در برخی از صور موجب بطلان است، اگرچه بدون وسوسه هم باشد.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۶۱۳ گذشت.

آیه الله فاضل: به ذیل سوال ۶۸۸ مراجعه شود.

[۷۴۵] س - آیا یک شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد یا باید طواف هفت شوط باشد و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی به جا آورد و بعد نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکال دارد؟

ج - استحباب آن ثابت نیست،^۱ ولی طواف مزبور صحیح است.

[۷۴۶] س - معیار در کثیر الشک بودن در طواف چیست؟

ج - عرفی است.^۲

[۷۴۷] س - طواف کردن در محدوده ۲۶/۵ ذراع و نماز خواندن پشت مقام، هرچه نزدیکتر به مقام، آن طور که در مناسک بیان شده، گویی نزد آنان بدعت است، آیا باید همانگونه که آنان در خارج از حد طواف می کنند و دور از مقام نماز می خوانند انجام شود؟

ج - چنین چیزی نیست و باید به وظیفه عمل شود.^۳

[۷۴۸] س - اینکه فرموده‌اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و اعاده

کند، بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج - بلی، احتیاط به این است که قبلاً اتمام کند طواف را و نماز بخواند و سپس

اعاده نماید.^۴

[۷۴۹] س - کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده، نیاز به نایب پیدا

کرده است، آیا نایب باید درحالی که محرم است، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم

۱. آیه الله سیستانی: استحباب دارد.

۲. آیه الله زنجانی: و کثیر الشک، کسی است که در مواردی شک می کند که متعارف مردم، شک نمی کنند و کثیر الشک غیر از وسواس است و باید مطابق احتیاط عمل نماید.

۳. آیه الله سیستانی: معیار این است: شکی که برای او حاصل می شود، نسبت به کسانی که در موجبات حواس پرتی مانند او هستند، به مقدار معتنا به بیشتر باشد.

۴. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۹۲ گذشت.

۴. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سبحانی، فاضل، نوری: کافی است یک طواف یا سعی به نیت اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

احرام، آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس مَخِیْط هم جایز است؟
ج - هیچ‌یک از احرام یا لباس احرام در نایب لزوم ندارد.^۱

[۷۵۰] **س -** شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد، باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک به جا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که مشقت نداشته باشد، برای هر بار که حدث از او صادر شود یک وضو بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد.^۲

[۷۵۱] **س -** آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، لازم است با لباس

احرام باشد؟

ج - لازم نیست.^۳

۱. **آیه الله بهجت:** احتیاط در احرام نایب است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احوط آن است که در عمره، نایب بعد از فراغ از ادای مناسک خود، طواف و سعی نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد.

۲. نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۷۴۰ گذشت.

۳. **آیه الله بهجت، آیه الله تبریزی:** اگر طواف عمره باشد و از مواردی باشد که بنا بر احتیاط باید سعی و تقصیر نیز اعاده شود، احتیاطاً محرّمات احرام رعایت شود.

آیه الله خویی: اگر طواف را از روی جهل ترک کرده و یا آنها را باطل انجام داده تا محل تدارک آن باقی است، باقی در احرام می‌باشد و لباس دوخته را باید در بیاورد و بعد از گذشت زمان، تدارک حجش باطل است و بعید نیست احرامش هم باطل باشد.

آیه الله زنجانی: در صورتی که تقصیر یا حلق او محکوم به صحت باشد اجتناب از پوشیدن لباس‌های معمولی و دیگر محرّمات احرام، واجب نیست؛ و در هر حال اگر در لباس‌های معمولی، طواف یا سعی را به جا آورد صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر کسی عمره تمتع و یا عمره مفرده را انجام دهد و بعد از تقصیر بفهمد که طواف و سعی او باطل بوده چنین فردی در احرام خود باقی است و باید از محرّمات احرام دوری جوید و طواف و نماز و سعی را با جامه احرام انجام دهد و با تقصیر مجدد از احرام خارج شود و به خاطر تقصیر بی‌جا چیزی بر او نیست. ←

[۷۵۲] س - هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته، اعمال عمره را؛ از طواف و سعی، انجام دهد؛ جهلاً یا عمدأ، آیا طواف و سعی او صحیح است؟ و عمره او مجزی است یا نه؟

ج - طواف و سعی مزبور صحیح و عمره مذکور مجزی است.^۱

[۷۵۳] س - هرگاه محرم به احرام عمره تمتع جنب باشد و آب برای او ضرر دارد یا آب ندارد و یا وقت عمره می‌گذرد، آیا طواف و نماز، با تیمم کافی و مجزی است؟ یا باید نایب هم بگیرد؟

ج - نایب گرفتن لازم نیست.^۲

[۷۵۴] س - آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق می‌کند؟

ج - فرق می‌کند^۳ و فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی الأحوط.

→ **آیه الله سیستانی:** او بر احرام خود باقی است و باید از محرّمات احرام اجتناب کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در طواف عمره تمتع و عمره مفرده احرام واجب است و در طواف حج لازم نیست.

۱. **آیه الله تبریزی:** اگر سائر منحصر به لباس‌های دوخته‌ای که پوشیده است باشد، طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.

آیه الله مکارم: در صورت عمد، خلاف احتیاط است، گناه کرده و یک گوسفند کفاره دارد.

۲. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** بنا بر احتیاط نایب هم بگیرد.

۳. **آیه الله تبریزی:** فرق نمی‌کند بنا بر احتیاط واجب، هرچند در حال احرام جایز نیست صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند.

آیه الله خویی: فرق نمی‌کند بنا بر احتیاط واجب و پوشاندن صورت برای زن از نامحرم، بنا بر احتیاط واجب است ولیکن باید به نحوی باشد که سائر به صورت زن مسّ نشود.

آیه الله زنجانی: داشتن سائر بنا بر احتیاط مستحب در صحت طواف، معتبر است و از آنجا که معمولاً طواف‌کننده در معرض دید ناظر محترم است پوشاندن عورت بر مردها و تمام اندام - به جز وجه و کفین - بر بانوان، تکلیفاً واجب است.

آیه الله سبحانی: باید در حال طواف روی پا و کف پا را بپوشاند هرچند در حال نماز پوشاندن آنها لازم نیست و همچنین در حال نماز می‌تواند صورت خود را بپوشاند ولی در حال احرام به جز برای حفظ از نامحرم جایز نیست صورت خود را بپوشاند البته در این حال هم باید حجاب به صورت نچسبید. ←

- [۷۵۵] س - اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او، که باید در حال طواف بپوشاند، ظاهر باشد آیا به طواف او ضرر می‌رساند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر، طواف را انجام داده، طواف او باطل است یا نه؟
- ج - اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست علی‌الأحوط^۱ و در غیر مورد عمد، صحیح است، مگر در جاهل مقصر علی‌الأحوط.
- [۷۵۶] س - شخصی در عمره تمتع طواف را تمام کرده است، ولی می‌گوید دلچسب نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول، به جا می‌آورد و نماز و سعی به جا می‌آورد و تقصیر می‌کند، آیا عملش صحیح است یا نه؟
- ج - عمل او صحیح است^۲، هر چند داخل در قران حرام است.

- **آیه الله سیستانی:** فی الجملة فرق می‌کند، گرچه احتیاط این است که همان مقدار که در نماز پوشاندن واجب است در طواف نیز واجب است ولی اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد طواف صحیح است همچنین به احتیاط واجب نباید صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند حتی اگر محل باشد.
- آیه الله مکارم:** در حال نماز پشت پا و کف آن نیز مستثنی است ولی در طواف احتیاط پوشاندن آن است. همچنین در نماز نقاب ضرری ندارد ولی در طواف جایز نیست.
- آیه الله نوری:** فرق می‌کند؛ چون در نماز می‌تواند صورت خود را بپوشاند ولی در طواف واجب است صورت خود را بپوشاند.
۱. **آیه الله بهجت:** در صورتی که علم نداشته باشد اشکال ندارد.
- آیه الله خامنه‌ای:** طواف او صحیح است، اگرچه مرتکب فعل حرام شده است.
- آیه الله سبحانی:** در مورد احرام بانوان باید بدن نما نباشد و اگر به قدری نازک باشد که در حال عرق کردن با چسبیدن به تن بدن نمایان گردد طواف و نماز با آن اشکال دارد.
- آیات عظام سیستانی، فاضل، مکارم:** طواف صحیح است هر چند گناه کرده است.
- آیه الله خویی:** در فرض جهل به حکم، طواف صحیح است.
۲. **آیه الله بهجت:** چون جنبه احتیاطی دارد، اشکالی ندارد و طواف احتیاطی، طواف دیگر نیست تا قران حاصل شود.
- آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی:** اعاده طواف به عنوان احتیاط قران نیست.
- آیه الله سبحانی:** چنانچه نماز طواف دوم را خوانده احتیاطاً دو رکعت نماز طواف اول را بخواند و سپس باید از اول طواف واجب را انجام دهد و نماز آن را بخواند.
- آیه الله سیستانی:** صحت عمل مورد اشکال است، از جهت فاصله بین طواف و نماز، مگر اینکه جاهل قاصر باشد. نسبت به نظر سایر آیات عظام، به مسئله ۶۱۱ و ۶۱۳ مراجعه شود.

[۷۵۷] س - اکل و شرب در حال طواف جایز است یا نه؟

ج - مانع ندارد.

[۷۵۸] س - کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند می‌کند و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد و در این حال توجه به طواف ندارد، در نتیجه نمی‌داند که آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند.^۱

[۷۵۹] س - کودک نابالغی با اذن پدر محرم شد و طواف را نیمه‌کاره به تصور اینکه همین مقدار کافی است رها کرد و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داد، تکلیف چیست؟

ج - اگر از اول قصد هفت شوط نداشته، طواف او باطل است و باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.^۲

[۷۶۰] س - کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست ادامه دهد و دیگری به جای او بقیه را به جا آورد، ولیکن نماز طواف را خودش خواند و بعداً

۱. آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله تبریزی، آیه الله مکارم: اگر قصد طواف ولو اجمالاً داشته باشد کافی است.

آیه الله سبحانی: به شک خود اعتنا نکند و به طواف خود ادامه دهد.

۲. آیه الله بهجت: حکم قطع طواف را دارد به مسائل قطع طواف مراجعه شود.

آیه الله تبریزی: اگر بخواهد عملش صحیح شود باید طواف و اعمال بعد از آن را اعاده کند.

آیه الله خویی: حکم قطع طواف را دارد و پس از تصحیح طواف، سعی را در طبقه اول اعاده نماید.

آیه الله زنجانی: و چنانچه در عمره تمتع این اتفاق افتاده و وقت تدارک گذشته، مطابق ذیل مسئله ۶۷۹ رفتار نماید.

آیه الله سبحانی: به جهت فوت موالات باید طواف را اعاده کند و نماز بخواند و سعی را در طبقه اول دوباره انجام دهد و تقصیر نماید.

آیه الله سیستانی: در هر صورت باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید و اگر وقت عمره تمتع گذشته، احرامش باطل شده و چیزی بر او نیست.

آیه الله فاضل: و تا اعمال را به صورت صحیح انجام نداده در احرام باقی است.

متوجه شد که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمی‌رساند و او با استراحت می‌توانست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج - بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید.^۱

[۷۶۱] س - شخصی طواف خود را به هم می‌زند و طواف دوم را شروع می‌کند، آن

را نیز به هم می‌زند و طواف سوم را آغاز کرده به اتمام می‌رساند، وظیفه او چیست؟

ج - اشکال دارد^۲ و موارد احتیاط مختلف می‌شود.

[۷۶۲] س - اگر شخصی رکن مستجار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن

حجرالاسود است، لذا طواف را از مستجار به عنوان حجرالاسود شروع کرد و هفت

شوط کامل به جا آورد، بعداً فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟

ج - طواف مزبور باطل است^۳ و باید تدارک شود.

[۷۶۳] س - گاهی انسان شک می‌کند که این شوط طوافم به هم خورده یا نه، آیا

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی**؛ خودش احتیاطاً بقیه طواف را به جا آورد و بعد از خواندن نماز طواف، طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیه الله خامنه‌ای؛ اگر بنا بر احتیاط واجب موالات به هم نخورده باشد و به هر حال می‌تواند از طواف قبل صرف نظر کرده و مجدداً طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سبحانی؛ و اگر در اثنا ناتوان شد و نایب گرفت هرگاه پیش از تجاوز از نیمه طواف نایب بگیرد باید نایب طواف را از سر بگیرد و اگر پس از تجاوز از آن نایب گرفت باید آن را اتمام کند ولی نماز طواف را خود شخص نیز علاوه بر نایب بخواند.

آیه الله سیستانی؛ ولی اگر موالات به هم خورده باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.

۲. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۶۵۲ و ۶۵۷ گذشت.

۳. **آیه الله بهجت**؛ اگر کمبود طواف، یعنی از رکن یمانی تا حجرالاسود را جبران کند، طوافش صحیح است.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی؛ اگر قصد او شروع از موضع معتبر شرعی است ولی در تطبیق اشتباه کرده است، در صورتی که کسری دور آخر را تا حجرالاسود به قصد طواف تمام کند طواف صحیح است در غیر این صورت باطل است.

آیه الله فاضل؛ ظاهراً قصد او شروع از موضع معتبر شرعی بوده و در تطبیق اشتباه کرده است لذا کسری دور آخر را تا حجرالاسود تمام کند و طواف صحیح است ولی احتیاطاً پس از نماز طواف، طواف و نماز را اعاده کند.

می‌شود بعد از طواف یک شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

ج - به وسوسه نباید اعتنا کرد و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند، همان قسمت باید تصحیح شود و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می‌شود و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی‌شود.

[۷۶۴] س - شخص درحالی که مشغول طواف است، در شوط پنجم یقین کرد که ۵ متر در شوط اول و ۵ متر در شوط سوم بی‌اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

ج - این طواف قابل تصحیح نیست^۱ و باید اعاده شود.

[۷۶۵] س - شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است، آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج - ظاهر آن است که آنچه در مناسک استثنا نکرده معتبر است.^۲

۱. آیه الله بهجت: دو شوط کامل انجام دهد بما آتیه یحتمل من السبعه.

آیه الله تبریزی: بی‌اختیار شدن، مانع صحت طواف نیست، وقتی که شروع به اختیار بوده است.

آیه الله خویی: حرکت به سبب ازدحام مبطل طواف نیست.

آیه الله زنجانی: همین مقدار که با اختیار خودش دور می‌زند کفایت می‌کند و اگر این مقدار هم نبوده، باید دو شوط دیگر انجام دهد.

آیه الله سبحانی: دو شوط دیگر به قصد جبران نقص انجام دهد و احتیاطاً پس از نماز طواف را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر به کلی از او سلب اختیار شده است، دو شوط دیگر انجام دهد.

آیه الله فاضل: باید از همان جایی که در شوط اول طواف را خراب کرده، طواف را تصحیح و اتمام و احتیاطاً اعاده هم بنماید. اگر موالات عرفیه به هم نخورده باشد والا اعاده کافی است ظاهراً.

آیه الله مکارم: اگر از اول قصد کرده خود را در میان طواف کنندگان قرار دهد و با آنها بچرخد، آنچه را با فشار جمعیت به جا می‌آورد جزء طواف است و صحیح می‌باشد.

۲. آیه الله سبحانی: و اینکه در طواف مستحبی وضو شرط نیست و نماز آن را می‌توان در همه جای

مسجدالحرام خواند. ←

[۷۶۶] س - در طواف مستحبی، زنان می‌دانند که به بدن مردان نگاه می‌کنند و احیاناً هم در بین فشار مردان قرار می‌گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

ج - اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند و در هر صورت طواف صحیح است.

[۷۶۷] س - آیا در طواف‌های مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟

ج - بلی شرط است.

[۷۶۸] س - محرم وارد مکه شد، آیا می‌تواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل از اعمال عمره مفرده و همچنین پس از محرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی به جا آورد یا خیر؟ و اگر به جا آورد، به عمره و حجش ضرر می‌زند یا نه؟

ج - احوط ترک طواف مستحبی است^۱ در فرض سؤال، ولی به عمره و حج ضرر نمی‌زند.

→ **آیه الله سیستانی:** به حسب اختلاف شرایط و احکام، موارد متفاوت می‌شود. برای شناخت آن به مناسک مراجعه شود.

آیه الله فاضل: مانند اینکه در طواف مستحبی موالات، طهارت از حدث و خواندن نماز طواف معتبر نیست و قطع آن حتی بدون عذر جایز است و شک در عدد دورهای آن، موجب بطلان نمی‌شود و بنا را بر اقل می‌گذارند و صحیح است و قرآن بین دو طواف مستحب، حرام نیست بلکه مکروه است و خواندن نماز آن در هر جای مسجدالحرام در حال اختیار صحیح است.

آیه الله مکارم: مانند موالات و وضو که در طواف مستحبی معتبر نیست و نماز که در همه جای مسجدالحرام می‌توان خواند.

۱. **آیه الله بهجت:** اشکالی ندارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط این است شخصی که احرام حج تمتع بسته، پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحبی ننماید و چنانچه طواف نمود، بنا بر احتیاط بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.

آیه الله زنجانی: در عمره و حج تمتع کسی که طواف واجبش - ولو طواف نساء - را انجام نداده نمی‌تواند طواف مستحب انجام دهد و اگر بعد از احرام حج و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحب کرد، بنا بر احتیاط مستحب، احرام را تجدید کند.

آیه الله سبحانی: کسی که محرم به احرام حج شده، تا طواف حج و طواف نساء را انجام نداده، نمی‌تواند طواف مستحب انجام دهد و اگر انجام داد، باید به نیت محرم شدن برای حج تمتع «لبیک» را تجدید کند.

آیه الله سیستانی: طواف مستحبی قبل از طواف عمره و حج اشکال ندارد ولی پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات، به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند و اگر کرد به احتیاط مستحب تلبیه بگوید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اقوی جواز و احوط ترک آن است.

[۷۶۹] س - آیا می‌شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یک نفر به جا آورد؟

ج - نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می‌تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد.^۱

[۷۷۰] س - آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب به جا آورد یا نه؟

ج - جایز نیست، مگر در مورد ضرورت.^۲

[۷۷۱] س - اگر حاجی از منا برگشته و هنوز طواف واجب را به جا نیاورده است، آیا می‌تواند طواف مستحبی به جا آورد یا نه؟

ج - احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده، طواف مستحبی نکند.^۳

آداب و مستحبات طواف^۴

[۷۷۲] م - در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ حَبَّةٌ مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ

۱. آیه الله سبحانی: یک شوط طواف مستحب نیز چنانچه به قصد تقرب و رضای الهی باشد مانعی ندارد و

می‌شود حتی آن را به نیابت از دیگری انجام داد ولی نمی‌توان هر یک شوط از یک طواف کامل را به نیابت

کسی انجام داد ولی می‌توان مجموع آن را به نیابت چندین نفر انجام داد و یا ثوابش را به آنها هدیه کرد.

آیه الله سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به

عنوان یک طواف انجام دهد.

آیه الله مکارم: و نیز می‌تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۵۹۲ گذشت.

۳. به سؤال ۷۶۸ مراجعه شود.

۴. آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجا به جا آورد.

بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ ﷺ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَثَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُعَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد به خصوص وقتی که به در خانه کعبه

می‌رسد و بخواند این دعا را:

«سَائِلُكَ، فَقِيرُكَ، مَسْكِينُكَ يَا بَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتِقْنِي وَوَالِدَيَّ وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمٌ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَانُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خَيْرَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شَرَّ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجرالاسود برسد، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار^۱ رسید مستحب است دو دست خود را بر

دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که

ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَاقِبَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَاعْفُرْ لِي مَا

اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ اسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالاسود آمده و

طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجرالاسود را

استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

۱. مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.

۲. آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیت برای بسیاری از مردم غیر ممکن است، بنابراین آنچه را ممکن است انجام می دهد و آنچه را نمی توان انجام داد، هرگاه نیت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نیتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد.

فصل سوم: نماز طواف

[۷۷۳] م - واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره، دو رکعت نماز بخواند؛ مثل نماز صبح.

[۷۷۴] م - می‌تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند، مگر سوره‌های سجده^۱، و مستحب است در رکعت اول، بعد از «حمد»، سوره «قل هو الله احد» را بخواند و در رکعت دوم، سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

[۷۷۵] م - جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

[۷۷۶] م - شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است^۲ و باید اعاده کند و

-
۱. **آیه الله زنجانی:** قرائت سوره‌های سجده در نماز، مانعی ندارد ولی نباید آیه سجده را بخواند.
 ۲. **آیه الله بهجت:** بعد از استقرار آن به تروی علی الأحوط، و اظهر اعتبار ظن در رکعات است مثل ظن در افعال؛ چه ظن به وجود باشد یا عدم به مصحح باشد یا مبطل به رکن باشد یا غیر آن، در محل شک و یا نسیان باشد یا خارج از محل. پس لوازم آن از تدارک یا بطلان یا عدم تدارک را مترتب می‌کند، اگرچه احتیاط در اعاده است فی الجملة، در صورت تعلق ظن به فعل که تدارک نمی‌کند مگر در موردی که انجام دادن آن مبطل نباشد یقیناً.

بعید نیست اعتبار ظن در رکعات^۱ و در ظن در افعال احتیاط کند.^۲ و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

[۷۷۷] م - احوط آن است^۳ که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود به جا آورد.

[۷۷۸] م - واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود^۴ و احتیاط واجب آن

است که پشت مقام به جا آورد^۵ [به طوری] که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه

۱. آیه الله مکارم: احتیاط واجب اعاده بعد از اتمام است.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظن در افعال حکم شک را دارد.

آیات عظام سبحانی، گلپایگانی، فاضل: ظن در افعال معتبر است.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بایستی بعد از طواف مبادرت به نماز کند، که در عرف نگویند بین آنها فاصله شده.

آیه الله خامنه‌ای: نباید بین طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود.

آیه الله زنجانی: نماز طواف وقت معینی ندارد ولی چون از توابع و ملحقات طواف است موالات بین طواف واجب و نماز معتبر است، یعنی نباید بدون عذر بین آن و طواف، فاصله بیندازد به قدری که عرفاً از توابع آن به حساب نیاید؛ ولی اگر به جهت عذری مانند تشکیل صفوف جماعت یا تجدید وضو به تأخیر بیفتد اشکال ندارد و اگر بدون عذر، نماز را به تأخیر بیندازد باید بعد از خواندن نماز، طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: بایستی بعد از طواف مبادرت به نماز کند و فاصله آن دو زیاد نباشد که موالات به هم بخورد و این یک امر عرفی است.

آیه الله سیستانی: به این معنی که به نظر عرف بین آن دو فاصله‌ای نباشد ولی فاصله به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و مانند آن اشکال ندارد ولی کاری دیگر مانند نماز قضا به احتیاط واجب نباید انجام دهد.

آیه الله فاضل: اقوی مبادرت به نماز است و در صورتی که عالماً و عامداً اخلال به فوریت کند، بنا بر احتیاط طواف باطل می‌شود.

۴. آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب نزد مقام واقع شود.

۵. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط بلکه اظهر آن است...

آیه الله خامنه‌ای: واجب است که نماز [طواف] پشت مقام ابراهیم عليه السلام و - در صورت عدم ایجاد زحمت برای دیگران - نزدیک به مقام اقامه شود؛ و در صورتی که این امر میسر نشود، می‌تواند آن را در مسجدالحرام، پشت مقام و با فاصله از آن، به جا آورد.

آیه الله زنجانی: نماز طواف واجب را باید «پشت مقام» به جا آورد و همچنین باید نزدیک مقام باشد به قدری که مردم بگویند «نزد مقام» نماز می‌خواند. ←

واقع شود و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد نزدیک‌تر بایستد، لیکن نه به طوری که مزاحمت با سایرین کند.

[۷۷۹] م - اگر به واسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد؛ به طوری که گفته شود نزد مقام نماز می‌کند به واسطه دوری زیاد، در یکی از دو جانب به جا آورد^۱

→ **آیه الله سبحانی:** جایگاه نماز طواف نزد مقام ابراهیم است بنابراین پشت مقام و یا دو جانب او مادامی که جلوتر از مقام نباشد از نظر صحت نماز یکسان است. هرگاه به خاطر ازدحام جمعیت نتواند نزد مقام نماز بخواند، نماز را در نزدیک‌ترین نقطه به مقام به جا آورد خواه این نقطه پشت مقام محسوب شود یا دو جانب آن، و لازم نیست برای خلوت شدن مقام صبر کند چه بسا صبر کردن موجب از بین رفتن موالات بین طواف و نماز آن بشود و اگر جمعیت طواف‌کننده چنان‌که در ایام حج و یا بعضی ایام عمره تا شعاع خیلی زیاد از کعبه ادامه دارد، موجب شود نماز را در فاصله دور بخواند، باید جوری بایستد که مقام بین او و خانه باشد نه یکی از دو طرف آن.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اظهر آن است....

آیه الله نوری: در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام نماز طواف را بخواند مجزی است، هرچند بهتر است که نسبت به مقام حضرت ابراهیم، الأقرب فالأقرب (هرچه نزدیک‌تر باشد بهتر است) را مراعات کند.

۱. **آیه الله تبریزی:** نماز باید پشت مقام باشد و در نزدیکی آن و در صورت عدم تمکن از نزدیکی مقام، با مراعات الأقرب فالأقرب به مقام بنا بر احتیاط، پشت مقام می‌تواند به جا آورد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله خویی: در صورت عدم تمکن از نماز نزدیک مقام، می‌تواند با رعایت الأقرب فالأقرب دورتر نماز بخواند ولی به هر حال باید پشت مقام باشد.

آیه الله زنجانی: در مواقع ازدحام طواف‌کنندگان، لازم نیست نماز طواف واجب را نزد مقام بخواند، هرچند بتواند با محافظت همراهان، نزدیک مقام نماز بخواند؛ بنابراین می‌تواند تا جایی که مزاحمت طواف‌کنندگان نباشد عقب برود، اما باید پشت مقام بایستد به طوری که عرفاً رو به مقام و کعبه باشد و نماز در قسمت‌های راست و چپ مقام، صحیح نیست، هرچند به مقام نزدیک‌تر باشد.

آیه الله سبحانی: در این مسئله و مسئله بعدی طبق ذیل مسئله ۷۷۸ عمل شود.

آیه الله سیستانی: و اگر نتواند پشت مقام و نزدیک به آن به جا آورد، احتیاط واجب آن است که هم آن را در نزدیکی اش؛ چه در سمت راست باشد و یا چپ، و هم دور از آن ولی پشت مقام به جا آورد و اگر نتواند آن دو را به جا آورد، هر کدام که ممکن است انجام دهد و اگر نتواند هیچ‌کدام را انجام دهد، در هر جای مسجد که شده انجام دهد و بنا بر احتیاط مستحب رعایت کند هرچه به مقام نزدیک‌تر باشد و اگر پس از آن، تا زمانی که وقت سعی تنگ شود نتوانست نزدیک به مقام و پشت آن نماز را اعاده کند، احتیاط مستحب اعاده آن است. ←

در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می خواند.

[۷۸۰] م - اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را به جا آورد باید ملاحظه نزدیک تر را بکند از میان دو جانب و پشت مقام،^۱ و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخواند و در دو طرف کافی نیست^۲ و اگر دو طرف نزدیک تر از پشت باشند به مقام ولکن هیچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جایز بودن اکتفا به پشت لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخواند و یک نماز در یک طرف با ملاحظه نزدیک تری و احوط اعاده نماز است^۳ در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت تنگ نشده برای سعی.

[۷۸۱] م - جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواند به جا آورد، اگرچه در حال اختیار، بلکه گفته اند که آن را می تواند عمداً ترک کند.^۴

→ **آیه الله فاضل:** اگر نتواند پشت مقام و نزدیک آن نماز بخواند، احتیاطاً در یکی از دو طرف مقام و هم پشت مقام و دور از آن، نماز بخواند.

آیه الله مکارم: می تواند در جایی از دو طرف مقام یا عقب تر از مقام نماز بخواند.

۱. **آیه الله بهجت:** و اگر آن هم ممکن نباشد، مراعات می کند الأقرب فالأقرب به سوی خلف مقام و دو جانب آن را، با رعایت احتیاط، در صورت دوران امر بین بعض مراتب خلف و آخذ جانبین به جمع در نماز بلکه به اعاده، پس از تمکن از نماز در پشت سر، اگرچه در آخر وقت امکان باشد و نماز طواف مستحب در هر جای مسجد باشد جایز است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حکم آن در مسئله قبل گذشت.

آیه الله خامنه ای: به ذیل مسئله ۷۷۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله فاضل: احوط نماز خلف مقام است.

۲. **آیه الله سبحانی:** کافی است.

۳. **آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی:** اعاده لازم نیست.

آیه الله فاضل: اولی اعاده نماز است.

آیه الله گلپایگانی: بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام رجائاً بخواند.

۴. **آیه الله بهجت:** مورد تأمل است.

آیه الله سبحانی: نباید عمداً ترک کند. ←

[۷۸۲] م - اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم به جا آورد و به همان دستوری که در مسئله ۷۷۸ به بعد ذکر شده عمل نماید.^۱

[۷۸۳] م - اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید، از همان جا سعی را رها کند و برگردد، دو رکعت نماز را بخواند، بعد از آن، سعی را از همان جا^۲ تمام کند.

[۷۸۴] م - شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند، عمل کرده، اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد، اگرچه احتیاط استجابی در اعاده است.

[۷۸۵] م - اگر برگشتن به مسجدالحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده، باید هر جا یادش آمد نماز را به جا آورد، اگرچه در شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم نیست، اگرچه آسان باشد.^۳

→ **آیه الله سیستانی:** ظاهر آن است که نماز طواف مستحب، مستحب است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: سزاوار نیست ترک کنند.

آیه الله مکارم: ترک آن مشکل است.

۱. **آیه الله زنجانی:** این در صورتی است که در مکه یا حوالی آن یادش بیاید، ولی اگر بعد از دور شدن از مکه یادش آمد می‌تواند همان جا نماز بخواند.

آیه الله سبحانی: باید نماز طواف را به جا بیاورد ولی اعاده اعمال مترتبه واجب نیست و اگر در مکه است باید نماز را در مسجدالحرام نزد مقام ابراهیم به جا آورد و اگر از مکه خارج شده است و بازگشت به مکه مشکل نباشد باید به مکه برگردد و در نزد مقام ابراهیم نماز بخواند و در صورت مشکل بودن، هر کجا متذکر شد، می‌تواند آن را به جا آورد و در این صورت احتیاطاً برای نماز نایب نیز بگیرد که در نزد مقام نیز بخواند.

۲. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** در صورت تجاوز از نصف، بقیه سعی را و در کمتر از نصف، همه آن را مجدداً به جا آورد.

۳. **آیه الله بهجت:** و احوط آن است برگردد به حرم اگر دشوار نباشد و آنها را به جا آورد و بعضی در صورت تعذر برگشتن به مقام، استنابه را لازم دانسته‌اند بنابراین احوط جمع است میان قضای آنها، در هر جا که متذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام به جای آورد. ←

[۷۸۶] م - اگر کسی این نماز را به جا نیاورد و بمیرد، واجب است بر پسر بزرگ^۱ او، که آن را قضا کند؛ به نحوی که در کتاب «صلاة» تفصیل داده شده است.

[۷۸۷] م - جاهل به مسئله، در احکامی که برای ناسی ذکر شد، شریک است با او.

[۷۸۸] م - واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح به جا آورد، خصوصاً کسی که می‌خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند^۲، چون بعضی گفته‌اند اگر نماز

- **آیه الله تبریزی، آیه الله خوبی:** احوط و اولی این است برگشته و نماز را در حرم به جا آورد.
- آیه الله خامنه‌ای:** اگر پیش از خروج از مکه به یاد آورد و برگشت به مسجدالحرام برای او حرجی نباشد، باید برگردد به مسجدالحرام برای انجام نماز طواف، و اگر پس از خروج از مکه مکرمه به یادش آمد که نماز طواف را نخوانده است، باید آن را در همان محلی که به یاد آورده اقامه کند.
- آیه الله زنجانی:** مطابق ذیل مسئله ۷۸۲ عمل شود.
- آیه الله سبحانی:** مطابق ذیل مسئله ۷۸۲ عمل شود و اگر بازگشت مشکل نباشد باید برگردد.
- آیه الله سیستانی:** اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که برگردد و نزد مقام نماز به جای آورد و اگر برگشتن برای او مشقت دارد نماز را در همان موضعی که یادش آمده انجام دهد و لازم نیست برای انجام نماز به حرم برگردد، گرچه میسر باشد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** و بهتر است نایب هم بگیرد تا خلف مقام برای او به جا آورد.
- آیه الله فاضل:** اگر در منا باشد مخیر است بین خواندن نماز در منا و استنابه والّا در هر جا که هست همان جا نماز بخواند گرچه جواز گرفتن نایب هم بعید نیست.
- آیه الله مکارم:** منظور برگشتن به حرم، خارج از مسجدالحرام است.
۱. **آیه الله بهجت:** بر ولی او لازم است آن را قضا کند.
- آیه الله سیستانی:** بنا بر احتیاط واجب باید پسر بزرگترش، آن را از طرف پدر قضا کند.
۲. **آیه الله تبریزی:** اگر با فرض تمکن به طور ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر اینکه جاهل قاصر یا معتقد به صحت قرائت باشد و در فرض تعمد حشش باطل می‌شود.
- آیه الله خوبی:** اگر در زمانی که نماز خواند می‌توانست صبر کند و قرائتش را تصحیح نماید و مع ذلک با قرائت ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر جاهل قاصر باشد و در فرض تعمد حشش باطل می‌شود.
- آیه الله زنجانی:** کسی که می‌تواند همه یا برخی از اشتباه‌های نمازش را تصحیح کند باید طواف را به تأخیر بیندازد و پس از تصحیح قرائت، طواف و نماز آن را به جا آورد، ولی اگر بدون اطلاع از این امر طواف و اعمال بعدی را به جا آورد، هر وقت متوجه شود باید قرائتش را یاد بگیرد و نماز طوافش را به تفصیلی که در مسئله ۷۸۲ گذشت بخواند، ولی طواف و اعمال بعدی او صحیح است. ←

او درست نباشد عمره او باطل است و همچنین حج نیز باطل است. پس علاوه بر آنکه به این قول، از حجة الاسلام برائت ذمه پیدا نمی‌کند، ممکن است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود؛ مثل زن و چیزهایی که گذشت، بر او حلال نشود.

[۷۸۹] م - اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش به جا آورد و کافی است و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند^۱ و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل اقتدا کند، لیکن اکتفا به نماز جماعت نکند؛ چنان‌که نایب گرفتن نیز کافی نیست.^۲

→ **آیه الله سبحانی:** اگر کسی با احرام عمره وارد مکه شد و عمداً از یادگیری قرائت صحیح سر باز زد، معصیت کار است و در صورتی که برای او حرجی نباشد باید در احرام بماند و قرائت نماز را اصلاح کند و در صورت حرجی بودن طواف و نماز را به جا آورده و سپس نماز را یاد بگیرد و به طور صحیح اعاده کند و اگر نتوانست یاد بگیرد احتیاطاً نایب بگیرد.

۱. **آیات عظام تبریزی، خوبی، مکارم:** قرائت به همین مقدار که عربی صحیح بر آن صدق کند کافی است و کسی که اصلاً امکان صحیح خواندن برایش وجود ندارد، مثل کسی که لکنت زبان دارد، به همان نحو اگر بخواند صحیح است و تکلیف دیگری ندارد.

آیه الله سبحانی: و اگر موفق نشد، کسی را وادار کند که قرائت صحیح را به او تلقین کند و اگر امکان نداشت به هر نحو که می‌تواند به جا آورد و احتیاطاً نایب هم بگیرد.

۲. **آیه الله بهجت:** و اگر ممکن شود نماز طواف را در مقام به جماعت بخواند و در صورت عدم امکان جماعت، عمل به وظیفه یومیّه کافی است.

آیه الله خامنه‌ای: جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نیست.

آیه الله زنجانی: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر نتواند قرائت خود را تصحیح کند، هر چند در اثر مسامحه و سهل انگاری، ولی مقدار زیادی از سوره حمد را بتواند به طور صحیح بخواند، خواندن حمد به همین صورت کافی است و اگر نتواند، به احتیاط واجب مقداری از قرآن را که می‌تواند صحیح بخواند به آن اضافه کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اگر وقت برای یادگرفتن همه حمد نباشد اگر به مقدار معتنا به یاد بگیرد کافی است و اگر نتواند، مقداری از قرآن را بخواند که عرفاً قرآن خواندن صدق کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اما سوره از جاهلی که نتواند یاد بگیرد ساقط است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر یاد گرفتن قرائت و احکام واجبه نماز ممکن نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند ولی اکتفا به آن اشکال دارد و واجب است به طور فردی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با احتیاط است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب، جماعت در نماز طواف مشروع نیست.

[۷۹۰] م - نماز طواف را در همه اوقات می‌شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب، که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود، پس باید اول نماز یومیه را بخواند.^۱

[۷۹۱] م - اگر کسی از روی بی‌مبالاتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد، نماز را به هر نحو که می‌تواند باید بخواند و صحیح است، لیکن معصیت‌کار است و احتیاط آن است که به دستور مسئله ۷۸۹ عمل کند و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.^۲

[۷۹۲] م - نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجدالحرام جایز است، به خصوص در موقع ازدحام مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.

استفتائات نماز طواف

[۷۹۳] س - کسی نماز طوافِ عمره را در داخل حجر اسماعیل به جا آورده و بعد از تقصیر متوجه شده است، وظیفه او چیست؟
ج - باید نماز را اعاده کند.^۳

۱. آیه الله زنجانی: و همچنین است اگر مزاحمت کند با واجب اهم دیگری، و در هر حال اگر نافرمانی کرده نماز طواف را بخواند صحیح است.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۷۸۹ گذشت.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط واجب به هر نحوی که خودش می‌تواند بخواند و با جماعت هم بخواند و نایب هم بگیرد.

آیه الله زنجانی: به کامل‌ترین شکلی که می‌تواند - ولو با تلقین - بخواند و کفایت می‌کند و به جماعت خواندن، مطابق احتیاط استحبابی است.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب در صورت مقصر بودن، این است که هم نماز را به کیفیتی که بیان آن گذشت به جا آورد و هم آن را به جماعت بخواند و هم نایب جهت انجام آن از طرفش بگیرد.

۳. آیه الله سبحانی: نزد مقام ابراهیم اعاده کند و اعاده اعمال مترتب بر آن لازم نیست و اگر از مکه بیرون رفته چنانچه بتواند برگردد و نماز را نزد مقام بخواند و گرنه به احتیاط برای خواندن نماز نزد مقام نایب بگیرد و خود نیز هر کجا هست بخواند.

[۷۹۴] س - شخصی بعد از طواف، وضویش باطل شد و خجالت کشید که بگوید، نمازش را بی وضو خواند و بعد از آن، سعی و تقصیر را انجام داد و مُحل شد، وظیفه او چیست؟

ج - باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.^۱

[۷۹۵] س - زنی نماز طواف خود را در حجر اسماعیل خواند و چون به منزل آمد، ملتفت شد که حائض شده است و تا وقوف به عرفات پاک نمی شود، وظیفه او نسبت به نماز چیست و آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج - عمره او صحیح است و باید برای حج تمتع محرم شود و وقتی خواست طواف و نماز حج را انجام دهد، قبل یا بعد از آن، نماز طواف عمره تمتع را به جا آورد.^۲

[۷۹۶] س - کسی که هر چه سعی نمود موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد وظیفه اش چیست؟

ج - به هر نحو قدرت دارد بخواند و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان واجب نیست.^۳

[۷۹۷] س - در موقعی که شخص طواف می کرده جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره ای به غیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

۱. آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: به احتیاط واجب باید طواف را نیز اعاده کند.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: باید طواف را نیز اعاده کند.

آیه الله زنجانی: باید نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نماز و اعمال بعدی را اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید نماز را اعاده کند و احتیاط در اعاده سعی و تقصیر نیز می باشد.

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، مکارم: احتیاط آن است که نماز سابق را قبل از طواف حج به جا آورد.

آیات عظام خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی: قضای نماز را باید قبل از طواف حج بخواند.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۷۸۹ گذشت.

ج - اگر امکان نداشته با فرض اضطرار مانع ندارد.^۱

[۷۹۸] س - آیا در صورت ازدحام که نشود پشت مقام یا احد الجانین آن نماز طواف خواند تا حدود منبر و نماز در قسمت راست یا چپ منبر خوانده شد، باز هم نماز در مقام، در صورت امکان، همان روز یا روزهای دیگر لازم است؟

ج - در صورتی که تا بعد از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز آن عذر باقی بوده اعاده واجب نیست.^۲

[۷۹۹] س - در مسئله شش نماز طواف، در تحریر الوسیله فرموده‌اید: «و الأحوط الإقتداء بشخص عادل» و در مسئله اول نماز جماعت همان کتاب فرموده‌اید: «بَلْ مَشْرُوعِيَّةُ الْجَمَاعَةِ فِي صَلَاةِ الطَّوَافِ وَ كَذَا صَلَاةُ الْإِحْتِيَاطِ مَحَلُّ اشْكَالٍ» بفرمایید منظور چیست؟

ج - منظور از مشروعیت، صحت است و احتیاط مزبور استحبابی است و نباید به جماعت اکتفا شود.^۳

[۸۰۰] س - برای کسانی که قرائشان درست نیست و می‌خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می‌توانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا

۱. آیه الله بهجت: در ذیل مسئله ۷۸۰ رعایت احتیاط گذشت.

آیه الله زنجانی: در این مسئله و مسئله بعد به ذیل مسئله ۷۷۹ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۷۸۰ رجوع شود.

آیه الله نوری: با فرض نبود اضطرار هم مانع ندارد.

۲. آیه الله بهجت: در ذیل مسئله ۷۸۰ رعایت احتیاط گذشت.

آیه الله سیستانی: در هر صورت اعاده لازم نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگرچه خوب است.

۳. آیه الله بهجت: جماعت در نماز طواف واجب، مستحب است.

آیه الله سبحانی: احتیاط وجوبی است که به آن اکتفا نشود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: خواندن نماز به جماعت، احوط است ولی نباید به آن اکتفا شود.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب، جماعت در نماز طواف مشروع نیست.

کسی که نایب است به کسی که نایب نیست و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس اقتدا کنند یا نه؟

ج - اکتفا به جماعت نباید بکنند و احتیاط در همه موارد سؤال حاصل می‌شود.^۱
[۸۰۱] س - کسی که قرائتش درست نیست، آیا می‌تواند تبرعاً از کسی که حج واجب بر عهده دارد نیابت کند و حج انجام دهد؟

ج - نیابت چنین شخصی صحیح نیست^۲ هر چند تبرعی باشد، مگر آنکه بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی الأعدار محسوب نباشد، که در این صورت می‌تواند نیابت را قبول نماید، ولی باید قرائت خود را درست کند.

[۸۰۲] س - افرادی با اینکه قرائتشان درست نیست و کلمات نماز را نمی‌توانند

۱. **آیه الله بهجت:** گذشت استحباب جماعت در نماز طواف واجب، و همچنین می‌تواند اقتدا کند در طواف مستحب با طواف واجب امام.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: برای رعایت احتیاط باید به نماز طواف واجب اقتدا کند.

آیه الله خامنه‌ای: جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نیست.

آیه الله خویی: جماعت در هیچ‌یک از نمازهای مستحبی بااصاله مشروع نیست. و همچنین بنا بر احتیاط وجوبی نماز طواف را به نمازهای یومیه و بالعکس جایز نیست اقتدا کند و نماز طواف به نماز طواف واجب مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: در نماز طواف نمی‌توان به جماعت اکتفا کرد و حکم کسی که قرائتش درست نیست در ذیل مسئله ۷۸۸ گذشت و نیابت چنین کسی در حج و عمره واجب، صحیح نیست.

آیه الله سبحانی: نماز طواف را می‌شود به جماعت خواند ولی احتیاطاً به آن اکتفا نشود و در هر صورت نمی‌توان در نماز طواف به نماز یومیه اقتدا کرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: جماعت در نماز مستحبی مشروع نیست و اگر امکان داشت به نماز طواف واجب اقتدا کند و الاً به نماز یومیه به رجا مطلوب واقع شدن.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب، جماعت در نماز طواف مشروع نیست.

۲. **آیه الله بهجت:** اکتفا به عملش مشکل است.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله صافی: به مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی: نیابت چنین شخصی خلاف احتیاط است.

درست بگویند، در حج نایب می‌شوند و عمره را به نیت منوب عنه انجام می‌دهند، بعد متوجه می‌شوند که نمی‌توانند نایب شوند، آیا چگونه از احرام خارج می‌شوند و برای حج چه وظیفه‌ای دارند؟

ج - در صورت امکان باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند، بلی اگر ممکن نیست و معذور هستند احرام آنها صحیح واقع نشده و از احرام خارج هستند.^۱

س [۸۰۳] - کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکرش که در نماز می‌گوید درست است و نماز طواف را؛ اعم از طواف زیارت و نساء، همان‌گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است، آیا باید چه کند؟

ج - اگر احتمال غلط بودن آن را نمی‌داده، نمازش صحیح است.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** کسی که قرائتش درست نبوده و یا از جهات دیگر معذور بوده و بدون توجه به این عذر به نیابت از دیگری محرم شده و در وسط اعمال و یا بعد از عمره تمتع متوجه نقص کار خود شده، احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً به جا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد و نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی‌توانسته نایب شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط این است که حج را به نیت نیابی تمام کند.

آیه الله زنجانی: مگر آنکه نیابت در عمره یا حج مستحب باشد.

آیه الله سبحانی: باید حج را به نیت منوب عنه تمام کند ولی بنا بر احتیاط واجب مجزی از منوب عنه نیست و اگر گمان می‌کرد می‌تواند تصحیح کند، ولی موفق نشد هر چند با تلاش زیاد علاوه بر نماز خود استنباه نیز بنماید، هر چند نباید از اول نایب می‌شد، ولی در مورد اجرت با اجیر مصالحه کند.

آیه الله سیستانی: احرام صحیح است و باید حج (را) به نیت منوب عنه تمام کنند هر چند به احتیاط واجب مجزی از منوب عنه نیست.

آیه الله فاضل: نیابت صحیح نیست، ولی احرام صحیح است.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط به قصد منوب عنه اعمال را به جا آورد و لکن صحت عمره مذکور برای منوب عنه محل اشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نمایند.

آیه الله مکارم: نیابت و احرام او بنا بر احتیاط باطل است.

۲. **آیه الله بهجت:** باطل است و باید نماز را به طور صحیح اعاده کند.

آیه الله خویی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است. ←

[۸۰۴] س - چند روزی که اطراف کعبه به قدری شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم علیه السلام می‌آید و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست مگر اینکه چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند، بفرماید آیا حتماً نماز باید خلف مقام و نزدیک آن باشد ولو به این صورت، یا دورتر تا هر جا که می‌تواند به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج - اگر امکان دارد و محذوری در بین نیست، باید خلف و نزد مقام نماز بخواند و در مورد ضرورت، تأخیر مانع ندارد با مراعات الأقرب فالأقرب.^۱

[۸۰۵] س - در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود، او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی ندارد؟

ج - اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته، مانع ندارد و در غیر این صورت تکرار نکنند مگر به قصد احتیاط، به شرط آنکه وسوسه نباشد.

[۸۰۶] س - آیا محمول نجسی که در طواف معفو نیست، در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

→ **آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی:** اگر در اشتباه خود معذور بوده، نمازش صحیح است و اگر معذور نبوده باید اعاده نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حج او صحیح است ولیکن نماز طواف را قضا کند و در قضای نماز طواف عمره و حج و طواف نساء رعایت ترتیب شود.

۱. **آیه الله زنجانی:** در موقع ازدحام لازم نیست نماز نزد مقام باشد، بلکه می‌توانند تا جایی که مزاحمت طواف‌کنندگان نباشد عقب بروند، ولی باید رو به مقام و کعبه باشد.

آیه الله سبحانی: باید نماز طواف را به تأخیر نیندازد که موجب فوت موالات شود و باید با مراعات الاقرب فالاقرب به مقام اتیان شود.

آیه الله فاضل: ولو با کمک دیگران.

آیه الله مکارم: یعنی دورتر به جا آورد و از اینکه چند نفر در اطراف او حلقه بزنند اجتناب کند که موجب مزاحمت برای طواف‌کنندگان است و نماز او خالی از اشکال نیست.

آیه الله نوری: نماز طواف در خلف مقام لازم نیست.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۷۷۸ تا مسئله ۷۸۰ گذشت.

ج - در نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد.^۱

[۸۰۷] س - بین طواف و نماز آن، اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر به جا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج - احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.^۲

[۸۰۸] س - گاهی در پشت مقام ابراهیم علیه السلام جمعیت زیاد است و چون زن و مرد کنار هم قرار می گیرند، احیاناً مورد فشار ازدحام واقع می شوند، بدون اینکه ریبه و فسادی در بین باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمی رساند؟

ج - برای نماز ضرر ندارد.^۳

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی: محمول متنجس در طواف نیز اشکال ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۵۶۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: نماز طواف از حیث احکام نجاست و محمول نجس و متنجس حکم نمازهای یومیه را دارد.

آیه الله فاضل: هرگاه متنجسی باشد که نمی تواند با آن ستر عورت کند معفو است. و اگر می تواند با آن ستر عورت کند و یا عیان نجسه باشد محل اشکال است و به احتیاط واجب اجتناب کند.

آیه الله مکارم: لباسهایی که به تنهایی ستر عورت نمی کند، در طواف و نماز آن اشکالی ندارد و نیز محمول نجس و متنجس.

۲. آیه الله بهجت: اشکال ندارد اگر مخل به فوریت عرفیه نباشد.

آیه الله خامنه‌ای: نباید میان طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود، و معیار تشخیص ایجاد فاصله یا عدم آن بر مبنای عرف است.

آیه الله زنجانی: اگر متابعت عرفی طواف و نماز را به هم بزند، انجام آن در طواف واجب بدون عذر جایز نیست و طواف را باطل می کند.

آیه الله سبحانی: نباید نماز مستحبی بخواند و یا کارهای مستحبی دیگر مثل استلام حجر و... انجام دهد.

۳. آیه الله خویی: اگر حداقل یک وجب بین زن و مرد فاصله باشد، تقدم زن بر مرد یا محاذات اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: و این امر اختصاص به نماز طواف ندارد، بلکه در مسجدالحرام و اطراف آن بانوان می توانند نمازهایشان را مساوی یا جلوتر از مردها بخوانند و کراهت هم ندارد.

آیه الله سبحانی: در صورت امکان، زن جلوتر از مرد و یا محاذی او و یا مرد پشت سر زن و محاذی او نباشد و اگر رعایت این شرط حرجی باشد و یا لازمه آن به هم خوردن موالات بین طواف و نماز گردد رعایت این شرط لازم نیست. ←

[۸۰۹] س - احياناً انسان می‌داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف‌کننده‌ها می‌آیند و او را حرکت می‌دهند و جابه‌جا می‌کنند، در عین حال نماز را شروع می‌کند، آیا اگر این نماز را تمام کند، صحیح است؟

ج - اگر صحیحاً تمام کند مانع ندارد.^۱

[۸۱۰] س - در مناسک فرموده‌اید بر هر مکلفی واجب است قرائت نمازهای یومیه‌اش را یاد بگیرد، خصوصاً برای حج، حال اگر حاجی کوتاهی کرد و برای تعلم و یادگیری قرائت نماز اقدام ننمود، آیا همین نماز باطل کفایت می‌کند و یا اینکه باید نایب بگیرد و در صورتی که نیابت را لازم نمی‌دانید، آیا همین نماز کافی است یا خیر؟

ج - اگر وقت ضیق شود؛ به طوری که اگر بعد از طواف بخواهد نماز را یاد بگیرد موالات بین نماز و طواف فوت می‌شود، خودش هر طور می‌تواند بخواند.^۲

[۸۱۱] س - زنی مُحرم به احرام عمره تمتع شده و پس از ورود به مکه و انجام طواف، قبل از اینکه نماز طواف بخواند حائض گردیده، چه وظیفه دارد؟

ج - اگر وقت وسعت دارد صبر کند تا پاک شود و نماز را بخواند و بقیه اعمال را انجام دهد و چنانچه وقت تنگ باشد سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و مُحرم

→ **آیه الله سیستانی:** عدم رعایت فاصله مرد با زن در صورت ازدحام، ضرری به صحت نماز نمی‌زند.

آیه الله فاضل: باید رعایت عدم تقدّم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. پلی چنانچه زن از اهل سنت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب به هم خوردن موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

۱. **آیات عظام زنجانی، سبحانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم:** اگر به امید اینکه بتواند نماز را صحیحاً انجام دهد شروع نماید و صحیحاً تمام کند مانعی ندارد.

۲. نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۷۸۹ و ۷۹۱ گذشت و در سؤال ۸۲۲ نیز خواهد آمد.

آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: ملاک در ضیق وقت آن است که با تأخیر، نتواند به اعمال حج برسد.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۷۸۸ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط لازم است عمره را تأخیر بیاندازد تا قرائت را بیاموزد.

شود به حج تمتع و بعد از طواف حج یا قبل از آن^۱، نماز را بخواند و سپس بقیه اعمال را انجام دهد.

[۸۱۲] س - کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را ندارد، می‌فرماید نماز طواف را به همان کیفیت که می‌تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می‌تواند عمره مفرده مستحبی به جا بیاورد؟
ج - اشکال ندارد.^۲

[۸۱۳] س - شخصی طواف عمره را به جا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟
ج - باید نماز و سعی را به جا آورد و با فرض جهل یا نسیان، اعاده تقصیر لازم نیست اگرچه احوط است.^۳

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، مکارم: احتیاط آن است که نماز طواف گذشته را قبل از طواف حج به جا آورد.

آیات عظام خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی: باید آن را قبل از طواف حج قضا کند.

۲. آیه الله بهجت: اگر بتواند استنابه هم بکند، اگرچه در امر تصحیح خلاف شرع کرده باشد.

آیه الله سبحانی: باید آن را تصحیح کند و اگر بعد از تلاش موفق نشد می‌تواند برای خود عمره مفرده و یا حج به جا آورد ولی نمی‌تواند برای دیگران عمره تمتع استیجاری انجام دهد ولی تبرعاً اشکال ندارد و چنین شخصی علاوه بر اینکه خود نماز طواف را می‌خواند فردی را برای خواندن نماز نایب بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و بنا بر احتیاط، برای نماز نایب هم بگیرد.

۳. آیه الله بهجت: احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اعاده تقصیر نیز لازم است.

آیه الله زنجانی: اگر در این کار معذور بوده باید نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد و اگر معذور نبوده باید نماز طواف را بخواند و سپس طواف و نماز و سعی و تقصیر را دوباره به جا آورد و در هر دو صورت تا تقصیر نکرده باید از محرّمات احرام اجتناب کند.

آیه الله سبحانی: و با فرض جهل و نسیان اعاده طواف لازم نیست ولی تقصیر را اعاده کند و برای تقصیر بی‌جایی که کرده در عمره مفرده کفاره واجب نیست ولی در عمره تمتع علاوه بر اعاده تقصیر بعد از نماز طواف و سعی باید یک گاو قربانی کند. ←

[۸۱۴] س - آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام» پشت مقام است یا شامل دو طرف مقام نیز می‌شود؟

ج - باید خلف مقام باشد.^۱

[۸۱۵] س - اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحت آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

ج - فقط نماز را باید اعاده کند.^۲

[۸۱۶] س - اگر پشت مقام ابراهیم دو طبقه شود، آیا نماز در طبقه بالا یا زیر زمین صحیح است؟

ج - در صورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خوانده، صحیح نیست.

[۸۱۷] س - شخصی نماز طواف را، به اعتقاد اینکه حجر اسماعیل مقام ابراهیم است، در حجر اسماعیل خوانده، چه باید بکند؟

ج - باید نماز را اعاده کند.

[۸۱۸] س - آیا نماز طواف واجب را می‌توان با نماز جماعت یومیه به جا آورد؟

ج - صحت آن محل اشکال است.^۳

→ **آیه الله سیستانی:** اگر فاصله زیاد شده است، به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند و در عمره مفرده باید پس از سعی، تقصیر را نیز اعاده کند و همچنین در عمره تمتع در صورت جهل بلکه در صورت نسیان نیز بنا بر احتیاط و در فرض نسیان سعی در عمره تمتع به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و تقصیر نماید و با فرض جهل و نسیان کفاره ندارد.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۷۷۸ گذشت.

آیه الله زنجانی: و همچنین نزدیک مقام باشد به طوری که بگویند «نزد مقام» نماز می‌خواند.

۲. **آیه الله نوری:** اعاده نماز هم لازم نیست.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نیست.

آیه الله زنجانی: در نماز طواف - مطلقاً - نمی‌توان به جماعت اکتفا کرد.

آیه الله سبحانی: نمی‌توان در نماز طواف به نماز یومیه اقتدا کرد.

آیه الله مکارم: مشروعیت جماعت در نماز طواف مطلقاً محل اشکال است.

[۸۱۹] س - پشت مقام تا چه اندازه‌ای صادق است و آیا حد معینی نمی‌توان برای آن فرض کرد؟

ج - عرفی است.

[۸۲۰] س - آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد و اصولاً چه مقدار فاصله مُخل است؟

ج - مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.^۱

[۸۲۱] س - گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می‌رسد، آیا در این صورت می‌شود نماز طواف را پشت‌سر طواف‌کنندگان به جا آورد و آیا صدق پشت مقام می‌نماید؟

ج - صدق خَلْف، به نظر عرف است.^۲

۱. آیه الله تبریزی: با فوت موالات عرفی، احتیاطاً نماز را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند.

آیه الله خویی: باید اعاده نماید.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۷۷۷ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: نباید بین طواف و نماز آن، نماز مستحیی بخواند و یا کارهای مستحب دیگر مثل استلام حجر و... انجام دهد البته تأخیر غیر عمدی مشکلی ندارد و اگر کسی عمداً بین طواف و نماز فاصله زیاد انداخت باید علاوه بر نماز، طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر عمداً نماز نخواند و اعمال مترتبه را انجام دهد از احرام خارج شده و باید به ترتیبی که گفته شد نماز را بخواند و سپس طواف و نماز آن و اعمال مترتبه را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته باشد عمره او باطل است.

آیه الله سیستانی: فاصله انداختن به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا تحصیل جای مناسبی برای نماز، مُخل به مبادرت نیست ولی به کارهایی جدای از نماز طواف، مثل خواندن نماز قضا و مانند آن مشغول نشود و اگر عمداً اخلال به مبادرت نمود، احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

آیه الله فاضل: ظاهراً مقدار فاصله مخل به موالات عرفیه نسبت به افراد و هنگام ازدحام و غیر آن فرق می‌کند. و به طور کلی فاصله از ده تا پانزده دقیقه برای استراحت و رفع خستگی و تطهیر مخل نیست. و اگر عمداً موالات را به هم زد احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

آیه الله مکارم: احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۷۷۸ و ۷۷۹ گذشت.

[۸۲۲] س - شخصی محرم به احرام عمره تمتع، وارد مکه شده است و هفت روز مثلاً در مکه توقف دارد و نماز او غلط‌های زیادی دارد، آیا واجب است که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند و بعد شروع به طواف کند یا وظیفه دیگری دارد؟

ج - لازم نیست تا آن وقت صبر کند، و اگر بعد از طواف تا قبل از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز نتواند غلط‌های خود را درست کند، به هر نحو می‌تواند نماز بخواند.^۱

[۸۲۳] س - اینجانب چند سال قبل به مکه معظمه مشرف شدم و در آنجا اولاً نماز طواف نساء و نماز طواف برای هر دو طواف واجب را که یکی عمره مفرده و دیگری حج می‌باشد نخوانده‌ام و ثانیاً در تعداد اشواط طواف دوم هم در شک می‌باشم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

ج - اگر بعد از طواف و انصراف از آن، شک در عدد اشواط کرده‌اید به شک اعتنا نکنید و نمازهایی را که نخوانده‌اید، اگر نمی‌توانید به مکه بروید در محل خود بخوانید و تا نخوانده‌اید حرمت نساء باقی است.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** اگر عسر و حرج ندارد صبر کند و یا به جماعت بخواند، چنان‌که در ذیل ۷۸۹ گذشت.
- آیات عظام تبریزی، خویی، صافی:** اگر برای او امکان داشته باشد که قرائت را تصحیح نماید لازم است تا آخر وقت صبر کند.
- آیه الله زنجانی:** به ذیل مسئله ۷۸۸ مراجعه شود.
- آیه الله سبحانی:** اگر برای او امکان داشته باشد که قرائت را تصحیح کند باید در احرام بماند و قرائت خود را تصحیح کند مگر اینکه بقاء در احرام موجب عسر و حرج شود، در این صورت به وظیفه‌ای که در ذیل مسئله ۷۸۹ گذشت عمل کند.
- آیه الله سیستانی:** بنا بر احتیاط واجب باید تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح نماید.
- آیه الله فاضل:** اگر می‌تواند قرائتش را تصحیح کند باید طواف را تا ضیق وقت تأخیر بیندازد مگر اینکه بقای در احرام موجب عسر و حرج شود و ملاک در ضیق وقت آن است که حتی به مقدار واجب رکنی عرفه نرسد.
- آیه الله مکارم:** لازم است صبر کند مگر آنکه عسر و حرج باشد.
- نظر سایر آیات عظام در ذیل مسئله ۷۸۹ گذشت.
۲. **آیه الله بهجت:** و احوط جمع است میان قضای آنها در هر جا که متذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام به جا می‌آورد. ←

مستحبات نماز طواف^۱

[۸۲۴] م - در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:^۲

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرُ الْعَهْدِ مِنِّي. أَلْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَرَزِّكْ عَمَلِي».

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ ﷺ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَى حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقَرَّرٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

→ آیه الله سبحانی: در صورتی که ترک نماز طواف از روی عمد نباشد.

آیه الله مکارم: همسر او حرام نمی باشد.

۱. آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجا به جا آورد.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: دعای اول و دوم در مناسک ایشان موجود نیست و در دعای آخر نیز

تفاوت در عبارت وجود دارد.

فصل چهارم: سعی و بعضی از احکام آن

[۸۲۵] م - واجب است بعد از به جا آوردن نماز طواف، سعی کند بین صفا و مروه، که دو کوه معروف‌اند.

[۸۲۶] م - مراد از «سعی» آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.

[۸۲۷] م - واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند؛ به این معنا که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.

[۸۲۸] م - واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند، هر وقت فهمید باید اعاده کند و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.^۱

[۸۲۹] م - احتیاط آن است^۲ که ابتدا کند از جزء اول صفا و از آنجا شروع به سعی کند

۱. آیه الله مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند، بعید نیست کفایت کند.

۲. آیه الله بهجت: واجب است که ابتدا کند از جزء اول صفا به آنکه پاشنه پا را بچسباند، در غیر سوار و محمول، به جزء اول مسافت. ←

و در صورتی که روی کوه برود^۱ و همان طور به نحو متعارف سعی کند کفایت می‌کند.

[۸۳۰] م - در سعی ما بین صفا و مروه جایز است سواره و بر روی محمل^۲، چه در حال اختیار و چه با عذر لیکن راه رفتن افضل است.

[۸۳۱] م - طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست، گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.^۳

[۸۳۲] م - واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد و اگر عمداً پیش از آنها به جا آورد باید بعد از طواف و نماز، آن را اعاده کند.

→ **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** لازم و واجب است که ابتدا کند از اول جزء صفا.

آیه الله زنجانی: باید در هر شوط، از جزء اول کوه، شروع و به جزء اول کوه مقابل، ختم کند.

آیه الله سبحانی: سعی از بیخ کوه صفا به بیخ کوه مروه در قالب هفت شوط می‌باشد که فعلاً مبدأ و منتهای سعی را با سنگ مفروش کرده‌اند جزو سعی نیست لکن در جانب مروه احتیاط واجب این است که سربالایی را نیز به عنوان سعی بپیماید.

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** در هر دور باید تمام فاصله میان صفا و مروه را بپیماید اما بالا رفتن از بلندی صفا و مروه لازم نیست.

آیه الله سیستانی: باید تمام مسافت بین دو کوه پیموده شود و بالا رفتن از کوه لازم نیست گرچه احتیاط مستحب است و احتیاط واجب این است که فاصله مذکور دقیقاً همه آن پیموده شود؛ یعنی اینکه شوط اول را - مثلاً - از اولین جزء پایین کوه صفا آغاز کند و حرکت کند تا برسد به اولین جزء کوه مروه و به همین ترتیب بقیه شوطها را انجام دهد.

آیه الله مکارم: واجب است فاصله میان دو کوه را طی کند و باید توجه داشت که هم‌اکنون قسمتی از کوه صفا و مروه را مفروش کرده‌اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت نمایان کوه برود بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برسد کافی است.

۲. **آیات عظام خامنه‌ای، زنجانی، سبحانی، صافی، فاضل:** ولی در صورت توانایی و امکان باید وسیله را خود ببرد.

آیه الله خویی: اگر با اختیار خود نشسته، جایز است.

آیه الله سیستانی: اگر خودش وسیله را حرکت می‌دهد و یا اینکه می‌تواند وسیله را نگه دارد بدون اینکه برای نگه داشتن از شخصی که حرکتش می‌دهد درخواست کند، جایز است.

۳. **آیه الله مکارم:** ستر عورت بنا بر احتیاط واجب معتبر است.

[۸۳۳] م - اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف، اقوی آن است که آن را اعاده کند^۱ و همچنین است اگر از روی ندانستن مسئله مقدم بدارد.

[۸۳۴] م - واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد^۲، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه، سعیش باطل است.

[۸۳۵] م - اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد، از هر طبقه جایز است سعی کند^۳، گرچه احوط سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده.

[۸۳۶] م - اگر طبقه زیرزمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه‌دار بود و سعی بین آن دو واقع شد صحیح است علی‌الظاهر^۴ و احوط سعی از طبقه روی زمینی است.

۱. آیات عظام بهجت، صافی، مکارم، گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر مقدم داشتن سعی از جهت فراموشی طواف بوده باشد، باز احوط این است که سعی را پس از طواف اعاده نماید.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از فوت وقت متذکر شود، ولی اگر طواف عمره تمتع را پس از وقوف به عرفات یا طواف حج را پس از پایان ذی‌حجه متذکر شد اعاده سعی لازم نیست گرچه بهتر است.

۲. آیه الله زنجانی: واجب نیست سعی از راه متعارف باشد پس اگر از راهی که معمولاً به طرف صفا می‌روند به طرف مروه برود سعیش باطل نمی‌شود و همین مقدار که از راهی برود که متعارف مردم بگویند مسیر بین دو کوه را پیموده است، کافی است هرچند احتیاط مستحب آن است که در حال سعی از بین دو کوه خارج نشود.

۳. آیه الله بهجت: سعی در طبقه دوم با توجه به اینکه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می‌شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می‌شود، کفایت می‌کند.

آیه الله خامنه‌ای: سعی در طبقه دوم مسعی صحیح نیست مگر آنکه برایش محرز باشد که طبقه دوم میان دو کوه واقع است نه بالاتر از آن.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: سعی در طبقه دوم و سوم فعلی، صحیح نیست.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: طبقه دوم که فعلاً وجود دارد میان دو کوه نیست و سعی در آنجا اشکال دارد.

آیه الله فاضل: جایز نیست.

۴. آیه الله صافی: اشکال دارد.

[۸۳۷] م - واجب است در وقت رفتن به طرف مروه، متوجه به آنجا و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد.^۱ پس اگر عقب عقب برود یا پهلوی را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، لیکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد.

[۸۳۸] م - جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد بنا بر اقوی.^۲

[۸۳۹] م - جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن، برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب، گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.

[۸۴۰] م - جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر؛ از قبیل مرض.^۳

۱. **آیه الله زنجانی**؛ لازم نیست سعی به صورت متعارف باشد و می تواند مسیر سعی را به پهلو یا عقب عقب برود، هر چند سعی بر خلاف متعارف، خلاف احتیاط استحبابی است.

۲. **آیه الله بهجت**؛ احوط ترک جلوس است در ما بین صفا و مروه بدون عذر. **آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، فاضل، مکارم**؛ بنا بر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه به هم نخورد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی؛ هر چند رفع خستگی، طولانی شود، ولی باید پس از رفع خستگی، بلافاصله سعی را ادامه دهد.

۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی**؛ و اگر تأخیر عمدی و بدون عذر بوده احتیاطا باید طواف و نماز آن را اعاده کند. **آیه الله خویی**؛ اگر تأخیر انداختن طواف و نماز را اعاده نماید.

آیه الله زنجانی؛ بلکه تا بین الطلوعین روز بعد هم به تأخیر نیندازد، اما کسی که کمی قبل از طلوع فجر، طواف کرده می تواند سعی را تا اوائل روز به تأخیر بیندازد؛ و در هر حال اگر بدون عذر، سعی را به فردا به تأخیر بیندازد طواف و نماز آن را قبل از سعی اعاده کند.

آیه الله سبحانی؛ اگر کسی طواف را روز انجام داد و نماز خواند می تواند سعی را شب انجام دهد مشروط بر اینکه پیش از طلوع فجر از سعی فارغ شود و همچنین اگر طواف را در شب انجام داد تا قبل از طلوع فجر سعی را به جا آورد و نمی تواند به فردا موکول کند و اگر چنین کرد، باید طواف و نماز را اعاده کند مگر به خاطر بیماری و خستگی (عذر) این مقدار به تأخیر اندازد که اشکال ندارد و اعاده طواف و نماز لازم نیست.

آیه الله مکارم؛ ولی اگر تأخیر انداختن، سعی او باطل نخواهد شد هر چند گناه کرده است.

[۸۴۱] م - سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای فرمان خدای تعالی بیاورد.^۱

[۸۴۲] م - سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.

[۸۴۳] م - زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت.

[۸۴۴] م - اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی؛ چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است و بهتر آن است که زاید را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.^۲

[۸۴۵] م - اگر سعی را کم کند سهواً، واجب است آن را اتمام کند هر وقت یادش بیاید^۳ و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد، باید مراجعت کند و

۱. آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: به ذیل مسئله ۵۴۰ مراجعه شود.

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی: اگر زبیدی یک شوط باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

آیه الله خامنه‌ای: و باید از زمان یادآوری بقیه مقدار اضافه را ادامه ندهد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: اگر زاید یک شوط یا بیشتر باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

آیه الله مکارم: احتیاط در ترک این کار است.

۳. آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: به ذیل مسئله بعدی مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: و اگر تقصیر کرده باید آن را اعاده کند و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام پرهیز کند و فرقی بین شوط چهارم و قبل از آن نیست، ولی چنانچه تنها شوط هفتم یا قسمتی از آن را سهواً کم کرده است اعاده تقصیر و اجتناب از محرمات احرام لازم نیست.

آیه الله سبحانی: اگر پیش از آنکه یک دور از هفت دور را تکمیل کند، دیگر دورها را فراموش نماید باید سعی را از سر بگیرد، و اگر پس از یک دور کامل یا بیشتر دیگر دورها را فراموش نماید هر موقع متذکر شد باقیمانده را به جا می آورد ولی احتیاط مستحب آن است که اگر قبل از تجاوز از نصف سعی باقیمانده را فراموش کرد سعی را از سر بگیرد. ←

اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد.

[۸۴۶] م - اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد^۱ و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند جایز است از همان جا سعی را تمام کند، لیکن احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده، تمام کند و از سر بگیرد.^۲

→ **آیه الله سیستانی:** چه یک شوط فراموش کرده باشد یا بیشتر، بنا بر اقوی و اگر پس از گذشتن زمان سعی یادش بیاید؛ مثلاً در عرفات یادش بیاید سعی عمره‌اش ناقص بوده یا پس از انتهای ذی‌حجه به یاد آورد سعی حشش ناقص بوده، احتیاط آن است که کمبود را جبران کند و سپس سعی را از سر بگیرد و اگر نتواند برگردد یا مشقت دارد، باید نایب بگیرد و احتیاط واجب آن است که نایب هم جمع نماید بین تدارک مقدار کمبود و بین اعاده سعی کامل.

آیه الله فاضل: چنانچه قبل از تمام کردن شوط چهارم باشد بنا بر احتیاط واجب سعی را از سر بگیرد ولی اگر شوط چهارم را تمام کرده است می‌تواند آن را اتمام کند یا از سر بگیرد.

۱. **آیه الله زنجانی:** هر وقت متوجه شد سعی را تکمیل می‌کند و اگر تقصیر هم کرده دوباره تقصیر می‌کند و تا تقصیر نکرده از محرّمات احرام پرهیز می‌کند.

آیه الله سبحانی: باید سعی را از سر بگیرد.

آیه الله سیستانی: در صورتی که پس از فوت موالات باشد.

۲. **آیه الله بهجت:** و اگر کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هر چند بعد از فراغت اعمال حج باشد، تدارک نماید و در صورتی که خود نتواند تدارک کند یا تدارک سخت باشد واجب است نایب بگیرد و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به جا آورد و در صورت دشواری آن نایب بگیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هر چند بعد از فراغت از اعمال حج باشد، تدارک نماید. و اگر خود نتواند تدارک کند یا تدارک آن مشقت داشته باشد واجب است نایب بگیرد و در این صورت احتیاط این است که نایب به نیت فراغ ذمه منوب عنه از اتمام یا تمام یک سعی کامل به جا آورد. و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

آیه الله سبحانی: اگر سهواً کمتر از هفت دور سعی کند، اگر در مکه است باید آن را تکمیل کند و اگر از مکه خارج شده و بازگشت به مکه مشکل نیست برگردد آن را تکمیل نماید و اگر بازگشت حرجی و پر مشقت باشد نایب بگیرد و نایب پس از تکمیل سعی ناقص یک سعی کامل به جا آورد. ←

[۸۴۷] م - با تمام کردن سعی، حلال نمی‌شود بر او آنچه حرام شده بود به واسطه احرام.

[۸۴۸] م - اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره تمتع، پس به گمان اینکه اعمال عمره تمام شده، از احرام خارج شد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد، واجب است برگردد و سعی را تمام کند و احتیاط واجب آن است که یک گاو برای کفاره ذبح کند.^۱

[۸۴۹] م - اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره تمتع و تقصیر کرد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد، احتیاط واجب آن است که به دستور مسئله سابق عمل کند^۲، بلکه

→ **آیه الله فاضل:** اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد که انجام دهد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد و همین طور است اگر کمتر از چهار مرتبه را انجام داده باشد و بقیه را فراموش کرده باشد.

۱. **آیه الله بهجت:** کفاره جماع واجب است و در ناخن گرفتن احتیاط واجب.

آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: و به اعتقاد اینکه از سعی فارغ شده مُحل شود، در این صورت احوط این است که یک گاو کفاره بدهد و لازم است سعی را به نحوی که گفته شد تمام نماید.

آیه الله خویی: در این صورت به اعتقاد اینکه از سعی عمره تمتع فارغ شده مُحل شده، در این صورت احوط بلکه اظهار این است که یک گاو کفاره دارد.

آیه الله زنجانی: در دو صورت کفاره گاو واجب است، صورت اول آنکه بعد از خروج از احرام به گمان خود، با زنان نزدیکی کند، صورت دوم آنکه با ناخن گرفتن از احرام خارج شده باشد و پس از آن یکی از محرّمات احرام را مرتکب شود.

آیه الله سبحانی: اگر با تقصیر گمان کرده از احرام خارج شده باید برای تقصیر بی‌جا یک گاو کفاره بدهد چه جماع کرده باشد و چه نکرده باشد؛ اگر کسی مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش کند و به گمان اینکه سعی را تکمیل کرده تقصیر کند و از احرام خارج شود واجب است برگردد سعی را تمام کند و سپس تقصیر کند و به جهت تقصیر بی‌جا یک گاو ذبح کند.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: یک گاو کفاره دارد بنا بر احوط برای جماع و نیز ناخن گرفتن.

آیه الله فاضل: و اقوی آن است که یک گاو برای کفاره ذبح کند و در وجوب کفاره فرق نمی‌کند که شش شوط انجام داده باشد و از احرام خارج شده باشد یا کمتر از آن.

۲. **آیه الله سبحانی:** باید در صورت تقصیر همان کفاره را بدهد اگرچه با زن نزدیکی نکرده باشد.

آیه الله فاضل: احتیاط واجب آن است که طبق مسئله سابق عمل کند و همان کفاره را بدهد، اگرچه با زن نیز نزدیکی نکرده باشد و در تقصیر فرقی نیست که ناخن گرفته باشد یا مو.

احتیاط واجب آن است که در این دو حکم سعی در غیر عمره تمتع را نیز ملحق به تمتع کند در کفاره و اتمام.^۱

[۸۵۰] م - اگر شک کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر، اعتنا نکند^۲ و اگر شک کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد، چون بناگذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شک خالی از اشکال نیست^۳، احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می‌دهد اتمام

۱. **آیه الله بهجت:** حکم مختص به عمره تمتع است.

آیه الله تبریزی: این حکم مختص است به سعی در عمره تمتع.

آیه الله سبحانی: ذبح گاو به عنوان کفاره در تقصیر بی‌جا مربوط به عمره تمتع است و در عمره مفرده نیست.

آیه الله سیستانی: اگر در عمره تمتع باشد به احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد چه جماع کند و چه نکند و سعی را تمام کند و تقصیر را احتیاطاً اعاده نماید ولی در عمره مفرده و حج کفاره لازم نیست بلکه باید سعی را تمام و تقصیر را در عمره مفرده اعاده نماید.

آیه الله فاضل: اولی الحاق این دو حکم است در غیر عمره تمتع به تمتع.

آیه الله گلپایگانی: متعرض مسئله الحاق این حکم در غیر تمتع به تمتع نشده‌اند.

۲. **آیه الله زنجانی:** همچنین اگر شک او در اشواط بعد از آن باشد که خود را از سعی فارغ شده یافت و مشغول کارهایی شده که متعارفاً بعد از اتمام سعی انجام می‌دهند در این دو صورت چنانچه احتمال بدهد هنگام سعی متوجه تعداد اشواط بوده به شک خود اعتنا نکند، خواه شک در زیاده باشد یا نقیصه.

آیه الله سبحانی: چه شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه و همین طور است اگر بعد از هر دور در صحت آن شک نماید، به آن اعتنا نکند.

آیه الله فاضل: چه شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه و همین طور است اگر بعد از فراغ از عمل شک در زیاده کند.

۳. **آیه الله بهجت، آیه الله نوری:** اعتنا به شک نکند و عملش صحیح است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اظهر این است که باید به این شک اعتنا شود و شک در عدد اشواط سعی را باطل می‌کند.

آیه الله سیستانی: اگر احتمال زیاد بودن آنها را بدهد، بنا بر صحت بگذارد و اگر احتمال کم بودن آنها را می‌دهد در صورتی که شک او قبل از به هم خوردن موالات باشد سعی باطل است و بنا بر احتیاط اگر بعد باشد نیز باطل است. ←

کند خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترک کرده است سعی را، که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست و اگر شک در زیاده دارد و می‌داند ناقص نشده اعتنا نکند.

[۸۵۱] م - اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری، در درست آوردن آن شک کند، اعتنا نکند و سعیش صحیح است^۱ و همین طور اگر در بین رفت و آمد، شک در صحیح به جا آوردن جزء پیش کند، اعتنا نکند.

[۸۵۲] م - اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتراً؛ مثل اینکه شک کند بین هفت و نه اعتنا نکند و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر^۲، ظاهراً سعی او باطل است و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد؛ مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هكذا.

[۸۵۳] م - اگر طواف را در روزی به جا آورد و روز بعد شک کرد که سعی کرده است یا نه، بعید نیست بناگذاری بر آوردن، گرچه احتیاط در آوردن است^۳، مگر آنکه

→ **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** اگر بعد از منصرف شدن از سعی، شک در عدد آن کند به آن شک اعتنا نکند و سعیش صحیح است، لیکن اگر احتمال می‌دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده، احتیاط آن است که دوباره سعی کند.

آیه الله مکارم: باید سعی را از اول اعاده کند.

۱. **آیه الله زنجانی:** چنانچه صحیح بودن قطعه سابق متصل به قطعه مشکوک، محرز باشد اعتنا نکند و در غیر این صورت اگر در اثنای سعی شک کرده، باید سعی را اتمام و دوباره اعاده کند و اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا بعد از تقصیر شک کرده، چنانچه احتمال بدهد هنگام سعی به رعایت شرایط صحت توجه داشته اعتنا نکند.

۲. **آیه الله زنجانی:** چنانچه اطمینان دارد که در ادامه سعی، نسبت به تعداد اشواط، حجت شرعی پیدا می‌کند می‌تواند سعی را ادامه دهد که اگر تا پایان سعی، حجت شرعی پیدا کرد سعی او صحیح است و اگر چنین اطمینانی ندارد سعی او باطل است.

آیه الله سیحانی: خود را به مروه برساند سپس سعی را از صفا مجدداً شروع کند.

۳. **آیه الله بهجت:** شک بعد از وقت است.

آیه الله تبریزی: احوط اعاده طواف و نماز و اتیان به سعی است.

آیه الله خویی: فتوای ایشان در این مسئله روشن نیست و لذا احتیاط به اعاده طواف و نماز و اتیان

سعی است. ←

بعد از تقصیر شک کند که در این صورت لازم نیست سعی کند.

مسائل متفرقه سعی

[۸۵۴] م - کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، احتیاط آن است که سعی را اعاده کند،^۱ اگرچه اقوی کفایت همان سعی است.

[۸۵۵] م - کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را به جا می‌آورد و سعی را شب انجام می‌دهد، اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود، مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد^۲، اگرچه اقوی کفایت است.

→ **آیه الله زنجانی:** رعایت این احتیاط مستحب است.

آیه الله سبحانی: احتیاطاً سعی را به عنوان ما فی الذمه انجام دهد و انجام دیگر اعمال مترتبه لازم نیست گرچه احوط است.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب اتیان به سعی است، ولی اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، مگر احتمال بدهد عمداً سعی را تأخیر انداخته که در این صورت احتیاط واجب اعاده طواف و نماز هم هست.

آیه الله فاضل: اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر انداختن سعی بدون عذر است، بعید نیست بناگذاری بر آوردن، اگرچه احتیاط مستحب در آوردن است و اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر با عذر باشد. در این صورت وجهی برای بناگذاری بر اینکه آورده شده نیست.

۱. **آیه الله بهجت، آیه الله خامنه‌ای:** سعی صحیح است.

آیه الله سبحانی: و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده است سعی او صحیح است ولی بنا بر احتیاط مستحب پس از فوت موالات سعی را اعاده کند و همچنین تقصیر را.

آیه الله سیستانی: اگر جاهل «قاصر» بوده سعیش صحیح است و اگر «مقصر» بوده صحتش اشکال دارد.

آیه الله مکارم: سعی او باطل است.

۲. **آیه الله خامنه‌ای:** به تأخیر انداختن سعی پس از طواف و نماز طواف تا روز بعد از آن جایز نیست، اما تأخیر

در انجام آن تا شب [همان روز] مانعی ندارد. ←

[۸۵۶] م - سعی در طبقه فوقانی، اگر محرز نیست که بین صفا و مروه است، جایز نیست.^۱

استفتانات سعی

[۸۵۷] س - کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده تکلیف او چیست؟

ج - می‌تواند به این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات عرفیه بین شوط زاید طواف و مقدار باقیمانده تا ۱۴ شوط، طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.^۲

→ **آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی:** تأخیر عرفی اشکال ندارد و مبادرت لازم نیست ولی تأخیر به فردا جایز نیست و اگر عمداً و بدون عذر تا فردای آن روز تأخیر بیندازد، به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند. (آیه الله زنجانی: در صورت اخیر اعاده واجب است).
آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۸۴۰ مراجعه شود.
آیه الله مکارم: هرگاه طواف و نماز آن را در هر موقع از روز انجام دهد سعی را تا شب می‌تواند به تأخیر بیندازد. ولی تأخیر تا فردا جایز نیست و اگر تأخیر انداخت گناه کرده ولی اعمال او صحیح است.
 ۱. به مسئله ۸۳۵ مراجعه شود.

۲. **آیه الله بهجت:** اگر عمد بوده به همان نحو که گذشت اشکال دارد و در غیر عمد، احتیاط در اتمام تا چهارده شوط اگر ممکن است.

آیه الله خامنه‌ای: می‌تواند از طواف و سعی خود دست برداشته و مجدداً طواف و نماز طواف و سعی را از سر بگیرد.

آیه الله زنجانی، آیه الله سبحانی: اگر زیاده طواف کمتر از یک شوط بوده، وظیفه‌ای ندارد و سعی را تکمیل می‌کند و اگر بیشتر بوده باید سعی را رها کند و شوط‌های زائد طواف را به قصد قربت مطلقه تا هفت شوط تکمیل کند و نماز طواف بخواند بدون آنکه تعیین کند که برای طواف اول است یا دوم، سپس سعی را تکمیل کند و پس از سعی دو رکعت نماز دیگر بخواند. **آیه الله سبحانی** اضافه فرموده‌اند: و بعد از سعی دو رکعت هم برای طواف مستحب به جا آورد و نیت هفت دور طواف فقط به قصد قربت و مطلوبیت باشد نه واجب و نه مستحب اگرچه ظاهر این است که هفت دور دوم طواف واجب محسوب می‌شود و نماز آن بعد از طواف است و هفت دور اول مستحب و نماز آن بعد از سعی است. ←

[۸۵۸] س - اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست، به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج - باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.^۱

[۸۵۹] س - کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا، گمان تمام شدن هفت شوط را کرد و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفتند که باید یک شوط دیگر بیاوری، او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل او صحیح است یا خیر و کفاره دارد یا نه؟

ج - عمل صحیح است و کفاره ندارد.^۲

→ **آیه الله سیستانی:** احتیاط آن است که برگردد به مسجدالحرام و شوط اضافی را تا یک طواف کامل به قصد قربت مطلقه تکمیل نماید و برای آن نماز طواف بخواند، سپس سعیش را تمام کند و احتیاط مستحب این است که آن را اعاده نماید.

آیه الله فاضل: احتیاطاً سعی را رها کند تا موالات عرفیه از بین برود. پس از آن همه را اعاده کند.

۱. **آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی:** در فرض تقصیر هم باید دو مرتبه تقصیر کند. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** و تقصیر نماید (اگرچه قبلاً تقصیر کرده باشد) تا از احرام خارج شود. **آیه الله فاضل:** اگر با اعتقاد به صحت تقصیر کرده، تقصیر اعاده ندارد مگر از باب احتیاط و در غیر این صورت باید تقصیر را اعاده کند.

آیه الله مکارم: اگر به خاطر ندانستن مسئله باشد، باید سعی را از نو به جا آورد و اگر از روی سهو و فراموشی باشد، کافی است یک دور از صفا به مروه برود و احتیاط مستحب آن است که هفت دور به قصد ما فی الذمه به جا آورد.

۲. **آیه الله بهجت:** مگر آنکه در عمره تمتع ناخن‌هایش را گرفته باشد که احوط است.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط یک گاو کفاره دهد.

آیه الله خویی: اگر در عمره تمتع باشد باید بنا بر اظهر یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: اگر در عمره تمتع باشد و کمبود به جهت فراموشی باشد بنا بر احتیاط (**آیه الله سبحانی:** اقوی) یک گاو کفاره بدهد و اما اگر کمبود به جهت ندانستن تعداد شوط‌های سعی بوده است مثلاً، یا در عمره مفرده یا حج بوده، کفاره ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر ناخن گرفته کفاره دارد.

آیه الله فاضل: عمل صحیح است ولی اگر در عمره تمتع بوده است بنا بر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد.

[۸۶۰] س - کسی در اثنای سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟

ج - اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده یا اگر قطع کرده، از جایی که سعی را قطع کرده یا مُحاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است.^۱

[۸۶۱] س - کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است، آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟

ج - لازم نیست ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.^۲

[۸۶۲] س - آیا زن‌هایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب می‌گیرند در سعی هم می‌توانند نایب بگیرند؟

ج - محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان به جا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

[۸۶۳] س - اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه می‌شود که پنج شوط بوده، اولاً آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند، یا تقصیر اول کافی است؟

۱. آیه الله زنجانی؛ بلکه اگر اشتباه کرده و قبل از محل قطع شده، سعی را ادامه داده، سعی او صحیح است و اگر بعد از محل قطع شده، سعی را ادامه داده اگر شوط ششم یا هفتم بوده، از محل قطع تا پابان سعی را باید اعاده کند و اگر در اشواط دیگر بوده دو شوط از سعیش ناقص مانده و باید شوط ششم و هفتم را به جا آورد.

۲. آیات عظام تبریزی، سیستانی؛ چنانچه عمداً و بدون عذر بوده احتیاطاً باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیات عظام خویی، زنجانی، سبحانی؛ اگر بدون هیچ عذری تأخیر انداخته، باید قبل از سعی طواف و نماز را اعاده کند.

ج - باید سعی را اتمام کند و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.^۱

[۸۶۴] س - شخصی بعد از طواف عمره تمتع گم شده و بعد از پیدا شدن به رفقاییش گفته است که سعی صفا و مروه را به جا آورده‌ام و تقصیر نمود و محرم شد برای حج تمتع، ولی بعد از مراجعت از عرفات و منا و موقع طواف و سعی صفا و مروه و اعمال حج اظهار کرد؛ مثل اینکه من در اعمال عمره به صفا نیامده‌ام، همین طور گفته‌اند ان شاء الله آمده‌ای، بعد از مراجعت به ایران چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده و قبل از فوتش وصیت نموده است که برای او نایب بگیرند، اگر عمل شخص فوق الذکر باطل باشد وراثت او حاضرند اینجانب را بفرستند تا اعمال حج او را انجام بدهم، آیا نظر حضرت عالی چیست؟

ج - ورثه می‌توانند شما را نایب کنند برای عمل حج تمتع، ولی باید نایب سعی را جداگانه به نیابت آن مرحوم انجام دهد. گرچه در فرض مرقوم بیش از نایب گرفتن برای سعی لازم نیست.^۲

۱. آیه الله بهجت: و تقصیر را هم اعاده می‌نماید.

آیه الله تبریزی، آیه الله فاضل: اگر در عمره تمتع بوده احتیاطاً تقصیر را اعاده کند و بنا بر احتیاط واجب یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله خویی، آیه الله سبحانی: و تقصیر را باید اعاده نماید و اگر در عمره تمتع بوده یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله زنجانی: و سپس تقصیر نماید و تا تقصیر نکرده از محرمات اجتناب کند و در مورد کفاره مطابق مسئله ۸۴۸ و ۸۴۹ و ذیل آنها عمل کند.

آیه الله سیستانی: این احتیاط واجب است و اگر تقصیر از روی فراموشی کمبود باشد و در عمره تمتع باشد احتیاطاً باید یک گاو کفاره بدهد.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: این احتیاط ترک نشود.

۲. آیه الله تبریزی: احتیاط این است که برای حج تمتع نایب بگیرند، و احوط این است که نایب یک سعی جداگانه‌ای هم به نیت میت به جا آورد.

آیه الله خویی: حج او باطل است مگر اینکه سعی را فراموش کرده بوده که برای او قضا می‌کنند. ←

[۸۶۵] س - بین صفا و مروه طوری است که از یک طرف می‌روند و از طرف دیگر آن برمی‌گردند یعنی بین رفت و برگشت دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که به صفا رفته، به مروه برود اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

[۸۶۶] س - شخصی در حال سعی کردن بود، یک وقت دید مقداری را که برای هروله علامت‌گذاری کرده‌اند به طور عادی سیر کرده است، گمان می‌کرد لازم است هروله کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟

ج - اشکال دارد.^۱

→ **آیه الله زنجانی:** و اگر احتمال می‌دهد سعی را به جا آورده باشد به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله سبحانی: حج او باطل است و اگر کسی آن را در عمره تمتع فراموش کرد و تقصیر نمود اگر تا قبل از احرام حج یادش آمد باید برگردد و به جا آورد و تقصیر را اعاده کند و یک گاو کفاره بدهد ولی اگر بعد از احرام حج یادش آمد چنانچه بتواند، قبل از وقوف عرفات به جا آورد و اگر نتوانست وقتی از منا برگشت سعی را بر اعمال حج مقدم بدارد و یک گاو را برای تقصیر بی‌جا ذبح کند، لذا با توجه به اینکه این شخص اصرار دارد که سعی را انجام نداده و تدارک نکرده حج او باطل است.

آیه الله سیستانی: اگر از روی جهل به موضوع یا حکم، سعی را ترک کند حجش باطل است، لذا در فرض سؤال بر ورثه لازم است برای کل حج تمتع از طرف میت نایب بگیرند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: با فرض ترک سعی از جهت ندانستن مسئله، باید احتیاطاً عمره مفرده برای او به جا آورند و بعد از آن حج او را اعاده نمایند.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال که اعمال بعدی را با جزم به صحت انجام داده است لذا صحیح است و گرفتن نایب برای سعی کفایت می‌کند.

آیه الله مکارم: گرفتن نایب برای کل حج تمتع لازم نیست.

۱. **آیه الله بهجت:** ظاهراً اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی: اگر به قصد انجام وظیفه واقعی باشد، اشکالی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: در حال اختیار نباید چنین کند ولی در فرض مذکور سعی او درست است و چیزی بر او نیست، اگرچه احتیاط در اتمام و اعاده سعی است.

آیه الله خویی: بنا بر اظهار اشکال ندارد. اگرچه اعاده سعی مطابق احتیاط است. ←

[۸۶۷] س - شخصی در سعی بین صفا و مروه، از جایی که به صفا یا مروه رسید برای شوط بعدی شروع نمی‌کند، بلکه تقریباً مقدار دو سه متر هلالی شکل و یا مستقیم به شکل عرضی می‌آید و شروع می‌کند، و در این مقدار متوجه نیست که با نیت سعی است یا نه، ولی اگر از او سؤال شود چه می‌کند جواب می‌دهد سعی می‌کنم، آیا مضر نیست؟

ج - راه رفتن مزبور روی کوه مضر به سعی نیست، و در فرض مسئله سعی صحیح است.

[۸۶۸] س - آیا سعی کردن از همان جا که مریض‌ها را با چرخ می‌برند و برمی‌گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سرایشی شروع می‌کنند) صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اول کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگ‌های سیاه بعد از سنگ‌های صاف که بقایای کوه است برسند؟

ج - سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود و لازم نیست بالا برود.^۱

[۸۶۹] س - در مناسک فرموده‌اید کسی که بین صفا و مروه سعی می‌کند، واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد و بالعکس، آیا این وجوب توجه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

ج - وضعی است.^۲

[۸۷۰] س - گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی ناچار است از مسجدالحرام عبور کند، در این صورت تکلیف حائض و نفساء چیست، و آیا برای سعی هم مثل طواف نایب بگیرند؟

→ آیات عظام زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: چنانچه نیت او انجام وظیفه واقعی باشد یعنی اگر کسی او را متوجه می‌کرد، هرگز انجام نمی‌داد در این صورت سعی او صحیح است لکن احتیاط در اتمام و اعاده سعی از اول است (و این احتیاط اگر در عمره تمتع باشد مؤکد است تا گرفتار محذور کفاره بی‌جا نشود).

آیه الله سیستانی: صحت سعیش اشکال دارد مگر آنکه جاهل قاصر باشد.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۸۲۹ گذشت.

۲. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۸۲۷ مراجعه شود.

ج - اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند باید تأخیر بیندازند، و اگر آن هم ممکن نیست نوبت به نیابت می‌رسد و بر فرض مخالفت چنانچه از آن راه رفت و خودش سعی کرد سعیش صحیح است هر چند گناه کرده است.

[۸۷۱] س - زیادی در سعی جهلاً، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی را؟

ج - محل اشکال است.^۱

[۸۷۲] س - کسی که نمی‌تواند بدون سوار شدن در چرخ‌های معمولی در مسعی سعی

کند لیکن تمکن مالی ندارد، چون آرز خود را صرف سوغات کرده، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر می‌تواند با چرخ سعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی

کند و استنابه صحیح نیست مگر آنکه مشقت و حرج در کار باشد.

[۸۷۳] س - شخصی شوط سوم سعی را به هم زد و با فاصله اندکی هفت شوط

دیگر به جا آورد و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.^۲

۱. آیه الله بهجت: ظاهراً جهلاً مانعی ندارد.

آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: زیادی از روی جهل به حکم بنا بر اظهر موجب بطلان سعی نمی‌باشد، اگرچه احتیاط در اعاده است.

آیات عظام خامنه‌ای، سبحانی، صافی، گلپایگانی: حکم زیادی سهوی را دارد و سعی او صحیح است.

آیه الله زنجانی: حکم زیاده سهوی را دارد؛ بنابراین اگر از روی ندانستن مسئله مقدار کمی از اثنای سعی را دوباره سعی نماید سعیش صحیح است، ولی اگر در شروع سعی قبل از رسیدن به کوه صفا شروع کند (مثلاً از محل هروله شروع کند) سعیش باطل است.

آیه الله مکارم: حکم زیادی عمدی را دارد و باید از نو به جا آورد، مگر آنکه کمتر از یک دور باشد.

۲. آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، زنجانی، فاضل، مکارم، نوری: اشکال ندارد.

آیه الله خوبی: در فرض اعتقاد به جواز مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: اگر از آنچه انجام داده منصرف شده و پس از فوت موالات از اول شروع کرد اشکال ندارد لیکن اگر نصف سعی را انجام داده احتیاطاً آن را به هفت دور برساند و سعی را مجدداً به عنوان تکلیف فعلی انجام دهد.

آیه الله سیستانی: اگر پس از فوت موالات عرفیه سعی را از سرگرفته باشد صحیح است و اگر قبل از آن باشد اشکال دارد مگر آنکه جاهل قاصر باشد که در این صورت نیز صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحت آن بعید نیست.

[۸۷۴] س - شخصی به اعتقاد اینکه هر شوط سعی، رفت و برگشت از صفا به مروه است، سعی را شروع می‌کند و در شوط سوم متوجه مسئله می‌شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می‌دهد، آیا سعی او چه حکمی دارد؟

ج - سعی او صحیح است.

[۸۷۵] س - شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا صفا رفته است، تکلیف او چیست؟

ج - باید آن مقدار را تدارک کند و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.^۱

[۸۷۶] س - سعی از طبقه دوم فعلی، که بالاتر از کوه صفا و مروه می‌باشد، جایز است یا نه؟

ج - اشکال دارد.^۲

[۸۷۷] س - شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی، گاهی به عقب برمی‌گشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی می‌کرده، آیا سعی او صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.^۳

۱. آیه الله خامنه‌ای: و می‌تواند سعی سابق را رها کرده و مجدداً سعی را از سر بگیرد.

آیه الله زنجانی: سعی او صحیح است، هرچند احتیاط استحبابی آن است که آن مقدار و نقص ما بعد آن را تدارک کند.

آیه الله سبحانی: برگردد و جبران کند و اگر از آن محل گذشته یعنی وارد شوط یا اشواط بعدی شده و نمی‌تواند برگردد و تدارک کند سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

آیه الله مکارم: می‌تواند برگردد و جبران کند و سعی او اشکال ندارد.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۸۳۵ گذشت.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی: اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: برای مثال چند متر از مسافت سعی را که سعی نموده برای کنترل همراهان به عقب برگشته حالا که می‌خواهد دوباره آن چند متر را برگردد تا به محل قطع برسد باید به قصد سعی طی نکند در این صورت سعی او صحیح و در غیر این صورت سعی او به جهت زیادی عمدی باطل است.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد یا مقدار اضافی را به قصد سعی انجام ندهد.

آیه الله مکارم: اشکال ندارد و اعاده لازم نیست ولی بهتر است این کار را نکند.

[۸۷۸] س - شخصی سعی بین صفا و مروه را، پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می‌شود، انجام داده است و آن‌گاه که متوجه مسئله شد سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال احوط اعاده سعی است.^۱

[۸۷۹] س - شخصی به تصور اینکه رفتن بالای کوه صفا یا مروه لازم است، چون این مقدار مسافت را تحت فشار جمعیت رفته لذا برای اعاده آن مقداری وارد سعی شده و بعد به نیت سعی برگشته است و در واقع مقداری مسافت را دوبار طی کرده است، آیا سعی او درست است؟

ج - اگر به نیت احتیاط عمل کرده باشد ضرر ندارد.^۲

[۸۸۰] س - شخصی به تصور اینکه سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از یک شوط و نیم سعی خود را قطع می‌کند و وضو می‌گیرد و هفت شوط دیگر سعی می‌نماید، تکلیف او چیست؟

ج - اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.^۳

[۸۸۱] س - کسی که قدر متیقن عدد اشواط را می‌داند، اما تردید دارد که شوط بعدی را انجام داده یا نه؛ مثلاً می‌داند پنج شوط انجام داده، ولی شک دارد که بقیه را انجام داده یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - فرض مزبور شک در اشواط است و مبطل است.^۴

[۸۸۲] س - اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟

۱. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۸۷۱ گذشت.

۲. آیه الله زنجانی: سعیش صحیح است.

۳. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۸۷۳ گذشت.

۴. آیه الله زنجانی: و این در صورتی است که در اثنای سعی شک کرده و گرنه مطابق مسئله ۸۵۰ و ذیل آن عمل کند.

ج - از احرام خارج شده و هر وقت یادش آمد سعی را به جا آورد.^۱
 [۸۸۳] س - اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شک کرد، تکلیف او چیست؟

ج - مبطل است و باید سعی را اعاده کند.^۲
 [۸۸۴] س - آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است و یا اختصاص به بعض دارد؟

ج - در سعی موالات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد، که در صورت فوات موالات احتیاطاً از سر بگیرد.^۳

۱. آیه الله بهجت: احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: از احرام خارج نشده و تقصیر را اعاده نماید.

آیه الله زنجانی: باید سعی کرده دوباره تقصیر کند و اگر وقت تدارک گذشته مطابق ذیل مسئله ۶۷۹ عمل کند.

آیه الله سبحانی: اگر کسی آن را در عمره تمتع فراموش کرد و تقصیر نمود اگر تا قبل از احرام حج یادش آمد باید برگردد و به جا آورد و تقصیر را اعاده کند و یک گاو کفاره بدهد ولی اگر بعد از احرام حج یادش آمد چنانچه بتواند قبل از وقوف به عرفات به جا آورد و اگر نتوانست وقتی از منا برگشت سعی را بر اعمال حج مقدم بدارد و یک گاو برای تقصیر بی جا ذبح کند اما اگر سعی حج را فراموش کرد اگر خود او در مکه است و یا مکانی است که می تواند برگردد، باید برگردد و انجام دهد و طواف نساء و نماز آن را نیز مجدداً به جا آورد و اگر برگشتن برای او مشقت دارد استنابه کرده و نایب او سعی و سپس طواف نساء و نماز را برای او به جا آورد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط تقصیر را پس از سعی اعاده کند و یک گاو کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط تقصیر را پس از سعی اعاده کند، و بنا بر احتیاط قبل از اعاده تقصیر، محرمات احرام را مراعات کند ولی کفاره ثابت نیست.

۲. آیه الله زنجانی: مگر آنکه اطمینان داشته باشد که در ادامه سعی نسبت به تعداد اشواط به علم یا حجت شرعی می رسد.

۳. آیه الله بهجت: دلیلی بر اعتبار موالات در سعی در غیر شوط اول نیست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احوط اعتبار موالات عرفیه بین اشواط سعی است.

آیه الله زنجانی: در غیر موارد خاص که قطع سعی جایز است، رعایت موالات عرفیه در سعی، لازم بوده و قطع آن جایز نیست و چنانچه بدون عذر، سعی را قطع کند باطل می شود. ←

[۸۸۵] س - اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد آیا به سعی او ضرر می‌زند یا نه؟
ج - ضرر نمی‌زند.

[۸۸۶] س - شخصی در حال سعی در عدد اشواط شک می‌کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می‌دهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آنکه صد متر سعی کرد یا وارد شوط بعدی شد، یقین به عدد حاصل می‌شود و با یقین، باقی سعی را هم انجام می‌دهد، آیا این سعی صحیح است یا نه؟
ج - صحیح است.^۱

مستحبات سعی^۲

[۸۸۷] م - مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی، به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد

→ **آیه الله سبحانی:** سعی یک عمل واحد عبادی است، باید به صورت یک عمل واحد به جا آورده شود و لذا فاصله زیاد میان اشواط که مضر به موالات باشد بر خلاف احتیاط است.
آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب موالات عرفیه لازم است.
آیه الله صافی: موالات معتبر است.
آیه الله گلپایگانی: موالات در سعی معتبر نیست.
آیه الله مکارم: احتیاط واجب آن است که در غیر موارد استثنا شده موالات عرفیه رعایت شود.
۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** وظیفه‌اش تجدید و از سرگرفتن سعی بوده و سعی در حال شک و ادامه آن صحیح و مجزی نبوده، لذا احتیاط اعاده سعی است.
آیه الله زنجانی: با شک در عدد اشواط سعی باطل می‌شود و باید سعی را اعاده کند مگر آنکه اطمینان داشته باشد که در ادامه سعی نسبت به تعداد اشواط به علم یا حجت شرعی می‌رسد.
آیات عظام سبحانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: در صورتی که به رجای کشف حال ادامه داده باشد.
آیه الله فاضل: در فرض سؤال صحت سعی محل اشکال است و احتیاط واجب در اعاده است.
۲. **آیه الله مکارم:** این مستحبات را به قصد رجا به جا آورد و باید توجه داشت که بعضی از مستحبات مربوط به زمان‌های گذشته است و در عصر ما موضوع ندارد و یا عملاً ممکن نیست، آنچه را می‌توان، انجام دهد. و خداوند به نیت او پاداش می‌دهد.

و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِيًّا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

پس از آن، به نزد حجرالاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالاسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمت‌های الهی را به خاطر بیاورد، آن‌گاه این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ»

سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

۱. آیه الله خویی: این دعا و همچنین بعضی از دعاهاى آخر این قسمت در مناسک ایشان مذکور نیست.

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَعَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَكَهُ
الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظِلْمَةِ الْقَبْرِ
وَوَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى
كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یک بار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده

نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد، هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ،
اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ
عَذَابِي وَأَنَا مُتَحَاجٌّ إِلَى رَحْمَتِكَ. فَيَا مَنْ أَنَا مُتَحَاجٌّ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ،
فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصْبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ
هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفُدُ نَائِلُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْرِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

و در حدیث شریف وارد شده است: هر کس که بخواهد مال او زیاد شود، ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می‌آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَصَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أُرِدُّدُ عَلَى نِعْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حد را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلتِّي هِيَ أَقْرَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَصَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَفُوتِي تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلِ الْمُتَّقِينَ».

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و به جا آورد آنچه را که در صفا به جا آورد و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يُعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ».

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقِ النَّبِيِّ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

فصل پنجم: تقصیر و بعض احکام آن

[۸۸۸] م - واجب است بعد از آنکه سعی کرد، تقصیر کند؛ یعنی قدری از ناخن‌ها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است^۱ و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند بلکه حرام است.

[۸۸۹] م - این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند^۲ موجب باطل شدن عمره‌اش می‌شود مگر آنکه جبران کند.

-
۱. آیه الله زنجانی: و بنا بر احتیاط مؤکد استحبابی، برای تقصیر، کوتاه کردن مو را انتخاب کند. آیه الله سبحانی: به ناخن گرفتن اکتفا نشود و اگر خواست ناخن بگیرد، پس از کوتاه کردن مو باشد. آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب اکتفا به آن نکند و اگر خواست ناخن بگیرد پس از کوتاه کردن مو باشد. آیه الله گلپایگانی: این قید را ندارند. آیه الله مکارم: بلکه احتیاط واجب است.
 ۲. آیه الله زنجانی: باطل می‌شود و اگر تا آخر وقت، جبران نکند عمره‌اش تبدیل به حج افراد می‌شود و باید مطابق ذیل مسئله ۸۹۱ عمل نماید. ←

[۸۹۰] م - اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد عمره اش صحیح است و مستحب است فدیة یک گوسفند^۱ و احتیاط آن است که فدیة بدهد.

[۸۹۱] م - اگر عمداً^۲ تقصیر را ترک کند تا احرام بستن به حج، عمره او باطل می شود بنا بر اقوی و ظاهراً حج او حج افراد شود، و احتیاط واجب آن است که پس از تمام کردن حج افراد، عمره مفرده به جا آورد^۳ و در سال بعد حج را اعاده کند.^۴

[۸۹۲] م - در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست و اگر بخواهد احتیاط کند طواف و نماز آن را رجائاً^۵ به جا آورد.

→ **آیة الله سبحانی:** حکم آن در ذیل سؤال ۹۰۵ آمده، مگر آنکه وقت برای تدارک تقصیر او باقی باشد که باید تدارک کند.

۱. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی:** بنا بر احتیاط یک گوسفند بدهد.
- آیة الله زنجانی:** بنا بر احتیاط مؤکد استحبابی، یک قربانی - گوسفند یا گاو و یا شتر - ذبح کند و تقصیر فراموش شده، قضا ندارد.
- آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری:** بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند فدیة بدهد.
- آیة الله خامنه‌ای:** یا از روی ندانستن مسئله.
۳. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی:** لازم است بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد.
- آیة الله زنجانی:** و باید پس از انجام حج افراد و گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده به جا آورد هر چند عمره تمتع او استحبابی باشد و اگر بدون توجه به مسئله حج تمتع انجام دهد، کفایت از حج افراد می کند و در هر حال چون بدون عذر بوده کفایت از حجة الاسلام نمی کند.
- آیة الله سیستانی:** در صورت تمکن، بعد از حج افراد باید عمره مفرده به جا آورد. به احتیاط واجب حج را در سال دیگر نیز اعاده کند.
۴. **آیة الله خامنه‌ای:** و اگر حج او حج واجب بوده باید در سال بعد، عمره و حج به جا آورد.
- آیة الله سبحانی:** و باید بعد از اعمال حج، عمره مفرده به جا بیاورد و مستحب است به این حج اکتفا نکند و در صورت امکان در آینده حج تمتعی به جا آورد.
- آیة الله مکارم:** به جا آوردن حج در سال بعد احتیاط مستحب است.
۵. **آیة الله خامنه‌ای:** قبل از تقصیر.
- آیة الله سبحانی، آیة الله مکارم:** ضرورتی ندارد طواف نساء را به قصد رجا به جا آورد.
- آیة الله فاضل:** در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست بلکه انجام آن موافق احتیاط است و اگر بخواهند احتیاط کنند محل انجام آن قبل از تقصیر است.

[۸۹۳] م - بعد از آنکه شخص محرم تقصیر کرد، حلال می‌شود بر او به غیر از تراشیدن سر^۱ هرچه حرام شده بود بر او به واسطه احرام، حتی نزدیکی با زن.

[۸۹۴] م - در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است^۲ و احوط در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.^۳

۱. **آیه الله بهجت:** ظاهر عدم حرمت احرامی آن است و حرمت به جهت منافات با وجوب توفیر محل تأمل است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر عمره تمتع در ماه شوال انجام داده شود، تراشیدن سر تا سی روز بعد از عید فطر جایز است، ولی بعد از آن بنا بر احتیاط واجب، نباید سر تراشیده شود، و اگر از روی علم و عمد باشد، بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط مؤکد استحبابی، سر نتراشد و از ماشین‌کردنی که مثل تراشیدن است پرهیز کند؛ ولی هیچ‌کدام کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: بین عمره تمتع و حج نباید حلق کند و یا موی سر را با ماشین ته‌زن بزند، لیکن اگر چنین کرد فقط معصیت کرده و کفاره ندارد و به عمره و حج او ضرر نمی‌زند.

آیه الله سیستانی: سر تراشیدن نیز حلال می‌شود. اگرچه احتیاط مستحب ترک آن است پس از گذشت سی روز از عید فطر و احتیاط مستحب این است که در صورت انجام آن از روی علم و عمد یک قربانی کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: تراشیدن سر بین عمره تمتع و حج تمتع مانعی ندارد.

۲. **آیه الله زنجانی:** بلکه نباید برای تقصیر، موی زیر بغل و مانند آن را کوتاه کند و به طور کلی تقصیر از غیر موی سر و ریش و شارب، کفایت نمی‌کند، بلکه حرام است و در صورت علم و عمد، کفاره دارد.

۳. **آیه الله سبحانی:** به ناخن گرفتن اکتفا نشود و اگر خواست ناخن بگیرد، پس از کوتاه کردن مو باشد.

آیه الله سیستانی: در تقصیر بنا بر احتیاط واجب باید موی سر یا ریش یا سیل خود را کوتاه کند و بنا بر احتیاط واجب گرفتن ناخن به تنهایی کافی نیست بلکه احتیاط واجب این است که ناخن گرفتن بعد از کوتاه کردن مو باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اقوی است.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که به گرفتن ناخن اکتفا نکند.

آیه الله مکارم: گرفتن ناخن به تنهایی کافی نیست بنا بر احتیاط واجب.

استفتائات تقصیر

- [۸۹۵] س - آیا کسی که تقصیر او محکوم به بطلان است و بعد از آن محرمات احرام را به جا آورده و جاهل به مسئله بوده کفاره دارد یا خیر؟
- ج - با جهل کفاره ندارد مگر در صید^۱؛ به تفصیلی که در کتب ذکر شده است.
- [۸۹۶] س - کسی که بعد از سعی در عمره تمتع تقصیر کرد، بعد به شک افتاد که آیا تقصیری که کردم صحیح است یا نه، آیا اشکال دارد یا نه؟
- ج - اگر در حال عمل عالم به مسئله و ملتفت بوده، اشکال ندارد.^۲
- [۸۹۷] س - یکی از خدمه کاروان‌ها به احرام عمره مفرده از میقات محرم می‌شود و به مکه می‌آید و طواف و نماز آن و سپس سعی بین صفا و مروه را به همان عنوان به جا می‌آورد، ولی برای تقصیر، گمان می‌کرد نتف؛ یعنی کندن مو کافی است و چند نخ مو را به عنوان تقصیر کُند و به حساب خودش از احرام خارج شد، سپس برای عمره تمتع که وظیفه‌اش بود به میقات رفت و محرم شد و به مکه آمد و کلیه اعمال، از طواف تا تقصیر، را انجام داد، آیا اعمالش چگونه است و در آینده وظیفه‌اش چیست؟
- ج - کندن مو در تقصیر کافی نیست و عمره تمتع او صحیح نیست مگر آنکه قبل از احرام برای آن، از احرام عمره مفرده با تقصیر صحیح خارج شود.
- [۸۹۸] س - اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد، آیا می‌تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران بازگشته است و آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟

۱. آیه الله زنجانی: در صید و مالیدن روغن.

به ذیل مسئله ۱۳۲۰ مراجعه شود.

۲. آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، سبحانی: در صورتی که احتمال التفات در حال عمل را بدهد، اعتنا نکند.

آیه الله سیستانی: به هر حال اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: باید بنا را بر صحت بگذارد.

ج - تقصیر را در هر جا می‌تواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء را اعاده کند^۱ و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

[۸۹۹] س - هرگاه سنی برای شیعه تقصیر نماید چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد.

[۹۰۰] س - شخصی در حج به عوض تقصیر در عمره تمتع یک مواز بدن کننده است و الآن که متوجه شده است، آیا حج او اشکال دارد یا نه؟ و در صورتی که مرتکب خلاف شده باشد تکلیف چیست؟

ج - اگر حج را انجام داده، با عمل مزبور از احرام فعلاً خارج شده است و چنانچه حج واجب بوده احتیاط آن است که یک عمره مفرده به جا آورد و بعداً عمره و حج تمتع را انجام دهد.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** اکنون که قبل از تقصیر متذکر شده است، تقصیر می‌کند و طواف نساء را بعد از آن اعاده می‌نماید بنا بر احوط و مقدم شدن طواف نساء بر تقصیر در عمره مفرده در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی است.

آیه الله تبریزی: احتیاط واجب در صورت امکان تقصیر در مکه است.

آیه الله سبحانی: و احتیاطاً علاوه بر نایب نماز طواف نساء را خودش نیز در هر کجا هست بخواند.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۲. **آیه الله بهجت:** اعاده عمره و حج لازم نیست.

آیه الله خامنه‌ای: اگر به علت ندانستن مسئله، به جای تقصیر، موی خود را بکند و سپس حج به جا آورد، عمره اش باطل است و حجی که به جا آورده، حج افراد خواهد بود. در این صورت اگر حج واجب بر عهده اش بوده، بنا بر احتیاط واجب باید بعد از انجام مناسک حج، عمره مفرده به جا آورد، و در سال بعد، عمره تمتع و حج را اعاده کند.

آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: حجش مبدل به افراد می‌شود و لازم است بعد از حج عمره مفرده به جا آورد و احتیاط این است که سال دیگر حج را اعاده نماید.

آیه الله زنجانی: و باید بعد از ایام تشریق، عمره مفرده به جا آورد و اگر در این اشتباه معذور بوده کفایت از حج واجب می‌کند.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: ظاهراً حج او منقلب به افراد می‌شود و پس از آن باید در صورت تمکن عمره مفرده به جا آورد و احتیاط مستحب آن است که حج را در سال دیگر اعاده کند. ←

[۹۰۱] س - شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرد و سپس سعی را به جا آورد و دوباره تقصیر کرد، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر جاهل یا ساهی بوده چیزی بر او نیست.^۱

[۹۰۲] س - کسانی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارند، اگر بعد از سعی تقصیر نمودند، آیا موجب مُحل شدن و یا كفاره می‌گردد؟

ج - مُحل نمی‌شوند و اگر جاهل یا ساهی بوده‌اند كفاره ندارد.

[۹۰۳] س - اگر کسی به جای تقصیر حلق نمود، آیا كفایت می‌کند؟

ج - در عمره تمتع كفایت نمی‌کند.^۲

[۹۰۴] س - کسی که بعد از انجام اعمال عمره، در منزل تقصیر کرده است، وظیفه‌اش چیست؟

ج - مانع ندارد.

[۹۰۵] س - حضرت عالی در مسئله دوم تقصیر می‌فرماید: اگر کسی تقصیر را به ریا انجام دهد عمره‌اش باطل است، مقصود از بطلان عمره چیست؟ دیگر اینکه وظیفه او چه می‌شود؟

→ **آیه الله مکارم:** احتیاط آن است که در حج واجب یا غیر آن عمره مفرده را انجام دهد و اعاده عمره و حج تمتع لازم نیست.

۱. به ذیل سؤال ۸۸۲ مراجعه شود.

۲. **آیه الله بهجت:** باید كفاره بدهد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در صورت علم و عمد یک گوسفند كفاره دارد بلکه بنا بر احتیاط در غیر صورت علم و عمد نیز كفاره دارد.

آیات عظام خامنه‌ای، زنجانی، سبحانی، سیستانی: و در صورت علم و عمد باید یک گوسفند كفاره بدهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و یک گوسفند كفاره دارد و بنا بر احتیاط اگرچه جاهل یا ناسی بوده باشد.

آیه الله مکارم: این کار اگر عمداً باشد و در ماه ذی‌قعدة به بعد باشد، بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند كفاره دارد و در غیر عمد كفاره نیست.

ج - مقصود این است که در تقصیر ریا کند و بدون تدارک تقصیر، برای حج محرم شود و حج انجام دهد، که در این صورت حکم کسی را دارد که بدون تقصیر وارد اعمال حج شده است و در هر صورت لازم است حج تمتع را سال بعد به جا آورد.^۱

[۹۰۶] س - اگر کسی در اثنای سعی تقصیر نمود، وظیفه او چیست؟

ج - باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند، بلی اگر از روی نسیان یا جهل تقصیر کرده، اعاده تقصیر لازم نیست^۲ و اگر از اول سعی قصد هفت شوط نداشته سعی اعاده دارد.

[۹۰۷] س - اگر کسی از روی جهل، تقصیر را ترک نمود چه حکمی دارد؟

ج - در این مسئله جهل حکم عمد را دارد.^۳

[۹۰۸] س - در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک

نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید و فرقی بین صور عمد و سهو و

علم و جهل نیست علی الأحوط.^۴

۱. به ذیل مسئله ۸۹۱ مراجعه شود.

۲. آیات عظام بهجت، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم؛ احتیاطاً تقصیر را اعاده کند.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی؛ باید بعد از اتمام سعی تقصیر را نیز اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اعاده تقصیر در هر صورت لازم است و اگر تقصیر از روی فراموشی بقیه اشواط سعی باشد باید به احتیاط واجب تقصیر را اعاده کند و یک گاو کفاره بدهد.

نظر آیات عظام نسبت به کفاره، در ذیل مسئله ۸۴۸ گذشت.

۳. آیه الله زنجانی: و عمره‌اش تبدیل به حج افراد می‌شود و باید مطابق ذیل مسئله ۸۹۱ عمل کند.

۴. به ذیل سؤال ۸۹۸ مراجعه شود.

فصل ششم: احکام بین عمره و حج تمتع

[۹۰۹] م - بعد از انجام عمره تمتع و قبل از حج تمتع نباید عمره مفرده به جا آورده شود^۱ و اگر به جا آوردند صحت عمره مفرده محل اشکال است، ولی برای عمره و حج تمتع اشکالی ایجاد نمی شود.^۲

۱. آیه الله بهجت: اشکال ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

۲. آیه الله تبریزی: عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع مشروع نیست مگر اینکه از حرم خارج شود و در ماه دیگر غیر از ماهی که محرم برای عمره تمتع شده با احرام عمره مفرده داخل مکه شود که در این صورت عمره مفرده او صحیح است و عمره تمتع او تبدیل به عمره مفرده می شود.
آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی: فقط فرموده اند که به جا آوردن عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع جایز نیست.

آیه الله زنجانی: ولی عمره تمتع را باطل می کند.

آیه الله سبحانی: ولی بعید نیست که عمره قبل باطل شود و این عمره مفرده به عمره تمتع مبدل گردد و در این صورت احتیاطاً یک طواف نساء و نماز آن را به عنوان ما فی الذمه جهت تکمیل عمره قبل بیاورد.

آیه الله سیستانی: اگر بین عمره تمتع و حج، عمره مفرده به جا آورد، ظاهر این است که موجب بطلان عمره تمتع خواهد شد و لازم است که آن را اعاده نماید. ولی اگر تا روز هشتم ذی حجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره مفرده اش تمتع به حساب می آید و می تواند برای حج محرم شود. ←

[۹۱۰] م - خدمه کاروان‌های حج اگر عمره مفرده به جا آورده باشند هر دفعه که از مکه خارج می‌شوند و به جده می‌روند و برمی‌گردند لازم نیست محرم شوند^۱ ولی اگر عمره تمتع به جا آورده‌اند، بنا بر احتیاط نباید از مکه خارج شوند^۲ مگر در صورت

→ **آیه الله فاضل:** این در صورتی است که عمره مفرده را در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده به جا آورده شود، اما اگر در ماه دیگر انجام داده، عمره تمتع او باطل شده و اگر تا هشتم ذی‌حجه در مکه بماند این عمره مفرده عمره تمتع محسوب می‌شود و حج تمتع او با همین عمره صحیح خواهد بود.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۲۲۹ گذشت.

۲. **آیه الله بهجت:** در صورتی که اعمال حج نفویت نشود، خروج از مکه مانعی ندارد، می‌توانند مانند خطاب و خشاش بدون احرام بروند و برگردند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: جایز نیست، مگر در مورد حاجت و با احرام حج.

آیه الله خامنه‌ای: خروج از مکه مکرمه بعد از عمره تمتع و قبل از اعمال حج برای کسی که مطمئن است که می‌تواند برای انجام حج تمتع به مکه برگردد جایز است. هرچند احتیاط مستحب آن است که از مکه مکرمه خارج نشود مگر برای نیاز و کار ضروری. کما اینکه در این صورت بنا بر احتیاط باید ابتدا در مکه برای حج محرم شود و بعد خارج شود. و اگر محرم شدن برای او مشقت داشته باشد، جایز است برای انجام کار خود بدون احرام خارج شود. و افرادی که قصد عمل به این احتیاط را دارند و ناچار هستند یک یا چند مرتبه به مکه وارد و از آن خارج شوند مانند خدمه کاروان‌ها، می‌توانند برای ورود به مکه مکرمه، اول عمره مفرده انجام دهند و عمره تمتع را به تأخیر بیندازند تا زمانی که بتوانند در آن وقت عمره تمتع را قبل از اعمال حج به جا آورند، در این صورت باید از میقات برای عمره تمتع محرم شوند و هنگامی که از عمره تمتع فارغ شدند از مکه برای حج محرم شوند.

آیه الله زنجانی: جایز نیست از مکه و حوالی نزدیک آن خارج شوند مگر در صورت نیاز، در این صورت هم - اگر حرجی نباشد - باید با احرام حج بیرون بروند و چنانچه بدون نیاز و عذر خارج شوند، عمره تمتعشان باطل می‌شود. **آیه الله سبحانی:** اگر بخواهند پس از عمره تمتع به عرفات و یا بیرون از توابع مکه بروند باید محرم به احرام حج بشوند مگر اینکه احرام موجب حرج و مشقت باشد که می‌توانند بدون احرام خارج شوند ولی در هر حال اگر بدانند برای احرام حج از مکه قبل از عرفات با مشکل روبه‌رو می‌شوند در این صورت باید با احرام حج از مکه بیرون بروند.

آیه الله سیستانی: اگر مکلف اعمال عمره تمتع را به جا آورد، بنا بر احتیاط واجب نباید از مکه بیرون برود مگر برای حج، مگر آنکه بیرون رفتنش جهت انجام کاری باشد، اگرچه آن کار غیر ضروری باشد و ترس از اینکه اعمال حجش فوت گردد نداشته باشد، که در این صورت اگر بداند که می‌تواند به مکه برگردد و از آنجا احرام حج ببندد، اظهار جواز بیرون رفتنش از مکه بدون احرام است. ←

حاجت درحالی که محرمند به احرام حج.

استفتائات احکام بین عمره و حج تمتع

[۹۱۱] س - خدمه کاروان‌ها که پس از انجام عمره تمتع باید به عرفات و منا بروند، برای دیدن چادرها و کارهای دیگر و برگردند به مکه، وظیفه آنان چیست؟
ج - بنا بر احتیاط واجب نمی‌توانند از مکه خارج بشوند، مگر در مورد ضرورت^۱ و در این صورت باید برای حج محرم شوند و بیرون بروند. بلی اگر احرام برای آنان حَرَجی باشد و رفتن به عرفات و منا بر آنان ضرورت دارد می‌توانند بدون احرام به آنجا بروند.

[۹۱۲] س - آیا بین عمره تمتع و حج تمتع ماشین کردن سر جایز است؟
ج - ماشین کردن مانع ندارد ولی نباید سر را بتراشد و از ماشین کردنی که مثل تراشیدن است باید اجتناب شود علی‌الأحوط.^۲
 [۹۱۳] س - بین عمره تمتع و حج تمتع که جایز نیست سر بتراشد، آیا سر تراشیدن کفاره دارد یا خیر؟

→ **آیه الله فاضل:** اگر یقین یا اطمینان دارد که خروج از مکه لطمه به حج او وارد نمی‌کند، مانعی ندارد که حتی بدون احرام هم از مکه خارج بشود و برای احرام از مکه و مناسک به مکه برگردد لکن احتیاط استحبابی بر خلاف آن است.
آیه الله مکارم: حرام است خارج شوند مگر اینکه مطمئن باشند که به موقع برمی‌گردند و حج خود را انجام می‌دهند و همچنین در صورت حاجت.
آیه الله نوری: اگر اطمینان داشته باشد که می‌تواند به مکه برگردد و برای اعمال حج محرم شود، می‌تواند از مکه خارج شود.

و نیز به مسئله ۹۴۴ و ذیل آن، که نظر **آیات عظام** است، مراجعه شود.

۱. نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله قبل گذشت.

۲. نظر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۸۹۳ گذشت.

ج - كفاره ثابت نیست.^۱

[۹۱۴] س - زنی که حیض بود و نمی‌دانست و اعمال عمره را کلاً به جا آورد، بفرمایید باید دوباره به جا آورد یا کافی است؟

ج - اگر در وسعت وقت است باید طواف و نماز را اعاده کند،^۲ ولی اگر وقت ندارد، در اینکه وظیفه مبدل شده یا نه، اشکال است و احتیاط را مراعات نماید.^۳

۱. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۸۹۳ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، خویی: اگر از روی علم و عمد باشد، بنا بر احتیاط یک گوسفند كفاره دارد.
آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که در صورت انجام آن از روی علم و عمد، یک قربانی كفاره بدهد.

آیه الله صافی: باید یک گوسفند كفاره بدهد بنا بر احتیاط، هر چند جاهل یا ناسی باشد.
آیه الله گلپایگانی: در صورت علم به مسئله یک گوسفند كفاره دارد و در صورت جهل و نسیان كفاره ندارد.
آیه الله مکارم: كفاره آن یک گوسفند است بنا بر احتیاط.

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، فاضل: و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.
آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: و سپس سعی و تقصیر را اعاده نماید.
آیه الله سبحانی: باید همه اعمال عمره را اعاده نماید و اگر تا قبل از وقوف اختیاری عرفه پاک نشد وظیفه‌اش به افراد مبدل شده است.
آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و سعی و تقصیر را اعاده نماید و اگر پس از پاکی، وقت برای انجام اعمال عمره ندارد حج او مبدل به افراد می‌شود.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: پس از تمام شدن ایام حیض و غسل، اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و (آیه الله تبریزی و بنا بر احتیاط) سعی و تقصیر را در عمره مفرده را بعد از حج به جا می‌آورد، و چنانچه متمکن است سعی و تقصیر کند، ولو آنکه مسمای وقوف اختیاری عرفات را درک کند، اگر حیض او بعد از احرام بود مخیر است بین اینکه سعی و تقصیر کرده سپس برای حج محرم شود و بعد از رجوع از منا، طواف عمره تمتع و نماز آن را قبل از طواف حج قضا کند و بین اینکه حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج به جا آورد و اگر حیض او قبل از احرام بستن یا هنگام احرام بستن بوده باید حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج به جا آورد.
آیه الله خامنه‌ای: اگر در موقع احرام پاک نبوده وظیفه تبدیل شده و اما اگر پاک بوده تنها لازم است بعد از مراجعه از منا به مکه طواف عمره تمتع و نماز آن را - قبل از طواف و نماز و سعی حج و یا بعد از آن - قضا کند. ←

- [۹۱۵] س - همچنان که تراشیدن سر بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج حرام است، آیا تراشیدن صورت نیز همین حکم را داراست؟
- ج - غیر از حکم تراشیدن ریش در غیر این مورد، حکم خاصی ندارد.
- [۹۱۶] س - آیا غار حرا جزو محدوده مکه است؟ و بنابراین، آیا می‌توان قبل از وقوف به آنجا رفت و صدق خروج از مکه نمی‌کند؟
- ج - باید از اهل محل تحقیق شود.^۱
- [۹۱۷] س - کسی که از کارمندان سازمان حج است و به ناچار باید بعد از عمره تمتع و قبل از حج از مکه خارج و به عرفات برود، با توجه به اینکه حج او نیابتی است، آیا لطمه به حج او نمی‌زند؟

→ **آیه الله زنجانی:** به ذیل مسئله ۱۷۴ مراجعه شود.

- آیه الله سیستانی:** اگر وقت موسع نباشد، پس اگر در حال احرام حائض بوده است، حجش مبدل به افراد می‌شود و پس از فراغ از حج، اگر می‌تواند باید عمره مفرده انجام دهد و اگر حیض او بعد از احرام بوده در فرض سؤال باید پس از فارغ شدن از اعمال منا و بازگشتن به مکه، قبل از اینکه طواف حج را انجام دهد طواف عمره و نماز آن را قضا کند.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** اگر بطلان طواف از جهت جهل به مسئله باشد، حج او قهراً مبدل به افراد شده و پس از حج، باید عمره مفرده به جا آورد و احتیاطاً حج را اعاده نماید.
- آیه الله فاضل:** پس از تمام شدن ایام حیض و غسل، اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتع اعاده کند، و اگر وقت ندارد حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج به جا آورد.
- آیه الله مکارم:** اشکالی نیست، حج او مبدل به حج افراد می‌شود و عمره مفرده بعد از حج به جا آورد.
۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله زنجانی:** رفتن به غار حرا و امثال آن از مناطق نزدیک ضرری ندارد، خواه جزو مکه باشد یا نه.
- نظر آیات عظام نسبت به اصل خروج در ذیل مسئله ۹۱۰ ملاحظه شود.
- آیه الله خویی:** خارج شدن به اطراف و توابع مکه مانع ندارد.
- آیه الله سبحانی:** رفتن به غار حرا مشکل ندارد.
- آیه الله سیستانی:** به احتیاط واجب نباید خارج شود این احتیاط شامل غار حرا نیز می‌شود.
- آیه الله فاضل:** با توجه به توسعه شهر مکه، رفتن به اطراف آن تا جایی که صدق کند از مکه است مانعی ندارد.

ج - ضرر به حج و نیابت نمی‌زند، ولی در صورت امکان باید محرم شود به احرام حج و از مکه خارج شود علی‌الأحوط.^۱

[۹۱۸] س - بعضی از حجاج منزلشان از مکه خارج است، بعد از عمره تمتع و قبل از احرام به حج تمتع، خارج شدن آنان از مکه چه حکمی دارد؟

ج - خروج از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست علی‌الأحوط، مگر در مورد ضرورت که در این صورت هم باید محرم شوند به احرام حج و خارج شوند.^۲

[۹۱۹] س - اخیراً خط کمربندی در اطراف مکه از پای جبل‌النور و جبل‌ثور می‌گذرد، که غار حِرا و غار ثور در این دو جبل است، بین عمره و حج رفتن برای زیارت این دو مکان مقدس، چه صورت دارد؟

ج - حکم کلی مسئله معلوم است^۳ و در مسئله قبل نیز بیان شد و تشخیص موضوع

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۹۱۰ گذشت.

آیه الله زنجانی: ولی اگر برایش مشقت شدید نداشته باشد باید با احرام حج، خارج گردد و در هر صورت این شخص از ذوی الاعذار است و تنها در صورتی نیابتش برای حج واجب، صحیح است که در هنگام احرام، اطمینان داشته چنین مشکلی برایش پیش نخواهد آمد.

آیه الله سبحانی: در احکام خروج بین عمره و حج فرقی بین نایب و اصیل نیست که در مسائل قبل احکام آن گذشت.

۲. به ذیل مسئله ۹۱۰ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله زنجانی: بیرون رفتن از مکه بعد از عمره یا در اثنای آنکه حرام شده، بیرون رفتن به جای دیگر است و اما رفتن به اطراف و نواحی تابع مکه مانعی ندارد، پس کسی که منزلش بیرون مکه است می‌تواند در اثنا یا بعد از فراغت از اعمال عمره، به منزل خود برگردد.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: منظور از مکه همه شهر توسعه یافته است پس رفتن به مناطق جدید اشکال ندارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اگر محرم بودن برای چنین شخصی حرجی باشد، بدون احرام نیز می‌تواند خارج شود.

آیه الله مکارم: این مقدار ضرر ندارد و احرام لازم نیست.

۳. به ذیل مسئله ۹۱۰ و ۹۱۶ مراجعه شود. ←

با خود مکلف است.

[۹۲۰] س - خروج از مکه برای کسی که عمره تمتع انجام داده، برای کار غیر ضروری جایز است یا نه و ملاک ضرورت چیست؟
ج - بنا بر احتیاط واجب جایز نیست^۱ و ضرورت عرفی است.

→ **آیه الله سبحانی:** اشکال ندارد و همچنین است اگر اتوبوس‌های حمل مسافر در بین عمره تمتع و حج تمتع، زائرین را به بیرون شهر مکه بردند و سپس وارد شهر شدند و یا رفتن مختصر زائرین به توابعی مثل منا و جمرات و برگشت فوری آنها به مکه، ضرری به حج نمی‌زند، حتی اگر عمره قبلی را در ماه هلالی دیگری به جا آورده باشند، ولی احتیاط مستحب است که همین مقدار هم بیرون نروند. ولی چنانچه از حد مختصر تجاوز کنند و از مکه و یا توابع آن بیرون رفته و یا از حرم خارج شوند و عمره تمتع خود را در ماه دیگری غیر از ماه خروج از مکه انجام داده باشند، باید با احرام جدید وارد شوند.

آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

۱. به ذیل مسئله ۹۱۰ مراجعه شود.

فصل هفتم: تبدل حج تمتع به افراد

[۹۲۱] م - اگر شخصی که احرام عمره بسته است، به واسطه عذری، دیر وقت وارد مکه شد؛ به طوری که اگر می‌خواست عمره به جا بیاورد وقت وقوف به عرفات می‌گذشت یا خوف داشت که بگذرد، باید عدول کند به حج افراد و پس از به جا آوردن آن^۱ عمره مفرده به جا آورد و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است.^۲

[۹۲۲] م - اگر زنی احرام بست و وقتی به مکه وارد شد، به واسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف به جا آورد و اگر می‌خواست بماند تا پاک شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد، به دستوری که در مسئله قبل گفته شد باید عمل کند.^۳

۱. آیه الله زنجانی؛ و گذشتن روز سیزدهم، عمره مفرده به جا آورد و مجزی از حجة الاسلام است.
۲. آیه الله خامنه‌ای؛ کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است و می‌داند که به علت تنگی وقت نمی‌تواند عمره را تمام کند و حج را درک نماید، واجب است از حج تمتع به حج افراد عدول کند و سپس بعد از تمام کردن اعمال حج، عمره مفرده به جا آورد.
۳. به مسئله ۲۲۱ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی؛ چنانچه حیض قبل از بستن احرام یا هنگام احرام بستن بود، به دستوری که در مسئله قبل گفته شد باید عمل کند و اگر بعد از احرام بود مخیر است بین اینکه به دستور مسئله قبل عمل کند و بین اینکه سعی و تقصیر کند و برای حج احرام ببندد و پس از برگشتن از منا، قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند. ←

[۹۲۳] م - اگر بدون احرام وارد مکه شد و نبستن احرام به واسطه عذری بوده و وقت هم تنگ باشد، باید در مکه احرام حج افراد ببندد و به دستور سابق عمل کند.^۱

[۹۲۴] م - اگر از روی عمد و بی جهت احرام نبسته و عمره خود را باطل کرده و وقت تنگ شده از عمره تمتع، احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس

→ **آیه الله خامنه‌ای:** اگر در موقع احرام پاک بوده هم می‌تواند به دستور مسئله قبل عمل نماید و هم می‌تواند سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام داده و از احرام خارج شود و بعداً مُحْرَم به احرام حج تمتع شده و بعد از انجام اعمال منا، قضای طواف عمره تمتع و نماز آن را قبل از طواف و نماز و سعی حج و یا بعد از آنها به جا آورد.

آیه الله زنجانی: باید به دستوری که در ذیل مسئله ۱۷۴ گفته شد عمل کند.

آیه الله سیستانی: در فرض مسئله اگر در حال احرام حائض بوده است، حشش بدل به افراد می‌شود و در صورت تمکن باید بعد از حج عمره مفرده انجام دهد و اگر بعد از احرام حائض شده است احتیاط مستحب این است که عدول کند ولی می‌تواند به احرام خود باقی باشد و سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از اعمال منا، قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

۱. **آیه الله بهجت:** اگر ممکن نباشد غیر مکه والا احتیاط در رعایت احتمالات در محل احرام اوست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: نمی‌تواند عدول به حج افراد یا قران نماید؛ بلکه اگر حج در ذمه‌اش مستقر بوده، باید حج تمتع خود را در سال‌های آینده انجام دهد.

آیه الله زنجانی: باید از خارج حرم و اگر نمی‌تواند هر کجا که هست احرام حج افراد ببندد و پس از انجام حج و گذشتن روز سیزدهم عمره مفرده به جا آورد و مجزی از حجة الاسلام است.

آیه الله سبحانی: و یا با احرام اشتباه و باطل وارد مکه شود و وقت تنگ باشد باید به ادنی الحل برود و برای حج افراد محرم گردد و اگر این کار را نیز نتوانست انجام دهد از همان مکه به عنوان حج افراد محرم شده و برای وقوف به عرفات برود و حج او به عنوان حجة الاسلام محسوب می‌گردد؛ ولی اگر بدون عذر یا عمد این کار را کرد باید به احتیاط واجب حج افراد به جا آورد و آن از حجة الاسلام او کفایت نمی‌کند و باید حج خود را در سال‌های بعد بیاورد.

آیه الله سیستانی: کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است، اگر قبل از احرام عمره بفهمد که وقت او برای اتمام عمره قبل از زوال روز عرفه تنگ است، نمی‌تواند عدول به حج افراد یا قران نماید، بلکه اگر حج در ذمه‌اش مستقر بوده، باید حج تمتع خود را در سال‌های آینده انجام دهد.

آیه الله صافی: اگر متمکن نیست که به میقات برگردد، هر چند ادنی الحل باشد، باید هر کجا هست محرم شود به احرام حج افراد.

از آن عمره مفرده و در سال دیگر حج را اعاده کند.^۱

[۹۲۵] م - مراد از تنگی وقت در مسئله‌های پیش، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است^۲ که از ظهر نهم ماه ذی‌حجه است تا غروب.

[۹۲۶] م - کسی که حج مستحب به جا می‌آورد و پس از ورود به مکه دید وقت تنگ است، عدول به افراد کند و حج افراد به جا آورد^۳ و عمره مفرده بر او واجب نیست.

[۹۲۷] م - کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع از حج واجب و عمداً تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد، باید به دستوری که در مسئله ۹۲۴ ذکر شد عمل نماید.^۴

۱. رجوع شود به ذیل مسئله ۲۵۴ و ۵۳۳.

- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** حکم آن مانند مسئله قبل است و در این صورت حج بر او مستقر است و باید در آینده انجام دهد.
- آیه الله خامنه‌ای:** هرگاه کسی از روی علم و عمد احرام بستن از میقات را ترک کند و به جهت تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند به میقات برگردد و میقات دیگری نیز در پیش رو نداشته باشد و در نتیجه وقت برای انجام عمره تنگ شود، عمره او فوت شده و حجتش باطل می‌شود. و در صورتی که حج بر او مستقر شده یا مستطیع باشد، باید سال دیگر حج به جا آورد.
- آیه الله زنجانی:** می‌تواند حج افراد و عمره مفرده به جا آورد ولی کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.
- آیه الله سبحانی:** این حج کفایت نمی‌کند و بعید نیست که چنین شخصی حکم کسی را دارد که حج بر او مستقر شده بنابراین اگر از استطاعت هم خارج شده باشد باید در اولین فرصت حج تمتع به جا آورد و اگر از دنیا رفت از ترکه او برایش حج انجام دهند.
۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی:** میزان در تنگی وقت آن است که نتواند وقوف اختیاری عرفات را، ولو به اندازه مسمای آن درک کند.
- آیه الله زنجانی:** میزان تنگی وقت، آن است که نتواند قبل از غروب روز نهم، در عرفات، وقوف کند.
- آیه الله سیستانی:** حد تنگی وقت آن است که نتواند قبل از زوال روز عرفه اعمال عمره را به اتمام رساند.
- آیه الله فاضل:** درک نکردن جزء رکنی از وقوف اختیاری عرفه می‌باشد.
۳. **آیه الله زنجانی:** و باید پس از حج افراد و گذشتن روز سیزدهم، عمره مفرده به جا آورد.
۴. **آیه الله بهجت:** کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع ولی عمداً به جا آوردن اعمال آن را به تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد، هرچند در ابطال عمره معصیت کرده ولی واجب است نیت حج افراد کند و بعداً عمره مفرده را به جا آورد و در سال آینده حج تمتع به جا آورد بنا بر احوط.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** هرگاه در سعه وقت برای عمره تمتع احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زمانی که نتواند آنها را به جا آورد و حج را درک نماید به تأخیر انداخت، ←

[۹۲۸] م - کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که اگر بخواهد عمره تمتع به جا آورد، به وقوف عرفات نمی‌رسد، می‌تواند از اول مُحرم شود به حج افراد و آن را به جا آورد و پس از آن، عمره مفرده به جا آورد و عملش صحیح است.^۱

استفتائات تبدل حج تمتع به افراد

[۹۲۹] س - کسی قصد بیرون رفتن از مکه را داشت، به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره مفرده مُحرم و وارد مکه شد و عمره مفرده را به جا آورد، بعداً از خارج شدن از مکه منصرف شد، آیا این عمره، از عمره تمتع کفایت می‌کند، یا باید

→ عمره وی باطل است و نمی‌تواند بنا بر اظهار به حج افراد عدول نماید. لکن احوط این است که عدول به افراد نموده و عمره را به قصد اعم از حج افراد یا عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله زنجانی: باید به وظیفه‌ای که در ذیل مسئله ۵۳۳ آمده عمل نماید.

آیه الله سیستانی: هرگاه در سعه وقت برای عمره تمتع احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زوال آفتاب روز عرفه به تأخیر انداخت، عمره وی باطل است، نمی‌تواند به حج افراد عدول نماید، اگرچه احتیاط مستحب این است که اعمال حج افراد را به قصد رجا انجام دهد، بلکه احوط این است که طواف و نماز آن و سعی و حلق یا تقصیر در عمره‌اش را به قصد اعم از حج افراد و عمره مفرده به جا آورد.

۱. **آیه الله بهجت:** در جایی که عمره تمتع به واسطه حیض یا تنگی وقت امکان نداشته باشد، باید از اول، حج افراد را نیت کند.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: به ذیل مسئله ۹۲۳ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: زن حائض اگر اطمینان دارد تا وقت احرام برای حج و درک وقوف عرفات پاک نمی‌شود، یا اگر پاک شود وقت کافی برای انجام عمره تا درک وقوف عرفات را نخواهد داشت، در این صورت باید در همان میقات به حج افراد محرم شود و پس از انجام اعمال حج، عمره مفرده به جا آورد، و عمل وی مجزی از حج تمتع خواهد بود.

آیه الله زنجانی: و در صورتی که در این تأخیر، معذور بوده کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

آیه الله سبحانی، آیه الله نوری: و همچنین اگر زن در میقات علم دارد که نمی‌تواند اعمال تمتع را طهاراً انجام دهد و به وقوف نمی‌رسد باید از اول محرم شود به حج افراد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نمی‌تواند محرم به حج افراد شود.

آیه الله فاضل: جواز احرام بستن او به احرام حج افراد، از همان ابتدای کار مشکل است، بلکه عدم جواز بعید نیست.

برگردد به میقات و برای عمره تمتع مُحرم شود؟

- ج - اگر حج او استحبابی است می تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند^۱ ولی چنانچه حج واجب یا نیابی باشد، جواز تبدیل محل اشکال است.
- [۹۳۰] س - اگر بعد از نیت عمره و احرام، مجدداً برای عمره دیگر مُحرم شود، مثلاً به نیت عمره مفرده مُحرم شده بعداً نیت عمره تمتع کند و تلبیه بگوید، آیا کدام عمره صحیح است؟
- ج - اگر نیت کرده و تلبیه گفته، محرم شده است و تجدید احرام موضوع ندارد و نمی تواند برای نوع دیگر عمره نیت کند^۲ و احرام دوم باطل است.
- [۹۳۱] س - زنی که عادت ماهانه وقتیه و عددیه داشت و مثلاً روز هفتم ماه پاک می شد، همان روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال عمره اش را به جا آورد، روز بعد

۱. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۱۳۲۲ و ۱۸۲ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسی که عمره مفرده را در ماه های حج به جا آورده و اتفاقاً تا وقت حج در مکه باقی مانده، می تواند عمره مفرده خود را عمره تمتع قرار داده و حج را به جا آورد و فرقی در این حکم بین حج واجب و حج مستحبی نیست.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۸۲ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: کسی که عمره مفرده را در ماه های حج به جا آورده و در مکه مانده است تا روز ترویبه (هشتم ذی حجه) و قصد حج دارد، عمره او تمتع محسوب می شود و باید حج تمتع انجام دهد و در این حکم فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کسی که در اشهر حج به نیت عمره مفرده وارد مکه شود، چنانچه عمره مفرده بر او واجب نباشد و همچنین حج استحبابی باشد، می تواند آن را عمره تمتع قرار دهد و بعد از آن حج به جا آورد و لازم می شود او را قربانی حج تمتع.

آیه الله فاضل: اگر احرام او در ماه های حج بوده، در تمامی صور می تواند همان عمره را تبدیل به عمره تمتع کند و در حج نیابی هم اگر عمره را به نیت منوب عنه انجام داده باشد می تواند تبدیل به عمره تمتع کند.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: مشروط به اینکه عمره او در ماه های حج (شوال، و ذی قعدة و ذی حجه) واقع شده باشد.

۲. آیه الله فاضل: با فرض اینکه هر دو عمره در ماه حج و از شخص واحد باشد فقط تمتع واقع می شود.

آیه الله مکارم: ولی می تواند نیت عمره خود را به عمره تمتع برگرداند به شرط اینکه عمره مفرده به نذر و مانند آن بر او واجب نشده باشد.

لک دید، باز غسل کرد و اعمال را انجام داد تا روز دهم و برای عرفات حرکت کرد، روز یازدهم هم لک دید، آیا حجش افراد است یا تمتع؟

ج - در فرض مزبور وظیفه او تمتع است.^۱

[۹۳۲] س - زنی روز هشتم خون دید، خیال کرد حیض است، احرامش را تبدیل به حج افراد کرد، بعد که به عرفات رفت متوجه شد که استحاضه است، وظیفه او چیست؟

ج - اگر وقت عمره ضیق شده و طواف را عمداً تأخیر نینداخته حج افراد را تمام کند^۲ و اگر حج واجب است سپس عمره مفرده به جا آورد.

۱. **آیه الله زنجانی:** اگر هنگام اعمال عمره تمتع در باطن نیز پاک بوده است اعمال عمره تمتع او صحیح است و باید حج تمتع به جا آورد.

آیه الله سیستانی: اگر مجموع آن روزها از ده روز بگذرد، لکهایی که دیده محکوم به استحاضه‌اند و حج تمتع خود را تمام کند و اگر از ده روز نگذرد لکهها محکوم به حیضند و احتیاطاً باید در اوقات پاکی جمع نماید بین احکام طاهر و حائض و به موجب این احتیاط، باید طواف عمره و نمازش را پیش از طواف حج احتیاطاً قضا نماید.

۲. **آیه الله تبریزی:** اگر وقت برگشتن به مکه را داشته باشد، به نحوی که اگر برگردد اعمال عمره تمتع را انجام دهد می‌تواند مسمای وقوف اختیاری عرفات را درک کند، باید برگردد و اعمال عمره تمتع را انجام دهد و اگر وقت نداشته باشد به قصد اعم از حج افراد و عمره مفرده، اعمالش را تمام می‌کند و چنانچه استطاعتش باقی بود یا بعد از این مستطیع شد باید در سال‌های آینده حج به جا آورد.

آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: باید اعمال حج افراد و پس از روز سیزدهم عمره مفرده به جا آورد و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

آیه الله سبحانی: اعمال حج را به نیت تکلیف فعلی تمام کند لیکن به احتیاط واجب در منا قربانی نموده و بعد از اتمام اعمال مکه یک عمره مفرده به جا آورد و اگر این ظن و گمانش به حیض از روی موازین شرعی بوده و در ضیق وقت کشف خلاف شد، و اعمال را آن‌گونه که گفته شد انجام داد از حجة الاسلام کفایت می‌کند ولی اگر اعتقاد او از روی سهل‌انگاری بوده اکتفا به این حج مشکل است و باید در سال یا سال‌های بعد حج تمتع را انجام دهد و اگر فوت کرد از ترکه او استنابه کنند و همچنین است اگر این زن نایب بوده باشد. ←

[۹۳۳] س - اینجانب مدیر گروه حج می‌باشم، اعمال حجی که انجام می‌دهم مستحبی است، آیا می‌شود به جای حج تمتع، نیت حج افراد نمود و به جای عمره تمتع، عمره مفرده انجام داد؟ و همچنین سایر خدمه، واجب الحج نیستند آیا می‌توانند چنین کنند؟

ج - می‌توانند عمره مفرده انجام دهند و برای حج محرم نشوند و می‌توانند حج افراد به جا آورند، ولی میقات حج افراد مواقیات معروفه است.^۱

[۹۳۴] س - کسی که حج افراد بر او واجب و متعین است و به قصد حج افراد در یکی از میقات‌ها محرم شده است، آیا می‌تواند نیت حج افراد خود را به عمره تمتع تبدیل نماید و بعد از انجام آن، حج تمتع به جا آورد و همچنین آیا می‌تواند حج افراد را به عمره مفرده تبدیل نماید و بعد از انجام آن، برای عمره تمتع محرم شود؟

ج - نمی‌تواند عدول کند و تبدیل نمی‌شود.^۲

→ **آیه الله سیستانی:** اگر وقت عمره تنگ باشد، پس اگر اعتقاد او به حیض از روی موازین شرعی باشد؛ مثلاً خونی که دیده در ایام عادتش بوده ولی قبل از سه روز قطع شود، در این صورت احتیاط واجب آن است که اعمال حج افراد را تمام کند و اگر حج در ذمه او مستقر بوده و یا اگر مستقر نبوده بعداً مستطیع شود، احتیاطاً باید دوباره حج نماید ولی اگر مستقر نبوده و مستطیع هم نشود، چیزی بر او نیست و اگر اعتقاد او به حیض از روی موازین شرعی نبوده، حج و احرام او باطل است و باید اعاده نماید.

۱. **آیه الله زنجانی:** و این در صورتی است که از مواقیات پنج‌گانه یا نزدیکی آن می‌گذرند.

آیه الله سیستانی: و لازم نیست بعد از آن عمره مفرده انجام دهد.

آیه الله مکارم: و انجام عمره مفرده بر آنها واجب نیست هرگاه حج تمتع واجب را قبلاً انجام داده باشد.

۲. **آیه الله بهجت:** جواز عدول مورد تأمل است.

آیه الله سبحانی: عدول صحیح نیست مگر در موردی که قبل از ضیق وقت کشف خلاف شود مثل زن حائض که یقین داشت به جهت حیض نمی‌تواند اعمال عمره را انجام دهد ولی پس از نیت حج افراد پاک شد در این صورت لازم است عدول به عمره تمتع کند؛ ولی شایسته است این افراد در میقات نیت احرام به عنوان تکلیف فعلی و واقعی بکنند و محرم شوند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: تبدیل حج افراد به عمره مفرده جایز نیست و اما در تبدیل حج افراد به عمره تمتع، اگر اول حج افراد بر او متعین بود و بعد کشف خلاف شد (مانند زن حائض که چون یقین داشت برای عمره تمتع پاک نیست به قصد حج افراد محرم شد و اتفاقاً در مکه بر خلاف عادت پاک بود) لازم است از حج افراد عدول به عمره تمتع کند و بعد از انجام آن حج تمتع به جا آورد و اما کسی که حج افراد هم از او صحیح است مختار است که عدول نماید به تمتع یا حج افراد را تمام کند.

[۹۳۵] س - شخصی با احرام عمره تمتع وارد مکه شده و بعد از اعمال عمره، برای حج افراد محرم شده است، آیا حج او صحیح است؟^۱

ج - اگر از مکه خارج شده^۲ و از میقات برای حج افراد محرم شده بعید نیست صحت حج،^۳ ولی تمتع واقع نمی‌شود و اگر از مکه محرم شده، در صورت اشتباه در تطبیق، حج او صحیح و تمتع است، و در غیر این صورت حج او صحیح نیست.

[۹۳۶] س - شخصی^۴ در حرم برای حج افراد محرم شده و بعضی از اعمال را انجام داده، وظیفه او چیست؟

ج - اگر از روی جهل بوده، چنانچه ممکن نیست که به میقات برود و از آنجا محرم شود و به وقوف برسد، در همان محلی که هست محرم شود^۵ و اعمالی که امکان تدارک آن با احرام هست تدارک کند و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده و بعد متوجه شده، حج او صحیح است.^۶

۱. آیه الله بهجت: بلی و قصد افراد لغو بوده است.

۲. آیه الله زنجانی: اگر بدون عذر از مکه و حوالی آن خارج شده عمره تمتعش را باطل کرده، و احرام حج افرادش صحیح است و اگر از مکه محرم شده، در صورت...

آیه الله نوری: کسی که حج واجب ندارد، اگر از مکه خارج شده...

۳. آیه الله سبحانی: وظیفه نائی حج تمتع است و نمی‌تواند اختیاراً و عمداً وظیفه خود را تغییر دهد مگر اینکه حج واجب در ذمه‌اش نباشد و بخواهد حج افراد مستحبی انجام دهد که باید برای عمره قبلی هم احتیاطاً طواف نساء و نماز آن را انجام دهد. لیکن اگر از باب خطا و سهو در میقات برای افراد محرم شده و بعداً اگر در اثنای عمل و حتی تا مشعر اگر به یاد آورد بگوید: «اللَّهُمَّ عَلَي كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ» و محرم به احرام حج شود و اگر بعد از اتمام اعمال فهمید بعید نیست که حج او صحیح باشد.

آیه الله سیستانی: عدول جایز نیست ولی اگر از باب اشتباه در تطبیق باشد اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: صحت حج او خالی از اشکال نیست.

۴. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: شخصی نائی.

۵. آیات عظام زنجانی، سیستانی، مکارم: و اگر می‌تواند، به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود.

۶. به مسئله ۹۴۷ و ۹۴۸ مراجعه شود.

بخش دوم: اعمال حج تمتع

فصل اول: احرام حج

[۹۳۷] م - واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، احرام ببندد برای حج تمتع.

[۹۳۸] م - اگر نیت کند حج تمتع را و لبیک‌های واجب را به طوری که در احرام عمره ذکر شد بگوید، محرم می‌شود و لازم نیست قصد کند احرام بستن را و همچنین لازم نیست قصد کند ترک محرمات را، چنان‌که در احرام عمره گذشت.^۱

[۹۳۹] م - نیت باید خالص برای اطاعت خداوند باشد^۲ و ریا موجب بطلان عمل است.

[۹۴۰] م - کیفیت احرام بستن و لبیک گفتن همان نحو است که در احرام عمره ذکر شد.

[۹۴۱] م - تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد، در این احرام هم حرام است و آنچه کفاره داشت کفاره دارد، به همان ترتیب.

[۹۴۲] م - وقت احرام موسّع است و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف

۱. به ذیل مسئله ۲۵۱ مراجعه شود.

۲. آیه الله سیستانی: به مسئله ۵۴۰ رجوع شود.

اختیاری عرفه برسد، می‌تواند تأخیر بیندازد و از آن وقت نمی‌تواند عقب بیندازد.^۱

[۹۴۳] م - احتیاط واجب آن است که کسی که از عمره تمتع فارغ شد و مُحَلِّ گردید، از مکه خارج نشود بدون حاجت^۲ و اگر حاجتی برای بیرون رفتن پیش آمد، احتیاط واجب آن است که محرم شود به احرام حج و بیرون رود و به همان احرام برای اعمال حج برگردد.

[۹۴۴] م - اگر بدون حاجت و بدون احرام بیرون رفت از مکه، لیکن برگشت و احرام بست و حج به جا آورد، عملش صحیح است.^۳

۱. **آیه الله زنجانی:** بنابراین تأخیر احرام تا وقتی که بتواند مقداری قبل از غروب روز نهم در عرفات، وقوف کند جایز است.
- آیه الله سیستانی:** کسی که می‌تواند وقوف اختیاری عرفه را درک کند، جایز نیست احرام را از وقت مذکور تأخیر بیندازد.
۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۹۱۰ گذشت.
۳. **آیه الله بهجت:** اگر خارج از حرم و مکه و میقات شد و عود نمود در غیر ماه احرام اولی، پس محتاج به احرام عمره است و عمره ثانیه را عمره تمتع قرار می‌دهد و لازمه آن، عدم ترتب حکم متمتع بها بر عمره سابقه است و احتیاج آن به طواف نساء موافق با احتیاط است.
- آیه الله تبریزی:** اگر از میقات گذشته و در ماهی که عمره را انجام داده بود برگشته باشد، باید دوباره محرم شود و عمره را به جا آورد و همان عمره تمتع او محسوب می‌شود و برای عمره سابق احتیاطاً طواف نساء به جا آورد.
- آیه الله خامنه‌ای:** اگر بعد از انجام عمره تمتع از شهر مکه بدون احرام خارج شود، پس اگر در همان ماهی که عمره انجام داده به مکه برگردد، نیاز به تجدید احرام برای ورود به شهر مکه ندارد، ولی اگر در ماه بعد از ماه انجام عمره به مکه برگردد، مثل اینکه عمره را در ذی‌قعدة انجام دهد و خارج شود، و در ماه ذی‌حجه به مکه برگردد و یا در ذی‌قعدة عمره انجام دهد و ذی‌الحجه خارج شده و مجدداً برگردد واجب است با احرام جدید برای عمره جهت دخول مکه مُحَرَّم شود، و عمره تمتع وی که متصل به حج می‌شود همین عمره تمتع دوم خواهد بود. و اگر مجدداً محرم نشود و عمره دوم را انجام ندهد حج تمتع وی صحیح نیست و احرام عمره تمتع جدید باید از یکی از مواقیع خمسسه باشد.
- آیه الله خویی:** اگر از میقات‌ها گذشت و در ماهی که عمره را انجام داده بوده برگشته باشد، اعاده عمره لازم است، ولی اگر قبل از گذشت ماهی که عمره را انجام داده باشد اعاده عمره لازم نیست.
- آیه الله زنجانی:** چون بدون نیاز و عذر از مکه و حوالی آن خارج شده عمره تمتع باطل می‌شود. ←

[۹۴۵] م - مستحب است احرام بستن در روز ترویبه بلکه احوط است.^۱

[۹۴۶] م - محل احرام حج، شهر مکه است^۲ هر موضع که باشد، گرچه در

→ **آیه الله سبحانی:** اگر در غیر ماهی که عمره انجام داده برگردد باید با احرام جدید وارد شود و عمره دوم او عمره تمتع است و محتمل است که عمره اول او به عمره دوم تبدیل شده باشد بنابراین احتیاطاً طواف نساء با نماز آن را به عنوان ما فی الذمه بیاورد.

آیه الله سیستانی: اگر در ماه بعد وارد شود و دوباره نخواهد بیرون برود و در ماه بعد از آن وارد شود، باید با عمره تمتع وارد شود و اگر باز هم بخواهد خارج شود و در ماه بعد وارد شود، باید با عمره مفرده وارد شود؛ مانند اینکه در ماه شوال عمره تمتع انجام داده و خارج شده و در ماه ذی قعدة وارد شده و باز هم می خواهد خارج شود و ماه ذی حجه وارد شود در این صورت عمره ماه ذی قعدة او باید عمره مفرده باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر در همان ماهی که محرم به عمره تمتع شده و عمره را انجام داده از مکه بیرون رفتند و در همان ماه برگشتند، احرام لازم نیست و اگر یک ماه فاصله شده، باید مجدداً برای عمره تمتع محرم شود و عمره اولی، مفرده می شود و اگر یک ماه فاصله نشده، ولی در غیر ماهی که محرم به عمره تمتع شده بود، دوباره به مکه وارد می شود، احتیاطاً برای عمره تمتع دوباره محرم شود.

آیه الله فاضل: مگر آنکه در ماه بعد وارد مکه شود، که در این صورت باید مجدداً عمره تمتع به جا آورد و بعد محرم به احرام حج تمتع بشود و عمره اول فاسد شده است، و اگر مجدداً محرم نشود حج تمتع او نیز باطل می شود.

آیه الله مکارم: اگر در همان ماه قمری برگردد چیزی بر او نیست ولی اگر در ماه بعد برگردد و از میقات هم گذشته باشد (مثلاً در ذی قعدة به مدینه رفت و در ذی حجه برگشت) باید دوباره محرم شود و عمره به جا آورد و همان عمره تمتع او حساب می شود و برای عمره سابق احتیاطاً طواف نساء به جا آورد.

۱. **آیه الله خامنه ای:** بهترین زمان احرام بستن، هنگام زوال (ظهر) روز ترویبه (هشتم ذی حجه) است.

آیه الله زنجانی: بلکه احوط استحبابی آن است که از روز ترویبه به تأخیر نیندازد.

آیه الله صافی: و پیش از روز ترویبه نیز احرام بستن جایز است و احتیاط آن است که بیشتر از سه روز پیش از ترویبه احرام نبندد؛ چنان که احتیاط آن است که اگر محرم شده، پیش از روز ترویبه از مکه خارج نشود.

۲. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی:** بنا بر احتیاط احرام حج باید از مکه قدیم باشد.

آیه الله خامنه ای: میقات احرام حج تمتع، مکه مکرمه است، و بهتر آن است که برای حج تمتع از مسجدالحرام مُحرم شود، و مُحرم شدن در همه جای مکه، حتی بافت جدید شهر، صحیح است، اما احوط آن است که در مناطق قدیمی آن مُحرم شود، و در صورتی که شک کند که محلی جزء شهر است یا نه، مُحرم شدن در آن محل صحیح نیست.

آیه الله سبحانی: از نقاطی از شهر مکه که به علت توسعه خارج حرم واقع شده، نباید احرام ببندد. ←

محلله‌های تازه‌ساز، ولی مستحب است در مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام واقع شود.^۱

[۹۴۷] م - اگر فراموش کند احرام بستن را و بیرون رود به منا و عرفات، واجب است برگردد به مکه و احرام ببندد و اگر ممکن نشد به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر، از همان جا که هست مُحرَم شود.^۲

[۹۴۸] م - اگر یادش نیاید که احرام نبسته، مگر بعد از تمامی اعمال، حجش صحیح است ظاهراً و احتیاط مستحب آن است که اگر یادش آمد، بعد از وقوف به عرفات و

→ **آیه الله سیستانی:** و احوط و اولی احرام بستن از مکه قدیم است که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است، اگرچه اظهر جواز احرام بستن از قسمت‌های جدید شهر است، مگر قسمت‌هایی که بیرون حرم باشد.
آیه الله مکارم: ولی از بیرون حرم (مانند مناطقی که بعد از مسجد تعیم است و اکنون جزو مکه شده) خالی از اشکال نیست.

۱. **آیه الله فاضل، آیه الله نوری:** در مسجد یا در مقام ابراهیم.

آیه الله مکارم: مستحب است در مسجدالحرام احرام ببندد.

۲. **آیه الله زنجانی:** و همچنین است اگر برگشتن به مکه برایش مشقت داشته باشد؛ البته این در صورتی است که به عرفات نرسیده باشد، اما اگر در عرفات یادش بیاید می‌تواند در همان جا محرم شود و باید قبل یا بعد از تلبیه بگوید: «اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ» و احتیاط مستحب آن است که در این صورت نیز اگر می‌تواند به مکه برگردد و از آنجا محرم شود و اگر بعد از عرفات و قبل از حلق یا تقصیر نیز یادش بیاید همین‌گونه عمل کند و اگر بعد از حلق و تقصیر بفهمد حجش بی‌تردید صحیح است و این حج در تمام صورت‌ها کفایت از حجة الاسلام می‌کند مگر صورت سوم (که بعد از عرفات یادش بیاید) که کفایت نمی‌کند.

آیه الله سبحانی: اگر بازگشت غیر ممکن یا حرجی باشد در همان نقطه‌ای که متوجه شد محرم می‌شود اگرچه آن نقطه عرفات باشد و پس از لبیک بگوید «اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ» و اگر در مشعر به خاطر آورد، در همان جا محرم می‌شود و خوب است جمله یاد شده را نیز بگوید. حکم خروج بدون احرام از روی ندانستن مسئله نیز همین است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط آن است که هر قدر می‌تواند برگردد و اگر نتوانست برگردد واجب است از همان جا که هست محرم شود.

آیه الله مکارم: در عرفات یا مشعر یا منا، قبل از رمی جمرات و ذبح، ولی اگر بعد از آن متوجه شود وقت احرام گذشته و حجش صحیح است.

مشعر یا قبل از فارغ شدن از اعمال^۱، تمام کند حج را و در سال بعد اعاده کند^۲.
 [۹۴۹] م - جاهل به مسئله اگر احرام نیندد، در حکم کسی است که به واسطه فراموشی احرام نبسته^۳.
 [۹۵۰] م - اگر کسی از روی علم و عمد ترک کند احرام را تا زمان فوت و قوف به عرفه و مشعر، حج او باطل است^۴.

استفتانات احرام حج

[۹۵۱] س - فاصله بعضی از محلات جدید الاحداث مکه تا مسجدالحرام بیش از ۱۸ کیلومتر است و شاید عرفاً از «توابع» مکه حساب شوند نه اینکه «جزو» مکه باشند؛ چرا که تابلوهای راهنمایی با فلش، جهت مکه را مشخص نموده‌اند، با این کیفیت آیا می‌توان برای حج در محلات فوق الذکر محرم شد؟

۱. آیه الله بهجت، آیه الله نوری: احرام ببندد و تمام کند حج را.
 آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر بعد از وقوف به عرفات یادش بیاید یا حکم را یاد بگیرد، باید از جایی که هست احرام ببندد، هر چند متمکن از بازگشت به مکه و احرام از مکه باشد.
 آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.
- آیه الله سبحانی، آیه الله فاضل: فوراً همان جا محرم شود و حج را تمام کند و احتیاط مستحب آن است که سال آینده دوباره به جا آورد.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: فوراً همان جا محرم شود و حج را تمام کند و احتیاط آن است که سال آینده دوباره به جا آورد، اگرچه بعید نیست جواز اکتفا به حج اول.
۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و در صورتی که یادش نیامد و یا حکم را نداند تا بعد از فارغ شدن از اعمال حج، حجتش صحیح است.
۳. آیه الله زنجانی: جاهل به مسئله مانند دو مسئله قبل عمل کند، ولی این حج، کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.
۴. آیه الله زنجانی: اگر از روی علم و عمد، احرام حج را ترک کند تا وقتی که نتواند محرم شده و قبل از غروب روز نهم، عرفات را درک کند حجتش باطل است.
- آیه الله سیستانی: اگر ترک کند احرام را از روی علم و عمد تا زمان فوت و قوف اختیاری عرفات، حجتش باطل است و اگر به مقدار رکن درک کند، حجتش صحیح است گرچه گناه کرده است.

ج - اگر از محلات مکه است مانع ندارد^۱ و اگر از محلات آن نیست یا مورد شک است کفایت نمی‌کند.

[۹۵۲] س - اشخاص معذوری که می‌توانند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدانند، اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام دادند، چه صورتی دارد؟
ج - کفایت نمی‌کند^۲ و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کنند یا بعد از وقوفین و اعمال آنها را به جا آورند.

[۹۵۳] س - حاجی در عرفات یا منا فهمید که در احرام حج، تلبیه نگفته است، آیا در لحظه التفات، تلبیه کافی است و تکلیف او چیست؟

ج - اگر می‌تواند به مکه برود و محرم شود و بقیه اعمال را - که باید با احرام انجام دهد - به جا آورد، باید چنین کند و اگر ممکن نیست، همان جا لبیک بگوید و اگر بعد از تقصیر یا حلق متذکر شده، عملش صحیح است و لازم نیست لبیک بگوید.^۳

[۹۵۴] س - شهر مکه را چند رشته کوه‌های طولانی و مرتفع فرا گرفته و هر دو جانب کوه ساختمان شده است، گاهی چند کیلومتر باید از اینجانب کوه رفت تا به جانب دیگر رسید و ساکنین احد الجانین، جدای از جانب دیگرند؛ مثل شعب بنی‌عامر که نزدیک مسجدالحرام است و عزیزیه که ۹ کیلومتر یا بیشتر در جانب دیگر است و به حسب مسامحه عرفی، به همه این قطعات مکه گفته می‌شود، آیا احرام حج تمتع از تمام این نقاط و نقاط مشابه صحیح است یا نه؟

ج - اگر در مکه است، احرام حج از آنجا صحیح است، هر چند از ساختمان‌های جدید الإحداث باشد.^۴

۱. به ذیل مسئله ۹۴۶ مراجعه شود.

۲. آیه الله بهجت: به آن اکتفا نکند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی را اعاده کند.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۳. به ذیل مسئله ۹۴۷ و ۹۴۸ مراجعه شود.

۴. به ذیل مسئله ۹۴۶ مراجعه شود.

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات^۱

[۹۵۵] م - اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید و چون متوجه منا شود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أُمَّلِي وَأُصْلِحْ لِي عَمَلِي».

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منا رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَاقِبَةِ وَبَلِّغْنِي هَذَا الْمَكَانَ».

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هِدْهُ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ».

و مستحب است^۲ شب عرفه را در منا بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت^۳ آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه^۴ است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

۱. آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجا به جا آورد.

۲. آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در حال حاضر ممکن نیست یا مشکل است، بنابراین نباید اصراری بر آن داشته باشد و در دسر برای خود و دیگران ایجاد کند، هرگاه نیتش انجام آن باشد خداوند به فضل خود به او ثواب می‌دهد.

۳. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: بلکه احوط.

۴. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بلکه خلاف احتیاط است مگر از جهت ضرورتی مثل بیمار و یا خائف از ازدحام.

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

فصل دوم: وقوف به عرفات

- [۹۵۶] م - واجب است وقوف به عرفات - که محلی است معروف و محدود است به حدود معروفه^۱ - به قصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.
- [۹۵۷] م - مراد از وقوف، بودن در آن مکان است؛ چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.
- [۹۵۸] م - اگر در تمام وقت بی هوش باشد یا خواب و قوف او باطل است.^۲

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** و محدوده آن از درّه غرنه و ثویبه و نمره تا ذی‌مجاز؛ و از دو «مأزم» تا آخرین حد موقوف است و این محدوده‌ها خارج از عرفات قرار دارند.

۲. **آیه الله تبریزی:** اگر قبل از خواب قصد وقوف کرده، ولو در هنگام وقوف خواب باشد، مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: مگر آنکه قبل از زمان وقوف، نیت وقوف کرده باشد درحالی که احتمال می‌داده، تمام مدت وقوف به خواب برود یا بی‌هوش باشد.

آیه الله سبحانی: باید دقایقی پیش از نیت وقوف بیدار باشد، بنابراین تمام وقت بدون نیت و یا بدون دقایقی بیداری، بی‌هوش یا خواب باشد وقوف باطل است.

آیه الله سیستانی: اگر در اول وقت وقوف مثلاً آن را قصد کند و بعد از آن بخوابد یا بی‌هوش شود، تا آخر وقت کفایت می‌کند و اگر بدون اینکه قصد وقوف کرده باشد در تمام وقت در حال خواب یا بی‌هوش باشد وقوف از او حاصل نشده است و اما اگر قبل از وقت قصد وقوف کرده ولی در تمام وقت خواب یا بی‌هوش باشد، کفایت این وقوف محل اشکال است. ←

[۹۵۹] م - به احتیاط واجب لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال^۱ روز نهم تا غروب شرعی^۲ که وقت نماز مغرب است، پس جایز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

[۹۶۰] م - تأخیر انداختن از اول ظهر اگر کم باشد مثلاً به مقدار نماز ظهر و عصر که جمع بین آنها کند، معلوم نیست حرام باشد^۳، ولی احتیاط آن است که تأخیر نیندازد.^۴

→ **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** ولی اگر پیش از وقت در عرفات باشد و قصد وقوف کند و به همین قصد بخواهد و اتفاقاً در تمام وقت بیدار نشود صحت وقوف او بعید نیست و اگر بعد از قصد وقوف و دخول وقت بخواهد ضرر ندارد و وقوف او صحیح است.

آیه الله مکارم: هرگاه قبلاً به عرفات آمده و نیت کرده باشد صحیح است.

آیه الله نوری: بدون آنکه قبلاً قصد وقوف کرده باشد خواب باشد، وقوف او باطل است.

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** وقوف در عرفات برای شخص مختار بنا بر احتیاط از اول ظهر روز نهم ذی حجه تا غروب است، و اظهر این است که می‌تواند تا یک ساعت بعد از ظهر وقوف را تأخیر نماید.

آیه الله خامنه‌ای: جواز تأخیر از اول وقت، به اندازه خواندن نماز ظهر و عصر (به صورت جمع) و مقدمات آن، بعید نیست

آیه الله زنجانی: تأخیر وقوف، از اول زوال به مقدار ادای نماز ظهر و عصر، بدون تردید جایز است، بلکه تأخیر آن تا قبل از غروب، به مقدار مسمای عرفی وقوف، جایز می‌باشد، هر چند خلاف احتیاط استحبابی است و منظور از غروب در این مسئله، زوال حمزه مشرقیه است.

آیه الله سبحانی: فقط می‌تواند به مقدار ادای نماز ظهر و عصر و انجام مقدمات آن در منطقه نمره که فعلاً مسجد نمره در آنجاست و خارج از عرفات می‌باشد بماند و به این مقدار وقوف را به تأخیر بیندازد.

آیه الله سیستانی: واجب بودن وقوف از اول ظهر مبنی بر احتیاط است و اظهر این است که جایز است آن را از اول ظهر به مقدار انجام یک غسل و خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم به تأخیر اندازد.

۲. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، مکارم:** تا غروب آفتاب.

آیه الله سیستانی: با شک در سقوط قرص، غروب شرعی (زوال حمزه مشرقیه) و در صورت اطمینان به سقوط قرص خورشید بنا بر احتیاط واجب غروب شرعی (زوال حمزه مشرقیه) است.

۳. به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

۴. **آیه الله بهجت:** این احتیاط لزومی است.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: این احتیاط ترک نشود.

[۹۶۱] م - بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب^۱ گرچه واجب است چنانچه گذشت لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج او صحیح است اگرچه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

[۹۶۲] م - آنچه در وقوف رکن است مسمای وقوف است به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هرچند خیلی کم باشد مثل یک دقیقه یا دو دقیقه^۲ پس اگر هیچ به عرفات نرود رکن را ترک کرده.

[۹۶۳] م - اگر از روی عمد و علم^۳، وقوف رکنی را ترک کند یعنی در هیچ جزء از بعد از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد حجتش باطل است، و کفایت نمی‌کند برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است.

[۹۶۴] م - اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند چیزی بر او نیست بنا بر اقوی^۴، لکن احتیاط در کفاره است به یک شتر، و همچنین اگر بدون آنکه

۱. **آیه الله زنجانی:** گذشت که بیش از مسمای وقوف، واجب نیست، لکن بعد از حضور در عرفات نمی‌تواند قبل از غروب، از عرفات کوچ کند، و اگر کوچ کند به تفصیلی که در مسائل بعد می‌آید کفاره دارد؛ ولی حجتش باطل نمی‌شود.

۲. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** به قدری که عرفاً بگویند در عرفات توقف کرده است.

آیه الله مکارم: بهتر است به این مقدار قناعت نکند.

۳. **آیه الله زنجانی:** اگر بدون عذری مانند فراموشی و ضیق وقت وقوف رکنی را ترک کند ...

آیه الله سبحانی: و با این فرض اگر تمام وقوف‌های اضطراری لیلی عرفات و اختیاری مشعر و یا اضطراری لیلی آن را درک کند حج او باطل است و احرام او به عمره مفرده بدل می‌شود و اگر حج بر او مستقر بوده و یا سال اول استطاعت او بوده فرقی نمی‌کند باید در سال بعد حج را انجام دهد.

آیه الله سیستانی: یا چهل تقصیری.

۴. **آیه الله بهجت:** احوط ثبوت کفاره است در صورت برگشتن نیز.

آیه الله نوری: احوط کفاره یک شتر است.

پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند چیزی بر او نیست.^۱

[۹۶۵] م - اگر در فرض سابق مراجعت نکرد کفاره آن یک شتر است که باید در راه خدا قربانی کند هر جا بخواهد^۲، و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند، و اگر متمکن از قربانی نباشد هیجده روز روزه بگیرد^۳، و احتیاط مستحب^۴ آن است که پشت سر هم روزه بگیرد.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: در صورتی که پشیمان شده و برگردد چیزی بر او نیست.

آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: بیرون رفتن از عرفات قبل از غروب از روی عمد حرام است، ولی حج را باطل نمی‌کند و در صورت مراجعت کفاره ندارد.

آیه الله زنجانی: بر کسی که از عرفات بیرون رفته واجب است برگردد؛ ولی اگر برگشت حج او باطل نمی‌شود و اگر برگشت (برای پشیمانی یا به جهت دیگر) کفاره ندارد، هر چند بعد از مراجعت در وقوفش تا غروب قصد وقوف یا قصد قربت نکند.

۲. آیه الله بهجت: ظاهر این است که در منا باید نحر کند در روز عید.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، صافی، گلپایگانی: باید در منا شتر را قربانی کند.

آیه الله خامنه‌ای: بعید نیست عدم تعیین ذبح در منا، اگرچه احتیاط ذبح در منا است و بنا بر احتیاط واجب ذبح باید روز عید باشد.

آیه الله سیستانی: باید در روز عید قربان و احوط آن است که در منا بکشد نه در مکه.

آیه الله فاضل: طبق ذیل مسئله ۵۱۴ عمل شود.

آیه الله مکارم: در منا و احتیاطاً در روز عید باشد.

آیه الله نوری: در راه خدا در روز عید قربانی کند.

۳. آیه الله سبحانی: و این روزه را می‌تواند در مکه یا پس از بازگشت از مکه بگیرد.

آیه الله سیستانی: و می‌تواند روزه را در مکه یا در راه یا پس از بازگشت به وطن بگیرد.

۴. آیه الله بهجت، اظهر عدم وجوب توالی است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط...

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب است.

آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله نوری: احتیاط واجب.

[۹۶۶] م - اگر سهواً کوچ کرد و بیرون رفت، پس اگر یادش آمد باید مراجعت کند و اگر مراجعت نکرد گناهکار است، لکن کفاره ندارد بنا بر اقوی،^۱ گرچه احوط است و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

[۹۶۷] م - اگر کسی از روی ندانستن مسئله، آنچه ذکر شد بکند، حکم او حکم کسی است که سهواً کرده است.^۲

[۹۶۸] م - اگر کسی به واسطه عذری، مثل فراموشی و تنگی وقت و مثل آن^۳، از ظهر نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درک نکند، کافی است که مقداری از شب^۴ عید را هرچند اندک باشد در عرفات باشد^۵ و این زمان را وقت اضطراری عرفه می‌گویند.

[۹۶۹] م - اگر کسی که به واسطه عذر، روز نهم را وقوف نکرده و شب دهم را عمدتاً و بی عذر در عرفات وقوف نکند، ظاهراً حج او باطل می‌شود،^۶ اگرچه درک کند

۱. آیه الله بهجت: اگر مراجعت نکرد در حکم عامد است علی الأحوط.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسی که از روی فراموشی و یا ندانستن حکم کوچ کند حکم آن حکم عامد است؛ یعنی اگر پس از به یاد آمدن و یا دانستن حکم برنگشت، بنا بر احتیاط باید یک شتر کفاره دهد.

آیه الله سبحانی: بنا بر احتیاط باید یک شتر قربانی کند.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط باید کفاره بدهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط کفاره بدهد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط کفاره دارد.

آیه الله نوری: لکن کفاره دارد بنا بر اقوی.

۲. نظر آیات عظام در مسئله قبل گذشت.

۳. آیه الله سیستانی: و همچنین جاهل قاصر.

آیه الله فاضل: مثل جهل به موضوع یا حکم یا مرضی یا شدت گرما و سرما.

۴. آیه الله زنجانی: و شب در این مسئله، از زوال حمزه مشرقیه تا طلوع فجر است.

۵. آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: و اگر خوف این باشد که با درک وقوف اضطراری عرفه، وقوف مشعر

قبل از طلوع آفتاب از او فوت بشود واجب است اکتفا کند به وقوف مشعر و حشش صحیح است.

۶. آیه الله بهجت: موجب بطلان حج است تعمد ترک وقوف اضطراری عرفه، که از شب عید تا طلوع فجر است، علی الأحوط.

وقوف به مشعر را.

[۹۷۰] م - اگر کسی به واسطه فراموشی یا غفلت یا عذر دیگر ترک کند وقوف به عرفات را در روز نهم، که وقت اختیاری است و در شب دهم که وقت اضطراری است، کفایت می‌کند در صحیح بودن حج او که وقوف اختیاری مشعر را درک کند چنانچه خواهد آمد.^۱

استفتائات وقوف به عرفات

[۹۷۱] س - حدودی که برای عرفات و مُزدکفه و منا مشخص شده است جهت انجام مناسک، اعتبار دارد یا نه؟

ج - چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است.^۲

[۹۷۲] س - کراهِت صعود به جبل‌الرحمة، آیا قبل از نیت وقوف به عرفات است یا بعد از آن؟

ج - در وقت وقوف کراهِت دارد که از جبل بالا رود.^۳

[۹۷۳] س - شخصی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده و قبل از رفتن به مشعر، مُغمی^۱ علیه شده است، بفرمایید اگر به همین حال تا آخر اعمال باقی باشد وظیفه‌اش

۱. آیات عظام تبریزی، خوبی، زنجانی: حکم آن بعداً خواهد آمد.

۲. آیه الله سیستانی: اگر این حدود دست به دست از قدیم اخذ شده باشد معتبر است، مادام که اطمینان در خطای آن پیدا نشود.

آیه الله مکارم: معمولاً مورد قبول اهل محل است، بنابراین تابلوها یا علاماتی که گذارده‌اند معتبر است.

۳. آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط مستحب، در ساعات وقوف، روی جبل‌الرحمة، وقوف ننماید؛ ولی کراهِت آن ثابت نیست.

آیه الله سبحانی: وقوف در دامنه جبل‌الرحمة در صحرای عرفات مستحب است و بهتر است از وقوف بر روی کوه و بالا رفتن از جبل‌الرحمة در ساعات وقوف خودداری شود.

آیه الله سیستانی: جبل‌الرحمة جزو موقف است ولی افضل ایستادن در دامنه کوه از طرف چپ آن است.

چیست و اگر بعد از اغما او را به ایران آورده باشند چه حکمی دارد و نیز اگر بعد از ایام تشریق در ماه ذی‌حجه به هوش بیاید، در مکه باشد یا در ایران، چه باید کرد؟

ج - با فرض اینکه عذر او فقط اغما است، پس از به هوش آمدن، اگر ممکن است اعمال حج را اتمام کند^۱ و در هر صورت سال بعد حج را اعاده کند و برای احراز خروج از احرام بعد از اتمام حج، عمره مفرده ای اتیان نماید.

[۹۷۴] **س -** زنی که عادت ماهانه‌اش مثلاً شش روز بوده است، در حال عادت زنانه برای عمره تمتع مُحرم می‌شود و در روز هشتم ذی‌حجه که روز ششم عادت او است پاک می‌گردد و غسل می‌کند و اعمال عمره تمتع را انجام می‌دهد و برای حج تمتع مُحرم می‌شود، ولی ظهر روز نهم در عرفه لک می‌بیند و نمی‌داند که آیا ادامه دارد تا پس از ده روز، تا استحاضه حساب شود و اعمال قبلی او صحیح باشد یا قبل از تمام

۱. **آیه الله تبریزی:** حج او باطل است و از احرام خارج شده و اگر استطاعت وی تا سال بعد باقی باشد حج بر او واجب است.

آیه الله خویی: اگر فقط وقوف اختیاری عرفات را درک نماید، اظهار بطلان حج و انقلاب آن به عمره مفرده است.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: حجش باطل است و احرامش بدل به عمره مفرده شده است و باید مناسک عمره را انجام دهد.

آیه الله سبحانی: پس از به هوش آمدن، آنچه از اعمال که زمان انجامش باقی مانده را به قصد فراغ ذمه به جا آورد و نیز عمره مفرده‌ای اتیان کند و اگر حج بر او مستقر بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی ماند، حج را اعاده کند.

آیه الله صافی: به ذیل مسئله ۹۸۷، صورت هشتم مراجعه شود.

آیه الله فاضل: در فرض مرقوم رمی روز عید را نیابتاً از طرف او انجام دهند و پس از به هوش آمدن، بقیه اعمال را خودش انجام دهد و بنا بر احتیاط واجب عمره مفرده‌ای به جا آورد و اگر حج بر او مستقر بوده و یا استطاعتش تا سال بعد باقیمانده حج را اعاده کند.

آیه الله گلپایگانی: با درک وقوف اختیاری عرفه اگر بقیه اعمال را انجام دهد حج او صحیح است.

آیه الله مکارم: درک وقوف اختیاری عرفی برای صحت حج کافی است، پس اگر به هوش آید بقیه اعمال را به جا می‌آورد و اگر نتواند به جا آورد نایب می‌گیرد به شرط آنکه وقت اعمال باقی باشد در غیر این صورت صحت حج او مشکل است و برای خروج از احرام احتیاطاً عمره مفرده به جا آورد.

شدن ده روز از اول عادت قطع می‌شود تا حکم حیض را داشته باشد، وظیفه او چیست؟ و در همین فرض اگر در مشعر لک دید چه کند؟

ج - عمل به احتیاط کند^۱ و راه احتیاط، انجام اعمال بدون قصد تمتع و افراد بلکه به قصد ما فی الذمه، با قربانی در منا^۲ و اتیان عمره مفرده بعد از آن است، و چنانچه قصد

۱. **آیه الله تبریزی:** چنانچه آن لک که در عرفات دیده به وصف حیض نباشد، زن مزبور مستحاضه است (و همچنین است اگر لک زرد رنگ در مشعر ببیند) احکام مستحاضه را رعایت می‌کند و اعمال حج تمتع را به جا می‌آورد و چنانچه لک به وصف حیض باشد، باید اعمال را به قصد اعم از حج افراد و تمتع ادامه دهد، اگر خون قبل از ده روز قطع شد کشف می‌شود که وظیفه او حج افراد بوده و باید بعد از حج، عمره مفرده اتیان کند و اگر قطع نشد و پس از ده روز هم دید، اعمال حج تمتع او صحیح است.

آیه الله خامنه‌ای: عمل به احتیاط کند و راه احتیاط، انجام اعمال به قصد وظیفه فعلیه بدون قصد خصوص تمتع و افراد است و قربانی نیز انجام دهد پس اگر خون از ده روز تجاوز کرد اعمالش صحیح بوده و اگر تجاوز نکرد، حجتش تبدیل به افراد شده و واجب است عمره مفرده نیز اگر حج واجب بوده است به جا آورد.

آیه الله خویی: این احتیاط در صورتی است که آن خون دارای صفات حیض باشد و اگر دارای صفات حیض نباشد حکم استحاضه را دارد و احتیاط لازم نیست.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: چنانچه کاملاً پاک شده باشد، عمره او صحیح است و دیدن لک بعد از آن ضرری به آن نمی‌زند؛ زیرا طهر متخلل بنا بر اقوی حکم حیض را ندارد، بنابراین منظور از ده روز، مجموع دو خون است نه با ضمیمه کردن طهر واقع در میان دو خون و اگر دیدن لک نشانه ادامه مستمر خون باشد به دستور متن عمل کند.

آیه الله سبحانی: باید اعمال خود را به نیت تکلیف فعلی اعم از حج تمتع یا افراد انجام دهد و بنا بر احتیاط واجب در منا قربانی نموده و بعد از اعمال مکه عمره مفرده به جا آورد ولی اگر در نیت‌های خود به جای ما فی الذمه یا تکلیف فعلی، حج تمتع را قصد کرد چنانچه قصد حقیقی او این بوده که آنچه خداوند بر او واجب گردانیده دارد انجام می‌دهد این از باب خطا در تطبیق است و حج او صحیح می‌باشد؛ ولی اگر عامداً و عالماً قصد حج تمتع کرد و عمره مفرده انجام نداد اکتفا به این حج مشکل است و احتیاط در اعاده آن در سال یا سال‌های بعد است.

۲. **آیه الله سیستانی:** قربانی را به قصد رجا انجام دهد و همچنین عمره مفرده، اگر ممکن بود به قصد رجا انجام دهد.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: و پس از گذشت ده روز از اول حیض وظیفه‌اش روشن می‌شود که اگر از ده روز تجاوز نکرد و خون قطع شد حج بدل به افراد شده و لازم است عمره مفرده به جا آورد و اگر از ده روز تجاوز کرد کشف از استحاضه بودن می‌کند و حج تمتع او صحیح است.

تمتع کرده و بعد از انجام بعض اعمال حج کشف خلاف شده، اکتفا به این حج نکند.^۱
 [۹۷۵] س - در فرض مسئله فوق، اگر در عرفات یا مشعر لک دید و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلاً پاک نبوده، باید چه کند با توجه به اینکه وقت وقوفین اختیاری و یا اضطراری آن باقی است ولی وقت برگشتن به مکه و انجام اعمال عمره تمتع را ندارد؟

ج - مورد عدول به افراد است.^۲

[۹۷۶] س - وقوف اضطراری عرفه آیا از اول شب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟

ج - وقوف اضطراری عرفه در شب عید است و شب تا طلوع فجر است.^۳

مستحبات وقوف به عرفات^۴

[۹۷۷] م - در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱. با طهارت بودن در حال وقوف.

۱. آیات عظام بهجت، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم (با اختلاف در تعبیر): هرگاه قصد انجام وظیفه فعلی داشته باشد کافی است.

آیه الله زنجانی: در صورت عذر حج افراد و عمره مفرده کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

آیه الله نوری: مگر آنکه قصد وظیفه فعلیه نموده و اشتهاً قصد تمتع کرده باشد.

۲. آیه الله خویی: زنی که به گمان اینکه تا آخر وقت پاک نمی‌شود، نیت حج افراد نمود و بعد کشف خلاف شد، احرام او باطل است و لذا مناسب است زنان حائض به نیت ما فی الذمه محرم شوند و به هر حال در فرض سؤال با فرض عدم تمکن از رفتن به میقات و ادنی الحل و یا گذشت وقوف به عرفات از همان جا که هست احتیاطاً به نیت حج افراد تجدید تلبیه نماید.

آیه الله سیستانی: حکمش همان حکم فرض سابق است.

آیه الله صافی: بقیه اعمال را به قصد ما فی الذمه از تمتع و افراد به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب عمره مفرده به جا آورد.

۳. آیه الله خویی: و شب تا طلوع آفتاب است.

۴. آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجا انجام می‌دهد.

۲. غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر^۱ باشد.
۳. آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.
۴. نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید، وقوفِ شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

۵. وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن کوه مکروه است.^۲

۶. در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آورد.

۷. قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد، پس از آن، صد مرتبه «اللهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَخُدْ عَنِّي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَعَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتُهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أُرْتَبِهَا خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا ﷺ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطَلَتْ عُمُرُهُ وَأَحْيَيْتُهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

۱. آیه الله نوری: هنگام ظهر.

۲. آیه الله سبحانی: وقوف در دامنه «جبل الرحمة» در صحرای عرفات مستحب است و بهتر است از وقوف بر روی کوه و بالا رفتن از جبل الرحمة در ساعات وقوف خودداری شود.

آیه الله سیستانی: وقوف در پایین کوه افضل است.

۸. این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْفَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تُرَاتِي (برای خلی) وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ وَمِنَ شَتَاتِ الْأُمْرِ وَمِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يُجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي وَبَصَرِي نُورًا وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوَقِي وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و در این روز تا می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹. آنکه کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد مرتبه.

پس، از اول سوره بقره ده آیه بخواند، پس سوره توحید سه مرتبه و آیه الکرسی را

بخواند تا آخر پس این آیات سوره اعراف را بخواند:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴) أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۵۵) وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶)﴾

پس سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید و

همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد

بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ».

و به آیاتی از قرآن، که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاة والسلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ».

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمِيعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ».

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

پس بخوان این دعا را: «اللَّهُمَّ فُكِّنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۱۰. آنکه نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتُّتِ الْأُمُورِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْدُتُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَمْسِي ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأَمْسِي ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأَمْسِي ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأَمْسِي وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَلِي بِرَحْمَتِكَ وَاللِّسْنِي عَافِيَتِكَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

و بدان که ادعیه وارد در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیه را که در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَتْ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنْ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ».

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتَقِنِي مِنَ النَّارِ».

فصل سوم: وقوف به مشعرالحرام

[۹۷۸] م - بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید کوچ کند به مشعرالحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

[۹۷۹] م - احتیاط واجب^۱ آن است که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعرالحرام

-
۱. **آیه الله بهجت:** احتیاط این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** احتیاط این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند، هر چند وجوب بیتوته ثابت نشده است.
- آیه الله زنجانی:** بیتوته شب دهم در مشعرالحرام، واجب نیست؛ لکن کسی که شب دهم، وارد مشعر می‌شود، بنا بر احتیاط مؤکد مستحب بیتوته کند یعنی تا طلوع فجر در آنجا بماند قربة الی الله.
- آیه الله سبحانی:** پس از وقوف در عرفات واجب است زائر خانه خدا شب را در مشعر بماند تا زمان وقوف اختیاری بین الطلوعین را درک کند و نباید شب یا قسمتی از آن را در بیرون از مشعر به سر ببرد و سپس برای وقوف رکنی به مشعر بیاید مگر در حال ضرورت ولی در هر صورت اگر عمداً هم نماند ولی وقوف اختیاری را درک کرد حج او صحیح است.
- آیه الله سیستانی:** واجب است پس از حرکت از عرفات مقداری از شب عید را تا صبح در مشعرالحرام بماند و پس از آن تا طلوع آفتاب نیز باید بماند گرچه کوچ کردن به طرف وادی محسر قبل از طلوع آفتاب به اندکی جایز است و جایز نیست از آن تجاوز کند.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** واجب است بیتوته در مشعر و احتیاط آن است که در مشعر ذکر خدا را ترک نکند هر چند مختصر و کم باشد.

به سر ببرد^۱ و نیت کند اطاعت خدا را در این به سر بردن شب^۲.
 [۹۸۰] م - چون صبح طلوع کرد نیت وقوف به مشعرالحرام کند تا طلوع آفتاب^۳ و چون این وقوف عبادت خداوند است باید با نیت خالص از ریا و خودنمایی وقوف کند و الاً حج او در صورت ریا کردن با عمد و علم، باطل خواهد شد.^۴
 [۹۸۱] م - اقوی جواز کوچ کردن بلکه استحباب آن است کمی قبل از طلوع آفتاب، به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محسّر» تجاوز نکند^۵ و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره براو نیست و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسّر نشود.
 [۹۸۲] م - واجب است از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب^۶ (به طوری که در

۱. آیه الله مکارم؛ و مقداری ذکر خدا بگوید.

۲. آیه الله سیستانی؛ معتبر در عبادات قصد تدلّل و کرنش در پیشگاه حق است.

۳. آیه الله زنجانی؛ به ذیل مسئله ۹۸۲ مراجعه شود.

۴. آیه الله سیستانی؛ وقوف اختیاری مشعر مقداری از شب است و وقوف بین الطلوعین.

۵. آیه الله مکارم؛ ترک عمدی وقوف در مشعر ما بین الطلوعین به تنهایی موجب بطلان حج نمی‌شود و هرگاه شب را به تنهایی در آنجا بماند، برای صحیح بودن حج او کافی است؛ ولی گناه کرده و یک گوسفند باید کفاره بدهد.

۶. آیه الله بهجت؛ اشهر و احوط وجوب ماندن است تا طلوع آفتاب، پس اگر عمداً پیش از طلوع آفتاب بیرون رود و از وادی محسّر تجاوز کند گناه کار است و بعضی یک گوسفند کفاره واجب دانسته‌اند.
 آیه الله تبریزی؛ آیه الله خویی؛ ماندن تا طلوع آفتاب واجب است و در صورت کوچ قبل از طلوع آفتاب گناه کرده و کفاره ندارد.

آیه الله خامنه‌ای؛ ماندن در مشعر از سپیده دم تا طلوع آفتاب واجب است.

آیه الله زنجانی؛ اگر حاجی، شب عید وارد مشعرالحرام شود، قبل از طلوع خورشید، نباید از آنجا کوچ کند.

آیه الله سبحانی؛ وقوف بین الطلوعین یک وقوف استیعابی است یعنی برای کسی که عذر ندارد باید تمام وقت بین الطلوعین را در مشعر باشد و قبل از طلوع آفتاب از وادی محسّر عبور نکند.

آیه الله مکارم؛ ماندن تا طلوع آفتاب در سرزمین مشعر واجب است و اگر قبل از آن عمداً کوچ کند حج او باطل نیست ولی گناه کرده و یک گوسفند باید کفاره بدهد.

۶. آیه الله بهجت؛ بنا بر احتیاط ماندن تا طلوع آفتاب روز عید واجب است. ←

مسئله پیش گفته شد) در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف کمی از بین الطلوعین است^۱ اگرچه به قدر یک دقیقه باشد، پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند به تفصیلی که می‌آید^۲ حج او باطل خواهد شد.

[۹۸۳] م - جایز است برای کسانی که عذری دارند^۳، قدری که شب در مشعر توقف

→ آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خوبی، مکارم: وقوف در مزدلفه واجب است از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید قربان.

آیه الله زنجانی: مقدار واجب وقوف اختیاری مشعر، مسمای وقوف بین الطلوعین است و مقدار رکن، وقوف مسمای وقوف بین غروب (=زوال حمرة مشرقیه) روز نهم تا طلوع خورشید روز عید است، پس کسی که بدون عذر، تمام این مقدار را ترک کند حجش باطل می‌شود و اگر مقداری از شب عید را در مشعر، وقوف نموده رکن وقوف را درک کرده پس چنانچه هیچ مقدار از وقوف بین الطلوعین را درک نکنند حجش باطل نمی‌شود - هرچند از روی علم و عمد باشد - دومین واجب مشعر، «گفتن ذکر خداوند متعال» است و ذکر قلبی، کافی نیست، بلکه باید آن را به زبان آورد و لازم نیست که ذکر را به عنوان ذکر مشعرالحرام بگوید و به هر صورت (نماز، دعا، تهلیل، تسبیح و...) خداوند را به زبان یاد کند کافی است و در هر حال ترک آن وقوف را باطل نمی‌کند.

آیه الله سبحانی: نباید قبل از طلوع از مشعر بیرون رود ولی اگر چنین کرد معصیت کرده لکن حج او صحیح است و کفاره هم ندارد.

آیه الله سیستانی: بلکه واجب قسمتی از شب است تا کمی قبل از طلوع آفتاب و رکن، وقوف فی الجمله از آن است، پس اگر مقداری از شب را درک کند و قبل از طلوع فجر با علم و عمد کوچ کند حجش صحیح است ولی گوسفندی را باید کفاره بدهد و اگر جاهل باشد کفاره ندارد و اگر فقط بخشی از بین الطلوعین بماند و کوچ کند - هرچند عمداً - باز هم حجش صحیح است و کفاره ندارد گرچه گناه کرده است.

۱. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** به مقداری که عرفاً بگویند در آنجا توقف کرده است.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۹۸۴ خواهد آمد.

۳. **آیه الله بهجت:** کسی که شب را در مشعر به روز آورده، به قصد وقوف با قصد قربت، بنا بر احتیاط متقدم (۹۷۹) و دشوار باشد بر او ماندن بعد از طلوع فجر، جایز است که قبل از طلوع فجر از آنجا بیرون رود به سوی منا؛ مثل زن‌ها و مردهای پیر و بیماران و کسانی که کار ضروری دارند.

آیه الله خامنه‌ای: زنان، ناتوانان، کودکان و سالمندانی که عذری همچون ترس از ازدحام یا بیماری دارند، و نیز کسانی که آنان را مراقبت و همراهی می‌کنند، مانند پرستار و خدمتکار، می‌توانند در شب عید قربان و پس از اندکی وقوف در مشعر، به منا کوچ کنند. ←

کردند کوچ کنند به منا؛ مثل زنها و بچه‌ها و بیماران و پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند^۱ و احتیاط واجب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند،^۲ بنابراین برای این اشخاص وقوف بین

→ **آیه الله زنجانی:** چند دسته‌اند که می‌توانند مقداری از شب عید را در مشعر، وقوف کرده به منا کوچ کنند

- ولو قبل از نیمه شب - مانند: ۱ و ۲. بانوان و کودکان، هرچند وقوف بین الطلوعین برای آنها مشقت نداشته باشد؛ ۳. افراد ناتوان - مانند کهنسالان - در صورتی که وقوف بین الطلوعین برایشان مشقت (هرچند شدید نباشد) داشته باشد؛ ۴. کسانی که وقوف بین الطلوعین برایشان موجب حرج است؛ ۵. کسانی که می‌ترسند اگر بین الطلوعین وقوف کنند مواجه با مشکلی شوند که دفع آن واجب است مثلاً با ضرری اساسی یا خطری جدی روبه‌رو شوند؛ ۶. کسی که اگر وقوف کند برایش مشکلی - مانند مراجعت کاروان - پیش می‌آید که نتواند اعمال مکه را شخصاً به جا آورد؛ ۷. کسانی که لازم است گروه‌های پیشین را همراهی کنند؛ ۸. مأموران تدارکات که باید برای تأمین احتیاجات حجاج، زودتر به منا بروند.

۱. **آیات عظام بهجت، زنجانی، صافی، گلپایگانی، فاضل:** لازم است همراهان معذورین و کسانی که عذر آنها برطرف شد. در صورت امکان برای درک وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسانی که ناچارند همراه معذورین باشند، اگر بتوانند ولو یک لحظه قبل از طلوع آفتاب به مشعر برگردند باید برگردند و در فرض عجز، اگر بتوانند قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند باید برگردند.

آیه الله سبحانی: چنانچه معذورین مستقر شوند و نیازی به اینها ندارند باید برگردند اما کسانی که حج آنها نیایی است چنانچه با معذورین به منا رفتند برای درک وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

آیه الله سیستانی: اگر معذورین نیازی به اینها ندارند، باید برگردند.

آیه الله مکارم: در صورت امکان، بنا بر احتیاط باید برگردند.

۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، فاضل:** همین که مقداری از شب را در مشعر ماندند، می‌توانند تا قبل از طلوع فجر از آنجا بروند.

آیه الله خامنه‌ای: می‌توانند در شب عید قربان و پس از اندکی وقوف در مشعر به منا کوچ کنند.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: این احتیاط مستحب است.

آیه الله سبحانی: واجب است معذورین و زنان و کودکان و... که وقوف اضطراری لیلی مشعر را انجام می‌دهند و کسانی که همراه آنان هستند اگر قبل از نیمه شب وارد مشعر شوند آن‌گاه که شب از نیمه گذشت از حد مشعر خارج شوند و جمره عقبه را نیز بعد از نیمه شب رمی کنند لکن چنانچه پلیس یا مأمورین دولتی عربستان مانع از توقف ماشین معذورین در مشعر شدند و زودتر از نیمه شب از مشعر گذشتند این وقوف اضطراری کفایت می‌کند و لکن رمی جمره عقبه باید پس از نیمه شب باشد و زودتر رمی نکنند. ←

الطلوعین لازم نیست و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند.
 [۹۸۴] م - کسی که شب یا بعض آن را در مشعر بوده است اگر قبل از طلوع صبح
 عمداً و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد، در صورتی که وقوف
 عرفه از او فوت نشده است، بنا بر مشهور حج او صحیح است، و باید یک گوسفند
 کفاره بدهد، لکن احتیاط بر خلاف آن است؛ یعنی بعد از اتمام حج لازم است در سال
 دیگر حجش را اعاده کند و این احتیاط ترک نشود.

[۹۸۵] م - کسی که درک نکند وقوف بین الطلوعین را یا وقوف شب را، در صورتی
 که صاحب عذر باشد، اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند اگرچه

→ **آیه الله سیستانی:** جایز است به توقف قسمتی از شب عید در آنجا و حرکت کردن قبل از طلوع فجر به
 طرف منا اکتفا کنند.

۱. **آیه الله بهجت:** اگر بدون عذر بیرون رود پیش از طلوع فجر، به شرطی که علاوه بر بیتوته مشعر، وقوف عرفه از او
 فوت نشده باشد، حج او صحیح است و لکن بر او یک گوسفند کفاره لازم است و این قول مشهور و قوی است.
آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: حجش باطل است و تبدیل به عمره مفرده می‌شود، بلی اگر جاهل به حکم
 بوده و پس از علم ممکن نباشد ولو تا قبل از ظهر روز عید به مشعر برگردد حجش صحیح است و می‌بایست
 یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله خامنه‌ای: اگر از روی اختیار به اندازه مصداق وقوف نیز توقف نکند حجش باطل است.
آیه الله زنجانی: حج او صحیح است، ولی چنانچه قبل از نیمه شب، کوچ کند، باید یک شتر قربانی کند و
 اگر بین آن و طلوع فجر برود یک گوسفند کفاره دارد و چنانچه بعد از طلوع فجر کوچ کند یا جاهل یا ناسی
 باشد و یا قبل از طلوع آفتاب برگردد کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: اگر نگوییم اقوی بطلان حج است احتیاطاً این حج را مبرء ذمه نداند و اعمال حج را به
 پایان برده و یک گوسفند کفاره بدهد و به احتیاط واجب سال بعد حج را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: بنا بر اظهار حجش صحیح می‌باشد و باید در صورتی که با آگاهی از حکم شرعی این کار
 را کرده باشد یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: این احتیاط لازم نیست.

آیه الله فاضل: بنا بر اقوی.

آیه الله مکارم: کسی که شب را در مشعر مانده و بین الطلوعین را عمداً ترک کرده، حج او صحیح است
 هرچند گناه کرده و یک گوسفند کفاره دارد.

کم باشد حج او صحیح است.^۱

[۹۸۶] م - از آنچه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است:

اول - شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم - بین طلوع صبح و طلوع آفتاب.^۲

سوم - از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم، که اضطراری مشعر است؛ چنان که قسم

اول نیز اضطراری است.^۳

[۹۸۷] م - چون معلوم شد که وقوف به عرفات و مشعر اختیاری و اضطراری دارند

و از برای وقوف به مشعر دو قسم اضطراری است، پس به ملاحظه ادراک هر دو موقف

یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری، مفرداً و مرکباً، و به ملاحظه ترک عمدی

یا جهلی یا نسیانی، اقسام زیادی دارد که در اینجا آنچه مورد ابتلا ممکن است بشود،

ذکر می شود:^۴

۱. **آیه الله زنجانی:** مشروط بر اینکه وقوف اختیاری عرفه یا اضطراری آن در صورت عذر را درک کرده باشد.

آیات عظام سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: حج او صحیح نیست مگر اینکه وقوف

اختیاری یا لاقط اضطراری عرفات را نیز درک کرده باشد که حج او صحیح است.

آیه الله فاضل: اگر وقوف در عرفات را درک کرده باشد.

۲. **آیه الله سیستانی:** قسمتی از شب تا طلوع آفتاب.

آیه الله فاضل: برای افراد عادی؛ یعنی افرادی که عذری برای ترک وقوفین ندارند.

۳. **آیه الله سیستانی:** و گذشت که قسم اول اختیاری است.

۴. **آیه الله زنجانی:** حج در موارد ذیل، فاسد می شود و باید به دستوری که در ذیل این مسئله آمده عمل شود:

۱. ترک هر دو وقوف، مطلقاً؛ ۲. ترک وقوف اختیاری عرفه، بدون عذر؛ ۳. ترک هر دو وقوف لیلی و اختیاری

مشعر، بدون عذر؛ ۴. فقط اضطراری نهاری مشعر را درک کند، مطلقاً؛ ۵ و ۶. فقط اختیاری یا اضطراری عرفه

را درک کند، مطلقاً. البته دو مورد اخیر در یک صورت حجتان صحیح است و آن اینکه شبانه از مشعر عبور

کرده و در آنجا ذکر خداوند گفته باشند و چون مسئله را نمی دانسته اند قصد وقوف نکرده اند و وقتی متوجه

شده اند که به وقوف نهاری هم نمی رسند. در غیر این چند صورت، ترک وقوف، حج را فاسد نمی کند و از اینجا

حکم تمام صور دوازده گانه روشن می شود.

آیه الله سیستانی: در بیان صور هشتگانه وقوفین، تفاوت هایی با متن وجود دارد.

اول - آنکه مکلف درک هر دو موقف کند در وقت اختیاری؛ یعنی از ظهر روز عرفه، عرفات را و بین الطلوعین صبح دهم، مشعر را درک کند. پس اشکالی در صحت حج او نیست.

دوم - آنکه هیچ‌یک از دو موقف را درک نکند، نه اختیاری آنها را و نه اضطراری را، پس اشکالی نیست در بطلان حج او و باید به همان احرام حج عمره مفرده^۱ که عبارت است از طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن، به جا آورد و از احرام محلّ شود و اگر گوسفند همراه داشته باشد احتیاطاً ذبح کند^۲ و باید سال دیگر حج به جا آورد، اگر شرایط استطاعت را دارا باشد^۳، در صورتی که درک نکردن موقف به واسطه عذر باشد.

۱. **آیه الله بهجت:** با نیت عدول به عمره مفرده علی الأحوط، و وجوب ذبح گوسفند که همراه داشته باشد محتاج به تأمل است، بلی موافق احتیاط و مروی در خبر داود رقی و صحیح ضریس به نقل فقیه است و در سال آینده حج می‌کند اگر شرایط مقررّه وجوب حج درباره او متحقق بشود.

آیه الله سبحانی: باید عدول به عمره مفرده بکند و اعمال عمره مفرده را به جا آورد و در صورتی که شرایط استطاعت را داشته، حج بر او مستقر شده باشد سال دیگر به حج برود و از آنجا که در این موارد عدول خود به خود صورت نمی‌گیرد به احتیاط واجب برای عدول به عمره مفرده نیز نیت کند.

آیه الله فاضل: و بهتر است قصد عدول به عمره مفرده بنماید.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** متعرض این فرع نشده‌اند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: گوسفند را قربانی کند.

۳. **آیه الله خویی، آیه الله سیستانی:** واجب است در صورتی که استطاعتش تا سال بعد باقی بماند و یا حج از سال‌های پیش بر ذمه‌اش مستقر شده باشد، سال بعد به حج برود.

آیه الله زنجانی: حج سال بعد در دو صورت واجب می‌شود: ۱. حج او حج واجب باشد، حجة الاسلام، نذر یا غیره؛ ۲. حج او مستحب باشد و هنگام احرام، با خداوند، شرط تحلیل نکرده باشد. و در وجوب حج سال بعد به جهت ترک وقوف، فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست.

آیه الله سبحانی: در صورت ترک عمدی یا جهل از روی تقصیر حج خود را به عمره مفرده عدول و در مشعر و غیر مشعر در سال بعد اعاده می‌کند ولی در صورت ترک غیر عمدی و یا از روی جهل قصوری و یا نسیان حج تبدیل به عمره مفرده (عدول) و در مستقر در سال بعد اعاده می‌کند و در غیر مستقر در صورت بقاء استطاعت حج را اعاده نماید.

[۹۸۸] م - اگر درک نکردن دو موقف که ذکر شد، از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر می‌شود و باید سال دیگر چه شرایط باشد یا نباشد به حج برود.^۱

[۹۸۹] م - احتیاط مستحب^۲ آن است که این شخص که حج او باطل شد و باید عمره به جا آورد نیت عدول به عمره مفرده بکند.

سوم - آنکه درک کند اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر در روز؛ یعنی اضطراری نهاری مشعر را، پس اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد حج او باطل است^۳ و الاً صحیح است.

چهارم - آنکه درک کرده باشد اختیاری مشعر را با اضطراری عرفه، پس اگر اختیاری عرفه را عمداً ترک کرده، حج او باطل است و الاً صحیح است.

پنجم - آنکه درک کرده باشد اختیاری عرفه را با اضطراری شب مشعر؛ یعنی قبل از طلوع صبح، پس اگر اختیاری مشعر را با عذر ترک کرده است، چنانچه گفته شد، حج او صحیح است و الاً باطل است بنا بر احتیاط واجب.^۴

ششم - آنکه درک کرده باشد اضطراری لیلی مشعر و اضطراری عرفه را، پس اگر صاحب عذر^۵ باشد و اختیاری عرفه را عمداً ترک نکرده باشد ظاهراً حج او صحیح است و غیر صاحب عذر اگر اختیاری یکی را عمداً ترک کرده باشد حجش باطل است بنا بر اقوی در یکی و بنا بر احتیاط در دیگری که اختیاری مشعر باشد،^۶ و اگر به غیر

۱. آیه الله زنجانی، آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

۲. آیات عظام بهجت، سبحانی، مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۳. آیه الله سیستانی: چون اختیاری مشعر بخشی از شب است تا طلوع آفتاب، اگر بین الطلوعین را عمداً هم ترک کند حجش صحیح است ولی در صورت علم یک گوسفند کفاره واجب است.

۴. نظر آیات عظام در این فرض در مسئله ۹۸۴ گذشت.

۵. آیه الله سیستانی: منظور از صاحب عذر کسی است که از ماندن شب در مشعر معذور است؛ مانند زنان و بیماران و همراهان آنها.

۶. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: لکن اگر ترک اختیاری مشعر به این صورت باشد که شب وقوف در مزدلفه کرده و از روی جهل به مسئله قبل از فجر از آنجا کوچ کرد و تا ظهر روز عید هم نتوانست به مشعر برگردد حج او صحیح است و باید یک گوسفند کفاره دهد. ←

عمد باشد احتیاط واجب در بطلان است.

هفتم - آنکه درک کرده باشد اضطراری عرفه و اضطراری یومی مشعر را، پس اگر ترک یکی از دو اختیاری را عمداً کرده باشد حج او باطل و الاً صحت بعید نیست، گرچه احتیاط اعاده است در سال بعد،^۱ با حاصل بودن شرایط و جواب.

هشتم - آنکه درک کند اختیاری عرفه را فقط، احتیاط واجب در این صورت اتمام و اعاده است^۲ اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک نکرده باشد و الاً حج او باطل است.

→ **آیه الله سبحانه:** کسی که وقوف به عرفات را درک کرده است، لکن شب یا قسمتی از آن را در مشعرالحرام وقوف کرد ولی قبل از طلوع فجر عمداً و بدون عذر از مشعر بیرون رفت و تا طلوع آفتاب ولو به قدر مسمای وقوف رکنی برنگشت باید یک کفاره (گوسفند) بدهد و به احتیاط واجب سال بعد حج را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اختیاری مشعر از شب است تا طلوع آفتاب و حج او در این صورت صحیح است، همچنان که گذشت و اگر در ترک آن جاهل مقصر باشد، حشش باطل است و اگر از روی فراموشی یا جهل قصوری یا هر عذر دیگر، اختیاری را ترک کند و اضطراری را انجام دهد حشش صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر عمداً اختیاری عرفه را ترک کرده باشد حشش باطل است و لکن نسبت به ترک اختیاری مشعر، اگر بدون عذر پیش از اذان صبح از مشعر بیرون برود حشش صحیح است به شرط آنکه وقوف به عرفات را انجام داده باشد و شب در مشعر به قصد وقوف مانده باشد و لکن بر آن یک گوسفند کفاره واجب است.

آیه الله فاضل: اگر اختیاری عرفه باشد حج باطل است و اگر اختیاری مشعر باشد، بنا بر اقوی حج باطل است.

آیه الله مکارم: اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد حج او صحیح است و یک گوسفند کفاره دارد و اگر از روی جهل وقوف عرفه را ترک کرده باشد، حج او بنا بر احتیاط واجب باطل است.

۱. **آیه الله سبحانه:** متعرض این احتیاط نشده‌اند.

۲. **آیه الله بهجت:** آنکه فقط وقوف اختیاری عرفات را درک نماید که اظهر در این صورت صحت حج است مگر آنکه اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اظهر در این صورت این است که حج او باطل و به عمره مفرده منقلب می‌شود مگر ترک اختیاری مشعر به این صورت باشد که شب وقوف در مزدلفه کرده و از روی جهل به مسئله قبل از فجر از آنجا کوچ کرد و تا ظهر عید هم نتوانست به مشعر برگردد که در این صورت حج او صحیح و باید یک گوسفند کفاره دهد. ←

نهم - آنکه درک کند اضطراری عرفه را فقط، در این صورت حج او باطل است.^۱

دهم - آنکه درک کند اختیاری مشعر را، در این صورت حج او صحیح است اگر وقوف عرفه را عمداً ترک نکرده باشد والا حج او باطل است.

یازدهم - آنکه درک کند اضطراری روز مشعر را فقط، در این صورت حج او باطل است.^۲

دوازدهم - آنکه درک کند اضطراری لیلی مشعر را فقط، در این صورت اگر وقوف

→ **آیه الله سبحانی:** اگر اختیاری مشعر را عمداً و یا به خاطر جهل تقصیری ترک کرده حج او باطل و احرام تبدیل به عمره مفرده می شود و حج را در مستقر و غیر مستقر سال بعد بیاورد ولی اگر همین شخص هنگام عبور از مشعر به منا ذکر خدا را گفته است و ترک اختیاری مشعر غیر عمدی و یا از روی جهل قصوری و یا نسیان باشد، حج او صحیح است و گرنه باطل است حتی اگر ترک وقوف مشعر غیر عمد باشد.

آیه الله سیستانی: حج او باطل است و به عمره مفرده منقلب می شود، به جز یک صورت و آن اینکه هنگام عبور از عرفات به منا در مشعر در وقت اختیاری (از شب تا طلوع آفتاب) گذشته باشد و ذکر خدا گفته باشد که در این صورت حجش صحیح است هر چند قصد وقوف نکرده باشد از روی جهل به مسئله.

آیه الله صافی: احتیاط در آن ترک نشود به اینکه اعمال را به قصد ما فی الذمه از عمره و حج به جا آورد و در سال بعد نیز در صورتی که حج بر او مستقر بوده یا استطاعتش باقی باشد حج به جا آورد.

آیه الله گلپایگانی: اقوی و اشهر صحیح بودن حج است.

آیه الله مکارم: حج او صحیح است و احتیاج به اعاده ندارد.

۱. **آیات عظام سبحانی، سیستانی، مکارم:** و باید عمره مفرده به جا آورد تا از احرام خارج شود.

۲. **آیه الله بهجت:** مورد تأمل است هر دو اضطراری مشعر که این صورت و صورت بعدی است.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی: آنکه فقط وقوف اضطراری مزدلفه را درک کند، که در این صورت بعید نیست حجش صحیح باشد. ولی احتیاط این است باقی اعمال را به قصد فراغ ذمه از آنچه به او تعلق گرفته چه عمره مفرده و چه حج به جا آورد و در سال بعد حج را اعاده نماید.

آیه الله سبحانی: در صورت ترک عمدی و یا از روی جهل تقصیری حج باطل و به عمره مفرده عدول می کند و حج را در مشعر و غیر مشعر در سال بعد اعاده می کند لکن اگر ترک غیر عمدی و یا از روی جهل قصوری و یا نسیان باشد به احتیاط واجب حج او باطل و آن را بدل به عمره مفرده کرده و در مشعر و در سال بعد و در غیر مستقر در صورت بقاء استطاعت حج را اعاده می کند.

آیه الله سیستانی: حج او باطل است و بدل به عمره مفرده می شود.

آیه الله فاضل: اگر اختیاری عرفه را عمداً ترک نکرده باشد، ظاهراً حج او صحیح است.

عرفات را عمداً ترک نکرده باشد و از صاحبان عذر باشد، ظاهراً حج او صحیح است^۱ و الاً باطل است.

استفتانات وقوف به مشعرالحرام

[۹۹۰] س - عده‌ای در شب دهم ذی‌حجه عازم مشعر بودند، از افرادی که آنجا بودند سؤال نمودند مشعر کجا است؟ جواب دادند اینجا است، اطمینان پیدا کردند که مشعر است، نیت بیتوته و قصد وقوف کردند، بعد که وقت اضطراری مشعر هم گذشته بود، معلوم شد مشعر نبوده، آیا نسبت به باقی اعمال حج و سال آینده وظیفه چیست؟

ج - احتیاطاً این حج را اتمام کنند و بعد از آن، اعمال عمره مفرده انجام دهند و در صورت استقرار حج یا بقای استطاعت، سال بعد حج را اعاده کنند.^۲

[۹۹۱] س - اگر به گفته مدیرگروه که می‌گوید درک وقوف اختیاری مشعر برای او مشکل است و نمی‌تواند آن را درک نماید، اعتماد کند و وقوف اختیاری را ترک نماید آیا اشکالی ندارد؟

۱. آیه الله سبحانی: حج او صحیح است.

آیه الله سیستانی: بلکه هرچند از صاحبان عذر نباشد.

آیه الله صافی: در این صورت اگرچه صحت حجش بعید نیست ولی احتیاط ترک نشود به انجام اعمال به قصد ما فی الذمه از عمره و حج و به جا آوردن حج در سال آینده در صورت استقرار حج بر او و بقاء استطاعت و در این جهت فرقی بین اضطراری لیلی و نهاری مشعر نیست.

آیه الله فاضل: در این صورت اگر وقوف به عرفات را عمداً ترک کرده باشد، حج او باطل است و الاً بنا بر احتیاط حج باطل است، اگرچه از ذوی الأعذار نباشد.

آیه الله گلپایگانی: در این صورت بعید نیست حجش صحیح باشد، اگرچه احوط اعاده است.

آیه الله مکارم: خالی از اشکال نیست.

۲. نظر آیات عظام در فرض هشتم، صور وقوفین، در مسئله ۹۸۷ گذشت.

آیه الله زنجانی: به صورت پنجم و ششم ذیل مسئله ۹۸۷ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: احتیاط این است که بقیه اعمال را به قصد ما فی الذمه از عمره و حج به جا آورند و سال بعد حج را اعاده کنند.

- ج - اگر برای خود شخص عذر حاصل شده، کفایت می‌کند.^۱
- [۹۹۲] س - خدمه‌ای که با زن‌ها، قبل از طلوع فجر، به منا می‌روند ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر می‌رسانند و وقوف رکنی مشعر را درک می‌کنند، آیا نیابت آنان صحیح است یا نه؟
- ج - اگر از ذوی الأعدار نبوده‌اند^۲ که نیابت آنها صحیح است در فرض مرقوم حجتان نیابتاً صحیح است. هر چند مرتکب حرام شده‌اند.^۳
- [۹۹۳] س - کسی که نمی‌دانسته وقوف اختیاری مشعر، بین طلوعین است^۴، پس از آن وقوف اضطراری را درک کرده، وظیفه او چیست؟
- ج - اگر جهل او قصوری و عذری باشد، نه تقصیری و ترک وقوف اختیاری از روی عذر شده باشد، مانع ندارد.^۵
- [۹۹۴] س - شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف لیلی مشعر را درک کرده و عمداً قبل از طلوع فجر رفته است به منا، برای بردن اثاث و کار دیگری، و قصد داشته است که مجدداً به مشعر برگردد ولی در منا خوابش برده، وظیفه چنین حاجی‌ای چیست؟
- ج - با فرض اینکه ترک اختیاری مشعر عمدی نبوده، در فرض مرقوم، اضطراری کافی است،^۶ ولی اگر شب نیت وقوف نداشته، باید اضطراری روز را درک کند، ولی

۱. آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: اگر مقداری از شب مانده باشد، حجت صحیح است و چیزی بر او نیست.

۲. آیه الله بهجت: و عذر طاری است.

۳. به شرط هفتم نایب مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: نیابت آنها به هر حال صحیح است.

آیه الله مکارم: اگر لازم بوده است با زن‌ها به منا بروند گناهی نکرده‌اند.

آیه الله نوری: با فرض ترک عمدی، نیابت محل اشکال است.

۴. آیه الله سیستانی: وقوف اختیاری مشعر از شب است تا طلوع آفتاب.

۵. به ذیل مسئله ۹۸۴ مراجعه شود.

۶. آیه الله بهجت: چون عذر طاری است نیابت صحیح است.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط، وقوف اضطراری روز را درک کند و در فرض مذکور که عذر طاری است حج

او مجزی از منوب عنه است. ←

اگر نایب است کافی نیست.

مستحبات و قوف به مشعرالحرام^۱

[۹۹۵] م - بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعرالحرام متوجه شده و استغفار نماید و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ^۲ تَوْفِئِي وَزِدْهُ فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي مَناسِكِي».

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی، از طرف راست راه نزول نماید و اگر حاجی ضروره باشد مستحب است که در مشعرالحرام قدم بگذارد^۳ و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسر باشد به عبادت و

→ آیه الله خوبی: باید وقوف اضطراری روز را در فرض تمکن درک کند و حکم نایب معذور به عذر طاری قبلاً گذشت.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: حجت صحیح است و نیابتش مجزی است.

آیه الله سبحانی: چنانچه در شب نیت بیتوته و یا وقوف داشته، کافی است و اگر نایب می باشد از منوب عنه کفایت می کند ولی اگر شب بدون نیت بیتوته و یا وقوف اضطراری از مشعر گذشته و به منا رفته است باید اضطراری نهاری را درک کند در این صورت حج او صحیح و اگر نایب است از منوب عنه کفایت می کند.

آیه الله فاضل: و برای نیابت هم کافی است.

آیه الله مکارم: حج او صحیح است و اگر می تواند اضطراری روز مشعر را به جا آورد احتیاط آن است که به جا آورد و اگر نایب است نیابتش نیز صحیح است.

نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۹۸۴ گذشت.

۱. آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجا به جا بیاورند.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله نوری: اللهم ارحم موقفی و زد فی عملی.

۳. آیه الله زنجانی: مشعرالحرام در این روایات نام کوهی است که در سرزمین مزدلفه بوده است.

آیه الله مکارم: این حکم در روایات متعددی آمده است و احتمالاً منظور از آن با پای برهنه قدم گذاشتن در سرزمین مشعر است.

اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِيَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد و به هر مقداری که میسر باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آن گاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَأَنْ تُجَاوِرَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

و مستحب است سنگ‌ریزه‌هایی را که در منا رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است^۱ و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منا رفته و به وادی محسّر رسید، به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلِفْنِي فِيمَنْ تَرَكَتُ بَعْدِي».

۱. آیه الله مکارم: ولی از آنجا که در شلوغی جمعیت غالباً بعضی از سنگ‌ها اصابت نمی‌کند بهتر است بیشتر جمع‌آوری کند.

فصل چهارم: واجبات منا

رمی جمره عقبه

یعنی ریگ انداختن به جمره، که نام محلی است در منا.

[۹۹۶] م - شرط است در سنگی که می‌خواهد بیندازد به آن، «حصی» یعنی ریگ گفته شود،^۱ پس اگر آنقدر ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود مثل «شن» کافی نیست و اگر خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه به غیر ریگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نیز جایز نیست و اما اقسام سنگ‌ها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

[۹۹۷] م - شرط است که سنگ‌ها از حرم باشد^۲ و سنگ خارج حرم کافی نیست و در حرم از هر موضعی که مباح باشد^۳ می‌تواند بردارد مگر مسجدالحرام و مسجد خیف

۱. آیه الله بهجت: باید صدق اسم سنگ و سنگ‌ریزه بر آنها بکند.

آیه الله سبحانی: مثلاً به اندازه هسته خرما یا فندق باشد.

آیه الله سیستانی: و مستحب است ریگ‌ها رنگین و نقطه دار و سست و به اندازه سر انگشت باشند.

۲. آیه الله زنجانی: رمی با سنگ‌هایی که در اصل خلقت، در حرم آفریده نشده‌اند، بلکه از بیرون آورده شده و مدتی در حرم باشند و از حرم برداشته شوند صحیح است.

۳. آیه الله زنجانی: باید استفاده از سنگ‌ها مباح باشد و اگر مباح نباشد بنا بر احتیاط نباید به آن اکتفا کند ←

بلکه سایر مساجد بنا بر احوط^۱ و مستحب است از مشعر بردارد.

[۹۹۸] م - شرط است که سنگ‌ها بکر باشند؛^۲ یعنی آنها را خودش یا کس دیگری

به وجه صحیح نینداخته باشد، اگرچه در سال‌های قبل.

[۹۹۹] م - شرط است که مباح باشد، پس با سنگ غضبی یا آنچه که دیگری برای

خودش حیازت کرده کافی نیست.^۳

[۱۰۰۰] م - وقت انداختن سنگ از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن و اگر

فراموش کرد^۴، تا روز سیزدهم می‌تواند به جا آورد و اگر تا آن وقت متذکر نشد احتیاطاً

در سال دیگر خودش یا نایش بیندازد.^۵

→ و در صورت عدم عذر معصیت کرده است؛ مانند رمی با سنگ‌هایی که متعلق به مسجدالحرام و مسجد خیف یا سایر مساجد است.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب نسبت به حکم وضعی.

۱. **آیه الله سیستانی:** این احتیاط را در حکم وضعی ذکر نفرموده‌اند ولی برداشتن سنگ از مساجد اگر جزو آنها باشد مطلقاً جایز نیست.

۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** بنا بر احتیاط باید بکر باشد.

آیه الله زنجانی: رمی جمره با سنگ‌هایی که در پای جمرات، ریخته شده است کافی نیست و اگر از جاهای دیگر حرم بردارد و رمی کند کافی است، هر چند این سنگ‌ها قبلاً برای رمی جمره استفاده شده باشد؛ البته این کار، خلاف احتیاط استجابی است.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: باید قبلاً از آن برای رمی استفاده نشده باشد...

۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر اعتقاد داشت سنگ‌ها غضبی نیست و یا غضبی بودن آنها را فراموش کرد و خودش غاصب نبود رمی صحیح است و در غیر آن باید اعاده شود.

آیه الله زنجانی: رمی با ریگ‌هایی که متعلق به دیگری است بدون رضایت او حرام است و بنا بر احتیاط نباید به آن اکتفا کند و در صورت عدم عذر معصیت کرده است.

آیه الله سیستانی: مشکل است اکتفا به آن مگر آنکه نداند غضبی است یا فراموش کرده باشد و خود غاصب نباشد یا حرمت را فراموش کرده باشد یا جاهل قاصر باشد.

۴. **آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی:** یا مسئله را نمی‌دانست.

۵. **آیه الله بهجت:** وقت رمی بعد از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن، و اگر فراموش کرد یا ترک کرد عمداً علی الأحوط، تا روز سیزدهم، در روزی که متذکر شود به جا آورد با تقدیم قضا بر ادا، و احتیاط در رعایت

طلوع آفتاب است در قضا ایضاً با عدم عذر مسوؤغ رمی در شب در ادا مانند خوف و مرض، ←

[۱۰۰۱] م - واجب است در انداختن سنگ‌ها چند امر:

اول - نیت، با قصد خالص، بدون ریا و نمایش دادن عمل به غیر، که موجب بطلان می‌شود.

→ و اگر متذکر نشد یا متذکر شد بعد از انقضای ایام تشریق یا ترک کرد عمداً تا آن وقت علی‌الأحوط، در سال آینده خود یا نایب او، با ترتب نیابت بر عدم حج در سال آینده یا عدم امکان مباشرت، به جا آورند. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** احتیاط این است که به منا رفته و رمی نموده و در سال بعد رمی را شخصاً خودش و یا نایبش به جا آورد، و اگر بعد از خروج از مکه یادش آمد واجب نیست برگردد بلکه سال دیگر خودش یا نایبش بنا بر احتیاط رمی می‌کنند.

آیه الله خامنه‌ای: اگر از مکه بیرون نرفته احتیاط واجب آن است که به منا رفته رمی نماید و در سال دیگر نیز خودش یا نایبش قضا کند و اگر از مکه خارج شده احتیاط واجب آن است که در سال بعد خود یا نایبش رمی کند.

آیه الله زنجانی: ولی اگر کسی از گروه‌هایی باشد که در ذیل مسئله ۱۰۱۸ ذکر خواهد شد می‌تواند در شب عید، جمره عقبه را رمی کنند و اگر روز عید رمی را از روی علم و عمد - اختیاراً یا اضطراراً - ترک نماید باید قبل از رمی روز یازدهم آن را قضا کند و اگر قضا نکند، رجائاً در طول ذی‌حجه و همچنین روز عید سال آینده، قضای آن را به جا آورد و اگر سال آینده به مکه نمی‌رود برای رمی، نایب بگیرد و اگر رمی روز عید را از روی فراموشی یا جهل ترک نماید چنانچه تا روز سیزدهم متوجه شود قبل از رمی ادایی، آن را قضا می‌کند و اگر بعد از آن در مکه یادش بیاید در ذی‌حجه امسال و روز عید سال بعد رجائاً قضای آن را به جا آورد و اگر پس از خروج از مکه متوجه شود قضای رمی واجب نیست؛ هر چند مطابق احتیاط استجابی است.

آیه الله سبحانی: هرگاه به خاطر فراموشی یا جهل در روز عید رمی نکرد تا روز سیزدهم قبل از رمی آن روز انجام دهد و اگر پس از روز سیزدهم متوجه شود، اگر از مکه خارج نشده خود تدارک کند و در سال دیگر نیز خود یا نایبش رمی کنند و اگر از مکه خارج شده، احتیاطاً در سال دیگر قضا کنند.

آیه الله سیستانی: اگر در روز عید رمی نکرد از روی جهل یا فراموشی یا هر عذر دیگر هرگاه رفع مانع شد باید جبران کند در منا باشد و یا در مکه حتی اگر بعد از روز سیزدهم ماه باشد، ولی در شب رمی نکند و اگر پس از خروج از مکه مانع برطرف شود لازم نیست برگردد و احتیاط مستحب است که در سال بعد خود یا نایبش رمی کنند.

آیه الله فاضل:... تا روز سیزدهم می‌تواند به نیت قضا به جا آورد و واجب است قضا را قبل از رمی آن روز انجام دهد.

آیه الله گلپایگانی: در سال بعد خودش یا نایبش باید رمی نماید.

آیه الله مکارم: اگر بتواند باید خودش در سال آینده در همان موقع قضا کند و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

دوم - آنکه آنها را بیندازد، پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست.

سوم - آنکه به انداختن، به جمره برسد. پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست، لکن اگر سنگ به جایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است ظاهراً.^۱

چهارم - عدد سنگ‌ریزه‌ها باید هفت باشد.

پنجم - باید به تدریج یکی یکی عقب هم بیندازد و در این صورت، اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد کافی نیست.^۲ اگر چه با هم به جمره نرسد و دنبال هم برسد.^۳

۱. **آیه الله بهجت:** ظاهر این است که اگر سنگ‌ریزه در راه به چیزی برخورد نموده و سپس به جمره برسد کافی باشد با بقای صدق رمی در ابتدا و انتهای آن.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: اگر سنگ‌ریزه در راه به چیز بسیار سفتی مانند سنگ بخورد و در اثر آن جسته و به جمره برسد کافی نخواهد بود.

آیه الله خامنه‌ای: چهارم آنکه ریگ‌ها به جمره برخورد کند، بنابراین اگر برخورد نکند یا گمان کند که اصابت کرده، کافی نیست و باید ریگ دیگری را به جای آن بزند، و رسیدن ریگ‌ها به دایره پیرامون جمره، بدون برخورد با آن، کافی نیست.

آیه الله سبحانی: اصابت کردن به دیوار شرط نمی‌باشد بلکه باید آن فضا را که حضرت ابراهیم رمی کرده و در سابق به وسیله ستونی که قسمت پایین آن را حوض کوچکی احاطه کرده بود مورد هدف قرار دهد و رمی کند چه اصابت بکند چه نکند و اگر محل ستون‌های قبلی معلوم نیست هر نقطه از دیوار را مورد هدف قرار دهد و به سوی آن پرتاب کند، کافی است. و البته مقداری از دیوار که خارج حدود منا واقع شده رمی نشود و در تمام موارد رمی باید با هدف‌گیری آن فضا توأم باشد و رمی بی‌هدف بی‌معنی است ولی اصابت شرط نیست.

آیه الله فاضل: محل اشکال است.

آیه الله مکارم: در مورد رمی جمرات فتوای اخیر ما این است که اصابت به ستون‌ها لازم نیست بلکه کافی است سنگ را به دایره اطراف جمرات پرتاب کنند و در مسائل آینده نیز به همین صورت عمل شود.

۲. **آیات عظام زنجانی، سبحانی، فاضل، مکارم:** یعنی مجموعاً یک رمی حساب می‌شود.

۳. **آیه الله زنجانی:** رعایت موالات، در زدن شش سنگ اول لازم است.

[۱۰۰۲] م - اگر شک کند که سنگ را دیگری استعمال کرده یا نه جایز است به آن بیندازد.^۱

[۱۰۰۳] م - اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آورده‌اند، اعتنا نکند.^۲

[۱۰۰۴] م - اگر شک کند به سنگی که می‌خواهد بیندازد «حصی»؛ یعنی ریگ گفته می‌شود، باید به آن اکتفا نکند.

[۱۰۰۵] م - اگر شک کند در عدد انداختن، در وقتی که مشغول عمل است، باید چندان بیندازد تا علم به عدد پیدا کند و همچنین اگر شک کند که سنگی که انداخت خورد به جمره یا نه، باید بیندازد تا علم به رسیدن پیدا کند.^۳

[۱۰۰۶] م - اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسید، باید دو مرتبه بیندازد، اگرچه در وقت رمی گمانش آن بود که رسیده است. پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتباهاً به آنها رمی کرده، کافی نیست و باید اعاده کند، اگرچه در سال دیگر به وسیله نایش.^۴

۱. آیه الله زنجانی: گذشت که بکر بودن سنگ‌ها شرط نیست.

آیه الله سبحانی: مثلاً شک کند که با آن رمی شده یا نه و یا شک کند که قبلاً در خارج حرم بوده سپس وارد حرم شده است در هر دو صورت به شک خود اعتنا نکند اما با ریگ‌هایی که در اطراف جمرات ریخته شده رمی کفایت نمی‌کند.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه در جایی باشد که علم داشته باشد بعضی از سنگ‌های آنجا استعمال شده است و احتمال بدهد که سنگ مورد نظر هم یکی از آنها باشد که در این صورت باید احتیاط کند.

۲. آیه الله زنجانی: گذشت که اگر یقین هم دارد که سابقاً از خارج حرم آورده‌اند مانعی ندارد.

آیه الله فاضل: احتیاط آن است که با آن رمی نکند.

۳. آیه الله زنجانی: لکن اگر اطمینان پیدا کند که هفت سنگ زده، یا به حدی بزند که اگر متعارف مردم این مقدار می‌زدند اطمینان پیدا می‌کردند، کافی است.

آیه الله سبحانی: اصابت شرط نیست.

آیه الله مکارم: همان‌گونه که گفتیم کافی است سنگ به دایره اطراف جمره بیفتد.

۴. آیه الله سبحانی: چنانچه فضای مذکور را رمی کند کافی است و اصابت شرط نیست.

آیه الله سیستانی: اگر پس از خروج از مکه متوجه شود اعاده لازم نیست گرچه احوط است.

آیه الله مکارم: همان‌گونه که گفتیم کافی است سنگ به دایره اطراف جمره بیفتد.

- [۱۰۰۷] م - اگر چند سنگ را با هم بیندازد مانع ندارد لکن یکی حساب می‌شود؛ چه یکی از آنها به محل بخورد یا همه.
- [۱۰۰۸] م - جایز است سواره و پیاده سنگ بیندازد.^۱
- [۱۰۰۹] م - باید سنگ را با دست بیندازد، اگر با پا یا دهان بیندازد کافی نیست، ولی بعید نیست با «فلاخن» کافی باشد.^۲
- [۱۰۱۰] م - اگر بعد از آنکه سنگ را انداخت و از محل منصرف شد، شک کند در عدد سنگ‌ها، اگر شک در نقیصه کند، احتیاط آن است که برگردد و نقیصه را تمام کند^۳ و در شک در زیاده اعتنا نکند.
- [۱۰۱۱] م - اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن، شک کند^۴ در انداختن سنگ یا در عدد

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی: مستحب است در حال پرتاب پیاده باشد.

آیه الله فاضل: اما پیاده افضل است.

۲. آیه الله بهجت: خلاف احتیاط است.

آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: رمی با فلاخن، صحیح است و رمی با پا و دهان، خلاف احتیاط استحبابی است.

آیه الله سبحانی: سنگ‌ها باید با دست پرتاب شوند و با اعضای دیگر بدن و یا به وسیله دیگر کافی نیست و کسانی که دست ندارند و یا هر دو دست آنها فلج است می‌توانند نایب بگیرند و رمی با دهن یا پاها کافی نیست.

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، مکارم: بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

۳. آیه الله بهجت: اشکال ندارد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سبحانی، صافی، گلپایگانی: اگر شک در نقیصه کند باید برگردد و نقیصه را تمام کند.

آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال دهد هنگام رمی به حفظ عدد سنگ‌ها توجه داشته، اعتنا به شکش نکند، هرچند شک در نقیصه باشد.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از صدق عرفی فراغ باشد اعتنا نکند و اگر قبل از آن است باید تدارک کند.

آیه الله مکارم: بنا بر کمتر می‌گذارد و چنانچه موالات به هم نخورده، باقیمانده را به جا می‌آورد و اگر موالات به هم خورده، احتیاط آن است که آن را تکمیل کند و سپس از نو، هفت سنگ بزند؛ مگر آنکه چهار سنگ زده باشد.

۴. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و یا پس از فرا رسیدن شب باشد. ←

آن، اعتنا نکند.

[۱۰۱۲] م - اگر بعد از فارغ شدن شک کند در اینکه درست انداخته یا نه، بنا بر صحت بگذارد،^۱ بلی اگر در رسیدن سنگ آخری به محل شک کند باید اعاده کند^۲، ولی اگر رسیدن را دانست و احتمال داد که با پا انداخته باشد یا سنگ مستعمل انداخته باشد، اعتنا نکند.

[۱۰۱۳] م - ظن به رسیدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.

[۱۰۱۴] م - در انداختن سنگ‌ها شرط نیست طهارت از حدث^۳ یا خبث و در خود سنگها نیز طهارت شرط نیست.^۴

[۱۰۱۵] م - از بچه‌ها و مریض‌ها^۵ و کسانی که نمی‌توانند به واسطه عذری

→ **آیه الله زنجانی:** در اصل، باید رمی کند و اگر در تعدد آن شک داشته باشد اگر احتمال رعایت بدهد، اعتنا نکند و اگر بعد از گذشتن وقت رمی - روز دهم - در اصل رمی یا عدد آن شک کند، و همچنین اگر بعد از گذشتن وقت رمی و رسیدن شب شک کند، اعتنا نمی‌کند.

۱. **آیه الله زنجانی:** چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی به رعایت شرایط آن توجه داشته اعتنا نکند.

آیه الله سبحانی: ولی ظن به پرتاب و یا ظن به صحت در حین رمی اعتبار ندارد و باید یقین کند که صحیح پرتاب کرده ولی همان طور که گذشت اصابت شرط نیست.

۲. **آیه الله بهجت:** گذشت در مسئله ۱۰۱۰.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر شک کند سنگ‌ریزه به جمره رسید یا نه بنا بر نرسیدن گذاشته و سنگ دیگری بزند مگر آنکه شک وی در وقتی باشد که به واجب دیگری مشغول شده یا پس از فرا رسیدن شب باشد. **آیه الله زنجانی:** در تمام فروض این مسئله چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی به رعایت شرایط آن توجه داشته یا بعد از روز عید، شک کند اعتنا نکند.

آیه الله سبحانی: اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن باشد، به شک خود اعتنا نکند و الا باید آن را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نکند، مطلقاً.

آیه الله فاضل: برای این استثناء وجهی به نظر نمی‌رسد.

۳. **آیه الله زنجانی:** رعایت طهارت از حدث، مطابق احتیاط استحبابی است.

۴. **آیه الله بهجت:** خلاف احتیاط است.

۵. **آیات عظام بهجت، سبحانی، تبریزی، خویی:** بیماری که امید ندارد تا مغرب بهبودی حاصل کند. ←

- مثل اغما - خودشان رمی کنند، کسی دیگر نیابت کند.^۱

[۱۰۱۶] م - مستحب است بلکه موافق احتیاط است که اگر بشود مریض را حمل کنند و ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ بیندازند.^۲

[۱۰۱۷] م - اگر مریض خوب شد و بی‌هوش به هوش آمد، بعد از آنکه نایب سنگ‌ها را انداخت، لازم نیست خودش اعاده کند و اگر در بین سنگ انداختن خوب شد یا به هوش آمد، باید خودش از سر، سنگ بیندازد و کفایت کردن به مقداری که نایب عمل کرده مشکل است.^۳

[۱۰۱۸] م - کسانی که عذر دارند از اینکه روز رمی کنند، می‌توانند شب عمل کنند هر وقت شب که باشد.^۴

→ **آیه الله زنجانی:** بانوان و کودکان و کسانی که از رمی در روز معذورند (به تفصیلی که در ذیل مسئله ۱۰۱۸ خواهد آمد) شب عید، رمی می‌کنند و چنانچه از رمی در شب و روز، معذور باشند، برای رمی در روز، نایب می‌گیرند و رمی در شب قبل، بر نیابت مقدم است و در صورتی که نتوانند برای رمی در روز نایب بگیرند برای رمی در شب قبل، نایب می‌گیرند.

۱. **آیه الله بهجت:** و اگر شب می‌تواند احتیاط در جمع بین استنابه و رمی در شب است.

آیه الله خامنه‌ای: کسانی که از انجام رمی حتی در شب معذورند (مانند بیماران) می‌توانند نایب بگیرند.

آیه الله مکارم: نیابت احتیاج به اذن و اجازه منوب عنه دارد.

۲. **آیه الله بهجت:** و اگر ممکن است مریض سنگ را به دست گیرد که دیگری بیندازد او را، و جمع کند بین این کار و استنابه علی‌الأحوط.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اگر ممکن است مریض سنگ‌ها را با دست بگیرد و دیگری برای او رمی کند.

۳. به مسئله ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۲ و حواشی **آیات عظام** در ذیل آنها مراجعه شود.

۴. **آیه الله بهجت:** معذورین می‌توانند شب قبل از آن روز رمی کنند اما در شب بعد، بنا بر احتیاط واجب مجزی نیست مگر اینکه فردا مانعی داشته باشند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: شب قبل از آن روز.

آیه الله خامنه‌ای: غیر از زنان که رمی شب عید وظیفه اختیاری آنان است کسانی که از انجام رمی در روز عید معذورند می‌توانند در شب عید یا شب پس از آن رمی کنند، همچنین کسانی که از انجام رمی در روز یازدهم یا دوازدهم ذی‌حجه معذورند، می‌توانند شب قبل یا شب بعد از آن رمی کنند. ←

مستحبات رمی جمرات^۱

[۱۰۱۹] م - در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱. با طهارت بودن در حال رمی.
۲. هنگامی که سنگ‌ها را در دست گرفته و آماده رمی است، این دعا را بخواند:
«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَخْصِنِّي لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي».
۳. با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.
۴. هر سنگی را که می‌اندازد این دعا را بخواند:
«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا».

→ **آیه الله زنجانی:** چند دسته‌اند که می‌توانند جمره را در شب قبل رمی کنند: الف) بانوان؛ ب) کودکان؛ ج)

ضعیفی که رمی در روز برایش مشقت دارد، هرچند شدید نباشد؛ د) تمام کسانی که رمی در روز برای آنها مشقت شدید دارد، ه) کسانی که به جهت تهیه ارزاق عمومی از رمی در روز معذورند. این چند گروه در روز هم می‌توانند رمی نمایند. چند گروهند که باید جمره را در شب قبل رمی کنند: الف) کسانی که نمی‌توانند در روز رمی کنند؛ ب) کسانی که می‌ترسند برای رمی در روز با خطر جدی روبه‌رو شوند؛ ج) کسانی که رمی در روز برایشان ضرر اساسی دارد، این سه دسته باید شب قبل رمی نمایند، و اگر در روز، رمی کردند بنا بر احتیاط به آن اکتفا نکنند. کسی که وظیفه او نایب گرفتن است اگر کسی بدون گفته او برایش سنگ زد کافی است.

آیه الله سبحانی: یعنی شب قبل از هر روز رمی کند نه شب بعد ولی اگر در شب هم نمی‌تواند باید نایب بگیرد و در هر سه مورد شب عید و شب یازدهم و دوازدهم نایب نمی‌تواند شب رمی کند بلکه باید در روز رمی نماید.

آیه الله سیستانی: کسانی که شب از ماندن در مشعر معذور بودند مانند زنان و بیماران می‌توانند همان شب عید رمی کنند و اما پرستاران و همراهان آنها باید روز رمی کنند مگر اینکه آنها نیاز به همراهی در طول روز داشته باشند به طوری که به مقدار رمی هم از آنها مستغنی نشوند و اما رمی در شب بعد کافی نیست و معذور باید نایب بگیرد مگر چوپانان و کسانی که از ماندن روز در منا معذورند به جهت ترس یا بیماری یا غیر آن.

آیه الله مکارم: زنان و پیران می‌توانند در شب رمی کنند، همچنین کسانی که روزها گرفتار کار حجاج هستند و فرق نمی‌کند در شب قبل یا شب بعد.

۱. **آیه الله مکارم:** این مستحبات را به قصد رجا به جا آورد.

۵. میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.
۶. جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.
۷. سنگ ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.
۸. پس از برگشتن به جای خود در منا، این دعا را بخواند:
«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمُؤَيِّدُ وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

قربانی^۱

- [۱۰۲۰] م - واجب است بر کسی که حج تمتع به جا می آورد، ذبح یک هدی؛ یعنی یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند و شتر افضل است و پس از آن گاو بهتر است.^۲
- [۱۰۲۱] م - کفایت نمی کند^۳ برای چند نفر به شرکت، یک هدی در حال اختیار، بلکه در حال ضرورت نیز محل اشکال است و احتیاط واجب جمع بین شرکت در ذبح و روزه است که ذکر می شود.^۴

۱. **آیه الله مکارم:** در صورتی که گوشت های قربانی مصرف نشود و آن را بسوزانند یا دفن کنند ذبح در آنجا مجزی نیست، بلکه باید پول آن را کنار بگذارند و در وطن خود یا محل دیگری که گوشت ها مصرف می شود در همان ماه ذی حجه قربانی کنند و اگر تمام گوشت ها مصرف شود باز با توجه به اینکه تمام قربانگاه ها خارج از منا است، مخیر است در آنجا قربانی کند یا در وطن خود اگر چه بهتر است در آنجا ذبح شود.
۲. **آیه الله خامنه ای:** کسی که حج تمتع به جا می آورد، باید یکی از چهارپایان سه گانه، یعنی شتر یا گاو یا گوسفند یا بز را قربانی کند، تفاوتی ندارد که قربانی نر باشد یا ماده و بهتر آن است که شتر باشد، اما غیر از چهارپایان مذکور، قربانی کردن سایر حیوانات کفایت نمی کند.
- آیه الله سبحانی:** ذبح شتر از فضیلت بیشتری برخوردار است و پس از آن گاو و در آخر گوسفند و در میان اقسام گوسفند، قوچ و بره نر افضل است و در مرتبه بعد بز نر و در صورتی که اینها یافت نشود میش ثواب بیشتری دارد تا بز ماده.
۳. **آیه الله مکارم:** بنا بر احتیاط واجب.
۴. **آیه الله زنجانی:** بلکه در حال ضرورت نیز کفایت نمی کند و باید به جای آن روزه بگیرند. ←

[۱۰۲۲] م - سایر حیوانات، غیر از سه حیوان مذکور، کافی نیست.

[۱۰۲۳] م - در هدی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

اول - آنکه اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد^۱ و اگر گاو است بنا بر احتیاط واجب، کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد و همچنین در «بز» کمتر از سن گاو نباشد^۲ و در میش به احتیاط واجب کمتر از یک سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد.^۳

دوم - باید صحیح باشد، پس حیوان مریض کافی نیست^۴، حتی مثل کچلی بنا بر احتیاط.

→ **آیه الله سبحانی:** هر فردی باید مستقلاً گوسفندی را قربانی کند و قربانی یک گوسفند برای دو نفر صحیح نیست بنابراین هرگاه دو نفر فقط توانایی خرید یک گوسفند داشته باشند باید به جای قربانی روزه بگیرند مگر اینکه یکی از دو نفر پول خود را به دیگری ببخشد یا قرض دهد تا او قربانی کند و خود روزه بگیرد این کار جایز است.

آیه الله صافی: در صورت ضرورت مثل اینکه جز یک قربانی پیدا نشود و به واسطه بهای زیادی که مالک آن معین کرده هر یک نتوانند آن را بخرند یا اگر بیشتر از یک قربانی پیدا شود به واسطه گرانی قیمت نتوانند خریداری نمایند به طور شرکت خریداری نمایند و قربانی کنند و احتیاطاً بدل آن روزه بگیرند ولی اگر یک قربانی بیشتر پیدا نشود و هر یک بتوانند آن را خریداری نمایند هر کدام توانستند باید قربانی نمایند بنابراین اگر یک نفر قربانی داشته باشد نمی‌تواند دیگران را با خود شریک کند.

آیه الله فاضل: اگرچه بعید نیست در حال ضرورت یک هدی برای چند نفر به شراکت کفایت کند و در این صورت احتیاط مستحب جمع بین شراکت در هدی و روزه است.

۱. **آیه الله خامنه‌ای:** بنا بر احتیاط واجب.

۲. **آیه الله زنجانی:** گاو و بز یک ساله، کافی است و بنا بر احتیاط مستحب، دو ساله باشند.

آیه الله سبحانی: شتر باید داخل در شش سال و گاو و بز داخل در سه سال و گوسفند (بره و میش) وارد در دو سال شده باشد.

آیه الله فاضل: اگر گاو داخل در سال دوم شده باشد کفایت می‌کند ولی بهتر است کمتر از دو سال نباشد و همچنین است اگر قربانی بز باشد و اگر میش باشد کمتر از یک سال هم کفایت می‌کند ولی احتیاط مستحب است که کمتر از یک سال نباشد.

۳. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** گوسفند بایستی هفت ماهش تمام و وارد ماه هشتم باشد و کمتر از آن کافی نیست و احتیاط این است که یک سالش تمام و در سال دوم داخل شده باشد.

آیه الله زنجانی: میش شش ماهه، کافی است و بنا بر احتیاط مستحب یک ساله باشد.

۴. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** احوط اولی این است که مریض نباشد. ←

سوم - باید خیلی پیر نباشد.^۱

چهارم^۲ - باید تام الأجزاء باشد و ناقص کافی نیست. پس اگر واضح باشد کوری یا لنگی آن بنا بر اقوی کافی نیست و اگر واضح نباشد به احتیاط واجب کافی نیست^۳ و

→ **آیه الله زنجانی، آیه الله صافی:** حیوانی که مبتلا به مرضی است که گوشتش را فاسد کرده کافی نیست و مجرد کچلی حیوان، مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: حیوان مریض که گوشت آن فاسد و خوردن آن موجب بیماری می شود مجزی نیست.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب باید صحیح باشد.

آیه الله گلپایگانی، متعرض این حکم نشده اند.

۱. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** احوط اولی آن است که خیلی پیر نباشد یعنی مغز استخوانش آب نشده باشد.

آیه الله سبحانی: بالا بودن سن قربانی مانع نیست آنچه مانع است این است که به خاطر شکستگی مغز استخوانش آب شده باشد.

آیه الله زنجانی: به طوری که استخوانش پوک باشد.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۲. **آیه الله بهجت:** باید تام الاجزاء باشد پس کور و یک چشمی و لنگ و گوش بریده حتی اگر خیلی از گوش بریده باشند و آنکه از شاخ اندرونی آن چیزی ناقص است مجزی نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: باید تام الاعضاء باشد پس کافی نیست کور (هرچند یک چشم باشد) و لنگ و گوش بریده و آنکه شاخ داخلش شکسته است و مانند آن.

آیه الله خامنه‌ای: چهارم آنکه اعضا و اندام‌های آن، کامل باشد، بنابراین قربانی کردن حیوان ناقص، مانند حیوانی که اخته شده یا بیضه‌اش کشیده شده باشد، کافی نیست، اما اگر بیضه‌هایش کوفته شده و اخته نشده باشد، قربانی کردن آن کفایت می‌کند، و نیز قربانی کردن حیوان دم‌بریده و کور و شل و گوش بریده و حیوانی که قسمت داخلی شاخ آن شکسته باشد، یا از ابتدا با یکی از این عیوب به دنیا آمده باشد، کافی نیست. بنابراین قربانی کردن حیوانی که فاقد یکی از اندام‌هایی باشد که در دیگر هم‌نوعان آن وجود دارد، به گونه‌ای که فقدان آن عضو یک نقص به شمار آید، کافی نیست. اما اگر بخش بیرونی شاخ آن (که مانند غلاف و پوشش بخش داخلی است) شکسته باشد، یا گوش آن شکافته یا سوراخ شده باشد، مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: باید تام الاجزاء و سالم باشد پس ناقص و معیوب، کافی نیست.

آیه الله سبحانی: نباید قربانی لنگی‌اش آشکار، کور، لوچ، دم بریده، اخته شده، گوش بریده، و یا دست و پا شکسته باشد همچنین نباید ریشه شاخ آن شکسته باشد و سر شاخ شکسته باشد اشکال ندارد.

۳. **آیه الله زنجانی:** رعایت این احتیاط مستحب است.

آیه الله مکارم: لنگی مختصر عیب ندارد.

احتیاط واجب آن است که چشمش سفید نشده باشد و باید گوش بریده^۱ و دم بریده و شاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد.

پنجم - باید لاغر نباشد و اگر در گرده او پیه باشد کافی است، و احتیاط آن است که آن را در عرف لاغر نگویند.^۲

ششم - باید «خصی» نباشد^۳؛ یعنی باید خصیتین آن را بیرون نیاورده باشند.

هفتم - باید بیضه آن را نکوبیده باشند به احتیاط واجب.^۴

هشتم - باید در اصل خلقت بی دم نباشد به احتیاط واجب و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد، بعید نیست کفایت، اگرچه خلاف احتیاط است.^۵

۱. آیه الله زنجانی: اگر قسمتی از گوش حیوان بریده باشد، اشکال ندارد.

۲. آیه الله بهجت: باید لاغر نباشد و مشهور کفایت بودن پیه در گرده اوست و احوط آنست که علاوه بر این او را در عرف لاغر نگویند.

آیه الله خویی: باید عرفاً لاغر نباشد و پیه داشتن در گرده ملاک نیست.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: بر کلیه آن مقداری چربی باشد کافی است.

آیه الله سبحانی: نباید در عرف لاغر شمرده شود.

آیه الله سیستانی: معتبر است که قربانی عرفاً لاغر نباشد.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله فاضل: بنا بر احوط قربانی نباید آخته باشد.

آیه الله سبحانی: با وجود حیوان سالم نباید قربانی از حیواناتی باشد که با شکافتن پوست، بیضه‌هایش را بیرون می‌آورند.

۴. آیه الله بهجت، آیه الله فاضل: این احتیاط مستحب است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احوط و اولی آن است که بیضه آن را نکوبیده باشند.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل شرط چهارم مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط مستحب، بیضه آن را نتابیده و نکوبیده باشند.

آیه الله سبحانی: حیوانی که رگ‌های بیضه‌هایش را کوبیده باشند و بیضه‌هایش برجا باشد حتی با وجود حیوان فاقد این عیب، برای قربانی کافی است ولی در هر حال بهتر است با وجود حیوان سالم این نوع حیوان را نیز قربانی نکنند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله مکارم: جایز است کشتن حیوانی که بیضه آن را کوبیده باشند.

۵. آیه الله بهجت: باکی نیست اگر گوش او شکافته یا سوراخ باشد اگرچه احوط ترک این دو و ترک حیوانی که

شاخ یا دم از برای او در اصل خلقت نباشد و همچنین آن حیوان که عروق و بیضتین او را مالیده باشند که او را موجوء و مرضوض الخصیتین گویند اگرچه اظهر اجزاء موجوء است. ←

نهم - در اصل خلقت بی بیضه نباشد.^۱

[۱۰۲۴] م - اگر غیر از خصی یافت نشود، بعید نیست کفایت ذبح خصی، گرچه احتیاط در جمع بین آن و سالم است در ماه ذی حجه همان سال و اگر نشد سال دیگر،^۲ یا جمع بین ناقص و روزه.

→ آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احوط و اولی این است که قربانی طوری نباشد که از اصل خلقت

شاخ و دم نداشته باشد.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل شرط چهارم مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: ذبح حیوانی که در اصل خلقت، گوش ندارد و همچنین حیوانی که دم ندارد و عرفاً ناقص به حساب می‌آید کافی نیست؛ ولی اگر در اصل خلقت، شاخ نداشته باشد اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: اگر نداشتن دم در برخی از نژادهای گوسفند طبیعی باشد قربانی کردن آن صحیح است؛ ولی اگر نژاد آن دارای دم باشد و یکی از آنها بی دم به دنیا آمده باشد، آن گوسفند برای قربانی کافی نیست. حیوانی که در آفرینش فاقد گوش است یا گوش‌های آن را از ته بریده باشند مجزی نیست ولی اگر کمی از گوش را بریده و یا به عنوان علامت‌گذاری سوراخ کرده‌اند اشکالی ندارد با این حال بهتر است غیر آن را انتخاب کنند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که حیوانی را که شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکند.

آیه الله مکارم: اگر در اصل خلقت بی دم باشد اشکال ندارد.

۱. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط.

۲. آیه الله بهجت: اگر تأخیر انداخت و پیدا نشد اشکال ندارد و جمع می‌کند بین آن و روزه.

آیه الله تبریزی: و کسی که نتواند قربانی را ولو با صبر کردن تا آخر ذی حجه به این شرایط تهیه کند، هرچه ممکن باشد کافی است.

آیه الله خویی: و کسی که نتواند قربانی را به این شرایط تهیه کند، هرچه ممکنش باشد همان کافی است. آیه الله سبحانی: اگر غیر از خصی و مرضوض گوسفند یافت نشود، ذبح آن کافی است لکن اگر ناچار شد حیوان ناقصی را که نقص آن از جهت خصی بودن آن نیست، قربانی کند کفایت کرده ولی احتیاط مستحب است که آن را ذبح کند و یک هدی تامّ هم در بقیه ذی حجه و اگر یافت نشد در سال آینده ذبح کند و احتیاط بهتر آن است که بین ذبح هدی ناقص و هدی تامّ و روزه جمع کند.

آیه الله سیستانی: اگر تا روز سیزدهم ذی حجه به جز اخته پیدا نشود، همان کافی است.

آیه الله صافی: احتیاط مستحب آنست که سه روز در حج و هفت روز پس از حج روزه بگیرد و این حکم در مورد قربانی ناقص است چه خصی باشد و چه غیر آن.

آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط ناقص را ذبح کند و در سال بعد نیز خودش و یا نایبش باید حیوان دیگری را که واجد شرایط است قربانی کند.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.

[۱۰۲۵] م - گاومیش در ذبح واجب، کافی است^۱ لکن گفته‌اند کراهت دارد.

[۱۰۲۶] م - اگر حیوان، شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد اشکال ندارد و شاخ خارج؛ شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف است از برای شاخ داخل که آن شاخ سفید است.^۲

[۱۰۲۷] م - شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن مانع ندارد^۳ و احتیاط آن است که چنین نباشد.

[۱۰۲۸] م - باید ذبح را بعد از رمی جمره عقبه بکند به احتیاط واجب.^۴

[۱۰۲۹] م - یک گوسفند، کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح، لکن هرچه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است که رسول خدا ﷺ صد شتر همراه آوردند، سی و چهار تای آنها را برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نحر کردند و شصت و شش تای آنها را برای خودشان.

[۱۰۳۰] م - اگر هدیه یافت نشود^۵، قیمت آن را پیش شخص امینی بگذارد که در

۱. آیه الله خویی، آیه الله گلپایگانی؛ متعرض این فرع نشده‌اند.

۲. آیه الله سبحانی؛ حیوانی که شاخ برون و درون آن هر دو شکسته باشد، برای قربانی کفایت نمی‌کند اما اگر شاخ بیرون آن شکسته ولی شاخ درون و به اصطلاح ریشه سالم باشد در صورتی که این شکستگی عرفاً نقص و عیب محسوب نمی‌شود کفایت می‌کند، بنابراین شکسته شدن سر شاخ گوسفند اشکال ندارد.

۳. آیه الله سبحانی؛ شکاف گوش یا سوراخ کردن آن اگر برای علامت‌گذاری انجام گرفته باشد مانع ندارد ولی بهتر است غیر آن را انتخاب کنند.

۴. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، صافی، گلپایگانی؛ واجب است قربانی پس از رمی باشد. آیه الله فاضل؛ بنا بر اقوی بعد از رمی قربانی کند.

۵. آیه الله بهجت؛ در ادامه این فرع می‌فرماید؛ و احوط آن است که در صورت تأخیر از ذبح همان سال، جمع کند بین آن و صوم ده روز.

آیه الله زنجانی؛ و نتواند تا فراهم شدن قربانی، در مکه بماند...

آیه الله سیستانی؛ اگر تا روز سیزدهم یافت نشود بعید نیست کفایت روزه (که در بخش بعد، مسئله ۱۰۵۱ خواهد آمد) ولی احتیاط مستحب این است که جمع کند بین روزه و ذبح در بقیه ذی‌حجه اگر ممکن باشد هرچند با سپردن به شخص امین.

بقیه ذی حجه بگیرد و در منا ذبح کند و اگر در این سال ممکن نشود، سال بعد این کار را بکند.

[۱۰۳۱] م - اگر هدی ناقص یافت شود (از غیر جهت خاصی بودن که گذشت) احتیاط واجب آن است که آن را ذبح کند^۱ و یک هدی تام هم در بقیه ذی حجه و اگر نشد در سال آینده ذبح کند، و احتیاط بهتر آن است که جمع کند بین هدی ناقص و هدی تام؛ به طوری که گفته شد و روزه به نحوی که ذکر شد.

[۱۰۳۲] م - احتیاط واجب آن است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد.^۲

۱. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: به ذیل مسئله ۱۰۲۴ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر تا آخر ذی حجه هدی تام پیدا می کند باید صبر کند ولی اگر فعلاً متمکن نیست و احتمال می دهد تا آخر ادامه پیدا کند می تواند هدی ناقص ذبح کند ولی اگر اتفاقاً کشف خلاف شد باید اعاده کند.

آیه الله زنجانی: هدی ناقص کافی نیست، بلکه باید تا آخر ذی حجه صبر کند و هدی تام، قربانی کند و پس از آن حلق و تقصیر کرده اعمال بعدی را انجام دهد، البته در صورتی که این تأخیر، حرجی است یا مجبور است به وطن برگردد بدون قربانی، اعمال بعدی را انجام می دهد و در باقیمانده ذی حجه و اگر نشد در سال بعد، قربانی می کند و در هر حال، وظیفه او روزه گرفتن نیست.

آیه الله سبحانی: در مورد خصی در مسائل قبل متعرض شده ایم لکن اگر ناچار شد حیوان ناقصی را که نقص آن به خاطر خصی بودن نباشد بلکه از جهات دیگر ناقص باشد را قربانی کند کفایت می کند و آنچه در متن به عنوان احتیاط واجب آمده احتیاط مستحب است.

آیه الله سیستانی: احتیاط این است که بین ذبح ناقص و روزه اگر در ایام تشریق یافت نشد جمع نماید. و اگر در بقیه ذی حجه هدی تام یافت شود به احتیاط واجب آن را نیز اضافه کنند و همچنین است اگر پول هدی واجد شرایط را ندارد.

آیه الله فاضل: و بعید نیست اکتفا به همین هدی.

آیه الله مکارم: هرگاه صحیح یافت نشود ناقص کافی است و احتیاط مزبور لازم نیست.

۲. **آیه الله بهجت:** واجب است ذبح هدی در روز عید، و اما بعد از عید پس مجزی است در بقیه ذی حجه اگر چه خلاف احتیاط است تکلیفاً تأخیر از آن بدون عذر خصوصاً تأخیر از ایام تشریق سه گانه.

آیه الله زنجانی: اختیاراً می تواند ذبح را تا روز دوازدهم به تأخیر بیندازد و در صورت عذر، تأخیر آن تا زمانی که بتواند بعد از قربانی، حلق و تقصیر کرده و اعمال مکه آخر را در ذی حجه به جا آورد، مانعی ندارد ولی در هر حال باید ترتیب بین اعمال روز عید و همچنین بین حلق یا تقصیر و اعمال مکه رعایت شود، هر چند شرطیت ترتیب بین اعمال منا مخصوص عالم عامد است. ←

- [۱۰۳۳] م - اگر به واسطه عذری مثل فراموشی یا غیر آن، ذبح را در روز عید نکرد، احتیاط واجب آن است که در ایام «تشریق» ذبح کند^۱ و اگر نشد در بقیه ماه ذی‌حجه و در تأخیر عمدی نیز همین حکم است.^۲
- [۱۰۳۴] م - اگر حیوانی را به گمان آنکه صحیح و سالم است ذبح کرد بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده، کافی نیست و باید دوباره ذبح کند.^۳
- [۱۰۳۵] م - اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد بعد معلوم شد لاغر است، کافی است.^۴

- **آیه الله سیستانی:** این احتیاط مستحب است و می‌تواند در روزهای تشریق هم قربانی کند.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** بنا بر احتیاط اختیاراً جایز نیست ذبح هدی را از روز عید تأخیر بیندازد اگرچه اقوی جواز آن است.
- آیه الله مکارم:** تا روز سیزدهم جایز است.
۱. **آیه الله بهجت:** حکم آن در مسئله قبل بیان شد.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** بلکه بدون تردید لازم است.
- آیه الله زنجانی:** به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.
- آیه الله سبحانی:** افراد معذور تا غروب روز سیزدهم ذی‌حجه فرصت دارند قربانی کنند و اگر امکان نپذیرفت، تا آخر ماه می‌توانند وظیفه قربانی را انجام دهند ولی رمی خود را در روز یازدهم و دوازدهم انجام دهند هرچند قربانی به تأخیر افتاده باشد.
- آیه الله سیستانی:** اقوی آن است که می‌تواند در روزهای تشریق قربانی کند.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** این احتیاط واجب نیست اگرچه مطلوب است و لکن اگر در غیر ایام نحر (روز عید و سه روز بعد از آن) بود بنا بر احتیاط قصد ادا و قضا نکند، بلکه به قصد ما فی الذمه ذبح کند.
- آیه الله مکارم:** تا روز سیزدهم در هر حال جایز است ذبح کند.
۲. **آیه الله سیستانی:** اگر عمداً ذبح را از ایام تشریق تأخیر بیندازد حجت باطل است و اگر معذور باشد باید روزه بگیرد و احتیاط مستحب این است که ذبح در بقیه ذی‌حجه را نیز انجام دهد.
۳. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم:** چنانچه قربانی را به عقیده اینکه سالم است خریداری نمود و قیمتش را پرداخت و بعد معلوم شد که عیبی دارد، ظاهر این است که می‌تواند به آن اکتفا نماید و لازم نیست قربانی دیگری بنماید.
- آیه الله خامنه‌ای:** در صورت تمکن مالی.
۴. **آیه الله سیستانی:** اگر حیوانی را به گمان چاقی خرید سپس معلوم شد لاغر است کافی است چه قبل از ذبح معلوم شود چه بعد از آن، ولی اگر خودش گوسفندی داشت و آن را به گمان چاقی ذبح کرد سپس معلوم شد لاغر است به احتیاط واجب کافی نیست. ←

[۱۰۳۶] م - اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آنکه چاق درآید، برای اطاعت خدا رجائاً ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است، کافی است.

[۱۰۳۷] م - اگر احتمال نمی‌داد که حیوان چاق است یا احتمال می‌داد لکن از روی بی‌مبالاتی ذبح کرد نه به امید موافقت امر خداوند، کافی نیست.^۱

[۱۰۳۸] م - اگر لاغری آن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسئله، برای اطاعت خداوند ذبح کرد، بعد معلوم شد چاق است، احتیاط واجب در اعاده است.^۲

[۱۰۳۹] م - اگر ناقص بودن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسئله، برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شد صحیح است ظاهراً کافی باشد.

[۱۰۴۰] م - احتیاط آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند، یک قسمت را هدیه بدهند و یک قسمت را صدقه بدهند و قدری هم از ذبیحه بخورند و صدقه را به مؤمنین بدهند و لکن هیچ‌یک از این احتیاط‌ها واجب نیست^۳ و اگر صدقه را به فقرای

→ **آیه الله مکارم:** هرگاه حیوانی را که به ظاهر چاق است، خریداری کند و بعد از ذبح کردن یا پس از خریدن و پرداخت وجه و قبل از ذبح معلوم شود لاغر است، کافی است.

۱. **آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی، مکارم:** اگر اجمالاً قصد اطاعت امر الهی داشته است کافی است. **آیه الله سبحانی:** اگر معلوم شد گوسفند لاغر نبوده کفایت می‌کند ولی اگر لاغر بوده باید مجدداً قربانی کند.

۲. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خوبی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی:** در فرض مزبور کفایت می‌کند.

آیه الله فاضل: بهتر است اعاده کند.

آیه الله نوری: ظاهراً کافی است.

۳. **آیه الله بهجت:** احوط آنست که قدری از ذبیحه بخورند و قدری هدیه دهند و قدری صدقه دهند و لازم نیست بنا بر اظهار هر یک از هدیه و صدقه ثلث ذبیحه باشد و نیز در خصوص سهم صدقه احوط آن است که بر مؤمنین بوده باشد و اگر به اختیار خود به غیر مؤمن بدهد احوط ضمان اوست یعنی قیمت قدری از آن را به عنوان صدقه به فقیر می‌دهد و همین احتیاط در سهم هدیه به مثل اتلاف و بیع جاریست و عمل به احتیاط به مثل توسط فقیر یا استیکال او ممکن است، و در صورت عدم امکان، این تکلیف ساقط است. ←

کفار بدهد یا آنکه تمام ذبیحه را به آنها بدهد اشکال ندارد و ضامن حصه فقراء نیست^۱ لیکن احتیاطاً؛ خصوصاً در خوردن قدری از ذبیحه، خیلی مطلوب است.

[۱۰۴۱] م - جایز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نایب کند و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند.^۲

- **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** این احتیاط واجب است ولی نسبت به صدقه انسان می‌تواند از فقیر مؤمن و نسبت به هدیه از مؤمن دیگری ولو از شهر خودش وکالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول و قبض کرده و بعد اعراض نماید و در صورتی که در منا متمکن از تقسیم نیست اخذ وکالت مزبور لازم است و اگر این عمل را با فرض تمکن انجام ندهد بنا بر احتیاط واجب ضامن است.
- آیه الله زنجانی:** ولی واجب است حداقل ثلث قربانی را به فقیری که در حرم حضور دارد - هرچند زائر باشد - صدقه بدهد و برای این کار کافی است از فقیر وکالت بگیرد و از طرف فقیر، سهم او را تحویل بگیرد.
- آیه الله سبحانی:** به احتیاط واجب قسمت فقرا به آنها داده شود و چون عمل به این قسمت در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست می‌تواند از فقیری در شهر خود یا نقطه دیگر وکالت بگیرد که در غیاب او به وی تملیک کند و سپس آن را رها کند و اگر این کار را هم نتواند انجام دهد اذن فقیر ساقط است.
- آیه الله سیستانی:** در دو قسم اول با متن موافق هستند و اما در قسم سوم می‌فرمایند؛ بنا بر احتیاط واجب آن را به فقراى مسلمانان صدقه دهد. و اگر صدقه دادن ممکن نباشد یا موجب مشقت و زحمت زیادى شود و جوب آن ساقط می‌شود و رساندن آن به خود فقیر لازم نیست بلکه کفایت می‌کند به وکیل او داده شود اگرچه وکیل خود قربانی‌کننده باشد آن‌گاه وکیل بر حسب اجازه موکل در آن تصرف می‌کند به هدیه دادن یا فروش یا اعراض از آن و یا غیر اینها.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** احتیاط واجب آن است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه دهد و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه بدهد، و احتیاط آن است که هدیه را هم به مؤمن بدهد و اینکه هر یک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد و در هدیه فقر شرط نیست.
- آیه الله مکارم:** تقسیم ذبیحه برای کسی که متمکن است به سه قسمت واجب است ولی وکالت گرفتن از فقیر لازم نیست.
۱. **آیه الله سیستانی:** بلکه به احتیاط واجب ضامن حصه فقرا است مگر اینکه قربانی ارزش مالی خود را به دلیل فراوانی بیش از حد از دست بدهد.
۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** باید نیت از صاحب قربانی تا هنگام کشتن مستمر باشد و کشنده لازم نیست نیت کند هرچند احوط و اولی نیت نمودن اوست. ←

و همین طور در ذبح کفارات. [۱۰۴۲] م - احتیاط واجب آن است که ذابح مؤمن باشد، بلکه خالی از قوت نیست

→ **آیه الله زنجانی:** در ذبح قربانی و کفارات، مباشرت، معتبر نیست، پس حاجی می‌تواند از کسی بخواهد یا به او اجازه دهد برایش ذبح کند، بلکه می‌تواند دیگری را در این کار، نایب خود قرار دهد و در صورت اول - که متعارف موارد است - هنگام ذبح باید خود حاجی، قصد داشته باشد که «برای حج تمتع قربانی می‌کنم قربانۀ الی الله» و کافی است این قصد به طور اجمال در ذهن او باشد و لازم نیست ذابح، قصد قربت یا نیت انجام قربانی برای حج داشته باشد؛ بلکه همین که حیوان او را ذبح می‌کند کافی است، هر چند اصلاً کسی را نیت نکرده باشد و چون کار ذابح، نیابت نیست، بدون تردید، ایمان در او معتبر نمی‌باشد و حکمی که در متن مناسک آمده است مربوط به صورت دوم یعنی صورت نیابت است که به ندرت پیش می‌آید.

آیه الله سبحانی: هرگاه انسان دیگری را برای قربانی نایب بگیرد، در این صورت خود شخص فقط قصد قربت کند ولی نایب باید عمل را آگاهانه و با تعیین نوع عمل (اینکه قربانی برای حج تمتع است و اینکه برای خود است یا نیابتاً و فردی که حج را برای او انجام می‌دهد و یا نایب در ذبح است) انجام دهد، اما هرگاه فقط ذبح را به دیگری واگذار می‌کند، در این صورت اعمال مربوط به نیت (آگاهانه بودن - تعیین نوع عمل - کار برای خدا انجام شود) مربوط به خود اوست. پس در شق اول حج گزار فقط قصد قربت کند و بقیه بر عهده نایب است و در شق دوم فقط ذبح به دیگری واگذار می‌شود و اعمال مربوط به نیت بر عهده حج گزار است، بنابراین آنچه امروز بیشتر مرسوم است که نایب بدون واسطه و یا با اذن در توکیل به غیر، به قربانگاه می‌رود و پس از صورت برداری از اسامی افراد مختلف به ترتیب نام یک یک افراد را در نظر می‌آورد و قصد می‌کند آنچه بر ذمه فلانی است، انجام می‌دهم خواه حجة الاسلام یا نیابتی یا مستحبی باشد، کافی است و ذبح کلی از طرف موکلین کافی نیست و باید به هنگام ذبح تک تک افراد را مشخص کند.

آیه الله صافی: و احوط آن است که علاوه بر نایب خودش هم اگر در وقت ذبح حاضر باشد نیت کند و اگر حاضر نیست موقعی که نایب یا وکیلی را که از طرف او برای ذبح نایب می‌گیرد می‌فرستد نیت کند و نیت را تا وقت ذبح مستمر بدارد.

آیه الله گلپایگانی: علاوه بر خودش ذابح نیز باید نیت کند.

آیه الله مکارم: نیت را حاجی می‌کند.

۱. **آیه الله بهجت:** ایمان شرط نیست ولی شرایط دیگر را باید دارا باشد.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: اگر مسلمان باشد کفایت می‌کند و شیعه بودن ذابح لزومی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب ذبح‌کننده باید شیعه اثنی عشری باشد اما اگر نیت را خودش انجام دهد و فقط برای اجرای آن نایب بگیرد در این صورت بعید نیست که شیعه بودن ذبح‌کننده شرط نباشد.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: در صورتی که ذابح را در انجام قربانی نایب کرده باشد و اما اگر از او خصوص ذبح را خواسته باشد لازم نیست مؤمن باشد و خودش باید قصد قربانی و قربت را انجام دهد.

آیه الله مکارم: تمام مسلمانان که ذبیحه آنان پاک و حلال است می‌توانند ذبح کنند.

[۱۰۴۳] م - در صورتی که قربانی به دست غیر مؤمن انجام گیرد، کفایت نمی‌کند و باید دو مرتبه قربانی کند، هرچند در وقت قربانی متوجه نشود که ذابح مؤمن نیست یا جاهل به مسئله باشد.^۱

[۱۰۴۴] م - ذبح هم از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

[۱۰۴۵] م - احتیاط آن است که اگر احتمال نقص یا مرض در گوسفند بدهند، آن را معاینه کنند، اگرچه اقوی در احتمال آنکه عیبی حادث شده باشد، مثل آنکه احتمال بدهد گوش یا دمش را بریده‌اند یا آن را خصی کرده‌اند، عدم لزوم معاینه است و احتیاط در عیب‌هایی که محتمل است از حال تولد داشته و مادرزاد بوده، ترک نشود.^۲

[۱۰۴۶] م - اگر بعد از ذبح کردن، احتمال داد ناقص بودن یا نداشتن سایر شرایط را، اعتنا نکند.^۳

[۱۰۴۷] م - اگر به کسی نیابت داد برای خریداری کردن و ذبح، و نایب انجام داد، و بعد از آن شخص محرم احتمال داد که نایب به شرایط عمل نکرده باشد، به این احتمال اعتنا نکند و ذبح کافی است.

۱. نظر آیات عظام از مسئله قبل معلوم می‌شود.

۲. آیه الله تبریزی: در موارد احتمال نقص و مرض مطلقاً فحص لازم نیست.

آیه الله خویی: فحص لازم نیست.

آیه الله زنجانی: اگر احتمال عقلایی عیب یا مرض مادرزادی، داده شود فحص، واجب است.

آیه الله سیستانی: فحص مطلقاً لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که فحص کند مخصوصاً اگر احتمال نقص از هنگام ولادت در میان باشد.

آیه الله مکارم: و بعید نیست قول فروشنده در مورد سن حیوان و یا اخته نبودن یا سایر عیوب پنهانی که خریدار نمی‌داند مقبول باشد.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، فاضل: در صورتی که احتمال بدهد که در حال ذبح احراز شرایط کرده بوده.

آیه الله سبحانی: به شرطی که هنگام ذبح آن را واریسی کرده باشد.

آیه الله سیستانی: و همچنین اگر شک در این باشد که محل ذبح منا بوده یا جای دیگر.

[۱۰۴۸] م - اگر کسی را نایب کرد برای خریداری و ذبح، باید علم پیدا کند یا اطمینان^۱ به اینکه عمل کرده است و گمان کفایت نمی‌کند.

[۱۰۴۹] م - اگر نایب عمداً بر خلاف دستور شرع، در اوصاف ذبیحه یا در کشتن آن، عمل کرد ضامن است و باید غرامت آن را بدهد و باید دو مرتبه ذبح کنند.

[۱۰۵۰] م - اگر نایب از روی اشتباه یا جهل، بر خلاف دستور عمل کند^۲، اگر برای عمل اجرت گرفته است ضامن است و الاً معلوم نیست ضامن باشد^۳ و در هر صورت باید اعاده شود.

۱. آیه الله بهجت: احتیاطاً اطمینان لازم است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر نایب ثقة باشد و خبر دهد از ذبح کافی است.

آیه الله زنجانی: یا حجت شرعی دیگری مانند شهادت دو عادل یا اخبار کسی که گفته او در این مورد برای حاجی یا متعارف مردم، اطمینان آور است وجود داشته باشد. بلکه اگر نایب ثقة باشد و خبر از ذبح دهد کافی است.

آیه الله سبحانی: چنانچه وکیل یا نایب در ذبح مورد وثوق بود و گفت که حیوان را خریداری کرده و ذبح نموده، کفایت می‌کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر بگوید قربانی کرده‌ام، در صورتی که متهم به کذب نباشد، می‌توان سخن او را پذیرفت.

۲. آیه الله صافی: این فرع مجمل است و تفصیلی دارد.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

۳. آیه الله بهجت: اگر خلاف موجب عدم اجزاء شود در هر صورت ضامن است و اعاده لازم است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مطلقاً مورد ضمان است.

آیه الله زنجانی: در هر دو صورت ضامن است، مگر شرط عدم ضمان کرده باشد - ولو ارتکازاً -

آیه الله سبحانی: چون اتلاف صورت گرفته ضامن است چه برای این کار اجرت گرفته باشد یا اینکه تبرعاً انجام داده باشد ولی بهتر است در مورد تبرع رعایت انصاف شده و مصالحه گردد ولی در هر صورت باید ذبح اعاده شود.

آیه الله سیستانی: در هر دو صورت ضامن است.

آیه الله فاضل: و نیز اگر تلف مستند به ذایح باشد بنا بر احتیاط ضامن است اگرچه عمل را تبرعاً انجام داده باشد.

آیه الله مکارم: اگر مقصر بوده ضامن است.

بدل قربانی

۱۰۵۱] م - اگر قادر نباشد بر ذبح، باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

۱۰۵۲] م - مراد از اینکه قادر بر ذبح نباشد^۱، آن است که نه هدی را داشته باشد و نه پولش را.

۱۰۵۳] م - اگر می‌تواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و در ازای قرض چیزی که ادا کند داشته باشد باید قرض کند و ذبح کند.^۲

۱۰۵۴] م - اگر می‌تواند بدون مشقت چیزی که زاید از مؤونه سفر است بفروشد، باید بفروشد، و هدی بخرد، لکن لباس را هرچه باشد لازم نیست بفروشد.^۳

۱. **آیه الله سبحانه:** مراد از عدم قدرت در ذبحی که به روزه بدل می‌شود، عبارت است از اینکه پول خریدن آن را نداشته باشد و یا نتواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و یا اینکه ما به ازای قرض را جهت ادا در مکه یا وطن نداشته باشد و اما اگر پول خریدن قربانی را دارد ولی به هر دلیل مثل نبودن گوسفند و یا امر دیگر نتوانست تا غروب روز سیزدهم قربانی کند، حلق یا تقصیر را انجام دهد و در مورد قربانی اگر می‌تواند تا آخر ذی‌حجه انجام دهد و در غیر این صورت سال بعد قربانی را ولو با استنابه در منا انجام دهد و در آن صورت که به خاطر عدم توانایی مالی، نمی‌تواند قربانی تهیه کند، اگر از اول می‌داند باید سه روز قبل از عید و هفت روز بعد از برگشتن روزه بگیرد و اگر نتوانست باید تا آخر ذی‌حجه سه روز را در مکه و بقیه را در محل بماند، و باز هم اگر نتوانست به عللی در مکه بماند، سه روز را در راه و هفت روز را در محل و باز هم اگر نشد سه روز را در محل و با فاصله هفت روز بعدی را نیز در محل بگیرد.

۲. **آیه الله زنجانی:** واجب نیست پول قربانی را قرض کند، ولی اگر قرض کرد باید قربانی کند.

۳. **آیه الله بهجت، آیه الله صافی:** فرق بین لباس و غیر آن در صورتی که زائد بر مؤونه باشد نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی: فرقی بین لباس و غیر لباس نیست.

آیه الله سبحانه: ولی در لباسی که به آن حاجت دارد اگر بفروشد و قربانی تهیه نماید احتیاط آن است که روزه هم بگیرد.

آیه الله سیستانی: اگر لباس مورد حاجت او نباشد بنا بر احتیاط واجب باید آن را بفروشد و قربانی تهیه کند.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیه الله مکارم: لباسی که مورد حاجت است.

[۱۰۵۵] م - لازم نیست کسب کند و پول هدی را تهیه کند^۱، لیکن اگر کسب کرد و تهیه کرد، باید ذبح کند.

[۱۰۵۶] م - اگرچه لباس را لازم نیست بفروشد لکن اگر لباس زاید داشت و فروخت، ظاهراً باید ذبح کند و احتیاط آن است که روزه هم بگیرد.^۲

[۱۰۵۷] م - این سه روز روزه را باید در ماه ذی‌حجه بگیرد و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد و جلوتر نگیرد.^۳

[۱۰۵۸] م - باید این سه روز دنبال هم باشد.

[۱۰۵۹] م - اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد، روز هشتم و نهم بگیرد و یک روز دیگر بعد از مراجعت از منا بگیرد و احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق، که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است، بگیرد.^۴

۱. آیه الله بهجت: اگر مناسب باشد و عسر و حرج نباشد لازم است کسب نماید.

۲. آیه الله بهجت: گذشت که لباس زائد را بفروشد و ذبح کند و روزه لازم نیست.

آیات عظام تبریزی، زنجانی، مکارم: در این صورت روزه لازم نیست.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: و سه روز اول را می‌تواند پس از شروع به اعمال عمره تمتع از اول ماه ذی‌حجه بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید این سه روز یا کاملاً قبل از عید قربان قرار گیرد هفتم و هشتم و نهم. و یا پس از بازگشت از منا و تا آخر ذی‌حجه.

آیه الله سبحانی: لیکن اگر قبل از ایام منا یعنی روز هشتم و نهم را روزه گرفت می‌تواند یک روز را بعد از ایام تشریق روزه بگیرد کما اینکه این سه روز را می‌تواند از اول ذی‌حجه روزه بگیرد.

۴. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسی که باید در حج روزه بگیرد چنانچه نتواند روز هفتم را روزه بگیرد هشتم و نهم را روزه گرفته و روز دیگر را پس از بازگشت از منا روزه بگیرد.

آیه الله زنجانی: و باید بعد از روز سیزدهم بگیرد، مگر به جهت ضرورت.

آیه الله سبحانی: روزه در ایام تشریق برای کسی که در منا است جایز نیست چه حج‌گزار باشد و چه غیر آن لذا اگر قبل از ایام منا روزه نگرفت باید بعد از ایام تشریق سه روز در مکه روزه بگیرد و هفت روز در محل خود و اگر در مکه نشد در راه بازگشت و اگر آن هم ممکن نشد در محل سه روز و بعد فاصله انداخته و هفت روز را روزه بگیرد و به احتیاط واجب هفت روز روزه که باید در محل بگیرد متوالیاً بگیرد. ←

[۱۰۶۰] م - این سه روز روزه را در ایام تشریق، در منا، جایز نیست بگیرد^۱، بلکه در ایام تشریق در منا روزه برای همه کس حرام است^۲، چه حج به جا بیاورد یا نه.

[۱۰۶۱] م - احتیاط مستحب برای کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و هشتم و نهم را گرفته، آن است که بعد از مراجعت از منا، سه روز روزه بگیرد - که اول آن، روز کوچ کردن است؛ یعنی سیزدهم^۳ - و متوالی بگیرد و قصدش آن باشد که سه روز از پنج روز برای ادای روزه واجب باشد.

[۱۰۶۲] م - اگر روز هشتم را روزه نگرفت، روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منا^۴ سه روز دنبال هم بگیرد.

[۱۰۶۳] م - جایز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاد، تا آخر ذی حجه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد، اگرچه احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق فوراً بگیرد.^۵

→ **آیه الله سیستانی:** مکلفی که باید سه روز در حج روزه بگیرد اگر موفق نشود همه سه روز را پیش از روز عید به جا آورد، بنا بر احتیاط کفایت نمی کند آنها را در روز هشتم و نهم و یک روز دیگر پس از برگشت از منا بگیرد، و افضل این است که پس از سپری شدن روزهای تشریق این سه روز را روزه بگیرد، اگرچه جایز است که از روز سیزدهم شروع کند، در صورتی که قبل از آن از منا برگشته باشد، بلکه بنا بر اظهر اگرچه در خود روز سیزدهم برگشته باشد.

۱. **آیه الله زنجانی:** مگر برای ضرورتی باشد - مثلاً روز چهاردهم، مجبور است مراجعت کند - در این صورت روز سیزدهم را روزه می گیرد.

۲. **آیه الله بهجت:** نسبت به غیر ناسک خالی از تأمل نیست.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۳. **آیه الله زنجانی:** و اول آن روز چهاردهم است.

آیه الله صافی: و احتیاط آنست که اول آن روز چهاردهم باشد.

آیه الله سیستانی: به ذیل مسئله ۱۰۵۹ رجوع شود.

آیه الله فاضل: مشروط بر اینکه روز سیزدهم در منا نباشد و الا باید از روز چهاردهم شروع کند.

۴. **آیه الله زنجانی، آیه الله سبحانی:** و گذشتن روز سیزدهم.

۵. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** احتیاط این است که پس از بازگشت هرچه زودتر روزه ها را بگیرد و بدون عذر تأخیر ننماید.

آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

[۱۰۶۴] م - این سه روز را در سفر می‌تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست بین راه هم جایز است بگیرد.^۱

[۱۰۶۵] م - اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن شد از هدی، لازم نیست ذبح کند^۲، لیکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند.

[۱۰۶۶] م - اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی‌حجه تمام شد باید هدی را خودش یا نایبش در منا ذبح کند^۳ و روزه فایده ندارد.

[۱۰۶۷] م - باید این سه روز روزه را، بعد از احرام به عمره به جا آورد و قبل از آن نمی‌تواند.^۴

۱. آیه الله سبحانی: به حاشیه مسئله ۱۰۵۹ مراجعه شود.

۲. آیه الله بهجت: اگرچه ذبح کردن افضل و احوط است خصوصاً در صورت وجدان هدی قبل از خروج از منا. آیه الله تبریزی: اگر تا آخر ایام تشریق متمکن شد، بنا بر احتیاط واجب باید قربانی کند؛ در غیر این صورت روزه کفایت می‌کند.

آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که قربانی کند.

آیه الله زنجانی: اگر در روز دهم تا دوازدهم، متمکن از هدی شد لازم است قربانی کند و نمی‌تواند به روزه، اکتفا کند و اگر بعد از آن متمکن شد لازم نیست.

آیه الله سبحانی: اگر تا آخر ایام تشریق متمکن شد باید ذبح کند و در غیر این صورت، روزه کفایت می‌کند. آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط قربانی بر او واجب خواهد شد اگر تمکن قبل از گذشت ایام تشریق باشد و الا روزه کفایت می‌کند.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب قربانی کند.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم: در ذی‌حجه سال آینده.

آیه الله زنجانی: باید در سال آینده، خودش یا نایبش در منا ذبح کند و اگر تأخیر روزه از روی علم و عمد و اختیار بوده باید یک گوسفند کفاره بدهد، بلی چنانچه به جهت ضرورتی نتوانسته در ذی‌حجه روزه بگیرد باید بعد از ذی‌حجه روزه بگیرد و قربانی کفایت نمی‌کند.

آیه الله گلپایگانی: و در ذبح نیت ما فی الذمه از هدی یا کفاره بکند و سپس بنا بر احتیاط هفت روز پی‌درپی نزد اهلهش روزه بگیرد.

۴. آیه الله زنجانی: باید بعد از محرم شدن به احرام حج بگیرد. ←

[۱۰۶۸] م - هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج، روزه بگیرد.

[۱۰۶۹] م - احتیاط واجب آن است که پی‌درپی به جا آورد.^۱

[۱۰۷۰] م - جایز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آنکه بنای اقامت در مکه داشته باشد،^۲ در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می‌توانست به وطن خود مراجعت کند، جایز است به جا آورد و همچنین جایز است اگر یک ماه بماند.

[۱۰۷۱] م - در این ایام که با هواپیما مراجعت می‌کنند، بعید نیست برای کسی که در مکه اقامت کرده جایز باشد به همان مقداری که هواپیما اشخاص را به محل می‌رساند صبر کند و روزه بگیرد لیکن احتیاط خلاف آن است^۳ و به احتیاط واجب جمع بین سه روز و هفت روز را نکند.^۴

→ **آیه الله فاضل:** یعنی تا زمانی که محرم به احرام عمره تمتع نشده نمی‌تواند این سه روز را بگیرد اما بعد از احرام عمره تمتع اگرچه محل هم باشد می‌تواند به تفصیلی که در مسئله ۱۰۵۷ گذشت روزه بگیرد.

۱. **آیه الله بهجت:** اظهر عدم وجوب توالی است.

آیه الله زنجانی: سه روز روزه و همچنین هفت روز روزه باید پی‌درپی باشد، مگر در مواردی که ذکر شده است.

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: بنا بر احتیاط مستحب...

۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** در این صورت باید صبر کند تا همراهان او به وطن مراجعت کنند یا یک ماه بگذرد و سپس روزه بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسئله و مسائل بعد تا مسئله ۱۰۷۶ نشده‌اند.

۳. **آیه الله زنجانی:** باید به همان مقداری که - مثلاً - باید به فرودگاه برود و با هواپیما به محل بازگردد صبر کند و سپس روزه بگیرد و نباید بین ۳ روز و ۷ روز جمع نماید.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: به ذیل مسئله قبلی مراجعه شود.

آیه الله مکارم: این احتیاط لازم نیست.

۴. **آیه الله بهجت:** فاصله لازم نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: نباید بین ۳ روز و ۷ روز جمع نمایند.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب عدم جمع است.

[۱۰۷۲] م - اگر در غیر مکه؛ چه در راه یا در بلدی غیر از وطن خودش، اقامت کرد ظاهراً نتواند هفت روز روزه را در آنجا بگیرد^۱، اگرچه به مقداری صبر کند که اگر راه می‌پیمود به وطن می‌رسید.

[۱۰۷۳] م - ابتدای ماهی را که اگر بماند در مکه جایز است روزه را بگیرد و همین طور ابتدای حساب موقع رسیدن به وطن را ظاهراً باید از وقتی که بنای مجاورت یا اقامت به مکه کرد حساب کند.^۲

[۱۰۷۴] م - اگر متمکن از روزه گرفتن شد و قبل از آنکه روزه بگیرد مرد، واجب است ولی او سه روز را قضا کند بنا بر اقوی، و هفت روز دیگر را بنا بر احتیاط واجب.^۳

[۱۰۷۵] م - لازم نیست بعد از برگشتن به بلد خود، در همان جا روزه بگیرد، پس اگر در جای دیگر قصد اقامت کرد می‌تواند بگیرد.

۱. آیه الله بهجت: مانعی ندارد در بلد دیگر روزه بگیرد، البته آنقدر که می‌توانست به وطن برسد صبر کند.

آیه الله خوئی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: بلکه ملاک این است که همسفرهايش که در مکه اقامت نکرده‌اند به وطن برسند.

آیه الله زنجانی: مبدأ این دو مدت پس از انقضاء ایام تشریق و پایان مناسک حج (یعنی انجام طواف نساء) و سه روز روزه گرفتن است.

آیه الله سبحانی: ابتدای ماه از ما بعد ایام تشریق یعنی روز چهاردهم حساب می‌شود.

آیه الله سیستانی: ابتدا آن زمانی است که اگر قصد اقامت در مکه نداشت معمولاً از آنجا خارج می‌شد.

آیه الله مکارم: بلکه ملاک آن است که همسفران او به وطن برسند ولی در یک ماه احتیاط واجب محاسبه بعد از قصد اقامت در مکه است.

۳. آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: واجب است بگیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله سبحانی: اگر سه روز را روزه گرفته قضاى بقیه واجب نیست ولی اگر هیچ روزه نگرفته باید همه را قضا کند.

آیه الله سیستانی: هیچ‌کدام واجب نیست.

آیه الله فاضل: بر ولی واجب است سه روز را قضا کند و هفت روز دیگر را بنا بر احتیاط مستحب قضا کند.

[۱۰۷۶] م - اگر متمکن از سه روز روزه نشد، در مکه و برگشت به محل خود، در صورتی که ماه ذی حجه باقی است می تواند در محل بگیرد، لیکن با هفت روز روزه فاصله بدهد^۱ و اگر ماه گذشته باشد باید در منی هدی ذبح کند^۲، اگرچه به وسیله شخص امینی باشد.

مسائل متفرقه قربانی

[۱۰۷۷] م - تقسیم قربانی به سه قسم واجب نیست^۳، و فروش یا هبه سهم فقیر^۴، قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است.^۵ بنابراین، عمل بعضی، که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر، ثلث فقیر را از قربانی بخود حاجی می فروشند یا هبه می کنند صحیح نیست.

[۱۰۷۸] م - گفته می شود که در منا، مسلخ فعلی*، کمی در وادی مُحَسَّر ساخته شده و در این صورت، هرچند در صورت امکان ولو تا آخر ذی حجه باید در منا قربانی کنند لکن قربانی در مسلخ جدید مجزی است.^۶

۱. آیه الله بهجت: فاصله لازم نیست.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب عدم جمع است.

۲. آیه الله زنجانی: و باید روزه بگیرد هرچند ماه ذی حجه گذشته باشد و ذبح هدی، لازم نیست.

آیه الله سیستانی: البته در سال آینده.

۳. نظر آیات عظام در ۱۰۴۰ گذشت.

۴. آیه الله فاضل: توسط فقیر یا وکیل او.

۵. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی: جایز است قبل از قبض، از فقیری در وطنش وکالت بگیرد که در یک سوم قربانی طبق خواسته او تصرف کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نسبت به صدقه و اهدا، انسان می تواند از فقرا و مؤمنین آشنا در شهر خود وکالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول کرده و بدون تقسیم اعراض نماید.

*. در زمان حاضر به خارج از منا (مکانی به نام معیصم) منتقل شده است.

۶. آیه الله بهجت: اگر به علت تغییر محل، ذبح در منا ممکن نباشد و تأخیر انداختن آن، ولو تا آخر ماه ذی حجه موجب عُسر و حرج نوعی باشد، در این صورت ذبح در خارج از منا اشکال ندارد. ←

[۱۰۷۹] م - کسی که اجیر در حج است، می‌تواند برای قربانی شخص ثالثی را وکیل کند و وکیل مزبور، نیت قربانی حجی که موکلش از طرف موکل خود انجام می‌دهد را می‌نماید.^۱

→ **آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی:** پس اگر متمکن از تأخیر و ذبح در منا باشد، اگرچه تا آخر ذی‌حجه، حلق یا تقصیر نماید و محل شود و ذبح را تأخیر بیندازد و همچنین طواف و نماز طواف و سعی را تأخیر بیندازد و الا جایز است به ذبح در مذبح فعلی اکتفا کند، [لازم به تذکر است اگر در روز عید متمکن از ذبح در منا نبود و احتمال بقای عذر تا آخر ذی‌حجه را بدهد، می‌تواند طبق فتوای **آیه الله خوئی** در مسلخ‌های جدید ذبح کند ولی اگر اتفاقاً کشف خلاف شد اعاده نماید.] و **آیه الله تبریزی** اضافه فرموده‌اند: و جایی که مشکوک است که منا باشد مبیت و ذبح و تقصیر در حال اختیار هم مجزی است.

آیه الله خامنه‌ای: محل انجام ذبح، منا است و در صورتی که از ذبح در منا ممانعت شود، انجام آن در محل تعیین شده در حال حاضر، بلامانع است.

آیه الله زنجانی: در شرایط کنونی، قربانی کردن در مسلخ‌هایی که در خارج منا و وادی محسّر ولی نزدیک منا احداث شده است مجزی است و تأخیر برای ذبح در منا لازم نیست ولی اگر تأخیر انداخت اعمال بعدی را هم به تأخیر بیندازد.

آیه الله سبحانی: ذبح در مسلخ جدید مجزی است.

آیه الله سیستانی: در صورت زیاد بودن حجاج و گنجایش نداشتن منا برای همه آنها در وقت اراده ذبح، بعید نیست کشتن در وادی محسّر نیز جایز باشد، اگرچه احوط ترک آن است مگر آنکه بداند که نمی‌تواند در منا تا روز سیزدهم قربانی کند. و چنانچه ذبح در منا یا وادی محسّر تا آخر ایام تشریق میسر نبود در هر کجای حرم بخواهد می‌تواند ذبح کند و جواز اکتفا در حال اختیار به ذبح در مکانی که مشکوک است از منا یا وادی محسّر می‌باشد به علت شک در صحت علائم منصوبه در آن مکان‌ها محل اشکال است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورت تمکن از ذبح در ایام تشریق، لازم است ذبح را تأخیر نماید بلکه لزوم تأخیر تا آخر ذی‌حجه بعید نیست ولی حلق را روز عید انجام دهد و با این عمل از احرام مخیط خارج می‌شود و باقی اعمال را به ترتیب به جا آورد. و اگر به کلی ذبح در منا ممکن نبود ذبح در وادی محسّر کافی است.

آیه الله فاضل: اولاً خارج بودن مذبح فعلی از منا ثابت نیست بلکه به احتمال قوی قسمتی از آن داخل منا است و بر فرض اینکه مسلخ فعلی خارج از منا باشد، صبر کردن لازم نیست بلکه می‌توانند در روز عید در مذبح فعلی قربانی کنند و بقیه اعمال را انجام دهند.

آیه الله مکارم: از روز سیزدهم تأخیر نیندازد.

۱. به ذیل مسئله ۱۰۴۱ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: وکیل باید نیت کند آن قربانی که بر موکلش واجب است.

آیه الله مکارم: نیت قربانی را نایب اصلی می‌کند.

- [۱۰۸۰] م - تأخیر ذبح از روز عید عمداً، جایز نیست علی الأحوط^۱، لکن اگر تأخیر شد عمداً یا جهلاً یا نسیاناً، ذبح در شب کفایت می‌کند.^۲
- [۱۰۸۱] م - کسانی که وکیل دیگری هستند که برای او قربانی کنند، می‌توانند قبل از اینکه حلق یا تقصیر کنند، قربانی دیگری را ذبح نمایند.^۳

استفتانات قربانی

- [۱۰۸۲] س - جمعی از حجاج پول روی هم می‌گذارند و کسی با پول مشترک برای همه آنان تعدادی گوسفند می‌خرد و در وقت ذبح، هر گوسفند را برای یک نفر قصد می‌کند و قربانی می‌کند، آیا این ترتیب ذبح اشکال دارد یا خیر و آیا در صورت تفاوت گوسفندان در قیمت با اینکه همه به یک اندازه پول داده‌اند چه وضعی پیدا می‌شود؟
- ج - اگر صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد.^۴

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۳۲ گذشت.
۲. آیه الله تبریزی: ذبح در شب، بعد از عید، خلاف احتیاط است.
آیات عظام خویی، سبحانی، فاضل: ذبح در شب کفایت نمی‌کند مگر برای خائف.
آیه الله زنجانی: تأخیر قربانی تا روز دوازدهم جایز است ولی ذبح در شب کفایت نمی‌کند، مگر برای خائف که می‌تواند شب دهم قربانی کند و اگر از آن هم معذور است، قربانی در شب‌های بعدی کفایت می‌کند.
آیه الله سیستانی: و احتیاط واجب این است که در شب قربانی نکند، حتی شب‌های تشریق، مگر برای خائف.
آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بنا بر احتیاط کفایت نمی‌کند.
۳. آیه الله زنجانی: البته چون قربانی کردن باعث نجس شدن بدن یا لباس محرم می‌شود، تا در منا حلق یا تقصیر نکرده نباید قربانی دیگری را ذبح کند و در هر حال اگر قربانی کرد، صحیح است.
۴. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر صاحبان پول اجازه داده باشند مانعی ندارد ولی رضایت قلبی کافی نیست.
آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۱۰۴۱ مراجعه شود.
آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر صاحبان پول راضی باشند و ذابح و کالت در افراز داشته باشد اشکال ندارد.
آیه الله فاضل: لیکن بهتر است که وکالت بگیرد در مقابل وجه مورد توافق، یک گوسفند به نیابت از او قربانی کند و مجاز باشد که برای ذبح نایب هم بگیرد.

- [۱۰۸۳] س - کسانی که گوسفند خود را به غیر مؤمن داده‌اند و او ذبح نموده است و بعد، حلق و اعمال مترتبه را انجام داده‌اند و بعد متوجه شده‌اند، وظیفه آنان چیست؟
- ج - ذبح را اعاده کنند و حلق و اعمال مترتبه صحیح است.^۱
- [۱۰۸۴] س - کسی قربانی را به غیر مؤمن داده و او کشته است و بعد متوجه شده و در عین توجه، عمداً بدون تجدید قربانی حلق کرده و اعمال مترتبه بر حلق را انجام داده، آیا مُحَلَّ شده است یا نه و آیا فقط قربانی باید بکند یا همه اعمال را اعاده نماید؟
- ج - با فرض اینکه احتمال صحّتِ اعمالی را که بعد از قربانی اتیان کرده می‌داده، مُحَلَّ شده است و فقط قربانی بر عهده او است و اعمالش صحیح است.^۲
- [۱۰۸۵] س - در مسئله قربانی در مسلخ جدید، عبارت نقل شده از حضرت عالی صراحت در حکم ندارد، لطفاً نظر مبارک را مرقوم فرمایید.
- ج - ذبح در مسلخ جدید مُجْزِی است.^۳
- [۱۰۸۶] س - آیا در شرایط قربانی، تحقیق لازم است که یقین به بودن شرایط حاصل شود یا لازم نیست؟
- ج - در شرایطی که مربوط به نقص عارض بر حیوان بعد از تمام بودن آن است، مثل خصی نبودن یا معیوب نبودن حیوان، فحص لازم نیست و در صورت شک می‌تواند بدون تحقیق ذبح کند، ولی در شرایط دیگر مثل سن حیوان یا مؤمن بودن ذابح^۴، لازم است یقین حاصل شود.^۵

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۴۲ گذشت.

آیه الله سبحانی: چنانچه فقط ذبح و حلق را به غیر مؤمن واگذار کند ولی خود نیت کند اشکال ندارد و چنانچه نیت ذبح و حلق را به غیر مؤمن واگذار، باید اعاده کند.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۴۲ گذشت.

آیه الله سبحانی: مراجعه به ذیل مسئله قبلی شود.

۳. به ذیل مسئله ۱۰۷۸ مراجعه شود.

۴. به ذیل مسئله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

۵. به ذیل مسئله ۱۰۴۵ مراجعه شود. ←

[۱۰۸۷] س - در مکه جیب کسی را زدند و پولش را بردند، شکایت کرد، بعد [از] طی مراحل قانونی، حاکم آنجا حکم کرد پولش را از دزد بگیرند و به او بدهند، آیا جایز است پول را بگیرد و گوسفند قربانی را با آن بخرد یا نه؟
ج - اگر می‌داند که پول خود او است، مانع ندارد.^۱

[۱۰۸۸] س - شخصی بدون گرفتن وکالت در ذبح، از طرف عیالش یا شخص دیگری قربانی می‌نماید، به این خیال که اذن فحوی از او دارد و مطمئن است که وقتی به عیالش یا رفیقش بگوید من در قربانگاه برای تو قربانی کرده‌ام او راضی است و خوشحال هم می‌شود، این نحو قربانی کافیست یا نه؟
ج - کافی نیست مگر او را وکیل کرده باشد.^۲

[۱۰۸۹] س - روز عید، بعض اشخاص به قربانگاه می‌روند و بدون اینکه در قربانی نیابت داشته باشند، خودشان برای رفقایشان قربانی می‌کنند، آیا این قربانی کافی است یا نه؟ و اگر کافی نیست، پول قربانی به عهده چه کسی است؟

→ **آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی:** اگر باع اهل خیره بود و از سن هدی خبر داد می‌توان به قول او اعتماد کرد.

آیه الله زنجانی: اطمینان یا حجت دیگر شرعی لازم است.

آیه الله سبحانی: اگر احتمال نقص یا مرض یا کمبود سن در حیوان خریداری شده برای قربانی وجود دارد احتیاطاً فحص کند.

آیه الله مکارم: در صفات پنهانی حیوان می‌توان به قول فروشنده ظاهر الصلاح قناعت کرد.

۱. **آیات عظام تبریزی، خوئی، زنجانی:** اگر می‌داند آن شخص دزد است مانع ندارد.

آیه الله سیستانی: و همچنین اگر شرایط تقاص حاصل باشد و به هر حال اگر قربانی را به نحو کلی فی الذمه بخرد و با آن پول، قیمت آن را ادا کند مجزی است.

۲. **آیه الله بهجت:** چنانچه احراز رضایت کرد و شاهد حال هم دال بر رضایت بود؛ به طوری که اگر او بفهمد راضی است کفایت می‌کند.

آیه الله خامنه‌ای: قربانی کردن باید به وسیله خود شخص یا با وکالت از سوی او انجام شود، اما اگر شخص دیگری بدون وکالت گرفتن از او برایش ذبح انجام دهد، صحت آن محل اشکال است و بنا بر احتیاط، نمی‌توان به آن اکتفا کرد.

آیه الله زنجانی: کافی نیست مگر مأذون در ذبح باشد.

ج - کفایت نمی‌کند و پول از مال کسی خارج می‌شود که خرج کرده است مگر آنکه غرری در بین باشد.^۱

[۱۰۹۰] س - در قربانگاه، حجاج و صاحب گوسفند یک قراری با هم می‌گذارند که هر چند رأس گوسفندی که می‌خواهند، هر یکی به یکی به فلان مبلغ و نام می‌برد، حاجی هم قبول می‌کند و یکی یکی را به نیت افرادی که وکالت دارد می‌کشد، بعد می‌رود با صاحب گوسفند حساب می‌کند، آیا در قربانی اشکالی نیست؟
ج - اشکال ندارد.

[۱۰۹۱] س - در قربانگاه ده نفر حاجی با صاحب گوسفند قرار می‌گذارند که ده گوسفند را جدا می‌کنیم و قربانی می‌کنیم از قرار یکی دویست ریال سعودی مثلاً، در این بین چند نفر دیگر از رفقای آنان می‌آیند و بدون قرار جدید با صاحب گوسفند، به تعدادشان گوسفند قربانی می‌کنند و بنا دارند که بعد از قربانی طبق قرارداد سایر افراد، به صاحب گوسفند پول بدهند، آیا قربانی‌های آنان درست است یا خیر؟
ج - اگر یقین به رضایت صاحب گوسفند دارند، مانع ندارد.^۲

[۱۰۹۲] س - غیر مؤمن مشغول سر بریدن قربانی بود، شخصی که برای او قربانی می‌شد دست گذاشت روی دست ذابح و فشار می‌داد در بردن و آوردن چاقو، به نحوی که بریدن سر گوسفند به هر دو اسناد داده می‌شد، آیا این قربانی صحیح است؟
ج - اگر خودش ذبح نکرده، صحیح نیست.^۳

۱. آیه الله بهجت: در مسئله قبل بیان شد که در چه صورتی کفایت می‌کند.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل سؤال قبل مراجعه شود.

۲. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: والّا رضایت بعدی کافی نیست.

۳. به ذیل مسئله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: چنانچه این شخص خود نیت داشته باشد که ظاهر حال این‌گونه است و فقط ذبح به ذابح غیر مؤمن واگذار شده اشکال ندارد.

[۱۰۹۳] س - در روز عید قربان معمولاً در هر کاروانی چند نفر برای قربانی از طرف دیگران نایب می‌شوند و می‌آیند قربانگاه، اگر کسی شک کند که برای فلان شخص هم قربانی کردم یا نه، وظیفه نایب چیست؟

ج - باید قربانی کند.

[۱۰۹۴] س - آیا ذبح با کاردهای استیل که معلوم نیست آهن است یا نه چگونه است؟

ج - صحیح نیست.^۱

[۱۰۹۵] س - اگر انسان مریض نتواند در حج تمتع قربانی کند و به دیگری نیابت دهد و نایب و وکیل فراموش کند و در مدینه یا در ایران یادش بیاید که قربانی نکرده است، وظیفه‌اش چیست؟

ج - بر حج او اشکالی نیست، ولی قربانی بر ذمه‌اش باقی است که باید در سال آینده

۱. **آیه الله بهجت:** اگر در تیزی و حدت مثل آهن باشد تا انتهای ذبح، بعید نیست حکم آهن را داشته باشد به الغای خصوصیت.

آیه الله تبریزی: مانعی ندارد، بلی اگر در محل ذبح آهن باشد، احتیاط مستحب آن است که با آن ذبح کند.
آیه الله خامنه‌ای: ابزاری که ذبح با آن انجام می‌شود. باید از آهن باشد، و استیل (که فولاد مخلوط با ماده ضد زنگ است) در حکم آهن است، اما اگر در مورد آهنی بودن ابزار ذبح تردید دارد، تا زمانی که آهنی بودن آن محرز نشده، ذبح کردن با آن کفایت نمی‌کند.

آیه الله خویی: ذبح با آن مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: ذبح با چاقوی استیل، بلکه هر وسیله‌ای که در برندگی، از چاقوی آهنی، کمتر نباشد صحیح است.

آیه الله سبحانی: ذبح با کاردهای استیل و غیر استیل فرق نمی‌کند و همین که فلز باشد و تیز که حیوان را اذیت نکند، کافی است.

آیه الله سیستانی: خالی از اشکال نیست.

آیه الله صافی: اگر محرز نباشد که استیل آهن است صحیح نیست.

آیه الله فاضل: اشکال ندارد.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: با هر فلز برنده‌ای صحیح است.

در منا انجام دهد و اگر در ماه ذی‌حجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.^۱

[۱۰۹۶] س - شخصی برای خود و نیابت افرادی به قربانگاه رفت و ده رأس گوسفند خرید و قربانی کرد، بعد از رسیدن به منزل، یقین پیدا کرد پول ۹ رأس گوسفند را داده است، وظیفه‌اش نسبت به پول یک رأس که نداده چیست؟ ضمناً با مراجعه به قربانگاه صاحب گوسفند را پیدا نکرد، آیا جایز است که در آن پول تصرف کند و بعد از مراجعت به ایران پول ایرانی به حاکم شرع بدهد و یا صدقه بدهد یا نه؟ و در صورتی که تصرف در آن جایز باشد اکنون که به ایران برگشته، آیا باید ریال سعودی یا قیمت آن به ارز دولتی یا ارز آزاد بدهد؟

ج - با یأس از شناسایی صاحبش، از طرف او به فقیر صدقه دهد^۲ و باید یا ریال بدهد و یا قیمت بالا را بدهد.

[۱۰۹۷] س - شخصی قربانی نمی‌کند به اعتقاد اینکه گوشت گوسفند تلف می‌شود و از آنان استفاده‌ای نمی‌شود و با همین کیفیت تقصیر کرده، اعمال حج را انجام می‌دهد، وظیفه او چیست؟

ج - اگر جاهل بوده و فکر می‌کرده که عملش صحیح است، از احرام خارج شده

۱. آیه الله سبحانی: بدین شکل که اگر وکیل یا نایب هنوز در مکه است سعی کند آن را در منا یا کشتارگاه‌های نزدیک به منا انجام دهد وگرنه باید در سال آینده در منا انجام دهد و اگر پول یا فیش قربانی به هدر رفته است قربانی بر ذمه نایب باقی است و باید انجام دهد.

آیه الله سیستانی: اگر پس از ایام تشریق در ماه ذی‌حجه متوجه شود به احتیاط واجب جمع کند بین روزه و ذبح.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: باید فقیر مؤمن باشد.

آیه الله زنجانی: باید با اذن حاکم شرع به فقیر مؤمن غیر سید صدقه دهد.

آیه الله سبحانی: به فقیر مؤمن غیر سید صدقه بدهد و بهتر است با اذن حاکم شرع این کار انجام شود.

آیه الله سیستانی: و به احتیاط واجب باید به اذن حاکم شرع باشد.

ولی قربانی بر ذمه او است.^۱

[۱۰۹۸] س - آیا مُحْرَم می‌تواند قبل از ذبح گوسفندِ خود، برای دیگری ذبح نماید؟
ج - مانع ندارد.^۲

[۱۰۹۹] س - اگر کسی مؤمن بودن ذابح را قبل از ذبح احراز کرد و بعداً معلوم شد خلاف بوده است، آیا آن قربانی کفایت می‌کند؟
ج - کفایت نمی‌کند.^۳

[۱۱۰۰] س - اگر قربانی از وجه غیر مُخَمَّس باشد چه صورت دارد؟
ج - کفایت نمی‌کند.^۴

۱. **آیه الله بهجت:** قربانی کند و بعد تقصیر نماید و کفاره ازاله شعر را بدهد.

آیه الله زنجانی: حلق و تقصیر او صحیح بوده و از احرام خارج شده ولی حرمت استمتاع از زنان باقی است و باید قربانی کرده و اعمال مکه را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: ولی در جاهل مقصر و یا در صورت عمد چنین فردی از احرام خارج نشده و اگر محرم مرد می‌باشد باید فوراً لباس دوخته را از تن خارج کند و حوله‌های احرام را بپوشد و محرمات احرام را ترک نماید و بعد از قربانی در منا یا قربانگاه‌های موجود اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر پایان ایام تشریق ذبح نکند تا آخر ذی‌حجه باید ذبح کند و اعمال را انجام دهد و یک عمره مفرده نیز به جا آورد و حج خود را بنا بر احتیاط واجب سال بعد اعاده کند.

آیه الله فاضل: ظاهراً از احرام خارج نشده و لازم است محرمات احرام را رعایت کند و اگر تا پایان ایام تشریق ذبح کند حجش صحیح است و الا بنا بر احتیاط باطل است و باید با عمره مفرده از احرام خارج شود.

آیه الله سیستانی: باید فوراً لباس دوخته را بیرون آورد و محرمات احرام را ترک کند و قبل از پایان ایام تشریق ذبح کند وگرنه حج او باطل است بنا بر احتیاط.

آیه الله مکارم: اگر قربانی در منا از بین می‌رود و به هیچ وجه قابل استفاده نیست، باید پول آن را کنار گذارد و در شهر خودش قربانی کند (در ماه ذی‌حجه آن سال و اگر نتوانست در سال بعد در ایام تشریق).

۲. **آیه الله زنجانی:** به ذیل مسئله ۱۰۸۱ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: ولی بهتر است نخست قربانی خود را ذبح کند سپس قربانی افراد دیگر را.

۳. به ذیل مسئله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

۴. **آیه الله بهجت:** اگر معامله به ذمه باشد، ظاهراً کافی است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چون متعارف خرید به ثمن کلی است، قربانی صحیح است. ←

- [۱۱۰۱] س - در صورت عدم وجود گوسفند سالم، آیا می‌توان گوسفند مرضوض الخصیتین (گوسفندی که تخم‌های آن را کوبیده‌اند) را ذبح نمود؟
- ج - اگر غیر خصی و مرضوض یافت نشود، ذبح خصی و مرضوض کافی است.^۱
- [۱۱۰۲] س - شخصی به اعتماد نایب خود در رمی، ذبح کرده و حلق نموده است، بعد معلوم شده که نایب از جانب او رمی ننموده است، آیا ذبح و حلق او صحیح است؟
- ج - کفایت می‌کند.
- [۱۱۰۳] س - شخصی در قربانی کسی را نایب خود کرد و پس از آن به دیگری نیابت داد، ولی شخص اول ذبح نمود، آیا صحیح است؟
- ج - اگر اولی را از وکالت عزل نکرده کافی است و مجرد نیابت دادن به دومی، عزل اولی از نیابت نیست.^۲
- [۱۱۰۴] س - شخصی با جهل به اشتراط مؤمن بودن ذابح، قربانی خود را به دیگری واگذار کرده که ذبح نماید، بعد از ذبح متوجه مسئله شده است، وظیفه او چیست؟
- ج - اگر مؤمن بودن ذابح معلوم نیست، باید دو مرتبه قربانی کند.^۳
- [۱۱۰۵] س - کسی را وکیل در قربانی نموده، آیا وکیل می‌تواند به دیگری وکالت دهد؟
- ج - اگر وکالت داده که وکیل خودش قربانی کند، نمی‌تواند به دیگری بدهد.
- [۱۱۰۶] س - اگر ذبح قربانی شخصی توسط غیر مؤمن صورت گرفته باشد^۴، آیا تکرار آن باید در ایام تشریق باشد؟

→ **آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سبحانی:** کفایت می‌کند و فقط ذمه حج‌گزار به اندازه خمس مشغول است.

آیه الله زنجانی: به ذیل سؤال ۶۶۷ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی، آیه الله نوری: چون متعارف خرید به ثمن کلی است، قربانی صحیح است ولی ذمه‌اش به اندازه خمس مشغول است.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۲۴ و ۱۰۲۳ «شرط هفتم» مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: به ذیل مسئله ۱۰۲۳ «شرط چهارم» مراجعه شود.

۲. **آیه الله زنجانی:** صحیح است.

۳. به ذیل مسئله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

۴. به ذیل مسئله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

ج - اگر در بقیه ذی حجه، تا آخر آن هم قربانی شود کافی است، اگرچه تأخیر آن از ایام تشریق جایز نیست.

[۱۱۰۷] س - مُحَرَّمی که لباس احرامش بر اثر ذبح نجس شده، می‌تواند به مقداری که برای دیگران ذبح می‌کند، در لباس احرام نجس باشد؟
ج - در صورت امکان باید لباس خود را تطهیر کند^۱ و اگر نکرد ضرری به احرام یا ذبح ندارد.

[۱۱۰۸] س - در مناسک نوشته شده: واجب است احتیاطاً، که قربانی را از روز عید تأخیر نیندازند، حال اگر کسی بدون عذر تأخیر انداخت، به غیر از حرمت تکلیفی، عواقب دیگری هم دارد؟

ج - قربانی او صحیح است، ولی باید ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مکه مراعات شود.^۲

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احتیاط مستحب تعویض یا تطهیر آن است.

۲. آیه الله بهجت: علی الأحوط الأشهر.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر ذبح را عمداً تأخیر بیندازد تا تنگی وقت روز عید که دیگر نتواند در آن روز ذبح کند، باید حلق یا تقصیر نماید، ولی اعمال مکه را تأخیر بیندازد.

آیه الله خامنه‌ای: کسی که ذبح قربانی را بنا بر هر دلیلی از روز عید به تأخیر انداخته، لازم نیست حلق یا تقصیر را هم به تأخیر اندازد، بلکه بعید نیست انجام حلق یا تقصیر در روز عید واجب باشد، و نباید در این مورد ترک احتیاط کند، اما صحت انجام طواف حج و دیگر اعمال پنج‌گانه مکه در چنین حالتی (تأخیر در انجام قربانی) محل اشکال است و باید برای انجام آن اعمال تا ذبح قربانی منتظر بماند.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۰۳۱ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: اگر تا غروب روز سیزدهم تأخیر افتاد، باید حلق و تقصیر را انجام دهد.

آیه الله سیستانی: جایز است مقدم داشتن تقصیر یا حلق بر ذبح ولی احتیاط واجب این است که پس از تهیه قربانی در مکانی که ذبح در آن برای او جایز است باشد. ولی تا ذبح نکند محل نمی‌شود و تقدیم اعمال مکه بر حلق یا تقصیر برای کسی که باید آنها را بعد از وقوفین انجام دهد جایز نیست و اگر کسی از روی علم و عمد مقدم بدارد باید یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید ترتیب بنا بر احتیاط مراعات شود و اگر از روی سهو یا جهل ترتیب مراعات نشد اشکال ندارد ولی احکام مکه باید بعد از قربانی و حلق یا تقصیر انجام شود. ←

[۱۱۰۹] س - بعد از فری اوداج اربعه، اگر گردن قربانی را درحالی که هنوز زنده است قطع نمود، چه صورتی دارد؟

ج - کار حرامی است^۱، لکن ذبیحه حلال است و کفایت از قربانی می‌کند.

[۱۱۱۰] س - می‌فرمایید اگر ذبح در منا تا آخر ذی‌حجه ممکن شود باید ذبح را تأخیر بیندازد، آیا اجازه می‌دهید که حلق را همان روز عید انجام دهد، یا باید حلق و تقصیر را تا بعد از قربانی تأخیر بیندازد، هرچند ده روز طول بکشد؟

ج - باید مراعات ترتیب شود علی‌الأحوط.^۲

[۱۱۱۱] س - آیا حکم گوسفندی که تخم‌های آن را کوبیده‌اند، با گوسفندی که تخم‌هایش را تابیده‌اند یکی است یا نه؟ و در هر صورت، اگر تخم‌های گوسفندی را تابیده باشند، آیا برای هدی مجزی است یا نه؟ لطفاً نظر خودتان را بیان فرمایید.

ج - بنا بر احتیاط واجب باید تابیده هم نشده باشد.^۳

[۱۱۱۲] س - حیوانی را که برای هدی ذبح می‌کنند، اگر قطع اوداج اربعه بکنند و آن را رها نمایند و حیوان به خودی خود پشت به قبله شود و یا بعد از قطع اوداج اربعه، قبل از جان دادن، حیوان را روی بقیه اجساد حیوانات ذبح شده پرت نمایند و حیوان در اثر این کار، از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، حکمش چیست؟

→ آیه الله مکارم: تأخیر تا روز سیزدهم جایز است.

۱. آیه الله بهجت: مانعی ندارد ولی اگر عمداً چنین کند استفاده از گوشت آن مکروه است بلکه خلاف احتیاط است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط لازم، ذبیحه حلال نیست.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: این کار حرام نیست ولی بهتر است این کار را نکند.

آیه الله سبحانی: گرچه این کار اگر عمدی باشد حرام است ولی استفاده از گوشت آن مکروه است.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۱۴۲ خواهد آمد.

۳. آیات عظام خامنه‌ای، سبحانی، گلپایگانی: به ذیل مسئله ۱۰۲۳، (شرایط هدی) رجوع شود.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، فاضل: احتیاط مستحب است.

ج - رو به قبله بودن در حال قطع اوداج اربعه کافی است.

[۱۱۱۳] س - اگر کسی پس از ذبح قربانی و انجام باقی مناسک و یا قبل از آن

متوجه شد که سن هدی کمتر از حد نصاب است وظیفه چیست؟

ج - اعاده لازم است.^۱

[۱۱۱۴] س - اگر روحانی کاروان می‌داند که احرامی او در روز عید در مسلخ به

خون آلوده می‌شود و به جهت اینکه روحانی است و باید بر اعمال حجاج نظارت

داشته باشد مدت چند ساعت لباس احرامی او خون آلود است، آیا با علم به نجس

شدن و طولانی بودن آن تکلیف او چیست؟

ج - اگر معذور از تبدیل یا تطهیر است اشکال ندارد.^۲

[۱۱۱۵] س - روحانی کاروانی نایب است و می‌داند که برای نظارت بر اعمال حج

حجاج در قربانگاه لباس او به خون آلوده می‌شود و به جهت مسئولیتی که دارد در

قربانگاه معطل می‌گردد، آیا با علم به این جهت، نیابتش در حج اشکالی دارد؟

ج - نیابت اشکال ندارد.

[۱۱۱۶] س - بعضی از محله‌های جدید مکه، در منا ساخته شده است، آیا در آنجا

می‌شود قربانی نمود یا خیر؟

ج - اگر در منا است مانع ندارد، ولی بدون احراز اینکه در منا است، صحیح نیست.^۳

۱. آیه الله سیستانی: اگر در ایام تشریق باشد باید اعاده کند و اگر بعد از آن باشد به احتیاط واجب جمع کند

بین اعاده ذبح و روزه.

آیات عظام خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۲. آیه الله سیستانی: اگر ممکن است، به احتیاط واجب باید مبادرت به تطهیر یا تبدیل کند یا ابتدا از احرام

خارج شود سپس به این کار بپردازد.

۳. آیه الله تبریزی: با فرض شک، مانعی ندارد.

آیه الله خویی: در مورد شک در منا فتوای ایشان به دست نیامد.

آیه الله زنجانی: در شرایط کنونی ذبح در اماکن نزدیک منا مجزی است.

[۱۱۱۷] س - انسان شک می‌کند که در سال یا سال‌های گذشته ذابح قربانی اش مؤمن بوده یا نه، الآن وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر در حال عمل، مسئله را می‌دانسته و ملتفت بوده و شک بعد از عمل است، اعتنا نکند و در غیر این صورت باید قربانی را اعاده نماید.^۱

[۱۱۱۸] س - بعضی از مدیران کاروان‌ها یا اشخاص خیر دیگر، که برای قربانی از اشخاص پول می‌گیرند و احیاناً خودشان سر بریدن را یاد ندارند لذا قربانی‌ها را غیر مؤمن ذبح می‌کند، اولاً آیا از منوب عنه مجزی است یا نه و ثانیاً آیا نایب ضامن است یا خیر؟

ج - قربانی مزبور کفایت نمی‌کند و کسی که پول را از منوب عنه گرفته ضامن است.^۲

مستحبات قربانی

[۱۱۱۹] م - مستحبات هدی چند چیز است:^۳

۱. در صورت تمکن، قربانی شتر باشد و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد.
۲. قربانی بسیار فربه باشد.
۳. در صورت شتر یا گاو بودن آن، از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن، از جنس نر باشد.

۱. در این سؤال و سؤال بعد به ذیل مسئله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

۲. آیه الله زنجانی: برای پاسخ این سؤال و سؤال بعد به ذیل مسئله ۱۰۴۱ مراجعه شود.

۳. آیه الله فاضل: به ذیل مسئله ۱۰۵۰ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: و اگر کسانی که در کاروان‌ها از حجاج جهت خرید قربانی و ذبح پول گرفته و نیابت با اذن در توکیل گرفته‌اند چنانچه فقط ذبح را به غیر مؤمن واگذار و خود نیت کند اشکال ندارد ولی هم ذبح و هم نیت را نمی‌تواند به غیر مؤمن واگذار کند.

۳. آیه الله مکارم: به قصد رجا و امید ثواب به جا آورد.

۴. شتری که می‌خواهند او را نحر کنند، ایستاده و از سر دست‌ها تا زانوی آن را ببندند و شخص در جانب راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجْهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

۵. اینکه خود قربانی را بکشد و اگر نتواند، دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

تقصیر یا حلق

[۱۱۲۰] م - هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر بتراشد و یا از ناخن^۱ یا موی خود قدری بچیند، مگر چند طایفه:

اول - زنها که باید از مو یا ناخن^۲ خود قدری بگیرند و کافی نیست ظاهراً برای آنها سر تراشیدن.^۳

دوم - کسی که سال اول حج او باشد، که باید سر بتراشد به احتیاط واجب.^۴

۱. آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط مؤکد استحبابی، برای تقصیر، کوتاه کردن مو را انتخاب کند و همچنین است حکم تقصیر بانوان.

آیه الله سبحانی: به ناخن گرفتن اکتفا نشود و اگر خواست ناخن بگیرد، پس از کوتاه کردن مو باشد. آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: گرفتن ناخن کافی نیست بنا بر احتیاط واجب و اگر خواست ناخن بگیرد باید بعد از کوتاه کردن مو باشد.

۲. آیات عظام سبحانی، سیستانی، مکارم: حکمش گذشت.

۳. آیات عظام بهجت، زنجانی، سبحانی، صافی، گلپایگانی: و جایز نیز نمی‌باشد.

آیه الله خامنه‌ای: زنان حتماً باید تقصیر کنند و برای آنان حلق کفایت نمی‌کند.

۴. آیه الله بهجت: سر تراشیدن در این مورد دوم و نیز سوم و چهارم مستحب مؤکد است.

آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احتیاط مستحب این است که سر تراشیدن را اختیار کند، هر چند مخیر بودنش بین حلق و تقصیر خالی از قوت نیست. ←

- سوم -** کسی که موی سر خود را به غسل یا «صمغ» یا نحو آن برای رفع شپش و نحو آن چسبانیده باشد باید سر تراشد به احتیاط واجب.^۱
- چهارم -** کسی که موی سر خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته است، باید سر تراشد به احتیاط واجب.^۲
- پنجم -** خنثای مشکل اگر از این سه دسته اخیر نباشد، باید تقصیر کند و سر تراشد.^۳
- م -** [۱۱۲۱] اگر خنثای مشکل از این سه طایفه باشد، واجب است هم تقصیر کند و هم سر تراشد احتیاطاً.^۴

- **آیه الله زنجانی:** مردی که حجة الاسلام خود را به جا می آورد باید سرش را تراشد - هر چند حج اول او نباشد - و می تواند با ماشینی که مانند تیغ از ته می زند، سرش را تراشد.
- آیه الله سبحانی:** تراشیدن سر برای کسی که برای اولین بار به حج می رود خواه حجة الاسلام یا حج نیایی و یا مستحب باشد و همچنین کسی که حجة الاسلام را به جا می آورد هر چند قبلاً حج مستحبی یا نیایی به جا آورده باشد و فردی که موهای خود را گره زده یا با هم جمع کرده واجب است.
- آیه الله مکارم:** چنین کسی نیز مخیر است و سر تراشیدن متعین نیست.
- آیه الله نوری:** مخیر بین تراشیدن سر و کوتاه کردن مو یا چیدن ناخن می باشد.
۱. **آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، فاضل:** احتیاط این است که سر تراشیدن را اختیار کند. بلکه وجوب آن اظهر است.
۲. مانند طایفه قبل است.
۳. **آیه الله بهجت:** سر تراشیدن برای خنثای مشکل جایز نیست بنا بر تخییر که گذشت، و اما بنا بر تعیین حلق بر مرد، اگر یکی از قسم متقدم باشد، احوط جمع است.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** خنثای مشکل اگر موی سر خود را نچسبانده یا نبافته باشد باید تقصیر نماید.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** خنثی در حکم زن است و تقصیر بر او متعین است.
- آیه الله مکارم:** اگر از دو دسته اخیر نباشد مو را کوتاه کند و اگر باشد اول کمی مو را کوتاه کرده بعد سر را می تراشد (بنا بر احتیاط واجب).
۴. **آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم:** به مسئله قبل مراجعه شود.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر از قسم سوم یا چهارم باشد، باید هم تقصیر و هم حلق نماید و بنا بر احتیاط تقصیر را بر حلق مقدم بدارد. ←

[۱۱۲۲] م - احتیاط آن است که کسی که سر را می تراشد تمامش را بتراشد.^۱

[۱۱۲۳] م - در تقصیر کفایت می کند مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب را چیدن، به هر نحو و با هر آلت که باشد و یا ناخن گرفتن.^۲ و بهتر است^۳ که هم مقداری از مو بگیرد و هم ناخن را بگیرد.

[۱۱۲۴] م - سر تراشیدن و تقصیر چون از عبادات است، باید با نیت خالص از ریا و برای اطاعت خداوند باشد و بدون آن صحیح نیست و آنچه باید به آن حلال شود حلال نمی شود.

[۱۱۲۵] م - جایز است سر را خود انسان بتراشد یا به سلمانی بدهد و همچنین در تقصیر و باید خودش نیت کند و بهتر آن است که سلمانی هم نیت کند.^۴

[۱۱۲۶] م - کسانی که سر تراشیدن بر آنها متعین است، مثل اشخاصی که در مسئله اول ذکر شد، اگر سر آنها مو نداشته باشد، باید تیغ را بکشند به سر آنها و آن کافی است از تراشیدن سر.^۵

→ آیه الله زنجانی: باید احتیاطاً اول تقصیر کند و سپس سر بتراشد.

آیه الله سیستانی: باید اول تقصیر نماید و آن گاه بنا بر احتیاط حلق نماید.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی، سیستانی، گلپایگانی: بلکه باید تمامش را بتراشد.

۲. به ذیل مسئله ۱۱۲۰ مراجعه شود.

۳. آیه الله خامنه‌ای: و احوط آن است.

۴. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در رابطه با نیت سلمانی مطلبی در دست نیست.

آیه الله سبحانی: نیازی به نیت سلمانی و یا تقصیرکننده نیست.

۵. به ذیل مسئله ۱۱۲۰ در طایفه دوم مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط تقصیر هم بکند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در این صورت تقصیر متعین است و بنا بر احتیاط تیغ را به سر بکشند و در صوره این احتیاط ترک نشود.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط مستحب تقصیر هم بکند.

آیه الله مکارم: احتیاط جمع میان آن و ناخن گرفتن است و اگر ریش یا شارب دارد کمی از آن را نیز احتیاطاً کوتاه کند.

[۱۱۲۷] م - کسانی که مخیر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشت باید تقصیر کنند^۱ و اگر هیچ مو نداشتند حتی موی ابرو باید ناخن بگیرند^۲ و اگر آن را هم نداشتند تیغ را به سر بکشند کافی است.

[۱۱۲۸] م - تراشیدن ریش کفایت نمی‌کند از تقصیر.

[۱۱۲۹] م - اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل یا عانه محل اشکال است.^۳

[۱۱۳۰] م - محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن مناست^۴ و جایز نیست اختیاراً در

غیر آنجا.

[۱۱۳۱] م - احتیاط آن است که در روز عید باشد،^۵ اگرچه بعید نیست جواز تأخیر

۱. آیه الله بهجت: احتیاط این است که به کوتاه کردن موی ابرو اکتفا نکند.

آیه الله تبریزی: اکتفا به کوتاه کردن موی ابرو محل اشکال است.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: در کوتاه کردن مو بنا بر احتیاط واجب باید مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل را کوتاه کند.

آیه الله زنجانی: کوتاه کردن ابرو برای تقصیر، کفایت نمی‌کند.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: باید موی ریش یا سبیل را کوتاه کند.

آیه الله فاضل: تقصیر با موی ابرو و سینه و پا مجزی و صحیح است ولی احتیاط مستحب است که از موی سر یا ریش یا شارب تقصیر کنند.

۲. به ذیل مسئله ۱۱۲۰ مراجعه شود.

۳. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۸۹۴ مراجعه شود.

۴. آیه الله زنجانی: مویی که برای حلق یا تقصیر زده می‌شود باید در منای ریخته شود بلکه بنا بر احتیاط باید عمل حلق و تقصیر نیز در منای انجام شود.

۵. آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط در روز عید انجام گیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط واجب آن است که در روز عید باشد و اگر روز عید نکرد تا آخر ذی‌حجه وقت دارد.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب، باید حلق یا تقصیر واجب را در روز عید قربان انجام دهد، و اگر چنین نکند، واجب است که در شب یازدهم یا پس از آن آن را انجام دهد، و همان کفایت می‌کند.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب این است که از روز عید تأخیر نشود و بعید نیست تأخیر آن تا آخرین زمانی که بتواند اعمال حج را در ماه ذی‌حجه به جا آورد. ←

تا آخر ایام تشریق.

[۱۱۳۲] م - اگر کسی سر تراشید و تقصیر نکرد در منا و از آنجا کوچ کرد^۱ باید مراجعت کند و عمل را انجام دهد و فرقی نیست در این حکم بین کسی که عمداً ترک کرده یا نسیاناً^۲ و سهواً یا به واسطه مسئله ندانستن.

[۱۱۳۳] م - اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منا، هر جا که هست سر تراشد یا تقصیر کند و موی خود را بفرستد به منا^۳، در صورت امکان، و مستحب است که مو را در منا دفن کند در محل خیمه خود.

[۱۱۳۴] م - جایز نیست طواف حج بکند قبل از تقصیر یا سر تراشی و همچنین سعی را جایز نیست جلو بیندازد.

[۱۱۳۵] م - اگر قبل از سر تراشی یا تقصیر طواف و سعی کند از روی سهو یا جهل به حکم، باید برگردد و سر تراشد یا تقصیر کند و پس از آن طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد^۴ و اگر نمی‌تواند به منا برگردد هر جا هست سر تراشد و تقصیر کند و

→ **آیه الله سبحانی:** جواز تأخیر عمدی حلق از روز عید خلاف احتیاط است و باید چنانچه عذری ندارد آن را به تأخیر نیندازد لکن جهت حفظ ترتیب اعمال روز عید تا قربانی نکرده است جایز نیست حلق یا تقصیر کند مگر اینکه تا غروب روز سیزدهم نتواند قربانی کند که در این صورت غروب روز سیزدهم حلق می‌نماید و مسائل مربوط به قربانی با این فرض گذشت.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: تأخیر عمدی علی الاحوط جایز نیست.

آیه الله نوری: واجب است تراشیدن سر و تقصیر در روز عید باشد.

۱. **آیه الله زنجانی:** چنانچه از روی علم و عمد، تقصیر را ترک کرده بنا بر احتیاط باید برگردد و در منا حلق یا تقصیر کند و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله ترک کرده می‌تواند در جایی که هست حلق یا تقصیر کند؛ هر چند احتیاط مؤکد مستحب در این است که اگر می‌تواند، در منا حلق یا تقصیر کند و در هر حال اگر بیرون منا، حلق یا تقصیر نمود واجب است موی خود را به منا بفرستد.

۲. **آیه الله سیستانی:** ناسی بنا بر احتیاط واجب ملحق به عامد است.

۳. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** مستحب است موی خود را بفرستد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۴. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اعاده طواف و سعی لزوم ندارد، بلکه احتیاط استحبابی دارد، البته اگر قبل از خروج از مکه متذکر شود، احتیاط در خصوص اعاده طواف نباید ترک شود. ←

اعاده کند طواف و نماز و سعی را.

[۱۱۳۶] م - اگر از روی علم و عمد اینکار را کرده، باید علاوه بر اعاده طواف و نماز و سعی یک گوسفند ذبح کند.^۱

[۱۱۳۷] م - اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم داشته گوسفند لازم است^۲، و اگر فقط سعی را مقدم داشته گوسفند لازم نیست، لیکن باید اعاده کند آن را بعد از حلق یا تقصیر و طواف و نماز آن.

[۱۱۳۸] م - اگر از روی علم یا جهل یا نسیان بعد از طواف یا سعی یا هر دو، سر را تراشید یا تقصیر کرد، احتیاط آن است که اعاده کند تا ترتیب حاصل شود و اگر تکلیفش سر تراشی بوده تیغ را به سر بکشد احتیاطاً.^۳

→ **آیه الله زنجانی:** پس اگر حلق یا تقصیر نکرده باید انجام دهد و موی خود را به منا بفرستد، سپس باید اعمال مکه را اعاده کند، مگر آنکه تقدیم اعمال مکه از روی سهو بوده و پس از کوچ کردن از منا، متوجه شده باشد که در این صورت اعاده اعمال مکه، لازم نیست.

آیه الله سبحانی: و اگر کسی آن را مقدم داشت چهار صورت دارد: الف) اگر عمداً مقدم داشت باید پس از حلق و تقصیر طواف و نماز آن و سعی را اعاده کند و یک گوسفند به عنوان کفاره ذبح کند. ب) اگر سهواً و یا نسیاناً مقدم داشت باید بعد از حلق یا تقصیر آنها را به ترتیب اعاده کند و کفاره ندارد. ج) اگر طواف را عمداً مقدم داشت حکم آن نیز مانند فرع الف است. د) اگر فقط سعی را عمداً مقدم داشت حکم آن مانند فرع ب است.

آیه الله سیستانی: اعاده طواف و سعی لازم نیست گرچه احوط است ولی اگر تقدیم طواف برای عذری غیر از جهل و نسیان بوده اعاده لازم است.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب پس از آن سعی و

۱. **آیه الله بهجت:** در صورت تعمد بنا بر احوط گوسفندی کفاره دارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: گناه کرده، ولی متعرض کفاره نشده‌اند.

۲. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** متعرض کفاره نشده‌اند.

۳. **آیات عظام بهجت، زنجانی، مکارم:** مسئله اجمال دارد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر عمداً یا بر اثر فراموشی یا عدم آگاهی از مسئله، در خارج از منا حلق یا تقصیر نماید و یا حلق یا تقصیر نکند و از منا خارج شود و سپس سایر اعمال را انجام دهد، واجب است که برای حلق یا تقصیر به منا باز گردد و بقیه اعمال را نیز اعاده نماید.

آیه الله خویی: یعنی طواف و سعی را اعاده کند تا ترتیب حاصل شود. ←

۱۱۳۹] م - به احتیاط واجب باید در منا اول رمی جمره کند و بعد از آن ذبح کند و بعد تقصیر یا حلق.^۱

→ **آیه الله سبحانی:** واجب است طواف زیارت و نماز و سعی را تجدید کند و سپس طواف نساء را انجام دهد لکن اگر حلق را حتی از طواف نساء مؤخر داشته باز همان طور که گفته شد همه اعمال مکه را تجدید کند و حتی اگر بعد از حلق یا تقصیر و قبل از تجدید اعمال بر سر او مو روییده باشد چون که آن دو در محل خود انجام شده‌اند نیازی به تجدید و یا کشیدن تیغ بر سر نیست.

آیه الله سیستانی: اگر منظور اعاده طواف و سعی بعد از حلق یا تقصیر باشد در صورتی که جاهل یا ناسی باشد لازم نیست و اما اعاده حلق یا تقصیر که ذیل عبارت آن را می‌رساند لازم نیست حتی در عالم عامد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: لازم است اعاده طواف و نماز و سعی.

آیه الله فاضل: یعنی احتیاطاً طواف و سعی را اعاده کند تا ترتیب حاصل شود و وجهی برای آخر مسئله نمی‌باشد.

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** واجب است که ذبح پس از رمی جمره عقبه باشد و بنا بر احتیاط حلق و تقصیر باید پس از آن دو باشد.

آیه الله خامنه‌ای: واجب است که در روز عید قربان، ابتدا جمره عقبه را رمی کند، سپس - در صورتی که ذبح قربانی در روز عید برایش میسر است - قربانی نماید و پس از آن، حلق یا تقصیر کند؛ و در صورتی که عمداً ترتیب اعمال مذکور را رعایت نکند، معصیت کرده؛ اما بنا بر ظاهر، تکرار اعمال به ترتیب فوق بر او واجب نیست، هر چند تکرار آنها در صورت امکان، موافق احتیاط است. حکم کسی که بر اثر ناآگاهی یا فراموشی ترتیب مذکور را رعایت نکرده نیز چنین است.

آیه الله زنجانی: رعایت ترتیب بین رمی جمره عقبه و ذبح و حلق یا تقصیر لازم است، ولی سه گروهند که می‌توانند قبل از ذبح، حلق یا تقصیر کنند: الف) کسی که می‌ترسد اگر بخواهد صبر کند که ذبح انجام شود مشکلی مانند مراجعت کاروان یا حائض شدن برایش پیش آید که نتواند شخصاً اعمال مکه را به جا آورد؛ ب) کسی که می‌ترسد تأخیر اعمال مکه باعث بروز مشکلی شود که شرعاً دفع آن لازم است مثلاً خطر جانی داشته باشد؛ ج) کسی که تأخیر اعمال مکه مشقت شدید بیش از متعارفی را برای او ایجاد می‌کند، این سه گروه شبانه از مشعر به منا می‌روند و جمره عقبه را رمی می‌کنند و به کسی برای قربانی وکالت می‌دهند و در شب عید با حلق یا تقصیر از احرام بیرون می‌آیند، هر چند قربانی آنها انجام نشده باشد.

آیه الله سبحانی: ترک عمدی رمی روز عید مغل به ترتیب است و باید جوری اعمال را مجدداً انجام دهد که ترتیب حاصل شود بدین ترتیب باید قربانی پس از رمی جمره عقبه انجام گیرد و وظیفه حلق و تقصیر پس از قربانی می‌باشد لکن اگر کسی از روی جهل به حکم شرعی ترتیب را رعایت نکند یا حکم آن را فراموش کند عمل او صحیح است ولی در صورت عمد باید به نحوی که ترتیب حاصل شود اعاده کند. ←

[۱۱۴۰] م - اگر بر خلاف این ترتیب عمل کند، پس اگر از روی غفلت و سهو بوده، اعاده لازم نیست و اگر از روی جهل به مسئله بوده بعید نیست که اعاده نخواهد و احتیاط به اعاده است و اگر از روی علم و عمد بوده در صورت امکان احتیاط را ترک نکند.^۱

[۱۱۴۱] م - بعد از آنکه مُحرمی که وظیفه‌اش سر تراشیدن بود سر تراشید یا تقصیر کردن بود تقصیر کرد، حلال می‌شود بر او تمام چیزهایی که حرام شده، به واسطه احرام حج، مگر زن^۲ و بوی خوش و اما صید از دو جهت حرمت داشت: یکی آنکه در حرم صید جایز نیست نه برای محرم و نه برای غیر محرم و این حرمت باقی است. دوم آنکه بر خصوص محرم نیز صید جایز نیست، چه در حرم باشد یا غیر حرم و بعید نیست که به واسطه حلق یا تقصیر از جهت دوم حرمت برداشته شود، پس جایز است از برای او صید در خارج حرم.^۳

→ **آیه الله سیستانی:** می‌تواند قبل از ذبح حلق یا تقصیر کند در صورتی که قربانی را در جایی که ذبح در آن مکان جایز است تهیه کرده باشد.

آیه الله مکارم: اگر رعایت نکند گناه کرده و اما عملش صحیح است.

۱. **آیه الله بهجت:** اگر از روی فراموشی و جهل باشد اعاده آن لازم نیست و همین طور در صورت تعمد بنا بر مشهور که اظهر تمامیت آنست.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر از روی جهل یا نسیان بوده اعاده لازم نیست.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: در صورت علم و عمد باید اعاده کند و در جهل و نسیان لازم نیست.

آیه الله مکارم: این احتیاط مستحب است.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۱۸۲ خواهد آمد.

۳. **آیه الله بهجت:** حلیت صید احرامی به مجرد تمامیت مناسک منا، بی‌وجه نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب صید بر او حرام است و این احتیاط تا ظهر روز سیزدهم ادامه دارد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حرمت صید از جهت دوم هم باقی است و بعد از انجام طواف نساء و نماز آن حلال می‌شود.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که در این حال صید را ترک کند.

مسائل متفرقه حلق و تقصیر

[۱۱۴۲] م - اگر قربانی، به دلیلی از روز عید تأخیر افتاد، بنا بر احتیاط نمی‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی‌الأحوط.^۱

۱. **آیه الله بهجت:** بنا بر احتیاط حلق و تقصیر در روز عید است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط، قربانی باید در روز عید باشد و چنانچه قربانی در روز عید ممکن نباشد، می‌تواند بعد از رمی حلق یا تقصیر را در روز عید انجام دهد و محلّ شود و قربانی را تأخیر بیندازد. **آیه الله خامنه‌ای:** کسی که ذبح قربانی را بنا بر هر دلیلی از روز عید به تأخیر انداخته، لازم نیست حلق یا تقصیر را هم به تأخیر اندازد، بلکه بعید نیست بنا بر احتیاط واجب انجام حلق یا تقصیر در روز عید واجب باشد، و نباید در این مورد ترک احتیاط کند، اما صحت انجام طواف حج و دیگر اعمال پنج‌گانه مکه در چنین حالتی (تأخیر در انجام قربانی) محل اشکال است و باید برای انجام آن اعمال تا ذبح قربانی منتظر بماند. **آیه الله زنجانی:** بلکه نباید حلق و تقصیر کند و رعایت ترتیب بین رمی و ذبح و حلق و تقصیر و اعمال مکه، واجب و معتبر است.

آیه الله سبحانی: اگر نتوانست قربانی را انجام دهد باید حلق و یا تقصیر را به تأخیر بیندازد اما رمی روز یازدهم و دوازدهم را انجام دهد ولی نباید تأخیر حلق یا تقصیر از غروب روز سیزدهم فراتر رود بنابراین اگر نتوانست تا غروب روز سیزدهم قربانی کند حلق یا تقصیر را انجام دهد و تا آخر ذی‌حجه وقت دارد انجام دهد و در غیر این صورت باید سال بعد قربانی را ولو در منا انجام دهد. اما چنانچه به خاطر عدم توانایی مالی نتوانست قربانی انجام دهد اگر از اول می‌داند باید روز قبل از عید و هفت روز بعد از برگشتن از سفر روزه بگیرد و مسئله صور دیگری دارد که قبلاً بیان شد.

آیه الله سیستانی: اگر قربانی را در منا تهیه کرد جایز است تقصیر یا حلق.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: می‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود ولی اعمال مکه باید بعد از قربانی و حلق انجام شود.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی‌الأحوط مگر در فرض اضطرار و یا حرج که در این صورت رعایت ترتیب بین ذبح و حلق یا تقصیر لازم نیست و حاجی می‌تواند در اواخر روز، حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود، ولی اعمال مکه را باید پس از اطمینان به ذبح انجام دهد.

آیه الله مکارم: و اگر رعایت این احتیاط واجب را نکند عمل او باطل نیست.

آیه الله نوری: بلکه باید روز عید حلق کند و تأخیر نیندازد.

[۱۱۴۳] م - تأخیر حلق، تا آخر ایام تشریق مانع ندارد، هر چند عمدی باشد و حلق در شب هم صحیح است و کفایت می‌کند.^۱

[۱۱۴۴] م - اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده، نمی‌تواند حلق کند ولی اگر با اعتقاد به اینکه وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است و اگر بعد از حلق اعمال مکه را هم انجام داده باشد کفایت می‌کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** بنا بر احتیاط حلق در روز عید است و در صورت تأخیر شب هم مجزی است.
آیه الله تبریزی: احتیاط واجب در عدم تأخیر عمدی است. چنان که گذشت بنا بر احتیاط حلق باید در روز باشد. پس اگر در روز عید انجام نگرفت باید در روز بعد انجام گیرد.
آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب، حلق یا تقصیر واجب را در روز عید قربان انجام دهد، و اگر چنین نکند، واجب است که در شب یازدهم یا پس از آن، آن را انجام دهد، و همان کفایت می‌کند.
آیه الله خویی: احتیاط واجب آن است که در روز عید باشد.
آیه الله زنجانی: حلق و تقصیر در شب عید جایز نیست؛ مگر برای چند گروه که در ذیل مسئله ۱۱۳۹ گذشت و انجام حلق و تقصیر در شب‌های دیگر مانعی ندارد و تأخیر آن تا زمانی که بتوان بعد از آن اعمال مکه را در ذی حجه به جا آورد مانعی ندارد.
آیه الله سبحانی: حلق و تقصیر و ذبح در شب جایز نیست و عمداً هم بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند از روز عید به تأخیر بیندازد.
آیه الله سیستانی: حلق در شب عید جایز نیست مگر برای خائف و به احتیاط مستحب از روز عید تأخیر نشود ولی بعد از عید در شب هم کافی است.
آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: حلق در شب خلاف احتیاط است و اگر در روز عید ترک نمود، روز یازدهم باید حلق کند و تأخیر عمدی علی‌الأحوط جایز نیست.
آیه الله مکارم: احتیاط در ترک حلق در شب است.
آیه الله نوری: به ذیل مسئله ۱۱۳۱ مراجعه شود.
آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۱۱۴۰ مراجعه شود.
آیه الله زنجانی: ولی اعاده اعمال مکه لازم است.
آیه الله سبحانی: اما اگر چه اعمال انجام شده صحیح است لیکن تا یقین به ذبح قربانی نکرده است هنوز محرم است و اگر لباس دوخته به تن کرده فوراً بیرون آورد.
آیه الله سیستانی: ولی او هنوز محرم است و باید لباس دوخته را بیرون آورد و از سایر محرمات احرام اجتناب کند و با ذبح محل می‌شود و همچنین در قسمت بعد مسئله.

[۱۱۴۵] م - کسانی که سال اول حج آنها است و وظیفه آنها سر تراشیدن می‌باشد، بنا بر احتیاط، جایز نیست به واسطه زیاده‌ی مو، اول سر را ماشین کنند و بعد آن را بتراشند هرچند فوراً بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره دارد.^۱

[۱۱۴۶] م - کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید، نمی‌تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد و ازاله موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای تقصیر.^۲

استفتائات حلق و تقصیر

[۱۱۴۷] س - کسی که سفر اول حج او است، در وقتی که سلمانی سر او را برای حلق می‌تراشیده، مشغول گرفتن ناخن‌های خود بوده و غافل بوده که نباید این کار را بکند. آیا کفاره دارد یا خیر؟

ج - چیزی بر او نیست.

[۱۱۴۸] س - کسی که در غیر منا حلق نموده و اعمال مترتبه را انجام داده و پس از این عمره مفرده انجام داده، آیا مُجَلَّ شَدَه است یا خیر و عمره مفرده او صحیح است یا خیر؟

ج - مُجَلَّ نَشَدَه است و عمره او صحیح نیست.^۳

۱. به ذیل مسئله ۱۱۲۰ (طایفه دوم) مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: کسی که وظیفه‌اش سر تراشیدن است جایز نیست اول سر را ماشین کند ولی اگر با ماشین ته‌زن بتراشد جایز و کافی است.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: اگر با ماشین ته‌زن بتراشند کافی است گرچه احتیاط مستحب تراشیدن با تیغ است.

۲. به سؤال ۱۱۶۰ و نظر آیات عظام در ذیل آن مراجعه شود.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: مگر اینکه از جهت جهل به مسئله و غفلت، در غیر منا حلق کرده باشد، که در این صورت اجزاء بعید نیست، هرچند احتیاط آن است که در صورت امکان به منا برگردد و حلق کند. همچنین است حکم سه مسئله بعد.

آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط محل نشده است و برای خروج از احرام احتیاطاً به نیت انجام وظیفه فعلیه حلق کرده طواف و سعی و طواف نساء انجام دهد. ←

- [۱۱۴۹] س - گفته می‌شود که مسلخ جدید، در منا نیست و اشخاص پس از قربانی در آنجا، و بیرون آمدن، پشت همان جا حلق و تقصیر کرده‌اند، وظیفه آنان چیست؟
- ج - اگر حلق و تقصیر در منا نبوده باید اعاده شود.^۱
- [۱۱۵۰] س - در مسئله سابق، کسانی که بعد از حلق و تقصیر مزبور به مکه آمده‌اند و اعمال مکه از قبیل طواف و سعی و طواف نساء را انجام داده‌اند و بعد متوجه شده‌اند که حلق و تقصیر در منا نبوده، آیا اعمال مکه آنان صحیح است؟
- ج - در فرض مزبور صحیح نیست و باید آن اعمال هم اعاده شود.^۲
- [۱۱۵۱] س - کسی که سال قبل هم به حج مشرف شده و حلق را در خارج منا انجام داده است و امسال هم حلق را در خارج منا نموده چه وظیفه‌ای دارد و اگر اعمال مکه را انجام داده صحیح است یا خیر؟

→ **آیه الله سبحانی:** اگر کسی عمداً در غیر منا حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد محل نمی‌شود بلکه باید آن را در منا اعاده کند و اعمال مترتبه را نیز بیاورد و اگر از مکه بیرون رفته باشد باید حلق یا تقصیر کند و موهای خود را به منا بفرستد و کسی را نایب کند که اعمال مکه او را انجام دهد و سال بعد نیز در ایام تشریق رمی روز یازدهم و دوازدهم خود را انجام دهد و یا استنابه کند. تا این وظایف را انجام ندهد نمی‌تواند برای عمره یا حج دیگر محرم شود و اگر محرم شود احرام او صحیح نیست بلکه تا حلق و اعمال مترتبه را به نحوی که گفته شد انجام ندهد در حال احرام باقی می‌باشد ولی اگر از روی جهل به موضوع یا نسیاناً حلق را بیرون از منا انجام داده اعمال مترتبه درست است فقط باید حلق یا تقصیر کند و موهای خود را به منا بفرستد.

آیه الله سیستانی: کافی است هر چند عمداً باشد ولی واجب است در صورت امکان موی خود را به منا بفرستد.

آیه الله فاضل: مگر اینکه از روی جهل قصوری یا غفلت و نسیان در غیر منا حلق کرده باشد که در این صورت محلّ شده و عمره او صحیح است، هر چند که در صورت امکان و عدم عسر و حرج بهتر است به منا برگردد و حلق کند و اعمال مترتبه را اعاده کند.

آیه الله مکارم: این حکم در صورت عمد مسلم است و در صورت جهل یا نسیان عمل آنها صحیح است و اگر می‌تواند به منا برگردد و سر خود را بتراشد و یا کوتاه کند برگردد.

۱. به ذیل سؤال قبل مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط اعاده شود.

۲. به ذیل سؤال ۱۱۳۵ و ۱۱۴۸ مراجعه شود.

ج - حلق را در منا اعاده کند و یک حلق کافی است و بعد طواف و نماز و سعی سال قبل را اعاده کند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی امسال را نیز به جا آورد و بعد یک طواف نساء و نماز انجام دهد و کفایت می کند، گرچه ظاهر این است که احرام برای عمره و حج امسال صحیح نبوده است.^۱

[۱۱۵۲] س - اگر در موردی که حاجی باید حلق کند، به جای حلق تقصیر کرده است وظیفه اش چیست، آیا کفاره دارد یا نه؟

ج - اگر جاهل به مسئله بوده کفاره ندارد و در فرض علم احوط است و در فرض مسئله بنا بر احتیاط باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مکه را به جا آورده اعاده کند.^۲

[۱۱۵۳] س - کسی که سال دوم حج او است و سال قبل برای خودش حج نموده و حلق کرده است و امسال به نیابت دیگری حج به جا می آورد، آیا در سفر دوم حکم ضروره را دارد که باید حلق کند یا تقصیر کافی است؟

ج - تقصیر کفایت می کند.

[۱۱۵۴] س - شخصی در سال ۶۰ نایب شخص دیگری شد و برای اولین بار آمد مکه و در مرز بین وادی مُحَسَّر و منا حلق نمود، به اعتقاد اینکه اینجا جزو منا است و

۱. به ذیل مسئله ۱۱۴۸ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: اگر عمدی بوده با توجه به آنچه در سؤال ۱۱۴۸ آمد احرام جدید او صحیح نیست و باید نسبت به وظایف سال قبل از حلق به بعد اقدام کند لکن چنانچه بخواهد احتیاط کند باید بعد از حلق و یا تقصیر همه اعمال از جمله طواف نساء البته به غیر از بیتوته و نفر را دوباره انجام دهد، یک بار به عنوان اعمال سال قبل انجام دهد و بار دیگر به عنوان تکلیف فعلی. مثلاً اول سه جمره را برای روز یازدهم حج سال گذشته رمی کند و سپس هر سه را مجدداً به عنوان تکلیف فعلی در حج امسال و هکذا بقیه اعمال را.

آیه الله مکارم: اعاده اینها لازم نیست و همچنین احتیاط بعد نیز لزومی ندارد.

۲. به ذیل مسئله ۱۱۲۰، ۱۱۳۵ و سؤال ۱۱۴۸ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: و در فرض علم کفاره واجب است و در هر دو صورت بعد از حلق چنانچه اعمال مکه را به جا آورده اعاده کند.

آیه الله سیستانی: در فرض جهل، اعاده واجب نیست گرچه احوط است.

یک سال بعد باز به مکه مشرف شد، برای خودش به عنوان حجة الاسلام و در منا تقصیر نمود به خیال اینکه حلق قبلی و اعمال حج گذشته او صحیح بوده است، و سال ۶۵ باز به مکه مشرف شد و به عنوان ما فی الذمه مُحرم شد، در این بین متوجه شد که حلق سال اول در خارج منا بوده است و در نظر حضرت امام کافی نیست، امسال حلق را در منا به قصد ما فی الذمه انجام می‌دهد و بقیه اعمال را نیز به قصد ما فی الذمه به جا آورده است، آیا این کار کافی است یا نه؟

ج - کفایت می‌کند و از منوب عنه واقع می‌شود و باید حجة الاسلام را اعاده کند.^۱
 [۱۱۵۵] س - اگر کسی مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و بقیه را ماشین کند، آیا جایز است و حلق صدق می‌کند؟ ضمناً بعد از ماشین، بقیه سر را نیز می‌تراشد.
 ج - تا حلق تمام نشده کوتاه کردن موی سر جایز نیست، و اگر تمام سر را تراشیده از حلق کافی است.^۲

[۱۱۵۶] س - کسی که غیر از وقوفین اضطراری را نمی‌تواند درک کند و برای بقیه اعمال خود نایب می‌گیرد، آیا می‌تواند حلق را در غیر از منا انجام دهد؟

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: اعاده حجة الاسلام واجب نیست.
 آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط حجة الاسلام را اعاده کند.
 آیه الله سبحانی: به ذیل سؤال ۱۱۴۸ مراجعه شود.
 آیه الله سیستانی: حلق اول صحیح است.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر جهلاً یا نسیاناً در غیر منا تقصیر کرده است صحت آن بعید نیست اگرچه احوط و اولی حلق در منا و اعاده اعمال مترتبه است. بنابراین حج نیایی و حجة الاسلام او صحیح است.
 آیه الله فاضل: در فرض سؤال از منوب عنه واقع شده و کفایت می‌کند و اعاده حجة الاسلام واجب نیست.
 ۲. به ذیل مسئله ۱۱۲۰ مراجعه شود.
- آیه الله خویی: ماشین کردن تقصیر حساب می‌شود و مجزی است.
 آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی: اگر با ماشین ته‌زن بزند کفایت از حلق می‌کند.
 آیه الله فاضل: اگر ماشین ته‌زن بوده که مانند حلق کردن است کافی است.
 آیه الله مکارم: کوتاه کردن کافی است و تراشیدن سر با ماشین ته‌زن نیز کفایت از حلق می‌کند.

ج - باید در منا حلق کند و حلق در غیر منا کافی نیست، مگر آنکه نتواند به منا برود.^۱

[۱۱۵۷] س - شخصی دو موضع در سرش شکسته است، ممکن است که حلق روز عید باعث پاره شدن پوست گردد اگر تقصیر نماید، مُجزی است یا وظیفه دیگری دارد؟

ج - اگر امید خوب شدن در حدی که بتواند حلق تمام نماید، تا آخر ایام تشریق، دارد تأخیر بیندازد و همچنین اعمال مترتبه را، و اگر امید ندارد یا پس از تأخیر خوب نشد، احتیاط آن است که هر مقدار سر را می تواند بتراشد و تقصیر هم بکند.^۲

[۱۱۵۸] س - شخصی سال گذشته قربانی و حلق را در غیر منا (خارج از منا) انجام داده و پس از خاتمه اعمال، به ایران برگشته است و امسال نیز به مدینه مشرف شده و قصد حج دارد، بفرمایید وظیفه او چیست؟ و آیا می تواند برای خود یا دیگری حج به

۱. **آیه الله زنجانی:** ولی در صورت امکان باید موی خود را به منا بفرستد.
- آیه الله سبحانی:** اگر فردی نمی تواند در منا حلق یا تقصیر کند در خارج منا می تواند انجام دهد ولی باید موهای ریخته را به منا برگرداند.
- آیه الله سیستانی:** باید در منا حلق کند ولی حلق در غیر منا هم کافی است حتی اگر عمداً باشد و به هر حال در صورت امکان باید موهای خود را به منا بفرستد.
۲. **آیات عظام بهجت، تبریزی، نوری:** چنان که گذشت، ضروره مخیر است بین حلق و تقصیر و در فرض مذکور که متمکن از حلق نیست باید تقصیر کند.
- آیه الله خویی:** تخییر بین حلق و تقصیر حتی برای غیر معذور خالی از قوت نیست. بنابراین، اگر چه امید خوب شدن داشته باشد تقصیر کفایت می کند.
- آیه الله زنجانی:** تقصیر، کافی است مگر آنکه بدون حرج بتواند با ماشین ته زن، سرش را بتراشد.
- آیه الله سبحانی:** اگر امید خوب شدن در حدی که بتواند حلق تمام نماید تا آخر ایام تشریق تأخیر بیندازد و پس از حلق به آنها بپردازد ولی اگر امید بهبودی ندارد و یا تا غروب روز سیزدهم بهبودی حاصل نشود اگر چنانچه با ماشین ته زن می تواند حلق را انجام دهد و اگر نمی تواند حلق کند تقصیر کند و از احرام خارج گردد و می تواند اعمال مکه را انجام دهد و به احتیاط واجب چنانچه تا آخر ذی حجه متمکن از حلق شد، ولو با ماشین حلق نماید و موهای خود را به منا بفرستد.
- آیه الله سیستانی:** اگر تراشیدن با ماشین ته زن برای او میسر باشد تقصیر کافی نیست، بنا بر احتیاط واجب و اگر حلق حرجی بود تقصیر کافی است.
- آیه الله فاضل:** چون ضروره مخیر بین حلق و تقصیر است لذا این مسئله موضوعاً منتفی است.
- آیه الله مکارم:** حلق واجب نیست و کوتاه کردن قسمتی کافی است.

جا آورد یا نه؟

ج - تا وظیفه سال قبل را از؛ قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن، انجام نداده و از احرام آن خارج نشده، نمی تواند مُحرم شود.^۱

[۱۱۵۹] س - صبی ممیزی تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام داده است، آیا از صروره بودن، خارج می شود یا نه؟

ج - بلی، خارج می شود.^۲

[۱۱۶۰] س - در روز عید قربان که حاجی باید حلق کند و از طرفی تراشیدن و کندن مو بر مُحرم حرام است، آیا حجاج باید بعد از تقصیر افرادی که مخیر بین حلق و تقصیر هستند، از وجودشان برای حلق استفاده کنند یا در آن وقت برای شخص جایز

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** در صورت جهل به مسئله یا غفلت، اعاده اعمال لازم نیست.

آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط از احرام خارج نشده است پس اگر در حوالی منا قربانی کرده کفایت می کند وگرنه باید قربانی را نیز اعاده کند و برای خروج از احرام باید احتیاطاً حلق یا تقصیر انجام دهد و پس از آن می تواند مجدداً مُحرم شود.

آیه الله سبحانی: در رابطه با قربانی چون که فعلاً در منا به نحوی که در جای خود گذشت میسر نیست اعاده لازم نیست لکن به جهت حلق در خارج از منا به ذیل سؤال ۱۱۴۸ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: حلق سابق مجزی است و نسبت به ذبح اگر جاهل قاصر بوده مجزی است و اگر مقصر بوده است در فرض مذکور به احتیاط واجب باید جمع کند بین ذبح و روزه ده روز و اعاده اعمال دیگر لازم نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: صحت حج سال گذشته بعید نیست و اگر با عدم تمکن از ذبح در منا قربانی را در مذابح معمول انجام داده اعاده لازم نیست.

آیه الله فاضل: به ذیل سؤال ۱۱۴۸ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: حلق را در منا اعاده می کند و قربانی اگر در منا امکان نداشت کافی است والا آن را نیز اعاده می کند اما اعاده اعمال مترتبه لازم نمی باشد.

۲. به ذیل مسئله ۱۱۲۰ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: وقتی حجة الاسلام خود را به جا آورد باید حلق نماید.

آیه الله سبحانی: اگر پس از بلوغ مستطیع شد و حجة الاسلام به جا آورد باید حلق کند هرچند نام صروره بر او صدق نکند.

است که سر خود را بتراشد و آیا فرق است بین تراشیدن سر خود و تراشیدن سر دیگری و در هر حال تکلیف شرعی او چیست؟

ج - خودش می‌تواند خود را حلق کند و می‌تواند به کسی که از احرام به حلق یا تقصیر خارج شده واگذار کند که او را حلق نماید، و در هر صورت اگر دیگری او را حلق کند کفایت می‌کند اگرچه از احرام خارج نشده باشد.^۱

[۱۱۶۱] س - کسی که در حج وظیفه‌اش سر تراشیدن است و از اول می‌داند که با تیغ کشیدن سرش خون می‌آید، بفرمایید آیا سرش را باید بتراشد یا نه؟
ج - باید سر بتراشد علی‌الأحوط.^۲

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر کسی که او را حلق می‌کند از احرام خارج نشده باشد مجزی نیست. **آیه الله زنجانی:** البته اگر حاجی با توجه به حرمت حلق بر دیگری، از او بخواهد که برایش حلق نماید، بنا بر احتیاط این حلق کفایت نمی‌کند.
- آیه الله سبحانی:** اگر محرم؛ محرم دیگر را سهواً و یا جهلاً حلق و یا تقصیر کند کفاره ندارد اما در صورت عمد باید کفاره دهد و در هر حال به این حلق یا تقصیر اکتفا نشود.
- آیه الله سیستانی:** کسی که از احرام خارج نشده است، جایز نیست برای دیگری حلق یا تقصیر انجام دهد و مجزی هم نیست.
- آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی:** اگر کسی که او را حلق می‌کند از احرام خارج نشده باشد، مشکل است. **آیه الله مکارم:** خالی از اشکال نیست.
۲. **آیه الله بهجت:** بایستی اول تقصیر کند و مقداری از موی سر خود را چیده، سپس سر بتراشد. **آیه الله تبریزی:** اگر به نحو متعارف حلق انجام شود، جایز است هر چند بدانند از سرش خون می‌آید. **آیه الله خویی:** بلکه باید اول تقصیر کند سپس سرش را بتراشد. **آیه الله زنجانی:** واجب است سرش را بتراشد و اگر خون هم بیاید اشکال ندارد. **آیه الله سبحانی:** باید با ماشین ته‌زن بزند.
- آیه الله سیستانی:** جایز نیست سر خود را با تیغ بتراشد بلکه با ماشین ته‌زن بتراشد و یا در صورتی که مخیر بین تراشیدن و کوتاه کردن باشد ابتدا موی خود را کوتاه و سپس اگر بخواهد سر خود را با تیغ بتراشد و اگر با آنچه گفته شد مخالفت کند کفایت می‌کند اگرچه گنهکار است.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** در صورتی که پس از فحص، حلاق ماهری پیدا نکرد که سر او را خونی نکند، تقصیر نماید و بعد در ماه ذی‌حجه هر وقت متمکن شد حلق نماید هر چند به مکه آمده باشد و مو را به

[۱۱۶۲] س - در مناسک آمده است: کسی که سال اول حج او باشد، بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد، آیا می‌توان در این احتیاط واجب به دیگری رجوع کرد؟
ج - حکم سایر احتیاطات را دارد، لیکن چون امر مهمی است، مراعات کنید این احتیاط را.^۱

[۱۱۶۳] س - کسی که حلق را فراموش کرده و به ایران بازگشته است، وظیفه او چیست؟
ج - باید حلق و اعمال مکه مترتبه بر حلق را انجام دهد و اگر نمی‌تواند خودش به مکه برود، در محل خودش حلق کند و موی خود را به منا بفرستد علی‌الأحوط و برای اعاده اعمال مکه نایب بگیرد.^۲

[۱۱۶۴] س - کسی که وظیفه او حلق است ولیکن از حلق معذور است، وظیفه او چیست؟

ج - بعید نیست لزوم و کفایت تقصیر در این مورد، ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر رجوع کنند.^۳

[۱۱۶۵] س - اگر کسی قربانی را از روی عمد تأخیر بیندازد، آیا می‌تواند حلق و یا

→ آیه الله فاضل: تراشیدن سر واجب نیست.

آیه الله مکارم: سر تراشیدن واجب نیست ولی احوط است.

۱. به ذیل مسئله ۱۱۲۰ مراجعه شود.

۲. به ذیل مسئله ۱۱۳۵ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: اعاده اعمال لازم نیست ولی فرستادن مو به منا در صورت امکان لازم است.

۳. به ذیل مسئله ۱۱۲۰ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: تقصیر کفایت می‌کند.

آیه الله سبحانی: چنانچه عذر او وجه شرعی یا مصلحت مهم طبی داشته باشد می‌تواند تقصیر کند لکن احتیاط را از کف ندهد و تا محلی برای حلق هست آن را به تقصیر بدل ننماید.

آیه الله فاضل: رعایت این احتیاط برای کسی که سال اول او است مطلقاً لازم نیست و نسبت به چند طایفه که در مسئله ۱۱۲۰ گذشت که به احتیاط واجب باید سر بتراشند، در فرض سؤال رعایت این احتیاط برای آنها لازم نبوده و تقصیر کفایت می‌کند.

تقصیر نماید و یا باید حتماً بعد از قربانی باشد؟

ج - باید حلق را بعد از قربانی انجام دهد، علی الأحوط.^۱

[۱۱۶۶] س - شخصی در روز عید قربان در حال رمی جمره عقبه پول خود را گم کرد و چون پول برای هدیه نداشت آن را مبدل به روزه کرد و تصمیم دارد بعد از ایام تشریق شروع به سه روزه نماید، آیا چنین شخصی تقصیر یا حلق را پس از سه روز روزه انجام دهد یا همان روز عید حلق یا تقصیر نماید؟

ج - می‌تواند روز عید حلق یا تقصیر نماید.^۲

[۱۱۶۷] س - شخصی که صروره نیست و می‌تواند تقصیر کند آیا اگر ریش بتراشد، صرف نظر از حرمت، این کار کفایت از تقصیر می‌کند یا نه؟

ج - کفایت نمی‌کند.

[۱۱۶۸] س - عصر عید قربان، بعد از هدیه، که دوستان سر می‌تراشیدند و من هم به این فکر که باید سر را تراشید رفته سر خود را تراشیدم و نگفتم که سر می‌تراشم برای حج تمتع، فقط سرم را تراشیدم، در این صورت وظیفه من چیست؟

ج - اگر سر را به عنوان اینکه وظیفه شما سر تراشی است و از اعمال حج است تراشیده‌اید صحیح است هر چند نیت را نگفته باشید.

[۱۱۶۹] س - چون من از سر تراشیدن بدم می‌آید، آیا می‌توانم به جای سر تراشیدن تقصیر کنم و آیا آن کار گناهی هم دارد یا نه؟

ج - در سفر اول در منا باید سر بتراشید علی الأحوط و اگر نتراشید گذشته از معصیت از احرام هم خارج نمی‌شوید علی الأحوط.^۳

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۱۴۲ گذشت.

۲. به ذیل مسئله ۱۱۳۱ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب حلق یا تقصیر را از روز عید تأخیر نیندازد.

آیه الله سبحانی، آیه الله نوری: بلکه باید روز عید حلق یا تقصیر نماید.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۱۲۰ گذشت.

[۱۱۷۰] س - حاجی در مذبح، بعد از قربانی فوراً تقصیر کرده که دچار تطهیر نجاست بدن و لباس احرام نگردد و بعد از رسیدن به چادر حلق کند، از یک طرف سروره است و از طرفی در حلق قصد احلال نکرده، تکلیفش چیست؟

ج - تقصیر در صورت جهل کفاره ندارد و حلق را اگر به قصد قربت و به حساب یکی از اعمال انجام داده، کافی است و گرنه باقی بر احرام است و باید در منا حلق کند علی الأحوط.^۱

مستحبات حلق

- [۱۱۷۱] م - در حلق چند چیز مستحب است:
۱. آنکه از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:
«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ».
 ۲. آنکه موی سر خود را در منا در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق، از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخن‌ها را بگیرد.^۲

۱. حکم سؤال قبل را دارد.

آیه الله خامنه‌ای: حلق یا تقصیر باید در منا انجام شود.

۲. آیه الله بهجت: و مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند... و احوط آن است که از اطراف سر و ریش و شارب مو بگیرد و ناخن‌ها را بگیرد.

فصل پنجم: اعمال مکه

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منا، که سه چیز بود، مراجعت به مکه، برای اعمالی که در آنجا واجب است.

[۱۱۷۲] م - جایز است بلکه مستحب است روز عید که از اعمال منا فارغ شد بیاید به مکه برای بقیه اعمال حج و جایز است تأخیر بیندازد تا روز یازدهم^۱ و بعید نیست که جایز باشد تأخیر تا آخر ذی حجه^۲؛ به این معنی که روز آخر ذی حجه هم اگر آمد و اعمال را به جا آورد مانع ندارد.

[۱۱۷۳] م - اعمالی که در مکه واجب است به جا بیاورد:

اول - طواف حج است که آن را «طواف زیارت» می گویند.

دوم - نماز طواف است.

سوم - سعی بین صفا و مروه است.

چهارم - طواف نساء است.

۱. آیه الله بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی؛ و بنا بر احتیاط مستحب از روز یازدهم تأخیر نیفتد.

۲. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی؛ اگرچه احوط آن است که تأخیر نیندازد.

آیه الله مکارم؛ بنا بر احتیاط مستحب از روز سیزدهم تأخیر نیندازد.

پنجم - نماز طواف نساء است.

[۱۱۷۴] م - کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت، بدون هیچ تفاوت، مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء به جا آورد.

[۱۱۷۵] م - جایز نیست^۱ طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و به جا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منا به جا آورد در حال اختیار.

[۱۱۷۶] م - چند طایفه‌اند که برای آنها جایز است طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء^۲ و نماز آن را، بعد از آنکه محرم به احرام حج شدند^۳ قبل از رفتن به عرفات، به جا آورند^۴ و عمل آنها مجزی است:

۱. **آیه الله سیستانی:** بنا بر احتیاط جایز نیست و در صورتی که از روی ندانستن حکم شرعی مقدم بدارد، اکتفا

به آنها مورد اشکال است، اگرچه خالی از وجه نمی‌باشد.

۲. **آیه الله بهجت:**... طواف نساء و نماز آن علی المشهور الأظهر...

۳. **آیه الله مکارم:** بنا بر احتیاط واجب.

۴. **آیه الله بهجت:** اظهر جواز تقدیم برای صاحب عذر است و احوط آن است که تقدیم کند و بعد از آن اگر ممکن شود اعاده آن در ایام تشریق کند و الا در باقی ماه ذی‌حجه اعاده نماید و اگر ممکن نشد استنابه نماید علی الأحوط و اگر می‌داند (مورد چهارم) که در تمام ماه ممکن نمی‌شود، پس بی‌اشکال تقدیم واجب است و احوط جمع بین تقدیم و استنابه است.

آیه الله تبریزی: کسی که از رفتن به مکه یا از مباشرت به اعمال بعد از رجوع از منا بر جان خود می‌ترسد، او فقط می‌تواند طواف نساء و نمازش را نیز مقدم بدارد و بقیه طوایف معذورین، طواف حج و نماز آن را مقدم می‌کنند و بنا بر احتیاط مستحب، سعی را هم مقدم کنند و بعد در وقت خودش اعاده کنند و چنانچه سعی را مقدم کردند، احتیاط واجب آن است که در وقتش اعاده کنند.

آیه الله خویی: تقدیم طواف حج و نماز و سعی بر وقوفین در حج تمتع جایز نیست مگر برای پیرمردان یا زنی که بیم حیض شدن دارد، که این دو می‌توانند طواف حج و نمازش را قبل از وقوفین به جا آورده و سعی را در وقت خودش بنمایند و احوط این است که سعی را نیز مقدم داشته و در وقتش هم اعاده نمایند و اولی و بهتر نیز در صورت امکان، اعاده طواف و نماز است در ایام تشریق یا بعد از آن تا آخر ماه ذی‌حجه و کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می‌ترسد می‌تواند طواف حج و نماز و سعی را بر وقوفین مقدم بدارد بلکه مقدم داشتن طواف نساء نیز عیبی ندارد و بعد از اعمال منا هر جا دلش بخواهد برود. ←

اول - زن‌هایی که ترس آن دارند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

دوم - پیرمردها یا پیرزن‌هایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت، برای زیادی جمعیت، یا عاجز از برگشتن به مکه باشند.^۱

سوم - اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز باشند از آن.^۲
چهارم - کسانی که می‌دانند تا آخر ماه ذی‌حجه، به جهتی برای آنها ممکن نمی‌شود طواف و سعی.^۳

→ **آیه الله زنجانی:** بر کسانی که می‌ترسند نتوانند از منا به مکه بازگردند، واجب است تمام اعمال مکه - حتی طواف نساء - را بر وقوف عرفات، مقدم بدانند و عمل آنها مجزی است، هر چند کشف خلاف شود، اما سایر طوافی که ذکر می‌شوند نمی‌توانند طواف نساء را مقدم بدانند و آنها عبارتند از: ۱. کسانی که به جهتی مانند حیض یا پیری زیاد یا بیماری نمی‌توانند یا می‌ترسند که نتوانند اعمال مکه را پس از بازگشت از منا انجام دهند، بر اینها تقدیم طواف و سعی، واجب و مجزی است؛ ۲. کسانی که طواف و سعی در زمان خودش بر آنها حرجی است؛ بر این گروه تقدیم طواف و سعی، جایز و مجزی است؛ ۳. کسانی که خوف آن دارند که اعمال مکه در زمان خودش برای آنها ایجاد حرج کند، این گروه می‌توانند طواف حج و سعی را رجائاً مقدم کنند، که اگر بعداً معلوم شد واقعاً حرجی بوده مجزی است.

آیه الله گلپایگانی: احوط برای این چند طایفه تقدیم طواف نساء و نماز آن است رجائاً. سپس اعاده بعد از مناسک منا در صورت تمکن والا باید نایب بگیرد.

۱. **آیه الله سبحانی:** پیرمرد یا پیرزنی که نمی‌توانند خودشان بعد از برگشتن از منا اعمال مکه را در ازدحام انجام دهند.

آیه الله سیستانی: مناط عسر است نه عجز.

آیه الله فاضل: و نتواند صبر کند تا ازدحام تمام شود یا صبر کردن مستلزم عسر و حرج باشد.

۲. **آیه الله سیستانی:** مریض یا معلول و هر کسی که بازگشت به مکه برای او مشکل باشد، یا طواف مشکل باشد در اثر ازدحام و مانند آن.

آیه الله فاضل: و نتوانند تا رفع ازدحام در مکه بمانند یا با عسر و حرج مواجه می‌شوند.

۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** کسانی که از رفتن به مکه بر جان خود می‌ترسند.

آیه الله خامنه‌ای: به جا آوردن اعمال فوق، پیش از وقوف در عرفات و مشعر و اعمال منا در حال اختیار جایز نیست، اما این کار برای سه گروه جایز است که عبارتند از: نخست، زنانی که می‌ترسند با ابتلا به حیض یا نفاس پس از بازگشت به مکه مکرمه از انجام طواف و نماز آن باز بمانند، ←

[۱۱۷۷] م - سه طایفه اول، اعمالی را که جلو انداختند، کافی است اگرچه بعد خلاف آن ظاهر شود، مثلاً زن حائض نشود و مریض خوب شود و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود، پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گرچه احوط است.^۱

[۱۱۷۸] م - طایفه چهارم که عقیده داشت نمی تواند اعمال را به جا آورد، اگر از جهت مرض و پیری و علیلی بود باز مجزی است، و اما اگر از جهت دیگر بود؛ مثل آنکه اعتقاد داشت سیل مانع می شود و بعد خلافتش ظاهر شد باید اعاده کند اعمال را، بعد از رجوع.^۲

→ و نتوانند تا پاک شدن منتظر بمانند؛ دوم: مردان و زنانی که ناتوان از طواف و نماز آن پس از بازگشت به مکه از جهت زیادی ازدحام باشند، و یا اصولاً ناتوان از بازگشت به مکه باشند؛ سوم: بیمارانی که پس از بازگشت به مکه مکرمه، بر اثر ازدحام یا ترس از آن، از انجام طواف ناتوانند.

آیه الله سبحانی: هر کس دیگری که عذر عرف پسند داشته باشد از اینکه اعمال را بعد از برگشتن از منا تا آخر ذی حجه و یا زمانی که در مکه هست خود انجام دهد.

آیه الله سیستانی: کسانی که می ترسند برای آنها بازگشت به مکه میسر نشود.

۱. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی:** به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله صافی: احتیاط آن است که بعد از برگشتن از منا، اگر ممکن شود در ایام تشریق و گرنه تا آخر ذی حجه طواف و سعی را دوباره به جا آورند.

آیه الله مکارم: احتیاط به اعاده در صورت امکان ترک نشود.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** به ذیل مسئله ۱۱۷۶ (طایفه چهارم) مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۱۷۶ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: بیماری و پیری جزء گروه های دوم و سوم هستند که گذشت و اعتقاد به سیل و امثال آن جزء گروه چهارم که در صورت کشف خلاف باید اعمال را اعاده کنند

آیه الله سیستانی، آیه الله گلپایگانی: در همه موارد اعاده را موافق احتیاط استحبابی بیان کرده اند.

آیه الله صافی: احوط آن است که پس از مراجعت از منا نایب بگیرند که اعمال آنها را انجام دهد و اگر بعد از مراجعت خلاف یقینی که داشت ظاهر شد اعاده لازم است بدون تفاوت بین صور مذکوره.

آیه الله فاضل: و اگر احتمال حدوث مرض را می داد و بعداً مرض حادث نشد، مجزی نیست.

آیه الله مکارم: احتیاط به اعاده در صورت امکان ترک نشود.

[۱۱۷۹] م - شخص محرم که به واسطه احرام حج، چیزهایی بر او حرام شد، که در سابق به تفصیل ذکر شد، در سه موقع و بعد از سه عمل به تدریج آنها بر او حلال می‌شود:

اول - بعد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منا، که به آن همه چیز حلال می‌شود مگر بوی خوش و زن چنان‌که پیشتر ذکر شد و گفته شد که صید از جهت احرام نیز حلال می‌شود نه از جهت حرم.^۱

دوم - بعد از به جا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه، به تفصیلی که گذشت، حلال می‌شود بر او بوی خوش، ولی زن بر او حرام است.^۲

سوم - بعد از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن، که در کیفیت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت، حلال می‌شود بر او زن نیز، پس بعد از این سه عمل، همه چیز که به احرام حرام شده بود حلال می‌شود^۳ و اما صید کردن در حرم حرام است برای همه کس؛ چه مُحَرَّم و چه مُجَلِّ.

[۱۱۸۰] م - کسانی که به واسطه عذر؛ مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف نساء را مقدم داشتند^۴، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی‌شود و تمام محرّمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

[۱۱۸۱] م - طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خثی و خصی و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی‌شود و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه طفل

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۱۴۱ گذشت.

۲. آیه الله صافی: احوط در حج تمتع آن است که پیش از طواف نساء و نماز آن از بوی خوش نیز اجتناب نماید.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: فقط چیزی که از حرام‌ها باقی می‌ماند شکار است که تا ظهر روز سیزدهم حرام است، بنا بر احتیاط واجب.

۴. آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی: به ذیل مسئله ۱۱۷۶ مراجعه شود.

غیر ممیز، اگر ولی او را محرم کرد باید او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد^۱ تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.^۲

[۱۱۸۲] م - طواف نساء و نماز آن، اگرچه واجب است^۳ و بدون آن زن حلال نمی‌شود، لیکن رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌شود، بلکه واجب است بر کسی که حج کرده آن را به جا آورد و اگر به جا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، بلکه آنچه از زن بر او حرام شده بود؛ مثل عقد کردن و خطبه کردن* و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی‌شود، بنا بر احتیاط واجب.^۴

[۱۱۸۳] م - جایز نیست مقدم داشتن سعی را بر طواف زیارت یا بر نماز آن اختیاراً

۱. آیات عظام زنجانی، صافی، گلپایگانی: بر ولی یا کسی که به اذن او کودک را احجاج کرده واجب است کودک را طواف نساء بدهد وگرنه بعد از بلوغ، همسر بر او حرام خواهد بود.

آیه الله سبحانی: همه کسانی که حج و یا عمره مفرده انجام می‌دهند باید به جا آورند و اگر کسی انجام ندهد و بمیرد باید برای او نایب بگیرند و هزینه نایب از ترکه برداشته شود.

۲. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بعد از طواف حج و نماز و سعی، ظاهراً عقد حلال می‌شود، ولیکن بنا بر احتیاط استمتاع جایز نمی‌شود، گرچه اظهار اختصاص حرمت به جماع است.

آیه الله سیستانی: همان‌گونه که گذشت، با حلق یا تقصیر، عقد حلال می‌شود و اما حلیت استمتاع در صبی هم متوقف است بر طواف نساء، پس اگر بالغ شد و هنوز طواف نساء نکرده، نمی‌تواند از همسرش استمتاع ببرد.

آیه الله فاضل: مجنون و مغمی علیه را نیز اگر مُحْرِم کرده‌اند، طواف نساء بدهند تا در صورت افاقه زن یا مرد بر آنها حلال شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و نیز در مورد مجنونی که ولیش او را محرم کرده، طواف نساء لازم است.

۳. آیه الله زنجانی: اگرچه از اجزاء واجب حج است و باید در ذی حجه انجام گیرد، و بدون آن...

* [در مسئله ۳۲۷ فرموده‌اند: احتیاط در حرمت خطبه نمودن استحبابی است]

۴. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: و به احتیاط واجب ادای شهادت هم ننماید.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: و ظاهر این است که بتواند بعد از طواف و سعی عقد نماید ولی لذت بردن از زن برایش جایز نیست بنا بر احتیاط، اگرچه اظهار جواز غیر از جماع است.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: پس از تراشیدن و یا کوتاه کردن مو، بنا بر اقوی جایز است زن عقد کند و شاهد عقد باشد.

و جایز نیست مقدم داشتن طواف نساء را بر طواف زیارت و بر سعی اختیاریاً و اگر مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

[۱۱۸۴] م - جایز است طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد در حال ضرورت، مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا زمان پاکی، لیکن احتیاط در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن به جا آورد.^۱

[۱۱۸۵] م - اگر سهواً طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد یا به واسطه ندانستن حکم مقدم بدارد، طواف و سعیش صحیح است و احتیاط در اعاده طواف است.^۲

[۱۱۸۶] م - اگر طواف نساء را سهواً^۳ به جا نیاورد تا برگشت از حج، پس اگر می تواند باید خودش برگردد و به جا بیاورد و اگر نمی تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد و پس از به جا آوردن، زن به او حلال می شود.^۴

۱. **آیه الله بهجت:** تقدیم طواف نساء بر سعی در حال ضرورت و خوف حیض جایز است و همچنین از ناسی و جاهل مجزی است تقدیم بر سعی علی الأظهر.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: جایز نیست قبل از سعی طواف نساء را انجام دهد و اگر نتوانست تا زمان پاکی در مکه بماند، می تواند از مکه خارج شود و بنا بر احتیاط برای طواف نساء نایب بگیرد.

آیه الله زنجانی: کسی که می ترسد پس از سعی، متمکن از طواف نساء نباشد باید طواف نساء را مقدم بدارد و بعد از سعی نیز اگر می تواند، دوباره طواف نساء را به جا آورد و اگر حائض بود نایب بگیرد.

آیه الله سبحانی: ولی اگر بعداً حائض نشد واجب است خودش طواف نساء و نماز آن را به جا آورد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: متعرض این مسئله نشده اند.

۲. **آیه الله بهجت:** حکم آن در مسئله قبلی گذشت که مجزی است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط، لازم است آنها را بعد از سعی اعاده کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف زیارت و سعیش صحیح است و اعاده طواف نساء با نمازش بعد از سعی احوط است و اگر خودش نمی تواند اعاده کند نایب بگیرد.

آیه الله سبحانی: اگر سهواً و یا از روی جهل مقدم داشته اعاده آن بعد از سعی مستحب است.

۳. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی:** یا عمداً.

آیه الله سبحانی: فراموش کرد و یا عمداً و یا جهلاً به جا نیاورد؛ و خود نیز احتیاطاً نماز آن را در محلی که هست بخواند.

۴. **آیه الله مکارم:** اگر کسی طواف نساء را به جا آورد ولی نمازش را ترک کرده یا صحیح نخوانده باشد، همسرش بر او حرام نمی شود، ولی باید نماز طواف نساء را در صورت امکان پشت مقام در مکه مکرمه و اگر نمی تواند در محلی که هست بخواند.

[۱۱۸۷] م - اگر کسی طواف واجب را - چه طواف عمره و چه طواف حج و چه طواف نساء - فراموش کرد و برگشت و با زن نزدیکی کرد، باید یک هدی در مکه قربانی کند و احتیاط آن است که شتر باشد^۱ و اگر می‌تواند، خودش برود و طواف و نماز آن را به جا آورد. و احتیاطاً در غیر طواف نساء سعی را هم به جا آورد^۲ و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد.

[۱۱۸۸] م - اگر کسی طواف را - چه طواف عمره یا طواف زیارت - از روی جهل به مسئله به جا نیاورد و برگشت به محل خود، باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی کند.^۳

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: اگر طواف عمره فراموش شده، در مکه؛ و اگر طواف حج فراموش شده، در منا قربانی نماید و قربانی نمودن یک گوسفند کفایت می‌کند.

آیه الله سبحانی: باید یک شتر در مکه نحر کند و هر کدام از این سه طواف را با نماز آن اعاده نماید و در طواف حج و عمره اعمال مترتبه را نیز اعاده کند و اگر نمی‌تواند خود بازگردد و انجام دهد استنباه کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کسی که تمام طواف یا بعض آن را فراموش کند و یادش نیاید تا به شهر خود برگردد و برای او مشکل باشد که به مکه مراجعت نماید و آنچه را فراموش کرده به جا آورد واجب است نایب بگیرد که برای او طواف کند و در این صورت بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آن است که شتر باشد. آیه الله صافی بعد از «برای او طواف کند» می‌فرمایند: و نماز طواف بخواند و بنا بر احتیاط لازم سعی هم بنماید و در این صورت بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد، و احوط آن است که شتر باشد، و در مواردی که گفته شد باید وجوباً یا احتیاطاً بعد از اتمام و نماز طواف، اعاده نماید، نایب نیز به همان شرح عمل کند.

آیه الله فاضل: و احتیاط مستحب.

آیه الله مکارم: قربانی کردن گوسفند و اعاده سعی احتیاط مستحب است.

۲. آیه الله سیستانی: اگر قبل از فوت وقت متذکر شود، باید سعی را اعاده کند و اگر بعد از آن باشد، مثلاً طواف عمره را پس از وقوف در عرفات متذکر شود یا طواف حج را پس از پایان ذی‌حجه متذکر شود طواف را قضا می‌کند و اعاده سعی لازم نیست و تا طواف را خودش یا نایبش انجام نداده‌اند آنچه بر او حرام شده است حلال نمی‌شود.

۳. آیه الله بهجت: وجوب ذبح یک شتر مطلقاً حتی در حال علم و عمد موافق احتیاط است.

آیه الله تبریزی: کفارہ دادن یک شتر در ترک طواف حج از روی جهل به مسئله است، و اما در طواف عمره تمتع چنانچه از روی جهل به مسئله ترک شد، هر چند باید حج را در سال آینده اعاده کرد ولی کفارہ ندارد. ←

استفتائات اعمال مکه

[۱۱۸۹] س - اگر کسی تنها این ترس را داشته باشد که بعد از برگشت از منا، در اثر ازدحام نتواند طواف کند یا به مشقت بیفتد، آیا می‌تواند اعمال حج را مقدم دارد یا نه؟

ج - مورد جواز تقدیم نیست و نمی‌تواند مقدم بدارد.^۱

→ **آیه الله خویی:** اگر کسی طواف عمره تمتع را از روی علم یا از روی جهل ترک کند به نحوی که قبل از وقوف عرفات نتواند آن را تدارک نماید عمره و حتی احرام عمره اش باطل می‌شود و باید در سال دیگر حج را اعاده نماید و کفاره مذکوره اختصاص دارد به موردی که طواف حج را از روی جهل ترک کرده باشد.

آیه الله سبحانی: اگر طواف حج تمتع را ترک کند باید یک شتر در مکه قربانی کند و حج را اعاده نماید ولی اگر طواف عمره تمتع را از روی جهل به حکم و یا عمداً ترک کند باید حج را در سال بعد اعاده کند ولی کفاره ندارد ولی آنجایی که طواف عمره تمتع را عمداً یا از روی جهل ترک کرده، عمره او باطل می‌شود ولی هنوز به وطن برگشته و در اثنا آگاه یا پشیمان شده است ولی به خاطر ضیق وقت نمی‌تواند طواف را انجام دهد حج او به حج افراد تبدیل می‌شود و در این صورت اعمال حج را به نیت حج افراد انجام بدهد و بعد از آن عمره مفرده بیاورد.

آیه الله سیستانی: کفاره در مورد طواف عمره مبنی بر احتیاط واجب است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: چون احتمال می‌دهد در احرام باشد، احتیاطاً از نزدیکی با زن قبل از انجام عمره مفرده دوری نماید و یک شتر قربانی کند.

آیه الله فاضل: کفاره در طواف عمره بنا بر احتیاط است.

آیه الله مکارم: در ترک طواف عمره، قربانی احتیاط مستحب است و در طواف حج، احتیاط واجب است.

۱. **آیه الله بهجت:** تقدیم اعمال مکه برای کسی که پس از بازگشت از منا از ازدحام جمعیت می‌ترسد، جایز است ولی احتیاطاً بعد از برگشت از منا اعمال را تکرار کند و در صورت عدم امکان نایب بگیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله مکارم: احتیاط آن است که مقدم دارد و بعداً اگر نتوانست برای طواف نایب بگیرد.

آیه الله زنجانی: در مورد اول تقدیم طواف و سعی واجب و مجزی است و در مورد دوم می‌توانند رجائاً مقدم کنند ولی اگر کشف خلاف شد مجزی نیست و تقدیم طواف نساء در هیچ‌یک از دو مورد جایز نیست.

آیه الله سبحانی: افرادی که دارای روحیه ضعیف هستند و یا حالت وسواسی و ترس از جمعیت دارند این حالت صرفاً مجوز تقدیم اعمال مکه بر وقوفین نمی‌شود.

آیه الله سیستانی: کسانی که بازگشت به مکه برای آنها مشکل است و یا طواف نمودن بعد از بازگشت از منا به علت ازدحام شدید جمعیت یا غیر آن برای آنها مشکل است می‌توانند مقدم دارند.

[۱۱۹۰] س - اعمال حج را به جهت خوف حیض، بر اعمال منا مقدم داشت، ولی چون طواف یا سعی را قطع کرده بود، به طوری که می‌باید اتمام و اعاده کند و چنین کرد، آیا بعد از اعمال منا بر او چیزی نیست؟

ج - اگر وظیفه را انجام داده چیزی بر او نیست.^۱

[۱۱۹۱] س - آیا نایب هم، اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد، می‌تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منا مقدم بدارد یا نه؟

ج - مانع ندارد.^۲

[۱۱۹۲] س - کسانی که اعمال حج را قبل از اعمال منا انجام می‌دهند، آیا می‌توانند سعی را بعد از برگشتن از منا انجام دهند و باقی اعمال را قبل؟

ج - محل اشکال است.^۳

[۱۱۹۳] س - تقدیم اعمال مکه برای ذوی الأعدار جایز است یا لازم؟

ج - جایز است و لازم نیست.^۴

۱. آیه الله بهجت: به ذیل مسئله ۱۱۷۶ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: تقدیم سعی و طواف نساء بر وقوف مجزی نیست گرچه احوط تقدیم سعی و اعاده آن است، بلی کسی که از بازگشت به مکه می‌ترسد همه اعمال مکه را می‌تواند مقدم کند.
آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به ذیل مسئله ۱۱۷۷ مراجعه شود.

۲. آیه الله زنجانی: اگر هنگام احرام، اطمینان به عدم عذر داشته باشد، حج و نیابتش صحیح است.
آیه الله بهجت: بعد از طواف سعی است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: به مسئله ۱۱۷۶ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: جایز نیست.

آیه الله مکارم: همه را قبلاً انجام می‌دهند.

۴. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: مگر برای کسی که یقین دارد بعد از برگشتن از منا و تا آخر ذی‌حجه امکان انجام آن را ندارد که در این صورت تقدیم واجب است.

آیه الله تبریزی: مگر اینکه بدانند یا اطمینان داشته باشند؛ چنانچه اعمال مکه را بر وقوفین مقدم نکنند، بعد امکان انجام آن را ندارند، که در این صورت واجب است طواف و نماز آن را مقدم کنند و بنا بر احتیاط مستحب، سعی را نیز مقدم و بعد اعاده کنند.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۱۷۶ مراجعه شود. ←

[۱۱۹۴] س - کسانی که اعمال حج را مقدم بر وقوفین می‌نمایند، آیا باید اقرب زمان به موقوفین را رعایت کنند؟

ج - لازم نیست.

[۱۱۹۵] س - تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم می‌دارند، بر عهده خود آنان است یا بر عهده گردانندگان گروه و مسئولین؟

ج - تشخیص با خود مکلف است.^۱

[۱۱۹۶] س - کسی که او را به وسیله تخت طواف می‌دهند، آیا می‌تواند اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم بدارد؟

ج - اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیست، نمی‌تواند مقدم بدارد.

[۱۱۹۷] س - کسی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارد، آیا می‌تواند طواف نساء را بعد از وقوفین و اعمال دیگر انجام دهد؟

ج - بنا بر احتیاط در موردی تقدیم بدارند که هر سه عمل را مقدماً انجام دهند.^۲

[۱۱۹۸] س - شخصی که می‌تواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد، اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکه را انجام داد چه صورتی دارد؟

ج - کفایت نمی‌کند^۳ و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کند و یا بعد از

→ **آیه الله سبحانی:** مگر برای کسانی که می‌دانند تا زمانی که در مکه هستند و یا تا آخر ذی‌حجه عذرشان برطرف نمی‌شود و مجبور به استنابه می‌شوند که در این صورت واجب است خود اعمال را تقدیم انجام دهند.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب آن است که ترک نکنند.

۱. **آیه الله زنجانی:** یعنی حاجی باید ببیند معمول مردم، وضعیت وی را عذر می‌دانند یا خیر و علم وسواس و علم کسی که کمترین دشواری را عذر می‌داند، ملاک نیست و باید به متعارف رجوع کند.

۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، گلپایگانی:** به ذیل مسئله ۱۱۷۶ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: تأخیر طواف نساء مانعی ندارد.

آیه الله مکارم: هر سه عمل را مقدماً انجام دهد.

۳. **آیه الله بهجت:** اگر شخصی به دلیل عذر، اعمال مکه را مقدم داشت، بعداً کشف شد که اعمال را بدون احرام انجام داده، به آن اکتفا نکند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی را اعاده کند.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

وقوفین و اعمال منا، آنها را به جا آورد.

[۱۱۹۹] س - آیا می تواند اعمال مکه را به نایب واگذارد، در صورتی که می تواند

تأخیر بیندازد تا خود به جا آورد؟

ج - با فرض اینکه می تواند خودش به جا آورد، ولو با تأخیر، تا آخر وقت نمی تواند

نایب بگیرد.

[۱۲۰۰] س - در مناسک فرموده اید وقت انجام اعمال حج تا روز یازدهم است و

بعید نیست که تا آخر ماه ذی حجه نیت کند، در صورتی که وقت انجام مناسک حج تا

روز یازدهم باشد، اگر تأخیر انداخت چون محتمل است ظرف وجوب منقضی شده

باشد آیا معصیت نموده است؟

ج - معصیت نیست.

[۱۲۰۱] س - کسی که از منا برگشته و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده، آیا

می تواند طواف مستحبی انجام دهد و نیز در حال احرام عمره تمتع آیا می تواند قبل از

انجام عمره، طواف مستحبی انجام دهد؟

ج - احتیاطاً ترک نماید.^۱

[۱۲۰۲] س - آیا بعد از انجام اعمال منا، قبل از انجام اعمال مکه، می توان از مکه

خارج شد یا خیر؟

ج - مانع ندارد.^۲

۱. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۷۶۸ گذشت.

۲. آیه الله بهجت: خلاف احتیاط است.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی: جایز نیست.

آیه الله خامنه ای: ولی باید خروج به نحوی باشد که بتواند مناسک باقیمانده را در وقت خودش انجام دهد.

آیه الله سبحانی: احتیاط آن است که تا اعمال را تکمیل نکرده خارج نشود.

آیه الله فاضل: احتیاط واجب این است که تا اعمال حج تمام نشده از مکه خارج نشود، مگر اینکه اطمینان

داشته باشد که برای اتمام اعمال برمی گردد.

- [۱۲۰۳] م - اگر شخص، چندین عمره مفرده به جای آورده باشد و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد، یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می‌کند.^۱
- [۱۲۰۴] م - احتیاط آن است که نایب در طواف نساء، نیت ما فی الذمه کند، گرچه می‌تواند به نیت منوب عنه انجام دهد.^۲
- [۱۲۰۵] س - آیا پیش از به جا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق و اعمال بعدی، تمام انواع تلذذ و تمتع از زن حرام است و یا اختصاص به جماع دارد؟
ج - از مطلق تلذذ از زن باید اجتناب نماید.^۳
- [۱۲۰۶] س - آیا تأخیر طواف نساء از سعی تا چند روز، جایز است یا خیر؟
ج - مانع ندارد.^۴
- [۱۲۰۷] س - شخصی بعد از حج، ازدواج کرد و دارای فرزند شد، بعداً متوجه می‌شود که در حج، طواف نساء را به جا نیاورده است، حال که متوجه شده است، حکم

۱. آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: بنا بر احتیاط، برای هر کدام یک طواف نساء انجام دهد.
- آیه الله تبریزی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد ولی احتیاط این است تا طواف عمره مفرده را انجام نداده، محرم به احرام جدید نشود.
- آیه الله خامنه‌ای: واجب است برای هر عمره مفرده جداگانه طواف نساء به جا آورد، اگرچه تحلل با طواف نساء واحد بعید نیست.
- آیات عظام خویی، زنجانی، سبحانی، صافی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد.
۲. آیه الله خامنه‌ای: واجب است به نیابت از منوب عنه طواف نساء را انجام دهد.
- آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: به نیت منوب عنه انجام دهد.
- آیه الله زنجانی، سبحانی: به نیت منوب عنه انجام دهد و انجام به قصد ما فی الذمه نیز صحیح است.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: طواف نساء را باید به نیت منوب عنه به جا آورد.
- آیه الله فاضل: طواف نساء به نیت منوب عنه انجام شود.
۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اظهار اختصاص حرمت به جماع است، هر چند احتیاط آن است که از مطلق تلذذ اجتناب شود.
۴. آیه الله زنجانی: ولی نباید از ماه ذی حجه به تأخیر بیفتد.
- آیه الله سبحانی: می‌تواند تا آخر ذی حجه آن را انجام دهد.

زن و فرزند او چگونه است و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج - با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده را دارد ولی عقد ازدواج باطل است^۱ و باید طواف نساء را انجام دهد و اگر بخواهد بعد از آن تجدید عقد نماید.

[۱۲۰۸] س - مردی به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است ولی تو باید طواف رجال به جا آوری! زن به جای نیت «طواف نساء» «طواف رجال» ذکر کرد، آیا کافی است یا نه؟

ج - اگر منظورش ادای وظیفه است، مانع ندارد.

[۱۲۰۹] س - کسی که عمره مفرده انجام می داد، بدون اینکه تقصیر کند، طواف نساء را به جا آورد، آیا وظیفه او چیست و عمره او باطل است یا نه؟

ج - عمره باطل نمی شود، لیکن باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده^۲ نماید و بدون آن حرمت نساء باقی است.

[۱۲۱۰] س - شخصی پس از مراجعت از مکه شک می کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را به جا آورده یا نه، چه وظیفه ای دارد؟

ج - اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد و همچنین است در صورت التفات علی الأحوط، بلکه خالی از قوت نیست.^۳

۱. **آیه الله بهجت:** تا طواف نساء به جا نیورد زن حلال نیست ولی عقد صحیح است و فرزند حلال زاده است،

بنابراین اگر نتواند شخصاً طواف نساء را به جا آورد نایب بگیرد که طواف نساء و نمازش را انجام دهد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: ظاهراً عقد صحیح است و نیاز به تجدید ندارد، ولی مادامی که طواف نساء و نماز آن را خودش و در صورت تعذر نایبش انجام نداده جماع جایز نیست.

آیه الله زنجانی: عقد ازدواج آنها صحیح و احتیاط استجبایی در اعاده عقد بعد از طواف نساء است.

آیه الله سبحانی: فرزند او حلال زاده است و باید طواف نساء را انجام دهد و احتیاطاً عقد را تجدید کند.

آیه الله سیستانی: عقد او صحیح است؛ زیرا آنچه بر حاجی پس از حلق حرام است، استمتاع است نه عقد و اما اولاد به هر حال ملحق به او هستند.

۲. به ذیل سؤال ۸۹۸ مراجعه شود.

۳. **آیه الله بهجت:** اگر توانست خودش به جا آورد والّا نایب بگیرد. ←

[۱۲۱۱] س - اگر کسی بعد از شوط چهارم طواف نساء عمره مفرده، با زوجه خود مواجهه نماید، آیا مانند طواف نساء حج است که به حج لطمه‌ای وارد نکرده و کفاره هم ندارد؟

ج - بلی، عمل صحیح است و کفاره ندارد، اگرچه حرام مرتکب شده است.^۱

[۱۲۱۲] س - به جا نیاوردن طواف نساء از روی جهل، همانند طواف حج و عمره

→ **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** اگر شک بعد از عمل مواجهه با زوجه برایش حاصل شد، به آن اعتنا ننموده و بنا بر انجام آن گذارد.

آیه الله زنجانی: اگر قبل از تمتع از نساء، شک کرده، باید طواف نساء را انجام دهد و اگر بعد از تمتع، شک کرده چنانچه احتمال بدهد هنگام استمتاع، به رعایت جهات شرعی توجه داشته است اعتنا به شکش نمی‌کند و اگر احتمال ندهد باید طواف نساء را به جا آورد، البته در حج اگر بعد از گذشتن ماه ذی‌حجه، برایش شک پیدا شده مطلقاً اعتنا نمی‌کند.

آیه الله سبحانی: چنانچه در انجام طواف نساء در حج شک کند درحالی‌که ماه ذی‌حجه الحرام به پایان نرسیده است چنین فردی باید خود و در صورت عدم امکان نایب او طواف نساء و نماز آن را انجام دهد و اگر پس از خروج ماه ذی‌حجه چنین شکی رخ دهد اعتنا نکند ولی در مورد شک در انجام طواف عمره مفرده به متن عمل شود.

آیه الله سیستانی: باید طواف نساء را انجام دهد و اگر معذور است یا مشقت دارد نایب بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی اگر التفات به وجوب آن داشته و شک دارد که انجام داده یا نه، بعید نیست انجام آن واجب نباشد، اگرچه احتیاط خوب است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب در صورت اول ولی در صورت بعد، طواف نساء لازم نیست.

۱. به ذیل مسئله ۳۱۸ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: قبل از اتمام شوط پنجم کفاره دارد، بنا بر احتیاط و بعد از شوط پنجم کفاره ندارد البته این مسئله را درباره حج دارند نه عمره مفرده.

آیه الله تبریزی: چنانچه این عمل بعد از سعی بوده، عمره باطل نمی‌شود، ولی قبل از شوط پنجم کفاره دارد، بلکه احوط کفاره است مطلقاً.

آیه الله خویی: بعد از سعی عمره باطل نمی‌شود ولی کفاره دارد مگر اینکه شوط پنجم را به جا آورده بوده.

آیه الله سبحانی: بعد از نیمه اول طواف نساء یعنی سه شوط و نیم، و باید استغفار کند و طوافش را با تحصیل طهارت تمام کند.

آیه الله سیستانی: استغفار کند و کفاره ندارد و طوافش را تمام کند.

است که باید حج را اعاده کند و شتر قربانی نماید؟ چنان‌که در مسئله ۱۷ فصل پنجم حج در مناسک می‌فرمایید؟

ج - ترک طواف نساء، حج را باطل نمی‌کند و کفاره ندارد، ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد.^۱

[۱۲۱۳] س - شخصی قبل از طواف نساء با زوجه خود ملاعبه نموده و از روی شهوت به او دست زده است، آیا کفاره دارد؟
ج - کفاره دارد مگر در صورت جهل.^۲

[۱۲۱۴] س - زنی که اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم داشته، بعد از سعی حائض می‌شود، شوهرش در همان وقت به نیابت از او طواف نساء را انجام می‌دهد، آیا این نیابت صحیح است؟

ج - صحیح نیست و تقدیم برای کسی است که خودش طواف می‌کند و احتیاط آن است که اکتفا به آنچه مقدم داشته هم نکند.^۳

[۱۲۱۵] س - اگر نایب طواف نساء را به جا نیاورد، آیا فقط زن بر او حرام است یا

۱. در مسئله ۳۲۳ گذشت که در صورت جهل و نسیان و غفلت، کفاره ندارد.

۲. در مسئله ۳۲۳ گذشت که در مورد نسیان و غفلت هم کفاره ندارد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب، ولی در صورت فراموشی یا ندانستن مسئله کفاره ندارد. به ذیل مسئله ۱۱۸۲ مراجعه شود.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر به جهت خوف از حیض، اعمال حج را مقدم کرده، اعاده طواف حج لازم نیست لکن بنا بر احتیاط واجب باید سعی را اعاده کند و باید طواف نساء هم بعد از وقوفین و اعمال حج باشد. آیه الله زنجانی: پس از بازگشت از منا اگر پاک شد طواف نساء را خودش به جا می‌آورد و الا نایب می‌گیرد.

آیه الله سبحانی: اگر به جهت خوف از حیض، اعمال حج را مقدم کرده، اعاده طواف حج لازم نیست لکن بنا بر احتیاط مستحب باید سعی را اعاده کند و سپس به سراغ طواف نساء و نماز آن برود.

آیه الله سیستانی: آنچه مقدم داشته کافی است و طواف نساء را پس از اعمال روز عید انجام دهد و اگر نتوانست تکلیف ساقط است ولی احتیاط آن است که نایب بگیرد.

ذمه اش هم مشغول است، هر چند بعد از مردن باشد، که باید برای او قضا کند؟

ج - ذمه او هم مشغول است، ولی خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمی تواند نایب بگیرد.^۱

[۱۲۱۶] س - شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمره تمتع محرم شده است، آیا طواف نساء فراموش شده را، بعد از انجام اعمال عمره تمتع به جا آورد یا قبل از آن؟

ج - می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتع به جا آورد و اگر تأخیر بیندازد، طواف نساء حج، کفایت از آن می کند.^۲

[۱۲۱۷] س - کسی که طواف نساء عمره مفرده را به جا نیاورده و بعد از آن حج افراد به جا می آورد، آیا طواف نساء حج افراد کفایت می کند؟

ج - کفایت می کند.^۳

[۱۲۱۸] س - پیرمردان و پیرزنانی که عمل زناشویی از آنان ممکن نیست و ازدواج هم نمی کنند و نیز کسی که عین است، آیا اگر طواف نساء را نیاورند اشکال دارد؟

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل: در صورت عدم تدارک در زمان زنده بودنش، بنا بر احتیاط باید قضای آن از ترکه او به جا آورده شود.

آیه الله زنجانی: و اگر در زمان حیاتش تدارک نکرد واجب است وصیت کند و در هر صورت - وصیت کند یا نه - مسئولیت انجام طواف نساء بر عهده ولی اوست و هزینه آن از اصل ترکه خارج می شود؛ مگر متبرعی پیدا شود یا خودش وصیت نافذی کرده باشد که از ثلث حساب کنند.

آیه الله سبحانی: اگر بمیرد از ترکه او کسی را اجیر کنند تا طواف نساء را به نیابت از او و به نیت آنچه بر ذمه نایب بوده است به جا آورد ولی ترک طواف نساء از جانب نایب نسبت به منوب عنه اثری از جهت حرمت نساء ندارد.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۲۰۳ گذشت.

۳. مانند سؤال قبل است.

ج - گرچه طواف نساء جزو اعمال نیست، لکن عمل واجبی است که باید انجام داده شود.^۱

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی^۲

[۱۲۱۹] م - آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسُكِكَ وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمْنِي لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْفُ طَاعَتِكَ مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَتُخَيِّرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

پس به نزد حجرالاسود بیاید و استلام و بوسه نماید و اگر بوسیدن ممکن نشد، دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

۱. آیه الله زنجانی: طواف نساء از اجزاء واجب حج یا عمره مفرده است و بر عینین و کسانی که نمی تواند زناشویی کنند نیز واجب است.

۲. آیه الله مکارم: این اعمال را به قصد رجا و امید مطلوبیت به جا آورد.

فصل ششم: بیتوته در منا

[۱۲۲۰] م - واجب است بر حاج که شب یازدهم ذی حجه و شب دوازدهم را در منا بیتوته کند؛ یعنی در آنجا بماند از غروب آفتاب تا نصف شب.^۱

[۱۲۲۱] م - چند طایفه باید در شب سیزدهم نیز تا نصف شب بمانند:

اول - کسی که صید کرده است در احرام، و احتیاط واجب آن است که اگر صید را گرفته باشد و نکشته باشد شب سیزدهم را بماند،^۲ لیکن غیر از صید کردن چیزهای

۱. آیه الله بهجت: تا ما بعد نصف شب.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: می‌تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب و یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در آنجا بماند.

آیه الله خامنه‌ای: بعید نیست که بیتوته کردن در نیمه دوم شب نیز جایز باشد.

آیه الله زنجانی: حاجی مخیر است بین «بیتوته نیمه اول شب» و بین «صبح» یعنی باید از غروب تا نیمه شب در منا به سر برد و یا اینکه هنگام طلوع فجر، در منا حضور داشته باشد.

آیه الله سبحانی: می‌تواند از سر شب تا نیمه آن در منا بماند یا اینکه اگر نصف اول در منا نبوده باید به نحوی به منا برگردد که پیش از طلوع فجر به منا بیاید تا فجر طلوع کند.

آیه الله فاضل: و بعید نیست که بتوان به نیمه دوم شب اکتفا کرد.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کسی که در حال احرام از شکار خودداری نکرده واجب است شب سیزدهم را نیز در منا بماند.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع مسئله نشده‌اند.

دیگر که از صید بر محرم حرام است، مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نیست بیتوته شب سیزدهم.

دوم - کسی که نزدیکی با زن کرده در احرام؛^۱ چه در قُبُل و چه در دُبُر و چه با زن خود یا اجنبیه، ولی غیر از جماع، کارهای دیگر مثل بوسیدن و لمس و غیر آن را اگر اجتناب نکرده، واجب نمی‌شود بیتوته شب سیزدهم.

سوم - کسی که در روز دوازدهم کوچ نکرد از منا و غروب شب سیزدهم را درک کرد.^۲

م - [۱۲۲۲] چند طایفه‌اند که واجب نیست در شب‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم در منا بمانند:^۳

اول - بیماران و پرستاران آنها و دیگر کسانی که برای آنها مشقت داشته باشد ماندن، به هر عذری که باشد.

۱. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** بنا بر احتیاط کسی که با زن نزدیکی کرده باید شب سیزدهم را در منا بماند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کسی که از تمتع از زن‌ها اجتناب نکرده.

۲. **آیه الله زنجانی:** یعنی هنگام پنهان شدن قرص خورشید، در منا باشد، بلکه حوالی غروب که خورشید، زرد رنگ است در منا باشد.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: که در این صورت باید تا طلوع فجر در منا باشد.

۳. **آیه الله زنجانی:** اول: کسانی که نتوانند بیتوته کنند. دوم: کسانی که بیتوته بر آنها مشقت شدید داشته باشد. سوم: کسانی که شرعاً موظفند آن شب را در خارج منا به سر ببرند - مانند طبیب یا پرستاری که باید در بیمارستان مکه باشد و مأمورینی که باید در خارج منا به تأمین نیازهای حجاج پردازند - چهارم: کسانی که شب یازدهم و یا شب دوازدهم برای اعمال واجب مکه، به مکه می‌روند، پس اگر انجام اعمال مکه و مقدمات آن تمام شب را فرا گرفت بیتوته را ترک می‌کنند و الاً باید هنگام طلوع فجر در منا حضور یابند، مگر در صورتی که بعد از غروب از منا خارج شده و پس از اعمال مکه به سوی منا بازگشته‌اند، چنین افرادی پس از اینکه از محدوده مکه قدیم خارج شدند می‌توانند - ولو بدون عذر - در بین راه بیتوته کنند، ترک بیتوته در مورد اول و دوم، کفاره دارد و در مورد سوم و چهارم کفاره ندارد.

آیه الله سبحانی: معمولاً به جز مورد اول و پنجم امروزه بسیار به ندرت ممکن است مورد ابتلا باشد.

دوم - کسانی که ترس آن دارند که اگر شب را بمانند مال آنها در مکه از بین می‌رود، به شرطی که مال مُعْتَدُّ به باشد.^۱

سوم - شبانهایی که احتیاج دارد حیوانات آنها به چرانیدن در شب.^۲

چهارم - کسانی که متکفل آب دادن به حجاج هستند در مکه.^۳

پنجم - کسانی که شب را در مکه^۴ بیدار باشند و به عبادت مشغول باشند تا صبح و کار دیگر جز آن نکنند، مگر کارهای ضروری؛ از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو.^۵

۱. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی؛ کسی که در صورت بیتوته نمودن بر جان یا مال خود بترسد.
- آیه الله سیستانی؛ کسی که در صورت بیتوته نمودن در منا بر جان یا مال یا آبروی خود بترسد.
۲. آیه الله خویی؛ طائفه سوم و چهارم استثناء نشده‌اند و در طائفه اول بنا بر احتیاط کفاره لازم است.
- آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم؛ به طوری که ترک آن موجب ضرر یا زحمت شدید باشد.
- آیه الله سیستانی؛ طایفه سوم مستثنی نیست، مگر اینکه داخل در طایفه اول باشد.
۳. آیه الله تبریزی؛ در استثنای این طایفه تأمل است.
- آیه الله سبحانی؛ کسانی که برای تدارک نیازهای ضروری حجاج ناچارند در مکه بمانند.
- آیه الله مکارم؛ یا متکفل سایر کارهای لازم برای حجاج هستند.
۴. آیه الله بهجت؛ به نُسک حج؛ از قبیل طواف و سعی علی الأحوط والآن رجوع به منا نماید و مشغول به سایر عبادت نشود مگر در صورت خروج از منا بعد از نصف شب علی الأحوط، و از امور ضروریه مذکوره، نوم غالب است.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی؛ کسی که در مکه تمام شب و یا باقیمانده از شب، اگر بعد از دخول در شب از منا خارج شده و مشغول به عبادت بوده، به جز حاجت ضروری؛ مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر و امثال آنها کار دیگری نداشته.
- آیه الله زنجانی؛ و به اعمال مکه (= طواف حج و سعی و طواف نساء) مشغول باشند و انجام عبادات مستحب مانند طواف و دعا و نگاه به کعبه مجوز ترک بیتوته نمی‌باشد.
- آیه الله سبحانی؛ در مسجدالحرام.
- آیه الله سیستانی؛ کسی که از منا، اول شب یا پیش از آن، بیرون رفته و در مکه در تمام مدت نیمه دوم شب تا طلوع فجر، به جز اندک زمانی که برای حوائج ضروری مانند خوردن و آشامیدن و امثال آن لازم است، مشغول به عبادت شده و اشتغال به آن، او را از برگشتن به منا بازداشته است.
۵. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی؛ این طایفه را نیز از وجوب بیتوته استثناء کرده‌اند و آن این است؛ کسی که طواف خانه خدا را نموده و به عبادت خود باقی مانده و سپس از مکه خارج شده و از عقبه مدنیین گذشته باشد، چنین شخصی می‌تواند در راه بیتوته کند و به منا نیاید. ←

[۱۲۲۳] م - کسی که در احرام عمره تمتع از صید و زن^۱ اجتناب نکرده باید شب سیزدهم بماند و این حکم اختصاص به احرام حج ندارد.

[۱۲۲۴] م - مقدار شب که واجب است در این سه شب بیتوته کرد، از اول شب است تا نصف آن^۲، پس کسی که از غروب بیتوته کرد در منا تا نیمه شب مانع ندارد بعد از آن بیرون برود، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع صبح وارد مکه نشود.

[۱۲۲۵] م - کسی که در اول شب بی عذر در منا نبود، احتیاط واجب آن است که قبل از نیمه شب برگردد و تا صبح بماند.^۳

[۱۲۲۶] م - نیمه شب را باید از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند، بنا بر

→ **آیه الله سبحانی:** و احتیاط مستحب این است که عبادت خود را به طواف و نماز طواف اختصاص دهند.
آیه الله سیستانی: طایفه دیگر کسی است که از مکه به قصد منا خارج شده و از عقبه مدینین گذشته باشد که در این صورت می تواند در راه پیش از رسیدن به منا بخوابد ولی اگر منزل او بعد از عقبه مدینین باشد نمی تواند در منزلش بخوابد.

۱. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** بنا بر احتیاط.

آیه الله زنجانی: یعنی از نزدیکی با زن اجتناب نکرده.

۲. نظر سایر **آیات عظام** در ذیل مسئله ۱۲۲۰ گذشت.

۳. **آیه الله بهجت:** اگر حاجی ساعتی از اوایل شب بیتوته در منا را درک نکند کفاره ندارد و احتیاطاً قسمت دوم را در منا بماند.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: با ترک نیمه اول؛ چه با عذر باشد چه بی عذر، بیتوته نیمه دوم را باید درک کند.

آیه الله خامنه ای: واجب است.

آیه الله زنجانی: کافی است که طلوع فجر را در منا درک کند.

آیه الله سبحانی: اگر از اول شب در منا نبوده باید به نحوی به منا برگردد که پیش از طلوع فجر در منا باشد و اصباح نماید.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: واجب است برگردد و در صورتی که بدون عذر قسمتی از اول شب را در منا نبوده احتیاط در پرداخت کفاره ترک نشود.

آیه الله فاضل: بیتوته شب در منا، نسبت به نیمه اول یا دوم شب واجب تخییری است، لذا اگر از روی عذر هم نیمه اول شب در منا نباشد، باید نیمه دوم را در منا بیتوته کند.

احتیاط واجب^۱، و احتیاط آن است که از مغرب شرعی حساب کنند.

[۱۲۲۷] م - بیتوته در منا از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند به جا آورد.^۲

[۱۲۲۸] م - جایز نیست در غیر مکه^۳ مشغول عبادت شود و به منا نرود، حتی در بین راه منا و مکه به احتیاط واجب.^۴

[۱۲۲۹] م - کسی که ترک کند بیتوته به منا را، در شبی که واجب است بماند، برای هر شبی یک گوسفند باید قربانی کند.^۵

[۱۲۳۰] م - فرقی نیست در واجب بودن قربانی بین آنکه از روی علم و عمد باشد

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سبحانی، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم: نیمه

شب در منا از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب می‌شود

آیه الله زنجانی: برای بیتوته نیمه اول شب، راه احتیاط در این است که شب از غروب شرعی تا طلوع آفتاب حساب شود و برای بازگشتن قبل از نیمه شب به منا، احتیاط در این است که شب از استتار قرص تا طلوع فجر حساب شود.

آیه الله نوری: بنا بر احتیاط واجب از غروب شرعی تا طلوع آفتاب حساب شود.

۲. آیه الله سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

۳. آیه الله سبحانی: مسجدالحرام.

۴. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: کسی که طواف خانه خدا را نموده و در عبادت خود باقی مانده سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدنیین گذشته باشد، چنین شخصی می‌تواند در راه بیتوته نماید و لازم نیست خود را به منا برساند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر احتیاط در مکه قدیمه بماند.

آیه الله زنجانی: همچنان که برای انجام عبادات مستحب در مکه - مانند طواف مستحب و نماز و قرائت قرآن و دعا - نمی‌تواند بیتوته را ترک کند و اگر ترک کند باید یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله سیستانی: نظر ایشان در مسئله ۱۲۲۲ ذیل طایفه پنجم گذشت.

۵. آیه الله سبحانی: کسی که عمداً بیتوته در منا را ترک کند باید برای شب اول یک گوسفند قربانی کند و اگر شب دوم و سوم هم عمداً نبود به احتیاط واجب برای هر کدام یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

یا از روی نسیان باشد یا از روی ندانستن مسئله.^۱

[۱۲۳۱] م - کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بودند و نیامده‌اند به منا، قربانی بر آنها واجب نیست.^۲

[۱۲۳۲] م - چهار طایفه‌ای که در مسئله ۱۲۲۲ گفته شد واجب نیست در منا بمانند، در صورتی که نماندند باید برای هر شب یک گوسفند کفاره قربانی کنند^۳ حتی دسته سوم و چهارم به احتیاط واجب.

[۱۲۳۳] م - گوسفندی که باید قربانی شود، هیچ‌یک از شرایط هدی را، که در منا برای حج باید ذبح کنند، لازم نیست داشته باشد.^۴

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: احتیاط این است که در صورت

فراموشی و یا ندانستن حکم نیز یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله خامنه‌ای: و یا معذور و یا غیر معذور و تفاوت نداشتن مبنی بر احتیاط است.

آیه الله سبحانی: در صورت جهل و نسیان کفاره ندارد.

آیه الله فاضل: ثبوت کفاره در جاهل و ناسی و معذور مبنی بر احتیاط است.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب در همه صور.

۲. آیه الله زنجانی: برای ترک بیتوته، قربانی واجب است مگر در چند مورد: الف) کسانی که برای انجام اعمال

واجب مکه، بیتوته را ترک کرده‌اند؛ ب) کسانی که از بیتوته عاجزند؛ ج) کسانی که شرعاً موظفند خارج منا باشند؛ د) کسانی که در منا بوده ولی در این ماندن قصد قربت یا قصد انجام مناسک حج نداشته‌اند.

۳. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: بنا بر احتیاط باید کفاره بدهد.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط، بر معذور و شبان و متکفل آب. و نسبت به بقیه طوایفی که بر آنها واجب نیست، در صورت ترک کفاره لازم نیست.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۲۲۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: بر طائفه پنجم کفاره نیست و ثبوت کفاره بر چهار طائفه دیگر مبنی بر احتیاط است.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب آن است که دسته اول و دوم کفاره بدهند اما دسته چهارم و پنجم و دسته دیگری که در مسئله ۱۲۲۲ ذکر شد بر آنها کفاره‌ای نیست.

آیه الله مکارم: کسانی که از بیتوته در منا معاف هستند، کفاره بر آنها واجب نیست.

۴. آیه الله بهجت: هر چند احتیاط این است که آن شرایط در کفاره نیز مراعات شود.

آیه الله زنجانی: باید شرایط هدی را داشته باشد.

[۱۲۳۴] م - گوسفندی را که باید قربانی کند، محل معینی ندارد حتی می‌تواند پس از مراجعت به محل خود قربانی بکند، اگرچه احتیاط آن است که در منا قربانی کند.^۱

[۱۲۳۵] م - اگر قسمتی از اول شب که باید در منا بیتوته کرد، درک نشود یا زودتر از نصف شب از منا خارج شوند، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند قربانی کنند^۲ و فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست.

[۱۲۳۶] م - کسانی که جایز است برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم، باید بعد از ظهر کوچ کنند و جایز نیست قبل از ظهر^۳، و کسانی که در روز سیزدهم کوچ می‌کنند مختارند هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

۱. آیه الله بهجت: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کفاره‌ای که بر محرم، برای غیر از شکار، واجب شده است، اظهر این است که می‌تواند کشتنش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد و بهتر این است که کفاره را در حج خود بکشد.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب باید در منا قربانی کند.

آیه الله سبحانی: محل خاص برای ذبح این کفاره ذکر نشده است و آنچه در روایات است، مربوط به اخلال محرمات احرام است نه کفاره ترک هر واجب.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب باید در منا قربانی کند و اگر نکرد بنا بر اظهر هر جا که قربانی نماید مجزی است.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۱۲۲۵ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: کافی است نصف اول یا نصف دوم شب را بماند.

آیه الله خامنه‌ای: مگر آنکه نیمه دوم شب را کاملاً در منا باشد.

آیه الله زنجانی: مگر از مواردی باشند که در مسئله ۱۲۳۱ گفته شد یا طلوع فجر را در منا درک کرده باشند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: کسی که برای انجام اعمال به مکه آمده و نتوانسته خود را تا گذشت قسمتی از شب به منا برساند، بر او کفاره واجب نیست، اگرچه بعد از نیمه شب به منا رسیده باشد و در صورت عذر کفاره واجب نیست.

آیه الله فاضل: چنان که بیتوته در منا را در نیمه دوم شب هم ترک کند.

۳. آیه الله سیستانی: ولی در مواردی جایز است خارج شوند که در ذیل مسئله بعد خواهد آمد.

مسائل متفرقه بیتوته در منا

[۱۲۳۷] م - اگر حاجی صبح دوازدهم به مکه بیاید واجب نیست برای نَفَر، بعدازظهر به منا برگردد گرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست.^۱

[۱۲۳۸] م - در کوچ کردن بعدازظهر روز دوازدهم، زن‌ها هم حکم مردان را دارند. بنابراین، اگر با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی کردند نمی‌توانند قبل از ظهر از منا کوچ کنند^۲ مگر از ماندن تا بعدازظهر معذور باشند.

۱. آیات عظام بهجت، فاضل، مکارم: بنا بر احتیاط برگردد.

آیات عظام تبریزی: باید برگردد برای تحقق نفر بعدازظهر.

آیه الله خوئی: اگر می‌تواند قبل از ظهر به منا بیاید تا بعدازظهر برگردد واجب است وگرنه بر او چیزی نیست.

آیه الله زنجانی: حاجی می‌تواند اثاثیه و وسایل خود را در منا گذاشته قبل از ظهر دوازدهم به طور موقت از منا خارج شود لکن باید به منا برگردد تا بعدازظهر یا روز بعد کوچ کند و بدون عذر جایز نیست وسایل خود را جمع کرده پیش از ظهر از منا کوچ کند، هرچند اگر کوچ کرد لازم نیست برگردد.

آیه الله سبحانی: اگر فردی برای اعمال مکه یا کارهای دیگر روز دوازدهم به مکه بیاید باید در صورت امکان قبل از ظهر و در غیر آن صورت بعدازظهر به منا برگردد تا فریضه نفر و کوچ کردن بعدازظهر انجام دهد خصوصاً افرادی که نایب هستند به نسبت این فریضه نیز مدیون هستند مگر در صورت اضطرار.

آیه الله سیستانی: اگر در منا متعلقاتی؛ از قبیل رحل و اثاث به جا گذارد که مستلزم برگشتن باشد، می‌تواند پس از رمی و پیش از ظهر از منا بیرون رود و در این صورت باید به منا برگردد؛ چه پیش از ظهر و چه بعدازظهر و قبل از غروب یا روز بعد کوچ کند و اگر متعلقاتی ندارد بنا بر احتیاط جایز نیست پیش از ظهر خارج شود گرچه نیت برگشتن داشته باشد و اگر خارج شد به احتیاط واجب باید برای نفر باز گردد چه پیش از ظهر چه بعد از آن.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید قبل از ظهر برگردد برای تحقق نفر بعدازظهر.

۲. آیه الله سبحانی: خائف از حبس و مریض که در شب رمی می‌کنند می‌توانند قبل از ظهر کوچ کنند و در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست ولی اگر جزء این دو دسته حساب نمی‌شوند چه زن و چه مرد باید بعدازظهر دوازدهم کوچ کنند موارد دیگری نیز استثناء شده که مبتلا به نیست.

آیه الله سیستانی: شبان‌ها و کسانی که نمی‌توانند در منا توقف نمایند به سبب خوف یا مرض یا امثال آن، می‌توانند رمی جمرات سه‌گانه را در شب یازدهم و شب دوازدهم انجام دهند و اینان می‌توانند پس از رمی شبانه کوچ کنند اما زنان نمی‌توانند به جز رمی جمره عقبه در شب عید رمی جمرات را در شب انجام دهند ←

[۱۲۳۹] م - کسانی که در زمین‌های متصل به منا، که از منا نیست، در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می‌کنند باید کفاره بدهند و برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند^۱ هرچند اعتقاد پیدا کرده باشند که آنجا از منا است یا به گفته اشخاص محلی، مطمئن شده باشند.

[۱۲۴۰] م - اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منا خارج شده و بعد از غروب به منا مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند^۲ و رمی روز سیزدهم بر او واجب نمی‌شود.

استفتانات بیتوته در منا

[۱۲۴۱] س - بیتوته در منا اگر در غیر منا انجام شود چه صورت دارد و آیا اشخاص جاهل به موضوع معذورند یا خیر؟
ج - باید قربانی کنند و فرقی بین عالم و جاهل نیست.^۳

→ بلکه در روز اگر می‌توانند خودشان انجام دهند و اگر نمی‌توانند نایب بگیرند و در هر صورت نباید قبل از ظهر از منا کوچ کنند مگر اینکه کوچ کردن بعد از ظهر بر آنها حرجی باشد که در این صورت اگر بیتوته شب سیزدهم برای آنها ممکن باشد و حرجی نباشد باید بمانند و اگر میسر نیست، نفر پیش از ظهر جایز است.

۱. آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: در ناسی و جاهل و معذور وجوب کفاره مبنی بر احتیاط است.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله زنجانی: ولی اگر منا گنجایش حجاج را نداشته باشد، می‌توانند در وادی محسّر، بیتوته کنند و کفاره هم ندارد.

آیه الله سبحانی: احتیاطاً برای شب اول یک گوسفند قربانی کنند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورت فراموشی یا ندانستن مسئله، کفاره مبنی بر احتیاط است.

۲. آیه الله فاضل: و نیز کسی که بعد از ظهر دوازدهم کوچ کند و قبل از غروب برای کاری به منا برگردد و تا غروب بماند واجب نیست شب سیزدهم را بماند و همچنین رمی روز سیزدهم بر او واجب نیست.

۳. به ذیل مسئله ۱۲۳۹ مراجعه شود.

[۱۲۴۲] س - کسانی که مقداری از اول شب، با عذر یا بدون عذر، در خارج منا بودند یا قبل از نصف شب خارج شدند، در مناسک احتیاط استحبابی است نسبت به کفاره و در تحریر احتیاط وجوبی، آیا کفاره واجب است یا خیر؟
ج - این احتیاط وجوبی است و ترک نشود.^۱

[۱۲۴۳] س - فرموده‌اید کسی که بدون عذر نصف اول شب را در منا نبود، واجب است نصف دوم را در منا بماند، آیا کفاره ترک مبیّت را نیز باید بدهد؟
ج - باید کفاره هم بدهد.^۲

[۱۲۴۴] س - کسی که در شب یازدهم و دوازدهم باید در منا باشد یا در مسجدالحرام مشغول عبادت گردد، در مسجدالحرام مشغول عبادت می‌شود، ولی در بین آن از خستگی مرتب چرت می‌زند و بیدار می‌شود، وظیفه او چیست؟ و سؤال دیگر در این رابطه که اخیراً پشت بامی وسیع برای مسجدالحرام (زاده الله شرفاً) درست کرده‌اند، آیا شب‌هایی که باید یا در منا بماند و یا در مسجدالحرام مشغول عبادت باشد، ماندن در آنجا و عبادت کردن کافی است یا نه؟
ج - اگر به قدری خواب می‌رود که صدق نمی‌کند که تمام شب مشغول به عبادت بوده، کافی نیست و باید کفاره بدهد^۳ و عبادت در هر جای مکه^۴ کافی است.

۱. به ذیل مسئله ۱۲۲۰ و ۱۲۳۵ مراجعه شود.

۲. **آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی:** به ذیل مسئله ۱۲۲۵ مراجعه شود.

۳. مانند سؤال قبل است.

۴. **آیه الله بهجت:** کسی که در مکه تمام شب مشغول به عبادت بوده، به جز حاجت ضروری؛ مانند خوردن و آشامیدن و نوم غالب و تطهیر و امثال آنها، کار دیگری نداشته و مراد از عبادت طواف و سعی است علی الأحوط.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۲۲۲ و ۱۲۲۸ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: بلکه اگر خواب برود هرچند برای مدت کوتاهی باشد، بنا بر احتیاط واجب کفاره دارد و آنچه معتبر است عبادت در نصف دوم شب است.

۴. **آیه الله سبحانی:** مسجدالحرام.

[۱۲۴۵] س - اینجانب شغلم حمله داری است، چندین سال قبل جایی را که یقین داشتم جزو منا است با حاجی‌ها بیتوته نموده‌ام و سال‌های بعد فهمیدم و برآیم یقین حاصل شد جایی که سال‌های قبل بیتوته نموده‌ایم خارج از منا است آیا کفاره بر اینجانب و همه حجج واجب است یا نه؟ و در صورتی که کفاره واجب باشد، آیا کفاره حجج بر عهده خودشان است یا بر عهده من؟ و آیا ابلاغ به حجج واجب است یا نه؟ و اگر بعضی از آنان مرده باشند یا دسترسی به آنان نباشد، تکلیف چیست؟

ج - کفاره ترک بیتوته خود شما بر شما واجب است^۱ و کفاره دیگران بر شما واجب نیست و لازم نیست به آنان اعلام نمایید و اگر فهمیدند کفاره بر خود آنان واجب است، ولی اگر اجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده تفاوتی دارد، نسبت به تفاوت باید رضایت حجج تحصیل شود.

[۱۲۴۶] س - علامت‌گذاری حدود منا در سال‌های قبل، با علامت‌گذاری الآن، که به وسیله حکومت انجام گرفته فرق می‌کند، و اینجانب که شغلم حمله داری است، در سال‌های قبل با حجج در قطعه زمینی بیتوته کرده‌ایم که اگر تعیین فعلی حکومت صحیح باشد، بیتوته ما در خارج از منا بوده، و اگر تعیین قبلی صحیح باشد که ما یقین به آن داریم طبق علمیت قبلی و نظر پیروان اهل مکه بیتوته ما صحیح است، حال بنا بر اینکه تعیین حکومت صحیح باشد، آیا تکلیف ما نسبت به بیتوته سال‌های قبل چیست؟ و در صورت وجوب کفاره آیا ابلاغ به همه حجج لازم است یا نه؟ و آیا با توجه به اینکه در فرض مسئله بیتوته ترک نشده بلکه اشتباه در مصداق بوده است، نسبت به حجج ضامن می‌باشم یا نه؟

ج - اگر در محلی بیتوته کرده‌اید که یقین به منا بودن آن داشته‌اید تا یقین پیدا نکنید

۱. به مسئله ۱۲۳۹ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب و اعلام به دیگران، لازم نیست، اما اگر آنها باخبر شوند و کفاره بدهند باید شما آنها را راضی کنید ضمناً دامنه‌های کوه‌های اطراف منا جزو منا است.

که خارج منا بوده، قربانی لازم نیست، و در این صورت ابلاغ و اعلام لازم نیست.^۱
 [۱۲۴۷] س - آیا کسانی که عذر دارند از رمی در روز، می‌توانند شب دوازدهم برای
 روز دوازدهم رمی کنند و از منا به مکه بیایند و دیگر برنگردند به منا یا باید صبر کنند
 و بعد از ظهر با مردم کوچ کنند؟

ج - می‌توانند بعد از مَبِیت واجب خارج شوند و لازم نیست صبر کنند.^۲
 [۱۲۴۸] س - قبلاً سؤال شده است که آیا کسانی که خوف مشقت دارند، می‌توانند
 شب دوازدهم رمی جمره نموده به مکه رفته و دیگر به منا برنگردند؛ و حضرت عالی
 جواب فرموده‌اید در صورت عذر اشکال ندارد، ولی قبل از نصف شب نباید بیرون
 بروند. با توجه به مسئله فوق این سؤال مطرح می‌شود که آیا خدمه کاروان‌ها نیز برای
 پذیرایی از این قبیل زائرین می‌توانند به همراه آنان در شب رمی نموده و به مکه بروند
 و برای وقوف تا وقت شرعی روز دوازدهم دیگر به منا برنگردند؟

ج - وقوف در روز دوازدهم واجب نیست و آنچه واجب است کوچ نکردن قبل از
 زوال است^۳ و اشخاص ذکر شده می‌توانند بعد از نصف شب از منا بروند و روز

۱. آیات عظام زنجانی، سبحانی، سیستانی: بلکه همان‌گونه که در مسئله قبل گذشت، در غیر این صورت
 نیز اعلام لازم نیست.

۲. آیات عظام بهجت، فاضل، مکارم: بنا بر احتیاط لازم است قبل از ظهر برای نَفَر بعد از ظهر به منا برگردند.
 آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: باید قبل از ظهر برای نَفَر بعد از ظهر به منا برگردند.
 آیه الله تبریزی: باید برای نَفَر بعد از ظهر به منا برگردند.

آیه الله زنجانی: باید شب قبل، رمی نمایند و تا قبل از ظهر روز دوازدهم کوچ نکنند (یعنی با برداشتن اثاثیه
 و وسایل) هر چند می‌توانند اثاثیه و وسایل خود را در منا گذاشته و به طور موقت از منا خارج شوند لکن باید به
 منا برگردند تا بعد از ظهر یا روز بعد کوچ کنند.

آیه الله سبحانی: در صورتی که از رمی در روز و ماندن تا بعد از ظهر دوازدهم عذر داشته باشد، و الا باید صبر
 کنند و بعد از ظهر با مردم کوچ نمایند (به ذیل مسئله ۱۲۳۸ نیز مراجعه شود).

آیه الله سیستانی: باید - هر چند بعد از ظهر - به منا برگردند تا کوچ از منا قبل از غروب روز دوازدهم یا بعد
 از رمی روز سیزدهم تحقق پیدا کند.

۳. آیه الله زنجانی: و اگر همراهی خدمه، لازم است می‌توانند همراه معذورین از منا بروند و روز دوازدهم برای
 رمی برگردند.

دوازدهم برای رمی به منا برگردند ولو بعدازظهر^۱ و اگر قبل از ظهر آمدند بعدازظهر بیرون بروند. و رمی شب برای آنها کافی نیست.

[۱۲۴۹] س - حاجی شب دوازدهم، بعد از نصف شب، از منا خارج و به مکه می‌رود، روز بعد برای رمی به منا می‌آید، آیا لازم است که قبل از ظهر به منا بیاید یا چون وظیفه‌ای غیر از رمی ندارد بعدازظهر هم می‌تواند بیاید؟

ج - لازم نیست قبل از ظهر به منا بیاید، هرچند اگر قبل از ظهر بیاید نمی‌تواند قبل از ظهر کوچ کند.^۲

[۱۲۵۰] س - مدیر کاروانی زن‌ها را قبل از ظهر دوازدهم از منا خارج نمود، وظیفه آنان که از مسئله اطلاع نداشتند و یا اگر متوجه مسئله بودند نمی‌توانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در منا بمانند چیست؟

ج - با فرض اینکه عذر داشته‌اند مانع ندارد.

[۱۲۵۱] س - مقدار شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منا به عبادت مشغول می‌شود، چقدر است؟ از مغرب تا طلوع فجر است یا تا طلوع آفتاب؟

ج - تا طلوع فجر حساب می‌شود.^۳

[۱۲۵۲] س - بعد از اعمال ثلاثه روز عید، می‌خواهد برای طواف‌ها به مکه برود، ولی می‌داند که اگر به مکه برود سه ساعت از مَبیت اول شب را درک نمی‌کند، آیا برود یا نه؟ و اگر رفت کفاره دارد یا خیر؟

ج - رفتن از منا به مکه - در فرض مرقوم - مانع ندارد، ولی برای تأخیر باید کفاره بدهد.^۴

۱. به ذیل سؤال قبل مراجعه شود.

۲. به ذیل سؤال ۱۲۴۷ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: باید در منا می‌ماند ولی حالا که کوچ کرده لازم نیست قبل از ظهر به منا برگردد.

۳. آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۲۲۲ و ۱۲۲۸ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: از غروب آفتاب است تا طلوع فجر.

۴. به ذیل مسئله ۱۲۲۰ و ۱۲۳۵ مراجعه شود.

فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه

[۱۲۵۳] م - شب‌هایی که واجب است در منا بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه گانه کند؛ یعنی سنگ‌ریزه بزند به سه محل، که یکی را جمره اولی و یکی را جمره وسطی و یکی را جمره عقبه گویند، ولی اگر عمداً همه آن را ترک کند، به حج او ضرر نمی‌رساند و صحیح است، گرچه در صورت عمد معصیت‌کار است.

[۱۲۵۴] م - اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منا بمانند، واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند.^۱

[۱۲۵۵] م - عدد سنگ‌ریزه که باید به جمره بزند، برای هر یک در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمره عقبه گفته شد.

[۱۲۵۶] م - وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است و در شب جایز نیست به جا آورد.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر بیتوته کند واجب است بنا بر احتیاط روز سیزدهم رمی جمرات کند.

آیه الله زنجانی: اگر بیتوته کردند باید روز سیزدهم، رمی جمرات کنند.

[۱۲۵۷] م - اگر کسی عذری داشته باشد از اینکه روز به جا آورد؛ مثل شبان و مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل تراحم جمعیت، جایز است شب آن روز یا شب بعد انجام دهد.^۱

[۱۲۵۸] م - واجب است ترتیب در سنگ انداختن به اینکه: اول به جمره اولی و بعد از آن به جمره وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بیندازد.

[۱۲۵۹] م - اگر به ترتیبی که گفته شد به جا نیآورد، باید دوباره آنچه که بر خلاف ترتیب کرده به جا آورد، به طوری که ترتیب حاصل شود، مثلاً اگر اول به جمره وسطی انداخت و بعد به جمره اولی کفایت می کند که جمره وسطی را دوباره به جا آورد و بعد جمره عقبه را و اعاده جمره اولی لازم نیست.

۱. **آیه الله بهجت:** معذورین می توانند شب قبل از آن روز رمی کنند اما در شب بعد، بنا بر احتیاط واجب مجزی نیست مگر اینکه فردا مانعی داشته باشند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: برای چنین کسانی جایز است رمی را شب آن روز انجام دهند و این بر نیابت مقدم است.

آیه الله خامنه ای: همچنین زنان و سالمندان و کودکانی هم که از شدت ازدحام در روز، بیم دارند که رمی در روز برایشان مشقت داشته باشد، می توانند شبانه رمی کنند.

آیه الله زنجانی: عذر، مخصوص کسانی است که: الف) نمی توانند در روز رمی کنند؛ ب) رمی در روز بر آنها حرجی است؛ ج) به جهتی - مانند خوف خطر جدی یا ضرر اساسی - رمی در روز برای آنها جایز نیست، گروه دوم می توانند و گروه اول و سوم باید جمرات را در شب قبل رمی کنند و اگر از رمی در شب قبل معذورند نمی توانند شب بعد رمی کنند و باید برای رمی در روز نایب بگیرند.

آیه الله سبحانی: شب قبل رمی کند نه شب بعد و اگر در شب هم نمی تواند، نایب بگیرد که در روز برای او رمی کند.

آیه الله سیستانی: واجب است رمی جمرات در روز باشد و از این حکم چوپانان و هر کسی که از ماندن روز در منا معذور است، به علت ترس یا مرض یا چیز دیگری، استثنا می شود، که برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهند و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند. و اما زنان، ضعفا، مریضها و مثل آنان که در روز به خاطر کثرت جمعیت یا چیز دیگر نمی توانند رمی کنند، باید برای رمی در روز نایب بگیرند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند.

[۱۲۶۰] م - در حکمی که در مسئله قبل ذکر شد، فرق نیست میان آنکه از روی علم و عمد خلاف ترتیب کند یا از روی سهو و نسیان یا از روی ندانستن مسئله، در هر صورت باید اعاده کند.

[۱۲۶۱] م - اگر کسی چهار سنگ به جمره اولی بیندازد و آن را رها کند و مشغول جمره بعدی بشود کافی است و لازم نیست تمام هفت سنگ مقدم باشد پس می‌تواند چهار سنگ به جمره اولی بزند و بعد چهار سنگ به جمره وسطی و بعد مشغول جمره عقبه شود و به هر ترتیب می‌خواهد هفت سنگ جمره عقبه و سه سنگ آن دو تای دیگری را بیندازد^۱، لیکن احتیاط واجب از برای کسی که از روی علم و عمد این کار

۱. **آیه الله بهجت:** اگر مخالفت ترتیب کند اعاده نماید آنچه را که در غیر مرتبه خود کرده، بلی اگر چهار سنگ بر جمره انداخت و آن را ترک نمود و مشغول دیگری شد کفایت می‌کند در ترتیب، و سه سنگ را بعد از آن می‌زند، اگرچه احوط در اینجا نیز اعاده است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر بعد از اینکه جمره سابق را چهار ریگ زد فراموش نموده و به جمره بعدی رفت، واجب نیست رمی را تماماً اعاده کند بلکه اگر سه ریگ دیگر به جمره قبلی زد کفایت می‌کند. **آیه الله زنجانی:** این در صورت فراموشی یا ندانستن مسئله است ولی اگر از روی علم و عمد، رمی جمره‌ای را رها کرده، باید آن جمره را بزند سپس جمرات بعدی را اعاده کند، البته رعایت ترتیب در سنگ هفتم، لازم نیست.

آیه الله سبحانی: اگر کسی جهلاً و یا سهواً و یا عمداً به هر کدام از جمره‌ها چهار سنگ پرتاب کرد باید برگردد و به هر کدام سه سنگ پرتاب کند مثلاً اول چهار سنگ به جمره اولی سپس وسطی و سپس کبری بزند، همچنین صورت دیگر اینکه اگر به جمره اولی و وسطی چهار سنگ زد و سپس به جمره کبری هفت سنگ زد باید آن دو مورد ناقص را تکمیل کند و در تکمیل ترتیب شرط نیست ولی احتیاط مستحب در عامد این است که رمی خود را از اول به صورت کامل با رعایت ترتیب اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر چهار ریگ را به یک جمره پرتاب کرد و به علت فراموشی یا ندانستن حکم شرعی، آن را رها کرد و جمره دیگری را پس از آن رمی نمود، برای او کفایت می‌کند که جمره سابق را سه ریگ بزند و اعاده رمی جمره بعد لازم نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر به جمره اولی چهار سنگ‌ریزه بزند و سپس از روی فراموشی جمره بعدی را هفت سنگ‌ریزه بزند، اگر کمبود اولی را جبران کند کفایت می‌کند. بلی اگر نقص مربوط به جمره سوم باشد اکمال آن کافی است و لازم نیست رمی جمرات قبل را کامل کند. ولی اگر عمداً چهار ←

را کرده، اعاده است.^۱

[۱۲۶۲] م - اگر کسی فراموش کند در یکی از روزها رمی کند واجب است روز بعد آن را قضا کند و اگر دو روز را فراموش کرد باید در روز بعد هر دو را قضا کند و همچنین است اگر از روی عمد ترک کرده باشد.^۲

[۱۲۶۳] م - واجب است قضا را مقدم بدارد بر ادا^۳، پس در روز یازدهم اگر بخواهد قضای روز عید را به جا بیاورد، اول قضای عید را به جا آورد و بعد رمی روز یازدهم را که ادا است و همچنین باید قضای روز جلو را مقدم بدارد بر قضای روز بعد، پس اگر در روز سیزدهم مثلاً بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را به جا آورد باید به ترتیب از قضای روز عید شروع و به روز سیزدهم ختم کند که ادا است.

→ سنگ به جمره اولی بزند و بعد جمره دوم و سوم را هر یک هفت سنگ بزند احتیاط لازم آن است که رمی تمام جمرات را اعاده نماید چنانچه احوط الحاق جاهل به عالم است.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که باقیمانده را نیز با ترتیب بزند.

۱. **آیه الله سبحانی:** احتیاط مستحب ...

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** با ترک رمی، اگرچه عمدی باشد حج باطل نمی‌شود و بنا بر احتیاط باید قضای آن را در سال آینده خودش یا نایبش انجام دهد.

آیه الله سیستانی: و همچنین جاهل به مسئله و بنا بر احتیاط متعمد هم همین حکم را دارد.

۳. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** احتیاط این است که بین ادای همان روز و قضای روز قبل فاصله گذاشته، و قضای روز قبل را پیش از ادای همان روز به جا آورد و قضای روز قبل طرف صبح و ادای همان روز هنگام زوال باشد.

آیه الله زنجانی: و باید بین قضا و ادا و همچنین بین قضای دو روز لاقلاً به مقدار یک دوازدهم روزی که سنگ می‌زند فاصله بیندازد.

آیه الله سبحانی: مستحب است که بین آن دو فاصله گذاشته شود، قضای روز قبل طرف صبح و ادای همان روز هنگام ظهر باشد.

آیه الله سیستانی: و احتیاط واجب این است که بین ادا و قضا قدری فاصله بیندازد و اینکه قضا را بر ادا مقدم بدارد و احتیاط مستحب این است که قضا در اول روز و ادا هنگام ظهر باشد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

[۱۲۶۴] م - چنانچه قضای رمی جمرات سه‌گانه واجب است، قضای رمی بعضی از آنها هم، اگر ترک شده باشد، واجب است. پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد و دوتای دیگر را نکرد روز بعد باید آن را که نکرده اتیان کند و بعد تکلیف این روز را به جا آورد.^۱

[۱۲۶۵] م - اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب انداخته، باید قضا کند؛ به طوری که ترتیب حاصل شود و بعد وظیفه این روز را به جا آورد.

[۱۲۶۶] م - اگر به هر یک از جمرات یا بعضی آنها چهار سنگ انداخته باشد و در روز بعد یادش بیاید احتیاط واجب^۲ آن است که بقیه روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه روز را به جا آورد.

[۱۲۶۷] م - اگر کسی فراموش کند رمی جمرات سه‌گانه را و خارج شود از منا و به مکه بیاید، پس اگر در ایام تشریق یادش آمد، باید برگردد و به جا آورد و اگر متمکن نیست باید نایب بگیرد و اگر بعد از ایام تشریق یادش بیاید یا عمداً تعویق بیندازد تا بعد، احتیاط واجب آن است که خودش یا نایبش از مکه برگردد و به جا آورد و در سال دیگر هم در ایامی که فوت شده است خودش یا نایبش قضا کند.^۳

۱. نسبت به این مسئله و دو مسئله‌ی بعدی به ذیل مسئله ۱۲۶۳ مراجعه شود.

۲. **آیه الله زنجانی:** و باید بین رمی قضا و ادا لااقل به مقدار یک دوازدهم روزی که سنگ می‌زند فاصله بیندازد؛ ولی رعایت فاصله و ترتیب در قضای سنگ هفتم لازم نیست.

۳. **آیه الله سبحانی:** واجب است.

۳. **آیه الله بهجت:** کسی که فراموش کند رمی را، برمی‌گردد از مکه به جهت آنها، و اگر متذکر نشد تا بعد از خروج، قضا می‌کند در سال آینده در ایام تشریق، خودش یا نایبش در صورت عدم امکان مباشرت علی الأحوط.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: کسی که رمی را در منا فراموش نموده و پس از کوچ به مکه یادش آمد، واجب است به منا برگشته و رمی نماید. و چنانچه فراموش شده رمی دو روز یا سه روز باشد، احتیاط این است که بین وظیفه هر روز و روز دیگر یک ساعت فاصله بگذارد و چنانچه پس از خروج از مکه یادش آمد که رمی نکرده، واجب نیست به منا برگردد بلکه بنا بر احتیاط در سال بعد خود یا نایبش آن را قضا نماید. ←

[۱۲۶۸] م - اگر فراموش کرد رمی جمرات را و یادش نیامد مگر بعد از خروج از مکه، احتیاط واجب آن است که در سال دیگر قضا کند آن را، خودش یا نایبش.^۱

[۱۲۶۹] م - کسی که بعضی از جمرات را فراموش کند، حکمش همان است که در دو مسئله قبل ذکر شد، بلکه کسی که کمتر از هفت سنگ در تمام جمرات یا بعضی آن انداخت همین حکم را دارد بنا بر احتیاط واجب.^۲

→ **آیه الله زنجانی:** در هر حال رعایت ترتیب بین رمی‌ها و رعایت فاصله بین رمی هر روز و روز بعد به مقدار یک دوازدهم روزی که سنگ می‌زند لازم است.

آیه الله سبحانی: تا زمانی که در مکه است تا آخر ذی‌حجه به جا آورد و در سال بعد هم در ایام منا به احتیاط واجب اعاده نماید و یا استنابه کند.

آیه الله سیستانی: کسی که رمی جمرات را به علت فراموشی و یا جهل به مسئله ترک نماید و در مکه یادش بیاید یا حکمش را بداند واجب است به منا بیاید و رمی نماید و اگر رمی در دو روز ترک شده باشد یا سه روز، بنا بر احتیاط باید به ترتیب روزها قضا نماید و بین قضای هر روز و روز بعد مقداری وقت فاصله بماند. و چنانچه پس از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید یا حکمش را بداند، واجب نیست جهت تدارک آن برگردد و احتیاط مستحب این است که خودش شخصاً آن را در سال آینده قضا نماید، در صورتی که به حج برود و یا توسط نایبش، در صورتی که به حج نرود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر کسی رمی جمرات سه‌گانه را جهلاً یا سهواً یا عمداً ترک کرد، باید اگر به مکه یا خارج مکه هم رفته باشد تا ایام تشریق نگذشته برگردد به منا و رمی را به جا آورد و اگر متمکن نیست نایب بگیرد و اگر تا ایام تشریق خودش یا نایبش به جا نیاورد باید در سال بعد خودش یا نایبش رمی را قضا نماید در ایام تشریق.

آیه الله مکارم: اگر از سیزدهم بگذرد به سال بعد می‌افتد.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله قبل گذشت.

آیه الله زنجانی: در این صورت قضای رمی واجب نیست و رعایت این احتیاط، مستحب است.

آیه الله مکارم: باید در سال بعد قضای آن را خودش به جا آورد و در صورت عدم امکان، نایبش انجام دهد.

۲. **آیه الله زنجانی:** به مسئله ۱۲۶۱ و ذیل آن مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: اگر کمتر از چهار سنگ زده باید رمی را به ترتیبی که در مسائل قبلی گفته شد از اول شروع کند و با رعایت عدم تداخل روزها رمی هر روزی را انجام دهد ولی اگر پس از چهار سنگ به خاطر عدم آشنایی به حکم شرعی و یا فراموشی بقیه را به تأخیر انداخت باید عمل را به ترتیب در همان روز تکمیل کند و اگر قضا شده غیر متداخل هر روزی را مستقل از روز دیگر به طور کامل انجام دهد. ←

[۱۲۷۰] م - کسی که عذری داشته باشد از انداختن سنگ؛ مثل آنکه مریض باشد یا طفل باشد که نتواند رمی کند یا علیل باشد مثل آنکه دست یا پایش شکسته باشد یا از شدت بی‌حالی نتواند یا بی‌هوش باشد، باید نایبش به جا آورد^۱ و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشد مثل بی‌هوش و طفل کوچک، ولی او یا شخص دیگری از طرف او به جا آورد^۲ و احتیاط واجب آن است که تا مایوس نشده از اینکه خودش عمل کند، نایب عمل نکند^۳ و بهتر آن است که اگر می‌شود شخص معذور را ببرند و در حضور او رمی کنند و اگر می‌شود سنگ را در دست او بگذارند و بیندازند.^۴

→ **آیه الله سیستانی:** حکم ترک رمی کامل جمرات یا بعض آنها در این موارد مانند حکم ترک رمی تمام جمرات است.

۱. **آیه الله زنجانی:** اگر بتواند شب قبل، سنگ بزند نوبت به نیابت نمی‌رسد و گرنه برای رمی در روز نایب می‌گیرد؛ البته در این صورت اگر بدون درخواست او دیگری برایش سنگ بزند کافی است.

۲. **آیه الله سبحانی:** هرگاه کسی به گونه‌ای مریض است که نمی‌توان از او اذن گرفت در این صورت اذن گرفتن ساقط است و باید از طرف او رمی کرد.

آیه الله مکارم: و در سال بعد نایب بگیرد.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** قبل از یأس هم می‌تواند نایب بگیرد لکن اگر بعداً متمکن از رمی شد باید خودش اعاده کند ولی اگر بعد از یأس نایب بگیرد و رفع عذر شود اعاده لازم نیست.

آیه الله زنجانی: قبل از یأس می‌تواند رجائاً نایب بگیرد و اگر معلوم شد که معذور بوده کافی است و در غیر این صورت کفایت نمی‌کند.

آیه الله سبحانی: اگر مریض و معذور از خوب شدن و رفع عذر مایوس باشند واجب است استتبابه نمایند و در این صورت اگر رفع عذر شد و یا بهبودی پیدا کرد اعاده لازم نیست ولی اگر مایوس هم نباشد می‌تواند نایب بگیرند ولی در این صورت چنانچه بهبودی حاصل شد و یا رفع عذر گردید به احتیاط واجب آنچه را انجام داده اعاده کند.

آیه الله سیستانی: قبل از یأس می‌شود نایب عمل کند ولی اگر بعداً متمکن شد باید خودش انجام دهد.

۴. **آیه الله بهجت:** اگر ممکن است مریض سنگ را به دست بگیرد که دیگری آن را بیندازد و بین این کار و استتبابه جمع کند علی‌الاحوط.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر ممکن است مریض سنگ را بگیرد و دیگری برای او رمی کند.

آیه الله مکارم: در شرایط فعلی این امور ضرورتی ندارد.

[۱۲۷۱] م - اگر بعد از آنکه نایب عمل را به جا آورد، عذر برطرف شد، آوردن خودش لازم نیست اگرچه احوط است.^۱

[۱۲۷۲] م - اگر شخص مریض مایوس باشد از خوب شدن یا شخص معذور مایوس باشد از رفع عذر، واجب است که نایب بگیرد و اگر مایوس نیست می‌تواند نایب بگیرد، لیکن اگر عذر رفع شد احتیاط آن است که خودش عمل کند.^۲

[۱۲۷۳] م - اگر دیگران مایوس باشند از رفع عذر معذور، لازم نیست از او اذن بگیرند اگرچه احوط است^۳ و اگر نتواند اذن بدهد اذن معتبر نخواهد بود.

[۱۲۷۴] م - اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رمی کند شک کند که به جا آورده یا نه اعتنا نکنند.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر مایوس از رفع عذر بوده، بنا بر احتیاط واجب اعاده لازم است. آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۱۲۷۰ رجوع شود.
- آیه الله زنجانی: اگر قبل از گذشتن وقت رمی متمکن از رمی شد باید خودش رمی کند.
- آیه الله فاضل: اگر با یأس از رفع عذر نایب گرفته و یا نایب بعد از یأس از رفع عذر منوب عنه رمی انجام داده باشد اعاده لازم نیست و در غیر این دو صورت اعاده واجب است.
- آیه الله مکارم: اگر قبل از گذشتن وقت رمی، متمکن از رمی شد، بنا بر احتیاط باید خودش رمی کند.
۲. به ذیل مسئله ۱۲۷۰ مراجعه شود.
۳. آیه الله بهجت: اگر قطع به رضایت داشته باشد اذن لازم نیست.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: وظیفه عاجز نایب گرفتن است و استتبابه بدون اذن گرفتن تحقق پیدا نمی‌کند مگر اینکه از نایب گرفتن هم عاجز باشد مثل بی‌هوش و طفل غیر ممیز.
- آیه الله زنجانی: احتیاط استحبابی در اذن گرفتن است.
- آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۱۲۷۰ مراجعه شود.
- آیه الله سیستانی: معذور باید نایب بگیرد و کسی که قادر به نایب گرفتن نیست ولی او یا هر کس دیگر به جای او رمی کند.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: استتبابه بدون اذن گرفتن محقق نمی‌شود مگر در مغمی علیه که گذشت.
- آیه الله مکارم: استتبابه باید با اجازه معذور باشد و اگر نتواند اذن بدهد، ولی یا شخص دیگری از طرف او به جا آورد و در سال بعد خودش نایب بگیرد.

[۱۲۷۵] م - اگر بعد از انداختن شک کند که کیفیت آن صحیح بوده یا نه^۱، اعتنا نکند.

[۱۲۷۶] م - اگر در وقتی که مشغول رمی جمره عقبه است شک کند که اولی را یا دومی را یا هر دو را رمی کرده یا صحیح انجام داده یا نه اعتنا نکند.^۲

[۱۲۷۷] م - اگر در عدد شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر، قبل از آنکه داخل شود در رمی جمره بعدی، باید آنچه محتمل است که کسر شده بی‌آورد تا یقین کند هفت عدد شده، هرچند منصرف از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد بنا بر احتیاط واجب.^۳

[۱۲۷۸] م - اگر بعد از گذشتن روزی که باید رمی کند یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رمی نکرده ظاهراً جایز است اکتفا به قضای رمی جمره عقبه کند و احتیاط آن است که هر سه را قضا کند.^۴

[۱۲۷۹] م - اگر بعد از آنکه داخل در جمره بعدی شد شک کند در عدد قبلی، پس اگر بداند چهار سنگ از قبلی را انداخته و شک کند که بقیه را یا بعضی از آنها را انداخته یا نه به احتیاط واجب^۵ بقیه را اتیان کند اگرچه بعد از اتیان جمره بعدی، و

۱. آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی به رعایت شرایط آن توجه داشته اعتنا نکند.
۲. آیه الله سبحانی: اگر شک او نسبت به اصل رمی است باید برگردد جوری رمی کند که ترتیب رعایت شده و یقین هم حاصل گردد و این شک اگر در ظرف هر روزی نسبت به رمی جمرات اتفاق افتد که آیا جمره‌ای را رمی کرده یا نه هرچند از محیط رمی خارج شده باشد باید برگردد و جمره مشکوک و سپس آنچه بر آن مترتب است را رمی نماید و ضمن رعایت ترتیب یقین حاصل گردد ولی اگر شب یا روز بعد شک کرد به شک خود اعتنا نکند.
۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۱۰ گذشت.
- آیه الله سبحانی: ولی اگر یک طرف شک او در عدد سنگ‌ها به کمتر از چهار تعلق گرفته رمی آن جمره را باید از سر بگیرد و اکتفا به تکمیل خلاف احتیاط است و در این صورت اگر جمرات مترتبه را رمی کرده باید به ترتیب اعاده کند.
۴. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: این احتیاط ترک نشود.
- آیه الله سبحانی: باید رمی هر سه جمره را به ترتیب از سر گیرد.
- آیه الله نوری: رمی سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه انجام دهد.
۵. آیه الله سبحانی: باید بقیه را اتیان کند.

اگر در کمتر از چهار، شک داشته باشد تا مقدار چهار اعتناء نکند و سه سنگ دیگر را بزند.^۱

[۱۲۸۰] م - اگر بعد از انداختن به هر سه جمره یقین پیدا کند که یک سنگ یا دو سنگ یا سه سنگ از یکی از سه جمره ناقص شده باید هر چه را احتمال کسری داده به هر یک از سه جمره بزند.

[۱۲۸۱] م - اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه، یقین کند که یکی از آنها را از چهار کمتر انداخته بعید نیست جواز اکتفا به کسری جمره آخری^۲ و احتیاط آن است که جمره آخری را از سر بگیرد و احتیاط بالاتر آن است که هر سه را از سر بگیرد.^۳

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی: در هیچیک از فروع مسئله به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: در هر دو صورت این مسئله، چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی جمره بعدی متوجه تکمیل جمره قبلی بوده، اعتنا نکند و اگر نه در صورت اول جمره قبلی را تکمیل کند و در صورت دوم، آن را از سر بگیرد و بعد از آن جمره بعدی را اگر چهار سنگ زده آن را تکمیل می‌کند و اگر نه آن را از سر می‌گیرد.

آیه الله سبحانی: اگر بعد از رمی هر سه جمره شک او به کمتر از چهار باشد مثلاً شک کند سه سنگ زده یا بیشتر یا دو سنگ زده یا بیشتر باید رمی آن جمره را از سر بگیرد و جمرات بعدی را اگر رمی کرده مجدداً اعاده کند تا ترتیب حفظ شود.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

۲. آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: باید رمی جمره آخری را از سر بگیرد و احتیاط مستحب این است که هر سه را از سر بگیرد.

آیه الله سبحانی: اکتفا به تکمیل خلاف احتیاط است و این احتیاط نباید ترک شود، بنابراین باید رمی هر سه جمره را به ترتیب از سر بگیرد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در این صورت باید رمی هر سه جمره را به ترتیب از سر بگیرد.

آیه الله فاضل: به کسری جمره آخری و یا رمی جمره آخری.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، مکارم: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از غروب آفتاب شک کند جایز است اکتفا به جمره آخری و در فرض مسئله که کمتر از چهار سنگ زده بنا بر احتیاط باید رمی آن را از سر بگیرد و اگر قبل از آن باشد بنا بر احتیاط باید همه را به ترتیب جبران کند.

[۱۲۸۲] م - اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز، یقین کند که یک روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است، باید هر سه روز را قضا کند با مراعات ترتیب، گرچه به احتمالی اکتفا به قضای روز آخر جایز است.^۱

مسائل متفرقه رمی

[۱۲۸۳] م - زنها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعرالحرام به منا وارد شوند، اگر از رمی در روز معذورند می‌توانند شب رمی کنند بلکه زنها مطلقاً مجازند همان شب رمی نمایند.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** احتیاط در قضای هر سه روز است.

آیه الله تبریزی: اظهر اکتفا به قضای یک روز است به قصد آنچه در عهده اوست؛ اعم از قضای سه رمی یا یک رمی، بلکه می‌تواند اکتفا به رمی جمره عقبه نماید.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: قضای رمی جمره عقبه کافی است.

آیه الله زنجانی: باید رمی هر سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه قضا کند.

آیه الله سبحانی: می‌تواند سه روز را با مراعات ترتیب قضا کند یا اینکه روز اول (رمی جمره عقبه) را قضا کند و سپس یک روز به عنوان ما فی الذمه از دو روز دیگر قضا کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: احوط آن است که رمی سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه انجام دهد. اگرچه در صورتی که شک بعد از روز دوازدهم باشد بیش از قضای رمی جمره عقبه واجب نیست.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب باید هر سه روز را قضا کند با مراعات ترتیب و می‌تواند اکتفا کند به رمی سه جمره به ترتیب، به قصد ما فی الذمه.

آیه الله مکارم: کافی است که یک روز را به نیت ما فی الذمه انجام دهد.

۲. **آیه الله بهجت:** زنان و کسانی که کوچ از مشعر در شب برایشان جایز است می‌توانند شب عید رمی جمره نمایند بنا بر اظهر.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بیماران و پیرها و ضعیفها و کسانی که از دشمن می‌ترسند هم، می‌توانند در شب عید رمی کنند.

آیه الله خامنه‌ای: ولی اگر زن بخواهد به نیابت از دیگری رمی کند به احتیاط واجب رمی را در روز انجام دهد. ←

[۱۲۸۴] م - در طبقه دوم جمرات رمی جایز است^۱ و لازم نیست در طبقه اول رمی نمایند.

[۱۲۸۵] م - کسانی که عذر دارند از اینکه روز عید رمی کنند^۲ می توانند شب قبل از آن، یا شب بعد از آن رمی کنند^۳ و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند می توانند بعد از رمی به جای روز عید، در شب یازدهم رمی روز یازدهم را هم انجام دهند.

→ **آیه الله زنجانی:** در مورد رمی جمره عقبه روز عید، بانوان و کودکان مطلقاً می توانند شب عید، رمی کنند، هر چند از رمی در روز معذور نباشند و دیگران تنها در صورت عذر می توانند شب قبل، رمی کنند و در مورد رمی جمرات همه حجاج تنها در صورت عذر می توانند شب قبل، رمی کنند و فرقی بین بانوان و کودکان و غیر آنها نیست.

آیه الله سبحانی: بانوان و کودکان و بیماران و افراد ناتوان و کلیه معذورین که می توانند پس از نیمه شب مشعر را به قصد منا ترک کنند، می توانند پس از نیمه شب رمی نمایند.

آیه الله سیستانی: کسانی که از ماندن در شب معذور بودند، مثل زنان و بیماران، می توانند همان شب عید رمی کنند؛ ولی پرستاران و همراهان آنان باید در روز رمی نمایند، مگر آنکه نیاز مستمر در طول روز به آنها باشد؛ به طوری که به مقدار رمی هم از آنها مستغنی نشوند.

آیه الله مکارم: و نیابت زن از زن معذور در آن شب اشکال ندارد.

۱. **آیه الله بهجت:** رمی در هر دو طبقه جایز و مکفی است.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط مجزی نیست.

آیه الله خامنه‌ای: اگرچه احتیاط مستحب رمی از مکان متعارف در گذشته است.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: کفایت نمودن زدن سنگ بر مقداری که بر ارتفاع جمره افزوده شده، محل اشکال است و احوط آن است که مقدار سابق را رمی نماید. و اگر متمکن نباشد مقدار زیادی را خودش رمی کند و نایب نیز بگیرد برای زدن به مقدار سابق، و فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست.

آیه الله زنجانی: رمی جمراتی که اخیراً احداث شده در تمام طبقات حتی قسمت‌هایی که بیرون از محل جمرات سابق یا بیرون از منا است و همچنین رمی هر دو طرف دیوار کافی است، هر چند احتیاط مستحب در آن است که قسمت وسط دیوار رمی شود.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: رمی در طبقه فوقانی خلاف احتیاط است.

۲. **آیه الله خامنه‌ای:** زن در صورت تمکن باید در همان شب عید رمی جمره عقبه نماید، مخصوصاً اگر حج او حج نیایی باشد و تأخیر تا شب یازدهم صحیح نیست.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۲۵۷ گذشت.

استفتانات رمی جمرات ثلاث

[۱۲۸۶] س - کسانی که با عذر از رمی در روز می‌توانند شب رمی کنند آیا لازم است شب رمی کنند یا می‌توانند همان روز نایب بگیرند؟

ج - می‌توانند نایب بگیرند.^۱

[۱۲۸۷] س - چنانچه کسانی صبح روز دهم از رمی کردن معذور باشند ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت است و قادر به رمی هستند، بفرمایید از صبح می‌توانند نایب بگیرند یا باید صبر کنند تا خلوت شود و رمی نمایند؟

ج - اگر می‌توانند در روز رمی کنند، نمی‌توانند نایب بگیرند.^۲

[۱۲۸۸] س - آیا بدون عذر می‌توان در شب رمی کرد یا کافی نیست و اگر در شب صحیح است آیا گناهی هم مرتکب شده است و همچنین تأخیر ذبح از روز عید قربان هر چند صحیح است ولی آیا گناهی هم مرتکب شده است؟

ج - بدون عذر، رمی در شب واقع نمی‌شود و اگر بدون عذر رمی در روز را ترک نماید گناه کرده است، و همچنین معصیت نموده است علی الأحوط^۳ اگر ذبح را عمداً از روز عید تأخیر بیندازد، هر چند ذبح صحیح است.

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سبحانی: باید شب قبل، رمی کنند، و اگر نمی‌توانند برای رمی در روز نایب بگیرند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید شب رمی نمایند.

آیه الله خامنه‌ای: کسی که از رمی در روز معذور است اما می‌تواند شب رمی نماید، جایز نیست نایب بگیرد بلکه باید خودش در شب پیش و یا شب بعد رمی نماید.

آیه الله سیستانی: چنان که گذشت کسی که معذور از رمی در روز است باید نایب بگیرد و نمی‌تواند در شب رمی نماید، مگر چوپانان و کسانی که از ماندن روز در منا معذور باشند.

آیه الله فاضل: احتیاط واجب آن است که شب رمی کنند.

آیه الله مکارم: تا در شب بتواند رمی کند نایب گرفتن مشکل است.

۲. به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

۳. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۳۲ گذشت.

[۱۲۸۹] س - کسی که در رمی جمرات نایب شده، آیا می‌تواند شب رمی کند یا نه و همچنین کسی که در اصل حج نایب باشد و از ابتدا می‌دانسته که نمی‌تواند رمی کند، یا نمی‌تواند روز رمی کند و یا در رمی روز مسامحه و اهمال کند، حکمش چیست؟

ج - نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد و اگر معذور باشد نمی‌تواند نایب شود^۱ و کسی که در رمی نایب شده باید روز رمی کند و مسامحه و اهمال موجب بطلان نیابت نیست، هر چند در فرض سؤال جایز نیست.

[۱۲۹۰] س - شخصی که خود معذور است و نمی‌تواند رمی جمرات نماید، آیا می‌تواند شخص دیگری را که برای او هم رمی در روز مقدور نیست، نایب قرار دهد تا در شب رمی نماید و آیا در صورت بودن و یا نبودن شخص سومی که بتواند نایب شود و در روز رمی نماید، حکم مسئله فرق دارد یا خیر؟

ج - در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرد که در روز رمی نماید و اگر ممکن نباشد^۲ بنا بر احتیاط واجب روز بعد خودش قضا کند و اگر در قضا هم امکان مباشرت نیست، نایب بگیرد.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۰۷۰ گذشت.

آیه الله زنجانی: نایب در رمی، باید در روز رمی کند مگر نایب دیگری پیدا نشود و معذور از رمی در روز، نمی‌تواند در حج واجب، نایب شود، - مگر در عذر طاری - البته نایب در حج اگر زن یا کودک ممیز باشد می‌تواند جمره عقبه را شب عید رمی کند.

آیه الله سبحانی: شخص معذور نسبت به رمی روز یازدهم و دوازدهم و طواف نساء و بیتوته‌های منا می‌تواند برای ادای حج نایب شود. در این صورت باید رمی را در شب و به جای بیتوته‌ها در مسجدالحرام به عبادت بپردازد و در طواف نساء دیگری را نایب بگیرد.

آیه الله سیستانی: عذر در رمی جمرات در روز ۱۱ و ۱۲ مانع نیابت حج نیست.

۲. **آیه الله زنجانی:** اگر استنابه برای روز ممکن نباشد، رمی نایب در شب قبل، کافی است.

آیه الله سبحانی: و یا کسی حاضر نشد برای او نیابت کند می‌تواند رمی را بدهد به کسی که در شب رمی کند ولی چنانچه خودش خوب شد روز بعد قضا کند و یا اگر نایبی پیدا شد برای روز بعد علاوه بر رمی آن روز قضای روز قبل را نیز استنابه کند که در روز رمی کند.

[۱۲۹۱] س - در رمی جمرات، اگر سنگ‌ریزه اول به دیوار مجاور و بعد به جمره بخورد آیا کافی است، یا باید سنگ‌ریزه دیگر بزند؟

ج - ظاهراً کافی است.^۱

[۱۲۹۲] س - شخصی وقت رمی جمرات شک کرد که چند سنگ زده‌ام، پس آن مقدار را رها کرد و دوباره از اول شروع نمود، آیا رمی او اشکال دارد یا نه؟

ج - اشکال ندارد هرچند رها نمی‌شود.

[۱۲۹۳] س - اینکه فرموده‌اید کوچ کردن شب دهم و درک کردن وقوف اضطراری مشعر و رمی در شب دهم برای زنان جایز است و نفس زن بودن عذر است، آیا با این حال زنان می‌توانند نایب شوند؟

ج - می‌توانند نایب باشند.

[۱۲۹۴] س - در زمان قدیم که جَمَرَات به صورت فعلی نبوده است و یقیناً بعداً بلندتر و قطورتر درست شده است، بنابراین در جمره عقبه چرا رمی کردن مخصوص به آن سنگ‌چین وسط دیوار سیمانی است و رمی به دیوار سیمانی جایز نیست؟ و اگر جایز می‌دانید بفرمایید؛ زیرا که اکثر مردم در جمره عقبه اکتفا به دیوار سیمانی دو طرف سنگ‌چین می‌کنند و خلاصه ملاک رمی در جمرات چیست؟

ج - دیوار سیمانی پشت جمره از جمره نیست و رمی آن کافی نیست.^۲

[۱۲۹۵] س - اگر مردی که می‌تواند در روز رمی نماید، برای رمی زنی نایب شود آیا می‌تواند رمی زن را در شب انجام دهد؟

ج - نمی‌تواند و باید رمی را در روز انجام دهد.

۱. به ذیل بند سوم از مسئله ۱۰۰۱ مراجعه شود.

۲. به سؤال ۱۴۲۵ مراجعه شود.

آیات عظام بهجت، سبحانی، مکارم: در حال حاضر دیوار سیمانی وجود ندارد.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب رمی آن قسمت که سابقاً دیوار بوده است و اکنون برداشته‌اند کافی نیست.

[۱۲۹۶] س - افرادی که معذورند از واجباتی که ترکش ولو عمداً مضر به حج نیست؛ مثل رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم و مَبیت به منا در شب‌های یازدهم و دوازدهم، آیا می‌توانند اجیر شوند و نیابت کنند یا نمی‌توانند؟

ج - ذوی الأعدار نمی‌توانند نیابت شوند، حتی اگر از مثل مذکورات عذر داشته باشند.^۱

[۱۲۹۷] س - کسی که به نیابت دیگری رمی جمره می‌کند، آیا کافی است که اوّل برای خودش هر جمره‌ای را رمی کند و پس از آن به نیابت دیگران ولو ده نفر باشند یک‌جا رمی کند، بعد جمره وسطی را هم همین‌طور و در پایان برای جمره عقبه نیز چنین کند، یا اینکه باید اوّل هر سه جمره را برای خودش و بعد هر سه را برای دومی و همچنین نسبت به دیگران رمی نماید؟

ج - هر دو صورت صحیح است.^۲

[۱۲۹۸] س - کسی که نمی‌تواند در روز عید رمی کند، آیا می‌تواند قبل از رمی

حلق نماید و روز دیگر رمی کند؟

ج - جایز نیست علی الأحوط.^۳

۱. به ذیل مسئله ۱۰۷ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی؛ به ذیل سؤال ۱۲۸۹ مراجعه شود.

۲. آیه الله سبحانی؛ ولی در هنگام قضای رمی روز قبل مثلاً یازدهم و ادای رمی روز دوازدهم که هر دو در روز دوازدهم انجام می‌شود، نباید متداخلاً انجام دهد، مثلاً به جمره اولی چهارده سنگ بزند، هفت عدد آن برای قضای روز یازدهم و هفت عدد دیگر برای روز دوازدهم و سپس به سراغ جمره وسطی برود بلکه باید قضای روز یازدهم به صورت کامل در هر سه مرتبه جمره انجام شود و سپس برای روز دوازدهم مستقلاً از سر گیرد و بین روزها کمی فاصله بیندازد.

۳. آیه الله بهجت؛ به هر تقدیر ترتیب لازم است.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی؛ چنین شخصی باید شب عید رمی کند و چنانچه از رمی در شب عید هم معذور باشد برای رمی در روز نایب می‌گیرد و بعد از رمی نایب حلق یا تقصیر می‌کند.

آیه الله خامنه‌ای؛ بنا بر احتیاط واجب حلق را از روز عید تأخیر نیندازد.

آیه الله زنجانی؛ باید برای رمی در روز عید نایب بگیرد و بعد از رمی قربانی و حلق کند.

آیه الله سیستانی؛ وظیفه چنین کسی نایب گرفتن در روز عید است. ←

[۱۲۹۹] س - آیا جمره عقبه را از هر طرف می‌توان رمی نمود؟

ج - اگر به جمره بزند کافی است، ولی رمی دیوار کفایت نمی‌کند.^۱

[۱۳۰۰] س - سنگ‌ریزه‌هایی که در مشعر موجود است و معلوم است که از خارج از مشعر آورده‌اند، و معلوم نیست که از حرم است یا از خارج از حرم، آیا می‌توان از آنها برای رمی استفاده نمود؟

ج - اگر معلوم است که از خارج آورده‌اند، در مورد سؤال استفاده نکنند مگر آنکه طوری باشد که جزو مشعر محسوب شود.^۲

[۱۳۰۱] س - شخصی رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده است و در روز سیزدهم متوجه می‌شود، آیا بعد از قضای جمره عقبه، باید رمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند؟

ج - لازم نیست.

→ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بله، می‌تواند.

آیه الله مکارم: لازم است بقیه اعمال خود را روز عید انجام دهد.

آیه الله نوری: گذشت که تأخیر حلق از روز عید جایز نیست علی‌الأحوط.

۱. به سؤال ۱۴۲۵ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله سبحانی: رمی آن از هر طرف کافی است، ولی مستحب است از جلوی آن پشت به قبله رمی شود.

آیه الله زنجانی: در شرایط فعلی، رمی تمام دیوار جمره از هر دو طرف، کافی است.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: به ذیل سؤال ۱۲۹۴ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: فعلاً دیواری وجود ندارد.

۲. آیه الله زنجانی: مانعی ندارد.

آیه الله سبحانی: هرگاه درباره ریگی که در اختیار دارد شک کند که با آن رمی شده یا نه و یا شک کند که قبلاً در خارج حرم بوده، سپس وارد سرزمین حرم شده است، در هر دو صورت به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله سیستانی: اگر عرفاً جزو مشعر حساب شود مانعی ندارد و گرنه باید احراز شود از حرم است.

[۱۳۰۲] س - آیا زیاده از هفت رمی، مُخِل به رمی است؟

ج - اگر از اول قصد زیادتر از هفت داشته باشد صحیح نیست و باید رمی را اعاده کند، ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگ‌ریزه که به قصد هفت بوده، اضافه زده ضرر ندارد.^۱

[۱۳۰۳] س - کسی که نتوانسته ذبح کند و حلق یا تقصیر نیز ننموده است، آیا

می‌تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد؟

ج - مانع ندارد.

[۱۳۰۴] س - زنی که احتمال بدهد، رمی باعث قاعدگی او می‌شود، آیا کافی است

در رمی نایب بگیرد؟

ج - اگر در اثر آن به مشقت می‌افتد، عذر محسوب می‌شود و می‌تواند نایب بگیرد.^۲

[۱۳۰۵] س - آیا می‌شود که زن‌ها را شب دهم بعد از نصف شب از مَشَعَر به منا بیاورند

و همان شب آنان را به جمره عقبه ببرند و رمی کنند و بعد به خیمه برگردانند و نزدیک غروب روز یازدهم مجدداً آنان را به جمرات ببرند تا شب دوازدهم، هم رمی روز یازدهم را انجام دهند و هم رمی روز دوازدهم را، با توجه به ازدحام و خطرهای احتمالی؟

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: مخل به رمی نیست.

۲. آیه الله تبریزی: قاعدگی مجوز استنابه برای رمی نیست، باید خودش انجام دهد و اگر قبل از وقوف به عرفه می‌ترسد که رمی باعث قاعدگی بشود و نتواند طواف کند، باید طواف و نماز آن را مقدم کند و بنا بر احتیاط مستحب سعی را نیز مقدم کند و در وقت خودش اعاده کند.

آیه الله زنجانی: اگر در اثر آن به مشقت شدید می‌افتد، عذر، محسوب می‌شود.

آیه الله سبحانی: اگر زنی احتمال بدهد رمی یا مقدمات آن مثل رفتن به پای جمرات موجب قاعدگی می‌شود و با اینکه پزشک او را از فعالیت زیاد منع کرده تا موجب قاعدگی نشود و در اثر قاعدگی به مشقت می‌افتد بالأخص آنجا که پس از برگشتن از منا اعمال حج را در روز دوازدهم به بعد انجام می‌دهد، در این صورت عذر او موجه است و می‌تواند برای رمی نایب بگیرد.

آیه الله سیستانی: مجرد احتمال وقوع در مشقت مجوز استنابه نیست.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیه الله مکارم: این کار اشکالی ندارد.

ج - برای زن‌ها رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منا در همان شب عید قربان مانع ندارد، ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رمی روز معذور باشند.^۱

[۱۳۰۶] س - اگر کسی می‌داند یک روز رمی را ترک کرده است ولی نمی‌داند که روز دهم بوده یا یازدهم، یا دوازدهم، وظیفه‌اش چیست؟

ج - احوط آن است که رمی سه جمره را به ترتیب، به قصد ما فی الذمه انجام دهد. اگرچه در صورتی که شک بعد از روز دوازدهم باشد بیش از قضای رمی جمره عقبه واجب نیست.^۲

[۱۳۰۷] س - شخصی در رمی جمرات چنین تصور می‌کرده است که باید سنگ‌ریزه به خود سنگ‌های نصب شده جمرات بخورد، نه به ملات لای سنگ‌ها که به وسیله آن ملات بندکشی شده است، لذا برای اطمینان که به خود سنگ‌ها بخورد، یازده سنگ‌ریزه انداخته و هفت عدد از آنها را رمی صحیح محسوب داشته است، آیا این رمی صحیح است یا نه؟

ج - اگر مواردی را که شک داشته احتیاطاً زده، مانع ندارد و چنانچه شک نداشته و

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۲۵۷ گذشت.

۲. در مورد متن و ذیل به مسئله ۱۲۸۲ مراجعه شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر در روز دوازدهم علم پیدا کند رمی یک روز را انجام نداده و شک داشته باشد آن روز که رمی آن را انجام نداده، روز دوازدهم است یا روزهای قبل، باید هر سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه رمی کند، ولی اگر در روز دوازدهم علم پیدا کرد که رمی یک روز را ترک کرده و نمی‌داند که روز دهم بوده یا یازدهم، می‌تواند به رمی جمره عقبه اکتفا کند و اگر بعد از روز دوازدهم علم پیدا کرد که رمی یک روز را ترک کرده و نمی‌داند روز دهم بوده یا یازدهم، می‌تواند به رمی جمره عقبه اکتفا کند.

آیه الله زنجانی: باید رمی هر سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه قضا کند.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از گذشت روز دوازدهم باشد قضای رمی جمره عقبه کافی است و اگر در روز دوازدهم باشد رمی جمرات همان روز را به جا آورد.

قصد زیاده هم نداشته است، صحیح است هر چند در این صورت احتیاط مطلوب است.^۱

[۱۳۰۸] س - شخصی روز عید قربان برای رمی جمره عقبه رفته و انجام داده ولی دو روز بعد را در اثر کسالت وکالت داده و روز سیزدهم خودش برای قضای رمی جمرات رفته، ولی اول رمی جمره عقبه نموده، بعداً برگشته از جمره اولی شروع کرده و روز یازدهم و دوازدهم را یک مرتبه چهارده سنگ زده، هفت عدد برای روز یازدهم و هفت عدد برای روز دوازدهم و جمره وسطی را همچنین دوازده سنگ زده و جمره عقبه را نیز دوازده سنگ زده است، و الآن به ایران برگشته است، آیا وظیفه او چیست؟

ج - اگر کسالت داشته و معذور بوده و وکالت داده عمل او صحیح است، و نیاز به تکرار نداشته است، و در هر صورت تکرار به نحو مرقوم صحیح نیست.^۲

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بلکه مطلقاً صحیح است.

۲. آیه الله سیستانی: به این نحو نیز صحیح است ولی به احتیاط واجب بین قضای روز یازدهم و قضای روز دوازدهم باید قدری فاصله بیندازد.

فصل هشتم: مستحبات

مستحبات منا^۱

[۱۳۰۹] م - بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منا بماند و حتی به جهت طواف مستحب از منا بیرون نرود و تکبیر گفتن در منا بعد از پانزده نماز و در غیر منا بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَلَانَا».

و مستحب است مادامی که در منا اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف به جا آورد و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف، با عبادت هفتاد سال برابر است و هرکس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید ثواب

۱. آیه الله مکارم: مناسب است این مستحبات و مستحبات آینده به قصد رجا انجام گیرد.

آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است و هرکس در آنجا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد و هرکس در آنجا صد مرتبه «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

مستحبات دیگر مکه معظمه

[۱۳۱۰] م - آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱. زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.
۲. ختم نمودن قرآن.
۳. خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند:
«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».
- و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ».
۴. نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.
۵. در هر شبانه‌روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.
۶. هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.
۷. به خانه کعبه داخل شود؛ خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:
«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

۱. آیه الله مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف‌های مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند.
۲. آیه الله مکارم: این گونه امور در حال حاضر معمولاً امکان ندارد و هرگاه کسی نیت آن را داشته باشد، خداوند به لطفش به او ثواب آن را می‌دهد.

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگزارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم، سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸. دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:
 «اللَّهُمَّ مَنْ تَبَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَبِّتِي وَتَعْبِتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُحَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَحْيِبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي آتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْأَسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بِرِعْبَتِي وَلَا تُرَدِّدَنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «الله أكبر» بگویند، پس بگویند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدُ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ».

بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

استحباب عمره مفرده

[۱۳۱۱] م - بدان که بعد از فراغ از اعمال حج، در صورتی که میسور باشد، مستحب است عمره مفرده به جا آورده شود و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمره سابق، خلاف است و احتیاط در این است که در فصل کمتر از یک ماه به قصد رجا به جا بیاورد^۱ و کیفیت این عمره در صورت حج افراد و عمره مفرده ذکر شد.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۷۳ گذشت.

استحباب طواف وداع

[۱۳۱۲] م - بدان که برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را، در صورت امکان، استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حَجَر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأُودِيَ فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْبَقِيْنُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا يَرْجَعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناتین، که مقابل رکن شامی است، بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یکدرهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید.

فصل نهم: مسائل متفرقه

[۱۳۱۳] م - در وقتی که در «مسجدالحرام» یا «مسجدالنبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.^۱

۱. **آیه الله بهجت:** اگر کار ضروری ندارند خارج نشوند و خوب است شرکت کنند و با قصد فرادی و عمل به وظیفه منفرد می‌توانند در جماعت حضور یابند؛ ولی اگر امکان رعایت شرایط نماز منفرد نبود، می‌توانند در جماعت حضور یابند، ولی نماز را اعاده می‌نمایند.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بلی نماز مجزی است در صورتی که قرائت حمد و سوره را برای خود آهسته قرائت کند و اگر نمی‌شود به نحو حدیث نفس بخواند و در نماز جمعه بعد از فراغ از آن، با آنها، نماز ظهر را اعاده کند.

آیه الله زنجانی: حجاج محترم باید از خارج شدن از مسجد هنگام نماز جماعت که سبب وهن شیعه می‌شود، جداً خودداری کنند و خوب است در نماز جماعت اهل سنت، شرکت کنند؛ ولی در شرایط کنونی می‌بایست آن را اعاده کنند.

آیه الله سبحانی: با آنها جماعت خوانده شود و پس از آن اعاده کند.

آیه الله صافی: نماز با عامه در حال ضرورت بی‌اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعات آنان اگر موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتهام به شیعه باشد خوب است و اعاده آن لازم نیست اگرچه موافق با احتیاط است و خروج از مسجد در هنگام اقامه جماعات و یا ایستادن و شرکت نکردن شایسته نیست، بلی اگر ضرورتی ایجاب کند مانع ندارد. ←

[۱۳۱۴] م - سجده نمودن بر تمام اقسام سنگ‌ها؛ چه مرمر باشد یا سنگ‌های سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک، قبل از آنکه پخته شود* جایز است^۱ و سنگ‌هایی که در «مسجد الحرام» از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همین طور در «مسجد رسول الله ﷺ».

[۱۳۱۵] م - در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت بخوانند^۲ و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

→ آیه الله گلپایگانی: نماز با عامه در حال ضرورت بی‌اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعت آنان خوب است، لکن با تمکن نماز را با شرایط کامل اعاده کند.

*. ادر تحرير الوسيلة، ج ۲، المقدمة الرابعة في المكان، مسئله ۷ فرموده‌اند: والاقوي جواز علي الخنزف والاجر و النورة و الحصى ولو بعد الطبخ

۱. آیه الله بهجت، آیه الله فاضل: بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می‌شود سجده کرد.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط مستحب آن است که در حال اختیار به گچ و آهک پخته سجده نکنند.
- آیه الله خامنه‌ای: سجده بر آجر و سفال و گچ و آهک و سیمان صحیح است.
- آیه الله زنجانی: احتیاط آن است که به گچ و آهک پخته سجده نکنند.
- آیه الله سیستانی: بلکه بعد از پخته شدن نیز جایز است.
- آیه الله مکارم، آیه الله نوری: چه قبل از پخته شدن و چه بعد از آن صحیح است.
۲. آیه الله بهجت: برگزار نمودن نماز جماعت در هتل‌ها و مسافرخانه‌ها در مکه و مدینه مانعی ندارد اگر مستلزم مفسده نباشد.

آیه الله خویی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: برگزار کردن نماز جماعت در هتل‌ها در مکه و مدینه مانعی ندارد، مگر باعث مفسده‌ای که دفع آن لازم است شود، و حکم شرکت در نماز جماعت عامه، در مسئله ۱۳۱۳ گذشت.

آیه الله سبحانی: هرگاه اقامه نماز در هتل‌ها سبب شود که حضور شیعه در مساجد کم‌رنگ و ضعیف شود این کار را انجام ندهند در غیر این صورت اشکالی ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر خلاف تقیه نباشد اشکال ندارد ولی شرکت در جماعت مسلمین بهتر است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که مفسده داشته باشد.

آیه الله فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیه مداراتی است نماز را به جماعت نخوانند.

آیه الله مکارم: نماز جماعت‌های کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

[۱۳۱۶] م - تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است، هر چند احتیاط اقتضای بر مسجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر می تواند نماز را تمام بخواند همان طور که می تواند شکسته بخواند.^۱

[۱۳۱۷] م - در تقصیرهایی که در عمره تمتع کرده است، احتیاط واجب آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد و اگر در حج تقصیر کرد در منا سر ببرد^۲ و اگر

۱. **آیه الله بهجت:** مسافر می تواند در مسجدالحرام و مسجد پیغمبر و... نمازش را تمام بخواند و احتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند ولی اگر خواهد در جایی که اول جز و این مسجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در مکه و مدینه قدیم می تواند قصر و تمام بخواند. **آیه الله خامنه ای:** می تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه حتی محله های جدید دو شهر نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد. گرچه احتیاط استحبابی در اختصاص تخییر به محله های قدیمی دو شهر بلکه در اختصاص به دو مسجد است.

آیه الله زنجانی: بنا بر اقوی، تخییر در هیچ یک از اماکن اربعه، ثابت نیست و نسبت به این اماکن، سفارش اکید به قصد اقامه کردن شده است (همچنان که مشهور اصحاب ائمه معصومین علیهم السلام نیز بر این نظر بوده اند)؛ پس اگر شرایط قصد اقامه، محقق نباشد - حتی در قسمت قدیمی مسجدالحرام و مسجدالنبی صلوات الله علیهما - باید نماز را شکسته بخوانند.

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: می تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد.

۲. **آیه الله بهجت:** در احرام عمره، در مکه ذبح یا نحر می نماید و در احرام حج در منا و در صورتی که خودش قادر بر انجام آن در مکان مشخص شده نباشد، نایب می گیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: جای کشتن کفاره شکار در احرام عمره، مکه مکرمه است و جای کشتن کفاره شکار در احرام حج، منا است. کفاره ای که بر محرم برای غیر از شکار واجب شده است، اظهر این است که می تواند کشتنش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هر جا خواهد بکشد. و بهتر این است که کفاره را در حج، خود بکشد.

آیه الله خامنه ای: محل ذبح کفاره صید در عمره مکه است و در حج منا است و احتیاط آن است که در دیگر کفارات نیز به همین نحو عمل کنند، اما اگر در مکه مکرمه یا در منا ذبح نکند و پس از بازگشت از حج، در وطن خود یا در مکان دیگر ذبح نماید، کفایت می کند. ←

ترک کرد آن را و برگشت به محل خود، در محل خود بکشد و صدقه بدهد.

→ **آیه الله زنجانی:** کفارات عمره و حج را پس از مراجعت به وطن هم می‌توان انجام داد، مگر کفاره صید و جماع، که محل ذبح کفاره صید و جماع در حج، منا و در عمره مفرده، مکه و در عمره تمتع مکه و منا است.

آیه الله سبحانی: محل ذبح و یا نحر کفاره صید در عمره تمتع مکه هرچه که به مسجدالحرام و کعبه نزدیک‌تر باشد و اگر نتوانست یا به تأخیر انداخت می‌تواند در منا ذبح کند و محل ذبح و یا نحر کفاره حج منا است. همچنین محل ذبح و یا نحر کفاره عمره مفرده مکه است و می‌تواند آن را تا زمان حج به تأخیر بیندازد و در منا قربانی کند و در هر سه مورد (عمره تمتع و حج و عمره مفرده) اگرچه تأخیر کفاره از محل خود خلاف احتیاط است لکن اگر از منا هم تأخیر انداخت و به وطن برگشت می‌تواند در محل قربانی کند ولی در عمره تمتع و عمره مفرده حکم اولی مکه است و در حج حکم اولی منا است.

آیه الله سیستانی: و جای کشتن کفاره واجب شده به علت شکار در عمره مفرده، مکه مکرمه می‌باشد و جای کفاره واجب شده به علت سایر محرمات احرام غیر شکار. و اگر آن را از روی عذر و یا بدون عذر در منا نکشت تا آنکه برگشت، بنا بر اظهر جایز است آن را در هر جا خواست بکشد.

آیه الله صافی: محل ذبح یا نحر کفاره صید، اگر در احرام عمره باشد، مکه و اگر در احرام حج باشد، مناسک و بنا بر احتیاط، محل ذبح کفاره غیر صید نیز در احرام حج، منا و در احرام عمره مکه است، ولی اگر متمکن از آن در مکه یا منا نشد و یا فقیری که آن را به او صدقه بدهد، نبود و یا به هر جهت دیگر ترک شد، در وطنش ذبح کند و به فقیر بدهد.

آیه الله فاضل: احتیاط این است که کفاره محرمات احرام عمره در مکه ذبح شود و کفاره محرمات احرام حج در منا، ولی فعلاً که گوشت آن در آن دو مکان مصرف فقرا می‌شود، ذبح در وطن جایز بلکه مطابق احتیاط است، تا به مصرف فقرا می‌رسد.

آیه الله گلپایگانی: در صورت تمکن باید کفارات در احرام عمره را در مکه و کفارات احرام حج را باید در منا ذبح کند و اگر عمداً و یا از روی فراموشی در این مکان ذبح نکرد، در صورت امکان نایب بگیرد، که از طرف او در منا یا مکه ذبح نماید، و در صورت عدم تمکن مالی یا پیدا نشدن فقیر مؤمن در بلد خود یا جای دیگر ذبح کند.

آیه الله مکارم: احتیاط مستحب آن است....

آیه الله نوری: در صورت نداشتن قدرت مالی یا پیدا نکردن فقیر مؤمن می‌تواند در شهر خود یا جای دیگر ذبح کند.

[۱۳۱۸] م - کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضا می‌کرد محرم شد نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و مُحل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند، احرامش به هم نمی‌خورد و آنچه به واسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی‌شود و اگر کاری که موجب کفاره است به جا آورد باید کفاره بدهد.

[۱۳۱۹] م - اگر به واسطه عذری؛ مثل مرض، نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد، باید در میقات یا محاذات آن^۱ نیت عمره و یا حج کند و لیبک بگوید و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده بپوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی کند.^۲

[۱۳۲۰] م - کسی که از روی ندانستن مسئله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از محرّمات احرام را ارتکاب نمود کفاره ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است.^۳

۱. به ذیل مسئله ۲۰۷ مراجعه شود.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۳۵۰ گذشت.

۳. **آیه الله بهجت:** نسبت به موارد فوق، در مورد اول بعد از اینکه مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش نموده این اضافه را دارند؛ یا ناخن‌های خود را بگیرد به خیال اینکه احرامش تمام شده. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** هر عملی غیر از صید، که از محرم از روی جهل و نسیان سر بزند کفاره ندارد، مگر موارد ذیل:

آنکه طواف فریضه حج یا عمره را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی نماید یا مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش نموده و به اعتقاد اینکه از سعی فارغ شده، از احرام در آمد و یا آنکه بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

کسی که دست خود را بی‌خود بر سر یا ریش خود بکشد و یک یا بیشتر مو از آن بیفتد.

آنکه بدن خود را روغن مالی کند از روی نادانی.

آیه الله سیستانی: با حاشیه مذکور موافقاند با این فرق که ایشان مورد نزدیکی بین سعی و تقصیر را ذکر نفرموده‌اند و در مورد آخر، روغن مالی به روغن خوشبو را موجب دانسته‌اند. ←

- [۱۳۲۱] م - عمره تمتع و حج تمتع باید در یک سال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره تمتع به جا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی‌باشد.
- [۱۳۲۲] م - کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است، باید درحالی که می‌خواهد احرام عمره ببندد نیت آن داشته باشد که عمره تمتع کند و بعد از آن حج تمتع، اگرچه به نیت ارتکازی اجمالی، پس اگر نیت عمره مفرده بکند و بعد بخواهد آن را عمره تمتع قرار دهد حج او اشکال پیدا می‌کند.^۱
- [۱۳۲۳] م - اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع، شک کند که عمره تمتع را به جا آورده یا نه یا شک کند که صحیح به جا آورده یا نه، اعتنا نکند و عملش صحیح است.^۲
- [۱۳۲۴] م - در هر یک از اعمال عمره و حج، اگر شک کند بعد از آنکه وارد عملی

→ آیه الله زنجانی: و همچنین روغن مالی که در صورت جهل به حکم باید یک فقیر را اطعام کند.

آیه الله سبحانی: به مسائل و حواشی مربوطه مراجعه شود: ۸۴۸، ۱۱۸۷ و ۱۱۸۸.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و بعض موارد دیگر که در مناسک مذکور است.

۱. آیه الله بهجت: جواز عدول از عمره مفرده در ماه‌های حج، به عمره تمتع، محل تأمل و احتیاط است، و اگر در اشهر حج به عمره مفرده محرم شد و داخل مکه شد و وقت ضیق باشد از حج تمتع، می‌تواند با قصد، عدول به عمره تمتع نماید در صورتی که به سببی واجب نشده باشد بقا بر عمره مفرده بر او، با احتیاط در اراقه دم.

آیه الله تبریزی: اگر در ماه‌های حج عمره مفرده انجام دهد می‌تواند آن را به جای عمره تمتع حساب کند.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: اگر در ماه‌های حج، عمره مفرده انجام دهد و تا وقت حج اتفاقاً در مکه بماند، می‌تواند آن را عمره تمتع قرار داده و حج تمتع به جا آورد، و در این حکم بین حج واجب و مستحب فرقی نیست.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله ۱۸۲ مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: چنانچه عمره مفرده را در ماه‌های حج آورده و می‌خواهد حج مستحبی به جا آورد می‌تواند عدول به عمره تمتع کند.

آیه الله سیستانی: اگر در ماه‌های حج عمره مفرده انجام دهد و تا روز هشتم ذی‌حجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره‌اش تمتع به حساب می‌آید و باید حج تمتع انجام دهد و فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.

آیه الله مکارم: ولی از عمره مفرده (اگر در ماه‌های حج واقع شده باشد) به عمره تمتع جایز است ولی این در مورد حج مستحبی است.

۲. آیه الله زنجانی: مطابق ذیل مسئله بعدی عمل شود.

شده باشد که مترتب بر اوست، اعتنا نکند؛^۱ چه شک کند که آورده یا نه، یا شک کند که صحیح آورده یا فاسد.

[۱۳۲۵] م - باید عمره تمتع و حج تمتع، هر دو در ماه‌های حج واقع شود و ماه‌های حج؛ شوال و ذی‌قعدة و ذی‌حجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی‌قعدة عمره تمتع به جا آورد و در موقع حج، حج تمتع به جا آورد صحیح است، و اگر قبل از شوال بخواهد عمره تمتع به جا آورد صحیح نیست، اگرچه بعضی اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماه‌های حج.

[۱۳۲۶] م - کسی که به احرام عمره تمتع وارد مکه، شد در صورتی که حج او فوت شده قصد عمره مفرده کند و به همان احرامی که بسته، عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود، و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.^۲

[۱۳۲۷] م - شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچ‌یک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می‌تواند گوسفند خاصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند.^۳

[۱۳۲۸] م - غیر از هدی تمتع، از هدی‌هایی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان واجب می‌شود، نمی‌تواند شخص کفاره دهنده از گوشت آنها بخورد و اما از قربانی استجابی جایز است بخورد.^۴

۱. آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال دهد هنگام شروع در عمل بعدی متوجه انجام عمل قبلی بوده است اعتنا نکند و

اگر در صحت عمل قبلی شک کند چنانچه احتمال بدهد هنگام عمل به رعایت شرایط آن توجه داشته، اعتنا نکند.

۲. آیه الله زنجانی: به طور کلی باید در سال آینده حج به جا آورد مگر آنکه عمره تمتع او استجابی باشد، و در هنگام احرام شرط تحلل کرده باشد.

۳. آیه الله بهجت: هر چند احتیاط این است که آن شرایط در کفاره نیز مراعات شود.

آیه الله سبحانی: ولی اگر حیوانی را ذبح کند که گوشت آن قابل استفاده نباشد کفایت نمی‌کند.

۴. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: عیبی ندارد که مقداری از آن را خودش بخورد و قیمت آن را برای فقرا به

[۱۳۲۹] م - مصرف کفارات: فقرا و مساکین هستند.^۱

[۱۳۳۰] م - اگر در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط در برداشتن است.^۲

[۱۳۳۱] م - اگر «لقطه» حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد می‌تواند قصد تملک آن را بکند و آن را مصرف کند و ضامن صاحبش نیست^۳ و چنانچه تملک نکرد

→ **آیه الله خامنه‌ای:** کسی که کفاره بر او واجب شده، نباید از گوشت آن بخورد، اما خوردن گوشت قربانی واجب یا مستحب و یا نذری اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: و احتیاط این است که خود کفاره دهنده از آن نخورد و اگر خورد احتیاط این است که قیمت مقداری را که خورده به فقرا صدقه بدهد. (و **آیه الله فاضل** اضافه می‌فرماید: و نزدیکان او نیز اگر فقیر نیستند از آن نخورند).

آیه الله سبحانی: و اگر تناول کرد معادل آن را به فقرا صدقه دهد.

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** باید مؤمن باشند.

آیه الله زنجانی: مصرف کفارات فقیر مؤمن غیر سید است.

آیه الله سبحانی: اولویت با فقرا و مساکین مومن می‌باشد سپس به دیگران ولی نباید به ناصبی‌ها و نازل منزله آنان داده شود.

آیه الله سیستانی: باید مسلمان بلکه به احتیاط واجب مؤمن باشند مگر اینکه مؤمن مستحق پیدا نشود که می‌توان به ضعفای غیر ناصبی داد.

آیه الله فاضل: مصرف کفاره، فقیر مؤمن غیر سید است. بلی اگر دهنده آن سید باشد می‌تواند کفاره خود را به سید فقیر بدهد.

آیه الله گلپایگانی: مصرف کفاره، فقیر غیر سید است و اگر دهنده کفاره سید باشد، جایز است که کفاره خود را به سید فقیر بدهد و بنا بر احتیاط واجب باید فقیر مؤمن باشد.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که کفاره غیر سادات به سادات داده نشود.

۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی:** متعرض این فرع نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: بلکه نباید بردارد، مگر منظورش اعلان کردن و پیدا کردن صاحبش باشد.

آیه الله سبحانی: احتیاط آن است که آن را بر ندارد.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

۳. **آیه الله زنجانی:** در لقطه حرم (چه قیمت آن به یک درهم برسد یا نه) باید تا یک سال آن را اعلان کند؛ پس اگر

مالک آن را نیافت، باید آن را صدقه دهد یا برای صاحب آن تا وقتی که احتمال دارد صاحب آن پیدا شود ←

و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب.^۱

[۱۳۳۲] م - اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال، مخیر است بین دو امر^۲: یکی آنکه آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف. دوم آنکه برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد^۳ و جایز نیست آن را تملک کند و اگر تملک کند مالک نمی‌شود و ضامن هم می‌شود.

[۱۳۳۳] م - کسی که بعد از محرم شدن نتوانسته باشد وظیفه‌ای انجام دهد که مُحلّ

→ نگاه دارد و اگر از بین برود چنانچه کوتاهی نکرده ضامن نیست و اگر بعد از یک سال اعلان، صدقه بدهد و صاحبش پیدا شود، می‌تواند به صدقه راضی شود یا عوض مالش را بگیرد و ثواب صدقه برای صدقه دهنده باشد.

آیه الله سبحانی: باید آن را از طرف صاحبش به فقیر مؤمن صدقه بدهد و در صورتی که صاحبش پیدا شود و به صدقه دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب باید از طرف صاحبش صدقه بدهد و هر وقت صاحبش پیدا شد چنانچه به صدقه دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد.

۱. **آیه الله مکارم:** باید آن را به صاحبش باز گرداند.

۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** احتیاط واجب آن است که آن را صدقه دهد.

آیه الله زنجانی: به ذیل مسئله قبل مراجعه شود.

آیه الله سبحانی: و اگر پس از یک سال پیدا نشد از طرف صاحبش صدقه دهد به نحوی که در مسئله قبل گفته شد و بهتر است که آن را به حاکم شرع تحویل دهد.

آیه الله مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش نمی‌دهد صدقه بدهد.

۳. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** و همچنین می‌تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

شود، اگر مصدود یا محصور است باید به وظیفه آنها که در آخر مناسک ذکر شده عمل نماید و اگر مصدود یا محصور نیست، در بعض موارد با انجام عمره مفرده می‌تواند محلّ شود.

[۱۳۳۴] م - در مسجدالنبی ﷺ سجده کردن روی فرش‌های مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند^۱ و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند، به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لیکن تأکید می‌شود از عملی که موجب هتک و انگشت‌نما شدن باشد اجتناب نمایند.

۱. آیه الله بهجت: در صورت امکان سجده بر «ما یصح السجود علیه»، اکتفا به غیر آن خلاف احتیاط است.

آیه الله تبریزی: در صورت تمکن لازم است...

آیه الله خامنه‌ای: جایی که انسان باید تقیه کند می‌تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود، ولی اگر در همان محل بتواند طوری که به زحمت نیفتد بر حصیر یا سنگ و امثال آن سجده کند، بنا بر احتیاط واجب باید بر این اشیاء سجده نماید.

آیه الله خویی: اگر در آن مکان، تمکن از سجود بر آنچه سجود بر آن جایز است ندارد، سجده صحیح است.

آیه الله زنجانی: سجده کردن بر روی فرش‌های مسجد، مجزی نیست و اگر ضرورتی اقتضا کرد بر روی فرش‌های مسجد نماز می‌خواند؛ ولی نباید به آن اکتفا کند.

آیه الله سبحانی: در صورت امکان و انگشت‌نما نشدن جایی را انتخاب کند که بتواند بر سنگ سجده کند.

آیه الله سیستانی: نماز مستحبی را می‌تواند رجائاً در روضه مقدسه بخواند و در هر صورت اگر تقیه اقتضا کند و در همان جا ما یصح السجود علیه نباشد، سجده صحیح است و لازم نیست از آنجا منتقل شود به جای دیگر.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر فردی می‌خواند و ضرورتی نباشد نباید به فرش سجده کند و اگر به جماعت می‌خواند سجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد و حکم لزوم اعاده و عدم آن در مسئله ۱۳۱۳ گذشت.

آیه الله فاضل: اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشت‌نما شدن نشود باید در محلی که بتواند پیشانی او در محل سجده بر سنگ‌های مسجد قرار گیرد سجده نماید.

آیه الله مکارم: ولی اگر به سهولت به جایی که برای سجده مناسب است، دسترسی دارد، آن را مقدم دارد.

استفتائات مسائل متفرقه

[۱۳۳۵] س - در مسجدالنبی ﷺ بعد از اتمام نماز جماعت، آیا می‌توان روی فرش‌های مسجد سجده نمود و یا اینکه باید برود در جایی که سنگ‌فرش است و بر سنگ نماز بخواند؟

ج - لازم نیست به جای دیگر که سنگ مفروش است برود.^۱

[۱۳۳۶] س - کسی که نماز را در مسجدالحرام به نحو استداره خوانده است؛ به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟

ج - با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد.^۲

۱. به ذیل مسئله ۱۳۳۴ مراجعه شود.

۲. **آیه الله بهجت:** با انحفاظ نسبت در صف مأمومین با امام با انحفاظ نسبت امام به کعبه اگر محفوظ باشد تا تمام دور حتی اطراف حجر اسماعیل عليه السلام و عدم حائل بین هر مأموم و آنکه به او متصل است، دور نیست تصحیح نماز جماعت به طور استداره در اطراف کعبه یا مسجد و در امام غیر مرضی مراعات وظیفه منفرد لازم است. **آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی:** در هر صورت باید قرائت را خود - ولو به نحو حدیث نفس - بخواند. **آیه الله خامنه‌ای:** نماز کسی که پشت سر امام یا در یکی از دو طرف او بایستد، صحیح است، و بنا بر احتیاط مستحب، کسی که در یکی از دو طرف امام ایستاده باید فاصله میان امام جماعت و کعبه را رعایت کند و از امام به کعبه نزدیک‌تر نباشد، اما نماز کسی که در طرف دیگر کعبه مقابل امام بایستد، صحیح نیست. **آیه الله خویی:** جایز نیست، ولی به هر حال چون اقتدا صوری است باید قرائت را ولو آهسته و یا اگر نمی‌شود به نحو حدیث نفس بخواند و این نماز مجزی است.

آیه الله زنجانی: نماز در مسجدالحرام به نحو استداره مانعی ندارد؛ ولی در حال حاضر که نماز جماعت آنها شرایط لازم را ندارد باید نماز را اعاده کرد، هر چند بسیار مناسب است که شیعیان در نماز جماعت عامه، حاضر گردند. **آیه الله سبحانی:** باید در صورت اقتدا در تمام دورها از امام عقب‌تر باشد یعنی فاصله او با کعبه بیش از فاصله امام جماعت باشد ولی نماز کسانی که روبه‌روی امام قرار دارند صحیح نیست و در هر حال باید نماز را اعاده کنند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نماز به نحو استداره مانعی ندارد ولی بنا بر احتیاط باید به حسب دایره مقدم بر امام نباشد و همچنین بنا بر احتیاط با مراعات قید قبلی نزدیک‌تر از امام به کعبه هم نباشد. (به ذیل

مسئله ۱۳۱۳ مراجعه شود) ←

[۱۳۳۷] س - در صورتی که شخص نمازگزار وارد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نمازگزاران در مسجد هستند، آیا می‌تواند نماز را فردی بر طبق شرایط موجود به جای آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟

ج - می‌تواند در همان جا و بر طبق نماز آنان به جا آورد.^۱

[۱۳۳۸] س - حصیرهایی که در حجاز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می‌شود، سجده بر آن جایز است یا خیر، با ملاحظه اینکه حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج - اگر عرفاً روی حصیر سجده می‌شود مانع ندارد.^۲

[۱۳۳۹] س - اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزاران صفِ جلو و عدم رعایت اتصال و... آیا نماز در این‌گونه موارد باید اعاده شود؟

ج - اعاده دارد.

[۱۳۴۰] س - آیا حائض و جنب می‌توانند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ عبور کنند یا خیر؟

ج - نمی‌توانند.^۳

[۱۳۴۱] س - کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد

→ **آیه الله فاضل:** اگر به جهت تقیه خوانده باشد اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه استداره جایز نیست.

آیه الله مکارم، آیه الله نوری: باید به حسب دایره، مقدم بر امام و نزدیک‌تر از امام به کعبه نباشد.

۱. به ذیل مسئله ۱۳۳۴ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: می‌تواند رجائاً بخواند، ولی نباید به آن اکتفا کند.

۲. **آیه الله بهجت:** اگر مجموع آنچه سجده بر آن صحیح است به اندازه کفاف برسد اشکال ندارد.

آیات عظام زنجانی، سیستانی، مکارم: سجده بر این حصیرها مانعی ندارد.

۳. **آیه الله بهجت:** احکام مطلق مساجد را دارند ولی احکام خاصه را ندارند.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط باید عبور ترک شود.

آیه الله سبحانی: ولی مسعی حکم مسجد را ندارد.

می‌شوند و نمازهای خود را با جماعت می‌خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشا را بخوانند یا نه؟

ج - مانع ندارد و اگر وقت نشده باید صبر کنند.^۱

[۱۳۴۲] س - کسی خیال می‌کرد که بر سنگ‌های فرش شده در مسجدالحرام - زاده الله شرفاً - سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می‌کرده است، آیا نمازهایی که به این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج - صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد.^۲

[۱۳۴۳] س - در لیالی مقمره در مکه، کسانی که نماز صبح را به جماعت با سایر مسلمین می‌خوانند، آیا باید بعد از روشن شدن هم دوباره بخوانند، یا همان نماز که به جماعت خوانده‌اند کافی است؟

ج - در فرض مرقوم، جماعت صحیح است و اعاده ندارد.^۳

۱. آیه الله بهجت: اشکالی ندارد با رعایت وظیفه منفرد، چه آنکه استتار قرص کافی است.

آیه الله خویی: بنا بر احتیاط واجب استتار قرص کفایت نمی‌کند.

آیه الله زنجانی: و باید قبل از نماز عشاء نماز مغرب را اعاده کنند.

آیه الله سبحانی: در تقیه خوفی وقت مانند بقیه شرایط و اجزاء است، ولی در تقیه مداراتی به ذیل مسئله ۱۳۱۳ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از دخول وقت، نماز با آنها بخواند مجزی نیست.

آیه الله مکارم: وقت وارد شده است.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله سبحانی: نمازهایش را قضا کند و نماز طواف را خود یا نایش اعاده نماید.

آیه الله تبریزی: نمازهایی که به این صورت خوانده، باطل است و باید اعاده کند و اگر نماز طواف را هم به این صورت خوانده، حکم نسیان نماز طواف بر آن جاری است، چنانچه متمکن است باید پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اگر متمکن نیست می‌تواند در جای خود اعاده کند.

آیات عظام خویی، زنجانی، صافی، گلپایگانی: جاهل قاصر مُستثنی نشده است.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سبحانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری:

فرقی میان شب‌های مهتابی و غیر مهتابی نیست.

آیه الله خامنه‌ای: فرقی میان شب‌های مهتابی و غیر مهتابی نیست، هرچند احتیاط در این زمینه

خوب است. ←

[۱۳۴۴] س - کسی که قصد کرده است تا پایان روز ترویبه (هشتم ذی حجه) در مکه اقامت نماید، به تصور اینکه از آغاز ورودش به مکه تا روز ترویبه ده روز است و بر این اساس، چند روز نماز را تمام خواند، بعد خلاف آن ثابت گردید و معلوم شد ده روز نبوده است، وظیفه او در نماز چیست؟ آیا تمام است یا قصر؟

ج - اگر واقع ده روز را قصد کرده و بعد خلاف آن معلوم شده است، مثل اینکه یقین داشت که ماه سی روز است و روز ترویبه مثلاً سه شنبه است، بعداً معلوم شد ماه ۲۹ روز است و روز ترویبه دوشنبه است، باید نماز را تمام بخواند، و اگر واقع آن را قصد ندارد و فقط خیال می کند که ده روز می ماند، مثل اینکه می داند ماه ۲۹ روز و ترویبه دوشنبه است ولی در حساب اشتباه کرده و خیال می کند تا آن روز ده روز است در حالی که واقعاً نیست، باید بعد از کشف خلاف نمازها را جمع بخواند علی الأحوط^۱

→ **آیه الله زنجانی:** تأخیر نماز صبح در شبهای مهتابی، لازم است؛ لذا در فرض سؤال باید بعد از روشن شدن هوا نماز صبح را اعاده کند.

۱. **آیه الله بهجت:** قصر است و باید نمازش را احتیاطاً قضا کند.

آیه الله تبریزی: اگر اشتباه منشأ شده که قصد ده روز نماید، نمازش تمام است؛ اما اگر قصد کرده تا روز معینی مثلاً جمعه می ماند و فکر می کرده که از امروز تا آن روز ده روز است، نمازش شکسته است، ولی نمازهایی که قبلاً خوانده، قضا ندارد و در هر دو صورت در مکه قدیم مخیر است بین قصر و تمام.

آیه الله خویی: در هر صورت آنچه نماز تمام خوانده و وقت آن گذشته قضا ندارد و در مکه قدیمه شخص مخیر بین قصر و تمام است.

آیه الله خامنه‌ای: در مکه و مدینه در کمتر از ده روز هم می تواند نماز را تمام بخواند چون بین قصر و اتمام مخیر است.

آیه الله زنجانی: نمازش قصر است.

آیه الله سبحانی: نماز او قصر است و آنچه را به صورت تمام خوانده، باید به صورت قصر قضا کند.

آیات عظام سیستانی، مکارم، نوری: به هر حال نماز تمام در همه شهر مکه صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: مسافر مخیر است نماز خود را در تمام شهر مکه مکرمه و مدینه منوره به صورت تمام یا شکسته بخواند، بنابراین احتیاط آن است که پس از کشف خلاف نمازهای خود را تمام بخواند. ←

و آنچه تمام خواننده را نیز قصرأ قضا نماید.

[۱۳۴۵] س - شخصی مقلد هیچ‌یک از فقها نبوده؛ مثلاً ده سال، حالا می‌خواهد تقلید کند، در این ده سال مکه هم رفته است، آیا عبادت‌های او مثل نماز و روزه و حشش صحیح است یا نه؟

ج - اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند باشد صحیح است.^۱

[۱۳۴۶] س - قرآن‌هایی که در مسجدالحرام است بر بعضی نوشته شده که «وقف است» ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است، شایع است آنها که کلمه وقف و یا عبارت دیگری که مفهوم وقف بودن باشد ندارد جایز است بردارند و چنین کاری احیاناً شده است، بفرمایید جایز است یا نه؟

ج - برداشتن آنها بدون اینکه از متصدی ذی‌ربط بگیرند، جایز نیست و باید برگردانده شود.^۲

[۱۳۴۷] س - آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مشعر را می‌شود با خود آورد یا نه؟

→ **آیه الله فاضل:** در فرض اول که واقع ده روز را قصد کرده است نمازهایی را که تمام خواننده صحیح است و تا وقتی که انشای سفر جدید نکرده است نمازها را حتی در عرفات و منا باید تمام بخواند، اما در فرض دوم که در واقع قصد ده روز نداشته و اشتباه کرده است نمازهایی را که در مکه تمام خواننده صحیح است و مادامی که در مکه است مخیر بین قصر و اتمام است اما در عرفات و منا باید شکسته بخواند.

۱. **آیات عظام، زنجانی، صافی، گلپایگانی:** اگر اعمالش مطابق واقع باشد و عبادات را به قصد قربت به جا آورده باشد صحیح است و راه به دست آوردن مطابق شدن آن با واقع این است که یا علم پیدا کند که مطابق با واقع بوده یا آنکه مطابق فتوای مجتهدی که فعلاً وظیفه‌اش تقلید از او است واقع شده است.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: اگر مطابق فتوای کسی که الآن از او تقلید می‌کند باشد صحیح است. **آیه الله سیستانی:** اگر مطابق فتوای کسی که الآن باید از او تقلید کند باشد صحیح است، در غیر این صورت نیز گاهی صحیح است، مانند اینکه جاهل قاصر باشد و اخلال به چیزی شده باشد که با جهل قصوری ضرر ندارد.

۲. نظر **آیات عظام** در ذیل سؤال ۱۴۵۰ خواهد آمد.

ج - از صفا و مروه جایز نیست و از مشعر مانع ندارد.^۱

[۱۳۴۸] س - نیت تیمم از حدث اکبر در مَسْجِدَین چیست؟

ج - اگر در مسجد جنب شده، باید فوراً خارج شود و برای خروج از مسجد تیمم بدل از غسل جنابت کند و با این التفات اگر تیمم کند صحیح و با نیت است.^۲

۱. **آیه الله بهجت:** برداشتن خاک و سنگ از مسجدالحرام و صفا و مروه جایز نیست و اگر آورده باید بر گرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست.

آیه الله تبریزی: برداشتن خاک و ریگ و سنگ از آنچه نام برده شده مانعی ندارد بلی اگر در مسجدالحرام و مسجد خیف و یا سایر مساجد فرض شود، جایز نیست و برگرداندن آن لازم است.

آیه الله خوئی: نسبت به صفا و مروه متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: برداشتن سنگی که متعلق به صفا و مروه یا مساجد یا ملک اشخاص است - بدون رضایت مالک آن - جایز نیست و از غیر آن اشکال ندارد و برگرداندن آن واجب نیست، مگر آنکه پس از برگرداندن، در این اماکن مورد استفاده قرار گیرد یا مالک آن راضی نباشد.

آیه الله سبحانی: اگر کسی از منطقه حرم (مکه، مخصوصاً صفا و مروه) مشعر و منا سنگ یا خاکی برداشته و به وطن خود برده است باید آن را به حرم برگرداند.

آیه الله سیستانی: اشکال ندارد و برگرداندن واجب نیست.

آیه الله صافی: بنا بر احتیاط از آوردن خاک و ریگ حرم خودداری شود و اگر آورده، در صورت تمکن به حرم برگرداند.

آیه الله فاضل: از صفا و مروه جایز نیست. و از غیر آن دو مانعی ندارد. و در هر صورت برگرداندن لازم نیست. ولی به طور کلی لازم است مؤمنین از این قبیل اعمال پرهیز کنند.

آیه الله گلپایگانی: بیرون بردن خاک و سنگ از حرم ممنوع است علی الأحوط.

آیه الله مکارم: این کار شرعاً اشکال دارد و احتیاط آن است که آن را برگرداند.

آیه الله نوری: از عرفات و مشعرالحرام اشکال ندارد ولی از صفا و مروه اشکال دارد و باید برگرداند.

۲. **آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی:** مگر اینکه زمان خروج کوتاه‌تر باشد از زمان تیمم که باید بدون آن خارج شود یا مساوی باشد که مخیر است.

آیه الله تبریزی: نیت در تیمم بدل از غسل جنابت، به جهت خروج از مسجد است.

آیه الله خوئی، آیه الله فاضل: مگر اینکه زمان خروج کوتاه‌تر از زمان لازم برای تیمم و یا مساوی باشد که در این صورت واجب نیست.

آیه الله زنجانی: تیمم با سنگ‌های مسجدالحرام که از آن چیزی به دست نمی‌چسبد صحیح نیست.

آیه الله سبحانی: و حائض نیت تیمم بدل از غسل حیض کند و خارج شود مگر اینکه اگر تیمم نکند، زودتر خارج می‌شود.

آیه الله مکارم: مگر اینکه زمان خروج کوتاه‌تر از زمان تیمم باشد.

[۱۳۴۹] س - در تطهیر مسجد الحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف می‌کنند و بعد با ظرف آب می‌ریزند و می‌شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می‌شود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می‌کند، آیا جواز سجده بر آن سنگ‌ها از باب عسر و حرج است یا جهت دیگر؟

ج - علم پیدا نمی‌شود و با فرض شک نباید اعتنا شود.

[۱۳۵۰] س - شخصی بدون اینکه خمس مال خود را بپردازد به حج رفته است و الآن می‌خواهد بپردازد، آیا حج او صحیح است یا خیر؟

ج - اگر لباس احرام و قربانی با پول غیر مخمس نبوده، عمل او اشکال ندارد و در غیر این صورت تفصیلاتی دارد که به رساله مراجعه شود.^۱

[۱۳۵۱] س - اینجانب که تحت تکفل پدرم هستم اگر خدا بخواهد سال آینده به اتفاق مادرم به زیارت خانه خدا مشرف خواهم شد، لازم به یادآوری است که هزینه این سفر را از پول‌هایی که پدرم طی هفت یا هشت سال به عنوان هفتگی و یا پولی که برای پس‌انداز به ما داده پرداخته‌ایم، قابل ذکر است که پدرم تا این تاریخ هیچ‌گونه وجهی به عنوان خمس نپرداخته است، خواهشمندم مرقوم بفرمایید که حج ما با این پول چه صورتی پیدا می‌کند؟

ج - اگر یقین به وجود خمس در پول مزبور ندارید حج اشکال ندارد و اگر یقین به وجود خمس در مال دارید لازم است احرام و قربانی را از مال حلال یقینی تهیه نمایید.^۲

۱. نظر آیات عظام در ذیل سؤال ۶۶۷ گذشت.

۲. به ذیل سؤال ۶۶۷ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: با توجه به لزوم خمس در هبه، علی الأحوط و همچنین اینکه در طول هفت یا هشت سال این پول جمع شده، باید خمس به آن تعلق گرفته باشد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: چنانچه پول‌های جمع شده تا سال تشریف به حج را تخمیس نمایید به وظیفه عمل شده و حج اشکالی ندارد. ←

[۱۳۵۲] س - فرموده‌اید اگر از طرف قاضی مکه حکم شد که فلان روز عید است و ما یقین به خلاف نداشته باشیم متابعت آنان جایز است، آیا اگر در همین فرض بتوان احتیاط کرد و وقوف عرفات و مشعر و اعمال منا را بدون محذور انجام داد تا متابعت قطعی واقع شود، آیا این کار لازم است یا نه؟

ج - باید تبعیت کنند ولو با علم به خلاف.^۱

→ آیه آیه الله خامنه‌ای: حج شما صحیح است.

آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: و سایر هزینه‌های حج.

آیه الله سبحانی: اگر کسی ماه خمسی ندارد، چنانچه به حج یا عمره مشرف شود، باید اموال خود را تخمیس کند و لااقل خمس تمام هزینه‌های حج یا عمره را بپردازد و یا از احکام شرع اجازه بگیرد، لیکن اگر خمس مبالغ مذکور را به ذمه بگیرد و سپس مبالغ یاد شده را خرج کند و توان پرداخت خمس را داشته باشد، از حجة الاسلام کفایت می‌کند و طواف و قربانی او هم صحیح است.

۱. آیه الله بهجت: آنکه علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضی روز عرفه (نهم) است، واقعاً روز ترویه و هشتم باشد، که در این صورت وقوف با آنها کافی نخواهد بود. بلی با عدم علم به خلاف و عدم قیام حجت شرعی بر خلاف و با صدق تقیه بر نحو معهود متعارف، اقوی کفایت موافقت با عامه است چنان‌که سیره قطعیه غیر مردوعه بر آن دلالت دارد و عدم مانعیت علم به خلاف از صحت عمل با ناچاری و تقیه، خالی از وجه نیست و عمل به واقع در جمیع صور، ظاهراً مجزی است و با عدم شرایط تقیه صحت عمل مورد تأمل است با موافقت عامه، ولو علم به خلاف عمل ایشان بر حسب حکم حاکم ایشان نباشد.

آیه الله تبریزی: نظر ایشان عیناً نظر آیه الله خویی است اما با این اضافه:

و ممکن است در صورت دوم چاره کند به اینکه در روز عید آنها (روز نهم واقعاً) از طریق منا به مکه برگردد و بعد از راه عرفات و مشعر به منا برود، به نحوی که قبل از غروب وقوف در عرفات بنماید ولو آن‌ما (ولو یک لحظه) و در حال حرکت، و به همین نحو وقوف در مشعر را در شب درک کند و بعد برای اعمال به منا برود.

آیه الله خویی: آنکه علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضی روز عرفه (نهم) است، واقعاً روز ترویه و هشتم باشد، که در این صورت وقوف با آنها کافی نخواهد بود. و در این حال اگر مکلف تمکن از عمل به وظیفه را داشته باشد ولو به وقوف اضطراری در مزدلفه بدون محذور حتی محذور مخالفت تقیه، باید عمل به وظیفه نماید، و در غیر این صورت حجتش بدل به عمره مفرده شده و حجی نخواهد داشت. و چنانچه استطاعتش از همین سال بوده و برای سال‌های بعد باقی نخواهد ماند، وجوب حج از او ساقط خواهد بود، مگر اینکه استطاعت تازه‌ای پیدا کند که در این صورت دوباره حج می‌نماید.

آیه الله زنجانی: مجزی است ولو با علم به خلاف. ←

۱۳۵۳] س - آیا شخص فقیر می‌تواند گوشت کفاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی که نانخور او هستند برساند؟

ج - برای کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمی‌شود صرف نمود.

۱۳۵۴] س - کفاراتی که در احرام عمره تمتع بر گردن انسان می‌آید، در مکه معلوم است که فقیر مؤمن نیست، آیا باید صبر کند تا در محل، ذبح کند و به فقیر بدهد و این تأخیر عمدی مانع ندارد؟

ج - تأخیر عمدی خلاف احتیاط است و در هر صورت ذبح در محل و دادن به فقرا کفایت می‌کند.^۱

→ **آیه الله سبحانی:** اگر علم قطعی به خلاف نباشد حج صحیح است و به خاطر اختلاف افق علم قطعی به خلاف شکل است اگر علم قطعی به خلاف حاصل شود مثلاً روز نهم حکم مفتی عربستان روز هشتم واقعی باشد و نتواند احتیاط کند (مقداری ولو کم از بعدازظهر روز دهم آنها در عرفات حضور داشته باشد و شب یازدهم پس از طلوع فجر در مشعر باشد) احرام حج او به عمره مفرده تبدیل می‌شود و اگر او در همان سال مستطیع شده و استطاعت او برای سال‌های بعد باقی نماند حج از او ساقط می‌شود مگر اینکه مجدداً مستطیع شود.

آیه الله سیستانی: اگر برای مکلف ممکن شود که اعمال حج را در اوقات مخصوص خود، برطبق ضوابط شرعی، در باب ثبوت هلال به جا آورد و آنها را به همین صورت به جا آورد، حشش در هر صورت صحیح است و اگر آنها را به صورت یاد شده به جا نیاورد، اگرچه به علت عذری باشد پس اگر از نظر و حکم قاضی عامه نیز در وقوف در عرفات و مشعر پیروی نکرد، شکی در بطلان حج او نیست ولی اگر از او پیروی کند صحت حج او مورد اشکال است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: هرگاه نزد قاضی عامه، اول ماه ذی‌حجه ثابت شود و برای شیعه شرعاً ثابت نشده باشد و به این جهت روز نهم ذی‌حجه در نزد آنها روز هشتم به نظر شیعه باشد، احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است وقوف اختیاری عرفات را در روزی که نزد شیعه نهم است انجام دهد و اگر ممکن نشد اضطراری آن را درک کند، و به مشعر رفته و وقوف در آنجا را نیز درک نماید و اعمال روز عید را در منا به عمل آورد، و اگر درک اضطراری عرفات هم ممکن نشد درک اختیاری مشعر کافی است و حشش صحیح است و بنا بر اقوی چنانچه گفته خواهد شد، درک اضطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز کفایت می‌کند و اگر از جهت تقیه ناچار به متابعت باشند و از عمل به وظیفه خود خائف باشند اقوی صحت و کفایت همین حج است از حجة الاسلام، هرچند عالم به خلاف باشند و اگر بدون خوف متمکن از عمل به وظیفه باشند احوط آن است که با آنها رجا متابعت کند و بعد واجب است عمل به وظیفه خود نمایند حتی با عدم علم به خلاف.

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسئله ۱۳۱۷ گذشت.

[۱۳۵۵] س - اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمی‌داند متعلق

به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه او چیست؟

ج - با یأس از پیدا شدن صاحبش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی‌الأحوط.^۱

[۱۳۵۶] س - زنی به همراه شوهرش در روز یازدهم جهت رمی به طرف جمرات

حرکت می‌کند که بر اثر شدت گرمی هوا و کثرت جمعیت، شوهر خود را گم می‌کند، حالت اضطراب و شوکه شدن به او دست می‌دهد و به زمین می‌افتد، مأمورین او را به بیمارستان منتقل می‌کنند، بعد از چهار روز تفحص و جستجوی زیاد در بیمارستان پیدا می‌شود که قادر به سخن گفتن نبوده و حتی قادر به انجام بقیه اعمال حج نمی‌باشد و در فاصله این مدت همراهان او شوهرش را تکلیف می‌کنند که به نیابت از خانواده خودش بقیه اعمال او را انجام دهد، آنچه مسلم است این بوده که شوهر در حال ناراحتی و اضطراب و حواس‌پرتی بوده، ولی از او که سؤال می‌شود اعمال نیابتی را انجام دادید یا نه جواب می‌دهد بلی انجام دادم، پس از مراجعت از حج شوهرش قسم جلاله یاد می‌کند که من حالم به جا نبوده، و اعمال نیابتی را انجام ندادم و اظهار می‌کند که اجتماع ما با هم حرام است، آیا حج صحیح است یا نه؟ و در صورت عدم صحت آیا با نیابت کفایت می‌کند یا اینکه لازم است خودش بقیه اعمال حج را انجام دهد و قربانی که به واسطه عدم بیتوته در منا می‌باشد، آیا در محل خودش ذبح کند کافی است و یا باید به منا فرستاده شود؟

ج - اگر اعمال روز عید را انجام داده و اعمال مکه را انجام نداده در صورتی که

می‌تواند خودش به مکه برود باید خودش آنها را انجام دهد،^۲ و اگر معذور است نایب بگیرد^۳ و قربانی مورد سؤال در محل خودش هم صحیح است^۴ و لازم نیست به منا

۱. به ذیل مسئله ۱۳۳۰ الی ۱۳۳۲ مراجعه شود.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی:** در صورتی که فقط مبیّت در منا و رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم ترک شده، حج او صحیح است و برای رمی جمرات در سال آینده نایب می‌گیرد.

۳. **آیه الله خامنه‌ای:** البته وقت طواف حج و نماز آن ماه ذی‌حجه است، ولی طواف نساء و نماز آن وقت معینی ندارد.

۴. **آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم:** در فرض مسئله که صورت اضطرار است کفاره لازم نیست.

فرستاده شود، و رمی ایامی که انجام نشده، سال بعد باید قضا شود و اگر خودش نمی‌تواند برود، نیابت کافی است.

[۱۳۵۷] س - شخصی در سال ۱۳۶۱ به حج مشرف می‌شود و در مغرب روز نهم ذی‌حجه با وانت کارگری بدون توقف در مشعرالحرام به منا رفته و در خارج منا به دست غیر مؤمن قربانی کرده، و در خارج منا سر تراشیده است، تکلیف این شخص چیست، آیا می‌تواند به نیت دیگری یا برای خودش به حج مشرف شود؟

ج - بنا بر احتیاط واجب باید قربانی و سر تراشی و اعمال مکه را اعاده کند و عمره مفرده‌ای هم به جا آورد و دو مرتبه اصل حج را هم انجام دهد و تا سر تراشی و اعمال بعد از آن انجام نگرفته و عمره مفرده را انجام نداده، باقی بر احرام است.^۱

۱. **آیه الله بهجت:** حجش صحیح است و حلق کند و موی خود به منا فرستد.

آیه الله تبریزی: در فرض مزبور که از مشعر عبور کرد ولی توقف نکرد، چنانچه از روی ندانستن مسئله، وقوف به مشعر را ترک کرد، حجش صحیح است و باید آن اعمال و اعمال بعد از آن را اعاده کند و بعد از اعاده آنها می‌تواند به نیت دیگری یا برای خودش حج به جا آورد.

آیه الله خویی: اگر ترک وقوف مشعر از روی جهل به حکم بوده حجش صحیح است ولی باید یک گوسفند کفاره بدهد و ذبح و حلق اگر در روز بوده مجزی است.

آیه الله زنجانی: اگر هنگام عبور از مشعرالحرام، قصد وقوف کرده یا به جهت ندانستن حکم، قصد وقوف نکرده ولی در مشعر ذکر خدا گفته باشد حج او صحیح است و از احرام خارج شده است ولی باید قربانی کند، و اگر قصد وقوف نکرده و ذکر خدا هم نگفته حجش باطل است و باید اعمال عمره مفرده به جا آورد تا از احرام بیرون آید.

آیه الله سبحانی: این شخص چنانچه وقوف اختیاری عرفه را درک کرده باشد نه اضطراری عرفه را و هنگام مرور از مشعر به منا ذکر خدا را گفته است حجش صحیح است در غیر این صورت حج او باطل است و حج خود را تبدیل به عمره کند و در صورت استقرار حج یا بقای آن حج را در سال بعد اعاده می‌کند ولیکن در مورد صحت حج و انجام قربانی و حلق به شرحی که در متن است؛ الان به خاطر محذوراتی که هست ذبح در خارج منا کفایت می‌کند و چنانچه خود نیت قربانی و حلق را داشته مباشرت حلق و ذابح غیر مومن اشکال ندارد و موهای خود را به منا بفرستد.

آیه الله سیستانی: اگر هنگام مرور از مزدلفه قصد وقوف کرده باشد حجش صحیح است و اگر قصد نکرده باشد از روی جهل به مسئله ولی ذکر خدا در حال مرور گفته باشد باز هم حجش صحیح است و قربانی او در خارج از منا از روی غفلت و جهل قصوری صحیح است و حلق او نیز صحیح است ←

[۱۳۵۸] س - آیا در عرفات و منا و مشعر و بعد از مراجعت از اماکن مزبور در صورتی که مسافت شرعی محقق نشود وظیفه حججی که قبلاً در مکه معظمه قصد اقامت کرده‌اند از حیث قصر و اتمام چیست؟

ج - در فرض مذکور تمام است.^۱

[۱۳۵۹] س - بعضی از حجج در مکه قصد اقامه کرده‌اند، چه بطن مکه یا محلات آن مثل شیشه و ریع الذاهر یا مسفله یا حجون، اگر یقین داشته باشند که تا عرفات چهار فرسخ است، نماز را قصر و اگر شک داشته باشند در مسافت شرعی نماز را تمام می‌خوانند، بفرمایید در مراجعت از عرفات و منا، تکلیف آنان از نظر قصر و اتمام چیست؟ با توجه به اینکه توقف آنان در مکه یک روز یا سه روز یا نه روز است و باید به ایران یا مدینه حرکت کنند؟

→ ولی اگر در مشعر نه قصد کرده است و نه ذکر خدا گفته است حجش باطل است و باید اعمال عمره مفرده به جا آورد و طواف و سعی حج او به جای طواف و سعی عمره کافی است و باید تقصیر کند و برای طواف نساء نایب بگیرد.

آیه الله گلپایگانی: اگر ترک وقوف مشعر عمدی نبوده و از طرفی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده است و همچنین تمکن از قربانی در منا نداشته و در وادی محسر قربانی کرده و از طرف دیگر از جهت جهل به مسئله و غفلت در غیر منا حلق کرده، اجزاء بعید نیست. و در غیر صورت فوق، باید به آنچه در متن آمده عمل نماید.

آیه الله مکارم: چنانچه ترک وقوف مشعر عمدی نبوده و کارهای فوق جهلاً صورت گرفته، حج او صحیح و اعاده قربانی هم لازم نیست.

۱. **آیه الله سیستانی:** اگر مجموع مسافت از مکه به عرفات و از آنجا به مشعر و منا تا مکه ۴۴ کیلومتر یا بیشتر باشد نماز شکسته است و اگر کمتر باشد نماز تمام است و در این صورت اگر از عرفات قصد بازگشت به وطن را داشته باشد و آمدنش به مکه نه از این جهت باشد که محل اقامت او است بلکه از این جهت که در راه واقع است نمازش در مشعر و منا شکسته است و در مکه مخیر است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در فرض مذکور اگر قصد برگشت به وطن ندارد تا در محل اقامه است باید نمازش را تمام بخواند و اگر قصد مراجعت به وطن قبل از ده روز داشته باشد [در عرفات نماز تمام است] و در برگشت از محلی که رفته و در محل اقامه [در مشعر و منا و در مکه پس از مراجعت از عرفات] باید نماز را شکسته بخواند البته در مکه مخیر بین قصر و اتمام است.

ج - در صورت عدم مسافت شرعیه یا شک در آنکه در نماز باقی بر تمام هستند، اگر از عرفات که به مکه برمی گردند، از جهت اینکه محل اقامه است می روند و بعد از مکه قصد مسافرت می کنند، در بازگشت به مکه و در خود مکه هم نمازشان تمام است.

[۱۳۶۰] س - اگر موقف دو روز اختلاف داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج - فرقی بین یک روز اختلاف و دو روز در حکم مسئله نیست.^۱

[۱۳۶۱] س - در مواردی که فرموده اید: اگر مشقت یا حرج داشته باشد... بفرمایید

منظور از مشقت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج - باید خصوص مسئله ملاحظه شود و اگر حکم دایر مدار حرج و مشقت باشد،

شخصی آن منظور است.

[۱۳۶۲] س - حاجی تمام اعمال عمره و حج را انجام داد و بعد فهمید وضویش

باطل بوده است، آیا با تدارک طوافها و نماز، حج او صحیح است یا نه؟ و بر فرض

فساد چگونه از احرام خارج شود، وظیفه او چیست؟

ج - بلی با تدارک طوافها و نماز، حج او صحیح است.^۲

۱. به ذیل سؤال ۱۳۵۲ مراجعه شود.

۲. **آیه الله بهجت:** غیر از تدارک در صورت امکان، بنا بر احتیاط عمره مفرده هم انجام دهد.

آیه الله تبریزی: در فرض مزبور حج تمتع او باطل است و بنا بر احتیاط طواف و سعی را به قصد عمره مفرده به جا آورده و تقصیر یا حلق نموده طواف نساء را انجام داده از احرام خارج می شود و سال آینده حج تمتع را به جا آورد.

آیه الله خویی: اگر زمان تدارک گذشته مانند اینکه وضوی طواف عمره باطل بوده حجتش باطل است، احرام او هم باطل است و اگر زمان تدارک باقی باشد مانند اینکه طواف حج باطل بوده و هنوز ماه ذی حجه تمام نشده طواف و اعمال مترتبه را اعاده می کند و اگر متمکن از مباشرت نیست برای آن اعمال نایب می گیرد و نباید اعاده غیر از طواف نساء از ماه ذی حجه بگذرد.

آیه الله زنجانی: اگر بعد از مراجعت به وطن متوجه شده اعاده طواف و نماز آن کافی است و در غیر این

صورت مطابق ذیل مسئله ۶۷۹ و ۷۱۰ عمل نماید. ←

[۱۳۶۳] س - اگر شخصی مبلغی آرزو به فردی بدهد که عوض آن را - به قیمت دولتی یا آزاد - پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟

ج - در تبدیل پول باید با هم تراضی نمایند و خلاف مقررات هم نباشد.

[۱۳۶۴] م - پیشاهنگانی که می‌خواهند بدون احرام در عرفات و منا باشند و نمی‌توانند در آنجا با احرام باشند، می‌توانند برای ورود به مکه، عمره مفرده انجام دهند و برای حج محرم نشوند، ولی کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند و باید عمره و حج تمتع به جا آورد و در هر صورت اگر مُحرم شد و با لباس مخیط بود حج

→ **آیه الله سبحانی:** اگر بعد از اعمال حج فهمید که طواف حج او بی‌وضو و یا اینکه با وضوی باطلی انجام شده است این شخص باید تا آخر ذی‌حجه طواف و نماز و سعی و چنانچه طواف نساء را نیز بی‌وضو انجام داده طواف نساء و نمازش را اعاده کند و چنانچه این شخص از مکه خارج شده باشد و بازگشت حرجی و یا غیر ممکن باشد باید نایب بگیرد و علاوه بر نایب خودش هر کجا که هست نماز طواف را بخواند ولی اگر بازگشت مشکل نیست خود باید برگردد و انجام دهد و در این صورت اعاده حج در سال دیگر لازم نیست ولی چنانچه بعد از ذی‌حجه متوجه بطلان وضوی خود در طواف حج شد وظیفه او عمره مفرده است و چنانچه خود نمی‌تواند باید نایب بگیرد و سال بعد حج واجب خود را به جا آورد و اگر بعد از حج فهمید وضوی طواف عمره تمتع او از روی سهو باطل بوده باید خود یا نایبش، طواف و نماز آن و سعی را اعاده کند و علاوه بر نایب خودش هم نماز را انجام دهد و یک عمره مفرده به عنوان تکلیف فعلی، خود و یا نایبش انجام دهد و به احتیاط مستحب، حج را سال بعد اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر زمان تدارک گذشته مانند اینکه وضوی طواف عمره باطل بوده حجش باطل است، احرام او هم باطل است و اگر زمان تدارک باقی باشد مانند اینکه طواف حج باطل بوده و هنوز ماه ذی‌حجه تمام نشده طواف و اعمال مترتبه را اعاده می‌کند و اگر متمکن از مباشرت نیست برای آن اعمال نایب می‌گیرد و نباید اعاده غیر از طواف نساء از ماه ذی‌حجه بگذرد و در فرض جهل به حکم بنا بر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد و از احرام خارج شده است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در فرض سؤال طواف او باطل است و احرام او باقی است و اگر در ذی‌حجه در مکه متوجه شود بعد از وضو، طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد و عمره مفرده نیز به جا آورد با طواف نساء و مُحَلّ شود و در سال بعد حج واجب را به جا آورد و اگر بعد از ذی‌حجه متوجه بطلان طواف شود، عمره مفرده را به جا آورد و چنانچه در خارج از میقات باشد لازم است، ثانیاً در میقات محرم شود رجائاً و به مکه برود و اعمال عمره مفرده را با طواف نساء به جا آورد تا مُحَلّ شود و در سال بعد حج واجب خود را به جا آورد.

او صحیح است و باید کفاره بدهد.^۱

[۱۳۶۵] س - شخصی بعد از احرام عمره تمتع دیوانه شده است، دوستان او بدون اجازه برای او نایب می‌گیرند و یا تبرعاً باقی اعمال او را انجام می‌دهند، آیا این اعمال برای شخص اول مُجزی است و از احرام خارج می‌شود یا نه؟ و اگر پولی خرج شد، آیا می‌شود از ولی کسی که دیوانه شده گرفت یا نه؟

ج - نیابت مزبور کفایت نمی‌کند و شخص اول همچنان در احرام باقی است^۲ و پولی که خرج شده از مال کسی است که خرج کرده است و نمی‌تواند به دیگری رجوع کند، مگر آنکه مغرور شده باشد.

[۱۳۶۶] س - آیا عمره و حج به واسطه جماع، یا ترک طواف، یا ترک احد الموقین، فاسد می‌شود یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه باید از احرام خارج شد؟

ج - تفصیل موارد فساد به واسطه امور ذکر شده، در مناسک موجود است و جماع در عمره تمتع مفسد نیست و چنانچه در حج فساد به واسطه جماع باشد، باید عمل حج را تمام کند گرچه حج فاسد است و با اتمام حج از احرام خارج می‌شود، ولی در موارد دیگر، اگر فساد به ترک وقوف باشد، باید به همان احرام حج، عمره مفرده به جا آورد و مُحَلَّ شُود و حکم ترک طواف در عمره تمتع، در مناسک مفصلاً بیان شده است

۱. به ذیل مسئله ۲۵۱ و ۲۸۶ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

۲. آیه الله بهجت: حتی در احرام نایب گرفته می‌شود احتیاطاً.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: بنا بر اظهار، احرام او نیز باطل می‌شود.

آیه الله سبحانی: اگر کسی بعد از احرام دیوانه شد، به نحوی که برای انجام حج فاقد قدرت گشت و او را وارد حرم کردند، احتیاطاً ولی یا متکفل امر او، اعمالش را به صورت عمره مفرده تمام کند و نسبت به حج وظیفه‌ای ندارد و در مدت عمره اگر مستلزم مخارجی شد، ولی او از اموالش بپردازد.

آیه الله سیستانی: اگر احتمال بهبودی و درک وقوفین در او نیست، نیازی به نیابت نیست و حج و احرام او باطل است.

آیه الله فاضل: ظاهراً احرام و حج او باطل است و احتیاط مستحب آن است که در صورت بهبودی عمره مفرده‌ای ولو با استنابه انجام دهد.

و ترک طواف در حج صوری دارد که بعضی آنها در مناسک ذکر شده است.^۱

[۱۳۶۷] س - کسی که حج او به واسطه ترک وقوفین فاسد شده و باقی اعمال را به جا

آورده و بدون عمره مفرده به ایران آمده است، تکلیف فعلی و آینده این مُحرم چیست؟

ج - به احرام باقی است و می‌تواند برای خروج از احرام عمره مفرده انجام دهد.^۲

[۱۳۶۸] س - آیا قصد ابطال عمره یا حج و یا بعضی اجزاء آن، مبطل است یا نه؟

ج - قصد ابطال، مبطل نیست.

[۱۳۶۹] س - آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی، که در بازار مسلمین

به فروش می‌رسد، جایز است یا نه؟

ج - اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد^۳ و اگر

بدانند از بلاد کفر وارد می‌شود، در صورتی محکوم به حلیت است که واردکننده

مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار

داده است.^۴

۱. نظر آیات عظام در مفروض سؤال، در مواضع خاص خود آمده است.

۲. آیه الله تبریزی: آنچه در متن آمده بنا بر احتیاط واجب ترک نشود.

آیه الله سیستانی: طواف و سعی حج به جای عمره او کافی است پس باید تقصیر کند و طواف نساء انجام دهد و اگر رفتن برای او مشکل است نایب بگیرد.

آیه الله مکارم: و اگر شخصاً نمی‌تواند به مکه برود نایب بگیرد.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: باید احراز شود که فلس دارد.

آیه الله فاضل: چنانچه احراز شود از نوع ماهی فلس‌دار است و احراز شود زنده و توسط انسان از آب خارج شده یا در تور ماهی‌گیری افتاده است مصرف آن مانعی ندارد والا حلال نیست و چنانچه فروشنده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیه و فلس داشتن آن را کرده است کفایت می‌کند.

۴. آیه الله سیستانی: اگر فروشنده مسلمان باشد و این احتمال در او داده شود کافی است و ماهی اگر پس از صید در تور ماهی‌گیری بمیرد حلال است و اگر اطمینان پیدا شود که صید کافر به این صورت بوده است اگر ماهی فلس‌دار باشد حلال است.

فصل دهم: مصدود و محصور

[۱۳۷۰] م - مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند^۱ از عمره یا حج به تفصیلی که می‌آید و محصور آن است که به واسطه مرض^۲ ممنوع شود از عمره یا حج.

۱. **آیه الله زنجانی:** کسی که دشمن یا غیر دشمن او را منع کند - به تفصیلی که می‌آید - بلکه ظاهراً تمام کسانی که به علتی به جز بیماری نمی‌توانند اعمال حج یا عمره را به پایان برسانند «مصدود» می‌باشند و اگر مانع آنها بیماری باشد «محصور» می‌باشند (مراد از بیماری، معنای گسترده‌ای است که شامل شکستگی استخوان و مجروح شدن نیز می‌شود) - موارد صد و حصر از حج در مسئله ۱۳۷۸ خواهد آمد - صدّ و حصر از عمره در موارد ذیل تحقق می‌یابد: ۱. در احرام عمره مفرده، ممنوع شده به طوری که نمی‌تواند تا یک سال، عمره را تمام کند؛ ۲. در احرام عمره تمتع از انجام اعمال عمره، ممنوع شده به طوری که نمی‌تواند پس از انجام عمره هیچ مقدار از وقوف اختیاری عرفه را درک کند؛ ۳. در احرام عمره مفرده یا عمره تمتع اگر در مدتی از انجام کامل اعمال، بازداشته شده که در احرام ماندن برای شخص وی یا نوع مردم حرجی است.
۲. **آیه الله سیستانی:** مصدود کسی است که دشمن و مانند او از رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال عمره یا حج پس از احرام منع کند و محصور کسی است که بیماری و مانند آن مانع رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال حج یا عمره پس از احرام شود.
۳. **آیه الله سبحانی:** کسانی که بعد از احرام پا یا کمر آنها بشکند و یا سگته کنند و یا تصادف نمایند و به گونه‌ای زخمی شوند که از انجام اعمال منع گردند و کلاً هر چیزی که در بدن عارضه‌ای ایجاد کند که آن عارضه مانع از ادامه اعمال شود، حکم محصور را دارد.
۴. **آیه الله مکارم:** یا شکستگی اعضا یا مجروح شدن و مانند آن.

۱. [۱۳۷۱] م - کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند^۱ و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.^۲

۲. [۱۳۷۲] م - اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها، او را منع کنند از رفتن مکه و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته باشد^۳ می‌تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند^۴ و از احرام خارج شود و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند^۵ و به

۱. **آیه الله زنجانی:** هر چند عمره و حج او مستحبی باشد.

۲. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** بقای احرام در بعضی از صور محل اشکال است.

آیه الله سیستانی: در بعضی از موارد احرام بدون انجام اعمال باطل می‌شود.

آیه الله فاضل: در بعضی موارد، احرام خود به خود باطل می‌شود.

۳. **آیه الله زنجانی:** مکلف است قربانی کند و این قربانی تنها برای خروج از احرام نمی‌باشد و برای انجام قربانی می‌تواند آن را به محل قربانی (عمره مفرده: مکه و غیر آن؛ منا) بفرستد همچنان که می‌تواند در محلی که منع شده یا محل دیگر قربانی کند و قصد تحلیل لازم نیست و پس از قربانی یا حلق یا تقصیر از موی سر، محرمان احرام - حتی زن - بر او حلال می‌شود - در عمره مصدود شده باشد یا در حج - و کوتاه کردن ریش و شارب و ناخن گرفتن کفایت نمی‌کند و چنانچه نتواند قربانی کند ظاهراً در عمره مفرده با حلق یا تقصیر از احرام خارج می‌شود و در عمره تمتع با انجام حج افراد و اگر از حج هم ممنوع است باید صبر کند تا حج فوت شود و با عمره مفرده و اگر از آن هم مصدود است با حلق یا تقصیر از احرام خارج شود. وظیفه‌ای که در این مسئله برای مصدود گفته می‌شود در صورتی است که مصدود، شرط تحلل نکرده باشد، ولی اگر در هنگام احرام با خداوند متعال قرار گذاشته باشد که اگر مانعی پیش آمد از احرام بیرون آید، به مجرد مصدود شدن، از احرام خارج می‌شود و قربانی و حلق یا تقصیر لازم نیست.

۴. **آیه الله سیستانی:** به احتیاط واجب، بدون آن مُحل نمی‌شود و اگر نتواند قربانی تهیه کند به احتیاط واجب ده روز روزه بگیرد.

آیه الله مکارم: اگر قربانی میسر نشد نیت خروج از احرام می‌کند و احتیاطاً به جای قربانی ۱۰ روز روزه می‌گیرد.

۵. **آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی:** قید تحلیل لازم نیست. ←

احتیاط واجب قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد^۱ و در این صورت بر او همه چیز حلال می‌شود حتی زن.^۲

[۱۳۷۳] م - اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از به جا آوردن اعمال عمره منع کرد، همان حکم مسئله پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند، همین حکم را داشته باشد.^۳

→ **آیه الله سبحانی:** و با تقصیر از احرام خارج شود و اگر به هر دلیلی قربانی ممکن نیست باید ده روز روزه بگیرد و لازم نیست پس از پایان روزه تقصیر کند بلکه همین که قصد کند به جای هدی روزه بگیرد کافی است. لذا می‌تواند تقصیر کند و از احرام خارج شود همچنین کسی که بعد از قربانی روز عید مصدود شد نیاز به قربانی مجدد ندارد.

۱. **آیه الله بهجت:** و احتیاج به حلق یا تقصیر بعد از هدی موافق احتیاط است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: احتیاط این است که حلق یا تقصیر را به آن (قربانی) ضمیمه نماید، بلکه احتیاط این است که حلق را اختیار نماید در صورتی که قربانی را با خود آورده باشد در عمره مفرده.

آیه الله سبحانی: به ناخن اکتفا نشود.

آیه الله سیستانی: گرفتن ناخن بنا بر احتیاط واجب کافی نیست و جایز است حلق به جای تقصیر.
آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و احتیاط آن است که شخص مصدود علاوه بر قربانی حلق نیز بنماید و بهتر آن است که جمع کند بین حلق و تقصیر و احتیاط آن است که هنگام ذبح یا نحر قربانی قبل از تقصیر نیت تحلیل از احرام کند.

آیه الله فاضل:... و یا به جای تقصیر حلق کند مخصوصاً کسی که سوق هدی نموده باشد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب ناخن به تنهایی کفایت نمی‌کند.

۲. **آیه الله سیستانی:** حکم مذکور در مورد عمره مفرده است و همچنین عمره تمتع اگر از اعمال حج نیز منع شود ولی اگر فقط از آمدن به مکه قبل از وقوفین منع شود وظیفه او به حج افراد تبدیل می‌شود.

۳. **آیه الله بهجت:** معتمر به عمره تمتع مصدود می‌شود به منع از دخول مکه یا از انجام افعال بعد از دخول و متحلل به هدی می‌شود در صورت عدم امکان استنابه در همان سال، اگرچه بعد از طواف مصدود از سعی بشود و همچنین اگر ممنوع شد در عمره مفرده از خصوص طواف نساء بعد از اتیان به سایر اعمال و تقصیر.

آیه الله زنجانی: در هر سه فرض در صورتی مصدود می‌شود که نتواند نایب بگیرد.

آیه الله سبحانی: کسی که در عمره مفرده و یا عمره تمتع بعد از احرام مصدود شود چه داخل حرم شده باشد و یا نشده باشد و به او اجازه ندهند هیچ‌یک از اعمال عمره را انجام دهد ←

[۱۳۷۴] م - کسی را که به واسطه بدهکاری، که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد.

[۱۳۷۵] م - اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه به جا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند، پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آنکه حرجی باشد و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد.

[۱۳۷۶] م - اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود و اگر از آن راه رفت و حج او فوت شد، باید عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود.

[۱۳۷۷] م - اگر شخص مصدود خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به حج نمی‌رسد، نمی‌تواند عمل شخص مصدود را بکند و مُحَلَّ شُود، بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمره مفرده متحلل شود.^۱

[۱۳۷۸] م - تحقق پیدا می‌کند مصدود بودن در حج به اینکه به هیچ‌یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر نرسد، بلکه تحقق پیدا می‌کند اگر نرسد به چیزی که به فوت آن، حج فوت می‌شود هرچند از روی علم و عمد نباشد و صور آن [در] سابق ذکر شد، بلکه ظاهراً تحقق پیدا کند به اینکه بعد از وقوفین منع کنند او را از منا و مکه و نتواند نایب بگیرد، بلکه اگر منع کنند از اعمال منا یا اعمال مکه^۲، با عدم امکان

→ و یا او را از انجام طواف و سعی و یا فقط سعی منع کنند باید در هر کجا هست گوسفند و یا گاو و یا شتری را ذبح کند و سپس تقصیر نماید در این صورت از احرام خارج شده و همه محرمات احرام حتی تمتعات از همسر بر او حلال می‌گردد.

۱. آیات عظام تبریزی، خوبی، صافی، گلپایگانی: این مسئله و مسئله قبل را، متعرض نشده‌اند.

۲. آیه الله بهجت: مصدود از حج چنانچه از موقف عرفات و مشعر باشد، وظیفه‌اش قربانی در محل صدّ (جلوگیری) و بیرون آمدن از احرام است و احتیاط این است که علاوه بر قربانی حلق یا تقصیر نیز بنماید و اگر مصدود از احد الموقوفین باشد و متمکن از دیگری باشد یا بشود اظهر عدم جریان حکم مصدود است بلکه مکلف است در صورت تمشی حج صحیح اگرچه اضطراری باشد به اتیان آن، و با تمامیت حج به هر نوعی در آن سال باشد محلی برای صدّ و حکم آنکه تحلل به هدی است، نیست ←

→ و اگر مصدود از ما بعد الموقفین به جمیع اقسام آن باشد در این صورت حج او صحیح و تمام است و برای آنها عمل به وظیفه؛ یعنی استنابه در رمی و واجب بعدی که قابل استنابه است می‌نماید و احتیاط این است که بعد از این اعمال از احرام خارج شود و همچنین در اعمال بعد از منا؛ چنانچه متمکن از انجام آن شد خود به جای آوردن و الا نایب بگیرد و بر تقدیر عدم تمکن از استنابه در ذی حجه همان سال، در سال آینده در صورت تمامیت حج به وقوفین، پس جواز رفع حج به تحلل به هدی خالی از وجه نیست و کسی که تمام اعمال حج را به جا آورده و در مکه است و جهت بیتوته در منا و رمی جمرات می‌خواهد به منا برود و منع و جلوگیری شود حجتش تمام است و برای رمی در صورت امکان همان سال نایب می‌گیرد و در صورت عدم امکان برای سال بعد نایب بگیرد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مصدود از حج، چنانچه از موقف عرفات و مشعر یا خصوص موقف مشعر مصدود باشد، وظیفه‌اش قربانی در محل صدّ و بیرون آمدن از احرام است و احتیاط این است که علاوه بر قربانی، حلق یا تقصیر نیز بنماید و چنانچه مصدود از طواف و سعی بعد از موقوفین (قبل از اعمال منا یا بعد از آن) باشد در این صورت اگر نتواند نایب بگیرد، وظیفه‌اش قربانی در محل صدّ است و اگر بتواند برای طواف و سعی نایب بگیرد، احوط این است که هر دو وظیفه را انجام دهد؛ یعنی هم قربانی کند و هم نایب بگیرد، گرچه اظهار جواز اکتفا به قربانی است در صورتی که جلوگیری از دخول در مکه باشد و جواز اکتفا به نایب گرفتن است اگر جلوگیری بعد از آن باشد و چنانچه فقط از اعمال منا جلوگیری شده باشد نه از رفتن به مکه، در این صورت چنانچه بتواند برای رمی و قربانی نایب بگیرد صحیح است و خود حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شده، سپس بقیه مناسک و اعمال را به جا آورد و چنانچه نتواند نایب بگیرد، در این صورت ظاهراً وظیفه‌اش این است که پول قربانی را نزد کسی بگذارد که به جای او قربانی کند و در جای خود حلق یا تقصیر نموده و برای به جا آوردن اعمال مکه به مکه رفته و پس از انجام اعمال آنجا، تمام چیزهایی که به احرام بر او حرام شده بود، حلال خواهد شد حتی زن و حاجتی به چیز دیگر ندارد و حجتش صحیح است و بایستی در سال بعد بنا بر احتیاط رمی را اعاده نماید.

آیه الله زنجانی: بلکه اگر از رمی جمره عقبه روز عید یا طواف حج یا سعی، ممنوع شود و نتواند نایب بگیرد مصدود است و مصدود از حج باید مطابق مسئله ۱۳۷۲، قربانی و حلق یا تقصیر کند تا از احرام بیرون آید.

آیه الله سبحانی: در صورتی که شخص بعد از احرام حج از انجام مناسک بعد از احرام ممنوع شد مصدود از حج نامیده می‌شود که برای آن صوری می‌باشد و اهم آن عبارت است از: الف) کسی که بعد از احرام حج از درک وقوفین اختیاری و اضطراری ممنوع گردد باید به حکم مصدود عمل کند یعنی باید گوسفند و یا گاو و یا شتری را ذبح کند و بعد از تقصیر از احرام خارج گردد که در این صورت همه محرّمات احرام برای او حلال است. ب) صورتی که شخص وقوفین را انجام داده لکن از اعمال منا و مکه مصدود گردیده که سه صورت دارد: ۱) فقط از اعمال منا منع شود ولی بتواند اعمال مکه را انجام دهد. ۲) بر عکس صورت قبل یعنی از اعمال مکه منع شود ولی بتواند اعمال منا را انجام دهد. ۳) از هر دو منع شود. در هر یک از این سه صورت یا می‌تواند نایب بگیرد و یا نمی‌تواند بنابراین می‌شود شش صورت که حکم هر کدام عبارت است از: ←

- (۱) اگر شخصی بعد از وقوفین فقط از آمدن به منا ممنوع شود اگر بتواند برای رمی و ذبح نایب بگیرد و در بیرون منا حلق کند و موی خود را به منا بفرستند، باید این کار را انجام دهد و اعمال مکه را خود بیاورد و عوض بیتوته‌های منا نیز در مکه به عبادت بپردازد و گرنه برای هر شب یک گوسفند ذبح کند.
- (۲) اگر شخص بعد از وقوفین از آمدن به منا ممنوع شد و نایب هم نمی‌تواند بگیرد در این صورت نیز حکم مصدود جاری نمی‌شود و باید اعمال را به شرح زیر انجام دهد:
- (الف) رمی از او ساقط می‌شود زیرا آن فرع تمکن است و نهایتاً اینکه سال بعد خود و یا نایبش در ایام تشریق رمی را انجام دهد.
- (ب) در مورد قربانی اگر بتواند پول آن را به شخص مطمئن بدهد تا از طرف او قربانی کند و الا باید بدل آن را بیاورد یعنی سه روز روزه در ایام حج و هفت روز روزه پس از بازگشت به وطن.
- (ج) حلق را نیز بیرون منا انجام دهد و موی خود را به منا بفرستد و سپس اعمال مکه را خود انجام دهد.
- (د) در مورد بیتوته در منا به نحوی که گذشت در مکه به عبادت بپردازد یا برای هر شب گوسفندی را به عنوان کفاره ذبح کند و بنا بر احتیاط واجب برای شب دوم و شب سوم نیز اگر بیتوته را ترک کرد، یک قربانی انجام دهد.
- (۳) اگر شخصی از اعمال مکه منع شود (طواف و نماز، سعی، طواف نساء و نماز آن) و می‌تواند نایب بگیرد دو فرع دارد:
- (الف) اینکه از دخول مکه منع شده این شخص مشمول ادله نیابت نمی‌شود و حکم مصدود را دارد و با همان قربانی و حلق و یا تقصیر روز عید به طور کامل از احرام خارج می‌شود.
- (ب) اینکه وارد مکه شده ولی از اعمال مسجدالحرام منع گردیده که در اینجا باید برای اعمال خود نایب بگیرد چنین شخصی نیز اگر نتواند استنابه کند از موارد مصدود است.
- (۴) و اما اگر شخص از آمدن به مکه منع شده و نمی‌تواند نایب هم بگیرد به طریق اولی حکم مصدود را دارد البته چنانچه این شخص قربانی روز عید را انجام داده دیگر نیازی به قربانی مجدد ندارد و با همان قربانی و حلق و یا تقصیر روز عید از احرام به طور کامل بعد از مصدود شدن و عدم توان در استنابه محل می‌گردد.
- (۶و۵) اگر شخص از ورود به منا و مکه هر دو منع شود چه بتواند نایب بگیرد یا نه حکم مصدود را دارد و باید به حکم مصدود عمل کند و از احرام خارج شود.
- آیه الله سیستانی:** مصدود در حج تمتع اگر از رسیدن به وقوفین یا مشعر به تنهایی منع شده باشد احتیاط این است که طواف و سعی نماید و سر خود را بتراشد و گوسفندی را قربانی کند و سپس از احرام بیرون رود. و اگر از طواف و سعی منع شده باشد، در این صورت اگر نتواند نایب بگیرد و بخواهد از احرام بیرون رود، احتیاط این است که قربانی کرده و پس از آن حلق یا تقصیر نماید و اگر بتواند نایب بگیرد بعید نیست که نایب گرفتن کفایت کند، بنابراین برای طواف و سعی نایب می‌گیرد و نماز طواف را خود پس از طواف نایب به جا می‌آورد و اگر از رسیدنش به منا جهت به جا آوردن اعمال آنجا جلوگیری شود، ←

نایب، بلی در صورتی که تمام اعمال را به جا آورد و منع نمودند از برگشتن به منا برای بیتوته و اعمال ایام تشریق، مصدود بودن تحقق پیدا نمی‌کند و حج او صحیح است و باید نایب بگیرد برای اعمال در این سال و اگر نشد سال دیگر.

[۱۳۷۹] م - کسی که مصدود شد از آمدن به مکه یا از اتمام اعمال یا از به جا آوردن اعمالی که به ترک آنها، حتی به غیر عمد، حج باطل می‌شود و به دستوری که گفته شد از احرام خارج شد، اگر حج بر او مستقر شده بوده یا آنکه در سال دیگر مستطیع است و حج واجب را به جا نیاورده، باید بعد از رفع منع، دوباره به حج برود^۱

→ در این صورت اگر بتواند نایب بگیرد باید نایب جهت رمی و قربانی کردن بگیرد، و پس از آن سر خود را بترشد یا کوتاه کند و موی خود را در صورت امکان نیز به منا بفرستد، و باقی مناسک را به جا آورد و اگر نتواند نایب بگیرد، واجب نیست قربانی کند، ولی به جای آن روزه بگیرد، همچنان که واجب نیست رمی کند - اگرچه احتیاط این است که خودش شخصاً رمی را در سال آینده به جا آورد، در صورتی که به حج برود و یا توسط نایبش، در صورتی که به حج نرود - سپس باقی مناسک حج را، از سر تراشیدن یا کوتاه کردن و اعمال مکه به جا آورد، و پس از آن همه محرّمات احرام بر او حلال می‌شوند حتی زن‌ها، و نیازی به هیچ چیز دیگری نیست.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر بعد از وقوفین او را از مناسک سه‌گانه منا - رمی، قربانی و حلق یا تقصیر - منع کنند، پس اگر همچنین از داخل شدن مکه و ادای مناسک آن در طول ذی‌حجه هم منع شده باشد، در این صورت حکم مصدود را دارد و اگر منع تنها از رجوع به منا است، پس اگر تمکن از نایب گرفتن دارد، شخصی را برای خود نایب می‌گیرد تا رمی و قربانی را انجام دهد و پس از آن خودش حلق می‌کند و بعد از حلق از احرام خارج می‌شود و بقیه اعمال حج را به جا می‌آورد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد بنا بر احتیاط هدی را قربانی می‌کند و بر احرام باقی می‌ماند تا اینکه با عمره مفرده محل شود و در صورتی که بعد از انجام اعمال مکه او را از برگشتن به منا برای بیتوته و رمی ایام تشریق منع کردند مصدود بودن تحقق پیدا نمی‌کند و حج او صحیح است و باید نایب بگیرد برای رمی جمرات در همان سال و اگر امکان نداشت در سال دیگر و در شب‌هایی که باید در منا بیتوته کند در مکه مشغول عبادت شود، و اگر این کار هم ممکن نشد بنا بر احتیاط برای ترک بیتوته در منا کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: ظاهر آن است که به منع از اعمال منا به تنهایی صدّ محقق نمی‌شود.

۱. **آیه الله زنجانی:** بر مصدود از عمره تمتع یا مطلق حج، تکلیفاً واجب است در سال آینده، همان قسم از حج را مجدداً به جا آورد، هر چند عمره یا حجی که در آن مصدود شده استحابی باشد یا حج واجب بوده و استطاعت او تا سال بعد باقی نمانده باشد یا هنگام احرام، شرط تحلیل کرده باشد؛ ←

و اعمالی که نموده کافی از حجة الاسلام نیست.

[۱۳۸۰] م - کسی که مصدود است اگر امید برطرف شدن مانع را داشته باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد می‌تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.^۱

[۱۳۸۱] م - کسی که احرام عمره^۲ بست و به واسطه مرض نتوانست برود به

→ البته اگر نتواند سال بعد، حج به جا آورد یا حرجی باشد وجوب آن ساقط می‌شود و نیازی به نایب گرفتن نیست و ظاهراً بر کسی که در عمره مفرده مصدود شده و از احرام بیرون آمده واجب نیست دوباره عمره مفرده به جا آورد.

۱. **آیه الله بهجت:** احوط تأخیر احلال است برای کسی که امید زوال صدّ و عذر را دارد و به خوف فوات متحلّل نمی‌شود بنا بر احوط.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: متعرض این مسئله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: تا اطمینان نداشته باشد که از عمره یا حج ممنوع است، نمی‌تواند احکام مصدود را بار کند.

آیه الله سبحانی: اگر مصدود ظن عقلایی به عدم رفع منع داشته باشد می‌تواند به احکام صد عمل کند و لازم نیست برای روشن شدن اوضاع صبر کند در غیر این صورت برای روشن شدن وضعیت صبر کند.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: اگر امید به برطرف شدن مانع را داشته باشد احتیاط آن است که صبر کنند.

آیه الله فاضل: در صورت گمان به رفع مانع عمل به احکام صدّ در ابتدا مشکل است.

۲. **آیه الله زنجانی:** یا حج بست و به واسطه مرض و مانند آن نتوانست برود مکه اگر هنگام احرام، شرط تحلیل کرده باشد به مجرد حصر، تمام محرّمات احرام. - حتی زن - بر او حلال می‌شود و اگر شرط نکرده باید قربانی کند و این قربانی تنها برای بیرون آمدن از احرام نیست؛ بلکه تکلیفاً نیز واجب است و در آن قصد تحلیل، لازم نیست و آن را به دو شکل می‌تواند انجام دهد: الف) قربانی یا پول آن را توسط فرد امینی به محل ذبح - اگر عمره مفرده باشد به مکه و اگر عمره تمتع یا حج باشد به منا - بفرستد و با او قرار بگذارد که در وقت معین، قربانی کند و در آن وقت با تقصیر، همه محرّمات احرام - حتی زن - بر او حلال می‌شود؛ ب) در غیر محل ذبح (محل بیماری باشد یا جای دیگر) قربانی کند، پس از این قربانی، محرّمات احرام - به جز زن - حلال می‌گردد، در این صورت تقصیر لازم نیست و اگر نتواند قربانی کند باید به جای آن سه روز روزه بگیرد - هرچند این روزه، دخالتی در بیرون آمدن از احرام ندارد - و باید این روزه را در وطن یا جایی که قصد اقامه کرده بگیرد (و در این صورت برای حلال شدن زن باید عمره یا حج به جا آورد و هر نوع حج و عمره کفایت می‌کند و اگر انجام حج و عمره یا اجتناب از محرّمات احرام تا وقت انجام حج و عمره، حرجی باشد می‌تواند نایب بگیرد و پس از حج یا عمره زن نیز حلال می‌شود) و در هر دو صورت بر محصور از عمره تمتع یا حج ←

مکه، اگر بخواهد مُحلّ شود باید هدی کند و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را بفرستد به وسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید تقصیر کند. پس از آن، هرچه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر زن^۱، و احتیاط آن است که در ذبح،

→ تمتع یا غیر آن - که از احرام خارج شده، تکلیفاً واجب است در سال آینده همان قسم از حج و عمره را به جا آورد، به همان تفصیلی که در ذیل مسئله ۱۳۷۹ گذشت، و همچنین بر کسی که در عمره مفرده محصور شده و از احرام بیرون آمده، واجب است عمره مفرده دیگری انجام دهد.

آیه الله سبحانی: هر کس هنگام عقد احرام در عمره مفرده و یا تمتع و یا حج شرط کند «بار پروردگارا محرم می‌شوم به شرط اینکه هرگاه محصور شدم تو مرا محل گردان» در این صورت لازم نیست که هدی را به مکه بفرستد پس همان جا قربانی کند و همه چیز حتی لذت بردن از همسر بر او حلال می‌شود و دیگر برای تحلیل نیازی به آوردن عمره مفرده ندارد. به عبارت دیگر محصور در اینجا مانند مصدود عمل می‌کند و این نوع شرط را می‌تواند در عمره مفرده و عمره تمتع و حج تمتع یا افراد و یا قران شرط کند ولی در حج قران در هر صورت باید قربانی را به منا بفرستد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: شخص محصور اگر حج تمتع و یا حج افراد به جا می‌آورد، در صورتی که موقع احرام با خداوند قرار گذاشته که اگر محصور شد خداوند او را محل گرداند، بدون فرستادن قربانی به منا، خود به خود محل می‌شود - حتی نسبت به زن - و شخص محصوری که حج قران به جا می‌آورد به مجرد فرستادن قربانی به منا محل می‌شود و نیازی به صبر کردن تا زمانی که قربانی به منا برسد نیست.

۱. **آیه الله بهجت:** اگر در عمره مفرده محصور شده، بنا بر احتیاط باید قربانی بفرستد که در وقت معینی قربانی نمایند... و بعد از این کار، تمامی محرمات احرام بر او، به جز زن حلال می‌شود و اگر محصور در عمره تمتع باشد، حکمش حکم سابق است با این تفاوت که زن هم بر او حلال می‌شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر در عمره مفرده محصور شد وظیفه‌اش این است که یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین قربانی نمایند و خود در آن وقت معین با تقصیر از احرام خارج می‌شود و برای چنین شخصی؛ به خصوص جایز است در جای خود قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید و بر چنین شخصی بعد از این کار تمام محرمات احرام حلال می‌شود به جز زن و زن بر او حلال نمی‌شود مگر بعد از آنکه خوب شد و عمره مفرده را به جا آورد (**آیه الله تبریزی:** و این در صورتی است که محصور در مکان خودش ذبح یا نحر نماید و اما اگر هدی را بفرستد، پس برای خروجش از احرام حتی نسبت به زن وجهی هست هنگامی که هدی به محلش برسد) و کسی که در عمره تمتع محصور شده حکمش حکم سابق است (**آیه الله تبریزی:** با این فرق که فرستادن قربانی بر او تعیین دارد) و چنانچه به آنچه گفته شد عمل کند، زن هم بر این شخص حلال می‌شود. ←

قصد تحلیل منوب عنه کند.^۱

→ **آیه الله سبحانی:** کسی که در عمره مفرده و یا عمره تمتع بعد از احرام محصور شد باید به احتیاط واجب هدی یا پول آن را به شخص امینی بسپارد و وعده بگذارد در چه موقعی ذبح کند پس از سپری شدن زمان مشخص تقصیر می‌کند و از احرام خارج شده و همه محرمات احرام بر او حلال می‌شود به جز تمتعات از همسر این حرمت باقی است تا زمانی که او و یا در صورتی که خود نتواند به هیچ وجه به مکه برود نایب وی اعمال عمره و بالطبع طواف نساء را انجام دهد و نماز آن را بخواند. اما اگر بقاء بر احرام تا زمان ذبح در مکه برای محصور حرجی باشد و مخصوصاً علاوه بر حرج در مواردی که علاج بیماری به حلق و تراشیدن موی سر باشد می‌تواند در عمره مفرده یا عمره تمتع در محل حصر قربانی کند و با تقصیر از احرام خارج شود ولی باید خود یا نایبش بعداً عمره را بیاورند و تا عمره را انجام ندهند لذت بردن از همسر حرام است. اما اگر حج گزار بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج چنان بیمار شد که نتواند برای حج احرام ببندد در این صورت خود و یا نایب او طواف نساء و نماز آن را بیاورند در اینجا در حقیقت عمره او به عمره مفرده تبدیل می‌شود و چنانچه حج بر او مستقر بوده و یا سال بعد استطاعتش باقی است حج را در سال بعد بیاورد.

آیه الله سیستانی: اگر در عمره تمتع یا عمره مفرده محصور شود و بخواهد از احرام خارج شود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد که در روز معینی آن را ذبح کنند و پس از آن حلق یا تقصیر کند تا از احرام بیرون آید و اگر نتواند قربانی یا قیمت آن را بفرستد جایز است در جای خود قربانی کند و از احرام بیرون آید و اگر این را هم نتواند ده روز روزه بگیرد و در این دو مورد همه چیز بر او حلال می‌شود جز زن.

آیه الله فاضل: اما در عمره مفرده مخیر است بین ارسال هدی به مکه و یا ذبح هدی در محل حصر، و در عمره تمتع به احتیاط واجب...

آیه الله مکارم: باید پول یک قربانی را به مکه بفرستد، و با دوستان خود قرار بگذارد که در فلان روز و فلان ساعت در مکه برای او قربانی کنند، سپس در همان موعد معین تقصیر می‌کند، و از احرام بیرون می‌آید، و همه چیز بر او حلال می‌شود مگر همسر، تا زمانی که حالش خوب شود، و عمره مفرده به جا آورد، و اگر حالش خوب شد و نتوانست عمره به جا آورد، نایب می‌فرستد، و چنانچه کسی نباشد که برای او در مکه قربانی کند، در همان جا که هست قربانی می‌کند و از احرام خارج می‌گردد، و اگر آن هم ممکن نشد، در بازگشت به وطن قربانی می‌کند.

و هرگاه محرم به احرام «عمره تمتع» باشد، مانند مسئله قبل عمل می‌کند، بنا بر احتیاط واجب، و اگر حج او واجب بوده، باید سال بعد به جا آورد.

۱. **آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی:** متعرض این احتیاط نشده‌اند.

آیات عظام زنجانی، سیستانی، مکارم: این احتیاط لازم نیست.

آیه الله فاضل: و احتیاط مستحب آن است که نایب...

[۱۳۸۲] م - کسی که احرام حج بست و به واسطه مرض نتوانست برود برای عرفات و مشعر، باید هدی کند و به احتیاط واجب^۱ هدی یا پول آن را باید بفرستد به منا که در آنجا ذبح کنند و مواعده کنند که روز عید ذبح شود^۲ و در آن وقت تقصیر کند، پس هرچه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر زن.^۳

[۱۳۸۳] م - کسی که حج واجب به عهده او است و به واسطه مرض محصور شد، زن بر او حلال نمی‌شود مگر آنکه خودش بیاید و اعمال حج را به جا بیاورد^۴ و طواف

۱. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** حکم محصور در حج، مانند حکم محصور در عمره است ولی راجع به حلال

شدن زن بر او احتیاط این است که زن بر او پس از حلق یا تقصیر حلال نمی‌شود.

آیه الله زنجانی: طبق ذیل مسئله قبل عمل کند.

آیات عظام سبحانی، سیستانی، مکارم، فاضل: بلکه بنا بر اقوی.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: باید یک قربانی به منا بفرستد و پس از ذبح و نحر قربانی در منا، نسبت به همه تروک احرام - به جز زن - مُحلّ می‌شود.

۲. **آیه الله بهجت:** علی الأحوط.

آیه الله مکارم: باید روز دهم یا بعد از آن تا سیزدهم، وعده قربانی بگذارد.

۳. **آیه الله مکارم:** بنا بر احتیاط واجب.

۴. **آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** محصور در عمره تمتع زن هم پس از تحلل بر او حلال می‌شود و محصور در حج بنا بر احتیاط تا وقتی طواف حج و سعی و طواف نساء را در حج و یا عمره مفرده به جا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود.

آیه الله زنجانی: در مسئله تفصیلی است که در ذیل مسئله ۱۳۸۱ گذشت.

آیه الله سبحانی: حلال شدن تمتعات از همسر برای شخص محصور به یکی از سه طرق زیر است: الف) اگر در عمره تمتع یا عمره مفرده محصور شده باید پس از بهبودی عمره مفرده به جا آورد. ب) اگر در حج واجب محصور شده باید تا سال آینده صبر کند و سال آینده حج خود را اعاده کند تا همسر بر او حلال شود. ج) اگر در حج مستحب محصور شده است با انجام طواف نساء تمتعات از همسر بر او حلال می‌شود و در صورتی که اعمال فوق الذکر توسط خود او ممکن نیست و یا حرجی می‌باشد باید نایب بگیرد.

آیه الله سیستانی: هرگاه طواف و سعی را در حجی یا عمره‌ای به جا آورد، زن بر او حلال خواهد شد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر از انجام مناسک روز عید و یا بعد از روز عید محصور شود باید برای رمی و قربانی نایب بگیرد و خودش حلق نماید و در صورت امکان اعمال مکه را انجام دهد، وگرنه برای اعمال مکه نیز نایب بگیرد، و اگر در مسجد است نماز طواف را خودش بخواند ←

نساء بکند، ولی اگر عاجز شد از آمدن، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او. و اما کسی که حج او استحبابی بوده، بعید نیست^۱ کفایت طواف نایب از او، ولیکن احتیاط آن است که در صورت امکان خودش برود.^۲

[۱۳۸۴] م - اگر کسی که با او قرار داده بود ذبح کند [ذبح] نکرده بود و شخص محرم در روز موعود محلّ شد و با زن هم نزدیکی کرد، معصیت نکرده و کفاره هم ندارد، لیکن باید باز هدی یا پول را بفرستد و مواعده کند و باید از زن اجتناب کند^۳ و احتیاط واجب آن است که از وقتی که معلوم شد عمل نشده، اجتناب کند گرچه محتمل است^۴ که وجوب اجتناب از وقتی باشد که شخص را می‌فرستد برای ذبح.

→ وگرنه بنا بر احتیاط باید خودش نماز بگذارد و نایب هم بگیرد و در صورت امکان در منا بیتوته کند و در این صورت حش صحیح است و در غیر این صورت برای اینکه بیتوته نکرده، بنا بر احتیاط کفاره بدهد. در اینکه استنباه جهت طواف نساء برای حلیت زن کافی باشد، اشکال است؛ اگرچه در صورتی که رفتن به مکه برای او حرجی باشد اقوی جواز استنباه است.

آیه الله مکارم: باید سال آینده حج انجام دهد تا زن بر او حلال شود، یا قبل از فرا رسیدن سال آینده عمره مفرده به جا آورد؛ و اگر نمی‌تواند، نایب می‌فرستد و بعد از عمره مفرده نایب، همه چیز بر او حلال می‌شود.

۱. **آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی:** حکم محصور که گفته شد، اختصاص به حج واجب ندارد.

آیه الله فاضل: و همچنین است کسی که حج او نیابتی تبرعی یا استیجاری بوده، یا حج او واجب بوده و سال اول استطاعت بوده و استطاعت تا سال بعد استمرار نداشته باشد. و کفایت نیابت در صورتی است که رفتن برای خود او حرجی باشد.

۲. **آیه الله فاضل، آیه الله مکارم:** این احتیاط ترک نشود.

۳. **آیه الله فاضل:** از همه محرمات احرام اجتناب کند.

۴. **آیه الله بهجت:** بلکه اظهر همین است، اگرچه احتیاط خوب است و اما امساک نساء پس لزوم آن زایل نمی‌شود مگر آنکه به مباشرت یا استنباه، طواف نساء را انجام دهد بنا بر اظهر و احوط.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: این فرع را متعرض نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط، لازم نیست بلکه از وقتی که شخص را برای قربانی می‌فرستد از زن اجتناب می‌کند و اجتناب از سایر محرمات احرام، لازم نیست. ←

[۱۳۸۵] م - تحقق محصور بودن، مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

[۱۳۸۶] م - اگر مریض بعد از آنکه هدی یا پولش را فرستاد حالش خوب شد^۱ به طوری که توانایی رفتن به مکه را داشت، باید برود.^۲ پس اگر مُحْرَم به احرام تمتع است^۳ و به وقت رسید، اعمال عمره و حج را به جا می‌آورد و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره به جا بیاورد وقوف به عرفات فوت می‌شود، باید برود به عرفات و حج افراد به جا بیاورد و احتیاط آن است که قصد عدول کند^۴ و بعد از آن

→ **آیه الله سبحانی:** و باید زمانی که علم به عدم ذبح پیدا کرد از ارتکاب محرمات احرام خودداری کند و کس

دیگر را جهت ذبح تعیین و قرار بگذارد چنین فردی پس از بهبودی باید عمره مفرده به جا آورد.

آیه الله سیستانی: کافی است از هنگامی که شخص دوم را می‌فرستد از محرمات احرام اجتناب کند تا زمانی که با او قرار می‌گذارد که از جانب او ذبح کند، گرچه احتیاط مستحب اجتناب از محرمات احرام از زمانی است که فهمید شخص اول عمل نکرده است.

۱. **آیه الله سبحانی:** اگر محصور در عمره تمتع بعد از فرستادن هدی یا پول آن حالش خوب شد به نحوی که می‌تواند به مکه برود و اعمال را انجام دهد چند صورت دارد: الف) قبل از ذبح هدی به مکه می‌رسد و عمره تمتع را انجام می‌دهد و سپس برای حج محرم می‌شود و مثل دیگران اعمال را انجام می‌دهد. ب) از آنجایی که محل ذبح هدی محصور در عمره تمتع، مکه و قبل از احرام حج است اگر زمانی به مکه رسد که قربانی ذبح شده و او تقصیر نکرده است مثل فرع اول عمره تمتع را انجام می‌دهد و سپس برای حج محرم می‌شود و این قربانی به احتیاط واجب کفایت از قربانی روز عید نمی‌کند و در روز عید باید قربانی کند. اما اگر هدی او ذبح شده و خود او نیز تقصیر کرده است باید عمره مفرده انجام دهد و از احرام خارج گردد لیکن اگر زمان برای حج افراد ولو با درک وقوف اختیاری مشعر باقی باشد محرم به حج افراد شده و آن را انجام می‌دهد و از حجة الاسلام کفایت می‌کند. ج) چنین شخصی اگر به مکه رسید و هنوز تقصیر نکرده و هدی او نیز ذبح نشده ولی اگر بخواهد عمره تمتع انجام دهد به وقوف اختیاری عرفات نمی‌رسد باید عدول به قران کند و هدی را با خود به عرفات و سپس به مشعر و بعد به منا ببرد و در آنجا ذبح کند و این حج نیز از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

آیه الله سیستانی: موضوع این حکم، کسی است که در احرام عمره پس از فرستادن هدی یا قیمتش یا قبل از آن حالش بهبود یابد، به طوری که بتواند قبل از ذبح یا نحر هدی به مکه برسد.

۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی:** اگر گمان داشته باشد که می‌تواند اعمال حج را در زمان خود به جا آورد باید برود.

۳. **آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی:** و اگر محرم به احرام عمره مفرده است، اعمال آن را انجام می‌دهد و محل می‌شود.

۴. **آیه الله زنجانی:** قصد عدول مطابق احتیاط استحبابی است.

عمره مفرده بکند و کافی است از حَجَّة الاسلام.

۱ و اگر وقتی رسید به مکه که حج فوت شده؛ یعنی به وقت اختیاری^۲ مشعر نمی‌رسد، عمره او مبدل می‌شود به عمره مفرده^۳ و باید آن را به جا آورد و از احرام خارج شود و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده کند و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر به جا آورد.

[۱۳۸۷] م - مصدود به دشمن، در حکمی که برای مریض در مسئله پیش ذکر شده، مانند او است.^۴

۱. **آیه الله زنجانی:** و اگر زمانی برسد که نتواند مقدار رکن از وقوفین را درک کند حج او فوت شده است، پس اگر هدی او را ذبح نکرده باشند، در حال احرام باقی مانده و باید با همان احرام، اعمال عمره مفرده را به جا آورده و با انجام آن از احرام بیرون می‌آید و هدیی هم که فرستاده باید ذبح شود و اگر زمانی برسد که هدی او را در محل قربانی ذبح کرده اند با تقصیر از احرام بیرون می‌آید و در هر حال اگر حج وی فوت شد، باید در سال آینده همان قسم از حج را انجام دهد، هر چند امسال برای حج استحبابی احرام بسته باشد.

۲. **آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی:** یا اضطراری عرفات و اضطراری مشعر.

آیه الله فاضل: ادراک اضطراری نهاری مشعر به تنهایی برای صحت حج کافی است.

آیه الله گلپایگانی: یا ادراک اضطراری لیلی مشعر....

آیه الله مکارم: اگر یکی از دو وقوف مشعر و عرفات را درک کند کافی است.

۳. **آیه الله بهجت:** در صورت عدم تحلل به ذبح مبعوث قبل از فوت حج بنا بر احوط.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: در این صورت اگر قربانی اش کشته نشده، حج او بدل به عمره مفرده می‌شود و اگر کشته شده باشد از احرام بیرون آمده است و تمام محرمات بر او حلال شده مگر زن و بر او واجب است که طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نمازش را به جا آورد تا زن نیز بر او حلال شود بنا بر احتیاط.

آیه الله سیستانی: و اگر پس از احرام حج مریض شده باشد و پس از فرستادن هدی بهبود یابد، پس اگر گمان کند که حج را درک می‌کند باید برود و در این صورت اگر موقوفین یا خصوص مشعر (به نحوی که گذشت) را درک نکند، اگر قبل از این قربانی او را بکشند برسد، حج او بدل به عمره مفرده می‌شود و اگر قبل از رسیدن او قربانی او را کشته باشند تقصیر می‌کند و یا سر می‌تراشد و از هر چیز به جز زن محل می‌شود و برای حلال شدن زن، باید طواف و سعی را در حج یا عمره به جا آورد.

۴. **آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی:** مصدود باید همان جا قربانی کند و موردی برای جریان این

حکم ندارد. ←

[۱۳۸۸] م - کسانی که مریض نیستند لیکن به علت دیگر، بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند؛ مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا به واسطه خونریزی ضعف بر او مستولی شده، بعید نیست حکم مریض را داشته باشند،^۱ لیکن مسئله مشکل است. بنابراین، احتیاط آن است که به احرام باقی بمانند تا وقتی که خوب شوند. پس اگر حج فوت شده، عمره مفرده به جا بیاورند و از احرام خارج شوند و حج اگر واجب بوده با وجود شرایط اعاده کنند.

[۱۳۸۹] م - زمانی که باید مریض مواعده کند برای ذبح در احرام حج، روز دهم است به احتیاط واجب^۲ و باید قرار تأخیر تا ایام تشریق ندهد و در احرام عمره تمتع

→ **آیه الله سبحانی:** احکام مصدود در بخش قبلی (مسائل قبل) گذشت.

- آیه الله مکارم:** باید قربانی را در همان جا که مصدود شده ذبح کند، به شرطی که در مناسک نوشته‌ایم.
۱. **آیه الله بهجت:** کسی که نتواند حج خود را ادامه دهد، از جهت پیش آمد مانعی غیر از صد و حصر، احتیاط این است که در جای خود قربانی نموده و از احرام خارج شود.
- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی:** دو مورد مذکور مصداق محصورند.
- آیه الله زنجانی:** موارد مذکور، حکم محصور را دارند و علل دیگر که به وضعیت جسمی یا روحی محرم، ربطی ندارد حکم مصدود را دارند.
- آیه الله سبحانی:** کسانی که بعد از احرام پا یا کمر آنها بشکند و یا سکنه کنند و یا تصادف نمایند و یا به گونه‌ای زخمی شوند که از انجام اعمال منع گردند و کلاً هر چیزی که در بدن عارضه‌ای ایجاد کند که آن عارضه مانع از ادامه اعمال شود حکم محصور را دارد.
- آیه الله سیستانی:** دو مورد مذکور، مصداق محصورند ولی اگر مانع دیگری غیر از حصر و صد باشد تفصیلی دارند، به مناسک مسئله ۴۵۳ و ۴۴۹ مراجعه شود.
- آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** در موارد مشکوک به حصر، علاوه بر انجام وظیفه محصور، با عمره مفرده از احرام خارج شود.
- آیه الله فاضل:** ظاهر این است که حکم مریض را دارند.
- آیه الله مکارم:** حکم مریض را دارند و نسبت به موانع دیگر، مثل خراب شدن وسیله نقلیه حکم مصدود را دارند.
۲. **آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی:** این مسئله را متعرض نشده‌اند.
- آیه الله زنجانی:** در احرام حج یا عمره تمتع باید روز دهم را وقت کشتن قربانی قرار دهند و در احرام عمره مفرده می‌توانند هر زمانی را تعیین کنند. ←

احتیاط آن است قبل از خروج حاج به عرفات باشد.

استفتائات مصدود و محصور

[۱۳۹۰] س - شخصی به نیت عمره تمتع استحبابی برای یکی از معصومین علیه السلام یا یکی از شهدا مُحرم شد و طواف و نماز طواف عمره را به جا آورد و قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد، آیا همان حکم محصور و مصدود را دارد؟

ج - اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده و نمی تواند اعمال را تمام کند و نایب هم نمی تواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.^۱

[۱۳۹۱] س - آیا تصادف در احرام، حصر است و باید عملی که محصور انجام می دهد به جا آورد؟

ج - بلی، با شرایط معتبره در حصر، حکم حصر بر آن مترتب می شود.^۲

[۱۳۹۲] س - در مناسک، حکم محصور را که بیان فرموده اید، مربوط است به کسی که مُحرم شده است و قبل از مُحل شدن محصور شود، در اینجا این سؤال مطرح است که اگر پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام آن محصور شود و نتواند برای حج مُحرم شود، آیا حج از او ساقط است یا نه؟ و وظیفه او چیست؟

→ **آیه الله سبحانی:** در عمره تمتع حداکثر زمان صبر این است که وقت بستن احرام برای حج به پایان برسد مثلاً یک ساعت قبل از ظهر روز نهم و در احرام حج حداکثر تا قبل از غروب روز دهم.

آیه الله سیستانی: در احرام حج باید روز دهم را وقت کشتن قربانی قرار دهند و در احرام عمره زمان معینی ندارد.

آیه الله مکارم: تا روز سیزدهم جایز است.

۱. **آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی:** اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده و نمی تواند اعمال عمره را تمام کند نایب بگیرد و اگر قدرت انجام اعمال حج را ندارد، واجب نیست مُحرم به احرام حج گردد.

آیه الله سبحانی: مصدود در عمره و حج واجب و استحبابی و نیایی تبرعی و نیایی استیجاری و همچنین در عمره مفرده استحبابی و نیایی تبرعی و یا استیجاری حکمش یکی است و احکام محصور به تفصیل در ذیل مسئله ۱۳۸۶ و مسائل دیگر گذشت.

۲. به ذیل مسئله ۱۳۸۸ مراجعه شود.

ج - از احرام خارج شده است^۱ ولی کفایت از حج نمی‌کند و چنانچه سال اول استطاعت او باشد حج بر او واجب نشده است.

[۱۳۹۳] س - شخصی بعد از آنکه برای حج مُحرم شده، دچار سکت قلبی می‌شود؛ به گونه‌ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد، وظیفه او چیست؟

ج - اگر نمی‌تواند وقوفین را درک کند، حکم محصور را پیدا می‌کند و چنانچه وقوفین را درک کرده، نسبت به بقیه اعمال^۲، تفصیل بین امکان استنابه و عدم آن است که در مناسک ذکر شده است.

[۱۳۹۴] س - شخصی در مدینه مصدوم می‌شود، او را به مسجد شجره می‌آورند و مُحرم می‌نمایند آیا احرام او صحیح است و وظیفه بعدی او چیست؟ و اگر نتواند حج انجام دهد تکلیف او چیست؟

ج - احرام او صحیح است^۳ و اگر می‌تواند که عمره و حج را انجام دهد، ولو با استنابه در طواف و سعی، حج او صحیح است و اگر نمی‌تواند حج به جا آورد احوط آن است که وظیفه محصور را انجام دهد^۴ و با احرام مزبور عمره مفرده هم انجام دهد.

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

والسلام علی محمد وآله الطیبین واللعن علی أعدائهم أجمعین

۱. آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب عمره خود را عمره مفرده قرار دهد و طواف نساء انجام دهد و از احرام خارج شود.

۲. آیه الله سبحانی: در این صورت خود یا نایب او طواف نساء و نماز آن را بیاورند، در اینجا حقیقت عمره او به عمره مفرده تبدیل می‌شود و چنانچه حج بر او مستقر بوده و یا سال بعد استطاعتش باقی است، حج را در سال بعد بیاورد. با عنایت به مسئله ۱۳۸۵، به ذیل مسئله ۱۳۷۸ مراجعه شود.

۳. آیه الله سبحانی: صور مسئله در ذیل مسئله ۱۳۸۶ گذشت.

۴. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: نسبت به بقیه اعمال نایب بگیرد.

۳. آیه الله زنجانی: احرام او در صورتی صحیح است که خیال می‌کرده می‌تواند اعمال حج و عمره را ولو با استنابه به جا آورد لذا قصد کرده که اعمال حج و عمره را به جا آورد.

۴. آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: حکم محصور را دارد.

آیه الله سبحانی: چنانچه بعد از احرام کلاً ناتوان شد حکم محصور را دارد که احکام آن در مسائل قبل گذشت.

استقائنات جدید

تقلید

بقاء بر تقلید میت

م ۱۳۹۵ - تقلید میت ابتدائاً جایز نیست، ولی بقاء بر تقلید میت اشکال ندارد و باید بقاء بر تقلید میت به فتوای مجتهد زنده باشد و کسی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده، بعد از مردن آن مجتهد می‌تواند در همه مسائل از او تقلید کند.

آیه الله بهجت: فقها حیات را شرط می‌دانند؛ یعنی می‌گویند: برای ابتدای تقلید باید از مجتهد زنده تقلید کرد و اما اگر مرجع تقلید انسان از دنیا رفت، در اینکه آیا می‌تواند بر تقلید باقی بماند یا باید به مجتهد زنده مراجعه نماید، مورد اختلاف است، پس اگر کسی در این مسئله مجتهد بود طبق نظر خودش عمل می‌کند و گرنه طبق نظر مجتهد زنده عمل می‌کند.

باقی ماندن بر تقلید میت در مسائلی که در آنها تقلید و عمل کرده است، در صورتی که مجتهدی که از دنیا رفته با مجتهد زنده از نظر علمی مساوی باشند، بنا بر اقوی جایز است، هر چند با اجازه مجتهد دیگری بر تقلید باقی بوده و عمل کرده باشد؛ و اگر

مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد، واجب است بر تقلید او باقی بماند و اگر مجتهد زنده بعداً اعلم شد واجب است در تمامی مسائل به او عدول نماید.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، در صورتی که فتوای او در نظر مقلد بوده و فراموش نکرده باشد، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است؛ و اگر فتوای او را یاد نگرفته (آیه الله خویی: یا فراموش کرده است) لازم است به مجتهد زنده رجوع کند. (آیه الله تبریزی: و بعید نیست در صورتی که فراموش کرده است باز بتواند به فتوای او عمل کند).

آیه الله خامنه‌ای: هرگاه مرجع تقلید از دنیا برود مقلدین او می‌توانند همچنان از او تقلید کنند، یعنی به رساله او عمل نمایند. این را اصطلاحاً بقاء بر تقلید میت می‌گویند. و مکلف در مسئله جواز بقا بر تقلید میت و حدود آن، باید از مجتهد زنده و حائز شرایط تبعیت کند.

آیه الله زنجانی: اگر انسان مجتهدی را در زمانی که می‌توانسته از او تقلید کند - یعنی در هنگامی که ممیز بوده و خوب و بد را می‌فهمیده (هرچند بالغ نشده) - درک کند، می‌تواند پس از مرگ آن مجتهد از او تقلید کند، خواه در زمان زنده بودن مجتهد از او تقلید کرده باشد یا از او تقلید نکرده باشد، در غیر این صورت، بنا بر احتیاط عمل کردن به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته جایز نیست.

و چنانچه مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است، بنابراین اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد یا در صورت تساوی به فتوای او عمل کرده باشد، لازم است بر فتوای او باقی بماند و اگر مجتهد زنده اعلم شده باشد، باید به او مراجعه شود و اگر به فتوای مجتهد متوفی که با مجتهد زنده مساوی است عمل نکرده باشد، از هر یک از آنها که بخواهد می‌تواند تقلید کند. و اگر مجتهد پیش از عمل کردن به فتوای او از دنیا برود و انسان به فتوای مجتهد مساوی دیگر عمل کند دیگر نمی‌تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته عمل نماید.

آیه الله سبحانی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، باید از مجتهد زنده تقلید کند ولی در مسائلی که آنها را یاد گرفته است، می‌تواند بر تقلید قبلی باقی بماند اما تقلید از میت ابتدائاً جایز نیست.

آیه الله سیستانی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است. بنابراین، اگر او اعلم از مجتهد زنده باشد باید - با علم به اختلاف در مسائل محل ابتلا ولو اجمالاً - بر تقلید او باقی بماند و چنانچه مجتهد زنده اعلم از او باشد، باید به مجتهد زنده رجوع کند. و اگر اعلمیتی در میان آنها معلوم نشود یا مساوی باشند مخیر است عمل خود را با فتوای هر کدام تطبیق نماید مگر در موارد علم اجمالی یا قیام حجت اجمالی بر تکلیف مانند موارد اختلاف در قصر و تمام که بنا بر احتیاط واجب باید رعایت هر دو فتوا را بنماید و مراد از تقلید در صدر این مسئله صرف التزام به متابعت از فتوای مجتهد معین است نه عمل کردن به دستور او.

آیه الله صافی: بلکه جواز بقا بر تقلید او در سایر مسائل نیز بعید نیست. ولی اگر مجتهد میتی که از او تقلید می‌کرده، اعلم از حی باشد، بقا بر تقلید او، بنا بر احتیاط، واجب است؛ چنان‌که اگر مجتهد حی، از میت اعلم باشد عدول به حی واجب است.

آیه الله فاضل: مسئله باقی ماندن بر تقلید میت جایز است در صورتی که مجتهد میت و مجتهد حی مساوی در علم باشند و چنانچه یکی از آن دو اعلم باشد تقلید از اعلم لازم است و در باقی ماندن بر تقلید میت، فرقی بین مسائلی که عمل نموده و مسائلی که عمل ننموده وجود ندارد.

آیه الله گلپایگانی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، باید از مجتهد زنده تقلید کند. ولی کسی که در مسئله‌ای به فتوای مجتهدی عمل کرده یا آن را یاد گرفته و ملتزم به عمل به آن شده باشد، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسئله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می‌تواند در آن مسئله به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته باقی باشد.

اگرچه احتیاط مستحب آن است که به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید. آیه الله مکارم: هرگاه مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، باقی ماندن بر تقلید او جایز است بلکه اگر اعلم باشد واجب است، به شرط اینکه عمل به فتوای او کرده باشد.

عمل کردن به فتوای مجتهد مرده ابتدائاً جایز نیست هرچند اعلم باشد بنا بر احتیاط واجب.

رجوع به فالاعلم

س ۱۳۹۶ - اگر اعلم در مسئله‌ای فتوا نداده و تنها احتیاط واجب کرده است، ولی فالاعلم آن احتیاط را ندارد، آیا لازم است مقلد اعلم بدانند مرجعش احتیاط واجب کرده و باید نیت رجوع به فالاعلم کند، یا همین که در مقام انجام وظیفه شرعی بوده و عملش طبق فتوای فالاعلم است کافی است؟ به عبارت دیگر، اگر اعلم مثلاً در احرام از مکه قدیم احتیاط واجب است، ولی فالاعلم چنین احتیاطی نداشته، و مقلد اعلم از مکه جدید محرم شده و بعد از اعمال حج فهمیده است که اعلم چنین احتیاطی داشته، آیا عملش صحیح است یا خیر؟ و اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟ آیه الله تبریزی: پس از فهمیدن فتوای فالاعلم در تصحیح عمل، به فتوای وی استناد می‌کند.

آیه الله خامنه‌ای: اگر عمل او در هنگام صدور مطابقت با فتوای کسی بوده که می‌توانست شرعاً از او تقلید کند و بنای بر تقلید او بگذارد، صحیح و مجزی است.

آیه الله زنجانی: اگر معلوم شود عملش مطابق فتوای فالاعلم است کافی است.

آیه الله سبحانی: کافی است عمل او هرچند نداند مطابق فتوای فالاعلم باشد.

آیه الله سیستانی: اگر مطابقت با فتوای کسی که می‌تواند از او تقلید کند داشته باشد،

الآن می‌تواند به او رجوع کند.

آیه الله صافی: در فرض سؤال، بعد از خاتمه اعمال نیت کند که آنچه انجام داده‌ام بر طبق نظر فالاعلم باشد اشکال ندارد البته مشروط به اینکه هنگام احرام از مکه جدید قصد قربت از او متمشی شده باشد.

آیه الله فاضل: همین که عمل مطابق فتوای مشهور باشد صحیح است و نیت رجوع و حتی گفتن و ارجاع دادن لازم نیست. بلی اگر سؤال کردند باید گفت و اگر بعد از عمل متوجه آن احتیاط شدند اعاده لازم نیست، هرچند اگر بخواهند طبق احتیاط اعاده و عمل کنند مانعی ندارد.

آیه الله مکارم: بعد از اعمال حج رجوع به فالأعلم می کند و چون عمل گذشته او با آن هماهنگ است، اعاده لازم نیست.

استطاعت

س ۱۳۹۷ - برخی از زائران ثبت نام شده حج، از معلولیت جسمی به دلیل قطع نخاع و یا شیمیایی شدید و یا بیماری اعصاب و روان حاد برخوردارند که در انجام اعمال حج دچار مشکل می شوند و برخی اعمال از قبیل طواف و نماز طواف را به ناچار باید نایب بگیرند و در مواقع، وقوف اضطراری کنند، امکانات عربستان نیز پاسخگوی آنان خصوصاً در مواقع نیست، [همچنین] ساختمانها مناسب شرایط آنان نمی باشد، مثلاً ویلچر درون حمامها نمی رود، از سرویسهای بهداشتی خصوصاً در عرفات و منا یا نمی توانند استفاده کنند و یا استفاده سخت است. اکنون با توجه به آنچه ذکر شد بفرمایید:

۱. آیا با شرایط فوق، این گونه افراد شرعاً استطاعت دارند یا خیر؟

۲. در صورت مستطیع بودن، با توجه به اینکه از اول می دانند که شخصاً نمی توانند این اعمال

را انجام دهند، تکلیف شرعی آنها چیست؟

آیه الله خامنه ای: اگر سایر شرائط استطاعت فراهم است و رفتن به حج برای خود آنان موجب حرج و سختی زیاد نباشد باید بروند و در غیر این صورت مستطیع نیستند و در صورتی که حج بر آنان از قبل مستقر شده باشد و مأیوس از خوب شدن باشند، باید نایب بگیرند.

آیه الله زنجانی: ج ۱. در شرایط فوق افراد مذکور در سؤال مستطیع نیستند. ج ۲. اگر

حج بر عهده آنها مستقر بوده، باید بدون تأخیر برای انجام حج نایب بگیرند. هرچند اگر انجام حج برای خودشان ضرر اساسی نداشته باشد، شخصاً نیز می‌توانند حج خود را به جا آورند. و اگر حج بر آنها مستقر نبوده چنانچه الان استطاعت مالی دارند و از اینکه بعداً نیز بتوانند شخصاً حج به جا آورند، مأیوسند باید بدون تأخیر نایب بگیرند. والله العالم.

آیه الله سبحانی: محروم کردن افراد معلول که استطاعت مالی برای خود و همراه دارند، جائز نیست. از آنجا که رکن حج همان وقوف در عرفات و مشعر است، می‌توانند از نظر وقوف به اقل اکتفا کنند. دو ساعت قبل از غروب از مکه حرکت کرده، مقداری در عرفات وقوف کنند، سپس به مشعر رفته پس از نیمه شب به سمت منا و از آنجا هم به مکه بروند. اعمال منا را نایب انجام دهد و در اعمال حج، طواف و سعی را خود انجام می‌دهند.

آیه الله سیستانی: جواب سؤال اول: اگر از رفتن به حج به حرج و مشقت زیاد می‌افتند حج بر آنها واجب نیست ولی باید برای حج نایب بگیرند. جواب سؤال دوم: حکم آن روشن شد.

آیه الله مکارم: با توجه به شرایطی که ذکر کردید، این گونه افراد مستطیع نیستند و در صورت لزوم باید نایب بگیرند و احتیاط آن است که عمره مفرده را به جا آورند.

آیه الله صافی: هر یک از افراد مذکور در سؤال که برای رفتن به حج در حرج شدید قرار می‌گیرند واجب نیست شخصاً به مکه مشرف شوند و در صورتی که حج بر آنها مستقر بوده و مأیوس از رفع حرج می‌باشند باید نایب بگیرند و اگر حج بر آنها مستقر نشده و فعلاً استطاعت مالی دارند ولی استطاعت بدنی ندارند، بنا بر احتیاط واجب نایب بگیرند.

آیه الله نوری: در هر دو مورد استطاعت محقق نیست و حج واجب نمی‌باشد.

۱۳۹۸ س - با توجه به حوادث پیش آمده در حج سال ۱۳۹۴ و خوفی که برخی از افراد در

این زمینه دارند، آیا شرایط استطاعت محقق است؟

آیه الله خامنه‌ای: مجرد آنچه ذکر شد مانع از تحقق استطاعت نیست.

آیه الله زنجانی: چنانچه معلوم شود خطر در این سفر بیش از مقدار متعارف سایر سفرها نیست، خوف مذکور مانع استطاعت نخواهد بود.

آیه الله سبحانی: با توکل به خدا فریضه حج را به جا آورید و به خود خوف راه ندهید.

آیه الله سیستانی: اگر خوف عقلایی ضرر معتد به باشد حج واجب نیست، ولی این فرض فعلا مطرح نیست.

آیه الله صافی: در مورد سؤال، تبلیغات سوء مذکور مانع تحقق استطاعت نمی‌شود.

آیه الله مکارم: کسانی که نامشان برای حج درآمده، ترس به خود راه ندهند و توکل بر خدا کنند و به حج بروند.

آیه الله نوری: برای افراد مستطیع رفتن به حج واجب است و شایعات بی‌اساس مانع رفتن به حج نمی‌شود.

نیابت

وظیفه نایب نسبت به مستحبات حج

س ۱۳۹۹ - کسی که در انجام حج بلدی نیابت دارد، چه مقدار از مستحبات مدینه و مکه را باید به نیابت از منوب عنه انجام دهد؟

آیه الله تبریزی: مستحبات مدینه و مکه اگر در ضمن اجاره ذکر نشود، بر عهده اجیر نیست. بلی، آن مستحباتی که در خود حج و عمره متعارف است باید اتیان شود، والله العالم.

آیه الله سبحانی: کسی که اجیر شده در مورد مستحبات مکه و مدینه مثل زیارت قبرستان ابوطالب، مرقد نورانی پیامبر خدا ﷺ و ائمه بقیع و فاطمه زهرا علیها السلام و شهدای احد،

به هر میزان که در قرارداد ذکر شده و یا عرفاً منصرف به آن است عمل کند؛ لیکن اگر در قرارداد چیزی بیان نشده باید مستحباتی که معمولاً در اعمال حج نیابتی به جا آورده می‌شود و متعارف است، ترک نشود و شایسته است که او را در مشاهد مشرفه یاد کند.

آیه الله سیستانی: باید طبق عقد اجاره عمل کند مگر اینکه اطلاق نیابت طبق عرف عام یا خاص منصرف به انجام بعضی از اعمال باشد.

آیه الله صافی: اگر در ضمن عقد اجاره نسبت به مستحبات، خصوصیات ذکر نشده باشد، احتیاط این است که مستحباتی را که به طور متعارف همه یا اکثر حجاج انجام می‌دهند و زحمت معتدّ به ندارد، اقلاً یک بار به نیت منوب عنه به جا آورد، والله العالم.

آیه الله فاضل: به مقدار متعارف انجام دهد.

آیه الله مکارم: به مقداری که در نیابت متعارف است انجام می‌دهد، مگر اینکه شرط خاصی کرده باشند.

آیه الله نوری: مقداری که حجاج به طور معمول و متعارف انجام می‌دهند لازم است، مگر اینکه بیش از آن شرط شده باشد.

س ۱۴۰۰ - کسی که در انجام حج بلدی نیابت دارد، آیا در برگشت از سفر حج نیز باید به

شهر منوب عنه برگردد یا لزومی ندارد؟

آیه الله تبریزی، آیه الله خامنه‌ای: لزومی ندارد.

آیه الله زنجانی: لازم نیست، مگر قرینه‌ای بر لزوم آن باشد.

آیه الله سبحانی: در برگشت لزومی ندارد که به شهر منوب عنه برود مگر این که در عقد اجاره شرط شده باشد و در این صورت نیز اگر تخلف کرده به حج نیابتی او لطمه‌ای وارد نمی‌شود.

آیه الله سیستانی: لازم نیست.

آیه الله صافی: برگشت به شهر منوب عنه لازم نیست بلکه در استیجار و تحقق نیابت شرط بازگشت از مکه مطلقاً معتبر نیست ولی اگر اجیرکننده اجیر را برای رفتن

به حج و برگشتن به شهر منوب عنه اجاره کند، اجیر باید طبق قرار اجاره عمل نماید، والله العالم.

آیه الله فاضل: خیر، لازم نیست، مگر اینکه در ضمن عقد اجاره شرط شده باشد.

آیه الله مکارم: لزومی ندارد.

آیه الله نوری: برگشتن به شهر منوب عنه لازم نیست مگر اینکه شرط شده باشد.

محل احرام برای نایب

س ۱۴۰۱ - شخصی در مدینه منوره، دیگری را اجیر می کند که برای پدر وی حج میقاتی به جا آورد ولی مشخص نکرده است که از مسجد شجره محرم شود یا میقات های دیگر، آیا اجیر می تواند از مسجد شجره به نیت عمره مفرده محرم شود و پس از آن به جحفه یا قرن المنازل برود و برای عمره تمتع استیجاری محرم شود؟

آیه الله تبریزی: در صورتی که قرینه ای ولو از جهت تعارف بر احرام از مسجد شجره احراز نشود می تواند از خود چهار میقات دیگر نیز محرم شود، والله العالم.

آیه الله خامنه ای: در فرض مذکور اجیر می تواند از هر کدام از مواقیع معروف، به نیابت محرم شود. مگر اینکه اجیر گرفتن در مدینه، قرینه باشد بر اینکه مستأجر نظرش مسجد شجره بوده که در این صورت باید از مسجد شجره محرم شود.

آیه الله زنجانی: اجیر می تواند از مسجد شجره عمره مفرده انجام دهد. سپس به یکی از مواقیع پنج گانه رفته، به نیابت محرم شود مگر قرینه ای بر خلاف آن باشد.

آیه الله سبحانی: در فرض سؤال می تواند از یکی از مواقیع معروفه برای عمره تمتع استیجاری محرم شود مگر اینکه قرینه یا متعارف برای او احرام از مسجد شجره باشد.

آیه الله سیستانی: ظاهراً این استیجار منصرف است به احرام از مسجد شجره ولی اگر چنین نباشد یا تصریح به عدم تقیید کند اشکال ندارد.

آیه الله صافی: اگر منصرف به احرام او از مسجد شجره نباشد مانعی ندارد، والله العالم.

آیه الله فاضل: چنانچه عقد اجاره انصراف و یا ظهور عرفی در احرام از خصوص

مسجد شجره را نداشته باشد اشکالی ندارد.

آیه الله مکارم: اگر منظور این است که عمره مفرده را انجام دهد و بعد به میقات برگردد برای عمره تمتع استیجاری محرم شود مانعی ندارد، مشروط بر اینکه فاصله میان دو عمره مطابق فتوای ما حفظ شود.

آیه الله نوری: اگر قرینه‌ای در بین نباشد که منظور مستأجر احرام از مسجد شجره است می‌تواند.

عمره مفرده به نیابت از خود و دیگران

س ۱۴۰۲ - انجام یک عمره مفرده استحبایی، به نیت خود و به نیابت تبرعی دیگران، صحیح

است یا نه؟

آیه الله تبریزی: صحیح است، والله العالم

آیه الله خامنه‌ای: مانع ندارد و صحیح است.

آیه الله زنجانی: صحیح است.

آیه الله سبحانی: اشتراک در نیت در عمره مفرده مستحبی یعنی به نیت خود و نیابت دیگران ولو افراد زیاد باشند اشکالی ندارد و در تمام اعمال باید افراد را ولو اجمالاً در نیت مد نظر داشت.

آیه الله سیستانی: اشکال ندارد.

آیه الله صافی: اشکال ندارد، والله العالم

آیه الله فاضل: مانعی ندارد و صحیح است.

آیه الله مکارم: اشتراک بین خود و دیگران اعم از احياء و اموات اشکال ندارد.

آیه الله نوری: صحیح است.

احرام

احرام از جده

س ۱۴۰۳ - شخصی از روی جهل به مسئله در فرودگاه جده برای عمره مفرده محرم می‌شود و پس از انجام طواف و نماز و سعی متوجه می‌شود که می‌بایست به یکی از مواقیت برود، تکلیف او در این صورت چیست؟

آیه الله تبریزی: احتیاطاً به یکی از مواقیت ولو به جحفه برود و برای عمره مفرده احرام ببندد و اعمال عمره مفرده را انجام دهد، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: فعلاً تکلیفی ندارد، بلی اگر از طرف کسی نایب بوده و یا به سبب نذر عمره واجب شده باشد کفایت نمی‌کند.

آیه الله زنجانی: اگر مسیرش از مواقیت و نزدیکی آنها نباشد، احرام از جده صحیح است، لذا اگر این شخص مستقیماً به مکه رود، احرامش صحیح است.

آیه الله سبحانی: اگر نیت احرام او تا مرز حرم ادامه داشته، ظاهراً صحیح است ولی احتیاط این است که به تنعیم برگردد و دوباره محرم شود گرچه احتیاط بالاتر این است که بعد از تقصیر و طواف نساء و نماز آن به ادنی الحل رفته و محرم شود و اعمال عمره را به عنوان تکلیف فعلی انجام دهد.

آیه الله سیستانی: عمره او باطل است و اگر نمی‌تواند به میقات برود می‌تواند از ادنی الحل؛ مانند مسجد تنعیم، دوباره محرم شود و اعمال را انجام دهد.

آیه الله صافی: در فرض سؤال، احتیاطاً بقیه اعمال عمره را اتمام کند و چنانچه عمره مفرده به نذر و غیره واجب بوده اکتفا به آن نکند و از ادنی الحل محرم شود و عمره واجبه خود را انجام دهد، والله العالم.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال، عمره باطل است و تکلیف خاصی ندارد و چنانچه عمره به جهتی بر او واجب بوده است یا بخواهد یک عمره مستحبی انجام دهد باید

به یکی از مواقیت برگردد ولو به ادنی الحل و محرم شود و اعمال را انجام دهد.

آیه الله مکارم: احرام عمره مفرده منحصر به مواقیت معروف نیست. اگر این شخص توجه می داشت و نیت احرام را در حدیبیه که نقطه ای است میان جده و مکه یا محاذات آن تجدید می کرد، عمره اش صحیح بود و همچنین اگر در جده نذر احرام کرده بود عمره او بی اشکال بود ولی حالا که هیچ یک از این دو کار را انجام نداده احرامش باطل است و باید به تنعیم که ادنی الحل محسوب می شود و امروز در کنار شهر مکه قرار گرفته، برود و از آنجا محرم شود و عمره را تجدید کند.

آیه الله نوری: اگر بعد از اعمال متوجه شود عمره او صحیح است.

احرام از حدیبیه

س ۱۴۰۴ - خواهشمند است بفرمایید آیا زائران ایرانی بیت الله الحرام در موسم حج و یا عمره می توانند از میقات حدیبیه محرم شوند؟ و آیا حدیبیه نیز مانند سایر مواقیت از قبیل میقات شجره و جحفه می باشد یا خیر؟

آیه الله خامنه ای: حکم مواقیت خمسه را ندارد.

آیه الله زنجانی: حدیبیه از مواقیت پنج گانه نیست، البته کسی که از مواقیت و نزدیکی آنها عبور نمی کند می تواند از هر مکانی خارج حرم - مانند حدیبیه - محرم شود.

آیه الله سبحانی: حدیبیه میقات عمره تمتع است در صورتی که شخص به یکی از میقات های معروف و محاذات آنها مرور نکند.

آیه الله سیستانی: حدیبیه مانند تنعیم میقات عمره مفرده است برای کسانی که داخل مکه هستند چه اهل مکه باشند و چه حاجیانی که پس از اعمال حج می خواهند عمره مفرده انجام دهند.

آیه الله صافی: حجاج ایرانی برای انجام عمره تمتع باید از یکی از مواقیت پنج گانه معروفه محرم شوند مانند مسجد شجره و جحفه و از حدیبیه مجزی نیست و همین طور برای عمره مفرده، لکن در عمره مفرده اگر عصباناً از میقات عبور کرده و از

حدیبیه محرم شود عمره صحیح است و چیزی بر او نیست. والله العالم.

آیه الله فاضل: میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنج گانه معروفه است که در مسئله ۹۸ تا ۱۰۷ مناسک حج بیان شده است. و در صورت عدم عبور از آنها، لازم است از محاذی یکی از آنها محرم شود. لذا کسانی که برای حج تمتع از جده به مکه می روند. باید به جحفه یا یکی از مواقیت معروفه دیگر بروند و از آنجا محرم شوند و الا از محاذی یکی از آنها محرم بشوند. و در غیر این صورت احرام عمره تمتع صحیح نیست.

ولی میقات برای احرام عمره مفرده علاوه بر مواقیت پنج گانه معروفه ادنی الحل نیز می باشد اما افضل این است که در حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم محرم شوند. بلی اگر کسی برای عمره مفرده از یکی از مواقیت پنج گانه با تمکن از احرام، بدون احرام عبور کند مرتکب معصیت شده است ولی احرامش از حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم صحیح است.

بنابراین کسانی که از جده برای عمره مفرده به مکه می روند می توانند از حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم محرم شوند و معصیتی نیز مرتکب نشده اند چون از مواقیت پنج گانه عبور نکرده اند.

آیه الله مکارم: ۱. حدیبیه میقات عمره مفرده است (نه میقات عمره تمتع) برای کسانی که از جده به سوی مکه می آیند؛ ۲. از جواب بالا معلوم شد.

آیه الله نوری: کسانی که از جده به مکه می روند لازم است که به جحفه بروند و از آنجا محرم شوند و افرادی که از مدینه به مکه می روند باید از مسجد شجره محرم شوند. و در این حکم فرقی بین اینکه قصد عمره تمتع و انجام حج تمتع داشته باشد یا قصد عمره مفرده داشته باشد نیست. بلی کسی که در مکه است و می خواهد عمره مفرده انجام دهد می تواند به حدیبیه برود و از آنجا محرم شود.

لباس احرام بانوان

س ۱۴۰۵ - شرایط لباس احرام بانوان چیست؟

آیه الله تبریزی: زنان می توانند در لباس دوخته محرم شوند ولی سایر شرایط لباس احرام مردان را در آن باید رعایت نمایند، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: زنان می‌توانند در لباس خودشان محرم شوند و لباس احرام زنان شرط خاصی ندارد؛ مشروط به اینکه شرایط لباس نمازگزار رعایت شده باشد و از حریر خالص نباشد.

آیه الله زنجانی: بانوان برای احرام لباس خاصی ندارند، ولی لباسی را که محرم می‌پوشد باید حلال و پاک بوده و از ابریشم خالص نباشد و تمام شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد، البته این امور شرط صحت احرام نیست.

آیه الله سبحانی: شرایط آن همان شرایط لباس احرام مرد است و احتیاط لازم آن است که زنان نیز علاوه بر جامه‌هایی که بر تن دارند، دو جامه احرامی که مردان به تن می‌کنند بپوشند و طواف و سعی را نیز با آن انجام دهند.

آیه الله سیستانی: می‌توانند در لباس‌های معمولی خود احرام ببندند، مشروط به اینکه: ۱. به احتیاط واجب از حریر خالص نباشد. ۲. از اجزای درندگان نباشد بلکه به احتیاط واجب از اجزای حیوانات حرام گوشت نباشد. ۳. زربافت نباشد. ۴. نجس نباشد مگر نجاستی که در نماز معفو است؛ مانند خون زخم یا خونی که کمتر از بند سر انگشت ابهام است و زن نباید دستکش بپوشد.

آیه الله صافی: پوشیدن لباس احرام برای بانوان واجب نیست بلی استحباب دارد و اگر بخواهند به استحباب عمل کنند، شرایط آن با لباس احرام مردان تفاوت ندارد، والله العالم. آیه الله فاضل: لباس احرام بانوان شرط خاصی ندارد و احتیاط مستحب آن است که در حال نیت و تلبیه بانوان نیز دو لباس احرام را بپوشند.

آیه الله مکارم: برای زن لباس خاصی شرط نیست، خواه دوخته باشد یا غیر دوخته و هر رنگی که باشد، هر چند انتخاب رنگ سفید بهتر است ولی جنس آن باید حریر خالص نباشد.

آیه الله نوری: بانوان می‌توانند در لباس خودشان به هر نحوی که هست احرام ببندند، چه دوخته باشد یا نباشد ولی حریر خالص نباشد.

وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه

س ۱۴۰۶ - وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه چه حکمی دارد؟

آیه الله تبریزی: احتیاط مستحب ترک آن است. والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: تلبیه باید نزد اهل لسان صحیح باشد.

آیه الله زنجانی: اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: اشکال ندارد، اگرچه احتیاط مستحب در عدم وصل به سکون و

وقف به حرکت است.

آیه الله سیستانی: اشکال ندارد.

آیه الله صافی: اشکال ندارد اگرچه احوط و اولی مراعات عدم وصل به سکون و

وقف به حرکت است. والله العالم

آیه الله فاضل: مانعی ندارد.

آیه الله مکارم: در هر دو صورت، اشکال ندارد.

آیه الله نوری: احتیاط واجب در مراعات است.

محرمات احرام**خوردن سبزی‌های خوشبو**

س ۱۴۰۷ - خوردن نعنا و سایر سبزی‌های خوشبو در حال احرام چه حکمی دارد؟

آیه الله تبریزی: مانعی ندارد و احتیاط مستحب آن است که آن را نبوید، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب، محرم از بویدن هرچیز معطر مانند گل‌ها،

سبزیجات و میوه‌های خوشبو اجتناب کند.

آیه الله زنجانی: خوردن سبزیجات خوشبو برای محرم جایز است، ولی باید مواظبت کند

- ولو با گرفتن بینی - که بوی خوش آن به مشامش نرسد.

آیه الله سبحانی: بویدن حرام است ولی خوردن بدون بویدن مانع ندارد.

آیه الله سیستانی: جایز است ولی به احتیاط واجب باید در وقت خوردن، از بوییدن آنها خودداری نماید.

آیه الله صافی: بنا بر احتیاط از خوردن نعنا و سبزی‌های خوشبو اجتناب شود، والله العالم.

آیه الله فاضل: احتیاطاً جایز نیست.

آیه الله مکارم: اشکالی ندارد.

آیه الله نوری: جایز نیست.

استفاده از بوی خوش برای کسی که حس بویایی ندارد

س ۱۴۰۸ - کسی که حس بویایی ندارد یا به علت زکام و سرماخوردگی بویی را احساس

نمی‌کند، استعمال طیب و عطر زدن به بدن و لباس و گرفتن بینی از بوی بد بر او حرام است یا نه؟

آیه الله تبریزی: استعمال طیب بر او حرام است و نسبت به گرفتن بینی از بو، چنانچه

شخص بو را احساس می‌کند ولو مختصر، گرفتن بینی از بوی بد جایز نیست.

آیه الله خامنه‌ای: استعمال طیب در هر صورت جایز نیست، اگرچه بوی آن به

مشامش نرسد، و در گرفتن بینی حکم سایر مُحرمین را دارد.

آیه الله زنجانی: استعمال طیب مانند عطر زدن و خوردن زعفران و... حرام است و بر

کسی که اصلاً بوی بد را احساس نمی‌کند گرفتن بینی حرام نیست.

آیه الله سبحانی: الف) نمی‌تواند به بدن و لباس خود عطر بزند و یا غذای معطر

میل کند.

ب) احتیاطاً بینی خود را از بوی بد نگیرد.

آیه الله سیستانی: استعمال و عطر زدن حرام است ولی اگر احساس بوی بد نمی‌کند

گرفتن بینی حرام نیست.

آیه الله صافی: استعمال طیب و گرفتن بینی از بوی بد برای چنین کسی هم حرام است.

آیه الله فاضل: بلی، در فرض سؤال نیز استعمال طیب و عطر زدن و بینی را از بوی

بد گرفتن حرام است.

آیه الله مکارم: استعمال عطر برای او نیز اشکال دارد ولی گرفتن بینی از بوهای خوب و بد لازم نیست.

پوشیدن دمپایی دوخته

س ۱۴۰۹ - پوشیدن دمپایی دوخته برای مرد محرم چه حکمی دارد؟

آیه الله تبریزی: در صورتی که مقداری روی پا باز باشد مانعی ندارد، والله العالم.
 آیه الله خامنه‌ای: پوشیدن لباس مخیط بر محرم جایز نیست و اگر لباس صدق نکند اشکال ندارد، البته مشروط به اینکه تمام روی پا پوشیده نشود.
 آیه الله زنجانی: اگر تمامی روی پا را نگیرد اشکال ندارد.
 آیه الله سبحانی: اشکالی ندارد.
 آیه الله سیستانی: اشکال ندارد.
 آیه الله صافی: اشکال ندارد، والله العالم.
 آیه الله فاضل: مانعی ندارد.
 آیه الله مکارم: اشکالی ندارد به شرطی که روی پای او را نگیرد ولی بهتر است مردان در حال احرام چنین کفشی نپوشند.
 آیه الله نوری: اشکال دارد.

بند دوخته ساعت مچی

س ۱۴۱۰ - به مچ بستن ساعتی که بند آن دوخته است چه حکمی دارد؟

آیه الله تبریزی: مانعی ندارد، والله العالم.
 آیه الله خامنه‌ای: چنانچه گذشت، پوشیدن چیزی که بر آن لباس صدق نکند، هرچند مخیط باشد اشکالی ندارد.
 آیه الله زنجانی: اشکال ندارد.
 آیه الله سبحانی: اشکال ندارد ولی بهتر است در حال احرام نپوشد.
 آیه الله سیستانی: اشکال ندارد.

آیه الله صافی: بنا بر احتیاط واجب از بستن آن در حال احرام خودداری کند،
والله العالم.

آیه الله فاضل: اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: اشکالی ندارد.

آیه الله نوری: اشکال دارد.

طواف

شکایات طواف

س ۱۴۱۱ - شخصی در پایان یکی از اشواط طواف، آن را رها کرده و لحظه‌ای استراحت می‌کند و هنگامی که برای تکمیل آن برمی‌گردد، شک می‌کند که شوط پنجم بوده یا ششم، تکلیفش چیست؟

آیه الله تبریزی: چنانچه طواف واجب بوده باطل است و باید آن را اعاده نماید،
والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: شک در عدد اشواط طواف بین ۵ و ۶ در هر صورت مبطل طواف است.

آیه الله زنجانی: چنانچه طواف واجب بوده باطل است.

آیه الله سبحانی: طواف او باطل است.

آیه الله سیستانی: طوافش باطل است و باید از سر بگیرد.

آیه الله صافی: در فرض سؤال، ظاهراً طواف مذکور باطل است باید از آن طواف
صرف نظر کند و طواف دیگر انجام دهد، والله العالم.

آیه الله فاضل: طواف وی در فرض سؤال باطل است.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب آن است که آن را رها کند و از نو شروع کند.

آیه الله نوری: طوافش باطل است.

س ۱۴۱۲ - اگر در بین طواف نداند چند شوط به جا آورده، وظیفه‌اش چیست؟

آیه الله تبریزی: شک در عدد اشواط طواف واجب موجب بطلان آن است مگر هنگامی که به حجرالاسود برسد شک کند، هفت شوط به جا آورده یا بیشتر که بنا بر هفت می‌گذارد و طوافش صحیح است. والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: اگر در بین طواف نداند چند شوط طواف انجام داده طوافش باطل است و باید اعاده کند.

آیه الله زنجانی: طواف او باطل است.

آیه الله سبحانی: طواف او باطل است.

آیه الله سیستانی: طوافش باطل است.

آیه الله صافی: طواف باطل است، والله العالم.

آیه الله فاضل: طواف او باطل است، والله العالم.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب آن است که آن را رها کند و از نو شروع کند.

آیه الله نوری: طوافش باطل است و باید اعاده کند.

بطلان طواف

س ۱۴۱۳ - شخصی عمره مفرده‌ای به نیابت از پدرش انجام داده و روز بعد به نیابت

مادرش محرم می‌شود و در اثنای آن، متوجه می‌شود که در عمره اول طواف و نماز آن را بدون

وضو انجام داده است، وظیفه او در این صورت چیست؟

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط طواف و نماز آن را قضا نماید و پس از آن تمام اعمال

عمره مفرده به قصد ما فی الذمه انجام دهد، والله العالم

آیه الله خامنه‌ای: باید طواف و نماز عمره اول را اعاده نماید و احرام دوم نیز صحیح است.

آیه الله زنجانی: احرام دوم باطل است و باید طواف عمره اول و نماز آن را به جا

آورد و اعمال بعدی آن را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: احرام دوم باطل است، باید با طهارت طواف و نماز و سپس اعمال مترتبه عمره را بیاورد و سپس برای مادرش محرم شود و عمره بیاورد لکن صورت بهتر این است که با همان احرام دوم اعمال را به عنوان وظیفه فعلی بیاورد و تقصیر نماید و طواف نساء و نماز آن را نیز به همین نیت بیاورد و چنانچه هر کدام از آن دو عمره یا هر دوی آنها با نذر یا استیجار بر او واجب شده بود مجدداً به احتیاط واجب آنها را بیاورد.

آیه الله سیستانی: احرام دوم باطل است و باید همه اعمال عمره اول را اعاده کند.

آیه الله صافی: در فرض فراموشی وضو، طواف و نماز عمره‌ای را که به نیابت پدر انجام داده اعاده نماید، والله العالم.

آیه الله فاضل: ابتدا طواف و نماز طواف عمره سابق را به جا آورد سپس اعمال عمره فعلی را انجام دهد.

آیه الله مکارم: طواف و نماز عمره اول را اعاده می‌کند و عمره دوم را به قصد رجا ادامه می‌دهد (توجه داشته باشد که در یک ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد مگر اینکه بر نیت رجا؛ یعنی به امید اینکه مطلوب باشد).

آیه الله نوری: بعد از اتمام عمره دوم طواف و نماز آن را که از عمره اول به جا مانده است به جا بیاورد صحیح است.

نجاست معفو در طواف

س ۱۴۱۴ - آیا نجاست معفو در نماز، در طواف نیز معفو است؟ و حکم محمول متنجس در

طواف چیست؟

آیه الله تبریزی: نجاست معفو در نماز، بنا بر احتیاط در طواف معفو نیست و محمول متنجس مضر به طواف نیست، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: خونی که از یک درهم کمتر باشد؛ و نیز خون جراحات و زخم‌ها که موجب بطلان نماز نمی‌شود، بر صحت طواف نیز خللی وارد نمی‌کند و پاک بودن جوراب و دستمال و انگشتر و مانند آنها شرط نیست.

آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط مستحب در طواف از نجاساتی هم که در نماز بخشیده شده است و همچنین از همراه داشتن متنجس اجتناب شود.

آیه الله سبحانی: نجاستی که در نماز از آن عفو شده در طواف از آن عفو نشده است ولی حمل چیز نجس که ساتر نباشد مانند دستمال نجس ضرری به صحت طواف نمی‌زند.

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب معفو نیست ولی حمل متنجس اشکال ندارد.

آیه الله صافی: بنا بر احتیاط نجاست معفو در نماز، در طواف معفو نیست اما محمول متنجس اگر ساتر نباشد اشکال ندارد، والله العالم.

آیه الله فاضل: احتیاط واجب آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده و از محمول متنجس اجتناب شود.

آیه الله مکارم: نجاسات معفو نیست (بنا بر احتیاط واجب) ولی محمول متنجس اشکالی ندارد.

آیه الله نوری: در طواف معفو نیست و محمول هم باید متنجس نباشد.

غسل مستحب طواف

س ۱۴۱۵ - آیا به جز غسل مستحبی برای رفتن به مسجدالحرام، غسل دیگری برای طواف مستحب است و در صورت وجود چنین استحبابی، آیا یک غسل به نیت هر دو کافی است؟

آیه الله تبریزی: برای زیارت بیت الله غسل مستحب است و طواف، زیارت بیت است، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: برای خصوص طواف هم غسل مستحبی وارد شده است ولی می‌توانید هر دو را در یک غسل نیت کنید.

آیه الله زنجانی: غسل‌هایی که در ارتباط با مسجدالحرام مستحب است عبارت است از: ۱- غسل ورود؛ ۲- غسل ورود به مکه؛ ۳- غسل زیارت خانه کعبه؛ ۴- غسل طواف؛ ۵- غسل دخول کعبه و انجام یک غسل به نیت‌های متعدد صحیح است.

آیه الله سبحانی: آنچه که از غسل‌های مستحب بیان شده است یکی غسل ورود به

حرم است که اگر کسی تا ورود به مکه آن را تأخیر انداخت مانعی ندارد سپس غسل ورود به مکه است که این غیر غسل ورود به حرم است و رجائاً می‌شود هر دو را به یک نسبت انجام داد و اگر کسی این دو غسل را انجام نداد و تأخیر انداخت تا موقعی که منزل گرفت در منزل و قبل از رفتن به مسجدالحرام غسل کند کفایت می‌کند و دیگری غسل ورود به خانه کعبه است.

آیه الله سیستانی: غسل زیارت کعبه مستحب است ولی استحباب غسل دخول مسجدالحرام و غسل طواف ثابت نیست و اگر خواست انجام دهد به قصد رجا اشکال ندارد و می‌تواند یک غسل را به نیت‌های متعدد انجام دهد.

آیه الله صافی: غسل برای طواف بالخصوص، به نظر نرسیده است، والله العالم.

آیه الله فاضل: بلی برای هر دو مورد؛ یعنی دخول در مسجدالحرام و طواف غسل مستحب است و یک غسل به نیت هر دو کفایت می‌کند.

آیه الله مکارم: ظاهراً طواف، غسل مستحب ندارد.

آیه الله نوری: به جز غسل مستحبی برای رفتن به مسجدالحرام استحباب غسل دیگری برای طواف ثابت نیست.

هل خوردن در طواف

س ۱۴۱۶ - شخصی در یکی از اشواط، گام‌هایی را در اثر فشار جمعیت بی‌اختیار پیموده و به همان نحو ادامه داده و طواف را پایان برده است، اکنون که مسئله را فرا گرفته، نه جای آن مقدار را می‌داند و نه شوط را، تکلیف او چیست؟

آیه الله تبریزی: حرکت غیر اختیاری در فرض مزبور مضر به طواف نیست، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: اگر با اختیار خود می‌رود ولی در اثر فشار جمعیت ممکن است گاهی به جلو یا به این طرف و آن طرف برود مانعی ندارد، ولی اگر دیگری او را ببرد به طوری که اراده از او سلب گردد اشکال دارد.

آیه الله زنجانی: همین مقدار که با اراده خودش قدم برداشته کافی است. البته اگر فشار

جمعیت او را بلند کرده جلو برده باشند اشکال دارد و می‌تواند طواف را از سر بگیرد. آیه الله سبحانی: هرگاه قصد طواف همراه با جمعیت را کرده باشد کافی است وگرنه احتیاطاً خودش و اگر مقدور نیست یک طواف کامل به نیت تکلیف فعلی انجام دهد و نماز آن را بخواند.

آیه الله سیستانی: اگر کاملاً بی‌اختیار بوده طواف را پس از فوت موالات از سر بگیرد. آیه الله صافی: از طواف مذکور صرف نظر کند و طواف دیگر انجام دهد، والله العالم آیه الله فاضل: احتیاطاً خودش و اگر نمی‌تواند فردی را نایب کند تا یک طواف و نماز طواف برای او به جا آورد.

آیه الله مکارم: اگر منظور از بی‌اختیار بودن این است که در وسط جمعیت قرار گرفته و قصد طواف دارد و جمعیت او را پیش می‌برند این وضع ضرری به طواف نمی‌زند. آیه الله نوری: لازم است طواف را اعاده کند.

طواف معذورین

س ۱۴۱۷، الف - افراد ناتوان که قبلاً با سندلی چرخ‌دار (ویلچر) یا سبد (تخت روان) طواف داده می‌شدند، در سال جاری از طواف در صحن مسجدالحرام منع شده‌اند و حتی ممکن است کسی نباشد تا فرد ناتوان را بر دوش خود حمل کند و طواف بدهد یا همین کار نیز ممنوع شود و چنین افرادی باید در طبقه دوم یا پشت بام مسجدالحرام طواف داده شوند. آیا چنین طوافی کفایت می‌کند یا نه، وظیفه آنان چیست؟

آیه الله بهجت: در صورت عدم امکان، با رعایت الاقرب فالاقرب، کفایت می‌کند. آیه الله تبریزی: احتیاط واجب آن است که آنها را از طبقه دوم طواف دهند و نایب هم برایشان بگیرند.

آیه الله خامنه‌ای: هرگاه به هر جهت نتواند در صحن مسجدالحرام طواف کند، و باید طواف را در طبقه دوم انجام دهد، به احتیاط واجب باید چنین شخصی خودش در طبقه دوم طواف کند و کسی را هم نایب بگیرد که برای او در صحن مسجد طواف انجام

دهد، و نماز را هم خودش در طبقه دوم، و نائیش در صحن مسجد بخوانند، و اگر خودش بتواند در صحن مسجد نماز بخواند همان نماز او کفایت می‌کند.

آیه الله زنجانی: طواف بر روی طبقه دوم صحیح نیست و اگر نتواند در مطاف (محدوده مقام ابراهیم و در صورت حرج نوعی، در صحن مسجد یا طبقه اول) طواف کند، باید نایب بگیرد تا در مطاف از طرف او طواف نماید و اگر از نایب گرفتن نیز معذور است، می‌تواند در طبقه دوم طواف کند.

آیه الله سبحانی: باید برای طواف و نماز در پایین نایب بگیرد و علاوه بر نایب، خود در طبقه دوم طواف را انجام دهد و نماز طواف را در پایین، و اگر مشقت دارد، در بالا، به گونه‌ای که پشت مقام قرار گیرد، بخواند و خود شخص باید در طبقه‌ای که اقرب به کعبه است، طوافش را به جا آورد، نه در طبقه ابعد. بنابراین تا می‌تواند در طبقه دوم طواف کند، به طبقه سوم نرود.

آیه الله سیستانی: چنانچه احراز شود که طبقه دوم بالاتر از کعبه است، طواف از بالا کفایت نمی‌کند و باید برای طواف از پایین نایب بگیرند و لازم نیست احتیاط کنند و چنانچه مطلب مشکوک باشد، باید احتیاطاً بین طواف از بالا و نایب گرفتن از پایین جمع نمایند.

آیه الله صافی: در فرض مذکور این افراد باید نایب بگیرند تا نایب در صحن مسجد الحرام طواف کند و بنا بر احتیاط مستحب خود در طبقه دوم طواف داده شود.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال، چنانچه کعبه مقدسه از طبقه دوم پایین‌تر نباشد، احتیاط واجب آن است که علاوه بر اینکه در طبقه دوم طواف داده می‌شوند، استنابه هم بنمایند؛ والله العالم.

آیه الله مکارم: در این گونه موارد که راهی جز این نیست، طواف در طبقه بالا کفایت می‌کند.
آیه الله نوری: طواف در طبقه فوقانی صحیح نیست و این قبیل افراد باید به وسیله کول گرفتن طواف خود را انجام بدهند و اگر ممکن نشد، لازم است برای طواف خود نایب بگیرند.

سعی

سعی در مسعای جدید

س ۱۴۱۸ - نظر به اینکه عرض مسعی را از سمت شرق (بیرون مسجدالحرام) موازی سالن موجود توسعه داده‌اند و تقریباً عرض راهروی بین صفا و مروه دو برابر شده، لذا خواهشمند است بفرمایید سعی در قسمت افزوده شده جدید چه حکمی دارد؟

شایان ذکر است که طبق نظر کارشناسان و کسانی که از سال‌ها پیش سابقه تشریف دارند، کوه صفا و مروه تا این قسمت نیز امتداد داشته و هم‌اکنون نیز ریشه کوه وجود دارد. آیه الله بهجت: اگر ثابت شود که عرض مسعای جدید در بین کوه صفا و مروه در سابق بوده که مانعی ندارد ولی اگر در خارج از حد بین الجبلین باشد، باید اقرب به مسعای واقعی رعایت شود.

آیه الله خامنه‌ای: سعی در مقدار توسعه یافته صحیح و مجزی است. آیه الله زنجانی: سعی در قسمت توسعه یافته مسعی کفایت می‌کند، ولی بهتر است سعی را از قسمت قدیم صفا شروع کرده، به قسمت قدیم مروه ختم نماید، هرچند در ادامه سعی برای رفتن به مروه از قسمت جدید سعی نماید.

آیه الله سبحانی: سعی در قسمت توسعه یافته مسعی مجزی است. والله العالم آیه الله مکارم: با توجه به شهادتی که به وجود ریشه‌های کوه داده شده، و با توجه به شهادت شهودی که می‌گویند قبلاً برجستگی کوه را در آن سمت دیده‌اند و بعداً در ساختمان‌های جدید تخریب شده، مشکلی برای سعی حجاج به وجود نمی‌آورد به خصوص اینکه حجاج می‌توانند از سمت مسجدالحرام که برای سعی می‌آیند نیت کنند از کنار کوه صفا بگذرند و وارد مسعای جدید شوند و در موقع رسیدن به مروه نیز از کنار مروه بگذرند و به این ترتیب مصداق ﴿أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾ خواهد بود.

آیه الله نوری: در فرض سؤال، که در گذشته این قسمت که الان به مسعی اضافه می‌شود، جزء صفا و مروه بوده، سعی در قسمت جدید، اشکال ندارد.

خروج از مکه

خروج از مکه پس از عمره تمتع

س ۱۴۱۹ - شخصی از میقات برای انجام عمره تمتع محرم شده و اعمال عمره را نیز به پایان برده و عمدتاً یا اضطراراً بین الإحرامین از مکه خارج شده است، بدون آنکه به احرام حج محرم شود، و مثلاً به مدینه آمده و بار دیگر به قصد مکه از میقات می‌گذرد، وظیفه او نسبت به احرام در میقات یا گذشتن از میقات بدون احرام چیست؟

آیه الله تبریزی، آیه الله خامنه‌ای: اگر در همان ماه هلالی که برای عمره تمتع احرام بسته برگردد نیاز به احرام جدید نیست و اگر در ماه دیگر برگردد، باید بار دیگر محرم به عمره تمتع بشود، والله العالم.

آیه الله زنجانی: چنانچه بدون عذر از مکه خارج شده عمره تمتعش باطل می‌شود و در مورد گذشتن از میقات چنانچه از احرام قبلی او سی روز نگذشته، می‌تواند بدون احرام از میقات بگذرد.

آیه الله سبحانی: هرگاه پیش از گذشتن یک ماه قمری از میقات بگذرد می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود و در غیر این صورت باید محرم به عمره تمتع شود و میزان در عمره تمتع ماه قمری است.

آیه الله سیستانی: اگر در همان ماه برگردد احرام لازم نیست و اگر در ماه بعد باشد، پس اگر دوباره نخواهد خارج شود تا زمان حج باید به قصد عمره تمتع محرم شود و اگر دوباره قصد خروج و بازگشت در ماه بعد دارد باید به قصد عمره مفرده محرم شود.

آیه الله صافی: در فرض سؤال، اگر در همان ماهی که محرم به عمره تمتع شده و عمره را انجام داده، از مکه بیرون رفته و در همان ماه برگشته، احرام لازم نیست و اگر یک ماه فاصله شده باید مجدداً جهت عمره تمتع محرم شود و عمره اولی مفرده می‌شود، و اگر یک ماه فاصله نشده ولی در غیر ماهی که محرم به عمره تمتع شده بوده

دوباره به مکه وارد می‌شود، احتیاطاً جهت عمره تمتع دوباره محرم شود، والله العالم.
آیه الله فاضل: اگر در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده است بخواهد برگردد دیگر لازم نیست محرم شود و حج تمتع او به همان صورت صحیح است. اما اگر در ماه بعد بخواهد وارد مکه شود محرم به احرام عمره تمتع شود و عمره اولیه فاسد می‌شود و طواف نساء هم لازم نیست.

آیه الله مکارم: هرگاه در همان ماه قمری که محرم شده برگردد، احرام دیگر لازم نیست.

آیه الله نوری: احتیاط واجب آن است که از میقات بدون احرام بگذرد و برای دخول مکه احرام ببندد و برای حج خود نیز از مکه محرم شود و هر دو احرام را به قصد قربت مطلقه انجام دهد.

س ۱۴۲۰ - شخصی که کارمند سازمان حج و زیارت است و به علت مأموریت شغلی ممکن است از مکه خارج شود؛ مثلاً به مدینه برگردد، ولی یقین به این امر ندارد، آیا وقت احرام در میقات می‌تواند به نیت عمره تمتع محرم شود؟

آیه الله تبریزی: می‌تواند به نیت عمره تمتع محرم شود و اگر از مکه بخواهد خارج شود احکام خروج از مکه را باید رعایت نماید، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: می‌تواند نیت عمره تمتع کند.
آیه الله زنجانی: مانعی ندارد، ولی بهتر است بار اول با احرام عمره مفرده وارد شود و در آخرین باری که دیگر نمی‌خواهد از مکه خارج شود از تنعیم احرام عمره تمتع بسته، اعمال آن را انجام بدهد.

آیه الله سبحانی: احرام عمره تمتع او صحیح است ولی در صورت خروج از مکه باید احکام آن را رعایت کند.

آیه الله سیستانی: می‌تواند بلکه اگر قصد خروج ندارد باید نیت تمتع کند و خارج شدن برای کاری، هرچند غیر ضروری، اشکال ندارد در صورتی که مطمئن باشد حج را درک می‌کند.

آیه الله صافی: بلی می تواند، والله العالم.

آیه الله فاضل: بلی می تواند و خروج از مکه در صورتی که اطمینان به رسیدن برای اعمال حج را دارد جایز است.

آیه الله مکارم: می توانند برای عمره تمتع احرام ببندند حتی در صورتی که یقین داشته باشند که به خاطر الزام های شغلی، بعد از پایان عمره تمتع از مکه خارج می شوند، مشروط بر اینکه برای انجام حج به موقع برگردند.

خروج از مکه پیش از اتمام اعمال حج

س ۱۴۲۱ - خارج شدن از شهر مکه و منا، مثلا رفتن به جده، مدینه یا طائف در موارد ذیل

چه حکمی دارد؟

(الف) پس از اعمال روز عید قربان پیش از اعمال مکه.

(ب) در روز یازدهم پس از رمی جمرات

(ج) پس از بیتوته نیمه اول شب یازدهم یا دوازدهم.

(د) پس از اعمال ایام تشریق، پیش از اعمال مکه.

آیه الله تبریزی: خارج شدن از مکه و توابع آن، قبل از اعمال مکه و تمام کردن آن جایز نیست.

آیه الله خامنه ای: در همه صور یاد شده بی اشکال است، ولی باید خروج به نحوی باشد که بتواند مناسک باقیمانده را در وقت خودش انجام دهد.

آیه الله سبحانی: احتیاط آن است که تا اعمال را تکمیل نکرده است بیرون نرود.

والله العالم

آیه الله سیستانی: اشکال ندارد مگر اینکه در ماه ذی قعدة مُحرم به احرام عمره تمتع شده بود که در این صورت برای برگشت باید مُحرم به عمره مفرده شده و داخل مکه بشود.

آیه الله صافی: در هیچ یک از موارد مذکور جایز نیست.

آیه الله فاضل: احتیاط واجب است که تا اعمال حج تمام نشده از مکه و منا خارج نشود مگر اینکه اطمینان داشته باشد که برای اتمام اعمال برمی گردد.
 آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

تجاوز از میقات

س ۱۴۲۲ - کسی که در فاصله کمتر از یک ماه، که عمره مفرده انجام داده و به مدینه برگشته و بار دیگر قصد رفتن به مکه دارد، آیا می تواند بدون احرام از میقات بگذرد و عمره مفرده ای نیز به جا نیاورد؟

آیه الله تبریزی: اگر در همان ماه هلالی که مُحرم برای عمره مفرده شده برگردد، احرام جدید لازم نیست، والله العالم.

آیه الله خامنه ای: بر کسانی که پس از اعمال حج یا عمره از مکه خارج شده و می خواهند در همان ماه انجام حج یا عمره، دوباره وارد مکه شوند، احرام مجدد واجب نیست.

آیه الله زنجانی: اگر از احرام قبلی سی روز نگذشته می تواند بدون احرام وارد شود.

آیه الله سبحانی: اگر در همان ماه قمری به مکه بازگردد نیازی به تجدید احرام نیست.

آیه الله سیستانی: معیار فاصله یک ماه نیست بلکه اگر در همان ماه به مکه برگردد احرام لازم نیست و اگر در ماه بعد باشد هر چند فاصله یک روز باشد باید با احرام وارد شود.

آیه الله صافی: اگر در همان ماهی که محرم شده و اعمال عمره مفرده انجام داده از میقات عبور می کند احرام برای عمره مفرده دیگر لازم نیست. والله العالم.

آیه الله فاضل: اگر در همان ماه قمری که عمره مفرده انجام داده قصد مکه کند، جایز است که بدون احرام وارد مکه شود. اما اگر در ماه بعد قصد مکه کند باید محرم به احرام عمره شود و بدون احرام جایز نیست.

آیه الله مکارم: اگر در همان ماه قمری برگردد، احرام و عمره بر او نیست.

آیه الله نوری: بلی می تواند.

س ۱۴۲۳ - یکی از کارمندان سازمان حج و زیارت که بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره قبلی او گذشته، برای کاری به جده می‌رود و در برگشت، بدون احرام وارد مکه شده است، وظیفه‌اش چیست؟

آیه الله تبریزی: گرچه دخول در مکه بدون احرام پس از گذشت ماه قمری که در آن ماه احرام عمره قبلی را بسته بوده، جایز نیست ولی بعد از دخول مکه تکلیفی ندارد، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: فعلاً وظیفه خاصی ندارد ولی اگر از روی عمد بدون احرام وارد مکه شده، عمل حرام انجام داده و باید توبه کند.

آیه الله زنجانی: اگر بدون عذر بی‌احرام وارد مکه شده باید توبه کند و در هر حال تکلیف دیگری ندارد.

آیه الله سبحانی: اگر برگشت او به مکه در ماه قمری دیگر (غیر از ماه خروج) است و بخواهد حج تمتع انجام دهد باید در ادنی الحل احرام ببندد و عمره را اعاده کند و چنانچه قصد عمره تمتع دارد ترجیحاً به حدیبیه برود و از آنجا محرم به احرام تمتع شود.

آیه الله سیستانی: گناه کرده و چیزی بر او نیست ضمناً معیار در لزوم عمره برای ورود به مکه گذشتن یک ماه نیست بلکه ورود در ماه قمری دیگر است هرچند روز بعد باشد.

آیه الله صافی: بر چنین شخصی واجب بوده که بدون احرام وارد حرم نشود حال که با علم و عمد و یا از روی جهل وارد حرم شده، اگر موقع حج است و می‌خواهد حج تمتع انجام دهد باید به یکی از مواقیت معروفه؛ مانند جحفه یا مسجد شجره برود و برای عمره تمتع محرم شود و اگر موقع حج نیست یا نمی‌خواهد حج تمتع به جا آورد فعلاً تکلیفی ندارد، والله العالم

آیه الله فاضل: باید با احرام وارد مکه می‌شده است ولی در فرض مزبور فعلاً وظیفه‌ای ندارد.

آیه الله مکارم: کار خلاف شرعی انجام داده است و باید برگردد و محرم شود.
 آیه الله نوری: لازم است به یکی از مواقیت برگردد و در آنجا احرام برای عمره
 مفرده ببندد و عمره مفرده انجام بدهد و اگر می خواهد حج تمتع انجام بدهد احرام
 عمره تمتع ببندد.

رمی

رمی در طبقات فوقانی

س ۱۴۲۴ - رمی جمرات از طبقه فوقانی جایز و مکفی است یا نه؟ و چنانچه بر اثر ازدحام

جمعیت رمی در طبقه پایین مشکل باشد تکلیف چیست؟

امام خمینی: جایز است و لازم نیست در طبقه اول رمی نمایند.

آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: رمی در هر دو طبقه جایز و کافی است.

آیه الله تبریزی: کفایت رمی مزبور محل اشکال است مگر اینکه از بالا، پایین جمره
 را بتواند رمی کند و اگر در تمام روز رمی در طبقه پایین مشکل باشد و خوف بر نفس
 داشته باشد، شب قبل رمی نماید و چنانچه در روز هم متمکن شد رمی را اعاده می کند.
 والله العالم.

آیه الله خامنه ای: بنا بر ظاهر، انجام رمی از طبقه بالا (پل جمرات) جایز است،
 هر چند احوط آن است که از محل پیشین رمی کند.

آیه الله سبحانی: رمی در تمام طبقات جایز است.

آیه الله سیستانی: اکتفا به رمی مقدار اضافه شده، محل اشکال است اگر رمی مقدار
 سابق ممکن نباشد هم خود به مقدار جدید اضافه شده رمی کند و هم نایب بگیرد که
 به مقدار زاید رمی نماید.

آیه الله صافی: رمی آنچه بر ستون جمره اضافه شده خلاف احتیاط است ولی اگر از

طبقه فوقانی به قسمت قبلی جمره رمی کنند اشکال ندارد. والله العالم.

آیه الله فاضل، آیه الله نوری: رمی از طبقه فوقانی جایز است.

آیه الله گلپایگانی: رمی در طبقه بالا خلاف احتیاط است و اگر در همان روز متمکن

از رمی در طبقه پایین نشدند روز بعد در طبقه پایین رمی کنند. والله العالم.

آیه الله مکارم: رمی از طبقات بالا مانع ندارد، مخصوصاً در هنگام ازدحام.

رمی جمرات توسعه یافته

س ۱۴۲۵ - ستون قبلی جمرات در طبقات پایین و بالا، در هر جمره به صورت دیواری به طول

۲۵ متر و عرض یک متر ساخته شده است که تشخیص محل قبلی ستون‌ها و ایستادن در آن محل

پر ازدحام برای تشخیص آن، کاری دشوار و یا غیر ممکن است، از این رو خواهشمند است بفرمایید

تکلیف حجاج در رمی جمرات چیست؟ و آیا رمی تمام دیوار ۲۵ متری کفایت می‌کند یا خیر؟

آیه الله بهجت: اگر ضرورت است، به اینکه ممکن نیست سؤال شود که از کجا زیاد

شده، اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی: با فحص و سؤال از کسانی که از کیفیت بنا اطلاع دارند، به دیوار

جدیدی که مقابل ستون‌های قبلی قرار گرفته رمی کنند و اگر تشخیص محل قبلی

ستون‌ها و ایستادن در محل پر ازدحام برای تشخیص آن، کاری دشوار و یا غیر ممکن

بود (با توجه به نقشه ارسالی به این جانب از جمرات جدید) چنانچه وسط دیوار

جدید را در نظر بگیرند و رمی کنند، مجزی است ان شاء الله تعالی.

آیه الله خامنه‌ای: اگر بتواند جای جمره قدیمی را بشناسد و آن را رمی کند، باید

همان جا را رمی کند، و اگر شناختن جای جمره قدیمی یا رمی آن برای او مشقت

داشته باشد، هر جای جمره فعلی را رمی کند کافی است.

آیه الله زنجانی: سنگ‌زدن به ستون‌هایی که اخیراً احداث شده است، حتی

قسمت‌هایی که از محل جمرات سابق بیرون است و همچنین رمی هر دو طرف دیوار

کافی است.

آیه الله سبحانی: به ذیل مسئله ۱۰۰۱ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: اگر دیوار موجود، مشتمل بر ستون سابق باشد و تشخیص آن هرچند به کمک اهل خبره قبل از رمی میسور باشد، بنا بر احتیاط واجب باید همان قسمت را رمی کنند و اگر میسور نباشد، به احتیاط واجب، باید رمی را تکرار کنند، مگر مقداری که مستلزم حرج یا ضرر است.

آیه الله صافی: در صورت عدم امکان رمی ستون سابق، محاذی ستون سابق رمی شود؛ والله العالم.

آیه الله فاضل: بلی، در فرض مزبور رمی جمرات فعلی کفایت می‌کند.

آیه الله مکارم: پرتاب سنگ به آن حوضچه، هرچند بزرگتر از سابق شده است کافی است، و اگر به دیوار مزبور بزنند تا در حوضچه بیفتد، آن هم کفایت می‌کند، و هیچ ضرورتی ندارد که جای ستون سابق را پیدا کنند و به آن بزنند.

قربانی

ذبح با استیل

س ۱۴۲۶ - ذبح حیوان با چاقوی استیل چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه اهل خبره استیل

را هم نوعی آهن می‌دانند.

امام خمینی: اگر معلوم نباشد آهن است یا نه، صحیح نیست.

آیه الله بهجت: اگر آهن است صحیح است.

آیه الله تبریزی: ذبح حیوان با استیل در صورتی که آهن پیدا نشود مانع ندارد و

ملاک در آهن بودن صدق عرفی است و نظر مبتنی بر نظریات دقیق علمی اعتباری ندارد. والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: استیل (که فولاد مخلوط با ماده ضد زنگ است) در حکم آهن است.

آیه الله زنجانی: اشکال ندارد هرچند آهن نباشد.

آیه الله سبحانی: کاردهای استیل و غیر استیل فرقی نمی‌کند همین که فلز باشد و تیز که حیوان را اذیت نکند کافی است.

آیه الله سیستانی: جایز بودن ذبح با چاقوی استیل خالی از اشکال نیست و جای احتیاط است.

آیه الله صافی: ذبح باید با حدید باشد و تشخیص آن با عرف است و اگر کسی یقین کند استیل حدید است برای او اشکال ندارد. والله العالم.

آیه الله فاضل: با تحقیقی که انجام گرفته استیل نوعی از آهن است که از امتیاز خاصی برخوردار است در این صورت ذبح با آن مانعی ندارد و بر فرض احتمال امتزاج غیر آهن به آن، چون مقدار امتزاج شده نسبت بسیار کمی دارد و مضر به صدق آهن نیست، در این صورت نیز مانعی ندارد.

آیه الله گلپایگانی: ذبح باید با آلت حدیدی باشد و حدید بودن آلت مذکوره در سؤال محرز نیست. والله العالم.

آیه الله مکارم: با هر فلز برنده‌ای صحیح است.

حلق

حلق با ماشین اصلاح

س ۱۴۲۷ - آیا در اعمال حج، حلق با ماشین‌هایی که مانند تیغ، موی سر را می‌تراشد کفایت

می‌کند یا حتماً باید با تیغ باشد؟

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط باید با تیغ باشد.

آیه الله زنجانی: کفایت می‌کند.

آیه الله سبحانی: ماشین‌های ته‌زن که مانند تیغ موی سر را می‌تراشند کافی است،

زیرا عرفاً حلق صدق می‌کند.

آیه الله سیستانی: کفایت می کند.

آیه الله صافی: باید حلق صدق کند یعنی تراشیدن و مجرد ازاله مو مانند تراشیدن، حلق محسوب نمی شود.

آیه الله مکارم: کفایت می کند.

آیه الله نوری: در فرض سؤال حلق با ماشین مزبور اشکال ندارد.

لزوم رعایت ترتیب اعمال منا

س ۱۴۲۸ - نظر به محدودیت سرزمین منا، اگر وقوف به منا بر اثر ازدحام جمعیت موجب عسر و حرج گردد و برای محرم به احرام حج خوف خطر جانی در روز عید قربان وجود داشته باشد، آیا وجوب ترتیب در اعمال منا همچنان لازم است و یا می شود ترتیب اعمال منا را رعایت نکرد؟

آیه الله خامنه ای: اگر این خوف برای تمام روز باشد، می تواند ترتیب را رعایت نکند، بلکه در این صورت احتیاط واجب این است که ذبح و حلق را از روز عید به تاخیر نیندازد.

آیه الله زنجانی: در فرض سؤال، می تواند شب عید، رمی جمره عقبه را انجام دهد.
 آیه الله سبحانی: اعمال منا باید موقعی انجام بگیرد که خطری نباشد و چون اهل سنت روز دهم پیش از ظهر انجام می دهند، معمولاً ساعت ده به آن طرف خطری نیست و اگر هم احتمال خطری باشد، بعد از ظهر انجام دهند و روز یازده و دوازده جریان برعکس است، خطر بعد از ظهر است، نه پیش از ظهر و در هر حال، ذبح و حلق را باید بعد از رمی جمره عقبه انجام دهند ولو روز بعد. البته حلق را از روز سیزدهم تاخیر نیندازند، هر چند موفق به ذبح نشوند.

آیه الله صافی: در فرض مذکور رعایت ترتیب اعمال منا لازم نیست.

آیه الله مکارم: می توانند آنها در شب رمی کنند و اگر آن هم میسر نشود، می توانند ترتیب را به هم بزنند.

آیه الله نوری: اگر خوف جانی در روز عید قربان پس از انجام وقوف به عرفات و وقوف به مشعر به وجود بیاید و نتواند برای اعمال منا نایب بگیرد، در همان محل که ممنوعیت به وجود آمده است یک شتر یا گاو و یا گوسفند به نیت تحلیل قربانی کند و قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد. با این عمل از احرام خارج می‌شود و همه چیزهایی که در نتیجه احرام بر او حرام شده بود، حلال می‌شود.

بیتوته

بیتوته در منا

س ۱۴۲۹ - نظر به محدودیت سرزمین منا، اگر وقوف به منا بر اثر ازدحام جمعیت موجب عسر و حرج گردد، حکم شرعی مسائل ذیل را بیان فرمایید:

۱. در صورت توسعه سرزمین منا از طرف دولت عربستان آیا بیتوته در محدوده توسعه یافته جایز است؟

۲. اگر بیتوته در محدوده فعلی منا (چادرهای اختصاص یافته) مقدور نباشد و باعث عسر و حرج گردد آیا می‌توان در مشعر وقوف نمود؟

۳. ملاک عسر و حرج و چگونگی وقوف در محدوده فعلی با توجه به محدودیت چادرهای اختصاص یافته و عدم امکان وقوف در معابر چیست؟

آیه الله خامنه‌ای: در صورت عدم تمکن از بیتوته در منا، بیتوته در دامنه و بالای کوه مشرف به منا مجزی است و کفاره ندارد.

آیه الله مکارم: ج ۱. در فرض ضرورت جایز است، ج ۲. در صورتی که باعث عسر و حرج شود مانعی ندارد. ج ۳. منظور از عسر و حرج این است که وقوف در محدوده فعلی مشقت بسیار زیادی داشته باشد.

آیه الله سبحانی: کسانی که می‌توانند به جای بیتوته در منا به مکه بروند و در

مسجدالحرام به عبادت پردازند، باید این فرض را مقدم بدانند. ولی اگر این فرض ممکن نشد و یا به حرج مقرون گشت، باید به اقرب فالاقرب اکتفا کرد. البته مادامی که سعودی‌ها چادرهای ایرانی را اجبار به خروج از منا نکرده‌اند، بیتوته در نقطه‌ای دیگر جایز نیست.

آیه الله سیستانی: ۱. خیر مگر در وادی محسر. ۲. اگر بیتوته در منا و در فرض ضیق منا بر اثر ازدحام جمعیت در وادی محسر، ممکن نباشد، نسبت به آن وظیفه‌ای ندارد و بدل آنکه اشتغال به عبادت در مکه است، اتیان کند. ۳. عسر و حرج، همان مشقت زیاد است.

آیه الله صافی: ۱. مجزی نیست. ۲. وقوف در مشعر هم مجزی نیست. ۳. در فرض مذکور که مبیت به منا ممکن نیست، برای هر شب یک گوسفند کفاره بدهد و یا در این شب‌ها در مکه به عبادت مشغول باشد و به کار دیگر غیر از عبادت مشغول نباشد مگر کارهای ضروری، مانند خوردن و آشامیدن و تجدید وضو که در این صورت مبیت به منا واجب نیست. والله العالم.

آیه الله نوری: ۱. اشکال ندارد. ۲. خیر، باید از همان سرزمین توسعه یافته منا استفاده شود. ۳. از جواب قبل معلوم شد.

نماز

نماز جماعت با اهل سنت

س ۱۴۳۰ - در ایام عمره که جمعیت کمتری در نماز جماعت مسجدالحرام شرکت می‌کنند امام مقابل در کعبه، یا کنار مقام ابراهیم به نماز می‌ایستد، و چند صف دور کعبه تشکیل می‌شود و بقیه جمعیت داخل شبستان‌ها هستند و اتصال صفوف برقرار نیست آیا لازم است شیعیان به هنگام شرکت در نماز جماعت مسجدالحرام، اتصال صفوف را مراعات کنند و یا به همان مقداری که آنان نماز را صحیح می‌دانند کافی است، به علاوه بانوان را داخل حیاط راه نمی‌دهند و اتصال آنها به ناچار قطع است، تکلیف چیست؟

آیه الله بهجت: مراعات آنچه را خود آنها شرط می‌دانند بنمایند و در هر صورت نماز را اعاده کنند، علی‌الأحوط.

آیه الله تبریزی: اقتدا به آنها صوری است و باید قرائت را خودش ولو آهسته بخواند و اگر آهسته هم نمی‌تواند بخواند حدیث نفس کند، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: همان‌طور که آنها نماز را صحیح می‌دانند کفایت می‌کند، والله العالم.
آیه الله زنجانی: بسیار مناسب است در نماز جماعت آنها شرکت کنند، هرچند باید آن را اعاده نمایند.

آیه الله سبحانی: باید نماز خوانده شده با آنها را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: به همان نحو که آنها نماز می‌خوانند می‌تواند نماز بخواند ولی باید قرائتش را آهسته و اگر نمی‌شود مخفیانه بخواند.

آیه الله صافی: با فرض عدم وجود تقیه، نماز خود را اعاده نماید، والله العالم.

آیه الله فاضل: چنانچه هنگام اقامه جماعت اتفاقاً داخل شبستان‌ها بودند همان جا اقتدا کنند و نماز صحیح است هرچند اتصال برقرار نباشد. ولی اختیاراً و با وسعت وقت آنجا نروند و نمانند. و در این مسئله فرقی بین آقایان و بانوان نیست.

آیه الله مکارم: در مورد بانوان که راه دیگری ندارند، اشکالی ندارد. ولی در مورد آقایان چنانچه بتوانند اتصال صفوف را رعایت کنند، لازم است.

آیه الله نوری: لازم است اتصال صفوف را مراعات کنند.

س ۱۴۳۱ - گاهی اوقات امام جماعت اهل سنت در نماز، سوره سجده را می‌خواند و

نمازگزاران در اثنای قرائت به سجده می‌روند و برمی‌خیزند؛

اولاً: تکلیف چیست؟

ثانیاً: اگر کسی عمداً یا جهلاً یا سهواً سجده را ترک کرد، نمازش چه حکمی دارد؟

و اگر ندانسته به رکوع رفت و سپس به سجده و دوباره به قیام برگشت تکلیف چیست؟

آیه الله بهجت: در سجده هم با آنها تبعیت کند، و در جمیع فروض مسئله نماز را اعاده کند، والله العالم.

آیه الله تبریزی: در فرض استماع باید ایماناً سجده کرده و احوط اعاده آن بعد از نماز است و با ترک آن نمازش باطل نمی‌شود و اگر رکوع یا سجده زائده انجام داد باید نمازی را که خوانده اعاده کند والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: باید تبعیت کنند، بلی اگر خلاف تقیه نباشد می‌توانند تبعیت نکنند و در هر صورت تبعیت مضر نیست؛ و اگر خلاف تقیه عمل نکرده باشد نمازش صحیح است، گرچه رعایت احتیاط خوب است.

آیه الله زنجانی: اگر محذوری در کار نبود مانند مواردی که خود امام در حال نماز سجده می‌کند، مأموم هم باید سجده کند و اگر محذوری از سجده کردن داشت، باید با اشاره سجده کند و در هر حال بعداً نماز را اعاده کند.

آیه الله سبحانی: در سجده با آنها تبعیت کند ولی در هر حال باید نماز را اعاده کند.
آیه الله سیستانی: تکلیف این است که اگر امام سجده کرد او هم سجده کند و پس از اتمام احتیاطاً اعاده کند و اگر امام سجده نکرد او با ایما و اشاره سجده کند و نماز صحیح است و اگر عمدتاً یا جهلاً یا سهواً سجده نکرد نماز صحیح است و اگر به رکوع رفت نماز بنا بر احتیاط واجب باطل است.

آیه الله صافی: اگر شرکت در نماز عنوان تقیه داشته باشد و ترک موافقت با آنان در سجده مخالف تقیه باشد، در سجده با آنها موافقت کند و نماز او صحیح است و در غیر مورد تقیه چون مجرد سماع آیه موجب وجوب نیست ترک سجده بی‌اشکال و بلکه لازم است و انجام آن به سماع، هرچند به ایما باشد موجب بطلان نماز است، بلی در صورت استماع و عدم تقیه، باید به ایما و اشاره سجده نماید. و زیاد شدن رکوع در صورت مذکوره موجب بطلان نماز است، والله العالم.

آیه الله فاضل: تکلیف تبعیت است و نماز صحیح است.
اگر به هر جهت سجده را ترک کرده است به نماز لطمه‌ای نمی‌خورد، ولی اگر خلاف تقیه نیست، بعد از نماز احتیاطاً سجده را انجام دهد.

اگر ندانسته به رکوع و سپس به سجده رفته و بعداً به قیام برگشته است نمازش باطل است و باید اعاده کند.

آیه الله مکارم: تکلیف آن است که از آنها متابعت شود و احتیاطاً نماز را بعداً اعاده نماید و در دو صورت دیگر هم احتیاط اعاده است.

آیه الله نوری: ۱. نمازش را بخواند و دوباره اعاده کند؛ ۲. در صورت ترک سجده عمدتاً یا جهلاً یا سهواً اگر مشغول خواندن ذکر شود تا سکوت طولانی که محوکننده صورت نماز است به عمل نیامده باشد نمازش صحیح است؛ ۳. در صورت اخیر نمازش باطل است.

س ۱۴۳۲ - گاهی در نماز جماعت اهل سنت پس از رکوع، قنوت می‌خوانند، تکلیف شیعیانی که در نماز جماعت آنها شرکت کرده‌اند چیست؟

آیه الله بهجت: تبعیت کنند و احتیاط را مراعات نمایند به قصد آنچه جایز است مطلقاً.

آیه الله تبریزی، آیه الله صافی: متابعت کنند. والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: قنوت بعد از رکوع به قصد دعا مانع ندارد و در هر صورت در فرض مرقوم مضر به صحت نماز نیست.

آیه الله زنجانی: متابعت کنند، هرچند در هر حال اعاده نماز لازم است.

آیه الله سبحانی: متابعت اشکالی ندارد. والله العالم

آیه الله سیستانی: اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: باید مانند آنها نماز بخوانند.

نماز در اماکن تخییر

س ۱۴۳۳ - آیا مسافر، در اماکن تخییر مجاز است نوافل ظهر و عصر را بخواند؟

آیه الله بهجت: اظهر عدم سقوط رواتب نهاریه در اماکن تخییر است اگرچه فریضه را در خارج ایقاع نماید یا قاصد آن باشد یا قصرأ در داخل ایقاع نماید، بلکه ثابت است نافلة با عدم تعیین تقصیر.

آیه الله تبریزی: نوافل ظهر و عصر او ساقط است. والله العالم.
 آیه الله خامنه‌ای: نافله نماز ظهر و عصر در سفر ساقط است، حتی در اماکن تخییر.
 آیه الله زنجانی: مجاز نیست.
 آیه الله سبحانی: نوافل ظهر و عصر در سفر مطلقاً ساقط است و در اماکن تخییر
 دلیلی بر آن نیست. والله العالم.
 آیه الله صافی: استحباب نوافل ظهر و عصر در اماکن تخییر ثابت نیست؛ والله العالم.
 آیه الله فاضل: خیر، مشروعیت نوافل ظهر و عصر در فرض مزبور ثابت نیست.
 آیه الله مکارم: مجاز نیست.
 آیه الله نوری: در صورتی که تمام را اختیار کرد رجائاً می‌تواند بخواند.

نماز در مشاعر

س ۱۴۳۴ - فاصله بین مکه و عرفات که قبلاً چهار فرسخ بوده امروزه با توجه به توسعه مکه و اتصال شهر به منا کمتر از مسافت شرعی است در این صورت، کسی که قصد اقامه ده روز در مکه را نموده و سپس به عرفات و مشعر و منا می‌رود و چهار شب یا بیشتر در آنجا بیتوته می‌کند نماز او در عرفات و مشعر و منا و پس از مراجعت به مکه قصر است یا تمام؟
 آیه الله بهجت: باید نماز را شکسته بخواند با رعایت تخییر در محلش از مکه.
 آیه الله تبریزی: چنانچه از آخر خانه‌های مسکونی فعلی مکه تا عرفات کمتر از چهار فرسخ و رفتن به عرفات و مشعر و منا و رجوع به مکه کمتر از هشت فرسخ باشد در صورتی که شخص بعد از اقامت ده روز - با قصد اقامت از قبل - به عرفات برود و یا اینکه قصد اقامت ده روز در مکه نموده و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از اقامت در مکه منصرف شده و تصمیم گرفت به عرفات برود نمازهای او در عرفات و مشعر و منا، و در رفتن و برگشتن تمام است و در غیر این دو صورت مسافر است و باید نمازهای خود را در غیر مکه قدیم، قصر بخواند و در خود مکه قدیم مخیر است بین قصر و تمام. والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: اگر پس از استقرار حکم اقامت عشره در مکه مکرمه به عرفات و مشعر و منا می‌رود، با فرض اینکه رفت و برگشت از عرفات و مشعر و منا هشت فرسخ شرعی نیست نمازش در عرفات و منا تمام است.

آیه الله زنجانی: کسی که قصد اقامه ده روز در مکه نموده یعنی تصمیم دارد ده روز در خود مکه بماند نماز او در مکه و عرفات و مشعر و منا تمام است، ولی مسافری که تصمیم دارد در اثنای ده روز برای انجام اعمال خود به عرفات و مشعر و منا برود تمام نمازهای چهار رکعتی او قصر است.

آیه الله سبحانی: هرگاه قصد کند در مکه ده روز بماند و اقامت او محقق شود به این معنی که تصمیم ندارد در این ده روز بیرون برود آن‌گاه پس از ده روز به منا و عرفات برود در تمام مراحل نماز او تمام است و اگر قصد اقامه او محقق نشد، در تمام مراحل نماز او شکسته است. والله العالم

آیه الله سیستانی: اگر مسافت مکه تا عرفات و از آنجا تا مشعر و از آنجا تا منا و تا مکه (۴۴) کیلومتر باشد نمازش را در این اماکن قصر می‌خواند و الا لازم است نمازش را تمام بخواند، بله اگر کمتر از (۴۴) کیلومتر باشد اگر برگشتن او به مکه عبوری باشد نه اینکه برگشتن به محل اقامت است، پس حکم او در مشعر و منا قصر است ولی در مکه مخیر است بین قصر و اتمام.

آیه الله صافی: در فرض سؤال نماز شخص مذکور در عرفات و مشعر و منا تمام است همچنین پس از مراجعت به مکه، در مکه هم تمام است. والله العالم.

آیه الله فاضل: اگر اقامه ده روزه با قطع نظر از چند شب مذکور باشد در مواضع ذکر شده نماز تمام است و اگر مجموعاً باشد نماز در آن مواضع شکسته، لیکن در مکه و اگر چه بعد از مراجعت باشد مخیر بین قصر و اتمام است.

آیه الله مکارم: نماز او تمام است.

آیه الله نوری: در صورتی که در مکه قصد اقامت ده روز کرده باشد نمازش در

عرفات و مشعر و منا تمام است و الا قصر است و در مراجعت در مکه به جهت اینکه در این شهر مخیر است بین قصر و اتمام، اگر قصد اقامت نکرد مخیر است و اگر قصد اقامت کرد که باید تمام بخواند.

نماز در هواپیما

س ۱۴۳۵ - در برخی موارد، زائران بیت الله الحرام یا سایر مسافران، در وقت نماز داخل هواپیما هستند، با توجه به اینکه نماز در هواپیما معمولاً مانع استقرار و طمأنینه نیست، در صورتی که سایر شرایط، مثل قیام و قبله و رکوع و سجود مراعات شود، آیا در صورت علم یا احتمال اینکه پیش از اتمام وقت نماز به مقصد می‌رسند و می‌توانند نماز را پس از پیاده شدن از هواپیما بخوانند، نماز در هواپیما کفایت می‌کند یا باید تأخیر بیندازند و در صورتی که نماز را در آن حال خواندند و پیش از اتمام وقت نماز پیاده شدند، اعاده نماز لازم است یا نه؟

آیه الله تبریزی: چنانچه احتمال بدهند که تا آخر وقت هواپیما به زمین ننشینند می‌تواند در هواپیما نماز بخوانند و اگر پیش از اتمام وقت هواپیما به زمین نشست نمازشان را اعاده کنند.

آیه الله خامنه‌ای: با تمکن از استقرار و استقبال قبله، نماز صحیح و مجزی است، بلکه جهت درک فضیلت اول وقت افضل است.

آیه الله زنجانی: در فرض سؤال که نماز واجد شرایط صحت است نماز صحیح است و اعاده ندارد.

آیه الله سبحانی: نماز در هواپیما حتی با علم و با ظن به این که قبل از سپری شدن وقت، هواپیما بر زمین می‌نشیند، مجزی و کافی است هرچند تمام شرایط مثل قیام و قبله و رکوع و سجود مراعات نشود لیکن در این صورت به احتیاط واجب وقتی هواپیما بر زمین نشست و وقت باقی است اعاده کند اما اگر در هواپیما شرائط را رعایت کرد مثل اینکه به جهت قبله و رعایت قیام و قعود و رکوع و سجود نماز را

خواند حتی اگر وقت باقی باشد نیازی به اعاده ندارد.

آیه الله سیستانی: در فرض مذکور نماز در هواپیما کافی است.

آیه الله صافی: در صورت علم باید تأخیر نماید و در صورت احتمال، احوط خواندن و چنانچه قبل از گذشتن وقت به مقصد رسید اعاده است.

آیه الله فاضل: به طور کلی مکان نمازگزار باید بی حرکت باشد و باید بتواند تا پایان نماز شرایط نماز را رعایت کنند لذا در فرض سؤال، در سعه وقت تأخیر بیندازند و اگر به واسطه تنگی وقت ناچار باشند نماز بخوانند باید به قدری که ممکن است رعایت شرایط را بنمایند و در این صورت اعاده لازم نیست.

آیه الله مکارم: چنین نمازی صحیح است و اعاده ندارد.

متفرقه

فیش حج متوفی

س ۱۴۳۶ - اگر فیش حج متوفی به مبلغ زیادی در بازار خریداری می شود و به کمتر از آن مبلغ، می توان برای حج میت نایب گرفت، آیا می توان از آن فیش برای رفتن به حج استفاده کرد، در حالی که مازاد قیمت آن متعلق به ورثه است و در صورتی که میت وارث صغیر داشته باشد، چطور؟

آیه الله تبریزی: اگر به مبلغ کمتر می توان نایب گرفت، بدون اذن همه ورثه نمی توان از فیش برای حج استفاده کرد مگر اینکه میت وصیت کرده باشد که در این صورت ما به التفاوت از ثلث حساب می شود، والله العالم.

آیه الله خامنه ای: اگر وصیت کرده و بیش از ثلث نیست، طبق وصیت عمل شود والا اگر همه ورثه کبیر بوده و راضی باشند، انجام حج با فیش یاد شده بدون اشکال است.

آیه الله سبحانی: ظاهر اینکه فیش را در حال صحت خریده است نوعی وصیت به

حج بلدی است بنابراین ما به التفاوت حج بلدی و میقاتی از ثلث حساب کنند و پرداخت نمایند و وجه فیش را به عنوان ترکه تقسیم کنند البته اگر وارث همگی بالغ باشند با رضایت آنان استفاده از فیش برای حج اشکالی ندارد.

آیه الله سیستانی: فیش به ورثه منتقل می شود و اگر حج بر میت مستقر باشد یا وصیت کرده باشد باید برای او نایب بگیرند و اگر بخواهند با آن فیش بروند باید با رضایت ورثه باشد و اگر صغیر در میان آنها هست باید سهم او را پردازند.

آیه الله صافی: نایب گرفتن برای متوفی به کمتر از مبلغ ارزش و فروش فیش حج متوفی مانعی ندارد و زاید بر مبلغ که صرف استیجار حج شده، متعلق به ورثه است و از خود فیش هم جهت استیجار با توافق ورثه می شود استفاده کرد.

بلی چنانچه متوفی ورثه صغیر داشته باشد، باید حق او ملاحظه شود. والله العالم.

آیه الله فاضل: چنانچه میت وصیتی نسبت به حج بلدی نداشته باشد. می توان از میقات برای میت در صورت استقرار حج برای او استنابه کرد و فیش را در اختیار دیگری قرار داده و ما به التفاوت، بین همه ورثه، طبق قانون شرع تقسیم گردد. و در این فرض فرقی بین داشتن صغیر یا نداشتن آن نیست.

و در صورت نبودن وصیت و عدم استقرار حج با وجود صغیر، باید سهم صغیر از مجموع فیش به هر صورت رعایت شود و تفصیل این مسئله در استفتائات آمده است.

آیه الله مکارم: در صورتی که میت وصیتی نکرده باشد، این کار جایز است، ولی به اجازه همه ورثه، و سهم صغیر را باید از آن پردازند.

آیه الله نوری: اگر حج بر متوفی واجب بوده است و ورثه کبار نباشند، لازم است برای حج متوفی نایب بگیرند و از آن فیش هم به نحوی که ذکر شده است، استفاده اشکال ندارد و اگر در بین ورثه صغیر وجود دارد نیز با اجازه وصی و یا حاکم شرع اشکال ندارد.

س ۱۴۳۷ - کسانی که با فیش حج میت و به نیابت از وی به حج می روند، اگر خود نیز تمام

شرایط استطاعت را دارا باشند، به جز باز بودن راه، که آن هم با فیش حج میت حاصل شده است، در صورتی که بتوانند مثلاً در مدینه یا جده (قبل از میقات) برای متوفی نایب بگیرند و خودشان حج واجب خود را انجام دهند، تکلیف چیست؟

آیه الله تبریزی: اگر بتواند ورثه را راضی کند که با آن فیش برای خود حج به جا آورد و برای میت نایب بگیرد، والله العالم.

آیه الله زنجانی: اگر لازم باشد که با آن فیش برای پدر حج به جا آورند، مستطیع نیستند، وگرنه هرکسی که استطاعت مالی دارد اگر بتواند ورثه را راضی کند که با آن فیش برای خودش حج به جا آورد مستطیع می‌باشد.

آیه الله سبحانی: بسیار دیده شده که افرادی به عنوان نیابت از پدر یا دیگران اجیر شده و به حج آمده‌اند و در مدینه و یا میقات ملتفت شده‌اند که خود مستطیع هستند، اگر بقیه وراثت یا اجیرکننده موافقت کنند باید این افراد برای خود حج انجام دهند و برای پدر و یا منوب عنه نایب بگیرند و همچنین است اگر تبرعاً با فیش پدر یا منوب عنه به حج آمده و متوجه استطاعت خود شده است در این صورت باید تفاضل فیش را نسبت به حج میقاتی به ورثه بپردازد ولی اگر قیمت نیابت بیشتر از فیش بود باید خود بپردازد مگر اینکه ورثه ببخشند.

آیه الله سیستانی: اگر اجیر باشد و نیابت مشروط به آن سال باشد. باید حج نیابی را مقدم بدارد و اگر مشروط نباشد یا اجیر نباشد، باید حج خود را مقدم بدارد و می‌تواند برای میت نایب بگیرد مگر اینکه مطمئن باشد در آینده می‌تواند حج خود را انجام دهد که در این صورت می‌تواند حج نیابی را انجام دهد.

آیه الله صافی: در فرض مرقوم، استیجار شخص مذکور صحیح نیست، بلی اگر برای انجام حج، اعم از مباشرت و تسبیب اجیر شده باشد و حج مورد اجاره میقاتی باشد باید خودش حجة الاسلام خود را به جا آورد و برای میت حج میقاتی استیجار کند. والله العالم.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال، وظیفه انجام حج نیابی است. گرچه اگر برای خود

حج انجام دهند صحیح است. هر چند معصیت کرده‌اند. و نایب گرفتن برای متوفی در صورتی صحیح و مجزی است که مجاز در استنابه باشند. والّا مجزی نیست.

آیه الله مکارم: مانند مسئله سابق است.

آیه الله نوری: این قبیل افراد نمی‌توانند نایب باشند و حج نیابی انجام بدهند، این شخص هم لازم است حج خود را انجام بدهد و گرفتن نایب باید با نظر ورثه و یا وصی و یا حاکم شرع، که هر یک در مورد خود اختیار دارند، باشد.

س ۱۴۳۸ - در فرض سؤال قبل، اگر میت یکی از ورثه را (مثلاً پسر بزرگ خود را) برای انجام حج مشخص کرده باشد، یا تمام ورثه اتفاق کنند که یکی از آنها از طرف میت به حج برود، تکلیف او چیست؟

آیه الله تبریزی: به همان نحو که در مسئله سابقه گذشت عمل شود والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: در فرض سؤال که راه با فیش مورد وصیت برای پسر باز شده و وصیت نسبت به زائد بر حج میقاتی، از ثلث بیشتر نیست، یا ورثه اجازه کرده‌اند، باید پسر حج را به نیابت از پدر به جا آورد.

آیه الله زنجانی: اگر پسر بزرگ قبل از پذیرش وصیت یا قبول اجازه ورثه مستطیع بوده انجام حجة الاسلام خودش مقدم است و در غیر این صورت چنانچه وصیت یا اجازه را قبول کند، باید از طرف میت حج به جا آورد.

آیه الله سبحانی: اگر منوب عنه یا پدر به حج بلدی وصیت کرده باشد چنانچه نائب هرگاه پس از اجیر شدن استطاعت مالی داشته ولی امکان رفتن به حج برای او نبوده در هر دو صورت باید حج را از طرف منوب عنه انجام دهد..

آیه الله سیستانی: در صورتی که وصیت به یکی از آنها کرده باشد، باید به جای او حج انجام دهد و خودش مستطیع نیست. ولی اگر توافق آنها بر یکی از آنها باشد مصداق مسئله فوق است.

آیه الله صافی: کسی که از برای میت و یا ورثه جهت انجام حج میت معین شده

چنانچه خود استطاعت مالی داشته باشد نمی تواند نیابت کند. والله العالم.

آیه الله فاضل: حکم آن از جواب قبل معلوم شد.

آیه الله مکارم: هرگاه میت وصیت کرده، باید به وصیت او عمل شود و اگر ورثه توافق کنند جایز است او به حج برود.

آیه الله نوری: اگر خود آن فرزند مستطیع باشد، نمی تواند نیابت را قبول کند.

خمس سپرده حج یا عمره

س ۱۴۳۹ - هم اکنون کسانی که قصد تشریف به حج یا عمره را دارند، باید برای حفظ نوبت، مبلغ مقرری را به بانک بسپارند که این مبلغ مطابق قرارداد مضاربه است و سودی نیز به آن تعلق می گیرد و زمانی که پس از حدود سه سال، نوبت تشریف آنها فرا می رسد، اصل پول و سود آن را دریافت می کنند و به سازمان حج و زیارت می سپارند و به عمره یا حج مشرف می شوند. حال با توجه به اینکه سپردن پول به بانک، مقدمه رفتن به حج یا عمره است و چنانچه کسی این پول را به بانک نسپارد نوبتی را برای رفتن به عمره یا حج نخواهد داشت و اکنون طریق رفتن به حج نیز همین است، آیا به اصل پول و سود آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟

آیه الله تبریزی: در فرض سؤال چنانچه بر اصل پول سال بگذرد، یعنی از وقت به دست آوردن پولی که به بانک سپرده اند، سال گذشته باید خمس آن را پردازد و نسبت به مقداری که زیادت از اصل پول به آنها، می دهند اگر در همان سال به حج یا عمره بروند چیزی بر آنها نیست. والله العالم.

آیه الله خامنه ای: اصل سپرده اگر از درآمد کسب غیر مخمس بوده، خمس دارد و سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نبوده جزو درآمد سال وصول محسوب است که اگر در همان سال به حساب هزینه سفر حج محسوب شود خمس ندارد.

آیه الله زنجانی: در حج واجب و یا عمره، اگر به وسیله ای واجب کرده خمس پول مورد سؤال واجب نیست و در حج و عمره مستحب واجب است.

آیه الله سبحانی: هرگاه سپرده‌ها از درآمد همان سال باشد که نام‌نویسی کرده خمس ندارد هرچند سفر او به خاطر نرسیدن نوبت به تأخیر بیفتد ولی اگر درآمد سال‌های قبل باشد که خمس آن را پرداخته است باید خمس آن را پردازد و اما نسبت به سود اگر این سود به وسیله یکی از عقود شرعی به صاحب سپرده تعلق گیرد سود مذکور از درآمدهای سال وصول سود محسوب می‌شود و اگر همان سال وصول صرف مؤونه شد خمس ندارد و در غیر این صورت باید خمس آن را پردازد و اما اگر کسی سال خمسی ندارد چنانچه به حج یا عمره مشرف می‌شود خمس به همه اموال او تعلق می‌گیرد و لاقلاً باید خمس تمام هزینه‌های حج و یا عمره را پردازد و یا از حاکم شرع اجازه گرفته و مبالغ مذکور را به ذمه بگیرد و در این صورت اخیر باید با احتساب این بدهی به حاکم شرع و این که توان پرداخت آن را داشته باشد، از حجة الاسلام کفایت می‌کند و طواف و قربانی او هم صحیح است.

آیه الله سیستانی: به اصل پول خمس تعلق می‌گیرد و نیز به سود آن، اگر از طریق معامله شرعیه ملک صاحب پول شده است، بلی اگر حج بر او مستقر شده و راه دیگری برای رفتن به حج در سال ثبت‌نام نداشته باشد، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

آیه الله صافی: اصل پول و سود آن خمس دارد و تفاوتی بین حج و عمره نیست.

آیه الله فاضل: افرادی که برای تشریف به حج یا عمره ثبت‌نام می‌کنند و در همان سال توفیق تشریف پیدا نمی‌کنند، باید خمس اصل پول و سود متعلقه مربوط به سنوات سابق را پردازند، مگر برای افرادی که حج بر آنها مستقر شده و تمکن از خرید فیش را ندارند.

آیه الله مکارم: هرگاه این پول از درآمد همان سالی باشد که نام‌نویسی کرده است، نه به خود آن خمس تعلق می‌گیرد و نه به سود آن.

آیه الله نوری: اگر همان سالی که مستطیع شده است، آن پول را برای انجام حج در نوبت خود به حساب ریخته است آن پول جزو مؤونه و مخارج آن سال محسوب می‌شود و خمس ندارد، ولی اگر در سال قبل یا سال‌های قبل مستطیع بوده و تأخیر انداخته و به حساب ریخته است، باید خمس آن را بدهد. و در عمره نیز اگر به طور

متعارف یک مرتبه یا در چند سال یک مرتبه باشد، پولی که به حساب ریخته است خمس ندارد اما سودی که می‌گیرد، از ارباح آن سالی است که آن را تحویل می‌گیرد و اگر تا آخر سال خمسی خود آن را در مخارج لازم زندگی خود خرج کرد، خمس ندارد و اگر بماند و سال بر آن بگذرد خمس دارد.

س ۱۴۴۰ - کسی که برای عمره مفرده ثبت‌نام کرده، درحالی‌که بردن او به عمره قطعی بوده و برای رفتن نیز به ناچار می‌بایست پولی به حساب بریزد ولی در سال بعد نوبت او شد، و به عمره مشرف خواهد شد، آیا سر سال خمس، به این پول که به حساب سازمان حج و زیارت واریز شده، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

آیه الله بهجت: در فرض سؤال خمس واجب نیست.

آیه الله تبریزی: باید آن را تخمیس نماید، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: در فرض مزبور خمس ندارد.

آیه الله زنجانی: چنانچه یک سال از زمان به دست آوردن آن پول گذشته باید خمس آن را بپردازد.

آیه الله سبحانی: به سؤال قبل مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: خمس دارد.

آیه الله صافی: پول مذکور خمس ندارد، والله العالم.

آیه الله فاضل: در فرض مذکور خمس پول را باید بدهد مگر اینکه دیگر نتواند پول را از سازمان حج پس بگیرد که در این صورت خمس ندارد.

آیه الله مکارم: خمس ندارد.

آیه الله نوری: خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

مصدود

س ۱۴۴۱ - شخصی در میقات برای عمره تمتع محرم شده است و پس از احرام و قبل از سایر اعمال دستگیر و زندانی شده و پس از گذشت ایام تشریق او را آزاد کرده‌اند، ولی در زمان

صدّ، به وظیفه مصدود عمل نکرده، حال یا جاهل به مسئله بوده یا نمی‌توانسته عمل کند، ولی اکنون می‌تواند عمره مفرده انجام دهد، وظیفه او برای خروج از احرام چیست و در صورتی که نتواند عمره مفرده انجام دهد، تکلیفش چیست؟

آیه الله تبریزی: چنانچه متمکن است، بنا بر احتیاط بین وظیفه مصدود و اتیان به عمره مفرده جمع نماید، والله العالم.

آیه الله سبحانی: چون حکم مصدود را دارد باید برای خروج از احرام قربانی و تقصیر کند و احتیاطاً پس از رفع منع، اعمال عمره مفرده را انجام دهد و اگر نمی‌تواند، نائب بگیرد.

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب از احرام خارج نمی‌شود مگر اینکه هدی تهیه و ذبح یا نحر کند و به احتیاط واجب حلق یا تقصیر نیز لازم است و اگر متمکن از هدی نباشد ده روز روزه بگیرد.

آیه الله صافی: شخص مذکور اگر قدرت بر اعمال عمره مفرده دارد باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود و اگر از انجام عمره مفرده نیز ممنوع است به وظیفه مصدود عمل کند؛ والله العالم.

آیه الله فاضل: چنانچه می‌تواند عمره مفرده انجام دهد باید با انجام عمره مفرده از احرام خارج شود و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده نکند. و چنانچه نتواند عمره مفرده انجام دهد. اگر علت آن مریضی باشد باید او را طواف و سعی دهند. و اگر ممکن نشد باید برای طواف و سعی نایب بگیرد و از احرام خارج شود و اگر علت آن این باشد که او را از مکه اخراج کرده‌اند و نمی‌تواند برگردد حکم مصدود را دارد.

آیه الله مکارم: باید عمره مفرده انجام دهد و از احرام خارج شود و اگر نمی‌تواند کسی را نایب بگیرد.

آیه الله نوری: اگر نتواند عمره مفرده انجام دهد لازم است به وظیفه مصدود عمل نماید.

س ۱۴۴۲ - شخصی اعمال عمره تمتع را به پایان برده و اکنون نمی‌تواند حج تمتع به جا آورد، مثلاً برای خدمت به حجاج از سوی سازمان حج و زیارت به حج آمده و اکنون سازمان مذکور او را مأمور کرده که در ایام تشریق در مکه بماند، وظیفه‌اش چیست؟

آیه الله تبریزی: چنانچه کسی مضطر به ترک حج تمتع بشود احتیاط آن است که عمره تمتع را عمره مفرده قرار داده و برای آن طواف نساء به جا آورد ولی مجرد منع دیگران محقق اضطرار نیست، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: عمره تمتع استحبابی را می‌تواند رها کند و چیزی بر او نیست و احتیاط مستحب آن است که طواف نساء را انجام دهد.

آیه الله زنجانی: در فرض اضطرار فعلاً وظیفه‌ای ندارد. البته احتیاط مستحب در آن است که عمره تمتع را عمره مفرده قرار داده و برای آن طواف نساء به جا آورد.

آیه الله سبحانی: چنین فردی با انجام طواف نساء و نماز آن، آن را به عمره مفرده تبدیل می‌کند و اگر استطاعت او باقی است و یا حج در سال‌های قبل بر ذمه او آمده باشد باید سال بعد حج را انجام دهد. ولی توجه به این نکته ضروری است که نمی‌تواند بدون عذر از عمره تمتع حتی استحبابی منصرف شود.

آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب آن را عمره مفرده قرار دهد و طواف نساء به جای آورد.

آیه الله صافی: در فرض سؤال، در حج تمتع واجب (حجۃ الاسلام، حج واجب به نذر و غیره) ترک حج تمتع جایز نیست، و در حج تمتع مستحبی نیز با عدم ضرورت عرفی یا شرعی احتیاط واجب انجام حج تمتع است. والله العالم.

آیه الله فاضل: فعلاً مُجَل است و تکلیفی ندارد و به مأموریت خود ادامه دهد.

آیه الله مکارم: اگر توانایی بر حج ندارد وظیفه‌ای ندارد.

آیه الله نوری: اگر حج بر آن شخص واجب بوده است و به قصد ادای حج واجب عمره تمتع را انجام داده و اکنون قدرت ادای حج را ندارد این عمره تمتع از عمره

تمتعی که جزء حج است کفایت نمی‌کند و لازم است بعداً عمره تمتع و حج تمتع را باهم در یک سال انجام بدهد و اگر از باب استحباب می‌خواسته است حج تمتع انجام بدهد و مضطر به ترک حج شده است اشکال ندارد.

حج کودک

س ۱۴۴۳ - کودک ممیزی را ولی او به سعی می‌برد؛ مثلاً در کالسکه سوار است و خواب است، آیا لازم است در ابتدای سعی او را برای نیت بیدار کند، و چنانچه در آغاز بیدار باشد و در بین راه خواب برود چه حکمی دارد؟

آیه الله بهجت: سعی از عبادات است و سعی در حال خواب صحیح نیست باید او را بیدار کند.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب این است که خواب نرود و آن مقدار را که خواب رفته، به نیت «اتمام ما نقص من سعیه» اعاده کند و اگر قبل از نیت سعی، خواب رفته - بدون اشکال - سعی او باطل است، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: باید برای نیت سعی، حدوثاً و بقائاً بیدار باشد، بنابراین در اثنا هم نباید خواب باشد؛ و همچنین در صورت تمکن خودش باید سعی کند و سعی دادن او صحیح نیست.

آیه الله زنجانی: اگر ابتدای سعی نیت کرده و با توجه به اینکه ممکن است در اثنای سعی خوابش برود سعی را شروع کرده است، سعی او صحیح است، هر چند در اثنای سعی خوابش برود.

آیه الله سبحانی: طفل ممیز باید در تمام اشواط طواف و سعی بیدار باشد و شرایط طواف و سعی را تا جایی که خارج از طاقت او نباشد باید مانند افراد بزرگسال رعایت کند و اگر رعایت نکرد بر اساس مسائل گذشته در طواف و سعی اصلاح نماید ولی در بچه غیر ممیز چنانچه ابتدائاً بیدار باشد ولی در اثنای هر کدام از طواف و سعی بنخوابد اشکال ندارد اما در طواف جوری او را در بغل بگیرد یا اگر توانایی و امکان راه

رفتن دارد راه ببرند که سمت چپ او به سمت کعبه باشد و در سعی نیز رو به صفا و مروه باشد.

آیه الله سیستانی: سعی در حال خواب مُجزی نیست و باید او را وقتی به سعی ببرد که بیدار بماند و تا ممکن است او را به راه رفتن وادارد و سعی با کالسکه فقط در حال عدم تمکن از راه رفتن مجزی است.

آیه الله صافی: سعی در حال خواب صحیح نیست، والله العالم.

آیه الله فاضل: چون سعی از عبادات است و صحت آن منوط به نیت و قصد قربت مستمر است لذا در فرض مذکور اگر قبل از شوط چهارم به خواب رفته است به احتیاط واجب سعی را از اول اعاده کند و اگر بعد از شوط چهارم خواب رفته است پس از بیدار شدن و توجه و التفات باید از جایی که به خواب رفته سعی را ادامه دهد.

آیه الله مکارم: در صورتی که در ابتدای سعی نیت کرده باشد، اشکالی ندارد.

آیه الله نوری: ۱. لازم است که او را برای انجام نیت بیدار کند؛ ۲. و آن مقداری را که در حال خواب پیش رفته است پس از بیدار شدن اعاده کند.

س ۱۴۴۴ - شخصی که کودک را در بغل گرفته و طواف می‌دهد، آیا باید شانه چپ کودک

نیز به طرف کعبه باشد؟

آیه الله تبریزی: لزومی ندارد، والله العالم.

آیه الله زنجانی: لازم نیست، بلکه در صحیح بودن طواف کسی که بچه را طواف می‌دهد نیز لازم نیست شانه چپ او به طرف کعبه باشد.

آیه الله سبحانی: به سؤال ۱۴۴۱ رجوع شود.

آیه الله سیستانی: باید تا حد امکان سعی کند طوری او را طواف دهد که عرفاً طرف چپ او به طرف کعبه باشد.

آیه الله صافی: بنا بر احتیاط شانه چپ کودک نیز به طرف بیت باشد، والله العالم.

آیه الله فاضل: بلی باید تمام شرایط در کودک نیز رعایت شود.

آیه الله مکارم: لازم نیست.

آیه الله نوری: بلی لازم است.

س ۱۴۴۵ - کودکی را که محرم کرده‌اند و طواف می‌دهند، آیا طهارت بدن و لباس کودک در حال طواف لازم است، و چنانچه قبل از طواف او را تطهیر کنند برای یک طواف کافی است و واریسی بین طواف لازم نیست؟

آیه الله تبریزی: آن مقدار که بتوانند بنا بر احتیاط رعایت طهارت او را بکنند ولی واریسی لازم نیست، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط تطهیر شود.

آیه الله زنجانی: در مورد کودک کم سن مانند شیرخواره که نجس شدن لباس یا بدنش متعارف است و نمی‌تواند از نجس شدن آنها خودداری کند رعایت طهارت بدن و لباس لازم نیست و در غیر آنها رعایت کنند.

آیه الله سبحانی: کودک غیر ممیز را که طواف می‌دهند باید قبل از طواف، بدن او را طاهر کنند و هرچند به صورت ظاهر او را وضو دهند و پوشک تمیز بپوشانند و دیگر تا آخر واریسی لازم نیست و حکم طهارت باقی است و چنانچه بعد از طواف معلوم شود در حین طواف حدث و یا خبث عارض شده، طواف او صحیح است.

آیه الله سیستانی: رعایت طهارت بدن و لباس او لازم نیست.

آیه الله صافی: باید شرایط طواف و نماز در طفل نیز مراعات شود و در صورت غیر ممیز بودن طفل، در صورت امکان او را وضو دهند لباس و بدن او را تطهیر کنند و در صورت شک در عارض شدن حدث و خبث واریسی لازم نیست و حکم طهارت باقی است، والله العالم.

آیه الله فاضل: بلی لازم است و واریسی در بین طواف لازم نیست. ولی اگر متوجه

شدند که لباس و بدن او نجس شده، احتیاط این است که آنها را تطهیر کنند.
 آیه الله مکارم: در صورتی که تطهیر بدن او زحمتی نداشته باشد، باید تطهیر نمود،
 ولی در بچه‌های شیرخوار لازم نیست.
 آیه الله نوری: بلی لازم است و برای یک طواف کافی است، و واریسی لازم نیست.

دیوانه و حج مستقر

س ۱۴۴۶ - شخصی پس از استقرار وجوب حج دیوانه شده، وظیفه ولی، نسبت به حج او چیست؟
 آیه الله تبریزی: تا زنده است ولی وظیفه‌ای ندارد و پس از مردن وی از ترک‌اش
 برای وی حج می‌گیرد، والله العالم.
 آیه الله خامنه‌ای: ولی مجنون نسبت به حج او تکلیفی ندارد، اگر تا آخر عمر عاقل
 شد خودش حج به جا می‌آورد وگرنه پس از مرگ از ترک او نایب می‌گیرند.
 آیه الله زنجانی: حجة الاسلام از دیون شخص مستطیع است و در مورد مجنون اگر
 امید بهبودی نباشد باید ولی از مال او برای انجام حج نایب بگیرد و اگر دیوانه هزینه
 حج را نداشته باشد، ولی وظیفه‌ای ندارد.
 آیه الله سبحانی: هرگاه یأس از بهبودی او دارند ولی او می‌تواند از اموالش برای او
 حج نیایی بگیرد یا این کار را به امید برطرف شدن عذر تا هنگام مرگ تأخیر بیندازد
 و سپس از ترک او استنابه کند.
 آیه الله سیستانی: باید پس از مرگ برای او نایب بگیرد.
 آیه الله صافی: در فرض سؤال، چنانچه افاقه حاصل شود، باید حج را به جا آورد و در
 صورت عدم افاقه تا حین موت، باید پس از موت برایش حج استیجار شود، والله العالم.
 آیه الله فاضل: چنانچه امید افاقه هست صبر کنند و الا بنا بر احتیاط واجب، ولی
 شرعی او از مال او یک حج نیایی انجام دهد.

آیه الله مکارم: ولی او وظیفه‌ای ندارد، مخصوصاً اگر امید زوال جنون باشد ولی بعد از مردن او باید از مال او حج را نیابتاً به جا آورند.

آیه الله نوری: اگر مال دارد لازم است ولی اقدام به حج نیابی بکند.

روزه مستحب در مدینه

س ۱۴۴۷ - آیا استحباب سه روز روزه مستحبی در مدینه منوره برای برآمدن حاجت، اختصاص به مسافر دارد یا برای اهالی مدینه و کسی که قصد عشره دارد نیز مستحب است؟

آیه الله تبریزی: حکم مزبور اختصاص به مسافر دارد و شامل اهل مدینه نمی‌شود و در مسافر بین اینکه نمازش قصر باشد یا به جهت قصد اقامت ده روز نمازش تمام باشد، فرقی نیست، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: اختصاص به مسافر ندارد، و ذکر مسافر جهت استثناء از صوم در حال مسافر بودن است.

آیه الله زنجانی: روزه مستحبی حاجت در مدینه منوره برای مطلق مسافر مستحب است، هر چند قصد ماندن ده روز کرده باشد و استحباب آن در مورد اهالی مدینه ثابت نیست و می‌توانند این روزه را رجائاً به جا آورند.

آیه الله سبحانی: مخصوص مسافر است و فرقی بین کسی که قصد عشره کرده و یا نکرده در این مسئله نیست.

آیه الله سیستانی: برای همه مستحب است.

آیه الله صافی: بعید نیست اختصاص به مسافر نداشته باشد، والله العالم.

آیه الله فاضل: استحباب آن به قصد ورود برای غیر مسافر ثابت نیست، بلی رجائاً مانعی ندارد.

آیه الله مکارم: این حکم مخصوص مسافر است ولی دیگران بر اساس قانون اولی

هر روزی بخواهند می‌توانند به قصد حاجت روزه بگیرند. علاوه بر این مسافری که می‌تواند برای حاجت سه روز در مدینه روزه مستحبی بگیرد، می‌تواند در این سه روز معتکف هم بشود، هرچند قصد ده روز هم نکرده باشد.

اعتکاف در مسجدالحرام

س ۱۴۴۸ - بسیاری از زائران خانه خدا خواهان اعتکاف در مسجدالحرام هستند باتوجه به فرصت معنوی و تأثیر فراوان روحی و روانی آن و لزوم روزه جهت اعتکاف، آیا می‌تواند پس از حضور در مکه مکرمه با نذر، به اعتکاف بپردازند؟

آیه الله بهجت: مانعی ندارد.

آیه الله تبریزی: چنانچه نذر روزه در مکه نماید تا روزه در سفر صحیح باشد می‌تواند معتکف شود. والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: روزه مستحبی در سفر که با نذر صحیح است، بنا بر احتیاط واجب مشروط است به اینکه نذر در حَضَر منعقد شده باشد.

آیه الله زنجانی: بلی می‌تواند بعد از سفر نذر کنند که در همان سفر روزه بگیرند و معتکف شوند.

آیه الله سبحانی: می‌تواند قبل از سفر و یا حضور در مکه نذر کنند که در سفر سه روز روزه بگیرند و با این نذر اعتکاف کنند.

آیه الله سیستانی: اگر نذر کنند که در سفر روزه بگیرند اشکال ندارد.

آیه الله صافی: صحت نذر روزه بعد از ورود به مکه مکرمه مورد اشکال است.

آیه الله فاضل: ظاهر آن است که صحت روزه در سفر با نذر در وطن محقق می‌شود.

آیه الله مکارم: بدون نیت اقامه ده روز روزه گرفتن و اعتکاف کردن، اشکال دارد.

آیه الله نوری: نمی‌توانند مگر اینکه در وطن نذر روزه کرده باشند.

س ۱۴۴۹ - شخصی قصد اعتکاف در مسجدالحرام را دارد، آیا می‌تواند قبل از اذان صبح در تنعیم محرم شود و بقیه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد، با توجه به اینکه محل سعی جزو مسجد نیست؟

آیه الله تبریزی: مانعی ندارد و می‌تواند همه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد. والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: می‌تواند محرم شود و خروج از مسجد برای انجام سعی مانع ندارد. آیه الله سبحانی: بله، این شخص باید به نحوی خود را به مسجدالحرام برساند که هنگام اذان صبح جهت شروع اعتکاف و روزه داخل مسجد باشد و اعمال عمره را در حین اعتکاف انجام دهد. اشکالی ندارد و خارج شدن از مسجد به اندازه انجام سعی بین صفا و مروه به عنوان یک حاجت ضروری به اعتکاف ضرر نمی‌زند لیکن شتاب کند که سعی را زودتر به پایان ببرد و به مسجد برگردد.

آیه الله سیستانی: می‌تواند ولی لازم است اعمال را تا زمانی تأخیر بیاندازد که سعی او پس از پایان اعتکاف باشد، ولی چنانچه صبر کردن تا آن موقع سخت باشد می‌تواند از عنوان حاجت ضروری استفاده نماید و از مسجد جهت انجام سعی خارج شود.

آیه الله صافی: صحت احرام قبل از شروع به اعتکاف، بعید نیست. والله العالم

آیه الله فاضل: مانعی ندارد لکن سعی نماید تا عمل سعی را زودتر به پایان رساند.

آیه الله مکارم: این مقدار اشکال ندارد.

آیه الله نوری: لازم است قبل از اذان صبح در مسجدالحرام باشد.

آوردن قرآن از مسجدالحرام

س ۱۴۵۰ - قرآن‌هایی در مسجدالحرام به زائران اهدا می‌شود که چند دسته است:

دسته اول: قرآن‌های مستعمل مسجدالحرام، مهور به مهر «وقف لله تعالی بالمسجدالحرام».

دسته دوم: قرآن‌های چاپ عربستان، وقف و هدیه زائران جهت قرائت در مسجدالحرام، که متصدیان این قرآن‌ها و قرآن‌های دسته سوم که چاپ سایر کشورها است و توسط زائران به مسجدالحرام هدیه می‌شود را به خاطر یک شکل بودن قرآن‌های مسجدالحرام از قفسه‌ها خارج کرده و به زائران دیگر که متقاضی قرآن هستند تحویل می‌دهند. و دسته چهارم قرآن‌هایی است که هدیه دولت عربستان و ریاست شئون حرمین شریفین است و هیچ‌گونه مهری ندارد. حال: آیا دریافت این قرآن‌ها جایز است؟ و بفرض جواز مالک می‌شوند یا نه؟ و در صورت عدم مالکیت، آیا جهت استفاده عمومی در غیر مساجد یا در مساجد دیگر می‌توان آنها را آورد؟

آیه الله بهجت: دسته اول و دوم جایز نیست و دسته سوم ممکن است تملک، ولی احتیاط در ترک است و دسته چهارم تملک آن مانعی ندارد و دسته اول و دوم را اگر نمی‌گذارند در آنجا باشد می‌تواند به اقرب آن مساجد بگذارد.

آیه الله تبریزی: قرآن‌هایی که محرز است زوار هدیه و وقف کرده‌اند را نمی‌توان گرفت و تصرف کرد و گرفتن قرآن‌های دیگر جایز است و می‌توانند تملک کنند و یا در مساجد و غیره برای عموم قرار دهند، والله العالم.

آیه الله خامنه‌ای: قرآن‌هایی که وقف آن برای مسجدالحرام مُحرز است، دریافت و تملک آن جایز و صحیح نیست و در صورتی که عودت و استفاده از آن در مسجدالحرام امکان ندارد، آنها را به مساجد دیگر برده و در آنجا استفاده نمایند.

آیه الله زنجانی: گرفتن قرآن‌هایی که محرز است زوار هدیه یا وقف کرده‌اند جایز نیست و گرفتن قرآن‌های دیگر از مسئولین ذی‌ربط جایز است، هرچند علامت «وقف بالمسجدالحرام» روی آن باشد.

آیه الله سبحانی: دسته اول و دوم و سوم جایز نیست فقط دسته چهارم را می‌توان گرفت و تملک کرد. والله العالم

آیه الله صافی: در فرض سؤال، قرآن‌هایی که توسط حجاج و زائرین وقف نشده؛ اعم از آنکه اثری از وقف بودن در آنها نباشد یا از طرف حکومت سعودی اثر وقف در آنها دیده شود اگر مسئولین ذی‌ربط از آنها به کسی اهدا نمایند، گرفتن آن اشکال ندارد و گیرنده مالک می‌شود. قرآن‌هایی که توسط حجاج وقف بشود، گرفتن آنها جایز نیست، والله العالم.

آیه الله فاضل: استفاده از قرآن‌های دسته اول و دوم در غیر مسجدالحرام اشکال دارد، اما دسته سوم و چهارم اشکالی ندارد و تحقق ملکیت نسبت به دسته چهارم مسلم است. آیه الله مکارم: قرآن‌هایی که از طرف مسئولین آن منطقه به زوار داده می‌شود اشکالی ندارد و ملک آنها می‌شود.

آیه الله نوری: در غیر مورد اخیر، گرفتن آنها اشکال دارد و همچنین نمی‌توان آنها را به مساجد یا جاهای دیگر برد.

نذورات

س ۱۴۵۱ - برخی از زائران حرمین شریفین اظهار می‌دارند که فلان مبلغ را به ما داده‌اند تا در حرم مطهر نبوی یا قبور مطهر بقیع بریزیم با توجه به اینکه ریختن آنها در آن محل‌ها غیر ممکن است یا صرف حرم یا مصرف مقرر خود نخواهد شد و حاضر نیستند این وجوه را با خود برگردانند، آیا می‌توان آنها را در راه خیر؛ مثل کمک به فقرای شیعه صرف کرد؟

آیه الله بهجت: می‌توان خرج زوار آنجا از شیعیان کرد و اگر نشد به فقرای شیعه می‌توان داد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر علم به رضایت صاحبان وجوه باشد یا از قبل کسب اجازه شده باشد، صرف آن در مورد فقرای شیعه اشکال ندارد.

آیه الله سبحانی: در مورد زائران فقیر مصرف شود و اگر در میان زائران فقیر نباشد در مورد فقرای شیعه مصرف شود. والله العالم

آیه الله سیستانی: باید به صاحبانش برگردانند.

آیه الله فاضل: باید پول‌های مذکور را از طرف صاحبان آن به فقرای شیعه صدقه بدهند.

آیه الله مکارم: مجاز هستند که صرف فقرای شیعه در آنجا کنند

آیه الله نوری: در صورتی که صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد.

فهرست تفصیلی مناسک حج

فهرست تفصیلی زیر به منظور تسهیل در دستیابی به مطالب مورد نیاز در مناسک حج، توسط استاد منصور مظاهری و جناب حجة الاسلام آقای شیخ جواد انواری تهیه شده، امید است برای سروران روحانی مفید واقع شود. گفتنی است این فهرست بر طبق شماره مسائل و سؤالات می باشد.

الف

۲۲۷	احرام از ادنی الحل (محل احرام برای عمره تمتع برای کسی که در مکه است)
۲۳۹	احرام از جده برای عمره تمتع
۲۳۶	احرام از جحفه و مسجد تنعیم و مقدار توسعه یافته
۱۴۰۴	احرام از حدیبیه برای عمره یا حج
۲۰۲	احرام از داخل مسجد شجره
۲۲۴	احرام از ربیع

۲۰۸	احرام از محاذی دو میقات
۲۰۷	احرام از محاذی میقات
۲۲۰	احرام از مسجد شجره و قسمت‌های توسعه یافته
۲۲۵	احرام از مواقیت خمسه برای کسی که در غیر ماه‌های حج وارد مکه شده
۲۳۱	احرام از وادی عقیق
۱۰۵	احرام اطفال و انجام اعمال حج توسط ولی و ازدواج آنان
۲۸۲	احرام، اگر جامه احرام را عوض کرد هنگام طواف، همان لباس احرام که در آن محرم شده بپوشد
۲۱۲	احرام با نذر از جده
۲۱۱	احرام با نذر برای کسانی که میقات را نمی‌دانند
۲۰۹	احرام با نذر در صورت عبور از محاذی غیر مسجد شجره
۲۱۷	احرام با نذر قبل از میقات
۲۲۲	احرام باید از مواقیت خمسه باشد نه از جده و حدیبیه
۲۲۳	احرام بستن به گفته حمله‌دار درباره میقات
۲۸۸	احرام بستن در حال حدث اصغر و اکبر
۲۰۵	احرام حائض از نزدیک مسجد شجره و تجدید احرام در جُحُفَه
۹۴۶	احرام حج از شهر مکه و استحباب از مقام ابراهیم <small>عليه السلام</small> یا حجر اسماعیل <small>عليه السلام</small>
۹۵۱-۹۵۴	احرام حج از محلات جدید الاحداث مکه - عزیزیه - شعب بنی عامر
۹۴۴	احرام حج از مکه بعد از خروج از مکه و بازگشتن به مکه
۹۴۳	احرام حج برای بیرون رفتن از مکه
۹۳۸	احرام حج تمتع با قصد احرام و لبیک گفتن و قصد ترک محرمات احرام
۹۳۷	احرام حج تمتع بعد از عمره تمتع
۹۴۵	احرام حج در روز ترویبه مستحب است

۹۴۹	احرام حج را جهلاً ترک کرده است
۹۵۰	احرام حج را عمدأ و علماً ترک کند حج باطل است
۹۴۷	احرام حج را فراموش کرد، در منا یا عرفات یادش آمد
۹۴۰	احرام حج مانند احرام عمره تمتع است
۹۴۱	احرام حج و محرمات احرام و کفارات
۹۴۲	احرام حج و وقت آن
۱۷۲	احرام حج یا عمره برای ورود به مکه
۲۲۹_۲۳۷	احرام خدمه کاروان که باید از مکه خارج شوند
۱۰۴	احرام دختر بچه و انجام اعمال حج به کمک مادر - و شوهر کردن دختر
۲۸۶_۲۸۹	احرام در لباس دوخته
۱۳۱۹	احرام در لباس دوخته بواسطه عذر
۲۴۰	احرام در میقات و حرکت بر خلاف جهت مکه
۲۱۵	احرام را از میقات فراموش کرد و یا به خاطر ندانستن مسئله و یا عذر ترک کرد، وظیفه چیست
۱۳۱۸	احرام را اگر در میقات انجام داد نمی‌تواند به هم بزند
۲۱۰	احرام را عمدأ از میقات تأخیر اندازد حج باطل است
۹۴۸	احرام را فراموش کرد، بعد از تمامی اعمال یادش آمد
۲۹۰	احرام را فراموش کند، بعد از عمره یا حج یادش آید
۲۱۶	احرام زن حائض اگر از میقات محرم نشود
۲۲۱	احرام زن حائض در میقات برای حج افراد
۲۷۷	احرام زنان
۲۹۲	احرام زنی که می‌داند به خاطر حیض نمی‌تواند اعمال عمره تمتع را انجام دهد
۱۴۴۱	احرام عمره تمتع را بست پس از احرام دستگیر و زندانی شد و بعد از ایام تشریق آزاد شد

۱۴۰۳	احرام عمره مفرده از جده
۲۱۷	احرام قبل از میقات جایز نیست
۲۴۹	احرام کسانی که در مکه مقیم شده‌اند
۲۵۰	احرام کسی که بدون احرام وارد مکه شده است
۲۴۵	احرام کسی که تلبیه را فراموش کرده است
۲۳۵	احرام کسی که شنوایی ندارد و بدون تلبیه به مکه آمده است
۲۶۹-۲۷۷	احرام مردان، دوجامه، قبل از نیت احرام بپوشد
۲۹۳	احرام و بستن یک پارچه بین پاها
۳۰۱	احرام و پوشیدن چند لباس احرام
۲۱۸	احرام و تأخیر آن از میقات
۲۸۰	احرام و جامه احرام از پوست نباشد
۲۹۱	احرام و قصد احرام لازم نیست
۲۵۲	احرام و قصد ترک محرمات
۲۸۷-۳۵۱-۳۵۲	احرام و گره زدن لباس احرام، یا سنگ گذاشتن و با نخ بستن
۲۸۴	احرام و لباس احرام را می‌تواند بیرون آورد
۲۷۹	احرام و لباس اگر تطهیر نکند کفاره ندارد
۲۹۹	احرام و لباس آن اگر معلوم نیست از درآمد منبر است یا جوهات شرعیه
۳۰۲-۳۰۳	احرام و مستحبات و مکروهات آن
۲۷۸	احرام و نجس شدن و آب کشیدن آن
۹۳۹	احرام و نیت خالص
۲۵۱	احرام و واجبات آن
۲۰۴	احرام جنب با تیمم از داخل مسجد شجره
۲۰۳	احرام شخص جنب و حائض در حال عبور از مسجد شجره

۱۳۲۰	ارتکاب محرّمات احرام از روی نسیان و غفلت یا جهل کفاره ندارد
۵۰۲	ازاله مو توسط غیر محرم از شخص محرم و کفاره آن
۸۴	ازدواج و وعده حج یا مهر قرار دادن آن
۱۳۱۱	استحباب عمره مفرده بعد از اعمال حج
۱۵۱	استطاعت از ارث پدر
۱۰۲	استطاعت از طریق فروش باغ اگر در امرار معاش به آن نیاز دارد
۱۰۱	استطاعت از طریق فروش بعض ابزار کار
۱۰۰	استطاعت از طریق منافع خمس و زکات
۱۵	استطاعت از نظر مالی
۳۰	استطاعت اگر نذر کرده عرفه کربلا باشد
۴۰-۵۰-۹۰	استطاعت اگر نیاز به زکات و خمس و سایر وجوه شرعیه دارد
۳۷	استطاعت با اجیر شدن برای خدمت در راه حج
۴۶	استطاعت با ارث شوهر و پیش آمدن بیماری
۲۲	استطاعت با بدهکاری خمس و زکات
۳۳-۹۴	استطاعت با بذل زاد و راحله و نفقه عائله
۳۸-۵۶	استطاعت با پول نیابت از حج
۴۹	استطاعت با فروش خانه و خرید خانه ارزان تر
۲۸	استطاعت با فروش کتب زیاد، و استفاده از کتب موقوفه
۲۰-۶۵-۷۴	استطاعت با قرض کردن
۴۷-۶۹	استطاعت با مهریه و مطالبه مهریه زن
۴۸	استطاعت با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سهم سادات
۷۱	استطاعت با باز شدن راه از طریق ثبت نام پدر
۸۹	استطاعت به جز برای هدیه و قربانی

۱۳۹۷	استطاعت برای معلولین و قطع نخاعها و بیماری اعصاب
۹۷	استطاعت پدر و بعضی از پسران که زندگی مشترک دارند
۵۸-۵۹-۹۰	استطاعت خدمه و روحانیون کاروانها و پزشکان
۲۱-۷۴-۱۰۶	استطاعت در صورتی که بدهکار است
۵۱	استطاعت در صورتی که نیاز به خانه مسکونی دارد
۷۹	استطاعت در موقع ثبت نام، و نیازمند شدن به پول سپرده حج
۷۳	استطاعت زن و اختصاص نوبت به شوهر یا شخص دیگر
۸۷	استطاعت زن و اجازه ندادن شوهر برای حج
۵۳	استطاعت زن، اگر شوهر در مخارج زندگی به زحمت بیافتد
۸۶- ۸۸	استطاعت فرزند بعد از فوت پدر - و وصیت به حج
۲۳-۲۴ - ۵۷ - ۹۳	استطاعت مالی، و تصرف در اموال برای خروج از استطاعت
۵۴	استطاعت میقاتی دارد ولی استطاعت محلی ندارد
۴۲	استطاعت و استقرار حج بر کسی که حج را ترک کند
۷۵	استطاعت و بخشش مال به دیگری
۶۸	استطاعت و ثبت نام برای سوره
۲ - ۶۳ - ۴۰	استطاعت و رجوع به کفایت
۵۵	استطاعت و شرکت در قرعه کشی و اصابت نکردن نام او
۲۹	استطاعت و شک در مقدار اموال که به اندازه استطاعت هست یا نه
۱۹	استطاعت و طلبکار بودن از دیگران
۸۱	استطاعت و فوت بر اثر سانحه
۸۳	استطاعت و فوت در مکه مکرمه
۳۹	استطاعت و مخارج عائله تا برگشت از حج
۸۰	استطاعت و مردن بعد از دخول حرم یا قبل از آن

۹۶	استطاعت و مصرف مخارج حج از اموال صغیر
۹۹	استطاعت و اعتیاد به خوردن تریاک
۷۶-۷۷-۷۸	استطاعت و نام‌نویسی برای حج از طرف دولت و استقرار حج
۹۵	استطاعت و نگهداری مال
۱۸	استطاعت و نیاز به ازدواج
۹۸	استطاعت و نیاز نوه به ازدواج
۸۲	استطاعت، اگر خیال کرد، حج خود را انجام داده درحالی‌که مستطیع نبوده و در زمان استطاعت قطعی، حج نیابتی انجام داده
۶۶	استطاعت، اگر خیال کرد که مستطیع است و حج انجام داده، بعد کشف خلاف شد
۶۷	استطاعت، اگر خیال کرده مستطیع نیست، به نیت استحباب محرم شود
۲۷	استطاعت، با فروش املاک به قیمت پایین‌تر
۴۱	استطاعت، بدنی - باز بودن راه - زمانی
۷۰	استطاعت، ثبت‌نام برای حج و فوت و نوبت دادن به یکی از فرزندان
۲۶	استطاعت، در صورت گرانی اجرت ماشین و هواپیما
۸۵	استطاعت، کهولت سن و امراض دیگر که قادر به انجام حج نمی‌باشد
۱۶	استطاعت، مصارف رفتن و برگشتن، داشتن ضروریات زندگی
۷۲	استطاعت، و کمک کردن به حکومت کمونیستی
۵۰۹	استظلال از تنعیم تا مسجدالحرام
۵۱۷	استظلال از سایه سقف یا دیوار ماشین
۵۱۳	استظلال از مسجدالحرام تا منزل یا عرفات
۵۲۱	استظلال از مشعر و زیر سقف رفتن در منا
۴۹۰-۵۰۸	استظلال از منزل و محله‌های جدید مکه تا مسجدالحرام
۵۱۹	استظلال در احرام حج به هنگام عبور از تونل‌های مکه

۵۱۵	استظلال در سایه عمودی یا تابش مایل خورشید
۴۸۵	استظلال در شب برای محرم
۵۱۸	استظلال در عرفات و زیر چتر رفتن
۵۱۲	استظلال در قسمت جلوی ماشین
۵۱۴	استظلال در مزدلفه و منا و کفاره آن
۵۲۰	استظلال در مکه یا رسیدن به منزل
۵۱۶	استظلال فقط بر سر صدق می‌کند نه بر شانه
۵۱۱	استظلال و خواب رفتن در ماشین بعد از طلوع آفتاب
۱۴۴	استنابه بدون اذن پدر
۱۴۴۸	اعتکاف در مسجدالحرام و شرط روزه آن
۱۴۴۹	اعتکاف در مسجدالحرام و احرام از تنعیم قبل از اذان صبح و انجام سعی
۱۸۳	اعمال حج تمتع را لازم نیست قبل از شروع بداند
۱۳۶۲	اعمال حج و عمره را انجام داده بعد فهمید وضویش باطل بوده است
۱۳	اعمال حج و عمره، بر عهده طفل است یا بر عهده ولی طفل
۹۵۲	اعمال مکه را بدون احرام قبل از وقوفین انجام داده است
۱۱۷۶	اعمال مکه را چه کسانی می‌توانند قبل از عرفات انجام دهند
۱۱۷۵	اعمال مکه را نمی‌توان قبل از رفتن به عرفات انجام داد
۱۱۹۹	اعمال مکه را نمی‌توان نایب گرفت: در صورتی که با تأخیر خودش می‌تواند انجام دهد
۱۱۷۳	اعمالی که در مکه واجب است انجام دهد
۱۹۸	اقامه و مقیم شدن در مکه و وظیفه آنان نسبت به حج
۱۱۵	اقسام حج صفحه
۳۲۲	انزال با دست بازی کردن با زن

۳۲۰	انزال محرم اگر به غیر زن خود نگاه کند
۱۴۵۰	آوردن قرآن از مسجدالحرام

ب

۱۳۹۵	بقاء بر تقلید میت
۱۴	بلوغ طفل قبل از میقات و حجة الاسلام طفل
۵	بلوغ کودک قبل از مشعرالحرام کفایت از حجة الاسلام می کند
۴۹۴	بوسیدن زن محرم توسط شوهر که در احرام نیست
۱۴۰۸	بوی خوش و استعمال آن و عطر زدن به بدن و لباس برای کسی که بویی را احساس نمی کند
۱۲۲۵	بیتوته به منا تا صبح برای کسی که اول شب بدون عذر در منا نبوده
۱۲۲۱	بیتوته به منا در شب سیزدهم برای چند طایفه
۱۲۲۳	بیتوته به منا در شب سیزدهم برای کسی که در عمره تمتع از صید و زن اجتناب نکرده
۱۲۲۰-۱۲۲۴	بیتوته به منا در شب یازدهم و دوازدهم از غروب آفتاب تا نصف شب
۱۲۲۲-۱۲۳۲	بیتوته به منا در شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم برای چند طایفه واجب نیست، ولی باید کفاره بدهند
۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۲	بیتوته به منا را ترک کند باید کفاره بدهد
۱۲۳۱	بیتوته به منا را ترک می کند ولی تا صبح در مکه عبادت می کند
۱۲۳۶	بیتوته به منا و کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم - کوچ روز سیزدهم هر وقت باشد
۱۲۲۶	بیتوته به منا و محاسبه نیمه شب از غروب تا طلوع آفتاب
۱۲۳۹	بیتوته در زمین های متصل به منا کفاره دارد
۱۴۲۹	بیتوته در قسمت های توسعه یافته منا

۱۲۵۱	بیتوته در منا را ترک می‌کند، تا طلوع فجر در مکه عبادت کند
۱۲۲۷	بیتوته عبادت است با نیت خالص انجام شود
۱۲۲۸	بیتوته نکند جایز نیست در غیر مکه مشغول عبادت شود

پ

۵۰۰	پماد استفاده کردن محرم، به خاطر عرق سوز شدن بدن
۱۴۰۹	پوشیدن دمپایی دوخته برای مردان در حال احرام

ت

۲۰۱	تأخیر احرام از مسجد شجره در صورت ضرورت
۲۱۸-۲۱۹	تأخیر احرام از میقات
۱۲۰۰-۱۱۷۲	تأخیر اعمال مکه تا روز یازدهم
۵۶۵	تأخیر طواف برای تطهیر بی‌مشقت
۱۲۰۶	تأخیر طواف نساء تا چند روز
۲۱۰	تأخیر عمدی احرام از میقات و بطلان حج
۱۲۸۸	تأخیر قربانی از روز عید قربان و رمی شبانه بدون عذر
۱۳۶۳	تبدیل پول ارز به پول ایرانی
۹۳۴	تبدیل حج افراد به عمره تمتع
۹۲۶	تبدیل حج تمتع به افراد برای کسی که حج مستحب انجام می‌دهد
۹۲۲	تبدیل حج تمتع به حج افراد برای زنی که به واسطه حیض نمی‌تواند عمره تمتع انجام دهد

۹۲۷	تبدیل حج تمتع به حج افراد برای کسی که اعمال را عمداً تأخیر انداخته است
۹۲۸	تبدیل حج تمتع به حج افراد برای کسی که یقین دارد به وقوف عرفات نمی‌رسد
۹۲۳_۹۲۴	تبدیل حج تمتع به حج افراد، برای کسی که بدون احرام وارد مکه شده است
۹۲۱	تبدیل حج تمتع به حج افراد، برای کسی که دیر وقت وارد مکه شده است
۹۳۵	تبدیل عمره تمتع به حج افراد
۱۳۵۲	تبعیت از حکم قاضی مکه در خصوص روز عید
۹۱۵	تراشیدن صورت بین عمره تمتع و حج تمتع
۱۴۲۸	ترتیب اعمال منی برای کسی که خوف خطر جانی در روز عید قربان دارد
۱۱۹۵	تشخیص عذر برای تقدیم اعمال حج به عهده خود شخص است
۱۳۹۱	تصادف در احرام حکم محصور را دارد
۱۳۱۶	تخیر بین قصر و اتمام در مدینه و مکه
۱۱۹۸	تقدیم اعمال مکه بدون احرام جهلاً کفایت نمی‌کند
۱۱۹۷	تقدیم اعمال مکه بدون طواف نساء
۱۱۸۹	تقدیم اعمال مکه بر منا و عرفات برای کسی که ترس از ازدحام دارد
۱۱۹۲	تقدیم اعمال مکه بر وقوفین به جز سعی
۱۱۹۴	تقدیم اعمال مکه بر وقوفین لازم نیست اقرب زمان به موقوفین باشد
۱۱۹۳	تقدیم اعمال مکه برای ذوی الاعذار جایز است نه لازم
۱۱۹۶	تقدیم اعمال مکه برای کسی که او را با تخت یا ویلچر باید طواف دهند جایز نیست
۱۱۹۱	تقدیم اعمال مکه برای نائِب به جهت خوف حیض یا مرض
۱۱۹۰	تقدیم اعمال مکه به جهت خوف حیض
۱۱۷۶	تقدیم اعمال مکه برای چهار طایفه
۱۱۷۸	تقدیم اعمال مکه برای کسی که ترس از سیل داشت و کشف خلاف شدن
۱۱۷۷	تقدیم اعمال مکه و کشف خلاف شدن

۱۱۸۴	تقدیم طواف نساء بر سعی در حال ضرورت
۱۱۸۳	تقدیم طواف نساء بر طواف زیارت یا تقدیم سعی بر طواف زیارت جایز نیست
۸۸۹	تقصیر از عبادت است- ریا نباشد
۱۱۶۷	تقصیر با تراشیدن ریش کافی نیست
۱۱۲۳	تقصیر با کمی موی سر و ریش کفایت می‌کند
۸۹۴	تقصیر با کندن مو- اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل نکند
۱۱۵۲ - ۱۱۶۹	تقصیر به جای حلق و انجام اعمال مکه
۱۱۲۰	تقصیر برای زنان در حج
۱۱۲۷	تقصیر برای کسانی که هیچ مویی ندارند
۱۱۵۳	تقصیر برای کسی که سال دوم است و نیابتاً حج به جا می‌آورد
۹۰۲	تقصیر بعد از سعی برای کسی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارد
۸۸۸	تقصیر بعد از سعی می‌باشد، اکتفا به ناخن نکند
۸۱۳	تقصیر بعد از طواف و قبل از نماز و سعی
۹۰۰	تقصیر در عمره تمتع با کندن مو از بدن و حج را نیز انجام داده است
۶۵۰	تقصیر در عمره تمتع و فهمیدن بطلان طواف، نماز طواف یا سعی
۸۹۷	تقصیر در عمره مفرده را با کندن انجام داده و بعد محرم به عمره تمتع شده
۸۹۸	تقصیر در عمره مفرده را فراموش کرده و به ایران بازگشته
۹۰۱	تقصیر را بعد از نماز طواف انجام داده، بعد، سعی و دوباره تقصیر کرده
۹۰۵	تقصیر را به ریا باطل کرده چگونه تدارک کند، اگر به حج محرم شده است
۹۰۷	تقصیر را ترک کند عمداً یا جهلاً
۹۰۶	تقصیر را در اثنای سعی انجام داده است
۱۲۰۹	تقصیر را در عمره مفرده انجام نداده - و طواف نساء را آورده است
۹۰۴	تقصیر را در منزل انجام می‌دهد

۹۰۸	تقصیر را سهواً یا عمداً یا جهلاً یا نسیاناً در عمره مفرده ترک کرده بعد طواف نساء آورده
۸۹۱	تقصیر را عمداً ترک کرده و احرام حج بسته است
۸۹۰	تقصیر را فراموش کرده و احرام حج بسته است
۱۱۲۵	تقصیر را می‌تواند خودش انجام دهد یا دیگری انجام دهد
۸۹۹	تقصیر سنی برای شیعه
۱۱۲۴	تقصیر عبادت است با نیت خالص انجام شود
۸۹۶	تقصیر کرده بعد شک می‌کند تقصیر صحیح است یا نه
۱۱۷۰	تقصیر می‌کند بعد حلق انجام می‌دهد
۹۰۳	تقصیر نمی‌کند، حلق می‌کند
۱۱۲۹	تقصیر و اکتفا به موی زیر بغل محل اشکال است
۱۱۲۸	تقصیر و تراشیدن ریش
۸۸۱	تقصیر و تراشیدن سر و حرمت آن
۸۹۳	تقصیر و حلال شدن محرمات به غیر از تراشیدن سر
۱۱۳۰	تقصیر یا حلق باید در منا باشد
۱۱۲۰	تقصیر یا حلق بعد از ذبح
۱۱۳۱	تقصیر یا حلق در روز عید و تأخیر آن
۱۱۳۳	تقصیر یا حلق در محل و هر کجا هستی و فرستادن مو به منا
۱۱۳۲	تقصیر یا حلق را عمداً و سهواً یا نسیاناً ترک کند
۱۱۴۳	تقصیر یا حلق در شب
۱۱۳۸	تقصیر یا حلق را اگر عمداً یا جهلاً یا نسیاناً بعد از طواف یا سعی انجام دهد
۱۱۴۳	تقصیر یا حلق را تا آخر ایام تشریق تأخیر اندازد
۱۱۳۴-۱۱۳۵	تقصیر یا حلق نکند نباید طواف و سعی انجام دهد
۱۱۴۱	تقصیر یا حلق و حلال شدن محرمات احرام

۱۳۴۵	تقلید از کسی نمی‌کرده و حج انجام داده است
۲۹۷-۲۹۶-۲۶۰	تلبیه باید قدر واجب آن صحیح گفته شود
۲۶۴	تلبیه را اگر به خاطر عذری نگوید محرمات احرام بر او حرام نمی‌شود
۲۶۳	تلبیه را اگر فراموش کرد
۲۶۵	تلبیه را بگوید و فراموش کند نیت عمره تمتع کرده یا حج تمتع
۹۵۳	تلبیه را در احرام حج فراموش کرده در عرفات یا منا یا بعد از حلق متوجه می‌شود
۲۹۴	تلبیه گفتن برای کسی که لال است
۲۶۶	تلبیه و تأخیر آن از میقات
۲۹۸	تلبیه و ترجمه آن
۲۶۸	تلبیه و قطع آن در عمره تمتع و حج تمتع با پیدا شدن خانه‌های مکه
۲۶۲	تلبیه و نائب گرفتن در آن
۲۵۹	تلبیه و واجبات و مستحبات آن
۲۶۱	تلبیه و یادگیری یا تلقین قدر واجب آن
۲۶۷	تلبیه واجب و تکرار تلبیه مستحب
۱۴۰۶	تلبیه، وقف به حرکت و وصل به سکون در آن
۹۲۵	تنگی وقت، مراد از آن چیست
۱۳۴۸	تیمم از حدث اکبر در مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ برای شخص جنب

حج

۱۳۶۶	جماع - ترک طواف یا ترک احد الموقفین و فساد حج یا عمره
۳۱۶-۳۱۸-۴۹۲	جماع در حج تمتع، قبل از وقوف به عرفات و بعد از آن
۳۱۴-۳۱۵	جماع در عمره تمتع

ح

۱۶۶	حج استحبایی از معذورین یا کسانی که در مکه نیستند
۸	حج استحبایی برای طفل غیر ممیز
۱۷۰	حج استحبایی برای کسی که مال ندارد
۱۶۹	حج استحبایی به نیت شخص شروع کند و در پایان اهدا ثواب کند
۶	حج استحبایی قصد کند، به گمان اینکه بالغ نشده، کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند
۱۶۷	حج استحبایی و قرض کردن زاد و راحله
۱۶۵_۱۶۶_۱۷۰	حج استحبایی و کراهت ترک آن
۳۲	حج استحبایی، به اعتقاد اینکه مستطیع نیست
۹۳۶	حج افراد از حرم
۲۵۴	حج افراد اگر عمره تمتع را به ریا باطل کند
۹۳۳	حج افراد برای خدمه کاروان‌ها
۱۷۴	حج افراد و حج تمتع و فرق آن دو
۱۷۴	حج افراد و صورت آن
۳۱۷_۴۸۹	حج اگر فاسد شد چه باید بکند
۳۱	حج اگر موجب ترک واجب، یا فعل حرام می‌شود
۱۳۵۰_۱۳۵۱	حج انجام دادن بدون اینکه خمس مال خود را بدهد
۱۳۴۵	حج انجام داده ولی از کسی تقلید نمی‌کرده است
۱۳۶۷	حج با ترک موقوفین فاسد شده و باقی اعمال را انجام داده است
۱۶۸	حج با مال حرام یا مشتهبه
۱۹۷	حج بدل به افراد شده، عمره مفرده را سال بعد انجام دهد

۹۱	حج بذلی به کسی که قادر به انجام حج نمی‌باشد
۳۵	حج بذلی و بازگشتن باذل از بذل
۳۶	حج بذلی و پول قربانی بر عهده باذل
۳۳_۳۴	حج بذلی و عدم رجوع به کفایت
۱۴۰	حج برای خود و پدر و مادر در یک سال
۱۶۶	حج برای معصومین <small>علیهم‌السلام</small> و حضرت ولی عصر <small>علیه‌السلام</small>
۱۴۷	حج بلدی، اگر فراموش کند از بلد نیت حج کند
۱۴۳۸_۱۴۳۶_۱۴۳۷	حج به جا آوردن با فیش متوفی
۱۳۹۸	حج به جا آوردن در صورت خوف از بیماری‌های واگیردار
۲۵۷	حج تمتع به جای عمره تمتع نیت کند
۲۵۸	حج تمتع را گمان کرده مقدم بر عمره تمتع است
۱۳۲۳	حج تمتع را مشغول است، شک در انجام عمره تمتع می‌کند یا در صحت شک می‌کند
۱۳۲۱	حج تمتع و حج عمره باید در یک سال انجام شود
۱۸۳	حج تمتع و دانستن اعمال آن قبل از ورود
صفحه ۱۱۹	حج تمتع و صورت اجمالی آن
۱۳۲۵	حج تمتع و عمره تمتع باید در ماه‌های حج انجام شود
۱۳۶۲	حج را انجام داده بعد فهمید وضویش باطل بوده
۱۳۶۴	حج را با لباس دوخته انجام می‌دهد
۲۵۵	حج را به ریا باطل کند سال بعد اعاده کند
۱۹۷	حجش بدل به افراد شده، عمره مفرده را سال بعد، بعد از اعمال حج به جا آورد
۴_۷	حج غیر بالغ، حجة الاسلام محسوب نمی‌شود
۱۹۹	حج قران
۶۲	حج ما فی الذمه در صورت بطلان بعض اجزا حج سابق

۶۱	حج ما فی الذمه و احتیاطی
۵۶	حج نیابتی مقدم بر حج خود است
۹۴۶	حج و محل احرام آن
۱۳۶۱	حج و مشقت نوعی مراد است یا شخصی
۲۵۶	حج یا بعض اعمال آن را به ریا باطل کند
۷۵۴_۷۵۵	حجاب زن در طواف
۱۷	حجة الاسلام با صرف ضروریات زندگی در حج
۲۹۵	حجة الاسلام را نیت می‌کند با آنکه حج خود را انجام داده است
صفحه ۱۹	حجة الاسلام و شرایط آن
۱	حجة الاسلام یک مرتبه در تمام عمر واجب است
۶۳۷	حجر اسماعیل از بیت الله محسوب نمی‌شود
۱۱۷۹	حلال شدن محرمات احرام به تدریج بعد از سه عمل
۱۱۵۵	حلق، اگر بعض سر را بتراشد، بعض دیگر را ماشین کند
۱۴۲۷	حلق با ماشین‌هایی که مانند تیغ، موی سر را می‌تراشد
۱۱۲۲	حلق باید تمام سر باشد
۱۱۳۰	حلق باید در منی باشد
۱۱۲۰	حلق برای چه کسانی واجب است
۱۱۲۱	حلق برای ختنای مشکل
۱۱۲۶	حلق برای کسانی که موی سر ندارند، تیغ به سر بکشند
۱۱۶۴	حلق برای کسی که از حلق کردن معذور است و رجوع کردن به مجتهد دیگر
۱۱۶۸	حلق برای کسی که نیت سر تراشیدن نکرده است
۱۱۴۷	حلق توسط سلمانی، خودش هم مشغول ناخن گرفتن بود
۱۱۶۰	حلق توسط کسی که محرم است و از احرام خارج نشده است

۱۱۵۶	حلق در خارج منا برای کسی که نتواند به منا برود
۱۱۶۶	حلق در روز عید برای کسی که پول قربانی ندارد و می‌خواهد روزه بگیرد
۱۱۴۳	حلق در شب و تأخیر حلق تا آخر ایام تشریق
۱۱۴۹-۱۱۵۰	حلق در کنار مسلخ جدید- انجام اعمال مکه بعد از آن
۱۱۴۶	حلق دیگری در صورتی جایز است که خودش حلق یا تقصیر کرده باشد
۱۱۵۲	حلق را انجام نداده، به جای آن تقصیر کرده است
۱۱۴۸	حلق را در غیر منا انجام داده و اعمال مترتبه را به جا آورده
۱۱۵۱-۱۱۵۴	حلق را سال قبل و امسال در خارج منا انجام داده است
۱۱۶۳	حلق را فراموش کرده و به ایران آمده است
۱۱۲۵	حلق را می‌تواند خود یا سلمانی انجام دهد
۱۲۹۸	حلق قبل از رمی جایز نیست
۱۱۶۱	حلق کردن اگر می‌داند سرش خون می‌آید
۹۰۳	حلق کردن به جای تقصیر در عمره تمتع
۱۱۶۲	حلق کردن سال اول چون احتیاط واجب است، رجوع کند به مجتهد دیگر
۱۳۷	حلق نکردن و به جای آن با ماشین ته‌زن سر را تراشیده است
۱۱۵۷	حلق و تقصیر برای کسی که بعضی از سرش شکسته است
۱۱۵۸	حلق و قربانی را خارج منا انجام داده، نیابت سال بعد چگونه است
۱۱۷۱	حلق و مستحبات آن

خ

۹۶۷	خروج از عرفات قبل از غروب شرعی جهلاً
۹۸۴	خروج از مشعرالحرام قبل از طلوع صبح عمداً

۹۴۳	خروج از مکه با احرام حج
۹۴۴	خروج از مکه بدون احرام، بدون حاجت و بازگشتن به مکه و احرام بستن و صحت آن
۲۴۱	خروج از مکه بعد از اتمام حج تمتع و ورود به مکه بدون احرام
۱۲۰۲_۱۴۲۱	خروج از مکه بعد از اعمال منا و قبل از اعمال حج در مکه
۱۴۱۹_۱۴۲۰	خروج از مکه بعد از عمره تمتع و رفتن به مدینه، و برگشتن به مکه
۹۲۰	خروج از مکه بین عمره تمتع و حج تمتع برای کار غیر ضروری
۹۱۷	خروج از مکه بین عمره تمتع و حج تمتع برای کارمندانی که حج نیایی انجام می‌دهند
۹۱۸	خروج از مکه بین عمره تمتع و حج تمتع برای کسانی که منزلشان از مکه خارج است
۱۴۲۳	خروج از مکه و رفتن به جده بعد از گذشت یک ماه از عمره
۹۱۶_۹۱۹	خروج از مکه و رفتن به غار حرا بین عمره تمتع و حج تمتع و غار ثور
۱۲۴۷_۱۲۴۸_۱۲۴۹	خروج از منی بعد از بیت شب دوازدهم برای معذورین از رمی در روز
۱۲۳۷_۱۲۵۰	خروج از منا در صبح روز دوازدهم
۱۲۳۸	خروج از منا و زنان هم حکم مردان را دارند
۱۲۴۰	خروج از منا قبل از غروب شب سیزدهم - بعد از غروب مراجعت کردن
۹۱۱	خروج خدمه کاروان‌ها از مکه به عرفات و منا بعد از عمره تمتع
۹۶۶	خروج سهوی از عرفات قبل از غروب شرعی
۹۶۴_۹۶۵	خروج عمدی از عرفات قبل از غروب شرعی و کفاره آن
۱۴۳۹	خمس سپرده حج
۱۴۴۰	خمس سپره عمره
۱۳۲۸	خوردن از گوشت گوسفندی که برای کفاره قربانی می‌کنند جایز نیست
۱۴۰۷	خوردن نعنا و سبزی‌های خوشبو در حال احرام

د

۱۴۰۹	دمپایی دوخته و پوشیدن آن برای مردان در حال احرام
۵۲۴	دندان کردن محرم از خود و دیگری
۵۲۵	دندانی که درد می‌کند در حال احرام می‌توان کشید
۱۳۶۵	دیوانه و مجنون شدن بعد از احرام عمره تمتع
۱۳۳	دیوانه و مجنون شدن در عرفات و تکلیف بقیه اعمال
۱۴۵-۲۴۳	دیوانه و مجنون شدن در مدینه
۱۴۴۶	دیوانه و مجنون شدن کسی که حج بر او مستقر شده است

ذ

۱۰۴۲-۱۰۸۳	ذابح در قربانی باید مؤمن باشد
۱۵۶	ذابح نیت نایب را بکند یا نیت منوب عنه

ر

۱۳۹۶	رجوع به فالاعلم در مسائل و اعمال حج که اعلم احتیاط واجب کرده
۵۴۴	رضای دیگری را هم در نیت طواف داشته باشد
۱۲۸۷	رفع عذر از رمی در بعدازظهر
۱۲۵۶	رمی جمرات سه گانه از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب- در شب جایز نیست
۱۲۵۵	رمی جمرات سه گانه و عدد سنگها

۱۰۰۷	رمی جمرات اگر چند سنگ را با هم بیاندازد
۱۰۰۹	رمی جمرات با پا یا دهان یا فلاخن
۱۰۱۶	رمی جمرات باحضور مریض نزد جمره
۱۰۰۸	رمی جمرات پیاده یا سواره
۱۰۱۸	رمی جمرات در شب برای معذورین در روز
۱۲۸۶	رمی جمرات در شب یا نیابت در روز
۱۴۲۴_۱۲۸۴	رمی جمرات در طبقات فوقانی
۱۴۲۵	رمی جمرات در قسمت توسعه یافته
۱۰۱۷	رمی جمرات را اگر نائب انجام داد اعاده ندارد
۱۲۸۰_۱۲۸۱	رمی جمرات را انجام داده، یقین می‌کند یکی از جمرات را ناقص آورده
۱۲۷۸	رمی جمرات را انجام می‌دهد، بعد از گذشت، روزی یقین می‌کند یکی از جمرات را رمی نکرده
۱۲۶۲	رمی جمرات را فراموش کرده باید روز بعد قضا کند
۱۲۶۷	رمی جمرات را فراموش کرده و از منا خارج شده، برگردد قضا کند، یا نائب بگیرد
۱۲۶۸_۱۲۶۹	رمی جمرات را فراموش کرده و از مکه خارج شده است
۱۳۰۶	رمی جمرات را می‌داند یک روز ترک کرده، نمی‌داند کدام روز است
۱۲۷۱	رمی جمرات را نائب انجام داد، عذر برطرف شد، اعاده لازم نیست
۱۲۷۳	رمی جمرات را نائب انجام می‌دهد برای معذور، اذن لازم نیست
۱۳۰۳	رمی جمرات روز یازدهم برای کسی که هنوز حلق نکرده است
۱۲۵۳	رمی جمرات سه گانه در منی
۱۲۵۴	رمی جمرات سه گانه برای کسانی که شب سیزدهم در منا می‌مانند
۱۲۵۷_۱۲۸۵	رمی جمرات سه گانه در شب برای معذورین
۱۰۰۳	رمی جمرات و احتمال اینکه سنگ‌ها را از خارج حرم آورده‌اند

۱۰۰۱	رمی جمرات و انداختن سنگ‌ها
۱۲۵۸-۱۲۵۹	رمی جمرات و ترتیب آن
۱۲۶۰-۱۲۶۱	رمی جمرات و خلاف ترتیب عمداً، سهواً، نسیاناً
۹۹۷	رمی جمرات و سنگ باید از حرم باشد
۹۹۸	رمی جمرات و سنگ باید بکر باشد
۱۰۰۱	رمی جمرات و سنگ باید به جمره برسد
۹۹۹	رمی جمرات و سنگ باید مباح باشد
۱۰۰۱	رمی جمرات و سنگ‌ها هفت عدد باشد
۱۰۰۱	رمی جمرات و سنگ‌ها را یکی یکی عقب هم بیاندازد
۹۹۶	رمی جمرات و شرایط سنگ
۱۰۱۱	رمی جمرات و شک در انداختن سنگ یا عدد بعد از سر تراشیدن و ذبح
۱۰۰۲	رمی جمرات و شک در اینکه سنگ‌ها بکر است یا نه
۱۰۰۴	رمی جمرات و شک در اینکه سنگ‌ها حصی هستند یا نه
۱۰۱۲	رمی جمرات و شک در درست انداختن بعد از فارغ شدن
۱۰۰۵	رمی جمرات و شک در عدد انداختن - یا شک در اصابت کردن
۱۰۱۰	رمی جمرات و شک در نقیصه یا زیاده بعد از انصراف
۱۰۱۴	رمی جمرات و طهارت از حدث یا خبث یا طهارت سنگ‌ها
۱۰۱۳	رمی جمرات و ظن به رسیدن سنگ و عدد آن
۱۳۰۸	رمی جمرات و قضای آن، ابتدا جمره اولی بعد جمره وسطی و ...
۱۲۸۲	رمی جمرات و گذشت وقت هر سه روز - بعد یقین می‌کند یک روز رمی نکرده
۱۰۱۹	رمی جمرات و مستحبات آن
۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶	رمی جمرات و مقدم داشتن قضا بر ادا
۱۲۹۵-۱۲۹۰-۱۲۸۹	رمی جمرات و نایب در آن باید روز رمی کند

۱۲۷۰-۱۲۷۲	رمی جمرات و نایب گرفتن برای معذور
۱۰۰۶	رمی جمرات و نرسیدن سنگ به جمره
۱۰۱۵	رمی جمرات و نیابت از بچه‌ها و مریض‌ها و حال اغما
۱۰۰۰	رمی جمرات و وقت انداختن سنگ از طلوع آفتاب روز عید تا غروب
۱۲۹۱	رمی جمره اگر سنگ ریزه به دیوار مجاور و بعد به جمره بخورد
۱۲۸۸	رمی جمره در شب بدون عذر
۱۲۷۴	رمی جمره را انجام داده و شک در به جا آوردن می‌کند
۱۲۷۹	رمی جمره را انجام می‌دهد، شک در عدد قبلی می‌کند
۱۲۹۶-۱۲۸۹	رمی جمره را نمی‌تواند انجام دهد آیا می‌تواند در حج نایب شود
۱۳۰۷	رمی جمره را یازده سنگ انداخته
۱۲۹۳	رمی جمره عقبه برای زنان در شب عید و نایب شدن آنها
۱۲۸۳	رمی جمره عقبه برای زنان - ضعفا - مراقبین در شب عید
۱۳۰۲	رمی جمره و قصد زیاد کردن، از ابتدا یا در اثنای رمی
۱۲۹۸	رمی را در روز عید نمی‌تواند انجام دهد، آیا حلق جایز است
۱۳۰۵	رمی زنان در روز یازدهم و دوازدهم باید در روز باشد مگر از رمی در روز معذور باشند
۱۳۰۴	رمی زنی که احتمال می‌دهد، رمی باعث قاعدگی او شود، نایب بگیرد
۱۳۰۰	رمی کردن با سنگ ریزه‌هایی که در مشعر هست و معلوم است از خارج مشعر آورده‌اند
۱۴۴۷	روزه سه روز مستحبی در مدینه مخصوص مسافر است یا شامل اهل مدینه هم می‌شود
۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۷	روزه سه روز به جای قربانی در ماه ذی‌حجه
۱۰۶۰	روزه سه روز به جای قربانی در ایام تشریق در منا حرام است
۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۶	روزه هفت روزه را بعد از سفر حج بگیرد
۵۴۲	ریا کردن بعد از طواف یا سایر اعمال

ز

۹۷۵-۹۷۴	زن از حیض پاک می‌شود، اعمال عمره را انجام می‌دهد در عرفات لک می‌بیند
۱۲۱۴	زن اعمال حج را مقدم می‌دارد، بعد از سعی حائض می‌شود
۲۹۲-۲۲۱	زن اگر یقین دارد نمی‌تواند عمره تمتع را به خاطر حیض انجام دهد باید نیت حج افراد کند
۷۲۰	زن با خوردن قرص، نظم عادت ماهانه‌اش به هم می‌خورد
۲۴۶	زن بدون اذن شوهر نذر احرام می‌کند
۷۳۶	زن برای جلوگیری از عادت قرص می‌خورد، و ایام عادت یک یا دو لک کم‌رنگ می‌بیند
۷۲۴	زن بعد از پاک شدن به خیال اینکه عادت ماهیانه جنابت است، نیت غسل جنابت می‌کند و اعمال حج را انجام می‌دهد
۸۱۱	زن بعد از طواف عمره حیض می‌شود
۷۲۸	زن بعد از وقوفین حیض می‌شود، با مصرف قرص، خون قطع شده و اعمال را انجام می‌دهد
۷۳۱	زن به تصور پاکی طواف می‌کند، در اثنای سعی متوجه می‌شود هنوز پاک نشده است
۹۳۲	زن به خیال اینکه حیض است حج تمتع را تبدیل به حج افراد کرد بعد متوجه شد استحاضه است
۷۲۶	زن بیش از پنجاه سال شمسی دارد، پس از یک و نیم سال خون ندیدن، در عرفات خون می‌بیند
۲۱۶	زن حائض اگر به دلیل ندانستن مسئله از میقات محرم نشود
۸۷۰	زن حائض اگر برای انجام سعی مجبور شود به دلیل ازدحام از مسجدالحرام عبور کند
۲۴۸-۲۳۴	زن حائض اگر در مسجد شجره محرم شود
۲۳۰	زن حائض اگر نتواند وارد مسجد شجره شود
۹۳۱	زن حائض بعد از رمی عمره تمتع را انجام می‌دهد دوباره لک می‌بیند

۲۲۱	زن حائض به نیت حج افراد محرم می‌شود، بعد کشف خلاف می‌شود
۸۶۲	زن حائض در سعی نباید نایب بگیرد
۲۳۳-۲۳۲	زن حائض می‌تواند با نذر در مدینه محرم شود
۲۴۴	زن حائض نزدیک مسجد شجره محرم می‌شود، چون خوابش برد محاذی جحفه تجدید احرام نکرده است
۱۳۴۰	زن حائض یا جنب نمی‌تواند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی <small>ﷺ</small> عبور کند
۹۱۴	زن در حال حیض جهلاً اعمال عمره تمتع را انجام داده است
۸۸۵	زن در حال سعی بعضی مواضع بدن او غیر از وجه و کفین پیدا باشد
۷۲۹	زن در حال طواف مستحاضه قلیله می‌شود
۷۶۶	زن در حال طواف مستحبی به بدن مردان نامحرم نگاه می‌کند
۷۵۵	زن در حال طواف مقداری از موی سرش باز است
۷۲۲	زن در عمره تمتع بعد از شوط چهارم حیض می‌شود و تا رفتن به عرفات پاک نمی‌شود
۷۲۱	زن در عمره تمتع قبل از شوط چهارم حیض می‌شود و تا رفتن به عرفات پاک نمی‌شود
۶۴۴	زن در غیر ایام عادت لک دیده و طواف انجام داده است
۳۲۲	زن، دست بازی کردن با زن، و حکم انزال و عدم انزال
۳۲۱-۳۲۰	زن دیگری را نگاه کند و جنب شود
۳۱۹	زن را در حال احرام ببوسد
صفحه ۱۹۴	زن را در حال احرام عقد کند
۳۳۰-۳۲۹	زن را در حال احرام عقد کند در فرض علم به مسئله و جهل به آن
۱۳۵۶	زن روز یازدهم مریض و به بیمارستان می‌رود، شوهرش بقیه اعمالش را نیابتاً انجام می‌دهد
۷۲۳	زن عمره تمتع را انجام داده، بعد متوجه شده طواف باطل بوده و حیض می‌شود
۷۳۵	زن قرشیه بعد از شصت سال و غیر قرشیه بعد از پنجاه سال چند روز خون می‌بیند
۷۱۹	زن که عادت وقتیه و عددیه دارد بعد از پاک شدن و غسل و انجام اعمال دوباره لک می‌بیند

۳۳۲	زن محرم باشد، مرد محرم نباشد و عقد انجام دهند
۴۹۳	زن مُحَرَّم است، آیا شوهر مُحَل می‌تواند از روی التذاذ به او دست بزند
۷۲۷-۷۲۵	زن مستحاضه و حکم نماز و طواف وی
۷۳۰	زن مستحاضه بعد از غسل و وضو مشغول طواف می‌شود، در اثنای طواف لک می‌بیند
۷۳۳	زن مستحاضه غسل می‌کند و وضو می‌گیرد، در اثنای طواف نماز ظهر شروع می‌شود
۷۳۲	زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و فاصله افتادن بین غسل و اعمال
۷۹۵	زن نماز طواف را در حجر اسماعیل خوانده، بعد حیض شده تا وقوف به عرفات پاک نمی‌شود
۱۲۰۸	زن نیت طواف رجال می‌کند به جای طواف نساء
۴۳۶-۴۲۸	زن و پوشاندن صورت
۵۰۵	زن و پوشاندن صورت و چانه
۳۹۳-۳۹۱	زن و پوشیدن زیورآلات
۳۵۳	زن و پوشیدن لباس دوخته- قفازین
۵۰۷	زن و پوشیده شدن صورت در حال بیرون آوردن مقنعه
۵۰۶	زن و خشک کردن صورت با حوله
۳۳۳	زن و عقد کردن او را برای محرم
۱۲۹۳	زنان که رمی جمره عقبه را در شب انجام می‌دهند، می‌توانند در حج نایب شوند
۱۴۰۵	زنان و شرایط لباس احرام آنان
۱۲۳۸	زنان هم حکم مردان را دارند در خروج از منا
۱۹۳	زنی که احتمال حیض یا مرض می‌دهد می‌تواند به احرام عمره مفرده مستحبی محرم شود
۷۳۴	زنی که حیض نمی‌شود، ولی هر دو ماه یک بار، دو سه روزی لک می‌بیند

سجده

۱۴۱۰	ساعت مچی و بند دوخته آن در حال احرام
۱۳۴۹	سجده بر سنگ‌های مسجدالحرام، با آنکه در تطهیر مسجدالحرام انسان علم به نجاست تمام مسجد پیدا می‌کند
۱۳۴۲	سجده کردن بر پشت دست در مسجدالحرام
۱۳۳۸	سجده کردن بر روی حصیر که با نخ مخلوط است
۱۳۱۴-۱۳۳۴	سجده کردن روی سنگ‌های مسجدالحرام- فرش‌های مسجدالنبی ﷺ
۸۲۹	سعی از جزء اول صفا
۸۲۸	سعی از صفا شروع می‌شود، برعکس باطل است
۸۳۵	سعی از طبقه دوم و سوم
۸۳۶	سعی از طبقه زیرزمین
۸۶۵	سعی از یک طرف، مثلا از راه صفا برود و برگردد
۸۷۲	سعی با چرخ و ویلچر و نبود تمکن مالی
۸۳۴	سعی باید از راه متعارف باشد
۸۳۷	سعی، به صورت عقب عقب، یا به پهلو، نگاه به چپ و راست کردن، متوجه مروه بودن
۸۲۶-۸۲۵	سعی بین کوه صفا و مروه
۸۷۶-۸۵۶	سعی در طبقه فوقانی
۱۴۱۸	سعی در مسعای جدید
۸۵۴	سعی را اگر چهارده دور انجام داده است (رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده)
۸۵۸	سعی را اگر از مروه شروع کند

۸۷۵	سعی را اگر مقداری عقب عقب رفته
۶۳۱	سعی را انجام می‌داد یادش آمد طواف را ناقص انجام داده
۱۱۹۲	سعی را بعد از اعمال منی انجام و بقیه اعمال مکه را مقدم نماید
۸۷۴	سعی را به اعتقاد اینکه رفت و برگشت یک شوط است شروع ولی به هفت شوط ختم می‌کند
۸۴۷	سعی را تمام کند، محرمات احرام حلال نمی‌شود
۸۶۱	سعی را در روز بعد یا روزهای بعد انجام می‌دهد
۸۷۳	سعی را در شوط سوم به هم می‌زند، و با فاصله اندکی هفت شوط می‌آورد
۸۵۵	سعی را شب و طواف را بعد از ظهر انجام داده است
۸۸۲	سعی را فراموش کرده و تقصیر نموده
۸۴۶	سعی را کمتر از چهار مرتبه آورده، بقیه را فراموش کرده
۸۴۶	سعی را کمتر از یک مرتبه آورده، و بقیه را فراموش کرده
۸۴۸	سعی و فراموشی بعضی از آن و نزدیکی با زن به گمان خروج از احرام
۱۱۸۳	سعی را نباید بر طواف زیارت مقدم نماید
۸۶۴	سعی را نیاورده و فوت کرده، باید نایب بگیرند
۸۶۳	سعی را یقین دارد هفت شوط آورده، بعد از تقصیر متوجه می‌شود ۵ شوط بوده
۸۴۲	سعی رکن است
۸۶۷	سعی روی کوه صفا و مروه به صورت هلالی
۸۷۰	سعی زن حائض اگر مجبور شود از مسجدالحرام عبور کند
۸۳۰	سعی سواره یا پیاده
۸۴۱	سعی عبادت است با نیت خالص بیاورد
۸۳۳-۸۳۲-۶۳۰-۵۳۳۶	سعی قبل از طواف باطل است

۸۵۰	سعی کرده بعد تقصیر می‌کند و شک در عدد رفت و آمدها می‌کند
۸۵۰	سعی کرده قبل از انصراف شک در عدد رفت و آمدها می‌کند
۱۴۴۳	سعی کودک و خواب رفتن در حال سعی
۸۵۷	سعی می‌کند و در اثنای سعی متوجه شد طواف را بیش از هفت شوط نموده
۸۷۸	سعی و پنج دور رفت و برگشت و تقصیر نمودن
۸۳۸	سعی و استراحت روی کوه صفا و مروه، و بین راه
۸۶۸	سعی و بالا رفتن روی کوه صفا و مروه
۸۷۹	سعی و بالای کوه صفا و مروه رفتن
۸۸۵	سعی و پیدا بودن بعض مواضع بدن زن
۸۳۹	سعی و تأخیر آن تا شب برای تخفیف گرما
۸۴۰	سعی و تأخیر آن تا فردا
۸۳۳	سعی و تقدیم آن بر طواف از روی فراموشی یا ندانستن مسئله
۸۶۶	سعی و تکرار آن در قسمت هروله
۸۶۹	سعی و توجه به مروه و خوب وضعی دارد
۸۴۴	سعی و زیاد کردن از روی فراموشی
۸۴۳	سعی و زیاد کردن بر هفت مرتبه عمداً
۸۷۱	سعی و زیاد کردن سهواً و جهلاً
۸۸۳	سعی و شک بین هفت و نه قبل از رسیدن به مروه
۸۵۱	سعی و شک در صحت
۸۳۱	سعی و طهارت از حدث و خبث و ستر عورت
۸۶۰	سعی و قطع آن برای آب خوردن
۸۸۰	سعی و قطع آن در یک شوط و نیم و وضو گرفتن و اعاده سعی

۸۴۵	سعی و کم کردن آن سهواً و بازگشتن به وطن و نیابت گرفتن
۸۷۷	سعی و کنترل همراهان و عقب برگشتن
۸۸۷	سعی و مستحبات آن
۸۸۴	سعی و موالات در تمام اشواط سعی یا بعض اشواط
۶۴۶	سعی و نماز جماعت در بین آن
۸۸۱	سعی و یقین به پنج دور و شک در بقیه
۸۲۷	سعی هفت شوط است
۱۳۴۷	سنگ از صفا- مروه یا مشعرالحرام برداشتن

ش

۱۴۰۵	شرایط لباس احرام بانوان
۱۰۸	شرایط منوب عنه
۱۰۷	شرایط نائب
۱۷	شرایط وجوب حجة الاسلام
۱۴۳	شرط ایمان در نائب در تمام اعمال حج
۱۳۲۷	شرط قربانی در گوسفند کفاره لازم نیست
۴۲۲	شستن سر و خشک کردن با حوله و دستمال
۱۴۱۱	شک بین پنج و شش در طواف بعد از کمی استراحت
۸۸۳	شک بین هفت و نه قبل از رسیدن به مروه
۸۵۰	شک در اشواط سعی بعد از تقصیر یا بعد از سعی و انصراف
۱۳۲۴	شک در اعمال یا صحت اعمال بعد از وارد شدن به عمل بعد

۱۳۷۴	شک در انجام رمی جمرات بعد از گذشت آن روز
۱۴۱۲	شک در بین طواف که نداند چند شوط به جا آورده
۱۲۹۲	شک در تعداد سنگ می‌کند رها می‌کند دوباره از اول شروع می‌کند
۱۲۷۶	شک در رمی جمره اولی و دومی هنگام رمی جمره عقبه یا شک در صحت آنها
۸۵۳	شک در سعی بعد از طواف انجام شده در روز قبل و بعد از تقصیر
۸۵۲	شک در سعی در مروه بین هفت و زیادتر
۸۵۲	شک در سعی قبل از رسیدن به مروه
۸۹۶	شک در صحت تقصیر بعد از آن
۸۵۱	شک در صحت سعی بعد از فراغ شدن از سعی
۷۰۷	شک در صحت طواف بعد از فراغ برای کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد
۱۲۷۵	شک در کیفیت صحت رمی جمرات بعد از انداختن
۱۲۷۷	شک در عدد سنگ‌ها قبل از آنکه وارد رمی جمره بعد شود
۱۳۲۳	شک در عمره تمتع بعد از مشغول شدن به حج تمتع یا شک در صحت

ص

۱۱۵۹	صبی ممیز تمام اعمال حج را انجام داده، از ضروره بودن خارج می‌شود
------	---

ط

۵۳۱	طواف هفت شوط است
۶۳۸	طواف از پشت مقام ابراهیم <small>عليه السلام</small> الاقرب فالاقرب

۵۹۴_۵۹۳	طواف از پشت مقام ابراهیم <small>علیه السلام</small> حتی در بعضی از دورها
۶۶۵	طواف از حجرالاسود و نیت ختم در رکن یمانی و نیت شوط بعد از حجرالاسود
۵۹۰_۵۸۸_۵۸۷	طواف از داخل حجر اسماعیل باطل است چه سهواً یا عمدتاً
۵۹۱_۵۹۰	طواف از داخل حجر اسماعیل در بعضی دورها
۵۵۴	طواف اگر امید دارد عذرش از وضو یا غسل مرتفع شود
۵۵۵	طواف اگر با وضو یا غسل بوده و شک در حدث اکبر یا اصغر کند
۶۴۹	طواف اگر در اثنا، شک در صحت شوط یا جزء قبل کند
۵۶۷	طواف اگر شک در طهارت بدن و لباس دارد
۵۵۶	طواف اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده، و شک در وضو یا غسل کند
۷۶۱	طواف اول و دوم را رها می‌کند و طواف سوم را به اتمام می‌رساند
۵۵۳	طواف با تیمم بدل از غسل و عارض شدن حدث اصغر
۵۴۸	طواف با حدث اصغر یا اکبر، عمدتاً، غفلتاً، نسیاناً
۵۶۴_۵۶۳	طواف با خون قروح و جروح
۵۸۵	طواف بدون اختیار
۶۴۱_۶۴۰	طواف بدون اختیار و تدارک آن
۶۴۷	طواف بدون وضو اگر بعد از تقصیر در عمره تمتع بفهمد
۶۳۲	طواف بدون وضو سهواً، غفلتاً، جهلاً
۶۴۵_۵۷۳_۵۷۲	طواف برای بچه‌ای که ختنه نشده است و نائب گرفتن
۶۳۳	طواف برای خود و حمل مریض یا طفل برای طواف
۶۰۲_۶۰۱	طواف به قصد کمتر یا بیشتر از هفت شوط باطل است
۶۰۵_۶۰۴_۶۰۳	طواف به قصد هشت دور، یک دور به قصد قدم زدن و تبرک
۶۹۱	طواف حج خود را غلط انجام داده، و چندین مرتبه بعد از آن حج نیایی انجام داده
۵۹۸_۵۹۷	طواف خارج از شاذروان

۱۴۴۴	طواف دادن کودک و شانه چپ او به طرف کعبه
۵۳۸	طواف دادن مریض و رعایت شرائط طواف
۶۷۷	طواف دختری که در اوایل سن بلوغ جنب شده و با همان حال حج انجام داده است
۵۹۶-۵۹۵	طواف در طرف حجر اسماعیل <small>عليه السلام</small>
۷۱۴	طواف در محدوده مطاف ولی در وقت خلوت
۷۴۷	طواف در محدوده ۲۶/۵ ذراع و نماز پشت مقام، و بدعت دانستن اهل سنت
۶۷۳	طواف را اعاده می‌کرد دوباره قطع شد
۵۳۷	طواف را اگر به خاطر مرض نتواند انجام دهد نایب بگیرد
۷۰۴	طواف را اگر به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد
۵۴۱	طواف را با ریا انجام دهد باطل است
۷۵۶	طواف را به خاطر دلچسب نشدن دوباره انجام می‌دهد
۷۶۰	طواف را در دور ششم رها کرده و نتوانسته تمام کند، دیگری بقیه را انجام داده است
۷۱۱	طواف را در شوط اول که ناقص آورده رها کرده، بعد شش شوط دیگر به جا می‌آورد
۵۳۲	طواف را در عمره تمتع عمداً ترک کند
۷۱۰	طواف را فراموش یا باطل انجام داده و در ماه‌های غیر حج اعاده کرده
۷۴۳	طواف را قطع می‌کند بعد از محاذی آن نقطه شروع می‌کند
۶۶۴-۶۶۱-۶۵۷-۶۵۲	طواف را قطع می‌کند و از اول شروع می‌کند
۶۷۰	طواف را ترک نموده و فقط نماز طواف را خوانده باید حج را اعاده کند
۶۴۴	طواف زنی که در غیر ایام عادت لک دیده
۵۸۶	طواف سواره یا پیاده، آهسته یا تند
۶۸۹	طواف عمره را فراموش کند، یا ناقص انجام دهد، و در عرفات متوجه شود
۶۴۵	طواف غیر مختون که ختنه برای او خطر دارد
۶۸۸	طواف کسی که چهارده شوط طواف کرده

۶۸۳	طواف کسی که دو شوط انجام داده و بقیه را نایب گرفته
۶۸۲	طواف کسی که بیش از چهار شوط طواف و دو شوط سعی انجام نداده و بدون نماز طواف تقصیر کرده
۷۶۴	طواف کسی که پنج متر در شوط اول و پنج متر در شوط دوم بی اختیار رفته است
۶۵۶	طواف کسی که از حجرالاسود تا حجر اسماعیل را تکرار می کند و فکر می کند نیت جدا در هر شوط لازم است.
۷۰۹	طواف کسی که از روی شهوت با بدن زنی تماس گرفته
۶۵۹	طواف کسی که اشتباهاً به قصد طواف وارد حجر اسماعیل شده
۶۶۸	طواف کسی که با پول خمس نداده لباس احرام خریده
۱۴۱۶-۶۹۷	طواف کسی که بر اثر فشار جمعیت، چند گام به جلو رانده شده
۶۹۸	طواف کسی که بعد از اتمام طواف سهواً یک شوط زیاد کرده بعد مردد شده که سه یا چهار شوط دیگر به جا آورده
۶۸۱	طواف کسی که بعد از پایان، مقداری به قصد جزئیت به جا آورده
۷۰۷	طواف کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، بعد از طواف شک می کند در طواف بوده یا نه
۶۹۹	طواف کسی که به خاطر شلوغی، مقداری از طواف را خارج مطاف انجام داده
۶۵۴	طواف کسی که توهم کرده در طواف مقداری بر اثر فشار جمعیت برده شده
۶۹۰	طواف کسی که جهلاً بیش از هفت شوط آورده، و بقیه اعمال را به جا آورده
۷۰۶	طواف کسی که چند متر از یک شوط را خراب کرده
۶۹۶	طواف کسی که در اثنای طواف به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام، از مسیر منحرف شده
۶۷۸	طواف کسی که در اثنای طواف محدث شده و خجالت کشیده بگوید و در همان حال اعمال را انجام داده
۷۱۶	طواف کسی که در حال طواف احساس می کند لنگ احرامش نجس شده و اعتنا نکند

۶۹۴	طواف کسی که در حین طواف، اندکی خون در بینی می‌بیند
۶۸۵	طواف کسی که در خارج مطاف هم عاجز است، و طواف با تخت روان برای او مشکل است
۶۵۳	طواف کسی که در شوط آخر محدث شده و بدون طهارت اتمام کرده است
۶۹۵	طواف کسی که در شوط دوم شک می‌کند، طواف را به نیت منوب عنه آغاز کرده یا به نیت خودش
۶۷۹	طواف کسی که در مسجدالحرام خوابش برده و با تیمم طواف کرده
۶۹۳	طواف کسی که دور پنجم عذری برایش پیش آمده
۶۶۷	طواف کسی که سال خمسی ندارد
۷۰۱	طواف کسی که شوط اول را خارج مطاف، انجام داده و بعد رها می‌کند و از سر شروع می‌شود
۶۸۴	طواف کسی که طواف را قبل از شوط چهارم، بدون عذر قطع می‌کند
۷۳۷	طواف کسی که غسل مس میت به گردش بوده
۶۵۸	طواف کسی که قادر به طواف نیست، نیابت یا تخت روان
۶۸۰	طواف کسی که قبل از حجرالاسود شروع و به همان جا ختم کرده
۷۳۹	طواف کسی که مبتلا به خروج مدفوع است
۷۳۸	طواف کسی که مبطون و مبتلا به خروج ریح است
۷۰۳	طواف کسی که می‌داند یا احتمال می‌دهد مقداری از طواف را بدون اختیار انجام می‌دهد
۷۴۱	طواف کسی که نیت را در دل گذرانده و قطع می‌کند و نیت را به زبان می‌آورد و طواف را از نو شروع می‌کند
۷۴۲	طواف کسی که وسواس دارد و اعمال را احتیاطاً تکرار می‌کند
۷۰۰	طواف کسی که وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای و تیمم بوده، ولی بدون تیمم اعمال عمره را آورده
۷۱۵	طواف کسی که هنوز طواف خود را انجام نداده برای دیگری در طواف نائب می‌شود

۷۱۷	طواف کسی که یقین دارد در حال طواف او را هل می‌دهند، برای طواف در خارج مطاف
۷۱۸	طواف کسی که یقین دارد، طواف در محدوده معین موجب برخورد با اجنبیه است
۶۸۶	طواف کسی که یک شوط را از داخل حجر اسماعیل را به جا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است
۷۶۲-۷۰۲	طواف کسی که، اشتبهاً از رکن یمانی شروع و به همان جا ختم کرده است
۶۹۲	طواف کسی که، دو شوط رجائاً برای جبران نقص احتمالی به جا آورده
۱۴۴۵	طواف کودک و طهارت بدن و لباس کودک در حال طواف
۷۵۹	طواف کودک و نیمه کاره رها کردن و سعی کردن از طبقه دوم
۷۶۸	طواف مستحبی انجام دادن بعد از احرام بستن
۷۶۹	طواف مستحبی هر شوط به نیت یک نفر
۱۲۰۱	طواف مستحبی برای کسی که اعمال عمره یا حج را تمام نکرده است
۱۲۸	طواف مستحبی به نیابت چند نفر
۷۷۰	طواف مستحبی در خارج از حد مطاف
۷۶۶	طواف مستحبی زنان وقتی که به بدن مردان نگاه می‌کنند
۷۶۵	طواف مستحبی و رعایت شرایط طواف واجب در آن
۷۶۷	طواف مستحبی و شرط ختنه
۵۴۶ - ۵۴۷	طواف مستحبی و طهارت از حدث اصغر و اکبر
۷۴۰	طواف مسلوس و کسی که کیسه به خود بسته است
۱۴۱۷	طواف معذورین با ویلچر از طبقه دوم و سوم
۶۷۴	طواف می‌کرد غش کرد قبل یا بعد از دور چهارم
۱۱۸۱	طواف نساء اختصاص به مردان ندارد
۱۲۱۸	طواف نساء برای پیرمردها و پیرزنانی که عمل زناشویی از آنان ممکن نیست
۱۲۰۳	طواف نساء برای چند عمره مفرده، یکی کافیه است

۸۹۲	طواف نساء در عمره تمتع
۱۸۱	طواف نساء در عمره مفرده
۱۸۵	طواف نساء در عمره مفرده انجام نداده و محرم به احرام عمره تمتع می‌شود
۱۲۱۵	طواف نساء را اگر نائب انجام ندهد
۱۲۰۷	طواف نساء را انجام نداده، ازدواج کرده و دارای فرزند شده
۱۱۹۷	طواف نساء را بعد از وقوفین و بقیه اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام دهد
۱۲۰۴	طواف نساء را به نیت منوب عنه انجام دهد یا به نیت ما فی الذمه
۱۲۱۲	طواف نساء را جهلاً ترک کرده حج باطل نیست حرمت نساء باقی است
۱۲۱۶	طواف نساء را در عمره مفرده فراموش کرده و بعد محرم به عمره تمتع شده است
۱۱۸۶	طواف نساء را سهواً به جا نیاورد و به ایران بازگشت
۱۱۸۵	طواف نساء را سهواً قبل از سعی انجام دهد
۱۱۸۳	طواف نساء را نباید بر طواف زیارت مقدم کرد
۱۲۰۷	طواف نساء را نیاورد، باید از مطلق تلذذ از زن اجتناب کند
۱۱۸۲	طواف نساء رکن نیست و ترک عمدی آن حج را باطل نمی‌کند
۱۱۸۴	طواف نساء قبل از سعی در حالت ضرورت
۱۲۱۱	طواف نساء و بعد از انجام دور چهارم با زوجه مجامعت کرده
۱۲۰۶	طواف نساء و تأخیر آن
۱۲۱۰	طواف نساء و شک در انجام آن پس از مراجعت از مکه
صفحه ۲۷۸	طواف و اباحه لباس، غصبی نبودن آن
۵۷۵ - ۵۷۹	طواف و ابتدا کردن به حجرالاسود - دقت‌های اهل وسوسه
۷۴۵	طواف و استحباب یک شوط یا دو شوط بعد از پایان طواف
۶۳۶	طواف و استراحت در بین طواف
۷۱۳	طواف و استراحت کردن در شوط اول

۷۵۶-۷۴۴	طواف و انجام قران در طواف و بطلان طواف
۷۷۲	طواف و آداب و مستحبات آن
۷۶۳	طواف و آوردن یک شوط احتیاطی
۷۵۸	طواف و بلند کردن شخصی از زمین و چند قدم جلو رفتن
۶۴۸	طواف و بوسیدن کعبه و شک در چند قدم راه رفتن
۶۱۹	طواف و به وجود آمدن عذر مانند مرض، حیض یا حدث در بین طواف و عدم امکان به جا آوردن
۶۶۳-۶۶۲	طواف و پا گذاشتن روی احرام و اشیاء دیگران
۵۶۵	طواف و تأخیر آن برای کسی که بدون مشقت امکان تطهیر دارد
۶۸۷	طواف و تجدید آن به خاطر شک در شوطها و کشف ۶ شوط بودن طواف اول بعد از سه شوط طواف جدید
۵۳۵	طواف و ترک سهوی آن
۷۱۲	طواف و تعداد دورهای طواف، سعی، رمی را به دیگری اعتماد می کند
۶۳۴	طواف و تکلم، خندیدن، شعر خواندن
۶۲۰	طواف و تنگی وقت نماز واجب
۶۱۰	طواف و توجه به نقص آن، بعد از مراجعت به وطن و نائب گرفتن
۶۴۳	طواف و چند شوط از داخل حجر اسماعیل و فهمیدن بعد از انجام اعمال حج
۷۵۴	طواف و حجاب زن در طواف
۶۷۱-۶۶۶	طواف و خارج شدن از مطاف به خاطر نظافت مسجدالحرام
۲۸۱ صفحه	طواف و ختم آن به حجرالاسود
۲۷۶ صفحه	طواف و ختنه در مردان و پسر بچهها
۶۶۹	طواف و خرید لباس احرام با پولی که شک دارد متعلق خمس است
۷۵۷	طواف و خوردن و آشامیدن
۵۹۹	طواف و دست گذاشتن به دیوار کعبه

۶۵۱	طواف و دیدن نجاست در شوط ششم و یقین دارد از قبل بوده
۶۴۰-۶۳۹	طواف و راه رفتن چند قدم بدون اختیار و جبران آن
۵۴۴	طواف و رضای غیر خدا را در نیت وارد کردن
۵۷۴	طواف و رعایت موالات عرفیه در طواف
۶۱۴	طواف و زیاده سهوی کمتر از یک دور یا زیادتر از یک دور
۲۷۸ صفحه	طواف و ستر عورت
۷۵۲	طواف و سعی با لباس دوخته، عمداً یا جهلاً
۱۱۷۴	طواف و سعی بعد از اعمال منا با طواف عمره فرق ندارد مگر در نیت
۷۴۸	طواف و سعی را اتمام و اعاده و ترتیب بین آن دو
۷۰۵	طواف و سعی را با لباس دوخته اعاده کرده
۷۰۸	طواف و شروع نماز جماعت در شوط اول
۶۵۵	طواف و شک در اشواط و بعد گمان به یک طرف و یقین به صحت بعد از انجام اعمال
۶۲۴	طواف و شک در دور آخر بین هفت و هشت
۶۲۵	طواف و شک در آن قبل از رسیدن به حجرالاسود بین هفت و هشت
۶۲۲	طواف و شک در زیاده یا نقصیه بعد از انصراف از طواف
۶۲۳	طواف و شک در صحت طواف بعد از انصراف از آن
۶۲۷	طواف و شک در طواف مستحبی
۵۶۰	طواف و شک در غسل جنابت یا حیض یا نفاس در اثنای طواف
۶۲۶	طواف و شک در نقیصه
۵۵۸	طواف و شک در وضو در اثنای طواف قبل یا بعد از دور چهارم
۵۵۹	طواف و شک در وضو و غسل و بنا بر طهارت، و احتیاطاً وضو و غسل انجام دهد
۵۵۷	طواف و شک در وضو یا غسل بعد از طواف
۶۳۵	طواف و صورت را به چپ و راست گرداندن - بوسیدن کعبه

۵۴۵	طواف و طهارت از حدث اصغر و اکبر
۵۶۲	طواف و طهارت بدن و لباس از خون کمتر از درهم حتی انگشتر و جوراب
۵۵۱	طواف و عارض شدن حدث اکبر قبل از دور چهارم
۵۵۰ - ۵۴۹	طواف و عارض شدن حدث قبل یا بعد از دور چهارم
۵۶۹ - ۵۶۸	طواف و عارض شدن یا دیدن نجاست در بدن یا لباس در بین طواف
۵۷۰	طواف و علم به بودن نجاست از اول طواف در اثنای طواف
۵۶۶	طواف و علم به نجاست بعد از طواف
۵۷۱	طواف و فراموشی نجاست
۵۸۳-۵۸۰	طواف و قرار گرفتن کعبه در طرف چپ طواف کننده
۶۱۲-۶۱۱	طواف و قران، در طواف واجب و مستحب
۶۱۳	طواف و قصد زیاده در اثنا یا در پایان طواف
۶۱۹	طواف و قطع آن به خاطر عذر و تنگ شدن وقت طواف و عدم امکان به جا آوردن
۶۲۱	طواف و قطع آن به خاطر نماز جماعت یا وقت فضیلت نماز واجب
۶۱۷-۶۱۶-۶۱۵	طواف و قطع آن بدون عذر
۷۴۶	طواف و کثیر الشک بودن در آن و معیار آن
۶۲۸	طواف و کثیر الشک در عدد دورها
۶۰۷	طواف و کم کردن از آن و فوت موالات عرفیه
۶۰۹-۶۰۸	طواف و کم کردن سهوی و تجاوز از نصف یا عدم تجاوز از نصف
۶۰۶	طواف و کم کردن یک دور یا بیشتر
۶۲۹	طواف و گمان در عدد دورها
۶۳۸-۵۹۲	طواف و محدوده آن بین خانه کعبه و مقام ابراهیم <small>علیه السلام</small>
۵۸۴	طواف و مزاحمت طواف کنندگان و دور زدن بر خلاف متعارف
۵۶۱	طواف و نایب گرفتن، اگر آب یا چیزی که تیمم کند موجود نباشد

۱۴۱۴	طواف و نجاست معفو در آن و حمل متنجس در طواف
۶۴۶	طواف و نماز جماعت در بین آن
۶۷۶	طواف و نماز در خارج حد
۷۵۱	طواف و نماز را اعاده می‌کند، لازم نیست با لباس احرام باشد
۷۵۳	طواف و نماز طواف با تیمم برای محرمی که جنب باشد
۷۵۰	طواف و نماز طواف شخص مسلوس
۱۳۹۰	طواف و نماز در عمره تمتع استحبایی را انجام داده و قدرت بر اتمام عمل ندارد
۶۷۵	طواف و نیابت گرفتن در بعضی اشواط آن
۵۴۳-۵۴۰-۵۳۹	طواف و نیت آن
۵۳۴	طواف و وقت فوت آن
۶۴۲	طواف و همراه داشتن پول خمس نداده
۱۱۸۸	طواف واجب در عمره یا حج را جهلاً به جا نیاورد و به محل برگردد
۱۱۸۷	طواف واجب در عمره یا حج را فراموش کرد و با زن نزدیکی کرد
۱۳۱۲	طواف وداع
۶۶۰	طواف یا سعی یا نماز در حال شک و ادامه دادن و یقین به صحت پیدا کردن
۶۵۰	طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره باطل شده، بعد از تقصیر می‌فهمد
صفحه ۲۶۴	طواف، شرایط و واجبات آن

ع

۱۸۹	عادت شدن زن بعد از احرام عمره مفرده
۲۲۶-۲۱۹	عبور از میقات بدون احرام
۱۴۲۲	عبور از میقات بدون احرام برای کسی که عمره مفرده انجام داده

۱۳۱	عدول از نیت بعد از محرم شدن و تلبیه گفتن
۹۷۱	عرفات و حدود آن
۱۳۶۰	عرفات و موقف اگر دو روز اختلاف باشد
۸۱۲	عمره مفرده مستحبی برای کسی که نمازش غلط است
۱۴۲۳	عمره انجام داده، بعد از یک ماه از انجام عمره به جده می‌رود، بدون احرام به مکه برمی‌گردد
۲۲۷	عمره تمتع از ادنی الحل که به عللی از رفتن به میقات معذور است
۱۳۹۰	عمره تمتع استحبابی انجام می‌دهد بعد از طواف و نماز قدرت بر اتمام عمل ندارد
۱۴۴۲	عمره تمتع را انجام داده، اکنون نمی‌تواند حج تمتع به جا آورد
۲۳۸	عمره تمتع را انجام داده نمی‌تواند از مکه خارج شود مگر برای ضرورت
۹۳۰	عمره تمتع را بعد از عمره مفرده نیت می‌کند
۱۷۸	عمره تمتع کفایت از عمره مفرده می‌کند
۱۳۲۶	عمره تمتع نیت کرد وارد مکه شد، حج از او فوت شد، قصد عمره مفرده کند
۱۳۲۵	عمره تمتع و حج تمتع باید در ماه‌های حج باشد
۱۳۲۱	عمره تمتع و حج تمتع باید در یک سال انجام شود
۱۰۳	عمره تمتع و دیوانه شدن بعد از آن
۲۰۰	عمره تمتع و محل احرام و میقات آن
۵۳۳_۲۵۴	عمره را به ریا یا ترک عمدی رکن باطل کند باید حج افراد انجام دهد
۵۱۰	عمره مفرده از مکه و استظلال در مکه
۱۴۰۲	عمره مفرده استحبابی برای خود و به نیابت تبرعی از دیگران
۱۴۲۲	عمره مفرده انجام داده، به مدینه می‌رود، بدون احرام به مکه برمی‌گردد
۱۴۱۳	عمره مفرده اول را برای پدر، دوم را برای مادر- بعد متوجه شد طواف و نماز عمره اول بدون وضو بوده است
۹۲۹	عمره مفرده به جای عمره تمتع در حج استحبابی

۱۸۵	عمره مفرده بدون طواف نساء و محرم شدن برای عمره تمتع
۱۳۶۴	عمره مفرده برای کسانی که می‌خواهند در عرفات و منی بدون احرام باشند
۹۲۶	عمره مفرده برای کسی که حج تمتع استحبایی را به حج افراد تبدیل کرده واجب نیست
۱۷۹	عمره مفرده برای کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است واجب نیست
۱۲۱	عمره مفرده برای نائب اگر حج واجب برای خودش انجام نداده
۱۲۸	عمره مفرده به نیابت از چند نفر
۹۰۹	عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع
۲۲۵	عمره مفرده در غیر ماه‌های حج انجام داده در مکه مانده، باید برای عمره تمتع به موافقت خمسه برود
۱۸۲	عمره مفرده در ماه‌های حج جای عمره تمتع حساب می‌شود
۱۹۱	عمره مفرده در ماه‌های حج قبل از عمره تمتع
۲۴۲	عمره مفرده را انجام داده، آیا عبور از میقات بدون احرام در فاصله کمتر از یک ماه جایز است
۱۲۰۹	عمره مفرده را بدون تقصیر انجام داده و طواف نساء را آورده است
۱۹۵	عمره مفرده را ندانسته قصد کرده، با آنکه وظیفه‌اش عمره تمتع بوده است
۱۹۳	عمره مفرده مستحبی برای زنی که احتمال حیض و مرض می‌دهد
۱۳۱۱	عمره مفرده مستحبی بعد از اعمال حج
۱۳۲۲	عمره مفرده نیت کند، نمی‌تواند به جای عمره تمتع قرار دهد
۱۴۰۳	عمره مفرده و احرام از جده
۱۸۷-۱۸۶-۱۷۳	عمره مفرده و استحباب تکرار آن و مقدار فاصله بین دو عمره مفرده
۱۹۲	عمره مفرده و تأخیر آن در حج افراد
۹۳۳	عمره مفرده و حج افراد برای خدمه کاروان‌ها
۱۸۰	عمره مفرده و حلال شدن محرّمات احرام بعد از تقصیر یا حلق مگر زن بعد از طواف نساء و نماز آن

۱۸۱	عمره مفرده و زمان انجام طواف نساء
۱۷۵	عمره مفرده و صورت آن
۹۱۰	عمره مفرده و عمره تمتع و خروج از مکه و برگشتن به مکه
۱۹۶	عمره مفرده و فراموش کردن تقصیر و ترک طواف نساء و محرم شدن به عمره تمتع
۱۷۶	عمره مفرده و فرق آن با عمره تمتع
۱۸۴	عمره مفرده و مریض شدن در شوط پنجم سعی و عدم امکان اتمام عمره و آمدن به ایران
۲۵۳	عمره و حج باید به نیت خالص برای خدا انجام دهد
۱۷۱	عمره واجب و مستحب، اقسام عمره

غ

۹۱۶	غار حرا جزء مکه است یا نه؟
۱۴۱۵	غسل مستحبی برای طواف وارد است
۹۷۳	غش کردن بعد از وقوف به عرفات و قبل از رفتن به مشعر
۶۷۴	غش کردن در طواف قبل و بعد از دور چهارم

ف

۱۸۸	فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد و عمره دوم را نیابتاً انجام دهد
۱۹۴	فاصله بین عمره مفرده و عمره تمتع بعد از انجام عمره تمتع
۱۴۳۸_۱۴۳۷_۱۴۳۶	فروختن فیش حج و نیابت گرفتن برای متوفی
۱۳۶۷	فساد حج با ترک موقوفین و انجام باقی اعمال

حج ق

۱۴۵۰-۱۳۴۶	قرآن را از مسجدالحرام آوردن
۱۰۴۴	قربانی از عبادات است و قصد قربت می‌خواهد
۱۰۳۷	قربانی اگر احتمال نمی‌داد چاق است
۱۱۶۵-۱۱۴۲	قربانی اگر از روز عید تأخیر افتاد نباید حلق یا تقصیر کند - ترتیب رعایت شود
۱۰۴۶	قربانی اگر بعد از ذبح احتمال ناقص بودن یا نداشتن شرایط بدهد
۱۱۱۰	قربانی اگر تأخیر افتاد، حلق را باید تأخیر اندازد
۱۰۲۶	قربانی اگر شاخ خارجش شکسته باشد
۱۰۳۳	قربانی اگر عمداً یا از روی فراموشی در روز عید انجام نشد
۱۰۲۴	قربانی اگر غیر از خصی یافت نشود
۱۰۲۵	قربانی اگر گاومیش باشد
۱۱۱۱-۱۱۰۱	قربانی اگر گوسفند تخم‌هایش را کوبیده‌اند
۱۰۲۷	قربانی اگر گوش شکاف یا سوراخ داشته باشد
۱۰۳۱	قربانی اگر ناقص یافت شود
۱۰۹۳	قربانی اگر نائب شک کند برای کسی قربانی کرده یا نه
۱۰۵۰-۱۰۴۹	قربانی اگر نائب عمداً یا جهلاً یا اشتهاً بر خلاف دستور عمل کند
۱۰۳۰	قربانی اگر یافت نشود
۱۰۸۷	قربانی با پولی که به سرقت برده شده و به حکم دادگاه برگردانده شده
۱۰۹۱-۱۰۹۰	قربانی با توافق حجاج و صاحب گوسفندان بر قیمت و تعداد مشخص
۱۰۵۴	قربانی با فروش چیزی زائد بر مؤونه سفر
۱۰۵۶	قربانی با فروش لباس زاید

۱۴۲۶-۱۰۹۴	قربانی با کارد استیل
۱۰۸۹-۱۰۸۸	قربانی بدون اذن و وکالت از طرف دیگری
۱۰۲۱	قربانی برای چند نفر به شرکت، یک قربانی در حال اختیار
۱۰۸۱	قربانی برای دیگری قبل از حلق یا تقصیر خود
۱۰۳۵	قربانی بعد از ذبح معلوم شد لاغر است
۱۰۳۴	قربانی بعد از ذبح معلوم شد مریض یا ناقص بوده
۱۰۲۸	قربانی بعد از رمی جمره عقبه باشد
۱۱۱۸-۱۱۱۷-۱۱۰۶-۱۱۰۴-۱۰۹۹-۱۰۹۲-۱۰۸۴-۱۰۸۳-۱۰۴۳-۱۰۴۲	قربانی توسط غیر مؤمن
۱۰۸۲	قربانی توسط یک نفر با پول مشترک برای جمعی از حجاج
۱۳۵۷	قربانی در خارج منا به دست غیر مؤمن - حلق در خارج منا، بدون توقف در مشعرالحرام
۱۱۰۸-۱۰۸۰	قربانی در شب، و تأخیر از روز عید
۱۱۱۶	قربانی در محله‌های جدید مکه که در منا واقع شده است
۱۰۷۸	قربانی در مسلخ جدید
۱۱۴۹	قربانی در مسلخ جدید و حلق کنار آن
۱۰۵۲-۱۰۵۱	قربانی را اگر قادر نباشد، روزه بگیرد
۱۰۹۵	قربانی را اگر نائب فراموش کند
۱۰۳۸-۱۰۳۶	قربانی را به اعتقاد لاغری ذبح کرد بعد معلوم شد چاق بوده است
۱۰۳۹	قربانی را به اعتقاد ناقص بودن به واسطه جهل، برای اطاعت خداوند ذبح کرد بعد معلوم شد صحیح است
۱۰۴۸	قربانی را به کسی نیابت بدهد، باید علم یا اطمینان پیدا کند به عمل
۱۱۴۴	قربانی را تا وکیل انجام نداده نباید حاجی حلق کند
۱۰۴۷	قربانی را نائب انجام دهد، بعد شخص احتمال دهد نائب شرایط را رعایت نکرده
۱۱۱۳	قربانی کرد بعد معلوم شد سن گوسفند کم است

۱۱۰۰	قربانی کردن با پول غیر مخمس
۱۰۹۸	قربانی کردن محرم برای دیگران قبل از قربانی خود
۱۱۰۳	قربانی کسی که به دو نفر وکالت داده
۱۱۰۲	قربانی کسی که نایب وی در رمی هنوز رمی نکرده است
۱۱۰۵	قربانی کسی که وکیل می‌گیرد، او هم وکیل دیگری می‌گیرد
۱۰۹۷	قربانی نکردن به اعتقاد اینکه گوشت تلف می‌شود و انجام اعمال بعد از آن
۱۰۸۶	قربانی و تحقیق در شرایط آن
۱۰۷۷-۱۰۴۰	قربانی و تقسیم آن به سه قسمت
۱۰۲۴-۱۰۲۳	قربانی و شرایط آن
۱۰۳۲	قربانی و عدم تأخیر از روز عید احتیاطاً
۱۰۵۳	قربانی و قرض کردن برای آن
۱۱۰۹	قربانی و قطع کردن گردن درحالی که زنده است
۱۰۵۵	قربانی و کسب کردن برای آن
۱۱۱۹	قربانی و مستحبات آن
۱۰۴۵	قربانی و معاینه کردن برای احتمال نقص یا مرض
۱۰۷۹	قربانی و نایب گرفتن در آن برای کسی که حج نیایی انجام می‌دهد
۱۱۱۵-۱۱۱۴-۱۱۰۷	قربانی و نجس شدن لباس احرام
۱۰۹۶	قربانی و یقین پیدا کرد که پول بعضی گوسفندان را نداده
۱۰۲۲-۱۰۲۰	قربانی واجب است؛ شتر، گاو یا گوسفند
۱۰۲۹	قربانی یک گوسفند کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح
۱۲	قربانی، بر عهده ولی طفل است
۴۹۹	قسم خوردن برای غیر خدا برای محرم
۱۳۶۸	قصد ابطال عمره یا حج یا بعضی اجزاء آن مبطل نیست

۱۳۵۸	قصر و اتمام نماز در عرفات، مشعر، منا و در مکه برای کسانی که در مکه قصد اقامت کرده‌اند
۶۸۴	قطع طواف قبل از شوط چهارم، بدون عذر

ک

۴۸۳	کسی که با ماشین مسقف رانندگی می‌کند کفاره یکی است برای استظلال در هر احرام
۱۳۲۹	کفارات و مصرف آن، فقرا و مساکین هستند
۱۳۵۳	کفاره را نمی‌توان به مصرف واجب النفقه رسانید
۴۴۹-۴۴۸-۴۴۷	کفاره استظلال و زیر سایه رفتن
۳۴۵-۳۴۳	کفاره استعمال بوی خوش و استعمال مکرر آن
۳۹۰	کفاره انگشتر به دست کردن و حنا بستن
۳۷۱	کفاره برای پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد، نیست
۹۱۳	کفاره برای سر تراشیدن بین عمره تمتع و حج تمتع ثابت نیست
۱۲۳۲	کفاره برای کسانی که واجب نیست در منا بیتوته کنند
۱۳۲۰	کفاره برای کسی که محرمات احرام را جهلاً یا با نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت انجام می‌دهد
۴۲۷	کفاره پوشاندن سر از روی علم و عمد
۴۲۶-۴۲۵-۴۲۴	کفاره پوشاندن سر و تکرار آن
۴۳۶-۴۳۵	کفاره پوشاندن صورت برای زن
۳۵۸-۳۵۷-۳۵۵-۳۵۴	کفاره پوشیدن لباس دوخته
۱۲۳۲-۱۲۲۹	کفاره ترک بیتوته به منا
۱۳۱۷	کفاره تقصیر در عمره و حج را کجا انجام دهد

۱۳۲۷	کفاره تقصیر در عمره و حج لازم نیست شرایط قربانی را داشته باشد
۳۸۲-۳۷۸-۳۷۷	کفاره جدال
۹۶۴	کفاره خروج عمدی از عرفات قبل از غروب شرعی
۴۵۳	کفاره خون بیرون آوردن از بدن
۳۹۴	کفاره در پوشیدن زیورآلات نیست
۴۰۰-۳۹۹	کفاره روغن مالیدن دارای بوی خوش و بدون بو
۱۲۴۶-۱۲۴۵	کفاره رئیس کاروان و حجاج که در غیر منابتوته کرده‌اند به عهده کیست
۴۸۶-۴۴۱	کفاره زیر سقف رفتن گرچه نذر در کار باشد
۴۰۹-۴۰۸-۴۰۶-۴۰۵	کفاره سر تراشیدن و ازاله مو به غیر تراشیدن
۳۶۱	کفاره سرمه کشیدن اگر بوی خوش دارد
۳۷۲	کفاره فسوق
۱۲۳۳	کفاره کسانی که به خاطر ترک بیتوته باید قربانی کنند، لازم نیست شرایط هدی را داشته باشد
۱۲۴۱-۱۲۳۹	کفاره کسانی که در زمین‌های متصل به منابتوته می‌کنند
۱۲۴۳	کفاره کسانی که نیمه اول شب در منابتوته‌اند
۱۲۳۴	کفاره کسی که به خاطر ترک بیتوته باید قربانی کند محل معینی ندارد، در محل خود هم می‌تواند
۱۳۱۹	کفاره کسی که به خاطر عذر در لباس دوخته محرم می‌شود
۱۲۴۴	کفاره کسی که بیتوته به منابتوته و در مکه در حال عبادت چرت زده است
۸۹۰	کفاره کسی که تقصیر را فراموش کرده و احرام حج را بسته است
۸۹۵	کفاره کسی که تقصیرش باطل بوده و محرمات احرام را انجام داده
۵۲۶	کفاره کسی که سر خود را با چیز دوخته بپوشاند، دو کفاره است
۸۴۹-۸۴۸	کفاره کسی که سعی را ناقص آورده و با زن نزدیکی کرده
۱۱۸۸	کفاره کسی که طواف واجب در عمره یا حج را جهلاً به جا نیاورد و به محل برگردد
۱۱۸۷	کفاره کسی که طواف واجب در عمره یا حج را فراموش کند و با زن نزدیکی کند

۱۱۳۷-۱۱۳۶	کفاره کسی که قبل از تقصیر یا حلق طواف و سعی انجام داده
۹۸۴	کفاره کسی که قبل از طلوع صبح عمداً از مشعرالحرام خارج شده
۱۲۱۳	کفاره کسی که قبل از طواف نساء با زوجه خود ملاعبه نموده
۱۲۵۲-۱۲۴۲-۱۲۳۵	کفاره کسی که قسمتی از اول شب در منا نبود یا قبل از نیمه شب خارج شد
۳۸۶	کفاره کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند
۴۷۶-۴۷۴	کفاره کندن درخت یا گیاه حرم
۴۶۸	کفاره کندن دندان
۱۳۲۸	کفاره محرمات احرام را نباید از گوشت آن بخورد
۱۱	کفاره محرمات احرام نسبت به کودک
۴۶۷-۴۵۸	کفاره ناخن گرفتن
۳۶۶	کفاره نگاه کردن در آینه
۱۳۵۴	کفاره و مصرف آن در محل خود
۵۰۱	کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت عمداً یا سهواً
۱۳۶۹	کنسرو گوشت و ماهی و مصرف آنها که در بازار مسلمین به فروش می‌رسد
۱۷۷	کیفیت اعمال حج افراد و حج تمتع
۱۷۷	کیفیت اعمال عمره تمتع و عمره مفرده
۱۱۷۴	کیفیت طواف حج و سعی با عمره فرق ندارد مگر در نیت

حج

۲۶۰	لیبک و قدر واجب آن صحیح باید گفته شود
۲۵۹	لیبک، واجبات و مستحبات آن
۱۳۳۲-۱۳۳۱-۱۳۳۰	لقطه حرم و برداشتن آن

م

۱۳۰۷	ماشین کردن با ماشین ته زن به جای حلق کردن در سفر اول حج
۹۱۳-۹۱۲	ماشین کردن سر بین عمره تمتع و حج تمتع و كفاره آن
۱۴۵	مجنون شدن در مدینه
۵	مجنون و کودک قبل از مشعرالحرام عاقل یا بالغ شود كفایت از حجة الاسلام می کند
۲۱۳	محاذات میقات چیست
۲۱۴	محاذات میقات و راه ثابت شدن آن
۳۲۴	محرم اگر با زن محرم خود جماع کند از روی اجبار
۳۷۰	محرم اگر به پوشیدن چیزی که روی پا را می گیرد محتاج شود
۲۸۳	محرم اگر به پوشیدن قبا و پیراهن اضطرار پیدا کند به خاطر سرما
۳۳۷	محرم اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذای معطر اضطرار پیدا کند
۴۴۷	محرم اگر به خاطر عذر استظلال کند كفاره بدهد
۴۹۹	محرم اگر به غیر از خدا قسم بخورد
۳۵۶-۳۵۰	محرم اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد و عدم سقوط كفاره به خاطر اضطرار
۳۱۴	محرم اگر در عمره تمتع با زن جماع کند
۳۳۰-۳۲۹	محرم اگر زن را در حال احرام عقد کند، حرام ابدی می شود
۳۰۶	محرم اگر صید را ذبح کند در حکم میتة است
۳۲۳	محرم اگر محرمات احرام را از روی جهل، غفلت، نسیان انجام دهد
۳۱۲	محرم باید بچه صید را حفظ کند
۱۳۷۱	محرم به احرام عمره و حج می شود، باید عمره و حج را تمام کند

۵۲۷	محرم در حال احرام می‌تواند از دیگری چیزی را درخواست کند
۵۰۲	محرم را غیر محرم ازاله مو کند و کفاره آن
۴۳۰	محرم زن اگر دست‌ها را روی صورت بگذارد
۴۳۱	محرم زن اگر صورت را روی بالش برای خواب بگذارد
۴۳۴_۴۳۳	محرم زن برای حفظ از نامحرم و پوشاندن صورت با چادر تا محاذی بینی
۳۳۱	محرم زن را عقد دائمی یا موقت نماید
۴۲۹	محرم زن نباید بعض صورت را بپوشاند
۴۳۲	محرم زن و پوشیدن کمی از اطراف صورت برای نماز
۵۰۳	محرم سرش تر است صبر کند آفتاب طلوع می‌کند وظیفه چیست
۵۱۱	محرم شبانه از مسجد شجره محرم می‌شود، طلوع آفتاب استظلال اتفاق افتاده است
۴۴۳	محرم شدن از جده یا حده
۵۲۲	محرم می‌تواند از غیر محرم ناخن بگیرد
۵۲۳	محرم می‌تواند از محرم دیگر برای تقصیر ناخن بگیرد
۳۰۱_۲۸۵	محرم می‌تواند چند لباس احرام به خاطر حفظ از سرما بپوشد
۳۰۸	محرم می‌تواند حیوانات اهلی را ذبح و بخورد
۵۲۴	محرم می‌تواند دندان دیگری را بکند
۳۰۷	محرم می‌تواند شکار دریایی بکند
۱۳۳۳	محرم می‌شود، نمی‌تواند به وظیفه عمل کند، در بعض موارد با انجام عمره مفرده مُحلّ شود
۳۳۴	محرم نباید استمناء کند
۳۹۷_۳۹۶_۳۹۵	محرم نباید به بدن روغن بمالد
۳۰۹	محرم نباید پرندگان و ملخ را شکار کند
۳۳۶	محرم نباید چیزی بخورد که بوی خوش دارد

۳۱۰	محرم نباید زنبور را بکشد
۳۲۵	محرم نباید شاهد عقد باشد
۳۰۵	محرم نباید شکار را به شکارچی نشان دهد
۳۱۳	محرم نباید شکار، جوجه و تخم آن را بخورد
۳۲۶	محرم نباید شهادت به عقد بدهد
۳۱۱	محرم نباید صید را نگه دارد
۳۳۵	محرم نباید عطریات استعمال کند
۳۰۴	محرم نباید گوشت شکار بخورد
۴۹۷	محرم نگاه در آینه می‌کند تا ماشین یا چیز دیگر را ببیند
۳۴۴	محرم و اجتناب از خلوق کعبه
۳۳۹	محرم و اجتناب از دارچین، زنجبیل، هل
۳۳۹-۳۳۸	محرم و اجتناب از سبزی‌های معطر
صفحه ۲۱۹	محرم و ازاله مو از خود یا غیر خود
۴۰۲	محرم و ازاله مو از روی ضرورت
۴۰۷	محرم و ازاله مو از زیر بغل
۴۰۴	محرم و ازاله مو با تراشیدن یا نوره یا کندن
۴۹۵	محرم و استفاده از صابون و شامپو
۳۶۷	محرم و اطاق آینه‌دار
۳۹۰	محرم و انگشتر به دست کردن
۴۱۱	محرم و بار بر سر گذاشتن
۴۱۸	محرم و بستن دستمال به سر برای سردرد
۴۲۳	محرم و پوشاندن سر در وقت خوابیدن
۴۱۶	محرم و پوشاندن صورت برای مردان

۴۱۵	محرم و پوشاندن گوش‌ها
۴۱۰	محرم و پوشانیدن سر با گل یا حنا
۳۶۹	محرم و پوشیدن جوراب یا چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند
۳۴۷-۳۴۶	محرم و پوشیدن لباس دوخته و شبه دوخته هرچند کم باشد
۴۸۴	محرم و پوشیدن نعلین که بندهای عریض دارد
۴۸۱	محرم و پوشیدن و بستن دستمال به سر برای سردرد
۴۹۶-۳۴۹-۳۴۸	محرم و پوشیدن همیان دوخته - فتق بند در ضرورت - حمل قمقمه در محفظه دوخته
۴۸۷	محرم و تزریق آمپول
۳۷۶-۳۷۳	محرم و جدال کردن، لا والله - بلی والله گفتن - قسم در مقام ضرورت
۱۵۹	محرم و حرام بودن جماع و هر نوع لذت از زن
۳۸۹-۳۸۸	محرم و حنا استفاده کردن
۴۵۱	محرم و خراشیدن بدن - مسواک کردن و خون بیرون آمدن
۳۴۲	محرم و خرید و فروش عطریات
۴۲۲	محرم و خشک کردن سر با حوله و دستمال
۳۲۷	محرم و خواستگاری کردن در حال احرام
۳۹۸	محرم و خوردن روغن که بوی خوش ندارد
۳۴۰	محرم و خوردن سیب و به از میوه‌های خوشبو
صفحه ۲۳۳	محرم و خون بیرون آوردن از بدن خود یا دیگران
۴۵۲	محرم و خون بیرون آوردن در حال احتیاج و ضرورت
۴۱۲	محرم و دست روی سر گذاشتن
۳۲۸	محرم و رجوع کردن به زن در طلاق رجعی
۴۲۰	محرم و زیر پشه‌بند یا چادر رفتن

۴۲۱	محرم و زیر دوش رفتن
۴۳۸	محرم و زیر سایه رفتن در منا - عرفات
۴۸۸_۴۴۶_۴۴۵	محرم و زیر سقف رفتن در حال پیاده یا سواره
۴۴۴	محرم و زیر سقف رفتن در شب
۴۴۰_۴۳۹	محرم و زیر سقف رفتن در ماشین، هواپیما، کشتی یا محمول
۴۳۷	محرم و سایه قرار دادن بالای سر
۴۱۹	محرم و سر روی بالش گذاشتن برای خواب
۴۱۴_۴۱۳	محرم و سر زیر آب کردن
۳۶۲_۳۶۰_۳۵۹	محرم و سرمه کشیدن
۴۸۰	محرم و سلاح برداشتن
۴۸۸_۴۸۲	محرم و عبور از زیر پل ها و تونل ها و توقف ماشین در محل بنزین در زیر سقف
۴۹۸	محرم و عکس انداختن با دوربین
۳۶۵	محرم و عینک زدن
۳۷۲	محرم و فسوق - دشنام دادن - دروغ گفتن
صفحه ۲۱۴	محرم و کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند
۴۹۱	محرم و کشتن مارمولک
۴۷۹_۴۶۹	محرم و کندن درخت یا گیاه حرم
۴۶۸	محرم و کندن دندان
۴۰۳	محرم و کنده شدن مو در وقت وضو غسل
۳۴۱	محرم و گرفتن دماغ از بوی بد - فرار کردن از بوی بد
۵۰۴	محرم و موی مصنوعی
۴۶۷_۴۵۴	محرم و ناخن گرفتن از دست و پا و کفاره
۳۶۴	محرم و نگاه کردن در اجسام صیقل داده شده و در آب

۳۶۸-۳۶۳	محرم و نگاه کردن در آینه، مرد یا زن گرچه برای زینت نباشد
۱۱۸۰	محرمات احرام برای کسانی که اعمال حج را مقدم داشته‌اند، بعد از تقصیر حلال می‌شود
۱۱۷۹	محرمات احرام به تدریج در سه موقع حلال می‌شود
۱۳۸۶	محصور اگر بعد از فرستادن هدیه به مکه حالش خوب شد باید به مکه برود و اعمال را انجام دهد
۱۳۸۴	محصور اگر وکیلش در مکه قربانی نکرده، محل شد و با زن نزدیکی کرد باید دوباره هدیه یا پول را بفرستد
۱۳۸۳	محصور باید خودش یا نائب، طواف نساء را انجام دهد
۱۳۹۱	محصور به خاطر تصادف
۱۳۸۱	محصور در عمره بعد از احرام مریض شد و نتوانست به مکه رود
۱۳۹۳	محصور شدن بعد از احرام حج تمتع
۱۳۹۲	محصور شدن بعد از انجام عمره تمتع
۱۳۸۲	محصور، احرام حج بست به واسطه مرض نتوانست به عرفات و مشعر برود
۹۴۶	محل احرام حج
۱۳۸۸	محصور و جاری بودن حکم آن برای کسانی که مریض نیستند ولی به خاطر علت دیگر مثل شکستگی پا، نتوانند به مکه بروند
۱۳۸۹	مریض برای ذبح در حج باید روز دهم و در عمره قبل از خروج به عرفات با وکیل قرار بگذارد
۱۳۴	مریض شدن در اعمال و نائب گرفتن در بعض اعمال
۶۴	مریض شدن در مکه بعد از اعمال عمره تمتع
۹۵۵	مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات
۱۱۷۱	مستحبات حلق
۵۳۰-۵۲۹-۵۲۸	مستحبات دخول حرم - دخول مکه معظمه - دخول مسجدالحرام
۱۳۱۰	مستحبات دیگر مکه معظمه
۱۰۱۹	مستحبات رمی جمرات

۸۸۷	مستحبات سعی
۱۲۱۹	مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
۷۷۲	مستحبات طواف و آداب آن
۱۱۱۹	مستحبات قربانی
۱۳۰۹	مستحبات منا
۸۲۴	مستحبات نماز طواف
۹۷۷	مستحبات وقوف به عرفات
۹۹۵	مستحبات وقوف به مشعرالحرام
۶۰	مستطیع اگر در مدینه مریض شود
۴۵	مستطیع اگر فوت کند باید از ترکه او برایش حج بدهند
۷۰	مستطیع اگر فوت کند، کدام یک از فرزندان باید حج بیاورد
۵۲	مستطیع اگر نتواند با هواپیما سفر کند، فوت کند باید از ترکه او حج بدهند
۴۴	مستطیع نمی‌تواند حج استحبابی یا نیابی انجام دهد
۷۵	مستطیع نمی‌تواند مال خود را به دیگری ببخشد
۱۵۱-۱۴۶-۱۲۴	مستطیع نمی‌تواند نائب شود
۴۳	مستطیع، باید خودش حج به جا آورد، حج دیگری کافی نیست
۱۳۶۱	مشقت یا حرج، شخصی مراد است یا نوعی
۱۳۷۸	مصدود اگر از اعمال منی و اعمال مکه منع شود
۱۳۸۰	مصدود اگر امید یا گمان برطرف شدن مانع را داشته باشد
۱۳۷۶	مصدود اگر راه دیگر برای رفتن به مکه دارد، اگر حج فوت شود چه کند
۱۳۷۹	مصدود اگر مستطیع باشد سال بعد حج به جا آورد
۱۳۷۷	مصدود اگر خوف داشته باشد از راه دیگر برود به مکه، حج فوت شود نمی‌تواند عمل مصدود انجام دهد و با تحقق فوت می‌تواند با عمره مفرده از احرام خارج شود

۱۴۴۱	مصدود بعد از احرام دستگیر و زندانی شده و بعد از ایام تشریق آزاد می‌شود
۱۳۸۷	مصدود به دشمن بعد از هدی اگر راه برایش باز شد حکمش مانند مریض است
۱۳۷۴	مصدود به خاطر بدهکاری زندانی می‌شود
۱۳۷۸	مصدود محقق می‌شود به این که وقوفین اختیاری و اضطراری را درک نکند
۱۳۷۳-۱۳۷۲-۱۳۷۰	مصدود و محصور به چه کسی گفته می‌شود و احکام آن چیست
۱۳۷۵	مصدود و مطالبه وجه برای دخول مکه یا اجازه انجام اعمال
۱۳۹۴	مصدوم در مسجد شجره محرم می‌شود، وظیفه‌اش چیست
۱۶۲	معذور به چه کسی گفته می‌شود
۱۶۴-۱۳۵-۱۲۶-۱۲۵-۱۲۳	معذور نمی‌تواند نائب بشود
۱۳۹۷	معلولین، قطع نخاعی‌ها، بیماران شیمیایی یا بیماران اعصاب چگونه حج به جا آورند
۲۵-۳	مقدمات حج، واجب است
۳۰۳	مکروهات احرام
۱۱۴۰-۱۱۳۹	منا و واجبات - رمی جمره - قربانی، تقصیر یا حلق - عمل بر خلاف ترتیب
۲۲۳-۲۰۶	میقات با بینه شرعیه ثابت می‌شود یا حصول اطمینان یا رجوع به عرف محل
۲۲۸	میقات برای شاغلین در جده
۲۰۰	میقات عمره تمتع
۲۴۹	میقات کسانی که در مکه مقیم شده‌اند موقتاً نه دائماً
۲۰۷	میقات و محاذی آن

ن

۱۲۶-۱۲۳	نائب اگر از بعض اعمال حج معذور باشد
۱۲۰-۱۱۹	نائب اگر بعد از احرام و داخل شدن در حرم یا قبل از حرم بمیرد

۱۶۰-۱۵۹	نائب اگر بعد از قبول نیابت معذور شود
۱۲۴	نائب اگر خودش مستطیع باشد
۱۲۹۶-۱۲۸۹	نائب اگر در رمی جمرات معذور است نمی تواند در حج نائب شود
۱۳۰	نائب اگر در میقات غافل از نیابت باشد و محرم شود
۱۱۵	نائب اگر در یک سال از چند نفر نیابت حج واجب یا مستحب کند
۱۲۱۵	نائب اگر طواف نساء را انجام ندهد
۱۱۳	نائب اگر طواف نساء را صحیح انجام ندهد
۱۶۳	نائب اگر قرائت نمازش صحیح نباشد
۱۲۵	نائب اگر معذور باشد نمی تواند در بعض اعمال نائب دیگری بگیرد
۱۶۴	نائب اگر معذور باشد و منوب عنه در وقت نیابت بداند
۱۵۸	نائب اگر وظیفه اش عدول به حج افراد شود کافی نیست
۱۱۴	نائب اگر وقتش از حج تمتع ضیق شده
۱۶۱	نائب اگر وقوف اضطراری مشعرالحرام را درک کند وظیفه اش چیست
۱۴۹	نائب آیا لازم است سوال کند منوب عنه مقلد چه کسی است
۱۰۹	نائب باید به قصد منوب عنه عمل را انجام دهد
۱۵۰	نائب چند ماه قبل از حج از بلد منوب عنه نیت حج می کند
۱۳۹۹	نائب چه مقدار از مستحبات مدینه و مکه را انجام دهد
۱۴۰۰	نائب در بازگشت از حج باید به شهر منوب عنه برگردد
۱۰۷۹	نائب در حج می تواند در قربانی نائب بگیرد
۱۲۰۴	نائب در طواف نساء نیت ما فی الذمه یا نیت منوب عنه بکند
۱۴۰۱	نائب در مدینه اجیر شده است آیا می تواند از مواقیت دیگر محرم شود
۱۴۱	نائب در مسجد شجره محرم می شود، در مکه متوجه می شود خودش مستطیع بوده است
۱۳۲	نائب در مکه شک می کند نیت نیابت کرده یا نه

۱۳۶	نائب شدن برای پدر و مادر
۱۲۶	نائب شدن خدمه کاروان‌ها اگر نتوانند وقوف اختیاری مشعر را درک کنند
۱۳۸	نائب شدن زن و درک وقوف اضطراری مشعرالحرام
۱۳۴	نائب شدن کسی که عمره تمتع مستحبی انجام داده است
۷۱۵	نائب شدن محرم برای طواف دیگران قبل از انجام طواف خود
۱۶۱-۱۳۹	نائب شدن و درک وقوف اضطراری مشعرالحرام و همراه بیماران به منا رفتن
۱۴۸	نائب طبق فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند یا طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه
۱۵۲	نائب طواف عمره تمتع یا طواف حج را در غیر موسم حج انجام دهد
۱۴۲	نائب عمره تمتع را انجام می‌دهد آیا می‌تواند بقیه اعمال را نائب بگیرد
۱۱۹۹	نائب گرفتن برای اعمال مکه آنجا که خودش با تأخیر می‌تواند انجام دهد
۲۹۴	نائب گرفتن برای تلبیه کسی که لال است
۵۶۱	نائب گرفتن برای طواف اگر آب یا چیزی که تیمم کند موجود نباشد
۱۲۹	نائب گرفتن برای کسی که قبل از حلق در منا دستگیر و به ایران فرستاده شده
۶۱۰	نائب گرفتن به خاطر نقص طواف بعد از مراجعت به وطن
۵۳۷	نائب گرفتن در طواف به خاطر مرض
۷۴۹	نائب لازم نیست برای طواف - سعی لباس احرام داشته باشد و محرم باشد
۱۲۲	نائب می‌تواند برای خود طواف یا عمره مفرده انجام دهد
۱۵۷	نائب می‌تواند برای قربانی نائب و وکیل بگیرد
۱۵۷	نائب نمی‌تواند در طواف شخص دیگری را نائب بگیرد
۱۲۲	نائب و اجیر شدن او برای عمره مفرده - طواف - سعی برای دیگران
۱۲۱	نائب و انجام عمره مفرده برای خودش اگر حج واجب به جا نیاورده
۱۱۱	نائب و پول قربانی و لباس احرام و کفارات
۱۰۷	نائب و شرایط آن

۱۴۳	نائب و شرط ایمان در تمام اعمال حج
۱۱۷	نائب و عمل او و سقوط حج از معذور
۱۱۰	نائب و فارغ شدن ذمه منوب عنه
۱۱۲	نائب و قصد طواف نساء برای منوب عنه
۴۸۶	نذر احرام از جاهای دور و استظلال و کفاره دادن
۲۴۷	نذر احرام قبل از میقات برای نایب
۲۴۶	نذر زن بدون اذن شوهر
۱۴۵۱	نذورات حریمین شریفین
۱۳۳۶	نماز جماعت استداره‌ای در مسجدالحرام
۱۴۳۱	نماز جماعت اهل سنت و خواندن سوره سجده‌دار
۱۴۳۲	نماز جماعت اهل سنت و خواندن قنوت بعد از رکوع
۱۴۳۰	نماز جماعت در مسجدالحرام و عدم اتصال صفوف جماعت
۱۳۱۵	نماز جماعت در هتل و مسافرخانه در مکه و مدینه
۱۳۱۳	نماز جماعت و شرکت در جماعت اهل سنت
۱۴۳۳	نماز در اماکن تخییر و خواندن نافله ظهر و عصر
۱۳۳۹	نماز در صورتی که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد
۱۴۳۵	نماز در هواپیما و عدم اعاده آن
۱۳۴۴	نماز را به خیال اینکه ده روز در مکه می‌ماند تمام خوانده بعد کشف خلاف شد
۱۳۴۳	نماز صبح در لیالی مقمره در مکه
۸۱۴_۷۷۳	نماز طواف
۷۸۷	نماز طواف برای جاهل یا ناسی
۸۰۹	نماز طواف خواندن اگر احتمال دهد او را حرکت می‌دهند
۸۰۴_۷۹۸_۷۹۷_۷۸۰_۷۷۹	نماز طواف در پشت مقام ابراهیم <small>علیه السلام</small> در صورت شلوغی

۸۱۹	نماز طواف در پشت مقام، حد آن عرفی است
۷۹۰	نماز طواف در صورت مزاحمت با نماز یومیه
۸۱۶	نماز طواف در طبقه دوم یا زیرزمین پشت مقام ابراهیم <small>علیه السلام</small>
۸۲۰	نماز طواف را اگر تأخیر بیاندازد، فاصله بیافتد
۷۸۲	نماز طواف را اگر فراموش کرد
۷۷۴	نماز طواف را با هر سوره می‌تواند بخواند
۷۸۸	نماز طواف را باید صحیح بخواند
۷۹۴	نماز طواف را بدون وضو خوانده و اعمال بعد را انجام داده
۷۷۵	نماز طواف را بلند یا آهسته بخواند
۷۸۶	نماز طواف را به جا نیاورد و بمیرد، پسر بزرگ قضا کند
۸۱۷-۷۹۳	نماز طواف را در حجر اسماعیل خوانده است
۸۱۵	نماز طواف را در غیر مقام ابراهیم <small>علیه السلام</small> خوانده است
۷۸۴	نماز طواف را فراموش کند و سایر اعمال را انجام دهد
۷۸۵	نماز طواف را فراموش کند، برگشتن به مسجدالحرام مشکل باشد، هر جا می‌تواند بخواند
۷۸۳	نماز طواف را فراموش کند، در بین سعی یادش بیاید
۸۲۳	نماز طواف را نخوانده است
۸۰۸	نماز طواف زن و مرد کنار هم پشت مقام ابراهیم <small>علیه السلام</small>
۱۹۰	نماز طواف در عمره مفرده مستحبی کجا خوانده شود
۸۱۲	نماز طواف کسی غلط است و وقت تصحیح آن را ندارد آیا می‌تواند عمره مستحبی انجام دهد
۷۹۱	نماز طواف کسی که در یاد گرفتن مسامحه کرده
۸۲۲-۷۹۶-۷۸۹	نماز طواف کسی که نمازش غلط است
۷۹۲-۷۸۱	نماز طواف مستحبی در هر جای مسجدالحرام
۸۱۸-۸۰۰-۷۹۹	نماز طواف و اقتدا به دیگری

۷۷۸	نماز طواف و خواندن آن پشت مقام ابراهیم <small>عليه السلام</small>
۷۷۶	نماز طواف و شک و ظن در رکعات نماز
۷۷۷	نماز طواف و مبادرت به نماز بعد از طواف
۸۰۶	نماز طواف و محمول نجس غیر معفو
۸۲۴	نماز طواف و مستحبات آن
۱۳۴۱	نماز عشا و خواندن آن بعد از نماز جماعت مغرب در مکه و مدینه
۱۴۳۴_۱۳۵۹_۱۳۵۸	نماز قصر یا اتمام برای کسانی که در مکه قصد اقامت کرده‌اند - در عرفات - منا
۸۰۵	نماز کسی که او را حرکت داده‌اند در حال نماز
۸۰۳	نماز کسی که بعداً می‌فهمد غلط بوده است
۸۰۷	نماز مستحبی بین طواف و نماز طواف
۱۲۹۷	نیابت از چند نفر در رمی جمرات
۱۲۷	نیابت بلدی یا میقاتی برای شخص زنده
۱۵۴	نیابت حج از حضرت ولی عصر <small>عجل الله تعالی فرجه</small>
۱۵۳	نیابت در حج از شخص زنده
۱۰۱۵	نیابت در رمی جمرات از بچه‌ها و مریض‌ها
۱۰۴۱	نیابت در قربانی و چگونگی نیت آن
۹۹۲	نیابت کسی که برمی‌گردد و وقوف رکنی مشعرالحرام را درک می‌کند
۱۱۸	نیابت کسی که حج بر خود او مستقر و واجب شده
۸۰۱	نیابت کسی که نمازش غلط است
۸۰۲	نیابت کسی که نمازش غلط است، درحج نایب شده چگونه از احرام خارج شوند
۷۶۹	نیابت هر شوط در طواف مستحبی برای یک نفر
۲۵۷	نیت حج تمتع به جای عمره تمتع
۲۹۵	نیت حجة الاسلام با آنکه حج واجب خود را انجام داده است

۱۲۰۸	نیت طواف رجال به جای طواف نساء
۱۱۶	نیابت و وجوب آن برای کسی که حج بر او مستقر شده و مریض یا پیر شده

و

۲۵۱	واجبات احرام
۱۱۷۳-۱۱۷۲	واجبات بعد از اعمال منا و تأخیر آنها
۱۷۲	وجوب احرام برای ورود به مکه و نیت عمره یا حج برای احرام
۲	وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری است
۱۷۲	ورود به مکه باید به احرام حج یا عمره باشد
۱۵۵	وصی اگر قبلاً مستطیع نبوده می‌تواند اجیر شود
۵۴۷	وضو در طواف مستحبی شرط نیست
۱۹۸	وظیفه کسانی که مقیم در مکه می‌شوند
۹۹۴	وقوف اختیاری عرفات و مقداری از وقوف لیلی مشعر را درک کرده
۹۹۳	وقوف اختیاری مشعر را جهلاً ترک کرده
۹۹۱	وقوف اختیاری مشعرالحرام را ترک کند به استناد گفته دیگران
۹۶۹	وقوف اختیاری و اضطراری عرفات را درک نکند حج باطل است ولو مشعر را درک کند
۹۸۷	وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر و اقسام آن
۱۳۵	وقوف اضطراری برای کسانی که مراقبت از بیماران می‌کنند
۹۷۶_۹۷۰_۲_۹۶۸	وقوف اضطراری عرفات
۹۸۵_۹۸۲	وقوف اضطراری مشعرالحرام
۹۶۰_۹۵۹	وقوف به عرفات از زوال روز نهم تا غروب شرعی - تأخیر جایز نیست
۹۵۷	وقوف به عرفات، سواره، پیاده، نشسته یا خوابیده

۹۵۸	وقوف به عرفات کسی که تمام وقت خواب یا بی‌هوش باشد
۹۷۱	وقوف به عرفات و حدود آن
۹۷۲	وقوف به عرفات و کراهت صعود به جبل‌الرحمة
۹۷۷	وقوف به عرفات و مستحبات آن
۹۵۶	وقوف به عرفات واجب است با قصد قربت باشد
۹۸۰	وقوف به مشعر از طلوع فجر تا طلوع آفتاب
۹۷۹-۹۷۸	وقوف به مشعر بعد از عرفات، در شب دهم
۹۸۶	وقوف به مشعر سه وقت است
۹۸۱	وقوف به مشعر و حرکت قبل از طلوع آفتاب
۹۹۵	وقوف به مشعر و مستحبات آن
۹۹۰	وقوف در جایی که معلوم شد مشعرالحرام نبوده است
۹۶۲-۹۶۱	وقوف رکنی در عرفات
۹۶۳	وقوف رکنی در عرفات و ترک عمدی آن حج را باطل می‌کند
۱۳۶۰	وقوف عرفات اگر دو روز اختلاف در آن باشد
۹۸۳	وقوف مشعرالحرام در شب دهم برای معذورین - زن - بچه - بیماران
۱۵۶	وکیل در ذبح نیت نائب را بکند یا منوب عنه
۹	ولی طفل کیست